

فهرست

٥	مقدمه
١٩	الفاتحة
١٩	البقرة
٨٤	آل عمران
١٢١	النساء
١٦١	المائدة
١٩١	الأنعام
٢٢٦	الأعراف
٢٦٢	الأنفال
٢٧٨	التوبة
٣٠٤	يونس
٣٢٣	هود
٣٤٤	يوسف
٣٦٥	الرعد
٣٧٤	إبراهيم
٣٨٣	الحجر
٣٩١	التحل
٤١١	الإسراء
٤٢٩	الكهف
٤٤٧	مريم
٤٥٩	طه
٤٧٦	الأنبياء
٤٩٠	الحج
٥٠٥	المؤمنون
٥١٨	النور
٥٣١	الفرقان
٥٤٢	الشعراء
٥٥٩	النمل
٥٨٧	العنكبوت
٥٩٨	الروم

٦٠٧	لَقْمَانَ
٦١٣	السَّجْدَةَ
٦١٧	الأَحْزَابَ
٦٣٠	سَبَأًا
٦٣٩	فَاطِرٍ
٦٤٧	يَسَٰ
٦٥٦	الصَّافَاتِ
٦٦٧	ص
٦٧٦	الزُّمَرِ
٦٨٨	غَافِرٍ
٧٠٠	فُصِّلَتْ
٧٠٩	الشُّورَى
٧١٨	الزُّخْرُفِ
٧٢٨	الدَّخَانَ
٧٣٣	الجَاثِيَةَ
٧٣٨	الأَحْقَافِ
٧٤٤	مَحَمَّدٍ
٧٥٠	الْفَتْحِ
٧٥٦	الحُجُرَاتِ
٧٦٠	ق
٧٦٥	الدَّارِيَاتِ
٧٧٠	الطُّورِ
٧٧٥	النَّجْمِ
٧٨٠	القَمَرِ
٧٨٥	الرَّحْمَنِ
٧٩٠	الوَاقِعَةِ
٧٩٦	الحَدِيدِ
٨٠٢	المَجَادِلَةِ
٨٠٧	الحَشْرِ
٨١٢	المُمتَحِنَةِ
٨١٦	الصِّفِّ
٨١٩	الجُمُعَةِ
٨٢١	الْمَنَافِقُونَ

٨٢٣	التَّغَابُنُ
٨٢٦	الطَّلَاقُ
٨٢٩	التَّحْرِيمُ
٨٣٢	المُلْكُ
٨٣٦	القَلَمُ
٨٤٠	الحَاقَّةُ
٨٤٤	المَعَارِجُ
٨٤٧	نُوحٌ
٨٤٩	الجَنُّ
٨٥٢	المَزْمَلُ
٨٥٥	المَدَّثَرُ
٨٥٨	الْقِيَامَةُ
٨٦٠	الإِنْسَانُ
٨٦٣	المُرْسَلَاتُ
٨٦٥	النَّبِيَّاتُ
٨٦٨	النَّازِعَاتُ
٨٧١	عَبَسَ
٨٧٣	التَّكْوِيرُ
٨٧٤	الانْفِطَارُ
٨٧٦	المَطْفِقِينَ
٨٧٨	الانْشِقَاقُ
٨٧٩	الْبُرُوجُ
٨٨١	الطَّارِقُ
٨٨٢	الأَعْلَى
٨٨٣	العَاشِيَةَ
٨٨٤	الفَجْرُ
٨٨٦	البَلَدُ
٨٨٨	الشَّمْسُ
٨٨٩	اللَّيْلُ
٨٩٠	الضُّحَى
٨٩١	الشَّرْحُ
٨٩٢	التِّينُ
٨٩٢	العَلَقُ

۸۹۳	القَدْر
۸۹۴	البَيِّنَة
۸۹۵	الزَّلْزَلَة
۸۹۶	العَادِيَات
۸۹۶	القَارِعَة
۸۹۷	التَّكْوِيْن
۸۹۸	العَصْر
۸۹۸	الهَمْزَة
۸۹۹	الفِيل
۸۹۹	قُرَيْش
۹۰۰	المَاعُون
۹۰۰	الكوثر
۹۰۱	الكَافِرُون
۹۰۱	النَّصْر
۹۰۲	المَسَد
۹۰۲	الإِخْلَاص
۹۰۳	الْفَلَق
۹۰۳	النَّاس

بهبودی محمدباقر، ۱۳۰۷-
معانی القرآن: ترجمه و تفسیر قرآن اثر محمدباقر بهبودی -
تهران: نشر سرا، ۱۳۷۹.
هشت، [۶۱۵] ص.

ISBN -964-5813-02-6

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
عنوان دیگر: معانی القرآن: ترجمه و تفسیر قرآن مجید.
این کتاب در سال‌های مختلف توسط ناشرین مختلف منتشر شده
است.

چاپ سوم.
۱- تفاسیر شیعه - - قرن ۱۴. الف. عنوان. ب - عنوان: ترجمه و
تفسیر قرآن مجید.

۲۹۷ / ۱۷۹

BP ۹۸ / ب ۹ م ۶

۱۳۷۹

۲۲۴۴۴ - ۷۹ م

کتابخانه ملی ایران

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على محمد و آله الطاهرين

اما بعد. آیا ترجمه‌ی قرآن به صورت ترجمه‌ی تفسیری می‌تواند از عمق معارف قرآنی پرده بردارد؟ و آیا استناد به لفظ آیات و تکیه بر ادبیات آن کفایت می‌کند و می‌تواند از موقعیت علمی برخوردار باشد؟ باید گفت که اگر ترجمه‌ی قرآن بعد از شناخت ادبیات دقیق و کامل صورت بگیرد و سبک و اسلوب ویژه‌ی قرآن در ارائه‌ی معارف، از مبدأ گرفته تا معاد، معیار استنباط و راهنمای ترجمه باشد؛ در آن صورت قرآن نیاز به تفسیر جداگانه ندارد. بلکه باید گفت که تفسیر قرآن جز این مبنائی ندارد؛ زیرا مجموعه‌ی معارف قرآنی باید مستند به متن قرآن باشد، نه افکار فلسفی و مکتب‌های کلامی و نه اقوال صحابه و یا برداشت تابعین.

مثلاً قرآن مجید در دومین آیه از سوره‌ی نساء می‌فرماید: «و اتوا الیتامی اموالهم. ولا تبدلوا الخبیث بالطیب و لاتأکلوا اموالهم إلی اموالکم إنه کان حوباً کبیراً». در صدر این آیه واو عطف نشسته است. این واو، فرمان آیه را بر جمله‌ی «اتقوا الله الذی تساءلون به و الارحام» عطف کرده است و این جمله «واتقوا الله ...» نیز بر جمله‌ی «یا ایها الناس اتقوا ربکم ...» معطوف است که مسائل توالد و تناسل را به منظور شناخت رحم و حق رحم، زمینه‌ی احکام صله‌ی رحم قرار داده است. صدر این آیه صریحاً فرمان می‌دهد که مال یتیم را باید به خود آنان تأدیه نمایید. سپس با واو عاطفه از دو نوع هم‌زیستی و هم‌خرج شدن با ایتام نهی می‌کند. این نهی گواهی می‌دهد که شیوه‌ی کفالت ایتام همواره

با مخالفت و همزیستی و هم‌خرج شدن با ایتم توأم بوده است؛ از این رو، از این شیوه‌ی متداول و سنت جاری نهی شده است. به این معنی که خرمای مرغوب ایتم را با خرمای نامرغوب خودتان در یک ظرف سرسفره نیاورید. نان مرغوب آنان را که حاصل مزرعه‌ی ایتم است، با نان نامرغوب خودتان، یکجا بر سفره‌ی نهار و شام نگذارید که قهراً نان و خرمای مرغوب ایتم خوراک دیگران نیز خواهد شد.

قرآن مجید در آیه‌ی بعدی نوع دیگری از اختلاط و همزیستی با ایتم را که عبارت از ازدواج با ایتم باشد، مطرح می‌کند، ولی از ازدواج با آنان با آن که متداول بوده، نهی نمی‌کند. فقط برای احراز تقوا به این صورت شرط می‌گذارد و می‌گوید: «و إن خفتم أن لاتتسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء منی و ثلاث و رباع. و إن خفتم أن لاتعدلوا فواحدة أو ماملکت ایمانکم. ذلک أدنی أن لاتعولوا». این آیه نیز به او عطف مصدر شده و چون سخن از ازدواج با ایتم به میان آورده است، معلوم می‌شود که بر دو آیه‌ی قبلی عطف نخواهد بود؛ زیرا در دو آیه‌ی قبلی از ازدواج با ایتم و ازدواج با سایر بانوان طیب و طاهر سخنی در میان نیست. از این رو باید درصدد شناخت و پرداخت معطوف علیه آن بود که قهراً با دو آیه‌ی قبلی در زمینه‌ی بحث ایتم و رحم ارتباط دارد. باتوجه به صدر و ذیل آیه، آن جمله‌ی مقدر که باید معطوف علیه باشد، به این صورت قابل ارائه است: «و لاجنح علیکم أن تنکحوا الیتامی منکم لتکونوا قوأمین بالقسط شهداء لله علی أنفسکم و إن خفتم أن لاتتسطوا فی الیتامی ..» یعنی درست است که شما حق دارید با ایتم تحت کفالت خود ازدواج کنید و کابین ازدواج آنان را مانند میراث و هرگونه اموال دیگری که در تملک دارند، حیات‌کنید و در اختیار خود نگه دارید، حتی می‌توانید ایتم تحت کفالت خود را با پسرانتان تزویج کنید یا دختران خود را با پسران تحت کفالت خود تزویج کنید؛ و در هر صورت کابین عروس را به طور مشخص متعهد شوید و نزد خود حفاظت نمایید و یا این که در بازار تجارت به کار بیندازید تا سودی عاید کند. در نتیجه‌ی ازدواج و تزویج، حق کفالت، جای خود را به حق موالات و هم‌بستگی می‌دهد: دوگانگی و احساس یتیمی مرتفع می‌شود و کانون گرم خانواده با فداکاری، صفا و گذشت رونق می‌گیرد. سرانجام با هم‌خرج شدن نه اشکال شرعی به‌وجود می‌آید و نه پای ملامت توسط جامعه به‌میان می‌آید. حتی کفیل یتیم می‌تواند، ایتم تحت کفالت خود را که اینک صاحب همسر شده‌اند، در خدمت‌رسانی به مزرعه و نخلستان و خدمات منزل شرکت دهد.

قرآن مجید مسأله‌ی ازدواج با ایتمام را تأیید می‌کند ولی بر آن جملات مقدر یک تبصره می‌زند و می‌گوید: و شما کفیلان ایتمام، اگر به تشخیص خود خائف باشید که با این همه صفا، یگانگی و پهن کردن بساط عروسی و دامادی، باز هم حق ایتمام ضایع شود، باید از تزویج ایتمام و ازدواج با آنان صرف نظر کنید و اگر در اداره‌ی داخلی منزل و حمایت از شوون خارجی منزل نیاز مبرمی به داشتن چند همسر فداکار و باگذشت دارید، با بانوان جالفتاده و کارکشته ازدواج کنید و مدیریت خدمات خانه و کاشانه را به آنان بسپارید، نه ایتمام.

چنان که ملاحظه شد، با وارسی و زیر و رو کردن آیات و تدبر در معانی و مفاهیم آن، تمام آیات سه‌گانه‌ی نخست سوره، واضح است؛ به‌ویژه پس از نزول آیه‌ی ۱۲۷ همین سوره نساء که می‌گوید: «و یستفتونک فی النساء قل الله یفتیکم فیهنّ و ما یتلی علیکم فی الکتاب فی یتامی النساء اللّاتی لا یتوّنهنّ ما کتب لهنّ و ترغبون أن تنکحوهنّ و المستضعفین من الولدان و أن تقوموا للیتامی بالقسط..». با نزول این آیه صحت تمام آن نکاتی که با کمک واو عاطفه و جستجوی معطوف‌علیه آن استنباط شد، به‌عنوان معیار فتوای درست، تثبیت می‌شود.^۱ برخی گفته‌اند: آیه‌ی دوم این سوره با آیه‌ی سوم آن صددرصد بی‌ارتباط است؛ زیرا یک سوم قرآن در این میان اسقاط شده است. البته یک سوم قرآن در حدود دوهزار و دوپست آیه می‌شود، آیا چنین تصور شده است که سوره‌ی نساء در حدود دوهزار و چهارصد آیه بوده یا چند سوره‌ی قرآن از این میان حذف شده است؟

نمونه‌ی دیگر که نیازمند بحث نسبتاً طولانی است، آیات سوره‌ی تحریم است که می‌فرماید: «یا ایها النّبی لم تحرّم ما أحلّ الله لک تبغی مرضات أزواجک. والله غفور رحیم. قد فرض الله لکم تحلّة ایمانکم و الله مولاکم و هو العلیم الحکیم.»

آیه‌ی نخست، با خطاب ملاطفت‌آمیزی که دارد، به رسول خدا می‌گوید: چرا باید به‌خاطر دل‌جویی از همسرانت قسم بخوری که دیگر با ماریه‌ی قبطی، کنیز مصری خود غسل نخوری؛ و به آن همسرت که آگاه شد و تعرض کرد، سفارش کنی که دیگران را از این جریان مطلع نکند. در آیه‌ی دوم خطاب به عموم مسلمانان می‌گوید: هر جا سوگندهای شما برخلاف مصلحت‌بینی الهی باشد، خداوند عزّت و اگشودن آن سوگند را بر شما حلال و روا اعلام کرده است. خداوند مولا و سرپرست شما است. او شما را به راه درست و سالم

^۱. رک. شرح آیه‌ی صدو بیست و هفت سوره‌ی نساء بهبودی، تدبری در قرآن، ج ۱، ص ۳۷۲-۳۷۵.

هدایت می‌کند؛ زیرا خداوند عزت کاردان است. البته تذکار این حکم به رسول خدا نیز نظر دارد. از این رو رسول خدا نیز ماریه را به خود فراخواند و برای این که او را از فتنه‌ها دور کند، وی را به عالیه فرستاد.^۲

آیه‌ی سوم تا پنجم سوره‌ی تحریم که خطاب آن نیز به عموم مردم است، می‌گوید: «وَ إِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَ بِهِ وَ أظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَأَنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ. إِنَّ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَ إِنَّ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ. عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مَسْلَمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَ أَبْكَارًا».

همان طور که ملاحظه می‌شود در صدر این آیه واو عطف آمده است. درحالی که معطوف‌علیه آن ظاهر نیست. هم‌چنین در صدر جمله‌ی معطوف، کلمه‌ی "إِذ" قرار گرفته است. این مطلب نشان می‌دهد که جریان، مشاجره و افشای راز، در زمانی پیش از نزول آیه، قبل از طرح مشکلات آن اتفاق افتاده است. این نکته اقتضا می‌کند که جمله‌ی معطوف‌علیه آن نیز با مضمونی که داشته است، مربوط به زمان گذشته باشد. با جریانی مشابه از حیث ستیزه‌جویی همسران رسول خدا و مماشات آن سرور با آنان، سخن به میان آمده است تا غائله‌ی برخاسته هرچه زودتر فروبخواهد. نظیر این ستیزه‌جویی‌ها با همه‌ی پی‌آمدهای ناخجسته‌ی آن تنها در سوره‌ی احزاب، آیات ۲۸-۳۰ مشهود است. قرآن کریم

^۲ عالیه یا عوالی در حدود یک فرسخ با مدینه فاصله دارد. در آن جا نخلستان کوچکی با یک غرفه‌ی خواب بود. رسول خدا ماریه را در آن جا سکنی داد و با او در همان نخلستان و غرفه دیدار می‌کرد. ماریه آبستن شد و در ذی‌الحجّة سال هشتم هجرت، فرزندش ابراهیم را به دنیا آورد. رسول خدا به او دستور داد که پس از این باید مانند سایر همسران رسمی و آزاد آن سرور، با روسری و مقنعه سر خود را بپوشاند و جز از پشت پرده‌ی آویخته با اجنبی سخن نکند. این نخلستان کوچک اینک به نام مشربه‌ی ام‌ابراهیم شهرت دارد. فرزند ماریه، ابراهیم، پس از هجده ماه از دنیا رفت. روز وفات او (دهم ربیع الاول) خورشید گرفتگی کامل رخ داد؛ و لذا مردم گفتند خورشید به‌خاطر مرگ پسر رسول خدا سیاه‌پوش شد. رسول خدا نماز آیات خواند و بعد از نماز، طی یک خطابه فرمود خورشید و ماه، دو آیت از آیات خدا هستند. نه به‌خاطر ولادت کسی رخشان می‌شوند و نه به‌خاطر مرگ کسی تاریک و سیاه‌پوش. رسول خدا در مرگ پسرش بی‌تابی نکرد ولی چند صباحی چشمان او پراشک بود. این مسأله سبب‌ساز فتنه‌ی دیگری شد. یکی از همسران رسول خدا شعله‌ی این فتنه را برافروخت و به رسول خدا گفت: چرا بی‌جهت گریانی. این کودک فرزند تو نبود. فرزند جریج بود... رک. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، کتاب زی و تجمل، ص ۱۰۳-۱۱۰، چاپ اسلامی.

با عبارت «إِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ» مسلمانان را به مراجعه آیات سوره‌ی احزاب و سوره‌ی تحریم مکلف می‌کند.^۳

آیات سوره‌ی احزاب اشاره دارد به این که همسران رسول خدا از زندگی زاهدانه و بی‌زرق و برق خود شکایت کردند؛ شکایتی با خشونت که سبب رنجش شدید رسول خدا شد. به گونه‌ای که رسول خدا یک ماه با آنان متارکه کرد و به هیچ وجه، نه روز و نه شب، به سراغ هیچ یک نرفت. عصرها راهی عالیه می‌شد و شب‌ها را در مشربیه‌ی ام‌ابراهیم به سر می‌برد. خداوند با نزول آیات مزبور، رسول خود را مکلف کرد تا آنان را به مسجد فراخواند و تکلیف خود را با آنان روشن کند. سرانجام آشتی صورت گرفت و شرایط آشتی طی چند آیه‌ی قرآن، به همگان ابلاغ و حدود آن نیز مشخص شد. نکته‌ی مهم این است که اگر آیه‌ی سوم سوره‌ی تحریم با حرف عطفی که دارد، به ماجرای سوره‌ی احزاب اشاره‌ای ندارد و کسی رسول خدا را با سخنان شکوه‌آمیز، بلکه تحریک‌آمیز خود نرنجانده باشد، چرا باید رسول خدا سرّی از اسرار الهی را با ناسازترین همسران خود در میان نهد و به صراحت به آن دو نفر بگوید اما من می‌بینم که پدرانتان پس از من به دولت می‌رسند و عیش و نوش شما و موقعیت مردمی شما روزبه‌روز فزون‌تر می‌شود. اگر ماجرا این چنین نبوده است، چه چیزی سبب می‌شود که رسول خدا اسرار پشت پرده را با آنان در میان بگذارد و آرزوی «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» را زنده کند. دست آخر قطعی است که آنان سرّ رسول را برای پدرانشان فاش کردند و چه بسا برای فخر فروشی بر دیگر همسران رسول خدا، سرّ خدایی را بر آنان نیز فاش کرده باشند. از این رو آیه‌ی چهارم آن دو را ملعون و دوزخی اعلام می‌کند و آیه‌ی پنجم همه‌ی همسران رسول را تهدید به طلاق می‌کند و ایمان، اسلام، توبه، طاعات و عبادات آنان را فاقد اخلاص، صفا و بندگی می‌شمارد. چنان که در ماجرای سوره‌ی احزاب نیز به عدم اخلاص و قنوت و یکدله نبودن با خدا و رسول او متهم شده‌اند. لازم است متذکر شویم که غموض و اشکال‌های این دو آیه، به انضمام حساسیت فرقه‌ای ایجاب کرد که شرح و بسط بیشتری داده شود تا لزوم بازیابی جمله‌های مقدر به اثبات برسد. البته در سایر آیه‌هایی که واو عاطفه بدون معطوف علیه دیده می‌شود، بازیابی جمله‌های مقدر نیازمند اقامه‌ی دلیل دیگری نخواهد بود. کافی است که می‌بینیم ارتباط آیات و سلامت سبک و سیاق بدون جمله‌های تقدیری حاصل نمی‌شود.

^۳ رک. بهبودی، معانی القرآن، ذیل احزاب، ۲۸-۳۵؛ نیز همو، تدبری در قرآن، ج ۲، ذیل آیات نامبرده.

با این توضیح بی‌اعتباری این کلام نیز ثابت می‌شود که می‌گویند در این گونه موارد که واو عاطفه معطوف‌علیه ندارد، واو را باید مستأنفه بشناسیم و چیزی بر ترجمه نیفزاییم. ولی غفلت کرده‌اند که واو عاطفه جزء ادات و هر اداتی وسیله‌ای برای افاده‌ی یک معنای خاص و نکته‌ای ادبی است. جمله‌ی استینافیه به خودی خود استینافیه است و نیازمند به ادات نیست. به‌ویژه اداتی که مانند واو، نصّ در افاده‌ی معیت است و باعث ابهام و ضلالت می‌شود. ادبا و اهل لغت نیز آن جا که پیرامون این مسائل به تحقیق پرداخته‌اند، نامی از واو استینافیه به‌میان نیاورده‌اند. ابن‌منظور در *لسان‌العرب* متعرض حروف اصلی آن شده است.^۴ او به نقل از ادبای صدر اول در حدود سیصد سطر به بحث و ریشه‌یابی می‌پردازد ولی از واو استینافیه سخنی نگفته است.

در ساخته‌های ادبی نیز از نثر و شعر مشهود نیست که واو در صدر جمله نشسته باشد، ولی سیاق آیات قرآنی نه‌تنها واو عاطفه بلکه سایر ادوات عاطفه، هم‌چون أم، بل، أو و لکن فراوان در صدر جمله قرار گرفته‌اند که باید بر جمله‌ای متناسب معطوف شده باشند، ولی معطوف‌علیه آن بارز نیست و باید از جملات قبلی یا سیاق و محور کلام، معطوف‌علیه آن استنباط و استخراج شود و در جای مقرر آن قرار بگیرد. مثلاً قرآن مجید در آیه‌ی ۶۳ سوره‌ی انبیا می‌گوید: «قَالُوا أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ. قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا». در این آیه مفهوم بل (= نه، بلکه) کاملاً روشن است؛ زیرا معطوف‌علیه بل، بارز و مذکور است. ولی در سوره‌ی ص آیه‌ی ۱ و ۲ می‌گوید: «ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ. بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَ شِقَاقٍ». به همین ترتیب در سوره‌ی ق آیه‌ی ۱ و ۲ می‌گوید: «ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ. بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ»، معطوف‌علیه و جواب قسم بارز نیست و باید از همان جمله‌ی قسمیه استخراج و بازیابی شود. در این زمینه به آیات زیر توجه کنید: «قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ... قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ يُجِيرُ وَ لَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ. بَلِ آتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»، طی این آیات مشرکان اعتراف می‌کنند که کره‌ی زمین و آنچه در کره‌ی زمین است، ملک خداوند و در دست او است. پرورش آسمان‌ها و پرورش خورشید بزرگ در دست خدا است. ملکوت هر پدیده‌ای دست خدا است. او است که پناه می‌دهد و کسی قدرت ندارد که برخلاف اراده‌ی خدا دشمنان خدا را پناه دهد. سپس خداوند به رسول خود فرمان می‌هد

^۴ ذیل ماده (و.ی.و).

^۵ مؤمنون، ۸۴-۸۶.

که به آنان بگوید: «فأنتی تسحرون» یعنی پس با سحر و فسون شما را به کجا می‌برند. فرمان می‌دهد که در جواب آنان بگوید: «بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» یعنی نه چنین است، بلکه ما حقیقت را به آنان هدیه کردیم و بی‌شک آنان دروغ می‌گویند و یاوه می‌سرایند.

قرآن در این جا با آوردن "بل" (= نه چنین است)، اعتراف‌های مشرکان را تخطئه نمی‌کند، بلکه مقال بعدی آنان را تخطئه می‌کند که اینک به‌عنوان معطوف‌علیه، "بل" در تقدیر است. مقال بعدی آنان که مورد اضراب قرار گرفته، چنین بوده است: "می‌گویند: این شماست که جوانان ما را با سحر قرآن مفتون و از ملیت خود جدا کرده‌اید" و قرآن می‌گوید: نه چنین است. ما حق و حقیقت را به آنان هدیه کردیم. مشرکان می‌دانند که قرآن سحر و جادو نیست، ولی به دروغ و فریب می‌گویند که قرآن سحر است.

اگر قرار باشد که بر همه‌ی مواردی که معطوف‌علیه بل، لکن، أم و واو عاطفه در تقدیر است، شرحی نوشته شود؛ رقم صفحه‌های توضیحی از رقم صفحه‌های قرآن فزون می‌شود. در این زمینه، می‌توان با مراجعه به معانی القرآن و تدبیری در قرآن جمله‌های تقدیری را مشاهده کرد.

در پایان سخن، اشاره به این نکته به‌جاست که باتوجه به نصّ آیه‌ی «کتاب أنزلناه إليك مبارک لیدبروا آیاته و لیتذکر اولوا الالباب»، صاحب قرآن انتظار دارد که همگان در آیات قرآن تدبر کنند، ولی انتظار ندارد که همگان به مفاهیم قرآن دست یابند. مگر آن که صاحب مغز و خرد باشند. پس اگر کسی قرآن را برآورد کند و مطالعه و تدبر را وجهه‌ی همت خود قرار دهد، ولی از مغز و خرد کافی برخوردار نباشد و یا درصدد نباشد که از خرد خود بهره‌مند شود و حق کلمه‌ها و ادات ادبی را بشناسد و دقیقاً رعایت کند و خلاصه آن‌چه را باید جستجو کند، جستجو نکند و جمله‌های مقدر قرآن را بازیابی نکند، آیا حق ترجمه و تفسیر قرآن را دارد؟

والسلام علی من اتبع الهدی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام علی رسوله محمد و آله الطاهرين

قرآن مجید، به اتفاق مسلمین، معجزه خاتم النبیین است؛ یعنی از حیث فصاحت و بلاغت چنان در حدّ اعلا است که دسترسی به آن برای کسی ممکن نیست. فصاحت یعنی از نظر انتخاب کلمات و ترکیب جملات شیوا و روان است. بلاغت یعنی از نظر معنی و مفهوم، روشن و واضح و رسای به مقصود است بی آن که مفاهیم آن گره خورده باشد و یا ترکیب جمله‌ها دریافت معنی را مختل ساخته باشد. ولی با مراجعه به تفسیرها و ترجمه‌ها می‌بینیم که برخی آیات قرآن از نظر معنا و مفهوم آن روشن نیست و دانشمندان اسلامی در فهم آنها به اختلاف و پراکندگی سخن گفته‌اند. پذیرفتن این پراکندگی و درج اختلافات - بی آنکه به حل آنها موفق شده باشند - به منزله آن است که در بلاغت قرآن تردید کرده باشند در حالی که بلاغت قرآن قابل تردید نخواهد بود و این اختلاف و پراکنده‌گویی از کمی تدبر و تحقیق صحابه و تابعین صدر اول ناشی شده است که دیگران را هم به دنبال خود کشانده‌اند نه آن که نقصی در جمله‌بندی و القاء معانی وجود داشته باشد.

این اختلالات علل مختلفی دارد و از جمله، گاهی نقص تحصیلات و بی‌اطلاعی از فرهنگ عرب است و گاهی بی‌اطلاعی از تاریخ اسلام، شناخت واقعیت‌ها را دچار ابهام و تردید کرده است. در مورد نقص تحصیلات و عدم تسلط به مبانی فرهنگی نمونه‌های فراوانی وجود دارد که در این مقدمه کوتاه چند نمونه آن را یاد می‌کنیم: از جمله دیده می‌شود که گاهی ریشه اصیل لغت را به دست فراموشی سپرده‌اند و جمله را بر طبق عرف فارسی معنی کرده‌اند. مثلاً در آیه ۱۰۷ از سوره مائده «فَإِنْ عَثَرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَأَخْرَأَنِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأُولِيَّانِ» همگان کلمه «اسْتَحَقَّ» را فارسی معنی کرده‌اند و در ترجمه آن گفته‌اند: «مستوجب گناه شود» در حالی که ریشه اصلی آن چنین نیست بلکه «اسْتَحَقَّ» مانند «اسْتَنَوَقَ الْجَمَلُ» برای معدود شدن و قلمداد کردن به باب استفعال رفته است و اسْتَحَقَّ یعنی حرف خود را حق شمرد چنان که می‌گوئیم: «استکبر» یعنی مقام خود را والا و بزرگ شمرد. پس ترجمه آیه چنین خواهد بود: «و اگر مدرکی ظاهر شد که آن دو تن به هنگام شهادت، دروغی را که خود جعل و تزویر کرده‌اند برای شما راست و حقیقت قلمداد کرده‌اند، دو تن دیگر برخیزند و در جایگاه شهود قرار گیرند» چنانکه ملاحظه می‌شود این عبارت کاملاً رسا و روشن است و بدون ابهام یک فریضه دینی را اعلام می‌کند. اما اگر به تفاسیر شیعه و سنی مراجعه شود می‌بینید که بیش از چند صفحه بزرگ را پیرامون این آیه سیاه کرده‌اند تا مفهوم آیه را روشن سازند و آخر هم بعد از نقل اقوال نمی‌توانند مفهوم روشنی به دست بدهند. و از همین قبیل است آیه ۱۴ از

سوره رعد که می‌گوید: «إِلَّا كِبَاسِطٍ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ» که بسط کفین را فارسی معنی کرده‌اند و همگان در ترجمه آن چنین نوشته‌اند: «مانند آن کس که دست خود را به سوی آب بگشاید (بر لب چاهی) تا دستش به آب برسد و دستش به آب نرسد» ولی ترجمه درست آن این است: «مانند آن کسی که کف دست را چون طبق باز کرده زیر آب فرو می‌برد تا آب را بر گیرد و به دهان برساند ولی آب از کف او می‌ریزد و به دهانش نمی‌رسد» سایرین در ارجاع ضمائر نیز دچار توهم شده‌اند و ضمیر «هو» را به «کف» برگردانده‌اند در حالی که کف مؤنث است.

مفسرین گاهی در تشخیص مصادر دچار اشتباه و خطا می‌شوند مثلاً در کلمه رأی، فعل ماضی؛ یری، فعل مضارع و سایر تصریفات آن، توجه نکرده‌اند که گاهی از باب رؤیت با چشم است و گاهی از باب رؤیا است و گاهی از باب رؤیت در فکر و نظر، و لذا اغلب در فهم و ارائه مراد آنها به اختلاف و پراکنده‌گویی دچار شده‌اند. موارد فراوانی است که رؤیت از باب رؤیا است و از دید مفسرین نهان مانده است مانند آیه ۷۵ سوره انعام که می‌گوید: «وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» که این رؤیت در عالم رؤیا صورت گرفته است نه در عالم بیداری و با آن که مفسرین در توجیه این آیه افسانه‌سرائی کرده‌اند آخر هم نتوانسته‌اند صورت درستی از فطرت ابراهیم را در توحید و برائت از شرك ارائه دهند. موارد فراوانی هم وجود دارد که رؤیت از باب رؤیت علمی و نظری است و به آن توجه کافی نکرده‌اند و به ناچار در صدد توجیه آن برآمده‌اند مانند آیه ۱۹ از سوره عنکبوت که می‌گوید: «أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ» و مانند آیه ۳۰ از سوره انبیا که می‌گوید: «أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا» و از همین قبیل است: «أرأيت، أرأيتم» که از باب رؤیت چشمی نیست بلکه از رؤیت علمی و نظری است این کلمه به صورت يك اصطلاح عرفی درآمده است که می‌گویند: أرأيت، یعنی آیا در این مسئله‌ای که می‌پرسم رأی و نظر داری؟ صاحب نظر هستی که فتوا بدهی؟ به عمق مطلب رسیده‌ای که پاسخ بدهی؟ و لذا است که اغلب بر سر جمله شرطیه و جمله استفهامیه داخل می‌شود مانند آیه ۴۶ از سوره انعام که می‌گوید: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَ أَبْصَارَكُمْ وَ خَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ» و مانند آیه ۲۰۵ از سوره شعرا که می‌گوید: «أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ» و مانند آیه ۱۱ از سوره علق که می‌گوید: «أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى» و با آیه ۹ از همین سوره که می‌گوید: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى» کاملاً متفاوت است. در این گونه موارد گاهی کاف خطاب هم به آن اضافه می‌شود، مانند آیه ۶۲ از سوره أسری که می‌گوید:

«أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ» و مانند آیه ۴۰ از سوره انعام که می‌گوید: «قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ» که در تمام این موارد رؤیت را رؤیت چشمی معنی کرده‌اند و حتی برخی از مفسرین نیز دچار همین توهم شده‌اند.

و از جمله مواردی که مفسرین به قواعد ادبی توجه نکرده‌اند حذف و ایصال است. حذف و ایصال صورت‌های مختلفی دارد و از جمله در قرینه‌بندی‌های قرآن است که میان دو جمله تقابل برقرار می‌شود و قسمتی از دو جمله متقابل حذف می‌شود و قسمت دیگر بجا می‌ماند و قسمت بجا مانده در یک طرف به حذف آن طرف دیگر گواهی می‌دهد. این گونه قرینه‌بندی در علم «بیان» به نام «صنعت احتیاب» خوانده می‌شود و به کثرت در قرآن دیده می‌شود و اغلب از دید مفسرین و مترجمین به دور مانده است. مثلاً «کما» حرف تشبیه است و میان دو جمله همسان قرار می‌گیرد ولی فراوان دیده می‌شود که در قرآن میان دو جمله همسان قرار ندارد گاهی یک جمله همسان به کلی حذف می‌شود مانند آیه ۵ از سوره انفال که می‌گوید: «كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ» که مربوط به جنگ احد است و قسمت همسان و متقابل آن به کلی حذف شده است که مربوط به جنگ بدر است و ترجمه آیه چنین خواهد بود: «آن‌سان که خداوندت در جنگ بدر با حق و حقیقت از خانه برون برد تا مشرکان را سرکوب سازی با همان حق و حقیقت در جنگ احد از خانه برون برد تا در خارج شهر با مشرکان به جهاد بپردازی...» و گاهی هست که قسمتی از هر دو طرف حذف می‌شود و قسمتی دیگر بر جا می‌ماند مانند آیه ۲۶ از سوره اعراف که می‌گوید: «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا» که ظاهراً میان دو جمله همسان قرار ندارد ولی با توجه به قانون مقابله بندی معلوم می‌شود که باید هر دو جمله را به قرینه هم تکمیل نمائیم و در نتیجه ترجمه آیه چنین خواهد بود: «ای فرزندان آدم! به هوش باشید، مبادا شیاطانتان با وسوسه‌های خود بفریبید که جامه خود را بر زمین نهدید و در برابر هم عریان شوید و صلاحیت بهشت را از دست بدهید آن چنان که پدرتان آدم و مادرتان حوا را فریفت و صلاحیت حضور در بهشت را از آنان سلب کرد به این صورت که لباس را از تنشان برآورد و عریانشان کرد».

از نمونه‌های بارز حذف و ایصال حذف معطوف علیه است که در قرآن به کثرت دیده می‌شود. مثلاً به وضوح می‌بینیم که در پنج مورد قرآن مجید می‌گوید: «أَلَمْ يَرَوْا» که حرف عطف ندارد و بیش از ده مورد می‌گوید: «أَوَلَمْ يَرَوْا» که حرف عطف دارد. جمله «أَوَلَمْ

یرواً» در اصل «وَأَلَمْ يَرَوْا» بوده است و همزه استفهام به خاطر این که صدارت طلب است همواره بر حرف عطف مقدم می‌شود. پس باید توجه کنیم که جمله «أَوَلَمْ يَرَوْا» با حرف عطفی که دارد بر جمله‌ای مشابه خود عطف شده است و اگر در متن قرآن دیده نمی‌شود باید به قرینه سابق و لاحق و یا مراجعه به موارد مشابه، متن معطوف علیه را که گاهی چند جمله طولانی است استخراج و در تفسیر و ترجمه اضافه نماییم. از همین قبیل است فرق میان «أَرَأَيْتَ» با «أَفَرَأَيْتَ» و فرق میان «أَرَأَيْتُمْ» با «أَفَرَأَيْتُمْ» که اولی حرف عطف ندارد و دومی فاء تفریع دارد و باید بر مسائل قبلی متفرع گردد. و هكذا فرق میان «أَوَلَا يَرَوْنَ» با «أَفَلَا يَرَوْنَ» که اولی واو عطف دارد و دومی فاء تفریع دارد و در ظاهر قرآن از معطوف علیه آن خبری نیست. و از این قبیل است «أَمْ» که باید معادل همزه استفهام باشد ولی در موارد بسیاری معادل آن محذوف است و باید به قرینه سابق و لاحق معادل آن را بیابیم و بر ترجمه و تفسیر قرآن بیفزائیم و گرنه رابطه آیات و پیوند مطالب را از دست می‌دهیم.

از جمله مواردی که حرف عطف را دیده‌اند و معطوف علیه آن را جستجو نکرده‌اند آیه ۶۰ سوره مائده است که می‌گوید: «قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ» در این آیه «عَبَدَ الطَّاغُوتَ» به منزله تعلیل است برای غضب و لعنت و مسخ شدن به صورت بوزینه و خوک و با آن که حرف عطف دارد معطوف علیه آن دیده نمی‌شود و باید با توجه به شواهد قرآنی و ردیابی آن اعمالی که موجب لعنت و خشم و مسخ آنان شده است معطوف علیه آن را بیابیم و بر ترجمه و تفسیر قرآن بیفزائیم. ترجمه درست آیه چنین خواهد بود: «آیا میل دارید که رسواترین اعمال را افشا کنیم که در پیشگاه خدا بدترین سزاهای آن را در بر داشته است؟ به آن کسانی بنگرید که خدایشان لعنت کرد و بر آنان خشم گرفت تا آن حد که برخی را به صورت بوزینه و خوک درآورد از آن رو که انبیا را کشتند و کتاب‌های آسمانی را تکذیب کردند و تعطیل روز شنبه را شکستند و شیطان بت را پرستش کردند» تنها با توجه به این حذف و ایصال است که مصداق «شَرٍّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً» روشن می‌شود. نمونه این‌گونه حذف و ایصال فراوان است و ساده‌ترین موردی که حرف عطف خودنمائی می‌کند و کسی به جستجوی معطوف علیه آن بر نیامده است آیه ۷۵ از سوره انعام است که می‌گوید: «وَكَذَلِكَ نُزِّلْنَا إِلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ». در اینجا «لِيَكُونَ» تعلیل است ولی معطوف علیه آن محذوف است و باید به قرینه سابق و لاحق و سایر آیات

مشابه معطوف‌علیه آن را بیابیم و بر ترجمه و تفسیر قرآن بیفزائیم. نمونه این حذف و ایصال به صدها مورد می‌رسد که در همه موارد بدان بی‌توجهی کرده‌اند.

یک نمونه دیگر صله‌های طولانی قرآن است که بدان توجه نکرده‌اند. مثلاً در سوره والشمس که می‌گوید: «وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا، قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا، وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا، كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا، إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا»،

از آغاز این سوره که بیش از ده قسم وجود دارد، آخرین قسم در این آیه است که می‌گوید: «وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا» و سه آیه بعد آن با قسم‌های قبلی بی‌ارتباط است و هر سه آیه صله همین قسم آخرین است که طرداً للباب و به تناسب این که هدف اصلی از نزول قرآن تزکیه نفس و دوری از پلیدی‌ها است به آن پرداخته است. و بعد از این صله طولانی یکجا به جواب قسم‌ها می‌پردازد که محکومیت جمع است به خاطر محکومیت یک فرد، در صورتی که جبهه‌بندی آنان متحد باشد. یعنی همان موقعی که شقی‌ترین فرد قوم ثمود به راه افتاد که ناقه را پی کند همه قوم ثمود محکوم شدند که با عذاب الهی یکسر هلاک شوند از آن رو که باخبر شدند و ساکت ماندند. با توجه به این نکته روشن می‌شود که بر خلاف نظر مفسرین «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا...» جواب قسم نیست، و از این قبیل است آیه ۸۳ تا آیه ۸۷ از سوره واقعه که می‌گوید: «فَلَوْ لَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ، وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ، وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَ لَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ، فَلَوْ لَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ، تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» در اینجا آیه ۸۴ و ۸۵ صله شرط است و به خاطر طولانی شدن صله، جواب شرط را وانهاد و به عنوان تجدید مطلع دوباره گفته است: «فَلَوْ لَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ» تا جمله «غیر مدینین» با جمله «إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ» پیوند بخورد و به صورت شرط واحد درآید و جمله «تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» جواب آن بوده باشد. طولانی‌ترین صله‌ای که به خاطر دارم در سوره حج است که از آیه ۴۲ تا ۵۹ صله معطوف علیه است و آیه ۶۰ عطف بر آیه ۴۱ خواهد بود که اینجا از بحث طولانی آن صرف‌نظر می‌شود و خوانندگان را به ترجمه آیات مزبور و دقت در معطوف و معطوف علیه دعوت می‌نمایم.

در مورد بی‌اطلاعی از تاریخ که مترجمین و مفسرین را به گمراهی کشانده است باید متن این تفسیر و ترجمه را با سایر ترجمه‌ها برابر کنید و نکته‌ها را دریابید. در این مقدمه کافی است که چند نمونه آن را یاد کنیم و مقدمه را پایان دهیم.

یک نمونه آیه ۲۲ و ۲۳ از سوره انبیا است که می‌گوید: «... فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ، لَا يَسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يَسْأَلُونَ» در این جا توجه نکرده‌اند که آیه ۲۳ شرح آیه

۲۲ است و می‌خواهد توضیح بدهد که مشرکین خدا را چگونه توصیف کرده‌اند. مشرکین معتقد بودند که «خدای جهان در رأس کابینه قرار دارد و جمعی از ارواح عالیه را به عنوان ارباب انواع، فرهوران، امشاسپندان به خدائی انتخاب کرده است تا کار بندگانش را سامان بدهند لذا خدای خدایان در برابر اعضاء کابینه مسئولیت ندارد اما سایر خدایان که مأمورند و اعضاء کابینه اویند در برابر او مسئولیت دارند». قرآن مجید می‌خواهد این عقیده مشرکین را تخطئه کند ولی مفسرین همین عقیده شرك را به خدا نسبت داده‌اند و سپس به توجیه آن پرداخته‌اند.

يك نمونه دیگر آیه ۹ از سوره ابراهیم است که می‌گوید: «جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ» در این آیه مفسرین درمانده‌اند که چرا و چگونه و چه کسانی دست‌ها را در دهان برده‌اند و با توجه به ارجاع ضمیر، رقم احتمالات را به چهار احتمال بالا برده‌اند در صورتی که واقعیت از کل این احتمالات خارج و به دور است. آیه مزبور می‌خواهد تذکر بدهد که گاهی رسولان خدا به سراغ اراذل و اوباش جامعه می‌رفته‌اند، باشد که در جمع آنان کسی باشد که راه خدا را بجوید و پاسخ مثبت بدهد ولی آنان به رسم معهود جاهلان دست‌های خود را یکی بعد از دیگری به دهان می‌برده‌اند و با سوت کشیدن و شیشکی بستن و غیه کشیدن به دعوت انبیا پاسخ رد می‌داده‌اند و آنان را به استهزاء می‌گرفته‌اند. در واقع آنان به دعوت انبیا پاسخ زبانی ندادند بلکه قرآن مجید با جمله «فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ» به پاسخ جاهلانۀ آنان اشارت می‌کند و سپس با زبان ادب کار جاهلانۀ آنان را تفسیر می‌کند.

چند نمونه دیگر در سوره انفال به چشم می‌خورد. سوره انفال بعد از جنگ احد نازل شده است تا میان جنگ بدر که مسلمین پیروز شدند و میان جنگ احد که مسلمین شکست خوردند مقایسه‌ای به عمل آورد و علل پیروزی و علل شکست را روشن سازد ولی مفسرین تصور کرده‌اند که این سوره بعد از جنگ بدر نازل شده است و لذا در اغلب آیات آن به اختلاف و پراکنده‌گویی مبتلا شده‌اند. در اولین آیه منظور از کلمه «انفال» بازمانده اموال مشرکین است که قسمتی از باروبنه خود را رها کردند تا سبکتر راه مراجعت در پیش بگیرند ولی مفسرین تصور کرده‌اند که منظور از انفال غنائم جنگ بدر است و سپس به توجیه آن پرداخته‌اند. در آیه ۵ که می‌گوید: «كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ» منظور آیه خروج از مدینه برای دفاع در جنگ احد است ولی مفسرین تصور کرده‌اند که منظور آیه خروج از مدینه برای جنگ بدر است و چون با متن آیات قرآن

منطبق نمی‌شود به توجیه آن پرداخته‌اند. از این نمونه اشتباهات در سوره‌های قرآنی خصوصاً سوره انفال فراوان است.

به هر حال ترجمه‌ای را که اینک از نظر خوانندگان می‌گذرانم بعد از چهل سال مطالعه مداوم و مراجعه به تاریخ صحیح و الهام گرفتن از احادیث صحیح اهل بیت به این صورتی که ملاحظه می‌شود پرداخته‌ام و تفسیر ساده آن را با ترجمه قرآن هماهنگ و یک‌زبان آورده‌ام، باشد که با آرامش خاطر مطالعه آن دنبال شود و کسی در فهم مطلب در جا نزند و عقب‌گرد نکند تا پراتزها را پیدا کند. نویسنده، ایمان واثق دارد که از الهامات الهی برخوردار بوده است و لذا امید می‌برد که پروردگار عزت این ترجمه را بپروراند و همگان را از مطالعه آن بهره‌مند سازد. آنچه ممکن است باقی و برجا مانده باشد دریافت کامل از مسائل موضوعی قرآن است که قهراً از مطالعه این ترجمه و تفسیر ساده میسر نخواهد بود مگر برای آن عده معدودی که درس آن را سال‌ها پیش، از زبان مؤلف شنیده و دریافت کرده‌اند و یا با رساله‌های معجزه قرآن، بدا و رجعت، ارث و ربا، هفت آسمان که بعد از تدریس و تدوین به چاپ رسیده است آشنائی پیدا کرده باشند. از جمله مسائل موضوعی، پرداخت زندگی انبیاء است که به صورت ذیل این ترجمه منتشر خواهد شد و جزوهای دانشگاهی آن هم‌اکنون آماده است. قسمت رستاخیز - با آن که سال‌ها پیش تدریس و تدوین شده است - در اثر مشکلات فنی به چاپ و نشر آن توفیقی حاصل نشد و این آرزوی مؤلف است که مسئله رستاخیز را بر اساس دریافت خود گرچه به صورت یک مکتب و فکر و یا یک نوع برداشت تلقی شود ضمن تدریس عمومی مطرح کند و یا با کمک نقاشان ماهر و استمداد از کامپیوتر صحنه‌های آن را از آغاز تا انجام به تصویر بکشد و اسناد قرآنی را در زیرنویس صحنه‌ها و یا در آوای تلاوت قرآن بگنجانند، باشد که مسلمین بلکه عموم انسانیت را وسیلهٔ اخطار و انذار باشد.

المُحْتَجُّ بکتاب الله عَلَی النَّاصِبِ

محمدباقر بهبودی

تهران، نهم آذرماه ۱۳۶۸ هجری شمسی

الْفَاتِحَةُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^١ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^٢ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ^٣ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ^٤
اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ^٥ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ^٦ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ^٧

الْبَقْرَةَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^١ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ^٢ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ^٣ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ^٤

فاتحة الكتاب - آغاز قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

١. ستایش من ویژه آن خداوندی است که پروردگار جهانیان است.
٢. رحمان و مهربان است.
٣. پادشاه روز قانون.
٤. ای پروردگار جهانیان! ای رحمان و مهربان و ای پادشاه روز قانون! فقط تو را پرستش می‌کنیم و در راه پرستش از تو یاری می‌طلبیم.
٥. ما را به راه راست پرستش، رهنمون باش.
٦. راه آنان که نعمت هدایت ارزانی داشته‌ای.
٧. نه راه آنان که شناخته، از راهت رو گردان شده خشم تو را به جان خریدند و نه راه گمشدگان که ناشناخته، راه درست را گم کردند.

گاو بنی‌اسرائیل - ایمان، نفاق، اخلاص، فرمان‌های اجتماعی

بسم الله الرحمن الرحيم

١. ا. ل. م.
٢. این قرآن کتابی است بی‌تردید که رهنمای اهل تقوا است و مردم در برابر آن به سه دسته تقسیم می‌شوند.
٣. دسته اول کسانی باشند که به عالم غیب ایمان می‌آورند و نماز را بر پا می‌دارند و از

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ٥ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ٦ خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ٧ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ٨ يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ٩ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ١٠ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ لَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ١١ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ ١٢ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ

-
- روزی خود در راه خدا انفاق می‌کنند تا نیاز نیازمندان را مرتفع سازند.
٤. آنان که چون یهودان تعصب قومی ندارند؛ هم به آیین تو ایمان می‌آورند و هم به آیین پیامبران پیش از تو ایمان می‌آورند و جهان واپسین را به یقین باور دارند.
٥. این‌ها ایند که با رهبری پروردگارشان بر راه درست می‌روند و این‌ها ایند که با طی کردن این پنج کلاس تربیتی از آتش دوزخ می‌رهند.
٦. دسته دوم کسانی هستند که به قرآن کافر شده‌اند؛ خواه به آنان اخطار کنی و یا اخطار نکنی از تهدید قرآن نمی‌هراسند و راه ایمان نمی‌گیرند، از آن رو که تقوا ندارند.
٧. خداوند بر دل‌هایشان مهر نهاده تا نفهمند و بر گوش‌هایشان مهر نهاده تا نشنوند علاوه بر دیدگانشان پرده‌ای حائل است که راه درست و نادرست را نشناسند. عذاب بزرگ آخرت در انتظار آنها است.
٨. دسته سوم جماعتی از مردمند که ظاهراً کتاب آسمانی را رد نمی‌کنند؛ به زبان می‌گویند که به خدا و روز واپسین ایمان آورده‌ایم ولی در دل ایمان ندارند.
٩. می‌خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند و مطامع خود را به دست آورند و نمی‌دانند که خود را فریب می‌دهند و به گرداب بلا می‌اندازند.
١٠. در دل‌های این دسته از مهاجران بیماری تزویر و نفاق است و خداوند بر بیماری آنان افزود که با رواج قرآن بر مطامع خود افزودند و از این جهت که با فریب و تزویر ادعای ایمان کرده‌اند عذاب دردناکی برای آنان مهیا است.
١١. هر گاه بر آنان اعتراض شود که با تزویر و نیرنگ راه ستیز و فتنه را هموار مسازید می‌گویند: ما در راه صلح و صفا گام می‌زنیم.
١٢. همگان بدانند که این‌ها در راه ستیز و فتنه گام می‌زنند و خود نمی‌دانند.

قَالُوا أَنْتُمْ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ ^{١٣} وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُونَ ^{١٤} اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ^{١٥} أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهَدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ^{١٦} مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ ^{١٧} صُمُّ بَكُمْ عَمِي فَهُمْ لَّا يَرْجِعُونَ ^{١٨} أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَّجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حُدُّرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ^{١٩} يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ

١٣. و چون به آنان گفته شود شما هم مانند سایرین یک دله ایمان بیاورید ، می گویند: آیا ما هوشمندان زیرک همانند ساده اندیشان دل به ایمان بدهیم؟ همگان بدانند که اینها خود ساده اندیشند و نمی دانند با این زیرکی در چه دامی گرفتار آمده اند.

١٤. و چون با مؤمنان ملاقات کنند ادعا می کنند که ایمان آورده ایم و چون با پیشوایان و سروران بداندیش خود، خلوت نمایند می گویند: ما با شما همراهیم، ما مؤمنان را به استهزاء گرفته ایم و دست انداخته ایم.

١٥. خداوندشان به استهزاء بگیرد و در سرکشی و طغیان روحی، بر دوام بدارد تا میان دو جبهه، حیران و سرگشته بمانند.

١٦. اینها با داشتن قرآن که باید هدایت را خریدار شوند، گمراهی را خریدار شدند. از این رو در معامله سودی نبردند و از دیر باز به راه درستی نرفته بودند.

١٧. حکایت آنان، حکایت آن مردی است که آتشی بیفزود تا روشنایی بدست آورد و چون شعله آتش پیرامون او را روشن سازد خداوند شعله آتش او را خاموش کند و او را با تابانش در تاریکی فرو گذارد که هیچ نبیند.

١٨. تا آن حد که گویا کر و لال و کورند که نه فریاد رهبران را می شنوند و نه با فریاد خود، تقاضای کمک می کنند و نه راه درست را تشخیص می دهند که از راه ضلالت باز نمی گردند.

١٩. یا حکایت آن ابری سنگین که از آسمان دامن فرو نهاده باشد با سیاهی ها و با غرش و صاعقه و مردم از ترس مرگ که زهره آنان آسیب نبیند انگشت ها را در گوش خود چپانیده اند تا مانند کران غرش صاعقه را نشنوند. اما سطوت خداوند جهان تنها در غرش آسمان نیست بلکه از شش جهت در کمین کافران است.

شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٢٠ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ٢١ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ٢٢ وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِمَّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٢٣ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ

۲۰. گوش‌ها را با انگشت خود پر کرده‌اند تا فریاد صاعقه را نشنوند و چشم‌ها را باز کرده‌اند تا در روشنایی صاعقه راه را بیابند اما صاعقه چنان سهمگین است که می‌خواهد بینایی آنان را برباید. هر لحظه‌ای که برق می‌جهد و پیرامونشان روشن می‌شود به راه می‌افتند و چون فرو می‌نشینند و جهان در چشمانشان سیاه می‌شود متوقف می‌مانند که مبادا در چاه و چاله-ای سقوط نمایند. اگر خدا خواسته باشد با غرش رعد و درخش صاعقه شنوایی و بینایی آنان را می‌برد به یقین خداوند جهان بر انجام هر گونه خواسته‌ای توانا است.

۲۱. ای مردم! آفرینش و پرورش از هم جدا نیست که یک خدا، خدای آفرینش باشد و چند خدای دیگر خدایان پرورش باشند تا شما مردم در معابد خود، به عبادت آن خدایان بپردازید. شما باید یکتا پروردگار خود را بپرستید همان یکتا خداوندی که شما را و پدران پیشین شما را آفرید تا در سایهٔ پرورش و هدایت او راه تقوا را طی کنید.

۲۲. همان خدایی که به منظور پرورش شما بستر خاک را نهالی شما ساخت و آسمان را چون سقف بر سر شما افراشت و از آسمان بارانی فرو بارید و با آن باران میوه‌ها و دانه‌ها پروراند تا روزی شما باشد. چونان که می‌نگرید پرورش و آفرینش یکی است. خدای پرورش و آفرینش هم یکی است. پس برای یکتا خدای پرورش و آفرینش همتا متراشید با آن که این نکته‌ها را می‌دانید.

۲۳. و اگر در صحت این کتاب آسمانی که بر قلب بندهٔ درگاه خود نازل کرده‌ایم شک آورده‌اید و آن را ساختهٔ دست بشر می‌دانید، اگر واقعاً راست می‌گویید و قصد بهانه‌جویی ندارید برای روشن کردن حقیقت یک سورهٔ قرآن بسازید. شما می‌توانید از همهٔ افراد بشر دعوت کنید و در حال حاضر سخن‌سازان محافل را فرا بخوانید تا با یاری هم یک سوره بسازید. فقط از ساخته‌های خداوند جهان یاری نگیرید که جمله‌های قرآن را به صورتی دیگر ترکیب نمایید و آن را ساختهٔ خود معرفی نمایید.

لِلْكَافِرِينَ^{٢٤} وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رَزَقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رَزَقُوا هَذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهِ مُمْتَسِبِينَ وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^{٢٥} إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَّا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ^{٢٦} الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ^{٢٧}

٢٤. و اگر نتوانستید که يك سوره قرآن بسازید - و هرگز نمی‌توانید - پس به خود بیايید و از آتش دوزخ بترسید. آتشی که شعله‌ساز آن آدمیانند و سنگ کبریت؛ این آتش که گازهای آن با نفس کشیدن آدمیان و به هم سودن سنگ‌های غلتان شعله‌ور می‌شود هم‌اینک برای کافران مهیا است.

٢٥. ای رسول ما! این فراز قرآن را به منظور انداز و اخطار به کافران در نمازهایت تلاوت کن و متقابلاً کسانی را که ایمان آورده‌اند و عبادات شایسته به جا آورده‌اند به این پاداش الهی بشارت ده؛ که بوستان‌هایی برایشان مهیا است که از زیر درخت‌هایش نهرها روان است. هر میوه‌ای که از آن بوستان‌ها تناول کنند با خود می‌گویند: این همان میوه‌ای است که در دنیا تناول کرده‌ایم با آن که چنین نیست بلکه مشابه آن را در طبق‌ها برایشان آورده‌اند. و برای آنان جفت‌هایی پاک و پاکیزه مهیا است. و در بوستان‌ها جاودانه برقرارند.

٢٦. خداوند از بیان حقیقت گرچه با زبان مثل باشد حیا نمی‌ورزد. از پشه لاغر گرفته تا برسد به بزرگ‌تر و چاق‌تر، تا برسد به شجر و بشر و یا ابر آسمان و موج دریا، مردم در برابر حکایت‌ها و مثل‌های قرآنی به دو دسته بر صف می‌شوند، آن کسانی که ایمان آورده‌اند می‌دانند که مثلی راست و درست از جانب پروردگارشان ایراد شده است تا حقیقت را مجسم و ملموس سازد؛ ولی آن کسانی که کافر شده‌اند زبان به اعتراض می‌گشایند که خداوند جهان از ایراد این مثل‌ها چه منظوری دارد؟ می‌خواهد مانند شاعران هجوسرا دشمنان خود را هجو کند و مایه ریشخند و اتهام مردم سازد؟ به آنان باید گفت که خدا می‌خواهد در پرتو داستان و مثل جمع کثیری از مردمان را گمراه سازد و از راه درست برماند و جمع دیگری از مردمان را به راه راست هدایت کند، اما خدا جز مردم فاسق را از راه راست خود گمراه نمی‌سازد.

٢٧. هم آنان که پیمان خدا را بعد از تعهدی قاطع می‌شکنند و پیوند خویشی را که خدا

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۲۸ هُوَ الَّذِي
 خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ
 عَلِيمٌ ۲۹ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا
 وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۳۰ وَعَلَّمَ آدَمَ
 الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۳۱ قَالُوا
 سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ۳۲ قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا
 أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا

فرمود به هم وصل شود پاره می سازند و در زمین تباهی می آفرینند هم آنان مردمی
 زیانبارند.

۲۸. شما مردم، چسان به خداوند جهان کافر می شوید با آن که بی جان بودید و او به شما
 جان داد بعد از آن شما را بی جان می سازد و دوباره جان می دهد سپس به پیشگاه او باز
 گردان می شوید.

۲۹. او همان خدایی است که نعمت های زمین را برای مهمانی شما مردم آفرید سپس به
 سوی آسمان پر کشید و گازهای آسمانی را در قالب هفت پیکر آسمانی پیراست. او به سر
 هر خواسته ای دانا است.

۳۰. به مردم خاطر نشان ساز که پروردگارت به فرشته های سنا گفت: می خواهم در روی
 زمین نسلی دیگر جایگزین سازم آماده فرمان باشید. فرشته ها گفتند: آیا باز هم نسلی دیگر
 در کره خاکی جایگزین خواهی ساخت که چون پیشینیان در عوض تسبیح و تقدیست
 تباهی بینگیزند و خون بریزند با آن که ما در پهنه زمین از دشت و دریا و کوهستان و صحرا
 تو را ستایش و تسبیح می کنیم و به تقدیست زبان گشاده ایم؟ پروردگارت گفت که من
 چیزها می دانم که شما نمی دانید.

۳۱. بدین منظور که فرشتگان راز خلقت نو را دریابند و با اهداف آن آشنا گردند پروردگارت
 نام آدمیان را به آدم آموخت سپس چند تن از اشباح آنان را بر فرشتگان جلوه گر ساخت و
 گفت: اگر شما به راستی از راز آفرینش نو آگاهید شخصیت این چند تن را مکشوف نمایید.

۳۲. فرشته ها گفتند: بار خدایا! تو از سؤال بیجا منزهی. ما که از عالم غیب بی خبریم و جز
 آنچه را که خودت به ما آموخته باشی چیزی نمی دانیم. دانای کاردان، تنها تو هستی.

كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۳۳ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ۳۴ وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ۳۵ فَازْلَمَهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ۳۶ فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۳۷ قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ

۳۳. خداوند به آدم گفت: نام این شخصیت‌ها را به فرشته‌ها اعلام کن. و چون آدم نام آنان را اعلام کرد و گفت: این یک فرزندم نوح است با کشتی نجات، و این یک فرزندم ابراهیم خلیل است با آن نمرود، این یک فرزندم کلیم خدا است با آن فرعون و این یک فرزندم روح قدسی خدا است با آن قوم یهود و این یک فرزندم خاتم انبیا است سید آدمیان و این یک فرزندم سرور اولیاء است و آن یک همسرش زهره زهرا سیده خانم‌های جهان و این یک فرزندم مهدی است خاتم اوصیا... فرشته‌ها دانستند که این نوبت نسل بشر رهبر و راهنما دارد مکتب و مذهب دارد کلاس تربیت دارد و چونان نسل‌های قبل غرق تباهی نخواهد شد، لذا با سکوت خود تجدید آفرینش را مهیا شدند و پروردگارت به آنان گفت: من شما را نگفتم که از نهان آسمان‌ها و زمین آگاهم و هر نکته‌ای را که آشکارا بگویید می‌شناسم و هر اعتراضی را که در طول قرن‌ها در دل نهفته بودید می‌دانم.

۳۴. و خاطر نشان ساز که در آخرین لحظات حیات بخشی آدم، به فرشته‌ها گفتیم به افتخار آفرینش آدم به خاک بیفتید. همگان خدا را سجده بردند به جز ابلیس که ابا ورزید و خود را بزرگ شمرد و در دوره پیشین جزو کافران بود.

۳۵. و به آدم گفتیم که با همسرت در هر جای این بوستان که خواهید سکنی بگیری و در هر وادی از میوه‌های آن که مایل باشید به وفور تناول کنید اما به این بوته پر برگ نزدیک نشوید و گرنه از سیه‌کاران می‌شوید.

۳۶. ابلیس بداندیش، آن دو را از بوستان بهشت فرو لغزاید و از آن نعمت بی‌کران بیرون راند و ما به همگان از آدم و حوا و ابلیس و فرشته‌ها و همه نسل بشر گفتیم: به زمین فرود شوید با آن ستیزه و دشمنی که همراه خود می‌برید. برای شما در روی زمین قرارگاهی است با توشی اندک آن هم برای چند صباح.

۳۷. آدم از پیشگاه پروردگارش کلماتی دریافت که او را به مغفرت خدا رهنمون گشت و خدا با آدم آشتی کرد. خدا اهل آشتی و مهربانی است.

هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^{۳۸} وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^{۳۹} يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ^{۴۰} وَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ^{۴۱} وَلَا تَلْسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ^{۴۲} وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ^{۴۳} أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ^{۴۴} وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ^{۴۵} الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ^{۴۶} يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا

۳۸. ما به هنگام هبوط و فرود به ساکنان بهشت گفتیم: همگان یکجا فرود شوید که دیگر با شمایم کاری نیست تا آنگاه که رهنمودی از سوی من نزد شما فراز آید که یقیناً خواهد آمد، آن کسانی که از رهنمود من پیروی کنند نه ترسی بر سر آنان سایه‌گستر خواهد بود و نه خود اندوهی از آتیۀ نامعلوم خود به دل دارند.

۳۹. و آنان که به رهنمود من ناسپاسی ورزند و کافر شوند و آیات هدایت و رسالت ما را دروغ انگارند هم آنان یاران دوزخند و در کرۀ آتش جاودان خواهند ماند.

۴۰. و شما ای یهود بنی اسرائیل! خاطر نشان بسازید آن نعمتی را که بر شما انعام کرده‌ام. و به میثاق و پیمان من که «باید به رسولان من ایمان بیاورید» وفا کنید تا به میثاق شما وفا کنم. و «گناهان شما را بیامرم». شما فقط از خشم من پروا نمایید.

۴۱. به این کتابی که نازل کرده‌ایم و کتاب تورات شما را تأیید می‌کند ایمان بیاورید و در کفر و انکار قرآن پیشقدم نباشید و در برابر آیات قرآن اندک سیم و زر دنیا را خریدار مشوید و از خشم من بپرهیزید.

۴۲. حق را در لفافۀ باطل میپوشانید که حقیقت را نهان سازید با آن که حق و باطل را می‌شناسید.

۴۳. و نماز را برپا دارید و زکات اموالتان را بپردازید و برای نماز جماعت با کسانی که در رکوع نمازند همراه شوید.

۴۴. آیا مردم را به نماز و زکات که رابطه شما را با خدا و خلق تحکیم و استوار می‌نماید فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید با آن که در تلاوت خود می‌خوانید که واعظان بی‌عمل خشم خدا را با شدت بیشتری به جان می‌خرند. آیا اندیشه بکار نمی‌بندید؟

۴۵. شما باید در برابر مشکلات زندگی از صبر و استقامت کمک بگیرید و در برابر

نَعْمَتِي الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ٤٧ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ٤٨ وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنَ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ٤٩ وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ٥٠ وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ٥١ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّن بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ٥٢ وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ٥٣ وَإِذْ قَالَ

مشکلات روحی از نماز و نیایش یاری بجویید. نماز و دعا در نظر مردم تکلیفی است دشوار و ناموجه که بر آن فایده‌ای مترتب نمی‌بینند جز خاشعان که به الطاف الهی واقفند و با آرامش روح و تن نماز را برپا می‌دارند.

٤٦. هم آنان که تصور می‌کنند در بهشت برین به ملاقات پروردگار خود نایل می‌شوند و می‌دانند که در پایان زندگی به سوی او بازگردان می‌شوند.

٤٧. شما ای یهود بنی‌اسرائیل، خاطر نشان سازید آن نعمتی را که بر نسل‌های پیشین شما انعام کرده‌ام و شما را بر جهانیان برتری دادم که به طاعت و بندگی خود فرا خواندم.

٤٨. از آن روزی بترسید که هیچ‌کس نتواند به دیگری سزا و پاداش دهد. آن روز از کسی شفاعت و همکاری نپذیرند و از مجرمان کفیل و جانفدا نگیرند و نه از جانب ارواح عالیه نصرت شوند.

٤٩. و به خاطر بیاورید که شما را از چنگال فرعونیان نجات دادیم. آن روز که شما را در بیغوله‌ها دنبال می‌کردند تا خواری شکنجه را به شما بچشانند؛ پسرانتان را سر می‌بریدند که آمار مبارزان بالا نرود و زانتان را زنده می‌گذاشتند تا مشکلات خانوادگی افزون شود و از این رهگذر پروردگارتان شما را با آزمونی بزرگ و دشوار آزمون می‌کرد که آیا زنان بر تنهایی و بی‌شوهری صبور می‌مانند و مادران و پدران در قتل پسرانشان شکیبایی و استقامت دارند؟

٥٠. و خاطر نشان سازید که چسان دریا را با قدم‌های شما شکافتیم و شما را از آب دریا گذراندیم و فرعونیان را در برابر چشمانتان غرقه دریا نمودیم.

٥١. و خاطر نشان سازید که چهل شب با موسی امشب و فردا کردیم و شما بعد از دیرکرد موسی با سیه‌کاری، گوساله‌ای را به خدایی گرفتید.

٥٢. بالاخره بعد از مراسم توبه و آشتی جرم شما را بخشیدیم باشد که به شکرانه این عفو و

مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ٥٤ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ٥٥ ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ٥٦ وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ٥٧ وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَاَدْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةً نَّعْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ٥٨

اغماض در طاعت و بندگی بکوشید.

٥٣. و خاطر نشان سازید که موسی را کتاب و معجزه دادیم باشد که شما رهیاب شوید.
٥٤. و خاطر نشان سازید آن لحظه را که موسی با امت خود گفت: ای مردم! شما با پرستش گوساله جان‌های خود را به سیاهی کشانیدید. اینک به سوی آن خدایی که پیکر و اندام شما را پیراست دست آشتی دراز نمایید؛ شما باید در دو جبهه صف بکشید و هم را بکشید که کفاره مرتدان جز این نیست. آن خدایی که پیکر شما را تراشیده و جان بخشیده است تن دادن به مرگ و خودکشی را بهتر از چشیدن عذاب دوزخ می‌داند. با اقدام به این خودکشی بود که خدا با شما آشتی کرد که او اهل آشتی و مهربانی است.
٥٥. به یاد آورید که با موسی گفتید: ای موسی! ما به فرماندهی و اطاعتت گردن نمی‌گذاریم تا با چشم خود ببینیم که پروردگارت با تو سخن می‌گوید و رسالت تو را تأیید می‌کند. به کیفر این بدباوری با چشم خود شاهد و ناظر بودید که موج صاعقه شما را در هم کوفت.
٥٦. صاعقه شما را بی‌جان کرد ولی ما به خواهش موسی شما را بعد از مرگ قطعی دوباره از جا برانگیختیم باشد که شاکر این جان‌بخشی باشید.
٥٧. و در صحرای سینا ابر سپیدی بر سرتان سایبان کردیم و از ابرها برایتان ماهی من و سلوی فرو ریختیم و گفتیم: فقط از نعمت‌های پاک ما که ماهی با فلس باشد تناول کنید ولی آنان با حرص و ولع ماهی بی‌فلس را هم تناول کردند و حلال شمردند. آنان با نافرمانی خود ما را سیاه نکردند بلکه خود را سیاه کردند.
٥٨. به یاد آرید که سال‌ها بعد از رحلت موسی فرمودیم به این شهر درآید و هر جا بخواهید از خواسته‌های آن به وفور تناول کنید و چون به دروازه قدم نهادهید به خاک بیفتید و در حال سجده بگویید: «بار خدا! گناهان ما را بریز» که اگر سجده کنید و نیایش نمایید

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ^{٥٩} وَإِذْ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ كُلُّوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ^{٦٠} وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِلَهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ وَالْمَسْكِنَةُ وَبَأَوْؤُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ^{٦١} إِنَّ

خطاهای شما را می‌پوشانیم و در آینده نزدیک به نیک‌اندیشان شما که اینجا بر دعا و نیایش خود بیفزایند پاداش بیشتری می‌دهیم.

٥٩. ولی آنان که سیه‌کاری پیشه کردند به هنگام سجده سخنی دیگر بر زبان راندند و در اثر این تجاوز و نافرمانی ما بر سر آن سیه‌کاران، بیماری پلیدی از آسمان فرو ریختیم.

٦٠. به یاد آرید که موسی بعد از سرگردانی شما در صحرای سینا برای همراهانش خواستار باران شد و ما به او گفتیم: با عصایت بر این سنگ بکوب و چون کوبید دوازده رشته آب از آن بیرون جست که هر عشیره‌ای رشته آب آشامیدنی خود را گزین کرد. از روزی خدا بخورید و بیاشامید ولی در زمین به تباهی و خونریزی گام مزیند.

٦١. به یاد آرید که به موسی می‌گفتید: ای موسی! ما هرگز بر یک نوع خوراک که همواره ماهی تناول کنیم، شکایا نتوانیم ماند. از خدایت بخواه تا برای ما از زمین سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز بیرون بریزد و موسی گفت: آیا خوراک پست و کم‌بها را بر خوراک عالی و پر بها ترجیح می‌دهید؟ شما که به سرزمین قدس موعود قدم نهاده‌اید و به عزم زندگی در شهر مصر راه مراجعت در پیش گرفتید باید تا چهل سال سرگردانی و کوچ‌نشینی را تحمل کنید. اگر از سرزمین موعود اعراض می‌کنید به یکی از شهرهای دیگر رحل اقامت بکشید که خواسته‌های شما را از سیر و عدس به وفور می‌پرواند. آنان به شهرها پراکنده شدند ولی ذلت و درماندگی بر سر آنان خیمه زد و خشم خدا را بستر خود ساختند. این بدان جهت بود که آیات الهی را منکر می‌شدند و پیامبران خدا را با سعایت و صحنه‌سازی به دست اراذل و اوباش جامعه و یا عمال حکومتی به کشتن می‌دادند مبادا که حقایق را افشا کنند و موقعیت آنان را متزلزل سازند. این خشم و غضب و این سرگردانی و ذلت از آن جهت بود که خدا را نافرمان بودند و به حقوق مردم تجاوز می‌کردند.

الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ^{٦٢} وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ^{٦٣} ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ^{٦٤} وَلَقَدْ عَلَّمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ^{٦٥} فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ^{٦٦} وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقْرَةً بَقْرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ

٦٢. محکومیت این دسته از یهودان که در عهد کهن مرده‌اند بر اساس احکام قرآن نیست بلکه آنان بر اساس حکم توراتشان محکوم شده‌اند، به یقین هر دین تازه‌ای که نازل شود امت‌های درگذشته را با حکم خود محکوم نخواهد کرد. از این رو کسانی که بعد از این به قرآن ایمان بیاورند و کسانی که بعد از موسی یهودی شده‌اند و یا بعد از عیسی نصرانی شده‌اند و یا دین خود را عوض کرده از دین ابراهیم به دین موسی و یا از دین موسی به دین عیسی و یا از دین عیسی به دین اسلام منتقل شده‌اند هر کدامشان که خدا و روز واپسین را باور کرده باشند و کارهای شایسته مذهبی بجا آورده باشند پاداش طاعت آنان در پیشگاه پروردگارش محفوظ است نه ترسی بر آنان خواهد بود و نه خود اندوهی از آینده قیامت به دل دارند.

٦٣. به یاد آرید که از شما یهودان جهود، پیمان گرفتیم؛ به این صورت که یک صخره آسمانی را بر سرتان فرا گرفتیم و گفتیم فرمان تورات را بپذیرید و با کمال نیرو احکام آن را به اجرا بگذارید و به دیگران هم خاطرنشان سازید باشد که راه تقوا را طی نمایید.

٦٤. شما از ترس آن صخره آسمانی تورات را فرا گرفتید و ما سنگ آسمانی را به دریا افکندیم ولی دیری نگذشت که از تورات و احکام خدا رو گردان شدید و اگر آن روز فضل و رحمت خدا شامل حالتان نمی‌شد سنگ آسمانی را بر سرتان فرو می‌انداختیم و شما در آزمایش زندگی از زیانکاران می‌شدید.

٦٥. و شما خود دانسته‌اید که جمعی از یهودانتان روز شنبه به قانون تورات تجاوز کردند و ما به آنان گفتیم بوزینگانی شوید رانده شهر و دیار.

٦٦. و آنان را که به صورت بوزینگان مسخ کردیم عبرت همسایگانشان ساختیم که در حاشیه دریا در خطی روبروی آنان و یا پشت سرشان مأوا گرفته بودند و هم پند و اندرز برای اهل تقوا که خبر آن را دریافت نمایند.

مِنَ الْجَاهِلِينَ^{٦٧} قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يَبِينُ لَنَا مَا هِيَ قَالَتْ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بَكْرٌ عَوَانُ بَيْنَ ذَلِكَ فافعلوا ما تؤمرون^{٦٨} قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يَبِينُ لَنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ^{٦٩} قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يَبِينُ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهُ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهتدون^{٧٠} قَقَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلِّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبِّحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ^{٧١} وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ^{٧٢} فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بَعْضُهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى

٦٧. و به یاد آورید که موسی به مردم خود گفت: خداوندتان فرمان می‌دهد که برای حل این معما گاوی ذبح نمایید. یهودیان گفتند: می‌خواهی ما را به استهزاء بگیری و ملعبه خود سازی؟ موسی گفت: من به خدا پناه می‌برم که چون جاهلان بیهوده سخن ساز کنم و یا کسی را به استهزاء بگیرم.

٦٨. مردم گفتند: از پروردگارت تقاضا کن تا مشخصات آن گاو را که می‌تواند حل معما کند بیان دارد. موسی گفت: پروردگار من می‌گوید: گاوی که باید ذبح شود نه پیر و امانده است و نه گوساله نوپا. گاوی است میانه‌سال. فرمان خدا را اجرا نمایید.

٦٩. مردم گفتند: از پروردگارت تقاضا کن تا رنگ آن گاو را هم مشخص کند. موسی گفت: پروردگار من می‌گوید: آن گاو میانسال رنگ زرد روشن دارد که مایه انبساط خاطر می‌شود. ٧٠. مردم گفتند: از پروردگارت تقاضا کن تا مشخصه گاو را بیان دارد. ما چند گاو میانسال زردگونه داریم که با هم شباهت کامل دارند. اگر خدا خواسته باشد بالاخره به حل معما رهیاب می‌شویم.

٧١. موسی گفت: پروردگار من می‌گوید: آن گاو زرد میانه‌سال گاوی است سرکش که نه حاضر است زمین را شخم کند و نه چرخ آبکشی را بچرخاند. یک رنگ و یک دست که یک خال هم بر پوست زردگوش ندارد. مردم گفتند: اکنون مشخصه قاطع را بیان کردی. تنها یک گاو را می‌شناسیم که دارای این مشخصات است. آن گاو را سر بریدند و نزدیک بود که از گرانی قیمت نافرمان شوند و گاو را ذبح نسازند.

٧٢. و این موقعی بود که شما یهودان یک تن را کشتید و هیچ‌کس خون او را به گردن نگرفت و عشیره‌ای بود که قاتل را می‌شناخت عشیره دیگر را متهم می‌کرد. اما خداوند درصد بود که قاتل را معرفی نماید.

وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ٧٣ ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ٧٤ أَفَتَتَطَمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ٧٥ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِعَضِبُهُمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ٧٦ أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ٧٧ وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنَّهُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ٧٨ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ

٧٣. از این رو گفتیم: یکی از رگ‌های گردن گاو را به رگ‌های قلب مقتولتان پیوند بزیند تا لحظاتی زنده شود و قاتل را معرفی نماید. به این صورت نیز خداوند مردگان را زنده می‌سازد و نشانه‌های خود را به شما ارائه می‌نماید باشد که اندیشه نمایید.

٧٤. با وجود این نشانه‌ها و آیات روشنگر، دیری نگذشت که دل‌های شما چون سنگ خارا سخت شد و یا سخت‌تر از سنگ، چرا که برخی از سنگ‌ها می‌شکافد و نهرها از دل آن روان می‌گردد و از برخی دگر که می‌شکافد چشمه‌ها می‌جوشد و برخی از هیبت خداوند از کوه جدا می‌شود و به دره سقوط می‌نماید و در هر حال، خداوند جهان از کردار شما غافل و بی‌خبر نیست.

٧٥. ای مؤمنان! آیا طمع بسته‌اید که این یهودان - با این خلق‌و‌خوی خبیث - تسلیم شوند و ایمان بیاورند با آن که گروهی از اینان کلام خدا را می‌شنوند و بعد از اندیشه کامل، کلام خدا را تحریف می‌کنند و نزد سایرین می‌برند تا راه ایمان را ببندند با آن که می‌دانند چه خیانتی مرتکب می‌شوند.

٧٦. و چون با مؤمنان ملاقات کنند ادعا می‌کنند که ایمان آورده‌ایم و چون با نیک‌اندیشان خود به خلوت می‌شوند به صراحت می‌گویند: چرا احکام تورات را که خداوند برای شما روشن کرده است با مؤمنان در میان می‌گذارید تا اعتراف شما را سند بگیرند و شما را در پیشگاه پروردگارتان محکوم سازند، آیا اندیشه بکار نمی‌بندید؟

٧٧. آیا خداوند رحمان اسرار تورات و احکام تلمودشان را در همین قرآن برای همگان تشریح نکرده است؟ و آیا نمی‌دانند که خداوند جهان گفت و شنود پنهانی و ادعای علنی آنان را می‌داند.

٧٨. گروهی از این یهودیان بی‌سوادند و از کتاب خدا چیزی جز زمزمه تلاوت نمی‌شناسند و

يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ^{٧٩} وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ اتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلَفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ^{٨٠} بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^{٨١} وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^{٨٢} وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ^{٨٣} وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تَخْرُجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِّنْ

از معانی آن فقط پنداری در ضمیر خود می‌پرورانند.

٧٩. ولی وای بر دانشمندان، که با دست خود رساله می‌نویسند و به مردم می‌گویند: این فرمان خداست. تا با دست‌نویس خود سیم و زری ناچیز به دست آورند. وای بر آنان از دست‌نویس آنان. وای بر آنان از سیم و زری که به دست می‌آورند.

٨٠. گفتند که آتش دوزخ جز چند صبحی انگشت‌شمار دامن ما یهودیان را نخواهد گرفت که ما زادگان انبیا هستیم. بگو: آیا سندی از خداوند جهان دریافت کرده‌اید که هرگز خداوند جهان از سند و پیمان خود تخلف نخواهد کرد یا تصورات جهالت‌آمیز خود را بر خدا می‌بندید؟

٨١. تصور می‌کنند که چون زادگان انبیا و اوصیایند خداوندشان در عذاب دوزخ جاودان نخواهد کرد. چرا خواهد کرد؛ هر کس گناهی مرتکب گردد و در اثر اصرار بر گناه و بی‌مبالاتی در مذهب خطاهای فراوانش پیرامون او را چون حصار فرا بگیرد اهل دوزخ آتشین است و جاودانه در آن باقی خواهد ماند.

٨٢. متقابلاً کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند آنان اهل بوستان بهشتند که جاودانه در آن می‌مانند.

٨٣. خاطر نشان ساز که ما از یهود بنی‌اسرائیل پیمانی مؤکد گرفتیم که جز فرمان خدا، فرمانی را اطاعت نکنید و با پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بیکاران قوم خود که درمانده و محرومند احسان کنید و با سایرین گفتاری نکو در میان آرید و خوش سخن باشید. نماز را برپا بدارید و زکات اموالتان را بپردازید. ولی شما نسل حاضر بعد از چندی به تکالیف خود پشت پا زدید مگر معدودی از شما یهودیان. و از فرمان خدا روگردان شدید.

دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تُشْهِدُونَ^{۸۴} ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتَخْرُجُونَ فَرِيقًا مِّنْكُمْ مِّن دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتُوكُمْ أُسَارَى تَفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحْرَمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجَهُمْ أَفْتُؤْمِنُونَ بَعْضُ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَن يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ^{۸۵} أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ^{۸۶} وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَفَقَيْنَا مِن بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ^{۸۷} وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ^{۸۸} وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ

۸۴. به یاد آرید که از شما پیمان گرفتیم که خون مردم را مرزید و هم کیشان خود را از لانه و کاشانه خود آواره مسازید و شما خود گواهد که برای پذیرش این تعهد و اعتراف به مواد آن حاضر شدید.

۸۵. اما اینک شما مردم خود را به قتل می‌رسانید و برخی را از خانه و کاشانه خود آواره می‌سازید و بر علیه آنان با بیگانگان یار و پشتیبان می‌شوید تا به زورگویی و تجاوز ادامه دهید، اما اگر در اسارت دیگران باشند با پرداخت جانفدا آزادشان می‌سازید در حالی که اقدام به اخراج و آوارگی آنان بر شما حرام است. آیا به قسمتی از فرمان خدا ایمان می‌آورید و به قسمتی دیگر کافر می‌شوید؟ هر کس به این شیوه ناروا اقدام کند چه سزایی دارد جز رسوایی دنیا که باید با جلای وطن خوار و خفیف شود و روز قیامت به سوی بدترین و شدیدترین عذاب‌ها بازگردان شود. و خداوند جهان از دستاورد شما بی‌خبر نیست.

۸۶. آنان بودند که با دین خود دنیا را خریدند و آخرت خود را فروختند. از این رو شکنجه و عذاب آنان سبک نگردد و دست یاری به سوی آنان دراز نشود.

۸۷. بی‌شک ما به موسی کتاب آسمانی عطا کردیم و در پی او رسولانی دیگر روانه کردیم و در آخر به عیسی بن‌مریم معجزه‌های روشنگر عطا نمودیم و او را با روح قدسی خود مؤید و مجهز کردیم. اما هر وقت رسولی آمد و فرمانی را به شما ابلاغ کرد که شما را خوش نیامد خود را بزرگ‌تر از آن شمردید که فرمان او را بپذیرید؛ برخی را تکذیب نمودید و برخی را به قتل رساندید.

۸۸. گفتند که دل‌های ما سرپوش دارد ولی دل‌هایشان سرپوش ندارد بلکه خداوندشان در اثر کفر و تکبر لعنت کرد که کمتر ایمان می‌آورند.

لَمَّا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلِ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ^{۸۹} بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاؤُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ^{۹۰} وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^{۹۱} وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ^{۹۲} وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَأَسْمِعُوا قَوْلُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^{۹۳} قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ

۸۹. و چون از پیشگاه خداوندشان کتابی نازل شد که دین آنان را تصدیق می‌کند با آن که قبلاً با شناختی که از همین کتاب آسمانی دارند کافران را تهدید می‌کردند و خود را فاتح و پیروز می‌شمردند. بعد از آمدن همین کتاب آسمانی و داشتن شناخت کافی به آن کافر شدند. پس لعنت خدا بر این کافران باد.

۹۰. خود را با قیمت پست و ارزانی فروختند که به قرآن خدا کافر شدند با این وسوسه پلید که چرا خداوند جهان از مازاد رحمت خود کتاب آسمانی را بر آن بنده‌ای که خود می‌خواست فرو فرستاد و بر نژاد یهودان نفرستاد. با این خودخواهی خشم خدا را با خشمی دوباره در بستر خود گسترده و برای این کافران عذابی اهان‌ت‌بار مهیا است.

۹۱. و چون به آنان گفته شود به این کتاب خدا که جدیداً نازل شده است ایمان بیاورید، می‌گویند: ما به آن کتابی ایمان می‌آوریم که بر ما یهودیان نازل شود. اینان به هر کتابی که بر دیگران نازل شود کافر می‌شوند با آن که درست و بر حق باشد و دین آنان را تأیید کند. بگو: پس اگر شما به پیامبران یهودی تبار خود ایمان داشته‌اید، از چه رو در نسل‌های گذشته، آنان را به کشتن داده‌اید؟

۹۲. به یقین موسی با معجزات روشن‌گر آمد ولی شما بعد از غیبت چند روزه او با سیه‌کاری و دروغ پردازی گوساله‌ای را به خدایی پذیرفتید.

۹۳. به یاد آرید که از شما پیمان گرفتیم و کوهی از صخره‌های چرخان آسمانی را بر سر شما بالا گرفتیم و گفتیم باید کتاب تورات را با نیروی تمام در دست بگیرید و به احکام آن عمل نمایید و به فرمان آن گوش دهید. اسلاف شما گفتند: گوش دادیم و فرمان نبردیم. با این کفر و ناسپاسی بود که دل‌هایشان با مهر گوساله سامری آبیاری شد و همواره از نابودی

دُونَ النَّاسِ فَتَمَنُّوا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^{۹۴} وَلَنْ يَتَمَنَّوهُ أَبَدًا بِمَا قَدِمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ^{۹۵} وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يَعْمُرُ الْآلَةَ سَنَةً وَمَا هُوَ بِمُزَحِّزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يَعْمَرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ^{۹۶} قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ^{۹۷} مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ^{۹۸} وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ^{۹۹} أَوْ كَلِمَاتٍ عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا

آن به دست موسی اظهار اسف می کردند. بگو اگر شما صاحب ایمان باشید، این ایمانتان چه فرمان‌های زشت و پلیدی به شما داده است.

۹۴. بگو: ای جهودان! اگر راست می‌گویید که در پیشگاه خدا خانه آخرت ویژه شما خواهد بود و مردم دیگر، نصیبی در بهشت ندارند پس آرزوی مرگ کنید و از حرص و ولع و دنیا پرستی دست بردارید.

۹۵. اما اینان به خاطر دستاورد ناپسندشان هرگز آرزوی مرگ ندارند و خداوند جهان به کردار سیه‌کاران دانا است.

۹۶. اگر به شیوه آنان بنگری خواهی یافت که این مردم بر ادامه زندگی حریص‌تر از دیگرانند حتی بیشتر از مشرکین به زندگی دنیا چسبیده‌اند که زندگی را منحصر به زندگی دنیا می‌دانند تا آن حد که هر کدامشان علاقه دارد هزار سال در دنیا بپاید. اما چه سود که زندگی هزار ساله هم او را از دره‌های دوزخ بیرون نخواهد کشید و خداوند جهان به دستاورد آنان بینا است.

۹۷. بگو: هر کس مانند شما יהودان با جبریل امین دشمن باشد که چرا آخرین وحی را بر کاهنان بنی‌اسرائیل نازل نکرد معلوم است که جبریل را نمی‌شناسد. جبریل همان نیروی عظیم الهی است که با اجازه از ساحت قدس خداوند قرآن را بر قلب تو فرود آورده است. قرآن کتاب‌های پیشین آسمانی را تصدیق دارد و برای مؤمنان راهنما و بشارت است.

۹۸. هر کس دشمن خدا باشد و یا دشمن فرشته‌ها و رسولان خدا باشد و یا دشمن جبرئیل و میکائیل باشد از کافران است و بی‌شک خداوند جهان دشمن کافران است

۹۹. به یقین ما آیاتی روشن‌گر به سوی تو نازل کردیم و جز مردمان فاسق کسی به آیات روشن‌گر ما کافر نخواهد شد.

يُؤْمِنُونَ^{١٠٠} وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا
الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ^{١٠١} وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ
سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ
بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ
مِنْهُمَا مَا يَفِرُقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا
يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ
أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ^{١٠٢} وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّو كَانُوا يَعْلَمُونَ^{١٠٣}

۱۰۰. یهودان هماره با پیامبران خدا رودررو شدند. آیا این تکلیف دینی آنهاست که هر گاه
عهدی با خدای جهان بستند باید گروهی عهد خدا را بشکنند و پشت سر بیندازند؟ نه چنین
نیست. بلکه اکثر یهودیان اهل ایمان نبوده‌اند و با عزم و اراده و از جان و دل پیمان خدا را
امضا نمی‌کرده‌اند.

۱۰۱. بر همین منوال موقعی که رسولی مانند عیسی بن مریم از جانب خدایشان آمد و
تورات آنان را تصدیق و تأیید می‌نمود ابتدا به تعهد خود عمل کردند و به عیسی ایمان
آوردند ولی طبق سنت دائمی جمعی از همان یهودان که انجیل عیسی را به دست گرفته
بودند آن را پشت سر افکندند گویا که اصلاً کتاب خدا را نمی‌شناسند.

۱۰۲. و به جای تورات و انجیل، هم جادوی شیطان‌ها را دنبال کردند که بر علیه پادشاهی
سلیمان به تبلیغ آن پرداخته و می‌گفتند: سر پادشاهی و رمز حشمت سلیمان از همین
مَنَترها بوده است در حالی که سلیمان جادو نکرد که کافر شود بلکه شیطان‌های بداندیش
کافر شدند که جادو را به مردمان آموختند. و هم آن رمزها و طلسمها را دنبال کردند که در
شهر بابل بر دو فرشته مجسم به نام هاروت و ماروت نازل شده بود تا رمز جادوگران را بر
ملا سازند و فرق سحر و معجزه را روشن نمایند. آن دو فرشته که با جامه بشریت ظاهر
شده بودند رمز جادو را به کسی تعلیم نمی‌کردند مگر بعد از آن که خاطر نشان سازند و
بگویند: ظاهر شدن ما در این لباس و در این مقام برای آزمون است تا شما مردمان ساده‌دل
از رمز شوکت ساحران باخبر شوید و آنان را با رسولان برابر نگیرید نه آن که دست به جادو
و جنبل بزنید و کافر شوید که جادوگری کفر است. این یهودان از آن دو فرشته مجسم،
طلسمی آموختند که می‌توانستند میان شوهران و همسران جدایی بیندازند ولی به هیچ‌کس
زیان و بلایی وارد نمی‌کردند جز با رخصت خداوند جهان که مشیت او را به کار بندند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ^{١٠٤} مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ^{١٠٥} مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^{١٠٦} أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ^{١٠٧} أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سَأَلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ^{١٠٨} وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ

یهودان اسرار فراوانی از سحر و جادو فرا گرفتند که برای آنان زیان دنیا و آخرت به بار می- آورد بی آنکه سودی عاید کند و بی شک دانسته بودند که هر کس خریدار سحر و شعبده باشد از زندگی آخرت بهره‌ای ندارد. کاش می‌دانستند که جان خود را با چه قیمت ارزانی فروخته‌اند.

۱۰۳. اگر این یهودان ایمان می‌آوردند و به راه پرهیز و تقوا می‌رفتند پاداش الهی برایشان بهتر از جاه و جلال ساحری بود، و کاش می‌دانستند.

۱۰۴. ای اهل ایمان! شما به تقلید از یهودیان در خطاب خود با رسول خدا «راعنا» مگویید. می‌توانید به جای آن بگویید: «انظرنا» و یا هر جمله دیگری که درخواست شما را دایر به بذل توجه ایفا کند. شما باید این فرمان را بشنوید که هر کسی این فرمان را ناشنیده بگیرد و در خطاب خود به رسول خدا راعنا بگوید کافر است و برای کافران شکنجه دردناکی مهیا است.

۱۰۵. این یهودیان کافر علاقه ندارند و نه مشرکان بت پرست که از سوی پروردگارتان آیتی نازل شود که با خیر و صلاح شما اوفق باشد ولی خداوند رحمان هر که را بخواهد به رحمت رسالت اختصاص می‌دهد و خداوند رحمان فضلی عظیم دارد.

۱۰۶. ما هر آیتی از آیات قرآن را که برداریم و یا از خاطره‌ها محو سازیم آیتی مناسب‌تر از آن و یا آیتی همانند آن به عوض می‌آوریم تا شما را با خیر و صلاحتان آشنا سازیم و آیات قرآن را تثبیت کنیم آیا ندانسته‌ای که خداوند جهان بر انجام هر خواسته‌ای توانا است.

۱۰۷. ندانسته‌ای پادشاهی آسمان‌ها و زمین با خدا است و برای شما غیر از خداوند رحمان، یار و یابوری نیست.

۱۰۸. آیا شما می‌خواهید در اصالت قرآن تردید کنید که چرا آیتی را برداشتند و به جای آن آیتی دیگر تلاوت نمودند یا از رسولتان بخواهید تا جبرئیل را به شما نشان بدهد که چسان

يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ١٠٩ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ١١٠ وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ١١١ بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ١١٢

آیات قرآن را بر دل او نازل می‌کند آن چنان که یهودیان از موسی خواستند تا خدا را به عیان نشان بدهد که چگونه با او سخن می‌گوید؟ با این بهانه‌جوئی‌ها ایمان شما جای خود را به کفر می‌دهد و هر کس ایمان خود را به کفر و تردید بفروشد راه صاف و درست را گم کرده است.

١٠٩. بسیاری از یهودیان که دین خدا را وسیلهٔ تنظیم زندگی می‌شناسند علاقه دارند که شما را از راه ایمان به سوی کفر بکشانند زیرا از نهاد جان، حسد می‌برند که شما بی‌سابقهٔ مذهب، ایمان آوردید و آنان با سابقهٔ مذهب و دریافت بشارت و بعد از روشن شدن حق و حقیقت ایمان نیاوردند. از این رو سبک‌سری آنان را عفو کنید و از پیگرد آنان رو بگردانید تا آن روز که خداوند جهان فرمان خود را به کرسی بنشانند. به یقین خداوند جهان بر انجام هر خواسته‌ای توانا است.

١١٠. شما باید نماز را برپا بدارید و زکات اموالتان را بپردازید. شما هر مبلغی را که برای توشهٔ آخرت تقدیم کنید روز رستاخیز در پیشگاه خداوند رحمان حاضر و محفوظ می‌یابید. خداوند جهان به دستاورد شما بینا است.

١١١. یهود و نصاری در این ادعا اتفاق نظر دارند که هرگز کسی وارد بهشت نخواهد شد مگر آن که یهودی باشد و یا نصرانی بوده باشد. این ادعا هماره ورد زبان آنها است. بگو: اگر راست می‌گویید برهان خود را بر این ادعا اقامه نمایید.

١١٢. بلی، این ادعا دربارهٔ بر گذشته‌های پیشین درست است؛ هر کس در عهد موسی بوده باشد و بر دین او نمرده باشد و یا در عهد عیسی بوده باشد و بر دین او نمرده باشد بی‌شک وارد بهشت نخواهد شد و آن کسانی که در عهد موسی بوده‌اند و بر دین او مرده‌اند و یا در عهد عیسی بوده‌اند و بر دین او مرده‌اند هر کس با صدق و صفا روی خود را به سوی خدا کرده باشد و طاعات مذهبی را با نیک‌اندیشی انجام داده باشد پاداش او در نزد خدا محفوظ است. ترسی بر سر آنان سایه‌گستر نیست و نه خود از آیندهٔ خود بیمی به دل دارند.

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتَّبِعُونَ
الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ
يَخْتَلِفُونَ ۱۱۳ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ
مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۱۱۴
وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولَّوْا فَوَجَّهَ اللَّهُ إِلَيْهِمْ وَوَجَّهَ اللَّهُ إِلَيْهِمْ وَأَسِعَ عَلَيْهِمُ ۱۱۵ وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا
سُبْحَانَهُ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانِتُونَ ۱۱۶ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا
قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۱۱۷ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ

۱۱۳. مردم یهود ادعا دارند که دین نصاری پایه و اصلی ندارد. مردم نصرانی ادعا دارند که دین یهود پایه و اصلی ندارد با آن که هر دو امت برای خود کتابی دارند و آیات آن را تلاوت می‌کنند. بر همین منوال مشرکان نیز ادعا دارند که دین یهود و نصاری هیچ‌یک اصل و پایه ندارد و تنها دین مشرکان است که بر اساس عقل و منطق استوار است. خداوند جهان به روز قیامت در اختلافات آنان داوری خواهد کرد.

۱۱۴. کیست که سیه‌کارتر باشد از کسانی که مانند این مشرکان راه مساجد را ببندند تا نام خداوند رحمان در آن یاد نشود و در ویرانی مساجد بکوشند تا پایگاه ایمان نابود گردد؟ از آغاز تأسیس مساجد آنان را نمی‌رسید که بدان وارد شوند جز با ترس و بیم که آنان را بشناسند و چون سگان برانند تا چه رسد به آن که صاحب‌اختیار آن باشند. در دنیا برای آنان خوارگی و مهانت مقدر شده است و در آخرت عذاب بزرگی برایشان مهیا است.

۱۱۵. مشرق و مغرب هر دو از آن خداست و در صورتی که مغرب را باز نشناسید به هر جانب که رو بگردانید رضای خدا را در مقابل خود می‌یابید. به یقین خداوند رحمان برای کسانی که در تاریکی فرو رفته باشند و قبله مغرب را نشناسند وسعت‌بخش و دانا است.

۱۱۶. یهود و نصاری گفته‌اند که خداوند جهان برای خود فرزندی به عرصه وجود آورده است. خداوند جهان از تعلق خاطر منزّه است که بخواهد برای خود فرزند و همسر اتخاذ کند. هر موجودی که در آسمان‌ها و زمین وجود دارد ملک خداوند است و همه آنان برده اویند و گوش بفرمان.

۱۱۷. او نقش‌آفرین آسمان‌ها و زمین است و چون حکم دهد که پدیده‌ای پا به عرصه وجود گذارد به ناموس آن پدیده می‌گوید: باش. و آن پدیده در ظرف مقدر خود به وجود می‌آید.

كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۱۱۸ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ۱۱۹ وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهَدَىٰ وَلَئِنْ آتَبَعْتُ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۱۲۰ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۱۲۱ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ۱۲۲ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۱۲۳ وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ

۱۱۸. مشرکان که از کتاب و آئین بی‌خبرند می‌گویند: چر خداوند جهان با خود ما سخن نمی‌گوید و پی در پی رسول می‌فرستد. لا اقل يك نوبت سخن بگوید و اعلام کند که قرآن کتاب من است و یا آیتی بر ما ظاهر شود که درستی قرآن را بر ما عیان سازد. مشرکان پیشین نیز چنین می‌گفته‌اند؛ خواسته‌های دل‌هایشان تشابه کامل دارد. اگر مشرکان واقعاً خواستار آیت و معجز باشند باید بدانند که ما معجزه خود را برای اهل یقین در آیات قرآن روشن ساخته‌ایم.

۱۱۹. ما تو را به حق فرستادیم تا مردمان را به پاداش الهی نوید دهی و از عذاب دوزخ بترسانی. تو مسئول دوزخیان نخواهی بود.

۱۲۰. هرگز یهود و نصاری از تو خشنود نمی‌شوند مگر آن‌گاه که از کیش آنان پیروی کنی. بگو: راه درست همان راه خداست و اگر تو از افکار آنان پیروی کنی آن هم بعد از علم و دانشی که از پیشگاه خدایت فرا آمده است، هیچ یار و یآوری نخواهی یافت که تو را از مؤاخذه خدا برهاند.

۱۲۱. اما آن دسته از مردم که منشور قرآن را در اختیارشان نهاده‌ایم تلاوت آن را به نحو شایسته‌ای که توأم با تدبیر باشد دنبال می‌کنند. اینان به منشور قرآن ایمان می‌آورند و هر کس به منشور قرآن کافر شود هم آنان در تجارت دنیا زیانبارند.

۱۲۲. ای یهود بنی‌اسرائیل! خاطر نشان سازید آن نعمتی را که برای اولین بار بر شما قوم یهود انعام کرده‌ام و شما را بر همه جهانیان عصرتان برتری دادم که شما را برای رحمت و طاعت خود برگزیدم.

۱۲۳. شما باید در پروای آن روزی بوده باشید که هیچ کس نتواند به دیگری سزا و پاداش دهد. آن روز از کسی کفیل نپذیرند و شفاعت و همکاری مفید نیفتد و دست یاری به سوی

فَاتَّمَهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ۱۲۴ وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ۱۲۵ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُم بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۱۲۶ وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۱۲۷ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۱۲۸ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ

کسی دراز نگردد.

۱۲۴. به خاطر بسپارید که خداوند رحمان ابراهیم را با کلمه توحید و برائت از مشرکین و مراحل رضا و تسلیم آزمون کرد و ابراهیم آزمون الهی را به پایان برد. پروردگارش گفت: می‌خواهم تو را پیشوای مردمان سازم. ابراهیم گفت: و از نسل و نژادم نیز همواره امام و مقتدایی برانگیز. پروردگارش گفت: عهد و فرمان من به سیه‌کاران دودمانت نخواهد رسید.

۱۲۵. به خاطر بسپارید که خانه خود را برای مردم، میعادگاهی امن و محترم ساختم که هر ساله برای دریافت جایزه انبوه شوند. فرمودیم که مقام ابراهیم را محراب نماز خود بگیرید و ابراهیم و اسماعیل را سفارش کردیم که پیرامون کعبه را برای طواف حاجیان و عرصه مسجد را برای اعتکاف عابدان و برای نمازگزاری راکعان و ساجدان پاک و مطهر بدار.

۱۲۶. به خاطر بسپارید که ابراهیم گفت: بار خدایا! این شهر مکه را امن و آرام کن تا از دستبرد طاغیان و حرامیان برکنار بماند و از ساکنان آن - هر کس به خدا و روز جزا ایمان بیاورد - از ثمرات آن بهره‌مند فرما و پروردگارش گفت: متقابلاً هر کس به خدا و روز جزا کافر شود چند صباحی در این بوم و بر از ثمرات آن بهره‌مند گردانم و سپس او را بی‌چاره سازم تا به دوزخ درآید و دوزخ بد جایگاهی است که به آن وارد شوند.

۱۲۷. به خاطر بسپارید که ابراهیم با کمک اسماعیل دیوار کعبه را بر روی پی‌های جوشیده از سنگ بالا بردند و سپس دعا کردند بار پروردگارا! این خدمت را از ما بپذیر. به یقین تو نیایش ما را می‌شنوی و از خدمت و طاعت ما آگاهی.

۱۲۸. پروردگارا! ما را بر راه رضا و تسلیم بدار تا فرمان تو را از دل و جان گردن نهیم و از نژاد ما امتی پیشرو برانگیز که فرمان تو را گردن نهند. مراسم حج و قربانی را به ما ارائه فرما تا خانهات را رسماً زیارت کنیم و با ما آشتی کن که تو آشتی کننده‌ای مهربانی.

يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۱۲۹ وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مِنْ سَفَهٍ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ۱۳۰ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۱۳۱ وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۱۳۲ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ۱۳۳ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۱۳۴ وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ

۱۲۹. بار پروردگارا! و در آن امت، رسولی از خودشان برانگیز که آیات قرآنت را بر آنان تلاوت کند و فرائض و سنن را به آنان بیاموزد و از آلودگی‌هایشان بیالاید و تو عزتمند و کاردانی.

۱۳۰. کیست که از کیش ابراهیم رو برتابد مگر کسی باشد که جان خود را به سفاهت کشانده باشد. به یقین ما ابراهیم را در زندگی دنیا برگزیدیم و او در زندگی آخرت از صالحان است.

۱۳۱. ما آن روزی از میان جهانیانش برگزیدیم که پروردگارش به او گفت: به فرمان من گردن بنه، و او گفت: من به فرمان پروردگار جهانیان گردن نهادم.

۱۳۲. ابراهیم در آخرین نفس فرزندان خود را به کیش رضا و تسلیم سفارش کرد و یعقوب پدر یهودیان نیز فرزندان خود را در آخرین دم توصیه کرد که ای فرزندان من! خداوند از نعمت‌های این جهان دین خود را برای شما برگزید. از این رو هرگز لحظه‌ای هم به نافرمانی خدا دست نزنید مبادا که مرگ محتوم شما در آن لحظه فرا برسد و شما در حالی غیر از حال رضا و طاعت بمیرید.

۱۳۳. آیا شما یهودان به هنگام مرگ ابراهیم در کنار او حاضر و ناظر بوده‌اید و یا به آن هنگام که مرگ یعقوب پسرزاده او فرا رسید در بالین او حاضر و ناظر بوده‌اید که از فرزندانش پرسید: بعد از من کدامین خدا را می‌پرستید؟ و زادگان یعقوب گفتند: خدای تو را می‌پرستیم که خدای تو و خدای پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق است یکتا و بی‌همتا. ما همگان در برابر فرمان او تسلیم و خاضعیم.

۱۳۴. اینان امتی بودند پیشرو که قبل از شما یهودیان درگذشتند. دستاورد آنان به خود آنان می‌رسد و دستاورد شما ویژه شما خواهد بود و شما از دستاورد آنان بازجویی ندارید.

إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۱۳۵ قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ۱۳۶ فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۱۳۷ صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ ۱۳۸ قُلْ أَتَحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ۱۳۹ أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ قُلْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةَ عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۱۴۰ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا

۱۳۵. و یهود و نصاری به شما گفتند: یهودی شوید یا نصرانی شوید که اگر یهودی شوید یا نصرانی شوید، رهیاب شده‌اید. بگو: نه، بلکه باید کیش ابراهیم حنیف را پیروی نمایم که از کجی و کجروی برکنار بود و هرگز مشرک نبود.

۱۳۶. شما بگویید: ما بدون تعصب و گروه‌گرایی به خدای جهان ایمان آورده‌ایم و به قرآنی که بر ما نازل شده است ایمان داریم و به هر پیامی که بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان یاقوب نازل شده است ایمان داریم و به تورات موسی و انجیل عیسی و به هر دفتری که انبیاء از جانب پروردگار شان دریافت کرده‌اند ایمان داریم. ما هیچ‌یک از انبیا را بر دیگری امتیاز نمی‌دهیم و در برابر فرمان خدا سر تسلیم و رضا فرود آورده‌ایم.

۱۳۷. اگر یهود و نصاری نیز همانند ایمان شما ایمان آوردند رهیاب شده‌اند و اگر از شعار شما روگردان شدند به یقین بر سر آنند که با تعصب راه خود را از راه شما جدا سازند. به زودی خداوند جهان شر آنان را از تو کفایت خواهد کرد و خدا ستیز شما را می‌شنود و به حال شما بینا است.

۱۳۸. ایمان بی‌تعصب و با اخلاص همان تعمیم الهی است و کیست که بهتر از خدا تعمیم دهد. ما فقط او را می‌پرستیم.

۱۳۹. بگو: آیا درباره خداوند هم با ما بحث و جدل دارید؟ خداوندی که هم پروردگار ما است و هم پروردگار شما؟ دستاورد ما برای ما است و دستاورد شما برای خودتان خواهد بود. با این تفاوت که ما در برابر خداوندمان خالص و یکرنگیم.

۱۴۰. آیا ادعا دارید که شما یهودیان و یا نصرانیان صددرصد پیرو ابراهیم و زادگان او هستید؟ یا ادعا دارید که ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان یاقوب

يَعْمَلُونَ^{١٤١} سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَا هُمْ عَنْ قِبَلَتِهِمْ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ^{١٤٢} وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَوُّوفٌ رَحِيمٌ^{١٤٣} قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ

یهودی و یا نصرانی بوده‌اند؟ بگو: شما بهتر می‌دانید که در آن زمان نبوده‌اید یا خداوند جهان که پروردگار آنها است؟ کیست که سیه‌کارتر باشد از کسی که مانند شما یهود و نصاری شهادت خود را از خدای خود پنهان کند با آن که خداوند جهان از دستاورد شما غافل و بی‌خبر نیست.

١٤١. آنان امتی بودند پیشرو که قبل از یهود و نصاری درگذشتند. دستاورد آنان به خود آنان می‌رسد و دستاورد شما ویژه شما خواهد بود و شما از دستاورد آنان بازجویی ندارید.

١٤٢. به زودی بی‌خردان مردم می‌گویند: چه رویدادی مسلمین را از قبله پیشین آنان منصرف کرد. قبله‌ای که تاکنون رو به آن جانب نماز می‌خواندند؟ بگو: مشرق و مغرب از آن خداست. خداوند رحمان هر امتی را که بخواهد به راه راست و هموار هدایت می‌کند.

١٤٣. ما با این قبله جدید که نقطه ثابتی در روی زمین باشد شما مسلمین را امتی ساخته‌ایم که در حد اعتدال است. یهود و نصاری هر جا که باشند دو جبهه مخالف تشکیل می‌دهند و در نماز خود به هم پشت می‌کنند، یک جبهه رو به شرق و یک جبهه رو به غرب، و شما با این قبله ثابت با هیچ امتی جبهه‌بندی ندارید اگر قبله شما در شرق شما باشد با نصرانیان همگام می‌شوید و اگر قبله شما در غرب شما باشد با یهودیان در یک جهت می‌شوید و در عین حال و در هر حالت استقلال خود را تثبیت کرده‌اید؛ ما این قبله را مقرر کردیم تا امت شما بر سایر امت‌ها سند و گواه اعتدال باشد و این رسول ما هم بر شما سند و گواه اعتدال باشد. ما قبله پیشین شما را برای آن مقرر کرده بودیم تا امروز بدانیم کدامین شما پیروی رسول را گردن می‌نهد و کدامین شما از دین خود عقب‌گرد می‌کند و باز می‌گردد. بی‌شک قبله پیشین اینک عقده‌ای شده است که دل‌های همگان را می‌فشارد جز آن کسانی که خدایشان هدایت کرده است. خداوند شما خداوندی نیست که ایمان شما را به قبله پیشین ضایع و بی‌اجر بگذارد و نمازهایتان را باطل اعلام کند چرا که خداوند رحمان به مردمان رأفت و مهر دارد.

قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلَّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ^{١٤٤} وَلَئِنْ آتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتِهِمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنْ آتَيْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ^{١٤٥} الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ وَإِنْ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ^{١٤٦} الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ^{١٤٧} وَلِكُلِّ وُجْهَةٍ هُوَ مَوْلِيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^{١٤٨} وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ

١٤٤. گاه و بیگاه دیده‌ایم که چهره‌ات را با آرزو و تمنا به اطراف و اکناف آسمان می‌چرخانی بدین امید که فرشته‌ وحی با فرمان جدیدی نازل شود و قبله دلخواه تو را قبله مسلمان اعلام کند. از این رو حتماً و جزماً روی تو را از مغرب به سوی آن قبله‌ای برمی‌گردانیم که محبوب تو باشد و رضای خاطر را فراهم آورد. پس اینک رویت را به سوی مسجدالحرام بگردان و شما مؤمنان نیز - در هر جا که باشید - بدون استثنا روی خود را به جانب آن بگردانید تا استقلال خود را اعلام کنید. بی‌شک کسانی که بشارت‌های کتاب انجیل را دریافت کرده‌اند می‌دانند که این فرمان به حقیقت از پیشگاه پروردگارشان صادر شده است و خداوند جهان از دستاورد آنان بی‌خبر نیست.

١٤٥. با وجود این اگر به همین مردمی که بشارت انجیل را در دست دارند هر گونه معجزی ارائه دهی از قبله تو متابعت نخواهند کرد و تو نیز از قبله آنان متابعت نخواهی کرد گرچه در برخی مناطق رو به مشرق نماز بخوانید و ظاهراً با امت نصاری در یک جهت باشید. یهود و نصاری نیز هر یک فلسفه‌ای دارند که هیچ‌یک تابع دیگری نخواهد گشت. به یقین اگر تو از افکار فلسفی آنان متابعت نمایی آن هم بعد از علم و دانشی که تو را به دست آمده است حتماً از سیه‌کاران جهان خواهی بود.

١٤٦. آنان که بشارت‌های انجیل را در دست دارند فرمان جدید ما را چنان دقیق و روشن می‌شناسند که فرزندان خود را در جمع کودکان می‌شناسند. اما یک دسته آنان با داشتن علم و آگاهی حقیقت را کتمان می‌نمایند.

١٤٧. این حقیقت از پیشگاه پروردگارت فرا آمده است مبدا از شبهه‌گرایان باشی.

١٤٨. هر امتی از دینداری خود هدفی را دنبال می‌کند و رو به سوی آن می‌تازد و شما مؤمنان باید برای تحصیل نیکی‌ها و بهترین‌ها سبقت بگیرید. شما در هر کجا که باشید

شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ^{۱۴۹} وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمِ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ^{۱۵۰} كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ^{۱۵۱} فَادْكُرُونِي أذكُرْكُمْ وَأشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونَ^{۱۵۲} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ^{۱۵۳} وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي

خداوندتان به روز رستاخیز در یکجا گرد می‌آورد. خداوند جهان بر انجام هر خواسته‌ای توانا است.

۱۴۹. اگر تو داخل مسجدالحرام باشی باید کعبه و بیت المقدس هر دو را قبله نمازت قرار دهی و آن‌جا که از مسجدالحرام بیرون شدی رویت را به جانب مسجدالحرام برگردان و بدان که این فرمان بر حق از جانب پروردگارت صادر شده است و خداوند جهان از دست‌آورد شما بی‌خبر نیست.

۱۵۰. و اگر در شهر بیت المقدس بودی باید کعبه و بیت المقدس هر دو را قبله خود بگیری و هر جا که از بیت المقدس بیرون شدی رویت را به جانب مسجدالحرام برگردان. و اما شما مؤمنان هر جا که باشید بدون استثنا باید روی خود را به جانب مسجدالحرام بگردانید. این فرمان از آن جهت صادر شده است تا مردمان را بر شما حجتی نماند - جز سیه‌کارانشان که با حجت و بی‌حجت زبانشان کوتاه نخواهد شد. پس شما از سیه‌کاران فتنه‌گر نهراسید و از من بهراسید - و از این جهت که می‌خواستم نعمت خود را بر شما کامل کنم و برای این که شما رهیاب شوید.

۱۵۱. این نعمت با نعمت رسالت برابر بود که استقلال شما را تثبیت کرد درست مانند آن که از خود شما مردم در میان شما رسولی برانگیختیم تا آیات ما را بر شما تلاوت کند و شما را از آلودگی‌ها پاک و مطهر سازد و فرائض و سنت‌ها را به شما بیاموزد و معارفی را به شما تعلیم دهد که شما خود به علم و دانش آن راه نمی‌بردید.

۱۵۲. پس به یاد من باشید و سپاسگزار من باشید و نعمت‌های مرا کفران مکنید.

۱۵۳. ای اهل ایمان! شما باید در برابر مشکلات زندگی از صبر و استقامت کمک بگیرید و در برابر مشکلات روحی از نماز و نیایش یاری بجویید. این را بدانید که خداوند با مردمان شکیبایار است.

سَبِيلَ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ^{١٥٤} وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ
 مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ^{١٥٥} الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا
 إِلَيْهِ رَاجِعُونَ^{١٥٦} أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ^{١٥٧} إِنَّ الصَّفَا
 وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَن تَطَوَّعَ
 خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ^{١٥٨} الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِن بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ
 لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ^{١٥٩} إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّاهُ
 فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ^{١٦٠} إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ

١٥٤. کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مگوئید. آنان نمرده‌اند، زنده‌اند و شما احساس نمی‌کنید.

١٥٥. ما با انواع ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و آفات سردرختی و پادختی، شما مردم را در بوتۀ آزمون می‌گذاریم تا صبر و استقامت شما را عیار کنیم. صابران شکیبیا را مژده‌بخش ظفر و سلامت باش.

١٥٦. همان صابرائی که چون مصیبتی بر جان و مالشان درآید با این شعار ایمانی خود را تسلاً می‌دهند که إِنَّا لِلَّهِ و إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ : ما همگان از آن خدا هستیم نه از آن هم و عزیزی را که از دست داده‌ایم از آن خدا بود نه از آن ما. او به سوی خدای خود رفت که همگان باید به آن راه برویم.

١٥٧. اینها ایند که صلوات خدا و رحمت خدا از جانب پروردگارش بر آنان نثار می‌شود و هم آنها ایند که رهیابند.

١٥٨. کوه صفا و کوه مروه از شعارهای خداوند است که از زمین جوشیده مسیر حج را مشخص می‌کند. هر کس به روزهای دعوت رسمی، حج بگذارد و یا به روزهای دیگر عمره بجا آورد مانعی ندارد که بر مدار صفا و مروه طواف کند. هر کس این طواف را به عنوان طاعت و مراسم زیارت انجام دهد خداوند دانا سپاسگزار طاعت او خواهد بود.

١٥٩. بی‌شک کسانی که شناخت خود را از شواهد رسالت و نور هدایت کتمان نمایند آن هم بعد از آن که در کتاب تورات برای مردمان روشن کرده‌ایم آنها ایند که خداوندشان با همه فرشته‌ها و همه مؤمنان مسئول، لعنت و نفرین می‌نمایند.

١٦٠. جز آن کسانی که با ندامت راه اُستی بگیرند و خرابکاری‌های خود را اصلاح کنند و شهادتی را که پنهان و کتمان کرده‌اند برای مردم بیان سازند با این دسته از اصلاحگران

لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ^{١٦١} خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ^{١٦٢} وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ^{١٦٣} إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ^{١٦٤} وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ^{١٦٥} إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ

است که من توبه و آشتی می‌کنم و من توبه‌پذیری مهربانم.

١٦١. به یقین کسانی که کافر شده‌اند و با حال کفر و بی‌ایمانی بمیرند لعنت خدا و فرشته‌هایش با لعنت همهٔ مردم بر سر آنان نثار می‌شود و هر کسی را که لعنت خداوند رحمان فرا بگیرد به دوزخ نگویند می‌شود.

١٦٢. جاودانه در دوزخ خواهد ماند بی‌آنکه در عذاب او تخفیفی حاصل شود و یا ساعتی مهلت استراحت بیابد.

١٦٣. خدای شما مردم خداوندی یکتا است که جز او خدایی وجود ندارد. رحمان است و مهربان است.

١٦٤. به یقین در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پیدایش شب و روز و در آن کشتی‌ها که در پهنهٔ دریا به سود مردم روان شده‌اند و در آن آب‌ها که خداوند رحمان برای شما از آسمان فرو فرستاده و خاک مرده و بی‌جان را با آن آب، حیات بخشیده است و از هر نوع جنبنده‌ای که تصور شود در زمین پراکنده است و در چرخش بادهای از چپ و راست و آن ابرها که در وسط آسمان و زمین رام و مهار شده‌اند برای اندیشمندان نشانه‌های ربوبیت و تربیت آشکار است.

١٦٥. برخی از مردم به جای آن که خدا را دوست بدارند برای او همتیانی می‌تراشند و آن‌سان به دوستی با آن خدایان تقدس می‌دهند که باید به دوستی با خداوند جهان تقدس بدهند ولی آن کسانی که خدای جهان را به خدایی گرفته‌اند و بدو ایمان آورده‌اند با خدای خود محبتی شدیدتر و استوارتر دارند و اگر سیه‌کاران عذاب دوزخ را دیده بودند می‌دانستند که همهٔ قدرت‌ها از آن خداوند است و می‌دانستند که عذاب خدا چه سهمگین است.

وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابَ^{۱۶۶} وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّا كَرِهْنَا لَنَا كَرَةً فَنَتَّبِرَآ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّوْا مِنَّا كَذَلِكَ يَرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسِرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ^{۱۶۷} يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ^{۱۶۸} إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَن تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ^{۱۶۹} وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلُو كَانُوا آبَاءَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ^{۱۷۰}

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بِكُمْ عَمِي فَهَمُّ لَا يَعْقِلُونَ^{۱۷۱} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ

۱۶۶. آن روز که رهبران از پیروانشان بیزار می‌جویند و اظهار نفرت کنند و همگان از تابع و متبوع عذاب خدا را با چشم بنگرند و پیوندهای فکری و وسایل ارتباطی آنان پاره پاره شود.

۱۶۷. و پیروانشان گویند: کاش دوباره به دنیا باز می‌گشتیم و از پیشوایان و رهبران خود اظهار برائت و نفرت می‌نمودیم آن‌سان که امروز نفرت و بیزار می‌خورد را از وجود ما اعلام کرده‌اند. خداوند به این صورت دستاوردهای خود را با تجسمی حسرت‌بار در مقابل چشمانشان عیان می‌سازد و امکان خروج از دوزخ را به آنان نخواهد داد.

۱۶۸. ای مردمان! از فراورده‌های زمین تناول کنید بر وجهی که حلال و پاک باشد و گام‌های شیطان را دنبال نکنید که از فراورده‌های حرام و ناپاک زمین تناول نمایید. بی‌شک شیطان برای شما دشمنی است که قبلاً موضع خود را اعلام کرده است.

۱۶۹. شیطان کاری جز این ندارد که شما را به زشتی و پلیدی فحشاء فرمان دهد و وادار کند که بر خداوند جهان دروغ‌های ناسنجیده ببندید.

۱۷۰. و چون گفته شود: برنامه قرآن را دنبال کنید که خداوند شما، از آسمان نازل کرده است می‌گویند: ما فقط سنتی را دنبال می‌کنیم که پدران خود را بر آن سنت‌ها پویا دیده‌ایم. آیا اگر پدرانشان اهل فساد و فحشاء بوده باشند باز هم از سنت آنان پیروی می‌نمایند و یا اگر پدرانشان اهل تدبیر نبوده راه به جایی نبرده‌اند باز هم باید از سنت آنان پیروی نمایند؟

۱۷۱. حکایت این کافران مشرک حکایت آن مردی است که برای فرا خواندن دام‌ها و یا راندن چارپایا صدایی چون بانگ کلاغ از حلقوم خود سر می‌دهد و دام‌ها و چارپایا با بانگ لطیف و آوای نرم او نزدیک می‌شوند و با فریاد تند و پر هیبت او رم کرده پراکنده می‌شوند بی‌آن‌که از کلمات او چیزی بفهمند. گویا این مردم همگان کر و لال و کورند که از کلمات و اشارات قرآن چیزی نمی‌فهمند. از این رو عقل و اندیشه بکار نمی‌بندند.

۱۷۲ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۷۳ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتُرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۱۷۴ أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهَدَىٰ وَالْعَذَابُ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ۱۷۵ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ۱۷۶ لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ۱۷۷ يَا

۱۷۲. ای اهل ایمان! اگر می‌خواهید که خدا را بپرستید از روزی‌های پاک ما تناول کنید و خدا را شاکر باشید که پاک و ناپاک را به شما معرفی می‌کند.

۱۷۳. جز این نیست که خداوند رحمان فقط دام‌های مُرده و خون جهنده و گوشت خوک‌های گردن‌گراز چشم‌تنگ را حرام و ناپاک می‌داند به اضافه هر دامی که با نام بردن معبودی جز نام «الله» قربانی شود. اما هر کس در حال اضطراب از روزی‌های ناپاک مزبور تناول کند با این شرط که اضطراب او در اثر بغی و عدوان نباشد که به خاطر چپاول و غارت به بیابان رفته باشد و یا به خاطر ستم و دشمنی، در این صورت گناهی بر گردن او بار نمی‌شود. به یقین خداوند جهان‌آمرزگاری مهربان است.

۱۷۴. کسانی که احکام آسمانی را کتمان می‌کنند و بدین وسیله سیم و زری اندک به کف می‌آورند اینان جز آتش دوزخ چیزی در شکم خود جای نمی‌دهند. به رستاخیز خداوند با آنان هم‌سخن نمی‌شود و جانشان را پاک و مطهر نمی‌سازد و برای آنان عذاب دردناکی مهیا است.

۱۷۵. اینان با داشتن قرآن به جای هدایت خریدار گمراهی شدند و آمرزش خدا را با عذاب آخرت عوض کردند. شگفتا از تاب و طاقت آنان بر آتش دوزخ.

۱۷۶. این عذاب‌ها از آن جهت است که خداوند رحمان کتاب آسمانی را به حق نازل کرده است و آنان که در صحت آن تردید و جدل دارند بر آنند که بر سر این دو راهی هر چه بیشتر از شما فاصله بگیرند.

۱۷۷. کار نیکو تنها این نیست که چون نصاری روی خود را به جانب مشرق کنید و نماز

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرُّ بِالْحَرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّءْ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بِعَدْوٍ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ^{١٧٨} وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ^{١٧٩} كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ^{١٨٠} فَمَنْ بَدَلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَأِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ

بخوانید و یا همچون یهودان روی خود را جانب مغرب بگردانید و نماز بخوانید. نکوئی را در کردار آن کسی به عیان می‌توان دید که ایمان دارد به خدا و روز قیامت و فرشته‌های خدا و کتاب‌های آسمانی و پیامبران الهی و با آن که مال دنیا را برای خود دوست دارد به خویشاوندان خود و یتیمان و بیکارانشان و درماندگان همسفر خود و دریوزگان منزل خود عطا می‌کند و در آزادی بردگان شرکت می‌کند. نماز را برپا می‌دارد و زکات فریضه را می‌پردازد. همان کسانی که چون تعهدی را امضا کنند به تعهد خود پابند و وفادارند و در سختی و بدبختی و در صحنه‌های نبرد و جهاد صبور و شکیبایند. تنها اینان در ادعای نکوکاری صادقند و هم‌اینان صاحبان تقوایند.

۱۷۸. ای اهل ایمان! قصاص و برابری در خونخواهی مقتولان بر شما یک شرط مكتوب است؛ مرد آزاد در برابر مرد آزاد، برده زرخرید در برابر برده زرخرید، زن در برابر زن باید به قتل برسد. اگر قاتل از جانب یک نفر از خونخواهان مقتول برادرانه عفو شود، سایر خونخواهان باید به شایستگی پیرو او باشند و از کشتن قاتل درگذرند و قاتل باید با نیکی و احسان سهم آنان را از دیه مقتول بپردازد. این حکم به صورت تخفیف در قصاص و به خاطر رحم و شفقتی بر قاتل از پیشگاه پروردگارتان صادر شده است هر کس از این قانون تجاوز کند و از این پس بر اساس قانون جاهلیت و یا حکم تورات عمل کند عذاب دردناک دوزخ در انتظار او است.

۱۷۹. ای صاحبان مغز و خرد! رعایت قصاص و برابری در خونخواهی مایه زندگی و حیات است که کمتر به جان قاتل دست یابید و به خونبها راضی شوید. این نکته از آن جهت روشن کردیم که هر چه بیشتر تقوی و احتیاط را در خونخواهی رعایت کنید.

۱۸۰. ای اهل ایمان! به آن هنگام که مرگ بر بالین یک تن از شما حاضر شود - در صورتی که میراثی قابل توجه از خود بجا گذارد - این تکلیف بر عهده شما فرض و مكتوب است که برای پدر و مادر و نزدیک‌تران خود وصیت کنید بر وجهی که حق آنان محفوظ

يَبْدُلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۱۸۱ فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ
 إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۸۲ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ
 قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۱۸۳ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ
 وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ
 إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۱۸۴ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى

بماند، تکلیف وصیت علاوه بر این که مکتوب است حقی است که بر عهده اهل تقوا سنگینی می کند که اگر بی وصیت بمیرند چه بسا حق برخی از وارثان به وسیله دیگران ضایع بماند.

۱۸۱. بعد از آن که وصیت برگزار شود هر کس مراتب وصیت او را به هنگام ادای شهادت و یا اجرای وصیت تغییر دهد - بعد از آن که با گوش خود شنیده باشد - گناه این تغییر و تبدیل بر دوش همان کسانی بار می شود که مراتب وصیت را تغییر دهند. به یقین خداوند رحمان به مرتب وصیت و نیت و اهداف شما دانا است.

۱۸۲. اما اگر کسی خائف باشد که وصیت گزار، با این سفارش و این نوع تقسیم، حق مشروع کسی را ناحق کرده است و یا ناحقی را به لباس حق آراسته است و به منظور احقاق حق از متن وصیت عدول کند و میان وارثان ذی حق صلحی برقرار سازد و رضایت همگان را به دست آورد اعتراضی و گناهی بر او نخواهد بود. و اگر در تشخیص خود دچار اشتباهی شده باشد خداوند رحمان آمرزنده و مهربان است.

۱۸۳. ای اهل ایمان! روزه داری بر شما يك تکلیف مکتوب است که در هر حال و تا روز مرگ باید از عهده آن برآیید و بعد از مرگ شما باید ولی خاندانتان آن را انجام دهد. روزه داری با همان کیفیت و همان شرایطی بر شما مکتوب شده است که بر امت های پیشین مکتوب و قطعی شده بود که می باید به هنگام غروب و قبل از خواب شبانه يك وعده غذا تناول کنید و بعد از خواب شبانه تا غروب روز دیگر از خوردن و آشامیدن خویشتن داری کنید و مباشرت با همسران را به طور کلی قطع نمایید. این تکلیف از آن جهت صادر شد تا شما راه تقوا را باز یابید و با این تمرین در برابر محرمات الهی مقاومت بیشتری حاصل نمایید.

۱۸۴. روزه داری فقط چند روز معدود است که دهم و یازدهم و دوازدهم هر ماه است. ولی هر کس از شما مؤمنان که بیمار باشد و روزه داری برای بیماری او زیان داشته باشد و یا در

وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ^{۱۸۵} وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ^{۱۸۶} أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ

حال سفر باشد به همان شمار قبلی از روزهای دگر روزه‌داری کند و آن کسانی که از روزه‌داری طاقت آنان طاق شود، می‌توانند روزه خود را افطار کنند و به عنوان فدا یک نفر بیکار تهیدست را به یک وعده غذا مهمان کنند و هر کس داوطلبانه به قصد طاعت بر یک وعده غذا بیفزاید که دو وعده غذا تقدیم کند برای او بهتر خواهد بود و روزه‌داری شما با وجود سختی و دشواری بهتر از تقدیم فدا و افطار است. اگر دانسته باشید حتماً روزه را بر تقدیم فدا مقدم می‌دارید.

۱۸۵. ماه رمضان ماهی است که منشور قرآن در آن ماه نازل شده است تا رهنمودی باشد برای مردم و دلایلی که روشنگر آن هدایت باشد و فارق حق و باطل تا به وسیله آن درست و نادرست را معلوم دارند. اینک و پس از گذشت چند سال روزه پراکنده، هر کس ماه رمضان را دریابد باید تمام آن ماه را روزه بدارد و هر کس بیمار باشد و یا در حال سفر باشد باید به تعداد روزهای این ماه از روزهای دیگر ماهها روزه‌داری کند. خداوند برای شما سهولت و آسایش می‌خواهد که روزه را به اوقات سلامت و حضور در وطن اختصاص می‌دهد و فرصت قضای آن را تا سال دیگر تمدید می‌کند، نه دشواری و محنت که در حال بیماری و مسافرت نیز شما را به روزه‌داری تشویق کند و یا قضای آن را بلافاصله به روزهای بعد از بیماری و مراجعت از سفر موکول سازد. خداوند سی‌وشش روز روزه‌های پراکنده در سال را بعد از تخفیف کلی به ماه رمضان انتقال داد تا برکات این ماه را بر ثواب روزه‌داری بیفزاید و روزه خود را بی‌توجه به ارقام روزه قبلی و بی‌توجه به ایام ماه رمضان در پایان آن ماه کامل کنید و در روز بعد خداوند رحمان را با تکبیرات کافی بزرگ بدارید که شما را به این فیض عظیم هدایت کرد و باشد که شما شاکر نعمت‌های او باشید.

۱۸۶. و اگر بندگان من از وجود من جويا شوند، باید بدانند که من به آنان نزدیکم و چون کسی «یا الله» بگوید جواب او را می‌دهم در صورتی که مرا بخواند. پس آنان نیز باید موقعی که فرا بخوانمشان و «یا ایها الذین آمنوا» بگویم به من پاسخ بدهند و به من ایمان بیاورند که دعوت من به سود آنها است. باشد که راه رشد را دریابند.

لِبَاسٍ لَّهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ
وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ
الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ
فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ^{١٨٧} وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ
وَتَدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ^{١٨٨} يَسْأَلُونَكَ عَنِ
الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ
اتَّقَى وَأَتَى الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^{١٨٩} وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ

١٨٧. و اینک هم پس از سالی دگر برای شما حلال و روا ساختیم که در شب‌های
روزه‌داری با مغالزه به بستر همسرانتان وارد شوید؛ آنان جامه تن شما باشند و شما جامه تن
آنان باشید. خدا دانست که شما در شب‌های روزه‌داری به جان خود خیانت می‌کردید که
قانون روزه را می‌شکستید. خداوند از روی آشتی به سوی شما بازگشت و از شما درگذشت.
از این پس به شب‌های روزه‌داری مجازید که با همسرانتان مباشرت نمایید و در جستجوی
آن غسل و طهارتی باشید که بعد از مباشرت، خداوند رحمان به سود شما فرض و مکتوب
نموده است. به شب‌های روزه‌داری می‌توانید بخورید و بیاشامید تا آن لحظه‌ای که نخ سفید
در اثر روشنایی نور فجر از نخ سیاه ممتاز شود و از آن لحظه به بعد روزه خود را آغاز کنید و
تا شب ادامه دهید ولی در آن روزها که برای اعتکاف و عبادت در یکی از مساجد رسمی
مقیم شده‌اید شب‌ها و روزها کلاً با همسرانتان مباشرت نکنید. این است مرزهای احکام
الهی. مبدا که به این مرزها نزدیک شوید که ندانسته از آن تجاوز کنید. با این شرح و
توضیح خداوند رحمان آیات خود را برای مردم روشن می‌سازد باشد که به راه تقوا بروند.

١٨٨. شما با دستاویز باطل مال مردم را نخورید به این صورت که قسمتی از حق دیگران را
به کیسه قاضیان و حاکمان رشوه‌خوار سرازیر کنید تا با زور قاضی و حاکم، قسمتی از اموال
مردم را با زور و گناه به حلقوم خود بریزید با آن که حق مشروع و قانونی دیگران را
می‌شناسید.

١٨٩. می‌پرسند که در هلال ماهها چه رمزی نهفته است؟ بگو: هلال ماهها برای مردم
تاریخ محاسبات است و میعاد حج که حرکت خود را از ماهها و یا روزها بیشتر تنظیم کنند و
بتوانند به موقع در مراسم ضیافت شرکت نمایند اینک که سخن از حج به میان آمد این را
هم بدانید که در مناسک و اعمال حج از کارهای نکو، آن نیست که برای استراحت از

يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ١٩٠ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ١٩١ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ١٩٢ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ١٩٣ الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ

پشت‌بام‌ها و روی دیوارها به خانه درآیید تا از قرار گرفتن در زیر سقف و سایبان احتراز کرده باشید شما باید نکویی را در وجود کسی مجسم ببینید که در حال احرام از ناروای شرعی پرهیز می‌کند. شما اجازه دارید که هنگام استراحت و توقف، از درگاهی خانه‌ها وارد خانه شوید و در زیر سقف آن استراحت نمایید گرچه در حال احرام باشید. شما باید در حال احرام از محرّمات سفر که صید صحرا است پرهیز کامل داشته باشید باشد که رستگار شوید.

١٩٠. و در راه خدا که حج و جهاد است با آن کسانی پیکار کنید که با شما پیکار کنند اما تجاوز نکنید. به یقین خداوند جهان متجاوزان را دوست نمی‌دارد.

١٩١. در راه آنان کمین کنید و هر جا که بر آنان دست بیابید آنان را بکشید و از شهر و دیاری که شما را بیرون راندند بیرونشان برانید. ما به شما حق کشتن داده‌ایم ولی شکنجه سخت‌تر و بالاتر از قتل است. از این رو شما حق شکنجه ندارید گرچه آنان شکنجه‌گر باشند. شما در منطقه مسجدالحرام که از عهد اول با علم‌ها و برج‌های سنگی مشخص شده است با کافران مشرک پیکار نکنید، مگر بعد از آن که آنان در همان محدوده مسجدالحرام دست به قتال و پیکار بزنند، اگر آنان دست به پیکار زدند شما آنان را بکشید و امان ندهید، که سزای همه کافران همین است.

١٩٢. و اگر در حین پیکار دست از پیکار کشیدند شما هم باید از پیکار آنان دست بکشید که خداوند رحمان آمرزگاری مهربان است.

١٩٣. آنان شکنجه‌گرد و شما باید با آنان پیکار کنید تا دیگر شکنجه‌ای و شکنجه‌گری بر جا نماند که مؤمنان را به جرم ایمان عذاب کند و تنها، قانون خدا حکمروا گردد و اگر از شکنجه مؤمنان دست کشیدند شما هم از قتال و پیکار آنان دست بکشید و در محدوده حرم به آنان تعرض نکنید که تعرض در حرم تجاوز است و تجاوز جز بر مردمان سیه‌کار روا نخواهد بود.

عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ^{١٩٤} وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ^{١٩٥} وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَخْلَقُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةً إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَّمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ^{١٩٦} الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي

١٩٤. ماه حرام در مقابل ماه حرام قرار خواهد گرفت و هر حرمتی با حرمتی همسان آن باید مکافات شود، از این رو هر کس بر علیه شما از قانون حرمت ماهها و منطقهها تجاوز کند شما هم بر علیه او از قانون حرمت ماهها و منطقهها تجاوز کنید و از خداوند جهان بپرهیزید که در این مقابله به مثل، زیاده روی کنید. بدانید که خداوند جهان یار پرهیزکاران است.

١٩٥. و در راه خدا که حج و جهاد است انفاق کنید و تجهیزات لازم را سامان بدهید اما تمام توش و توان خود را به میدان نیاورید که خود را به نابودی بکشانید. انفاق شما باید در حد وسط باشد و اقدام شما نیز در حد وسط، که کار درست این است و خداوند رحمان، نیک اندیشان را دوست دارد.

١٩٦. حج و عمره‌ای را که آغاز کردید باید با همان احرام و در همان سفر به پایان برسانید. اگر از ادامه سفر بازماندید لزومی ندارد به حال احرام بپایید تا از بیماری وارهید و یا موانع سفر و حرکت از میان برداشته شود و ادامه سفر ممکن گردد، بلکه باید با تقدیم یک قربانی که در دسترس شما قرار بگیرد سر خود را بتراشید و از لباس احرام خارج شوید اما تأمل کنید و سر خود را متراشید مگر موقعی که قربانی مزبور به قربانگاه خود در منی و یا مکه واصل شود و در موعد مقرر ذبح شود و اگر کسی از ادامه سفر باز نماند اما بیمار شود و یا آزاری در سر او باشد که از نظر طبیی باید سر خود را بتراشد می‌تواند قبل از پایان حج و عمره با تقدیم یک فدیة سر خود را بتراشد و این فدیة عبارت است از سه روز روزه و یا پرداخت دوازده کیلو گندم به شش نفر درمانده بیکار و یا تقدیم یک گوسفند قربانی. و اگر با کمال امنیت، بدون برخورد با دشمن، مانع سیل، حمله حرامیان و یا بیماری سخت به مقصد برسید و از طواف خانه و سعی صفا و مروه بپزداید باز هم لزومی ندارد که تا آغاز حج در لباس احرام بپایید و مشکلات احرام را تحمل کنید بلکه باید نیت حج را پس بگیرید و

الْحَجَّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ^{۱۹۷}
 لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ
 الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ^{۱۹۸} ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ

اعمال گذشته را به عنوان عمره تلقی کنید و تا فرا رسیدن احرام حج از زندگی طبیعی کامیاب شوید. اما هر کس با انجام عمره تا زمان احرام حج از لباس احرام خارج شود و به زندگی طبیعی بازگردد کفاره آن یک گوسفند قربانی است که ده عضو او کامل و سالم باشد و اگر به یک وجهی از وجوه به گوسفند قربانی دسترس نباشد باید سه روز از ایامی که حج شروع می‌شود روزه بگیرد و هفت روز دیگر بعد از مراجعت به وطن به آن سه روز روزه ضمیمه کند. این ده روز روزه به جای همان ده عضو کامل یک گوسفند نر سالم قرار خواهد گرفت. ولی رخصت این کامیابی در فاصله عمره تا حج ویژه آن کسانی است که خانه و خانواده‌اش بیش از شش فرسخ تا سرزمین حرم فاصله دارد که اگر به سرزمین حرم وارد شود به عنوان مسافر تلقی می‌شود نه حاضر و شاهد. شما مؤمنان باید از خدا بپرهیزید و احکام حرم را که از جمله آن احکام حرمت صید است محترم بدارید و بدانید که عقاب الهی سخت است.

۱۹۷. موعد احرام حج در یکی از سه ماه معروف است که ماه شوال و ماه ذیقعد و ماه ذی‌حجه باشد هر کس در ظرف این ایام طواف کعبه را بر خود فرض کند و لباس احرام بپوشد باید بداند که در حال احرام مغالزه جنسی، بدزبانی و بگو مگو باید موقوف شود. خداوند جهان از هر کار خیری که شما انجام دهید آگاه است و شما باید در سفر حج هر چه بیشتر با انجام خیرات و مبرات زاد و توشه‌اش برای آخرت خود تهیه نمایید و بدانید که بهترین توشه آخرت تقوای از محرّمات است. ای صاحبان مغزها! شما باید از خشم من بپرهیزید.

۱۹۸. مانعی نیست که در سفر حج توشه دنیا فراهم کنید و با دادو ستد، از فضل پروردگار خود روزی بجوید و موقعی که از عرفات سرازیر شدید نام خدا را در کنار مشعرالحرام به قداست یاد کنید که این مشعر مانند صفا و مروه یک کوه جوشیده از زمین است تا مسیر شما را مشخص کند. خدا را در کنار این مشعر مقدس با نماز مغرب و عشا یاد کنید به همان صورتی که شما را رهنمود و هدایت کرده است و بی‌شک پیش از رهنمود الهی در شمار گمراهان بوده‌اید.

النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ^{١٩٩} فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ^{٢٠٠} وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ^{٢٠١} أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ^{٢٠٢} وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ^{٢٠٣} وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَيْهِ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ^{٢٠٤} وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ

١٩٩. سپس از مشعرالحرام سرازیر شوید از همان مسیری که مردم سرازیر شده‌اند و از خدا آمرزش بخواهید که خداوند رحمان آمرزنده‌ای مهربان است.

٢٠٠. و چون به اجرای مناسک خود پرداختید در اثنای رمی جمره و طواف خانه کعبه و سعی صفا و مروه خدا را با حمد و ثنا یاد کنید آن‌سان که از پدران خود با تمجید و ثنا یاد می‌کنید بلکه با حمد و ثنایی والاتر و افزون‌تر؛ برخی از حاجیان می‌گویند: بار پروردگارا! در دنیا نعمت وافر عطایمان کن و از زندگی آخرت چشم‌داشتی ندارند و لذا در آخرت بهره و نصیبی ندارند.

٢٠١. و برخی از حاجیان می‌گویند: بار پروردگارا! در دنیا زندگی خوبمان عطا کن و در آخرت نیز زندگی خوبی عطایمان کن و ما را از شکنجه آتش و عذاب آخرت نگره‌بان باش.

٢٠٢. اینها هستند که از حاصل کردارشان بهره می‌برند و خداوند رحمان در یک لحظه حاصل عمر آنان را محاسبه خواهد کرد تا در عرصات قیامت معطل نمانند.

٢٠٣. شما باید خدا را در روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم یاد کنید و از جمله، تکبیرات لازم را با آوای بلند در تعقیب نمازها تکرار کنید هر کس ظرف دو روز به حضور در مهمانی پایان دهد و از منی کوچ کند گناهی بر او نیست و هر کس کوچ خود را تا روز آخر که روز سیزدهم باشد به تأخیر افکند باز هم گناهی بر او نیست. این حکم تخییر برای کسی مقرر شده است که در مراسم حج تقوای لازم را رعایت کرده باشد و مرتکب صید حرام و یا مباشرت حرام نشده باشد. شما باید از خشم خدا بپرهیزید و بدانید که به پیشگاه او محشور می‌شوید.

٢٠٤. ای رسول ما! برخی از مردم را خواهی دید که چنان در صف ایمان و تقوا داد سخن می‌دهد که تو را به شگفت می‌آورد و خدا را گواه می‌گیرد که از جان و دل اخلاص و صفا

۲۰۵ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَيْسَ الْمُهَادِ ۲۰۶ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ ۲۰۷ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ۲۰۸ فَإِن زَلَلْتُمْ مِّن بَعْدِ مَا جَاءتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۲۰۹ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَن يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۲۱۰ سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُم مِّن آيَةِ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءتَهُ فَإِن اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۲۱۱ زَيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۲۱۲ كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ

دارد با آن که در دشمنی سرسخت و لجوج است.

۲۰۵ و چون به قدرت و حکومت برسد تلاش می کند تا در زمین تباهی انگیزد و نسل گیاه و انسان را به نابودی بکشاند. با آن که خداوند جهان خرابکاری و تباهی را دوست نمی دارد.

۲۰۶ و چون بگویند که از خشم خداوند جهان پرهیز کن شکوه و عزتش او را فرا می گیرد و به زورگویی وادار می کند. دوزخ برای او کافی است و دوزخ بدجایگاهی است.

۲۰۷ و برخی دگر را خواهی دید که جان خود را در طلب رضای خدا تقدیم می کند اینان بندگان خدایند و خداوند جهان به بندگان خود رأفت و عنایت دارد.

۲۰۸ ای اهل ایمان! شما همگان باید در صلح و صفای اسلامی درآیید و از گام های شیطان که به راه عصیان و تمرد می رود پیروی نکنید. بی شک شیطان برای شما دشمنی است که نهاد خود را آشکار کرده است.

۲۰۹ و اگر شما بعد از شواهدی که به دست آورده اید به سوی کفر و ناسپاسی بلغزید خود را به خواری افکنده اید. این را بدانید که خداوند جهان صاحب عزتی کاردان است.

۲۱۰ آیا جز این انتظار دیگری دارند که خداوند رحمان در میان توده ای از ابر سفید و انبوهی از فرشته ها نمایان شود و کار آزمون به پایان برسد. آن روز همه کارها به پیشگاه خدا ارجاع خواهد گشت.

۲۱۱ از یهود بنی اسرائیل بپرس که تا چه حد آیت روشنگر به آنان عطا کردیم تا رهیاب شوند و رهیاب نشدند. هر کس نعمت هدایت را بعد از دسترسی و تناول آن با کفر و ضلالت بدل کند باید بداند که خداوند جهان در عقوبت بندگانش سخت و سختگیر است.

۲۱۲ نعمت دنیا در نظر کافران رونق و صفایی فریبنده دارد و لذا مؤمنان را که دل به دنیا

الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ^{۲۱۳} أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمُؤُنَ الْبِئْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَزَلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ^{۲۱۴} يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ^{۲۱۵} كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ

نمی‌دهند و به آخرت دلبستگی دارند به استهزا می‌گیرند. صاحبان تقوا در روز قیامت نعمتی بالاتر از نعمت کافران دارند و خداوند رحمان هر که را بخواهد بی‌حساب و کتاب روزی خواهد داد.

۲۱۳. مردم قبل از رسالت رسولان امتی بودند بر یک‌روش که با خرد و وجدان خود راه زندگی را می‌گشودند. از آن پس خداوند رحمان پیامبران را پیاپی گسیل داشت تا مردم را به بهشت آخرت نوید دهند و از آتش آخرت بیم دهند. خداوند با ارسال رسولان دستور و فرمان را به درستی نازل کرد تا دستور او در اختلافات مردم حاکم و داور باشد نه اراده و فرمان حاکمان. متأسفانه دستور آسمانی و قانون الهی نیز دچار اختلاف شد و کسی راه این اختلافات را نگشود جز همان کسانی که قانون و کتاب را از دست انبیاء گرفتند و به خاطر خودخواهی و جاه‌طلبی آن‌هم بعد از شواهدی روشن‌گر که از بیانات انبیا به آنان واصل شده بود. اما خداوند رحمان جمعی از اهل ایمان را هدایت و رهبری کرد که در مسائل اختلافی با رخصت او به حق و حقیقت رسیدند و خداوند جهان هر که را بخواهد به راه راست و درست هدایت خواهد نمود.

۲۱۴. آیا تصور کرده‌اید که تنها با ادعای ایمان به بهشت آخرت وارد می‌شوید با آن که هنوز آزمون‌های پیشینیان به سراغ شما نیامده است؛ چنان سختی و بدبختی را لمس کردند و به اضطراب و تزلزل درآمدند که پیامبر با مؤمنان هم‌رمز می‌گفتند: این نصرت خدا کی فرا خواهد رسید؟ بدانید و بدانند که نصرت خدا نزدیک است.

۲۱۵. می‌پرسند کدامین قسمت از اموال خود را در راه خدا انفاق کنند؟ بگو: اینک وقت آن نیست که نوع آن را محدود و مشخص کنیم. شما باید آنچه را در راه خدا انفاق می‌کنید خواه نقدینه باشد یا متاع و توشه زندگی باشد به ترتیب اولویت به پدر و مادر و نزدیک‌تران از فرزندان و فرزندزادگانتان و ایتام فامیل و بیکارانشان و درماندگان همسفر خود تقدیم

وَهُوَ كَرِهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^{٢١٦} يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَمَا كَانَ مِن دِينِهِ فَسَبَّحُوا اللَّهَ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^{٢١٧} إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ^{٢١٨} يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ^{٢١٩}

کنید. شما هر گونه کار خیری که برای آنان انجام دهید به عنوان طاعت الهی پذیرفته خواهد شد و خداوند رحمان به کردار شما دانا است.

٢١٦. پیکار با دشمن به صورت یک تکلیف قطعی بر عهده شما مکتوب شد که یا خود با تجهیزات لازم در پیکار با کافران حاضر شوید و یا نایبی را با تجهیزات لازم بسیج نمایید با آن که چنین تکلیف قاطع و مکتوبی برایتان مکروه و ناگوار است. بسا که به چیزی راغب نباشید و خیر و صلاح شما در آن باشد و بسا که به چیزی راغب باشید و شر شما در آن باشد. خداوند جهان می‌داند و شما نمی‌دانید.

٢١٧. می‌پرسند که پیکار در ماه حرام چه صورت دارد؟ بگو پیکار در ماه حرام گناهی بس بزرگ است. اما بازداشتن مردم از راه خدا با ایجاد غوغا و بلوا، کفرورزی به حج که راه خداوند است، کفرورزی به مسجدالحرام، شکستن حریم حرمت آن و بیرون راندن اهل حرم از حرم در پیشگاه خداوند حرم بزرگتر از قتل در ماه حرام است. و شکنجه و ایذاء سهمگین تر از قتل است. در حالی که مشرکان تمام این محرمات را در ماه حرام مرتکب شده‌اند. این مشرکان همواره با شما پیکار می‌کنند تا آن که شما را از دین خدا بگردانند و هر کس از دین خود بازگردد و در حال کفر بمیرد، طاعات او در دنیا و آخرت توقیف می‌شود، هم آنان یاران دوزخند و جاودانه در دوزخ می‌مانند.

٢١٨. به یقین کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که هجرت کرده‌اند و در راه خدا جهاد کرده‌اند، همه آنان باید به رحمت خدا امیدوار باشند. خداوند رحمان گناهانشان را می‌آمرزد. خدا آمرزنده‌ای مهربان است.

٢١٩. می‌پرسند که شراب تخمیری و بازی قمار چه صورت دارد؟ بگو: نوشیدن شراب و

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْتَبْتُمْ إِنْ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۚ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَا مَئِمَّةً مُؤْمِنَةً خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ

بازی قمار گناهی سنگین و سهمگین است با سودکشی‌هایی برای مردم. اما گناه هر یک بزرگ‌تر از سود آن است. از تو می‌پرسند که چرا سؤال قبلی ما را بی‌پاسخ رها کردید و روشن نکردید که باید کدامین اموال خود را در راه خدا انفاق نماییم؟ به آنان بگو: مرد میدان باشید و هر مالی که می‌توانید از آن بگذرید و یا از دایرهٔ نیاز خود خارج سازید همه را در راه خدا انفاق کنید. خداوند آیات خود را بدین گونه برای شما روشن می‌سازد باشد که در این نکته بیندیشید.

۲۲۰. که تفاوت دنیا و آخرت در چیست؟ اگر شما مرد میدان باشید و آنچه از دایرهٔ نیاز خود فزون‌تر دارید به کسانی بدهید که نیازمند آن باشند زندگی دنیا را چون بهشت برین می‌سازید که همهٔ جهانیان عصرتان از کارگران و کشاورزان و... همگان در حد رفاه و سلامت از زندگی برخوردار شوند. بهشت آخرت جز این نیست که خداوند رحمان نعمت‌ها را در حد و فور آفریده است که هر کس هر چه بخواهد و هر وقت بخواهد حاضر است از این رو نه کسی حرص می‌زند، نه کسی احتکار می‌کند، نه کسی ذخیره می‌سازد و نه از دیگران چیزی را دریغ می‌دارد چرا که همه چیز در اختیار همگان هست. اگر شما همین نعمت موجود دنیا را بی‌حرص و آز و بی‌فزون‌طلبی و انحصارجویی میان خود تقسیم کنید و هرچه بیشتر از لطف و عنایات خدا یاری بجوید نیازمند و مستمندی بر روی زمین باقی نخواهد ماند. می‌پرسند که ای‌تام را به چه صورت باید اداره نمایند؟ بگو: اصلاح امور و ادارهٔ معاش آنان به صورت مجزاً بهتر است و اگر آنان را به جمع خود بیاورید و با هم یکجا و یک‌خرج شوید باید آنان را به منزلهٔ برادر خود بدانید و از دلسوزی و مرز برادری خارج نشوید. خداوند جهان خرابکار مفسد را از رفیق مصلح باز می‌شناسد و حساب آن دو را خلط نمی‌کند. اگر خداوند رحمان خواسته بود فرمان اول خود را بر شما الزام می‌کرد و شما را به رنج و دشواری می‌افکند ولی با صدور فرمان دوم به شما رفاه و آزادی بخشید. به یقین خداوند جهان عزتمند و کاردان است.

وَالْمَغْفِرَةَ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ^{٢٢١} وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَدَىٰ فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ^{٢٢٢} نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنْتُمْ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ^{٢٢٣} وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^{٢٢٤} لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي

٢٢١. شما مؤمنان نباید زنان مشرک را به نکاح آورید مگر موقعی که ایمان بیاورند. یک کنیز زر خرید که مؤمن باشد از یک خانم مشرک بهتر است گرچه آزادگی و خصال نیک او شما را به شگفت آورد و مشتاق او سازد. به مردان مشرک نباید زن بدهید مگر موقعی که ایمان بیاورند. یک برده مؤمن بهتر از یک مرد مشرک است گرچه آزادگی و شخصیت او شما را به شگفت آورد و شیفته او سازد. مردان مشرک همسران خود را به سوی آتش دعوت می کنند و خداوند با رخصت از قانون مشیت، همگان را به سوی بهشت و آمرزش خود دعوت می کند خداوند رحمان آیات خود را برای مردم روشن می سازد باشد که نکته ها را به خاطر بسپارند.

٢٢٢. و می پرسند: خونریزی رحم چیست؟ بگو: خونریزی رحم نوعی آزار و جراحت است. از این رو باید در حال خونریزی رحم از خانمها کناره بگیرید. و نباید به آنان نزدیک شوید تا آنگاه که پاک شوند و چون پاک شوند و خود را با آب بشویند و غسل کنند از آنجا که خدا فرماتان داده است به این نزدیک شوید. اگر تا کنون به این نوع آلودگی ها بی اعتنا بوده اید اینک از آلودگی برکنار شوید. به یقین خداوند رحمان اهل توبه را دوست دارد. خدا اهل پاکی و طهارت را دوست دارد.

٢٢٣. همسران شما برای شما کشتزارند. هر جا که مایل باشید به کشتزار خود درآیید. شبها فقط به فکر آبیاری کشتزار خود نباشید. برخیزید و با نافله شب برای خود توشه ای برای آخرت بفرستید. از خشم خدا بترسید و بدانید که شما به ملاقات او می شتابید. مؤمنان را به این مژده با مسرت نوید و بشارت بده.

٢٢٤. شما مؤمنان نباید نام خدا را آماج سوگندهای جدی و غیر جدی قرار دهید تا به احترام نام «الله» خود را و یا دیگران را به رعایت نیکی و تقوا و اصلاح میان مردم متعهد و ملزم بسازید با آن که می توانید سوگندهای مبتذل و تعهدات لغو و بی مایه خود را با نام دوستان و خویشان خود و یا نام پدران و مادران خود و یا سایر مقدسات ملی خود تحکیم و استوار

أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ^{٢٢٥} * لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرِيصٌ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَآؤُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ^{٢٢٦} * وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^{٢٢٧} * وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبِعَوَلْتِهِنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^{٢٢٨} * الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ

نمایید و از مسئولیت مذهبی در امان بمانید. خداوند رحمان سوگند شما را می‌شنود و به نیت شما آگاه است.

٢٢٥. خداوند رحمان شما را به خاطر سوگندهای لغو و بی‌هدف که بر زبان می‌رانید مؤاخذه و کیفر نخواهد کرد اما از این جهت مؤاخذه خواهد کرد که چرا نام خدا را سبک شمردید و دل‌های خود را به گناه و خطا آلوده کردید. با وجود این خداوند رحمان آمرزنده و بردبار است.

٢٢٦. کسانی که با قید سوگند بستر همسران خود را بر خود تحریم می‌نمایند و با آنان مباشرت نمی‌نمایند فقط چهارماه مهلت دارند که به این تنبیه خود ادامه دهند. اگر ظرف چهارماه به بستر آنان بازگشتند خداوند رحمان آمرزنده‌ای مهربان است و سوگند گناه‌آلودشان را خواهد بخشید.

٢٢٧. و اگر حاضر نشدند که با بستر همسران خود آشتی نمایند باید عزم خود را بر طلاق آنان جزم کنند و اگر عزم طلاق را جزم کردند خداوند رحمان صیغه طلاق را می‌شنود و به نیت آنان آگاه است.

٢٢٨. خانم‌هایی که طلاق گرفته‌اند در صورتی که خونریزی آنان مرتب باشد تا سه نوبت که خونریزی ماهیانه را پشت سر بگذارند و پاک شوند باید از نکاح مجدد خودداری نمایند. برای آنان روا نیست که بار رحم خود را کتمان نمایند تا زودتر به شوهر برسند، اگر به خدا و روز جزا ایمان آورده باشند چنین کاری نخواهند کرد و تا زایمان صورت نگیرد به سراغ بخت نو نخواهند رفت. ظرف این مدت شوهرانشان احق و اولی هستند که آنان را به خانه خود باز گردانند در صورتی که آماده اصلاح و ایجاد محیط سالم باشند. برای خانم‌ها حقی است بر عهده شوهرانشان مشابه همان حقی که برای شوهرانشان بر عهده آنها است که باید با نیکی و احسان رعایت شود و مردان را با یک درجه بر عهده خانم‌های خود حق طاعت است و خداوند رحمان عزیز و کاردان است.

فَأَمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ^{٢٢٩} فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يَبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ^{٢٣٠} وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لَتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ^{٢٣١} وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا

٢٢٩. این طلاق با شرایط مزبورش تا دوبار قابل اجرا است و شوهران بعد از صیغه طلاق تا سپری گشتن عده طلاق صاحب اختیارند که یا منصرف شوند و خانم را در نکاح خود نگه دارند و یا با نیکی و احسان به سوی سرنوشت جدید خودش روانه سازند. برای شما شوهران روا نیست که از کابین پرداختی چیزی را مسترد نمایید. مگر آن که شوهر و همسر بیمناک باشند که مرز قانون را بر پا ندارند و زیر پا بگذارند. مسئولیت این کار بر عهده خودشان نیست بر عهده شما جامعه اسلامی است؛ اگر شما مؤمنان خائف باشید که شوهر و همسر نتوانند مرز احکام را رعایت کنند با نظارت شما مانعی ندارد که با هم توافق نمایند و خانم با رضایت خاطر مبلغی از کابین دریافتی را به شوهر بازگرداند و طلاق بگیرد. و این است آخرین خط مرزی که میان شوهر و همسر کشیده شد. از این مرز هرگز تجاوز نکنید و هر کس که از مرز قانون تجاوز کند، هم آنان سیه کارند.

٢٣٠. و اگر برای بار سوم خانم خود را طلاق دهد آن خانم بر او حرام می شود؛ مادام که در حال عده باشد حق رجوع ندارد و بعد از سپری شدن عده حق ندارد ازدواج خود را با او تجدید کند، مگر آن که خانم، شوهر دیگری اختیار کند و با او هم سازگار نیاید. پس اگر شوهر دوم او را طلاق دهد این خانم بر شوهر اول خود حلال می شود و هر دو می توانند با توافق و ازدواج مجدد به خانه اول بازگردند، ان هم در صورتی که به حد کافی با حقایق زندگی آشنا شده باشند و این تصور در دلشان قوت گرفته باشد که این مرتبه می توانند مرز قانون را پاس بدارند. این شرایط و مقررات مرزهای قانون الهی را مشخص می کنند خداوند این خطوط مرزی را برای مردم دانا روشن می کند که قدر آن را بشناسند.

٢٣١. و هر گاه شما مؤمنان همسران خود را طلاق گفتید و همسرانتان با گذشت سه ماه به

تَعْلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ أَزْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^{۳۳۲} وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^{۳۳۳} وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ مِنْكُمْ وَيُذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ

آخرین روز عدهٔ خود رسیدند صاحب‌اختیارید که یا رجوع نمایید و آنان را به صورت معقول و متعارف در نکاح خود نگه‌دارید و یا به صورتی معقول و متعارف آزاد و رها سازید. مبدا به منظور آزار و زیان رجوع نمایید و آنان را در خانهٔ خود نگه‌دارید تا هر چه بیشتر به حقوق آنان تجاوز نمایید. هر کس با این هدف از امضای طلاق خود منصرف شود و رجوع کند تا هر چه بیشتر به همسر خود زیان روحی وارد سازد، بی‌شک جان خود را به سیاهی کشانده است. مبدا آیات خدا را به استهزاء بگیرید و مقررات الهی را زیر پا بگذارید. شما باید نعمت هدایت را خاطر نشان خود سازید و تکالیف قطعی و سنت‌های اجرایی آن را که از آسمان بر شما نازل شده است در خاطر خود مرور نمایید. با این یادآوری‌ها است که خداوند رحمان شما را اندرز می‌دهد. باید از خشم او بپرهیزید و بدانید که خداوند رحمان به سر هر خواسته‌ای دانا و آگاه است.

۲۳۲. هر گاه شما مؤمنان همسران خود را طلاق گفتید و آنان با گذشت سه ماه به آخرین روز عدهٔ خود رسیدند با ارباب و شکنجه محدودشان نسازید که از جفت انتخابی خود چشم‌پوشی نمایند آن هم در صورتی که شرعاً با جفت جدید خود به توافق شایسته‌ای رسیده باشند. با این توصیه‌ها است که هر کس به خدا و روز جزا ایمان آورده باشد پند می‌گیرد و خود را اصلاح می‌کند رعایت این فرمان به پاکی نفس شما و طهارت دل‌های شما نزدیک‌تر است. خداوند رحمان می‌داند و شما نمی‌دانید.

۲۳۳. مادرانی که طلاق گرفته‌اند، با وجود طلاق و جدایی، حق دارند که فرزندان خود را تا دو سال کامل شیر بدهند و این فرمان برای آن مادر و پدری است که می‌خواهد دورهٔ شیرخوارگی فرزندش را کامل نماید. در این صورت صاحب فرزند باید خوراک و پوشاک مادر را به صورتی شایسته و متعارف تأمین نماید. به هیچ کس جز به اندازهٔ توانش تکلیف

وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خُطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عِلْمَ اللَّهِ أَنْكُمْ سَتَدْرُوهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْزَمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ۚ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرَهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدْرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ ۚ وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ

نمی‌شود که هزینه شیر دادن او را تأدیه کند، نه مادر می‌تواند به فرزند خود خسارت وارد کند و از شیردادن او دریغ ورزد و نه پدر می‌تواند از پرداخت هزینه کوتاهی نماید. و اگر پدر و یا اجداد پدری او زنده نباشند که هزینه طفل را تأمین نمایند نزدیک‌ترین خویشاوند آن طفل که از نظر قانون می‌تواند وارث او باشد باید هزینه او را تأمین کند. و اگر مادر و صاحب فرزند با رضایت هم و مشورت هم قبل از پایان دو سال کودک خود را از شیر بگیرند گناهی بر آنان نیست و اگر بخواهید که برای طفل خود دایه بگیرید مانعی نیست در صورتی که اجرت او را به میزان شایسته آن تقدیم و تسلیم کنید که از شیردادن کافی دریغ نورزد. از خشم خدا بپرهیزید و بدانید که خداوند شما به دستاورد شما بینا است.

۲۳۴. و آن کسانی که از شما مؤمنان بمیرند و همسرانی از خود بر جا گذارند همسرانشان باید چهارماه و ده روز عده نگه دارند و از نکاح مجدد خودداری نمایند و چون به پایان موعده برسند بر شما حرجی نیست که درباره خود چه تصمیم شایسته‌ای بگیرید. خداوند رحمان به دستاورد شما - از ظاهر و باطن - خبیر و آگاه است.

۲۳۵. و بر شما حرجی نیست که با رمز و کنایه از خانم‌های بیوه شوهر مرده و یا طلاق گرفته خواستاری نمایید و یا خیال آنان را در دل بپرورانید. خدا می‌داند که شما در آینده دور و نزدیک نام آنان را بر زبان می‌رانید و از آنان خواستاری می‌نمایید ولی سفارش می‌کند که در خفا با آنان تماس نگیرید مگر آن که جز حال‌پرسی و گفتگوی عادی سخنی در میان نیاورید. مبدا عزم خود را جزم کنید و عقد ازدواج ببندید. تأمل کنید تا آن‌گاه که عده مکتوب و مقرر به آخر برسد. بدانید که خداوند جهان به راز دل‌های شما آگاه است. پس از خشم خدا برحذر باشید و هم بدانید که خداوند رحمان آمرزنده‌ای بردبار است.

۲۳۶. بر شما حرجی نیست که همسران خود را طلاق بدهید و رها سازید مادام که با آنان زفاف و عروسی نکرده باشید. مگر آن که مهریه او را مشخص کرده باشید، اگر با همسران

مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنَصَفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ
 ۲۳۷ حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ ۲۳۸ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمْنْتُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ۲۳۹ وَالَّذِينَ يَتُوقُونَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَا فِي أَنْفُسِنَا مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۲۴۰ وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ

خود زفاف نکرده‌اید و مهری هم مشخص نکرده‌اید، بعد از طلاق او را از توشه دنیا و متاع زندگی برخوردار سازید؛ بر عهده دولت‌مندان به میزان دولتشان و بر تنگدستان به میزان درآمدشان تقدیم هدیه‌ای شایسته و متعارف حقی است که بر عهده نیک‌اندیشان نهاده‌ایم. ۲۳۷. و اگر با همسرانتان زفاف نکرده باشید ولی مهریه آنان را مشخص کرده باشید و طلاق بدهید باید نیم مهریه آنان را تقدیم کنید، مگر در صورتی که همسران بیوه باشد و با ولایتی که بر خود دارد شخصاً از حق خود بگذرد و یا دوشیزه باشد و پدر و یا جد او که بر عقد ازدواج او ولایت دارد از دریافت یک نیمه مهر صرف نظر نماید. و اگر شما گذشت کنید و تمام مهریه را به همسر خود تقدیم نمایید به تقوا و برائت از تعهد نزدیک‌تر شده‌اید. شما باید داد و دهش را در جامعه خود فراموش نکنید. خداوند جهان به دست‌آورد شما بینا است.

۲۳۸. زندگی انسان‌ها به خاطر آزمون دچار مشکلات است و زیر و بم آن نه تنها معاشرت‌ها را مختل می‌سازد که چهره عبادت‌ها را نیز دچار نوسان می‌سازد. اینک در سه نمازی که بر شما فرض است بر مراقبت خود بیفزایید و تعداد رکعات و ارکان و فرایض و شرایط آن را بدون خلل انجام دهید خصوصاً نماز مغرب که بعد از نماز صبح و قبل از نماز عشا ادا می‌شود و از هر جهت میانگین است. و شما باید به خاطر فرمان خدا بایستید و با اخلاص و ادب فرمان نماز را اطاعت نمایید.

۲۳۹. و اگر با خطر مواجه شدید و بر جان و مال خود خائف بودید در حال حرکت - خواه پیاده و خواه سواره - نماز بخوانید و چون از محل خطر گذشتید و ایمن گشتید در حال توقف ایستاده و بی حرکت نماز بخوانید و خدا را یاد کنید آن‌سان که آداب نماز را به شما آموخت و شما از آداب و شرایط آن بی‌خبر بودید.

۲۴۰. و آن کسانی که از شما مؤمنان بمیرند و همسرانی از خود بر جا گذارند توصیه شد

۲۴۱ كَذَلِكَ يَبِينُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۲۴۲ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ۲۴۳ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۲۴۴ مَن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۲۴۵ أَلَمْ

برای همسرانشان که تا یک سال از توشه زندگی و معاش کافی برخوردار و کامیاب بمانند بی آن که از خانه مسکونی شوهر اخراج شوند. اگر خود خانه شوهر را ترک کردند بر شما باکی نیست که درباره خود تصمیم شایسته و مقتضی اتخاذ نمایند. خداوند جهان عزتمند و کاردان است.

۲۴۱. و برای خانم‌هایی که طلاق گرفته‌اند تقدیم توشه‌ای برای معاش زندگی آنان به صورتی مطبوع و متعارف مقرر شده است حتی که بر عهده اهل تقوا سنگینی می‌کند تا حقوق ضایع شده احتمالی را جبران نمایند.

۲۴۲. با این شرح و بیان خداوند رحمان آیات خود را برای شما روشن می‌سازد باشد که شما اندیشه به کار بندید و با احکام خدا آشنا شوید.

۲۴۳. آیا نظر نیفکندی به آن هزاران تن که یکجا و با هم از ترس مرگ، خانه و کاشانه خود را در دست دشمن ترک کردند و به صحرا و کوهستان پناه بردند و خداوند جهان با فریادی سهمگین که از صاعقه آسمانی برخاست به آنان نهیب زد که بمیرید و قلب‌های آنان با موج صاعقه از کار افتاد و همگان چون برگ خزان بر زمین ریختند. سپس خداوند رحمان آنان را با موجی دیگر که قلب‌ها را به طپش درآورد زنده فرمود تا از رحمت او برخوردار شوند. به یقین خداوند جهان بر مردمان رحمتی فزون دارد ولی بیشتر مردم رحمت او را سپاس نمی‌گزارند.

۲۴۴. شما مؤمنان باید از این حکایت درس عبرت بگیرید که مرگ و زندگی در دست خداست. شما باید بی‌ترس از مرگ در راه خدا پیکار کنید و بدانید که خداوند رحمان استغاثه شما را می‌شنود و به حال شما دانا است.

۲۴۵. آیا کسی هست که برای تجهیز سپاه مسلمین به خدا وام دهد وامی نیکو - بی‌مطالبه و بی‌مدت - تا خداوند جهان چند برابر آن وام را کارسازی نماید. خداست که روزی جمعی را تنگ و محدود می‌کند که نمی‌توانند هزینه سلاح خود را تأمین کنند و روزی جمعی را فراخ و گسترده می‌سازد که می‌توانند هزینه دیگران را نیز تأمین نمایند و این خود برای آزمون

تَرِ إِلَى الْمَالِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَّهُمْ أبعثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ^{٢٤٦} وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنْ اللَّهُ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ^{٢٤٧} وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ

است و شما همگان به پیشگاه او بازگردان می شوید تا سزا و پاداش خود را دریافت دارید. ٢٤٦. آیا نظر نیفکندی به سران بنی اسرائیل که سال ها پس از موسی به پیامبری از پیامبران خود گفتند: یک تن را به پادشاهی ما برانگیز که «اگر پادشاهی برای ما برانگیزی در راه خدا پیکار می کنیم و دشمن را از خانه خود برون می کنیم» پیامبرشان گفت: با این تعهدی که شما بر دوش خود بار می کنید ، اگر من پادشاهی برای شما برانگیزم پیکار با دشمن بر شما فرض و مکتوب خواهد شد و اگر پیکار با دشمن بر شما فرض و مکتوب شود آیا در نظر دارید که مانند گذشته ها از ترس جانتان فرار کنید و از رزم با دشمن کناره بگیرید؟ سران بنی اسرائیل گفتند: ما حتماً در راه خدا پیکار می کنیم. از این زندگی خفت بار ما را چه حاصل که در راه خدا پیکار نکنیم با آن که از خانه و کاشانه خود رانده و آواره ایم و فرزندانمان را در دست دشمن اسیر و زبون ترک کردیم. و چون پادشاهی بر آنان گمارده شد و پیکار با دشمن بر آنان فرض و مکتوب شد باز هم از برابر دشمن گریزان شدند جز اندکی از آنان و خداوند جهان به حال سیه کاران دانا است.

٢٤٧. پیامبرشان به آنان گفت : خداوند رحمان طالوت را به پادشاهی بر شما برانگیخته است. و سران بنی اسرائیل به او گفتند: از کجا باید او پادشاه ما باشد ؟ ما خود با ثروت و قدرتی که داریم به پادشاهی سزاوارتریم در حالی که طالوت را مال و ثروتی گسترده و وافر در میان نیست. پیامبرشان گفت : خدا او را بر شما گزین ساخته است و دانشی پربارتر و پیکری تناورتر بدو عطا کرده است و اساس پادشاهی و فرمانروایی بر این دو ستون استوار است. خداوند جهان پادشاهی خود را به هر که خواهد عطا می کند و خداوند در داد و دهش دولتی گسترده دارد و به نهاد و نیات بندگانش دانا است.

تَحْمَلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ٢٤٨ فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِّنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ٢٤٩ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أقدامنا وَأَنْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ٢٥٠ فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو

٢٤٨. پیامبرشان به آنان گفت: نشانه پادشاهی و صاحب اختیاری طالوت آن است که صندوق موسی با آرامشی که از جانب پروردگارتان در آن نهفته باشد و میراثی که از خاندان موسی و هرون بر جا مانده است به شما واصل می شود و حامل آن فرشتگان خدایند. وصول این صندوق مقدس برای شما نشانه‌ای است از رضایت حق به پادشاهی و سلطنت طالوت. اگر شما اهل ایمان باشید سلطنت او را می پذیرید.

٢٤٩. سران بنی اسرائیل به پادشاهی طالوت گردن نهادند و چون طالوت با سپاه خود از شهر خارج شد و از آبادی‌ها فاصله گرفت به سپاه خود گفت: خداوند جهان شما را با جدول آبی آزمون خواهد کرد. هر کس از جدول آب بنوشد با من پیوندی ندارد و هر کس از آب جدول یک قطره هم نچشد در حمایت من قرار دارد. به استثنای آن دسته از شما مردم که فقط مثنی آب از جدول برگیرد و بنوشد که پیوند او با من برقرار می ماند. سپاهیان طالوت از آن جدول آب نوشیدند جز اندکی از آنان که مردمی مطیع و خالص بودند. و بعد از آن که طالوت و همراهانش از جدول آب گذشتند ترس و وحشت بر آنان چیره شد و گفتند: ما را آن تاب و توان نیست که در برابر جالوت و سپاهانش استقامت نمائیم و آن دسته اندک که با اخلاص و ایمانشان بر این پندار و تصور بودند که بعد از شهادت به دیدار پروردگار خود نائل می شوند در پاسخ دیگران گفتند: چه بسیار شد که با رخصت حق گروه اندک بر گروه انبوه پیروز شدند و خداوند با صابران اهل استقامت یار و همراه است.

٢٥٠. و چون در مقابل جالوت و سپاهانش قرار گرفتند به درگاه خدا نیاز بردند که پروردگارا از پیشگاه خودت صبر و شکیبایی بر دل‌های ما فرو ریز و گام‌های ما را استوار کن و بر سپاه کافران نصرت عطا کن.

فَضَّلَ عَلَى الْعَالَمِينَ ٢٥١ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ٢٥٢ تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مَنْ بَعْدَ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ٢٥٣ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خَلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ٢٥٤ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ٢٥٥ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ

٢٥١. سپاه طالوت با رخصت حق سپاه جالوت را گریزان کرد و داود جالوت را بکشت و خداوند به او پادشاهی و کاردانی عطا فرمود و از آنچه برای پادشاهی و کاردانی حکومت خواسته و بایسته بود بدو آموخت. و اگر سنت الهی بر این جاری نبود که شرّ نابکاران را به وسیله دیگران دفع می‌کند پهنه زمین را تباهی فرا می‌گرفت. ولی خداوند جهان بر جهانیان رحمتی افزون دارد و شرّ نابکاران و تبهکاران را از سر جهانیان کوتاه می‌کند.

٢٥٢. این همه آیات الهی است که از تاریکی‌های تاریخ کهن بر تو تلاوت می‌کنیم بر وجه درست و بی‌شک تو از رسولان ما هستی.

٢٥٣. این جمع رسولان که دعوت آنان را بر تو خواندیم برخی را بر دیگری فزونی دادیم، با آن یک خدا هم‌سخن شد. برخی را با درجاتی رفیع برکشید. به عیسی بن مریم دلائلی روشن عطا کردیم و با روح قدسی مؤیدش فرمودیم. اگر خداوند جهان خواسته بود امت‌ها بعد از رسولانشان به جان هم نمی‌افتادند آن‌هم بعد از دلائل روشن که به آنان رسید. ولی امت‌ها راه خلاف و تفرقه پوییدند، برخی ایمان آوردند و برخی راه درست را گم کرده به راه کفر رفتند و با هم درگیر شدند. اگر خدا خواسته بود به جان هم نمی‌افتادند. ولی خداوند جهان آنچه بخواهد در مراحل آزمون انجام می‌دهد.

٢٥٤. ای اهل ایمان! از آن روزی که عطایان کرده‌ایم در راه خدا انفاق کنید. از آن پیش که روز قیامت فرا رسد که نه دادوستدی باشد و نه دوستی و شفاعتی به کار آید. آنان که روز قیامت را منکرند سیه‌کارند.

٢٥٥. آن خدایی که جز او خدایی نیست، زنده و نگهبان کائنات است بی‌آنکه نگهبانی

بِالطَّاعُونَ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۚ ۲۵۶ اللَّهُ
 وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ
 مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۚ ۲۵۷ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ
 إِبْرَاهِيمَ فِي رِبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي
 وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي
 كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۚ ۲۵۸ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ

هستی او را خسته و چرتی سازد و یا خوابش در رباید. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین
 است مال او است. چه کسی می‌تواند که در حضور او همیاری کند و کار دیگران را راست
 کند مگر با رخصت او. خداوند جهان آینده آنان را با گذشته‌ای که پشت سر نهاده‌اند می‌داند
 و مردم به هیچ چیزی از دانش او احاطه نمی‌یابند مگر به آن پدیده‌ای که خدا خواسته و با
 مشیت خود ایجاد کرده باشد. عاصمه سلطنت و اقتدارش چنان فراخ و گسترده است که
 می‌تواند همه آسمان‌ها و زمین را در خود جای دهد؛ نگهبانی آسمان‌ها و زمین بر او گرانی
 نمی‌کند و او والا و بزرگ است.

۲۵۶. اینک که حکم و فرمان خدا به کرسی نشست در پذیرش دین، اکراه و الزامی نخواهد
 بود. راه رشد و صلاح از راه گولی و بداندیشی ممتاز است. از این رو هر کسی به طاغوت
 سرکش کافر شود و به خدا ایمان بیاورد به دستاویز استواری متمسک شده است که انقطاع
 و گسیختگی ندارد. خدا گواهی شما را به توحید و رسالت می‌شنود و به حال قلبی شما آگاه
 است.

۲۵۷. خداوند رحمان سرپرست مؤمنان است که آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور برون
 می‌کشد. کافران حمایت و سرپرستی خداوند رحمان را وانهاده‌اند. سرپرست و حامی آنان
 سرکشان طاغوت است که پیروان خود را از نور به سوی تاریکی‌ها برون می‌کشند. اینان
 جاودانه یاران آتش دوزخ می‌باشند.

۲۵۸. آیا ندیدی که نمرود چگونه با ابراهیم به احتجاج آمد که من سایه خدایم از آن رو که
 خدایش پادشاهی داده بود موقعی که آتش خود را بر ابراهیم سرد و سلامت یافت او را به
 دربار خود فرا خواند و گفت پروردگار تو کیست که تا این حد خاطرات را ارج می‌نهد؟
 ابراهیم گفت: پروردگار من، آن پروردگاری است که جان می‌بخشد و جان می‌گیرد. نمرود
 گفت: من نیز جان می‌بخشم و جان می‌گیریم. ابراهیم گفت: آن خداوندی که پروردگار من

أَنْتِي يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِثَّةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِثَّةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^{٢٥٩} وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولَئِكَ تُؤْمِنُونَ قَالَ بَلَى بَلَى وَلَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قُلُوبِي قَالَ فَاخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ

است خورشید را از شرق برون می‌آورد تو آن را از غرب برون آور. نمرود در پاسخ او مبهوت و درمانده فرو ماند. خداوند رحمان، سیه‌کاران نمرود صفت را هدایت نخواهد کرد.

٢٥٩. آیا مردم، حیات پس از مرگ را مانند نمرودیان با آزادی از زندان برابر می‌دانند و یا مرگ بعد از حیات را همچون قتل می‌شناسند؟ و یا مانند آن پیامبر دانشور در چگونگی آن به شک و حیرت اندرند که روزی بر روستایی گذشت و هوار خانه‌ها را دید که یکسر بر روی تیرها فرو ریخته و ساکنانش یکجا فرو مرده‌اند. با خود گفت: کی و چگونه خدا این استخوان‌ها را زنده خواهد ساخت؟ و چون به غاری پناه گزید خداوندش درب آن غار را با هوار بهمن مسدود ساخت و او را صد سال تمام در حال مرگ و سکوت نگه داشت و سپس هوار بهمن را با زمین لرزه‌ای از در غار برکنار نمود و او را برانگیخت و گفت: چند گاه در این غار ماندی؟ و آن مرد خدا، نظری به تابش خورشید افکند و با مقیاسی که در نظر گرفت پاسخ داد که یک شبانه روز و یا قسمتی از یک روز را در این غار سپری کرده‌ام. سروش غیبی بدو گفت: نه چنین است. بلکه صد سال تمام در این غار سپری کرده‌ای، بنگر به خوراکت و به نوشابهات که رنگ صد ساله ندارد. بنگر به درازگوشت که بر در غار زیر هوار و بهمن درهم پاشیده و جز استخوانی پوسیده و زنجیری فرسوده از او برجا نیست. ما این نشانه را ارائه کردیم تا بدانی که در برابر خواست خداوند کیهان «کی» و «چگونه» معنی ندارد و حیات را سر ناشناخته فراوان است و برای آن که تو را برای مردم نشانه و آیت قرار دهیم که چگونه بر دیگران صد سال گذشت و بر تو یک شب. و اینک بنگر به استخوان‌های پوسیده درازگوشت که با جاری شدن آب حیات، چسان بر زیر هم سوار می‌شوند و جان می‌گیرند و سپس جامه گوشتین بر استخوان‌ها می‌پوشانیم. و چون سر حیات پس از مرگ برای او روشن شد گفت: دانستم که خداوند جهان بر انجام هر خواسته‌ای قادر و توانا است.

مَنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ سَعْيًا وَاعْلَمَنَّ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۲۶۰ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِثَّةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۲۶۱ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَدَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۲۶۲ قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَدَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ۲۶۳ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَدَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ۲۶۴

۲۶۰. و باز یادآوری کن از حیرت ابراهیم که بر نیم‌خورده انسانی گذر کرد که ددان او را دریده و خورده بودند. شبههٔ آکل و مأكول در دل او جا گرفت و گفت: پروردگارا! به من ارائه فرما که مردگان را چگونه زنده خواهی کرد؟ سروش الهی به او گفت: آیا به وعدهٔ قیامت ایمان نیاورده‌ای؟ ابراهیم گفت: چرا ایمان آورده‌ام، ولی کیفیت آن را ارائه فرما تا دلم آرام گیرد. سروش الهی گفت: چهار پرندهٔ کوچک شکار کن و کباب کن و گوشت آنها را تناول کن تا با گوشت و خونت درآمیزد سپس باقیماندهٔ گوشت و استخوان آنها را جزء جزء بر سر هر کوهی بگذار و بعد از آن هر یک از پرنده‌گان را با نام به سوی خود دعوت کن تا گوشت و استخوان آنها را ترمیم کنم و دوان دوان به حضورت بشتابند بی‌آنکه از گوشت و استخوان تو چیزی کم شود. این را هم بدان که خداوند جهان عزتمند و کاردان است.

۲۶۱. حکایت آن مردمی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند حکایت آن دانهٔ گندم است که چون در زمین افشاندن شود هفت خوشه برآورد و در هر خوشه صد دانه گندم بپروراند. خداوند رحمان بهره هر کسی را که بخواهد مضاعف می‌سازد و خداوند دانا، نعمتی گسترده دارد.

۲۶۲. آن کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند و عطای خود را با منت و آزاری بدرقه نمی‌سازند پاداش آنان در پیشگاه پروردگارشان محفوظ است نه ترسی بر آنان سایه‌افکن است و نه خود اندوهی به دل دارند.

۲۶۳. پاسخی شایسته که «معدرت می‌خواهم» بهتر از صدقه و انفاقی است که آزار دست و زبان بدرقهٔ آن باشد. خداوند رحمان از صدقهٔ شما بی‌نیاز است و بر نافرمانی، شما نرم و بردبار است.

۲۶۴. ای اهل ایمان! صدقهٔ خود را - خواه صدقهٔ واجب باشد یا صدقهٔ افتخاری باشد - با

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيْتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَاتَتْ أَكْلَهَا ضَعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۚ ۲۶۵ أَيُّودُ أَحَدَكُمُ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضُعْفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ۚ ۲۶۶ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَن تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ۚ ۲۶۷ الشَّيْطَانُ يُعِدُّكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدْكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

مَنّت و آزار زبان پوچ و بی‌ثمر نسازید مانند آن منافقی که مال خود را به خاطر مردم انفاق می‌کند و به خدا و روز جزایمان نمی‌آورد. فرجام او فرجام آن کوه خارا است که بر روی آن قشری از خاک متراکم را به صورت بوستان و کشتزاری پرثمر پرورده باشند و باران دانه-درشتی سیل‌آسا بیارد و قشر خاک را بلغزاند و درهم بپیچد که جز صفحه‌خارای صاف و براق برجای نماند و منافقان از مزرعه و بوستانی که پرورده‌اند و هزینه‌ای که پرداخته‌اند چیزی به دست نکنند. خداوند مردم ناسپاس را هدایت نخواهد کرد.

۲۶۵. و حکایت آن‌دسته از مؤمنان که مال خود را در طلب رضای خدا و تحکیم جامعه خود انفاق می‌کنند حکایت آن بوستانی است بر سر پشتۀ خاکی در صحرا که باران دانه‌درشتی بر سر آن بیارد و حاصل خود را دو چندان بی‌روراند و اگر بارانی دانه‌درشت نباشد لاقلاً نم‌نم بارانی بیارد و بوستان را بی‌حاصل نگذارد. خداوند رحمان به دستاورد شما بینا است.

۲۶۶. آیا کسی دوست دارد که او را بوستانی باشد از خرما و انگور و نهرها از زیر درخت‌ها روان باشد و در آن بوستان از هر گونه‌گون میوه‌ای نمونه‌ها باشد و چون به پیری برسد و فرزندان و نبیرگانش اطراف او را بگیرند طوفانی صاعقه‌بار شاخ و بر بوستان را در کام بگیرد و خاکستر کند؟ خداوند رحمان آیات خود را به این صورت، روشن می‌سازد، باشد که شما در فرجام کار خود بیندیشید.

۲۶۷. ای اهل ایمان! از دستاورد مرغوب و پاک خود که بدست آورده‌اید و از حاصل مزارع و بوستان‌ها که برای شما از دل خاک برآوردیم در راه خدا انفاق کنید. و چون درصدد انفاق برآید به جستجوی آن نباشید که وازده‌های مواشی و غلات خود را بیابید و در راه خدا انفاق کنید که اگر همان وازده معیوب را به شما بدهند از دریافت آن ابا می‌ورزید مگر آن که از عیوب و نواقص آن اغماض نمایید. بدانید که خداوند جهان از صدقات شما بی‌نیاز

^{۲۶۸} يُوْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ
^{۲۶۹} وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ^{۲۷۰} إِنْ تَبَدُّوا
الصَّدَقَاتِ فَعِنَّمَا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيَكْفُرُ عَنْكُمْ مَنْ سَيِّئَاتِكُمْ
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ^{۲۷۱} لَيْسَ عَلَيْكُمْ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ
فَلأنفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوْفَ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ^{۲۷۲}
لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ

است و در کارهای خود ستوده و با ثنا است.

۲۶۸. شیطان بداندیش، شما را با فقر و تهیدستی تهدید می‌کند که چرا انفاق کرده‌اید اما به عیاشی و رسوایی فرمانتان می‌دهد با آن که صدها بار بیشتر از انفاق شرعی هزینه و ضایعات مالی دارد. و در مقابل، خداوند رحمان به پاداش صدقات و انفاق شرعی نوید آمرزش می‌دهد با فزونی رحمت و نعمت و خداوند جهان خوانی گسترده دارد و به حال بندگانش دانا است.

۲۶۹. به هر کس بخواهد کردانی عطا می‌کند و هر کس به آن کردانی دست یابد خیر فراوانی بدست آورده است اما جز صاحبان مغز و خرد دیگران به یاد این نکته‌ها نمی‌افتند.
۲۷۰. هر گونه مخارجی را بپردازید و یا هر تعهدی که بر ذمه بگیرید تا بعدها تأدیه نمایید خداوند جهان می‌داند و اگر ابا بورزید و از پرداخت زکات شرعی خودداری نمایید در ردیف سیه‌کاران قرار می‌گیرید و سیه‌کاران به روز جزا یاور ندارند.

۲۷۱. اگر صدقات خود را علنی و در برابر دیگران بپردازید و او که سرمشق نیکوئی به جوامع داده‌اید و اگر صدقات خود را پنهان به مستمندان تقدیم نمایید چه بهتر که از ریا و تظاهر دوری جسته‌اید. در هر حال خداوند رحمان صدقات شما را می‌پذیرد و خطاهای شما را می‌پوشاند و خداوند به زیرو روی کارهای شما دانا است.

۲۷۲. به راه آوردن مردم تکلیف تو نیست اما تکلیف خدا هست و هر که را بخواهد به راه می‌آورد تا زکات شرعی را بپردازد. هر خواسته خوب و مرغوبی که در راه خدا انفاق کنید به سود شما خواهد بود و شما جز برای جلب رضا و توجه خدا انفاق نخواهید نمود. هر خواسته خوب و مرغوبی که شما در راه خدا انفاق نمایید پاداش آن به شما ادا خواهد شد - کاملاً - و حق شما را سیاه نمی‌کنند.

مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْفَافًا وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ^{٢٧٣}
 الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا
 هُمْ يَحْزَنُونَ^{٢٧٤} الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ
 الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ
 رَبِّهِ فَاتْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^{٢٧٥}
 يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ^{٢٧٦} إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

٢٧٣. تقدیم نفقه و یا تعهد مخارج باید برای آن فقیرانی باشد که در راه خدا به تنگنا و محدودیت و اماندهاند چرا که استطاعت مالی و جانی ندارند که برای تحصیل روزی به سفر بروند. در اثر عفاف و بی‌رغبتی که از خود نشان می‌دهند جاهل بی‌خرد، تصور می‌کند که سیر و بی‌نیازند. می‌توانی آثار تنگدستی را در چهره بی‌فروغ آنان بخوانی. با اصرار و سماجت از مردمان چیزی نمی‌طلبند. شما هر گونه خیراتی که در راه خدا تقدیم کنید خداوند جهان به آن دانا است.

٢٧٤. آن کسانی که اموال خود را در شب و روز به نهان و آشکار در راه خدا انفاق می‌کنند، پاداش آنان در پیشگاه پروردگارشان ذخیرهٔ روز آخرت است؛ نه ترسی بر سر آنان سایه دارد و نه خود غمی در دل می‌پرورند.

٢٧٥. آنان که با سفسطه‌بافی ربا می‌خورند در بازار تجارت از جا برنمی‌خیزند، مگر مانند جن‌زده‌ای مصروع که شیطان لحظاتی چند در گل و خاکش می‌غلتاند، سپس تحقیر شده از زمین برمی‌خیزد. این تحقیر و این دیوزدگی از آن رو است که رباخواران می‌گویند: مبادلهٔ گندم با گندم یا جو با جو مانند مبادلهٔ نقره با نقره و طلا با طلا است که سرانهٔ آن سودی عاید می‌کند در حالی که خداوند رحمان مبادلهٔ هر گونه جنسی را با جنس مشابه آن حلال کرده است و تنها سرانهٔ آن را حرام فرموده است. از این پس هر رباخواری که از پیشگاه پروردگارش پند و موعظه‌ای دریافت کند و از رباخواری دست بکشد ربای گذشته و مصرف شده بر او حلال است و سروکار او با خداوند رحمان خواهد بود نه با مدعیان او. و هر کس پند و اندرز خدا را بشنود و باز هم به رباخواری بازگردد جاودانه در آتش دوزخ جای خواهد داشت.

٢٧٦. خداوند سود ربا را به نابودی می‌کشاند که در رنج و بلا هزینه شود و صدقه را می‌پروراند که درد و بلا را بگرداند و جامعه را پروراند. و خداوند جهان مردمان ناسپاس

الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
 ۲۷۷ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۲۷۸ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا
 فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ۲۷۹
 وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۲۸۰ وَاتَّقُوا يَوْمًا
 تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۲۸۱ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا
 تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَن يَكْتُبَ
 كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيَمْلِكِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِن كَانَ
 الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَن يَمْلَهُهُ فُلْيَمْلِكْ وَلِيَهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا
 شَهِيدَيْنِ مِّن رِّجَالِكُمْ فَإِن لَّمْ يَكُنَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَن
 تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسَامُوا أَن تَكْتُبُوهُ

زورگو را دوست نمی‌دارد گرچه از خصال نیک انسانی برخوردار باشند.

۲۷۷. بی‌شک کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته آخرت بجا آورده‌اند و نماز را بپا داشته‌اند و زکات اموال خود را پرداخته‌اند پاداش آنان نزد پروردگارشان محفوظ است. نه ترسی بر سر آنان بال و پر می‌گسترند و نه خود اندوهی به دل دارند.

۲۷۸. ای اهل ایمان! از خشم خدا بهراسید و - اگر ایمان دارید - باقیماندهٔ ربح خود را به سود بدهکارانتان وا بگذارید.

۲۷۹. اگر شما به این تکلیف منصفانه عمل نمایید برحذر باشید که خدا و رسول خدا با شما سر جنگ دارند که رأس المال شما را به سود بدهکارانتان توقیف نمایند. و اگر شما توبه کنید و به قانون خدا باز گردید و از باقیماندهٔ ربح خود صرف‌نظر نمائید رأس المال شما از آن شما خواهد بود؛ نه شما بدهکارانتان را سیاه کنید و نه آنان شما را سیاه نمایند.

۲۸۰. و اگر بدهکاران شما تنگدست باشد و نتوانند رأس المال شما را فوراً تأدیه سازند به آنان مهلت بدهید تا گشایشی برایشان حاصل شود و رأس المال شما را باز پس بدهند و اگر شما رأس المال خود را - کلاً و یا بعضاً - بر او تصدق نمائید به سود شما خواهد بود. اگر شما نکته‌دان باشید.

۲۸۱. شما اهل ایمان باید از فرا رسیدن آن روزی در هراس باشید که شما را به پیشگاه پروردگارتان باز برند و هر کسی سزای کردار خود را دریافت کند و جان کسی را به اندازهٔ یک خط سیاه آلود نسازند.

صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَن تَكُونَ
تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ
كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِن تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمَ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۚ ۲۸۲

۲۸۲. ای اهل ایمان! هر گاه در بازار تجارت برای تحویل جنس و یا پرداخت ثمن سر رسید
مشخصی در میان باشد باید سند بنویسید. باید يك نفر با سواد، سند را با رعایت عدالت
بنویسد که زبانی بر داین و مدیون وارد نسازد. هیچ باسوادى حق ندارد از نوشتن سند - به
آن صورتی که خدایش آموخته است - اِبا ورزد. باسواد بنویسد و صاحب دین به او دیکته
کند و باید از خدا برحذر باشد و به هنگام اعتراف به دین حق داین را ضایع نسازد. و اگر
مدیون، سفیه و گول باشد یا از شرح معامله ناتوان باشد و یا زبان و خردش سالم نباشد و
نتواند اعتراف کند باید پدر او و یا جد او و یا وکیل او متن سند را بر کاتب دیکته کند. شما
باید دو تن از مردان مؤمن را نیز به عنوان شاهد دعوت کنید تا اعتراف مدیون را بشنوند و
اگر دو نفر شاهد مؤمن نباشد يك شاهد مرد با دو تن شاهد زن که درستی و عدالت آنان
مورد قبول طرفین باشد کفایت می کند. حضور دو زن به جای يك مرد از این جهت
ضروری است که اگر يك زن به هنگام ادای شهادت دچار ابهام و فراموشی شود و متن
شهادت را در ذهن خود گم کند آن زن دیگر فرا خاطرش بیاورد تا هر دو يك زبان و یکدل
شهادت بدهند و چون افراد شایسته قاضی پسند را دعوت کنند تا شاهد اعترافات مدیون
باشید حق امتناع ندارند. مبدا شما مؤمنان از نوشتن سند با قید سررسید آن اظهار بی دماغی
کنید، خواه مبلغ آن کم باشد یا زیاد باشد، متاعی کم بها باشد یا پر بها باشد. نوشتن سند در
پیشگاه خدا به دادگری نزدیک تر است و گواهی گواهان را قوام بیشتری می بخشد و شك و
تردید شما را به هنگام داوری و قضاوت و ادای شهادت کمتر می سازد. نوشتن سند در بازار
تجارت ضرورت دارد مگر آن که مال التجاره در همان شهر و در همان فصل از زمان،
موجود باشد و میان شما دست به دست بچرخد که در این صورت مانعی وجود ندارد که آن
را در سند معتبر ثبت نسازید؛ ولی چون دادوستد حاصل شد و مال التجاره در برابر تقدیم
ثمن دریافت شد دو تن شاهد را برای شهادت دعوت کنید. در هر حال، نویسنده و شاهد
نباید به کسی خسارت وارد کنند و در نوشتن سند و ادای شهادت تزویر نکنند. و اگر شما
مؤمنان با نوشتن سند نادرست و یا ادای شهادت نادرست به کسی خسارت بزنید داغ این
فسق و عصیان بر پیشانی شما منقش می ماند و دیگر کسی حق ندارد شما را برای کتابت

وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي
 أُؤْتِمِنُ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
 عَلِيمٌ ۚ ۲۸۳ اللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفَوْهُ يُحَاسِبْكُمْ
 بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۚ ۲۸۴ أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ
 إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمِنٌ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نَفِرُ بَيْنَ أَيْدِي مَنْ رُسُلِهِ
 وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ۚ ۲۸۵ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا
 كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا
 حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ

سند و ادای شهادت دعوت کند. شما باید از خدا بترسید و از فرمان خدا تمرد نکنید. خداوند
 رحمان نکته‌ها را به شما می‌آموزد و خداوند به سر هر خواسته‌ای دانا است.

۲۸۳. و اگر در سفر باشید و باسوادی پیدا نکنید که بدهکاری نقدی و یا جنسی را در سند
 قید کند، گروهی دریافت کنید و به عنوان یک امانت نزد خود نگه دارید و اگر بدهکار و
 طلبکار به هم اعتماد کنند و طلبکار، گروه کم‌بهارتر بگیرد و یا بدهکار، گروه پر بهاتر بدهد آن
 کسی که امین واقع شده است و بدو اعتماد کرده‌اند باید امانتی را که در دست دارد به
 صاحبش تأدیه نماید و باید که از خشم پروردگارش در هراس باشد که در طول مدت،
 نقصانی به امانت وارد نیاید. شما نباید شهادت خود را کتمان کنید که هر کس شهادت خود
 را کتمان کند قلب خود را به آلودگی می‌کشاند و این آلودگی جز با رنج و بلای فراوان
 تطهیر نمی‌شود. و خداوند جهان به کردار شما دانا است.

۲۸۴. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است مال خدا است و آنچه شما در دل دارید اگر
 آشکارش سازید و یا نهانش بدارید خداوند جهان به حساب آن رسیدگی خواهد کرد و بعد از
 واریسی هر که را بخواهد می‌آمزد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند و خداوند جهان بر
 انجام هر خواسته‌ای توانا است.

۲۸۵. رسول ما به قرآنی که بر او نازل شده است ایمان دارد و مؤمنان یکسر به خداوند
 رحمان و فرشتگان او، کتاب‌های آسمانی او و همهٔ رسولان او ایمان دارند. با این شعار که
 ما هیچ رسولی را بر دیگری امتیاز نمی‌گذاریم. گفتند که ما دستور خدا را شنیدیم و فرمان
 بردیم. بار خدایا ما آمرزشت را خواهانیم. پروردگارا ما به سوی تو می‌شویم.

مَوْلَانَا فَاَنْصُرْنَا عَلٰی الْقَوْمِ الْكَافِرِيْنَ ۲۸۶

۲۸۶. گفتند که خداوند رحمان هیچ کس را جز به میزان تاب و توانش تکلیف نمی‌کند. هر طاعتی که انجام دهد به سود خود او است و هر گناهی که به دست کند بر زیان او است. بار پروردگارا اگر طاعت تو را بر طاق نسیان نهادیم و یا کاری به غلط انجام دادیم ما را به بازپرسی مگیر. بار پروردگارا و تعهداتی ناروا که با فتوای کاهنان بر ملت‌ها و امت‌های پیش از ما بار کردی بر دوش ما بار مکن. بار پروردگارا و آنچه در تاب و توان ما نباشد بر دوش ما مگذار. از ما بگذر و بر ما ترحم کن. تو مولا و سرپرست مایی پس ما را بر مردمان ناسپاس کافر نصرت عطا بفرما.

آل عمران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الم ^۱ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ^۲ نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ^۳ مِنْ قَبْلُ هَدَىٰ لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ ^۴ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ^۵ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ^۶ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ^۷ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا

۱. ا. ل. م.

۲. آن خداوندی که جز او خدایی نیست زنده و نگهبان کائنات است.

۳. قرآن را به درستی بر تو نازل کرد که بر روی کتابهای آسمانی صحه می‌گذارد. پیش از قرآن، کتاب تورات و انجیل را برای هدایت مردم نازل کرده بود و اینک قرآن را نازل کرده است تا درست کتابها را از نادرست آنها جدا سازد.

۴. بی‌شک کسانی که به آیات خدا کافر شوند شکنجه سختی در انتظار آنها است و خداوند شما، عزتمندی صاحب انتقام است.

۵. هیچ پدیده‌ای بر خدا نهان نیست چه در زمین باشد و چه در آسمانها باشد.

۶. و او است که شکل و اندام شما را در شکم مادرانتان به تصویر می‌کشد به آن صورتی که می‌خواهد، خدایی جز او نیست، عزتمند و کاردان است.

۷. او است که فرمان کتاب را بر تو نازل کرد از آن جمله آیاتی است محکم و استوار که اصل و مادر است و یک دسته دیگر آیاتی است که اصل و مادر نیست ولی مشابه با آنها است. در برابر این اصل و فرع، مردم نیز در دو جبهه صف می‌کشند: اما آنان که در دل کجی و انحراف دارند از آیات مشابه با اصل پیروی می‌نمایند با این هدف که فتنه و آزمایشی برانگیزند و با این هدف که فرع را به اصل آن بازگردانند و خود را قیم قرآن جا بزنند با آنکه از راز این بازگردان جز خداوند جهان کسی با خیر نیست. و اما ثابت قدمان در علم و ایمان می‌گویند: ما به فروع مشابه با اصل، ایمان داریم: اصل و فرع، از جانب پروردگار ما ابداع شده است و ما را از پیش خود راهی به کشف رمز آن نیست. کسی جز

وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ^۸ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ^۹ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ^{۱۰} كَذَابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ^{۱۱} قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سِتْغَابُونَ وَتَحْشُرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَيُنْسِ الْمِهَادُ^{۱۲} قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَةِ النَّعْتَانِ فَتَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلِهِمْ رَأَىٰ الْعَيْنُ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ^{۱۳} زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ^{۱۴} قُلْ أُوْنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَلِكَمُ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ

صاحبان خرد این نکته‌ها را به خاطر نمی‌سپارد.

۸. می‌گویند که: پروردگارا بعد از این هدایت و ایمان دل‌های ما را به سوی کجی و انحراف ملغزان که فتنه‌انگیزی کنیم و پیش خود به بازگردان فرع و اصل بپردازیم. تو از جانب خود رحمتی بر ما افاضه کن که فرع و اصل را از هم باز بشناسیم. به یقین، تو فیاضی و بخشنده این رحمتی.

۹. پروردگارا! تو مردم را برای آن روزی که در آمدنش شکی نیست فراهم می‌آوری که این وعده تو است، به یقین خداوند جهان از وعده خود تخلف نخواهد کرد.

۱۰. به یقین کسانی که کافر شده‌اند نه اندوخته‌هایشان و نه فرزندان‌شان از عذاب خدا بازشان نمی‌دارد و هم آنان شعله‌ساز آتش دوزخ باشند.

۱۱. همچون شیمه خاندان فرعون و حاکمان پیشترشان که آیات ما را دروغ شمردند و خداوندشان به گناهانشان مجازات نمود و مجازات خدا، سهمگین است.

۱۲. به این مردم کافر بگو: شما در آینده‌ای نزدیک باز هم مغلوب و هزیمت می‌شوید و سپس به سوی دوزخ روان می‌شوید که بستری ناسازگار است.

۱۳. برای شما معجزه‌ای بود که دو دسته با هم درگیر شدند: یک دسته در راه خدا شمشیر می‌زد و دسته دیگر کافر بود و سربازان خود را دو برابر مؤمنان مقابل می‌دید و با وجود این مغلوب شدند. خداوند جهان هر که را بخواهد با نصرت خود نیرو می‌بخشد. بی‌شک در این پیکار حق و باطل، برای صاحبان بینش و معرفت پل عبرت است.

۱۴. شهوت‌ها و هوسرانی‌ها در چشم‌انداز مردمان جاذبه‌ای دارد به سوی زنان و فرزندان، کیسه‌های سر به مهر طلا و نقره، رمة اسب‌های داغ خورده، دام‌های پرورده، مزارع سبز و

رَبِّهِمْ جَنَّتْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ
 بِالْعِبَادِ ١٥ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ١٦ الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ
 وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ ١٧ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا
 الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ١٨ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ
 الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ
 الْحِسَابِ ١٩ فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

خرم و اینها همه یکسر توش و توان زندگی دنیا است و فرجام نیک زندگی در پیشگاه خدا مهیا است.

۱۵. به مردم بگو: مایلید شما را به بهتر از نعمت‌های دنیا رهنمون گردم؟ صاحبان تقوا در پیشگاه پروردگارشان بوستان‌هایی آراسته دارند که از زیر درختانش نهرها روان است. در آن بوستان‌ها جاودانه مأوا دارند با همسرانی پاک و بی‌آلایش. در سایه رضامندی خدا و خوشنودی او و خداوند جهان به حال بندگان خود، بینا است.

۱۶. همان بندگان با تقوا که در نیایش خود می‌گویند: پروردگارا! فرمودی که ایمان بیاورید تا شما را بیامرزم و اینک ایمان آوردیم پس گناهان ما را بیامرز و از عذاب آتش برکنارمان بدار.

۱۷. همان صاحبان تقوا که در مشکلات زندگی شکیبایند و راستگو. از جان و دل به فرمان خدا گوش می‌سپارند و در راه خدا انفاق می‌کنند و در سحرها برای آمرزش خود طلب مغفرت دارند.

۱۸. خداوند جهان گواهی داد که خدایی جز او نیست. فرشته‌ها نیز گواهند با صاحبان دانش که خدایی جز او نیست، دادگری به انصاف است. جز او که عزتمند و کاردان است خدایی در جهان نیست.

۱۹. به یقین در پیشگاه خداوند رحمان، دینداری همان است که در برابر قانون خدا تسلیم باشند و از جان و دل به فرمان او تن بدهند. کسانی که بعد از رحلت عیسی کتاب و فرمان را دریافت نمودند به راه اختلاف و تشتت گام ننهادند مگر در اثر خودخواهی و حق‌کشی. آن هم بعد از علم و دانشی که به آنان واصل شده بود. آنان با این خودخواهی و حق‌کشی و تفرقه‌اندازی به آیات خدا کافر شدند و هر کس به آیات خدا کافر شود خداوند جهان سریعاً به حساب او خواهد رسید.

وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ٢٠
 إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ
 النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٢١ أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ
 نَاصِرِينَ ٢٢ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعُونَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ
 يَتَوَلَّوْا فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ ٢٣ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ
 وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتُرُونَ ٢٤ فَكَيْفَ إِذَا جُمِعْنَا لَهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوَقَّيْتُ كُلَّ نَفْسٍ
 مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ٢٥ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ

٢٠. اگر صاحبان انجیل راه بحث و جدل را باز کنند بگو: من با پیروانم سر تسلیم و اطاعت در پیشگاه خدا بر خاک نهاده‌ایم. به آنان که انجیل را دریافت کرده‌اند و به اینان که درس نخوانده، شرک جاهلیت را پذیرفته‌اند بگو: آیا شما هم در برابر فرمان خدا تسلیم شده‌اید؟ اگر در برابر فرمان خدا تسلیم شدند راه درست را پیدا کرده‌اند و اگر پشت کردند و رفتند دیگر بر تو تکلیفی نیست. تکلیف تو ابلاغ پیام است و بس. و خداوند جهان به حال بندگانش بینا است.

٢١. به یقین آن دسته از یهودان که به آیات خدا کافر می‌شوند و مانند بنی نضیر با صحنه سازی و توطئه، پیامبران خدا را به قتل می‌رسانند تا قدرت خود را حفظ نمایند و مردان عدالتخواهی را می‌کشند که جامعه را به انصاف و عدالت فرمان می‌دهند، همه آنان را به این خبر مسرت‌بخش نوید و بشارت ده که عذاب دردناکی برای آنان مهیا است.

٢٢. اینها اینند که دستاورد نیکشان در دنیا و آخرت توقیف می‌شود که از برکات آن سود نبرند و کسی به یاری آنان نخواهد شتافت.

٢٣. آیا به آن دسته دیگر که مدعی ایمانند و از کتاب تورات هم نصیب و بهره‌ای دارند نمی‌نگری که چون به کتاب تورات خود دعوت می‌شوند تا در اختلافات آنان داوری کند یک دسته آنان که داوری کتاب خدا را به زیان خود می‌بینند واپس می‌روند و روگردان می‌شوند.

٢٤. این جسارت و بی‌مبالاتی از آن رو است که ادعا دارند و می‌گویند: آتش دوزخ جز چند روزی دامن ما را نخواهد گرفت. همین افتراها که بر خدا بسته‌اند آنها را در بی‌رعایتی قانون خدا مغرورشان ساخته‌است.

٢٥. اما چون همه این کافران را در روز قیامت گرد هم فرا آوریم و حساب هر کسی را در

مَمَّن تَشَاءُ وَتَعَزُّ مِنْ تَشَاءُ وَتَدُلُّ مِنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۚ ٢٦ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۚ ٢٧ لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ۚ ٢٨ قُلْ إِنْ تَخَفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تَبَدُّوهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۚ ٢٩ يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمَلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمَلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ ۚ ٣٠ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۚ ٣١ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنَّ

کفش بگذارند بی آنکه سیاهی بر جان کسی روا دارند حال و روز آنان با عذاب سهمگین الهی چسان خواهد بود.

٢٦. بگو: بار خدایا! ای صاحب پادشاهی! به هر که خواهی پادشاهی دهی و از هر که خواهی پادشاهی را واگیری. هر که را بخواهی عزت دهی و هر که را بخواهی خوار کنی. خیر و نیکی در دست تو است و تو بر انجام هر خواسته‌ای توانایی.

٢٧. سیاهی شب را در دل روز و سپیدی روز را در دل شب فرو می‌بری. زنده را از درون مرده برون می‌کشی و مرده را از درون زنده برون می‌آوری. و به هر که خواهی روزی بی- حساب می‌دهی.

٢٨. مؤمنان نباید به جای مومنان با کافران پیمان حمایت و وابستگی به امضا برسانند. هر کس چنین کند به هیچ وجه در حمایت خدا نیست مگر آنکه از کافران در هراس و تقیه باشید که همزیستی را برقرار بسازید. خداوند، شما را از خشم خودش برحذر می‌دارد و شما همگان به سوی خدا می‌شوید.

٢٩. به مؤمنان بگو که اگر شما راز دل را پنهان کنید و یا برملا سازید خداوند جهان در هر حال راز شما را می‌داند. خداوند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است می‌داند و خداوند جهان بر انجام هر خواسته‌ای توانا است.

٣٠. آن روز که هر کس دستاورد نیک خود را با دستاورد ناساز خود حاضر ببیند آرزو می‌کند کاش میان او با دستاورد ناسازش سالها فاصله می‌بود. خداوند شما را از خشم خود برحذر می‌دارد. خداوند به بندگان خود رأفت بسیار دارد.

٣١. بگو: اگر شما مؤمنان خدا را دوست می‌دارید باید مطیع فرمان من باشید اگر شما مطیع

تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ۳۳ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ۳۳ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۳۴ إِذْ قَالَتْ امْرَأَةٌ عَمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۳۵ فَلَمَّا وَضَعَتَهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ۳۶ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّىٰ لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۳۷ هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً

من باشید خداوند رحمان نیز شما را دوست خواهد داشت و گناهان شما را خواهد آمرزید. و خداوند رحمان، آمرزگاری مهربان است.

۳۲. بگو: شما باید خدا و رسول او را توأماً فرمان ببرید. اگر آنان واپس رفتند و از اطاعت تو سرپیچی نمودند، باید بدانند که با این سرپیچی کافر شده‌اند و خداوند جهان کافران را دوست نمی‌دارد.

۳۳. به یقین خداوند رحمان، آدم را برای آزمون بهشتی برگزید و او را بر کرة زمین فرود آورد و نوح را برای رسالت در زمین برگزید و آل ابراهیم را برای تأسیس مذهب تورات و آل عمران را برای تحکیم رسالت انجیل.

۳۴. دودمانی که حامی هم بودند و همگام با هم، و خداوند رحمان دعای آنان را شنید و به حال بندگان خود دانا است.

۳۵. آن روز که همسر عمران گفت: پروردگارا من این پسری که در شکم دارم وقف معبد نمودم و تا آنگاه که وعده‌ات عملی شود و او را در سلك رسولانت جای دهی خوراک و پوشاک او را کفالت کردم. خدایا این نذر مرا بپذیر که شنوای هر عهده‌ی و دانای هر رازی.

۳۶. و چون فرزند خود را بر زمین نهاد با تأسف گفت: پروردگارا باری که از شکم بر زمین نهادم دختر است و نتواند معتکف معبد بماند و نذر من تحقق یابد. خداوند رحمان به مقام و موقعیت آن دختر که همسر عمران بر زمین نهاد داناتر بود و هیچ پسری نمی‌توانست مانند آن دختر برنامه‌ی خدایی را سامان بدهد، همسر عمران گفت: پروردگارا و من نام این دخترم را مریم نهادم و او را در پناه تو مأوی می‌دهم که با دودمانش از شر شیطان رجیم برکنارش بداری.

۳۷. پروردگار مریم، مریم را به عنوان معتکف معبد پذیرفت بر وجهی شایسته و نیکو، که با

طَبِيَّةٌ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ٣٨ فَنادته الملائكة وهو قائم يصلي في المحراب أن الله يبشرك
 بيحيى مُصدقاً بكلمة من الله وسيداً وحصواً ونبيّاً من الصالحين ٣٩ قال رب أنى يكون لى
 غلامٌ وقد بلغنى الكبرُ وأمرأتى عاقراً قال كذلك الله يفعل ما يشاء ٤٠ قال رب اجعل لى آيةً
 قال آيتك ألا تكلم الناس ثلاثة أيامٍ إلا رمزاً وأذكر ربك كثيراً وسبح بالعشي والإبكار ٤١ وإذ

اختيار خود از معبد خارج شود. خداوند رحمان او را پرورید با میوه بهشتی پروریدنى خوب و
 شایان که پاک بماند و آماده لقاى مقدس باشد و چون به سن بلوغ رسید کفالت او را به
 زکریا وانهاد که پدروار محرم او باشد و نیازمندی‌هاى او را مهیا کند. هرگاه زکریا به محراب
 عبادت او وارد مى‌شد خوراک تازه‌اى در نزد او حاضر مى‌دید. روزى به او گفت: اى مریم این
 خوراکی‌ها از کجا حاضر مى‌شود؟ مریم گفت: از پیشگاه خدا حاضر مى‌شود خداوند رحمان
 به هر کسى که بخواهد روزى بى حساب عطا مى‌فرماید.

٣٨. این جا بود که زکریا به درگاه پروردگارش دعا کرد و گفت: پروردگارا! به من از پیشگاه
 خودت دودمانى بى غش موهبت فرما تا بدون وارث نمانم. پروردگارا تو دعای دعاکنندگان را
 مى‌شنوى.

٣٩. زکریا در محراب عبادت به نماز ایستاده بود که فرشته‌ها او را ندا کردند که خداوندت به
 میلاد یحیی بشارت مى‌دهد که عیسی کلمه خدا را تصدیق مى‌کند و به طهارت و رسالت او
 گواهی مى‌دهد. پسرى عالی‌مقام که خود را از شهوات مادى در حصار عفت نگه مى‌دارد و
 پیامبرى از صالحان است.

٤٠. زکریا گفت: پروردگارا از کجا برای من پسرى متولد مى‌شود بعد از آنکه من پیری
 فرتوت شده‌ام و همسرم نازاست. آیا باید از میوه‌هاى بهشتى مریم، تناول نمائیم سرورش
 الهى گفت: با وجود این و با همین صورت طبیعى. خداوند رحمان هر آنچه بخواهد عمل
 خواهد کرد.

٤١. زکریا گفت: پروردگارا! برای من نشانه‌اى مقرر کن که من وقت و هنگام مباشرت را
 بشناسم و بدون طائل با همسرم در نیامیزم. سرورش الهى به او گفت: نشانه‌ات آن باشد که
 سه روز زبانت از گفتگوی با مردم باز بماند جز آنکه با رمز و اشارت با مردم گفتگو نمایی.
 اما زبانت از ذکر و تسبیح خدا باز نمى‌ماند و همانند سابق باید خدا را فراوان یاد کنی و در
 شامگاه و بامداد خدا را تسبیح کنی.

قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ^{٤٢} يَا مَرْيَمُ افْنِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ^{٤٣} ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُونَ أَفَلَمَّهْمُ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ^{٤٤} إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ^{٤٥} وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ^{٤٦} قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ^{٤٧} وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ^{٤٨} وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ

٤٢. و خاطر نشان ساز که فرشته‌ها گفتند: ای مریم! خداوند جهان تو را برای عبادت در معبد گزین ساخت و از آرایش ماهیانه زنان مطهر نمود و تو را بر همه زنان جهان برتری بخشید که برای لقاح مقدس برگزید.

٤٣. ای مریم! برای پروردگارت گوش به فرمان باش و مانند مردان در نمازهایت خدا را سجده کن و همراه با جماعت مردان در نماز جماعت رکوع کن.

٤٤. این خبرها از اخبار نهانی است که با تو در میان می‌گذاریم. تو آن روز در کنار پیامبران یهود حاضر نبودی که قلم‌های خود را داخل سبد انداختند تا با قید قرعه معلوم شود کدامین نفر به عنوان کفیل و پدر خوانده مریم به کفالت او پردازد و در آنجا حاضر نبودی که چسان برای احراز این شرافت با هم به رقابت پرداخته بودند.

٤٥. آن روز که فرشته‌ها گفتند: ای مریم! خدایت به فرزندی از جانب خود بشارت می‌دهد که نامش «مسیح، عیسی پسر مریم» خواهد بود. در دنیا و آخرت با عزت و جاه است و از مقربان درگاه.

٤٦. در گهواره با مردم سخن می‌گوید و سپس در آغاز پیری به دعوت آنان می‌پردازد. او از پیامبران و صالحان است.

٤٧. مریم که می‌دانست عاکف معبد نمی‌تواند شوهر بگیرد با نگرانی سخن فرشته‌ها را برید و با حال التجا و راز و نیاز با خدا گفت: پروردگارا از کجا می‌توانم صاحب فرزند شوم با آنکه مردی با من تماس نگرفته باشد؟ آیا باید معبد را ترک گویم و به زندگانی عادی بازگردم؟ پروردگارش گفت: به همین صورتی که هستی، خداوند بدون شوهر به تو فرزند می‌دهد. خداوند هر موجودی را که اراده فرماید، می‌آفریند. هرگاه که خداوند جهان به هستی چیزی حکم براند به صورتی که برای آن چیز در لوح محفوظ منقش ساخته باشد می‌گوید: بشو و

جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِّنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ ٤٩ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَلَأَحِلَّ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي هُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ٥٠ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ٥١ فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ٥٢ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ

آن چیز خواهد شد.

٤٨. در حالی که مریم تصور می‌کرد خداوند جهان به همان صورت که برای او خرما و انگور حاضر می‌کند از عالم غیب فرزندی به او عنایت خواهد کرد ساکت ماند و فرشته‌ها دنبالهٔ بشارت خود را گرفتند و گفتند: خداوند به فرزندت عیسی فرمان‌ها و سنت‌ها را می‌آموزد و تورات و انجیل را به او فرا می‌دهد.

٤٩. و او را با این پیام به سوی بنی‌اسرائیل گسیل می‌دارد که من با نشانهٔ غیبی از جانب پروردگارتان به رسالت آمده‌ام، نشانهٔ غیبی من آن است که از گل برای شما مرغی می‌سازم و در آن می‌دمم و آن مرغ گلی از دم من به آسمان پر می‌کشد. با رخصت خداوند، من کور مادرزاد را بینا می‌سازم. من بیمار پیس را شفا می‌بخشم. من مرده را زنده می‌کنم با رخصت خدا، که مشیت او را به مرحلهٔ اجرا می‌گذارم. من به شما خبر می‌دهم که دیروز و دیشب چه تناول کرده‌اید و چه خوراکی و یا چه ذخیره‌ای در خانه انداخته‌اید. اگر شما اهل ایمان باشید در گفتار و کردار من نشانه‌های عالم غیب را عیان می‌بینید.

٥٠. من آمده‌ام تا کتاب آسمانی تورات را تأیید کنم و برخی از حلال‌ها را که فقها به غلط تحریم کرده‌اند حلال سازم. من با نشانهٔ غیبی از پیشگاه پروردگارتان آمده‌ام. از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید.

٥١. به یقین خداوند جهان پروردگار من و پروردگار شما است و همو را بپرستید که راه راست همین است.

٥٢. بعد از آنکه عیسی به سن کهولت رسید و دعوت خود را تکرار نمود از امت خود رغبتی به سمع و اطاعت ندید و احساس نمود که در صدد کفر و جنایت برآمده‌اند تا او را از میان بردارند. به معبود شاگردان مکتب خود گفت: کیست که مرا یاری دهد تا آخرین نفس که به سوی خدا می‌رویم دین او را یاری دهیم؟ حواریون عیسی گفتند: ما یاران خداییم و تو را

فَاكْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ^{٥٣} وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ^{٥٤} إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِي مَتُوفِّكْ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ^{٥٥} فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذِبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ^{٥٦} وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الظَّالِمِينَ^{٥٧} ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ^{٥٨} إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ^{٥٩} الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ^{٦٠} فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى

که رسول و مبعوث او هستی تا آخرین دم یاری می‌کنیم و دین او را ترویج می‌نماییم. ما به خداوند جهان ایمان آورده‌ایم و تو خود گواه ما باش که به فرمان خدا گردن نهاده‌ایم.

٥٣. پروردگارا ما به انجیلی که نازل کرده‌ای ایمان آورده‌ایم و از رسول مبعوث عیسی پیروی کرده‌ایم نام ما را در زمره گواهان رسالت ثبت بفرما.

٥٤. و دشمنان عیسی برای قتل او چاره‌جویی کردند و خداوند رحمان برای نجات عیسی چاره‌جویی کرد و خدا در چاره‌جویی و شکست طرح دشمنان قوی‌تر است.

٥٥. به خاطر بسپار آن لحظه‌ای که خداوند جهان به عیسی گفت: من تو را با جان و تنت از روی زمین باز می‌گیرم و به سوی خود بالا می‌آورم. من وجود مقدست را از دسترسی کافران دور نگه می‌دارم و پیروان کیش تو را تا روز قیامت بر سر این کافران جهود مسلط می‌سازم و پس از پایان زندگی بازگشت همه شما به سوی من خواهد بود و من در اختلافات شما داور می‌شوم.

٥٦. کافران را در دنیا و آخرت به عذابی سهمگین گرفتار می‌سازم و هیچ گروهی به یاری آنان بر نخواهد خواست.

٥٧. و مؤمنان را که اعمال شایسته و صالحی بجا آورده باشند به تمام و کمال پاداش می‌دهد و خداوند جهان سیه‌کاران جامعه را دوست نمی‌دارد.

٥٨. این آیاتی که بر تو می‌خوانیم آیات الهی است و یادواره‌ای از قرآن کاردان است.

٥٩. به یقین حکایت عیسی در پیشگاه خدا حکایت آدم است که نطفه او را از خاک آفرید و سپس گفت: آدم شو. آدم شد.

٦٠. این سخن درست از جانب پروردگار تو است مبدا که از شبهه‌گرایان باشی.

الْكَاذِبِينَ ٦١ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٦٢ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ ٦٣ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ٦٤ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ٦٥ هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ٦٦ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ

٦١. هر کس با تو به احتجاج بپردازد که سخن حق جز این است آنها هم بعد از این علم و دانشی که تو را حاصل آمده است بگو: بیایید تا ما پسران خود را دعوت کنیم شما نیز پسران خود را دعوت کنید. ما همسران خود را دعوت می‌کنیم شما هم باید همسران خود را دعوت کنید. ما خودمان حاضر می‌شویم شما هم خودتان حاضر شوید، سپس هر دو دسته به درگاه خدا زاری کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم.

٦٢. این است صورت درست حکایت و خدایی جز آن خدا نیست. به یقین خداوند جهان، عزتمند و کاردان است.

٦٣. اگر این نصرانیان که با نمایندگی از نصاری نجران آمده‌اند سخن درست را نپذیرفتند و از مباحله و نفرین خودداری نمودند و واپس رفتند، این را بدان که آنان با انکار و اعراضی که دارند درصدد فساد و تباهی برآمده‌اند و خداوند جهان به حال مفسدان فتنه‌گر دانا است.

٦٤. بگو ای صاحبان کتاب آسمانی بیایید اولین فرمان خدا را محلّ اتفاق است مورد عمل قرار بدهیم: جز خداوند جهان را نپرستیم و هیچ موجودی را شریک او ندانیم و از هم‌نوعان خود کسی را به نام رهبران، خداوندگاران و خدایگان اتخاذ نکنیم. اگر پذیرا گشتند با هم بنشینید و خالصانه اختلافات خود را از میان بردارید و اگر پذیرا نگشتند و واپس رفتند به آنان بگو شما در برابر همه ملت‌ها گواه باشید که ما به فرمان خدای جهان گردن نهاده‌ایم و شرک را با همه گونه‌ها و رنگ‌های آن طرد می‌نماییم.

٦٥. ای یهود و نصاری چرا با ادعای بیجا ابراهیم را به خود نسبت می‌دهید و خود را به دین او می‌بندید با آنکه شما دین خود را از تورات و انجیل اتخاذ کرده‌اید که سال‌ها بعد از ابراهیم بر موسی و عیسی نازل شده است. آیا اندیشه بکار نمی‌بندید.

٦٦. شما که دانسته‌های خود را از تورات و انجیل به عنوان سند ارائه می‌نمایید از چه رو با خدا در مسائلی به بحث و جدل می‌پردازید که علم و دانشی ندارید. با آنکه خدا می‌داند و

حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ٦٧ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ ٦٨ وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضْلُونَكُم مَّا يُضِلُّونَ إِلَّا
أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ٦٩ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تُشْهَدُونَ ٧٠ يَا أَهْلَ
الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ٧١ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ
الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ٧٢
وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ أَن يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ
يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ٧٣ يَخْتَصُّ

شما نمی دانید.

٦٧. ابراهیم که یهودی و یا نصرانی نبود تا شما درباره او به بحث و جدل بشینید. ابراهیم با
اعتدال و استقامت و بدون هیچ گونه انحرافی به راست و چپ به فرمان خدا تن داده بود و
هرگز مانند شما به فرمان خداوندان شرک و اربابان مدعی تن نداد.

٦٨. آن کسانی که در زمان های پیشین در حد استقامت و پایمردی پیرو ابراهیم شدند با این
پیامبر و پیروانش از مؤمنان که امروز بر کیش و ملت ابراهیم می روند سزاوارترند که نام
ابراهیم را بر خود بنهند و خداوند بر فراز همگان، مولا و رهبر مؤمنان است.

٦٩. جمعی از یهودیان در این آرزویند که شما را به راه حیرت و ضلالت بکشانند اما فقط
جان خود را به حیرت و ضلالت می کشند و خود بی خبرند.

٧٠. ای صاحبان کتاب آسمانی! چرا به آیات و نشانه های خدایی کافر می شوید با آنکه خود
صحت آن را گواھید.

٧١. چرا لباس باطل را بر اندام حق می پوشانید و حقیقت را کتمان می کنید با آن که خود
می دانید.

٧٢. و جمعی دگر از یهودان گفتند: با رخ نمودن روشنایی به قرآن مؤمنان، ایمان بیاورید تا
از خود حسن نیتی ظاهر کرده باشید و در پایان روز به دین و قرآ نشان کافر شوید و بگوئید
آیین شما را با کتاب های آسمانی هم آهنگ و برابر ندیدیم، باشد که بدین وسیله مؤمنان نیز
با تردید و شک از آیین خود بازگردند.

٧٣. می گویند: شما باید فقط به پیامبری ایمان بیاورید که از کیش و آیین شما یهودان
پیروی کند. بگو: تنها هدایتی که می تواند مفید و نجات بخش انسان باشد همان هدایت
خداوند است که از تعصب ادیان برکنار است. و می گویند شما فکر نکنید که هیچ پیامبری

بِرَحْمَتِهِ مِنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ^{٧٤} وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدَّهُ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدَّهُ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ^{٧٥} بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ^{٧٦} إِنْ الَّذِينَ يَشْتُرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^{٧٧} وَإِنْ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُودُونَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ^{٧٨} مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ

بتواند به کتابی چون تورات شما دست یابد و یا بتواند در برابر پروردگارتان شما را محکوم کند. بگو: آن رحمتی که میان جهانیان تقسیم شد فضل و مازاد آن در دست خدا باقی است و آن را به هر که خواهد عطا می‌فرماید. خداوند جهان رحمتی وسیع دارد و به حال بندگان خود دانا است.

٧٤. رحمت رسالت را ویژه آن کسی می‌سازد که بخوهد و خداوند رحمان، رحمتی بس فزون از تصور جهانیان دارد.

٧٥. در میان این یهودان کسانی هستند که اگر يك كيسه زر به رسم امانت به او بسپاری كيسه را دست‌نخورده به تو باز می‌گرداند و کسانی دگر نیز هستند که اگر يك دينار طلا به رسم امانت به او بسپاری دينار طلا را به تو باز نمی‌گرداند مگر بعد از آنکه مدام بر سر او بایستی. این شیوه از آنجا است که گفته‌اند: بی‌سوادان مشرک را بر ما حجتی نیست و هرچه از چنگ آنان بر باییم حق ما است که اهل ایمانیم و بندگان خداييم. با این ادعا بر خدا دروغ می‌بندند و می‌دانند که بر خدا دروغ می‌بندند.

٧٦. بلی تنها امتیاز مؤمن بر مردم کافر این است که هر کس به عهد و پیمان خود وفا کند و از خشم خدا بهراسد و قانون خدا را نشکند محبوب خدا خواهد بود چرا که خداوند جهان مردمان با تقوا را دوست می‌دارد.

٧٧. به یقین کسانی که عهد خدا را با آن سوگندهایی که به نام خدا یاد می‌کنند در مقابل سیم و زری اندک می‌فروشند روز واپسین نصیب و بهره‌ای از رحمت خدا ندارند. خداوند به روز واپسین با آنان هم‌سخن نمی‌شود و به چهره آنان نمی‌نگرد و از آلودگی پاکشان نمی‌سازد و عذاب دردناکی برای آنان مهیا است.

٧٨. به یقین جماعتی از این یهودان نوشتاری با دست خود می‌نویسند و به هنگام تلاوت

اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولُ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ^{٧٩} وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ^{٨٠} وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ^{٨١} فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ^{٨٢} أَفَغَيَّرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا

آن، زبان خود را چنان بیچ و تاب می‌دهند که گویا تورات آسمانی را با لحن و لهجه مخصوص آن تلاوت می‌کنند تا گمان برید که نوشتار آنها نیز تورات آسمانی است با آنکه تورات آسمانی نیست. می‌گویند از سوی خدا است و از سوی خدا نیست. بر خداوند رحمان افترا می‌بندند و خود نیز می‌دانند که بر خدا افترا بسته‌اند.

٧٩. هر کس را که خداوند جهان کتاب آسمانی و فرمان داوری و مقام پیامبری عطا کند او را نمی‌رسد که مردم را به عبودیت خود بکشاند و بگوید: شما باید بندگان من باشید نه بندگان خدا. فرمان مرا بپذیرید نه فرمان خدا را. بلکه باید مردم خود را تا درجه انبیا ارتقا دهد و بفرماید که: شما باید مردان خدا باشید و معلم ربانی امت به پاس آنکه شما آیات کتاب آسمانی را به دیگران تعلیم داده‌اید و فرمان خدا را به درس و واری نهاده‌اید.

٨٠. و نه او را می‌رسد که بگوید: فرشته‌ها را و یا پیامبران خدا را به عنوان رهبر و خدایگان، ارباب خود بدانید. آیا رسول خدا می‌تواند شما را به کفر و ضلالت فرمان دهد بعد از آنکه شما خود فرمان خدا را گردن نهاده‌اید.

٨١. به آنان خاطر نشان ساز که خداوند جهان از پیامبران خود پیمان گرفت پیمانی موثق که چون کتاب و سنت را به شما فرا دادم و بعداً رسولی آمد با کتابی دگر و سنتی دادگر که هم کتاب شما را تأیید کند و هم سنت شما را تجدید کند شما باید به او ایمان بیاورید و به یاری او برخیزید. خداوند رحمان از آنان اعتراف گرفت که: آیا شما پیامبران من پیمان مرا در خاطر خود ثبت کردید و بار سنگین تعهد را بر دوش گرفتید؟ پیامبران گفتند: آری مراتب پیمان را پذیرفتیم و تعهد کردیم. خداوندشان گفت: پس شما گواه این پیمان باشید و من نیز از گواهانم.

٨٢. با یادآوری این پیمان که باید پیامبران خدا در برابر تو خاضع و فرمان‌پذیر باشند معلوم است که هرکس از یهودان و نصرانیان که از قرآن و رسالتت روگرداند همه آنان فاسق و

وَكُرْهَا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ^{۸۳} قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ^{۸۴} وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ^{۸۵} كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ^{۸۶} أُولَٰئِكَ جَزَاءُهُمْ أَنْ عَلَيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ^{۸۷} خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ^{۸۸} إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا

نابکارند.

۸۳. آیا قانونی غیر از قانون الهی می‌طلبند با آنکه هر موجودی که در آسمانها و زمین است در برابر فرمان خدا گردن نهاده است - خواه با رغبت و خواه با کراهت - و همگان به پیشگاه او بازگردان می‌شوند.

۸۴. بگو: ما به خداوند جهان ایمان آورده‌ایم و به آن فرمانی که بر ما نازل شده‌است و به فرمانی که بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندانگان یعقوب نازل شده است ایمان آورده‌ایم. ما به تورات موسی و انجیل عیسی و فرمان همه انبیا که از پیشگاه پروردگارش دریافت کرده‌اند ایمان آورده‌ایم. ما هیچ یک را بر دیگری رجحان نمی‌دهیم که هر یک هر چه دارد از خدا دارد و به فرمان او دارد نه از جانب خود. ما در برابر پروردگار خود تسلیم فرمانیم.

۸۵. هر کس کیش و آیینی بجوید که از کیش رضا و تسلیم کامل خارج باشد و راه فرقه-گرایی را باز کند، پیامبر خود را بر سایر پیامبران امتیاز نهد و یا کتاب خود را والاتر از سایر کتاب‌ها بشناسد و یا خود را در پذیرش فرمان جدید و رسول آخرین، آزاد ببیند دینداری او مقبول نمی‌افتد و به روز رستاخیز زیانکاری او آشکارا می‌شود.

۸۶. خداوند رحمان چگونه باید مردم یهود را هدایت کند در حالی که قبل از نزول قرآن ایمان آورده بودند و در برابر اهل مدینه حقانیت رسول را گواهی می‌نمودند با آن دلایل روشن که در این زمینه به آنان واصل شده بود ولی بعد از نزول قرآن و دعوت رسول بر حق کافر شدند و همه چیز را انکار کردند. این قوم یهود با این کفر و دغل سیه‌کار شده‌اند و خداوند رحمان سیه‌کاران را هدایت نخواهد کرد.

۸۷. سزای چنین مردمی آن است که لعنت خدا و لعنت همه مردم بر آنان نثار گردد تا راهی دوزخ شوند.

مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ^{۸۹} إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَنْ
 تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ^{۹۰} إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ
 مِلءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَى بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مَنْ نَاصِرِينَ^{۹۱} لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ
 حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ^{۹۲} كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِبَنِي
 إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ
 كُنْتُمْ صَادِقِينَ^{۹۳} فَمَنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ^{۹۴} قُلْ

۸۸. جاودانه در آن بپایند، نه عذاب آنان سبک شود و نه مهلت استراحت بیابند.

۸۹. مگر آن کسانی که بعد از کفر و انکار خود، توبه کنند و به راه حق باز آیند و به اصلاح سیه‌کاری‌ها و فتنه‌گری‌های خود بپردازند. در این صورت است که خداوند رحمان توبهٔ آنان را پذیرا می‌شود و خداوند جهان، آمرزنده‌ای مهربان است.

۹۰. به یقین آن دسته از مردم که بعد از ایمانشان به کتاب خدا و رسول بر حق او کافر شوند، سپس توبه نمایند و به ایمان بازگردند و مجدداً کافر شوند و کفری بر کفر اول خود بیفزایند، دیگر توبهٔ آنان مقبول نمی‌افتد، هرگز. و آنان سرگشتگان وادی حیرتند که راه درست را گم کرده‌اند.

۹۱. به یقین آن دسته از مردم که به آیات خدا و رسالت پیامبر کافر می‌شوند و با حال کفر و انکار خود می‌میرند گرچه یک دنیا طلا در راه خدا انفاق کرده باشند و یا به رسم جانفدا تقدیم کنند تا عذاب خدا را بگردانند، از آنان پذیرفته نخواهد شد. این‌ها ایند که برایشان عذاب دردناکی مهیا است و کسی به یاری آنان برنخواهد خواست.

۹۲. قطعی است که هیچ کس دنیا را پر از طلا نخواهد کرد و اگر دنیا را پر از طلا کند در راه خدا انفاق نخواهد کرد. اما شما مؤمنان باید متوجه این نکته باشید که باید انفاق خود را از بهترین‌ها انتخاب نمایید. شما هرگز به خیر و نیکی دست نمی‌یابید مگر آنگاه که از خواسته‌های مطبوع و خواستنی خود انفاق کنید. شما هر چه را در راه خدا انفاق کنید خداوند جهان به ارزش آن دانا است.

۹۳. بر خلاف ادعای یهودیان که تصور می‌کنند فرمان قرآن با فرمان تورات در حلال و حرام غذاها برابر نیست، همهٔ این خوراکی‌ها و غذاها که در قرآن حلال است بر یهود بنی-اسرائیل، حلال و روا بوده است به جز غذایی که از گوشت شتر نر طبخ شود که یعقوب شخصاً بر جان خود حرام کرده بود و این تحریم قرن‌ها پیش از آن بود که موسی به رسالت

صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ^{٩٥} إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ
لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ^{٩٦} فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ
عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ^{٩٧} قُلْ يَا
أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ^{٩٨} قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ
تَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبِعُونَهَا عَوجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ^{٩٩} يَا

برسد و یا توراتی بر او نازل شود. اگر راست می‌گویید که حکم قرآن با حکم تورات شما برابر نیست تورات خود را بیاورید و مورد خلاف آن را تلاوت کنید.

۹۴. ما به وسیله این آیات قرآن توضیح کافی در اختیار همگان نهاده‌ایم. اگر کسی بعد از این توضیح روشن بر خدا دروغ ببندد و گوشت شتر نر و پی و چربی گوشت گوسفند را حرام بداند در شمار سیه‌کاران است.

۹۵. به آنان بگو: خدا راست گفته است که یهود و نصاری از حد اعتدال به چپ و راست متمایل شده‌اند. پس بیایید و کیش ابراهیم را پیروی کنید که با اعتدال و استقامت به راه راست می‌رفت و جز خدا را اطاعت نکرد و طاعت خود را جز برای خدا بجا نیاورد که از مشرکان باشد.

۹۶. همان ابراهیم که خانه کعبه را بنا کرد به یقین اولین خانه‌ای که برای مردم آماده شد همان خانه کعبه است که بدست ابراهیم در میان دره شلوغ و پر ازدحام مکه بنا گشته است. خجسته و جاودان، مرکز هدایتی برای جهانیان.

۹۷. در آن دره نشانه‌های روشن خدایی برقرار است و از جمله مقام ابراهیم که بر آن ایستاد و دیوار کعبه را تا نه ذراع، سنگ‌چین بالا برد. هر کس به حریم کعبه وارد شود ایمن خواهد بود گرچه دام و دد باشد و بر عهده مردم است که برای زیارت آن خانه بیایند، هر کدامشان که استطاعت داشته باشد و بتواند به سوی آن راه برگردد. و هر کس بتواند برای زیارت بیاید ولی به زیارت خانه کافر شود و نیاید باید بداند که خداوند جهان از وجود او و از وجود همه جهانیان بی‌نیاز است.

۹۸. بگو: ای صاحبان کتاب آسمانی! چرا به آیات الهی کافر می‌شوید با آنکه خداوند جهان به دستاورد شما گواه است.

۹۹. بگو: ای یهودان و ای نصرانیان! چرا مؤمنان را از راه خدا باز می‌گردانید تا سیادت خود را حفظ کنید و راه خدا را با اعوجاج قرین می‌خواهید با آنکه شما خود گواه راهید. خداوند

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ ۱۰۰
 وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تَتْلُوا عَلَيَّكُمْ آيَاتِ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَن يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى
 صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۱۰۱ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۱۰۲
 وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ
 قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ
 لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۱۰۳ وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ
 عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۱۰۴ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمْ

جهان که از دستاورد شما بی خبر نیست.

۱۰۰. و شما ای اهل ایمان! اگر این فرقه نصرانی را اطاعت کنید که انجیل آسمانی را
 ردست دارند، شما را بعد از ایمانتان به کفر و ارتداد می کشاند.

۱۰۱. چگونه شما می خواهید از آنان پیروی کنید و کافر شوید با آنکه آیات خدا بر شما
 تلاوت می شود و رسول خدا در میان شما به سر می برد و شما می توانید با آیات خدا چنگ
 بزنید و از رسول خدا بصیرت بجوئید. هر کس به آیات خدا چنگ زند و از رسول خدا هدایت
 بجوید به دامن خدا چنگ می زند و هر کسی به دامن خدا چنگ زند به راه راست او رهیاب
 شده است.

۱۰۲. ای اهل ایمان! از خدا بترسید آن چنانکه شایسته و برحق باشد. شما باید همواره در
 حال تسلیم و اطاعت باشید مبادا که مرگ شما در رسد و شما در حال تمرد و عصیان باشید.

۱۰۳. شما باید به منشور قرآن چنگ بزنید که همانند ریسمان از آسمان فروآویخته است تا
 شما را به عرش برین عروج دهد. مبادا که از گرد قرآن پراکنده شوید. شما این نعمت خدا را
 از یاد نبرید که تا دیروز با هم دشمن دیرینه بودید و خدا دل‌های شما را الفت بخشید و اینک
 با رحمت الهی با هم برادر شده‌اید. شما بر لب گودال آتش بودید که خداوند رحمان شما را
 از فرو افتادن به آتش نجات بخشید. خداوند رحمان آیات خود را به این صورت توضیح می -
 دهد، باشد که راه را بیابید.

۱۰۴. از میان شما اهل ایمان، باید جمعی پیشرو جامعه باشند تا مردم را به خیر و نیکی
 دعوت کنند و به سنت‌های شناخته فرمان دهند و از سنت‌های ناشناخته منهی دارند. اگر
 چنین جماعتی پیشرو در جامعه شما باشد همانا آنان رستگارانند.

الْبَيْنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ١٠٥ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ١٠٦ وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ١٠٧ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ ١٠٨ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ١٠٩ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ ١١٠ لَنْ يَضُرَّكُمْ إِلَّا أَذَىٰ وَإِنْ يَقَاتِلْكُمْ يَوْلَاكُمْ الْأَدْبَارُ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ ١١١ ضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ أَيْنَ مَا تَقَفُوا إِلَّا يَحْبِلُ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ وَبَاؤُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ ذَلِكَ بَانْتِهَامٍ كَانُوا

۱۰۵. مبدا که چون امت‌های پیشین باشید که دسته دسته راه اختلاف و تفرقه در پیش گرفتند آنها بعد از دلائل روشن که به آنان واصل شده بود و هرگونه اختلافی را برطرف می‌کرد، برای چنین امتی، عذاب سهمگین مهیا است.

۱۰۶. روزی که برخی روسفیدند و برخی روسیاهند. آنان که رو سیاهند در آتش دوزخ جاودانند به آنان می‌گویند: آیا شما بعد از ایمانتان به راه کفر و ارتداد واپس رفتید؟ پس طعم عذاب را بچشید از آن رو که کافر شده‌اید.

۱۰۷. و آنان که روسفیدند در رحمت خدا جای دارند و جاودانه در آن می‌مانند.

۱۰۸. این است نشانه‌های خدا که درست و برحق بر تو تلاوت می‌کنیم و خداوند جهان نمی‌خواهد جهانیان را به هیچ‌گونه سیاهی آلوده ببیند.

۱۰۹. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است ملک خدا است و هر کاری به سوی او حواله می‌شود.

۱۱۰. شما اهل ایمان! بهترین پیشروانی بوده‌اید که از میان جامعه خود برخاسته‌اید تا به اصلاح آنان بپردازید. شما به سنت‌های شایسته فرمان می‌دهید و از سنت‌های ناشایسته پرهیز می‌دهید و به خداوند خود ایمان دارید. اگر یهود و نصاری هم ایمان بیآورند برای آنان بهتر خواهد بود. برخی از آنان اهل ایمانند و بیشتر آنان با فسق و تمرد از فرمان خدا خارج شده‌اند.

۱۱۱. اینان به شما زبانی وارد نمی‌سازند جز زخم زبان و اگر با شما وارد پیکار شوند پشت به شما راه هزیمت در پیش می‌گیرند و از جانب هیچ کس یاری نمی‌شوند.

يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ^{١١٢} لَيْسُوا سَوَاءً
 مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ^{١١٣} يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
 الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ
^{١١٤} وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ^{١١٥} إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ
 أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^{١١٦} مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ
 فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتَهُ وَمَا
 ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ^{١١٧} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ لَا

١١٢. هر جا باشند ذلت و خواری بر سر آنان خیمه می‌زند جز با یک رشته ریسمان از سوی خدا و یک رشته ریسمان از ناحیه مردمان که به هم بر تابند تا پیمان عدم تعرض را با نام خدا مؤکد سازند و از خواری و ذلت برهند. اینان خشم خدا را بستر خود ساخته‌اند و بی‌نوابی بر سر آنان سایه افکن خواهد بود. این همه کیفر بدان جهت است که از دیرباز به آیات خدا کافر می‌شدند و پیامبران خدا را با توطئه و تزویر به دست طاغیان و حرامیان و قداره‌بندان می‌کشتند. این همه بدان جهت بود که خدا را نافرمان بودند و از حدود الهی و مرز قانون تجاوز می‌نمودند.

١١٣. همهٔ یهودیان با هم برابر نبوده و نیستند. از یهودیان جماعتی همواره پیشاپیش امت خود بر سر پا بوده‌اند و هم اکنون در گوشه کنار دنیا بر سر پایند. در نیمه‌های شب پیا خاسته آیات خدا را تلاوت می‌کنند و در نمازهای نافله سر به سجدهٔ عبادت می‌گذارند.

١١٤. به خدا و روز جزا ایمان دارند و مردم را به سنت‌های شناخته فرمان می‌دهند و از سنت‌های ناشناخته پرهیز می‌دهند و با پیشتازی در انجام نیکی‌ها و تقدیم خیرات و مبرات اجتماعی شتاب می‌ورزند و از صالحانند.

١١٥. هر آن کاری خیری که انجام دهند مورد کفران قرار نمی‌گیرد و خدا به حال پرهیزگاران دانا است.

١١٦. به یقین کسانی که از جمع یهودان کافر شده‌اند نه اموالشان و نه فرزندانشان از عذاب خدا نجاتشان نمی‌دهد و آنان جاودانه در آتش دوزخند.

١١٧. حکایت اموالی که این کافران برای تامین سعادت و تحکیم سیادت خود خرج می‌کنند داستان طوفانی است سرد و بورانی که بر کشتزارها بوزد و آن را نابود کند از آن رو که صاحبان آن کشتزار با تمرد و عصیان جان خود را سیاه کرده‌اند. خداوند جهان آنان را سیاه

يَا لُونَكُمْ خَبَالًا وَدُوا مَا عَنْتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ١١٨ هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُوا عَلَىكُمْ الْأَثَامِلَ مِنَ الْغِيظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ١١٩ إِنْ تَمَسَّسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تَصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصِيرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ١٢٠ وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ١٢١ إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ١٢٢ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

نکرده است بلکه آنان شخصاً جان خود را به سپاهی کشانده‌اند.

۱۱۸. ای اهل ایمان! به غیر از همکیشان خود کسی را به دوستی و همراهی خود اختیار نکنید که دیگران با شما همراز و همدم نمی‌شوند بلکه از جنگ روانی با شما کوتاهی نمی‌نمایند، دوست دارند که همواره شما در رنج و تعب باشید خشم و کینه از دهانشان زبانه می‌کشد و کینه‌ای که در دل نهان کرده‌اند سهمگین‌تر خواهد بود. ما آیات خود را برای شما روشن کرده‌ایم اگر شما اهل اندیشه و تعقل باشید از آیات ما درس لازم را خواهید گرفت.

۱۱۹. این نکته را به خاطر بسپارید که شما آنان را دوست می‌دارید و آنان شما را دوست نمی‌دارند. شما به تمام قرآن ایمان دارید و آنان تنها قسمتی را می‌پذیرند که با اعتقاد آنان برابر باشد. هرگاه با شما مواجه شوند می‌گویند که ایمان آورده‌ایم و چون با همکیشان خود به خلوت می‌شوند از خشمی که بر شما دارند سرانگشت خویش را با دندان می‌گزند. بگو با خشم درون بمیرید. خداوند جهان از خشم و کینه‌ای که به دل دارید باخبر است.

۱۲۰. اگر خوشحالی و مسرتی چون پیروزی در جنگ بدر نصیب شما گردد بدحال و غمین می‌شوند و اگر غم و اندوهی چون فرجام جنگ احد به شما وارد شود مسرور و خوشحال می‌شوند. اگر شما شکیبیا بمانید و تقوا پیشه کنید بدخواهی آنان زبانی به شما وارد نخواهد کرد، چرا که خداوند جهان به دستاورد آنان احاطه دارد.

۱۲۱. خاطر نشان ساز که در جنگ احد بامدادان از خانه برون شدی تا ششصد تن سپاه مؤمنین را در جایگاه مناسبی از معركة نبرد مستقر سازی. خداوند جهان راز و نیاز تو را می‌شنید و به حال ضعف شما دانا بود.

۱۲۲. آن وقت و هنگام که دو فرقه از جنگاوران تن می‌خواستند قدم‌ها را سست کنند و راه مراجعت در پیش بگیرند. و خداوند رحمان مولا و سرپرست آنان بود که شکیبیا ماندند و بر

۱۲۳ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمدِّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنزَلِينَ ۱۲۴
 بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمدِّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ
 مُسَوِّمِينَ ۱۲۵ وَمَا جَعَلَ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ
 الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۱۲۶ لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ ۱۲۷ لَيْسَ لَكَ مِنَ
 الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ ۱۲۸ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي
 الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۱۲۹ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا

خدا توکل نمودند. مؤمنان باید توکل نمایند.

۱۲۳. به یقین در سال پیش خداوند جهان به شما در کنار چاه بدر پیروزی و نصرت بخشید
 با آن که آن روز خوار و زبون بودید فقط با سیصد تن سپاه و سلاحی ناچیز. پس باید از خدا
 بترسید و در معرکه‌ها شکبیا بمانید. این نکته را یاد کردیم باشد که شما سپاسگزار نصرت
 حق باشید.

۱۲۴. آن هنگام که در کنار احد با مؤمنین گفتی، آیا بس نیست که پروردگارتان با سه هزار
 فرشته آسمانی شما را مدد کند تا سه هزار تن دشمن مهاجم را هزیمت دهید.

۱۲۵. بلی نزول سه هزار تن فرشته آسمانی برای مدد کافی است. اگر شما صبر و پایداری
 داشته باشید و از خشم خدا بترسید و استقامت کنید و مشرکان با همین تاخت‌وتاز و با همین
 شور و هیجان بر سر شما هجوم آورند پروردگارتان پنج هزار تن فرشته جنگاور با علامت
 پهلوانی به مدد شما گسیل خواهد نمود.

۱۲۶. اطلاعیه فوق فقط برای بشارت شما صادر شده بود تا با مسرت خاطر دلها در سینه‌ها
 قرار یابد و از کثرت دشمنان به اضطراب و قلق درنیاید. این را بدانید که پیروزی و نصرت
 جز از جانب خدا نازل نمی‌شود که همو عزتمند و کاردان است.

۱۲۷. این نویدها و این تهدیدها به خاطر آن بود که خداوند جهان می‌خواست دست و پای
 کافران را قطع کند و یا بر سرشان بکوبد تا نامراد به شهر خود باز گردند.

۱۲۸. تعیین تکلیف که آیا مشرکان باید با پیروزی نسبی به وطن بازگردند و یا مانند روز بدر
 شکست‌خورده بازگردند با تو نخواهد بود. این فرمان با خدا است که یا حکم قتل و شکست
 آنان را صادر کند و یا با آنان آشتی کند و از جرم لشکرکشی و کشتار مسلمین درگذرد و یا
 آنان را عذاب نماید از آن رو که سیه‌کارند.

۱۲۹. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است ملک خدا است. هر که را بخواهد می‌آمرزد و

الرَّبَا أضعافًا مضاعفةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۱۳۰ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ۱۳۱
 وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۱۳۲ وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ
 وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ۱۳۳ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ
 النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۱۳۴ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ
 فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۱۳۵ أُولَٰئِكَ
 جَزَاؤُهُم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ۱۳۶

هر که را بخواهد عذاب می‌کند و آموزش او پیشی دارد که خداوند جهان، آمرزگاری مهربان است.

۱۳۰. و شما ای اهل ایمان به جنگ با خدا اقدام نکنید و ربا مخورید چند برابر و چند برابر که سود اصل و فرع را به حساب آورید. از خشم خدا بترسید و ربا را وابگذارید که رستگار شوید.

۱۳۱. از آتش دوزخ بپرهیزید که برای شما کافران مهیا گشته است.

۱۳۲. خدا و رسول خدا را فرمان ببرید باشد که مورد رحمت قرار بگیرید.

۱۳۳. بشتابید به سوی آموزشی از پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن به وسعت آسمانها و زمین است و برای پرهیزگاران مهیا گشته است

۱۳۴. آنان که در خوشحالی و بدحالی، آسایش و سختی، رفاه و قحطی در راه خدا اتفاق می‌کنند. آنان که خشم خود را در سینه فرومی‌خورند و از خطای مردم درمی‌گذرند اینها از رهگذر نیک‌خواهی است و خداوند رحمان نیک‌خواهان نیک‌اندیش را دوست می‌دارد.

۱۳۵. و آنان که در حد پرهیزکاری نباشند ولی چون با دیگران به گناه بنشینند و به کار فحشاء بپردازند و یا تنها جان خود را با ارتکاب گناهان به سیاهی بکشاند بی‌تأمل به یاد خدا بیفتند و برای گناهان خود مغفرت و آمرزش بخواهند - و کیست که بتواند گناهان شما را بپارزد و سیاهی آن را از دید دیگران بپوشاند جز خداوند رحمان که بخشاینده گناهان است و بر محو خطایان از پرونده شما توانا است - با این شرط که دانسته بر خطا و گناه خود اصرار نوزند.

۱۳۶. اینان هم با ندامت و انابت مشمول رحمت خداوند و پاداش آنان آموزشی است از سوی پروردگارشان با بوستانهای بهشتی که نهرها از زیر بیشه‌های آن روان است. جاودانه در آن بوستانها مأوا دارند و چه پاداش خوبی است پاداش آن مردمی که اعمال شایسته

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ۱۳۷ هَذَا بَيَانٌ
لِلنَّاسِ وَهَدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ۱۳۸ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۱۳۹
إِن يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلَهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ
أَمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۱۴۰ وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ أَمَنُوا وَيَمْحَقَ
الْكَافِرِينَ ۱۴۱ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ
۱۴۲ وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْفَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ۱۴۳ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا

انجام می دهند.

۱۳۷. پیش از شما درباره کافران امتهای سنتهای خدایی جاری شده است و هر امتی با عذابی از عذابها به هلاک و دمار رسیده اند شما در پهنه گیتی سیر و سیاحت کنید و بنگرید که فرجام زندگی بر کافران و منافقان به چه منوال گذشت که رسولان ما را تکذیب می نمودند. ۱۳۸. این قرآن با ارائه تاریخ و دعوت مردم به سیر و سیاحت بیان حقیقت را به عهده دارد و رهنمودی است به همراه پند و نصیحت برای پرهیزکاران که از خشم خدا در هراسند. ۱۳۹. از این رو شما مؤمنان باید به پیروزی خود بر کافران تکذیبگر مطمئن باشید و در معرکه نبرد سستی مگیرید و غمین نشوید و با وجود کثرت دشمن، شما برترید و پیروزید اگر ایمان داشته باشید.

۱۴۰. اگر با هزیمت در جنگ احد بر قلب شما جراحی وارد شده باشد بر قلب دشمنان نیز همانند آن جراحی، جراحی وارد شده است که در آغاز جنگ هزیمت شدند و سران خود را از دست دادند. ما این چند روزه دنیا را دست به دست میان مردم می چرخانیم. همواره شکست و پیروزی، اندوه و شادی، دست به دست می چرخد تا خداوند جهان مردم را بیازماید و مؤمنان را از منافقان بازشناسد و از شما امت اسلامی شهیدانی برای روز داوری اتخاذ کند و صفا و اخلاص آنان را برای سیه کاران منافق سند قرار دهد. خداوند رحمان سیه کاران را دوست نمی دارد.

۱۴۱. و تا مؤمنان را در کوره آزمون از آلودگی پیراسته سازد و کافران را به نابودی و تباهی بکشاند.

۱۴۲. شما تصور کرده اید که اینک سند بهشت را در دست دارید و فردا به بوستانهای ویژه خود وارد می شوید پیش از آن که خداوند جهان در پیکاری خونین مجاهدان شما را بشناسد و صابران با استقامت را امتیاز دهد.

رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ^{١٤٤} وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ^{١٤٥} وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ^{١٤٦} وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَأَسْرَفَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبَّتْ أقدامنا وانصرتنا على القوم الكافرين^{١٤٧} فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا

١٤٣. به حق سوگند که شما پیش از رزم احد آرزو می کردید که ای کاش ما هم در صحنه بدر حاضر بودیم و به فیض شهادت می رسیدیم، ولی در رزم احد که آسیای مرگ در برابر چشمان شما به گردش آمد مبهوت و حیران به تماشا ایستادید.

١٤٤. محمد، جز مقام رسالت مقام دیگری ندارد. پیش از او رسولان دیگری هم آمده اند و رفته اند. اگر محمد بمیرد و یا مقتول شود آیا شما با يك عقب گرد به سوی جاهلیت بازمی گردید؟ این را بدانید که هر کس از راه خدا به عقب بازگردد هیچ زبانی به خدا وارد نخواهد ساخت و هر کس نعمت هدایت را پاس بدارد باید بداند که خداوند رحمان همه سپاسگزاران را پاداش می دهد.

١٤٥. هیچ کس را نمی رسد که چراغ حیات خود را خاموش کند جز با رخصت خداوند در بکارگیری مشیت آن هم با توجه به سر رسید معین. هر کس با جهاد در راه خدا پاداش دنیا را بخواهد از نعمت دنیا به او عطا می نمائیم و هر کس پاداش آخرت را بخواهد از نعمت آخرت به او عطا می نمائیم. پاداش آخرت، ویژه شاکران است و ما به زودی شاکران را پاداش می دهیم.

١٤٦. چه بسیار پیامبرانی بودند که با جمع کثیری از پرورش یافتگان مکتب خود در راه خدا پیکار کردند و با مصیبت هایی که در راه خدا دیدند سستی نگرفتند و ناتوان نشدند و در برابر دشمن زانو نزدند که بر جان ما ببخشایید. بلکه پایمردی کردند و خداوند، اهل استقامت و پایمردی را دوست می دارد.

١٤٧. پرورش یافتگان مکتب انبیاء جز این چیزی نگفتند که بار پرورگار! گناهان ما را بیامرز و تندروی های ما را بر ما ببخشا و گامهای ما را در معرکه پیکار با دشمن استوار بدار و بر مردم کافر نصرت بفرما.

وَحَسَنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ^{١٤٨} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا
يُرَدُّكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ^{١٤٩} بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ^{١٥٠} سَنَلْقَىٰ فِي
قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى
الظَّالِمِينَ^{١٥١} وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُونَهُمْ بِأَذْنِهِ حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ
وَعَصَيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِّنْكُمْ مَّن يَرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّن يَرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ
عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ^{١٥٢} إِذْ تَصْعَدُونَ وَلَا تَلُوونَ عَلَىٰ

١٤٨. خداوند در اثر این دعا و اخلاص پاداش دنیا را با پاداش نیک آخرت به آنان عطا
فرمود و خداوند جهان نیک‌اندیشان را دوست می‌دارد.

١٤٩. ای اهل ایمان اگر از سخن کافران پیروی نمایید شما را به عقب بازمی‌گردانند و شما
با عقب‌گرد خود زیانبار می‌شوید.

١٥٠. کافران مولا و سرپرست شما نیستند که شما را به خیر و سعادت رهنمون گردند این
خداوند رحمان است که مولا و سرپرست شما است و همو بهترین یاور شما خواهد بود.

١٥١. به زودی ما در دل کافران هراس می‌اندازیم از آن رو که برای خدا شریکانی قائل
شدند که خداوند جهان سندی بر تفویض خداوندگاری به نام آنان نازل نفرموده است و هر
کس بی‌حجت آسمانی فرمان کسی را بپذیرد و یا او را خداوندگار خود بداند سیه‌کار است و
جایگاه او دوزخ و دوزخ برای سیه‌کاران بد جایگاهی است.

١٥٢. به یقین در همین جنگ احد که شما از شکست و هزیمت دچار قلق شده‌اید خداوند
رحمان در اولین ساعات نبرد وعده خود را دائر به پیروزی اهل حق به درستی و راستی
عملی کرد که شما با اذن خدا ریشه کافران را از بیخ و بن می‌زدید و شادان بودید. این
پیروزی ادامه یافت تا آن لحظه که شما در کشتار دشمن سستی گرفتید و در اجرای فرمان
به نزاع و جدل برخاستید و فرمان خدا را دائر به نگرهبانی در گردنه احد نافرمان شدید آنهم
بعد از آنکه خداوند رحمان آثار فتح و ظفر را بر شما نمایان کرده بود جمعی خواهان دنیا
شدند و در عوض تعقیب دشمن به باروبنه آنان هجوم بردند و به جمع غنیمت سرگرم شدند
و چند تن خواهان آخرت، بر جای مانده پایمردی کردند و به تعقیب و کشتار دشمن
پرداختند. از پس این پیروزی بود که خداوند جهان شما را از تعقیب دشمن بازگردانید تا شما
را با هزیمت و شهادت بیازماید. به یقین خداوند رحمان از این خطای شما درگذشت که قبل
از ریشه‌کن ساختن دشمن و بدون فرمان خدا و رسول تعقیب دشمن را وانهادید و به جمع

أَحَدَ وَالرَّسُولَ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ فَأَتَابَكُمْ غَمًّا بَغِمَ لَكَيْلًا تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ^{١٥٣} ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نَّعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِّنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ^{١٥٤}

غنیمت پرداختید و اسباب شکست خود را فراهم نمودید. خداوند رحمان بر شما مؤمنان رحمتی فزون دارد که از خطای شما درمی‌گذرد و شما را مورد رحمت قرار می‌دهد. ۱۵۳. شما به خاطر بیاورید آن ساعتی که از ترس دشمن، چنان به سوی احد می‌تاختید که به پشت سر نگاه نمی‌کردید در حالی که رسول ما شما را فراسوی خود می‌خواند که اینک منم. من رسول خدا هستم. من زنده‌ام. به کجا می‌گریزید؟ خداوند به سزای این نافرمانی غمی بر غم‌های شما افزود که علاوه بر اندوه شکست، در برابر خدا و رسول خدا هم شرمسار و سرافکنده باشید که بیعت خود را شکستید و از حمایت جان او دریغ کردید. خداوند رحمان این غم را در دل شما جا داد تا غم دنیا را از یاد ببرید، نه بر غنائم از دست رفته غمین باشید و نه بر مصیبت‌های وارده محزون بمانید. و خداوند جهان به دستاورد شما خبیر و آگاه است.

۱۵۴. سپس در پی این غم، آرامشی خواب‌آور بر شما نازل کرد که جماعتی را خواب خوش در ربود و جماعتی دیگر در فکر جان خود بودند و از این آرامش خواب‌آور نصیبی نبردند و بیدار و مضطرب به خدای خود گمان‌های نادرست می‌بردند مانند گمان‌های دوره جاهلیت که پیروزی در مبارزه را دلیل بر حق بودن خود می‌شناختند و شکست در مبارزه را گواه بر ناحق بودن. می‌گفتند: آیا در این پیکار خونین که شکست خوردیم و هفتاد کشته از خود بر جانهادیم امکان آن هست که بر حق بوده باشیم؟ بگو: حق و حقیقت از هر جهت با خدا است خواه با پیروزی توأم شود و خواه با شکست و فرار. اینان اعتراض‌ها در دل دارند که در برابر تو آشکار نمی‌سازند. می‌گویند: اگر ما بر حق بودیم در این معرکه مقتول و منهزم نمی‌گشتیم. بگو: اگر شما داخل خانه‌هایتان می‌ماندید آن جمعی که قتل و شهادت بر پیشانی آنان مقدر شده بود از خانه‌ها بدر می‌شدند و به قتلگاه خود می‌آمدند تا در همین دامنه احد به خاک درغلتند. خداوند رحمان می‌خواست تا از میان شما شهدا را انتخاب کند و

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ^{١٥٥} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^{١٥٦} وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ^{١٥٧} وَلَئِن مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ^{١٥٨} فِيمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَئِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ^{١٥٩} إِنْ يَنْصُرْكُمْ

نیات شما را بیازماید و آلودگی دل‌ها را بی‌لاید و خداوند رحمان به آفت دل‌ها دانا است.

۱۵۵. آن دسته از شما مؤمنان که روز برخورد دو لشکر به معرکه نبرد پشت کردند شیطان در اثر برخی از گناهانشان گام‌های آنان را لغزاند. بی‌شک خداوند رحمان از خطای آنان درگذشت و خداوند رحمان آمرزنده‌ای بردبار است.

۱۵۶. ای اهل ایمان! شما مانند آن کسانی نباشید که چون برادرانشان به سفر رفتند و در سرزمین غربت مردند و یا به بیکار دشمن شتافتند و مقتول شدند، به قضای الهی کافر شدند و گفتند: اگر برادران ما در کنار ما مانده بودند نمی‌مردند و مقتول نمی‌شدند. خداوند مقدرات آسمانی را در زمینه قتل و مرگ از این رو افشا می‌کند تا این حسرت و افسوس را در قلب فراریان جا دهد که اگر مرگ ما مقدر نبوده است و اینک زنده‌ایم کاش در صف احد پایداری می‌کردیم و اینک عوض شرمساری هزیمت به استقامت و پایمردی افتخار می‌کردیم. خداوند جهان است که جان می‌دهد و جان می‌گیرد و خداوند به دستاورد شما بینا است.

۱۵۷. به یقین اگر شما در راه خدا شهید شوید و یا به مرگ طبیعی در بستر ناز بمیرید در هر حال آمرزش خدا و رحمت او که در آخرت پایدار است از مال و منال دنیا بهتر است که دنیا پرستان برای چند روزه دنیا فراهم می‌نمایند.

۱۵۸. اگر شما در پایان زندگی بمیرید و یا کشته شوید سرانجام شما یکسان است و در هر حال به پیشگاه خدا محشور می‌شوید.

۱۵۹. از رحمت خدا بود که در برابر تندی‌های مردم نرم‌خو ماندی و ملایمت کردی. اگر ترشرو و درشتخو بودی مردم از پیرامونت پراکنده می‌گشتند. من که از خطای آنان درگذشتم و از فرار آنان چشم‌پوشی کردم تو نیز از خطای آنان درگذر که بیعتت را زیر پا

اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ١٦٠ وَمَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَعْلَلَّ مَمْعَلًا وَمَنْ يَعْلَلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ١٦١ أَفَمَنْ أَتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَا وَاهُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ١٦٢ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ١٦٣ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

نهادند و تو را تنها وانهادند. برای آنان طلب مغفرت کن. و باز هم در کارهای اجتماعی چون جنگ و صلح با آنان مشورت کن و چون بر اساس آراء آنان تصمیم گرفتی پیروزی و موفقیت را قطعی بدان که رأی اکثریت ضامن پیروزی نیست. بر خدا توکل کن که خداوند جهان صاحبان توکل را دوست می‌دارد.

١٦٠. اگر خداوند رحمان شما را نصرت بدهد کسی بر شما چیره نخواهد شد و اگر شما را تنها بگذارد غیر از خدا چه کسی می‌تواند شما را نصرت بدهد؟ مؤمنان باید فقط بر خدا توکل نمایند.

١٦١. تصور شما در جنگ احد بر این بود که مانند غارات جاهلیت هر کس غنیمتی به چنگ آورد مالک آن می‌شود و حق دارد که آن را از چشم دیگران نهان سازد. با این تصور بود که تیراندازان ویژه پست نگهبانی خود را بر گردنه احد ترك کردند مبادا که از غنیمت بی‌بهره بمانند. ما که گفتیم غنیمت جنگی برای شما حلال است به هیچ پیامبری اجازه ندادیم که غنیمت را برای خود نهان سازد تا چه رسد که دیگران غنائم جنگی را برای خود نهان سازند. غنائم جنگی را باید رویهم انبار کنند و بالسویه میان حاضران تقسیم کنند، خواه شمشیر بکشند و خواه فرصت شمشیر کشیدن نیابند. به نگهبانی بایستند و یا در حال استراحت باشند. بعد از این هرکس غنیمت جنگی را برای شخص خود نهان سازد مرتکب خیانت شده‌است و به روز رستاخیز به همان غنیمت محشور می‌شود تا نهانکاری او مایه رسوایی او گردد. در آن روز هرکس سزای کردار خود را به صورت کامل دریافت می‌کند و حق هیچ‌کس سیاه نخواهد شد.

١٦٢. آیا آن کسی که برای خدا شمشیر می‌زند و رضا و خوشنودی خدا را می‌جوید مانند کسی است که از ضرب شمشیر می‌گریزد و از خشم خدا برای خود بستری گسترده می‌سازد. جایگاه او دوزخ است و بد جایگاهی است.

١٦٣. آنان که خوشنودی خدا را دنبال می‌کنند هر یک پیش خدا پایه و منزلتی ویژه دارند و خداوند جهان به دستاورد آنان بینا است.

إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝١٦٤ أَوْلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُّصِيبَةٌ قَدِ أَصَبْتُمْ مِّثْلَهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝١٦٥ وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّنْعَمِ الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ ۝١٦٦ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ ۝١٦٧ الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَؤُوا عَنْ أَنفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝١٦٨ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

۱۶۴. به یقین خداوند رحمان، نعمت خود را یکجا و یکسر به مؤمنان تمام کرد که از خودشان رسولی در میانشان برانگیخت که آیات او را بر آنان تلاوت کند و از آلودگی پاکشان سازد و اجرای کتاب و سنت را به آنان تعلیم دهد. بی شک پیش از این نعمت، همگان در حیرت و گمراهی بسر می بردند.

۱۶۵. آیا نمی توانید در برابر مصیبت ها شکبیا بمانید و آیا اگر مصیبتی بر شما وارد گردد - با آنکه شما دو برابر آن مصیبت را بر دشمن خود وارد کرده باشید - زبان به شکایت گشوده و می گوئید: از چه رو این مصیبت بر ما وارد شده است؟ بگو مصیبت این هزیمت را خودتان بر جان خود وارد کرده اید که با نافرمانی، پست خود را ترك کردید و به جمع غنائم سرگرم شدید به یقین خداوند بر انجام هر خواسته ای توانا است.

۱۶۶. این مصیبتی که روز برخورد دو لشکر بر شما وارد گشت با رخصت خدا بود که دشمن را در تدبیر جنگی آزاد گذاشت و شما را از نافرمانی و عصیان مانع نگشت. این شکست و این شهادت برای آن بود که شما را بیازماید و مؤمنین را بشناسد.

۱۶۷. و منافقین را از پاکبازان شناسایی کند، همان منافقین که به آنان گفته شد بیایید و در بسیج عمومی شرکت کنید و در راه خدا پیکار نمایید و اگر راه خدا را به رسمیت نمی شناسید لااقل از شهر و دیار خود دفاع نمایید. گفتند: این پیکار شما، پیکار نیست انتحار سیاسی است. اگر می دانستیم که این بسیج شما پیکار است به همراه شما تا معرکه نبرد راه برمی گرفتیم و نبرد می کردیم. این منافقان در آن روز با مرز کفر فاصله کمتری داشتند تا مرز ایمان. به زبان سخنانی می گویند که قلب آنان آگاه نیست. اینان نفاق خود را کتمان می کنند و خداوند به راز آنان داناتر است.

۱۶۸. همان منافقانی که در خانه ها نشستند و درباره برادران انصار خود که شربت شهادت

أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ۚ ۱۶۹ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۚ ۱۷۰ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ۚ ۱۷۱ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ ۚ ۱۷۲ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ۚ ۱۷۳ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسَّهُمْ سُوءٌ وَأَتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ۚ ۱۷۴ إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ

نوشیدند می گفتند: اگر این شهیدان از تدبیر جنگی و فرمان دفاع ما اطاعت می کردند و از داخل خانه ها و کوچه ها و پشت بامها از شهر خود دفاع می کردند تا این حد به خاک و خون در نمی غلتیدند. به آنان بگو: اگر راست می گوید که تدبیر شما بر عمر مقدرتان می افزاید تدبیری کنید و بر عمر خود بیفزایید و مرگ را از ساحت خود برانید.

۱۶۹. تو آن شهیدانی که در راه خدا کشته شدند مرده مینگار. آنان مردگان نمی باشند بلکه زندگانند که در پیشگاه پروردگارشان روزی خود را می برند.

۱۷۰. شادمان به آن رحمتی که خدا از فضل و فزونی خود به آنان عطا کرده است و این را بشارتی می شمارند نسبت به دوستان و خویشان خود که هنوز به جهان آنان ملحق نگشته اند که چون در آینده دور و نزدیک با دین و آیین درست به آنان بیپوندند ترسی بر سر آنان سایه گستر نیست و نه خود بر آینده خود غمین و محزونند.

۱۷۱. شادمانند به نعمتی دیگر از پیشگاه خدا و فزونی رحمت او در آخرت، با این نوید دیگر که خداوند رحمان اجر و پاداش مؤمنان را ضایع نخواهد گذاشت.

۱۷۲. و آن جمعی که دعوت خدا و رسول را برای تعقیب دشمن تا حمراء الاسد اجابت کردند آن هم با وجود زخمها که بر تن داشتند، برای اهل احسانشان که تکلیف خود را به درستی عمل کردند و راه تقوا را از دست نهند پاداش بزرگی مهیا است.

۱۷۳. هم آنان که چون از جاسوسان دشمن شنیدند که «سپاه مقابل برای سرکوب شما و هجوم عمومی فراهم آمده اند از تعقیب و برخورد با دشمن بپرهیزید» این تهدید و ارباب بر ایمان آنان افزود و با اتکال به حق گفتند: خداوند جهان برای ما کافی است و همو بهترین کارگزار ما خواهد.

۱۷۴. از این رو خداوند جهان رعب مجاهدان را در دل کافران افکند که راه وطن در پیش گرفتند و مجاهدان با نعمتی از پیشگاه خداوندشان و فزونی رحمت به سلامت بازگشتند

أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ إِيَّانَا إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ ^{١٧٥} وَلَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّوكَ اللَّهُ شَيْئًا يَرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ^{١٧٦} إِنْ الَّذِينَ أَشْرَكُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن يَضُرُّوكَ اللَّهُ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ^{١٧٧} وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ^{١٧٨} مَا كَانَ اللَّهُ لِيُنزِلَ الْكُفْرَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمَّنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ ^{١٧٩} وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أَنَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ

بی آنکه گزندى به آنان واصل شود. اینان علاوه بر احسان و تقوا خوشنودى خدا را دنبال کردند و خداوند از مازاد رحمت خود نصیبى وافر به آنان عطا فرمود. خداوند رحمان، رحمتى عظیم و فضلى وافر و موفور دارد.

۱۷۵. این شیطان است که با تهدید و ارعاب، دوستان منافق خود را از مقابله با کافران می ترساند. اگر شما ایمان داشته باشید باید از کافران نهراسید و از من بهراسید.

۱۷۶. این مردمی که به سوى کفر می تازند تو را غمین و اندوهگین نسازند. اینان هرگز و به هیچ وجه به خداوند جهان زیانى وارد نمی سازند. خداوند جهان که آنان را مهلت و رخصت می دهد می خواهد با تاخت و تازشان در کفر و ضلالت از رحمت آخرت محروم شوند. برای آنان عذاب سهمگینی مهیا است.

۱۷۷. به یقین کسانی که ایمان خود را می فروشند و خریدار کفرند به هیچ وجه زیانى به خداوند جهان وارد نمی سازند. برای آنان عذاب دردناکی آماده است.

۱۷۸. و آن کسانی که با دورویی و دورنگی کافر شدند تصور نکنند که این عمر طولانی و رفاه زندگی را به خاطر خوشبختی به آنان عطا کرده ایم. ما بدین منظور بر عمر و رفاه آنان افزوده ایم تا بر زورگوئی و طغیان خود بیفزایند و از آمرزش حق محروم شوند. اینان یاران دوزخند و برای آنان عذاب خوارکننده ای مهیا است.

۱۷۹. خداوند رحمان را سیره بر این نیست که مؤمنان را به همین حالت واگذارد که منافق و مخلص آنان ناشناخته بماند. بلکه شما مؤمنان را می آزماید تا ناپاک شما را از پاکان شما جدا سازد. خداوند رحمان را سیره بر این نیست که شما را بر غیب و نهان آگاه سازد تا مانند رسولان، با اخلاص و یقین اطاعت کنید. خدا را سیره بر این است که از رسولان خود هر که را بخواهد سر و سامان دهد و بر عالم غیب و نهان آگاه سازد تا اخبار نهان را برای امت

سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ^{۱۸۰}
لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ
حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ^{۱۸۱} ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ^{۱۸۲}
الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدٌ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِينَا بَقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ
رُسُلٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^{۱۸۳} فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ

خود بازگو نماید. پس شما به خدا و رسولان خدا ایمان بیاورید و راه طاعت و تقوا در پیش بگیرید. اگر شما ایمان بیاورید و از خشم خدا بترسید برای شما پاداش بزرگی مهیا است.
۱۸۰. و آن کسانی که از انفاق در راه خدا بخل می‌ورزند و نعمتی را که خداوند از فرونی رحمتش به آنان عطا کرده است در انحصار خود می‌خواهند، تصور نکنند که این بخل و انحصارطلبی به سود آنها است. هرگز به سود آنها نیست بلکه بر زیان آنها است. به زودی این طلا و نقره‌ای که از انفاق آن بخل می‌ورزند از دره‌های دوزخ می‌جوشد و جوی می‌کشد و بر گردن آنان غل می‌شود تا خواری سیم و زر، با خواری عذاب دوزخ توأم شود. خدایی که می‌فرماید به من قرض بدهید و بندگان فقیر مرا به نواختی بنوازید گدا نیست میراث آسمان‌ها و زمین ملک خداوند است و خداوند جهان از انفاق جهانیان بی‌نیاز است و به دستاورد شما خبیر و آگاه.

۱۸۱. خداوند رحمان سخن کفرآمیز یهودان را شنید که گفتند: «خدا محتاج است و گدا، ما بی‌نیازیم و دارا» تا فرمان زکات و انفاق را به طنز و استهزاء بگیرند. به زودی شعار کفرآمیز آنان را در پرونده اعمال آنان ثبت می‌کنیم با آن جرم دیگرشان که انبیا را با تزویر و توطئه کشتند تا موانع سودجویی و انحصارطلبی را از میان بردارند و روز قیامت به آنان می‌گوییم: اینک عذاب فروزان را بچشید.

۱۸۲. این آتش فروزان ثمره آن دستاوردی است که با دست خود برای امروز مهیا کرده‌اید. این آتش فروزان - و نه در حدی فزاینده‌تر - بدان جهت است که خداوند جهان، بندگان خود را بیش از حد سیه‌کاری آنان سیاه نخواهد کرد.

۱۸۳. این یهودان، همان کسانی که می‌گویند: خداوندان سفارش کرده است که رسالت هیچ رسولی را گردن ننهیم مگر آن گاه که در راه خدا قربانی کند و آتشی درگیرد و قربانی او را به کام خود فرو برد. بگو: پیش از من رسولانی برای دعوت شما آمدند که دلائلی روشن‌گر اقامه کردند و آن نشانه‌ای که ادعا دارید با خود آوردند. اگر شما راست می‌گوئید چرا

كُذِّبَ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ^{١٨٤} كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَن زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ^{١٨٥} لَتَبْلُونَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِن عَزْمِ الْأُمُورِ^{١٨٦} وَإِذ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَأَشْرَتُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ^{١٨٧} لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُوتُوا وَيَجْهَلُونَ أَن يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبْنَهُمْ بِمَفَازَةٍ مِّنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^{١٨٨} وَلِلَّهِ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

ایمان نیاوردید و آنان را کشتید؟

۱۸۴. پس اگر این یهودان رسالت تو را تکذیب کردند، دلگیر و ملول مشو، چرا که پیش از تو رسولانی بسیار با دلایل روشنگر و احادیث گذشتگان و کتاب روشنی‌زا آمدند و مورد تکذیب مردم قرار گرفتند.

۱۸۵. همهٔ مردم طعم مرگ را خواهند چشید، بی آن که سزای خود را در زندگی ببینند. شما ام‌ها سزای کردار خود را فقط روز قیامت دریافت می‌کنید و هر کس روز قیامت از آتش دوزخ رها شود و در بهشت برین وارد شود از بلا رسته است. زندگانی دنیا فقط توشهٔ پر فریب است.

۱۸۶. به یقین شما با خسارت‌های جانی و مالی آزمون می‌شوید و از یهود و نصاری که پیش از شما کتاب آسمانی داشته‌اند و از مردم مشرک که هر گونه کتاب و رسالتی را نفی می‌کنند سخنان گزندهٔ بسیاری خواهید شنید. این شیوهٔ آزمون است و اگر شما صبر و شکیبائی پیشه کنید و از خطاکاری بپرهیزید ایمان و اخلاص خود را تثبیت کرده‌اید. بی‌شک تقوا و شکیبائی از کارهای مثبت انسانی است.

۱۸۷. خاطر نشان کن که خداوند رحمان از مردم ترسا که انجیل آسمانی را به دست گرفتند پیمان مؤکد گرفت که با قید سوگند پیام انجیل را برای مردم روشن و آشکار سازند و کتمان نکنند ولی آنان فرمان کتاب را پشت سر انداختند و در مقابل کتمان آن سیم و زری اندک دریافت کردند و بد سیم و زری دریافت کردند.

۱۸۸. این کسانی که از فروختن کتاب انجیل به دستاورد سیم و زری اندک دلشادند و دوست دارند که بر خودداری از پخش پیام انجیل ستایش شوند، تصور مکن که از عذاب خدا خلاصی دارند. برای آنان عذاب دردناکی مهیا است.

وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝^{۱۸۹} إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ۝^{۱۹۰} الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۝^{۱۹۱} رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخُلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ۝^{۱۹۲} رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ۝^{۱۹۳} رَبَّنَا وَأَنْتَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۝^{۱۹۴} فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّمَّنْ دَكَرٍ أَوْ أَنتَىٰ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِن

۱۸۹. پادشاهی آسمان‌ها و زمین مال خدا است و هیچ خطاکاری از محدودهٔ این پادشاهی بیرون نیست و خداوند جهان بر انجام خواسته‌های خود توانا است.

۱۹۰. به یقین در آفرینش آسمان‌ها و زمین و پیدایش شب در پی روز و روز در پی شب که اسباب حیات را فراهم می‌آورند برای اندیشمندان صاحب مغز، نشانه‌های حقیقت مشهود است.

۱۹۱. آنان که ایستاده و نشسته و یا به پهلو آرمیده خدا را یاد می‌کنند و در همهٔ این احوال به آفرینش آسمان‌ها و زمین و هدف این آفرینش اندیشه می‌نمایند و از پس ارزیابی، لب به نیایش می‌کشایند که ای پروردگار ما! تو این آسمان‌های افراشتهٔ چرخان و این زمین گستردهٔ پیچان را بیهوده و باطل نیافریدی. تو از بازی و سرگرمی و توپ بازی منزّه و برکناری. ما پذیرفتیم که دعوت مؤمنان به بهشت و تهدید کافران به آتش دوزخ، پوچ و سرسری نیست. پس خدایا ما را از آتش دوزخ نگهبان باش.

۱۹۲. پروردگارا! به یقین تو هر کس را به دوزخ درآوری خوار و رسوا ساخته‌ای، این خواری و رسوائی ویژهٔ سیه‌کاران است و سیه‌کاران یآوری ندارند که آنان را از آتش فروزان برهاند.

۱۹۳. پروردگارا! شنیدیم که پیامبری از پیامبران فریاد می‌زد که ای مردم به پروردگار خود ایمان بیاورید تا بر گناهانتان پرده برکشد و بدی‌های شما را از نظرها پنهان سازد. پروردگارا! ما ایمان آورده‌ایم، پس بر گناهان ما پرده فرو کش و بدی‌ها را از نامهٔ اعمال بستر و جان ما را با نیکان بندگانت دریافت کن.

۱۹۴. پروردگارا! آنچه از رحمت و نعمت بر زبان رسولانت به ما نوید دادی به ما ارزانی فرما و در رستخیز عمومی ما را خوار و خفیف داخل دوزخ مکن، بی‌شک تو وعدهٔ بهشت و تهدید دوزخ را در موعد و میعاد آن به مرحلهٔ عمل خواهی نهاد.

دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا دُخْلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ تَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ^{١٩٥} لَا يَغْرَنُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ ^{١٩٦} لَا يَغْرَنُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ ^{١٩٧} لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ ^{١٩٨} وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ^{١٩٩} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا

١٩٥. با این نیایش، پروردگارشان به ندای مؤمنان پاسخ داد که من دستاورد هیچ کس را ضایع نخواهم گذاشت خواه مرد باشد و خواه زن باشد. شما مؤمنان در موالات و همبستگی چون تن واحد هستید. خواه مهاجر باشید و خواه انصار بومی باشید باید یکپارچه و متحد باشید. آنان که از دیار خود هجرت کردند و از خانه و کاشانه خود رانده و آواره گشتند و در راه من آزار و شکنجه دیدند و در نهایت، پیکار کردند و کشته شدند بدی‌های اعمالشان را می‌زدایم و به عنوان پاداش خداوند جهان آنان را به بوستان‌های بهستی وارد می‌سازم که زیر درختان آن نهرها جاری است و خداوند جهان در پیشگاه خود بهترین پاداش‌ها را ذخیره دارد.

١٩٦. گشت و گذار این کافران مسیحی و یهودی که در بلاد زمین می‌چرخند و کامیابند تو را خام نسازد.

١٩٧. اینها اندک توشه دنیا است که بعد از آن در دوزخ فروزان جای می‌گیرند و دوزخ بد خوابگاهی است.

١٩٨. ولی پرهیزکاران که از خشم پروردگارشان ترسیده‌اند بهشت‌هایی برای آنان آماده است که نهرها از زیر آن روان است. جاودانه در آن بوستان‌ها به سر می‌برند. این بوستان‌های پر از خوراکی به رسم پانداز مهمانی و ضیافت از جانب خدا مهیا است و آنچه در نزد خدا ذخیره باشد برای نیکان نکوکار بهتر است.

١٩٩. این را هم بدان که بی‌شک در میان یهودان کسانی هستند که با خشوع و فروتنی به خداوند رحمان ایمان می‌آورند و به قرآنی که بر شما نازل شده است و به توراتی که بر آنان نازل شده است ایمان می‌آورند و آیات خدا را در مقابل سیم و زری اندک نمی‌فروشند. پاداش اینان نزد پروردگارشان محفوظ است به یقین خداوند جهان سریعاً اجر و پاداش آنان را به حساب آنان خواهد گذاشت.

وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۲۰۰

۲۰۰. ای اهل ایمان! شما باید در برابر هجوم دشمن شکیبا باشید و هر چند که آنان بر مقاومت خود بیفزایند شما بیشتر بر مقاومت خود بیفزایید و مادام که آنان در آماده‌باش جنگی به سر می‌برند شما آماده‌باش خود را حفظ کنید و در مرزها با اسب و سلاح جنگی مهیای دفاع بمانید. از خشم خدا بترسید که در انجام دفاع مقدس کوتاهی کنید، باشد که رستگار شوید.

النِّسَاء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا^١ وَآتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا^٢ وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ آدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا^٣ وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً

۱. ای مردمان! بترسید از خشم پروردگارتان که شما را از یک جان آفرید و جفت او را هم‌جان او آفرید و از این زوج هم‌جان و هم‌نوع مردان بسیار و زنان بسیار بر پهنه گیتی پراکند. ای مردمان! از خشم همان خدایی بترسید که نام او را دستاویز درخواست‌های خود قرار می‌دهید و به نام او سوگند می‌خورید و دیگران را سوگند می‌دهید. و پاس خویشاوندی و زایمان رحم را نگه دارید که حرمت آنان را هم دستاویز درخواست‌های خود قرار می‌دهید و به نام آنان سوگند می‌خورید و دیگران را سوگند می‌دهید. به یقین خداوند جهان مراقب کردار شما خواهد بود.

۲. ای مردمان! حرمت هم‌نوعی و حرمت خویشاوندی ایجاب می‌کند که دستورات ما را مورد توجه قرار بدهید گرچه ایمان نداشته باشید. مال ایتامی را که در کفالت خود گرفته‌اید به آنان رد کنید. خرماي فاسد خود را عوض خرماي مرغوب و مطبوع آنان بر سفره آنان نگذارید. نان مرغوب آنان را با نان نامرغوب خود یکجا کنار هم بر سفره مگذارید و با هم تناول نکنید که احیاناً نان و خرماي مرغوب آنان به مصرف دیگران برسد. خوردن مال ایتام به این صورت و به هر صورت حرمت بزرگی است که ضایع می‌شود.

۳. درست است که شما حق دارید با دختران یتیمی که در کفالت شما به سر می‌برند ازدواج کنید و کابین ازدواج را مانند میراثشان نزد خود نگه دارید و با قید ضمانت به کار تجارت بپردازید ولی باید مراقب باشید که حق آنان به عنوان حق یتیم ضایع نگردد. اگر می‌ترسید که ازدواج با دختران یتیم، شما را به سوی تضییع حقوق آنان سوق دهد. دختران یتیم را به همسری مگیرید بلکه خانم‌هایی را به همسری بگیرید که بالغ باشند و بتوانند حقوق خود را بر شما حلال سازند. در صورتی که شما عدالت را رعایت نمایید می‌توانید دو زن، سه زن و یا چهار زن در نکاح خود نگه دارید و اگر بترسید که با نگهداری زن‌های متعدد عدالت را از

فَإِنْ طَبِنَ لَكُمْ عَنِ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا ۚ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالِكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ۗ وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن يَكْبَرُوا ۚ وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ ۚ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ ۚ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا ۖ ٦ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ ۗ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ۗ

کف بدهید فقط یک زن اختیار کنید که زمینه اختلاف و بی عدالتی از بین برود و سخن از گذشت و فداکاری به میان بیاید. و یا چند کنیز زر خرید را به تملک در آورید که اجرای عدالت لازم نباشد. رعایت این قانون، شما را هر چه بیشتر از جور و ستم دور می کند و به مرز عدالت نزدیک می سازد.

٤. شما باید کابین خانمها را قبل از آمیزش عروسی به صورت پیشکش تقدیم کنید. اگر خانمها با طیب خاطر و رضایت جان و دل، قسمتی از کابین خود را بر شما حلال کردند نوش جان کنید گوارایتان باد.

٥. اگر ایتم شما و یا همسران شما سفیه و گول باشند اموال آنان را به دستشان مسپارید. اموال آنان را مانند اموال خودتان بدانید که با فضل خدا، سود و بازدهی دارد و زندگی شما را بر سر پا نگه می دارد. شما باید اموال آنان را که سفیه و گولند بکار اندازید تا سود و بازدهی داشته باشد و از سود اموالشان جیره خوراک و پوشاک آنان را تهیه نمایید نه آن که اموالشان را کناری بگذارید و به آنان بخورانید تا در آخر کار آنان را چون گدایان به جامعه تحویل دهید. اگر آنان ادعای استقلال و رشد اقتصادی کردند و خواهان تحویل گرفتن اموال خود گشتند با آنان چنان سخن بگویید که با شایستگی مقبول همگان بوده باشد.

٦. شما باید ایتم خود را هماره تربیت کنید و مشاغل اجتماعی را به آنان تعلیم دهید و در عین حال، رشد آنان را به آزمون بگذارید. تربیت و تعلیم و آزمون باید هماره ادامه یابد تا آن روز که پا به مرحله بلوغ جنسی بگذارند، پس اگر بلوغ جنسی با رشد اقتصادی و اجتماعی همراه شد اموال آنان را به دست خودشان بسپارید. مبادا اموال ایتم را با زیاده روی در مخارج به مصرف برسانید که قبل از بلوغ آنان، به آخر برسد آنان گدا شوند و شما هرچه بیشتر به کامیابی رسیده باشید. هرکس از مال یتیم بی نیاز باشد عفت نگه دارد و چیزی به نام حق کفالت برداشت نکند و هرکس فقیر و نیازمند باشد حق دارد به نحو شایسته و

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا^۸
وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَةً ضَعِيفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا^۹
إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا^{۱۰}
يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَتْهُ أَبَوَاهُ فَلِلثَّلْتِ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِلْأُمَّه السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةِ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفَعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا^{۱۱} وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ

مقبول جامعه از مال ایتام تناول کند. و آنگاه که مال یتیم را به او تحویل می‌دهید باید گواهانی بر سر آنان حاضر کنید و در حضور آنان حساب خود را تصفیه نمایید. در حسابرسی، وجدان شما حاکم است و همین کافی است که خداوند جهان را به حسابرسی مراقب و ناظر بداند.

۷. برای مردان از میراث پدر و مادر و نزدیکترانشان که فرزندان و فرزندزادگان باشند سهمی مقرر است و برای زنان نیز از میراث پدر و مادر و نزدیکترانشان که همان فرزندان و فرزندزادگان آنها باشند سهمی مقرر شده است. میراث مورد نظر کم باشد یا زیاد باشد هریک سهمی مشخص و مقطوع دارند.

۸. و هرگاه خویشان آن مرحوم و ایتامی که در کفالت او به سر می‌برده‌اند و کارگران کارگاه و مزرعه و کارخانه آن مرحوم بر سر قسمت حاضر شوند آنان را از میراث مرحوم اربابشان روزی بدهید و با پاسخی شایسته و معقول برگردانید.

۹. کسانی که - اگر بمیرند - برای دودمان ناتوان خود نگران و خائفند که دیگران چه بلایی بر سر آنان بیاورند خود با دودمان دیگران چنان نکنند که فردا بر دودمان خود آنان چنان خواهند کرد. بلکه باید از خشم خدا بترسند و درباره ایتام دیگران، پیشنهادی استوار و متین ارائه نمایند.

۱۰. به یقین کسانی که مال ایتام را با سیه‌کاری می‌خورند آتش دوزخ را در شکم جای می‌هند. به زودی رستاخیز عمومی که برپا شود، اینان در برابر آتش فروزان کباب می‌شوند.

۱۱. خداوند، شما را درباره فرزندانتان توصیه می‌فرماید که پسران خود را به اندازه دو دختر سهم بدهید چه در زندگی به عنوان خرجی و هدیه و چه بعد از مرگ به عنوان میراث. پس

فَلَکُمْ الرَّبْعُ مِمَّا تَرَکْتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّیْنَ بِهَا أَوْ دَیْنٍ وَلَهُنَّ الرَّبْعُ مِمَّا تَرَکْتُمْ إِنْ لَمْ یَکُنْ لَکُمْ وَلَدٌ فَإِنْ کَانَ لَکُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثَّمَنُ مِمَّا تَرَکْتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَیْنٍ وَإِنْ کَانَ رَجُلٌ یُورِثُ کَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِکُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ کَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَکَاءُ فِی الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ یُوصَى بِهَا أَوْ دَیْنٍ غَیْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِیمٌ حَلِیمٌ^{۱۲} تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ یَطْعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ یَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

اگر بازماندگان آن مرحوم، دختر خانم‌ها باشند و از دو تن بیشتر باشند، برای آنان دو سوم ماترک مقرر شده است و اگر یک دختر باشد نصف ماترک سهم او خواهد بود. برای هریک از پدر و مادر آن مرحوم، یک ششم ماترک، در صورتی که آن مرحوم صاحب فرزند باشد؛ و اگر صاحب فرزند نباشد و پدر و مادرش هر دو زنده باشند سهم مادرش یک سوم ماترک خواهد بود و آنچه برجا بماند سهم پدر خواهد بود و اگر برای آن مرحوم دو برادر و یا چند برادر باشد سهم مادرش فقط یک ششم خواهد بود و مابقی، سهم پدر که عیالمند است. این نصاب توارث بعد از اجرای سفارشات آن مرحوم است نسبت به خواسته‌های شخصی او و یا دینی که اعتراف کند و بگوید: «فلانی از من طلبکار است» گرچه طلبکار نباشد، اما فقط به میزان یک سوم. در یک طرف، پدر و مادر، وارث شما هستند و در طرف دیگر فرزندان و فرزندزادگان شما ارث می‌برند، شما وارث دیگری ندارند. شما خود نمی‌دانید کدام یک از پدر و مادر و یا فرزندان و فرزندزادگانتان به شما نزدیکترند تا سهم بیشتری به نام او وصیت کنید. آنچه خدا به شما وصیت کرد سهمی بود مقطوع و مشخص که شما نمی‌توانستید با فکر خود تشخیص بدهید. به یقین خداوند جهان دانا و کاردان بوده است که تشخیص نصاب را از دوش شما برداشت.

۱۲. و برای شما مردان یک نیمه از میراث همسرانتان خواهد بود در صورتی که صاحب فرزند نباشند و اگر صاحب فرزند باشند یک چهارم از میراث همسرانتان به شما تعلق خواهد گرفت. این نصاب هم بعد از اجرای سفارشات شخصی آن مرحوم است که شفاهاً و یا کتباً توصیه کند و یا با اعتراف خود، دینی را به عهده بگیرد و برای دیگران منظور کند. و برای همسرانتان از میراث شما که بر جا بماند یک چهارم منظور شده است در صورتی که برای شما فرزندی نباشد، و اگر برای شما فرزندی بوده باشد برای همسرانتان از میراث شما فقط یک هشتم آن مقرر می‌شود. این نصاب هم بعد از اجرای وصیت شما خواهد بود که برای کسی و یا چیزی سفارش کرده باشید و یا دینی که اعتراف کرده باشید. آن ضریب و آن

خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ^{۱۳} وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ^{۱۴} وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَائِكُمْ فَاَسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةٌ مِّنكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا^{۱۵} وَاللَّذَانَ

نصاب مربوط به میراثی بود که اصالتاً از مرحوم پدر و مادر و فرزندزادگان خود دریافت می‌کردید ولی اگر مردی و یا زنی بمیرد که وارثان اصلی او از طبقه پدر و مادر و فرزندزادگان او زنده نباشند سایر بازماندگان او به صورت طفیلی و بر اساس همین نصاب و قانون از ارث او بهره‌مند می‌شوند جز در مورد طفیلی مادر، که اگر از آن مرحوم یک برادر مادری بجا مانده باشد یا یک خواهر مادری بجا مانده باشد، برای هر کدامشان یک ششم ماترک مقرر می‌شود و اگر بیش از دو تن باشند، خواه جد و جدّه او باشند یا خواهران و برادران او و یا همه نامبردگان زنده باشند و در کنار هم ارث ببرند باز همان سهم مادر میت را که یک سوم ماترک بود، میان خود بالسویه تقسیم می‌نمایند. این حکم و این نصاب هم بعد از اجرای وصیت آن مرحوم است و یا دینی که شخصاً اعتراف کرده باشد در صورتی که با وصیت خود خسارتی به وارثان خود وارد نکرده باشد. تمام احکام ارث و همه نصابها که مشخص شد توصیه‌ای است از جانب خداوند جهان به همه افراد بشر، و خداوند جهان به سرّ احکام خود دانا و در مؤاخذه شما نرم و بردبار است.

۱۳. این ضریبها و این نصابها، مرزهای خدایی است برای مؤمنان و هرکس در برابر فرمان خدا و رسول خدا سر اطاعت فرود آورد خداوند جهان او را وارد بوستان‌هایی می‌سازد که از زیر درختانش نهرها روان است و جاودانه خواهند زیست. این خود رستگاری بزرگی است که از آتش دوزخ برهند و به نعیم جاودان دست یابند.

۱۴. و هرکس در برابر خدا و رسول خدا نافرمان شود و از مرز احکام الهی تجاوز کند خداوند جهان او را وارد آتش می‌کند که جاودانه در آن بماند و برای او شکنجه‌ای خوار کننده مهیا است.

۱۵. خانم‌هایی که به خلوت می‌روند و با هم مرتکب فحشاء و همخوابگی می‌شوند چهارتن از مردان خود را بر آنان گواه بگیرید. اگر شاهدان در محکمه حاضر شدند و گواهی خود را ادا کردند خانم‌ها را در یک خانه محبوس کنید تا مرگ مقدر، جان آنان را بستاند و یا خداوند جهان - بعدها - برای آنان راهی دگر باز کند و بعد از صد ضربه شلاق از حبس ابد آزادشان فرماید.

يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَأَدُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرَضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا ١٦ إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ١٧ وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ١٨ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِيَتَّخِذْنَ مِنْكُمْ سَبِيلًا وَلَا تَأْتِيَنَّكُمْ مِنْكُمْ سَبِيلٌ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّكُمْ مِنْكُمْ سَبِيلٌ مَبْنِيَّةٌ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ١٩ وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَأَنْتُمْ مُؤْتَمِرُونَ فَادْرَأْهُمَا وَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ٢٠

١٦. و آن دو تن از مردان خود را که با رفتن به خلوت مرتکب فحشا و همخوابگی شوند بعد از گواهی چهارتن شاهد هر دو را با پس گردنی و چوب ترکه و لنگه کفش آزار دهید و تعزیر کنید. اگر با توبه و انابه از شیوه خود باز گشتند و با اختیار همسر و یا کنیز زر خرید موقعیت خود را اصلاح کردند از اهانت و آزارشان دست بردارید. به یقین خداوند جهان آشتی پذیر و مهربان است.

١٧. آن کسانی که از روی جهالت به کارهای بد دست می یازند و بعد از يك دوره کوتاه راه توبه را در پیش می گیرند برعهده خداوند است که توبه آنان را بپذیرد و با آنان آشتی کند. و خداوند رحمان به حال بندگانش دانا و در پذیرش آنان کاردان است.

١٨. و بر عهده خدا نیست که توبه آن کسانی را بپذیرد که کارهای بد را دنبال می کنند تا آن لحظه که مرگ بر بالین آنان حاضر شود، می گویند: خدایا توبه کردیم. و نه توبه آن کسانی را می پذیرد که با حال کفر و ارتداد می میرند. ما برای هر دو دسته عذاب دردناکی مهیا کرده ایم.

١٩. ای اهل ایمان روا نیست که زنان دولت مند را در نکاح خود نگه دارید و بی توجه به احساسات آنان به انتظار مرگشان بنشینید که ارث آنان را صاحب شوید شما باید رضایت آنان را حاصل کنید. شما حق ندارید که زنان خود را در فشار و تنگنا بگذارید تا قسمتی از کابین تقدیم شده را پس بگیرید و سپس رهایشان سازید، مگر در صورتی که خانم دست به ارتکاب فاحشه ای بزند که بیانگر نقض پیمان زناشویی باشد که در آن صورت شما حق دارید - طوعاً و کرهاً - قسمتی از کابین او را واپس بگیرید و طلاق دهید. شما باید با همسران خود به شیوه ای مقبول و پسند جامعه دمساز باشید. اگر از زندگی و معاشرت با آنان

وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا^{٢١} وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا^{٢٢} حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمْ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرِّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا^{٢٣} وَالْمُحْصَنَاتُ

نفرت کرده‌اید چندی صبر و تحمل پیشه سازید تا انس و مودت فطری حاصل شود. شاید شما از چیزی نفرت پیدا کنید و بعدها خداوند رحمان در آن چیز منفور شما خیر و سعادت فراوانی مقدر نماید.

۲۰. اگر شما بخواهید که همسر خود را طلاق بدهید و همسری دیگر اختیار نمایید حق ندارید که از کابین پرداختی خود چیزی مسترد سازید گرچه يك کیسه زر به او پیشکش کرده باشید، آیا می‌خواهید با تهمت فحشاء و زور و قلدری او را در تنگنا بگذارید و تقدیمی خود را مسترد سازید!

۲۱. چگونه به خود حق می‌دهید که تقدیمی خود را از او واپس بگیرید بعد از آنکه تحقیقاً به وصال هم رسیده‌اید و همسر شما با عقد ازدواج پیمانی پرمايه و با تأکید از شما گرفته است که مهریه ازدواج او پیشکش زفاف و عروسی او خواهد بود.

۲۲. شما با آن خانم‌هایی که پدرانتان به همسری گرفته‌اند و سپس در اثر مرگ و یا طلاق از هم جدا شده‌اند ازدواج نکنید مگر آنکه قبل از نزول این آیه و این حکم با همسران پدر خود ازدواج کرده باشید که ادامه ازدواج شما بلامانع است. حتی اگر شما با خانمی ازدواج کنید و بعد از شما پدرتان - دانسته و یا ندانسته، مشروع و یا نامشروع - با آن خانم ازدواج کند و یا همبستر شود ازدواج و همبستری او برای شما موجب حرمت نخواهد شد و شما می‌توانید به ازدواج خود ادامه دهید و یا برای ازدواج مجدد با آن خانم اقدام کنید. ازدواج با همسران پدر در ردیف فحشاء قرار می‌گیرد و مایه خشم و نفرت می‌شود و بد راهی است که برای معاشرت و مباشرت اتخاذ شده است.

۲۳. مادران شما بر خود شما حرامند و نیز - دخترانتان و خواهرانتان و عمه‌هایتان و خاله‌هایتان و دختران برادران و دختران خواهرتان با آن مادرانتان که شما را شیر داده‌اند و آن خواهرانتان که با شما پیوند شیری دارند. و نیز مادران همسرانتان و آن پیشزادگانتان که

مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا^{٢٤} وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمَنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فِتْيَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخَذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

می‌توانند در دامن شما پرورش یابند و با شما محرم شده‌اند زاده آن همسرانتان که با آنان آمیزش و مباشرت کرده‌اید. اما اگر با آنان آمیزش و مباشرت نکرده‌اید پیشزادگانتان با شما محرم نخواهند بود که بتوانند در دامن شما زندگی کنند و شما می‌توانید با آنان ازدواج کنید. و نیز خانم‌هایی که با ازدواج و یا به عنوان کنیز خاصه بر پسران صلبی شما حلال شده‌اند بر شما حرامند و حرام است بر شما که در زمان واحد دو خواهر نسبی و یا دو خواهر رضاعی را در نکاح خود داشته باشید - مگر آن که ازدواج شما با این نامبردگان قبل از نزول این آیه صورت گرفته باشد که ادامه ازدواج شما بلامانع است حتی اگر شما با خانمی ازدواج کنید و بعداً عنوان این حرمت بر او عارض شود باز هم ادامه ازدواج شما بلامانع است و به یقین خداوند رحمان آمرزنده مهربان است.

٢٤. و آن بانوانی که به خانه شوهر رفته‌اند بر شما حرامند مگر آن که در ملک شما باشند که باید فرمان کتاب خدا درباره آنان رعایت شود، اگر حامله باشند تا هنگام وضع حمل و اگر حامله نباشند تا سپری شدن یک نوبت خونریزی رحم باید از آنان کناره گرفت سپس مباشرت با آن بانوان حلال است. از این جمع نامبردگان که گذشت، سایر بانوان بر شما حلالند و ازدواج با آنان روا خواهد بود، اما شرط ازدواج شما آن است که با تقدیم مبلغی از مال خود به خواستگاری آنان بروید آن هم با قصد ورود به خانه بخت نه خانه فسق و نه خانه عشق. پس اگر ازدواج شما دائمی باشد کابین آنان را پیشکش کنید و اگر ازدواج شما موقتی باشد به هر میزانی که از وجود آنان متمتع و بهره‌مند شدید اجرت آنان را به صورت مقطوع و معین شده تقدیم دارید و اگر بعد از قطعی شدن اجرت با رضایت هم مبلغ آن را بیفزایید و یا بکاهید بر شما باکی نخواهد بود. به یقین خداوند رحمان به نیاز جامعه دانا است و در صدور احکام فطری کاردان است.

۲۵ یریدُ اللّٰهُ لیبینَ لکمُ ویهدیکم سننَ الذّین من قبلکم ویتوب علیکم واللّٰهُ علیکم حکیمٌ ۲۶
واللّٰهُ یریدُ ان یتوب علیکم ویریدُ الذّین یتبعون الشّهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً ۲۷ یریدُ اللّٰهُ
ان یخفف عنکم وخلق الانسان ضعیفاً ۲۸ یا ایها الذّین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل
إلا ان تكون تجارة عن تراضٍ منکم ولا تقتلوا انفسکم ان اللّٰه کان بکم رحیماً ۲۹ ومن

۲۵. و هر کس از مردان شما استطاعت مالی نداشته باشد که با خانم‌های خانه‌دار مؤمن ازدواج کند می‌تواند با کنیزان زرخرید مؤمن ازدواج کند. شما در واریسی ایمان خانم‌ها و کنیزها موشکافی نکنید. خداوند رحمان به ایمان شما داناتر است. شما باید خود را یکپارچه و متحد بدانید. شما باید با اجازه مالکان آن کنیزان با آنان ازدواج معلق برقرار نمائید و بعد از امضای عقد و تعیین اجرت به نحوی که مقبول جامعه باشد اجرت آنان را به خودشان تقدیم دارید که ربطی به مالکان آنان ندارد. با این شرط که قصد کنیزان تعهد خانه‌داری باشد نه زناکاری و معشوق‌بازی و چون به وسیله شوهر در خانه بخت جا گرفتند، اگر بعداً به نوعی مرتکب فحشاء بشوند یک نیمه آن عذابی که بر خانم‌های خانه‌دار آزاده تعلق می‌گیرد بر این کنیزان تعلق خواهد گرفت که پنجاه تازیانه چرمی خواهد بود. اجازه ازدواج با کنیزان برای آن مرد آزاده‌ای صادر شده است که اگر همسر نگیرد به رنج روانی و بیماری عصبی دچار می‌گردد. با وجود این اگر شما آزادمردان مؤمن خویشان‌داری کنید و با کنیزان همسر نشوید برای شما بهتر خواهد بود. و اگر در طی مراحل این احکام خطایی صورت بگیرد خداوند رحمان آمرزنده‌ای مهربان است.

۲۶. خداوند جهان می‌خواهد راه درست فطرت را بیان کند و شما را به سنت‌های نیک کهن که به دست پیشینیان برقرار شده است رهنمون گردد و با شما آشتی کند و شما را به گناه آنان نگیرد که بساط شهوترانی و عشق‌بازی را در میان آزادگان و بردگان گسترده و فراگیر نمودند و خداوند رحمان دانا و کاردان است.

۲۷. خداوند رحمان می‌خواهد با شما آشتی کند و گناه شما را محو کند و آنان که دنبال هوس می‌روند می‌خواهند که شما از راه درست با انحرافی عظیم جدا گردید.

۲۸. خداوند رحمان می‌خواهد بار گناه شما را با تجویز ازدواج موقت و ازدواج معلق سبک نماید. آدمی را در مسائل جنسی ضعیف و کم استقامت آفریده‌اند.

۲۹. ای اهل ایمان! در معاملات خود اموال هم را به ناحق نخورید مگر بر وجه تجارت و با رضایت طرفین باشد که متاعی در برابر طلا و نقره تبدیل گردد و سودی باطل و بی‌اصل به

يَفْعَلُ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا^{٣٠} إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلَكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا^{٣١} وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِن فَضْلِهِ إِنَّا لِلَّهِ كَانُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا^{٣٢} وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّا لِلَّهِ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا^{٣٣} الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّا لِلَّهِ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا^{٣٤} وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا

دست آید. شما بر سر مال دنیا دست به خون هم می‌مالایید. خداوند رحمان هم‌واره با شما مهربان بوده است.

۳۰. هر کس بر اثر تجاوز و سیه‌کاری به آدم‌کشی دست بیازد و مؤمنی را بکشد به زودی با شعله آتش کبابش می‌کنیم و این بر خدا سهل است.

۳۱. اگر شما از گناهان بزرگ که نهیتان می‌کنیم دست بردارید گناهان کوچکتان را نادیده می‌گیریم و با احترام کامل در بهشت به جایگاهی باکرامتی وارد می‌کنیم.

۳۲. شما مردم به آن سهم و نصیبی که خداوند رحمان به صورتی وافر و ویژه برخی از شما ساخته است چشم طمع مدوزید که با دوز و کلک آن را صاحب بشوید. برای مردها از کسب و کارشان بهره‌ای است مقدر که در هر حال و در طول عمر خود به آن خواهند رسید. شما باید به رحمت موفور خداوند رحمان چشم امید بدوزید و از خود او بخواهید. تحقیقاً خداوند جهان به سر هر خواسته‌ای دانا است.

۳۳. میزان ارث را هم بر همین اساس لازم، مقدر کرده‌ایم، برای هر سهمی از سهام ششگانه ارث، واپیسترانی مقرر کرده‌ایم که از ما ترک پدر و مادر و نزدیکترین از فرزندان و فرزندزادگان خود بهره بگیرند و آن کسانی که با قید سوگند و عقد پیمان اخوت با شما مولا و برادر شده‌اند جداگانه سهم و نصیب آنان را بپردازید به یقین خداوند جهان بر هر پدیده‌ای که اتفاق بیفتد گواه و شاهد خواهد بود.

۳۴. مردها بر سر خانم‌هایشان ناظر و قیومند از این رو که مردها بر زن‌ها از حیث خرد و رشد اجتماعی فزونی دارند، یک دکتر مرد بر دکتر زن برتری دارد و یک حامل مرد بر

حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِن يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا
 ٣٥ وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ
 ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
 مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا ٣٦ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ
 فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ٣٧ وَالَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا
 بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَن يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا ٣٨ وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

حمال زن ترجیح دارد. و نیز بدین جهت که مردها باید هزینۀ عروسی و مخارج زندگی مشترک را از کیسۀ خود انفاق کنند. بنابراین خانم‌هایی که صالح و شایسته باشند در برابر فرمان شوهرشان گوش به فرمانند و در غیاب شوهر با نگرهبانی خداوند رحمان موقعیت او را حفظ می‌کنند و آبروی او را محترم می‌دارند. و آن خانم‌هایی که شایسته و صالح نباشند و شما در حال حضور و غیاب از نافرمانی آنان خائف باشید موعظه کنید و اندرزشان بدهید و در خوابگاه شب تنهایشان بگذارید و احياناً کتک بزنید پس اگر تنبیه شدند و فرمان‌پذیر شما گشتند بر علیه آنان اقدام نکنید. تحقیقاً بدانید که خداوند جهان والا رتبه‌ای بزرگوار است.

٣٥. و اگر شما اهل ایمان از ستیز زن و شوهر و شکاف و کینه‌ورزی آنان خائف شدید، یک تن از خاندان شوهر و یک تن از خاندان زن را به حکمیت و داوری فیما بین برانگیزید تا مقصّر اصلی را بشناسند. اگر دو تن حکم، خواهان اصلاح باشند خداوند رحمان میان آن دو توافق می‌افکند. خداوند رحمان به فطرت بشر دانا و باخبر بوده است.

٣٦. شما باید خدا را بپرستید و فرمان او را ببرید و هیچ کس و هیچ چیز را در پرستش و طاعت، انباز او مسازید. شما باید با پدر و مادر احسان کنید و از آن پس به آن کسی احسان کنید که با شما قرابت و خویشی دارد و با یتیمان و از کارافتادگان و همسایۀ صاحب قرابت و همسایۀ بیگانه و همسایۀ پهلویی و درمانده در راه و با بردگان و کنیزان خود. مبدا احسان خود را با کبر و افاده همراه کنید که خداوند جهان مردان پر افاده را دوست نمی‌دارد گرچه از خصال نیک انسانی برخوردار باشند.

٣٧. آن کسانی که بخل می‌ورزند و مردمان را به ورزیدن بخل فرمان می‌دهند و نعمتی را که خداوند رحمان از فضل و فزونی خود به آنان عطا کرده است کتمان می‌نمایند، با اختیار این شیوۀ ناپسند کافر می‌شوند و ما برای کافران عذابی خوار کننده مهیا کرده‌ایم.

٣٨. و کسانی که اموال خود را به تظاهر و برای نمایش به مردم انفاق می‌کنند و به خدا و

وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا ۳۹ إِنْ اللَّهُ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُّضَاعِفْهَا وَيُؤْتْ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا ۴۰ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا ۴۱ يَوْمَئِذٍ يُدْعَى الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصُوا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهُ حَدِيثًا ۴۲ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا ۴۳ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يَشْتُرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ

روز واپسین ایمان نمی آورند یار و همدم شیطانند و هر کس یار و همدم شیطان باشد همدم بدی خواهد داشت.

۳۹. چه شکستی بر آنان وارد می شد اگر به خدا و روز جزا ایمان می آوردند و از آن رزق و روزی که خدا عطایشان کرده است در راه خدا انفاق می نمودند. خداوند جهان به نیت پلید و ریاکاری آنان دانا بوده و هست.

۴۰. خداوند جهان به وزن یک مورچه حق کسی را سیاه نمی کند و اگر کردار کسی نیک باشد آن را دو چندان می کند و از پیشگاه خود پاداش بزرگی عطا خواهد کرد.

۴۱. موقعی که از هر امتی گواهی بیاوریم و تو را بر این امت گواه سازیم حال آنان چسان خواهد بود.

۴۲. آن روز کسانی که به قرآن کافر شده اند و فرمان رسول خدا را نافرمانند آرزو می کنند کاش در خاک شده بودند و دانسته های خود را از خداوند رحمان کتمان نمی کردند.

۴۳. ای اهل ایمان! به نماز نزدیک نشوید در حالی که مست خواب و یا مست شراب باشید. تأمل کنید تا مستی از سر شما خارج گردد تا آن حد که معنای گفته های خود را درک کنید. در حال احتلام و جنابت هم به نماز نزدیک نشوید، اول سر و تن را آب بدهید و جنابت را برطرف سازید. سپس نماز بخوانید مگر آن که در حال عبور سفر باشید که نزدیک شدن به نماز و عبادت گناه شرعی ندارد، برنامه شما این است که اگر بیمار باشید که آب دادن سر و تن مایه ضرر باشد و یا در حال حرکت قطار و عبور قافله باشید که فرصت توقف نباشد. یا جنب نباشید بلکه یک نفر از شما مؤمنان بعد از تخلیه از گودال مستراح بیاید یا آن که در خانه یا خانم خود مباشرت کرده باشید و بخواهید به نماز و عبادت نزدیک شوید ولی هر چه بجوئید آبی به دست نیاورید که وضو بگیرید و یا غسل کنید پس همه شما نامبردگان یک

أَنْ تَضَلُّوا السَّبِيلَ ٤٤ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا ٤٥ مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مَسْمُوعٍ وَرَاعِنَا لِيَّا بِالسِّنِّتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَأَنْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ٤٦ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ٤٧ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَى إِثْمًا عَظِيمًا ٤٨ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزُكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي

تکلیف واحد دارید ، باید بجوئید و غباری از خاک پاک به دست آورید و آن را به صورت‌های خود و دست‌های خود بکشید سپس وارد نماز و عبادت بشوید. به یقین خداوند رحمان با گذشت و آمرزگار است.

٤٤. آیا به این یهودیان نمی‌نگری که از تورات آسمانی نصیبی عطا شده‌اند و با این حال خریدار ضلالت شده‌اند و از راه دشمنی می‌خواهند که شما نیز راه خود را گم کنید و به راه ضلالت بروید.

٤٥. خداوند رحمان دشمنان شما را بهتر می‌شناسد. خداوند رحمان برای حمایت و سرپرستی شما کافی است. خداوند رحمان برای نصرت و یاری شما کافی است.

٤٦. برخی از یهودان هم جای کلمات را تغییر می‌دهند و می‌گویند: شنیدیم و فرمان نبردیم. می‌گویند: بشنو ای حرف نشنو. با بیچاندن زبان و به منظور طعن و استهزا به جای آن که بگویند: «راعنا» می‌گویند «رعنا» تا اهانتی کرده باشند. اگر آنان گفته بودند: شنیدیم و فرمان بردیم. بشنو و بنگر ، برای آنان بهتر بود و استوارتر بود ولی خداوند جهان در اثر این سخنان کفرآمیز و طعن و استهزاء که مایه کفر است نفرینشان کرده است. از این پس جز مردمی اندک ایمان نمی‌آورند.

٤٧. ای یهودیانی که انجیل را هم در دست دارید. به این قرآنی که نازل کرده‌ایم و دین شما را تصدیق و تأیید می‌کند ایمان بیاورید پیش از آن که چهره چند تن از سران شما را مسخ کنیم و صورت‌هایشان را به پشت سر برگردانیم و یا نفرینشان کنیم آن سان که مردم نافرمانشان را نفرین کردیم که حرمت روز شنبه را شکستند. این را بدانید که فرمان خدا، شدنی است.

٤٨. خداوند جهان گناه شرک‌ورزی را نمی‌آمرزد و هر گناه دیگری که باشد برای هر کسی

مَنْ يَشَاءُ وَلَا يَظْلَمُونَ فَتِيلاً^{٤٩} انظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا^{٥٠} أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيحًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا^{٥١} أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَن يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا^{٥٢} أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا^{٥٣} أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا^{٥٤} فَمِنْهُمْ مَّنْ آمَنَ بِهِ

که بخواهد می‌آمرزد. هر کس برای خدا شریک بتراشد دروغ بزرگی به هم بافته است.

٤٩. به این مردم نمی‌نگری که با وجود نافرمانی و معصیت و با وجود شرک در طاعت، جان خود را پاك و بی‌گناه می‌دانند؟ چه کسی می‌تواند جان خود را از سیاهی گناهان پاك سازد؟ این خداوند است که هر که را بخواهد از سیاهی گناهان پاك می‌سازد. با دست خدا، جان کسی به اندازه يك خط سیاه و آلوده نخواهد شد.

٥٠. می‌گویند با رفتن به کنست در هر بام و شام، نماز جماعت گناهان ما را پاك می‌سازد و سیاهی بر جا نمی‌گذارد. بین چگونه بر خدا دروغ می‌بندند. همین ادعای دروغ کفایت می‌کند تا آلودگی و سیاهی آنان را به اثبات برساند.

٥١. آیا به این مردم نمی‌نگری که نصیبی از کتاب تورات را به دست دارند و با وجود این به کاهن معبد و شیطان بت، ایمان می‌آورند و به سود کافران می‌گویند: کافران مکه با عبادت بت‌های بی‌جان و طاعت شیطان از انصار مدینه رهایی‌ترند.

٥٢. خداوند جهان این مردم را لعنت کرده است و هر کس را که خدا لعنت کند برای آنان یآوری نخواهی یافت.

٥٣. ما به یهودیان بهره‌ای از کتاب و پادشاهی و نبوت داده بودیم. آیا با این شرک و نافرمانی باز هم ادعا دارند که از کتاب آسمانی بهره‌ای دارند و یا ادعا دارند که هنوز هم از پادشاهی برایشان نصیبی برقرار است که اگر برای آنان نصیبی از پادشاهی برقرار شود به اندازه يك تك متقار هم چیزی به مردم نمی‌دهند.

٥٤. یا بر مردم عرب، رشک می‌برند که خداوند رحمان از رحمت مازاد خود پیامبری از خود عرب بر آنان مبعوث نموده به آنان کتابی چون قرآن عطا کرده است؟ این چه جای رشک است ما به خاندان ابراهیم کتاب و سنت داده بودیم و پادشاهی بزرگی به آنان بخشیده بودیم.

وَمِنْهُمْ مَن صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ۝۵۰ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمَآ نَصَجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَنَّهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝۵۱ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا ۝۵۲ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ۝۵۳ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ۝۵۴ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ

۵۵. جمعی به خاندان ابراهیم ایمان آوردند و جمعی دگر راه ایمان را بستند. هر کس به کتاب و سنت کافر شود و مانع ایمان مردم گردد کافر کتاب و جایگاه او آتش دوزخ خواهد بود و آتش دوزخ چه فروزان است!

۵۶. اینک ما کتاب و سنت و نبوت را به مردم عرب عطا کرده‌ایم و تحقیقاً کسانی که به آیات ما کافر شوند و راه ایمان را ببندند به زودی در برابر آتش سوزان کباب می‌سازیم و هر چند که پوست آنان پخته شود پوست دیگری بر تن آنان می‌رویانیم تا هماره طعم عذاب را بچشند. به یقین خداوند جهان عزتمند و کاردان بوده است.

۵۷. و آن کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته و صالح بجا آورند به زودی وارد بوستان‌های بهشتی می‌شوند که از زیر بوستان‌ها نهرها روان است، جاودانه در آن بوستان‌ها به سر می‌برند همیشه. برای آنان در آن بوستان‌ها همسرانی پاک و پاکیزه مهیا است که دوره خونریزی ندارند. ما اینان را در سایه درختانی جا می‌دهیم که سایه آن بر دوام است.

۵۸. خداوند رحمان به شما مؤمنان فرمان می‌دهد که امانت را به صاحبش بازگردانید - امانت هر چه باشد و صاحب امانت هر که باشد - و فرمان می‌دهد که چون در میان مردم به داوری بنشینید به عدل و داد داوری نمایید هر چند که بر آیین شما نباشند. خداوند رحمان شما را به بهترین شیوه‌ها اندرز می‌دهد. به یقین خداوند جهان داوری شما را می‌شنود و به حال بندگان خود، بینا است.

۵۹. ای اهل ایمان! خدا را اطاعت کنید و رسول خدا را اطاعت کنید و آنان را که از خود شمایند و فرمان حکومت از رسول خدا گرفته‌اند اطاعت کنید. اگر کار شما با فرمانداران رسول در خواسته‌ای و پدیده‌ای به اختلاف و تنازع کشید داوری و حکومت را به خدا و رسول خدا ارجاع دهید اگر به خدا و روز جزا ایمان آورده باشید از این سیره تخلف نمی‌کنید -

يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يَرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ٦٠ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا ٦١ فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا ٦٢ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ٦٣ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ٦٤ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمَوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ

داوری به نزد خدا و رسول خدا بردن بهتر از درگیری و اختلاف است و فرجام آن نکوتر خواهد بود.

٦٠. به این قوم خود نمی‌نگری که ادعای ایمان دارند و به قرآن آسمانی و آن کتاب‌های آسمانی که پیش از تو نازل شده است ایمان آورده‌اند ولی می‌خواهند نزاع خود را نزد شیطان بت‌ها ببرند تا در نزاع آنان داوری کند با آن که فرمان یافته‌اند که باید به هر شیطانی کافر شوند. شیطان می‌خواهد که اینان را با فاصله‌ای بسیار دور از راه حق گمراه و منحرف سازد.

٦١. و چون بگویندشان: بیایید تا کتاب خدا و رسول خدا میان شما داوری نمایند خواهی دید که منافقان با جاروجنجال از نزدیک شدن دادخواهان به حضورت مانع می‌شوند.

٦٢. پس چه سان خواهد بود حال آنان موقعی که بر جان و مالشان مصیبتی وارد شود و افکار عمومی بر علیه آنان بسیج شود با اظهار تأسف به حضورت بیایند و معذرت‌خواهی نمایند، سوگند بخورند که ما جز حسن‌نیت و رفع اختلاف و نزاع خود منظوری در سر نداشته‌ایم زیرا فکر می‌کردیم که داوری خدا و رسول خدا نزاع و دشمنی ما را تشدید کند.

٦٣. اینان همان مهاجران منافق پیشه‌اند که خداوند جهان رازهای دلشان را می‌داند و جاه‌طلبی آنان را می‌شناسد تو از ملامت آنان صرف‌نظر کن. آنان را موعظه کن و درباره آنان در خلوت، با خودشان سخنی بگو که به افشای واقعیت رسا باشد انتخاب سخن با تو است.

٦٤. ما هیچ رسولی را مبعوث نکردیم تا بر دل‌های مردم مسلط شود. بعثت رسولان بر این پایه بود که با رخصت الهی و فطرت موهوبی مورد پذیرش قرار بگیرند و اطاعت شود. اگر مهاجران - موقعی که با نفاق‌ورزی جان خود را سیاه کرده بودند - به حضورت می‌رسیدند و

لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا^{٦٥} وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ اخْرَجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا^{٦٦} وَإِذَا لَأْتَيْنَاهُمْ مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا^{٦٧} وَلَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا^{٦٨} وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا^{٦٩} ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا^{٧٠} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا تُبَاتٍ أَوْ انْفِرُوا جَمِيعًا^{٧١} وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَيُبَطِّئَنَّ فَإِنْ أَصَابَكُمْ

از خدا طلب بخشایش می نمودند و رسول خدا هم برای آنان طلب بخشایش و مغفرت می کرد به یقین در می یافتند که خداوند رحمان، آشتی پذیر و مهربان است.

٦٥. نه به پروردگارت سوگند که اینان، طعم ایمان را نمی چشند مگر آن گاه که تو را در مشاجرات و منازعات خود حکم سازم و از حکمی که صادر کنی کمترین فشاری در دل خود احساس نکنند و با رضایت دل تسلیم شوند.

٦٦. اگر ما بر عهده این قوم، فرض و قطعی می نوشتیم که باید خود را بکشید و یا باید از خانه و کاشانه خود دست بردارید و سر به صحرا بگذارید، جز تعدادی اندک که سر حیات و زندگی را در ایمان به خدا یافته اند به این آزمون سخت الهی تن در نمی دادند و اکثر اینان روانه دوزخ می شدند و اگر اینان پند و موعظه را در گوش می کردند و از خرابکاری و دسیسه چینی و فتنه گری خودداری نموده جبهه داخلی را تحکیم نموده با مؤمنان هماهنگ می شدند برای دنیای آنان بهتر بود و موقعیت آنان، ثبات بیشتری پیدا می کرد.

٦٧. در آن صورت از پیشگاه خود پاداش بزرگی عطایشان می کردیم که صاحب دولت شوند.
٦٨. در آن صورت به راه درست و راست رهنمونشان می گشتیم که زندگی را با آرامش روان و تن طی نمایند.

٦٩. هر کس خدا و رسول خدا را از جان و دل اطاعت کند پاداش آنان آخرت است - در رفاقت و همنشینی با پیامبران و صدیقان و شاهدان و صالحان که خدا به آنان نعمت ایمان بخشیده است و چه خوبند این رفیقان!

٧٠. این فضل و رحمت از پیشگاه خداوند است و همین کافی است که خداوند رحمان به حال بندگان خالص خود، دانا است.

٧١. ای اهل ایمان! آماده باش جنگی را حفظ کنید و گروه گروه یا همگی یکسر بسیج شوید و به سوی دشمن کوچ کنید.

مُصِيبَةً قَالَ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا ٧٣ وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا ٧٣ فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ٧٤ وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا ٧٥ الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ٧٦ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا ٧٧ أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ

٧٢. در میان شما جمعی هستند که در کوچ کردن درنگ دارند و عقب می‌کشند، پس اگر مصیبتی بر شما وارد شد می‌گویند: خداوند جهان بر جان ما منت نهاد که با مؤمنان در معرکه نبرد با دشمن شرکت نکردیم.

٧٣. و اگر از فضل رحمت بهره‌ای به شما واصل گردد همانند کسی که با شما آشنایی پیشین نداشته آرزو می‌کند: ای کاش با مؤمنان در معرکه نبرد حاضر می‌شدم و به این فوز عظیم نایل می‌گشتم که هم از حرمت نام مجاهد برخوردار گردم و هم غنیمت جنگی ببرم.

٧٤. در این صورت کسانی که زندگی دنیا را به زندگی آخرت می‌فروشدند باید در راه خدا پیکار کنند. هر کس در راه خدا پیکار کند و شهید گردد یا پیروز گردد در آینده نزدیک پاداش بزرگی به او عطا خواهیم نمود.

٧٥. شما را چه می‌شود که در راه خدا پیکار نمی‌کنید و در راه نجات آن مردان و زنان و کودکان، تلاش نمی‌نمایید که از مهاجرت درمانده‌اند و می‌گویند: پروردگارا! ما را از میان این سیه‌کاران بیرون ببر و از جانب خودت برای ما سرپرست و مولایی مقرر کن و از جانب خودت برای ما یآوری گسیل فرما.

٧٦. مؤمنان در راه خدا پیکار می‌کنند و کافران در راه شیطان پیکار می‌نمایند. پس با حامیان شیطان نبرد کنید که مکر شیطان زیون و پوشالی است.

٧٧. آیا به این مردم سست عنصر نمی‌نگری که دیروز خواهان جهاد بودند و ما به آنان گفتیم: دست خود را کوتاه کنید و نماز را بر پا بدارید و زکات را ادا نمائید تا روح و روان خود

كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِيبَهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَا لَهُمْ لَهَوْلَاءِ الْقَوْمِ لَا يُكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا^{٧٨} مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا^{٧٩} مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا^{٨٠} وَيَقُولُونَ

را بسازید. و چون امروز جنگ و پیکار با دشمن بر آنان فرض و مکتوب شد جمعی مرعوب شده‌اند و در هراس افتاده‌اند، آن چنان که باید از جنگ با خدا در هراس باشند بلکه هراسی بیشتر از جنگ با خدا دارند. می‌گویند: پروردگارا! از چه رو باید جنگ با دشمن را بر ما فرض و مکتوب سازی که یا خود در معرکه نبرد حاضر شویم و یا عذری بتراشیم و دیگری را به جای خود تجهیز و بسیج نمائیم. لااقل باید چند صباحی دیگر پیکار با دشمن را به تأخیر می‌افکندی تا با سلاحی بیشتر و رزمندگانی جوان‌تر حاضر پیکار شویم و تلفات کمتری متحمل گردیم. بگو توشه دنیا ناچیز است و توشه آخرت برای کسی که پرهیزگاری پیشه کند بهتر است. این شما هستید که در دنیا جان خود را با نافرمانی سیاه می‌کنید. در آخرت کسی را به پهنای یک خط، سیاه و آلوده نخواهند کرد.

٧٨. شما هر کجا که باشید - گرچه در برج‌های استوار جنگی جا کرده باشید - مرگ گریبان شما را خواهد گرفت و آمادگی بیشتر و سلاح برتر و رزمندگان جوان‌تر، عمر شما را طولانی نخواهد کرد. اگر مانند روز بدر به این مردم نعمت پیروزی برسد می‌گویند: این از لطف خداوند است و اگر چون روز احد، نعمت و بیروزی برسد می‌گویند: این از تدبیر او است. بگو هر دو از پیشگاه خداوند است تا شما را بیازماید. این گروه را چه می‌شود که معنای سخن را در نمی‌یابند.

٧٩. هر خوشی و نیک‌بختی که تو را در رسد از سوی خدا است که ناموس طبیعت را در اختیار شما نهاد و هر ناخوشی و بدبختی که تو را در رسد از سوی تو است که ناموس طبیعت را در جهت زیان خود به کار بستی. ما تو را برای ابلاغ پیام خود فرستادیم تا این مسائل را بیاموزند و به کار بندند و گواهی خداوند رحمان، برای شهادت کافی است.

٨٠. هر کس رسول‌خدا را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده است که فرمان رسول‌خدا فرمان خداست و هر کس به فرمان رسول‌خدا پشت کند به فرمان خدا پشت کرده است نه به فرمان رسول‌خدا. هیچ رسولی قیوم امت خود نیست که فرمان خدا را بر پشت مردم بار کند بلکه آنان باید به اختیار خود تن به فرمان بدهند. ما تو را هم گسیل نکردیم تا نگهبان و

طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا^{۸۱} أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا^{۸۲} وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ وَلَوْ رَدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أَوْلِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا^{۸۳} فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلِّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكْفِ بِأَسِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بِأَسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا^{۸۴} مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

قیم آنان بوده باشی.

۸۱. و چون فرمان خدا را ابلاغ کنی می گویند: سمعاً و طاعةً، به چشم و دیده، و چون از حضورت بدر آیند و به خانه‌های خود در شوند جمعی در طول شب اندیشه دیگری می‌پروراند. خداوند اندیشه و کنکاش آنان را ثبت می‌کند و خنثی کردن دسیسه‌هایشان با خدا است. تو از ایشان رو بگردان و بر خدا توکل کن و خداوند جهان برای کارگزاری و توکل کافی است.

۸۲. آیا این منافقان در قرآن تأمل و تدبر روا نمی‌دارند؟ اگر آیات قرآن پرداخته دست بشر بود خلاف و ناهماهنگی بسیاری در آن یافته بودند.

۸۳. و چون رازی از زبان جاسوسان دشمن بشنوند که ایجاب امنیت و آرامش کند و یا اعلام خطر کند آن را پخش می‌کنند و آشفتگی را دامن می‌زنند. در حالی که اگر شایعه را به نزد رسول خدا و یا نزد آن فرماندهی که رسول خدا معین فرموده است می‌برند رسول خدا راز شایعه را کشف می‌کند و از فرماندهان لشکر نیز آنان که اهل استنباط و نظر باشند راز شایعه را می‌فهمند و فریب دشمن را نمی‌خورند. اگر فزونی الطاف خدا نمی‌بود رحمت او که شامل حالتان گشت، همگان - جز اندکی - پیروی شیطان را اتخاذ می‌کردید.

۸۴. پس تو شخصاً در راه خدا پیکار کن و جز خودت کسی به این کار مکلف نخواهد شد. مؤمنین را نیز باید تشویق کنی، باشد که خداوند جهان صولت کافران را باز دارد که در اثر رعب و وحشت بر سر موعده، حاضر نشوند و شما با افتخار جهاد و بدون درگیری با دشمن سرفراز و سربلند باز گردید. خداوند جهان صولت بیشتری دارد و دشمنان خود را با شدت بیشتری از میدان بدر خواهد کرد.

مُقِيَّتًا ٨٥ وَإِذَا حَيَّيْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنٍ مِنْهَا أَوْ رُدُّهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيْبًا ٨٦
 اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ٨٧ فَمَا
 لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٍ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ
 يُضِلِّ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ٨٨ وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ
 أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يَهَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا
 مِنْهُمْ وُليَاءَ وَلَا نَصِيرًا ٨٩ إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ

٨٥. هر کس بر وجه صواب پا در میانی کند و با جوار و حمایت خود، راه دین را بگشاید و یا با تبلیغات خود کافران را بترساند بهره‌ای از پا در میانی خود خواهد داشت و هر کس با وجهی ناصواب و ناهنجار پا در میانی کند و با جوار بی‌پشتوانه خود، مؤمنان را به کشتن دهد و یا با تبلیغات ناصواب خود مؤمنان را بترساند به حد کفایت از پا در میانی خود سهم می‌برد. و خداوند جهان بر هر حادثه‌ای نگهبان است.

٨٦. و هر گاه منافقان شما را با درود و تحیتی خود ساخته استقبال کنند، شما تحیت خدا را با تحیتی بهتر که تحیت اسلامی است پاسخ بدهید و یا همان تحیت را به آنان باز گردانید. اگر آنان در تحیت خود قصد استهزاء و طنز دارند خداوند جهان بر حسابرسی هر نیت سوئی قاهر و بینا است.

٨٧. خداوند جهان که جز او خدائی نیست شما را تا روز قیامت از مرحله آزمون می‌گذراند و در صحرای قیامت فراهم می‌آورد که شکی در آن نیست. کیست که گفت او از گفت خدا درست‌تر باشد.

٨٨. شما را چه می‌شود که در شناخت اعراب بادیه به جدل پرداخته‌اید و به عنوان مخالف و موافق نفاق آنان را مورد تردید خود قرار می‌دهید؟ با آن که خداوندشان با ارتکاب این خیانت که قاریان شما را با خود بردند و به کشتن دادند در ژرفای کفر و ضلالت سرنگون ساخته است؟ آیا شما می‌خواهید منافقان بادیه را که خداوندشان سرگشته و حیران ساخته است به راه راست ایمان هدایت نمایید؟ کسی را که خداوند رحمان به حیرت و گمراهی دچار سازد راهی برای هدایت او پیدا نخواهی کرد.

٨٩. اعراب بادیه، آرزو دارند که شما هم مانند آنان کافر شوید تا هم‌سنگ و هم‌ترازو باشید. مبدا به اعراب بادیه اعتماد کنید و با آنان و یا برخی از طوائف آنان طرح مودت و حمایت بریزید مگر آن که در راه خدا هجرت کنند و در مدینه جا بگیرند. اگر هجرت نکردند بدانید

صُدُّوهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوا قَوْمَكُمْ فَلَمَّ يُقَاتِلُوا قَوْمَكُمْ وَالْقَوَا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ۙ سَتَجِدُونَ آخِرِينَ يَرِيدُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا وَيَأْمُنُوا قَوْمَهُمْ كُلٌّ مَا رَدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكَسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوا قَوْمَكُمْ وَيَلْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ وَيَكْفُوا أَيْدِيَهُمْ فَخَذُّوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ۙ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٌ

که دروغ می‌گویند: و چون گذشته، در صدد فریب شمایند. پس هر ا آنان را بیایید بگیرید و بکشید و در هر حال از آنان کسی را به حمایت و یاری اتخاذ نکنید.

۹۰. مگر آن دسته از اعراب بادیه که با طایفه‌ای از طوایف هم‌پیمان شما پیمان اتحاد و هم‌بستگی امضا کنند و در نتیجه با شما متحد و وابسته شوند و یا به حضور شما بیایند و خواهان ترك تعرض شوند با اظهار تنگدلی که تاب پیکار شما را ندارند و اگر با شما پیمان اتحاد و نصرت امضا کنند تاب حمله دیگران را ندارند. مبدا اظهار عجز و تنگدلی آنان، شما را مغرور سازد که با آنان درگیر شوید و یا تقاضای آنان را رد کنید. اگر خدا خواسته باشد آنان را بر شما مسلط می‌سازد و در آن صورت با شما پیکار می‌کنند و پیکار آنان به سود شما نیست. پس اگر از پیکار شما کناره گرفتند و ملتزم شدند که با دشمنان شما هم‌پیمان نشوند و با شما نیز وارد پیکار نشوند و به هنگام برخورد و مقابله شعار صلح و صفا را همراه سلاح خود بر زمین بیندازند خداوند رحمان برای شما راهی برجا نگذاشته است که با آنان درگیر شوید.

۹۱. در آینده نزدیک جمعی دیگر از اعراب بادیه را می‌یابید که تقاضای ترك تعرض دارند و می‌خواهند شما را از حمله خود امان بدهند و قوم خود را از تعرض شما آسوده‌خاطر سازند. اینان همان اعراب جرّارند که بارها با شما درگیر شده‌اند و اگر باز هم به سوی فتنه و بلوا چرخانده شوند همراه احزاب و فرقه‌ها با سر به درون فتنه واژگون می‌شوند. با وجود این شناخت و با وجود این نفاق شما باید تقاضای آنان را بپذیرید و پیمان ترك تعرض و همزیستی را به امضا برسانید ولی هشیار و بیدار و برحذر باشید؛ اگر از برخورد با شما کناره نجستند به این صورت که در هنگام برخورد و مقابله شعار صلح و صفا را همراه سلاح بر زمین نیفکنند و دست خود را کوتاه نسازند هر جا آنان را بیایید بگیرید و بکشید. اینان همان منافقاند که ما برای شما سندی آشکارا بر علیه جان و مال آنان برقرار کرده‌ایم سندی که محکومیت آنان را به اثبات برساند.

وَدِيَّةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوًّا لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَّةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا^{٩٢} وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا^{٩٣} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِّن قَبْلُ فَمِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فِتْنَةٌ إِنْ اللَّهُ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا^{٩٤} لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ

۹۲. هیچ مؤمنی را نمی‌رسد که خون مؤمنی را بریزد مگر از راه خطا. هر کس مؤمنی را از راه خطا بکشد به کفاره آن باید یک برده مؤمن آزاد کند و یک خونبها به خاندان مقتول تسلیم کند مگر آن که خاندان مقتول خونبها را بر او تصدق نمایند. اگر آن مقتول از گروه دشمن باشد ولی مؤمن بوده باشد فقط آزاد کردن یک برده مؤمن کافی است و اگر مقتول مؤمن، از گروه هم‌پیمان شما باشد گرچه خاندان او مؤمن نباشند باید یک خونبها به خاندان او تسلیم کنید و یک برده مؤمن در راه خدا آزاد نمایید. هر کس برده مؤمن نداشته باشد و یا در خزانه خود مالی نیابد که یک برده مؤمن اکتفا کند و سپس آزاد سازد باید دو ماه پی در پی روزه بگیرد که دو ماه روزه پی در پی آشتی و عنایت خدا را جلب می‌کند. خداوند به هر حقیقتی دانا و در قانونگزاری کاردان است.

۹۳. و هر کس از راه قصد و عمد مؤمنی را بکشد سزای او دوزخ است که جاودانه در آن به سر برد. خداوند رحمان او را چون کافران تلقی می‌کند، بر او خشم آورده و او را نفرین می‌کند و برای او عذابی بزرگ مهیا کرده است.

۹۴. ای اهل ایمان! هر گاه به منظور جهاد در راه خدا به سفر رفتید در شناخت اعراب بادیه باید تحقیق و تأمل کنید تا رسته او را بشناسید و تکلیف خود را بدانید. اگر با کسی مواجه شوید که شعار صلح و صفای خود را همراه سلاح خود بر زمین بیفکند مگوئید که مؤمن نیستی و می‌خواهی با شعار «سلام علیکم» جان و مال خود را نجات بدهی. شما با این برخورد ناصواب متاع ناپایدار دنیا را جویا می‌شوید و می‌خواهید او را بکشید و اموال او را به غنیمت بگیرید. اگر نیات شما چنین باشد بدانید که در پیشگاه خداوند رحمان غنیمت‌های فراوان وجود دارد که با جهاد و طاعت تحصیل می‌شود. شما پیش از اسلام و ایمان بر این روش بودید که یکدیگر را به خاطر تصاحب زنان و فرزندان و تملک اموال و اغنام می‌کشتید.

فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ٩٥ دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ٩٦ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَأَسِعَتْ فِتْهُاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَاوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ٩٧ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ٩٨ فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُو عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا غَفُورًا

اینک که خداوند رحمان بر شما منت نهاده و راه ایمان گرفته‌اید همانند سابق عمل مکنید. لزوماً تحقیق و تأمل کنید تا کفر و ایمان او را مشخص سازید. اگر بادیه‌نشینان ایمان آورده باشد ولی از قانون مهاجرت بی‌خبر باشد و یا باخبر باشد ولی استطاعت هجرت حاصل نباشد خون او حلال نخواهد بود. شما مراقب دستاورد خود باشید که خداوند رحمان به دستاورد شما خبیر و آگاه است.

۹۵. این مؤمنان که در خانه می‌نشینند و از جهاد در راه خدا دریغ می‌ورزند - به استثنای کوران و شلان و بیماران که معذورند - با مجاهدان شما که جان و مال خود را در راه خدا بذل می‌نمایند برابر و هم‌سنگ نمی‌شوند. خداوند رحمان کسانی را که در راه خدا با مال و جان خود جهاد می‌کنند با ترفیع یک درجه بر خانه‌نشینان برتری داده است با آن که هر دو دسته را به زندگی نیکوی بهشت نوید می‌بخشد. خداوند رحمان مجاهدان را بر افراد خانه‌نشین با پاداش بزرگی برتری نهاده است.

۹۶. آن پاداش بزرگ ترفیع درجاتی است از قرب خدا به همراه بخشایش و رحمت او و خداوند رحمان آمرزنده‌ای مهربان است.

۹۷. به یقین کسانی که فرشتگان جان آنان را در حال سیاهی و سیه‌کاری قبض کنند به آنان می‌گویند: شما در چه کاری بوده‌اید که چنین سیاه و آلوده جانید؟ پاسخ می‌دهند که ما در شهر و دیار خود مستضعف و ناتوان بودیم و از تزکیه جان و تن بی‌خبر بودیم. فرشتگان می‌گویند: آیا سرزمین خدا پهناور نبود که هجرت کنید و جان خود را از آلودگی پالایش دهید؟ سیه‌جانان بی‌جواب می‌مانند. جایگاه این سیه‌جانان دوزخ است و دوزخ جایگاه بدی است.

۹۸. مگر آن دسته از مردان و زنان و کودکان که توان جایجا شدن ندارند و راه به جایی نمی‌برند.

۹۹ وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۱۰۰ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا ۱۰۱ وَإِذَا كُنْتُمْ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْنَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أذىٌ مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ۱۰۲ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ

۹۹. این مستضعفان هستند که با وجود سیه‌جانی شاید که خداوند رحمان از گناهشان درگذرد و خداوند رحمان با گذشت و آمرزگار است.

۱۰۰. و هر کس در راه خدا هجرت کند در پهنه گیتی جاده‌ها و دشت‌ها و شهرهای فراوان می‌یابد با گشایشی در زندگی و معاش خود و هر کس از خانه‌اش بیرون شود و به سوی خدا و رسول خدا راه برگردد و در نیمه راه هجرت، مرگ مقدر گریبان او را بگیرد اجر و پاداش او بر عهده خداوند رحمان قرار خواهد گرفت و گناهان او آمرزیده خواهد گشت. خداوند رحمان آمرزگاری مهربان است.

۱۰۱. و هر گاه شما مؤمنان در نقل و انتقالات هجرت به راه سفر گام نهادید اگر از فتنه کافران و قتل و غارت آنان در هراس باشید بر شما باکی نیست که از رکعات نماز خود بکاهید و به جای دو رکعت یک رکعت بخوانید. به یقین کافران، دشمن آشکارای شما بوده‌اند که اظهار عداوت کرده‌اند.

۱۰۲. و هر گاه شخصاً در جمع مسافران باشی و نماز جماعت را برایشان برپا کنی می‌توانی با آرایش نظامی، خوف از دشمن را مرتفع سازی به این صورت که نیمه سیاه را به مراقبت دشمن برگماری و یک نیمه دیگر با تو صف بکشند و نماز بخوانند. حتماً باید سلاح خود را بگیرند و یک رکعت از نماز را با تو به پایان ببرند و رکعت دوم را شخصاً و به تنهایی ادا نمایند و چون سجده آخر نماز را شخصاً بجا آوردند و نماز خود را سلام گفتند به مراقبت از شما بپردازند و آن نیمه دیگر که به مراقبت پرداخته بودند بیایند و با رکعت دومت وارد نماز شوند و یک رکعت آن را با تو بخوانند و یک رکعت بعدی را شخصاً بجا آورند. این نیمه دوم نیز که در مرحله آخر به تو اقتدا می‌کنند باید حالت پرهیز و آمادگی به خود بگیرند و

فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا ^{۱۰۳} وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ^{۱۰۴} إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنَ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا ^{۱۰۵} وَاسْتَغْفِرِ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ

سلاح خود را نیز بردارند. کافران دوست می‌دارند که شما از سلاح و توشه خود غافل شوید تا آنان با یک یورش بر شما هجوم آورند. اگر شما از بارش باران در آزار باشید و یا بیمار باشید و سنگینی تجهیزات مایه ناتوانی باشد مانعی ندارد که سلاح خود را بر زمین بگذارید اما باید حالت احتیاط و آمادگی را حفظ کنید. به یقین خداوند جهان برای کافران عذاب خوار کننده‌ای مهیا کرده است.

۱۰۳. و اگر شما مؤمنان شخصاً و فرادا نماز خود را شروع کردید و یک رکعت آن را کسر نهادید بعد از نماز به اندازه آن یک رکعت نام خدا را با تسبیح و تحمید و تهلیل و تمجید بر زبان داشته باشید، خواه ایستاده و یا نشسته و یا به پهلو آرمیده؛ و چون از دشمن کافر، آسوده‌خاطر شدید و قرار و آرام گرفتید خودتان نماز را به دو رکعت برپا بدارید که نماز دو رکعت از دیرزمان بر عهده مؤمنان امتهای فرض و مکتوب و موقت شده است که اگر در وقت معین ادا نمایند باید قضای آن را در وقت دیگر بجا آورند و اگر موفق نشوند و بمیرند ولی آنان باید قضای آن را بجا آورند.

۱۰۴. اگر دشمن از پیکار شما گریزان شد در تعقیب آنان سستی مگیرید. اگر شما دردمند و مجروح باشید آنان نیز مانند شما دردمند و مجروحند با این تفاوت که شما از پاداش خدا امیدها دارید که آنان ندارند. خداوند رحمان در صدور احکام جنگی دانا و کاردان است.

۱۰۵. ما کتاب آسمانی قرآن را به سویت فرود آوردیم با راستی و درستی تا به آن شیوه‌ای که خداوندت نشان داده است میان مردم داوری کنی. تو باید داوری خود را بر اساس گواه و قسم صادر کنی. اگر مدعی گواه دارد بیاورد و اگر ندارد متهم باید سوگند بخورد، همین و بس. اگر قرار باشد که بر اساس سنت‌های کهن داوری کنی بی‌شک خائنان و مجرمان با کارکشتگی و صحنه‌سازی و زبان‌بازی حتی تظلم و دادخواهی، جرم خود را لوث می‌کنند و حمایت عمومی را جلب می‌کنند. مبدا بعد از این بر قرائن نامعتبر و شواهد غیر شرعی تکیه کنی که از خائنان حمایت خواهی کرد.

كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ١٠٦ وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا ١٠٧ يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا ١٠٨ هَآأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَن يُجَادِلِ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْ مَن يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ١٠٩ وَمَن يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا ١١٠ وَمَن يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ١١١ وَمَن يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ١١٢

١٠٦. و از خداوند رحمان آمرزش بخواه که خداوند رحمان آمرزنده‌ای مهربان است و خطای احتمالی را خواهد بخشید.

١٠٧. بر اساس اعتماد به سنت‌های کهن از کسانی دفاع مکن که به جان خود خیانت می‌کنند و زمینه را برای تبرئه خائن فراهم می‌آورند. اینان خود خیانت‌پیشه و زورگویند و خداوند جهان خیانت‌پیشه زورگو را دوست نمی‌دارد.

١٠٨. مردمان خائن و زورگو آثار جرم و خیانت خود را از چشم مردم نهان می‌سازند و از خدا نهان نمی‌سازند. خداوند در تمام لحظات شب کنار آنها است که برای نهان کاری خیانت توطئه و تزویر می‌کنند و برخلاف رضای خدا گفته‌های خود را می‌پزند که چگونه يك صدا و يك زبان گناه را از گردن خود بردارند. و خداوند همواره به دستاورد آنان احاطه دارد.

١٠٩. این شما هستید که همان زورگویان خیانت‌پیشه که با توطئه و تزویر و هماهنگی از خیانت خائنان دفاع کردید ولی به روز رستاخیز چه کسی در پیشگاه خداوند جهان از آنان دفاع خواهد کرد و یا چه کسی بر سر خائنان گماشته و نگهبان است.

١١٠. هر کس به کار بدی دست بزند که جان خود و جان دیگران را به سیاهی بکشاند و یا به خلوت، گناهی مرتکب شود که تنها جان خود را به سیاهی بکشد، سپس نادم شود و از خداوند رحمان آمرزش بخواد خدا را آمرزنده‌ای مهربان خواهد یافت که روز قیامت گناه و خطای او را پوشیده بدارد.

١١١. و هر کس به زورگوئی و خیانت دست بزند جان خود را در معرض خیانت و زورگوئی قرار می‌دهد و خداوند جهان به مسئولیت همگان دانا است و در اجرای کیفر کاردان است.

١١٢. و هر کس خطایی مرتکب شود و یا به زورگوئی و خیانت دست بزند سپس مدرك جرم را به خانه دیگران ببرد تا گناه خود را بر گردن بی‌گناهان بیندازد بار تهمت و بار خیانت را یکجا بر دوش می‌کشد و زورگوئی خود را آشکار می‌سازد.

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ يُضْلُوكَ وَمَا يُضْلُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَصُرُونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا^{۱۱۳} لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا^{۱۱۴} وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا^{۱۱۵} إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا^{۱۱۶} إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا^{۱۱۷}

۱۱۳ اگر لطف خدا و رحمت او شامل حالت نمی بود جماعتی از این خائنان زورگو همت گماشته بودند که با صحنه سازی خود، تو را از داوری درست گمراهت بسازند. این خیانت ورزان پیشینه دار فقط خود را گمراه می کنند و زبانی بر تو وارد نمی سازند. خداوند رحمان کتاب و سنت را بر تو نازل کرد و آنچه را که نمی دانستی و نمی توانستی بدانی به تو آموخت و آموخت که چسان باید سنت های باطل کهن را در نظر جامعه رسوا ساخت و از بنیاد و بن فرو ریخت و برای مردم روشن کرد که داوری بر اساس گواه و قسم ساده ترین و بهترین راه داوری درست است. رحمت خاص خداوندگاری از آغاز رسالت بر تو بزرگ و وافر بوده است.

۱۱۴ بیشتر این جلسات شبانه که تشکیل می دهند و این دسته بندی ها و درگوشی ها و پیچ ها خیر اجتماعی بیار نمی آورد. خیر اجتماعی را آن کسی بیار می آورد که به پرداخت صدقات و عطای هدایا و خیرات و آشتی دادن مردمان فرمان دهد. و هرکس به خاطر تحصیل رضای خدا چنین کند به زودی پاداش بزرگی به او عطا خواهیم کرد.

۱۱۵. هرکس با رسول خدا در ستیز شود - آنها بعد از روشن شدن مسیر هدایت - و مسیری غیر از مسیر مؤمنان را دنبال کند او را به راهی می بریم که خود برگزیده است و با آتش دوزخ کبابش می کنیم و دوزخ بدجایگاهی است که به آن وارد می شوند.

۱۱۶. خداوند جهان این گناه را بر کسی نمی بخشد که برای او شریک بتراشند و هر گناه دیگری که باشد می آمرزد. هرکس برای خدا شریک بتراشد با فاصله دوری از راه حقیقت بدور افتاده است.

۱۱۷. آن خدایانی که در عوض خداوند جهان به خدایی می خوانند به نام زنان نامیده اند و در واقع شیطان سرکش را نیاز می برند.

لَعْنَةُ اللَّهِ وَقَالَ لَاتَّخَذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا ١١٨ وَلَا ضَلَّيْنَهُمْ وَلَا مَنِيْنَهُمْ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلَيَبْتَكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا ١١٩ يَعْدهُمْ وَيَمْنِيْنَهُمْ وَمَا يَعْدهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ١٢٠ أُولَئِكَ مَاوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا ١٢١ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ١٢٢ لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ١٢٣ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ

١١٨. که خدایش لعنت کرده است: خدا را نافرمان شد و گفت: به انتقام آنکه مرا تحقیر کردی و در گمراهی تنها رهایم کردی از بندگانت بهره مقطوع خود را خواهم گرفت: سواره و پیاده خود را بسیج خواهم کرد و در مال و فرزندانشان شریک خواهم شد و با وعده‌های دروغ فریبشان خواهم داد.

١١٩. آنان را از راه بدر خواهم کرد و با آرزوها سرگرمشان خواهم ساخت. فرمانشان می‌دهم تا گوش دامها را ببرند و گوشت آنها را حرام کنند. فرمانشان می‌دهم که فطرت الهی را دگرگون سازند تا از دایره فطرت خارج شوند. ولایت شیطان بر این منوال است و هرکس خدا را وانهد و شیطان را مولا و سرپرست خود بگیرد خسارت آشکاری متحمل شده‌است.

١٢٠. شیطان فقط نوید می‌دهد و آرزوهای طلایی را در دل مردم می‌پروراند و نویدشان نمی‌دهد جز نوید خام.

١٢١. جایگاه اینان که در ولایت و حمایت شیطان وارد شده‌اند دوزخ است و از فروافتادن در دوزخ راه گریزی نمی‌یابند.

١٢٢. و آن کسانی که ایمان آورده‌اند و دستاورد صالحی داشته‌اند وارد بوستانهایی می‌شوند که از زیر درختانش نهرها روان است. جاودانه در آن بوستانها می‌مانند و این وعده خداوند است وعده درست از قول خدا. و کیست که قول او از قول خدا صادق‌تر بوده باشد.

١٢٣. داوری قیامت بر اساس مسطورات شما نیست و نه بر اساس مسطورات یهود و نصاری که آرزوهای خود را در قالب دعا و روایت منعکس ساخته‌اند، هرکس کار بدی مرتکب شود باید مکافات آن را ببیند. خواه شیعه باشد و خواه اهل سنت، خواه یهودی باشد و خواه نصاری، و گرچه نماز بخواند و روزه بگیرد و زیارت کند و یا از نسل انبیا باشد. کسی که بدکاره باشد غیر از خداوند برای خود مولا و یاور نخواهد یافت.

نَقِيرًا ١٢٤ وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا ١٢٥ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا ١٢٦ وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوُلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ١٢٧ وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ

١٢٤. و هر کس دستاورد صالحی از کارهای شایسته بجا آورد خواه مرد باشد و خواه زن گرچه از خاندان فرعون باشد تنها با این شرط که مؤمن باشد وارد بهشت می‌شود و به اندازه يك خط سیاه، جان او را آلوده نخواهند کرد

١٢٥. کیست که دین او نکوتر باشد از دین کسی که با صدق و صفا روی دل به سوی خدا کرده باشد و در انجام تکالیف مذهبی نیک‌اندیش باشد و از کیش ابراهیم که با اعتدال و استقامت از کج رویها برکنار بود پیروی کرده باشد. خداوند رحمان ابراهیم را از آن رو به مقام اصطفاء برآورد که با صدق و صفا روی دل به خدا کرده‌بود. خداوند به خاطر دوستی و محبت، ابراهیم را خلیل خود گردانید.

١٢٦. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است خواه فرشتگان و رسولان، خواه ارواح عالیه خلیلان و حبیبان، همه و همگان ملك خداوند جهانند و خداوند جهان بر هر پدیده‌ای محیط و دیدبان است.

١٢٧. دربارهٔ خانم‌ها که گفتیم: «داشتن چند همسر باید قرین با عدالت و انصاف باشد» از تو فتوا می‌طلبند که مفهوم عدالت و شرایط آن چیست؟ بگو: خداوند رحمان دربارهٔ آن خانم‌ها فتوا می‌دهد تا مفهوم عدالت و شرایط آن روشن شود و شما تکلیف خود را بدانید. و آن فصلی از کتاب خدا که بر شما تلاوت می‌شود: در شناخت خانم‌های پدرمرده‌ای که یتیمند و در کفالت شما بسر می‌برند و اگر شوهر نمایند کابین آنان را که خداوند رحمان برای شخص آنان واجب کتبی ساخته‌است مانند میراث فریضه نزد خود نگه می‌دارید و تا بالغ نشوند به آنان تسلیم نمی‌نمایید و با وجود این کفالت تمایل دارید که شخصاً با آنان ازدواج نمایید و قهراً میراث و کابین آنان را تحت نظارت خود قرار دهید. و هم در شناخت آن پسران و دختران عقب افتاده و کم رشد که آنان را به نام گول و سفیه خوانده‌ایم و اموال آنان را در اختیار شما و تحت نظارت و تجارت شما قرار داده‌ایم اینک خداوند رحمان فتوا می‌دهد که شما باید رضایت همسران خود را در چهارچوبهٔ عدالت تحصیل کنید و دربارهٔ

بَعْلَهَا نُسُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ
الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا^{۱۲۸} وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا
بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ
كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا^{۱۲۹} وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا^{۱۳۰} وَلِلَّهِ مَا

ایتام دختر و پسر، سفیه و کم رشد، زیرک و با رشد به عدالت و انصاف قیام نماید. شما هر کار خیری که درباره ایتام انجام دهید پاداش شما محفوظ است خداوند رحمان به کار خیر شما دانا بوده و هست

۱۲۸. و اگر خانمی خائف شود که شوهرش با ناسازگاری و یا بی توجهی و کم التفاتی می خواهد عرصه را بر او تنگ سازد تا راضی به طلاق شود و یا مهر و کابین خود را ببخشد، مانعی ندارد و گناهی بر آن دو بار نمی شود که فیما بین خود، صلح و آشتی برقرار سازند: شوهر از حق طلاق خود بگذرد و خانم از نفقه خود بکاهد و یا از حق شبخوابی خود بگذرد. صلح و آشتی بهتر از قهر و طلاق است. جانهای مردم از بخل و آزمندی آکنده است و همگان می خواهند از هزینه خود بکاهند و به جمع اموال بپردازند. اما اگر شما احسان کنید و از جاده تقوا خارج نشوید و زنان سالمند و کم هنر خود را کماکان مانند زنان جوان باهنر در زندگی خود شریک سازید پاداش احسان و تقوای شما با خداست و خداوند به دستاورد شما خبیر و آگاه است.

۱۲۹. شما از نظر علاقه قلبی هرگز نمی توانید میان خانمهای خود، عدالت کامل برقرار نمایید گرچه بر عدالت حریص باشید ولی مبدا به کلی از خانم خود رو برتابید و او را پادار هوا تنها بگذارید که نداند در کدامین شب و یا کدامین روز به سراغ او می روید که بی عدالتی این است. اگر شما میانه خود را با همسرانتان اصلاح کنید و به راه تقوا بروید تکلیف خود را انجام داده اید و اگر ندانسته خطایی صورت بگیرد آمرزش و رحمت، شامل حال شما خواهد گشت چرا که خداوند رحمان همواره آمرزنده ای مهربان بوده است.

۱۳۰. و در صورتی که زن نخواهد و یا نتواند با کاستن از مهر و نفقه شوهر خود را بر سر مهر آورد و یا شوهر نخواهد و یا نتواند احسان کند و همسر خود را کماکان با احترام لازم نگه دارد و در نتیجه از هم جدا بشوند، باید مطمئن باشند که خداوند رحمان هردو را از رحمت بی پایان خود غنی می سازد و نیازمندیهای هردو را برطرف می سازد. خداوند جهان همواره رحمتی وسیع و گسترده دارد و در کارسازی بندگانش کاردان است.

فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ
وَأَنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا^{١٣١} وَلِلَّهِ مَا فِي
السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا^{١٣٢} إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ
وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا^{١٣٣} مَنْ كَانَ يَرْيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ
اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا^{١٣٤} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوْ
أَوْلَادِكُمْ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ
تَلَوُّوا أَوْ تَعَرَّضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا^{١٣٥} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

١٣١. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است ملک خداوند است و به حق سوگند که ما به
یهود و نصاری که پیش از شما کتاب آسمانی را دریافت کرده‌اند توصیه کرده و شما را نیز
توصیه کردیم و می‌کنیم که از خدا بترسید و قوانین الهی را پاس بدارید و اگر کافر شوید و
قانون خدا را زیر پا بگذارید باید این را بدانید که شما به خداوند جهان، زیانی وارد
نمی‌سازید. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است ملک خداست و خداوند جهان از همه
شما و آنها بی‌نیاز است و در ثنای همگان ستوده‌کار است.

١٣٢. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است برای خداوند است و کافی است که خداوند
آسمانها و زمین کارساز بندگان باشد.

١٣٣. اگر بخواهد همه شما را نابود می‌کند ای مردمان، نسل دیگری جایگزین شما
می‌سازد. خداوند جهان بر چنین کاری توانا بوده و هست.

١٣٤. هرکس پاداش دنیا می‌طلبد باید بداند که پاداش دنیا و پاداش آخرت هردو نزد خداوند
است و می‌تواند با طاعت خدا هردو پاداش را بدست آورد. خداوند جهان درخواست شما را
می‌شنود و به حال شما بینا بوده و هست.

١٣٥. ای اهل ایمان! بر قانون خدا به انصاف و عدالت ناظر و نگاهبان باشید و به خاطر خدا
گواه جامعه باشید و بر نیک و بد آنان گواهی دهید گرچه بر زیان خودتان باشد و یا زیان پدر
و مادر و نزدیکترانتان از فرزندان و فرزندزادگانتان. اگر مدعی و یا متهم، دولتمند باشد و یا
نیازمند باشد خداوند رحمان به حمایت او واپیستر است. مبادا خواهش دل را پیروی کنید که
شخصاً عدالت اجتماعی را برقرار نمایید و اگر زبان را به سود این یک بچرخانید و یا به سود
آن یک از ادای شهادت خودداری نمایید. این را بدانید که خداوند جهان به دستاورد شما
خبیر و آگاه بوده و هست.

وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ۱۳۶ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا ۱۳۷ بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۱۳۸ الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِيتُّوْنَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ۱۳۹ وَقَدْ نَزَلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ۱۴۰ الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ

۱۳۶. ای اهل ایمان! شما باید به خدا و رسول خدا و به قرآنی که بر رسول خود نازل کرده است و به تورات و انجیلی که پیش از قرآن نازل کرده است یکجا و یکسر ایمان بیاورید و از فرمان خدا و رسول و احکام قرآن اطاعت کنید. هر کس با نافرمانی و قانون شکنی به خدا و فرشتگان خدا و کتاب‌های آسمانی و رسولان او و روز قیامت کافر شود بی‌شک از جاده حق به فاصله دوری گمراه شده است. کسانی که ایمان آورند و سپس کافر شوند، دوباره ایمان بیاورند و باز کافر بشوند و در نوبت سوم ایمان بیاورند و بازهم با کفر خود بر کفر قبلی بیفزایند خداوند جهان را شیوه بر آن نیست که باز هم آنان را بیامرزد و نه آنکه رهنمونشان گردد تا راهی به سوی ایمان بیابند.

۱۳۷. کسانی که ایمان آورند و سپس کافر شوند دوباره ایمان بیاورند و باز کافر بشوند و در نوبت سوم ایمان بیاورند و بازهم با کفر خود بر کفر قبلی بیفزایند خداوند جهان را شیوه بر آن نیست که باز هم آنان را بیامرزد و نه آنکه رهنمونشان گردد تا راهی به سوی ایمان بیابند.

۱۳۸. منافقان را نوید ده که عذاب دردناکی به انتظار آنها است.

۱۳۹. آنان که مؤمنان را وامی‌نهند و کافران را دوست و یاور خود می‌گیرند آیا عزت دنیا را نزد کافران می‌جویند؟ باید بدانند که عزت دنیا و آخرت یکسر ملک خدا است و هر که را بخواهد عزیز خواهد ساخت.

۱۴۰. شما عزت دنیا را در حضور کافران می‌جوید با آنکه خداوند رحمان در کتاب خود بر شما نازل کرده است که «هرگاه در مجلس کافران باشید و آنان آیات خدا را به کفر و استهزاء بگیرند با آنان منشینید مگر آنکه در سخنی تازه غیر از آیات خدا غور کنید. اگر شما با آنان بنشینید مانند آنان منافق و کافرید» به یقین خداوند جهان کافران و منافقان را یکجا

وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعَكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا ^{١٤١} إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَآؤُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ^{١٤٢} مُدْبِئِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ^{١٤٣} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا ^{١٤٤} إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا ^{١٤٥} إِلَّا الَّذِينَ

در دوزخ گرد هم فراهم خواهد ساخت

۱۴۱. هم آنان که در پشت جبهه جنگ با شما متوقف می‌شوند: پس اگر از جانب خداوندتان فتح و پیروزی نصیب شد آنان نیز در پشت سر بر شما می‌تازند و سپس می‌گویند: آیا ما با شما همراه نبودیم؟ و اگر برای کافران بهره‌ای از پیروزی حاصل شود باز در پشت سر شما قرار می‌گیرند و با حال فرار می‌تازند و سپس به کافران می‌گویند: آیا ما در پیشاپیش شما، مؤمنان را تعقیب نکردیم و میان شما و مؤمنان حائل نگشتیم که اگر با حيله جنگی بازگردند و حمله بیاورند شما را غافلگیر ن سازند؟ خداوند به روز رستاخیز میان شما مؤمنان با این منافقان داوری خواهد کرد و خداوند جهان هرگز به سود این منافقان کفر پیشه بر علیه مؤمنان راه قانونی برقرار نخواهد کرد.

۱۴۲. منافقان با خداوند رحمان بر سر خدعه و نیرنگند و خداوند رحمان با ترفند خود نیرنگ آنان را خواهد شکست. شیوه آنان بر این است که چون به نماز برخیزند با حال کسالت و ملال برمی‌خیزند و در صف نماز جماعت می‌ایستند تا به مردم نشان بدهند که نماز می‌خوانند اما کمتر نام خدا را بر زمین می‌رانند.

۱۴۳. میان کفر و ایمان مردد مانده‌اند نه در صف مؤمنان جای می‌گیرند و نه در صف کافران، خداوندشان گمراه کرده است و هرکس را که خدا گمراه کند برای او راهی نخواهی یافت که او را به شاهره حق برساند.

۱۴۴. ای اهل ایمان شما این منافقان کفر پیشه را در عوض مؤمنان حامی و مولا مگیرید. آیا می‌خواهید که آشکارا بر علیه خود سندی به خدا بسپارید که شما را به نفاق باطنی محکوم سازد؟

۱۴۵. این را بدانید که منافقان در عمیق‌ترین دره‌های دوزخ جای دارند و برای آنان یآوری نخواهی یافت که عذاب خدا را از آنان بگرداند.

تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ١٤٦ مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا ١٤٧ لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ١٤٨ إِنْ تَبَدُّوا خَيْرًا أَوْ تَخَفُوهُ أَوْ تَعَفَّوْا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفْوًا قَدِيرًا ١٤٩ إِنْ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ١٥٠ أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ١٥١ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

١٤٦. مگر آن منافقان که بازگردند و با خدا آشتی نمایند و خرابی‌های خود را اصلاح کنند و به خدا تمسک جویند و دیانت خود را برای خدا خالص سازند اینان با مؤمنانند و در آینده‌ای نزدیک، خداوند رحمان به مؤمنان پاداشی بزرگ عنایت خواهد کرد.

١٤٧. اگر شما این فرصتی را که در اختیارتان می‌گذاریم سپاس نهید و ایمان بیاورید، از عذاب الهی می‌رهید، خداوند از عذابی که بر شما وارد کند چه سودی حاصل می‌کند که راه ایمان را بر شما ببندد و توبه شما را نپذیرد؟ بلکه باید گفت: خداوند رحمان از توبه و ایمان شما سپاسگزاری می‌کند و خداوند رحمان همواره طاعات بندگانش را سپاس می‌نهد و به نیات آنان دانا است.

١٤٨. خداوند جهان دوست نمی‌دارد که کار بد را با داد و هوار اجتماعی محکوم کنند مگر آنکه مظلومی فریاد دادخواهی برآورد. بی‌داد و هوار هم خداوند جهان، شنوا و دانا است.

١٤٩. اگر شما نیکی دیگران را نمایان سازید و یا پنهان کنید خداوند، پاداش آن را می‌دهد و اگر از بدی آنان درگذرید که نه آشکارا و نه در نهان سخن آن را به میان نیاورید خداوند هم از شما می‌گذرد. شما باید این را بدانید که خدای رحمان آمرزنده گناه است و به پاداش نیکی‌ها توانا است.

١٥٠. به یقین کسانی که به خدا و رسولان خدا کافر می‌شوند و می‌خواهند حساب خدا را از حساب رسولانش جدا سازند می‌گویند: ما به آن بخشی از سخنان رسول که دین و آئین ما را تأیید می‌کند ایمان داریم و به آن قسمت که دین و آیین ما را مردود می‌شمارد ایمان نداریم. می‌خواهند که در میانه راهی بکشایند که موقعیت خود را از دست ندهند.

١٥١. اینان همان کافرانند که حقا سزاوار نام کفرند و ما برای کافران عذابی خوارکننده مهیا کرده‌ایم.

وَلَمْ يَفْرُقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أَوْلَيْكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجُورَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ١٥٢ يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تَنْزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرَنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمْ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَأَتَيْنَا مُوسَى سُلْطَانًا مُبِينًا ١٥٣ وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ١٥٤ فَبِمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ وَكَفَرْتُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلْتُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلْتُمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ١٥٥ وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا ١٥٦ وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا

١٥٢. و آنان که به خدا و رسولان خدا ایمان می‌آورند و حساب خدا و رسولانش را از هم جدا نمی‌سازند و میان رسولان خدا امتیازی نمی‌نهند اینان همان مؤمنانند و در آینده نزدیک پاداش آنان را عطا می‌کنیم و گناهانشان را می‌بخشیم و خداوند رحمان آمرزنده‌ای مهربان است.

١٥٣. یهودیان از تو تقاضا دارند که از آسمان کتابی بر آنان نازل کنی تا ایمان بیاورند. این تقاضای بزرگی است که از آسمان کتابی بر ناهلان نازل شود. این یهودان همان کسانی که از موسی تقاضای بزرگتری داشتند. می‌گفتند: خدا را آشکارا به ما نمایان کن تا با چشم خود ببینیم که او با تو سخن می‌گوید و با گوش خود بشنویم که تو را به رسالت فرستاده است. در اثر این سیه‌کاری که موسی را به صحنه‌سازی در کوه طور متهم کردند صاعقه‌ای برجهید و فریاد سهمگین صاعقه آنان را چون برگ خزان بر زمین افکند ولی ما به دعای موسی آنان را زنده کردیم. این یهودان همان کسانی که گوساله‌ای را به خدائی گرفتند آنهم بعد از شواهدی روشن که رسالت موسی را گواهی می‌کرد. ولی ما با کرم خود از این خطا کاریه‌ها درگذشتیم و نسل آنان را نابود نکردیم و به موسی سندی عطا کردیم سلطه‌آور که روشنگر رسالت او باشد.

١٥٤. بر اثر تعهدی که از آنان گرفتیم یک صخره آسمانی را برفراز سرشان نگه داشتیم تا الواح تورات را پذیرفتند. به آنان گفتیم: وارد این شهر شوید سجده‌کنان و شکر خدا را بجا آورید. به آنان گفتیم: به روز شنبه از قانون تعطیل تجاوز نکنید و در هر حال از آنان پیمان مؤکد گرفتیم.

١٥٥. و در اثر پیمان‌شکنی و کفرورزی به آیات خدا و کشتن انبیاء با تزویر و صحنه‌سازی خشم خدا را به جان خریدند و فقر و ذلت بر سر آنان خیمه زد و با این بهانه که دل‌های ما

الْمَسِيحِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَّبُوهُ وَلَكِنَّ شِبْهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِمَّنْ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتَّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا^{١٥٧} بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا^{١٥٨} وَإِنَّ مَنِ أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا^{١٥٩} فَيُظْلَمُ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمًا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٌ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا^{١٦٠} وَأَخَذَهُمُ الرَّبُّ وَقَدْ نَهَوْا عَنْهُ وَأَكَلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا^{١٦١} لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا^{١٦٢} إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ

پرده دارد رسالت رسولان را نفی کردند اما دل‌هایشان پرده ندارد بلکه خداوند جهان بر دل‌هایشان مهر نهاد از آن رو که کافر شده‌اند و اینک کمتر ایمان می‌آورند.

١٥٦. و از این رو که کفر ورزیدند و بر مریم عذرا تهمت زدند.

١٥٧. و به این جهت که گفتند: ما مسیح عیسی پسر مریم رسول خدا را کشتیم با آنکه مسیح را نکشتند و بر دار نکشیدند بلکه بر آنان شبهه شد. به یقین کسانی که درباره قتل مسیح اختلاف کردند واقعاً در شک و شبهه بودند. به هیچ وجهی درباره مسیح آگاهی ندارند جز پیروی از گمان. یقیناً مسیح را نکشتند.

١٥٨. بلکه خداوند رحمان او را به سوی خود بالا برد و خداوند جهان عزتمند و کارداران است.

١٥٩. مسیح در آسمان مشتری باقی خواهد ماند تا آن روز که از آسمان نازل شود و هیچ یهودی برجا نباشد جز آنکه تحقیقاً قبل از فرا رسیدن مرگ مسیح به او ایمان آورد و روز قیامت گواه اعمال آنان باشد.

١٦٠. با سیهکاری دانشمندانشان بود که برخی از حلال‌های پاکیزه را مانند پرندگان دانه‌خوار و چارپایان حلال گوشت بر آنان حرام کردیم و بدین جهت که فراوان با جارو جنجال علمی راه خدا را می‌بستند.

١٦١. و بدین جهت که ربا می‌گرفتند با آنکه ممنوع بودند و بدین جهت که اموال مردم را به ناحق می‌خوردند همواره آنان را عذاب کردیم. ما برای کافران عذاب دردناکی مهیا کرده‌ایم.

١٦٢. اما ثابت قدمانشان در علم و ایمان، با سایر مؤمنان به قرآنی که بر تو نازل شده است

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا ۱۶۳ وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا ۱۶۴ رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۱۶۵ لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ۱۶۶ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا ۱۶۷ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا ۱۶۸ إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا

ایمان می آورند و به تورات و انجیلی که پیش از تو بر موسی و عیسی نازل شده است ایمان می آورند و نماز را بر پا می دارند و زکات می پردازند و به خدا و روز جزا ایمان می آورند. اینها ایند که در آینده ای نزدیک پاداش بزرگی به آنان عطا می کنیم.

۱۶۳. ما اشارات آسمانی خود را به سویت نازل کردیم به همان صورت که بر اولین پیامبر خود نوح نازل کردیم و بر پیامبرانی که بعد از نوح آمدند. ما به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندانگان یعقوب و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی و اشارت کردیم و به داود زبور عطا کردیم.

۱۶۴. ما رسولانی فرستاده ایم که قبلاً حکایتشان را بر تو روایت کرده ایم و رسولانی دگر فرستاده ایم که حکایتشان را بر تو نخواندیم و در میان همه آنان خداوند رحمان با موسی هم سخن گشته است.

۱۶۵. رسولانی که مردم را به رحمت و رضوان خدا بشارت بخشند و از عذاب دوزخ بر حذر دارند تا بعد از رسالت رسولان برای مردم بر علیه خداوند رحمان حجتی برجا نماند که ندانستیم و نفهمیدیم. خداوند رحمان عزتمند و کاردان است.

۱۶۶. با وجود حجت و برهان، مردم به رسالت قرآن گواهی نمی دهند ولی خداوند رحمان بر صحت قرآن گواهی می دهد و اعلام می کند که آن را با علم و اطلاع خود نازل کرده است فرشتگان خدا نیز که وحی و اشارت آسمانی را نازل می کنند گواهی می دهند. تنها خداوند رحمان برای گواهی کافی است.

۱۶۷. آنان که به قرآن کافر شده اند و با جار و جنجال و بلوا راه خدا را بسته اند به فاصله دوری از شاهراه ایمان گمراه شده اند.

۱۶۸. آنان که کافر شده اند و با سیه کاری حقیقت را لوٹ کرده اند، خداوند را شیوه بر آن نیست که آنان را بیمارزد و نه آنکه رهنمونشان گردد تا راه خود را به سوی شاهراه ایمان

وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا^{١٦٩} يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا^{١٧٠} يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا^{١٧١} لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا^{١٧٢} فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنْكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا^{١٧٣} يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا

باز کنند.

١٦٩. جز راه دوزخ را که به آنان خواهد نمود تا جاودانه در آن بمانند همیشه، و این بر خدا آسان است.

١٧٠. ای مردمان! تحقیقاً رسول ما با درستی و راستی از جانب پروردگارتان به حضور شما آمده است. پس به او ایمان بیاورید. که اگر ایمان بیاورید برای شما بهتر است و اگر کافر بشوید باید این را بدانید که آنچه در آسمانها و زمین است ملک خداست و خداوند رحمان از ایمان همه شما بی نیاز است. خداوند رحمان به اهداف آفرینش دانا و کاردان بوده است.

١٧١. ای صاحبان کتاب آسمانی؛ در دین خود راه گزاف میوئید و جز سخن درست را به خدا نسبت مدهید. مسیح عیسی پسر مریم فقط رسول خدا است و کلمه او است که به سوی مریم افکند و موجی از روح خدا. پس ایمان بیاورید به خدا و رسولان خدا و مگوئید: « پدر و پسر و روح القدس» بس کنید که برای شما بهتر است. خداوند جهان همان خدای یکتاست. منزله است که برای او فرزندی باشد. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است ملک او است. کافی است که او وکیل و کارگزار کسی باشد.

١٧٢. مسیح بن مریم هرگز عار نمی کرد که یکی از بندگان خدا باشد و نه فرشتگان مقرب که بنده خدا هستند. هرکس از بندگی خدا عار کند و خود را والاتر و بزرگتر از آن بداند که خدا را عبادت کند، باید بداند که در آینده نزدیک خداوند جهان همگان را به سوی خود فرامی خواند

١٧٣. پس آن دسته که ایمان آورده اند و دستاوردی شایسته آخرت بجا آورده اند

^{۱۷۴} فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ^{۱۷۵} يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ أَمْرٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِّجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ^{۱۷۶}

پادشاهایشان را خداوند جهان ایفا می کند و از فزونی رحمت عطای زائدی به آنان می بخشد و اما آنان که از بندگی خدا عار کردند و کبر ورزیدند با عذاب دردناکی عذابشان خواهد کرد. آنان در عذاب دائم بسر می برند و جز خداوند جهان برای خود مولا و یآوری نخواهند یافت.

۱۷۴. ای مردمان! به یقین از سوی پروردگارتان برهانی فراسویتان آمده است. ما از آسمان پرتوی روشنگر حقیقت بر شما نازل کرده ایم.

۱۷۵. اگر شما به این نعمت آسمانی کافر شوید جاودانه در دوزخ جای می گیرید و اما آن دسته که ایمان بیاورند و به خدا و به ذات اقدس او تمسک بجویند در آینده نزدیک در رحمتی از پیشگاه خود واردشان می سازد و در الطاف زائد خود می پرورد و آنان را در راهی مستقیم به سوی خود رهنمون می گردد.

۱۷۶. درباره ارث طفیلی از تو فتوا می طلبند. بگو خداوند رحمان شخصاً در ارث طفیلی که قبلاً حکم آن را صادر کرده است برای شما فتوا می دهد: اگر مردی بمیرد که برای او فرزندی نباشد اما یک خواهر پدری داشته باشد یک نیمه میراثش مال خواهر او است و اگر این خواهر بمیرد برادرش وارث او خواهد بود در صورتی که آن خواهر صاحب فرزند نباشد و اگر وارثان طفیلی دو خواهر پدری باشند برای آنان دوسوم ماترک قطعی است و اگر وارثان طفیلی چندتن برادر پدری باشند بلکه چند تن زن و مرد طفیلی باشند خواه برادر و خواهر یا جد و جدّه برای هر مردی برابر سهم دو زن منظور خواهد شد. خداوند رحمان که میراث طفیلی را با این فتوا روشن می سازد نمی خواهد شما در شناخت طفیلی مادر و طفیلی پدر حیران بمانید و راه محاسبه را گم نکنید. خداوند رحمان به هر حکمی دانا است.

المائدة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ^١ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبُرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ^٢ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذُكِّرْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكَ فُسْقُ الْيَوْمِ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

١. ای اهل ایمان! به هر پیمانی که منعقد می کنید وفادار بمانید و از جمله عقد احرام برای حج و عمره، دامهای اهلی که سم شکافته باشند هماره حتی در حال احرام حج و عمره و حتی داخل حرم بر شما حلالند: خواه آنها را بکشید و یا از کشته آنها تناول کنید به استثنای آن دام سم شکافته که بعداً حرمت آن اعلام می شود و آیه آن بر شما تلاوت می شود. این آزادی و بهره مندی در صورتی است که شکار کرده مرغها و دامهای غیر اهلی را در حال احرام حلال و آزاد ندانید. اگر شکار کردن مرغها و دامهای غیر اهلی را در حال احرام روا بدانید و اقدام کنید دام اهلی هم بر شما حرام خواهد بود. خداوند جهان هر حکمی را که بخواهد صادر می کند.

٢. ای اهل ایمان! بی حرمتی به شعار ویژه خدا را حلال و روا ندانید و نه ماه حرام را و نه قربانی کعبه را و نه قلاده قربانی را و نه آنانی را که می خواهند به حرم درآیند از مازاد رحمت پروردگار خود خواهان شوند و رضایت پروردگارشان را با عبادت در حرم به دست آورند. و چون از لباس احرام بدر آید و آزاد شوید و اجازه صید کردن در خارج حرم را دارید مبدا کین خواهی آن قومی که با جنجال و بلوا از ورود شما به حرم مانع گشتند و ادارتان کند که بر آنان تجاوز کنید. بر انجام نیکی و تقوا یار یکدیگر باشید و بر زورگویی و تجاوز یار هم نباشید. از خشم خدا بترسید. به یقین خداوند جهان، کیفی سخت و سهمگین دارد.

رَحِيمٌ ۳ ۴ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلَّبِينَ تَعْلَمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۴ الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ

۳. بر شما بهره‌مندی از اجزاء مردار و خون جهیده و گوشت هر خنزیری که گردنش نچرخد و چشم او کوچک و کج باشد حرام و قدغن شد گرچه سم شکافته باشد. حرام و قدغن شد هر دامی که با نامی غیر از نام خدا ذبح شود و هر حیوانی که در اثر خنای خفه گردد و یا با ضرب چوب و سنگ و آهن کشته شود و یا از بلندی پرت شود و یا در جنگ با حیوانی دیگر به ضرب شاخ او کشته شود و یا خوراک ددان گردد به استثنای آن موارد که شما سر برسید و گلوی آن دام را با آهن تیزی ببرید و حلال کنید. و آن دامی که به نام بت‌ها از میان رمة دام‌ها نامزد شود و بر سگوی قبانی ذبح شود گرچه نام خدا بر آن برده شود حرام است و حرام است گوشت حلال را با قرعه و لاتاری میان صاحبان آن تقسیم کنید که این فسق و پلید است. امروز کافران از نفوذ در دین شما مأیوس شده‌اند. شما از سطوت آنان نهراسید و از قهر من بهراسید. امروز قانون حلال و حرام را به کمال رساندم و نعمت هدایت را بر شما تمام کردم و رضایت دادم که دین شما، دین اسلام باشد که تعصب را وانهد و از جان و دل به قانون خدا تن بدهید با وجود این محرماتی که یاد کردیم هر کس در روزگار قحطی و گرسنگی ناچار شود از محرّمات مزبور تناول کند بی‌آنکه شخصاً جویای گناه شده باشد باید بداند که خداوند رحمان، آمرزنده و مهربان است و از تجاوز او به حریم قانون خواهد گذشت.

۴. می‌پرسند که بعد از شرح این محرّمات چه چیزهایی بر ما حلال شده است؟ بگو: ما فقط خیانت را بر شما حرام کردیم. آنچه از دائره خیانت که محرّمات الهی است بیرون باشد بر شما حلال و طیب است اینک به موارد شبهه تأمل کنید تا تکلیف خود را بهتر بشناسید: آن درندگان شکاری از قبیل گرگ و پلنگ و یا از قبیل باز و شاهین که شما هنر ویژه سگها را به آنها فرا بدهید که پای شکار خود را در دهان بگیرند و نگهدارند و یا پس گردن او را بگیرند و مانع فرار شکار شوند و در مرحله آخر به آن صورتی که خداوند رحمان به شما آموخته است که باید دام اهلی را ذبح کنید به آنها فرا بدهید که مانند سگ زیر گلوی دام را گاز بگیرند و رگ‌های او را قطع کنند. پس اگر درنده شکاری به تعلیم شما عمل کرد و شکار خود را برای شما نگه داشت و خود از آن تناول نکرد، معلوم است تعلیمات شما مؤثر

لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ^٥ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ^٦ وَادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِثْلَافَهُ

افتاده است و درنده شکاری مانند کارد و تیرکمان عمل کرده و تکلیف شرعی شما را انجام داده است، در این صورت از گوشت شکار شده تناول کنید و نام خدا را بر این گونه ذبح شرعی یاد کنید: یا به هنگام گسیل دادن و کیش کردن سگ و گرگ و یا پرداختن باز و شاهین به سوی شکار و یا به هنگام تناول از گوشت آن، از خشم خدا بترسید و قانون او را دقیقاً رعایت کنی، به یقین خداوند جهان در پیگرد محرمات قانونی سریعاً به حساب متخلفین خواهد رسید.

۵. امروز هر آنچه در شمار طبیات است بر شما حلال شد. خوراکی‌های اهل کتاب از یهود و نصاری برای شما حلال است و خوراکی‌های شما برای آنان حلال است که باب تجارت در میانه مفتوح بماند؛ خانم‌های خانه‌دار مؤمن حلال و آزادند خواه نکاح شما دائمی باشد و خواه موقت، و خانم‌های خانه‌دار یهود و نصاری که پیش از شما کتاب آسمانی را دریافت کرده‌اند برای شما حلال و آزادند در صورتی که نکاح شما موقت باشد و اجرت آنان به خودشان پرداخت گردد آن هم با قصد ورود به خانه بخت و ازدواج، نه خانه فسق و نه خانه عشق. پذیرش این شرایط، گواه ایمان شما است و هر کس ایمان به این شرایط را به استهزاء بگیرد و کافر شود اعمال نیک او توقیف می‌شود و چون پاداشی ندارد به روز قیامت از زیان-کاران خواهد بود.

۶. ای اهل ایمان! هر گاه برای خواندن نماز برخاستید اول روی خود را بشوئید و بعد دست-های خود را تا آرنج بشوئید و بعداً به سر خود مسح بکشید و سپس به پشت پای خود پزول یا مسح بکشید و اگر در اثر احتلام جنب باشید تمام بدن را آب بدهید و غسل کنید و اگر بیمار باشید که غسل کردن مایه خطر و یا ضرر باشد و یا در حال سفر باشید که فرصت پیاده شدن و امکان غسل نباشد، یا آن که جنب نباشید بلکه یکی تن از شما مؤمنان از

الَّذِي وَاتَّقُوا اللَّهَ إِذْ قُلْتُمْ سَمْعًا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ^٧ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ^٨ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ^٩ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ^{١٠} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أُنِيبُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيهِمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ^{١١} وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ

گودال مستراح بیاید یا آن که با خانم خود مباشرت کرده باشید و بعد از جستجو، آبی بدست بیاورید که با آن غسل کنید و یا وضو بگیرید به جستجوی غباری از خاک پاکیزه برآئید و از آن غبار به روی خود و دست‌های خود بکشید و سپس نماز بخوانید. خداوند رحمان نمی‌خواهد که بر شما فشاری وارد کند بلکه می‌خواهد شما را تطهیر کند و نعمت هدایت را به کمال برساند، باشد که شما شکرگزار نعمت او باشید.

٧. نعمت هدایت را که خداوند رحمان به شما ارزانی داشته است به خاطر بسپارید و پیمان او را که با شما مؤکد ساخته است پاس بدارید که گفتید: فرمان را شنیدیم و دل به طاعت سپردیم. از خدا بترسید و دل از اطاعت او برنگیرید. بی‌شک خداوند جهان به بیماری‌های دل آگاه است.

٨. ای اهل ایمان! نگهبان قانون خدا باشید و به انصاف و عدالت گواهی دهید. کین خواهی از مردم، شما را وادار به این جرم نسازد که عدالت را ترک کنید. عدالت را رعایت کنید که عدالت به تقوا نزدیک‌تر است. از خشم خدا بترسید که خداوند به دستاورد شما خبیر و آگاه است.

٩. خداوند رحمان به آن مردمی که ایمان آورده‌اند و دستاورد صالحی دارند وعده می‌دهد که مغفرت الهی در انتظار آنهاست با پاداشی بزرگ.

١٠. و آن مردمی که راه کفر در پیش گرفته‌اند و آیات آسمانی ما را دروغ می‌انگارند یاران آتش دوزخند.

١١. ای اهل ایمان! نعمت امنیت و سلامتی را که خدایتان عطا کرده است به خاطر بسپارید. آن روز که جمعی درصدد بودند که در حال غفلت و بی‌خبری بر شما بتازند و خداوند رحمان دست آنان را از سر شما کوتاه کرد، شما باید از خدا بترسید و در مخاطر بر خدا توکل که مؤمنان باید که بر خدا توکل کنند.

نَقِيْبًا وَقَالَ اللهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ۱۲ فِيمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۱۳ وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ۱۴ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا

۱۲. همانسان که خداوند رحمان از شما پیمان مؤکد گرفته است، از یهود بنی اسرائیل هم پیمان مؤکد گرفت: ما از میان آنان دوازده نقیب سرشناس برانگیختیم تا اطاعت و عصیان مردم خود را کنترل نمایند. همان سان که از میان شما دوازده نقیب برگزیدیم تا انصار مدینه را نقابت و کنترل نمایند. خداوند به آنان گفت: من با شما هستم و مراقب اعمال و رفتار و پندار و گفتار شما خواهم بود. در صورتی که شما نماز را بر پا دارید و زکات را بپردازید و به رسولان من ایمان بیاورید و نیازمندی‌های زندگی و خواسته‌های دینی آنان را با احترام و ادب به مرحله اجرا بگذارید و به خداوند رحمان که اداره جامعه شما را بر عهده آزمون دارد قرض بدهید آن هم قرضی نیکو و بی‌مطالبه و بی‌سرآمد، من نیز بدی‌های شما را از نامه اعمالتان محو می‌کنم و به بوستان‌های بهشتی واردتان می‌سازم که نهرها از زیر آنها روان است. بعد از این پیمان و تعهد، هر کس از شما مردم بنی اسرائیل کافر شود و پیمان را بشکند بی‌شک راه صاف را گم کرده است.

۱۳. در اثر شکستن پیمان بود که نفرینشان کردیم و دل‌هایشان را چون سنگ نمودیم. آنان کلمات خدا را از جای خود به دگر جا می‌چرخاندند و سخن ما را تحریف می‌کردند. تذکرات ما را به دست فراموشی سپردند و بهره‌ای نبردند. تو نیز هماره و پیوسته بر خیانتی از خیانت‌های آنان واقف می‌شوی به استثنای معدودی چند که خیانت نمی‌ورزند از ایشان درگذر و اگر در حال خطاکاری بر آنان گذر کردی از آنان روبگردان و متعرض مشو. این شیوه، شیوه نیکاندیشان است و خداوند رحمان، نیکاندیشان را دوست می‌دارد.

۱۴. ما از آن کسانی هم که خود را انصار مسیح می‌نامند پیمان گرفتیم و مکرراً پیمان خود را فرا خاطرشان آوردیم و آنان نیز یادآوریه‌ها را به دست فراموشی سپردند بی‌آنکه از تذکرات ما بهره‌یاب گردند. به کیفر این ناعهدی ما دشمنی و کینه‌توزی را تا روز قیامت در میان

كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ١٥ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ
 مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ
 مُسْتَقِيمٍ ١٦ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ
 أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَأَمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
 وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ١٧ وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ
 وَأَحِبَاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ
 وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ١٨ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا

فرقه‌هایشان حاکم نمودیم تا بر سر هم بریزند و با هم بستیزند. خداوند رحمان به زودی
 خبردارشان خواهد ساخت که جامعه را چسان سامان داده‌اند.

۱۵. ای صاحبان کتاب آسمانی! اینک رسول ما فراسویتان آمده است که شما را بر
 خطاهایتان واقف سازد و آن بخش عظیمی از کتاب‌ها و نوشته‌ها را که پنهان می‌کرده‌اید
 برای مردم روشن سازد گرچه بخش عظیمی از خیانت‌های شما را مسکوت می‌گذارد ما آن
 کتاب‌ها و نوشته‌ها و آن احکام و سنن را که شما پنهان کرده‌اید در خلال آیات قرآن برای
 همگان روشن کرده‌ایم و شما خود شاهد آن هستید و بهتر از دیگران می‌دانید، به یقین از
 پیشگاه خدا فراسویتان پرتوی فرود آمده است که تاریکی‌ها را می‌زداید و کتابی نازل شده
 است که روشنگر حقیقت خواهد بود.

۱۶. خداوند رحمان به وسیله پرتو این قرآن هر کس را که جوایب رضای خدا باشد به سوی
 جاده‌های صلح و صفا و سلامت رهنمون می‌شود و از سیاهی‌ها به سوی آفتاب هدایت
 بیرون می‌کشد با رخصتی که در اعمال مشیت خداوندی به آنان می‌دهد و در نتیجه آنان را
 به راه راست رهبری می‌نماید.

۱۷. بی‌شک آن دسته از نصاری که گفتند: «خداوند ما مسیح است که پسر مریم باشد» با
 گفتن این سخن کافر شدند. به آنان بگو: اگر خداوند خواسته باشد مسیح پسر مریم را با
 مادرش و همه ساکنان روی زمین یکجا و یکسر هلاک و نابود کند از مسیح و دیگران چه
 کاری ساخته است با آن که پادشاهی آسمان‌ها و زمین و پادشاهی فضای فیما بین آسمان-
 ها و زمین خدا راست. هر چه را بخواهد می‌آفریند خواه با پدر و خواه بی‌پدر و یا بی‌پدر و
 مادر. و خدا بر انجام هر خواسته‌ای توانا است.

۱۸. یهود و نصاری گفته‌اند که ما فرزندان خدائیم و از دوستان خدا به حساب آمده‌ایم و لذا

بَيِّنْ لَكُمْ عَلَى فِتْرَةٍ مِّنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ
 وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^{١٩} وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ
 فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ^{٢٠} يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ
 الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ^{٢١} قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا
 فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنَنُودِلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ^{٢٢} قَالَ

در راز و نیاز خود می‌گویند: «ای پدر ما که در آسمان هستی» بگو: پس چرا خداوند جهان
 شما را به جرم گناهانتان عذاب می‌کند در حالی که پدران، فرزندان گنهکار خود را عذاب
 نمی‌نمایند. چنین نیست که منزلت شما با خدای جهان، منزلت پدر و پسر باشد و یا منزلت
 محب و محبوب. بلکه شما هم مانند امت‌های دیگر آفریده دست خدائید و بشری همسان با
 دیگران که هیچگونه امتیازی ندارید. خداوند رحمان هر یک را که بخواهد می‌بخشد و هر
 یک را بخواهد عذاب می‌کند بی‌آنکه بندگان را بر او اعتراضی باشد. پادشاهی آسمان‌ها و
 زمین او راست با پادشاهی آنچه در میان آسمان و زمین است همگان به سوی او می‌شوند.
 ۱۹. ای صاحبان کتاب آسمانی! اینک رسول ما فراسویتان آمده است که بعد از یک دوره
 فترت و توقیفی پانصد ساله در امر بعثت و رسالت انحرافات شما را بیان کند، تا نگوئید: بر ما
 رسولی مبعوث نشد که عهده‌دار بشارت و انذار باشد و ما را بیم و امید دهد. به یقین پیام‌دار
 بشارت و انذار آمد تا مطیعان را بشارت بخشد و عاصیان را از خشم خدا بترساند. خداوند
 جهان بر هر گونه خواسته‌ای توانا است.

۲۰. به خاطر بسپارید آن روز که موسی به مردم خود گفت: ای مردم من! این نعمت
 خداوندی را مدّ نظر داشته باشید که رسته انبیا را در امت شما برقرار فرمود و شما را
 پادشاهان زمین ساخت. به شما آن نعمت‌ها و آیت‌ها و معجزه‌ها داد که به هیچ یک از
 امت‌های جهان نداد.

۲۱. ای مردم من! شما باید به سرزمین قدس درآیید که خداوند رحمان فرمان آن را به نام
 شما نوشت، به این شهر درآیید و سکنی بگیرید مبادا به سوی مصر و خاندان فرعون باز
 پس راه مراجعت بگیرید که زیانکار می‌شوید.

۲۲. مردم موسی گفتند: ای موسی! در این سرزمین مردمی سرکش و با سطوت جا کرده‌اند،
 ما هرگز وارد این سرزمین نخواهیم شد مگر آنگاه که این جباران سرکش خارج شوند، بعد
 از آن که خارج شدند ما داخل شهر می‌شویم.

رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ٢٣ قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ ٢٤ قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ٢٥ قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ٢٦ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ٢٧ لَئِن بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لَتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لَأَقْتُلَنَّكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ٢٨ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ

٢٣. از میان همین مردم ترسو دو تن که خداوند رحمان به آنان نعمت ایمان و هدایت بخشیده بود، برخاستند و گفتند: شما به سوی دروازهٔ این شهر هجوم آورید و به سرعت موضع بگیرید. اگر شما وارد شهر بشوید بر آنان چیره خواهید شد که شیوهٔ جنگ تن به تن را آگاه‌ترید اگر شما با ایمان باشید باید بر خدا توکل کنید.

٢٤. مردم موسی گفتند: ای موسی! مادام که این مردم سرکش در این شهر باشند ما هرگز وارد شهر نخواهیم شد ابداً، تو با پروردگارت به جنگ آنان بروید و آن‌سان که با فرعونیان پیکار نمودید با اینان نیز پیکار نمائید، ما در همین جا به انتظار نابودی آنان می‌نشینیم.

٢٥. موسی گفت: پروردگارا! من فقط بر خودم و برادرم پادشاهی دارم، این مردم سر اطاعت ندارند و فاسق شده‌اند. تو خود حساب ما را از حساب این مردم فاسق جدا کن.

٢٦. پروردگار موسی گفت: این شهر تا چهل سال بر این مردم حرام و قدغن شد که در آن جا نگیرند و در جهان سرگردان بمانند، تو بر این مردم فاسق تأسف مدار که باید این چنین بدبخت و سرگردان بمانند.

٢٧. بر این مردم حکایت آن دو تن از فرزندان آدم را به درستی بر خوان، آن روز که قربانی خود را به پیشگاه خدا تقدیم کردند. قربانی آن یک با اشتعال درونی پذیرفته شد و قدس و اخلاص او برای احراز مقام نبوت و خوابگزاری و رهبری روشن گشت و قربانی این یک پذیرفته نگشت و سرد و بی‌روح بر جا ماند از این رو به برادر خود گفت: من تو را خواهم کشت و او پاسخ داد: پذیرش قربانی با خداست و خداوند رحمان فقط از صاحبان تقوا می‌پذیرد و بس.

٢٨. به خدا سوگند که اگر دستت را به سوی من دراز کنی که مرا مقتول سازی من دست خود را به سوی دراز نمی‌کنم که تو را مقتول سازم. من از خداوند رحمان که پروردگار

يَاثِمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ^{٢٩} فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ^{٣٠} فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُؤَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ^{٣١} مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ^{٣٣} إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

جهانیان است بیمناکم.

۲۹. من حاضر نیستم که بار گناه تو را بر بار خودم بیفزایم و یار دوزخ شوم. من می‌خواهم تو بار گناه مرا و بار گناه خود را یکجا و یکسر بر دوش بگیری و برای داوری در پیشگاه خدا حاضر شوی و از یاران دوزخ گردی. برادرکشی از سیه‌کاری است و کیفر سیه‌کاران همین است.

۳۰. هوای نفس او قتل برادرش را مطیع خواست و اراده او جلوه‌گر ساخت و برادر خود را کشت و بدین منظور که جرم خود را نهان سازد جثه برادرش را طعمه آتش ساخت و از این رهگذر زیانبار و خاسر ماند.

۳۱. خداوند رحمان به خاطر حسرت و شکنجه قاتل، زاغی سیاه را برانگیخت تا زمین را بکاود و پاره‌گوشتی در آن نهان سازد. تا قاتل را بنمایاند که چسان می‌توانست جثه برادرش را نهان سازد و چون پنهان‌کاری زاغ را دید با خود گفت: ای وای بر من! آیا عاجز بودم که همانند این زاغ زمین را بکاوم و جثه برادرم را در زیر خاک نهان سازم. ندامت و اندوه او را فرا گرفت که چرا جثه برادرم را طعمه آتش ساختم.

۳۲. از رهگذر این جنایت و به خاطر لوٹ نشدن جرم و جنایت بر یهود بنی‌اسرائیل مقرر و مکتوب کردیم که هر کس انسان مؤمنی را بکشد - بی‌آنکه مقتول کسی را کشته باشد و یا فسادی از غارت و آتش‌سوزی در زمین به بار آورده باشد - چنان است که تمام مردم را کشته باشد و تمام مردم باید خونخواه او باشند؛ او را تعقیب کنند و بر علیه او شهادت دهند. و هر کس جان مؤمنی را از قتل و مرگ برهاند چنان است که تمام مردم را از چنگال قاتل و از پنجه مرگ رهانیده باشد و تمام مردم باید سپاسگزار نعمت او باشند، به یقین رسولان ما با دلائلی روشن‌تر بر یهود بنی‌اسرائیل در آمدند و این مسائل را روشن کردند ولی بسیاری از این مردم بعد از دریافت رسالت و شناخت احکام خدا باز هم به تجاوزکاری و اسراف در

وَيَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ^{٣٣} إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن قَبْلِ أَنْ تَقْدَرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ^{٣٤} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^{٣٥} إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تَقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^{٣٦} يَرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ^{٣٧} وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^{٣٨} فَمَنْ تَابَ مِن بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ

خونریزی ادامه می دهند.

۳۳. به یقین غارتگرانی که با خدا و رسول خدا بر سر جنگ می شوند و با شمشیر آخته در عرصه زمین به تباهی و آتش زدن اموال و غارت مواشی تلاش می نمایند کیفری کمتر از این ندارند که پاره پاره شوند و یا بر دار شوند و یا دست و پای آنان از چپ و راست بریده شود و یا حداقل از آن سرزمین تبعید شوند. این کیفر دنیای آنهاست که خوار و رسوا گردند و در آخرت عذاب بزرگی برای آنان مهیا است.

۳۴. مگر آن دسته از غارتگران که پیش از سرکوبی و دستگیری توبه کنند و از گناه خود بازگردند که توبه آنان پذیرفته است. شما باید بدانید که خداوند رحمان آمرزنده‌ای مهربان است.

۳۵. ای اهل ایمان! از خشم خدا بترسید و پیرامون گناه مگردید. با طاعت خود راهی به سوی رضا و خشنودی او بجوئید و در راه خدا جهاد کنید باشد که رستگار شوید.

۳۶. آن کسانی که کافر شده‌اند اگر ثروت دنیا مال آنان باشد و آن را دو برابر کنند و جانفدا بدهند تا عذاب قیامت را از جان خود بگردانند جانفدای آنان پذیرفته نخواهد شد و برای آنان عذاب دردناکی مهیا است.

۳۷. در دوزخ تلاش می کنند که خود را برهانند و برون آیند ولی از آن برون نشوند. عذاب آنان دائم و پایدار است.

۳۸. مرد دزد و زن دزد هم باید کیفر شوند. کیفرشان این است که دست آن دو را از نیمه ببرید. بریدن یک نیمه دست به کیفر آن گناهی است که بدست آورده‌اند و عبرتی است از سوی خدا برای تحذیر دیگران و خداوند جهان عزتمند و کاردان است.

اللَّهُ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٣٩ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٤٠ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزَنكَ الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتُوهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ٤١ سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاؤُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ٤٢ وَكَيْفَ يَحْكُمُونَكَ

٣٩. ولی هر کس که بعد از سیه‌کاری و سرقت توبه کند و با رد کردن اموال مردم خطای خود را اصلاح کند باید بداند که خداوند رحمان با او آشتی خواهد کرد. به یقین خداوند رحمان، آمرزندهٔ مهربان است.

٤٠. آیا ندانسته‌ای که پادشاهی آسمان‌ها و زمین با خداست، هر که را بخواهد عذاب می‌کند و هر که را بخواهد می‌آمرزد، و خداوند جهان بر هر خواسته‌ای توانا است.

٤١. ای رسول ما! این پیشتازان کفر که با زبان ایمان آورده‌اند و در نهاد جانشان ایمان ندارند تو را غمین و محزون نسازند و نیز آن پیشتازان دیگر که از قوم یهودند؛ حکم جاهلیت را با جان و دل از منافقان می‌پذیرند. فتوای آن یهودان را هم که در خیبر ماندند و به حضورت نیامدند با جان و دل خریدارند. سخنان خدا را جابجا می‌کنند بعد از آن که جای هر سخنی را می‌شناسند می‌گویند: «اگر این حکم صادر شد که 'جنایتکار زن باید به قتل برسد و نیم خونبها نیز بپردازد از آن رو که یک مرد را کشته است' حکم را بپذیرید و اگر این حکم را صادر نکردند از پذیرفتن هر حکم دیگری پرهیز کنید». هر کسی را که خداوند رحمان در صدد آزمون باشد و بخواهد باطن او را با فتنه و بلوا بر ملا سازد، از تو کاری ساخته نیست که او را نجات دهی. اینان همان کسانی که خداوند رحمان نخواست است که دل‌های آنان را از آلودگی پاک سازد. رسوائی و خواری، کیف‌دنیای آنها است و در آخرت عذاب بزرگی برایشان مهیا است.

٤٢. این یهودان فتوای ناحق را خریدارند. رشوه‌خوارند و رباخوار. اگر به حضورت آمدند و داوری به محضر تو آوردند میان آنها داوری کن و اگر نخواستی از آنان رو بگردان. اگر از آنان رو بگردانی قدرت آن را ندارند که بر تو زبانی وارد نمایند. و اگر در میان آنان داوری

وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أَوْلَيْكَ بِالْمُؤْمِنِينَ^{٤٣} إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَخَشَوُا اللَّهَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ^{٤٤} وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ^{٤٥} وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ

کردی به قسط و انصاف داوری کن که خداوند رحمان اهل انصاف را دوست می‌دارد.
 ٤٣. چگونه تو را داوری و حکمیت می‌دهند با آن که تورات آسمانی در دست آنهاست و در تورات آسمانی حکم خدا ثبت است. اینان حکم تورات را می‌بینند و می‌دانند و با وجود آن رو برمی‌تابند. اینان ایمان ندارند.

٤٤. ما تورات را از آسمان نازل کرده‌ایم. در تورات هدایت و روشنایی است. پیامبرانی که بعد از موسی آمده‌اند در برابر حکم خدا و حکم تورات تسلیم بوده‌اند و برای یهودیان، حکم خدا را صادر می‌کرده‌اند. علمای ربّانی که پروردهٔ مکتب انبیاء بودند با دانشمندانشان که حفاظت احکام تورات به آنان محول شده بود و بر کتاب خدا گواه و نگهبان بودند به حکم تورات داوری می‌کرده‌اند. شما از این مردم نهراسید که حکم قرآن را ناحق بشمارند و یا با حکم تورات مخالف بشناسند، شما باید از من بهراسید. آیات مرا ارزان نفروشید که در مقابل آن تمجید و ثنای جهودان و منافقان را خریدار شوید. هر کس به قانون خدا داوری نکند بی‌شک کافر واقعی خواهد بود.

٤٥. ما در کتاب آسمانی تورات بر یهودان به صورت فرض و کتبی واجب نمودیم که «جان را باید در برابر جان گرفت» پس جان زن با جان مرد برابر است. ما در کتاب تورات بر یهودیان فرض و کتبی نوشتیم که «چشم را در مقابل چشم، بینی را در مقابل بینی، گوش را در مقابل گوش، دندان را در برابر دندان قصاص کنند و جراحات گوشت را با مقیاس فنی اندازه بگیرند و سپس جانی را قصاص کنند. و هر کس حق قصاص را تصدّق کند و بر جان قاتل و یا اعضای بدن او ببخشد کفارهٔ گناهان او خواهد گشت». پس یهودی حق دریافت خونبها نخواهد داشت، یا باید قصاص کند و یا باید ببخشد. هر یهودی که به احکام تورات داوری نکند از سیه‌کاران واقعی خواهد بود.

وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ^{٤٦} وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ^{٤٧} وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ^{٤٨} وَأَنْ أَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَأَخَذَرَهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنْ كَثِيرًا مِّنْ

٤٦. بعد از انبیاء بنی اسرائیل که به حکم تورات داوری کردند ما عیسی بن مریم را گسیل کردیم در حالی که حکم تورات را تأیید و تصدیق می کرد. ما به عیسی کتاب انجیل عطا کردیم که در آن هدایت و روشنایی بود. و نصوص تورات را که پیش از آن نازل شده بود تصدیق می نمود و احکام شرعی آن را تنفیذ می کرد، و رهنمودی بود با اندرز و نصیحت برای پرهیزکاران که از کجرویها برکنار بمانند.

٤٧. از این رو نصرانیان هم که انجیل آسمانی را حجت می دانند باید به فرمان کتابشان عمل کنند و احکام تورات را تنفیذ نمایند و هر آن نصرانی که به احکام تورات داوری نکند تبهکار و فاسق خواهد بود.

٤٨. و بعد از تورات و انجیل ما کتاب قرآن را بر تو نازل کردیم قرآن بر همه کتابهای پیشین صحه می گذارد و بر همه آن کتابها حق نظارت و بازرسی دارد. پس اگر خواستی و در میان نصرانیان داوری کردی به حکم آسمانی قرآن داوری کن. از افکار آنان پیروی مکن و حکم خدائی را از دست منه. ما برای هر امتی از امتها آبخوری در احکام و معارف مقرر کردیم و راه روشنی به سوی شناخت احکام و معارف باز کردیم ولی آن راههای روشن با مرور سالها و قرنها به شبهه و اختلاف گرائید و مردم در شناخت احکام و معارف دچار تردید شدند. اگر خدا خواسته بود همه امتها را یکپارچه و متحد می ساخت که هرگز راه اختلاف نپویند ولی راه اختلاف را باز نگه داشت تا شما را در حفظ و حراست آن معارف احکام بیازماید و خودخواهی و حسدورزی دانشمندان مدعی را بر ملا سازد. اینک شما امت اسلامی به انحرافات امتها توجه نکنید و در این شاهراهی که برایتان باز کرده ایم به سوی خیرات الهی بشتابید. بازگشت شما همگان به سوی خداوند است و خداوند جهان در روز رستاخیز شما را به کردارتان و اختلافاتتان در سنتها آگاه خواهد ساخت.

النَّاسِ لَفَاسِقُونَ^{٤٩} أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ^{٥٠} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ^{٥١}
 فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَى مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ^{٥٢} وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا

٤٩. ما به تو فرمان دادیم که اگر خواستی در میان یهودان و نصرانیان داوری کنی باید به حکم قرآن داوری کنی و اگر مایل نبودی و نخواستی می‌توانی از داوری و قضاوت خودداری کنی و اینک درباره هم‌ردیفانشان از منافقان که با زبان، به قرآن تو ایمان آورده‌اند و در دل ایمان ندارند فرمان می‌دهیم که اگر برای داوری آمدند جز این راهی نداری که حتماً داوری را بپذیری و حتماً به حکم قرآن داوری کنی و از افکار جاهلی و داوری‌های کاهنان پیروی نکنی. برحذر باش که این منافقان با فتنه و تزویر و یا صحنه‌سازی خود، تو را از برخی فروع احکام که خدا بر تو نازل کرده است به سوی دیگر بگردانند. پس اگر داوری به نزد تو آوردند و از حکم الهی اعراض کردند و به حکم جاهلیت عمل کردند تأسف مدار، و بدان که خداوند رحمان می‌خواهد منافقان را به جرم برخی از گناهان سابقشان از اجرای حکم قرآن محروم سازد. به یقین بیشتر مردم از دایره فطرت بیرون می‌روند و فاسق می‌شوند.

٥٠. آیا این منافقان داوری جاهلیت را خواهان شده‌اند؟ برای مردمان صاحب یقین چه کسی بهتر از خداوند رحمان داوری خواهد کرد.

٥١. ای اهل ایمان! یهودی و نصرانی را مولا و یاور خود مگیرید. آنان هر يك در میان خود پیمان و تعهد دارند و یاور یکدیگرند و با شما یار نخواهند شد. از شما اهل ایمان هر کس با آنان پیمان و تعهد امضا کند در شمار آنان قلمداد می‌شود و با این سیه‌کاری به حکم آنان محکوم خواهد شد. به یقین خداوند رحمان سیه‌کاران را هدایت نخواهد کرد.

٥٢. می‌بینی که مهاجران بیماردل به حمایت آنان می‌شتابند، می‌گویند: ما هراس داریم که مصیبتی از سوی آنان بر ما وارد شود. امید این هست که خداوند رحمان برای شما پیروزی بیاورد و یا بلائی از آسمان نازل کند که آنان مغلوب و درمانده شوند و این مهاجران بیماردل از پیمان نهانی و تفاهم نامشروع خود نادم شوند.

أَهْوَاءَ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ ٥٣ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ٥٤ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ٥٥ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ٥٦ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُم مَّؤْمِنِينَ ٥٧ وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ

٥٣. در آن روز مؤمنان با لحنی ملامت‌بار می‌گویند که این هزیمت‌شدگان و یا این درماندگان مفلوک همان کسانی که با شما مهاجران بیماردل پیمان موالات و همبستگی بستند و با تلاش هر چه تمام‌تر سوگند خوردند که با شما متحد و یاور باشند و شما را از هر گزند در امان بدارند؟ دستاورد نیک این مهاجران بیماردل با این پیمان خیانت‌بارشان توقیف شد که از پاداش خود محروم شوند. از این رو خاسر و زیانبار شدند.

٥٤. ای اهل ایمان! هر یک از شما مؤمنان که از دین خود مرتد شود و به دین کافران باز گردد خدا را زیان نمی‌رساند و دین خدا بی‌یاور نمی‌ماند. به زودی خداوند رحمان گروهی را می‌آورد که دوستشان بدارد و دوستش بدارند. بر مؤمنان نرم و رام باشند و بر کافران سرفراز و ارجمند. در راه خدا جهاد کنند و از نکوهش هیچ کس بیمی به خود راه ندهند. این شیوه و این منش از فزونی رحمت الهی است که به هر کس بخواهد عطا می‌کند و خداوند رحمان رحمتی گسترده دارد و به حال بندگان خود دانا است.

٥٥. مولای شما مؤمنان که از شما حمایت می‌کند و یار و یاور شما خواهد بود، تنها خداوند رحمان است با رسول خدا و آن دسته از مؤمنان که نماز را بر پا می‌دارند و زکات را در حال رکوع می‌پردازند.

٥٦. هر کس ولایت خدا و رسول خدا و ولایت آن دسته از مؤمنان را که با ذکر یک نشانی معرفی کردیم، بپذیرد باید بداند که در حزب خدا جای می‌گیرد و حزب خدا پیروز است.

٥٧. ای اهل ایمان! از یهود و نصاری که پیش از شما کتاب آسمانی دریافت کرده‌اند و از کافران مشرک که با کتاب‌های آسمانی آشنائی ندارند و مجتمعاً دین شما را به مسخره و بازی گرفته‌اند کسی را مولا و یاور خود مگیرید. اگر ایمان دارید از خدا بترسید و این فرمان را زیر پا نگذارید.

اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ^{٥٨} قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تُتَّقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ^{٥٩} قُلْ هَلْ أُنبِئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْفِرْدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ^{٦٠} وَإِذَا جَاؤُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكَفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ^{٦١} وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^{٦٢} لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنِ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ^{٦٣} وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا

٥٨. موقعی که شما ندا بر می کشید و با صوت اذان، مؤمنان را به سوی نماز و نیایش دعوت می کنید آنان نماز و اذان را به مسخره می گیرند از آن رو که مردمی بی خردند و اندیشه نمی ورزند.

٥٩. بگو ای صاحبان کتاب آسمانی! شما ایرادی بر ما ندارید جز آن که ما به خدا ایمان آورده ایم و به این کتابی که بر ما نازل شده است و به آن کتابهائی که قبلاً نازل شده است ایمان آورده ایم و باور کرده ایم که اکثر شش یهودیان و نصرانیان فاسق شده اند و تبهکاری.

٦٠. آیا از این افشاگری با خشم و کین آشفته شدید که نام فسق و تبهکاری بر شما نهادیم؟ آیا میل دارید که بیش از این پرده ها را بالا بزنیم و رسواترین اعمال شما را افشا کنیم که در پیشگاه خدا بدترین سزاهای در بر داشته است؟ به آن کسانی بنگرید که خدایشان لعنت کرد و بر آنان خشم گرفت تا آن حد که برخی را به صورت بوزینه و خوک در آورد از آن رو که انبیاء را کشتند و کتابهای آسمانی را تکذیب کردند و تعطیل روز شنبه را شکستند و شیطان بت را پرستش کردند. اینان بدتر از آن فاسقانند و بدترین جایگاه دوزخ ویژه آنهاست. اینان با انحراف بیشتری راه خود را گم کرده اند.

٦١. موقعی که بر شما وارد می شوند می گویند: ایمان آورده ایم که دین شما حق است. اما با حالت کفر وارد شده اند و با همان کفر خود از حضور شما خارج می شوند. خداوند رحمان به افکار پلیدی که در دل نهان می دارند داناتر است.

٦٢. می بینی که بیشتر آنان به سوی زورگوئی و تجاوز کاری و رباخواری پیشتازند. دستاورد آنان چه دستاورد شومی است.

٦٣. می باید علمای ربّانی و دانشمندان مذهبی آنان را از زورگوئی و رباخواری باز دارند.

بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ^{٦٤} وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاَهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ ^{٦٥} وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِّنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ ^{٦٦} يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ

اینان جامعه خود را چه بد سازمان می دهند.

٦٤. یهودیان گفته اند که خداوند جهان آنچه را می شاید و می باید در اختیار جهانیان قرار داد و سپس کار مردم را به خود آنان واگذار فرمود. اینک دست خداوند بسته است. بسته باد دست هایشان و نفرین باد بر آنان به کیفر این گفتارشان. دست های خداوند رحمان در داد و دهش باز است و به هر صورتی که بخواهد انفاق می کند. بی شک همین آیاتی که بر تو نازل می شود و عقائد کفرآمیز و کردار ملعنت بار آنان را افشا می کند بیشتر بر کفر و سرکشی آن اکثریت می افزاید. ما در اثر کفر و طغیانشان طعم خواری و ذلت را به آنان چشاندیم و در میان جوامع آنان، دشمنی و کینه توزی را تا روز قیامت حاکم نمودیم. هر گاه آتشی برای جنگ افروزی شعله ور ساختند تا کینه خود را از دشمن باز ستانند و سینه خود را شفا بخشند خداوندشان آبی برافشانند و شعله جنگ را خاموش کرد. اینان با خدا و رسولان خدا بر سر جنگند و برای آتش افروزی و غارت و آتش سوزی تلاش می نمایند. خداوند رحمان غارتگران آتش افروز را دوست نمی دارد.

٦٥. اگر صاحبان کتاب آسمانی، خواه یهودی و خواه نصرانی به تو ایمان آورند و راه تقوا را در پیش بگیرند ما بدی های کردارشان را محو می کنیم و در بوستان های پر نعمت ماوایشان می دهیم.

٦٦. اگر آنان کتاب تورات و انجیل را با آن رهنمودهای دیگر که بر پیامبرانشان نازل کرده- ایم درست و کامل بر سر پا می داشتند و با اخلاص کامل به آن عمل می کردند تا این حد دچار ذلت و بدبختی، تفرقه و برادرکشی، مسکنت و قحطی نمی گشتند، بلکه رحمت و نعمت از فراز سرشان فرو می ریخت و از زیر پایشان می جوشید و در ناز و نعمت و امنیت به سر می بردند. اما تنها جماعتی از آنان در حد وسط، دین الهی را پاسداری کردند و احکام تورات و انجیل را به همراه رهنمودهای دیگر مورد عمل قرار دادند و بیشتر آنان دستاورد

يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ^{٦٧} قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ^{٦٨} إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^{٦٩} لَقَدْ

سوئی ارائه دادند.

٦٧. ای رسول ما! امت اسلامی نیز مانند یهود و نصاری نیازمند آن هستید که بعد از تو مولا و رهبر داشته باشند تا از رهنمود او بهره‌ور گردند. اگر امت اسلامی بعد از تو بی‌مولا و رهبر بماند به سرنوشتی بدتر و شوم‌تر از سرنوشت یهود و نصاری دچار خواهند گشت. از این رو مفاد آیتی را که از سوی پروردگارت بر تو نازل شد و اولین مولای مؤمنین را که بعد از تو باید بر مسند رهبری بنشینند با ذکر يك نشانی به حضورت معرفی کرد، به مردم ابلاغ کن و آن کسی را که در حال رکوع اتفاق می‌کرد به مردم بشناسان اگر مفاد این آیت را ابلاغ نکنی و مولای مؤمنین را با نام و نشان و جان و تن معرفی نسازی چنان خواهد بود که اصل این آیت را ابلاغ نکرده باشی. اگر از سوء قصد مخالفان اندیشه‌داری و از عقبه هَرشی بر جان خود بیمناکی، مطمئن باش که خداوند رحمان جان تو را از شر مخالفان پناه خواهد داد. کسانی که با این معرفی مخالفت ورزند در شمار کافرانند و خداوند رحمان مردمان کافر را هدایت نخواهد کرد.

٦٨. بگو: ای صاحبان کتاب آسمانی! شما به هیچ وجه از دین خدا بهره‌ای ندارید مگر آن که تورات و انجیل را با همه آن رهنمودهای دیگر که بر رسولانتان نازل شده است یکجا و با هم سر پا نگه دارید در حالی که اینک یهودیان شما تنها تورات محرف را می‌پذیرند و انجیل را وا می‌نهند و نصرانیان شما تنها يك کتاب اخلاقی انجیل را می‌پذیرند و احکام شرعی تورات را تنفیذ نمی‌نمایند و مسکوت می‌گذارند و هیچ يك از شما یهودیان و نصرانیان به رهنمودهای پیامبران و حواریون وقعی نمی‌گذارید و این خود گواه کفر و طغیان شما است. و اینک که قرآن آسمانی بر تو نازل شده است بیش از پیش بر کفر و طغیان اکثریت آنان خواهد افزود از آن رو که باید قرآن تو را نیز در کنار کتاب‌های دیگر بپذیرند و اکثریت آنان از پذیرش قرآن ابا می‌ورزند. پس تو به سرنوشت این مردم کافر متأسف مباش که چرا به سوی دوزخ می‌شتابند.

٦٩. به یقین هر دین تازه‌ای که نازل شود امت‌های برگزیده را محکوم نخواهد کرد.

أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا قَلَّمَ جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ^{٧٠} وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةً فَعَمَّوْا وَصَمَّوْا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمَّوْا وَصَمَّوْا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ^{٧١} لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ^{٧٢} لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثٌ ثَلَاثَةٌ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوْا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^{٧٣} أَفَلَا

کسانی که به این قرآن ایمان آورده‌اند با کسانی که بعد از موسی بر دین یهودیت مرده‌اند و کسانی که از یهودیت بدر آمده‌اند و بر دین عیسی مرده‌اند و کسانی که بعد از عیسی بر دین مسیحیت مرده‌اند هر کدامشان که خدا و روز جزا را باور کرده باشند و کارهای شایسته بجا آورده باشند پاداش طاعت آنان در پیشگاه پروردگارشان ضایع نخواهد گشت؛ نه ترسی بر آنان خواهد بود و نه خود اندوهی از آینده قیامت به دل دارند.

۷۰. به یقین ما از یهود بنی اسرائیل تعهد گرفتیم که رسولان خدا را با اخلاص و ایمان بپذیرند و یاری دهند. سپس رسولانی به سوی آنان گسیل کردیم ولی با تأسف هر رسولی که فراسویشان آمد و بر خلاف دلخواه آنان سخن کرد برخی را تکذیب کردند و جمعی را به قتل رساندند.

۷۱. پنداشتند که تعهد و میثاقشان را فتنه و آزمونی در پی نخواهد بود و چون فتنه و آزمونی بر پا شد کور و کر شدند و با سر در فتنه‌ها نگون گشتند و چون فتنه‌ها را پشت‌سر نهادند و خدا توبه آنان را پذیرفت و آشتی کرد بیشتر آنان در فتنه بعدی نیز کور و کر شدند و میثاق الهی را زیر پا نهادند. خداوند رحمان به دستاورد آنان بینا است.

۷۲. به یقین جمعی از نصرانیان در عهد اول کافر شدند که می‌گفتند: «مسیح بن مریم، همان خدای معبود است» با آن که مسیح بن مریم به یهود بنی اسرائیل می‌گفت: «خدایی را بپرستید که هم پروردگار من است و هم پروردگار شماست». این اعتقاد نصرانیان که مسیح بن مریم را خدای خود می‌دانند شرک است و بی‌شک هر کس برای خدا انباز و شریک بگیرد باید بداند که خداوند رحمان، بهشت جاودان را بر او حرام فرموده است و جایگاه او دوزخ است از آن رو که سیه‌کار است و برای سیه‌کاران یآوری نیست.

۷۳. و جمعی دگر در اعصار بعدی کافر شدند که گفتند: «خداوند جهان، سومین اقنوم عالم است» که پدر و پسر و روح القدس باشند. با آن که خدایی جز خداوند یکتا نیست. این

يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ^{٧٤} مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صَدِيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ انظُرْ كَيْفَ نَبَّيْنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انظُرْ أَنَّى يُؤفَكُونَ^{٧٥} قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ^{٧٦} قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ^{٧٧} لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ^{٧٨} كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا

سخن را امروز دانسته و یا ندانسته همه نصرانیان تکرار می‌کنند و اگر از گفتار ضلالت‌بار خود باز نگردند کافرانشان را که دانسته چنین می‌گویند و ضلالت را رواج می‌دهند عذاب دردناک دوزخ فرا خواهد گرفت.

۷۴. آیا به سوی خدا باز نمی‌گردند و از سخن کفرآمیز خود آمرزش نمی‌طلبند با آن که خداوند رحمان آمرزنده‌ای مهربان است.

۷۵. مسیح بن مریم خدا نبود. او فقط رسولی بود از رسولان خدا که پیش از او رسولان دیگری هم آمده بودند. مادرش مریم از صدیقان بود که به راستی با خدا پیمان بست و با کسی هم‌بالین و همسر نگشت. اگر شما پسر مریم را پسر خدا می‌دانید و اصلی از اصول لاهوتی می‌شمارید مادرش را هم باید از اصول لاهوتی بشمارید که مادر و پدر و پسر باید در یک ردیف باشند و اگر مادرش را به خاطر خصال بشری از درجه لاهوتی ساقط کرده‌اید پسرش مسیح را هم باید از درجه لاهوتی ساقط کنید چرا که مسیح و مادرش هر دو در خصال بشری یکسان بودند؛ هر دو غذا می‌خوردند و هر دو همچون سایر افراد بشر نیازمند تخلیه بودند. بنگر که ما آیات خود را چسان بر ایشان روشن می‌سازیم و بعد بنگر که اینان به کجا نگویند می‌شوند.

۷۶. بگو آیا خداوند جهان را و می‌نهیید و خدایانی را می‌پرستید که هیچ قدرتی ندارند که بر زیان شما و یا سود شما عمل نمایند؟ نه فریاد شما را می‌شنوند و نه از حال شما آگاهند. خداوند جهان است که راز و نیاز شما را می‌شنود و به حال زار شما دانا است.

۷۷. بگو: ای صاحبان کتاب آسمانی! در دین خود گزافه مگوئید و از حق تجاوز مکنید. شما افکار آن مردمی را دنبال نکنید که پیش از شما کافر شدند و جمع کثیری از مردم هند را گمراه کردند و از راه صاف به دور افتادند.

۷۸. آن دسته از یهود بنی‌اسرائیل که کافر شدند بر زبان داود و زبان عیسی بن مریم نفرین

يَفْعَلُونَ^{٧٩} تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ^{٨٠} وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوا أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ^{٨١} لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ^{٨٢} وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ^{٨٣} وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ^{٨٤} فَاتَّابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

شدند. این کفر و ملعنت بدان جهت بود که از طاعت داود و طاعت عیسی ابا ورزیدند و همواره به حقوق مردم تجاوز می نمودند.

٧٩. به نهی ناهیان ترتیب اثر نمی داند و از منکرات اجتماعی دست بر نمی داشتند. کارهای آنان زشت و نکوهیده بود.

٨٠. می بینی که اکثر این جهودان با کافران مشرک پیمان مودت و عقد موالات به امضا می رسانند. چه بد زاد و توشه ای برای آخرت خود فرستاده اند که خدا را به خشم آورده اند و در عذاب دوزخ جاودانه معذب می شوند؟

٨١. اگر آنان درصدد بودند که اهل ایمان شوند و به خدا و رسول خدا و قرآنی که بر او نازل شده است ایمان بیاورند کافران مشرک را مولا و یاور خود نمی گرفتند ولی اکثریت آنان فاسقند و دیگران را به دنبال خود می کشانند.

٨٢. اگر برخورد جوامع را با مؤمنان بیازمائی بی شک یهودیان و مشرکان را سخت ترین دشمن مؤمنان خواهی یافت و مردم نصرانی که خود را انصار مسیح بن مریم می نامند نزدیک ترین دوست مؤمنان خواهی شناخت از آن رو که برخی کشیش کلیسایند و برخی راهب دیر. و بدین جهت که اهل تکبر نمی باشند.

٨٣. و چون آیات قرآن را که بر رسول ما نازل شده است استماع نمایند خواهی دید که از دیدگانشان اشک شوق فرو می ریزد از آن رو که حق را دریافته اند. می گویند: پروردگارا! ایمان آوردیم پس نام ما را در دفتر شاهدان رسالت ثبت فرما.

٨٤. ما را چه حاصل که به خدا و قرآن ایمان بیاوریم با آن که طمع بسته ایم که پروردگاران ما را با بندگان صالح خود به بهشت برین درآورد؟

تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ^{۸۵} وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ^{۸۶} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ^{۸۷} وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ^{۸۸} لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْاِيمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ^{۸۹} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلٍ

۸۵. به پاداش این اعتراف، خداوندشان بوستان‌هایی به آنان عطا فرمود که از زیر بیشه‌ها و غرفه‌هایش نهرها روان است. در آن بوستان‌ها جاودانه می‌مانند و این پاداش نیک‌خواهان نیک‌اندیش است.

۸۶. ولی آن دسته که ایمان نیاوردند و آیات ما را تکذیب کردند در آتش تافتند، جا خواهند کرد.

۸۷. ای اهل ایمان! مبدا مانند یهودیان و نصرانیان پاک‌ها و پاکیزه‌هایی را که خداوند رحمان برای شما حلال و روا ساخته است با سوگند و تعهد بر خود حرام سازید. مبدا مرز حلال‌ها را بشکنید و در خوراکی‌ها و پوشاکی‌ها به سوی محرّمات الهی تجاوز کنند که خداوند رحمان متجاوزان را دوست نمی‌دارد.

۸۸. از آن حلال‌ها و پاکیزه‌هایی که خدایتان روزی کرده است تناول کنید و به روزی دیگران، دست تجاوز دراز نکنید. از آن خدائی بترسید که به او ایمان آورده‌اید.

۸۹. خداوند رحمان شما را در برابر سوگندهائی که بیهوده و بی‌هدف بر زبان جاری می‌کنید و می‌گوئید: به خدا نمی‌خورم. به خدا نمی‌پوشم. به خدا نمی‌نوشم، مؤاخذه نخواهد کرد. بلکه شما را در برابر آن سوگندها که با هدف معین و از روی فکر و اندیشه بر زبان جاری می‌کنید و تعهدی را پذیرا می‌شوید مؤاخذه خواهد کرد. اگر بگوئید: به خدا قسم دیگر سیگار نمی‌کشم ولی بعداً قسم خود را بشکنید و سیگار بکشید گناه بزرگی مرتکب شده‌اید و کفاره‌ای که می‌تواند گناه شما را محو کند آن است که ده نفر فقیر درمانده از تلاش را از همان غذایی مهمانی بدهید که خانواده خود را در حد وسط بهره‌مند می‌سازید و یا آنان را لباس ببوشانید و یا یک برده زر خرید آزاد کنید و هر کس این کفاره‌ها را نیابد باید سه روز بیای روزی بگذرد. این است کفاره سوگندهایتان، در صورتی که با سوگند خود تعهدی را بر

الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^{٩٠} إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ^{٩١} وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا إِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ^{٩٢} لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ^{٩٣} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيُبَلِّغَنَّكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ

خود الزام کرده باشید شما باید به سوگندهای خود، وفادار بمانید و در حفظ و خویشتن داری بکوشید. خداوند رحمان آیات خود را این سان برایتان روشن می‌سازد، باشد که شاکر این نعمت بوده باشید.

۹۰. ای اهل ایمان! به یقین جز این نیست که شراب و قمار و از جمله قمار عرب با کوبه کردن گوشت شتر با هفت سهم نابرابر و قرعه‌کشی با ده تیر چوبین به نام ده نفر، پلید است و از کارهای شیطان. از این پلیدی و این کار شیطانی اجتناب کنید، باشد که از غائله‌های شوم آن برهید.

۹۱. جز این نیست که شیطان می‌خواهد با نوشیدن شراب تخمیری و برد و باخت در قماربازی تخم دشمنی و کینه‌توزی را در دل‌های شما بپاشد و با غوغا و بلوا شما را از یاد خدا و نماز به درگاه او باز دارد. با این اندرز الهی آیا شما از عادات پلید و شیطانی خود دست بر می‌دارید؟

۹۲. اندرز ما را بپذیرید و فرمان خدا را اطاعت کنید. فرمان رسول خدا را نیز اطاعت کنید و از شیطان برحذر باشید. اگر شما به خدا و رسول خدا پشت کنید این را بدانید که تکلیف رسول ما جز این نیست که پیام ما را به صورتی روشن به شما ابلاغ نماید و شما را به سرنوشت شوم شیطانی خودتان واگذار نماید؟

۹۳. بر آن کسانی که ایمان آورده‌اند و دستاورد صالحی دارند و در عین حال معتاد به شرابند گناهی نیست که برای رفع اعتیاد و خماری یک جرعه شراب حرام را به دهان کنند و بچرخانند در صورتی که تقوا پیشه کنند و از فرو رفتن شراب در حلقوم خود بپرهیزند و با ایمان و عمل صالح شراب را از دهان برون ریزند، سپس یک جرعه دیگر به دهان کنند و بپرهیزند که شراب به پائین نرود و با ایمان به این عمل شراب را از دهان برون ریزند و در نوبت سوم یک جرعه دیگر از شراب حرام را در دهان بچرخانند و باز هم بپرهیزند که شراب را فرو ندهند و با ایمان و نیک‌اندیشی جرعه شراب را از دهان بیرون بریزند خداوند رحمان،

أَيُّدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ^{٩٤} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمَّداً فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ هَدِيًّا بِأَلْغِ الْكُعْبَةَ أَوْ كَفَّارَةً طَعَامٍ مَّسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ^{٩٥} أَحَلَّ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَطَعَامَهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحَرَّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدَ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ^{٩٦} جَعَلَ اللَّهُ الْكُعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ

بندگان نیک اندیش خود را دوست دارد.

۹۴. ای اهل ایمان! به یقین خداوند رحمان در این سفری که برای عمره قضا در پیش دارید شما را بعد از پوشیدن احرام با شکار دام‌های وحشی و مرغان هوایی می‌آزماید؛ چنان شکار و نخجیر اطراف شما هجوم آورند که با طعن نیزه و یا پرتاب نیزه از پا درآیند. هجوم شکار وحشی برای آن است که خداوند رحمان بشناسد چه کسی دور از چشم مردم از خدا می‌ترسد و از شکاری که در حال احرام بر مؤمنان حرام است پرهیز می‌کند. بعد از این هشدار و تذکار هر کس راه تجاوز در پیش بگیرد و به شکار حرام بپردازد عذاب دردناک دوزخ برای او مهیا است.

۹۵. ای اهل ایمان! در حال احرام به کشتن شکار نپردازید گرچه دیگران در خارج از لباس احرام آن را به دام انداخته باشند. هر کس از شما مؤمنان که عمداً به کشتن شکار دست بیازد باید به ازای آن یک دام اهلی به عنوان قربانی به قربانگاه کعبه تقدیم دارد با این شرط که دو تن از شما مؤمنان به همسانی آن دام و شکار نظر داده باشند و یا به کفاره گناه خود به قیمت آن دام اهلی برای درماندگان از کار افتاده غذا تهیه نماید و یا به تعداد آن درماندگان مسکین روزه بگیرد تا طعم تلخ گناه خود را بچشد. این حکم به گذشته‌های شما عطف نمی‌گردد. خداوند رحمان از شکاری که در گذشته صورت داده باشید در گذشته است؛ ولی هر کس قبل از صدور این حکم به کشتن شکار وحشی دست زده باشد و بعد از صدور این حکم باز هم در حال احرام به کشتن شکار وحشی دست بزند خداوند جهان از گناه گذشته او نمی‌گذرد و هر چند جریمه گناه بعدی را به صورت قربانی تقدیم کند از او انتقام می‌گیرد و خداوند جهان عزتمندی صاحب انتقام است.

۹۶. شکار دریایی و خوراک آن بر شما حلال و رواست که توشه راه سفر باشد برای شما که در حال احرامید و برای دیگران که در حال عادی به سفر می‌روند اما شکار صحرائی - مادام

لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ^{٩٧} اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ^{٩٨} مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ^{٩٩} قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^{١٠٠} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ وَإِن

که در حال احرام باشید - به طور کلی بر شما حرام است نه خود به شکار آن اقدام کنید و نه از شکار دیگران تناول کنید. از خشم آن خدایی که به پیشگاه او حاضر می‌شوید، بترسید. ۹۷. خداوند رحمان خانه کعبه را بلکه تمام خانه حرم را بارگاه مردمان ساخت که برای شرفیابی حضور یابند و جوائز خود را دریافت دارند و ماه حرام را برای امنیت جان مردمان مقرر کرد؛ ماه رجب برای عمره، ماه ذی‌قعدة برای رسیدن به کعبه و ماه ذی‌حجه برای اعمال و مناسک حج به اضافه تجارت و ضیافت و ماه محرم برای بازگشت مردمان به وطن بی‌آنکه در این چهار ماه حرام نزاع و درگیری و ناامنی و یا ارباب، جان و مال مردمان را به خطر اندازد. دام‌های قربانی را به منظور ضیافت الهی و تغذیه کامل و تجدید قوای بدن تا حد سورچرانی مقرر کرد و قلاده‌های قربانی را به رسم علامت که با سایر دام‌ها مخلوط نگردد و مشخص بماند. این توضیح برای آن گفته شد که شما بدانید خداوند رحمان به حال بندگان خود چه در آسمان‌ها و چه در زمین دانا است و بدانید که خداوند جهان به هر نیاز و هر خواسته‌ای دانا است.

۹۸. بدانید که پیگرد خدائی و کیفر او سهمگین است باید از نافرمانی او برحذر باشید. بدانید که خداوند رحمان آمرزنده‌ای مهربان است با انابه و فرمانبرداری، مهر و آمرزش او را جلب کنید.

۹۹. بر رسول ما جز ابلاغ پیام رسالت تکلیف دیگری نیست و خداوند جهان می‌داند که شما کدامین عقده‌های خود را آشکار می‌کنید و کدامین عقده‌های خود را پوشیده و مکتوم می‌دارید.

۱۰۰. می‌پرسند که از چه رو این همه حیوان خوش‌گوشت لذیذ را ناپاک و خبیث اعلام کرده‌اید و تنها هشت جفت دام اهلی و وحشی را که شتر و گاو و گوسفند و بز باشد و یا فقط آن ماهی که با فلس باشد و یا آن پرنده‌ای که دانه‌خوار است پاک و طیب اعلام نموده‌اید؟ بگو ناپاک و پاک برابر نمی‌شوند گرچه ناپاک‌ها چندان وافر و موفور باشند که تو را به شگفت آورند. ناپاک‌ها با وفور و کثرتشان ارزش پاک‌ها را ندارند و قابل مقیاس نمی‌-

تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدِلْ لَكُمْ عَفَاَ اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ^{١٠١} قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ^{١٠٢} مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ وَأَكْثُرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ^{١٠٣} وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَٰئِكَ هُمُ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ^{١٠٤} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ

باشند. پس ای صاحب خردان از خدا بترسید و گرد ناپاک‌ها مگردید ، باشد که از عذاب دوزخ رستگار شوید.

۱۰۱. ای اهل ایمان! بی‌موقع و بی‌تناسب سؤالی را مطرح نکنید که اگر سر آن آشکارا شود همگان شما را به کج‌نهادی و سوءنیت، متهم کنند و شما را سرافکننده سازند. اگر شما سؤالات خود را در هنگام نزول قرآن به تناسب آیات سؤال‌انگیز قرآن مطرح بنمایید لزوماً در آیات بعدی سر مطلب آشکار می‌شود و شما پاسخ خود را دریافت می‌کنید بی‌آنکه به سوءنیت و بی‌ایمانی متهم گردید. گذشته‌ها گذشت و خداوند رحمان از خطای شما درگذشت ، مراقب آینده باشید. باز هم خداوند رحمان آمرزنده‌ای بردبار و با آرامش است.

۱۰۲. این سؤالات را جمعی از امت‌های پیشین نیز مطرح کردند و فردای آن به آیات الهی کافر شدند.

۱۰۳. خداوند رحمان، هشت جفت دام اهلی و وحشی را بی‌استثنا حلال کرده است. این عناوین سست و باطل را خدا نازل نکرده است که این يك بحیره است چون پنج نوبت پشت سر هم زائیده است و این يك، سائبه چون ده نوبت پشت سر هم زائیده است و این يك، وصيله که پنج نوبت دو قلو زائیده است و این يك، حامی است که ده بار پدر شده است. این عناوین باطل را خدا مقرر نکرده است بلکه این کافران اهل شرکند که بر خدا دروغ بسته‌اند و با شکافتن گوش این دام‌ها بهره‌مندی از گوشت آنها و یا سواری بر پشت آنها را تحریم کرده‌اند. بیشتر این مشرکان جاهل، اندیشه نمی‌ورزند.

۱۰۴. و چون گفته شود به سوی منشور خدا بیاوید و یا به سوی رسول خدا که از او و پرسید تا حرام و حلال را باز شناسید می‌گویند: سنت پدران ما برای شناخت ما کفایت می‌کند. آیا اگر پدرانشان چیزی ندانسته باشند و راهی به شناخت حلال و حرام زندگی پیدا نکرده باشند باز هم شناخت آنان و سنتی که از خود بر جا نهاده‌اند کفایت خواهد کرد؟

مَرَجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ^{١٠٥} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةٌ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْسِبُوهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذَا لَمْنَا الْأَتَمِينَ ^{١٠٦} فَإِنْ عُرِيَ عَلَيَّ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَآخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلِيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدِينَا إِنَّا إِذَا لَمْنَا الظَّالِمِينَ ^{١٠٧} ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ آيْمَانُ بَعْدَ آيْمَانِهِمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْمَعُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

١٠٥. ای اهل ایمان! شما مراقب خودتان باشید. در صورتی که شما رهیاب شده باشید گمراهان به شما زبانی نمی‌رسانند. بازگشت شما آدمیان همه یکسر به پیشگاه خداوند است و او شما را به دستاوردتان باخبر خواهد ساخت.

١٠٦. ای اهل ایمان! در آن هنگام که یک تن از شما مؤمنان را مرگ فرا رسد باید مراتب وصیت او در حضور دو تن از مردان عادل شما برگزار شود و در صورتی که مسافر باشید و در غربت و یا دیار کافران، اجل گریبان شما را بگیرد باید دو تن از مردان یهود و نصاری مراسم وصیت را گواه باشند. شما باید بعد از نماز عصر که هنگام فراغت از کار است و همگان برای کنکاش مسائل در مسجد حاضرند آن دو شاهد یهودی و یا نصرانی را بر سر پا نگه دارید تا شهادت بدهند. و اگر در صحت شهادت تردید نمودید باید قسم بخورند به نام خدا که ما با این شهادت و با این ادای سوگند سیم و زری بدست نمی‌آوریم و از درستی و راستی در شهادت عدول نمی‌کنیم گرچه به سود خویشانمان باشد - ما شهادت را که یک حق خدایی است کتمان نمی‌کنیم که اگر چنین کرده باشیم از گناهکاران و زورگویان خواهیم بود.

١٠٧. و اگر مدرکی ظاهر شد که آن دو تن به هنگام شهادت، دروغی را که خود جعل و تزویر کرده‌اند، برای شما راست و حقیقت قلمداد کرده‌اند دو تن دیگر - از آن اشخاصی که این دو شاهد اصلی و «اولی به شهادت» بر علیه آنان شهادت داده‌اند - برخیزند و در جایگاه آن دو شاهد بایستند و شهادت آنان را رد کنند؛ سوگند بخورند به نام خدا که اظهارات ما و گواهی ما از اظهارات و گواهی آن دو تن به حقیقت نزدیک‌تر است و ما در ارائه این سند و ادای این شهادت به حقوق کسی تجاوز نکرده‌ایم و اگر چنین کرده باشیم از سیه‌کارانیم.

الْفَاسِقِينَ ١٠٨ يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ
 ١٠٩ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ
 تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ
 الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ
 تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ
 إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ١١٠ وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدُ

١٠٨. این آئین دادرسی که در موارد اتهام باید شاهدان را قسم بدهید و اگر اتهام آنان با دلیل و مدرک تأیید شود سوگند را به مخالفان برگردانید تا شهادت آنان را نقض کنند، همواره معتبر است و نزدیک‌ترین راهی است که صحت شهادت را تضمین کند و شاهدان را وا دارد تا شهادت خود را بر وجه اصلی ادا نمایند مبادا که بعد از سوگند آنان حق سوگند را به مخالفان بازگردانند و شهادت آنان نقض شود و بی‌نتیجه رسوا و محکوم شوند. ای اهل ایمان! از خدا بترسید و فرمان را به گوش دل بشنوید و از محدوده فرمان خارج نشوید که خداوند رحمان مردمان فاسق را هدایت نخواهد کرد.

١٠٩. آن روز که خداوند رحمان رسولان خود را فرا خواند و پرسد: از امت‌های خود چه پاسخی دریافت کردید؟ و رسولان خدا بگویند: ما به ایمان قلبی مردم که از دائره علم و آگاهی ما نهان است بی‌خبر بودیم. این تو هستی که داننده نهانی و از راز دل‌ها باخبری.

١١٠. روز قیامت خداوند رحمان به عیسی می‌گوید: ای عیسی بن مریم! نعمتی را که من بر تو و بر مادرت ارزانی نمودم به خاطر بیاور، آن روز که تو را با روح قدسی خود تقویت کردم و تو با آن نیرو در گهواره کودکی و در آغاز دوره پیری، سخن آسمانی را با مردم در میان نهادی، آن روز که دستورات آسمانی را با شیوه اجرای آن به تو آموختم و تورات و انجیل را در اختیارت نهادم آن روز که با رخصت من از گل مجسمه مرغ می‌آفریدی و در آن از جان قدسی خود می‌دمیدی و پرنده‌ای می‌شد با رخصت من که در آسمان پرواز می‌گرفت، کور بی‌چشم را بینا می‌کردی و بیمار پیس را شفا می‌بخشیدی با رخصت من، در به کار گرفتن مشیت من. آن روز که در دهان مردگان می‌دمیدی و از گورشان برون می‌آوردی با اذن و رخصت من. آن روز که دست بنی‌اسرائیل را از سرت کوتاه کردم. آن روز تو با شواهد روشنگر و معجزات و کرامات بر آنان درآمدی و رسالت خود را اعلام کردی ولی کافران آن مردم گفتند: این کارها غیر از سحر و شعبده‌بازی چیز دیگری نیست.

بِأَنَّا مُسْلِمُونَ^{۱۱۱} إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^{۱۱۲} قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ^{۱۱۳} قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ^{۱۱۴} قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ^{۱۱۵} وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ^{۱۱۶} مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا

۱۱۱. و آن روز که من به حواریون اصحابت وحی و اشارت کردم که به من و به رسول من عیسی ایمان بیاورید و آنان گفتند: ما ایمان آوردیم و تو شاهد باشد که ما تسلیم فرمائیم.

۱۱۲. حواریون عیسی گفتند: ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت می‌تواند از آسمان یک میز غذا برای ما نازل کند؟ عیسی گفت: اگر ایمان آورده‌اید از خدا بترسید و خدا را آزمایش نکنید.

۱۱۳. گفتند: می‌خواهیم از آن تناول کنیم و دل‌های ما با این نشانه و معجز که از پیش خود مطرح کرده‌ایم آرام بگیرد و یقین بدانیم که با ما راست گفته‌ای که در آسمان، نعمت فراوان است و ما نیز با فرود آمدن میز غذا و تناول از میوه‌ها و خوراکی‌ها بر نعمت‌های آسمانی گواه باشیم.

۱۱۴. عیسی بن مریم گفت: بار خدایا! پروردگارا یک میز غذا از آسمان بر ما نازل کن با بهترین غذا و شربت و شیرینی که در جشن‌ها و شادمانی‌ها تناول می‌شود تا برای ما عید شود عیدی برای اولین نسل امت ما و برای نسل‌های بعدی ما که در این روز بر سر همین میز آسمانی بنشینند و شربت و شیرینی تناول کنند و این میز به عنوان آیت و معجز از جانب تو در میان نسل‌ها برقرار بماند. پروردگارا! این خواسته ما را به ما روزی کن و تو بهترین روزی دهنده‌گانی.

۱۱۵. خداوند به عیسی گفت: من خواسته شما را برآورده می‌سازم و میز غذا را برای شما نازل می‌کنم اما باید بدانید که هر کس بعد از نازل شدن میز غذا کافر شود، چنان او را عذاب می‌کنم که هیچ کس از مردم عالم را عذاب نخواهم کرد.

۱۱۶. و روز قیامت خداوند رحمان می‌گوید: ای عیسی بن مریم! تو به مردم گفتی که

اللَّهُ رَبِّي وَرَبِّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ١١٧ إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبْدُكَ وَإِنْ تَغْفِرَ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ١١٨ قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ١١٩ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ١٢٠

خداوند جهان را وا بگذارید و مرا و مادرم را به خدایی بگیرید؟ عیسی می‌گوید: تو منزهی که از بندگان زنی را به همسری بگیری و یا پسری را به فرزندی انتخاب کنی. مرا نمی‌رسد که بیرون از حق خود چیزی بگویم. اگر گفته باشم تو آن را دانسته‌ای. هر چه در جان و دل دارم تو می‌دانی و آنچه را تو در نهاد جان داری من نمی‌دانم. توئی که از نهاد دل‌ها و جان‌ها و نهانی‌های جهان باخبری.

١١٧. من چیزی به آنها نگفتم جز همان فرموده تو را که، ای مردم! خداوند رحمان را بپرستید که پروردگار من و پروردگار شما است. مادام که من در میان مردم بودم گواه اعمال آنان بودم و چون مرا از میان مردم برگرفتی فقط تو نگهبان آنان بودی و تو بر هر پدیده‌ای گواه و ناظری.

١١٨. اگر آنان را عذاب کنی صاحب اختیاری که بندگان تو می‌باشند و اگر آنان را ببخشی نه از ناتوانی و خواری است که تو تنها عزتمند کردانی.

١١٩. خداوند رحمان در آن روز می‌گوید: امروز آن روزی است که راستگویان را راستی آنان سودمند می‌افتد؛ برای آنان بوستان‌ها باشد که از زیر درختانش نهرها روان است. جاودانه در آن بوستان‌ها می‌مانند، همیشه، خداوند از آنان خشنود است و آنان از خدا خشنودند. رستگاری و نجات بزرگ همین است.

١٢٠. پادشاهی آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آسمان‌ها و زمین است برای خداوند رحمان است و خداوند رحمان بر هر خواسته‌ای توانا است.

الأنعام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ^١ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ^٢ وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ^٣ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ^٤ فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءٌ مِمَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ^٥ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّانُهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نَمُكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ^٦ وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ

١. ستایش من ویژه آن خداوندی است که آسمانها و زمین را آفرید و تاریکیها را با روشنی در فضای آسمانها و زمین برقرار کرد. با ظهور آفرینش و پیرایش، با این دوران و گردش که پرورش را به نمایش می‌گذارد، باز هم مردمان کافر برای پروردگار خود انباز و همتا می‌تراشند.

٢. او شما را از گل آفرید سپس فرمانی بر قلم فضا صادر کرد برای مرگ شما با سرآمدی معین و عمری مقدر، سپس نمودار آن را به فرشتگان سپرد و سرآمدی قطعی که نزد او برجا ماند. با وجود این شما از نقش او در تربیت و پرورش به شبهه و شک اندرید.

٣. او است که در آسمانها خدا است و در زمین خداست. پنهان و آشکار شما را می‌داند سود و زیانی را که حاصل می‌کنید می‌داند.

٤. هیچ نشانی از علائم تربیت و پرورش بر آنان ظاهر نشد جز آن که روی گردان شدند.

٥. به حق سوگند که این مردم، حق را شناختند ولی تکذیب نمودند و به استهزا گرفتند. به زودی خبرهای بعدی آن را که به استهزاء گرفته‌اند دریافت می‌کنند.

٦. آیا ندیده‌اند که چه ملت‌هایی را در زمانه‌های پیش از آنها به دست هلاکت سپردیم. ما آنان را در پهنه گیتی تا آن حد، قدرت و صولت داده بودیم که شما را آن قدرت و صولت نداده‌ایم. ما باران آسمان را در هر صبح و شام بر سر آنان فرو باریدیم و نه‌رها در زیر پایشان روان ساختیم اما آنان از کلاس تربیت و پرورش درسی نگرفتند و رسالت ما را رد کردند و ما آنان را به خاطر عصیان و گناهانشان هلاک و تباہ کردیم و بعد از هلاکتشان نسلی نو به وجود آوردیم.

الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ^٧ وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكَ لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ^٨ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكَ لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ^٩ وَلَقَدْ اسْتَهْزَأُوا بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ^{١٠} قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ^{١١} قُلْ لَمَن مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ^{١٢}

۷. اگر ما از آسمان منشوری نوشته بر صفحه کاغذ نازل می کردیم و آنان با دست های خود نامه آسمانی را لمس می کردند باز هم کافران شان می گفتند: این نامه آسمانی، سحری است که نمایانگر فریبکاری است.

۸. گفته اند از چه رو فرشته ای بر او نازل نمی شود تا رسالت او را اعلام کند؟ اگر ما فرشته ای نازل کنیم که مردم بتوانند چهره او را ببینند بی شک کار جهان به پایان می رسد و با انقضای زندگی، کلاس تعلیم و تربیت برچیده خواهد شد و کسی مهلت زیستن نمی یابد.

۹. اگر قرار می شد که فرشته ای را برای رسالت و یا برای تأیید رسالت بفرستیم و بساط زندگی را هم بر سر پا نگه داریم، آن فرشته را در لباس بشریت به صورت یک مرد نازل می کردیم تا بتواند با مردم تماس بگیرد. مردم او را بنگرند و وجود او را لمس کنند و زندگی او را سرمشق خود قرار بدهند؛ اما با این کار باز شبهه آنان را تجدید می کردیم که بگویند: این مرد فرشته نیست این مرد مانند ما بشر است که می خورد و می خوابد و در زمین گام می نهد.

۱۰. اگر با طرح سؤالات بیجا و اقتراحات نامعقول، تو را به استهزاء می گیرند به حق سوگند که رسولان پیش از تو را هم به استهزاء گرفتند، ولی نتیجه آن ریشخند و استهزاء که بر رسولان روا می داشتند بر خودشان وارد شد و چنان در پیکار و ستیز با رسولان مغلوب و مفلوک شدند که مورد ریشخند و استهزای همگان قرار گرفتند.

۱۱. بگو: شما در پهنه زمین بچرخید و عبرت بگیرید که سرانجام کار آن کافران به کجا انجامید که رسولان ما را به استهزاء گرفتند و تکذیب می نمودند.

۱۲. بگو: آنچه در آسمان ها و زمین است از آن کیست؟ آنان می دانند و اعتراف نمی کنند. تو خود در پاسخ بگو: پادشاهی آسمان ها و زمین و مالکیت آنچه در آسمان و زمین است مال خداست. در این جهان، رحمت و بخشایش را بر خود فرض و مکتوب کرده است و همگان از کافر و مؤمن از رحمت او برخوردارند. تا روز قیامت که بی شک آمدنی است شما را گرد

وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ^{۱۳} قُلْ أَعْيَرَ اللَّهُ وَلِيًّا فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ^{۱۴} قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ^{۱۵} مَنْ يُصِرْفِ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ^{۱۶} وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^{۱۷} وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ^{۱۸} قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلْ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَتَيْنَكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَىٰ قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ^{۱۹} الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

هم فرا می‌آورد فقط آنان که سرمایه جان را به خسارت از کف داده‌اند به آن روز آمدنی، ایمان نمی‌آورند.

۱۳. آنچه در شب و روز، آرام است با آنچه در شب و روز، خروشان است یکسر از آن خداست و خداوند خروش این دسته را می‌شنود و از سکوت و آرامش آن دسته آگاه است.

۱۴. بگو: آیا من غیر آن خدائی را باید به خدایی بگیرم که شکافنده آسمان‌ها و زمین است و بندگان نیازمند خود را خوراک می‌دهد و خود نیاز و خوراک ندارد؟ بگو: من فرمان یافته‌ام که شخصاً اولین مسلمان باشم به من تأکید کرده‌اند که مبدا طاعت دیگران را با طاعت خدا برابر کنی و در سلك مشرکان قرار گیری.

۱۵. به این مشرکان بر گو که اگر من شرک بورزم و خدا را نافرمان شوم از عذاب آن روز بزرگ بر جان خود بیمناکم.

۱۶. عذاب آن روز از جان هر کس دور شود بی‌شک خدا بر او ترحم آورده است و این همان رستگاری بزرگ است که روشنگر فضل و رحمت الهی است.

۱۷. اگر خداوند بلائی بر جان تو نازل کند جز خود او کسی نباشد که بلا را از تو بگرداند و اگر خداوند خیر و عطایی بر تو نازل کند کسی نمی‌تواند آن خیر و عطا را از تو باز گیرد. خداوند جهان بر هر خواسته‌ای توانا است.

۱۸. او قاهر است و مافوق بندگانش و با این قاهریت کاردان و آگاه است.

۱۹. بگو: ای مردم! کدام نشانه و آیتی بهتر می‌تواند رسالت قرآن را گواهی کند؟ اگر پاسخ نمی‌دهند به آنان بگو: خداوند شخصاً گواه است که من رسول او هستم و گواهی ذات خداوند، عظیم‌تر از گواهی معجزات است. این قرآن به من وحی شد تا به وسیله آن شما را

۲۰. وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ۲۱. وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَائُكُمْ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ۲۲. ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فَتِنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ۲۳. انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۲۴. وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۲۵. وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ۲۶. وَلَوْ

و هر کسی را که پیام قرآن به او برسد از خشم خدا بیم دهم. آیا شما شهادت می‌دهید که با خداوند جهان خدایان دیگری هستند که خدایی دارند؟ آنان هر چه می‌خواهند بگویند، تو بگو: من شهادت نمی‌دهم که خدایان دیگری در جهان وجود داشته باشند. بگو فقط یک خدا وجود دارد. من از خدایانی که شما انباز خدا گرفته‌اید بیزارم.

۲۰. آن کسانی که تورات و انجیل را از دست ما دریافت کرده‌اند به همان صورتی که فرزندان خود را در جمع کودکان می‌شناسند رسول ما را هم در میان جمع مردم می‌شناسند آن کسانی که سرمایه‌ی جان خود را به خسارت از کف داده‌اند به رسول ما ایمان نمی‌آورند.

۲۱. کیست که سیه‌کارتر باشد از کسی که مانند شما بر خدا دروغ بیند و یا آیات خدا را دروغ بشمارد؟ سیه‌کاران در عذاب دوزخ جاودانه می‌مانند و بی‌شک رستگار نخواهند شد.

۲۲. روزی که همگان را از دل خاک محشور سازیم و به مشرکان بگوئیم: کجا بیند آن خدایانتان که تصور می‌کردید در خدایی شریک خدایند.

۲۳. آنان پاسخ‌های خود را معیار و محک می‌زنند و بعد از واری غیر از این پاسخی ندارند که بگویند: به خداوند جهان، پروردگارمان، سوگند که ما مشرک نبودیم. ما ارواح عالیه را مظهر صفات و اسمای او می‌شناختیم.

۲۴. بنگر که چسان بر خودشان دروغ می‌بندند و فلسفه‌ی شرک را از یاد می‌برند.

۲۵. برخی از این مشرکان در تلاوت نمازهایت سرا پا گوش می‌شوند و به قرآن دل می‌سپارند ولی ما بر دل‌هایشان سربوش نهاده‌ایم که نفهمند و در گوش‌هایشان سنگینی سرب که نشنوند و گرنه سؤالات گونه‌گون مطرح می‌کنند و آیات قرآن را به مسخره می‌گیرند. این مردم مشرک اگر همه‌ی معجزات عالم را با چشم بنگرند به هیچ یک ایمان نمی‌آورند تا آن حد که اگر به حضورت برسند به بحث و جدل می‌نشینند. کافران‌شان می‌گویند: این قرآن غیر از اسطوره‌های مردم پیشین سخن دیگری ندارد.

تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نَكَذَّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۲۷ بَلْ بَدَأَ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۲۸ وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ۲۹ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ۳۰ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ ۳۱ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ لَيَّتُونُ أَفَلَا

۲۶. اینان اتباع خود را از شنیدن قرآن نهی می‌کنند و خود نیز از استماع قرآن دوری می‌گزینند تا منادی حق را تنها بگذارند. در این راه کاری از پیش نمی‌برند. فقط جان خود را به هلاکت می‌سپارند و خود بی‌خبرند.

۲۷. کاش حال زار آنان را نظاره می‌کردی آن لحظاتی که در برابر دوزخ قرار بگیرند و بگویند: ای کاش ما به زندگی دنیا بازگردان می‌شدیم و درک و توفیق آن را هم پیدا می‌کردیم که آیات پروردگاران را دروغ نشماریم و از مؤمنان باشیم.

۲۸. ولی نه این است که اینان حقیقت را درک نکرده باشند بلکه حقیقت را درک کرده بودند و اینک آن روزهایی را به یاد آورده‌اند که به خاطر کام‌جوئیها و حفظ مقام و موقعیت‌ها حقیقت را از مردم نهان می‌کردند. اگر این سرکشان طاعی به دنیا بازگردان شوند بی‌شک باز هم به سوی خودکامگی می‌تازند و قیامت را تکذیب می‌نمایند. اینان دروغ می‌گویند که از روی جهالت دین خدا را تکذیب کرده باشند.

۲۹. امروزه دنیا، می‌گویند: که جز همین زندگی حاضر زندگی دیگری در میان نیست و ما از دل خاک‌ها بر نمی‌خیزیم.

۳۰. اگر حال آنان را نظاره کنی در لحظاتی که برابر پروردگارشان بایستند و پروردگارشان بگوید: این همان رستاخیز قیامت نیست؟ و آنان پاسخ دهند که چرا، به پروردگاران سوگند که همان است و پروردگارشان گوید: پس به کیفر کفر و ستیزتان عذاب دوزخ را بچشید.

۳۱. کسانی که دیدار خدا را در روز قیامت دروغ می‌شمارند و کتاب‌های آسمانی را تکذیب می‌نمایند از بافته‌های فلسفی خود خرم و دلشادند تا آنگاه که ناگهان و بی‌خبر به لحظه آخر برسند و چشم خود را به جهان آخرت بکشایند، می‌گویند: ای دریغ و افسوس که در زندگی دنیا تقصیر و کوتاهی نمودیم و دستاوردی که شایسته این جهان باشد بجا نیاوردیم. آنان با تأسف و حسرت گناهان سنگین خود را بر دوش می‌کشند و به دیدار خدا می‌شتابند. این را

تَعْلُونَ ۳۲ قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزَنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ۳۳ وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبْرُوا عَلَيَّ مَا كُذِّبُوا وَأُذُوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِن نَّبِيِّ الْمُرْسَلِينَ ۳۴ وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَن تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ ۳۵ إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ

بدانید که بد باری بر دوش می‌کشند.

۳۲. زندگی سراسر جز بازی و سرگرمی چیز دیگری نیست همچون بازی در یک نمایش هنری که همه چیز آن از دکورها و لباس‌ها و مقام‌ها و منزلت‌ها اعتباری و عاریتی است بر خلاف زندگی آخرت که واقعیت زندگی را با نقش‌ها و مقام‌ها و منزلت‌های واقعی از رحمت و نعمت دربردارد. به حق سوگند که زندگی آخرت برای پرهیزگاران بهتر از زندگی دنیا خواهد بود آیا اندیشه نمی‌ورزید؟

۳۳. به یقین ما می‌دانیم که جسارت‌های مشرکان تو را اندوهناک و غمین می‌سازد ولی اینان تو را خوب می‌شناسند و امین و راستگویت می‌دانند. اینان با جسارت‌ها و با استهزا و تمسخر خود، تو را تکذیب نمی‌نمایند بلکه سیه‌کارند و برای سیاه کردن مردم آیات خدا را منکر می‌شوند.

۳۴. به حق سوگند که پیش از تو رسولان دیگری هم مورد تکذیب و اهانت قرار گرفته‌اند و بر تکذیب و جسارت‌های مردم، صبر و شکیبایی ورزیده‌اند و از مردم، آزارها تحمل کرده‌اند تا آنگاه که نصرت ما به فریاد آنان رسید و دشمنانشان سرکوب و نابود گشتند. این وعده الهی است که پیروزی از آن رسولان است و سخن خدا عوض نخواهد شد. به یقین شرح این پیروزی‌ها در اخبار رسولان پیشین بر تو نازل شده است.

۳۵. اگر بی‌اعتنائی و اعراض مشرکان بر تو ناگوار و سنگین آمده است و آرزومندی که با معجزی همانند عصای موسی و ناقه صالح آنان را خاضع کنی و به سوی خود جلب کنی پس تلاش کن و اگر توانستی که نقبی و غاری در زمین بجوئی و معجزه‌ای از دل زمین برآری و یا نردبان بر آسمان بکشی و معجزه‌ای از آسمان‌ها بیابی و به این مردم ارائه کنی حتماً این کار را بکن. ولی این را بدان که اگر خداوند جهان خواسته بود همه مشرکان و کافران را پیرامون قرآن جمع می‌نمود. خداوند جهان خواسته است که مردم با عزم و تشخیص خود ایمان بیاورند. مبادا بر خلاف جهت تلاش کنی و با آرزوهای ناموجه در

ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ^{٣٦} وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنْزِلَ آيَةً وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ^{٣٧} وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلَكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ^{٣٨} وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضِلَّهُ وَمَنْ يَشَأِ يُجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ^{٣٩} قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرِ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^{٤٠} بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا

ردیف جاهلان قرار بگیری.

٣٦. کسانی به دعوت قرآن پاسخ مثبت می‌دهند که حسّ شنوایی دارند. مشرکان حسّ شنوایی ندارند از آن رو که مردگان را اول باید زنده سازند و از دل خاک برون آرند که خداوند جهان به روز قیامت چنین خواهد کرد و همگان به پیشگاه او می‌شوند تا جوابگوی کردار خود باشند.

٣٧. مشرکان برای فریب دیگران گفته‌اند که اگر او رسول خداست می‌باید معجزه‌ای بر او نازل شود تا رسالت او را بپذیریم. او مانند موسی و عیسی ادعای رسالت دارد اما مانند موسی و عیسی معجزه ندارد. فقط قرآن می‌خواند و می‌گوید: سخنان من معجزه است. به آنان بگو: خداوند جهان توانا هست که معجزه‌ای قاهر و دندان‌شکن از آسمان نازل کند بالاتر از عصای موسی و بالاتر از مائدهٔ آسمانی و مرغ عیسی که جاودان نماندند همواره جاودان بماند ولی بیشتر مردم معنای معجزه را نمی‌دانند.

٣٨. اینک به رسم یک معجزهٔ آسمانی اعلام می‌کنیم که «هیچ جنبنده‌ای در زمین نمی‌جنبد و هیچ پرنده‌ای در آسمان با پر و بال خود پرواز نمی‌کند جز آن که آنان هم مانند شما مردم به صورت امتّ زندگی می‌کنند و با هدایت الهی و فطری به پیش می‌تازند؛ برخی پیشرفته‌تر و برخی عقب مانده‌تر» ما در این کتاب آسمانی نکته‌ای را فروگذار نکرده‌ایم که از نظر علم و فرهنگ و نیاز جامعه معجز نباشد. همهٔ امت‌ها راه خود را طی می‌کنند سپس به سوی پروردگار خود محشور می‌شوند.

٣٩. و کسانی که به این گونه معجزات علمی کافر می‌شوند در پرده‌های سیاه جهالت مانند کران و لالان گرفتار مانده‌اند، نه صدای راهنما را می‌شنوند تا به سوی صدا رهیاب شوند نه خود زبان دارند که فریاد بزنند و کمک بخواهند. هر کس را که خداوند بخواهد به حیرت و گمراهی می‌سپارد و هر کسی را که بخواهد بر راه راست روان می‌سازد.

٤٠. بگو: آیا واقعاً چه جوابی دارید؟ اگر عذاب خدا بر سر شما فرود آید و یا آخرین لحظهٔ

تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ ٤١ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَآخَذْنَاھُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ ٤٢ فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ٤٣ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ ٤٤ فَقَطَّعَ دَائِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٤٥ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرِ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِهِ أَنْظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْذِفُونَ ٤٦ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً

زندگی فرا رسد آیا به غیر از خداوند جهان به خدای دیگری التجا می‌برید و نجات خود را خواهان می‌شوید؟ اگر راست می‌گویید و واقعاً خدایان شرک را مؤثر می‌دانید پاسخ مثبت بدهید.

٤١. شما هرگز در مهالك و مخاطر به خدایان شرک خود التجا نمی‌برید، بلکه فقط خداوند جهان را به یاری خود فرا می‌خوانید و خداوند جهان است که بلا و مهلكه را از جان شما دور می‌سازد - اگر خواسته باشد - شما در مهالك و مخاطر خدایان شرک را فراموش می‌کنید.

٤٢. به یقین ما برای امت‌های پیشین نیز رسولانی فرستادیم و برای نرم کردن دل‌ها و بیدار کردن فطرت‌ها، آنان را به سختی‌ها و بیماری‌ها مبتلا کردیم، باشد که زاری کنند و نیایش آورند.

٤٣. ای کاش در موقع سختی و قحطی زاری کرده بودند ولی دل‌های آنان چون سنگ شده بود و شیطان دستاورد گناه‌آلودشان را برایشان زینت داده بود که نادم نشدند و زاری نکردند.

٤٤. و چون اندرزهای آسمانی را از یاد بردند درهای هر گونه نعمت را بر رویشان گشودیم چندان که به عیش و گناه خود سرگرم و خام شدند و از نعمت‌های موفور ما شادمان گشتند ناگهان و بی‌خبر به کیفر گناهانشان مأخوذ نمودیم و آنان در کمال یأس و ناامیدی درمانده شدند.

٤٥. و نسل سیه‌کاران نابود شدند. سپاس این پیروزی از آن خداوند جهان، پروردگار جهانیان است.

٤٦. بگو: شما خود چه تصور کرده‌اید؟ اگر خداوند جهان، شنوایی و بینایی شما را بگیرد و بر دل‌های شما مهر بگذارد، غیر از خداوند جهان کدامین خدا وجود دارد که بتواند شنوایی و

أَوْ جَهْرَةً هَلْ يَهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ^{٤٧} وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^{٤٨} وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ^{٤٩} قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَيْتُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ^{٥٠} وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ^{٥١} وَلَا تَطْرُدِ

بینایی و هوشیاری شما را بازگرداند؟ بنگر که ما چسان آیات الهی را به صورت‌های گونه‌گون می‌پرورانیم و بنگر که آنان چه سخت رو برمی‌تابند.

٤٧. بگو: شما خودتان چه تصویری دارید؟ اگر عذاب خدا بی‌خبر بر شما درآید و یا از روبرو سر برسد آیا جز سیه‌کاران کسی هلاک خواهد شد؟

٤٨. ما رسولان خود را برای اجبار مردم نمی‌فرستیم که شکست آنان، شکست رسالت باشد ما رسولان را فقط برای ابلاغ برنامه و اعلام پیام خود گسیل می‌داریم تا مطیعان را به پاداش الهی بشارت دهند و عاصیان را به کیفر الهی بیم دهند. هر کس ایمان بیاورد و گذشته خود را اصلاح کند ترسی بر آنان نیست و نه خود اندوهی به دل می‌گیرند.

٤٩. اما کسانی که آیات ما را تکذیب کنند و به استهزاء بگیرند به خاطر این فسق و تبهکاری، عذاب الهی دامن آنان را خواهد گرفت.

٥٠. تو موقعیت خود را روشن کن تا انتظارات غلط مایه اشتباه مردم نشود و برنامه رسالت مخدوش نگردد. بگو من به شما نمی‌گویم که خزانه‌دار رحمت خدا هستم و نعمت دنیا را به سوی شما جلب می‌کنم. من نمی‌گویم که از غیب و نهان آگاهم و با هشدار قبلی درد و بلا را از شما دور می‌سازم. من نمی‌گویم که فرشته هستم و سرنوشت شما را در دست دارم. من بشرم و جز آن که وحی و اشارات آسمانی را پیروی می‌کنم فرقی با شما ندارم، بگو کسی که از برنامه رسالت باخبر است بینا است و کسی که از برنامه رسالت بی‌خبر است کور و نابینا است. آیا کور و بینا با هم برابرند؟ آیا اندیشه به کار نمی‌بندید که افکار خرافی را از مغز خود دور سازید؟

٥١. تو مردم را با انتظارات واهی وابگذار و از ارائه معجزات دندان‌شکن صرف‌نظر کن که تأثیر آنها مقطعی است. تو با تلاوت قرآن کسانی را انذار کن که از حضور در پیشگاه پروردگارشان خائف و بیمناکند. آنان جز خداوند رحمان سرپرست و مولا ندارند و نه شافعی که با شفاعت خود خشم خدا را از آنان بگرداند. انذارشان کن باشد که از نافرمانی بهراسند و

الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ ^{٥٢} وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ^{٥٣} وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ^{٥٤} وَكَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ

راه طاعت در پیش بگیرند.

۵۲. مشرکان از تو می‌خواهند که ساعتی پیرامون خود را خلوت کنی و با آنان مذاکراتی صورت دهی، باشد که تفاهم برقرار شود و برنامه همزیستی ریخته شود. به منظور مذاکره با مشرکان، مردمی را که صبح و شام پروردگار خود را یاد می‌کنند و با دعای خالصانه رضای او را می‌جویند از گرد خود طرد مکن که طرد آنان گناه است. گناه این مؤمنان را به حساب تو نمی‌گذارند و گناه تو را هم به حساب آنان نمی‌نویسند تا بگویی من این مؤمنان را طرد می‌کنم و گناهِش را بر دوش امت خود بار می‌کنم، از آن رو که در قیامت بار عظیمی از گناهانشان را بر دوش می‌برم. اگر با این تصورات واهی و با این دلایل پوچ و خرافی مؤمنان را از پیرامون خود طرد کنی در ردیف سیه‌کاران قرار خواهی گرفت.

۵۳. ما با تفاوت در نژاد و حَسَب و با مراتب فقر و دولت، برخی را وسیلهٔ آزمون دیگران ساختیم تا دولتمندان نهاد خود را بر ملا سازند و مستمندان و دردمندان را تحقیر نمایند و بگویند که آیا خداوند رحمان، همین درماندگان مفلوک را از میان مردم گزین ساخته است و بر آنان منت نهاده و دین خود را به آنان عطا کرده است؟ خداوند رحمان که می‌باید سپاسگزاری بندگان خود را پاس بدارد کدامین دسته را به عنوان سپاسگزار نعمت‌های خود گزین خواهد ساخت. آیا خداوند جهان، بندگان سپاسگزار خود را بهتر نمی‌شناسد؟

۵۴. آن کسانی که به آیات ما ایمان آورده‌اند، موقعی که بر تو وارد می‌شوند باید بر آنان سلام کنی و بگویی: «سلام علیکم و رحمة الله». پروردگار شما، بر خود به صورت کتبی واجب کرده است که بندگان خود را مورد رأفت و مرحمت قرار دهد به این صورت که هر کس از شما مؤمنان در اثر ندانم‌کاری و جهالت به کار بدی دست بیازد و بعد از ارتکاب گناه توبه نماید و گذشتهٔ خراب خود را اصلاح کند، حتماً گناه او بخشوده می‌شود. تو باید به مردم اعلام کنی که خداوند رحمان آمرزنده‌ای مهربان است.

الْمُجْرِمِينَ ۵۵ قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ۵۶ قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضُ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ۵۷ قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ ۵۸ وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ۵۹ وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ

۵۵. ما بدین صورت آیات قرآن را فصل به فصل، به شرح مسائل لازم اختصاص داده‌ایم تا هر نکته‌ای را جداگانه بررسی نمائیم و برای آن که راه تبهکاران مجرم روشن شود که چگونه با خلط مسائل، حقیقت را بر مردم مشتبه می‌سازند.

۵۶. به آنان که تو را به همزیستی دعوت می‌نمایند بگو: من از خداوند نهی قاطع دارم که خدایان پوشالی شما را در راز و نیاز خود نام نبرم و ستایش نکنم گرچه برای تظاهر و به منظور همزیستی و برقراری صلح باشد. بگو: من از خواسته‌های شما پیروی نمی‌کنم. اگر از خواسته‌های شما پیروی کنم راه درست را وانهاده‌ام و دیگر رهیاب نخواهم بود.

۵۷. بگو راه من از راه شما جدا خواهد بود. من برهانی از پروردگار خود در دست دارم که شما آن را تکذیب می‌کنید. از این رو تنها عذاب خداوند است که می‌تواند بین ما و شما داوری کند. اگر شما در آمدن عذاب الهی شتاب دارید این را بدانید که ارسال عذاب الهی در اختیار من نیست این گونه داوری که با عذاب و کیفر قرین باشد فقط با خداوند جهان است که حق را دنبال می‌کند و همو بهترین داوری است که حق را از باطل جدا خواهد کرد.

۵۸. به آنان بگو: اگر اختیار این عذابی که در آمدنش شتاب می‌ورزید در دست من بود تاکنون کار شما به پایان رسیده بود زیرا من نیز در کیفر دشمنان خود شتاب دارم. ولی تنها سیه‌کاران جامعه باید نابود شوند و خداوند جهان، سیه‌کاران شما را بهتر می‌شناسد.

۵۹. کلیدهای عالم غیب در نزد خداوند است و کسی جز خدا آن کلیدها را نمی‌شناسد که درهای عالم غیب را بگشاید. آنچه در خشکی و دریا است خداوند جهان می‌داند و هیچ برگی از شاخی فرو نمی‌افتد جز آن که خداوند جهان می‌داند هیچ دانه‌ای در دل سیاه زمین جا نمی‌گیرد و هیچ تر و خشکی وجود ندارد جز آن که در لوحه‌ای درج است که سرنوشت کائنات را برای کارگزاران الهی روشن می‌سازد.

ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۗ وَهُوَ
 الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا
 يُفِرُّونَ ۗ ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ ۗ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ۗ قُلْ مَنْ
 يُنْجِيكُم مِّنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِن أَنجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ
 الشَّاكِرِينَ ۗ قُلْ اللَّهُ يُنْجِيكُم مِّنْهَا وَمِن كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ ۗ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ
 يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ
 بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نَصَرَفَ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ ۗ وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ

۶۰. و او است که جان شما را در خواب شبانه دریافت می‌کند و کارهای زشت شما را در ساعات روز می‌بیند. و جان شما را که بعد از خوابتان دوباره به سوی زندگی و بیداری گسیل می‌دارد، برای آن است که عمر مقدر و اجل نامبرده خود را به پایان برسانید و سپس بازگشت شما به سوی او خواهد بود و بعد از آن شما را به دستاوردتان از نیک و بد آگاه خواهد ساخت.

۶۱. و او قاهر است مافوق بندگانش، حافظانی بر سر شما می‌گمارد تا از شما مراقبت به عمل آورند تا آنگاه که مرگ یکی از شما فرا رسد کناره می‌گیرند و فرستادگان ما جان او را دریافت می‌کنند و در تکلیف خود کوتاهی روا نمی‌دارند.

۶۲. سپس به سوی خداوندشان برده خواهند شد که به حق سرور و مولای آنها است. این را بدانید که فرمان بهشت و دوزخ با خداست و او هرچه سریع‌تر به حساب آنان خواهد رسید.

۶۳. از آنان بپرس و بگو: کیست که شما را از تاریکی‌های خشکی و دریا می‌رهاند آن لحظه‌ای که خدا را با زاری و تضرع و از نهاد جان می‌خوانید و تعهد می‌کنید که اگر ما را از گرداب این بلا برهاند بی‌شک از سپاس گزاران نعمت او خواهیم بود.

۶۴. اگر آنان در ادای پاسخ درنگ ورزیدند بگو: او همان خداوند جهان است که شما را از گرداب بلا می‌رهاند و از هر رنج و مصیبتی نجات می‌بخشد ولی شما بعد از نجات و رهایی باز هم برای خدا شریک و هم‌تا می‌تراشید.

۶۵. بگو: خداوند جهان توانا هست که عذابی چون صاعقه از فراز سر و یا عذابی چون زلزله از زیر پایتان برانگیزد و شما را هلاک سازد و یا جامه تفرقه و تشّت بر اندام شما بیوشاند و ضرب شست این فرقه را به آن فرقه دیگر بچشاند. بنگر که ما چگونه آیات خود را

عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ۶۶ لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۶۷ وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۶۸ وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذَكَرُوا لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۶۹ وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتُهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكَرَ بِهِ أَنْ تَبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعَدَّلَ كُلُّ عَدْلٍ لَّا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ۷۰ قُلْ أُنَدَعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَّا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُزِّلَ عَلَيَّ آعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي

گونه‌گون می‌پرورانیم، باشد که دریابند و بفهمند.

۶۶. ما با این تهدیدها، امت‌ها را بیدار می‌کنیم ولی امت تو تهدید ما را تکذیب کرده‌اند، با آن که تهدید ما درست و واقعی است. می‌گویند: پس چرا تهدید خود را عملی نمی‌سازد؟ بگو: من رسول خدایم و پیام او را ابلاغ می‌کنم. من مأمور عذاب او نیستم که بر شما موکل بوده باشم.

۶۷. هر خبری که از سوی خدا به شما ابلاغ شود، زمان و مکانی ویژه خود دارد که در آن زمان و مکان، استقرار می‌یابد. شما به زودی از زمان و مکان آن باخبر می‌شوید.

۶۸. و هر گاه با کسانی برخورد کنی که با طنز و استهزاء در آیات ما به بحث و واری فرو می‌روند از آنان اعراض کن و کناره بگیر تا طنز و شوخی را به سخن دیگری بکشانند و اگر شیطان، خاطر تو را مشغول و سرگرم سازد که فرمان خدا به خاطر نگذرد بعد از بیاد آوردن فرمان، با آن مردم منشین که سیه‌کارند.

۶۹. گناه این سیه‌کاران بر دوش مردم با تقوا بار نخواهد شد و ممانعت آنان لازم نیست، ولی تذکار و هشدار آنان کار شایسته‌ای خواهد بود باشد که آنان نیز راه تقوا در پیش بگیرند و از کنکاش در آیات خدا دست بردارند.

۷۰. تو نیز این مردم مشرک را به حال خود واگذار که دین و آئین آنان بازی و سرگرمی است و زندگی دنیا آنان را خام و مغرور کرده است. فقط به آنان تذکار بده که نمی‌خواهیم کسی در حال غفلت، به گناه کردارش در چنگال عذاب خدا مقهور شود با آن که جز خدا یار و مولا ندارد و نه شافعی که شفاعت کند و اگر همه جرمه‌ها را تقدیم کند پذیرفته نیاید. این مردمان مشرک در اثر کردار ناصوابشان مقهور شده‌اند و به خاطر کفر و استهزاء نوشابه داغ و جوشان با عذاب دردناک دوزخ برایشان مهیا شده است.

الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنَا قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهُدَى وَأَمِرْنَا لِنُسَلِّمَ
لِرَبِّ الْعَالَمِينَ^{٧١} وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ^{٧٢} وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ
عَالَمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ^{٧٣} وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَرَأَيْتَ أَصْنَامًا إِلَهًا إِنِّي
أَرَكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ^{٧٤} وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ
مِنَ الْمُوقِنِينَ^{٧٥} فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْإِفْلِينَ
^{٧٦} فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا

٧١. بگو: آیا خداوند جهان را وانهییم و انبازان پوشالی او را بخوانیم که از وجود آنها سودی حاصل نشود و زینانی وارد نیاید و بعد از آنکه خداوند جهان راه درست را بما نشان داده است با يك عقب گرد، راه رفته را باز گردیم مانند آن سرگشته‌ای که شیطان‌ها در پهنه گیتی حیران و سرگردان رها کرده باشند و دوستانش او را فراسوی خود بخوانند: بیا که راه درست اینجا است. بگو: راه خدا همان راه درست است که باید پیروی شود و ما فرمان یافته‌ایم که در برابر پروردگار خود تسلیم باشیم.

٧٢. و فرمان داده‌اند که نماز را برپا بدارید و از نافرمانی خدا بپرهیزید. همان خدایی که از دل گورها به سوی او محشور می‌شوید.

٧٣. او همان خدایی است که آسمان‌ها و زمین را با هدفی درست آفرید که آزمون خلایق باشد و آن روز دیگر که برای بازسازی آسمان‌ها و زمین بگوید: ای آسمان و زمین، بشو و خواهد شد، آن روز هم، فرمان او هدفی درست دارد که روز پاداش است. آن روز که با عبور يك شهاب‌سنگ آسمانی در شیپور بیداری دمیده شود پادشاهی از آن اوست. دانای نهان و آشکار است، او کاردانی خبیر و آگاه است.

٧٤. خاطر نشان ساز آن روز را که ابراهیم با پدرش آزر گفت: آیا بت‌های مصنوعی را به خدایی گرفته‌ای؟ می‌بینم که با عبادت این بت‌ها که با دست خود ساخته‌اید تو و مردمت در گمراهی آشکاری گرفتار آمده‌اید.

٧٥. و به این صورت که ما برایت حکایت می‌کنیم ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نمایان کردیم تا فطرت او را بیدار سازیم و راه احتجاج و جدل را بر روی او بگشاییم و برای آنکه در شمار صاحبان یقین قرار گیرد.

٧٦. از این‌رو شبانگاه که تاریکی پرده‌های خود را بر اندام او گسترده در عالم رؤیا دید: «

تُشْرِكُونَ^{۷۷} فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسُ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ^{۷۸} إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ^{۷۹} وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَن يُشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ^{۸۰} وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ

مردمان مشرک گرد او را گرفته‌اند و می‌پرسند؛ خدای تو کیست؟ ابراهیم ستاره تابانی در آسمان دید و گفت: پروردگار من همین است. و لحظه‌ای نگذشت که ستاره فرونشست و ابراهیم به آنان گفت: من خدایی را که فرونشیند و از من نهان شود دوست ندارم.

۷۷. و چون لحظه‌ای بعد ماه تمام را سپید و تابان در آسمان دید به مردم گفت: این یک، پروردگار من است. لحظه‌ای نگذشت که ماه هم فرونشست و ابراهیم به مردم گفت: اگر پروردگار من، خودش مرا رهنمون نگردد بی‌شک من نیز در ردیف مردم گمراه قرار خواهم گرفت.

۷۸. و لحظه‌ای بعد خوردشید عالمتاب را بر فراز آسمان دید و گفت: پروردگار من این است این از ماه و ستاره بزرگ‌تر است و چون خورشید هم فرونشست و ناپدید شد ابراهیم به آنان گفت: ای مردم من! من از همه خدایان شما بیزارم.

۷۹. من روی خود را به سوی آن خدایی مواجه می‌سازم که آسمان و زمین را از هم شکافت. من از اعتدال و استقامت فکری خارج نخواهم شد و من از مشرکان نیستم که با خدای آسمان‌ها و زمین خدای دیگری اختیار نمایم».

۸۰. ابراهیم با دیدن این رؤیا و با آن اعتراف و احتجاجی که در عالم رؤیا بر زبان او جاری شد درس خوبی فراگرفت و با یقین کامل دانست که ربوبیت و خالقیت از هم جدا نیست و پروردگار او همان فاطر آسمانها و زمین است و بر همین اساس، ابراهیم با پدر خود و با اقوام خود به مناظره و محاجه پرداخت و قوم او با او به محاجه پرداختند. ابراهیم به آنان گفت: آیا بعد از آنکه خداوند جهان مرا به حق و حقیقت رهنمون گشته است شما باز هم درباره پروردگار من با من به بحث و جدل می‌پردازید؟ شما که برای خدایان خدایان دلیلی ندارید جز آنکه مرا از قهر خداوندانتان پرهیز می‌دهید. من از قهر و خشم خدایان بیمی ندارم مگر آنکه پروردگار من خودش خواسته باشد آسیبی به من برسد و آن آسیب با توهین و جسارت من به خدایان شما مقارن شود و مردم تصور کنند که این آسیب از خشم خدایان شما است. دانش پروردگار من همه چیز را فراگیر است و در چنین موقعیتی به من آسیبی

أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزَلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ^{٨١}
الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ^{٨٢} وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا
إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ^{٨٣} وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ
وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ^{٨٤} وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ^{٨٥}
وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ^{٨٦} وَمِن آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ
وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ^{٨٧} ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ مِّن عِبَادِهِ

نخواهد رسانید. پس اگر خدایان شما قهر و خشمی داشته باشند تاکنون می‌باید مرا مورد خشم و سطوت خود قرار داده باشند. آیا شما این نکته را متذکر نمی‌گردید.

۸۱. چگونه من باید از خشم خدایان شما بترسم و شما نباید از خشم خداوند جهان نترسید که از پیش خود برای خداوند جهان انبازانی تراشیده‌اید که خداوند جهان بر خدایی آنان سندی از آسمان نازل نکرده است. پس کدام فرقه از ما و شما اولویت دارد که از خشم خدا در امان باشد؟ اگر شما اهل علم و دانش باشید به این پرسش ما پاسخ می‌دهید.

۸۲. پاسخ درست این است: آن کسانی که ایمان آورده‌اند و ایمان خود را با سیه‌کاری شرک و سیاهی فلسفه‌های خرافی نیامیخته‌اند از خشم خدا در امانند و هم آنان رهیابند.

۸۳. و این حجت و برهانی بود که ما به ابراهیم عطا کرده بودیم. هر که را بخواهیم به درجات بالا برمی‌کشیم. بی‌شک پروردگارت در اعطای حجت و منزلت، کاردان و دانا است.

۸۴. و به او اسحاق را عطا کردیم و فرزندزاده او یعقوب را تا نسل او حامل و پرچمدار توحید باشند. ما همه آنان را هدایت کردیم. و نوح را پیش از آن هدایت کرده بودیم و از او نسل داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون را هدایت نمودیم که نیک‌اندیش بودند. ما این چنین نیک‌اندیشان را با اعطای حجت و منزلت پاداش می‌دهیم.

۸۵. و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را نیز هدایت کردیم. همگان از صالحان بودند.

۸۶. و اسماعیل و یاسع و یونس و لوط را نیز هدایت کردیم. و همه اینان را بر جهانیان برتری بخشیدیم.

۸۷. و از پدران این نامبردگان و فرزندان و فرزندزادگان و برادرانشان کسانی را هدایت کردیم و بعد از هجرت‌ها و سختی‌ها آنان را به خود نزدیک کردیم و به راه راست رهبری نمودیم

وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^{۸۸} أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَوَّلَاءُ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ^{۸۹} أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ افْتَدَاهُ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْعَالَمِينَ^{۹۰} وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِّنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَأَطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ^{۹۱} وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقٌ لِّلَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ

۸۸. این است نمونه‌ای از هدایت الهی و با همین منوال خداوند رحمان هریک از بندگان خود را که بخواهد رهبری خواهد نمود و اگر این ره یافتگان راه شرک را در پیش بگیرند بی شک دستاورد نیک آنان، توقیف خواهد گشت.

۸۹. ما به این بندگان صالح خود فرمان و فرمانروایی و پیامبری دادیم. اگر این مردمان مشرک به فرمان و فرمانروایی و مراتب پیامبری کافر شده‌اند ما مردم دیگری از عرب و عجم را به نگرهبانی میراث آن صالحان واگمارده‌ایم که به آن کافر نبوده‌اند.

۹۰. این صالحان نامبرده را خداوند رحمان هدایت کرده است. پس به هدایت آنان اقتدا کن و سیره آنان را که برایت شرح می‌دهیم در پیش بگیر. تو نیز مانند همه آن صالحان اعلام کن که من از شما پاداشی برای ابلاغ رسالت قرآن نمی‌طلبم. این قرآن تذکاری است که برای جهانیان نازل شده است؛ برای عرب و عجم، ترک و تاجیک، نسل امروز و فردا و زمانه‌های دور، نه برای شما یک مشت عرب معدود تا از شما مزد رسالت بخواهم.

۹۱. مردم، رسولان خدا را به درستی نشناخته‌اند و نه خدایی خداوند رحمان را به درستی مقیاس کرده‌اند که گفتند: «رسالت این رسولان از نبوغی مایه می‌گیرد که در فطرت آنان وجود دارد و خداوند جهان بر هیچ کس، چیزی به نام کتاب و حکمت از آسمان نازل نکرده است». بگو: آن کتابی را که موسی همچون مشعل هدایت برای مردم آورد و امتی را رهبری کرد، چه کسی نازل کرده بود: همان کتابی که اینک شما آن را در چند جزوه داستانی محدود کرده‌اید و بخش زیادی از معارف و احکام آن را نهان کرده‌اید که راه ایمان را بر مردم خود ببندید. شما مردم از همان کتاب موسی چیزهایی فرا گرفته‌اید که خود نمی‌دانستید و پدران شما هم نمی‌دانسته‌اند، بگو این خدا بود که تورات را بر موسی نازل کرد. تو این پاسخ را به نام خدا اعلام کن و مردم مشرک را واگذار که در بازی الفاظ غوطه‌ور گردند.

الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ۙ ۹۲ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمْرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ ۙ ۹۳ وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فِرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءَ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ۙ ۹۴ إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ

۹۲. و این قرآن کتابی است که ما نازل کرده ایم مبارک و جاودان، سند و گواه آن کتاب‌هایی که در برابر خود دارد تا مردم یهود و ترسا را به حقایق مخفی شده کتابشان رهنمون باشد و چهره تورات و انجیل را در آیات قرآن بازسازی کند و بدین منظور که ابتدا امت عرب را در مرکز آبادی‌ها و سپس مردمان سایر آبادی‌ها را از گرداگرد این مرکز انذار کنی و از عذاب قیامت بترسانی. مشرکان کافر که کتاب تورات و انجیل را باور ندارند بی شک به قرآن تو کافر می‌شوند و تنها کسانی که به آخرت ایمان می‌آورند به قرآن تو نیز ایمان می‌آورند و بر نمازهای خود مواظبت می‌نمایند.

۹۳. کیست که سیه‌کارتر باشد از کسی که بر خدا دروغ می‌بندد و یا می‌گوید: به من وحی شد، در صورتی که به او چیزی وحی نمی‌شود و یا آن کسی که می‌گوید: در آینده نزدیک من نیز آیاتی مانند آیات قرآن می‌سازم و نازل می‌کنم. این مدعیان دروغین سیه‌کارند. کاش حال زار این سیه‌کاران را نظاره می‌کردی آن لحظاتی که در گرداب مرگ دست و پا می‌زنند و فرشتگان، دستها را به سویشان دراز کرده و می‌گویند: جان پلید خود را از لجن‌زار پیکر خود بیرون بکشید و تسلیم شوید. امروز شما با عذابی خوار و اهانت‌بار کیفر می‌شوید، از آن رو که گفتِ ناحق را بر خداوند جهان می‌بستید و از پذیرش آیات الهی ابا و تکبر داشتید.

۹۴. شما امروز هر کدامتان تک و تنها از دل خاک برون شده‌اید و به حضور ما آمده‌اید درست به آن صورت که اول بار آفرینش شما را بی‌پدر و مادر در دل خاک آغاز کرده بودیم. شما خدم و حشم و نعمت و دولت را پشت سرتان در کلبه دنیا جا نهادید حتی آن خدایانی که تصور می‌کردید نزد خدا شفیع شمايند در کنار شما نمی‌بینیم که دست شما را بگیرند و از مهالك برهانند. ارتباط شما درهم گسیخته شد و بافته‌های فلسفی از خاطره شما گم شده

ذَلِكُمْ اللَّهُ فَانِي تُؤْفِكُونَ^{٩٥} فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ^{٩٦} وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ^{٩٧} وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ^{٩٨} وَهُوَ الَّذِي أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نَخْرُجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قَنَوانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرِّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ^{٩٩} وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَ اللَّهِ

است.

۹۵. آری خداوند جهان شکافنده دانه‌ها و هسته‌ها، دانه و هسته را در دل زمین می‌پروراند تا می‌شکند و شاخ و برگ و بر می‌گیرد. زنده را از دل مرده بیرون می‌کشد و همو مردگان را از دل زندگان بیرون می‌کشد. پروردگار شما همین خداوند جهان است. شما به کدامین دره نگون می‌شوید.

۹۶. شکافنده پرده سیاه شب با تیغ سپیده‌دم. روز را برای تلاش معاش و کسب معارف برآورد شب را برای آرامش روان و تن برقرار ساخت و خورشید و ماه را برای محاسبه روزها و سال‌ها، هندسه خداوند عزتمند دانا این چنین است.

۹۷. او خداوندی است که ستارگان را بر سقف آسمان نشاند تا در سیاهی شب‌ها در سفر خشکی و دریا رهیاب شوید. ما آیات خود را گونه‌گون در فصل‌های جداگانه بیان می‌داریم اما برای آن مردمی که راز پرورش کائنات را می‌دانند.

۹۸. او خداوندی است که همه شما را از یک جان پدید آورد. از آن پس شما را توقفگاه ثابتی است در بدن و توقفگاه سیاری است در قبضه عزرائیل و مأمورین عالم برزخ. ما آیات ربوبیت خود را در فصل‌های جدا از هم بیان می‌داریم اما برای آن مردمی که راز پرورش کائنات را می‌فهمند.

۹۹. او خدایی است که از آسمان باران نازل کرده است. ما با آن آب هرگونه گیاهی پروراندیم و از آن گیاه شاخه‌های سبزتری بیرون کشیدیم که از آن شاخه‌ها دانه‌های خوراکی و غیر خوراکی منظم و سوار بر دوش هم بیرون بکشیم. از درخت خرما شکوفه خرما برآوردیم و از شکوفه خرما خوشه‌های خرما فروافتاده و آویزان به سوی زمین تا در دسترس شما قرار گیرد. و بیشه‌هایی از انگور و زیتون و انار با انواع رنگارنگ و یک رنگ

وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُصِفُونَ ۱۰۰ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنِّي بِكَوْنِ لَهُ وَلَدٍ وَلَمْ تَكُن لَّهُ صَاحِبَةً وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۱۰۱ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۱۰۲ لَا تَدْرِكُهُ الْبَصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْبَصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ۱۰۳ قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ۱۰۴ وَكَذَلِكَ نَصْرَفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنَبِيْنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۱۰۵ اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ

برون آوردیم. به میوه این درختان بنگرید از موقعی که شکوفه برآید تا هنگامی که پخته شود و به طعم آید چه تحولاتی رخ می‌دهد؟ در همه اینها که برشمردیم آیات ربوبیت خالق برای آن مردمی مشهود است که ایمان می‌آورند.

۱۰۰. مشرکان ارواح پلید غیبی را که از دید آنان نهانند برای خدا انباز می‌شمارند و به آنان التجا می‌برند تا از شر آنها در امان بمانند با آنکه جنیان را هم خداوند جهان آفریده است و مخلوق خدا، انباز خدا نتواند بود. مشرکان از بی‌دانشی برای خدا پسران و دختران تراشیده‌اند خداوند جهان از وصف ناروای آنان منزّه و والا است.

۱۰۱. نقش‌آفرین آسمان‌ها و زمین، کجا برای او فرزندی تواند بود با آنکه همسر و همبالین ندارد. او هر موجودی را پدید آورده است و مخلوق او است نه همسر او و یا دختر و پسر او. او بر ایجاد هر خواسته‌ای دانا است.

۱۰۲. خداوند پروردگار شما این است. جز او خدایی نیست خالق هر موجودی او است. پس او را بپرسید و حاجات خود را به درگاه او ببرید که او هر خواسته‌ای را کارپرداز است.

۱۰۳. چشم‌ها او را در نمی‌یابند و او چشم‌ها را درمی‌یابد. او موجودی لطیف و آگاه است. ۱۰۴. اینک از پیشگاه پروردگارتان، دلایل بینش، فراسوی شما آمده است؛ هرکس چشمان خود را باز نماید و در شواهد روشن و دلایل بینش تأمل کند به سود جان خود اقدام کرده است و هرکس چشم خود را ببندد تا نبیند بر علیه جان خود اقدام کرده است. من نگهبان شما نیستم که با جبر و اصرار خود، شما را با حقیقت آشنا سازم.

۱۰۵. ما بدین صورت آیات خود را از جهات مختلف واری می‌کنیم برای آنکه راه بینش و معرفت باز شود و مشرکان و کافران بگویند: «این سخنان را از دیگران درس گرفته‌ای» و با این سخنان دانسته و یا ندانسته خواسته و یا ناخواسته به والایی و مکتبی بودن قرآن اعتراف نمایند و برای آنکه وحی قرآن را برای مردم دانا، روشن و مبین سازیم.

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ^{١٠٦} وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ^{١٠٧} وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ^{١٠٨} وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لِيُؤْمِنُوا بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ ^{١٠٩} وَنَقَلَبُ أَعْيُنَهُمْ وَابْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أُولَٰئِكَ مَرَّةً وَنَذَرُهُمْ فِي

١٠٦. فرمانی که از سوی پروردگارت به تو وحی می‌شود دنبال کن و در تأثیر و کاربرد آن تردید مکن. بگو: خدائی جز او نیست و از درگیری با مشرکان کناره بگیر.

١٠٧. اگر خدا خواسته بود آنان مشرک نمی‌شدند. ما تو را نگهبانشان نکردیم تا بر سر آنان بایستی و مادامی که ایمان نیاورده‌اند دست از سر آنان برداری. تو کارپرداز آنان نیستی که وسائل ایمانشان را فراهم سازی.

١٠٨. شما خدایان شرک را که مشرکان به جای خداوند رحمان به خدایی می‌خوانند شتم و دشنام مگوئید که آنان از روی بی‌دانشی تحریک شوند و متقابلاً خداوند شما را شتم و ناسزا بگویند. به این صورت که شما خود شاهد آنید؛ ما برای هر امتی کردار و پندارشان را در انتظارشان آراسته‌ایم. اینان نیز خدایان پوشالی خود را محترم می‌شمارند و بزرگان مذهبی خود را تقدیس می‌کنند. اگر شما به خدایانشان و بزرگانسان توهین روا بدارید تعصب کور آنان را تقویت می‌کنید و خداوند رحمان را با رسولان و خاصانش معرض اهانت دیگران قرار می‌دهید. هر امتی کیش خود را دنبال می‌کند تا مرگ، او را در رباید سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان خواهد بود و آنان را به دستاوردشان از نیک و بد آگاه خواهد ساخت.

١٠٩. این مشرکان به جدی‌ترین سوگندهایشان قسم یاد کرده‌اند که اگر معجزی به آنان برسد حتماً و بی‌شک ایمان می‌آورند، با این سوگندهای غلاظ و شداد آنان، شما مؤمنان نیز بر این تصور شده‌اید که اگر معجزی ارائه شود واقعاً مردم مشرک ایمان می‌آورند و امّ القری ما در شهرهای دنیا در حمایت از دین یکپارچه خواهد شد. مشرکان انتظار معجزه‌ای ندارند زیرا می‌دانند که ما از دروغ‌های آنان و از نیت آنان باخبریم ولی کدام دلیل و شاهی می‌تواند شما مؤمنان را قانع کند که اگر معجزه‌ای هم رخ دهد مردمان مشرک ایمان نمی‌آورند.

طُغْيَانِهِمْ يَوْمَهُمْ ۱۱۰ وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ يَجْهَلُونَ ۱۱۱ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرُهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ۱۱۲ وَلَتَصْغَى إِلَيْهِ أَفئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلَيَرْضَوْهُ وَلَيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ ۱۱۳ أَفَغَيَّرَ اللَّهُ أَبْنِيَّ حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ

۱۱۰. ما خودمان دل‌های این مشرکان را واژگون می‌کنیم و چشم‌هایشان را می‌بندیم تا ایمان نیاورند چنان که در اولین مرحله دعوت، دل‌ها و چشم‌های آنان را باژگونه کردیم که ایمان نیاوردند. ما خودمان این مشرکان را در سرکشی و طغیان‌شان رها می‌کنیم تا سرگشته و حیران بمانند. پس منتظر ایمان مشرکان نباشید.

۱۱۱. اگر ما به همه اقتراحات آنان ترتیب اثر بدهیم اگر ما معجزات درخواستی آنان را ارائه دهیم. اگر ما فرشتگان را به سوی آنان نازل کنیم. اگر ما مرده‌ها را زنده سازیم که با آنان سخن بگویند و عالم غیب را تأیید کنند. اگر ما همه معجزات عالم را در برابر چشمانشان بر صف کنیم با فلسفه‌ای که این مشرکان بافته‌اند آمادگی آن را ندارند که به معجزات ما و رسالت قرآن ایمان بیاورند مگر آن که خدا بخواهد و با مشیت قاهره‌اش بذر ایمان را در دل آنان بپروراند. ما به اینان گفته‌ایم که به اقتراحات ساده آنان نیز ترتیب اثر نمی‌دهیم ولی بیشتر آنان جهل می‌کنند و معجزات واهی می‌طلبند.

۱۱۲. به همین صورت که شاهد آنید ما برای هر پیامبری دشمنی از بدخواهان آدمی و پری برانگیخته‌ایم تا با نیرنگ و فریب، سخن شبهه‌ساز خود را به دیگری تلقین نماید و راه ایمان را مسدود سازد. اگر پروردگارت خواسته بود چنین نمی‌کردند و بدخواهان جن با بدخواهان آدمی رابطه برقرار نمی‌کردند تا فلسفه شرک و مرام جاهلیت را به مردم دیکته نمایند. اینک آنان را به حال خود رها کن با این دروغ‌هایشان که «جنیان پسران خدایند و فرشتگان دختران خدایند و همه آنان با خدای گیتی نسبت لاهوتی دارند که انباز خدا شده‌اند».

۱۱۳. و تا دل‌های آن کافران که به روز قیامت ایمان نمی‌آورند به سخن شبهه‌ساز شیاطین گوش بسپارند و با رضایت خاطر تحسین کنند و پذیرا شوند و هر چه خود می‌توانند بر آن بیفزایند و ما به پاسخ آن بپردازیم.

الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ^{١١٤} وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ^{١١٥} وَإِن تَطَّعْ أَكْثَرَ مِّن فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ^{١١٦} إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَن يَضِلُّ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ^{١١٧} فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِن كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ ^{١١٨} وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لِّيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ ^{١١٩} وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ

۱۱۴. آیا من باید غیر از خداوند جهان موجود دیگری مانند فرشتگان و یا مردگان را از دل زمین و فراز آسمان بجویم تا میان من و شما حکم گردد و قرآن را تأیید کند با آنکه خداوند جهان همان کسی است که قرآن را به سوی شما نازل کرده است و فرمان خود را در فصل‌های مختلف بیان کرده است؟ من فقط خداوند جهان را که نازل کننده قرآن است میان خود و شما حکم قرار می‌دهم و حکمیت او کافی است و گواهی و تأیید او مافوق گواهی و تأیید دیگران است. آن کسانی هم که ما تورات و انجیل آسمانی را به آنان عطا کرده‌ایم می‌دانند که این قرآن حق است و از جانب پروردگارت نازل شده است. مبادا از شبه‌گرایان باشی.

۱۱۵. کلمه پروردگارت با راستی و عدالت جا افتاد. هیچ قدرتی قادر نیست کلمات خدا را دگرگون سازد. پروردگارت تلاوت آیات را می‌شنود و کتابت قرآن را می‌بیند و دگرگونی‌ها را از ساحت آن دور می‌سازد.

۱۱۶. اکثر جوامع گمراهند و اگر تو از رأی اکثریت متابعت کنی تو را از راه خدا بدر می‌کنند و گمراه می‌سازند. آنان علم و دانش ندارند و جز پندار و گمان خود را دنبال نمی‌کنند و حق و باطل را با حدس و تخمین به داوری می‌گذارند.

۱۱۷. از توافق اکثریت وحشت مکن پروردگار تو بهتر می‌داند چه کسی از راه خدا گم می‌شود. او رهیافتگان راه خود را بهتر می‌شناسد.

۱۱۸. پس شما مؤمنان نیز به آراء مشرکان که اکثریت دارند توجه نکنید و از گوشت آن دامها که با نام خدا ذبح می‌شوند تناول کنید. اگر شما به آیات خدا ایمان آورده‌اید نباید حلال و حرام آنان را معتبر بدانید.

۱۱۹. شما را چه می‌شود که از تناول گوشت آن دامها که با نام خدا ذبح می‌شوند ابا می‌ورزید با آنکه خداوند رحمان تمام محرمات دامی را برای شما به تفصیل بیان کرده و

وَبَاطِنُهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيَجْزُونَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ ۱۲۰ وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يَذْكَرْ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفَسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لِيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ۱۲۱ أَوْ مَنْ كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مِثْلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زَيْنٌ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۱۲۲ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ

حالت اضطرار آن را هم برای شما استثنا کرده است. در آن فصل بندی‌ها نامی از چنین دام حرامی به میان نیامده است که شما از تناول آن پرهیز دارید. اینها تصورات واهی مشرکان است که «اگر دامی با نام خدا ذبح شود گوشت و پیه آن مال خدا خواهد بود تا آتشی بفرستد و آن بخورد و یا خوراک ددان و مرغان گردد و هر کس از گوشت آن قربانی تناول کند به حریم خدایی تجاوز کرده است». به یقین بیشتر این مشرکان از روی بی‌دانشی با رأی خرافی خود مردم را به گمراهی می‌کشاند. به یقین پروردگارت مردمان متجاوز را بهتر می‌شناسد.

۱۲۰. شما زورگویی و گناه دل را وانهدید نه در دل نهان دارید و نه بر زبان آورید. به یقین کسانی که خریدار زورگویی می‌شوند و گناه دیگران را به جان می‌خرند به زودی سزای گناه‌اندوزی خود را خواهند دید.

۱۲۱. شما نباید از گوشت آن دامی تناول کنید که به هنگام سر بریدنش نام خدا بر آن یاد نشود. این را بدانید که تناول از گوشت آن دامی که عمداً نام خدا بر آن یاد نگردد فسق است. اینها از آراء خرافی مشرکان است که؛ «هرکس بخواد از گوشت دام‌ها تناول کند نمی‌تواند نام هیچ خدایی را بر آن یاد کند، نه خدای خدایان و نه خدایان بتها که اگر نام خدایان بتها بر ذبیحه یاد گردد گوشت آن جز بر خادمان و زائران آن بت حلال نخواهد بود و اگر نام خدای خدایان بر ذبیحه یاد شود گوشت آن بر همگان حرام خواهد بود و باید در مذبح رها شود تا خوراک مرغان و ددان گردد». شما باید این را بدانید که شیاطین ناپیدا به دوستان مشرک خود وحی و اشارت می‌کنند تا با این بافته‌های خرافی با شما به بحث و جدل بنشینند، اگر شما از آراء مشرکان اطاعت کنید و بر دام‌های خود نام خدا را نبرید بی‌شک شما هم مشرک شده‌اید.

۱۲۲. آیا آراء خرافی شرک با احکام فطری قرآن برابر است؟ آیا آن کسی که چون مردگان از بینش و معرفت محروم بود و ما او را با اعطای بینش و معرفت زنده کردیم و برای او مشعلی فروزان از علم و ایمان برافروختیم تا با پرتو آن در میان مردم راه خود را بیابد مانند

قَرِيَةً أَكْبَرُ مَجْرِمِهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ۱۲۳ وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رَسُلَ اللَّهِ أَفَلَمْ يَعْلَمِ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ ۱۲۴ فَمَنْ يَرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يَرِدْ أَنْ يَضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ۱۲۵ وَهَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ۱۲۶ لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۱۲۷ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ

آن کسی است که در سیاهی جهالت‌ها فرومانده باشد و راهی برای خروج و رهایی نیابد؟ با این‌گونه افکار خرافی و تعصبات کور است که دستاورد کافران در انظارشان مزین جلوه‌گر شده است.

۱۲۳. به همین صورت که در جامعه خود می‌بینید در هریک از جوامع، ملل سران تبهکارشان را بر سریر قدرت برقرار کردیم تا بر علیه حق نیرنگ ببازند و فلسفه مسموم خود را به وسیله ساده‌لوحان پخش کنند ولی بی‌خبرند که به جان خود نیرنگ می‌زنند.

۱۲۴. و چون آیتی از آیات الهی به آنان برسد سینه‌هایشان تنگ می‌شود و می‌گویند: ما با موقعیت اجتماعی و وجاهت در جامعه به رسالت سزاوارتریم. ما ایمان نمی‌آوریم مگر آنگاه که هر چه رسولان خدا دریافت کرده‌اند ما نیز همانند آن را دریافت کنیم. خداوند جهان بهتر می‌داند که مقام رسالت را در وجود کدام کس برقرار سازد به زودی در پیشگاه خداوند جهان خواری و ذلت بر چهره این تبهکاران خواهد نشست با عذاب سختی که باید به خاطر نیرنگ و فریب خود تحمل کنند.

۱۲۵. هر کس را که خدا بخواهد رهیاب سازد با سکینه و آرامش سینه او را گشاده می‌سازد تا قلب و روحش انبساط یابد و با تفکر سالم و درک صحیح و تشخیص درست، راه خدا را ارزیابی کند و در برابر فرمان او تسلیم شود و هر کس را که خدا بخواهد در بیراهه فروگذارد با آن خودخواهی و حسد ورزی که دارد سینه‌اش را تنگ و فشرده می‌سازد تا آن حد که نفس‌های او به شماره افتد و از هوای آزاد محروم شود، چونان کسی که با اضطراب و قلق در تلاش است که به آسمان بالا رود. بدین صورت است که انسان از تفکر سالم و درک صحیح باز می‌ماند و در کفر خود پابرجا می‌شود و خداوند جهان پلیدی را بر وجود آن کافرانی بار می‌کند که ایمان نمی‌آورند.

۱۲۶. راه پروردگار تو این است؛ راست و مستقیم. ما آیات خود را برای آن مردمی که اهل

جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدْ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا
بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ
حَكِيمٌ عَلِيمٌ^{۱۲۸} وَكَذَلِكَ نُؤَلِّيُ بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^{۱۲۹} يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ
وَإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا
عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّبْنَاهُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ^{۱۳۰} ذَلِكَ أَنْ لَمْ

تذکر باشند در فصل‌های مختلف و با چهره‌های گونه‌گون بیان می‌نماییم.

۱۲۷. برای این مردمی که اهل تذکر باشند و راه را بازشناسند خانه صفا و سلامت در پیشگاه پروردگارشان مهیا است. پروردگارشان ولایت و سرپرستی آنان را به عهده دارد به خاطر دستاوردی که به همراه خود آورده‌اند.

۱۲۸. روزی که همه آنان را از آدمی و پری برای حسابرسی در صحرای محشر گردآوریم به آنان خطاب کرده و می‌گوییم: ای پریان که برای نوبت دوم راهی دوزخ می‌شوید به یقین دوستان فراوانی از بشر به دنبال خود آورده‌اید؟ و دوستانشان با تأسف می‌گویند: پروردگارا ما فقط چند صباحی از محبت یکدیگر کامیاب و بهره‌مند گشتیم. پریان ما را با تسویلات شیطانی خود اغوا کردند و ما با کمک آنان به عیش و نوش بیشتری دست پیدا کردیم تا به پایان عمری که برایمان مقدر کرده بودی رسیدیم. اینک با کوله‌باری از شرک و نافرمانی به درگاهت آمده‌ایم. پروردگارشان گوید: پشیمانی امروزتان سودی ندهد. دوزخ جایگاه شما خواهد بود جاودانه جز آنکه خدا خواسته است که روزی دگر دوزخ را بر سرتان منفجر سازد و همه شما را به صورت جن از دوزخ برون بریزد؛ به یقین پروردگار تو کاردان و داناست.

۱۲۹. به این صورت است که ما برخی از سیه‌کاران را بر سیه‌کاران دگر می‌گماریم تا در اغوای آنان بکوشند و این به خاطر گناهی است که به جان می‌خرند.

۱۳۰. و در خطابی دیگر به آنان گوییم: ای پریان و آدمیان. آیا از میان شما رسولانی نزد شما نیامدند که تلاوت آیات مرا بر شما دنبال کنند و از دیدار این روزتان بترسانند؟ گویند: چرا آمدند و حکایت کردند ولی ما باور نکردیم و تهدید دوزخ را جدی نگرفتیم و اینک به خطای خود اعتراف داریم. سران دوزخی از آدمی و پری با نیرنگ و فریب و با سخنان آراسته فلسفی، مردم را از راه حق بدر کردند و زندگی پر زرق و برق دنیا آنان را خام کرد و اینک اعتراف دارند که از کافران بوده‌اند.

يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ ۱۳۱ وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ۱۳۲ وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَاءْ يُدْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلَفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةٍ قَوْمٍ آخَرِينَ ۱۳۳ إِنْ مَا تُوْعَدُونَ لَاتٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ۱۳۴ قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ۱۳۵ وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۱۳۶

۱۳۱. این شرح را از این جهت آوردیم که همگان بدانند، پروردگارت هیچ مجتمعی را به خاطر سیه‌کاری هلاک و نابود نخواهد کرد در حالی که مردم آن مجتمع از پیام خدا غافل و بی‌خبر باشند.

۱۳۲. برای هر دستاوردی از کردار و پندار مردم، حدی از مسئولیت وجود دارد و هر کسی به میزان مسئولیت و بر اساس علم و اطلاعات سزا خواهد دید. پروردگارت از دستاورد مردم غافل و بی‌خبر نیست.

۱۳۳. پروردگارت از ایمان و اطاعت مردم بی‌نیاز است و بر خطا و گناه آنان صاحب بخشایش و رحمت است. اگر بخواهد شما را می‌برد و بعد از شما هر نوع جاننداری که بخواهد جانشین شما می‌سازد آن‌سان که شما را از نسل مردمی دیگر برآورد.

۱۳۴. بی‌شک هر عذابی را به شما نوید دهند آمدنی است و شما از چنگال عذاب الهی نیروی فرار ندارید.

۱۳۵. بگو: شما ای کافران با تمام قدرت و با همه امکانات موجود به کار خود بپردازید که من نیز به کار خود پرداخته‌ام. به زودی خواهید دانست که پایان زندگی به سود که خواهد بود؟ شما سیه‌کارید. باید این را بدانید که سیه‌کاران رستگاری ندارند.

۱۳۶. سران شرک و بت‌پرستی با تصورات خرافی از دانه و دامی که خداوند جهان در پهنه گیتی افشانده است برای خدا سهمی برقرار کرده‌اند؛ به این صورت که می‌گویند: این سهم از آن خدای خدایان باشد که خداوند جهان است و این سهم دیگر، از آن خدایان دیگر که اعضای دولت اویند. اما در مقام اجرا و عمل چنین نمی‌کردند. قسمت خدایان، به معابد آن خدایان سرازیر می‌شد تا صرف زائران و خادمان معابد گردد و طبیعی بود که این قسمت به خدای خدایان نرسد و قسمت خدای خدایان، که می‌باید بر آدمیان تحریم شود و در صحرا و کوهستان برجا بماند تا خوراک ددان و مرغان گردد به یکی از خدایان دیگر تعلق می‌گرفت

وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَاءَهُمْ لِيُرُدُّوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ^{۱۳۷} وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْتُ حَجْرًا لَّا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَّشَاءَ يَزْعَمِيهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَّا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءٌ عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ^{۱۳۸} وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَيَّ أَزْوَاجِنَا وَإِن يَكُن مِّتَّةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصَفَّهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ^{۱۳۹} قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا

تا هرچه بیشتر مورد بهره‌برداری آنان قرار گیرد و از چنگال ددان و مرغان بدر آید. داوری آنان در تقسیم‌بندی زشت و رسوا بود.

۱۳۷. به همین صورت که ارواح خبیثه شیطان‌ها آراء خرافه را در مورد دام‌ها و دانه‌ها زیب و زیور بستند و به گوش مشرکین فراخواندند تا به مرحله اجرا درآمد، این خرافه را نیز به گوش آنان زمزمه کردند که: «هر کس بخواهد به مقام خلّت برسد باید مانند ابراهیم نخست زاده خود را به قربانگاه ببرد تا اگر خدا خواسته باشد و فرزند او را بپذیرد قربانی او را قبول کند و اگر نخواسته باشد فرزند را به پدر ببخشد آن چنان که اسماعیل را به ابراهیم بخشید». ارواح خبیثه، این گناه عظیم را در انظار مشرکین آذین بستند تا آنان را به نهایت سقوط بکشانند و کیش ملی ابراهیم را بر آنان مشتبه سازند. اگر خدا خواسته بود مانع می‌شد و چنین نمی‌کردند. اینک مشرکان را با همه بافته‌هایشان رها کن و به حال خود بگذار.

۱۳۸. مشرکان در ضمن یک خرافه دیگر گفته‌اند که این دام‌ها و دانه‌ها که سهم خدایان است و به معبد خدایان تقدیم می‌شود شایسته هرکس و ناکس نیست. فقط زائرانی از این دام و دانه خواهند چشید که ما تصمیم بگیریم. در تصورات خرافه‌آمیز دیگری برخی از دام‌ها را به این صورت تحریم کردند که هیچ‌کس بر آنها سوار نگردد. برخی از دام‌ها را می‌کشتند ولی نام خدا را بر آن ذکر نمی‌کردند مبادا که گوشت آنها حرام گردد. و این خود افترای دیگری بود که بر خدا می‌بستند. به زودی خداوندشان سزای بافته‌ها و افترایشان را خواهد داد.

۱۳۹. می‌گفتند: این دام‌ها که باید به معابد تقدیم شود بره‌هایشان اگر زنده برآیند ویژه مردان مایند و بر همسران ما حرامند و اگر مرده برآیند زنان و مردان در تناول آن مرده، شریک می‌شوند. به زودی خداوندشان سزای این زبان بازی آنان را خواهد داد. به یقین خداوند جهان کاردان و دانا است.

أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ۱۴۰
 وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ
 مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ
 الْمُسْرِفِينَ ۱۴۱ وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرَسًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ
 لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۱۴۲ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ الذَّكْرَيْنِ حَرَمٌ أَمِ
 الْأُنثَيَيْنِ أَمَا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ نَبَوُونِي بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۱۴۳ وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ
 وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ الذَّكْرَيْنِ حَرَمٌ أَمْ الْأُنثَيَيْنِ أَمَا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ أَمْ كُنْتُمْ
 شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّاكُمْ اللَّهُ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنْ
 اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۱۴۴ قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوْحِيَ إِلَيَّ مُحْرَمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا

۱۴۰. آن کسانی که فرزندان خود را با سفاقت و بی‌دانشی به پای بتها قربانی کردند بی‌شک زیان بردند. آن کسانی که روزی خدا را با دروغ بستن بر خدا تحریم کردند زیان بردند. بی‌شک راه خود را گم کردند و رهیاب نشدند.

۱۴۱. خدای شما همان خدایی است که بیشه‌زارها و بوستان‌ها را برآورد؛ برخی چون تاک برافراشته بر شاخه‌ها و پایه‌ها، برخی فروافتاده بر صخره‌ها و تپه‌ها، نخلستان‌ها و کشتزارها برآورد با خوراکی‌های گوناگون. درخت‌های زیتون و انار هم‌رنگ و رنگارنگ. از میوه این درختان تناول کنید بعد از آنکه رسیده باشد و روز درو کردن غلات و چیدن میوه‌جات حق برداشت را به مستمندان سائل تقدیم کنید و در پرداخت آن راه اسراف و زیاده‌روی در پیش نگیرید. به یقین خداوندتان اهل اسراف و زیاده‌روی را دوست نمی‌دارد.

۱۴۲. از دام‌ها برخی را برای بارکشی آفرید و برخی را برای چانیدن و پروریدن. از گوشت و شیر آنها که روزی حلال است تناول کنید و گام‌های شیطان را دنبال نکنید که با وسوسه‌های خرافه‌آمیز او حلال خدا را بر خود حرام سازید. به یقین شیطان لعین برای شما دشمنی است که مراتب دشمنی را آشکارا اعلام کرده است.

۱۴۳. خداوند رحمان، هشت جفت دام سم شکافته را برای شما از آسمان نازل کرده است؛ از گوسفند دو جفت وحشی و اهلی و از بز دو جفت وحشی و اهلی. بگو: آیا نرینه بز و گوسفند را خدا تحریم کرده است یا مادینه آن دو را و یا آن بره‌هایی را که زهدان گوسفند و بز در خود پروریده است؟ با آگاهی و دانش به من خبر بدهید اگر راست می‌گویید؟

۱۴۴. و از شتر، دو جفت وحشی و اهلی را و از گاو هم، دو جفت وحشی و اهلی. بگو: آیا

أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خَنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أَلْهَلَ لِعَبْدِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ
 غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ^{۱۴۵} وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَمًا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ
 وَالْغَنَمِ حَرَمًا عَلَيْهِمْ شُحُومُهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوْ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ
 جَزَيْنَاهُمْ بِبَعْضِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ^{۱۴۶} فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ

نرینه شتر و گاو را خدا تحریم کرده است یا مادینه آن دو را و یا آن بره‌هایی که زهدان شتر و گاو در خود پروریده است؟ آیا از رسولان خدا شنیدید که این احکام را به شما ابلاغ کردند یا خودتان شاهد بودید و به گوش خود شنیدید که خداوند شما را به این گونه احکام سفارش فرمود؟ کیست که سیه‌کارتر باشد از کسی که چون مردم مشرک بر خدا دروغ ببندد تا مردمان را در اثر بی‌دانشی گمراه سازد. دروغ بستن بر خدا سیه‌کاری است و خداوند جهان، سیه‌کاران را رهبری نخواهد کرد.

۱۴۵. بگو: در قرآنی که به من وحی شده است دامی را ندیدم که بر خوردگان بشر حرام باشد مگر آنکه مردار باشد که قهراً و لزوماً سباع و درندگان خواه از چرندگان و خواه از پرندگان حرام خواهند بود زیرا که از گوشت مردار تغذیه می‌نمایند و یا آنکه خون جهیده باشد که قهراً و لزوماً درندگان و خون آسمان نیز حرام خواهند بود و یا گوشت خوک باشد از انواع خوک‌ها که گردن او نمی‌چرخد و چشمانی کوچک و کج دارد زیرا گوشت خوک‌ها پلید است و یا دامی باشد که کشته باشند و با تمرد و نافرمانی نامی غیر از نام خدا بر آن یاد کرده باشند. با وجود این هر کس به تناول این محرّمات دامی ناچار شود - با این شرط که برای چپاول و غارت یا آدم‌کشی و خسارت در بیابان نمانده باشد - گناه او آمرزیده است چرا که پروردگارت آمرزنده‌ای مهربان است.

۱۴۶. و بر یهودیان «به فتوای دانشمندانشان هر حیوانی که ناخن دارد حرام کردیم و از گاو و گوسفند، چربی پیه را بر آنان حرام کردیم مگر آن چربی پیه که بر پشت حیوان بار شده باشد و یا به روده‌ها پیچیده باشد و یا به استخوان‌ها چسبیده باشد». این فتوای ناحق را به سزای خودخواهی آنان ترویج کردیم و ما راست می‌گوییم که گناه این فتوا بر دوش فقهایشان بود. گفتند: هر حیوانی که ناخن دارد حرام است. و با این عموم فتوا اسب و استر و همه پرندگان و چرندگان صاحب ناخن را تحریم کردند با آنکه ما گفته بودیم «هر حیوانی که ناخنی چون خنجر دارد و طعمه خود را شکار می‌نماید حرام است». اسرائیل جمل را بر خود حرام کرد و یهودیان از او متابعت کردند ولی فقهای خام، جمل را عمومیت دادند و پیه

الْقَوْمِ الْمَجْرِمِينَ^{١٤٧} سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى دَاقُوا بِآسِنَاتِنَا فُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ^{١٤٨} قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ^{١٤٩} قُلْ هَلُمْ شُهَدَاءُ كُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ^{١٥٠} قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا

آب شده گاو و گوسفند را بر مردم حرام کردند که نام آن جمل است.
 ١٤٧. پس اگر مردم یهودی تو را تکذیب کردند به تکذیب آنان ترتیب اثر مده. به پاسخ آنان بگو: پروردگار شما رحمتی وسیع دارد و اگر از راه خطا باز گردید توبه شما را می پذیرد و اگر به تکذیب و تبهکاری ادامه دهید خشم و سطوت پروردگار از تبهکاران باز پس نخواهد گشت.

١٤٨. به زودی مشرکان با تو می گویند: اگر خدا خواسته بود ما مشرک نمی گشتیم و نه پدرانمان و نه چیزی را تحریم می نمودیم زیرا خواست خدا تخلف ندارد و آنچه را نخواهد معدوم می کند و یا از وجود آن مانع می شود. ملت های پیشین نیز با همین منطق واهی دعوت انبیا را تکذیب کردند تا در آخر کار تلخی سطوت ما را چشیدند. به آنان بگو: آیا درباره خواست خدا علم و دانشی دارید که سند آن را برای ارزیابی ارائه نمایید؟ شما فقط پندار و گمان خود را دنبال می کنید. شما فقط حدس و تخمین می زنید.

١٤٩. بگو: شما درباره خواست خدا علم و دانشی ندارید. خواست خدا همان ناموس طبیعت است و ناموس طبیعت در اختیار همگان قرار دارد. پس سند قطعی و حجت رسا از آن خداوند است. اگر خدا خواسته بود همه شما را به راه درست هدایت می کرد ولی شما را در انتخاب ناموس طبیعت آزاد و مختار رها کرد تا خودتان راه درست را بجوید و مسئولیت انتخاب را بر دوش بگیرید.

١٥٠. بگو: اگر شما مشرکان ادعا دارید که خدا خود دامها را حرام کرده است و شما از پیش خود چیزی را حرام نکرده اید، پس گواهان خود را بیاورید و بر صف کنید، همان گواهانی که شهادت می دهند خدا خود این دامها را بر مردم حرام کرده است. اگر کسانی پیدا شوند و شهادت بدهند تو با آنان شهادت مده تو آراء آن مردمی را دنبال نکن که آیات ما را تکذیب کرده اند و نه آراء این مردمی را که به روز آخرت ایمان نمی آورند و برای پروردگارشان همتا می تراشند.

حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ^{۱۵۱} وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكَُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ^{۱۵۲} وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا

۱۵۱. بگو: اگر می‌خواهید محرمات الهی را بشناسید بیائید تا آنچه را خداوند پروردگارتان بر شما قدغن کرده است از زبان قرآن بر شما تلاوت کنم. پروردگارتان حرام و قدغن کرده است که هیچ‌خدایی را شریک و انباز او بدانید که شرک‌ورزی حرام است. باید همواره با پدر و مادر خود احسان کنید که عقوق آنان و بریدن از آنان حرام است. و فرزندان خود را با دست خود به قتل مرسانید که آنان را از ترس تهی‌دستی گرسنه و بی‌دوا بگذارید، این ما هستیم که شما و آنان را روزی می‌دهیم. قتل فرزندان گرچه با دست پدران باشد که پرورنده و ربّ آنان بوده‌اند حرام است. به کارهای فاحشه نزدیک نشوید - خواه فاحشه آشکارا باشد یا فاحشه نهان - که هر نوع فاحشه حتی عریان شدن در برابر اجنبی حرام است و نزدیک شدن به محرمات الهی روا نیست. کسی را به ناحق نکشید که ریختن خون ناحق حرام است. پروردگارتان شما را سفارش می‌کند، باشد که شما اندیشه کنید و حرام خدا را از خلال این وصایا دریابید.

۱۵۲. پروردگار شما حرام و قدغن کرده است که به مال یتیمان نزدیک نشوید که خوردن مال یتیمان حرام است جز به آن صورتی که برای یتیم نیکوتر باشد، پس باید از مال یتیم مراقبت به عمل آورید تا آنگاه که یتیم شما به مرحله‌توان روحی و جسمی برسد. باید پیمانه و ترازو را در معاملات خود به عدالت پر کنید تا حق مردم را داده باشید که خوردن مال مردم حرام است. ما به هیچ‌کس جز به قدر امکانش تکلیف نمی‌نمائیم؛ اگر پیمانه غلط باشد و یا سنگ ترازو، کم باشد و کسی نداند مسئولیتی ببار نمی‌آید. و چون درباره‌شهادت و یا مقام داوری سخن بگوئید باید با داد و عدالت سخن بگوئید که گواهی باطل و داوری ناحق حرام است گرچه به سود خویشان شما باشد و با نام صلّه رحم انجام شود. باید به عهدی که با خدا می‌بندید وفا نمائید که شکستن عهد و نذر و قسم حرام است. پروردگارتان شما را به همه این احکام سفارش می‌کند، باشد که شما به خاطر بسپارید و راه شناخت حرام را بیابید.

فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ^{۱۵۳} ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ^{۱۵۴} وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ^{۱۵۵} أَمْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَيَّ طَائِفَتَيْنِ مِن قَبْلِنَا وَإِن كُنَّا عَن دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ^{۱۵۶} أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيْنَهُم مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَبَ بَيِّنَاتٍ لِّلَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجِزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَن آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ^{۱۵۷}

۱۵۳. پروردگار شما حرام و قدغن کرده است که راه من این است، راست و مستقیم. پس باید راه مرا بدون تقلب و بی‌کاستی و کژی دنبال کنید و به سایر راهها منحرف نشوید که آن راهها شما را از راه خدا جدا می‌کند و انحراف و جدائی از راه خدا حرام است. خداوند پروردگارتان شما را به این تکلیف اصیل خود سفارش می‌کند، باشد که شما راه تقوا را بیابید و از هر گونه انحراف و تقلب پرهیز کنید.

۱۵۴. ما در ابتدای رسالت همین ده فرمان را به موسی عطا کردیم سپس کتاب تورات را به او دادیم تا عطای ده فرمان را به نیکی اجرا کرده بود کامل کرده باشیم و بدین منظور که تورات آسمانی فصل به فصل، احکام همه چیز را روشن کند و هدایت و رحمتی باشد برای همگان و با این امید که مردم به دیدار پروردگارشان ایمان بیاورید.

۱۵۵. و اینک این قرآن کتاب دیگری است که نازل کرده‌ایم. فرخنده و مبارک. پس شما باید همین قرآن را پیروی نمائید و از کتاب‌های دیگر پیروی ننمائید که خدا را به خشم می‌آورید. از خشم خدا بترسید باشد که مورد رحمت او قرار بگیرید.

۱۵۶. ما این قرآن را بر شما مردم عرب نازل کردیم تا نگوئید که منشور آسمانی بر دو طایفه از امت‌های پیشین نازل شده بود و ما از آموزش زبان و تعلیمات مذهبی آنان در بابل و یونان غافل و بی‌خبر بودیم.

۱۵۷. یا بگوئید که اگر بر ما هم منشوری نازل شده بود به خاطر شرافت حسب و نجابت در نسب بهتر از آنان در راه هدایت گام می‌زدیم. اینک شما را کتابی روشنگر از پیشگاه پروردگارتان فرا آمده است به همراه رهنمود و رحمت. کیست که سیه‌کارتر باشد از کسی که مانند شما مشرکان آیات خدا را تکذیب کند و به سختی روبرتابد؟ به زودی آن دسته از مشرکان را که به سختی از آیات ما روبر می‌تابند به خاطر همین جسارت با بدترین شکنجه‌ها سزا می‌دهیم.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلْ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ^{١٥٨} إِنَّ الَّذِينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ^{١٥٩} مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ^{١٦٠} قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ^{١٦١} قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^{١٦٢} لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ^{١٦٣} قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ

١٥٨. آیا به انتظار آن نشسته‌اند که فرشتگان به حضورشان برسند و قرآن را تأیید کنند؟ و یا به انتظار آنند که پروردگارت شخصاً به حضور آنان برسد و بگوید قرآن کلام من است؟ و یا به انتظارند که برخی از معجزات پروردگارت به آنان واصل شود؟ آن روز که برخی از نشانه‌های پروردگارت برای مردم ظاهر شود و با چشم خود بنگرند که جانداري در دل خاک پرورش می‌یابد و از خاک سر بیرون می‌کند و حشر و نشر قیامت را تأیید می‌کند دیگر ایمان آن کسانی که تا آن روز ایمان نیاورده‌اند سودی نخواهد داد و اگر ایمان آورده‌اند و اعمال خیری انجام نداده‌اند دیگر اعمال خیر آنان پاداشی نخواهد داشت. بگو: شما به انتظار بنشینید که ما هم در انتظاریم.

١٥٩. به یقین کسانی که دین خود را بر پایه احتمالات به تفرقه کشاندند و به دسته‌جات مختلفی تقسیم شدند با تو بیگانه و بی‌ارتباطند. از هیچ جهت مسئولیت آنان بر تو نیست. پرونده اعمال آنان به سوی خدا بالا می‌رود و کار آنان به خدا حوالت می‌شود و خداوندشان به روز قیامت آگاه می‌سازد که چه کارها می‌کرده‌اند.

١٦٠. هر کس با یک کار نیک به محشر بیاید ده بر یک، پاداش می‌برد و هر کس با یک کار بد به محشر بیاید غیر از یک بر یک سزا نمی‌بیند و مردم را سیاه نمی‌کند.

١٦١. بگو: به یقین می‌دانم که خداوند من به راه راست خود، رهنمون شده است، دینی پا بر جا، همان کیش ابراهیم در حال اعتدال و استقامت، ابراهیم از مشرکان نبود.

١٦٢. بگو: بی‌شک نماز من و قربانی من و جنبش من و آرامش و سکون من خالصاً برای خداوند، پروردگار جهانیان انجام می‌پذیرد.

١٦٣. در طاعات و عبادات من خدا شریک ندارد و ریا صورت نمی‌گیرد. من به اعتدال و استقامت و اخلاص در عمل، فرمان یافته‌ام. و من اولین مسلمانم که پیشاپیش دیگران به

رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ
فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ^{۱۶۴} وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ
بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيُبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ^{۱۶۵}

فرمان خدا تسلیم شده‌ام.

۱۶۴. بگو: آیا باید غیر از خداوند جهان، پروردگاری بجویم با آن که خدای جهان پروردگار جهان و جهانیان است. هیچ کس گناه خود را جز بر دوش خودش بار نمی‌کند و هیچ کس بار گناه دیگران را بر دوش نمی‌کشد. در پایان زندگی همه شما به سوی پروردگارتان باز می‌گردید و او شما را از مسائل اختلافی و کردار ناهماهنگتان با خیر خواهد ساخت.

۱۶۵. و او است که شما را در عرصه زمین جانشین مردم پیشین کرد و با عطای خود برخی را به چند درجه بر دیگران برتری بخشید تا شما را در آن بخشش‌های نابرابر بیازماید. به یقین پروردگارت نسبت به کافران نعمت، کیفری سریع دارد و همو آمرزنده‌ای مهربان است.

الأعراف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

المص^١ كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لَتُنذِرَ بِهِ وَذَكَرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ^٢ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ^٣ وَكَمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ^٤ فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ^٥ فَلَنَسْتَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْتَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ^٦ فَلَنَقْصِنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَ مَا كُنَّا غَائِبِينَ^٧ وَالْوَزْنَ يَوْمئِذٍ الْحَقُّ فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^٨ وَمَن خَفَّتْ مَوَازِينُهُ

١. ا.ل. م. ص.

٢. این کتابی است که فراسویت نازل شده است. مبدا از ناحیه ابلاغ آن در سینهات تنگی و ملالی حاصل شود که چرا پیشرفتی حاصل نمی‌شود. ما قرآن را بر تو نازل کرده‌ایم تا به وسیله آن مردم را انذار کنی و از قیامت بیم دهی و برای آن است که تذکاری باشد برای مؤمنان.

٣. ای مردم! کتابی را که از سوی پروردگارتان به سوی شما نازل شده است متابعت نمایید و غیر از پروردگارتان هیچ‌کس از مدعیان را که ادعای ربوبیت و پرورش دارند و به نام مولی و رهبر و خداوندان برتر بر شما حکومت دارند پیروی نکنید. ولی شما مردم کمتر پند ما را به گوش می‌گیرید.

٤. چه بسیار آبادی‌ها که هلاک و نابودشان کردیم و عذاب ما در خواب شبانه بر سر آنان فرود آمد و یا در استراحت نیمروز.

٥. موقعی که عذاب ما بر سر آنان فرود آمد جز این فریادی از سینه بر نیاوردند که ما خود سیه‌کار بودیم.

٦. به حق سوگند که ما از آن امت‌ها که رسولی بر آنان گسیل شد بازپرسی می‌کنیم و از رسولانشان نیز بازپرسی خواهیم نمود.

٧. و یک یک اعمال آنان را با علم و اطلاع کامل بر آنان احصا می‌کنیم. ما از حضور آنان غایب نشدیم و ناظر اعمالشان بوده‌ایم.

٨. در آن روز ترازو بر حق است و درست. هر کس وزنه‌های اعمالش سنگین باشد رستگار است که از دوزخ رهیده به بوستان‌های بهشتی وارد می‌شود.

فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ^٩ وَلَقَدْ مَكَنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ^{١٠} وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ^{١١} قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ^{١٢} قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ^{١٣} قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ^{١٤} قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ^{١٥} قَالَ فِيمَا أُغْوَيْتَنِي لِأَفْعَدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ^{١٦} ثُمَّ لَا تَجِدُنَّ مِنْهُمْ مَنِ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ^{١٧} قَالَ أَخْرَجُ مِنْهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا لِمَنْ

۹. و هر کس وزنه‌های اعمالش سبک باشد ورشکسته واقعی است که در اثر سیه‌کاری سرمایه جان را به خسارت از کف داده است.

۱۰. به یقین ما در عرصه زمین به شما قدرت و امکان دادیم و برای شما توش و معاشی برقرار نمودیم ولی شما کمتر شکر و سپاس آن را ادا می‌کنید.

۱۱. ما آفرینش شما را آغاز کردیم و پس از مراحل نقیص صورت و اندامتان را مشخص کردیم و در این میان که شما چون جنین سه‌ماهه نارس بودید آفرینش آدم را به کمال رساندیم و از روح خود در او دمیدیم و با فرشتگان گفتیم: به افتخار آفرینش آدم سجده کنید و به خاک بیفتید. همه فرشتگان به عظمت آفرینش، ابداع خدا را سجده بردند جز ابلیس که از ساجدان نبود.

۱۲. خدایش گفت: مانعت چه بود که چون فرمانت دادم سجده نکردی؟ ابلیس گفت: مانع من آن بود که من از آدم به‌ترم؛ تو مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل آفریده‌ای من که والاترم نباید افتخار آفرینش او را تأیید کنم.

۱۳. خداوندش گفت: از این جایگاه والا فرود شو و در کره بعدی جای بگیر که تو را نمی‌رسد در این جایگاه والا تکبر ورزی و خود را از بزرگان بشماری. با خفت برون شو که از تحقیر شدگان خواهی بود.

۱۴. ابلیس گفت: مرا تا روز رستاخیز بشر مهلت بده تا در این جایگاه والا بمانم.

۱۵. خداوندش گفت: تو نیز از مهلت‌یافتگانی که در این جایگاه والا بمانی.

۱۶. ابلیس گفت: از آن رو که خامم کردی و خردم گمراه شد به حق خودت سوگند که بر سر آن راه راستی که به سوی تو منتهی می‌شود کمین می‌نشینم.

۱۷. سپس از پیش رو و از پشت‌سر، از راست و از چپ به کین‌خواهی می‌پردازم و خرد آنان

تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ^{۱۸} وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ^{۱۹} فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَينَ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ^{۲۰} وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ^{۲۱} فَدَلَاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلُّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ^{۲۲} قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ

را گمراه می‌کنم و تو بیشتر آنان را سپاسگزار رحمت خود نخواهی یافت.

۱۸. خداوندش گفت: تو ننگین و مطرود از این جا برون شو. به حق خودم سوگند که هر که از آدمی و پری راه تو را دنبال کند با وجود اکثریت، دوزخ را از شما پریان و آدمیان آکنده خواهم ساخت.

۱۹. و به آدم گفتم: ای آدم! تو با همسرت در این بهشت برین مأوی بگیرد و از هر بیشه‌زاری که خواهید تناول کنید، ولی به این بوتهٔ پر برگ نزدیک نشوید؛ نه در کنارش مأوی بگیرید و نه از میوهٔ آن تناول کنید که اگر از میوهٔ آن تناول کنید از طایفهٔ سیاه‌کاران خواهید بود.

۲۰. پس از مدتی شیطان، آدم و همسرش را وسوسه کرد تا آن میوه را به خوردن آنان بدهد و شرمگهشان را که با تنبانی از پوست بدن از دیدن آنان مستور بود برون اندازد و در برابر چشمانشان ظاهر سازد. از این رو به آدم و همسرش گفت: پروردگارتان شما را از تناول این بوتهٔ گندم نهی نفرمود مگر به این منظور که نمی‌خواست شما با تناول آن به فرشتگان تبدیل شوید و یا عمری جاودانه بیابید و در نتیجه برنامهٔ پروردگارتان راجع به انتقال شما به سرزمین محنت را کد بماند.

۲۱. آدم و همسرش با این وسوسه در فکر شدند و او را سوگند دادند که آیا راست می‌گوید و شیطان برای آدم و همسرش سوگند خورد که ماجرا همین است و من خیرخواه شمایم.

۲۲. شیطان، آدم و همسرش را با نیرنگ و فریب خود خام کرد و به سوی بوتهٔ گندم برد و چون از بوتهٔ گندم چشیدند تنبانشان بر تنشان درید و شرمگهشان از داخل تنبان برون افتاد و شیطان با ریشخند شادی آن دو را ترك کرد. آدم و همسرش با اضطراب و وحشت که چرا چنین شد و چه وضع رسوایی برایشان رخ داد به رفوگری پرداختند و برگهای درختان را بر تنبان خود وصله می‌زدند تا شرمگاه خود را از دید پریان و فرشتگان بهشتی نهران بدارند.

لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ^{٢٣} قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ^{٢٤} قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ^{٢٥} يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ^{٢٦} يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ^{٢٧} وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ

آن دو به پروردگار خود التجا بردند و پروردگارشان آوازشان داد: آیا من شما را از این بوتۀ گندم نهی نکردم و شما را نگفتم که شیطان دشمن شما است و دشمنی خود را در مراسم جان بخشی علنی کرده است؟

۲۳. آدم و همسرش به تضرع درآمدند که: پروردگار! ما با نافرمانی جان خود را به سیاهی کشانیدیم اینک از تو رحمت و مغفرت می‌طلبیم. اگر ما را نیامرزی و بر ما ترحم نکنی بی‌شک از زیان کاران و ورشکستگانیم و خدا با آنان آشتی کرد.

۲۴. پروردگارشان به همه ساکنان بهشتی از فرشته و آدمی و شیطان و پری گفت: با درهم کوفتن این بهشت همه شما باید به سوی زمین فرود شوید با کوله‌باری از دشمنی و کینه‌توزی که با خود به ارمغان می‌برید. برای شما در عرصات زمین قرارگاهی است به همراه کامیابی اندک و توشی ناچیز تا هنگامی چند.

۲۵. شما در همان زمین پا به عرصه حیات و زندگی می‌گذارید و در همان کره زمین می‌میرید و از دل همان خاک برای محشر برون می‌شوید.

۲۶. ای فرزندان آدم! به یقین ما برای اندام شما جامه‌ای از کتان و پنبه نازل کردیم تا شرمگاهتان را بپوشانید و جامه‌ای دیگر تا زیب و زیوری باشد برای شانه‌ها و بازوهایتان همچون بال و پر برای کبوتران و جامه تقوا که زشتی و پلیدی را به وجود شما راه نهد بهتر از جامه ستر است که زشتی را نهان می‌سازد. این شرح و بیان و نزول بذر پنبه و کتان از آیات خداوند است که خاطر نشان کردیم باشد که پند گیرند.

۲۷. ای فرزندان آدم! به هوش باشید مبادا شیطانان با وسوسه و دغل بفریید که جامه خود بر زمین نهید و در برابر مردم عریان شوید. شیطان می‌خواهد با این نیرنگ و فریب شایستگی بهشت را از شما سلب کند همان‌طور که پدر و مادر شما را با وسوسه خود خام کرد و از بهشت برین بیرون کرد. شیطان جز این کاری نکرد که با خوراندن از بوتۀ گندم

بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ^{۲۸} قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ^{۲۹} فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ^{۳۰} يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ^{۳۱} قُلْ مَنْ

جامه ستر آنان را از تشنه برون کرد تا شرمگاه آن دو برای هم آشکار شد و شایستگی حضور در بهشت را از کف دادند و هبوط کردند. شیطان و همزادان او شما را می‌نگرند از آن جایی که شما قادر به رؤیت آنان نمی‌باشید، ما شیطان را مولا و یاور آن کسانی قرار داده‌ایم که ایمان نمی‌آورند.

۲۸. و چون عریان شوند و با ارتکاب این فاحشه در برابر حاجیان به طواف کعبه بپردازند می‌گویند: «پدران خود را بر این سنت یافته‌ایم و خداوندمان به ارتکاب این سنت فرمان داده است؛ خداوندمان فرمان داده است که «باید در جامه‌ای طواف نماییم که آلوده گناهش نکرده باشیم و اگر نیابیم از دیگران به عاریت بگیریم و اگر نیابیم عریان شویم و طواف نماییم» بگو: بی‌شک خداوند جهان کسی را به ارتکاب فاحشه فرمان نمی‌دهد گرچه تنها به عریان کردن تن باشد. آیا حکمی را بر خدا می‌بندید که از آن بی‌اطلاعید.

۲۹. بگو: پروردگار من شما را به رعایت انصاف و عدالت فرمان داده است و این خود اولین شرط قبولی اعمال است. شما باید عدل و انصاف را در زندگی خود حاکم سازید و بعد از آن هر جا مسجدی باشد صاف و مستقیم رو به آن بگزارید و خدا را خالصانه و بی‌ریا در آن مسجد عبادت کنید تا رضوان و مغفرت او را به دست آورید. ضرورت نیست که راهی مکه شوید تا در مسجد ابراهیم به طواف و نیایش بپردازید و نه درست است که عریان طواف کنید و جان خود را و جان حاضران را آلوده گناه سازید.

۳۰. شما مردم به همان صورت که از دل خاک برون شدید و زندگی دنیا را آغاز نهادید باز هم از دل خاک برون می‌شوید و زندگی آخرت را آغاز می‌کنید، تنها تفاوت این دو زندگی آن است که در نوبت دوم بر پیشانی جمعی، نقش ایمان ظاهر است و بر پیشانی دیگران، داغ کفر و ضلالت خورده است. اینان کسانی هستند که در زندگی دنیا، خداوند رحمان را وانهادند و شیطان‌ها را مولا و یاور خود گرفته‌اند و تصور می‌کنند که رهیابند.

۳۱. ای فرزندان آدم! به هر مسجدی که درآیید سر و تن را با زینت‌های طبیعی خود، بیاراید و از هر غذایی که مایل باشید تناول کنید و از هر نوشابه و شربتی که مایل باشید

حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفُصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ^{۳۲} قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ^{۳۳} وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ^{۳۴} يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ

بنوشید فقط اسراف نکنید که خداوند رحمان اهل اسراف را دوست نمی‌دارد.

۳۲. می‌گویند: به هنگام ورود به معبد، سر و صورت را با شانه و عطر نیارایید و لباس فاخر نبوشید که معبد جای انکسار و خاکساری است نه جای جلوه‌فروشی. می‌گویند: که روز عبادت و حضور در معبد بیش از قوت لایموت تناول نکنید و فراوان ننوشید که با گند و بوی خود فضای معبد را بیالایید. بگو زینت‌های طبیعی را که خداوند رحمان برای آراستن بندگان خود به عمل آورده است و روزی‌های پاک و خوب را که برای تناول آنان به ثمر آورده است چه کسی بر زائران معابد و حاضران در مساجد حرام کرده است؟ بگو: این زینت‌ها و این روزی‌ها در زندگی دنیا بر مؤمنان روا خواهد بود و در آخرت ویژه و درست به آنان سپرده خواهد شد. ما به این صورت آیات خود را برای مردم دانا فصل به فصل بیان می‌داریم.

۳۳. بگو: پروردگار من خوراک و پوشاک را بر بندگان خود حرام نمی‌کند، فقط فاحشه را بر مردم حرام کرده است خواه فاحشه نهان باشد در اطاق خلوت و خواه فاحشه عیان باشد در بزم محافل. پروردگار من فقط زورگویی و خودخواهی بیجا را حرام کرده است که عدل و انصاف را به تباهی می‌کشد. پروردگار من شرک در طاعت و شرک در عبادت را حرام کرده است که برای خدا شریکی بتراشید و او را عبادت کنید و طاعت ببرید با آن که خداوند جهان سندی از آسمان بر خدایی او نازل نکرده است. پروردگار من، فتوای ناحق و سنت باطل را حرام کرده است به این صورت که شما از پیش خود بدعت بگذارید و سنتی را بر خدا افترا ببندید.

۳۴. شما فرزندان آدم به صورت امت‌های پراکنده و مختلف درآمده‌اید و در آینده اسلام هم چنین خواهد بود، هر امتی که در جامعه خود پیشتاز و پیشرو باشند خواه از عرب و خواه از عجم عمری دارند که به سر خواهد رسید و چون موعد انقراض آنان فرا رسد نابودی آنان لحظه‌ای دیرتر و لحظه‌ای زودتر صورت نخواهد گرفت.

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^{۳۵} وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^{۳۶} فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِّنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ رَسُولُنَا يُتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا إِنَّا مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ^{۳۷} قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُم مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأَوْلَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِن لَّا تَعْلَمُونَ^{۳۸} وَقَالَتْ أَوْلَاهُمْ لَأَخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ^{۳۹} إِنَّ

۳۵. ای فرزندان آدم! بعد از آن که هیبوط کنید و در قرارگاه زمین مأوی بگیرید تا چندی آزاد و بلا تکلیف به سر می‌برید و چون بعدها رسولانی از میان شما برخاستند و آیات مرا بر شما روایت کردند باید فرمان ببرید و اطاعت کنید. هر کس به راه تقوا برود و خرابی‌های خود را اصلاح کند ترسی بر سر او سایه‌گستر نیست و نه خود اندوهی به دل خواهد گرفت.

۳۶. ولی آنان که آیات مرا تکذیب کنند و با تکبر از پذیرش آن ابا ورزند یاران آتش دوزخ می‌شوند که جاودانه در آن مأوی خواهند گرفت.

۳۷. کیست که سیه‌کارتر باشد از کسی که چون مشرکان بر خدا دروغ ببندد یا آیات خدا را دروغ بشمارد، به اینان بهره‌مکتوب و مقدرشان از نعمت دنیا واصل می‌شود و چون به پایان عمر خود رسند و رسولان مرگ برای قبض روح آنان وارد شوند می‌پرسندشان: کجايند آن خدایانی که در معابد به جای خدای جهان عبادت می‌کردید؟ کجايند تا بیايند و شما را برهانند و یا شفاعت کنند؟ مشرکان پاسخ دهند که: آن خدایان را گم کردیم. اعتراف می‌کنند که از کافران بوده‌اند.

۳۸. خداوندشان گوید: شما نیز به دوزخ درشوید و در میان امت‌های پیشین از امت‌های پری و آدمی جا بگیرید. هر گاه که امتی از امت‌های کفر وارد دوزخ شود امت پیشین خود را لعنت کند تا آنگاه که همه امت‌های کافر در دوزخ جا بگیرند امت بعدی درباره امت پیشین خود گوید: پروردگارا! اینان بودند که ما را به گمراهی کشاندند پس عذاب دوزخ آنان را دو چندان ساز که هم گمراه بودند و هم ما را به گمراهی کشاندند. پروردگارشان گوید: عذاب شما و آنان، هر دو مضاعف شده است و باید باشد ولی شما سر آن را نمی‌دانید.

۳۹. و امت پیشین به امت بعدی خود پاسخ دهد که: با این حساب شما را بر ما مزیتی نیست. شما نیز مانند ما گمراه بودید و امت بعدی خود را گمراه کردید. اینک عذاب مضاعف

الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تَفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ^{٤٠} لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ^{٤١} وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^{٤٢} وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تُلْكُمُ الْجَنَّةَ أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ^{٤٣} وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ^{٤٤} الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ

را بچشید که با دست خود حاصل کرده‌اید.

٤٠. به یقین کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و خود را بزرگتر و والاتر از آن دانستند که به آیات ما گوش فرا بدهند روز قیامت درهای آسمان برای صعود آنان به سرزمین بهشت گشوده نگردد. مگر آنگاه که شتر در سوراخ سوزن بخلد. ما مردمان تبهکار مجرم را به این صورت سزا می‌دهیم.

٤١. برای آنان در کرهٔ دوزخ بسترها مهیا است و بر فراز سرشان پرده‌های آتش از دود و گاز گسترده است. ما سیئه‌کاران مردم را به این صورت سزا می‌دهیم.

٤٢. و کسانی که ایمان آورده‌اند و بی‌آن که جان خود را در تنگا و حرج بگذارند دستاوردی شایستهٔ آخرت به همراه آورده‌اند، دستاوردِ ناچیز آنان را می‌پذیریم از آن رو که هیچ کس را بیش از حد امکانش مکلف نمی‌سازیم. آنان در بهشت جاودان جا دارند.

٤٣. و هر غلّ و غشی که از ژن‌های تبهکاران در سینه دارند برون می‌کشیم تا کینه و حسد را از آنان دور سازیم. نهرها از زیر کاخ‌هایشان روان است و می‌گویند: سپاس ما ویژهٔ آن خدایی است که ما را به این نعمت، رهنمون گشت و اگر رهنمود الهی نمی‌بود ما خود به سوی این نعمت رهیاب نمی‌گشتیم، بی‌شک رسولان پروردگاران به حق و درستی آمدند و رهنمود الهی را در اختیار ما نهادند. در این هنگام آوازی از سوی بهشت برآید که ای مؤمنان! اینک بهشت است که به پاداش دستاورد نیکتان از بهشتیان پیشین به میراث می‌برید.

٤٤. و بهشتیان، دوزخیان را آواز می‌دهند که: ما وعده‌های پروردگاران را بر حق یافتیم، آیا شما تهدیدهای پروردگارتان را درست و برحق یافتید؟ دوزخیان پاسخ می‌دهند که: بلی

كَافِرُونَ^{٤٥} وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلِمًا سِيمَاهُمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ^{٤٦} وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تَلْقَاءُ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ^{٤٧} وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تُسْتَكْبِرُونَ^{٤٨} أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ^{٤٩} وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ

تهدیدهای پروردگاران را درست و برحق یافتیم. در این حال منادی میان دو صف فریاد برآرد که: لعنت خدا بر سیه‌کاران باد.

٤٥. همان‌ها که مردم را با جاروجنجال و بلوا از راه خدا باز می‌گردانند و برای حفظ منافع خود راه الهی را با اعوجاج و کجی قرین می‌خواهند و به روز قیامت کافرند.

٤٦. میان بهشتیان و دوزخیان تیغۀ دیواری از خاک و شن حائل است و بر تیغه‌های این دیوار، مردانی درمانده برجا مانده‌اند که بهشتیان دوزخیان را در طرفین دیوار با نشانه‌هایشان می‌شناسند. این درماندگان رو به یاران بهشتی فریاد می‌زنند: «درد خدا بر شما باد که سعید و رستگار گشتید». در این لحظات بهشتیان هنوز صحرای قیامت را ترک نکرده‌اند. در حال انتظارند که به سوی بهشت برین پرواز کنند.

٤٧. و چون درماندگان بر اعراف، دیدگان خود را به سوی دوزخیان بگردانند با تضرع و زاری می‌گویند: پروردگارا! ما از بهشت رحمت و نعمت محروم ماندیم. لااقل با عنایت خود ما را با این سیه‌کاران قرین مفرما.

٤٨. همین درماندگان بر تیغه‌های اعراف جمعی از مردان دوزخی را که با سیمای چهره شناسایی کرده‌اند آواز می‌دهند: ای سران و سروران! ای شاهان و ای رهبران! آن سپاهیان جنگی و آن پیشمرگان فدایی دردی از شما دوا نکردند و آن نفوذ و قدرت که مایه استکبار و سلطۀ شما بود کاری از پیش نبرد.

٤٩. اینک درست بنگرید که این بهشتیان را می‌شناسید؟ آیا اینان بودند و یا کسان دیگری بودند که شما قسم می‌خوردید و با قطع و یقین می‌گفتید: خداوند جهان به این بی‌عرضه‌ها هرگز ترحم نخواهد کرد؟ اینان همان‌ها هستند. ای بهشتیان! خوش و خرم وارد بهشت شوید که دیگر ترسی بر سر شما سایه‌گستر نیست و نه شما خود غمی بر دل خواهید گرفت.

أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ ٥٠ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ٥١ وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَى عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ٥٢ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسَوْهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شَفْعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ٥٣ إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ٥٤ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ٥٥

۵۰. دوزخیان بهشتیان را آواز می‌دهند که ای بهشتیان! از آن آب‌های گوارای شیرین که در بهشت شما جاری است بر سر ما هم فرو ریزید و یا قدری از آن روزی‌هایتان که خدا عطا کرده است بر ما تصدق کنید. بهشتیان می‌گویند: شما کافر بوده‌اید و باید بدانید که خداوند جهان، آب و خوراک بهشتی را بر کافران حرام کرده است.

۵۱. آنها که دین و آیین خود را وسیله سرگرمی و بازی گرفتند و زندگی دنیا خام و مغرورشان کرد، امروزشان ما به دست فراموشی می‌سپاریم به همان صورت که آنان دیدار امروزشان را به دست فراموشی سپردند و بدان علت که آیات ما را انکار می‌نمودند.

۵۲. به یقین ما کتابی برایشان آوردیم که از روی دانش و آگاهی برای آن فصل‌های گوناگون ترتیب داده‌ایم تا رهنمود و رحمت باشد برای آن جمعی که به اخبار قیامت ایمان می‌آورند.

۵۳. آیا منتظر آنند که قیامت رخ نماید و بعداً ایمان بیاورند؟ آن روز که قیامت رخ دهد و اخبار قرآنی به حقیقت بپیوندد، کسانی که روز قیامت را به فراموشی سپرده‌اند می‌گویند: به یقین رسولان پروردگاران برحق بودند و به درستی از سوی خدا آمدند. آیا امروزمان شفیع هست که به سود ما شفیع شود و ما را از بلای دوزخ برهاند و یا امکان آن هست که ما را به زندگی دنیا بازگرداند تا خط خود را عوض کنیم و به کارهایی غیر از کارهای قبلی بپردازیم؟ در آن روز این مشرکان می‌بینند که سرمایه‌شان را به خسارت از کف داده‌اند و آن بافته‌های خرافی را که بر خدا می‌بستند از حافظه خود گم کرده‌اند.

۵۴. ای مردم! به یقین پروردگار شما، همان خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش خود مستقر گشت؛ اینک جامه شب را بر چهره روز می‌پوشاند و

وَلَا تَفْسُدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ
 ۵۶ وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ
 فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نَخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۵۷ وَالْبَلَدُ
 الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا كَذَلِكَ نَصْرِفُ الْأَيَّاتِ لِقَوْمٍ
 يَشْكُرُونَ ۵۸ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِن إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ

جامه روز را بر چهره شب می کشد گویا که سپیدی روز با شتاب به دنبال سیاهی شب می دود و سیاهی شب با شتاب به دنبال سپیدی روز می دود. پروردگارتان خورشید و ماه و ستارگان را آفرید اینک همگان مسخر فرمان اویند. این را بدانید که آفرینش از آن خداست و فرمان هم، فرمان خداست. پاینده باد خدا پروردگار جهانیان.

۵۵. از این رو شما باید در راز و نیاز خود و به هنگام عرض حاجات خود پروردگارتان را که همان خداوند آسمانها و زمین و ماه و خورشید است با تضرع و زاری در خلوتها بخوانید و حاجات خود را بخواهید. در تضرع و زاری، از حد تجاوز نکنید و فریاد و فغان به راه میندازید که خداوند پروردگارتان فریاد و فغان را دوست نمی دارد.

۵۶. در پهنه گیتی به فساد و تباهی دست نیالایید و بعد از آن که خداوند رحمان با ایجاد امنیت و حاکمیت قانون به اصلاح زمین کوشیده است به قتل و غارت و آتش سوزی نپردازید. هر جا بیم خطر باشد و یا امید ثمر باشد خدا را بخوانید تا خطر جانی و مالی برطرف شود و امید ثمر بارور گردد. شما باید پیشاپیش دعای خود نیک اندیشی را فراموش نکنید که رحمت خدا به نیک اندیشان نزدیک است.

۵۷. پروردگار شما است که نسیم هوا را پیشاپیش رحمت خود گسیل می دارد تا نویدبخش باران باشد. نسیم جان بخش و فرح افزا چندان ادامه می یابد تا آن گاه که بادهای از چپ و راست ابرهای گران را بر دوش کشند. ما ابر گرانبار را به سوی زمینهای مرده می رانیم و با فشار ابرها باران را فرو می ریزیم و با آن باران از همه گون میوه ای برون می آوریم. ما مردگان شما را نیز به همین صورت از دل خاک برون می آوریم، نطفه های شما را که به دست فرشتگان دریافت کرده ایم در دل غبار خاکها نشا می کنیم سپس آب حیات را بر آن می افشانیم و شما را چون گیاه می رویانیم. این نکته از آن یاد کردیم تا شما به خاطر بسپارید.

۵۸. خاک خالص و خوب، گیاهش با رخصت پروردگارش برون می شود و سبز و خرم

عَلَيْكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ^{۵۹} قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ^{۶۰} قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ^{۶۱} أبلغكم رسالات ربي وأنصح لكم وأعلم من الله ما لا تعلمون^{۶۲} أوعجبتم أن جاءكم ذكر من ربكم على رجلٍ منكم لينذركم ولتتقوا ولعلكم ترحمون^{۶۳} فكذبوه فأنجيناهُ والذين معه في الفلكِ وأغرقنا الذين كذبوا بآياتنا إنهم كانوا قوماً عَمِينَ^{۶۴} وإلى عادِ أخاهم هوداً قال يا قومِ اعبدوا الله ما لكم من إله غيرهِ أفلأنتفون^{۶۵} قال الملأ الذين كفروا من قومه إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ^{۶۶}

می‌گردد و خاک ناخالص که با پلیدی آلوده باشد گیاهش جز به کندی برون نشود و زمین سبز و خرم نگردد. ما برای آن مردمی که با قدرشناسی به تعلیم و تربیت الهی ارج می‌نهند آیات خود را با چهره‌های گوناگون عرضه می‌داریم.

۵۹. به یقین ما بعد از آمادگی نسل بشر، اولین پیامبر خود نوح را به سوی مردمش گسیل نمودیم. نوح گفت: ای مردم من! شما باید خداوند جهان را پرستید که برای شما جز او خدایی نیست. من بر شما از عذاب یک روزی بزرگ و عظیم بیمناکم.

۶۰. سران قوم نوح در پاسخ او گفتند: ما تو را در یک ضلالتی غوطه‌ور می‌بینیم که نمودار پریشانی فکر است.

۶۱. نوح به آنان گفت: ای مردم من! من پریشانی فکری ندارم. من رسولی هستم که از پروردگار جهانیان برای شما پیام آورده‌ام.

۶۲. من پیام‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم. من خیرخواه شما هستم و از لطف خدا چیزها می‌دانم که شما نمی‌دانید.

۶۳. آیا شگفت آورده‌اید که پیامی از ساحت پروردگارتان بر زبان مردی از خودتان نازل شود تا شما را از نافرمانی خدا بترساند و شما راه تقوا در پیش بگیرید و مورد رحمت قرار بگیرید؟

۶۴. مردم نوح، او را تکذیب کردند و ما نوح را با همراهان مؤمنش که در کشتی قرار گرفتند از غرقه طوفان نجات بخشیدیم و آن مردمی که آیات ما را تکذیب کرده بودند در آب طوفان غرق نمودیم. به یقین مردم نوح مردمی کوردل بودند.

۶۵. و سال‌ها بعد از نوح به سوی مردم عاد برادرشان هود را گسیل کردیم. هود به آنان گفت: ای مردم من! خدا را پرستید که برای شما جز او خدایی نیست. آیا از خشم خدا نمی‌ترسید؟

۶۶. سران آن قوم کافر گفتند: ما تو را غرق سفاقت می‌بینیم. ما تصور می‌کنیم که عمداً بر

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ^{٦٧} أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ^{٦٨} أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءً مِن بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ^{٦٩} قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَآتِنَا بِمَا تَعَدُّنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ^{٧٠} قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ^{٧١} فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ ^{٧٢} وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ

خدا دروغ بسته‌ای تا وجاهتی در جامعه کسب نمایی.

٦٧. هود به آنان گفت: ای مردم من! من سفاهت نکرده‌ام که ادعای رسالت کرده‌ام. من رسولی هستم که از پروردگار جهانیان برای شما پیام آورده‌ام.

٦٨. من پیام‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم. من خیرخواه شما هستم و در خیرخواهی و ایفای رسالت، امین خدا هستم.

٦٩. آیا به شگفت آمده‌اید که پیامی از سوی پروردگارتان بر زبان مردی از خودتان نازل شود تا شما را از نافرمانی خدا بترساند؟ به خاطر بیاورید که خدا شما را بعد از نابودی قوم نوح در این سرزمین خلافت داد و بر عظمت اندام و نیروی شما افزود. خاطره این نعمت‌های طبیعی را پاس بدارید، باشد که از عذاب خدا برهید و رستگار شوید.

٧٠. مردم هود به پاسخ گفتند: آیا با این رسالت آسمانی آمده‌ای که تنها خدای آسمانی را پرستیم و خدای باران و خدای آفتاب را با چندین خدای دیگر که پدرانمان می‌پرستیده‌اند رها سازیم؟ اگر راست می‌گویی تهدید خود را به اجرا بگذار و عذاب خدا را بر سر ما نازل کن.

٧١. هود به آنان گفت: پلیدی کفر با خشم خدا از آسمان بر سر شما فرود آمده است و فرمان عذاب هم صادر شده است. آیا با من درباره چند اسم بی‌مسمی جدل می‌کنید که خدا و پدرانتان اختراع کرده‌اند نه آن که خداوند جهان سندی بر خدایی آنان نازل کرده باشد؟ اینک منتظر عذاب خدا بمانید که من نیز منتظر همان عذابم تا صحت گفتار خود را به اثبات برسانم.

٧٢. پس از روزی چند، عذاب ما نازل شد و ما هود را با همراهان مؤمنش با رحمت و رأفت از عذاب آسمانی نجات بخشیدیم و نسل آن قوم را از روی زمین برچیدیم که آیات ما را

عَبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ الْعَلَمِ^{٧٣} وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَادْكُرُوا آلاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ^{٧٤} قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنْ صَالِحًا مَرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ^{٧٥} قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ^{٧٦} فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ أَتُنَّا بِمَا تَعَدُّنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ^{٧٧} فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِاثِمِينَ^{٧٨} فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ

تکذیب کردند و ایمان نمی آوردند.

۷۳. و سال ها پس از قوم عاد، صالح را به سوی قوم ثمود گسیل نمودیم. صالح به آنان گفت: ای مردم من! خدا را بپرستید که برای شما جز او خدایی نیست. شما که اصل رسالت را پذیرفته اید و حجت و برهانی بر رسالت من می طلبید اینک همان حجت و برهانی که خواهان شده اید فرا سویتان آمده است؛ این ماده شتر که با خواست خدا و با دست قدرت او از دل خاک برآمده است برهان رسالت من خواهد بود. آزادش بگذارید تا هر جا که خواهد در زمین خدا چرا کند. مبدا به این ناقه آزاری برسانید که عذاب الهی دامن شما را خواهد گرفت.

۷۴. به خاطر بیاورید که خدا شما را بعد از نابودی قوم عاد خلیفه و جانشین ساخت و این سرزمین را بستر شما قرار داد که از دشت و صحرا با خشت و آجر قصرها بسازید و از کوهستان ها با سنگ و صخره، خانه ها برآرید. شما باید نعمت های طبیعی را پاس بدارید و در زمین با فساد و تباهی دست درازی نکنید.

۷۵. سران قوم ثمود که ریاست و کبریا را در قبضه خود داشتند با آن دسته از زیردستان مستضعف خود که ایمان آورده بودند گفتند: آیا شما یقین دارید که صالح از سوی پروردگارش به رسالت آمده است؟ آنان گفتند: ما به رسالت صالح ایمان داریم.

۷۶. سران مستکبر گفتند: ما به آن رسالتی که شما ایمان آورده اید کافر شده ایم.

۷۷. پس ناقه خدایی را پی کردند و از پذیرش فرمان پروردگارشان ابا ورزیدند و گفتند: ای صالح! اگر واقعاً رسول خدا هستی تهدید خود را اجرا کن و عذاب آسمانی را بر سر ما نازل کن.

۷۸. پس سنگی عظیم، سوزان و گدازان، با صدایی سهمگین از آسمان فرود آمد و سرزمین

يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولًا مِّن رَّبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِن لَّا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ ^{٧٩} وَلَوْ طَآ إِذْ قَالُوا لَقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ ^{٨٠} إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ^{٨١} وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِّن قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ ^{٨٢} فَانجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ^{٨٣} وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ^{٨٤} وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ^{٨٥} وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ

آنان را چنان لرزانند که فرصتی برای فرار و گریز نماند و تا بر سر زانو برخاستند که راه فرار در پیش بگیرند هوار خانه‌ها بر سرشان فرو ریخت.

۷۹. صالح با مؤمنان همراهش، پشت به آن مردم راهی سامان دیگری شد و می‌گفت: ای مردم من! به یقین من، پیام پروردگار خود را به شما ابلاغ کردم و حق خیرخواهی بجا آوردم ولی شما مردم ناصحان و خیرخواهانتان را دوست نمی‌دارید.

۸۰. و از جمله لوط را بر مردم سدوم و گومورا گسیل کردیم، لوط به آنان گفت: آیا شما به کار فاحشه‌ای می‌پردازید که پیش از شما هیچ ملتی از ملت‌های جهان به آن نپرداخته است. ۸۱. شما به خاطر اطفال شهوت به بستر مردان می‌روید و زن‌ها را وانهاده‌اید. شما با این کار شنیع خود فطرت انسانی را زیر پا نهاده‌اید و حقوق بانوان را ضایع کرده‌اید. بلکه شما اهل اسرافید و در بدکاری از حد بدر شده‌اید.

۸۲. پاسخ مردم جز این نبود که با تمسخر گفتند: این مهاجران را از شهر و دیارتان بیرون برانید که می‌خواهند پاک و مطهر زندگی نمایند.

۸۳. پس لوط را با خاندانش نجات بخشیدیم به استثنای همسرش که از رفتگان دیار عدم بود.

۸۴. و بعد از آن که دیارشان را زیر و زبر کردیم بارانی از تگرگ آتشین بر سرشان فرو ریختیم. بنگر که فرجام تبهکاران بر چه منوال گذشت؟

۸۵. ما به شهر مدین، برادرشان شعیب را به رسالت فرستادیم. شعیب به آنان گفت: ای مردم من! خدا را بپرستید که برای شما جز او خدایی نیست. برای تأیید رسالت و بعثت رسولان از سوی پروردگارتان شاهدی روشن به شما واصل شده است. شما از فرجام همسایگانتان که با طوفان و زلزله نابود شدند به خوبی آگاهید و نموداری از خشم خدا را

تُوعِدُونَ وَتَصَدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مِنْ أَمْنٍ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرَكُمْ
وَأَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ^{٨٦} وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ
لَمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ^{٨٧} قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ
قَوْمِهِ لُنْخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا
كَارِهِينَ^{٨٨} قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ
نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ
قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ^{٨٩} وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِيَنَّاتِكُمْ شُعَيْبًا إِنَّا

دیده‌اید. از خشم خدا بهراسید و از کارهای خلاف خود دست بردارید. پیمان‌ه و ترازو را پر کنید. کالای مردم را خوار و پست نشمارید که ارزان بخرید. بعد از آنکه عرصه گیتی با امنیت اجتماعی و عدالت قانون اصلاح شده است شما به فساد و غارت و خونریزی نپردازید. اطاعت امر و نهی خدا برای شما بهتر است اگر مؤمن بوده باشید.

٨٦. شما بر سر هر راهی کمین نکنید که زائران خانهٔ قدس را تهدید کنید و مؤمنان را با جنجال و بلوا از راه خدا بازگردانید و به خاطر حفظ منافع خود راه خدا را با اعوجاج و کجی قرین بخواهید. شما به خاطر بیاورید که تا چندی پیش مردمی اندک بودید خداوند رحمان نسل شما را برکت داد و فزون کرد. و بنگرید که فرجام آن تبهکاران قانون‌شکن به کجا انجامید.

٨٧. اگر جمعی از شما به پیام خدا ایمان آورده‌اند و جمعی دگر ایمان نیاورده‌اند در داوری شتاب موزید. تأمل کنید تا خداوند جهان میان ما و شما داوری کند و خدا بهترین داوران است.

٨٨. سران مستکبر آن قوم که طاعت و پیروی از شعیب را برای خود کسر شأن می‌شمردند به او گفتند: به خدا سوگند ای شعیب که تو را با یاران مؤمنت از دیار خود می‌رانیم. شما باید شهر و دیار ما را ترک بگویید و بیش از این اتحاد ما را بر هم نزنید و یا باید به کیش و آیین ما بازگردید و اتحاد و یکپارچگی سابق را حفظ کنید. شعیب به آنان گفت: اگر ما نخواسته باشیم که خانه و کاشانهٔ خود را ترک بگوییم آیا شما حق آن را دارید و یا قدرت آن را دارید که ما را در فشار بگذارید که از دین خود بازگردیم و به کیش شما درآییم؟

٨٩. اگر ما به کیش شما بازگردیم و بتهای شما را بپذیریم آنهم بعد از این لطف الهی که ما را از کیش شما نجات بخشیده است بی‌شک بر خدا دروغ بسته‌ایم. ما با آن شناختی که از

إِذَا لَخَّاسِرُونَ ٩٠ فَأَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَائِمِينَ ٩١ الَّذِينَ كَذَبُوا شُعَيْبًا كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ ٩٢ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ ٩٣ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ٩٤ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَبُوا فَآخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ٩٥ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ

فلسفه شما داریم و بعد از دریافت پیام حق به خود اجازه نمی‌دهیم که حقیقت را مسکوب بگذاریم و به کیش شما بازگردیم مگر آنکه پروردگاران بخواهد که ما بدست شما مقهور گردیم و جبراً سکوت دل را حفظ کنیم. دانش پروردگار ما بر همه خواسته‌ها و همه چیزها فراگیر است و ما را از همه خواسته‌ها آگاهی نیست که آیا مقهور دست شما می‌شویم؟ ما بر خدا توکل کرده‌ایم و در مقابل شما استقامت می‌کنیم. پروردگارا تو خود به درستی راه پیروزی را میان ما و این مردم بگشای که تو بهترین راهگشایی.

۹۰. سران کفر پیشه آن قوم به مردم خود گفتند: اگر راه شعیب را دنبال کنید بی‌شک از جانب ما زیان می‌برید.

۹۱. اما سنگی عظیم، سوزان و گدازان، با غرشی پرنهیب از آسمان به جنگل مجاور افتاد و زمین‌لرزه سختی دیار آنان را فراگرفت که فرصتی برای فرار آنان نماند و تا بر سر زانو شدند که راه فرار از خانه‌ها را در پیش بگیرند هوار خانه‌ها بر سرشان فروریخت.

۹۲. تمام آن کسانی که شعیب را تکذیب کردند در زیر سنگ‌ها و خاک‌ها مدفون شدند که گویا در آن سامان نبوده‌اند. آن کسانی که شعیب را تکذیب کردند خود زینکار شدند.

۹۳. شعیب با مؤمنان همراهش پشت به آن مردم راهی سامان دیگری شد و می‌گفت: ای مردم من! به یقین من پیام پروردگار خود را به شما ابلاغ کردم و حق خیرخواهی بجا آوردم ولی شما نپذیرفتید و به کفر خود ادامه دادید. من چگونه بر حال کافران تأسف بایدم خورد.

۹۴. ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری گسیل نکردیم جز آنکه مردم آن را به سختی و محنت گرفتیم باشد که دل‌ها نرم شود و راه تضرع و زاری در پیش بگیرند.

۹۵. و چون ایمان نیاوردند محنت‌ها و سختی‌ها را به خوبی‌ها و نعمت‌ها بدل کردیم تا آنجا که بلا را پشت سر گذاشتند و آسیب‌ها را جبران نمودند و با فلسفه‌بافی گفتند: پدران ما هم به محنت‌ها و سختی‌ها مبتلا شده‌اند بی‌آنکه رسولی بر آنان مبعوث گشته باشد و یا تهدیدی صورت گرفته باشد. زلزله و سیل و بیماری و صاعقه از جمله آسیب‌های طبیعی

أَمِنُوا وَاتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ٩٦ أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ ٩٧ أَوْ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًىٰ وَهُمْ يَلْعَبُونَ ٩٨ أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ ٩٩ أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّو نَشَاءُ أَصْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ١٠٠ تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقِصُ عَلَيْكَ مِن نَّبَائِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِن قَبْلُ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ١٠١ وَمَا

است که همیشه بوده و همواره خواهد بود و چیزی را ثابت نمی‌کند و قوم آسیب دیده را محکوم نباید کرد. و چون خام شدند ناگهان به کیفر کفرشان مأخوذ نمودیم و در حال خواب و بی‌خبری هلاکشان نمودیم.

٩٦. اگر مردم آن شهر و دیار ایمان آورده بودند و راه تقوا در پیش گرفته بودند درهای برکت را از آسمان و زمین بر روی آنان می‌گشودیم ولی آنان رسالت ما را تکذیب کردند و راه مردم را بستند و هرگونه جرمی را به جان خریدند و ما آنان را به کیفر جرائم مأخوذ کردیم.

٩٧. آیا این مردمی که اینک در شهرها و آبادی‌ها به کفر و ناسپاسی اندرند در امانند که عذاب ما شبانگاهان فرود آید و آنان در خواب ناز باشند؟

٩٨. آیا مردم شهرها و آبادی‌ها در امانند که عذاب ما در پرتو روز بر سرشان فرود آید و آنان به بازی زندگی سرگرم باشند؟

٩٩. آیا مردم از مکر خدا ایمن شده‌اند؟ جز مردمانی که زیانکارند خود را از مکر خدا در امان نمی‌شمارند.

١٠٠. آیا برای آن مردمی که شاهد عذابند و زمین را بعد از نابودی صاحبانش به میراث می‌برند روشن نشد که اگر خواسته باشیم می‌توانیم به کیفر گناهانشان این بلا را بر سرشان بیاوریم که دل‌هایشان را مهر کنیم تا دیگر، سخن حق را نفهمند و در گوش نگیرند.

١٠١. این بود سرنوشت آبادی‌ها که اخبار گذشته آنان را به ترتیب برایت روایت کردیم. به یقین رسولان نشان یکی بعد از دیگری با دلایلی روشنگر آمدند ولی مردم اهل ایمان نبودند تا به پیامی که قبلاً تکذیب و تمسخر کرده بودند ایمان بیاورند. این چنین است که خداوند جهان بر دل‌های کافران مهر می‌نهد که دیگر سخن حق را در گوش نگیرند.

وَجَدْنَا لَأَكْثَرِهِمْ مِّنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ^{١٠٢} ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ^{١٠٣} وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنَ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ^{١٠٤} حَقِيقٌ عَلَىٰ أَن لَّا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ^{١٠٥} قَالَ إِن كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِن كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ^{١٠٦} فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ^{١٠٧} وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بِيضَاءٌ لِلنَّظِيرِينَ^{١٠٨} قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ^{١٠٩} يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ^{١١٠} قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ^{١١١} يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ^{١١٢} وَجَاءَ

١٠٢. و هرگاه جمعی از ترس عذاب الهی تعهد سپردند که راه طاعت و ایمان در پیش بگیرند ندیدیم که اکثریت آنان عهد خود را پاس بدارند اما دیدیم که اکثریت آنان از دایره اطاعت یا بیرون نهادند و فاسق گشتند.

١٠٣. بعد از این جمع رسولان که نام بردیم موسی را با آیات و معجزات خود به سوی فرعون و اعیان مصر به رسالت فرستادیم ولی آنان آیات ما را به سیاهی کشیدند. اینک بنگر که سرانجام آن تباہکاران غارتگر به کجا انجامید؟

١٠٤. موسی در سنای مصر حاضر شد و گفت: ای فرعون! من از پیشگاه پروردگار جهانیان به رسالت آمده‌ام.

١٠٥. رسولی که باید جز سخن درست و برحق را به خدا مستند نسازم. من با شاهی روشن از جانب پروردگارتان به رسالت آمده‌ام که بردگان بنی‌اسرائیل را از اسارت برهانی، آنان را آزاد کن با من بیایند.

١٠٦. فرعون گفت: اگر نشانه‌ای با خود آورده‌ای و اگر راست می‌گویی نشانه‌ات را بیاور.
١٠٧. موسی عصای خود را افکند و ناگهان عصا ازدهایی شد پر تکاپو که راست بودن خود را آشکار می‌کرد.

١٠٨. موسی که دست خود را زیر بغل نهان کرده بود از زیر بغل بیرون کشید و ناگهان دست او سفید و تابان بود برای تماشاگران.

١٠٩. آن دسته از سران مجلس که از هواخواهان فرعون بودند با سایر اعضای مجلس گفتند: این مرد ساحری ماهر و دانا است که در سالن سرپوشیده هم ازدها می‌سازد و نور می‌پاشد.

١١٠. این ساحر می‌خواهد بردگان را مسلح کند و شما را از سرزمینتان بیرون براند. نظر شما

السَّحْرَةَ فِرْعَوْنُ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ۱۱۳ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ۱۱۴
 قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ۱۱۵ قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ
 النَّاسِ وَاسْتَزْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ ۱۱۶ وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ
 تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ۱۱۷ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۱۱۸ فَغَلَبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ
 ۱۱۹ وَاللَّيْلِ السَّحْرَةُ سَاجِدِينَ ۱۲۰ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۱۲۱ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ ۱۲۲ قَالَ
 فِرْعَوْنُ أَمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آدَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرَتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا

چیست؟

۱۱۱. اعیان مصر جمعاً رأی دادند و به فرعون گفتند: پاسخ موسی و برادرش هرون را به آینه موکول کن و هم‌اینک سربازان گارد را به همه شهرها روانه کن.
۱۱۲. تا هر جا ساحری ماهر و دانا بیابند نزد تو آرند.
۱۱۳. ساحران نزد فرعون فراهم شدند و گفتند: اگر ما پیروز و غالب شویم مزد و پاداشی برای ما خواهد بود یا باید بیگاری کنیم سپس راه و بگیریم؟
۱۱۴. فرعون گفت: بلی. و شما از مقربان درگاه من خواهید شد.
۱۱۵. در روز موعود، ساحران به موسی گفتند: ای موسی! یا تو اول عصای خود را بیفکن و یا اول ما عصاهای خود را بیفکنیم؟
۱۱۶. موسی گفت: شما آغاز کنید و عصاهای خود را بیفکنید و چون عصاهای خود را افکندند چشم‌های مردم را با تابش خورشید و امواج زیبای سحر کردند و برای آن که رازشان مکشوف نگردد مردم را از نزدیک شدن به میدان برحذر داشتند، روی هم‌رفته سحری بزرگ به معرکه آوردند.
۱۱۷. ما به موسی وحی کردیم که عصایت را بیفکن و چون موسی عصایش را افکند ناگهان اژدهای عصا، جانوران دروغین را در کام فرو بلعید.
۱۱۸. حق تثبیت شد و دستاورد ساحران پوچ شد.
۱۱۹. فرعونیان مغلوب شدند و با خواری از معرکه بازگشتند.
۱۲۰. ساحران برای سجده به خاک افتادند.
۱۲۱. گفتند: ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم.
۱۲۲. همان که پروردگار موسی و هرون است.

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ^{۱۲۳} لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ ثُمَّ لأَصْلَبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ^{۱۲۴} قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ^{۱۲۵} وَمَا نَنْقِمُ مِنْآ إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّنَا مُسْلِمِينَ^{۱۲۶} وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَالْهَيْتَكَ قَالَ سَنُقْتِلُ آبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ^{۱۲۷} قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ^{۱۲۸} قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ

۱۲۳. با سجدهٔ ساحران حقانیت موسی و رسالت او قطعی شد، اما فرعون با یک نقش سیاسی و بازی ماهرانه پیشدستی کرد و به آنان گفت: شما بی‌اجازهٔ من به موسی ایمان آوردید؟ معلوم شد که شما دستیار موسی هستید و با هم توطئه و تباخی کرده‌اید که با این نمایش احساسات مردم را برانگیزید و بردگان را برآشوبید تا قیام کنند و حکومت را براندازند. به زودی خواهید فهمید چه بلایی بر سرتان می‌آورد.

۱۲۴. بی‌شک دست و پای همهٔ شما را از چپ و راست قطع می‌کنم، سپس شما را به صلیب می‌کشم.

۱۲۵. ساحران می‌گویند: ما را چه باک است که چگونه و با چه اتهامی ما را خواهی کشت ما به سوی پروردگاران می‌رویم.

۱۲۶. اعتراض تو بر ما جز این نیست که چون آیات پروردگاران به ما رسید ایمان آوردیم. ای پروردگار ما! از پیشگاه خودت صبر و شکیبایی بر دل‌های ما فرو ریز و جان ما را در حال تسلیم و رضا دریافت کن.

۱۲۷. آن دسته از سنای مصر که هواخواه فرعون بودند به او می‌گفتند: تنها ساحران را اعدام می‌کنی؟ آیا موسی را با مردم هواخواهش بدون کیفر می‌گذاری تا در زمین مصر به تباهی پردازند و شورش برانگیزند و تو را و خدایانت را وانهند؟ فرعون گفت: پسرانشان را خواهیم کشت تا نیروی انسانی آنان را به تحلیل ببریم و زناشان را زنده خواهیم گذاشت تا بر مشکلات داخلی و شکنجهٔ آنان بیفزاییم. ما بر آنان تسلط کامل داریم.

۱۲۸. موسی به مردم خود گفت: شما باید از خدا مدد بجوید و به یاری او متکی باشید و صبر و تحمل را از کف ننهید به یقین زمین ملك خداوند رحمان است؛ از جمعی می‌گیرد و به جمع دیگری میراث می‌دهد و در پایان زندگی حاکمیت بر زمین ویژهٔ پرهیزکاران است.

فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ^{١٢٩} وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقَصْنَا مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ^{١٣٠} فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ^{١٣١} وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لَتَسْحَرْنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ^{١٣٢} فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالْدَّمَ آيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ^{١٣٣} وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِن كَشِفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ^{١٣٤} فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَى أَجَلٍ هُمْ بِالْغُوهِ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ^{١٣٥} فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ

۱۲۹. مردم موسی گفتند: پیش از آمدنت ما آزار می کشیدیم و بعد از آمدنت هم آزار می کشیم. پس آن نجات بخش موعود کجا است؟ موسی گفت: امید آن هست که پروردگار شما دشمنان را هلاک سازد و شما را در این سرزمین جانشین آنان نماید و با این آزمون بنگرد که دستاورد شما چگونه خواهد بود.

۱۳۰. به حق سوگند که ما فرعونیان را با خشکسالی و کسری محصول به کیفر گرفتیم باشد که پند گیرند.

۱۳۱. هر گاه که سلامت و رفاهیت می یافتند می گفتند: این از بخت ما است، و اگر بیماری و قحطی به سراغ آنان می آمد از بدشگونی موسی و همراهیانش دم می زدند. این را بدانید که شانس و شگون مردم در دست خداست ولی بیشتر آنان نمی دانند.

۱۳۲. فرعونیان به موسی گفتند: هر نشانه ای که بیاوری و هر معجزی که ارائه کنی تا به وسیله آن ما را مفتون و مسحور خود بسازی ما به تو ایمان نمی آوریم و بردگان را آزاد نمی سازیم.

۱۳۳. از این رو ما بر فشار خود افزودیم و طوفان و ملخ و شپش و قورباغه و خون را جدا جدا و با فاصله بر سر آنان فرستادیم ولی آنان با کبریا و تکبر مقاومت کردند و تسلیم نشدند و از پیش، مردمی تبهکار بودند.

۱۳۴. و چون پلیدی بیماری بر سر آنان فرود آمد با خواهش و تمنا گفتند: بر اساس آن قرار و تعهدی که پروردگارت با تو دارد تو را به خاطر ما بخوان تا عذاب را از سر ما بردارد. اگر تو این عذاب را از سر ما برداری در برابر تو تسلیم می شویم و بردگان بنی اسرائیل را با تو به سوی قدس می فرستیم.

۱۳۵. و چون ما عذاب را برطرف کردیم و آنان را تا اجل مقدری که باید به آن برسند مهلت

بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ۱۳۶ وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ ۱۳۷ وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَىٰ اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ۱۳۸ إِنَّ هَؤُلَاءِ مَتَّبِعُوا مَا هُمْ فِيهِ وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۱۳۹ قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ۱۴۰ وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ۱۴۱ وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً

دادیم پیمان خود را زیر پا نهداند.

۱۳۶. بالاخره از آنان انتقام گرفتیم و آنان را به دریا غرقه کردیم از آن رو که آیات ما را تکذیب کردند و از سر آیات ما بی‌خبر بودند.

۱۳۷. و شرق و غرب رودخانه نیل را با همهٔ برکات آن به کسانی میراث دادیم که در زیر سلطهٔ فرعونیان با استضعاف به سر می‌بردند و سخن خوش‌آهنگ و نویدبخش پروردگارت بر قوم بنی‌اسرائیل درست آمد که در اثر صبر و تحمل پیروز شدند و آنچه فرعون و فرعونیان از کاخ‌ها و قصرها و سایه‌بان‌ها ساخته و افراشته بودند درهم کوبیدیم و منهدم کردیم.

۱۳۸. ما قوم بنی‌اسرائیل را از آب دریا گذراندیم. آنان در راه قدس بر مردمی گذشتند که در برابر بت‌هایشان به عبادت صف بسته بودند. با مشاهدهٔ بت‌ها به موسی گفتند: ای موسی! برای ما هم بتی اختیار کن تا در برابرش زانو بزنیم و با حضور قلب و توجه هر چه بیشتر به درگاهش نیاز ببریم، چونان که این مردم به تعداد خدایانشان بت دارند و در برابر آنها زانو زده‌اند. موسی گفت: بی‌شک شما پیشنهاد جاهلان‌های طرح می‌کنید.

۱۳۹. آراء و افکار دینی این بت‌پرستان درهم‌ریخته و از هم پاشیده است و دستاورد طاعتشان پوچ و باطل است.

۱۴۰. موسی گفت: آیا خدای جهان را وانهم و خدای دیگری برای شما بجویم با آن که خدای جهان شما را بر همهٔ جهانیان رجحان داد که دین خود را بر شما نازل کرد.

۱۴۱. شما باید از خشم خدا بترسید و نعمت‌های او را کفران نکنید. به خاطر بسپارید که شما را از چنگال فرعونیان بت‌پرست نجات بخشیدیم که در بیغوله‌ها شما را دنبال می‌کردند تا خواری شکنجه را به شما بچشانند؛ پسرانتان را می‌کشتند که نیروی مبارزتان تضعیف شود

وَأْتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ^{١٤٢} وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرْنِي أُنظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ وَلَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعْقًا فَلَمَّا أفاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ^{١٤٣} قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ ^{١٤٤} وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ ^{١٤٥} سَأَصْرِفُ عَن آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي

و زانتان را زنده وامی نهدند تا آمار زنان بالا برود و بر مشکلات داخلی شما بیفزاید. در این رهگذر، فتنه و آزمونی بزرگ از سوی پروردگارتان شما را در بر گرفت.

١٤٢. و ما سی شب با موسی امشب و فردا کردیم و آن سی شب را با ده شب دیگر کامل نمودیم. در نتیجه موسی چهل شب در طاعت و اعتکاف به سر برد تا لحظه موعود فرا رسید و الواح ده فرمان را دریافت کرد. موسی در آن روزی که به میقات آمد به برادرش هرون گفت: تو در میان مردم من، جانشین من باش و تا می توانی از احقاق حق پرهیز کن و میان مردم با صلح و سازش داوری کن و راه تبهکاران مفسده جو را دنبال مکن.

١٤٣. و چون در وعده گاه اعتکاف حاضر شد و بعد از گذشت چهل شب، پروردگارش با او سخن گفت، موسی به لقای پروردگارش مشتاق شد و گفت: ای پروردگار من! خودت را به من بنما تا تو را با چشم بنگرم. پروردگارش گفت: تو هرگز مرا نتوانی دید ولی شمه ای به سوی این کوه بنگر تا خود را بر کوه متجلی سازم، اگر کوه در جایش برقرار ماند تو نیز مرا خواهی دید و چون پروردگار موسی بر کوه تجلی کرد کوه را چون گردوغبار به فضا متصاعد کرد و موسی از غرش مهیب صاعقه و شدت موج انفجار بیهوش به گوشه ای درغلتید و چون به هوش آمد خطاب به پروردگارش گفت: پروردگارا! تو منزه ای که بندگان را بی علت از دیدار جمالت محجوب سازی. من به سوی تو بازگشتم و تقاضای آشتی دارم من اول کسی هستم که پیشاپیش امتم به حجاب تو ایمان دارم.

١٤٤. پروردگارش گفت: ای موسی! من تو را به رسالت و هم سخنی بر سایر مردم گزین کردم. با خوشنودی عطای مرا دریافت کن و از شاکران نعمت باش.

١٤٥. و ما در الواح ده فرمان، برای او از هر مسأله ای موعظه و پندی نوشتیم و هر خواسته ای را از چهره های گوناگون تفصیل دادیم. الواح را با تمام نیرو و امکان بگیر و

الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعِغْيِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ^{١٤٦} وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ^{١٤٧} وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ أَلْمُ يَرَوْنَ أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ ^{١٤٨} وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ^{١٤٩} وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ

مردمت را بفرما تا پنדהا را با بهترین صورت آن به اجرا بگذارند. این خانه پرهیزکاران و منشور مطیعان است و به زودی خانه فاسقان را به شما نشان خواهیم داد.

١٤٦. من فاسقان را از شناخت آیات خود منصرف می‌سازم؛ همان کسانی که در زمین به ناحق تکبر می‌کنند و بدون ارائه خدمت، خود را بزرگ و سرور می‌شمارند و دیگران را برده خود می‌پندارند و به هر آیت و معجزی که با چشم خود ببینند ایمان نمی‌آورند و اگر راه رشد و صلاح به آنان عرضه شود آن راه را در پیش نمی‌گیرند و اگر راه جاهلان خردگم کرده به آنان عرضه شود آن راه را در پیش می‌گیرند. و این است خانه فاسقان و منشور مردم نافرمان که من خرد آنان را از شناخت حق مردم، محروم می‌سازم و این بدان جهت است که آیات ما را تکذیب کردند و در اثر بی‌اعتنایی و بی‌مبالاتی از آیات ما غافل و بی‌خبر ماندند.

١٤٧. آن کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و روز قیامت را و دیدار خدا را در آخرت باور نکردند، دستاورد نیکشان توقیف می‌شود که از پاداش آن محروم بمانند. آیا اینان جز به کردار بدفرجام خود سزا می‌بینند؟

١٤٨. مردم موسی بعد از حرکت او به سوی میقات از زیوالات خود در شکل گوساله جسدی ساختند که بانگ می‌کرد و آن را به خدایی گرفتند. آیا ندیدند که گوساله با آنان سخن نمی‌کند و راهی را به آنان نشان نمی‌دهد؟ با وجود این گوساله را به خدایی گرفتند و از سیهکاران بودند.

١٤٩. و چون حقیقت را در مشت خود لمس کردند و با چشم خود دیدند که راه را عوضی رفته‌اند با ندامت خاطر گفتند: به یقین اگر پروردگار ما بر ما ترحم نکند و ما را نیامرزد بی‌شک در تجارت آخرت از زیان کارانیم.

اسْتَضَعُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ^{١٥٠} قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ^{١٥١} إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيِّئًا لَهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ ^{١٥٢} وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِهَا وَأَمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ^{١٥٣} وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُوسَى الْغَضَبَ أَخَذَ الْأَلْوَابَ وَفِي نَسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُم لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ^{١٥٤} وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السَّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِي مَن تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيْنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ^{١٥٥} وَاَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدُنَا

١٥٠. و چون موسی با خشم و آسف به سوی مردم خود آمد به آنان گفت: بعد از من شیوه بدی در جانیشنی من پیش گرفتید. آیا بر فرمان خدا پیشی گرفتید که فرمودتان باید تا رسیدن من تأمل کنید؟ موسی در اثر خشم، الواح را به زمین افکند و موهای برادرش را گرفت و به سوی خود کشید که چرا فرمان من نبردی و از تبهکاران مفسده‌جو کناره نکردی؟ هرون گفت: ای برادر من! این مردم فرمان مرا اطاعت نکردند و با اتفاق و کثرتشان مرا ناتوان و ضعیف شمردند و نزدیک بود که خون مرا بریزند. اینک تو مرا تحقیر مکن که دشمنان من شاد شوند. تو مرا در ردیف سیه‌کاران قرار مده.

١٥١. موسی که عذر برادرش هرون را شنید رو به آسمان گفت: پروردگارا! بر من و بر برادر من بیخشی و ما را در رحمت خود جای ده. تو از همه مهربانان مهربان‌تری.

١٥٢. به یقین آن کسانی که گوساله را به خدایی گرفتند به زودی خشم خدا به سرشان فرود آید و خواری و ذلت به سراغ آنان بیاید از آن رو که بر خدا افترا بستند. ما مردمان مفتری و خداتراش را به همین صورت سزا می‌دهیم.

١٥٣. و آن دسته از مردم که در محیط کفر و سیه‌کاری به کارهای بد آلوده شدند و از آن پس توبه کردند و ایمان آوردند با گوساله‌تراشان برابر نمی‌شوند، به یقین پروردگارت بعد از توبه و تجدید ایمان، آمرزنده‌ای مهربان است.

١٥٤. و چون خشم موسی فرو نشست الواح شکسته را از زمین برداشت و گفت تا منشور ده فرمان را نسخه‌برداری کنند. در نسخه آن ده فرمان، رهنمودی بود به همراه رحمت، برای آن کسانی که در برابر پروردگار خود اظهار عبودیت و خاکساری دارند.

١٥٥. موسی از میان قوم خود هفتاد تن برای شهادت و گواهی انتخاب کرد تا به همراهی

إِيَّاكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ^{١٥٦} الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ

او به میقات طور حاضر شوند و با گوش خود بشنوند که خدا با موسی سخن می‌گوید و نزول الواح ده فرمان را تأیید می‌کند تا همهٔ عشایر ده فرمان را بپذیرند و فرمان موسی را فرمان خدا بدانند و دیگر نگویند که موسی ظرف این دوره طولانی شخصاً به تراشیدن الواح ده فرمان پرداخته است و گرنه لوح خدایی، نیازی به این دورهٔ چهل روزه ندارد. نمایندگان عشایر ندای خدا را شنیدند ولی صدا را برای رفع تهمت کافی ندانستند و گفتند: باید با چشم خود خدا را ببینند که دارد با موسی سخن می‌گوید. در پی این تقاضا خداوند رحمان بر جانب دیگری از کوه طور تجلی کرد چونان که برای موسی بر جانبی دیگر تجلی کرده بود. موسی و آن هفتاد تن نمایندگان عشایر با ضربهٔ انفجار بیهوش و بی حرکت به خاک افتادند. موسی بیهوش آمد و نمایندگان را بی حرکت یافت. با تضرع و زاری گفت: پروردگارا! اگر می‌خواستی آنان را یکسر هلاک سازی کاش من و آنان را پیش از آمدن به این میقات هلاک کرده بودی. آیا همهٔ ما را به کردار سفیهان ما هلاک خواهی کرد؟ اگر من تنها از این میقات مراجعت نمایم تهمت این سفیهان دو چندان می‌شود و چه بسا بگویند که نمایندگانشان را من کشته‌ام. این میقات هم به صورت فتنه‌ای دیگر درآمده است که تو خود برپا کرده‌ای تا هر که را بخواهی گمراه سازی و هر که را بخواهی به راه آوری و آزمون مردم را کامل کنی. تو مولا و سرپرست مایی. ما را ببخش و بیامرز و بر ما ترحم کن و به زندگی باز گردان و تو بهترین آمرزگاری.

۱۵۶. در سرنوشت دنیا برای ما نیکی و نعمت مقدر کن و در زندگی آخرت نیز رحمت و نعمت را ضمانت کن که ما به درگاه تو رو آورده‌ایم و در طور مهمانیم. پروردگارش گفت: عذاب من ویژهٔ گنهکاران است و من عذاب خود را بر سر هر گنهکاری که بخواهم فرود می‌آورم و هر که را بخواهم می‌آمرزم و رحمت من ویژگی ندارد بلکه بر هر چیزی شمول دارد و همگان غریق رحمت من می‌باشند ولی آن را برای کسانی مقدر می‌کنم که راه تقوا در پیش دارند و زکات می‌پردازند و برای آن کسانی که به آیات من ایمان می‌آورند.

آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ^{١٥٧} قُلْ يَا أَيُّهَا
 النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي
 وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ^{١٥٨}
 وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ^{١٥٩} وَقَطَعْنَا لَهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا
 وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا
 قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ
 مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ^{١٦٠} وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا

١٥٧. آن کسانی که در آینده‌ای نه چندان دور از پیامبر درس ناخوانده‌ی مکتب‌نرفته‌ای بیرونی
 می‌نمایند که نام او را در تورات و انجیل خود نوشته می‌بینند، آنان را به سنت‌های شناخته
 مذهبی فرمان می‌دهد و از سنت‌های ناشناخته‌ی اجنبی نهی می‌کند و پاکیزه‌ها را حلال
 می‌کند و پلیدها را تحریم می‌کند و بار تعهدات نابجای فقهی را از دوش آنان فرو می‌گذارد
 و بندها و زنجیرهای اجتماعی را از دست و پای آنان باز می‌کند. پس آن کسانی که به آن
 پیامبر ایمان بیاورند و با تقدیم هر خدمتی که لازم و ممکن باشد او را در جامعه معزز و
 مکرم بدارند و در برابر دشمن به یاری او برخیزند و پرتو آن کتابی را که بر او نازل شده
 است دنبال کنند آنان به حقیقت رستگارانند که از عذاب دوزخ می‌رهند و به نعمت‌های
 بهشتی واصل می‌شوند.

١٥٨. بگو: ای مردم! من رسول خدا هستم و برای شما همگان پیام آورده‌ام. رسول آن
 خدایی که پادشاهی آسمان‌ها و زمین مال او است. خدایی جز او نیست، جان می‌بخشد و
 جان می‌گیرد پس ای مردم! به خدا و رسول خدا ایمان بیاورید. همان پیام‌آور درس
 نخوانده‌ای که خود نیز به خدا و کلمات خدا و انبیا ایمان می‌آورد. به او ایمان بیاورید و او را
 پیروی کنید، باشد که رهیاب شوید.

١٥٩. از مردم موسی نیز جمعی پیشرو بودند که مردم را به راه درست رهنمون می‌گشتند و
 به درستی داوری می‌نمودند.

١٦٠. و ما مردم موسی را به دوازده تیره تقسیم کردیم و آن روز که در نیمه‌راه قدس، مردم
 موسی، آب خوردن طلبیدند به موسی اشارت کردیم که عصایت را بر این سنگ بکوب؛ و
 چون عصایش را بر آن سنگ کوفت دوازده چشمه‌ی آب از آن سنگ روان شد و هر تیره‌ای از
 آن دوازده تیره‌ی آنان، از یک چشمه‌ی آن، آب آشامیدنی خود را تأمین کرد. ما در صحرای سینا

مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةً وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ۱۶۱
فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا
يَظْلِمُونَ ۱۶۲ وَأَسْأَلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ
حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۱۶۳
وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا لَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إِيَّايَ رَبِّكُمْ
وَلَعَلَّهُمْ يَنْتَفُونَ ۱۶۴ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا

بر سر آنان ابر سپیدی سایه بان کردیم و بر سر آنان ماهی من و سلوی فرو ریختیم و
گفتیم: از پاکیزه‌های روزی ما که ماهی با فلس باشد تناول کنید. ولی آنان ماهی بی فلس را
هم با حرص و ولع تناول کردند و با این خطاکاری ما را سیاه نکردند بلکه جان خود را به
سیاهی کشاندند.

۱۶۱. و خاطرنشان کن برای مردم، آن روز را که به یهودان بنی اسرائیل گفته شد: به این
شهر مقدس درآیید و هر جا هر چه بخواهید از خواسته‌ها و میوه‌های آن تناول کنید. و با
این راز و نیاز که خدایا گناهان ما را بریز، سجده‌کنان به دروازه آن قدم نهید تا خطاهایتان
را ببارمزم و بزودی و در آینده‌ای نزدیک به نیک‌اندیشانتان که بر دعا و نیایش خود بیفزایند
پاداش بیشتری خواهیم داد.

۱۶۲. ولی سیه‌کارانشان به هنگام نیایش سخنی دیگر بر زبان راندند و ما در اثر این تمرد و
در مقابل این سیه‌کاری بیماری پلیدی بر سر آن نابکاران نازل کردیم.

۱۶۳. از آنان بپرس که آیا آن مردمی که در ساحل دریای سرخ به صید ماهی، روزگار
می‌بردند از شما ملت نبودند که روزهای شنبه قانون تعطیل عمومی را شکستند؟ موقعی که
روز شنبه شروع می‌شد ماهیان به آبگیرهای ساحلی آنان هجوم می‌آوردند و روزهای دیگر
که عازم صید بودند ماهیان به آبگیرها وارد نمی‌گشتند. ما به این صورت مردم یهود را
آزمون می‌کردیم از آن رو که راه فسق و نافرمانی پیش گرفته بودند.

۱۶۴. و خاطرنشان ساز که روزی، پرهیزکارانشان به خاطیان موعظه کردند که ای مردم!
این کار شما جرم است؛ شما عصرگاهان شنبه شبکه‌های خود را بر لب آبگیرها می‌بندید و
راه خروج ماهیان را می‌بندید و روز یکشنبه شبکه‌ها را جمع می‌کنید و خوشحالید که هم
صید فراوانی بدست آورده‌اید و هم حرمت روز شنبه را نگه‌داشته‌اید. مگر حبس کردن
ماهی، صید ماهی محسوب نمی‌شود؟ و جمعی دگر پرهیزکاران را ملامت می‌کردند که چرا

بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۱۶۵ فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ۱۶۶ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۶۷ وَقَطَعْنَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِّنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۱۶۸ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلَهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِّثْلَ الْكِتَابِ أَن لَّا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالِدَارُ الْأُخْرَىٰ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۱۶۹ وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ۱۷۰ وَإِذْ

این مردم فاسق را موعظه می‌کنید. اینان متقلب و نابکارند و بی‌شک خداوند جهان‌ها لاکشان خواهد کرد و لااقل به عذاب سختی مبتلایشان خواهد ساخت. پرهیزکارانشان به پاسخ گفتند: ما آنان را موعظه می‌کنیم تا عذر خود را به پیشگاه خداوندمان تقدیم کرده باشیم. شما نیز باید با ما هم‌صدا شوید و آنان را نهی کنید تا تکلیف خود را به درگاه پروردگارتان ادا کرده باشید. شاید به این صورت راه تقوا در پیش بگیرند و قانون خدا را پاس بدارند.

۱۶۵. و چون صیادان تبهکار، تذکرات پرهیزکاران را به فراموشی سپردند ما آن دسته از پرهیزکاران را که از کار خطا منع می‌کردند را نجات بخشیدیم و سیه‌کاران فاسق را به خاطر قانون‌شکنی با عذابی سخت و رسوا کیفر نمودیم.

۱۶۶. و چون از نهی الهی سرپیچی نمودند به آنان گفتیم: همگان بوزینه شوید بوزینگانی راندهٔ اجتماع.

۱۶۷. خاطر نشان کن که پروردگارت به جهانیان اعلام کرده است که حتماً تا روز قیامت کسانی را بر سر یهودان بگمارد که در همه جا آنان را تعقیب کنند و طعم خواری و عذاب سخت را به آنان بچشانند. پروردگارت کیفری سریع دارد و سودپرستان قانون شکن را سریعاً مجازات می‌کند. پروردگارت آمرزگاری مهربان است و تائبان را می‌آمرزد و می‌پذیرد.

۱۶۸. ما یهود بنی‌اسرائیل را تیره‌تیره در زمین پراکنده نمودیم، برخی پیشرو صالحان و شایستگانند و جمعی در حد وسط از قانون خدا پیروی می‌نمایند. ما همهٔ آنان را با خوشی‌ها و سختی‌ها آزمون کردیم، باشد که از راه خطا بازگردند.

۱۶۹. از پس آن نسل‌ها که برگزشتند اینک نسلی کتاب‌تورات را ارث می‌برد که جیفهٔ دنیا را از هر راهی که فرا آید به جان می‌خرد و می‌گوید: به زودی روز غفور فرا می‌رسد و با یک

تَنَقَّنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ^{۱۷۱} وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتَ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ^{۱۷۲} أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّن بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ^{۱۷۳} كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ

روز روزه گناهان خود را کفاره می‌کنم و تا آن حد مغرور است که اگر باز هم جیفه دنیا بر سر راهش قرار بگیرد آن را می‌رباید و بر گناه‌ورزی اصرار می‌نماید. آیا مطابق قانون تورات تعهد نکردند که جز سخن درست را به خدا نبندند و احکام تورات را در مدارس محل به درس بگذارند و بدانند که خداوند رحمان اصرار بر خطا را عفو نمی‌کند و جز مردم با تقوا، روی رستگاری نمی‌بینند؟ زندگی دنیا در کام خطاکاران شیرین است و زندگی آخرت برای مردم باتقوا از زندگی دنیا بهتر است. آیا اندیشه به کار نمی‌بندید؟

۱۷۰. اما آن کسانی که به تورات آسمانی چنگ می‌زنند و نماز را بر پا می‌دارند در ردیف مصلحان دینی به شمار می‌روند و ما پاداش مصلحان را ضایع نمی‌گذاریم.

۱۷۱. و آن روز را خاطر نشان کن که يك صخره آسمانی را بر سر آنان مانند سایبان نگه‌داشتیم که تصور می‌کردند لامحاله بر سر آنان فرود می‌آید. ما به این وسیله آنان را تهدید کردیم و گفتیم: با تمام نیرو باید تورات را بپذیرید و احکام آن را به خاطر بسپارید و گرنه صخره آسمانی را بر سرتان فرو می‌اندازیم. ما این چنین گفتیم شاید بپذیرید و راه تقوا در پیش بگیرید.

۱۷۲. خاطر نشان کن که پروردگارت از فرزندان آدم از صلب آنان، نطفه‌های آدمی را برگرفت و آنان را بر خودشان گواه گرفت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همگان گفتند: چراغ ما اعتراف داریم که تو پروردگار ما هستی. این دیدار رسمی و شهود عینی برای آن بود که نمی‌خواستیم روز قیامت بگویید: ما از پروردگاری خداوند جهان بی‌خبر بودیم و ندانستیم که خالق ما پرورش ما را هم خود به عهده دارد.

۱۷۳. و یا بگویید: پدران ما در اثر جهالت فلسفه‌ای تراشیدند و اساس شرك را پایه‌گذاری نمودند و ما بعد از پدرانمان نسلی بودیم که سنت‌های اجتماعی و بافته‌های فلسفی و ژن‌های وجودی آنان را به ارث بردیم و به راه شرك رفتیم. آیا ما را به کردار پدرانمان هلاک خواهی کرد که چرا باطل‌گرا بودند و شرك را پایه‌گذاری کردند؟

وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ^{۱۷۴} وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبِعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْعَاوِينَ^{۱۷۵} وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ^{۱۷۶} سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسُهُمْ كَانُوا يَظْلَمُونَ^{۱۷۷} مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَنْ يُضِلِلْ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ^{۱۷۸} وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ^{۱۷۹} وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا

۱۷۴. ما آیات خود را این چنین فصل به فصل آوردیم تا بهتر بدانند و ببینند و باشد که از شرک خود بازگردند.

۱۷۵. بر این مردم، حکایت آن مرد روحانی را تلاوت کن که آیات خود را به او عطا کردیم و چون ایمان به آیات ما در قلب او جای نداشت بعد از سال‌ها تعلیم و تربیت از پوشش آیات ما بدر آمد و شیطان او را به دنبال خود کشید و او به سرگشتگانی پیوست که عقل خود را گم کرده باشند.

۱۷۶. اگر ما خواسته بودیم او را با اوج آیات خود به درجات بالا می‌کشیدیم، ولی او به زندگی خاکی دل بست و هوای نفس خود را دنبال کرد و از درگاه ما رانده و مطرود شد. حکایت او حکایت آن سگ بارکش است که اگر بر سورت‌هایش بار نهی لَه‌لَه می‌زند و اگر او را وانهی لَه‌لَه می‌زند گویا از تحقیری که بر او وارد کرده‌اند حرص می‌خورد و جوش می‌زند. حکایت آن کسانی که آیات ما را تکذیب کرده‌اند نیز حکایت همین سگ خواهد بود که بر صاحبش خشمگین است و کاری از پیش نمی‌برد. تو این حکایت را بر همگان روایت کن باشد که ببینند.

۱۷۷. بدحکایتی است برای مثل مثل حکایت آن مردمی که آیات ما را تکذیب کردند و جان خود را به سیاهی کشاندند.

۱۷۸. هر کس را که خداوند رحمان هدایت کند رهیاب است و هر کس را که خدا سرگشته سازد و در گمراهی رها کند به قیامت زیان کار است.

۱۷۹. به یقین ما شمار بسیاری از نطفه‌های جن انس را برای آتش دوزخ بر زمین افشانیم، آنان که دل دارند و نمی‌فهمند، چشم دارند و نمی‌بینند، گوش دارند و نمی‌شنوند، همانند گاو و بلکه سرگشته و نادان‌تر، آنان همان بی‌خبرانند.

الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ ۱۸۰ وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ۝ ۱۸۱ وَالَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا سنستدرجهم من حيث لا يعلمون ۝ ۱۸۲ وَأُمْلِي لَهُمْ إِن كَيْدِي مَتِينٌ ۝ ۱۸۳ أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جَنَّةٍ إِن هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝ ۱۸۴ أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجْلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ۝ ۱۸۵ مَنْ يَضِلَّ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ ۱۸۶ يسألونك عن الساعة أيان مرساها قل إنما علمها عند ربي لا يجليها لوقتها إلا هو تنقلت في السماوات والأرض لا تأتيكم إلا بغتة يسألونك كأنك حفي عنها قل إنما علمها عند الله

۱۸۰. خدای جهان را نام‌های نیکوتری هست پس خدا را با نام‌های نیکوترش بخوانید و کسانی را که در نام‌های خدا کج‌فکری و کج‌اندیشی دارند با دعا‌های اختراعی و تعبیرات ناپسندشان تنها بگذارید این کج‌اندیشان به زودی کیفر دستاورد خود را خواهند دید.

۱۸۱. همواره جمعی از بندگان ما هستند که مردم را به درستی هدایت می‌کنند و با درستی به راه عدل و داد می‌روند. شما باید از رهنمود آنان و دعا‌های ساخته آنان رهیاب گردید.

۱۸۲. و آنان که آیات ما را تکذیب می‌کنند از آنجا که ندانند پایه پایه به سوی هلاکت می‌کشانیم.

۱۸۳. آنان را مدد می‌رسانیم تا بر کفر و طغیان خود بیفزایند و پیمانه آنان پر شود. حيلة من استوار است و قابل واکنش نیست.

۱۸۴. آیا این مشرکان عقل و خرد ندارند و آیا اندیشه خود را بکار نبسته‌اند؟ رسول آنان بیماری جنون ندارد که نابجا سخن بگوید. او رسولی است که آشکارا اعلام خطر می‌کند و مردم را از عذاب رستخیز برحذر می‌دارد.

۱۸۵. و آیا در ناموس آسمان‌ها و زمین نظر نکردند که چگونه می‌چرخند و انتظام دارند؟ و در آن خواسته‌ها که خدا آفریده است تفکر نکردند که جز متاعی موقت نیست؟ آیا نیندیشیده‌اند که شاید ساعت انقراض زمین فرا رسیده باشد و به پایان عمر خود نزدیک باشند؟ اگر به قرآن ایمان نمی‌آورند که هدف زندگی را آزمون بشر می‌داند بعد از قرآن به کدامین سخن ایمان می‌آورند؟

۱۸۶. کسی را که خداوند جهان در بیراهه واگذارد کسی نمی‌تواند او را رهیاب سازد. خداوند، مردم گمراه را و می‌نهد تا در سرکشی و طغیان خود سرگشته بمانند.

وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ^{۱۸۷} قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ
 أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ^{۱۸۸} هُوَ
 الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلٌ خَفِيًّا
 فَامْرَأَتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ^{۱۸۹} فَلَمَّا آتَاهُمَا
 صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ^{۱۹۰} أَيُّشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا
 وَهُمْ يُخْلَقُونَ^{۱۹۱} وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ^{۱۹۲} وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى

۱۸۷. می پرسند که این کشتی زندگی کی لنگر خواهد انداخت که رستاخیز موعودتان بر پا گردد؟ بگو: لحظه توقف با گردش آسمانها و زمین پیوند دارد و دانش آن تنها در اختیار پروردگار من است. هیچ کس نمی تواند با وضوح کامل، هنگام آن را اعلام کند جز همان پروردگار من. لحظه توقف در آسمانها و زمین لحظه سنگینی است. آن لحظه فرا نمی رسد مگر ناگهان. چنان گرد تو را گرفته اند و مصرانه می پرسند که گویا می دانی و نمی گویی. بگو: دانش آن لحظه و هنگام فقط در نزد خداست ولی بیشتر مردم نمی دانند.

۱۸۸. بگو: من برای خودم نیز مالک سود و زیان نیستم مگر آن که خدا خواسته باشد و سود و زیان مرا در دست خودم بگذارد. اگر من از غیب و نهان باخبر بودم سود فراوانی به دست می آوردم و هیچ گونه بدی و بیماری به من نمی رسید. من دانای نهان نیستم من فقط رسولی هستم که باید اهل ایمان را از عذاب دوزخ بیم دهم و به نعمت های بهشتی بشارت دهم.

۱۸۹. او خداوندی است که شما را از یک جان آفرید و جفت او را از جنس خودش آفرید تا بتواند در کنارش آرامش یابد و چون جفت خود را دربر کشید جفت او باری سبک برداشت و چند ماهی بار دل را با خود می کشید تا آن که بار او سنگین شد. هر دو تن با خداوند پروردگارشان تعهد کردند که بار خدایا اگر پسری شایسته به ما ارزانی بداری بی شک از شاکران نعمت خواهیم بود.

۱۹۰. و چون خداوندشان فرزندی شایسته عطا کرد برای خداوندشان در موهبت همان فرزند چند خدای دیگر تراشیدند و الهه عشق و الهه زیبایی و الهه جوانی را نیاز بردند. خداوند جهان والاتر از هر شریک و همتایی است که برای او می تراشند.

۱۹۱. آیا کسی را شریک و همتای خدا می گیرند که قدرت آفرینش ندارد و خودش آفریده دست دیگران است؟

لَا يَتَّبِعُكُمْ سِوَاءَ عَلَيْكُمْ أَدْعُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ^{۱۹۳} إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالِكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^{۱۹۴} اللَّهُمَّ أَرْجُلُ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلْ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا فَلَا تُنظِرُونَ^{۱۹۵} إِنْ وَلِيَ اللَّهُ أَلَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ^{۱۹۶} وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسُهُمْ يَنْصُرُونَ^{۱۹۷} وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ^{۱۹۸} خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ^{۱۹۹} وَإِنَّمَا يَنْزَعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^{۲۰۰} إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا

۱۹۲. اگر مردم به آنان التجا ببرند توان نصرت ندارند، حتی گزند دشمنان را از خودشان دفع نمی‌توانند.

۱۹۳. اگر آنان را به راه بخوانید دنبال شما نمی‌آیند. بر شما یکسان است، خواه آنان را بخوانید و یا خاموش و ساکت بمانید و کنشی نمی‌بینید.

۱۹۴. به یقین همه آن خدایانی که در راز و نیاز خود می‌خوانید و به آنان التجا می‌برید - غیر از خداوند جهان - بندگان چنانچه شما می‌بینید که از خود چیزی ندارند اگر راست می‌گویند که این بت‌ها خداوندگار شما نیستند پس آنان را به نام بخوانید و عرض حاجت نمایید. اگر آنان شریک خدا باشند باید پاسخ شما را بدهند و حاجت شما را برآورده سازند.

۱۹۵. آیا این خدایان شما پا دارند که راه بروند، یا دست دارند که بگیرند و ببندند و بزنند، چشم دارند که ببینند، گوش دارند که بشنوند؟ بگو: همه خدایان خود را بر علیه من بسیج کنید و به مبارزه با من برخیزید و مهلتم مدهید.

۱۹۶. به یقین مولا و یاور من آن خدایی است که قرآن را نازل کرده است و از صالحان حمایت خواهد کرد.

۱۹۷. و آن خدایانی که شما به یاری خود می‌خوانید - غیر از خداوند جهان - قدرت آن را ندارند که شما را یاری کنند و نه گزند دشمنان را از ساحت خود دفع می‌نمایند.

۱۹۸. و اگر آنان را به راه بخوانی فریادت را نمی‌شنوند. می‌بینی که چشم‌های خود را به سوی دوخته‌اند ولی چیزی نمی‌بینند.

۱۹۹. در مقابل این مردم گذشت را از کف منه، به شناخته‌های سنت فرمان بده و از مردم جهالت پیشه رو بگردان.

۲۰۰. و اگر از سوی شیطان به نوعی تحریک شدی که با آنان در آویزی به خداوند رحمان

إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ۚ وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ ۚ وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بَايَةٌ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَاطًا مِّنْ رَبِّيكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۚ وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۚ وَادْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخَيْفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ ۚ إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ۚ

پناهنده شو که تقاضایت را می شنود و به حالت دانا است.

۲۰۱. به یقین کسانی که تقوا دارند از هماهنگی با شیطان بدورند و هر گاه موجی از وسوسه شیطان بر سر آنان بچرخد بلافاصله فرمان خدا را به خاطر می آورند و ناگهان چشم های خود را با بینایی و بیش باز می کنند.

۲۰۲. و کسانی که تقوا ندارند با شیطان ها برادرند و شیطان ها برادران بی تقوای خود را مدد می رسانند تا هر چه بیشتر عقل و خرد خود را گم کنند و در بیراهه روی اصرار بورزند و باز هم از ارسال کمک کوتاهی نمی ورزند.

۲۰۳. این مشرکان هماره در انتظار معجزه و آیت به سر می برند و اگر تو معجزه ای برای آنان نبوی می گویند: چرا بی معجزه آمدی؟ چرا معجزه ای به دست نیوردی؟ بگو: من فقط از وحی پروردگارم اطاعت می کنم و از خود چیزی ندارم. این قرآن، رهنمود و رحمتی است که خداوند رحمان، برای اهل ایمان آورده است.

۲۰۴. و چون قرآن بر شما تلاوت شود به آیات آن گوش بسپارید و خاموش بمانید، باشد که معجزه آیات را دریابید و مورد رحمت قرار بگیرید.

۲۰۵. و تو به هنگام نماز ظهر و عصر پروردگارت را با حال زاری و ترس فقط با حضور دل بخوان بی آن که آوایت را به تلاوت آشکار کنی و خشم کافران مشرک را برانگیزی و مبادا از غافلان باشی که یاد خدا را ترک کنی.

۲۰۶. به یقین آن فرشتگانی که در پیشگاه پروردگارت به سر می برند از پرستش او تکبر ندارند، او را تسبیح می کنند و پیشانی خود را بر خاک می ساینند.

الأنفال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ^١ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ^٢ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ^٣ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ^٤ كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ ^٥ يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ^٦ وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنْ غَيْرَ

١. می‌پرسند که تکلیف انفال و اموال بی‌صاحب چه خواهد شد؟ بگو: اموال بی‌صاحبی که در معرکه قتال از دشمن بجا می‌ماند از آن خدا و رسول خداست، پس شما از خدا بترسید و با رد کردن انفال اُحد به منازعات و مخاصمات خود پایان بدهید. اگر ایمان آورده‌اید از خدا و رسول خدا اطاعت کنید.
٢. مؤمنان کسانی هستند که چون نام خدا برده شود دل‌هایشان از ترس به تلاطم افتد و چون آیات خدا بر آنان تلاوت شود بر ایمانشان بیفزاید و در گرفتاریها و مشکلات زندگی بر خداوند، پروردگارشان توکل نمایند.
٣. همان کسانی که که نماز را برپا می‌دارند و از آن رزق و روزی‌ها که عطایشان کرده‌ایم در راه خدا انفاق می‌کنند.
٤. اینان همان‌ها هستند که با حقیقت و درستی ایمان آورده‌اند. در پیشگاه پروردگارشان پایه‌های رفیعی دارند و آمرزش الهی با روزی باکرامت در انتظار آنهاست.
٥. آن‌سان که خداوندت در جنگ بدر با حق و حقیقت از خانه برون برد تا مشرکان را منکوب و سرکوب سازی با همان حق و حقیقت از خانه برون برد تا در خارج شهر با مشرکان به جهاد و مقابله پردازی با آن که جمعی از مؤمنان کراهت خاطر داشتند و با نارضایتی با تو همراه گشتند.
٦. بعد از آن که با رأی اکثریت به تصویب رسید و روشن شد که خروج از شهر يك تکلیف دینی است با تو جدل می‌کردند که چرا باید از شهر خارج شویم گویا به سوی مرگشان می‌رانند و با چشم خود هیولای مرگ را نگرانند.

ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ^٧ لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ^٨ إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِئَةِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ^٩ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^{١٠} إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رَجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ^{١١} إِذْ يُوحِي

٧. شما خود به خاطر بیاورید که در همان جنگ بدر هم خدایتان وعده می‌داد که یکی از دو گروهان قریش از آن شما خواهد گشت، یا بر سپاه مسلح آنان، پیروز می‌شوید و یا بر کاروان تجارتشان دست می‌یابید و شما دوست می‌داشتید که گروه نامسلح کاروان نصیب شما گردد تا بدون درگیری و بی‌کشته و زخمی مال التجارة آنان را صاحب شوید. در حالی که خدا می‌خواست با کلمات کارساز خود حق و حقیقت را به کرسی بنشانند و نسل کافران را قطع کند.

٨. حق را به کرسی بنشانند و باطل را از صفحه گیتی محو سازد گرچه تبهکاران مجرم، کراهت خاطر دارند.

٩. به خاطر بیاورید که در آغاز همین جنگ احد موقعی که از اکثریت دشمن و تعداد سوارانشان آگاه شدید، استغاثه کردید و از پروردگارتان مدد می‌خواستید که پروردگارا! عده ما اندک است و شمار دشمنان ما پنج برابر ما است و پروردگارتان اجابت کرد که من شما را با هزار فرشته مدد خواهم کرد که هر یک از آنان دو تن فرشته دیگر ردیف خود سوار کرده باشند تا سوارانشان با سواران دشمن بجنگند و پیادگانشان با پیادگان دشمن مصاف دهند.

١٠. این اطلاعیه را خداوند رحمان صادر نفرمود مگر به خاطر نویدبخشی و بشارت پیروزی و تا خاطر شما آرام بگیرد و گرنه پیروزی جز از پیشگاه خداوندتان نازل نمی‌گردد و اگر خداوند رحمان پیروزی ندهد هزاران هزار فرشته هم کاری از پیش نمی‌برند. به یقین خداوند رحمان عزتمند و کاردان است.

١١. به خاطر بیاورید که در شب پیش از جنگ، برای آرامش اعصابتان خوابی آرام‌بخش و عمیق را بر چشمان شما مسلط کرد که در رؤیای خوش فرو رفتید و از آسمان بارانی فرو فرستاد تا شما را با آب باران از جنابت رؤیا پاک و مطهر بسازد و پلیدی شیطان را از شما بزدايد و بر دل‌های شما بند زند که از جا برنیاید و قدم‌های شما را استوار سازد که زانواتان نلرزد.

رَبِّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعْبَ فَأَضْرِبُوا
فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَأَضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ^{١٢} ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ
وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ^{١٣} ذَلِكَ فَدَوْقُوهُ وَأَنْ لِلْكَافِرِينَ عَذَابُ النَّارِ^{١٤} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ^{١٥} وَمَنْ يُولُوهُمْ يَوْمَئِذٍ دَبْرَهُ إِلَّا مَتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ
مُتَحِيزًا إِلَى فِتْنَةٍ فَغَدَا بِأَعْيُنِنَا مَنْ يَغْضَبِ اللَّهُ وَمَا وَاهُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ^{١٦} فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ
قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتُمْ إِذْ رَمَيْتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
^{١٧} ذَلِكَ وَمَنْ اللَّهُ مُوَهِّنٌ كَيْدِ الْكَافِرِينَ^{١٨} إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ

۱۲. خاطرنشان ساز که روز احد پروردگارت با فرشتگان اشارت کرد که من با شما هستم. شما فقط دل‌های مؤمنان را آرامش دهید و گام‌هایشان را ثابت و راسخ سازید. من در لحظات بعد و به هنگام نبرد در دل‌های کافران رعب و وحشت خواهم افکند تا راه فرار در پیش بگیرند. از آن پس شما چنان بر سر کافران بکوبید که خرد را تباه کند و چشم‌ها را کم‌بین سازد و پنجه‌های انگشت را بکوبید که سلاح از کف بیندازند.
۱۳. این سرکوبی از آن جهت بود که بر سر قدرت با خدا و رسول خدا در ستیز شدند و جبهه گرفتند و هر کس با خدا و رسول خدا در ستیز شود و جبهه‌بندی نماید به عقوبت خدایی گرفتار می‌آید و عقوبت خدا، سخت و سهمگین است.
۱۴. سزای شما ستیزه‌گران همین است که باید بچشید و این را هم بدانید که شما کافران با عذاب دنیا از عذاب آخرت رهایی نمی‌یابید و برای کافران عذاب دوزخ هم مهیا است.
۱۵. ای اهل ایمان! شما در پایان جنگ احد راه گریز را در پیش گرفتید و پشت به دشمن به کوه و دره گریختید از این پس هر گاه با گروه دشمن مقابل شوید که در حال پیشروی باشند مبادا رو برگردانید و پشت به آنان بگریزید.
۱۶. هر کس در روز پیکار با دشمن به آنان پشت کند - مگر آن که بخواهد برای پیکار با دشمن به زاویه‌ای دیگر منتقل گردد و یا بازگردد و به دست مؤمنان بپیوندد - به یقین بستری از خشم خدا به دست خود تهیه می‌بیند و روز قیامت جایگاه او دوزخ است و دوزخ بدجایگاهی است.
۱۷. این شما نبودید که در آغاز جنگ احد مشرکان را کشتید بلکه خدا آنان را کشت و این تو نبودى که به سوى آنان سنگ افکندی بلکه خدا افکند. خدا بود که می‌خواست جمعی از سران مبارز شرك را مانند کبش کتیبه به خاکِ هلاکت اندازد و آزمون خوشی از پیروزی

لَكُمْ وَإِنْ تَعُدُّوا نَعْدَ وَلَنْ تَغْنِيَّ عَنْكُمْ فَتُتَّكَمُ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ^{١٩} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ^{٢٠} وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ^{٢١} إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ^{٢٢} وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ^{٢٣} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ

بی‌مرارت نصیب شما بسازد. خداوند رحمان استغاثه شما را شنوا بود و به حال زار شما دانا که فرشتگان را نازل کرد و رعب و وحشت در دل مشرکان افکند که یکسر پا به گریز نهند.

۱۸. سزای شما ستیزه‌گران مشرک همین بود که طعم رسوایی را چشیدید و این را به خاطر داشته باشید که خدا حامی مؤمنان است و حيلة کافران را سست و زبون خواهد ساخت.

۱۹. اگر شما مشرکان با لشکرکشی‌های خود خواهان فتح و ظفر باشید باید بدانید که در پایان این نبرد، فتح و ظفر نصیب شما شد و با فرصتی که رخ داد به مراد دل رسیده‌اید و به خونخواهی بدر و احد هفتاد تن از مسلمین را به خاک افکنده‌اید و اگر به کین‌خواهی پایان بدهید و از لشکرکشی و ستیزه‌جویی دست بردارید به سود شما تمام خواهد شد چرا که مسلمین حرمت حرم را نگه می‌دارند و به خونخواهی، سوی حرم نمی‌تازند و اگر شما با لشکرکشی به ستیزه‌جویی خدا بازگردید ما هم با سپاه فرشتگان باز می‌گردیم و گردان شما هر چند فراوان باشند دردی از دردهای شما را دوا نخواهند کرد و کاری از پیش نخواهند برد. این را بدانید که خدا از شما مشرکان بیزار است و با مؤمنان همراه است.

۲۰. و شما ای اهل ایمان! خدا و رسول خدا را اطاعت برید و چنان که در جنگ احد از گرد رسول خدا پراکنده گشتید از رسول خدا روی مگردانید و فراری نشوید با آن که ندای او را می‌شنوید.

۲۱. مانند آن یهودان منافق نباشید که گفتند: شنیدیم ولی گوش شنوا ندارند.

۲۲. به یقین کسانی که سخن نمی‌شنوند و دعوت حق را پاسخ نمی‌دهند و اندیشه به کار نمی‌بندند نزد خدا بدترین حیواناتند.

۲۳. اگر خداوند رحمان در نهاد این مشرکان خیری ملاحظه می‌کرد سخن حق را در گوش آنان فرو می‌کرد و چون خیری در وجود آنان نیست و جز شرّ و پلیدی از وجود آنان نمی‌تراود خداوند رحمان سخن حق را در گوش آنان فرو نخواهد برد. اگر با وجود پلیدی و بی‌خبری سخن حق را در گوش آنان فرو برد با بی‌اعتنایی روگردان می‌شوند.

إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ^{٢٤} وَاتَّقُوا
 فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ^{٢٥} وَادْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ
 قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ
 مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ^{٢٦} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ

۲۴. ای اهل ایمان! دعوت خدا و رسول خدا را بی‌درنگ اجابت کنید هر آن گاهی که شما را به کاری حیات‌بخش و جان‌آفرین بخوانند، این را بدانید که خداوند جهان میان آدمی و دلش حایل می‌شود که عزم و خاطره خود را فراموش کند گرچه رسول خدا باشد و اگر رسول خدا از پیگیری و تذکار دعوت خدا غافل شود و شما هم دعوت او را به دست فراموشی بسپارید از برکات دعوت او محروم می‌شوید. این را هم بدانید که شما به پیشگاه خداوند جهان محشور می‌شوید و بار این مسئولیت‌ها را بر دوش می‌برید.

۲۵. مبادا در صدد فتنه برآیید و دعوت او را عمداً پس‌گوش بیندازید و یا رأی او را که از وحی خدا مایه می‌گیرد سبک بشمارید و ناخواسته ایجاد فتنه و آشوب نمایید. شما باید از هر گونه فتنه‌ای برحذر باشید خصوصاً فتنه‌ای که شعله‌های آن تنها دامن سیه‌کاران فتنه‌انگیزتان را نخواهد گرفت بلکه دیگران را هم با گناه و بی‌گناه در شعله‌های خود فرو خواهد کشید، در این جنگ نافرجام رسول خدا به شما فرمود: پنجاه تن تیرانداز قوی پنجه بر گردنه احد نگهبان باشند که دشمن از پس پشت‌سر نیابد و شما پست نگهبانی را به خاطر جمع‌آوری غنیمت ترک نمودید و هفتاد تن را به کشتن دادید و صدها تن دیگر زخمی برجا مانده‌اند. این گونه سیه‌کاری و فتنه‌انگیزی عقاب خدا را در پی دارد و عقاب خدا سخت و سهمگین است.

۲۶. در این جنگ عبرت‌انگیز رأی پیران شما بر آن بود که باید موضع دفاعی بگیریم و دشمن را که چند برابر ما مرد جنگی سان دیده است به داخل کوچه‌ها و دره‌ها بکشانیم تا صولت و شوکت آنان شکسته شود سپس آنان را به رگبار تیر و قلوله سنگ بگیریم و سرکوب نماییم ولی با غرور بیجا و احساسات شورانگیز شما، رأی آنان در اقلیت قرار گرفت. شما نباید احساسات خام و غرور بی‌مایه را بر سرنوشت جامعه حاکم سازید. شما به خاطر بیاورید که مردمی اندک بودید و مستضعف و ناتوان در این سرزمین، زیر سلطه دیگران قرار گرفته بودید با این ترس و بیم که مبادا اعراب بادیه چون عقاب بر سر شما فرود آیند و هستی شما را برابیند. پس خداوند رحمان شما را در مدینه مأوی داد و با نصرت خود مدد

وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ۚ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۚ وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يَخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ۚ وَإِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأُولِينَ ۚ وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِن كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَابًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۚ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ۚ

کرد و از روزی های پاک خود بهر مندتان ساخت، باشد که شما شاکر نعمت های او بوده باشید.

۲۷. ای اهل ایمان! با خدا و رسول خدا خیانت نکنید و اسرار نظامی و دستورات محرمانه او را افشا ننمایید که دانسته در امانت جامعه و حفظ مصالح ملی خیانت کرده اید.

۲۸. بدانید که اموال شما و فرزندان شما وسیله آزمون شمایند. مبدا به خاطر حفظ اموال و فرزندان خود با دشمن رابطه برقرار نمایید و یا با فروختن اسرار نظامی سیم و زری بیندوزید و یا در غنایم جنگی خیانت بورزید و چیزی را نهان دارید. این را هم بدانید که در پیشگاه خداوند جهان پاداشی بزرگ و مزدی وافر در مقابل طاعت و امانت مهیا است.

۲۹. ای اهل ایمان! اگر شما از نافرمانی خدا بترسید خداوند رحمان تشخیص و بصیرت شما را بالا می برد که میان حق و باطل تمیز بگذارید و سود و زیان خود را بشناسید. علاوه بر آن بدی های شما را از دفتر اعمالتان محو می کند و گناهان شما را می آمرزد و از مازاد رحمت خود شما را بهره مند می سازد. خداوند جهان فضلی عظیم دارد.

۳۰. خاطرنشان ساز که همین مشرکان روزی به چاره جویی نشستند تا تو را معلول و زمینگیر سازند و یا مقتول نمایند و یا از مکه برون برانند. آنان برای هلاک جانت به چاره جویی بودند و خداوند رحمان برای نجاتت راه چاره می جست و خداوند جهان بهترین چاره ساز است.

۳۱. و چون آیات ما بر آنان تلاوت می شد با سیه کاری و به منظور اشتباه کاری بر مردم گفتند: ما آیات خدا را شنیده ایم اگر خواسته باشیم مانند آن را می سازیم. این قرآن غیر از افسانه های مردم پیشین چیز دیگری نیست.

۳۲. و خاطر نشان کن آن روز را که با مکر و فریب و به منظور اشتباه کاری بر مردم عامی گفتند: بار خدایا! اگر این قرآن به حقیقت و درستی از جانب تو نازل شده است و ما به آن

وَمَا لَهُمْ آلًا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَائِهِمُ الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ^{٣٤} وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ^{٣٥} إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ^{٣٦} لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ^{٣٧} قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّةُ

کافر شده‌ایم پس کیفر خود را بر ما نازل کن و از آسمان سنگی بر سر ما بیفتن و بارانی از سنگ‌ریزه بر ما باران و یا ما را به عذاب دردناکی مبتلا کن.

٣٣. اما خداوند رحمان، مردمان را با این گونه عذاب‌ها هلاک نخواهد کرد مادام که تو در میان آنان باشی و اگر در میان آنان نباشی باز هم خداوند رحمان کسی را با این گونه عذاب‌ها هلاک نخواهد نمود مادام که با استغفار و معذرت به درگاه او بیایند، از این دو حالت که بگذرد خداوند جهان حق دارد که مردمان مشرک را با عذاب آسمانی هلاک و نابود سازد. منتها خداوند رحمان به آنان مهلت داده است که عمر مقدر خود را به پایان برسانند، باشد که ظرف این مدت نادم شوند و ایمان بیاورند، ولی این کافران مهلت الهی را وسیله عوام‌فریبی ساخته‌اند و می‌گویند: ما خطایی نکرده‌ایم تا مستوجب عذاب الهی باشیم و لذاست که عذاب آسمانی بر ما نازل نمی‌گردد.

٣٤. چرا و با چه حجتی خداوند جهان، حق ندارد مشرکان را عذاب کند با آن که آنان مردم را با جنجال و بلوا از تشرّف به مسجد و زیارت خانه خدا باز می‌دارند بی‌آن که تولیت مسجد را عهده‌دار بوده باشند. تولیت مسجد و اختیار حرم باید در دست صاحبان تقوا باشد ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

٣٥. راز و نیاز آنان در کنار کعبه جز سرود و ترانه چیز دیگری نبود و این صورتی از کفر و الحاد است پس باید در برابر این کفر و الحاد عذاب خدا را بچشید.

٣٦. به یقین همین مردم کافر حاضرند که اموال خود را در راه بسیج لشکر و هزینه سفر خرج نمایند تا راه خدا را بر زائران کعبه ببندند. به زودی چنین خواهد کرد و جز حسرت و ناکامی، طرفی نخواهند بست و بعد از یک بسیج عمومی مغلوب و مقهور می‌شوند. مردمان کافر یکسر و همگان به سوی دوزخ محشور می‌شوند.

٣٧. با این مهلت و فرصت باید خداوند جهان بد را از خوب جدا سازد و بدها را رویهم بریزد

الْأُولَىٰ ۚ وَقَاتَلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۗ وَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ۗ ۴۰ وَعَلِمُوا أَنَّمَا عَنَّمْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ خَمْسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۗ ۴۱ إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدُوَّةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدُوَّةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتِلَافْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِن لِّيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِّيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْنِنَا وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَن بَيْنِنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ۗ ۴۲ إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَّفَشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي

و انبوه کند و آن گاه در دوزخ جای دهد. اینان در تجارت دنیا زیانبارند.

۳۸. به این کافران بگو: اگر از ستیز و درگیری دست بکشند گذشته‌ها را بر آنان می‌بخشایم و به همزیستی پیشین باز می‌گردیم و اگر باز هم به ستیز و درگیری بازگردند و مکرری تازه بیندیشند بی‌شک مقهور و معذب می‌شوند و همان سنتی که در سرکوبی امت‌های پیشین جاری شده است در سرکوبی اینان جاری خواهد گشت.

۳۹. اگر باز هم درصدد ستیز و درگیری بودند با آنان پیکار کنید تا آن که فتنه و آزاری درمیان نباشد و کیش و ملت یکسر از آن خدا باشد و اگر بعد از ستیز و درگیری دوباره نادم شدند و از مقابله و آزار مسلمین دست کشیدند شما نیز از پیکار با آنان دست بکشید و آنان را به خدا واگذارید. به یقین خداوند جهان به دستاورد آنان بینا است.

۴۰. اگر مشرکان از پذیرش این همزیستی روگردان شدند از صولت آنان نهراسید و بدانید که خداوند رحمان یاور و مولای شما است. خوب سرور و مولایی است. خوب ناصر و مددکاری است.

۴۱. شما در مسائل جنگی این را هم باید بدانید، هر غنیمتی که به چنگ آورید - هر چه باشد - یک پنجم آن غنیمت، مال خداست و مال رسول خدا و آن که از خویشان رسول خدا باشد و یتیمان‌شان و بیکارانشان و درماندگان در راهشان. اگر شما به خدا ایمان آورده باشید و به آن نصرتی که در روز بدر بر بنده خود نازل کردیم تا حق و باطل از هم جدا گشت، همان روزی که مؤمنان و مشرکان رودرو شدند و مشرکان را نابود کردیم شما به نصرت‌های بعدی و غنائم جنگی نیز یقین می‌کنید و با مشرکان پیکار می‌نمایید تا ریشه فتنه از بن برآید و ملت، خدایی شود. خداوند جهان بر هر خواسته‌ای توانا است.

۴۲. آن روز شما این سوی تپه نزدیک چاه بدر منزل کردید و آنان آن سوی تپه دورتر از

الْأَمْرَ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ٤٣ وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّيْتِمِ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّكُمُ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ٤٤ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ٤٥ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا

چاه بدر چادر زدند و کاروان تجارت که شما و مشرکان از دو سو در جستجوی آن بودید - شما برای غارت و آنان برای حراست - در کنار ساحل به سوی مکه می‌تاخت. اگر شما با مشرکان وعده می‌کردید که بر سر چاه بدر با هم پیکار کنید بی‌شک با اختلاف روز و ساعت به میعادگاه نبرد می‌رسیدید ولی شما در یک روز و یک ساعت به هم رسیدید و تنها یک تپه در میان شما فاصله بود. این توافق و هماهنگی اتفاقی نبود. برای آن بود که خداوند جهان کار شدنی را به انجام برساند و حجت مشرکان را پست کند که دیگر خود را در حمایت خداوند ندانند. برای آن بود که هر کس هلاک شود از روی بینش و بصیرت هلاک شود و یکسر به دوزخ برود و هر کس حیات و زندگی بیابد از روی بینش و بصیرت حیات و زندگی یابد و با ادای شهادت به ایمان و اسلام ببیوندد. خداوند رحمان شهادت مؤمنان را می‌شنود و به حال آنان داناست.

٤٣. آن روز خداوند رحمان، تعداد مشرکان را در خواب شبانه به تو اندک نمود تا به یارانت بگویی سلحشوران قریش اندکند. اگر خداوند رحمان شمار دقیق آنان را نشانت می‌داد تا به یارانت بگویی شمار مشرکان سه برابر ما است، شما مؤمنان در تصمیم خود سست می‌شدید و در تعقیب دشمن با هم نزاع و جدل می‌کردید و اختلاف می‌نمودید اما خداوند رحمان شما را از این فاجعه به سلامت گذراند. به یقین خداوند رحمان به راز دل‌ها و بیماری سینه‌ها دانا است.

٤٤. آن روز که شما با مشرکان روبرو گشتید خداوند عوض نزول فرشتگان طرح دیگری به کار برد، آنان را در چشم شما اندک نمود تا تشجیع شوید و ثابت‌قدم بمانید و شما را در چشم آنان کم و اندک نمود تا خام شوند و شما را یک لقمه چپ بشمارند و در پیروزی خود تردید نکنند و فوراً حمله کنند تا خداوند جهان کار شدنی را به انجام برد و سران شرک را به هلاکت برساند. هر کاری به سوی خدا حواله می‌شود.

٤٥. ای اهل ایمان! از این پس هر گاه با گروه دشمن مقابل شدید استوار و ثابت‌قدم بمانید و مانند روز احد فرار نکنید. خدا را فراوان یا کنید و نام او را بر زبان برانید که رستگار شوید.

فَتَفَشَلُوا وَتَذَهَبَ رَيْحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ^{٤٦} وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ^{٤٧} وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَآتِ الْفِتْنَانَ نَكَصَ عَلَى عَقْبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ^{٤٨} إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^{٤٩} وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ^{٥٠} ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ^{٥١} كَذَابِ آلِ

٤٦. خدا را اطاعت کنید و رسول خدا را اطاعت کنید و مانند روز احد نزاع و جدل مکنید که سست شوید و بادتان در رود. صبر و پایداری داشته باشید که خداوند یار صابران است.

٤٧. شما مانند قریش نباشید که روز بدر از خانه‌های خدا با غرور و خودنمایی برون شدند که از موضع قدرت با مؤمنان مقابله نمایند. با نمایش قدرت و تضعیف جبهه ایمان از گرایش مردم به سوی ایمان مانع می‌شدند و راه مردم را به سوی خدا می‌بستند. و خداوند جهان به دستاورد آنان از هر جهت نگران بود.

٤٨. خاطرنشان ساز که شیطان در روز بدر دستاورد مشرکان را با دویست تن سواره‌نظام و چهارصد تن پیاده‌نظام در چشم آنان آراست حتی خود شیطان اظهار رضایت کرد و گفت: با این تجهیزات جنگی امروز کسی بر شما غالب نخواهد شد و من به شما اطمینان می‌دهم شما در امان من خواهید بود که با تمام نیرو از شما حمایت کنم. و چون دو گروه مؤمن و مشرک رو در رو شدند خود را عقب کشید و گفت: من امان خود را پس گرفتم و پیوند خود را با شما گسستم. به یقین من از نشانه‌های خشم خدا چیزها می‌بینم که شما نمی‌بینید. من از کیفر خدا می‌ترسم و خداوند جهان کیفری سخت و سهمگین دارد.

٤٩. آن روز منافقان مدینه و مهاجرانی که دل‌هایشان بیمار بود، گفتند: این مردم اندک را دین و اعتقادشان چنین خام کرده است که با دو تن سواره‌نظام برابر دویست تن سواره‌نظام دشمن صف کشیده‌اند و می‌خواهند با هشت شمشیرزن در مقابل ششصد شمشیرزن مقاومت نمایند. ولی مؤمنان بر خدا توکل کرده بودند و هر کس بر خدا توکل کند عزیز و پیروز خواهد شد چرا که خداوند جهان عزتمند و کاردان است.

٥٠. کاش حال آنان را نظاره کنی آن لحظه‌ای که فرشتگان جانشان را قبضه و توقیف می‌کنند چگونه بر صورتشان و بر قفایشان می‌کوبند و به روز قیامت که محشورشان سازند

فَرَعُونَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ٥٢
 ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ
 عَلِيمٌ ٥٣ كَذَّابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ
 فِرْعَوْنَ وَكُلُّ كَانُوا ظَالِمِينَ ٥٤ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِيهِمْ لَا يُؤْمِنُونَ ٥٥ ذِينَ
 عَاهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ٥٦ فَمَا تَتَّقِنَهُمْ فِي الْحَرْبِ
 فَشَرَّدَ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ٥٧ وَإِنَّمَا تَخَافَنَ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ

می‌گویند: اینک عذاب آتش فروزان را بچشید.

٥١. این آتش فروزان ثمره همان دستاوردی است که برای امروز خود مهیا کردید، این آتش
 فروزان - و نه در حدی فزاینده‌تر - بدان جهت است که خداوند جهان بندگان خود را بیش
 از حد سیه‌کاری آنان سیاه نخواهد کرد.

٥٢. شیوه این مشرکان شیوه فرعونیان است و شیوه سایر امت‌های پیشین که به آیات خدا
 کافر شدند و خداوندشان به کیفر گناهانشان به عذاب گرفت به یقین خداوند جهان پرتوان
 است و عقابی سخت و سهمگین دارد.

٥٣. این گونه عذاب و دمار از آن جهت بود که خداوند رحمان هر نعمتی را که بر امتی
 ارزانی بدارد ممکن نیست که آن را به محنت تبدیل کند تا آنگاه که خود با سیه‌کاری چهره
 اخلاقی خود را دگرگون سازند و سزاوار محنت شوند. این کیفر از آن جهت بود که خداوند
 رحمان ناله و نفرین ضعیفان را می‌شنید و به حال آنان دانا بود.

٥٤. مانند شیوه فرعونیان و شیوه پیشینیان که آیات پروردگارشان را تکذیب کردند و ما به
 کیفر گناهانشان هلاکشان کردیم و فرعونیان را در آب دریا غرق نمودیم و همه آنان
 سیه‌کار بودند.

٥٥. به یقین کسانی که کافر شده‌اند در پیشگاه خدا بدترین حیواناتند، از این رو ایمان
 نمی‌آورند.

٥٦. مردمی که از آنان عهد گرفتی و جمعی را برای تعلیم و تربیت آنان روانه کردی و آنان
 عهد خود را شکستند و معلمان ربانی را از دم تیغ گذراندند و اگر باز هم تعهد بسپارند عهد
 خود را زیر پا می‌گذارند و از خشم خدا هراسی ندارند.

٥٧. پس اگر فرصتی دست داد که آنان را در معرکه نبرد بیابی دمار از روزگارشان برآور که
 سایر کافران پند و عبرت بگیرند.

اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ^{٥٨} وَلَا يُحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ^{٥٩} وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ^{٦٠} وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ^{٦١} وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آيَدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ^{٦٢} وَالْفَّ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^{٦٣} يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ

٥٨. و اگر با قومی عهد بستی و از خیانت آنان در بیم شدی نمی توانی به جرم ناکرده بر آنان بتازی و عهد خود را بشکنی. باید از پیمان آنان اعلام برائت کنی و امضای آنان را پیش رویشان زیر پا افکنی و با اعلام حالت جنگی شما و آنان در موقعیتی برابر قرار بگیرد. اگر پیشدستی کنی و بر آنان بتازی خیانت کرده‌ای و خداوند رحمان خائنان را هر که باشد دوست نمی‌دارد.

٥٩. کافران تصور نکنند که بر ما پیشی گرفتند و با نقض پیمان و قتل عام معلمان قرآن بر ما پیروز شدند. اینان هم‌اره ما را عاجز و ناتوان پشت‌سر نمی‌گذارند.

٦٠. شما مؤمنان تا می‌توانید در تهیه تجهیزات جنگی بکوشید، سلاح کافی فراهم کنید و اسب‌های لاغر میان را برای تمرین به میدان بکشید و بدین وسیله همسایگان خود را که هم دشمنان خدایند و هم با شما دشمنی دارند در بیم و هراس نگه‌دارید و دشمنان دیگری غیر از همسایگانتان که اینک آنان را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد مرعوب سازید. شما در راه تجهیزات جنگی و جهاد در راه خدا هر مال و خواسته‌ای که انفاق کنید از خزانه غیب الهی به شما پرداخت می‌شود و شما را سیاه نخواهند کرد.

٦١. و اگر مشرکان برای صلح و صفا بال و پر گشودند تو هم برای صلح و صفا بال بگشا و پیمان صلح را امضا کن. به نیت آنان میندیش و بر خدا توکل کن که خداوند رحمان مذاکرات شما را می‌شنود و به نیت شما دانا است.

٦٢. و اگر در صدد آن باشند که با پیمان صلح خود تو را خام کنند و خدعه روا دارند از این رهگذر زبانی بر تو نخواهد بود چرا که خداوند جهان شر آنان را کفایت خواهد کرد. این خداوند جهان بود که تو را با نصرت خود تقویت کرد و به وسیله مؤمنین پیروزت ساخت.

٦٣. و دل‌های مؤمنان را با هم الفت بخشید که اگر ثروت روی زمین را خرج می‌کردی تا میان دل‌هایشان - بعد از سیصد سال دشمنی - الفت دهی موفق نمی‌گشتی که دل‌های

حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ^{٦٤} يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِثَّتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِئَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ^{٦٥} الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِئَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِثَّتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ^{٦٦} مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أُسْرَى حَتَّى يَتَّخِذَ فِي الْأَرْضِ تَرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^{٦٧} لَوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ^{٦٨} فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ

آنان را به هم نزدیک و مألوف سازی، ولی خداوند رحمان میان آنان الفت و مهربانی برقرار کرد. چرا که خداوند رحمان عزتمند و کاردان است.

٦٤. ای پیامبر! خداوند برای نصرت و پیروزی کافی است، با آن دسته از مؤمنان که از تو پیروی دارند و راه تو را دنبال می کنند برای مقابله با دشمن آماده شو.

٦٥. ای پیامبر! مؤمنان را تشویق کن تا با دشمن پیکار کنند، اگر از شما مؤمنان بیست تن در صف پیکار ثابت قدم باشند بر دویست تن از مشرکان چیره می شوند و اگر از شما مؤمنان صدتن صابر و مقاوم باشند بر هزارتن از کافران پیروز می شوند از آن رو که مشرکان مردمی ناهممد و هدف ندارند.

٦٦. هم اینک خداوند رحمان می داند که مقاومت یک برده، درخور افراد راسخ الایمان است که با عزم و اراده قوی می جنگد. لذا تکلیف شما را سبک کرد و دانست که در روحیه عمومی شما نوعی ضعف و زبونی وجود دارد که باید مقاومت یک بر دو ملاک و مأخذ باشد. پس اگر از شما مؤمنان صد تن صابر و مقاوم باشند بر دویست تن چیره خواهند شد و اگر از شما مؤمنان هزار تن شکیبیا و ثابت قدم باشند بر دوهزار تن چیره و غالب می شوند و این همه با رخصت الهی است که خواست او را به کار ببندید. خداوند رحمان همواره با صابران است.

٦٧. برای هیچ پیامبری تجویز نشد که دشمن را اسیر کند تا بعداً جانفدا بگیرد بلکه باید به قتل و ضرب دشمن ادامه دهند تا آنگاه که موقعیت آنان در منطقه تثبیت شود. شما با گرفتن اسیر و جانفدا متاع بی دوام دنیا را می طلبید و خداوند رحمان برای شما پاداش آخرت می طلبید. خداوند رحمان در اجرای هدف، عزتمند و کاردان است.

٦٨. شما در جنگ بدر از دشمن خود هفتاد تن اسیر گرفتید و بعد از دریافت مبلغی جانفدا آزادشان کردید و آنان به وطن بازگشتند و در یک بسیج عمومی به کین خواهی بازآمدند و

حَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ * ٦٩ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَن فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَى إِن يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ * ٧٠ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ * ٧١ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَأُ وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَهَاجَرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجَرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُم فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِّيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ * ٧٢ وَالَّذِينَ

هفتاد تن از شما را کشتند. شما باید از این خطای قبلی درس بگیرید و دیگر مرتکب آن نگردید. اگر نه آن بود که قبلاً فرمان مکتوب و قطعی از پیشگاه خدا صادر شده است که «نباید مردم غافل و بی‌خبر به عذاب او گرفتار شوند» بی‌شک به خاطر آن خطای پیشین عذاب بزرگی دامن شما را لمس می‌کرد.

٦٩. از این رو تا موقعیت شما در برابر دشمنانتان تثبیت نگردد حق اسیر گرفتن ندارید و تنها می‌توانید از غنایم جنگی که حلال و پاک است سهم خود را دریافت دارید. از خشم خدا بترسید و با خیانت در غنیمت، حلال خدا را حرام نسازید. به یقین خداوند رحمان آمرزنده‌ای مهربان است و خیانت‌های پیشین شما را نادیده خواهد گرفت.

٧٠. ای پیامبر! اگر در میان اسیرانتان کسانی باشند که مدعی ایمان شوند و بگویند: ما را با جبر و اکراه به معرکه نبرد آورده‌اند. شما باید از کشتن آنان خودداری کنید، شاید که راست بگویند. ولی باید از آنان جانفدا بگیرید، شاید که دروغ بگویند. و چون جانفدا گرفتید به آنان بگو: اگر خداوند رحمان در دل‌های شما خیری احساس کند بهتر و بیشتر از مبلغ جانفدا به شما عطا خواهد کرد و از گناه شما می‌گذرد که در معرکه قتال با دین بر روی مؤمنین شمشیر کشیده‌اید لااقل سیاهی دشمن شده‌اید. خداوند رحمان آمرزنده‌ای مهربان است.

٧١. و اگر خواسته باشند که با اظهار ایمان و پرداخت جانفدا با تو خیانت کنند و جان خود را نجات بدهند و به دشمنان ملحق گردند زبانی بر شما وارد نخواهد شد، زیرا خداوند رحمان مراقب و نگهبان شما است و همان‌طور که قبلاً با خدا خیانت کردند و خدا آنان را در چنگ تو اسیر و مقهور نمود باز هم چنین خواهد کرد و یا آنان را به هلاکت خواهد رسانید. خداوند رحمان به نیت مردمان، دانا و در قانون‌گذاری کاردان است.

٧٢. به یقین کسانی که ایمان آورده‌اند و به عاصمه مذهب مهاجرت کرده‌اند و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کرده‌اند، با آن کسانی که مهاجران را جا داده‌اند و رسول خدا را

كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءَ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ^{٧٣} وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَأُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ^{٧٤} وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ^{٧٥}

نصرت کرده‌اند همه آنان با هم پیوند ولایت دارند و از هر جهت به هم وابسته‌اند و باید جان و مال خود را در راه هم فدا کنند و از هم ارث ببرند. اما آن کسانی که ایمان آورده‌اند و مهاجرت نکرده‌اند پیوند ولایت و وابستگی آنان ویژه خودشان است که از هم ارث ببرند و با جان و مالشان از هم حمایت کنند. از حمایت و وابستگی آنان و از ارث و میراث آنان برای شما سهمی نیست تا آنگاه که مهاجرت نمایند و در قانون مزبور با همه مهاجران و انصار برابر شوند. فقط در صورتی که آن مؤمنان قبل از مهاجرت با کافران درگیر شوند و به خاطر نصرت دین از شما خواهان حمایت شوند وظیفه شما خواهد بود که آنان را نصرت کنید و یاری برسانید اما به استثنای آن مورد که از شما بر علیه کافرانی یاری بجویند که شما با آنان پیوند مسالمت و ترک تعرض دارید در این صورت از نصرت شما هم محروم می‌مانند و باید تنها با همسایگان کافر خود نبرد نمایند. خداوند رحمان به دستاورد شما بینا است.

٧٣. و آن کسانی که کافر شده‌اند همه آنان دسته دسته با هم پیوند وابستگی و ولایت دارند و با شما پیوندی ندارند و شما از حمایت و میراث آنان نصیبی ندارید و آنان را نیز از حمایت و میراث شما نصیبی نخواهد بود. اگر شما مؤمنان این قانون را اجرا نکنید فتنه کافران در این سرزمین حاکم می‌شود و تباهی بزرگی بیار می‌آید زیرا مؤمنان به خاطر ارث خویشاوندان کافر خود هجرت نمی‌کنند و اغلب در جنگ‌ها بر علیه شما سیاهی لشکر می‌شوند و عاصمه مذهب و ایمان، ضربه‌پذیر می‌ماند.

٧٤. آن کسانی که ایمان آورده‌اند و به عاصمه مذهب هجرت کرده‌اند، و در راه خدا جهاد کرده‌اند با آن کسانی که مهاجران را جا داده‌اند و رسول خدا را نصرت کرده‌اند، فقط اینان هستند که ایمان برحق دارند. برای آنان آمرزش خدا به همراه روزی والا و با کرامت مهیا است.

٧٥. و آن کسانی که بعد از این تاریخ ایمان بیاورند و به عاصمه مذهب هجرت کنند و همراه شما در راه خدا جهاد نمایند آنان نیز وابسته به شمایند و با شما پیوند مذهبی دارند و قانون

موالات و نصرت در میان شما برقرار خواهد بود، ولی در قانون ارث با مهاجران و انصار شرکت ندارند و در کتاب خدا آنان قانون دیگری دارند و فقط خویشاوندان صاحب رحم از یکدیگر ارث می‌برند و برخی از طبقات آنان که نزدیکترین از طبقات بعدی واپس‌ترند، به یقین خداوند جهان به هر خواسته‌ای دانا است.

التَّوْبَةُ

بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۚ فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ
وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ ۚ وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ
يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تَبَيَّنَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ
فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۚ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِّنَ
الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوا شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ
إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ۚ فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ
وَخَذُوهُمْ وَأَحْصُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا
سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۚ وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ

۱. این پیام بیزاری است که از سوی خدا و رسول خدا اعلام می‌شود به همه آن مشرکانی که شما مؤمنان با آنان پیمان مسالمت دارید.
۲. به آنان اعلام کنید که: شما ظرف دوازده ماه سال، فقط در چهارماه حرام است که می‌توانید بی‌تعرض ما در زمین بچرخید و در امان باشید. این را بدانید که شما نمی‌توانید با فرارتان خدا را عاجز کنید و بدانید که خداوند جهان همه کافران را خوار و رسوا خواهد کرد.
۳. و در روز حج اکبر که عید قربان است با جار بلند از سوی خدا و رسول خدا اعلام شود که خداوند جهان از همه مشرکین بیزار است و رسول خدا از همه مشرکین بیزار است و هر گونه مسالمت و نرمش با آنان قطع می‌شود. پس اگر شما مشرکان توبه کنید و به سوی ایمان بازگردید به سود شما خواهد بود و اگر روگردان شوید این را بدانید که شما نمی‌توانید با جنگ و گریزتان خدا را عاجز کنید و از تعقیب خود بازدارید. این تنها خواری دنیاست. این مردم کافر را به عذاب دردناک قیامت نیز بشارت بده.
۴. از این براءت و پیگرد کسانی از مشرکان استثنا می‌شوند که شما با آنان پیمان بسته‌اید و بعد از بستن پیمان تاکنون از حقوق و منافع شما چیزی نکاسته‌اند و بر علیه شما با هیچ کس از دشمنان شما یار و هم‌پشت نگشته‌اند. پس با این شرایط پیمان آنان را تا پایان مدت آن محترم بشمارید که رعایت پیمان دلیل تقواست و خداوند رحمان مردم باتقوا را دوست می‌دارد.
۵. پس هرگاه هلال ماههای حرام رؤیت شود از تعرض و تعقیب مشرکان خودداری کنید و چون ماههای حرام سپری گردد هر جا مشرکین را بجوید، اگر توانستید بکشید و الا بگیرید و

ثُمَّ أبلغه مأمنه ذلك بأنهم قوم لا يعلمون^٦ كيف يكون للمشركين عهد عند الله وعند رسوله إلا الذين عاهدتكم عند المسجد الحرام فما استقاموا لكم فاستقيموا لهم إن الله يحب المتقين^٧ كيف وإن يظهروا عليكم لا يرقبوا فيكم إلا ولا ذمة يرضونكم بأفواههم وتأبى قلوبهم وأكثرهم فاسقون^٨ اشتروا بآيات الله ثمنا قليلا فصدوا عن سبيله إنهم ساء ما كانوا يعملون^٩

در بند کنید والا محصورشان سازید که از منطقه خود خارج نشوند والا در هر کمین گاهی بر سر راهشان بنشینید و سایه به سایه آنان را تعقیب کنید تا به ستوه آیند. پس اگر به سوی ایمان بازگشتند و نماز را برپا داشتند و زکات اموال خود را پرداختند از سر راه آنان به کنار روید و آزادشان بگذارید و از ایمان قلبی آنان تجسس نکنید که خداوند رحمان ایمان ظاهری آنان را می پذیرد و مورد رحمت قرارشان می دهد بی شک خداوند رحمان آمرزنده ای مهربان است.

٦. و اگر کسی از مشرکان برای پژوهش و تحقیق تقاضای جوار و امان کند او را امان بده تا بیاید و کلام خدا را بشنود و اگر شنید و ایمان نیابد او را به پناهگاه امن او برسان تا از تعرض مؤمنان مصون بماند. این آمرزش و این جوار و امان به خاطر آن صادر شد که مشرکان مردمی نادانند.

٧. چگونه می شود که برای مشرکان نزد خدا و نزد رسول خدا پیمانی برجا مانده باشد مگر مشرکان قریش که در کنار مسجد الحرام با آنان پیمان بستید. پس مادام که در عمل با شما صاف و راست باشند شما هم با آنان صاف و راست باشید که رعایت پیمان گواه تقواست و خداوند رحمان مردم باتقوا را دوست می دارد.

٨. چگونه می شاید که برای مشرکین پیمانی برجا باشد که اگر بر شما مسلط شوند نه عهد و پیمان خود را رعایت می کنند و نه ماه حرام و زمین حرم را حرمت می نهند و نه زینهار و امان را و نه حرمت مهمان را پاس می دارند با زبان بازی شما را خوشنود می سازند و دل هایشان از همان زبان بازی و رضایت ظاهری ابا دارد. آنان در میان خود نیز به عهد و پیمان وفا ندارند و اکثرشان قانون شکن و تجاوزکارند.

٩. ما آیات قرآن را به آنان هدیه کردیم و آنان آیات ما را واپس زدند و به جای آن زر و سیم دنیا را خریدار شدند و با ایجاد بلوا راه خدا را بستند. این مشرکان دستاورد بدی ارائه می کردند.

لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ^{۱۰} فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا
 الزَّكَاةَ فَأَخْوَانَكُمْ فِي الدِّينِ وَفُصِّلَ الْآيَاتُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ^{۱۱} وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ
 وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ^{۱۲} أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا
 نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهُمْ يُبْخَلُونَ بِمَا جَاءُوا بِالرِّسَالَةِ وَالَّذِينَ خَذَلُوا عَهْدَ اللَّهِ أَنْ تُجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^{۱۳} قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ
 قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ^{۱۴} وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^{۱۵} أَمْ حَسِبْتُمْ
 أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا

۱۰. درباره هیچ مؤمنی حرمت پیمان و امان را رعایت نمی‌کنند. آنان اهل تجاوزند و ستمکارند.

۱۱. اگر واقعاً از شرك و تجاوز توبه کردند و نماز را برپا داشتند و زکات اموال خود را پرداختند با این سه شرط، برادران دینی شما خواهند شد و در همه تکالیف و در هر سود و زیانی با شما شریک و برابرند. ما آیات خود را در چهره‌های گوناگون فصل‌بندی می‌کنیم تا حق هر مطلبی را گرچه با تکرار مطالب باشد برای مردم دانا روشن کرده باشیم.

۱۲. و اگر بعد از این عهده‌ی که بسته‌اند از راستی و درستی خارج شدند و پیمان خود را نقض کردند و دین شما را به ناسزا گرفتند با این پیشوایان کفرپیشه پیکار کنید و آنان را بکشید که اینان را پیمان و تعهدی نیست. با آنان پیکار کنید، باشد که از شرك و تجاوز دست بردارند.

۱۳. آیا حاضر نیستید با مردمی پیکار کنید که تعهدات خود را پاره کردند و عازم شدند تا رسول خدا را بیرون برانند و هم‌انان در روز بدر آغازگر جنگ بودند. آیا از مشرکان قریش ترس و دهشت دارید و از سطوت آنان می‌هراسید؟ این را بدانید که اگر به خدا ایمان داشته باشید خداوند جهان با سطوت قاهرانه اولی و سزاوارتر است که از نافرمانی او بهراسید.

۱۴. با مشرکان قریش بجنگید که اگر با آنان بجنگید خداوند جهان با دست‌های شما آنان را عذاب خواهد کرد و خوار خواهد نمود و شما را بر آنان نصرت می‌بخشد و سینه‌های تفتیده مؤمنان را شفا می‌دهد.

۱۵. و خشم و کین دل‌هایشان را که با دست این مشرکان شکنجه و خواری دیده‌اند فرو می‌نشانند. و در عین حال، خداوند جهان با هر کدامشان که بخواد آشتی می‌کند و خداوند جهان به نهاد مردم داناست و در کارهای خود، کاردان است.

الْمُؤْمِنِينَ وَلِيَجْزِيَ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ^{١٦} مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ^{١٧} إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ^{١٨} أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ^{١٩} الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ^{٢٠} يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُم بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ^{٢١} خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ

١٦. آیا شما مؤمنان پنداشته‌اید که با ادعای ایمان شما را می‌پذیرند و بی‌آزمون در غرفه‌های بهشتی جایتان می‌دهند با آن که هنوز خداوند جهان مخلصان شما را که جهاد کرده باشند و غیر از خدا و رسول خدا و مؤمنان هم‌رازی نگرفته باشند، شناسایی نکرده باشد؟ خداوند جهان از زیر و روی کارهای شما باخبر است.

١٧. مشرکان را نمی‌رسد که آبادی و تولیت مساجد را به عهده بگیرند با آن که به شرک خود اعتراف دارند و به خدای آن مساجد کفر می‌ورزند. دستاورد نیک این مشرکان توقیف می‌شود و در آتش دوزخ جاودانه خواهند ماند.

١٨. تولیت آن مساجد را فقط کسانی باید به عهده بگیرند و در آبادانی آن بکوشند که به خدا و روز جزا ایمان آورده باشند و نماز را برپا بدارند و زکات اموال خود را بپردازند و جز از خداوند جهان از هیچ‌کس هراسی به دل راه ندهند. اگر چنین کسانی آبادی مساجد را به عهده بگیرند امید آن می‌رود که با وظایف تولیت و شرایط آبادانی آشنا بوده باشند و بتوانند شعار مساجد را ترویج کنند.

١٩. آیا شما مردم سیراب کردن حاجیان و آباد نگه‌داشتن مسجدالحرام را برای مشرکان ارجح و امتیاز دینی می‌شمارید و آنان را با مؤمنانی برابر می‌کنید که به خدا و روز جزا ایمان دارند و در راه خدا جهاد می‌کنند؟ این دو دسته نزد خداوند جهان برابر نیستند. مشرکان سیه‌کارند و خداوند جهان سیه‌کاران را هدایت نخواهد کرد.

٢٠. آن کسانی که ایمان آورده‌اند و با ترک وطن به عاصمهٔ مذهب هجرت کرده‌اند و در راه خدا با مال و جان خود جهاد کرده‌اند در پیشگاه خدا منزلت بالاتری دارند و هم‌آنان رستگارند.

٢١. پروردگارشان به رحمتی ویژه از سوی خود بشارتشان می‌دهد با رضایت خاطر و

عنده أَجْرٌ عَظِيمٌ ۲۲ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۲۳ قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۲۴ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعَجَبْتُمْ كَثْرَتَكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ ثُمَّ وَابَتْ لَكُمْ فَأَنْزَلَ اللَّهُ الْغَمَّ ثِقَلًا وَنَزَلَ الْمَوْتِينَ وَأَنْزَلَ الْجُنُودَ لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ۲۶ ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۲۷ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

بوستان‌هایی که نعمت‌های آن برقرار و بردوام است.

۲۲. جاودانه در آن بوستان‌ها می‌مانند همیشه. به یقین در پیشگاه خداوند جهان‌پاداش و مزدی بزرگ برای اهل طاعت مهیا است.

۲۳. ای اهل ایمان! مبدا پدران‌تان را و برادران‌تان را - در صورتی که شرک را بر ایمان ترجیح دهند - به وابستگی و یاری بگیرید و از حمایت مادی و معنوی آنان برخوردار شوید. از شما مؤمنان، هر کس خویشان کافر خود را به حمایت و وابستگی بگیرد از سیه‌کاران است.

۲۴. بگو: ای مؤمنان! اگر پدران‌تان و پسران‌تان و برادران‌تان و همسران‌تان و فامیل و خویشان‌تان و اموالی که از اینجا و آنجا گرد آورده‌اید و تجارتی که از کساد آن بیم دارید و خانه‌هایی که رضایت شما را حاصل کرده است برای شما از خدا و رسول خدا و جهاد در راه خدا محبوب‌تر باشد و لذا به وطن مألوف خود چسبیده‌اید و هجرت نمی‌کنید، پس در خانه‌ها بنشینید تا خداوند جهان، فرمان خود را صادر کند. شما با تمرد از فرمان جهاد و هجرت فاسق شده‌اید و خداوند جهان مردم فاسق را رهبری نخواهد کرد.

۲۵. فرمان هجرت برای حضور شما در عاصمهٔ مذهب است تا ببینید و بیاموزید نه برای سیاهی لشکر و نصرت پیامبر. به یقین خداوند جهان شما مؤمنان را در جنگ‌های بسیاری نصرت داد که سپاهیان شما اندک بودند حتی در جنگ حنین - آن روز که انبوه سپاهیان و بسیج ده‌هزار نفر سپاهی، شما را به شگفت آورده بود - کثرت سپاهیان‌تان شر دشمن را کفایت نکرد و زمین با همهٔ فراخی بر شما تنگ آمد و بالاخره روی‌برتابته از دشمن هزیمت شدید.

۲۶. خداوند رحمان بعد از هزیمت شما آرامش خود را بر رسول خود و بر مؤمنین ثابت‌قدم

إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^{٢٨} قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ
 الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى
 يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ^{٢٩} وَقَالَتِ الْيَهُودُ عَزِيزُ ابْنِ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ
 ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهَوْنَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ^{٣٠}
 اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا
 وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ^{٣١} يَرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ

نازل کرد و سپاهیان از آسمان فرود آورد که شما رؤیت نکردید و با سطوت خود، کافران را عذاب نمود و سزای کافران همین است.

۲۷. خداوند رحمان بعد این هزیمت با هر کسی که بخواهد آشتی خواهد کرد و هر کسی را که بخواهد به جرم فرار از دشمن مؤاخذه خواهد نمود و خداوند جهان آمرزنده‌ای مهربان است.

۲۸. ای اهل ایمان! مشرکان پلیدند و به خاطر پلیدی نباید از سال دیگر به مسجدالحرام نزدیک شوند و اگر شما از قلت حاجیان و کسری درآمد خود می‌ترسید خداوند رحمان - اگر بخواهد - به زودی شما را از فزونی رحمت خود بی‌نیاز خواهد کرد خداوند به حال شما دانا و در رفع نیازمندی‌های شما کاردان است.

۲۹. شما باید با آن مردمی که اهل کتابند، ولی چون شما، خدا و روز قیامت را باور نمی‌دارند و خبائثی را که خدا و رسول خدا حرام کرده‌اند حرام نمی‌شمارند و به دین درست و راستین متدین نمی‌شوند قتال و پیکار کنید تا آنگاه که با دست خود تسلیم شوند و با حال خواری نقداً جزیه و سرفدا تسلیم نمایند.

۳۰. درست است که یهودیان گفتند: عزیر پسر خداست. و نصاری گفتند: مسیح پسر خداست. اما عنوان «پسر خدا» کنایه‌ای بود که یهود و نصاری بر سر زبان داشتند بی‌آن که معنای حقیقی آن را بخواهند. آنان سخن کافران پیشین را تقلید کردند که چون فلاسفه هند می‌گفتند: کرشنا پسر خدا بود که نام خدا را در زمین زنده کرد. خداوندشان بکشد چگونه با الفاظ بی‌معنی از راه درست خدا نگون می‌شوند.

۳۱. جرم اصیل یهود و نصاری این است که حاخام‌ها و پاپ‌های خود را به مقام پروردگاری بالا بردند که فرمان شخصی آنان را به جای فرمان خدا پذیرفتند و اطاعت کردند و

إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ^{۳۲} هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^{۳۳} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ^{۳۴} يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ^{۳۵} إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلَمُوا فِيهِنَّ أَنفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ^{۳۶} إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا

مسیح بن مریم را مافوق بشر دانستند و لقاح روح القدس که باید معبود خود بگیرند با آن که از جانب خدایشان فرمانی صادر نشد جز همین فرمان که باید یک خدا را بپرستند. آن خدایی که جز او خدایی نیست. منزّه است خدای گیتی از همتایی با خدایان موهومی که مردم برای خود تراشیده‌اند.

۳۲. می‌خواهند نور خدا را با دهان خاموش کنند و خداوند جهان جز این که نور خود را به کمال برساند و پرتو قرآن را جهانگیر سازد از هر کار دیگری ابا دارد گرچه کافران را خوش نیاید.

۳۳. او است که رسول خود را با رهنمود قرآن و با دین برحق فرستاد تا او را بر تمام جلوه‌های دین واقف و آگاه سازد که چیزی ناگفته برجا نماند گرچه مشرکان را ناخوش آید.

۳۴. ای اهل ایمان! با خبر باشید که جمع کثیری از حاخام‌ها و پاپ‌ها اموال مردم را به نام ترویج مذهب دریافت می‌کنند ولی با تبدیل آن به طلا و نقره گنجینه‌های شخصی و خانوادگی می‌آریند و مردم را از راه خدا بازمی‌دارند. این پاپ‌ها و حاخام‌ها و همه آن کسانی که وجوه دینی را دریافت می‌کنند و با تبدیل آن به طلا و نقره گنجینه می‌سازند و آن را در راه خدا به مصرف نمی‌رسانند سزاوار آتش دوزخند. پس آنان را به عذاب دردناک دوزخ بشارت ده.

۳۵. آن روزی که طلا و نقره در آتش دوزخ سرخ شود و با سرخ‌شده آن پیشانی و پهلو و پشت آنان را داغ کنند و بسوزانند سزای خود را می‌بینند و به آنان می‌گویند: این است همان طلا و نقره‌ای که برای خود گنجینه کردید. اینک طعم گنجینه‌های خود را بچشید.

۳۶. به یقین شماره ماهها در پیشگاه خداوند جهان فقط دوازده ماه است. آن روز که خداوند

لِيُؤَاطُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَجْلُوهَا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءَ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ^{٣٧} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ

جهان آسمان‌ها و زمین را آفرید این رقم در کتاب خدا ثبت گردید. از این دوازده ماه، چهارماه آن حرام است که هیچ کس را با کسی حق تعرض نیست نه با جد و نه با هزل، نه با حق و نه ناحق، آن سان که مسجدالحرام را قُرُق کرده‌ایم، این تحریم مایه قوام امور است از این رو در این چهارماه که ماه رجب و ماه ذی‌قعدة و ذی‌حجه و محرم باشد به کسی تعرض نکنید که جان خود را سیاه می‌کنید. شما باید با همه مشرکین پیکار کنید و هیچ فرقه‌ای را گرچه ساکنان حرم باشند جز در ماههای حرام و سرزمین حرم معاف نشمارید چونان که مشرکان با همه شما مؤمنان پیکار می‌کنند و هیچ دسته‌ای را به عنوان مهاجر و انصار و شهری و دهاتی معاف نمی‌شمارند. شما باید در همه حالات خود مراقب تقوا باشید و بدانید که خداوند جهان با اهل تقواست.

٣٧. جز این نخواهد بود که عقب کشیدن دوره ماهها با تنظیم کیسه، کفری بر کفر این مشرکان افزوده است. با این کیسه که هر سه سال، یک نوبت صورت می‌گیرد و آن سال برخلاف کتاب خدا سیزده ماه محاسبه می‌شود کافران سرگشته و گمراه می‌شوند و ماههای واقعی را از ماههای صوری و تقویمی باز نمی‌شناسند، کسانی که این سنت کفرآمیز را با رهنمود یهودیان متداول کردند با شروع این دوره سی‌وشش ساله، سه سال در ماه محرم حج می‌گذارند و سه سال در ماه صفر و به همین ترتیب حرمت ماههای حرام را در سایر ماهها می‌چرخانند تا برسد به سه سال آخر که ماهها در جای واقع خود قرار می‌گیرند. در نتیجه یک سال می‌گویند: این ماه، ماه حرام است و یک سال دیگر می‌گویند: این ماه، ماه حلال است. هدف آن است که هم شماره ماههای حرام را با ترتیب خاص آن بر ماههای تقویمی خود منطبق سازند تا از برکات امنیت آن بهره‌مند شوند و هم به خاطر سودجویی و مصالح اقتصادی سی‌وسه سال تمام ماههای حرام را بر خود حلال سازند. این شیوه بدفراجم برایشان زیور شده است و کاملاً راضی و خوشنودند که سه ماه ذی‌قعدة و ذی‌حجه و محرم را در فصل خزان مهار و تثبیت کرده‌اند تا هم از تجارت با حاجیان بهره‌مند گردند و هم در فصل تابستان و زمستان برای سفر شام و یمن آزاد باشند. اجرای این کیسه کفر است و خداوند رحمان، کافران را هدایت نخواهد کرد.

أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ^{٣٨} إِلَّا تَنْفَرُوا يُعَذِّبُكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^{٣٩} إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^{٤٠} أَنْفَرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ^{٤١} لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ^{٤٢} عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا

٣٨. ای اهل ایمان! شما را چه می‌شود که هر گاه به شما بگویند: بیاوید و در راه خدا بسیج کنید مانند سنگ به زمین می‌چسبید؟ آیا از میان زندگی دنیا و آخرت، زندگی دنیا را گزین کرده‌اید و دلخوش مانده‌اید؟ از چه‌رو زندگی دنیا را گزین کرده‌اید؟ توشه دنیا که در برابر توشه آخرت بسیار اندک و ناچیز است.

٣٩. اگر شما بسیج نشوید خداوند شما را به عذاب دردناکی مبتلا خواهد ساخت و در عوض شما مردمی، مردمی دیگر را بسیج خواهد کرد بی آن که از شما ضرری به او وارد آید. خداوند جهان بر هر کاری توانا است.

٤٠. اگر شما او را نصرت نکنید رسول ما تنها نخواهد ماند. از اولین روز درگیری تا به امروز فقط خداوند رحمان او را نصرت داده است، آن روز که مردمان کافر، رسول ما را از مکه برون راندند فقط یک تن همراه او بود. آن روز هر دو تن در غاری پنهان شده بودند و آن یار غارش در عوض فداکاری و دلداری، بی‌تابی می‌کرد تا آن حد که رسول ما به دلداری او پرداخت و گفت: غمین و محزون مباش که خدا با ما است. از آن روز تا به امروز که شما جنگ‌های بدر و احد و احزاب و حنین را پشت‌سر نهاده‌اید همراه خداوند رحمان سکینه و آرامش خود را بر او نازل کرده است تا مایه دلداری و آرامش او باشد و همراه او را با سپاهی از فرشتگان نیرو بخشید که شما آنان را رؤیت نکردید. خداوند شعار کافران را پست کرد و فقط شعار خدا والا ماند و خداوند رحمان عزتمند و کاردان است.

٤١. ای مؤمنان! بسیج کنید و با تجهیزات سبک و سنگین و با مال و جان در راه خدا جهاد کنید. این بسیج و حرکت بر شما از نشستن در کنار زنان بهتر است، اگر دانسته باشید.

٤٢. البته اگر چشم‌انداز غنیمت نزدیک بود با راهی صاف و هموار و نه‌چندان دور، همراه تو

وَتَعْلَمُ الْكَاذِبِينَ^{٤٣} لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ^{٤٤} إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ^{٤٥} وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ^{٤٦} لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا أُضْعَفُوا خِلَالَكُمْ بِبِعُونِكُمْ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ^{٤٧} لَقَدْ ابْتِغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ^{٤٨} وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أُذْنُن لِي وَلَا

می آمدند ولی مسیر کوهستانی تبوک بر آنان صعب و دشوار و دور می نمود. به زودی به حضور شما می آیند و به نام خدا سوگند می خورند که اگر توان سفر داشتیم به همراه شما برون می شدیم و تجهیز می کردیم. با سوگند دروغ، جان خود را به تباهی می کشند و خدا می داند که دروغ می گویند.

٤٣. خداوند از تو درگذرد چرا به آنان رخصت عطا کردی که از بسیج عمومی تخلف کنند؟ می باید در حرکت آنان، اصرار کنی تا معلوم شود که راستگويانش کیانند و چه کسانی با دروغ و تزویر بهانه می تراشند.

٤٤. آن کسانی که به خدا و روز واپسین ایمان آورده اند حتی با داشتن عذر موجه، برای تخلف رخصت نمی طلبند تا در راه خدا با مال و جان خود جهاد کنند. شیوه مؤمنان باتقوا چنین است و خداوند به حال پرهیزکاران دانا است.

٤٥. جز این نخواهد بود که برای تخلف و خانه ماندن کسانی از تو رخصت می طلبند که به خدا و روز واپسین ایمان ندارند و دل هایشان دستخوش اضطراب است و با شک و اضطرابشان دچار تردید شده اند.

٤٦. اگر اینان عازم خروج و سفر بودند تجهیزات لازم را تهیه می کردند ولی خداوند جهان از بسیج شدن آنان کراهت داشت و از تهیه زادسفر مانع گشت و در گوش آنان خوانده شد که در خانه ها بمانید.

٤٧. اگر اینان همراه شما حرکت می کردند جز بر ضعف روانی و جنگ اعصاب شما نمی افزودند و به سرعت در میان شما به فتنه گری می پرداختند خصوصاً که در میان شما همفکرانی دارند که بی چون و چرا حرف آنان را می شنوند. اینان سیه کارند و خداوند به حال سیه کاران دانا است.

٤٨. اینان پیش از این توطئه ها کرده اند و فتنه ها برانگیخته اند و کارها را بر تو واژگون

تَفْتَنِي إِلَّا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ^{٤٩} إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرًا مِنْ قَبْلٍ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ^{٥٠} قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ^{٥١} قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ^{٥٢} قُلْ أَنْفَقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ^{٥٣} وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا

کرده‌اند تا بالاخره حق از پرده برون افتاد و فرمان خدا به کرسی نشست در حالی که اینان کراهت خاطر داشتند.

٤٩. يك تن آنان می‌گفت: به من رخصت بدهید تا از این بسیج عمومی خودداری کنم. مرا با زنان رومی به آزمون نگذارید که اگر من زنان رومی را اسیر کنم قبل از موعد مقرر، تاب و طاقت خود را از دست می‌دهم. همگان بدانند که این منافقان با سر در فتنه و آزمون سرنگون شده‌اند و با این طنز و این‌گونه سخن، ایمان خود را از کف داده‌اند و کافر شده‌اند. به یقین آتش دوزخ بر سر کافران چون خیمه و خرگاه محیط است.

٥٠. اگر نیکی و نصرت نصیب شود اینان دژم می‌شوند و اگر مصیبتی رخ دهد، می‌گویند: ما قبلاً فکر اینها را کرده بودیم و تصمیم مقتضی گرفتیم. سپس با شادمانی از شما دور می‌شوند و به راه خود می‌روند.

٥١. بگو: هرگز مصیبتی بر ما وارد نمی‌شود جز آن مصیبتی که خدا بر پیشانی ما نوشته باشد. او مولا و حامی ما است و هرچه برای ما بخواهد به سود ما تمام خواهد شد. مؤمنان باید بر خدای خود توکل نمایند.

٥٢. بگو: آیا شما درباره‌ی ما جز این انتظار دیگری هم دارید که یا شهید شویم و پاداش الهی را دریابیم و یا پیروز گردیم و افتخار دنیا و آخرت را به دست آوریم؟ ما هم جز این انتظاری نداریم که یا خداوند جهان، عذابی از پیشگاه خود بر سر شما فرود آورد و یا شما را با دست ما به عذاب و هلاکت برساند. پس شما به انتظار آرزوهای خود بنشینید که ماهم به انتظار آرزوی خود نشستیم.

٥٣. بگو: شما خواه بارعبت و خواه بی‌رعبت صدقات خود را انفاق کنید خداوند رحمان انفاق شما را نمی‌پذیرد چرا که شما مردمی فاسق و ریاکارید و خداوند، طاعت ریاکاران فاسق را نخواهد پذیرفت.

يَنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ ٥٤ فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ٥٥ وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرُقُونَ ٥٦ لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَغَارَاتٍ أَوْ مَدَخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ ٥٧ وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رِضْوَانًا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْتَخْطُونَ ٥٨ وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ ٥٩ إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَةَ قُلُوبِهِمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ٦٠ وَمِنْهُمْ الَّذِينَ

٥٤. تنها چیزی که مانع شد صدقات و خیراتشان پذیرفته شود آن بود که اینان به خدا و رسول خدا کافر شدند و جز با حال کسالت و بی میلی نماز نمی خواندند و جز با کراهت خاطر انفاق نمی کردند.

٥٥. مبادا اموال فراوان و فرزندان بسیارشان تو را به شگفتی و ابدارد. خدا می خواهد آنان را در زندگی دنیا با گرفتاری مال و منال و مشکلات فرزندان و احفاد به محنت اندازد و راحتی را از آنان سلب کند تا جانشان در حالی از قالب برآید که عاصی و کافر باشند.

٥٦. با سوگند جلاله، قسم می خورند که از شما ایند درحالی که نیستند. اینان ترسو و پریشان دلند.

٥٧. اگر پناهگاهی بیابند و یا رخنه ای در دل کوه و یا نقبی در دل زمین بجویند به شما پشت می کنند و به سوی آن می تازند تا خود را در امان بدارند حضور این بزدلان ترسو مایه هزیمت دیگران است.

٥٨. برخی از اینان بر تو ایراد دارند که صدقات مردم را بر وجه ناصواب میان هواخواهانش تقسیم می کند. اما ایراد آنان بر اساس منافع شخصی است. لذا اگر به آنان هم نصیبی عطا شود رضایت آنان حاصل می شود و اعتراضی ندارند اما اگر به آنان سهمی عطا نشود از خشم برمی فروزند.

٥٩. کاش اینان به عطای خدا و رسول خدا رضا می دادند و می گفتند: اگر این سهم زکات، ما را کفایت نکند، خدا برای ما کافی است؛ خداوند رحمان به زودی از مازاد رحمت خود به ما عطا خواهد کرد و رسول خدا از مازاد سهم خود در خمس غنایم ما را بهره یاب خواهد کرد. چشم داشت ما تنها از پیشگاه خداوند است.

٦٠. همه مؤمنان که نباید از صدقات فریضه برخوردار گردند. صدقات فریضه ویژه

يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ قُلُوبِنَا خَيْرٌ لَّكُمْ يَا اللَّهُ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤَدُّونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٦١ يَخْلَفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ ٦٢ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ ٦٣ يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تَنْزَلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزِئُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ ٦٤ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ ٦٥ لَا تَعْتَدِرُوا فِدَاكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعَفَ

مستمندان است و بیکاران اجتماع و مأمورین زکات و برای تألیف دل‌ها و آزاد کردن برده‌ها و پرداخت غرامت‌ها و برای آن که جمعی حج بگذارند و یا درماندگان در راه را به منزل برسانند. حکمی است قطعی از جانب خدا و خداوند جهان، دانا و کاردان است.

٦١. و برخی دگر پیامبر خدا را آزار می‌دهند که او سراپا گوش است و از خوش‌باوری، هر کس هرچه بگوید باور می‌کند. بگو: پیامبر خدا سراپا گوش است و برای شما که گوش خوبی است، به خداوند خودش، ایمان دارد و سخن مؤمنین را هم باور می‌کند، اما به خاطر خوش‌بینی، نه به خاطر خوش‌باوری و او برای مؤمنان شما سراپا رحمت است. کسانی که رسول خدا را آزار می‌دهند عذاب دردناکی برای آنان مهیا است.

٦٢. این منافقان با سوگند جلاله، برای شما مؤمنان قسم می‌خورند تا رضایت شما را حاصل نمایند در صورتی که خدا و رسول خدا سزاوارترند که رضایت او را با طاعت خود حاصل کنند اگر ایمان داشته باشند.

٦٣. آیا ندانسته‌اند که هر کس با خدا و رسول خدا در ستیز شود سزای او آتش دوزخ است که جاودانه در آن بماند. خلود در دوزخ همان رسوایی بزرگ است.

٦٤. منافقان بعد از يك شب‌نشینی و جوك‌پرانی به خود آمدند که مبادا باز هم سوره‌ای نازل شود و نیت شوم و پلید آنان را برملا سازد. بگو: شما به شب‌نشینی و استهزاء ادامه دهید. آنچه را که شما با نگرانی پنهان می‌کنید خداوند جهان فاش و بی‌پرده برون خواهد افکند.

٦٥. به حق سوگند که اگر از آنان بازپرسی کنی که چرا مقدسات مذهب را به استهزاء گرفتند، خواهند گفت: سخنان ما جدی نبود. ما به طنز و شوخی سخن می‌گفتیم و با بذله‌گویی سرگرم بازی و تفریح بودیم. بگو: بازی کردن با مقدسات مذهبی استهزای به آن مقدسات است. آیا به خدا و به آیات خدا و به رسول خدا استهزاء می‌نمودید.

عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نَعَذَّبُ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ٦٦ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَمُرُّونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ٦٧ وَعَدَّ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتُ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ ٦٨ كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخِلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخِلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخِلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ٦٩ أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمُ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ٧٠ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ

٦٦. اینک با عذری بدتر از گناه معذرت خواهی نکنید. شما با ادای شهادتین ایمان آوردید و با جوک پرانی به خدا و رسول خدا کافر شدید. اگر از گناه جمعی درگذریم که تماشاگر صحنه بودند، سایرین را عذاب می‌کنیم از آن‌رو که تبهکار و مجرم بودند.

٦٧. منافقان زن و مردشان با هم پیوند موالات و وابستگی دارند، هم را به سنت‌های ناشناخته منکر فرمان می‌دهند و از سنت‌های شناخته معروف و نیکی نهی می‌نمایند و از کمک و انفاق به مردم دست می‌کشند. آنان خدا را به فراموشی سپرده‌اند و خدا هم آنان را به فراموشی سپرده است. بی‌شک مردمان منافق همان متمردان فاسقند که از حدود خدا تجاوز می‌کنند.

٦٨. خداوند جهان همه منافقان و کافران را از زن و مرد به آتش دوزخ مهمان کرده است که جاودانه در آن بمانند. آتش دوزخ برای آنان کافی است. خدا همه آنان را لعنت کرده است و عذابی پابرجا و دائم در انتظار آنهاست.

٦٩. همانند کافران پیشین که نیرومندتر از شما بودند با اموالی بیشتر از اموال شما و فرزندان بیشتر از فرزندان شما، آنان به کامیابی دنیا مشغول شدند و هرچه بیشتر از اموال و فرزندان خود بهره گرفتند اینک شما هم بر سیره آنان رفتید و با تمام نیرو از اموال و فرزندان خود کامیاب گشتید چونان که پیش از شما کافران کامیابی گرفتند. در شوخی و طنز و بازی غرق شدید چونان که آنان غرق گشتند. کردار نیک آنان به خاطر کفر و ناسپاسی و بی‌اعتنایی به قوانین آسمانی توقیف شد. آنان همان ورشکستگان بازار ایمانند.

٧٠. آیا خبر مردمان پیشین به آنان نرسید؟ اخبار مردم نوح و مردم عاد و مردم ثمود و مردم ابراهیم و مردمان مدین و قوم لوط که شهرهایشان زیر و زبر شد؛ رسولان‌شان با دلایل

بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^{٧١} وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ^{٧٢} يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفْرَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ^{٧٣} يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكْ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ^{٧٤} وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ^{٧٥}

روشن آمده بودند ولی دلایل روشن سودی نبخشید. خداوند آنان را سیاه نکرد خودشان بودند که جان‌های خود را سیاه کردند.

۷۱. مؤمنان زن و مردشان با هم پیوند موالات و وابستگی دارند، هم را به سنت‌های شناخته‌شده الهی فرمان می‌دهند و از سنت‌های ناشناخته شیطانی منع می‌کنند. نماز را برپا می‌دارند و زکات اموال خود را می‌پردازند و از خدا و رسول خدا فرمان می‌برند. آنان هستند که خداوندشان به زودی مشمول رحمت خود قرار می‌دهد به یقین خداوند رحمان، عزتمند و کارداران است.

۷۲. خداوند جهان، مؤمنان را از زن و مرد به بوستان‌های بهشتی مهمان کرده است که زیر درختانش نهرها روان است که جاودانه در آن بمانند. در خانه‌های خوب در بوستان‌های همیشه بهار، همراه با رضایت خداوند که از همه پادشاه‌ها بالاتر است. این همان رستگاری بزرگ است که هم از عذاب دوزخ برهند و هم به بهشت دست یابند.

۷۳. ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و تلاش آنان را با تلاشی مناسب مقابل کن. اگر شعار بدهند شعارشان را با شعاری بالاتر بشکن. اگر خطابه می‌خواند خطابه آنان را با خطابه‌ای بهتر پاسخ بگو. اگر با دلیل و برهان به میدان می‌آیند با دلیل و برهان به میدان برو و اگر با شمشیر و سنان به میدان آمدند با شمشیر و سنان به مقابله آنان پرداز و در هر حال بر آنان سخت بگیر و خشونت کن. از این پس حنایشان را رنگی نیست و در دنیا خوار و ذلیلند و در آخرت جایگاهشان دوزخ است و دوزخ بدجایگاهی است.

۷۴. با سوگند جلاله، قسم می‌خورند که چیزی نگفته‌اند به حق سوگند که سخنی کفرآمیز گفتند و بعد از تسلیم شدن، کافر شده‌اند و در گردنه تبوک به سوء قصدی همت گماشتند

فَلَمَّا آتَاهُم مِّن فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ ۗ ۷۶ فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِم إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ۗ ۷۷ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ۗ ۷۸ الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۗ ۷۹ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

که موفق نشدند. آنان بر خدا و رسول خدا نقد و ایرادی نگرفته بودند و برای سوءقصدشان بهانه‌ای ندارند جز آن که خداوند رحمان از مازاد رحمت خود و رسول خدا از مازاد سهام خود، صد شتر صدشتر از غنایم جنگ حنین به آنان بخشید و بی‌نیازشان کرد. با وجود این اگر توبه نمایند و به راه آیند به سود آنها است و اگر رو برتابند خداوندشان با عذاب دردناکی در دنیا و آخرت عذاب خواهد کرد و آنان در پهنه زمین مولا و یآوری ندارند که عذاب خدا را از آنان بگرداند.

۷۵. و برخی از اینان کسانی بوده‌اند که با خدا عهد کردند: «اگر خداوند رحمان از مازاد رحمتش و خزانه پنهانش به ما رحمتی و نعمتی عطا نماید به یقین در راه او تصدق می‌کنیم و از صالحان می‌شویم».

۷۶. و چون خداوندشان از مازاد رحمت و خزانه نعمت عطایی به آنان مرحمت کرد از ادای زکات و صدقات آن دریغ کردند. به خدا پشت کردند و بی‌اعتنا به راه ناصالح خود رفتند.

۷۷. از آن پس خداوندشان موجی از نفاق در دل‌هایشان افکند که تا روز ملاقات با خدا بدرقه راهشان باشد و توشه آن راه ناصالحی که در پیش گرفتند، چون وعده‌ای را که با خدا کرده بودند پشت‌سر انداختند و با دروغ و تزویر، مدعی ایمان و صلاح گشتند.

۷۸. آیا ندانسته‌اند که خداوند جهان راز درونشان را می‌داند و نجوای نهانشان را می‌شنود و ندانسته‌اند که خداوند جهان بر هر غیب و نهانی از گنجینه‌های زر و سیمشان آگاه است.

۷۹. و آن منافقانی که بر مخلصان اهل طاعت خرده می‌گیرند که اینان برای تظاهر و خودنمایی پیشقدم شده‌اند و نقدینه خود را داوطلبانه تصدق می‌کنند و بر آن مؤمنان بی‌سرمایه که جز به اندازه اندک توانشان تصدق نکردند خرده می‌گیرند که خدا از یک من خرمای اینان بی‌نیاز است و بدین صورت آنان را مسخره و استهزاء می‌کنند خداوند به روز قیامت این منافقان را به استهزاء خواهد گرفت و برای آنان عذاب دردناکی مهیا است.

وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ^{۸۰} فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ^{۸۱} فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^{۸۲} فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ^{۸۳} وَلَا تَصَلَّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ^{۸۴} وَلَا تَعْجَبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ^{۸۵} وَإِذَا أَنْزَلْتَ سُورَةَ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ

۸۰. برای آنان طلب مغفرت کن و یا طلب مغفرت نکن. حرجی بر تو نیست. اگر هفتاد نوبت برای آنان مغفرت بخواهی - با آن که هفتاد نوبت طلب مغفرت، آمرزش خدا را به دنبال دارد - باز هم خداوند رحمان اینان را مورد مغفرت قرار نمی‌دهد هرگز. این خشم و نفرت از آن رو است که اینان به خدا و رسول خدا کافر شدند و راه فسق و تجاوز در پیش گرفتند و خداوند جهان مردم فاسق را هدایت نخواهد کرد

۸۱. متخلفین از بسیج عمومی شادمان بودند که بعد از رفتن رسول خدا به سوی تبوک در خانه‌های راحت خود مانده‌اند و ناشاد بودند که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کنند، به سایرین گفتند: در این گرمای کشنده بسیج نکنید. بگو آتش دوزخ از گرمای زمین، سوزان‌تر است کاش می‌فهمیدند.

۸۲. اینان باید کمتر بخندند و بیشتر به حال زار خود بگریند که عذاب سختی در پیش دارند به سزای گناهانی که به جان می‌خریدند.

۸۳. اگر بعد از مراجعت از تبوک خداوندت با جمعی از این منافقان مواجه سازد که اجازه بخواهند در مأموریت‌های جنگی شرکت نمایند بگو: شما هرگز با من در جنگ‌ها شرکت نخواهید کرد و هرگز با حضور من، با دشمنی نبرد نخواهید نمود. شما در اولین بسیج عمومی با رضایت خاطر به خانه نشستید. اینک هم در خانه‌ها بنشینید که دیگر چنین شرافت و افتخاری نصیب شما نخواهد گشت.

۸۴. بر هیچ یک از این منافقان، موقعی که بمیرد نماز مخوان که لزوماً برایش آمرزش بخواهی، هرگز و، و بر گور او مایست که بر او ترحم آوری که اینان به خدا و رسول خدا کافر شدند و در حال فسق و نافرمانی جان سپردند.

۸۵. مبادا اموال فراوان و فرزندان بسیارشان تو را به شگفتی و تعجب وادارد که چگونه

وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ ^{٨٦} رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ^{٨٧} لَكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ^{٨٨} أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ^{٨٩} وَجَاءَ الْمُعَذِّبُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذِنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ^{٩٠} وَجَاءَ الْمُعَذِّبُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذِنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ^{٩١} وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا اتَّوَكَّلْتُمْ لِيُحْمَلَهُمْ فُتًا لَا آجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا

خداوند رحمان دربارهٔ آنان خیر و عزت می‌خواهد. جز این نیست که خدا می‌خواهد آنان را در زندگی دنیا با گرفتاری مال و منال و مشکلات فرزندان و احفاد به محنت اندازد و راحتی را از آنان سلب کند تا جانشان در حالی از قالب برآید که عاصی و کافر باشند.

٨٦. و چون فرازی از کتاب آسمانی قرآن نازل شود و بفرماید: ای مردم! به خدا ایمان بیاورید و در رکاب رسول خدا جهاد کنید از منافقان، آنان که صاحب دولتند و فرمان جهاد را به خود متوجه می‌یابند تقاضای مرخصی دارند و می‌گویند: اجازه بدهید با دیگران که توان تجهیز و حرکت ندارند در خانه بمانیم.

٨٧. رضا دارند که با پیران و علیلان و مردم ناتوان در خانه بمانند. اینان محکوم به کفرند و بدین جهت بر دل‌هایشان مهر نهاده شد. بعد از این دیگر معنای ایمان را در نمی‌یابند.

٨٨. اما رسول خدا و آن کسانی که با رسول خدا ایمان آورده‌اند با مال و جان خود جهاد می‌کنند. این‌ها هستند که نعمت‌های بهتر برایشان مهیا است و همان‌ها رستگارانند.

٨٩. خداوند رحمان برای آنان بوستان‌هایی آماده دارد که از زیر درختانش نهرها روان است. جاودانه در آن بوستان‌ها خواهند ماند. رستگاری بزرگ همین است که از عذاب دوزخ برهند و به نعمت‌های بهشتی دست یابند.

٩٠. و از اعراب بادیه، جمعی با عذر و بهانه آمده‌اند تا آنان هم از بسیج عمومی معاف گردند و جمعی دیگر که در ادعای ایمان به خدا و رسول خدا دروغ گفته بودند بی‌رخصت در بادیه جا نشستند و تخلف کردند. به زودی کافران‌شان را عذاب دردناکی فرا خواهد گرفت.

٩١. بر مؤمنان ناتوان، باکی نیست که در رکاب رسول خدا حاضر نشوند و نه بر بیماران و نه بر کسانی که توان جسمی دارند اما توان مالی ندارند که زاد و توشه‌ای تهیه نمایند بعد از آن که برای خدا و رسول خدا خیرخواهی کرده باشند. بر نیک‌اندیشان حرجی نیست و نه حق

وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ ٩٢ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ
وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رِضْوَانًا يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٩٣ يَعْتَذِرُونَ
إِيَّاكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّأَنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسِيرَى اللَّهِ
عَمَلِكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تَرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ٩٤ سَيَحْلِفُونَ
بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لَنُتْرَضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رَجَسٌ وَمَا وَاهِمُ جَهَنَّمَ جَزَاءً بِمَا
كَانُوا يَكْسِبُونَ ٩٥ يَحْلِفُونَ لَكُمْ لَنُتْرَضُوا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَى عَنِ الْقَوْمِ
الْفَاسِقِينَ ٩٦ الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَاللَّهُ

اعتراضی که چرا قصور کردند. خداوند رحمان آمرزنده‌ای مهربان است.

٩٢. و نه بر کسانی که زاد و توشه سفر دارند ولی مرکوبی سواری ندارند و چون به نزد تو آیند که آنان را بر مرکوب سوار کنی و بگویی: من مرکوبی ندارم و نمی‌یابم که شما را بر آن سوار کنم، از حضور تو باز می‌گردند در حالی که اشک حسرت از چشم آنان روان است از این غم که نقدینه‌ای نمی‌یابند تا برای سفر، مرکوبی تهیه نمایند.

٩٣. حق اعتراض و عتاب بر آن کسانی است که تقاضای مرخصی دارند با آن که توانگر و بی‌نیازند. رضا دارند که با زنان و علیلان از حضور در جهاد و پیکار تخلف کنند اینان محکوم به کفرند و خداوند بر دل‌هایشان مهر زد که اینک چیزی نمی‌دانند.

٩٤. و چون از این سفر بازگردید و با آنان عتاب نمایید بهانه‌ها می‌تراشند که ما معذور بودیم. بگو: عذر و بهانه متراشید که باور نمی‌داریم. خداوند جهان ما را از حال و روز شما باخبر ساخته است. به زودی خدا و رسول خدا شاهد کردار شما خواهند بود که چگونه این گناه خود را جبران می‌نمایید و از آن پس شما را به پیشگاه خدا دانای نهان و آشکارا باز می‌گردانند و آن خدای دانا شما را از دستاوردتان باخبر و آگاه خواهد ساخت.

٩٥. و چون از بسیج رومیان به خانه و کاشانه خود باز گردید این متخلفان خانه‌نشین با سوگند جلاله برای شما قسم یاد می‌کنند که ما معذور بودیم و شما باید از عتاب ما دست بردارید. شما از آنان دست بکشید که رجس و پلیدند و جایگاهشان دوزخ است به سزای گناهی که به جان می‌خریدند.

٩٦. سوگند می‌خورند که ما معذور بوده‌ایم تا شما از آنان خوشنود شوید. اگر شما از آنان راضی و خوشنود بگردید باید بدانید که اینان فاسقند و خداوند جهان از مردم فاسق خوشنود نخواهد گشت.

عَلَيْهِمْ حَكِيمٌ^{٩٧} وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُّ بِكُمْ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^{٩٨} وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ^{٩٩} وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ^{١٠٠} وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ

٩٧. مردمان بادیه در کفر و نفاق خود پا برجاترند و جاهل تر از آنند که مرز احکام الهی را بدرستی بشناسند. از این رو خداوند جهان حساب آنان را از حساب شهرنشینان جدا کرد. خداوند جهان دانا و کاردان است.

٩٨. برخی از مردمان بادیه، مالی را که در راه خدا انفاق می‌کنند به حساب تاوان و غرامت می‌گذارند و لذا با لحظه‌شماری انتظار می‌برند که از گردش زمانه کی حادثه‌ای بر سر شما فرود آید تا از ادای این تاوان و غرامت برهند. چرخ زمانه بدترین حادثه‌ها را بر سرشان فرود آورد که تا این حد بی‌خردند. شما با آنان نرمی کنید و درستی آنان را تحمل کنید که خداوند رحمان شنوا و دانا است.

٩٩. و از مردمان بادیه، برخی به خدا و روز واپسین ایمان می‌آورد و مالی را که در راه خدا می‌پردازد مایهٔ تقرب و منزلت در پیشگاه الهی می‌داند و بهترین وسیله‌ای که دعای رسول خدا را در پی دارد دعایی که مستجاب است. بدانید و بدانند که انفاق آنان واقعاً مایهٔ قرب و نزدیکی به پیشگاه خداوندشان خواهد بود. به زودی خداوند رحمان آنان را در رحمت خود جای می‌دهد و گناهانشان را می‌بخشد. خداوند رحمان آمرزنده‌ای مهربان است..

١٠٠. و پیشتازان دست اول که ندای این بسیج عمومی را در مرحلهٔ اول لبیک گفتند خواه از مهاجرین مکه و اطراف بادیه و خواه از انصار مدینه با آن مهاجران و انصاری که در مراحل بعدی ندای بسیج عمومی را لبیک گفتند و با نیک‌اندیشی راه پیشتازان دست اول را دنبال کردند و بسیج شدند خداوند رحمان از همهٔ آنان خوشنود است و آنان نیز از خدای خود خوشنودند. خداوند برایشان بوستان‌هایی مهیا دارد که از زیر درختانش نهرها روان است جاودانه در آن بوستان‌ها می‌مانند همیشه. رستگاری بزرگ همین است که از دوزخ برهند و به نعمت‌های بهشتی دست یابند.

سَعَدِبِهِمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يَرُدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ ۱۰۱ وَأَخْرَجْنَا مَثَلًا لِّمَن كَانَ يَكْفُرُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ آلِهَةً مِّثْلَ عَذَابِ آلِهَتِهِمْ فَذُقُوا آلِهَتَهُمْ الَّتِي كَانُوا يُكْفُرُونَ بِهَا وَكُلَّ آلِهَتِهِمْ الَّتِي كَانُوا يُدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا يَرْجُونَ أَن اللّٰهُ يَرْجِعَ إِلَيْهِمْ قَوْلَهُمْ سَاعَتَهُمُ الْعَاقِبَةُ لِيُنذِرَنَّهُمْ بَلَاءَهُمْ ۱۰۲ خذ من أموالهم صدقة تطهرهم وتزكّيهم بها وصلّ عليهم إنّ صلّاتك سكن لهم واللّه سميعٌ عليم ۱۰۳ ألم يعلموا أنّ اللّه هو يقبل التوبة عن عباده ويأخذ الصدقات وأنّ اللّه هو التواب الرحيم ۱۰۴ وقُلِ اعْمَلُوا فسيرى اللّه عملكم ورسوله والمؤمنون وستردون إلى عالم الغيب والشهادة فينبئكم بما كنتم تعملون ۱۰۵ وَأَخْرَجْنَا مَثَلًا لِّمَن كَانَ يَكْفُرُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ آلِهَةً مِّثْلَ عَذَابِ آلِهَتِهِمْ فَذُقُوا آلِهَتَهُمْ الَّتِي كَانُوا يُكْفُرُونَ بِهَا وَكُلَّ آلِهَتِهِمْ الَّتِي كَانُوا يُدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا يَرْجُونَ أَن اللّٰهُ يَرْجِعَ إِلَيْهِمْ قَوْلَهُمْ سَاعَتَهُمُ الْعَاقِبَةُ لِيُنذِرَنَّهُمْ بَلَاءَهُمْ ۱۰۶ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَن حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِن قَبْلُ وَلِيَحْلِفَنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۱۰۷ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَىٰ التَّقْوَىٰ

۱۰۱. در اطراف مدینه جمعی بادیه‌نشین منافق و بی‌ایمانند و از اهل مدینه جمعی بر اثر نفاق به سرکشی و طغیان پرداخته‌اند. تو آنان را نمی‌شناسی. ما آنان را می‌شناسیم. در آینده نزدیک آنان را دو نوبت به عذاب و محنت دچار می‌کنیم و بعد از آن به سوی دوزخ عذاب بزرگ الهی رانده خواهند شد.

۱۰۲. جمعی دگر به گناه خود اعتراف دارند. آنان عمل نیک و شایسته را با عمل ناشایسته و بد درآمیخته‌اند امید آن هست که خداوند رحمان در اثر توبه و اعترافشان بر آنان ببخشد و با آنان آشتی کند. خداوند رحمان آمرزنده‌ای مهربان است.

۱۰۳. اگر اینان صدقه اموال خود را به خدمت آوردند صدقه آنان را بپذیر تا بدین وسیله آنان را پاک سازی و از آلودگی برهانی و هنگام دریافت آن صلوات خود را بر آنان نثار کن که صلوات برای آنان آرامش دل می‌آورد از آن رو که دعای تو را مستجاب می‌دانند. خداوند رحمان دعای تو را می‌شنود و به حال آنان آگاه است.

۱۰۴. آیا ندانسته‌اند که خداوند، توبه بندگان خود را شخصاً پذیرا می‌شود و صدقات آنان را شخصاً دریافت می‌دارد. آیا ندانسته‌اند که خدا توبه‌پذیری مهربان است.

۱۰۵. به اینان بگو: در کار نیک بکوشید تا رضای خدا را حاصل نمایید. به زودی خدا و رسول خدا با مؤمنان شاهد کردار شما خواهند بود و از آن پس شما را به سوی خدا دانای نهان و آشکارا باز می‌گردانند و خدی دانا شما را به دستاوردتان باخبر و آگاه خواهد ساخت.

۱۰۶. جمعی دگر بالاتکلیفند تا فرمان خدا صادر شود، یا آنان را عذاب می‌فرماید و یا با آنان آشتی می‌کند و خدا به حال بندگان خود دانا و در برنامه آزمون کردن است.

۱۰۷. و آن دسته از منافقان که در کنار مسجد قبا، مسجدی برای خود اتخاذ کردند تا

مَنْ أَوْلَ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ ١٠٨ أَفَمَنْ
 أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٍ أَمْ مَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارُ
 بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ١٠٩ لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ
 إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ١١٠ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ
 لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ
 وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ
 ١١١ التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ

حرمت قبا را بشکنند و پایگاه کفری تأسیس کنند و میان مؤمنان تفرقه و جدایی بیندازند
 ضمناً در کمین و فرصت بنشینند تا رهبر مرتدشان که از پیش با خدا و رسول خدا بر سر
 جنگ و ستیز آمده بود با کمک رومیان از راه برسد و بر مسلمین بتازند. با اعلام این آیات و
 با افشای این اسرار به یقین منافقان نیت پلید خود را انکار می‌کنند و قسم می‌خورند که ما
 بهترین کار ممکن را انجام داده‌ایم. ما راه علیلان و پیران و درماندگان قوم خود را نزدیک
 کرده‌ایم تا در مسجد محل نماز بخوانند و از حضور در نماز جماعت محروم نمانند. ولی
 خداوند جهان شهادت می‌دهد که اینان دروغ می‌گویند.

١٠٨. تو را دعوت کرده‌اند تا مسجد آنان را تشریف دهی و یک نوبت در آن نماز بخوانی.
 هرگز در آن مسجد مایست. بی‌شک مسجد قبا که از اولین روز هجرت بر اساس تقوا
 تأسیس شده است شایسته‌تر از مسجد آنها است که در آن به نماز خواندن بایستی. در
 مسجد قبا مردان با ایمانی حاضر می‌شوند که طهارت و پاکی را دوست می‌دارند و خداوند
 رحمان هر که را خواهان پاکی و طهارت باشد دوست می‌دارد.

١٠٩. آیا آن کسی که بنای مذهب خود را بر اساس تقوا و رضای خدا بنیان نهاده بهتر است
 یا آن کسی که بنای مذهب خود را بر لبهٔ آب‌رفتی معلق و پادرها بنیان کرده باشد که
 آب‌رفت فرو ریزد و بنای او را در دوزخ سرنگون سازد. این منافقان سیه‌کارند و خداوند
 جهان سیه‌کاران را رهبری نخواهد کرد.

١١٠. همواره بنای نفاق‌آمیز آنان شک و تردید را در دل آنان می‌پرورد مگر آن که
 دل‌هایشان پاره‌پاره شود. خداوند جهان به راز دل‌ها دانا و در آزمون خود کاردان است.

١١١. به یقین خداوند جهان از مؤمنان جان و مالشان را خریدار است که در برابر آن بهشت
 را دریافت کنند، به این صورت که در راه خدا پیکار کنند، بکشند و کشته شوند نه به آن

عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ^{۱۱۲} مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ^{۱۱۳} وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ^{۱۱۴} وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ^{۱۱۵} إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ

صورت که در حاشیه نبردگاه، ناظر پیکار باشند. این وعده بر خدا حتم است با درستی و صداقت در تورات موسی و انجیل عیسی و هم در این قرآن و کدام متعهدی بهتر از خدا به تعهد خود وفا خواهد کرد؟ پس ای مؤمنان! شادمان باشید به این مبادله پر سودی که تعهد کرده‌اید. این است همان رستگاری بزرگ که از آتش دوزخ برهند و به نعیم بهشتی دست یابند.

۱۱۲. آنان که با خدا روی آشتی دارند و خدا را عبادت می‌کنند، با سپاس و ستایش خداوند نرم و آرام در راه زندگی قدم می‌زنند. تکلیف انفرادی خود، نماز را دو رکن اصلی آن رکوع و سجده بیا می‌دارند و تکلیف اجتماعی خود را با دو رکن اساسی آن امر به معروف و نهی از منکر به فرجام می‌برند و رویهم‌رفته مرزهای الهی را نگهبانند. این است سیمای آن مؤمنان که خدا خریدار مال و جان آنهاست. آنان را بشناس و به نعمت‌های بهشتی و بزرگترین رستگاری زندگی بشارت بده.

۱۱۳. پیامبر خدا و سایر مؤمنان حق ندارند که برای مردهٔ مشرکان آمرزش بخواهند گرچه آن مشرکان، خویشان‌شان باشند بعد از آن که برای مؤمنان روشن شود که خویشان‌شان راهی دوزخ شده‌اند.

۱۱۴. ابراهیم که برای پدرش طلب مغفرت کرد فقط به خاطر آن بود که با قید جزم و قاطع وعده نهاد که برایت از پروردگرم آمرزش می‌طلبم و چون برای او روشن گشت که پدرش دشمن خداوند است در همان لحظه از پدرش بیزارى جست. ابراهیم بر حال کافران نالان بود و بر خطاکاری آنان بردبار و پرتحمل بود.

۱۱۵. سنت خدا بر آن نیست که بعد از هدایت مردم جمعی را در ضلالت و گمراهی واگذارد مگر بعد از آن که راه پرهیز و تقوا را به آنان نموده باشد و آنان با عناد و ستیز خود، راه تقوا را وانهادند باشند خداوند جهان به هر خواسته‌ای دانا است.

وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ^{۱۱۶} لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ^{۱۱۷} وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ^{۱۱۸} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ^{۱۱۹} مَا كَانَ لِلأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَن يَتَخَلَّفُوا عَن رَّسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْؤُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نِيلاً إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ^{۱۲۰} وَلَا يَنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا

۱۱۶. پادشاهی آسمان‌ها و زمین مال خداست جان می‌بخشد و جان می‌گیرد و جز خداوند رحمان کسی مولا و یاور شما نخواهد بود.

۱۱۷. به یقین خداوند رحمان بر پیامبر خود رحمت آورد و بر مهاجران و انصاری که در لحظات سختی و تنگدستی از پیامبر او پیروی کردند و راه تبوک را در پیش گرفتند و با آنان آشتی کرد بعد از آن که دل‌های جمعی از آنان در آستانه لغزش و کجروی بود و این تصور که چرا باید با کمی تجهیزات و با روحیه پراضطراب آن‌هم در شدت گرما و کسری غذا راه طولانی تبوک را در پیش بگیریم و از سپاه رومیان استقبال کنیم؟ خداوند دل‌های آنان را به اعتدال و استقامت آورد و با رحمت بی‌کران خود با آنان آشتی کرد. بی‌شک خداوند رحمان به مؤمنان بسیجی با رأفت و مهربان است.

۱۱۸. خداوند با آن سه تن دیگر هم آشتی کرد که رسول خدا با اجازه رسمی آنان را در مدینه برجا گذاشت. و چون با عذر و بهانه ناموجه از بسیج با رسول خدا تخلف کرده بودند مردم با آن سه تن چنان با قهر و نفرت برخورد کردند و خویش و بیگانه از آنان بریدند که عرصه زمین با همه پهناوری بر آنان تنگ آمد و قالب تن نیز بر جان و روانشان تنگی فزود و فکر کردند که از خشم خدا باید به خدا پناه ببرند، بعد از توبه و التجا، خدا با آنان آشتی کرد تا خویشان و بیگانگان با آنان آشتی نمایند؛ به یقین خداوند رحمان، توبه‌پذیری مهربان است.

۱۱۹. ای اهل ایمان! از خشم خدا بپرهیزید و با راستگویان همراه باشید.

۱۲۰. اهل مدینه و بادیه‌نشینان اطراف آن حق ندارند که از حرکت با رسول خدا و همراهی با او تخلف نمایند و نه آن که جان خود را از جان رسول خدا عزیزتر بشمارند و در سرما و

يَقْطَعُونَ وَاذِيًّا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ^{۱۲۱} وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ^{۱۲۲} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَعَلِّمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ^{۱۲۳} وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ

گرما او را تنها بگذارند. جهاد در راه خدا تنها به کشتن و بستن نیست تا بهانه بجوید و بگوئید: ما می‌دانستیم که رومیان با آن تجهیزات سنگین جرئت ندارند در این گرمای سوزان و با این باد سموم رو به دیار ما بتازند. جهاد در راه خدا آن است که هر گونه تلاشی را با تلاشی مناسب آن، خنثی نمایند. اگر خبر برسد که دشمن آماده می‌شود شما باید پیش از آنان آماده شوید، اگر خبر برسد که آنان از شمال به سوی شما سرازیر شده‌اند شما باید از جنوب به سوی آنان بشتابید و راه را بر آنان ببندید، حتی اگر خبری بی‌اساس شایع شود تا شما را مرعوب سازند شما باید جلادت کنید و آمادگی و فداکاری خود را به همگان نمایش دهید. این فرمان از آن رو صادر شده است که مؤمنان با بسیج خود در راه خدا به تشنگی و رنج و خستگی دچار نمی‌شوند و به سرزمینی قدم نمی‌گذارند که مایهٔ خشم و غیظ کافران گردد و به هیچ‌گونه دستبردی نایل نمی‌شوند جز آن که در برابر رنج و خستگی آن یک عمل شایسته و یک جهاد مقدس در پروندهٔ آنان ثبت می‌گردد. این حرکت جهادی گرچه با کشتن و بستن همراه نباشد گواه نیک‌اندیشی است و خداوند رحمان پاداش مردم نیک‌اندیش را ضایع نخواهد گذاشت.

۱۲۱. حتی هیچ‌گونه خرجی در راه سفر متحمل نمی‌شوند و از هیچ دره‌ای بالا و پایین نمی‌روند جز آن که در پروندهٔ جهاد آنان ثبت می‌گردد تا خداوند رحمان، بهترین اعمال نیک آنان را پاداش نیک‌تری عطا فرماید.

۱۲۲. این درست است که مؤمنان یکجا و یکسر نمی‌توانند در بسیج لشکر شرکت نمایند و با رسول خدا کوچ کنند ولی می‌بایست که از هر عشیره‌ای چند تن با رسول خدا همراه شوند تا در مدرسهٔ سیار قرآن به فقاہت در دین نایل شوند و از آیات نازلۀ در سفر به موقع باخبر گردند و چون به عشیرهٔ خود بازگردند مردم خود را از خشم خدا پرهیز دهند باشد که از نافرمانی خدا برحذر شوند.

۱۲۳. ای اهل ایمان! با آن کافرانی که پیرامون شما و در همسایگی شما هستند پیکار کنید و باید چنان با آنان همسایگی کنید که خشونت و ستیزه‌جویی شما را احساس کنند. شما

إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ۱۲۴ وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ
 فزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ ۱۲۵ أُولَئِكَ يَرُونَ أَنَّهُمْ يَفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً
 أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَكَّرُونَ ۱۲۶ وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ
 يَرَاكُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ۱۲۷ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ
 أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ ۱۲۸ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ
 اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ۱۲۹

باید از نافرمانی بپرهیزید و بدانید که خداوند رحمان با پرهیزکاران همراه است.

۱۲۴. و هرگاه سوره‌ای نازل شود برخی از منافقان به طنز می‌گویند: این سوره قرآن بر ایمان کدام‌یک از شما افزود؟ واقعاً چنین است که با نزول هر فرازی از فرازهای قرآن مردم به دو دسته تقسیم می‌شوند، اما آن کسانی که ایمان آورده‌اند با نزول یک سوره و یک فراز قرآن بر ایمانشان افزوده می‌گردد و هرچه بیشتر شادمان می‌شوند.

۱۲۵. و اما آن مهاجرانی که در دل‌هایشان بیماری کفر و نفاق است یک‌پرده از پلیدی کفر و نفاق بر پلیدی‌های پیشین آنان افزوده می‌شود و با حال کفر و بی‌ایمانی خواهند مرد.

۱۲۶. آیا نگفتیم که آنان را می‌شناسیم و بعد از آن که دو نوبت عذابشان کردیم به دوزخ می‌فرستیم و یا نمی‌نگرند که در هر سال یک‌بار و دوبار با آزمون الهی رسوا می‌شوند؟ با وجود این، عزم توبه ندارند و پند نمی‌پذیرند؟

۱۲۷. و چون سوره‌ای نازل شود به هم می‌نگرند و می‌پرسند: آیا کسی از مؤمنان مراقب ما هست؟ و اگر کسی را مراقب خود نبینند آرام و آهسته خود را به کناری می‌کشند و به خانه‌های خود بازمی‌گردند. خداوند دل‌های آنان را از درک قرآن بازگرداند از آن‌رو که مردمی بی‌ادراکند.

۱۲۸. به حق سوگند - ای مردم - که رسولی از خود شما مردم، به سوی شما آمده است که رنج و محنت شما بر او ناگوار است. حریص و مشتاق است که شما ایمان بیاورید و از عذاب خدا وارheid. رسولی که بر مؤمنان دلسوز و مهربان است.

۱۲۹. پس اگر مردم از پیام تو روگردان شوند نگران مباش و بگو: تنها خداوند رحمان مرا بس، که جز او خدایی نیست. من بر او توکل کرده‌ام و او پروردگار عرش بزرگ است.

یونس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ^١ أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صَدَقَ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُبِينٌ^٢ إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ^٣ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ^٤ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ^٥ إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ

١. ا. ل. ر: اینها آیات قرآن کاردان است.

٢. آیا برای مردم، مایه شگفتی شده است که به سوی مردی از خودشان وحی کردیم که مردمان را از روز قیامت بترسان و آنان که ایمان بیاورند بشارت ده که به پاس ایمانشان نزد پروردگارشان چنین ثبت می شود که گامی راستین در راه رضای او برداشته اند. اهل ایمان به آیات قرآن ایمان آوردند ولی کافران گفتند: این مرد جادوگری است که آشکارا ادعای جادو دارد.

٣. ای مردم! به یقین پروردگار شما همان خدایی است که آسمانها و زمین را ظرف شش روز آفرید و سپس بر عرش اقتدار خود قرار گرفت و به رتق و فتق کارها و مطالعه فرمانها پرداخت. هیچ کس در کارها با او همکاری و شفاعت ندارد مگر بعد از رخصت او. او همان خداوند شما است که پروردگار شما است پس همو را بپرستید و پروردگاری جز همان خدای آسمانها و زمین برای خود نتراشید. آیا پند نمی گیرید.

٤. بازگشت شما مردم، همگان به سوی او خواهد بود. این وعده خداست که بر حق است. به یقین همان پروردگار شما است که آفرینش را آغاز می نهد و بعد از انقراض جهان، دوباره آفرینش را بازمی گرداند تا هر که را ایمان آورده باشد و عملی نیک و شایان بجا آورده باشد به عدل و انصاف خود پاداش دهد. اما آن کسانی که کافر شده اند آب داغ جوشان برای نوشیدنشان مهیا است با عذابی دردناک از آن رو که به آیات خدا کافر شده اند.

٥. او است که خورشید را مشعل زندگی ساخت و ماه را پرتوی از شعاع آن و چهره ماه را در

يَتَّقُونَ^٦ إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنُّوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ^٧ أُولَئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^٨ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ^٩ دَعَاؤُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَأَخْرَجَ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^{١٠} وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ فَنَذَرَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ^{١١}

جایگاه هر شب او اندازه کرد تا شمار سال‌ها و محاسبات مشاغل خود را بدانید. خداوند، خورشید و ماه را جز به درستی و برای کاری درست نیافرید. خداوند آیات کتاب خود را در فصل‌های مختلف ارائه می‌کند برای آن مردمی که می‌دانند.

٦. به یقین در فرارسیدن شب از پی روز و فرا رسیدن روز از پی شب و در آن پدیده‌ها و خواسته‌ها که خدا در میان آسمان‌ها و زمین آفرید برای مردم باتقوا نشانه‌هایی از درستی آفرینش برپا است.

٧. بی‌شک کسانی که روز قیامت را منکرند و ملاقات با ما را امید ندارند و به زندگی دنیا دل خوش کرده‌اند و آرامش خود را در زندگی دنیا جسته‌اند با آن کسانی که از آیات کتاب ما در بی‌خبری به سر می‌برند.

٨. همانان هستند که از راه تقوا خارج شده‌اند و از هیچ گناهی ابا نمی‌ورزند و به روز قیامت جایگاه آنان دوزخ است از آن‌رو که هر گناهی را به جان می‌خریدند.

٩. به یقین کسانی که ایمان می‌آورند و کارهای شایسته بجا می‌آورند، پروردگارشان با همان نور ایمانشان رهبری خواهد کرد و در آخرت به بهشت پرنعمتی وارد می‌شوند که از زیر آنان نهرها روان است.

١٠. دعایی بر لب دارند با خدا که «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» و درودی بر زبان دارند با مردم که «سلام بر شما» و آخرین دعایشان این است: «الحمد لله رب العالمین».

١١. می‌گویند: چرا در عذاب ما شتاب نمی‌شود با آن که پیام رسالت را منکر شده‌ایم؟ اینان در فرا آمدن عذاب الهی، چنان شتاب می‌ورزند که گویا به سوی نعمت جاودان می‌شتابند. اگر خدای جهان در عذاب آنان شتاب ورزد، عمر آنان به پایان می‌رسد و پرونده اعمالشان بسته می‌شود بی‌آن که تکلیف بهشت و دوزخ آنان قطعی شده باشد. از این رو کسانی را که امید دیدار ما را در دل ندارند رها می‌کنیم تا در سرکشی خود سرگردان بمانند و پرونده خود را کامل نمایند.

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زَيْنٌ لِّلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۱۲ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِن قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ۱۳ ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِن بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ۱۴ وَإِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا أَتَىٰ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَن أُبَدَّلَهُ مِن تَلْقَاءِ نَفْسِي إِنِ اتَّبَعُ إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِن عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۱۵ قُلْ لَوْ شَاءَ

۱۲. و چون آدمی را رنج و سختی فرا گیرد در هر حالی که باشد ما را به فریادرسی می‌خواند خواه به پهلو خوابیده یا نشسته و یا ایستاده و چون درخواست او را اجابت کنیم و رنج و سختی را از او برداریم چنان بی‌اعتنا به راه خود می‌رود که گویا به رنجی مبتلا نبوده و ما را به فریادرسی نخوانده است. برای اهل اسراف هم دستاورد ناصوابشان بدین صورت مزین شده است که در زندگی مرز و حدی نمی‌شناسند.

۱۳. به حق سوگند که ما ملت‌های پیش از شما را که سیه‌کاری نمودند به دست فنا و نابودی سپردیم، رسولان‌شان با دلایلی روشن‌گر برای دعوتشان آمدند ولی آنان حاضر نبودند که ایمان بیاورند و از تبهکاری دست بکشند. ما همه تبهکاران را بدین صورت سزا می‌دهیم.

۱۴. سپس شما را بعد از فنا و نابودی آنان در سرزمینشان جایگزین کردیم تا بنگریم که دستاورد شما چسان خواهد بود.

۱۵. و چون آیات آسمانی ما بر آنان تلاوت شود و درستی رسالت را روشن سازد آنان که روز قیامت را نمی‌پذیرند و ملاقات با ما را امید ندارند می‌گویند: آیاتی که تلاوت شود خودش نمی‌تواند درستی و صحت خود را به اثبات برساند، یا قرآن دیگری بیاور که معجزه این قرآن باشد و صحت آن را اثبات کند و یا معجزه خود را عوض کن و معجز دیگری از قبیل اژدها و ید بیضا برای صحت قرآن بیاور. در پاسخ آنان بگو: مرا نمی‌رسد که معجزه خود را تبدیل کنم و معجزی دیگر بیاورم. من فقط پیام‌گزارم و جز آنچه را به من وحی و اشارت شود پیروی نمی‌نمایم. من فرمان یافته‌ام که آیات قرآن را تلاوت کنم و همان آیات را گواه رسالت خود بدانم. اگر من فرمان خدا را عصیان کنم و از تلاوت قرآن ابا ورزم از عذاب روز بزرگ قیامت بر خود خائف و بیمناکم.

اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۱۶ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمَجْرُمُونَ ۱۷ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَنْبِئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۱۸ وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۱۹ وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ۲۰ وَإِذَا أَدْقْنَا النَّاسَ

۱۶. اگر خدا خواسته بود که معجز قرآن مخفی بماند و معجز دیگری بر صحت رسالت من ارائه گردد من قرآن را بر شما تلاوت نمی‌کردم و نه شما را از وجود آن باخبر می‌ساختم. بلکه آن را برای خودم و خاندانم ذخیره می‌ساختم. این قرآن، کلام خدا است که هم متن رسالت است و هم سند رسالت، هم دلیل است و هم مدلول. اگر شما تصور می‌کنید که قرآن کلامی است که خود بهم بافته‌ام من که پیش از نزول قرآن یک عمر در میان شما به سر برده‌ام و چنین بیانی نداشته‌ام و نه از مقوله رسالت کلمه‌ای بر زبان داشته‌ام آیا اندیشه خود را بکار نمی‌بندید؟

۱۷. کیست که سیه‌کارتر باشد از کسی که بر خدا افترا ببندد و یا آیات خدا را تکذیب کند؟ سیه‌کاری در آیات خدا، جرم است و مجرمان روی رستگاری ندارند.

۱۸. غیر از خدای جهان، خدایانی را می‌پرستند که نه رنجی می‌فزایند و نه سودی می‌رسانند و با وجود این می‌گویند که این بت‌ها به درگاه خدا شفیع مایند و ما به خاطر جلب شفاعت و همکاری آنان به عبادت و پرستش آنان پرداخته‌ایم. بگو: خداوند جهان در آسمان‌ها و زمین هیچ موجودی را سراغ ندارد که شفیع و شریک او باشد. آیا شما خبر دارید و به خدا خبر می‌دهید که از بت‌های سنگی و ارواح عالیة آسمانی چندتن شریک و شفیع دارد، خداوند جهان از هر شریک و شفיעی والا و میرا است.

۱۹. مردم همگان بر روش کفر و شرک، یک‌سخن بودند و خداوند رحمان که دین و شریعت را نازل کرد راه اختلاف گرفتند. اگر سابقه این سخن نبود که «پروردگارت به مردمان مهلت داد و کیفر عاصیان را به روز آخرت وانهاد» میان مردم در مسائل اختلافی، داوری می‌کرد و سزای مشرکان را می‌داد.

۲۰. می‌گویند: می‌بایست از سوی پروردگارش معجزی بر او نازل شود تا انتظار ایمان داشته باشد و ما به رسالت او ایمان بیاوریم. بگو: آن معجزه‌ای که شما خواهان شده‌اید در اختیار

رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسْتَهْمِمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ ۲۱ هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرِينَ بِيَهُمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِن أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۲۲ فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغَيْتُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۲۳ إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَبِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ

من نیست. باید با دست الهی از عالم غیب آشکار گردد. عالم غیب فقط در قلمرو او است که اگر بخواهد شمه‌ای ظاهر می‌سازد. شما به انتظار آن معجز بنشینید که من هم با شما به انتظار آن هستم.

۲۱. اگر ما مردم را به رنج و سختی مبتلا سازیم در عوض ستیز و جدل، سرگرم دعا می‌شوند و چون بعد از رنج و سختی، شیرینی رحمت را به آنان بچشانیم ناگهان با حيله و تزوير آیات ما را تکذيب می‌کنند. بگو: خداوند جهان در مکر و حيله از شما چابکتر است زیرا فرستادگان ما مکر و حيله شما را ثبت می‌کنند و گزارش می‌دهند.

۲۲. او است که هماره شما را در خشکی و دریا روان می‌سازد تا آن روز و هنگام که در قایق باشید و قایق در اثر بادی ملایم مردم را بر پشت خود روان سازد و قایق سواران شاد و خرم شوند بادی تند دررسد و موج دریا از هر جانب به سوی آنان بتازد و پندارند که در گردابی سهمگین محصور شده‌اند بی‌توجه به خدایان پوشالی و با اخلاص در دین، خدا را با فریاد و فغان بخوانند که بار خدایا! به خدائیت سوگند که اگر ما را از این گرداب هایل برهانی بی‌شک از شاكران و سپاسگزاران خواهیم شد.

۲۳. و چون خداوند رحمان قایق سواران را نجات بخشد و پا به ساحل بگذارند ناگهان با نادرستی به خودخواهی پیشین برمی‌خیزند. ای مردمان جز این نیست که خودخواهی شما و انحصارطلبی‌هایتان به زیان شما تمام خواهد شد. شما با خودخواهی و انحصارطلبی توشه دنیا را تحصیل می‌کنید ولی در فرجام کار بازگشت شما به سوی ما خواهد بود و شما را از ماحصل دستاوردتان باخبر خواهیم ساخت.

نُفِصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^{٢٤} وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ^{٢٥} الَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^{٢٦} وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرَهَّقَهُمْ ذِلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^{٢٧} وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاءُكُمْ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاءُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِلَّا نَا تَعْبُدُونَ^{٢٨} فَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ

٢٤. حکایت زندگی دنیا که شما در انحصارجویی آن شتابانید حکایت بارانی است که ما از آسمان در منطقه‌ای فرو ریزیم و گیاه زمین با آب باران درهم آمیزد و رشد کند که خوراک آدمیان و چارباغان باشد تا آن هنگام که سطح زمین جامه رنگین بر تن کند و زینت و رونق بگیرد و صاحبان زمین پندارند که بر تصاحب آن توانايند، فرمان ما در تاریکی شب و یا روشنایی روز سر برسد و حاصل کشتزار و بوستان را در کام خود فرو بکشد و زمین را صاف و درو شده برجا گذارد که گویا گیاهی نروبیده و تا دیروزش سبز و خرم نبوده است. ما آیات خود را بدین صورت برای اندیشمندان متفکر در فصل‌های مختلف و از زاویه‌های متفاوت ارائه می‌نماییم.

٢٥. خدا با آیات خود مردم را به سوی بهشت خانه صفا و سلامت دعوت می‌کند و هر که را بخواهد به راه راست رهبری خواهد کرد.

٢٦. آن کسانی که نیک‌اندیشی کردند و بهترین دستاوردها را ارائه نمودند بهترین پاداش‌ها را با جایزه‌ای اضافه بر پاداش خود دریافت می‌دارند بر چهره آنان، گرد غم و غبار ذلت نخواهد نشست. آنان صاحب بهشتند و جاودانه در آن خواهند ماند.

٢٧. و آن کسانی که بدی‌ها را به جان خریدند به سزای یک بدی، یک بدی در پرونده اعمالشان ثبت می‌کنیم و روی هم‌رفته غبار ذلت و خواری بر چهره آنان خواهد نشست. هیچ کس پیدا نمی‌شود که بتواند آنان را از کیفر خدا پناه دهد. در اثر سیه‌کاری چنان سیمایشان سیاه و تاریک است که گویا پاره‌های شب ظلمانی را چون پرده بر صورت خود کشیده‌اند. اینان صاحبان دوزخند و در آن جاودانه خواهند ماند.

٢٨. آن‌روز که همگان را در صحرای محشر گرد آوریم و مؤمنان را به سوی بهشت روانه سازیم به مشرکان می‌گوییم: شما و خدایانتان بر جای خود بمانید. بعد از آن میان آنان با خدایانشان فاصله اندازیم و خدایانشان بگویند: شما که ما را پرستش نمی‌کردید.

لَعَافِلِينَ ۲۹ هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۳۰ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۳۱ فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ ۳۲ كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۳۳ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ۳۴ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۳۵ وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا

۲۹. خدا گواه است و گواهی خدا کافی است که ما از پرستش شما بی‌خبر بودیم.

۳۰. این‌جا است که هر کس کردار گذشته خود را می‌آزماید که چه سود و زیانی داشته است. این روز است که مردم به سوی خداوند مولای راستین خود بازگردان می‌شوند و بافته‌های عرفانی و فلسفی خود را گم می‌کنند.

۳۱. بگو: کیست که از آسمان و زمین روزی شما را می‌آفریند؟ کیست که چشم و گوش شما را در قبضه خود دارد؟ کیست که زنده را از مرده و مرده را از زنده برون می‌کشد؟ کیست که جهان را تدبیر می‌کند؟ در پاسخ این پرسش‌ها می‌گویند: خداست که روزی می‌آفریند و چشم و گوش ما را در اختیار خود دارد و تدبیر جهان را در دست دارد. بگو: پس چرا از خشم او پرهیز ندارید؟

۳۲. این خداوند، همان پروردگار بر حق شما است. از حقیقت که بگذرید، هرچه باشد باطل و نادرست است. پس مهار شما را به کدامین سو می‌کشاند؟

۳۳. با این‌گونه عناد و کجروی است که گفته پروردگارت بر پیشانی این فاسقان نقش گرفت «این دوزخیان ایمان نمی‌آورند».

۳۴. بگو: آیا در جمع خدایان شما خدایی هست که آفرینش را آغاز نهد و بعد از انقراض و نابودی دوباره آفرینش را بازگرداند؟ بگو: خدا است که آفرینش را آغاز می‌کند و بعد از نابودی دوباره آن را تجدید می‌کند. پس مردمان مشرک به کجا واژگون می‌شوند؟

۳۵. بگو: آیا در جمع خدایان شما، خدایی هست که مردم را به سوی راستی و درستی هدایت کند؟ بگو: خداوند است هستی را به سوی راستی و درستی هدایت می‌کند. آیا آن خدایی که کائنات را به سوی درستی رهبری می‌کند شایسته طاعت است یا آن خدایی که

يَفْعَلُونَ^{٣٦} وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ^{٣٧} أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^{٣٨} بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ^{٣٩} وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ^{٤٠} وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ

خود راه بجایی نمی‌برد مگر آنکه راهش بنماید؟ شما را چه شده است؟ چگونه داوری می‌نماید؟

٣٦. بیشتر این مشرکان جز با گمان و پندار، فلسفه خود را دنبال نمی‌کنند. به یقین گمان و پندار نمی‌تواند جای علم و یقین را بگیرد و حقیقت را بنمایاند. طبیعی است که مشرکان، با پندار و گمان به سوی اعمال ناروا می‌روند. به یقین خداوند جهان به کردار آنان دانا است.

٣٧. این قرآن در آن حدی نیست که بدون خدا و با دست بشر ساخته شود اما در آن حد هست که سایر کتاب‌های آسمانی را که در برابر خود دارد تصدیق و تأیید کند و فرمان خدا پروردگار جهانیان را که در آن تردیدی نیست در فصل‌های گوناگون بیان سازد.

٣٨. آیا می‌گویند که قرآن سخن پریان است که بر او القاء شده است و یا می‌گویند که خودش قرآن را بافته و بر خدا بسته است؟ بگو: اگر راست می‌گویی و قصد بهانه‌جویی نداری شما هم یک پاره قرآن بسازید و بیاورید و هر صاحب سخنی را که می‌توانید برای کمک و مساعدت دعوت نمایید بی‌آنکه از خدا کمک بگیرید و پاره‌های قرآن را با هم تلفیق کنید.

٣٩. ولی آنان در ایراد تهمت راست نمی‌گویند که قرآن را ساخته دست بشر بدانند، بلکه آنان روز قیامت را تکذیب می‌کنند که چهره آن را در فکر خود مجسم نکرده‌اند و هنوز با واقعیت فردای آن هم رودررو نگشته‌اند و چون با فلسفه‌بافی روز قیامت را تکذیب می‌کنند ناچارند که قرآن را هم تکذیب نمایند که قرآن، اساس تعلیمات خود را بر پایه وعد و وعید قیامت برپا کرده است. امت‌های پیشین هم که رسالت انبیا را تکذیب می‌کردند به خاطر همین بود که روز قیامت را قابل قبول نمی‌دانستند و با فلسفه‌بافی منطق انبیا را سیاه می‌کردند و تو بنگر که فرجام سیه‌کاران به کجا انجامیده است.

٤٠. با وجود این برخی از همین مشرکین به قرآن ایمان می‌آورند و برخی ایمان نمی‌آورند تا راه فساد و تباهی را دنبال کنند و پروردگارت به حال فسادگران داناتر است.

أَنْتُمْ بَرِيَّتُونَ مِمَّا أَعْمَلُوا وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ^{٤١} وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَسْمَعُ الصَّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ^{٤٢} وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوا لَا يَبْصُرُونَ^{٤٣} إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ^{٤٤} وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ^{٤٥} وَإِنَّمَا نُرِيكُمُ بَعْضَ الَّذِي نَعْدُهُمْ أَوْ نتُوفِينَكُمُ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ^{٤٦} وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ فَجُذِبُوا إِلَيْهِمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ^{٤٧} وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا

٤١. و اگر اینک همه آنان تو را تکذیب کردند به آنان بگو: دستاورد من از آن من باشد و دستاورد شما از آن شما باد. شما از کردار من بیزارید و من نیز از کردار شما بیزارم.
٤٢. از این مشرکان برخی به سویت گوش می سپارند ولی گوش دل را به نوای شیطان سپرده اند که نوای تو را نمی شنوند. آیا تو می توانی نوای قرآن را با گوش کران آشنا سازی گرچه اهل اندیشه نباشند؟
٤٣. از این مشرکان برخی به سویت نظر می دوزند ولی چشم دل را به نقشه های شیطان دوخته اند و تو را نمی بینند. آیا تو می توانی مردم نابینا را رهبری کنی گرچه اهل بصیرت نباشند؟
٤٤. اینان جان خود را با کردار پلید خود به سیاهی کشیده اند. به یقین خداوند رحمان کسی را سیاه نمی کند ولی مردم خودشان جان خود را به سیاهی می کشند.
٤٥. آن روز که خدایشان در عرصه قیامت گرد آورد چنان است که گویا در عالم بعد از مرگ جز ساعتی درنگ و توقف نکرده اند که از حال هم جويا می شوند. آن روز کسانی که دیدار خدا را تکذیب کرده اند در بازار ایمان سرمایه خدا را از کف داده اند و با ورشکستگی در زندگی دنیا راه به جایی نبرده اند.
٤٦. ما این مشرکان را به عذاب دنیا نیز تهدید کرده ایم. اگر در عذابشان تعجیل کنیم و عذاب موعود آنان را در حال زندگی و حیاتت به اجرا بگذاریم و یا عذابشان را تأخیر بیندازیم و جان تو را به پیشگاه خود فرا بخوانیم در هر حال از چنگ ما خارج نمی شوند و به فرجام بازگشت آنان به سوی ما است و هم اینک خداوند جهان بر کردار آنان ناظر و گواه است.
٤٧. برای هر امتی رسولی مبعوث می شود تا حجت خدا بر آنان تمام باشد و چون روز قیامت رسول خدا در محاکمه امتش حاضر شود با عدالت و انصاف میان او با امتش داوری خواهد شد و امت او را سیاه نخواهند نمود.

الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^{٤٨} قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ^{٤٩} قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَادًّا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ^{٥٠} أَتُمْ إِذَا مَا وَقَعَ أَمَنْتُمْ بِهِ الْآنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ^{٥١} ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ^{٥٢} وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لِحَقٍّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ^{٥٣} وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرَوْا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَفُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ^{٥٤} أَلَا إِنَّ لِلَّهِ

٤٨. می‌گویند که این وعده عذاب شما کی جامه عمل خواهد پوشید؟ اگر راست می‌گویید تهدید خود را به اجرا بگذارید و یا لااقل موعد قطعی را با شمار روز و سال مشخص نمایید.

٤٩. بگو: من برای خودم نیز مالک سود و زیان نیستم تا چه رسد درباره شما. مگر آنکه خدا خواسته باشد که با دست من سود و زبانی حاصل آید. از این رو عذاب شما بر خواست خدا متوقف است تا کی خواسته باشد که شما را هلاک سازد. برای هر امتی، عمری مقدر است با سرآمدی معین. هرگاه عمر آنان بسر آید و اجل فرارسد لحظه‌ای دیرتر و لحظه‌ای زودتر نابود نخواهند شد.

٥٠. بگو: شما خودتان چه پاسخی دارید؟ اگر عذاب خدا در تاریکی شب و یا در روشنایی روز بر سر شما فرود آید تبهکاران شما را از این شتاب خود چه طرفی خواهند بست.

٥١. آیا منطق شما این است که عذاب خدا نازل شود تا شما ایمان بیابید؟ بعد از نزول عذاب، شما همگان هلاک می‌شوید و بعد از مرگ به شما خواهند گفت: آیا بعد از آنکه عذاب خدا نازل شد و حقیقت از پرده برون افتاد ایمان آوردید؟ اینک که دفتر آزمون، بسته شد و ایمان سودی ندارد؟ شما خود با شتاب کردن در عذاب الهی دفتر آزمون را بر روی خود بستید.

٥٢. بعد از نزول عذاب جز این حرفی نخواهد ماند که با شما سیه‌کاران بگویند: عذاب جاودانه دوزخ را بچشید. عذاب دوزخ به سزای آن گناهایی است که به جان می‌خریدید.

٥٣. می‌پرسند که خبر قیامت درست است؟ بگو: آری به پروردگرم سوگند که خبر قیامت درست است و شما از چنگ عذاب قیامت رهایی ندارید و از هر جهت راه فرار بر روی شما بسته است.

٥٤. شما امروز به خاطر سود دنیا کافر می‌شوید و فردای قیامت هر کسی که جان خود را با کفر و شرک به سیاهی کشانده باشد اگر ثروت روی زمین را صاحب باشد تمام آن را برای

مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقٌّ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٥٥ هُوَ يَحْيِي وَ
يَمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٥٦ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ
وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ٥٧ قُلْ يُفَضِّلُ اللَّهُ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ٥٨
قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ اللَّهُ أُذُنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ
تَفْتَرُونَ ٥٩ وَمَا ظَنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ
وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ٦٠ وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ
عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ
وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ٦١ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ

رهایی خود فدا می‌کند، آن روز که عذاب الهی را نظاره کنند پشیمانی خود را در دل نهان می‌دارند تا شماتت نشوند. آن روز با عدالت و انصاف میان کافران داوری می‌شود و با داوری ناحق، کسی سیاه نخواهد شد.

٥٥. این را بدانید که آنچه در آسمان‌ها و زمین است ملک خدا است. این را بدانید که وعده خدا به آمدن قیامت برحق است ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

٥٦. او است که جان می‌دهد و جان می‌گیرد و شما مردم به سوی او بازگردان می‌شوید
٥٧. ای مردمان! با نزول قرآن از سوی پروردگارتان برای شما اندرزی فرا آمده است و شفایی برای آن دردها که در سینه دارید و رهنمودی همراه رحمت برای هرکسی که مؤمن باشد.

٥٨. بگو: این کتاب آسمانی با فضل خدا و رحمت او نازل شده است، فضلی که ویژه مؤمنان است و رحمتی که شامل جهانیان است. همگان باید به این رهنمود خدا شادمان باشند. این رحمت الهی بهتر از هر مال و منالی است که مردم به گردآوری آن پرداخته‌اند.

٥٩. بگو: آیا شما خودتان توجه دارید؛ این نسلِ دام را که خداوند رحمان برای خوراک شما نازل کرده است و شما قسمتی را حرام می‌شمارید و قسمتی را حلال می‌دانید. آیا خدا به شما رخصت داده است که چنین فتوا بدهید یا آنکه بر خدا افترا می‌بندید؟

٦٠. این کافرانی که امروز بر خدا افترا می‌بندند روز قیامت چه گمانی در دل می‌پرورند و چه انتظاری دارند؟ خداوند رحمان مازاد رحمت خود را از مردم دریغ نمی‌دارد و رایگان عرضه می‌کند اما بیشتر مردم شکر و سپاس آن را بجا نمی‌آورند.

٦١. ای پیامبر! تو در صدد هر کاری که برآیی و هر آیه‌ای را که تلاوت کنی و شما مردم

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^{٦٣} الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَقُولُونَ^{٦٣} لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ^{٦٤} وَ لَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ^{٦٥} أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ^{٦٦} هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنْ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ^{٦٧} قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا

هر عملی را که انجام دهید از همان لحظه آغاز، ما بر سرتان حاضر و ناظریم که چگونه وارد عمل می‌شوید. هر جرمی که با یک مورچه کوچک برابر باشد - نه در آسمان و نه در زمین - از دید خدا پنهان نمی‌ماند و نه کوچکتر از مورچه و یا بزرگتر از مورچه. هیچ موجودی پا به عرصه گیتی نمی‌گذارد جز آنکه در کتابی آشکارا کننده ثبت است. ٦٢. این را بدانید که دوستان خدا از کردار خود ترسی به دل ندارند و بر آینده خود غمین نخواهند بود.

٦٣. آن کسانی که ایمان آورده باشند و به راه تقوا رفته باشند.

٦٤. «بشارت خوشبختی در زندگی دنیا و زندگی آخرت ویژه آنها است» این کلمه خدا است و کلمات خدا دگرگون نخواهد شد. این همان رستگاری بزرگ است که از عذاب دوزخ برهند و در نعيم بهشتی مأوا بگیرند.

٦٥. سخن مشرکان که گاهی مجنون و گاهی ساحرت می‌خوانند تو را اندوهگین نسازد. همه عزت و کبریا از آن خداوند است. سخن مشرکان را می‌شنود و به حال همگان دانا است.

٦٦. این را بدانید و بدانند که هر موجودی در آسمان‌ها باشد و هر موجودی که در زمین باشد بنده مملوک خداوند است. و این مردمان مشرک که خدای جهان را وانهاده‌اند و به موجودات دیگری التجا می‌برند آن موجودات را در مسند خدایی ندیده‌اند، بلکه فقط پندار فلسفی خود را دنبال می‌کنند و منطق آنان جز حدس و گمان اساس دیگری ندارد.

٦٧. خدای شما، آن خدایی است که شب را برایتان برقرار نمود تا در تاریکی آن آرامش بیابید و روز را برایتان برقرار نمود تا در روشنایی آن به تلاش معاش برخیزید. در این تاریکی و روشنایی پی‌درپی، برای آن مردمی که می‌شنوند و گوش می‌دارند نشانه‌های درستی نمایان است.

لَا تَعْلَمُونَ^{٦٨} قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ^{٦٩} مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نَذِقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ^{٧٠} وَأَتَلَّ عَلَيْهِمْ نَبَأُ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذِكْرِي بآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تَنْظُرُونَ^{٧١} فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ^{٧٢} فَكَذَّبُوهُ فَتَجَنَّبَهُ وَنَمَّ مَعَهُ فِي الْفُلِّ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ^{٧٣} ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا

٦٨. جمعی از مشرکان گفته‌اند که خداوند جهان برای خود فرزندی گزین کرده است تا یار و یاور او باشد. خداوند جهان از این دلبستگی‌ها منزّه و مبرا است. خدا از همگان بی‌نیاز است. آنچه در آسمان‌ها باشد و آنچه در زمین باشد بنده مملوک خداوند است. شما بر این ادعای پوچ خود سندی ندارید. آیا ندانسته و ناشناخته بر خدا دروغ می‌بندید؟

٦٩. بگو: کسانی که بر خدا دروغ ببندند روی رستگاری نمی‌بینند.

٧٠. چند صباحی از توشه دنیا کامیابی دارند و در پایان زندگی به سوی ما بازمی‌گردند و ما در اثر کفر و طغیانشان عذاب سختی را به کام آنان فرو خواهیم ریخت.

٧١. بر این مردم مشرک، داستان نوح را که اولین رسالت الهی را ابلاغ کرد برخوان که با مردم خود گفت: ای مردم من! اگر بپا خاستن من و دعوت من که می‌گویم از آیات خدا پند بگیرید بر شما دشوار و ناگوار آمده است و لذا با من به ستیز و جدل برخاسته‌اید. من بر خدا توکل کرده‌ام و از ستیز شما ترسی ندارم. شما با آن خدایانتان که شریک خدای جهان می‌دانید همدست شوید و کار خود را به شوری بگذارید تا مطلبی بر شما پوشیده نماند سپس تصمیم خود را درباره من به مرحله اجرا بگذارید و مهلت من ندهید.

٧٢. اگر شما از دعوت من روگردان شده‌اید که بار غرامتی بر دوش نگیرید. من که از شما مزدی بر رسالت خود نخواسته‌ام. پاداش من جز بر عهده خدای رحمان نیست. من فرمان یافته‌ام که از جمله مسلمین باشم و چون دیگران به فرمان خدا تن بدهم.

٧٣. مردم نوح او را تکذیب کردند و ما او را با مؤمنان همراهش بر کشتی سوار نمودیم و از طوفان آب نجات بخشیدیم و نسل آنان را در زمین جانشین کردیم و سایرین را که به آیات ما تکذیب کرده بودند در آب طوفان غرقه نمودیم. بنگر که فرجام آن مردمی که اخطار خدا را به چیزی نگرفتند به کجا انجامید.

بِهِ مِنْ قَبْلِ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ ٧٤ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ ٧٥ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ ٧٦ قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ ٧٧ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتْنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمُ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ ٧٨ وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتَأْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ٧٩ فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةَ قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَالْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْفُونَ ٨٠ فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيَبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ

٧٤. ما بعد از نوح چند تن از پیامبران خود را به سوی اقوامشان گسیل نمودیم. رسولان ما هریک با دلایل روشن به نزد قوم خود آمدند و پیام رسالت را ابلاغ کردند ولی آنان مردمی نبودند که دعوت رسولان را بپذیرند بعد از آنکه قبلاً اصل رسالت را تکذیب کرده بودند تا راه خود را به سوی تجاوزکاری باز نمایند. بدین صورت ما بر دل‌های متجاوزان مهر می‌نهمیم که دیگر ایمان نمی‌آورند.

٧٥. بعد از آنان موسی و هارون را با آیات و معجزات خود به سوی فرعون و سنای مصر روان کردیم و آنان خود را بزرگتر و والاتر از آن شمردند که دعوت ما را بپذیرند و اخطار ما را جدی بگیرند. آنان مردمی تبهکار و مجرم بودند.

٧٦. و چون معجزه راستین از جانب ما به آنان رسید گفتند: این عصای تو سحر است و گواه جادوگری است.

٧٧. موسی به آنان گفت: آیا بر این معجزه راستین نام جادو می‌گذارید؟ آیا این سحر است که عصای من ازدها شود تا وسیله معرفت باشد و رسالت مرا تأیید کند؟ جادوگران هرگز رستگار نمی‌شوند.

٧٨. فرعونیان گفتند: آیا آمده‌ای که ما را از سنت پدرانمان به سنت پدران خود برگردانی تا در این سرزمین سروری و بزرگی از آن تو و هارون باشد؟ ما شما دو تن را ساحر می‌شناسیم و در برابر شما تسلیم نمی‌شویم.

٧٩. فرعون به مأمورین خود گفت: در این مناطق بجوید و هر جا ساحری دانا بیابید به نزد من حاضر کنید.

٨٠. چون ساحران برای قدرت‌نمایی حاضر شدند موسی به آنان گفت: ساخته‌های خود را به میدان بیفکنید.

عَمَلِ الْمُفْسِدِينَ^{۸۱} وَ يُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ^{۸۲} فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِمْ أَنْ يَفْتَنَهُمْ وَ إِنْ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ^{۸۳} وَ قَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ^{۸۴} فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِقَوْمِ الظَّالِمِينَ^{۸۵} وَ نَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ^{۸۶} وَ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَ أَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْوتًا وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَ أُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ^{۸۷} وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوهُ عَنِ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ^{۸۸} قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا

۸۱. و چون ساخته‌های خود را به میدان افکندند. موسی به آنان گفت: آنچه شما به میدان آورده‌اید سحر و جادو است. به یقین خداوند جهان سحر شما را باطل و پوچ خواهد کرد. هدف شما تبهکاری و افساد است و خداوند رحمان اجازه نمی‌دهد که دست‌آورد اهل فساد، فرجامی شایسته بگیرد.

۸۲. خداوند جهان با کلمات حیات‌بخش خود حق را تثبیت می‌کند گرچه تبهکاران مجرم مایل نباشند.

۸۳. سحر ساحران نابود شد و کلمه حق به کرسی نشست. با وجود این، کسی از مردم مصر به موسی ایمان نیاورد مگر نسلی از مردم موسی آن‌هم در پوششی از ترس فرعون و سنای مصر که آنان را با شکنجه و تهدید از دین بگردانند. به یقین فرعون در آن سرزمین بالاترین قدرت حاکم بود و در شکنجه و خونریزی حد و مرزی نمی‌شناخت.

۸۴. موسی به مردم خود گفت: ای مردم من! اگر شما به خدا ایمان آورده‌اید بر او توکل کنید اگر شما در برابر فرمان او تسلیم باشید راهی جز توکل بر خدا در پیش ندارید.

۸۵. مردم موسی گفتند: ما بر خدا توکل کرده‌ایم. پروردگارا! ما را مقهور سیه‌کاران قرار مده که با شکنجه و آزار خود ما را در معرض فتنه و آزمون درآورند.

۸۶. پروردگارا! و ما را با رحمت خود از شر مشرکان رهایی بخش.

۸۷. ما به موسی و برادرش هارون اشارت کردیم که در شهر مصر برای مردم خود خانه و منزل بگیرند و خانه‌های خود را در قبیله آن شهر برقرار سازند و پشت به مصریان نماز را برپا دارید. به موسی گفتیم که مؤمنان را به نجات و پیروزی بشارت ده.

۸۸. موسی گفت: پروردگارا! بی‌شک تو در زندگی دنیا به فرعون و سنای او، زینتی همراه

يَعْلَمُونَ^{٨٩} وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ^{٩٠} الْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ^{٩١} فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِدُنُوكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَ آيَةً وَإِنْ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنِ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ^{٩٢} وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبُوءًا صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ^{٩٣} فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ^{٩٤} وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ

با مال فراوان عطا کرده‌ای - پروردگارا - تا مردم را از راه تو بی‌راه سازند؟ بار پروردگارا! چهرهٔ اموالشان را زشت و منفور کن و دل‌هایشان را سخت و سنگ کن تا ایمان نیاورند جز موقعی که عذاب دردناک دوزخ را با چشم خود عیان ببینند و از ایمان خود سودی نبرند.
 ۸۹. خداوندش گفت: درخواست شما اجابت گشت. شما باید با اعتدال و استقامت به راه خود ادامه دهید و راه مردم نادان را دنبال نکنید.

۹۰. ما یهود بنی‌اسرائیل را از دریا گذرانیدیم از پس آنان فرعون و سپاهیانش با خودخواهی و ستم به دنبال آنان وارد گذرگاه شدند تا آنگاه که شکاف دریا به هم آمد و در آب غرقه شد، گفت: من ایمان آوردم که خدایی نیست جز همان خدایی که بنی‌اسرائیل به او ایمان آورده‌اند. من اینک تسلیم هستم که بردگان را آزاد و رها سازم.

۹۱. اینک که با عذاب الهی غرقهٔ دریا گشتی تسلیم شده‌ای با آنکه لحظه‌ای قبل نافرمان بودی و به تعقیب مؤمنان به دریا تاختی و از دیرزمان در خونریزی و غارت بیدادگر بودی؟
 ۹۲. امروز تو را - با جثه‌ات - نجات می‌دهیم تا ایمان آن مردمی که در مصر پشت‌سر نهاده‌ی نشانه‌ای باشی بر صدق رسالت موسی و آخرین معجزهٔ الهی. اما بیشتر مردم از آیات معجز ما بی‌خبرند.

۹۳. به حق سوگند که ما یهود بنی‌اسرائیل را با صدق و راستی در سرزمین موعودشان جای دادیم و از روزی‌های خوبان عطا کردیم. آنان بعد از موسی در اثر خودخواهی و جاه‌طلبی راه اختلاف پویدند و راه اختلاف نپویدند مگر بعد از آنکه علم و ایمان در اختیارشان قرار گرفت. به یقین خداوند رحمان روز قیامت در اختلافات آنان داوری خواهد کرد.

۹۴. اگر تو در صحت این حکایت که بر تو نازل کردیم شبهه و تردید روا بداری باید از آن مردمی پژوهش و واپرسی کنی که پیش از تو کتاب آسمانی را خوانده‌اند. به حق سوگند که

الْخَاسِرِينَ ۹۵ إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ ۹۶ وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۹۷ فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ أَمَّنتُ فَفَعَّعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ۹۸ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ۹۹ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ۱۰۰ قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ

حقیقت از پیشگاه پروردگارت به تو واصل شده است. مبدا از شبهه‌گرایان بوده باشی. ۹۵. و مبدا از آن مردمی باشی که آیات خدا را دروغ شمردند که اگر آیات خدا را تکذیب کنی و دروغ بدانی در بازار ایمان سرمایه خود را از کف می‌دهی و از ورشکسته‌ها خواهی بود.

۹۶. بی‌شک کسانی که گفته پروردگارت بر پیشانی آنان ثبت شود که «اینان اهل دوزخند» دیگر ایمان نمی‌آورند.

۹۷. گرچه انواع معجزه‌ها در برابرشان بر صف شوند باز هم ایمان نمی‌آورند مگر آنکه عذاب دردناک خدا را عیان بنگرند.

۹۸. کاش در میان این همه امت‌ها که عذاب خدا را دیدند و به ناچاری تسلیم شدند و ایمان آوردند امتی یافت می‌شد که با اخلاص و صفا ایمان بیاورد تا ایمانشان سودمند افتد و مورد قبول خدا واقع گردد. تمام آن امت‌ها که با رؤیت عذاب ما ایمان آوردند ایمانشان ایمان درماندگی بود که سودی نبخشید جز مردم یونس که چون خالصانه و با تضرع توبه کردند و ایمان آوردند عذاب رسوا کننده‌ای را که به سوی آنان فرستاده بودیم از سر آنان دور کردیم و تا چند صباحی به آنان مهلت دادیم.

۹۹. خداوند رحمان نمی‌خواهد که مردمان با جبر و زور تسلیم شوند و یا به طور ناخواسته و با کراهت قلبی ایمان بیاورند. اگر خدا خواسته بود که تمام جهانیان ایمان بیاورند با مشیت خود راه ایمان را باز می‌کرد و جهانیان یکسر ایمان آورده بودند. خدا خواست که مردم را بیازماید و خالص و ناخالص را از هم جدا سازد و لذا پیامبران را فرستاد تا مردم را دعوت کنند و مردم خالص را به سوی خود جذب کنند. اینک که ناخالصان از تو فاصله می‌گیرند تو می‌خواهی اکراهشان فرمایی تا ایمان بیاورند؟

۱۰۰. هیچ کس نمی‌تواند ایمان بیاورد جز با رخصت خدا و به صورتی که او می‌خواهد و باید از مسیر اندیشه و تفکر بگذرد. این رخصت نکته ظریفی دارد که باید در آن اندیشه

ما تُعْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ^{١٠١} فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ^{١٠٢} ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ ^{١٠٣} قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ^{١٠٤} وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ^{١٠٥} وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنْ الظَّالِمِينَ ^{١٠٦} وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَ

شود. خداوند رحمان رجس و پلیدی را بر سر کسانی نثار می‌کند که در این نکته نمی‌اندیشند.

۱۰۱. بگو: بنگرید که در آسمان‌ها و زمین چه می‌بینید. این همه آیت‌ها و نشانه‌ها که در آسمان‌ها وجود دارد و این همه آیت‌ها و عبرت‌ها که در زمین وجود دارد نمی‌تواند هدف آفرینش را به شما ارائه دهد؟ این نشانه‌ها و عبرت‌ها می‌توانند هدف آفرینش را ارائه دهند ولی نمی‌توانند که عذاب خدا را از مردمی بازگردانند که اهل ایمان نباشند.

۱۰۲. آیا انتظاری جز این دارند که روزی، سیاه و مرگبار بر آنان درآید مانند آن روزها که بر امت‌های پیشین درآمد. بگو: شما به انتظار آن روز بنشینید من نیز با شما به انتظار می‌نشینم.

۱۰۳. بی‌شک آن روزها که بر امت‌های پیشین درآمد و کافران و مشرکان یکسر تباہ شدند. ما رسولان خود را با یاران مؤمنشان نجات بخشیدیم. به همان منوال تکلیف ما خواهد بود که همواره مؤمنان را از شر روزهای سیاه و مرگباری که بر کافران درآید نجات بخشیم.

۱۰۴. بگو: ای مردم! اگر شما در مراتب دینداری من شک دارید و مرام مرا نمی‌شناسید، اینک دین و ایمان خود را بر شما گزارش می‌کنم: من این خدایانی که شما در عوض خداوند جهان می‌پرستید نمی‌پرستم. من آن خدایی را می‌پرستم که جان شما را به هنگام مرگتان دریافت می‌کند و به دست مأمورین قیامت می‌سپارد. من فرمان یافته‌ام که خود نیز از مؤمنان باشم و در اجرای دستورات دینی، خود را با همهٔ آنان برابر بدانم.

۱۰۵. فرمان یافته‌ام که روی خود را به سوی دین بگردانم و لحظه‌ای رو به ادیان چپ و راست نگردانم؛ به من فرموده‌اند که مبادا از مشرکان باشی.

۱۰۶. فرموده‌اند غیر از خداوند جهان خدایانی که سود و زیان ندارند به خدایی مخوان. اگر این خدایان بی‌سود و زیان را به خدایی بخوانی و به آنها التجا ببری تو نیز از سیه‌کارانی.

إِنَّ يَرْدُكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ^{١٠٧} قُلْ يَا
 أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ
 عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ^{١٠٨} وَأَتَّبِعْ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ وَأَصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ
 الْحَاكِمِينَ ^{١٠٩}

١٠٧. به من تأکید فرموده‌اند که اگر خداوند جهان رنجی بر تو وارد آورد هیچ‌کس نتواند آن
 رنج را از تو برطرف سازد جز خود او و اگر خداوند جهان برای تو از نعمت‌ها و روزی‌ها
 بهترین را اراده کند هیچ‌کس نمی‌تواند فزونی رحمتش را بازگرداند. خداوند جهان، فزونی
 رحمتش را به هر بنده‌ای که بخواهد نصیب می‌سازد و رحمت او بر عذابش فزونی دارد و او
 آمرزنده‌ای مهربان است.

١٠٨. اینک بگو: ای مردم! دین حق از پیشگاه پروردگارتان بر شما نازل شده است. هر کس
 رهیاب شود و به دین حق بگراید به سود خود رهیاب شده است و هر کسی راه خدا را گم
 کند بر زیان خودش بیراهه می‌رود. من مأمور و برگماشته شما نیستم که شما را به سوی
 ایمان بکشانم.

١٠٩. و خود، اشارات آسمانی را پیروی کن و در مقابله با مشرکان صبر و تحمل پیشه کن
 تا خداوند رحمان میان تو و آنان حکومت کند و او بهترین حاکم جهان است.

هُود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّ كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ۚ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنَّنِي لَكُم مِّنْ نَدِيرٌ وَبَشِيرٌ ۚ وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ ۚ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ ۚ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۚ أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۚ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا

۱. ل. ر. این قرآن کتابی است که با کاردانی آیات آن محکم و استوار شد سپس از زاویه‌های مختلف در فصل‌های متعدد از سوی کاردانی خبیر و آگاه آراسته گشت.

۲. پیام کتاب، آن است که جز خدا را نپرستید و من از پیشگاه او به سوی شما آمده‌ام تا اخطار کنم به آن کسانی که جز او را می‌پرستند و بشارت دهم به آن کسانی که جز او را نمی‌پرستند.

۳. و پیامی دیگر: که از پروردگار خود آمرزش بخواهید و به سوی او باز شوید. اگر شما از گناهان خود آمرزش بخواهید و برای پذیرش فرمان به سوی او بازگردید در زندگی دنیا تا فرا رسیدن پایان عمر توشه نیکویی در اختیارتان می‌گذارد و هر که در طاعت و عبادت فزونتر بکوشد پاداش او را فزونتر عطا خواهد کرد. و اگر روگردان شوید و پیام خدا را پشت سر بگذارید من که پیام‌آور او هستم از عذاب یک روز بزرگ بر شما خائف و بیمناکم و شما را از خشم او در امان نمی‌دانم.

۴. بازگشت شما همگان به سوی او است. در آن روز بزرگ شما را زنده می‌سازد و او بر هر پدیده‌ای و هر خواسته‌ای توانا است.

۵. این را بدانید و بدانند که چون رسول ما پیام قرآن را بر مردم تلاوت کند مشرکان سینه‌های خود را دو تا می‌کنند تا سر و دوش خود را از دید رسول ما نهان سازند که ما نبودیم و نشنیدیم. بدانید و بدانند که چون مشرکان جامه‌های خود را بر دوش‌های خود می‌پيچند و برای مشورت در مجلس سنا حاضر می‌شوند و به بحث می‌نشینند که با چه پیرایه‌ای باید رسول خدا را از میدان بدر کنند و با چه تهمتی به مقابله قرآن بپردازند خداوند جهان از بحث سری آنان باخبر است و اعلان رسمی آنان را نیز می‌داند. خداوند جهان به بیماری دل‌ها آگهی دارد.

وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلُّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ٦ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِن قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ٧ وَلَئِن أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ أَلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ٨ وَلَئِن أَدَقْنَا لِلإِنْسَانِ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَؤُوسٌ كَفُورٌ ٩ وَلَئِن أَدَقْنَا نَعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسْتَه لَيَقُولُنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ ١٠ إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ

٦. چگونه خداوند جهان از راز نهان آگاه نباشد و بیماری دل‌ها را نشناسد با آن که روزی هر جنبنده‌ای در روی زمین بر عهده خدا است و قهراً قرارگاه او را می‌داند و گردشگاه او را هم می‌شناسد. همه اینها در کتاب هستی نمایان است.

٧. او است که آسمان‌ها و زمین را ظرف شش‌روز آفرید و عرش اقتدارش بر زبر آب بود گداخته‌ای از موارد مذاب و گازهای روان تا شما را در زمین جای دهد و بیازماید که بهترین عمل شایسته را چه کسی انجام می‌دهد. و به حق سوگند که اگر به این مردم بگویی شما مردم بعد از مرگ خود دوباره به زندگی برمی‌گردید و از دل خاک‌ها برانگیخته می‌شوید. کافران‌شان می‌گویند: این معجزه‌ای که از قیامت خبر می‌دهد سحری است که دروغ شما را آشکار می‌کند.

٨. ما به آنان اعلام خطر کرده‌ایم و اگر عذاب خود را تا دو سه نسل دیگر تأخیر بیندازیم، این کافران می‌گویند: چرا عذاب آسمانی نیامد معلوم می‌شود که تهدید شما پوچ و توخالی است. این را همگان بدانند که عذاب الهی روز مشخصی دارد و آن‌روزی که پاره‌سنگی از آسمان فرود آید از نیمه‌راه خود باز نمی‌گردد و مسیر خود را تغییر نمی‌دهد و مصیبتی که امروز به مسخره می‌گیرند بر سر آنان فرود خواهد آمد.

٩. به حق سوگند که آدمی زبون و ضعیف است؛ نه تاب تلخ‌کامی دارد و نه ظرفیت شادکامی. اگر به خاطر آزمون، کام او را با رحمت و نعمت شیرین کنیم سپس نعمت و رحمت را از او بازگیریم یأس و ناامیدی بر او چیره می‌گردد و کفر و ناسزا می‌گوید.

١٠. و اگر بعد از یک دوره رنج و محنت دوباره نعمت و رحمت را در کام او فرو ریزیم می‌گوید: دوره تلخ‌کامی و بدحالی سپری شد و چون کودکان به خود می‌نازد و شادی می‌کند.

مَغْفِرَةً وَأَجْرٌ كَبِيرٌ^{۱۱} فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضٌ مَّا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَن يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ^{۱۲} أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ^{۱۳} فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَن لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ^{۱۴} مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا نُوفٍ إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ^{۱۵} أُولَئِكَ الَّذِينَ

۱۱. تنها کسانی از این ضعف و زبونی استثنا می‌شوند که در رنج و سختی، صبر و تحمل پیشه کنند و در هر حال کار شایسته انجام دهند. برای آنان آموزش الهی با پاداشی بزرگ مهیا است.

۱۲. گویا در نظر داری که قسمتی از دستورات وحی را مسکوت بگذاری و دلتنگ شده‌ای که بگویند: «اگر از سوی خدا آمده باشد باید وسایل پیشرفت او با دست خدا آماده شود؛ می‌باید گنجی از آسمان بر او نازل شود تا مردم گرد او فراهم شوند و حکومتی تأسیس کند و یا لااقل فرشته‌ای با او همراه شود و رسالت او را تأیید کند تا دولتمندان و ثروتمندان با اطمینان خاطر گنجینه‌های خود را در اختیار او بگذارند.» تو فقط باید اعلام خطر کنی. تو از جانب ما کارپرداز بشر نیستی که برای ایمانشان چاره بیندیشی. خداوند جهان بر هر خواسته‌ای وکیل و کارپرداز است.

۱۳. آیا واقعاً به انتظار یک گنج آسمانی نشسته‌اند؟ آیا به انتظارند که فرشتگان در برابر چشمانشان صف در صف ظاهر شوند؟ یا اصل رسالت را منکرند و قهراً قرآن تو را ساخته دست خودت می‌دانند. بگو: اگر شما راست می‌گویید که این قرآن باید ساخته دست من باشد شما که خود را سخندان و سخن‌شناس و صاحب‌عیار می‌دانید باید بتوانید مانند قرآن من بسازید. پس برای اثبات این مدعا و نقض ادعای من ده سوره مانند بافته‌های قرآن بسازید و ارائه دهید و اگر خود را صاحب‌سخن نمی‌دانید از هر کس که می‌توانید دعوت به همکاری نمایید و بعد از همکاری و مطالعه لازم ده سوره مانند قرآن بیاورید اما از جملات قرآن سرقت نکنید که آیات آن را با هم تلفیق کنید.

۱۴. پس اگر پیشنهاد شما را بی‌جواب رها کردند و مانند قرآن ده فراز قرآنی ارائه نکردند همگان بدانید که قرآن با دانش خدا نازل شده است نه با دانش بشر. و بدانید که خدایی جز آن خدا نیست که قرآن را نازل کرده است. آیا در برابر حقیقت تسلیم می‌شوید؟

۱۵. هر کس زندگی دنیا را بجوید و جمال و زینت دنیا را خواهان باشد در همین دنیا پاداش

لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحِطَّ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ^{١٦} أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيْتَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ^{١٧} وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ^{١٨} الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ^{١٩} أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانْ لَهُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ مِن أَوْلِيَاءٍ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا

کارهای نیک او را به تمام و کمال می‌پردازیم و حق آنان ضایع نخواهد گشت.

۱۶. اینهايند که در آخرت جز آتش دوزخ بهره ندارند. پاداش عبادات و طاعات آنان توقيف می‌شود و دستاورد آنان پوچ و بی‌اثر خواهد گشت.

۱۷. آیا آن کسی که از جانب پروردگارش حجت روشنی در دست دارد که عقلاً بعثت رسولان را لازم می‌شمارد و بعد از آن شاهدهی چون حجت قرآن از جانب پروردگارش در دست دارد که دریافت عقلی او را تأیید می‌دهد و پیش از گواهی قرآن تورات موسی به عنوان پیشوای کتاب‌های آسمانی و رحمت شامله الهی دریافت او را تأیید و گواهی کرده است. این‌گونه کسانی که به این کتاب آسمانی ایمان می‌آورند، هر کس به این کتاب آسمانی کافر شود از هر دسته و گروهی که باشد، خواه مشرک باشد یا یهودی و نصرانی و مجوسی، آتش دوزخ وعده‌گاه او خواهد بود تا در آنجا به حقیقت یقین برسد. از این‌رو در صحت قرآن تردید مکن. قرآن درست و بر حق از جانب پروردگارت نازل شده است. اما متأسفانه بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند.

۱۸. کیست که سیه‌کارتر باشد از کسی که بر خدا افترا بیند و انتخاب خدایان شرک را به خداوند جهان نسبت بدهد و پرستش بت‌ها را فرموده خدا بداند؟ اینهايند که روز قیامت بر پروردگارشان عرضه می‌شوند و شاهدان مذهب گواهی می‌دهند که اینان بودند که بر پروردگارشان دروغ بستند و حقیقت تابان را بر مردم عامی سپاه کردند. بدانید و بدانند که لعنت خدا نصیب سیه‌کاران است.

۱۹. هم‌آنان که با جنجال و بلوا مردمان را از راه خدا باز می‌گردانند و راه خدا را با اعوجاج و کجی قرین می‌خواهند تا منافع خود را محفوظ نگه‌دارند و روز قیامت را قبول ندارند.

يُصِرُّونَ ۲۰ أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۲۱ لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي
 الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ ۲۲ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ
 الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۲۳ مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ
 مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۲۴ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۲۵ أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ
 إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ ۲۶ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِّثْلَنَا
 وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادْنَا بِأَدْيِ الرَّأْيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ بَلْ نَنظُنُّكُمْ
 كَاذِبِينَ ۲۷ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ فَعَمَّيْتُ

۲۰. اینان با تاخت و تازی که در پهنه گیتی دارند در همه جا ما را پشت سر نمی گذارند و روزی، در چنگ ما گرفتار می شوند و غیر از خداوند جهان مولا و یاورى ندارند با این که در دنیا خدایان زیادی دارند. آن روز عذابشان دو برابر می شود که پیشوایان کفر بودند. حاضر نبودند که سخن حق را بشنوند و حقیقت را عیان بنگرند.

۲۱. اینها ایند که در بازار ایمان سرمایه جانشان را هم به خسارت از کف داده اند و با ورشکستگی کامل بافته های فلسفی خود را از یاد برده اند.

۲۲. پس چون و چرا ندارد که باید در زندگی آخرت از دیگران ورشکسته تر باشند.

۲۳. به یقین کسانی که ایمان آورده اند و دستاوردی شایسته آخرت دارند و در راه پروردگارشان فروتن شده اند آنان صاحب بهشتند و جاودانه در آن خواهند ماند.

۲۴. حکایت این دو گروه، حکایت کوران و کران است با مردمان بینا و شنوا، کافران چون کوران و کرانند که نه راه را می بینند و نه آوای سالار کاروان را می شنوند تا مسیر خود را اصلاح کنند و به راه درست در آیند و مؤمنان، شنوا و بینا، راه درست را می بینند و اگر دچار اشتباه شوند آوای سالار کاروان را می شنوند و به او ملحق می شوند. آیا این دو گروه با هم برابرند؟ آیا هنوز هم موعظه و اندرز را به دل نمی گیرید؟

۲۵. به یقین ما نوح را به سوی مردم او گسیل نمودیم که من برای شما پیامبری هستم، آشکارا اعلام خطر می کنم.

۲۶. که جز خدا را نپرستید و خدایان شرک را ترک کنید. من شما را از عذاب دردناک قیامت در امان نمی بینم.

۲۷. سران قوم نوح، که کافر بودند در پاسخ او گفتند: تو نیز مانند ما بشری، از چه رو باید به پیامبری گسیل شوی با آن که پیامبری، در شأن فرشتگان است؟ از مردم با خرد کسی که

عَلَيْكُمْ أَنْزَلْنَاهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ^{۲۸} وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدٍ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ^{۲۹} وَيَا قَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ^{۳۰} وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ^{۳۱} قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ

این نکته را بدانند با تو همراه نیست. کسانی پیرامون تو را گرفته‌اند که با یک نظر سطحی معلوم است اوباش و بی‌سروپایند که غیر از ماجراجویی کار دیگری ندارند. شما در خرد و دانش بر ما فزونی ندارید که مصالح اجتماعی را بهتر از ما بشناسید و یا بتوانید طرحی نو ارائه نمایید. گمان نمی‌رود که با حسن نیت دچار خطا شده باشید بلکه حتماً دروغی به هم بافته‌اید تا در جامعه به جایی برسید.

۲۸. نوح به آنان گفت: ای مردم من! شما خودتان قضاوت کنید. اگر من از جانب پروردگارم حجت روشنی داشته باشم و پروردگارم از پیشگاه خود رحمتی به من عطا کرده باشد که بر شما پوشیده باشد آیا می‌توانم شما را به پذیرش دعوت الزام کنم در صورتی که مایل نباشید ۲۹. ای مردم من! من از شما مزدی بر ابلاغ رسالت نمی‌طلبم. پاداش من فقط بر عهده خداوند است. من کسی نیستم که مؤمنان را از گرد خود برانم که اینان ماجراجویند. این مؤمنان به ملاقات پروردگارش نایل می‌شوند. من نمی‌گویم که شما به خاطر حفظ مقام و موقعیت خود دعوت مرا رد می‌کنید ولی می‌بینم که با ضرب و شتم خود تا سرحد جهالت سقوط کرده‌اید.

۳۰. ای مردم من! اگر من مؤمنان را از گرد خود برانم خشم خدا را برانگیخته‌ام و کیست که در برابر خشم خدا از من حمایت کند آیا متوجه نمی‌شوید؟

۳۱. من نمی‌گویم که گنجینه خدا را صاحبیم، گنجی از آسمان نازل می‌کنم و مؤمنان را از فقر و محنت می‌رهانم. من نمی‌گویم که از غیب و نهان باخبرم، درد و بلا را از پیرامون خود دور می‌کنم و خیرات جهان را به سوی آنان جلب می‌کنم. من نمی‌گویم فرشته هستم، به آسمان‌ها پر می‌کشم و همواره خیر و صلاح یارانم را از خدا درخواست می‌کنم. این مؤمنان که در چشم شما خوار و بی‌مقدارند در دیده من حقیر نمی‌آیند تا بگویم هرگز خدا به چنین مردمی خیر و خوبی عطا نخواهد کرد. خداوند رحمان به نیت آنان داناتر است و هر کسی را بر اساس نیت او سزا می‌دهد. اگر من با دیده حقارت به اینان بنگرم و یا آنان را به

الصَّادِقِينَ ۳۲ قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ۳۳ وَلَا يَنْفَعُكُمْ نَصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أُنصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۳۴ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلِيَ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تُجْرَمُونَ ۳۵ وَأُوحِيَ إِلَيَّ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۳۶ وَأَصْنَعِ الْفُلَكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِّينَا وَلَا تَخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ ۳۷ وَبِصْنَعِ الْفُلِكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ۳۸ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ

ماجراجویی متهم سازم مانند شما از سیه کاران جامعه خواهم بود.

۳۲. سران آن قوم کافر گفتند: ای نوح! تو با ما بحث و جدل می کنی و بحث و جدل را از حد گذراندی. ما با این بحث ها قانع نمی شویم. اگر راست می گویی تهدید خود را عملی کن و عذاب خدا را بر سر ما نازل کن.

۳۳. نوح به آنان گفت: من صاحب اختیار شما نمی باشم. عذاب آسمانی را خدا می آورد - اگر خواسته باشد - نه من. اگر خداوند جهان عذاب خود را نازل کند شما از چنگ او راه فراری ندارید.

۳۴. حتی اگر من بخواهم که برای شما خیرخواهی کنم خیرخواهی من سودی بیار نمی آورد در صورتی که خدا خواسته باشد خرد شما را گمراه کند. پروردگار شما او است و شما به سوی او بازگردان می شوید.

۳۵. آیا این مردم، داستان نوح را باور می کنند یا می گویند: که داستان را خودش ساخته و مکالماتی را جدل وار به صورت مصنوعی پرداخته است تا دل های مردم را به سوی خود جلب کند. بگو: اگر داستان نوح را خود من پرداخته باشم جرمی است که بار آن را خودم بر دوش می کشم شما از جرم من برکنارید من نیز از کیفر جرم شما برکنار خواهم بود.

۳۶. به نوح اشارت شد که دیگر هیچ کس از مردم تو ایمان نمی آورد مگر همان کسانی که قبلاً ایمان آورده اند. از این رو با آزارهای جاهلانۀ این مردم ناراحتی و غم را به دل راه مده.

۳۷. ساختن آن کشتی که در رؤیا بر روی طوفان چرخان دیدی آغاز کن و زیر نظر ما و با اشارات ما به کارت ادامه بده و درباره این مردم سیه کار که رسالت را دروغ می پندارند با من سخن مکن که باید غرقه شوند.

۳۸. نوح به ساختن کشتی پرداخت و هر روز که جمعی از سران آن قوم بر او گذشتند او را به باد مسخره می گرفتند که این جعبۀ بزرگ مخروطی را با این عظمت برای چه

عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ^{۳۹} حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ^{۴۰} وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ^{۴۱} وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ^{۴۲} قَالَ سَأُوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ^{۴۳} وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَيَا سَّمَاءُ افْلَعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَىٰ الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ^{۴۴} وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِن

می‌خواهید؟ نوح به آنان می‌گفت: اگر شما امروز ما را مسخره می‌گیرید فردا نوبت ما است که شما را به استهزاء بگیریم.

۳۹. شما در آینده‌ای نه چندان دور می‌بینید که عذاب خدایی بر سر چه کسانی نازل می‌شود تا رسوایشان سازد و کیفر دائمی گریبان کدامین گروه را خواهد گرفت.

۴۰. نوح به ساختن کشتی ادامه داد تا آن‌روز که فرمان ما سر رسید و آب از تنور نان فوران کرد به نوح گفتیم: در کشتی از هر دام اهلی یک جفت آن را سوار کن و بعد خاندانت را به استثنای همسرت که قبلاً کفر او برایت روشن شده است. بعد از آن، تمام مؤمنان را در طبقه سوم جا بده. با نوح فقط مردمی اندک ایمان آورده بودند.

۴۱. نوح به آنان گفت: سوار شوید در این صندوق بزرگ بی‌بادبان و بی‌سکان که با نام خدا راه می‌افتد و با نام خدا لنگر می‌افکند، به یقین پروردگار من آمرزنده‌ای مهربان است.

۴۲. کشتی، آنان را بر سر موج‌هایی چون کوه می‌چرخاند. نوح پسرش را که در کرانه‌ای بر بلندی ایستاده بود ندا درداد: ای پسر جان! با ما به کشتی درآی و همراه کافران مباش.

۴۳. پسر نوح گفت: به زودی بر زبر کوهی پناه می‌گیرم که مرا از طوفان درامان بدارد. نوح به او گفت: امروز هیچ قدرتی نمی‌تواند فرمان خدا را از سر مردم بگرداند مگر آن که خدا خود به کسی ترحم کند. در این حال موج طوفان میان نوح و فرزندش حائل شد و او را چون سایرین در کام خود فرو برد.

۴۴. مردم نوح هلاک شدند و طوفان آرام گرفت، به آب‌های زمین فرمان رسید: آب را در گلوی خود فروکش. و به آسمان فرمان رسید: بس کن. آب‌ها فرو کشید و کار کافران یکسر شد و کشتی بر زبر قله قرار گرفت و ندایی برآمد: نفرین بر مردمان سیه‌کار.

أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ^{٤٥} قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ^{٤٦} قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَ مِنَ الْخَاسِرِينَ^{٤٧} قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ وَأُمَّمٌ سَنَمْتَعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ^{٤٨} تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ^{٤٩} وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ^{٥٠} يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ^{٥١}

٤٥. نوح پروردگار خود را ندا کرد و گفت: ای پروردگار من! پسر من که هلاک شد از خاندان من بود. وعده تو نیز به یقین درست و بر حق است که خاندانم را با من نجات می‌بخشی. پروردگارا! داوری این مسئله با تو است و تو بهترین داوری.

٤٦. پروردگارش گفت: ای نوح! آن پسر از خاندان تو محسوب نمی‌شد. او کافر بود و فرزندی ناصالح. آنچه را نمی‌دانی از من بازپرسی مکن. من تو را اندرز می‌دهم که از جاهلان باشی و ندانسته اعتراض کنی و یا ندانسته به کاری دست زنی.

٤٧. نوح گفت: پروردگارا! من به ذات اقدس پناه می‌برم که ندانسته از تو واپرسی نمایم. پروردگارا خطا کردم و اگر تو بر من نبخشایی و ترحم نکنی از ورشکستگی خواهم بود که بی‌تحصیل رضا و آمرزش سرمایه جان را از کف داده‌اند.

٤٨. فرمان رسید که ای نوح! با درودی از جانب ما از کشتی فرود آی و برکاتی پاینده و جاوید از پیشگاه ما بر تو و بر امت‌هایی که از نسل همراهیانت در عرصه زمین برقرار می‌شوند و چون نسل ابراهیم پرچم رسالت را افراشته نگه می‌دارند. و امت‌های دیگری پا به عرصه حیات می‌گذارند که از برکات ما محرومند در آینده‌ای نزدیک از نعمت دنیا کامیاب و بهره‌مندشان می‌سازیم و در اثر عناد با رسولان ما عذاب دردناک ما را لمس خواهند نمود.

٤٩. اینها از خبرهای پنهانی است که با اشاراتی از عالم غیب به سویت فرستادیم. این اطلاعات نهانی را پیش از این نه تو می‌دانستی و نه مردم سامانت. پس صبر و شکیبایی پیشه کن و بر آزار مشرکان جزع مکن که پایان زندگی از آن پرهیزکاران است.

٥٠. به سوی مردم عاد، برادرشان هود را گسیل کردیم. هود به آنان گفت: ای مردم من! خدا را بپرستید که شما را خدایی جز او نیست و این خدایان دیگر که شما تصور می‌کنید شریک و انباز خدایند و با فرمان خدا به تمشیت کار جهان می‌پردازند. بافته‌های ذهن شما هستند و شما به خدا

وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ ٥٢ قَالُوا يَا هُوْدُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ٥٣ إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ٥٤ مِنْ دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونَ ٥٥ إِنْ تَوَكَّلْتُمْ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنْ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ٥٦ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنْ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ٥٧ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُوْدًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ٥٨ وَتِلْكَ

افترا می‌بندید.

۵۱. ای مردم من! من از شما اجر و مزدی بر ابلاغ رسالت نمی‌طلبم که تصور کنید فکر سودجویی دارم و فردا بار غرامتی بر دوش شما می‌گذارم. اجر و مزد من بر عهده همان خداوندی است که سلول مرا شکافت و وجود مرا آغاز نهاد. آیا شما در این گفت‌وگو من نمی‌اندیشید؟
۵۲. ای مردم من! به خاطر شرک و افترا از پروردگار خود آمرزش بخواهید و به سوی او بازگردید که اگر از کفر خود بازگردید و آمرزش بخواهید خداوند از آسمان بارانی نرم و متناوب هر صبح و شام بر سر شما فرو می‌ریزد و با برکت در مال و فرزند نیرویی بر نیروی شما می‌افزاید. اندرز مرا بشنوید و با تبه‌کاری به دعوت من پشت مگردانید.
۵۳. مردم عاد گفتند: ای هود! تو حجتی روشن برای ما نیاوردی که رسالت را تثبیت کند. ما با حرف تو خدایان خود را ترک نمی‌گوییم و به تو ایمان نمی‌آوریم.
۵۴. تصور ما بر این است که برخی از خدایان ما بر تو خشم آورده است و آسیبی به مغزت وارد کرده است که افکارت چنین مغشوش و بی‌سروسامان است. هود به آنان گفت: من خدا را گواه می‌گیرم شما هم گواه باشید که من از خدایان شما بیزارم.
۵۵. شما با همه خدایانتان یکسر بدخواهی کنید و مرا مهلت ندهید.
۵۶. من بر خداوند پروردگارم و پروردگار شما توکل کرده‌ام. هیچ جانوری در زمین نمی‌چنبد جز آن که پروردگار من موهای سرش را چون مهاری در مشت دارد. به یقین پروردگار من، بر راه راست و درست گام می‌زند.
۵۷. اگر به دعوت من پشت کنید این را بدانید که من پیام رسالت را به شما ابلاغ کردم. خداوند جهان با این کفران دعوت شما را هلاک خواهد کرد و مردمی دیگر جای شما می‌گذارد و شما نمی‌توانید به او زبانی وارد نمایید. به یقین پروردگار من بر هر خواسته‌ای نگهبان است.

عَادَ جَدُّوهُ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ٥٩ وَاتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةَ وَيَوْمِ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بَعْدًا لَعَادِ قَوْمِ هُودٍ ٦٠ وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوا لَهُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ ٦١ قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ ٦٢ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّي وَآتَانِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ ٦٣ وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةٌ لِلَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ

٥٨. و چون فرمان ما از راه سر رسید هود را با رحمت و مهربانی به همراهی سایر مؤمنین نجات بخشیدیم و از عذاب سخت و دشواری که دامن آنان را فراگرفت نجات دادیم.

٥٩. این مردم عاد بودند که آیات پروردگارشان را منکر شدند و رسولان خود را نافرمانی کردند و از هر کسی که سرکش و کینه‌ور بود پیروی نمودند.

٦٠. و لعنت خدا و لعنت خلق خدا در زندگی دنیا بدرقه راهشان گشت و روز قیامت نیز از رحمت خدا دور می‌مانند. بدانید و بدانند که قوم عاد به پروردگار خود کافر شدند. نفرین باد بر مردم عاد. نفرین باد بر قوم هود.

٦١. و به سوی مردم ثمود برادرشان صالح را گسیل کردیم. صالح به آنان گفت: ای مردم من! خدا را بپرستید که جز او خدایی نیست. او خدایی است که شما را از خاک پدید آورد و بر روی زمین مستقر ساخت تا به آبادی و عمارت آن بپردازید. پس برای آمرزش گناهان خود از او آمرزش بخواهید و به سوی او بازگردید. خداوند، پروردگار من به همگان نزدیک است و دعای همگان را اجابت خواهد کرد.

٦٢. مردم صالح به او گفتند: ای صالح! پیش از این، امید می‌رفت که در تحکیم اساس ملی، چشم و چراغ جامعه ما باشی. اینک ما را از پرستش خدایانمان که سنت پدرانمان بوده است باز می‌داری؟ ما به کیش و آیینی که ما را به آن دعوت می‌کنی به شک و بدگمان اندریم.

٦٣. صالح گفت: ای مردم من! شما خودتان قضاوت کنید؛ اگر من از پیشگاه پروردگارم حجت روشنی داشته باشم و پروردگارم از جانب خود رحمتی نصیب من کرده باشد تا شما را از آن بهره‌مند سازم آیا روا است که نافرمانی کنم و دیگران را به رحمت او نخوانم؟ اگر من به دلخواه شما خدا را نافرمانی کنم چه کسی مرا یاری می‌کند و خشم خدا را از من باز می‌گرداند؟ شما با این پیشنهاد خود جز بر خسارت من نمی‌افزایید.

قَرِيبٌ ٦٤ فَعَفَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعَدُّ غَيْرِ مَكْذُوبٍ ٦٥ فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجِيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ٦٦ وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ٦٧ كَانُوا لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِّثَمُودَ ٦٨ وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبَشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيدٍ ٦٩ فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكَرَهُمْ وَأَوَّجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ ٧٠ وَأَمْرَاتُهُ قَاتِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ

٦٤. ای مردم من! این ناقهٔ خدایی است که با درخواست شما به عنوان معجزه و نشان از خاک آفریده است. ناقه را آزاد بگذارید تا در زمین خدا چرا کند. مبادا آسیبی به او برسانید که عذاب خدا به سرعت شما را فرا خواهد گرفت.

٦٥. مردم ثمود، ناقه را پی کردند و صالح به آنان گفت: سه روز از زندگی و لذات دنیا کام بگیرید که بیش از آن مهلت ندارید عذاب خدا در روز چهارم شما را هلاک خواهد کرد و این وعده‌ای دروغین نخواهد بود.

٦٦. و چون عذاب ما فرارسید با رحمت خود، صالح را با مؤمنان همراهش نجات بخشیدیم و از رسوایی آن عذاب و خواری آن روزها رهانیدیم. به یقین پروردگار تو نیرومندی صاحب عزت است.

٦٧. و سیه‌کاران قوم ثمود را - با سقوط شهاب‌سنگی بزرگ - فریادی سهمگین فراگرفت که فرصت نشد زانوان خود را از زمین بردارند و راه فرار در پیش بگیرند. هوار خانه‌ها بر سرشان فرو ریخت و همگان نابود شدند.

٦٨. گویا در آن سرزمین وطن نگزیده بودند، بدانند که قوم ثمود به پروردگار خود کافر شدند. نفرین باد بر قوم ثمود.

٦٩. به یقین فرشتگان ما با نوید و بشارت بر ابراهیم وارد شدند و گفتند: درود. و ابراهیم گفت: درود. درنگی نشد که ابراهیم گوسالهٔ بریانی برای میهمانان آورد.

٧٠. میهمانان به گوشت بریان دست نبردند و چون ابراهیم مشاهده کرد که دست میهمانان به سوی گوسالهٔ بریان دراز نمی‌شود آنان را اجنبی شمرد و در دل واهمه کرد که مبادا قصد سوئی دارند که سلام خود را ناقص ادا کردند و اینک از خوردن غذا پرهیز دارند تا حق سلام و حق نمک، آنان را از اجرای مقاصد شومشان باز ندارد. فرشتگان گفتند: هراسی به دل راه مده. ما فرشته‌ایم و غذا تناول نمی‌کنیم فقط در دیدگان شما دوتن مجسم شده‌ایم.

يَعْقُوبُ ٧١ قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ٧٢ قَالُوا
 أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ٧٣ فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ
 إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ ٧٤ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ ٧٥ يَا
 إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرٌ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ ٧٦ وَلَمَّا جَاءَتْ
 رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ٧٧ وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ
 وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَخْزُونِ
 فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ ٧٨ قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكِ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ

ما مأمور شده ایم تا در عذاب قوم لوط شاهد و ناظر باشیم.

۷۱. همسر ابراهیم که در کنار چادر به کمین ایستاده بود از شوق دیدار فرشتگان و رفع خطر به وجد آمد و خندید و ما او را به میلاد اسحاق بشارت دادیم و بعد از اسحاق به میلاد یعقوب که هر دو تن تا میلاد فرزند فرزندشان یعقوب زنده بمانند.

۷۲. همسر ابراهیم گفت: ای وای بر من. آیا من فرزند می‌زایم با آن که پیری فرتوتم و این شوهرم پیری سالخورده است؟ به یقین که این آبستنی، بسیار شگفت است.

۷۳. فرشتگان گفتند: فرمان خدا را شگفت می‌خوانی؟ رحمت خدا و برکات او بر شما خاندان باد. به یقین خداوند رحمان ستوده‌ای والا است.

۷۴. و چون وحشت ابراهیم بر طرف شد و به میلاد اسحاق و یعقوب بشارت یافت و از رحمت و برکتی که در نسل او برقرار می‌ماند مشعوف گشت به یاد لوط افتاد و با فرشتگان درباره عذاب قوم لوط به بحث و جدل شد که آیا پروردگار من همه مردم لوط را یکسر هلاک خواهد کرد.

۷۵. به حق سوگند که ابراهیم بر خطاکاری کافران، بردبار و از گمراهی آنان متأسف و نالان بود و برای هدایت آنان هماره به درگاه ما می‌نالید.

۷۶. ای ابراهیم! از این مقوله بگذر که فرمان پروردگارت فرآمده در نیمه‌راه است. بی‌شک عذابی بر سر آنان فرود می‌آید که راه بازگشت نمی‌شناسد.

۷۷. و چون شاهدان عذاب، به خانه لوط مهمان شدند لوط از حضور آن زیبارویان غمین و اندوهگین شد و فضای خانه بر او تنگ آمد و با خود گفت: امروز سختی بزرگی در پیش داریم.

۷۸. مردم لوط باخبر گشتند و یکسر به سوی خانه لوط هجوم آوردند و از دیرباز و پیشین زمان، دستاورد بدی ارائه می‌کردند. لوط خدمت‌کاران زن را در لباس پسران آراست و به آن

مَا نُرِيدُ^{۷۹} قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ^{۸۰} قَالُوا يَا لَوْطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصْلُوهُ إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرَاتُكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ^{۸۱} فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنضُودٍ^{۸۲} مَسُومَةً عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بَعِيدٍ^{۸۳} وَإِلَىٰ مَدِينٍ آخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ

مردم گفت: ای مردم من! این پسران که می‌بینید دختران منند. اگر شما خواهان این چنین جلوه‌ای باشید خانم‌های شما با این آرایش و سیما، هم خواسته شما را برآورده می‌سازید و هم برای پاکی و طهارت وجود شما بهترند. از خشم خدا بترسید و با درآویختن با میهمانان من مرا به رسوایی نکشانید. آیا در جامعه شما یک تن مرد رشید و کارآمد وجود ندارد که جامعه را از این سقوط رسوا برهاند؟

۷۹. مردم لوط گفتند: بی‌شک تو خود نیز می‌دانی که ما را به این دخترانت حقی نیست و بر اساس سنتی که داریم و قانونی که به تصویب رسانده‌ایم ما فقط به مسافران رهگذر حق تعرض داریم. به یقین تو خود می‌دانی که ما چه می‌خواهیم.

۸۰. لوط با خود گفت: کاش نیرویی داشتم که بر سر شما بکوبم و شما را از خانه خود برانم و یا می‌توانستم به یک تن از شیوخ سخت‌کوش شما پناه ببرم.

۸۱. فرشتگان که درماندگی لوط را دیدند گفتند: ای لوط! ما فرشتگانیم و از سوی پروردگارت گسیل شده‌ایم تا عذاب این مردم را سامان بدهیم. این مردم هرگز بر تو دست نمی‌یابند و اینک با یک اشارت ما، صاعقه‌ای برمی‌جهد و همه این مهاجمان کور می‌شوند. بعد از آن که پاسی از شب گذشت خاندانت را کوچ بده و هیچ کس نباید به پشت سر بنگرد جز همسرت که هر مصیبتی بر سر این مردم درآید بر سر او فرود می‌آید. میعاد آنان صبحدم خواهد بود. آیا صبحدم نزدیک نیست؟

۸۲. و چون فرمان ما فرارسید و آن سنگ عظیم آسمانی در کنار شهر آنان فروافتاد خانه‌ها را زیر و زبر کردیم و سنگ‌ریزه‌هایی سیمانی را به صورت رگبار بر سر آنان باراندیم رگباری با نظم و ترتیب از قلوه‌سنگ‌ها و در پی آن سنگ‌پاره‌ها و تگرگ‌ها و ماسه‌ها.

۸۳. با نشانه‌های آسمانی از پیشگاه پروردگارت و این‌گونه عذاب آسمانی از سیه‌کاران دیگر بدور نخواهد ماند.

وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَأَيْتُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ^{٨٤} وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ^{٨٥} بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ^{٨٦} قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ^{٨٧} قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَآكُمْ عَنْهُ إِن أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ^{٨٨} وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ

٨٤. و به سوی مردم مدین، برادرشان شعیب را فرستادیم. شعیب به آنان گفت: ای مردم من! خدا را بپرستید که غیر از او خدایی نیست پیمانه و ترازو را کسر مگذارید. من شما را در رفاه و نعمت می‌نگرم و از دست دادن نعمت را بر شما سخت و ناگوار می‌بینم. من می‌ترسم عذاب روز قیامت با فراگیری و احاطه‌ای که دارد شما را در کام خود فروبلعد.

٨٥. ای مردم من! پیمانه و ترازو را به عدالت پر کنید. کالای مردم را پست و خوار نشمارید که ارزان بخرید. در زمین به غارت و چپاول دست مزیند.

٨٦. نعمت پایدار خدا برای شما بهتر از سودجویی بدفرجام است در صورتی که شما اهل ایمان بوده باشید و شخصاً از فرجام بد بپرهیزید. من بر شما نگهبان نیستم که با جبر و اکراه دست شما را از خطاکاری بازگیرم.

٨٧. مردم مدین گفتند: ای شعیب! آیا همین نمازی که با آیین جدید و اختراعی، بنیاد نهاده‌ای به تو دستور می‌دهد که ما باید سنت‌های پدری و اجدادی خود را در عبادت بت‌ها و انهمیم و یا شیوه دلخواه خود را در کسب و تجارت با مسافران و رهگذران ترک بگوییم تا سنت‌های تو در رشته عبادت و تجارت رواج یابد؟ واقعاً که مردی زیرک و هشیاری و با تأمل و بردباری می‌خواهی نرمک‌نرمک در رأس جامعه قرار بگیری.

٨٨. شعیب گفت: ای مردم من! شما خودتان قضاوت کنید. اگر من از جانب پروردگارم حجت روشنی داشته باشم و پروردگارم از پیشگاه خود روزی نیک و شایسته‌ای به من عطا کرده باشد چگونه این تهمت بر من وارد می‌شود؟ من نمی‌خواهم همان سود حرام و بدفرجامی را بدست آورم که شما را از آن نهی می‌کنم. من می‌خواهم جامعه را تا آن حد که بتوانم اصلاح کنم. توفیق من در این راه مقدس که طی می‌کنم با خداوند رحمان است. من بر او توکل کرده‌ام و روی دل به سوی او دارم.

مَنْكُمْ بَعِيدٌ ۸۹ وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ۹۰ قَالُوا يَا شَعِيبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بَعِيزٌ ۹۱ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظَهْرِيَا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ۹۲ وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ۹۳ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ۹۴ كَانَتْ لَهُمْ يَغْنَوًا فِيهَا إِلَّا بَعْدًا لِمَدِينٍ كَمَا بَعَدَتْ ثَمُودُ ۹۵ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۹۶ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا

۸۹. ای مردم من! ستیز و رقابت با من وادارتان نسازد که دست به ارتکاب جرائم بزنید و در نهایت مصیبتی بر شما وارد شود مانند آن مصیبت‌ها که بر مردم نوح و یا مردم هود و یا مردم صالح وارد گشت. عذاب مردم لوط هم از شما دور نخواهد بود.

۹۰. شما باید از پروردگار خود آمرزش بخواهید و به سوی او بازگردید تا با شما آشتی کند و شما را ببامرزد. به یقین پروردگار من با مهر و وداد است.

۹۱. مردم او گفتند: ای شعیب! ما هر چند که می‌اندیشیم بسیاری از سخنان تو را درک و تعقل نمی‌نماییم تا دانسته و شناخته پیروی تو را برگزینیم. تو با این پیروان اندک در میان ما بی‌مایه و ناتوانی و اگر موقعیت خاندانت نبود که جزء سران و سرشناسان جامعه ما هستند تو را با خفت و خواری سنگباران می‌نمودیم. فقدان تو بر ما ناگوار نخواهد بود.

۹۲. شعیب به آنان گفت: ای مردم من! آیا خاندان من برای شما عزیزتر از خداوند رحمانند که حرمت خاندانم را رعایت می‌کنید و حرمت خدا را پشت سر انداخته‌اید. به یقین پروردگار من به دستاورد شما احاطه دارد.

۹۳. ای مردم من! شما با تمام قدرت و امکانات خود به کار خود بپردازید که من نیز به کار خود پرداخته‌ام. در همین آینده نزدیک می‌دانید که عذاب آسمانی چه کسی را رسوا می‌کند و شما همگان دروغ‌گویان را می‌شناسید. شما به کار خود بپردازید و مراقب بمانید که من نیز با مراقبت کامل انتظار می‌کشم.

۹۴. و چون فرمان عذاب سررسید با رحمت خود شعیب را با مؤمنان همراهش نجات بخشیدیم و سیه‌کاران را در اثر سقوط شهاب‌سنگی عظیم، فریادی فراگرفت و تا بر سر زانو شدند که راه فراری بیابند هوار خانه‌ها بر سرشان فروریخت.

۹۵. گویا هرگز در آن سرزمین مأوی نگرفته بودند. بدانید و بدانید که نفرین خدا بر شهر

أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوَرْدَ الْمَورُودُ^{٩٨} وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَبْسُ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ^{٩٩} ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ^{١٠٠} وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ^{١٠١} وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ^{١٠٢} إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ^{١٠٣} وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَعْدُودٍ^{١٠٤} يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ

مدین، چونان نفرین خدا بر قوم ثمود.

٩٦. به یقین موسی را با آیات و معجزات خود و با سندی روشنگر رسالت فرستادیم.

٩٧. به سوی فرعون و سنای مصر. سنای مصر از فرمان فرعون پیروی کردند و فرمان فرعون با مصلحت آنان همراه نبود.

٩٨. روز قیامت پیشاپیش مردم خود به خیرخواهی می‌پردازد و آنان را به آتش دوزخ هدایت می‌کند و چه بد آبشخوری است آبشخور دوزخ.

٩٩. در زندگی دنیا با لعنت و نفرین بدرقه گشتند و روز قیامت با نفرینی دیگر که جایزه آنان باشد. بد جایزه‌ای است لعنت و نفرین.

١٠٠. این است قسمتی از اخبار مردم دنیا که برایت روایت می‌کنیم. آثار برخی از آن مردم، چون اهرام مصر بر روی زمین برقرار است و یا در سرزمین نینوا و ماسه‌های احقاف مدفون شده است و برخی دیگر با طوفان و صاعقه از بیخ و بن برکنده و بریاد رفته است.

١٠١. ما آنان را سیاه نکردیم. این خودشان بودند که جان خود را با شرك و كفر سیاه کردند. و چون فرمان پروردگارت بر سر آنان فرود آمد خدایانی که در عوض خدای جهان هماره به فریادرسی می‌خواندند عذاب خدا را از سر آنان دور نکردند و چون به معابد خود پناه بردند خدایانشان جز بر خسران و هلاکت آنان چیزی نیفزودند.

١٠٢. و چون پروردگارت امتی را در حال سیه‌کاری به کیفر بگیرد این چنین به کیفر خواهد گرفت که امت‌های برگزیده را به کیفر گرفت. کیفر پروردگارت سخت و دردناک است.

١٠٣. در این کیفرها نشانه روشنی است برای آن مردمی که از کیفر آخرت می‌هراسند. در آن روز تمام مردم فراهم می‌شوند. آن روز شاهدان و گواهان برای ادای شهادت و گواهی حضور می‌یابند.

١٠٤. ما آن روز را به تأخیر نمی‌افکنیم مگر تا سال‌هایی چند که برنامه آزمون بسر آید.

نَفْسٌ إِلَّا يَأْذَنُ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ^{١٠٥} فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ^{١٠٦}
 خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ^{١٠٧} أَمَّا
 الَّذِينَ سَعَدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ
 مَجْدُودٍ^{١٠٨} فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعِدُّ هَؤُلَاءُ مَا يَعِدُّونَ إِلَّا كَمَا يَعِدُّ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا
 لَمَوْفُونَ بِمَا نَعِدُهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ^{١٠٩} وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ
 مِنْ رَبِّكَ لَفَضِّي بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ^{١١٠} وَإِنَّ كَلَامَنَا لِيُوفِيهِمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ

١٠٥. آن روز که قیامت برپا گردد هیچ کس جز با رخصت پروردگارت سخن نکند و لب به
 معذرت نگشاید؛ آن روز جمعی بدبختند و جمعی دگر خوشبخت.

١٠٦. بدبخت‌ها در آتش دوزخ سرنگون می‌شوند و در آنجا چون خران نعره سر می‌دهند و با
 ناله زیل دم فرومی‌کشند و با فریادی جگرخراش سوز درون را از سینه برون می‌دهند.
 ١٠٧. جاودانه در دوزخ می‌مانند تا آسمان‌ها و زمین برجایند جز آنکه پروردگارت بخواهد
 آسمان‌ها و زمین را بازسازی کند و با درهم ریختن دوزخ جان دوزخیان را به صفوف جنیان
 ملحق سازد. به یقین پروردگارت در مورد خواسته‌هایش فعال است.

١٠٨. و اما خوشبخت‌ها، در بهشت فردوس جاودانه خواهند زیست، مادام که آسمان‌ها و
 زمین برجایند جز آن که پروردگارت بخواهد آسمان‌ها و زمین را بازسازی کند و با درهم
 ریختن بهشت جان بهشتیان را به صف فرشتگان ملحق سازد و این عطایی است که انقطاع
 ندارد.

١٠٩. مبادا با مشاهده تشریفات شرك و سنت‌های پرآب‌وتاب معابد، درباره خدایان مشرکین
 دچار شبهه شوی و تصور کنی که شاید در پیشین زمان، اصل و ریشه‌ای داشته‌اند که بعدها
 مانند مذاهب آسمانی دستخوش تحریف و خرافات جاهلان شده‌اند. این مردم به تقلید از
 پدرانشان، خدایان خود را پرستش می‌کنند به آن صورت که اجدادشان در پیشین زمان، رسم
 و آیینی از خود اختراع کرده‌اند. ما هر دسته‌ای را بی‌کم‌وکاست به میزان مسئولیت آنان در
 پایه‌گذاری کفر و شرك سزا می‌دهیم.

١١٠. مظاهر شرك همواره با تصورات عامیانه مردم ارتباط مستقیم دارد. ما به موسی بن
 عمران کتاب تورات را عطا کردیم تا رهنمای آنان باشد و سندی باشد برای رفع اختلافات
 مردم. ولی یهودیان با همین تصورات عامیانه در خود آن کتاب و در فهم و استنباط آن
 اختلاف کردند و اگر سخن پروردگارت نبود که عاصیان را تا اجل مقدر مهلت می‌دهد

إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝^{۱۱۱} فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝^{۱۱۲} وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ۝^{۱۱۳} وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ ۝^{۱۱۴} وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۝^{۱۱۵} فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةً يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ۝^{۱۱۶} وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ ۝^{۱۱۷} وَلَوْ

داوری خدا درباره آنان اجرا شده بود. به یقین مردم یهود اینک درباره کتاب آسمانی خود به دیده تردید و بدگمانی می‌نگرند.

۱۱۱. به حق سوگند که پروردگارت بی‌کم‌وکاست سزای دستاوردشان را به میزان مسئولیتی که در ایجاد اختلاف و شک داشته‌اند خواهد داد. به یقین خداوند جهان به دستاورد آنان خبیر و آگاه است.

۱۱۲. اینک به همان صورتی که فرمان یافته‌ای بپا خیز. تو با همه کسانی که همراه و همگام با تو به سوی خدا بازگشته‌اند. از خط فرمان خارج نشوید و تندروی و سرکشی را وانهدید. به یقین پروردگارت به دستاورد شما بینا است.

۱۱۳. مبدا به سیه‌کاران مشرک اعتماد کنید و به آنان نزدیک شوید که به آتش آنان می‌سوزید. جز خداوند رحمان هیچ خدایی وجود ندارد که یارو یاور شما باشد. اگر به مشرکان نزدیک شوید یاری خدا را از دست می‌دهید و خدایان شرک به یاری شما نخواهند شتافت.

۱۱۴. در فاصله بین‌الطلوعین و فاصله بین‌الغروبین که پیش از شروع روز و بعد از خاتمه روز خواهد بود نماز صبح و مغرب را برپا بدار و در پاره‌های آغاز شب، نماز عشا را ادا کن. اینک این سه نماز که بر تو فرض است برای دیگران سنت است و به عنوان کار نیک در پرونده اعمال مؤمنان ثبت خواهد گشت؛ به یقین کارهای نیک شما کارهای بد را محو خواهد کرد. این خود یادواره‌ای خواهد بود برای کسانی که نکته‌ها را به خاطر می‌سپارند.

۱۱۵. در برابر مشکلات رسالت و آزار مشرکان، صبور و شکیبا بمان که شکیبایی از نیک‌اندیشی است و خداوند رحمان پاداش نیک‌اندیشان را ضایع نخواهد گذاشت.

۱۱۶. ای کاش که در میان امت‌های پیشین کسانی از صاحبان فطرت سالم و جویندگان رشد و صلاح پیدا می‌شدند که مردم خود را از فساد و خرابکاری مانع شوند تا عذاب الهی را از جامعه خود بگردانند. در میان امت‌های پیشین هرگز مصلحانی در میان مردم پیدا نشدند

شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ^{۱۱۸} إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ
وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لِأَمْلَانِ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ^{۱۱۹} وَكَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ
الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ^{۱۲۰} وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا
يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ ^{۱۲۱} وَانظُرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ^{۱۲۲} وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ^{۱۲۳}

که جامعه خود را اصلاح کنند مگر معدودی از امت‌ها که نیک‌اندیشان‌شان بپا خاستند و با تصویب قانون و تنظیم حکومت، رشد و صلاح را بر جامعه خود حاکم نمودند و ما آن جوامع را از عذاب مقرر نجات بخشیدیم. سایر امت‌ها که نابود شدند به دنبال عیش‌ونوش خود دیدند و از دیرباز تبه‌کار و مجرم بودند.

۱۱۷. پروردگارت را شیوه بر آن نیست که قومی را به خاطر سیه‌کاری هلاک و نابود کند در حالی که مردم، اهل صلاح باشند و از تباهی و خرابکاری بدور باشند.

۱۱۸. اگر پروردگارت خواسته بود، با مشیت خود، تمام مردمان را یکپارچه و متحد بر شاهراه هدایت رهبری می‌کرد. خدا خواست که مردمان با عزم و تشخیص خود راه درست را در پیش بگیرند و از این‌رو همواره در تشخیص این راه درست، اختلاف می‌ورزند.

۱۱۹. مگر آن‌دسته از مردم که پروردگارت است را مورد رحمت قرار داد و آنان را برای رحمت خود و رفع اختلافات مردم آفریده بود که هرگز اختلاف نکردند. به این صورت بود که سخن پروردگارت درست درآمد که روز نخستین به ابلیس گفت: «به یقین دوزخ را از نابکاران جن و انس پر خواهیم ساخت».

۱۲۰. ما از خبرهای رسولان هر آن قصه‌ای که هوای دلت را با آن سکون و آرامش بدهیم بر تو فرومی‌خوانیم. در این نمونه اخبار حقیقت به تو ابلاغ شده است به همراه پند و اندرز تا یادواره‌ای باشد برای مؤمنان که در آینده از آن پند بگیرند.

۱۲۱. در پایان سخن به این کافران مشرک که ایمان نمی‌آورند بگو: شما با تمام قدرت و همه امکانات خود پایه‌های قدرت خود را تحکیم کنید ما هم با تمام قدرت و همه امکانات خود پایه‌های مذهب خود را تحکیم می‌نماییم.

۱۲۲. شما منتظر پیروزی خود باشید ما نیز منتظر پیروزی نشسته‌ایم.

۱۲۳. ملکوت آسمان‌ها و زمین که از دید بشر نهان است در دست خداست و فرمان حیات و زندگی کلاً به او ارجاع می‌شود. فقط او را پرستش کن و بر او تکیه و اعتماد کن. شما

مؤمنان نیز همو را پرستش کنید و بر او توکل کنید. پروردگارت از دستاورد شما مردم، بی‌خبر نیست.

یوسف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ^١ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ^٢ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقِصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْغَافِلِينَ ^٣ إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ^٤ قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَيَّ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ ^٥ وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَى أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ^٦ لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلْمُتَلِّئِينَ ^٧ إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا نَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ

١. ل. ر. این‌ها آیات آن کتابی است که روشن‌گر حق است.

٢. ما این کتاب را به صورت یک قرآن عربی نازل کردیم باشد که شما مردم عرب بخوانید و اندیشه کنید.

٣. با بهترین قصه‌سرایی قصه‌ای را بر تو فرومی‌خوانیم با همان وحی و اشارت که این قرآن خواندنی را عطایت کردیم، به یقین تو پیش از اشارات ما غافل و بی‌خبر بودی.

٤. آن روز یوسف به پدرش گفت: ای پدر جان! من یازده ستاره دیدم که با خورشید و ماه در آسمان کنار هم بودند. دیدم جماعتی انبوه برای من به خاک افتاده‌اند.

٥. پدرش یعقوب گفت: ای پسر جان! مبدا خواب خود را برای برادرانت قصه کنی که از تعبیر آن باخبر می‌شوند و در اثر بدخواهی دامی برایت می‌گسترند. به یقین ابلیس هم که دشمنی خود را با انسان‌ها علنی کرده است برادرانت را وسوسه می‌کند تا حسادت بورزند و تو را از سر راه خود بردارند.

٦. به همین صورتی که در رؤیا دیده‌ای خداوند، پروردگارت تو را سروسامان می‌دهد و به تدریج از گزاره خواب و رؤیا با خیرت می‌سازد و نعمت هدایت خود را بر تو و بر خاندان یعقوب به تمام و کمال می‌رساند آنچنان که پیش از این نعمت هدایتش را بر جدت اسحاق و پدرش ابراهیم به تمام و کمال رسانید، به یقین پروردگارت به حال بندگان خود دانا و در تربیت و هدایت آنان کاردار است.

٧. به یقین داستان یوسف و برادرانش برای جویندگان خبر نشانه‌هایی از عالم غیب دارد.

مَبِينٌ^۸ أَقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهَ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ^۹
 قَالَ قَاتِلْ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَالْقَوْهُ فِي غِيَابَةِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ
^{۱۰} قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ^{۱۱} أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَ
 إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ^{۱۲} قَالَ إِنِّي لِيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ
 غَافِلُونَ^{۱۳} قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَخَاسِرُونَ^{۱۴} فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْتَمَعُوا أَنْ
 يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ^{۱۵} وَجَاءُ آبَاَهُمْ

۸. آن روز که رابین به برادران خود گفت: یوسف با برادرش بنیامین نزد پدر محبوبیت بیشتری دارند با آنکه ما چهارتن مهتر از او هستیم شکی نیست که پدر راه درست را گم کرده است.

۹. شما باید یوسف را بکشید و یا در سرزمینی دور رهایش سازید تا چشم پدر به او نیفتد و دیدار پدر انحصاراً ویژه شما باشد و بعد از مرگ پدر - بی وارث ناتنی - میراث پدر برای شما بماند و بتوانید نسلی صالح و شایسته بی اختلاف و تنازع تشکیل دهید.

۱۰. لاوی گفت: یوسف را نکشید. لزومی ندارد که دست خود را به خون برادر بیالایید بلکه او را در چاهی تاریک بیفکنید که اگر او را به یکی از این چاهها بیفکنید کاروانها بر سر راه خود او را از چاه برون می کشند و به سرزمینهای دوری منتقل می نمایند. اگر می خواهید کاری صورت بدهید غیر از این کار دیگری صورت ندهید.

۱۱. برادران یوسف تصمیم قطعی گرفتند و با پدر گفتند: ای پدر! تو را چه می شود که ما را بر یوسف امین نمی دانی و او را با ما تنها نمی گذاری؟ ما او را دوست داریم و خیرخواه او هستیم.

۱۲. یوسف را بفرست با ما بیاید در چراگاه گوسفندان به هواخوری بپردازد و بازی کند. به خدا قسم ما او را از هر گزندی محافظت می نماییم.

۱۳. پدر گفت: من به این کودک انس دارم و دوری او باعث اندوه و نگرانی من خواهد بود. می ترسم شما از مراقبت او غافل بمانید و گرگ او را بخورد.

۱۴. برادران یوسف گفتند: اگر قرار باشد که گرگ یوسف را بخورد با آنکه ما چهارتن همگام و همفکر مراقب او باشیم معلوم می شود که چون بی مایگان عرضه هیچ کاری را نداریم.

۱۵. و چون یوسف را با خود به چراگاه و مراتع بردند دسته جمعی تصمیم قبلی خود را شکستند و با اتفاق نظر قرار خود را بر این نهادند که او را به چاه نیفکنند که جان او را به

عِشَاءً يَبْكُونَ^{۱۶} قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّبُّ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ^{۱۷} وَجَاؤُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ^{۱۸} وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ وَأَسْرُوهُ بِضَاعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ^{۱۹} وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ^{۲۰} وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لَامِرَاتِهِ الْكَرِيمِ مَثْوَاهُ عَسَى

خطر بیندازند و یا دست‌وپای او را بشکنند بلکه او را به بهانه آب به چاه بفرستند و در ته چاه جا بگذارند و چنان کردند. ما در ته چاه به او وحی کردیم که بی‌شک روزی فرا خواهد رسید که این جنایت رسوا را به صورت داستان بر آنان قصه کنی بی‌آنکه تو را بشناسند و از راز داستان باخبر گردند.

۱۶. برادران یوسف به هنگام عشا گریان و نالان نزد پدر آمدند.

۱۷. گفتند: پدر جان! ما برای مسابقه سرعت از رمه گوسفندان دور شدیم و یوسف را نزد متاع و وسایل خود گذاشته بودیم. اتفاقاً گرگ او را درید و خورد. خودمان می‌دانیم که گفته ما را باور نخواهی کرد گرچه راستگو باشیم.

۱۸. برادران یوسف پیراهن او را آلوده به خونی دروغین نه خون یوسف به پدر نشان دادند تا ادعای خود را ثابت کنند. یعقوب که خواب یوسف را به خاطر آورده بود با مرامت و زاری گفت: نه چنین است که گرگ یوسف مرا دریده باشد. کدامین گرگ می‌تواند اعضای او را از سر تا قدم با گوشت و استخوان بخورد که چیزی از او برجا نگذارد؟ این روح پلید شما است که داستان گرگ را در نظر شما آراسته است تا خیانت خود را توجیه کنید. چاره من صبر است؛ صبری نیکو و جمیل که خم بر ابرو نیورم و هرگز جزع نکنم. با این دروغ شما و این نقشه شیطانی که شما به مرحله اجرا نهاده‌اید هیچ‌کس یار و مددکار من نخواهد شد، تنها خداوند رحمان است که باید به یاری او دلخوش بوده باشم.

۱۹. کاروانی از راه رسید و خادم خود را بر سر چاه فرستادند تا آب بکشد. خادم دلو را در چاه کرد و یوسف داخل دلو نشست و بالا آمد. خادم کاروان که چشمش به یوسف افتاد با شگفتی فریاد زد مژدگانی بدهید. یک پسر زیبا. سران کاروان یوسف را به عنوان کالا از دید دیگران نهان کردند تا در فرصت مناسب او را به نام یک برده شرقی بفروشند. خداوند رحمان به دستاورد آنان دانا بود.

۲۰. اهل کاروان، یوسف را در بازار برده فروشان در معرض فروش نهادند و چون سیمای

أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ^{٢١} وَ لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ^{٢٢} وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ^{٢٣} وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ^{٢٤} وَاسْتَبَقَا

کودک به سیمای بردگان مانده نبود مورد اتهام واقع شدند و ناگزیر یوسف را به چند درهم ناقابل فروختند مبادا به تهمت آدم دزدی گرفتار آیند.

۲۱. عزیز مصر که یوسف را از برده فروشان خریداری کرد یوسف را به خانه خود برد و به همسرش گفت: این پسرک را - گرچه غلامی زرخرید است - گرامی بدار که بزرگزاده و ارجمند است شاید وجود او برای ما نافع افتد و یا او را به فرزندی بپذیریم و با تربیت اشرافی پرورش بدهیم. ما به این صورت برای یوسف در سرزمین مصر راه قدرت و فرمانروایی را باز کردیم و برای آن که گزاره خوابها و تمثیلات رؤیا را به او تعلیم دهیم ابتدا او را در چاه کردیم تا از تاریکی و تنهایی درس لازم را فراگیرد. خداوند جهان بر اجرای فرمان و خواسته خود چیره است ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

۲۲. و چون یوسف به توان جسمی رسید و کمال جوانی را بازیافت به او قضاوت و دانش عطا کردیم. یوسف نیک‌اندیش و نیک‌خواه مردم بود و ما پاداش مردم نیک‌اندیش را به همین صورت عطا می‌کنیم.

۲۳. و آن خانمی که یوسف در خانه او بسر می‌برد هر روز و هر ساعت در گوش یوسف از عشق و محبت زمزمه می‌کرد تا قلب و روح او را صاحب شود و چون توفیقی حاصل نکرد در یک روز مناسب او را به خلوت خود فراخواند و بعد از آنکه درهای ورودی را از داخل اطاق خلوت بست تا خادمان منزل سرزده وارد نشوند با طنازی او را به وصال خود فراخواند. یوسف که با چشم مادرخوانده به آن خانم نظر می‌کرد در پاسخ او گفت: پناه بر خدا، ای خانم من! شوهر تو آقا و مالک من است آقای که به چشم فرزندی به من می‌نگرد و با نیک‌اندیشی جایگاه والایی در خانواده خود به من داده است. خیانت با او سیه‌کاری است و بی‌شک سیه‌کاران روی رستگاری نمی‌بینند.

۲۴. خانم که علاوه بر عشق جوانی شیفته پاکی و عصمت یوسف شده بود با علاقمندی مسئله ازدواج را مطرح کرد که بعد از طلاق گرفتن از شوهر، یوسف را خریداری کند و

الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفِيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^{٢٥} قَالَ هِيَ رَاوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ^{٢٦} وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ^{٢٧} فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِن كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ^{٢٨}

سپس با او ازدواج کند. و اگر نه آن بود که یوسف با چشم خود برهان پروردگارش را مشاهده کرد به خانم خود قول مساعد می‌داد و تعهد می‌کرد. ما در یک لحظه خانم را در سیمای بوزینه به او نشان دادیم و به این صورت باطن او را برملا کردیم تا هرگونه بدی و فحشاء را از ساحت او دور سازیم. چرا که یوسف از بندگان مخصوص ما بود.

٢٥. یوسف که باطن خانم را باطن یک روسپی دید به سوی درب خروجی دوید و خانم نیز به دنبال او دویدن گرفت تا از خروج او مانع گردد و چنگ انداخت و پیراهن یوسف را از پشت سر گرفت و به سوی خود کشید پیراهن یوسف از پشت سر درید و یوسف درب خروجی را باز کرد و ناگهان هر دو تن با آقای خود روبرو شدند که در آستانه در ظاهر گشت. خانم که آبروی خود را در خطر دید پیش از آن که آقا علت این جنگ و گریز را در اطاق خلوت جويا شود پیشدستی کرد و گفت: کیفر آن کسی که بخواهد به همسرت تجاوز کند جز این نخواهد بود که زندانی شود و یا با شکنجه‌ای دردناک معذب گردد.

٢٦. یوسف که دید خانم با شتاب هرچه تمام‌تر چهره پلید خود را آشکار کرده به صورتی حق به جانب گناه خود را به گردن او می‌اندازد حتی کیفر او را هم مشخص می‌کند درصدد دفاع برآمد و گفت: این خانم مدت‌هاست که خواهان وصال با من است، امروز مرا به اطاق خلوت خود فرا خواند، من فرار کردم و او از پی من تا آستانه در دوید و پیراهن مرا کشید و درید. در این میان یک‌تن از خویشان عزیز که از ماجرا مطلع شد داوری کرد که اگر پیراهن یوسف از پیش‌رو دریده باشد گواهی می‌دهد که خانم راست می‌گوید و یوسف از جمله دروغگویان است.

٢٧. و اگر پیراهن یوسف از پشت‌سر دریده باشد گواهی می‌دهد که خانم دروغ می‌گوید و یوسف از جمله راستگویان است.

٢٨. آقا که دید پیراهن یوسف از پشت‌سر دریده است رو به خانم گفت: این بازی و این صحنه‌سازی از مکر شما زنان است. بی‌شک مکر شما زنان بسیار است.

يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكَ كُنْتَ مِنَ الْخَاطِئِينَ^{٢٩} وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَةٌ الْعَزِيزُ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ^{٣٠} فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مَتَكًا وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ^{٣١} فَذَلِكُنَّ الَّذِينَ لَمْتَنِّي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا أَمَرَهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِّنَ الصَّاغِرِينَ^{٣٢} قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي

٢٩. و رو به یوسف کرده و گفت: ماجرای امروز را فراموش کن و از یادآوری آن پرهیز کن و به خانم گفت: از گناهت معذرت بخواه که بی شک در این ماجرا گناه کار خاطی، تو هستی.

٣٠. خانم با معذرت خواهی از عقوبت رست و یوسف همه چیز را به دست فراموشی سپرد، ولی خادمان حرم قصه خانم را برای همکاران خود بازگو کردند و خانم‌های اشرافی و همسران رجال درباری باخبر شدند و در یکی از بزم‌های خصوصی خود گفتند: همسر عزیز با کمال جدیت تلاش می‌کند که غلام خود را رام کند و از او کام بگیرد. عشق جوانک وجود خانم را تسخیر کرده است. می‌بینیم که این خانم را درست را گم کرده است.

٣١. این خبر به وسیله خدمتکاران خاصه به گوش خانم رسید پیکری فرستاد و آنان را به ضیافت عصرانه دعوت کرد و برای پذیرایی آنان دارابی مهیا نمود و به هریک کاردی تقدیم کرد تا دارابی خود را شخصا پوست بگیرند و تناول کنند. در این میان که خانم‌ها به پوست گرفتن دارابی پرداخته بودند خانم عزیز به یوسف فرمان داد تا با ظرف شیرینی وارد مجلس شود و از مهمانان او پذیرایی کند. یوسف وارد مهمانخانه شد و خانم‌ها که دیدارشان به جمال یوسف افتاد او را بزرگتر و والاتر از آن شمردند که برده خدمتکار خانم باشد و در حالی که محو تماشای او بودند دست‌های خود را بردند و با خود می‌گفتند: حاشا که خدای جهان، آدمی را به این صورت بیافریند. این جوان از جنس آدمی نیست. بی شک فرشته‌ای صاحب کرامت است که خدا او را چنین زیبا آفریده است.

٣٢. همسر عزیز که خانم‌ها را واله و شیدا دید به آنان گفت: این جوانک همان برده‌ای است که مرا در عشق او ملامت کرده‌اید. من برای تصاحب او حیل‌ها به کار بردم و او خویشتن‌داری کرد. به جان خودم سوگند اینک که سائیرین با خبر شده‌اند اگر باز هم فرمان مرا اجابت نکند بی شک روانه زندان می‌شود و باید طعم خواری را بچشد.

كَيْدَهُنَّ أَصَبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ ۚ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۚ ۳۴ ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيْسَجَنَّهُ حَتَّىٰ حِينٍ ۚ ۳۵ وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٌ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أُحْمَلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ۚ ۳۶ قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَاتَكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ۚ ۳۷ وَاتَّبَعَتْ مَلَّةٌ أَبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۚ ذَلِكُمْ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ۚ ۳۸ يَا صَاحِبِي

۳۳. یوسف در خلوت شبانه با خدای خود گفت: پروردگارا! زندان برای من محبوب‌تر از خیانتی است که خانم‌ها مرا به ارتکاب آن می‌خوانند. اگر تو حیلۀ آنان را از من باز نگردانی چه بسا که در دام آنان گرفتار شوم و ندانسته مرتکب خلاف گردم.

۳۴. پروردگارش دعای او را اجابت کرد و حیلۀ خانم‌ها را از ساحت یوسف بازگرداند. به یقین که پروردگار یوسف دعای او را می‌شنید و به حال او دانا بود.

۳۵. خانم‌ها برای وصال او دام‌ها نهادند و با خواست خدا دام‌های آنان بر ملا شد و رسوایی بالا گرفت تا آن حد که اعیان دولت باخبر گشتند و به خاطر حفظ آبروی خود یوسف را محکوم و خطاکار خواندند و برای مدتی نامحدود روانۀ زندان کردند. با آن که نشانه‌های پاکی و طهارت یوسف را با چشم خود دیده بودند.

۳۶. دو تن از بردگان حکومتی با یوسف محبوس شدند. یک روز هر دو در برابر یوسف زانو زدند. اولی گفت: من در خواب دیدم که بر سر پا نشسته‌ام و از خود شراب می‌افشرم. دومی گفت: و من خواب دیده‌ام طبقی نان بر سر دارم و پرندگان برفراز سرم می‌چرخند و نان‌ها را می‌ربایند. هر دو تن تقاضا کردند که ما را از گزارة این خواب‌ها باخبر کن، تو برای خوابگزاری صالح و شایسته‌ای، ما تو را از نیک‌اندیشان جامعه می‌شناسیم.

۳۷. یوسف به آنان گفت: من نه تنها از بازگردان رؤیا آگاهم بلکه می‌توانم رؤیا ایجاد کنم و آنچه لازم باشد بدانم، اینک وقت ناهار است. هر غذایی که از خانه برای ناهار شما بیاورند پیش از آوردن غذا من به شما خبر می‌دهم چه غذایی می‌آورند. این گونه آگاهی از غیب را هم پروردگارم به من فرا داده است. من کیش این مشرکان را وانهادم که خدا را به پروردگاری نمی‌شناسند و روز قیامت را قبول ندارند.

۳۸. من از کیش پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی می‌کنم. ما را نمی‌سزد که هیچ

السَّجْنِ أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ٣٩ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ٤٠ يَا صَاحِبِي السَّجْنِ أَمَا أَحَدُكُمْمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَّا الْآخِرُ فَيَصْلَبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ ٤١ وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنَسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السَّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ ٤٢ وَقَالَ

موجودی را با خدای جهان انباز بگیریم. این دانش و ایمان از فضل خداوند است که ما را از فزونی رحمت خود برخوردار فرموده است و هم از فضل خدا بر سایر مردم که رحمت خدا را از دست ما بجویند. اما بیشتر مردم شکر این نعمت را بجا نمی‌آورند.

٣٩. ای هم‌زندانیان! شما چه تصور می‌کنید؟ آیا خدایان جداجدا و پراکنده در بت‌خانه‌ها بهتر است یا خداوند یکتا که بر همگان قاهر است.

٤٠. شما هر خدایی را که غیر از خداوند جهان پرستش کنید فقط اسم‌های بی‌مسمی و خدایان بی‌نشان را پرستش کرده‌اید که شما و پدران و اجدادتان به آنها نام خدایی داده‌اید که این خدای جنگ است و این خدای صلح، این خدای نفرت است و این خدای عشق و الفت. خداوند جهان، سندی نازل نکرده است که شئون ربوبیت را به این بت‌ها و یا به ارباب انواع خیالی تفویض کرده باشد. فرمان، فقط فرمان خدا است، او باید فرمان عبادت بدهد و او باید فرمان حکومت صادر کند و او باید فرمان خدایی صادر کند. خدای گیتی فرمان داده است که جز خود او کسی را نپرستید و جز در برابر او زانو نزنید و جز در برابر او پیشانی عبادت را بر زمین نسایید. دین درست و ریشه‌دار همین است اما متأسفانه بیشتر مردم نمی‌دانند.

٤١. ای هم‌زندانیان! اما اولی از شکم خود شراب می‌افشرد است به زودی آزاد می‌شود و خواجه خود را با شراب سقایت می‌کند و اما دومی که طبق نان بر سر می‌برده است به زودی بر دار می‌شود و مرغان هوا بر سر او پرواز می‌کنند که گوشت او را برابیند. این است سرنوشت شما که در رؤیا برایتان ممثل شده است و این است گزاره رؤیا که خواهان آن بودید. سرنوشتی قاطع و مسجل که از فرمان قضا گذشته است.

٤٢. سپس با این امید که وسیله استخلاص او فراهم شود به زندانی اولی که تصور کرد از زندان آزاد می‌شود گفت: در پیشگاه اربابت فرعون داستان خواب و گزاره مرا تعریف کن ولی شیطان خاطره آن رؤیا را از یاد او سترد که نامی از یوسف در دستگاه فرعون نبرد. و

الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِن كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ^{٤٣} قَالُوا أَضْغَاتٌ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ^{٤٤} وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ^{٤٥} يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ^{٤٦} قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرَوْهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ^{٤٧} ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ

یوسف چند سال دیگر هم در زندان به سر برد.

٤٣. حکومت فرعونى سپرى شد و سنت پادشاهى در مصر برقرار گرديد. آن روز پادشاه مصر در برابر سنای حکومتی گفت: من در خواب دیدم که هفت گاو چاق، چرا می کنند. هفت گاو لاغر به گاوهای چاق حمله ور شدند و آنها را خوردند. هفت خوشه سبز گندم و هفت خوشه زرد و خشک هم مشاهده کردم. آقایان نمایندگان! اگر در گزاره خواب و رؤیا سابقه دارید فتوا بدهید که رؤیای من چه گزاره ای دارد؟

٤٤. نمایندگان سنا در پاسخ پادشاه گفتند: تا آنجا که می توان فهمید چند رشته آرزوهای مختلف در رؤیای ملك مجسم شده است که ارتباط آنها روشن نیست. ما با گزاره آرزوها آشنائی نداریم.

٤٥. آن برده ای که با یوسف در زندان بود و آن روز به عنوان ساقی درباره پادشاهی خدمت می کرد بعد از سال ها فراموشی به یاد یوسف و گزاره خواب خود افتاد و با جسارت خطاب به مجلسیان گفت: من شما را به گزاره این خواب خبر خواهم داد. مرا با اجازه رسمی به زندان سقاره بفرستید که داناترین معبر خواب گزار ما در زندان است.

٤٦. ساقی با اجازه رسمی وارد زندان شد و یکسر به سراغ یوسف رفت و گفت: ای یوسف! ای مرد راستین! گزاره این رؤیا را برای ما روشن کن، هفت گاو لاغر حمله ور می شوند و هفت گاو چاق را می خورند. هفت خوشه سبز گندم با هفت خوشه زرد خشک را هم رؤیا دیده اند. مرا از بازگردان این رؤیا با خبر کن تا به سنای مصریان بازگردم و بازگو نمایم، باشد که تکلیف خود را بدانند.

٤٧. یوسف پیام خواب را به صورت يك بخشنامه حکومتی چنین صادر کرد: باید هفت سال با تلاش هر چه بیشتر کشت کنید و آنچه را درو کردید به صورت خوشه خشک کنید و انبار نمایید جز مقداری که باید ظرف همان سال زراعی به مصرف برسانید.

لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ^{٤٨} ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْرِضُونَ^{٤٩} وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُؤْتِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ الَّتِي قَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ^{٥٠} قَالَ مَا خَطْبُكَ إِذْ رَأَوْتَنِّي يَوْسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَأَوْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ^{٥١} ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ^{٥٢} وَمَا

٤٨. بعد از این هفت سال پر برکت هفت سال سخت و بی حاصل فرا می‌رسد که ششش باید از ذخیره خوشه‌ها بردارید و مصرف کنید جز مقداری کمی که باید برای بذر آینده نگه‌دارید.

٤٩. بعد از این هفت سال سختی و خشکی، سال فراوانی و نعمت فرا می‌رسد که مردم از فشار و سختی رها می‌شوند و چندان میوه و دانه فراوان دارند که ناچار باید میوه‌ها را افشرده سازند و دانه‌ها را روغن بگیرند.

٥٠. ساقی دربار به سنای مصر برگشت و گزاره خواب را بیان کرد. پادشاه که از گزاره خواب خود باخبر گشت فرمود: این مرد را به حضور من بیاورید. پیک پادشاهی در زندان به دیدار یوسف شتافت ولی یوسف گفت: تا تکلیف پرونده من روشن نشود از زندان خارج نخواهم گشت. تو نزد خداوندگارت بازگرد و بپرس: پرونده آن خانم‌هایی که دست‌های خود را بریده بودند چرا و به چه صورت مختومه اعلام شد؟ خواجه من که در آن روزگاران عزیز این سامان بود به حيله‌های شیطانی آن خانم‌ها آگاه است.

٥١. پرونده آن خانم‌ها به فرمان شاه مطرح شد و قاضی همگان را احضار کرد و از خانم‌ها پرسید: از چهره در بزم خصوصی خود تلاش کردید که یوسف را به سوی خود جلب کنید؟ آیا در نگاه او شائبه‌ای از تمنا و هوس مشاهده کردید؟ خانم‌ها گفتند: حاشا که خداوند جهان در وجود او عیبی آفریده باشد. ما از فساد و بدی در وجود او چیزی ندیدیم. در این موقع همسر عزیز اعتراف کرد و گفت: اینک حقیقت از پرده برون افتاد. من بودم که خواهان وصال او گشتم و تلاش کردم تا نظر او را به خود جلب کنم. او راست می‌گوید و هیچ خطایی مرتکب نشده است.

٥٢. یوسف به حکم قاضی تبرئه شد و از زندان رها گشت و به هنگام خروج از زندان گفت: از آن‌رو من ابا ورزیدم که به فرمان عفو شاهی از زندان خارج شوم تا پرونده من به جریان افتد و براءت من روشن گردد و خواجه من، عزیز پیشین بداند که من در نهان به او خیانت

أَبْرَأُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ^{٥٣} وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُؤْتِنِي بِهِ أَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ^{٥٤} قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ^{٥٥} وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نَصِيبٌ بِرَحْمَتِنَا مِنْ نَشَاءٍ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ^{٥٦} وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ^{٥٧} وَجَاءَ إِخْوَةَ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ^{٥٨} وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ

نکرده‌ام و خداوند جهان مکر و حيلة خائن را به ثمر نمی‌رساند.

٥٣. من خودم را تبرئه نمی‌نمایم. به یقین نفس آدمی هوسباره است و فرمان می‌دهد که هوس‌های دل را برآورده سازد مگر آن که پروردگارش ترحم کند و دست آدمی را بگیرد. به یقین پروردگارش آمرزنده‌ای مهربان است.

٥٤. پادشاه مصر گفت: یوسف را به حضور من بیاورید. اگر یوسف به حضور من بیاید او را مشاور خود خواهم ساخت. یوسف به حضور شاه رسید. شاه از زندگی او سخن‌ها پرسید و در پایان سخن گفت: گذشته‌ها گذشته است تو امروز نزد ما منزلتی والا داری و مورد اعتماد و امانت ما هستی.

٥٥. یوسف گفت: مرا در پست کشاورزی و امور شهرداری برقرار کن که من بر حفظ درآمدهای ملی نگهبانی دانايم.

٥٦. با این برنامه‌ها و آزمون‌های الهی بود که ما راه قدرت و فرمانروایی در زمین را برای یوسف هموار کردیم که در هر نقطه‌ای از سرزمین مصر که بخواهد ما‌وا بگیرد. ما هر که را بخواهیم مشمول رحمت خود می‌سازیم. یوسف از نیک‌اندیشان بود و ما مردم نیک‌اندیش را به همین سان پاداش می‌دهیم.

٥٧. به یقین برای آن دسته از مردمی که ایمان آورده‌اند و اهل تقوا بوده‌اند پاداش آخرت بهتر از پاداش دنیا است.

٥٨. هفت سال پر نعمت سپری شد و مردم با شروع خشکسالی دچار قحطی شدند جز مردم مصر که با رحمت الهی و نظارت یوسف در رفاهیت کامل بودند و با جیره‌بندی سرانه مازاد محصول خود را به سایرین می‌فروختند. مردم کنعان نیز باخبر شدند و برادران یوسف همراه يك کاروان به مصر آمدند و تقاضای مساعدت کردند. یوسف آنان را شناخت و آنان یوسف را نشناختند.

قَالَ أَتُونِي بِأَخٍ لَكُمْ مِّنْ أَيْبِكُمْ أَلا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ^{٥٩} فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُون ^{٦٠} قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ^{٦١} وَقَالَ لِفَتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ^{٦٢} فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَى أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ فَاَرْسِلْ مَعَنَا آخَانًا نَّكَتُلُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ^{٦٣} قَالَ هَلْ

٥٩. یوسف آنان را به مهمانخانه عمومی دعوت کرد و از حال و روز آنان جويا گشت. برادران یوسف از پدر خود یعقوب و برادر گمشده خود یوسف و برادر دیگرش بنیامین سخن بسیار گفتند و برای بنیامین و پدر که در وطن مانده بودند تقاضای جیره گندم کردند. یوسف به آنان گفت: اتفاقاً در همین مصر يك برده کنعانی بود که می گفت: برادران ناتنی من با حيله مرا از پدر جدا کردند و برای گشت و گذار به صحرا بردند ولی در چاه کنعان رهايم کردند و رفتند. برادران یوسف از ترس آن که یوسف در آن شهر باشد و آنان را بشناسد هرچه زودتر عازم مراجعت گشتند و یوسف چهار حواله به نام آنان صادر کرد و به آنان تذکر داد که در نوبت بعدی آن برادر ناتنی خود را همراه بیاورید تا جیره شما تحویل شود. آیا نمی بینید که من جیره غذایی را فقط به تعداد حاضران تقدیم و تکمیل می کنم. و از مسافران و رهگذران مجرد در مهمانخانه عمومی بهتر از هر میزبانی پذیرایی می نمایم. من می خواهم راه قلب به کلی مسدود باشد.

٦٠. بنابراین اگر شما آن برادر ناتنی خود را نزد من حاضر نکنید این احتمال که شما داستان پدر پیر و برادر ناتنی را جعل کردید تا سهمیه اضافی دریافت کنید تقویت می شود و چون کیفی هر گونه قلب و تزویر محرومیت از جیره بندی است اگر شما برادر ناتنی را با خود نیاورید از جیره غذایی محروم می شوید. پس چه بهتر که اصلاً راه به این درازی را طی نکنید و نزد من نیایید.

٦١. برادران یوسف گفتند: به زودی به وطن می رسیم و با پدرش سخن می گوئیم و چندان در گوشش زمزمه می کنیم تا رأی او را با رأی خود دمساز کنیم و اجازه سفر او را بگیریم. به یقین ما این کار را خواهیم کرد و برادر ناتنی خود را در نوبت بعدی می آوریم.

٦٢. یوسف به غلامان خود فرمود: حواله های این چهار تن را باطل نکنید و سکه هایشان را داخل بارهایشان بگذارید تا موقعی که بارها را باز کنند سکه های خود را بشناسند و به موقع بازگردند بی آنکه بهانه ای برای تأخیر سفر داشته باشند.

٦٣. و چون برادران یوسف نزد پدر بازگشتند گفتند: ای پدرجان! جیره غذایی، ویژه حاضران

أَمْنَكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمْتَكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ٦٤ وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزِدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ ٦٥ قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ٦٦ وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ

بود برای شما و بنیامین سهمی نداده‌اند. به ما اخطار کرده‌اند که اگر بنیامین را با خود ببریم به کلی از جیره غذایی محرومیم. باید برادرمان بنیامین را با ما بفرستی. تنها در صورتی که او را بفرستی به ما جیره غذایی می‌دهند و الا از گرسنگی باید بمیریم. به خدا سوگند که ما از او مراقبت کامل به عمل می‌آوریم.

٦٤. پدرشان یعقوب گفت: آیا می‌شود که من شما را بر جان بنیامین امین بدانم؟ اگر من شما را بر جان بنیامین امین بشمارم با همان اطمینان خاطری خواهد بود که شما را بر جان یوسف، برادرش امین شمردم و سزای خود را دیدم. من چاره‌ای نمی‌بینم جز این که او را با کاروان بفرستم ولی من او را به خدا می‌سپارم. خداوند رحمان بهترین نگهبان بندگان است و او از همه کس مهربان‌تر است.

٦٥. و چون بار توشه را باز کردند تا گندم‌ها را به کندو منتقل نمایند سکه‌های خود را داخل بارها یافتند. با شادمانی به پدر گفتند: پدرجان مگر ما چه می‌خواهیم و از مردم چه انتظاری باید داشته باشیم؟ این سکه‌های ما است که به ما رد کرده‌اند، قهراً حواله‌های ما هم ثبت دفتر نیست. پس ما می‌توانیم به فوری بازگردیم. بودجه کافی هم برای مراجعت داریم. می‌رویم و برای اهل و عیال پرجمعیت خود آذوقه می‌آوریم. از برادر خود نیز مراقبت می‌کنیم و گر نه می‌دانیم که از آذوقه هرگز خبری نیست. با آمدن بنیامین که حرف خود را ثابت کنیم برای شما هم یک سهم آذوقه دریافت می‌کنیم. آخر این چهار سهم که نمی‌تواند عائله ما را کفایت کند.

٦٦. پدرشان گفت: من او را با شما نمی‌فرستم مگر آن که در حضور من با خدا عهد کنید که او را به من بازگردانید جز آن که اتفاقی بیفتد و از قدرت شما خارج باشد و چون در حضور پدر سوگند خوردند و تعهد سپردند یعقوب به آنان گفت: خدا کارپرداز این پیمان و تعهد ما خواهد بود که در صورت تخلف به آن رسیدگی خواهد کرد.

شَيْءٍ إِنْ الْحَكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ^{٦٧} وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَدُوُّ عَلِيمٍ لَمَّا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ^{٦٨} وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ أَوَى إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^{٦٩} فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَابَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذِنَ مُؤَدِّنٌ أُيْتَهَا الْعِيرَ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ^{٧٠} قَالُوا وَاقْبَلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقَدُونَ^{٧١} قَالُوا نَقَدْنَا صُوعًا

٦٧. و چون روز سفر فرا رسید یعقوب به آنان گفت: ای فرزندان من! شما از يك در بر عزیز مصر وارد نشوید تا شما را بشناسد. لزومی ندارد که خود را معرفی کنید تا صحت اظهارات خود را ثابت کنید. من خوابی دیده‌ام که برای شما تشویش دارم. شما از درهای جدا تک تک و یا دونفر دو نفر به عنوان تازه وارد برای دریافت حواله اقدام کنید. همین پنج حواله برای ما کافی است. من با این سفارش خود نمی‌توانم مقدرات خدا را از شما کفایت کنم. فرمان از آن خداوند رحمان است و بس. من بر خدا توکل کرده‌ام. هر کس که مانند من درمانده باشد باید بر خدا توکل کند.

٦٨. و چون برادران یوسف وارد مصر گشتند و طبق آن سفارش از درهای پراکنده و جدا جدا مراجعه کردند، سفارش پدر مقدرات الهی را از آنان کفایت نکرد و کلاً مورد شناسایی قرار گرفتند. یعقوب با این سفارش خواسته دل را برآورده ساخت که شاید پسرانش ناشناخته بمانند و مشکلی برای آنان رخ ندهد. یعقوب به یک‌رشته اطلاعات غیبی واقف بود که ما به او آموخته بودیم ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

٦٩. و چون برادران یوسف شناسایی شدند و دسته‌جمعی در مهمانخانه عمومی حاضر شدند یوسف برادر خود بنیامین را با خود به کناری کشید و گفت: من برادرت یوسف هستم. من برای نگه‌داری تو نقشه‌ای دارم که به دست غلامان من اجرا می‌شود. از کارهایی که غلامان من انجام می‌دهند غمین و اسفناک مشو که صلاح ما در همین است.

٧٠. و چون یوسف برادران خود را برای حرکت آماده کرد و آذوقه کافی برای شش خانواده به آنان تحویل داد ظرف آبخوری مهمانخانه را که با پیمانۀ گندم مشابه بود داخل بارهای برادرش بنیامین نهاد. کاروان به سوی کنعان حرکت کرد و از پی آنان جارچی فریاد زد: ای کاروان! توقف کنید که شما دزدی کرده‌اید؟

٧١. برادران یوسف به سوی جارچی بازگشتند و پرسیدند: شما دنبال چه چیزی آمده‌اید؟

الْمَلِكِ وَ لَمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ^{۷۲} قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ^{۷۳} قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ^{۷۴} قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وَجَدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ^{۷۵} فَبَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وَعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وَعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ^{۷۶} قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ^{۷۷} قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ

۷۲. گفتند: پیمانۀ پادشاهی به سرقت رفته است. ما دنبال پیمانۀ آمده‌ایم که شاید آن را بیابیم. هر کس پیمانۀ را بیاورد يك بار شتر جایزه دارد. من خودم ضامن آن هستم که جایزه را تقدیم کنم.

۷۳. برادران یوسف گفتند: به خدا سوگند، شما خودتان نیز می‌دانید که ما برای غارت و دزدی به این سرزمین نیامده‌ایم. ما آمده‌ایم که برای اهل و عیال خود آذوقه تهیه نماییم. کار ما دزدی نبوده است که اینک کاسه دزدی کنیم.

۷۴. جارچیان گفتند: اگر دروغ گفته باشید و پیمانۀ شاهی را از بارهای شما پیدا کنیم خودتان بگویید که دزد پیمانۀ را چسان کیفر بدهیم.

۷۵. برادران یوسف گفتند: دزد را چگونه باید کیفر بدهید؟ مال دزدی از بار هر کس که پیدا شود خود آن شخص را باید به صاحب اموال تسلیم کنند. در کیش ما کیفر دزدان سیه‌کار چنین است.

۷۶. جارچی جستجوی خود را از بارهای آن چهار تن آغاز و سپس به بار بنیامین پرداخت و ظرف آبخوری مهمانخانه را از بار او بیرون کشید. ما با این صورت‌سازی برای یوسف چاره‌جویی کردیم تا برادرش را نزد خود نگه‌دارد. در قانون پادشاهی آن سامان امکان نداشت که یوسف بتواند برادر خود را نزد خود نگه‌دارد مگر آن که خدا خواسته باشد با جبر و اکراه ارادۀ خود را عملی سازد. ما هر که را خواسته باشیم با چند درجه بر دیگران ترفیع می‌دهیم. بالاتر از هر دانشمندی، صاحب‌دانشی دیگر وجود دارد.

۷۷. برادران یوسف که دیدند مال دزدی از بار بنیامین برآمد بی‌توجه به آن که ظرف، ظرف آبخوری مهمانخانه است نه پیمانۀ پادشاهی، با طنز و کین به حاضران گفتند: اگر این جوان دزدی کرده باشد استبعادی ندارد. برادر دیگری هم داشت که سال‌های کودکی از خانۀ عمه‌اش دزدی کرد و مدت‌ها در خانۀ عمه‌اش به بردگی پرداخت. یوسف این سخن را در

أَبَا شَيْخًا كَبِيرًا فَخَذُوا أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ^{٧٨} قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا لَطَالِمُونَ^{٧٩} فَلَمَّا اسْتَيْسَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ آبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْتِقًا مِنَ اللَّهِ وَمِن قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ^{٨٠} ارْجِعُوا إِلَى آبَائِكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمَنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ^{٨١} وَأَسْأَلُ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعَيْرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ^{٨٢} قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبِرْ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ

دل گرفت و به روی آنان نیاورد که آن دزدی يك صحنه‌سازی بود که از جانب عمه‌اش برای نگه‌داری او صورت گرفته بود. یوسف در دل خود گفت: شما در دزدی و شرارت رسواتر از آنید که من پاسخ شما را بدهم، آنچه را که شما از دزدی من مطرح می‌کنید خدا به واقعیت آن داناتر است.

٧٨. برادران یوسف به عجز و لابه درآمدند که ای عزیز مصر! پدر این جوان، پیری سالخورده است که طاقت دوری او را ندارد. يك تن از ما چهارتن را به جای او به غلامی بگیر. ما تو را مردی نیک‌اندیش و نیک‌خواه می‌شناسیم.

٧٩. یوسف گفت: پناه بر خدا که بی‌گناهی را به جرم گناه دیگری بگیریم. ما فقط آن کسی را به غلامی خواهیم گرفت که متاع خود را از بار او پیدا کرده‌ایم. اگر ما بی‌گناهی را به جرم گناه دیگران بگیریم جزء سیه‌کارانیم.

٨٠. یوسف بی‌اعتنا به التماس آنان بنیامین را با دست بسته يدك کشید و راهی مصر شد و برادرانش که از بنیامین ناامید گشتند در گوشه‌ای به نجوی نشستند که اینک چه باید کرد؟ برادر بزرگشان را ببین گفت: مگر نمی‌دانید که پدر از شما تعهد گرفت يك تعهد خدایی، با قید سوگند که بنیامین را به او برگردانید؟ از این پیش هم که در حق یوسف بی‌عدالتی کردید. من از همین‌جا تکان نمی‌خورم تا موقعی که پدر اذن دهد به وطن بازگردم و یا خداوند رحمان خودش بی‌گناهی مرا گواهی کند و او بهترین داوران است.

٨١. شما به نزد پدر بازگردید و بگویید: پدرجان! پسر نازنینت دزدی کرد و به غلامی گرفتار آمد. ما فقط آنچه می‌دانیم گزارش می‌کنیم. ما دزدی او را با چشم خود ندیدیم فقط دیدیم که مال دزدی از بار او پیدا شد. ما از باطن کار او بی‌خبریم.

٨٢. شما بیکی بفرستید تا از آن دهی که شاهد ماجرا بودند بپرسد و از کاروانی که با ما راهی کنعان بود پژوهش کند. به خدا قسم که ما راست می‌گوییم.

يَأْتِينِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ^{٨٣} وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يَوْسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ^{٨٤} قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَأُ تَذَكُرُ يَوْسُفَ حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ^{٨٥} قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ^{٨٦} يَا بَنِيَّ أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يَوْسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُؤْا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ^{٨٧} فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَأَهْلْنَا الضَّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ

٨٣. برادران یوسف راهی کنعان شدند و ماجرای سفر را نزد پدر بازگو نمودند. پدر گفت: نه چنین است. پسر من دزدی نمی‌کند. این فقط یک دروغ است. گندم‌ها را مأمورین حکومتی پیمانہ می‌کنند و در جوال می‌ریزند. اگر پیمانہ شاهی از بار کسی بیرون بیاید گناه آن مأمور است که غافل مانده و پیمانہ را در داخل بار گندم جا نهاده است. تنها همین احتمال ساده کافی بود که بنیامین تبرئه شود شما چگونه ساکت ماندید و از آبروی او دفاع نکردید؟ چرا اجازه دادید که بنیامین را به غلامی بگیرند در حالی که قانون مصریان نه چنین است؟ معلوم نیست که این داستان را چگونه پرداخته‌اید تا گناه خود را پرده‌پوشی نمایید. چاره من صبر است. صبری نیکو و جمیل که خم بر ابرو نیاورم و جزع نکنم. شاید خداوند رحمان به وعده خود وفا کند و هر سه فرزندان مرا به من باز گرداند. به یقین خداوند رحمان در وفای به عهد خود دانا و کاردان است.

٨٤. یعقوب از فرزندان خود روگردان شد و گفت: وای بر من از غم و اندوهی که بر یوسف نازنین دارم. وای بر من از این عقده‌ها که در دل دارم. اندوه و غم چنان درونش را آشفست که چشمانش سفید شد و جهان در نظرش چون اشباح، جلوه‌گر گشت.

٨٥. فرزندان یعقوب گفتند: به خدا سوگند که چنان صبح و شام هنگام و نابهنگام ناله‌ات به یوسف یوسف بلند می‌شود که از رنجوری، علیل و زمین‌گیر شوی و یا در اثر دق، جان خود را از دست بدهی.

٨٦. پدر به آنان گفت: من با خدای خودم شکوه می‌کنم و عقده‌های دل‌م را نزد او می‌گشایم. من از وعده‌های خدا چیزها می‌دانم که شما نمی‌دانید.

٨٧. ای فرزندان من! به گفته من اعتماد کنید. یوسف من زنده است و گرنه بر او زاری نمی‌کردم و به قضا رضا می‌دادم. وعده خدایی است که یوسف را با شوکت و قدرت به من برگرداند. بروید و از یوسف و برادرش بنیامین خبری به دست آورید. شما از رحمت خدا مأیوس نباشید. ناامیدی از رحمت خدا کفر است. به یقین جز مردمان کافر از نسیم رحمت

لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ^{۸۸} قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَ أَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ^{۸۹} قَالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ^{۹۰} قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ أَثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ^{۹۱} فَقَالَ لَا تَتْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ^{۹۲} اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ^{۹۳} وَ لَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْ لَا أَنْ تُفَنِّدُون^{۹۴} قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ^{۹۵} فَلَمَّا أَنْ جَاءَ

حق ما یوس نمی گردند.

۸۸. برادران یوسف با آخرین اندوخته خود راهی مصر گشتند و در نیمه راه برادر بزرگ خود رابی را نیز با خود همراه بردند و چون بر یوسف وارد شدند با تضرع و زاری گفتند: ای عزیز مصر! رنج و سختی به ما رو آورده است. آخرین رمق زندگی را کشیده ایم و با مبلغ ناچیزی به خدمت آمده ایم و تقاضای مساعدت داریم. شما سهمیه ما را کامل عطا بفرمایید و کسری مبلغ را بر ما تصدق کنید. به یقین خداوند رحمان اهل تصدق را پاداش خواهد داد.

۸۹. یوسف از این اظهار عجز و درماندگی متأثر شد و گفت: می دانید در آن روزگاران که جاهل و خودسر بودید با یوسف و برادرش چه ها کردید؟

۹۰. برادرانش گفتند: آیا واقعاً شما خود یوسفید؟ گفت: آری من یوسفم و این برادرم بنیامین است. به یقین که خداوند بر ما منت نهاد و نعمت دنیا و آخرت را بر ما تمام کرد. هر کس از خشم خدا بیرهیزد و نافرمان نشود و در برابر ناگواریها صبور بماند نیک اندیشی را به کمال برده است. به یقین خداوند عزت، پاداش مردم نیک اندیش را ضایع نخواهد گذاشت.

۹۱. برادرانش گفتند: به خود خدا سوگند که خدا تو را بر ما گزین کرد و این چنین سر و افسر داد. بی شک ما از خطاکاران بودیم.

۹۲. یوسف گفت: من امروز شما را ملامت نمی کنم. امروز روز بخشش و مهر است. خداوند هم شما را می آموزد و او بهترین مهربان است.

۹۳. اینک پیراهن مرا با خود ببرید و بر صورت پدر بیفکنید. اگر پیراهن مرا بر روی صورتش بیندازید و بوی زنبق را بشنود چشمان او از شادی و شمع نور می گیرد و بینا می شود. از آن پس همه شما کوچ کنید و نزد من بیایید.

۹۴. و چون کاروان به همراه برادران یوسف از سرزمین مصر جدا شد و به خاک کنعان قدم نهاد پدرشان گفت: اگر نه آن بود که مرا پیر و خرف می خوانید می گفتم که من بوی یوسف

الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۙ قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ۙ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۙ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ أَوَى إِلَيْهِ أَبُوهُ وَ قَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ ۙ وَرَفَعَ أَبُوهُ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ۙ رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي

را در مشام خود احساس می‌کنم.

۹۵. خادمان او گفتند: به خدا سوگند که تو در خیالات واهی و آرزوهای طلایی خود سرگردانی.

۹۶. و چون کاروان به کنعان رسید لای لای نزد پدر شتافت و پیراهن آمیخته به عطر یوسف را بر صورت پدر افکند و مژده حیات و عزت یوسف را به پدر رسانید. عطر زنبق مشام یعقوب را پر کرد و از هیجان بشارت خون در رگ‌های او جوشید و چشمانش روشن و بینا گشت. یعقوب به فرزندان خود خطاب کرد که من نگفتم از وعده‌های خدا چیزها می‌دانم که شما نمی‌دانید.

۹۷. فرزندان یعقوب گفتند: پدرجان! از برای گناهان ما آمرزش بخواه که بی‌شک ما از خطاکاران بوده‌ایم.

۹۸. یعقوب گفت: به زودی سحر جمعه فرا می‌رسد و برای شما از پروردگار خود آمرزش می‌طلبم. پروردگار من آمرزنده‌ای مهربان است.

۹۹. خاندان یعقوب بار سفر بستند و به سوی مصر کوچ نمودند. موقعی که در کاخ بیلاقی بر یوسف وارد شدند یوسف پدر خود را با مادر ناتنی در کاخ وزارتت جای داد و به آنان گفت: شما در کمال امن و امان - اگر خدا خواسته باشد - وارد مصر شوید و مأوی بگیرید.

۱۰۰. و روز بعد در جلسه رسمی پدر و مادر خود را در کنار خود بر تخت وزارتت جای داد و همه حاضران مجلس برای جلوس یوسف به خاک افتادند و زمین ادب را بوسیدند. یوسف گفت: پدرجان! این شکوه و جلال، این سروسامان بازگرد همان رؤیای پیشین من است که در کنعان قریه سیلون در عهد کودکی دیدم و به شما گزارش کردم. پروردگار من گزاره آن خواب را درست آورد. به یقین پروردگار من نسبت به من نیک‌خواهی کرد که از زندانم برآورد و بر تخت عزت نشانید و اینک شما را از روستا به مصر آورد و به ما سروسامان

مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا
وَالْحَقِّنِي بِالصَّالِحِينَ^{١٠١} ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتُ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ
وَهُمْ يَمْكُرُونَ^{١٠٢} وَ مَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ^{١٠٣} وَ مَا تَسْتَلْهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ
هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ^{١٠٤} وَ كَأَيِّنَ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا
مُعْرِضُونَ^{١٠٥} وَ مَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ^{١٠٦} أ فَآمَنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِنْ
عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ^{١٠٧} قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى

بخشید و الفت و انس را میان من و برادرانم حاکم ساخت بعد از آن که شیطان میان من و برادرانم برآشوفت. این همه شیرینی و تلخی و آن همه راحت و محنت از آغاز تا انتها و از قریه سیلون تا کاخ عزت همه از خواست پروردگار من بود. به یقین پروردگار من هرآنچه را می‌خواهد با لطافت به مرحله اجرا می‌گذارد. پروردگار من دانا و کاردان است.

١٠١. یوسف رو به آسمان گفت: بار پروردگارا! تو از پادشاهی نصیبی عطایم کردی و از تأویل رؤیا که بازگردان اشارات غیبی است آگاهم نمودی. ای شکافنده آسمان‌ها و زمین، در زندگی دنیا و آخرت سرپرست و مولایم تو هستی. در حال رضا و تسلیم جانم را بگیر و به شایستگان از بندگانت برسان.

١٠٢. این یک خبر نهانی بود که از میان سایر اخبار غیبی به تو وحی کردیم. تو آنجا نبودی که برادران یوسف بر تصمیم خود عزم کردند و به حيله‌سازی نشستند.

١٠٣. اینان فرزندان انبیاء بودند که در دامان نبوت بزرگ شده بودند ولی خدا را فراموش کردند و به خاطر دنیاطلبی جنایت کردند تا چه رسد به سایرین، و از این رو است که بیشتر مردم - گرچه حرص بورزی و تلاش کنی - ایمان نمی‌آورند.

١٠٤. با آن که از این مردم اجر و پاداشی بر ادای رسالت نمی‌طلبی و اصولاً قرآن ویژه عرب نیست که از آنان مزد و پاداشی طلب نمایی. قرآن یادواره الهی است برای جهانیان حتی نسل آیندگان که تو را نمی‌بینند.

١٠٥. چه بسیار است نشانه‌های خدایی در آسمان‌ها و زمین که ساده از کنار آنها می‌گذرند و اعراض می‌کنند.

١٠٦. و بیشتر مردم به خدا ایمان نمی‌آورند مگر آن که با وجود ایمان در کار خدا و پرستش او شریک می‌گیرند.

١٠٧. آیا ایمن شده‌اند که عذاب خدا چون ابری سیاه بر سر آنان سایه‌گستر شود و یا ناگهان

بَصِيرَةً أَنَا وَمَنْ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ^{۱۰۸} وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ^{۱۰۹} حَتَّى إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مِنْ نَشَاءٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ^{۱۱۰} لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لَأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ^{۱۱۱}

لحظه انقراض فرا رسد در حالی که بی‌خبر باشند.

۱۰۸. بگو: این راه من است که با بصیرت و بینش همگان را به سوی خدا دعوت می‌کنم خودم با هر کسی که راه مرا برگزیند و دعوت مرا دنبال کند ساحت خدا از هرگونه شریکی مبرا است و من از مشرکان نیستم.

۱۰۹. ما پیش از تو رسولانی به سوی مردم نفرستادیم جز مردانی همانند تو را که از مردم آبادی‌ها گزین کردیم و پیام خود را به آنان وحی کردیم. آیا این مردم به سیر و سیاحت نرفته‌اند که فرجام پیشینیان را با تأمل بنگرند و مبارزه کافران و مؤمنان را دنبال کنند ولی مردم طالب دنیای دوند و خانه آخرت برای پرهیزکاران بهتر از خانه دنیا است. آیا اندیشه نمی‌ورزید؟

۱۱۰. رسولان ما بعد از دریافت پیام به دعوت خود قیام کردند و با کافران درگیر شدند و با وحی و اشارات غیبی که در رؤیای صادق به آنان ارائه شد به جنگ و پیکار با کافران پرداختند تا ریشه کفر را از میان بردارند اما با مقاومت کافران روبرو گشتند. پیکار رسولان چندان ادامه یافت که از پیروزی خود مأیوس شدند و تصور کردند که رؤیای کاذب را به خطا رؤیای صادق انگاشته‌اند که در پیکار با کافران ناموفق مانده‌اند. در آن حال نصرت ما فرا رسید و معلومشان گشت که در تشخیص پیام رؤیا به خطا نرفته‌اند. با فرا رسیدن نصرت آسمانی جمعی با خواست ما فرار کردند و جان بدر بردند که مجرم نبودند ولی مجرمان هلاک و نابود گشتند. سطوت ما از تبهکار مجرم باز نخواهد گشت.

۱۱۱. به یقین در داستان‌های پیامبران برای صاحبان مغز و خرد عبرت‌ها وجود دارد. این قرآن سخنی نیست که قابل جعل و افترا باشد ولی چنان هست که با اعجاز خود سایر کتاب‌های آسمانی را تصدیق و تأیید کند و حکم هر پدیده‌ای را از چهره‌های مختلف به تفصیل بگذارد و برای اهل ایمان رهنمود و رحمت بوده باشد.

الرَّعد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

المر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ۱ اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ ۲ وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۳ وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مِّنْجَاوِرَاتٍ وَجَنَاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَغَيْرِ صِنَوَانٍ يُسْقَىٰ بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِضَ لِبَعْضِهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۴ وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَئِذَا كُنَّا تُرَابًا أَئِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا

۱. ا. ل. م. ر. اینها آیات کتاب خداوند است و این منشوری است که از پیشگاه پروردگارت

به سوی تو نازل شده بر حق است ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند.

۲. خداوند شما آن خدایی است که آسمان‌ها را مانند خیمه برافراشت بی‌عمودی که برای شما مشهود باشد. سپس بر عرش اقتدار خود بال‌وپر گسترد. خورشید و ماه را به سود شما رام کرد. آسمان‌ها و خورشید و ماه تا سرآمدی نامبرده در مسیر خود جاریند. فرمان آفرینش را مطالعه می‌کند آیات قدرت خود را روشن می‌کند، باشد که شما به دیدار پروردگارتان یقین حاصل نمایید.

۳. همو است که خاک را گسترد و از دل خاک کوهها برافراشت و از دامن کوهها نهرها روان ساخت و از هرگونه‌گون میوه، جفتی نر و ماده برقرار فرمود. تاریکی شب را بر چهره روز می‌پوشاند و روشنایی روز را بر چهره شب می‌تاباند. به یقین در این آفریده‌ها برای مردمان صاحب تفکر آیات و نشانه‌ها مشهود است.

۴. در زمین، قطعه‌های رنگارنگ در کنار هم و در هر قطعه‌ای بیشه‌ها و جنگل‌ها از تاک‌زار و کشتزار و نخلستان از یک ریشه و چند ریشه که با یک جویبار آبیاری می‌شوند، و ما برخی از دانه‌ها و میوه‌ها را در خورش و طعم و رنگ و بو امتیاز و برتری می‌دهیم. در این گونه‌گون میوه‌ها و دانه‌ها نشانه‌ها و آیت‌ها است برای آن کسانی که در تخم‌افشانی گیاهان تفکر می‌نمایند.

خَالِدُونَ ۵ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثَلَاتُ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ ۶ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ۷ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيصُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ ۸ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ ۹ سِوَاءَ مَنْكُمْ مَنْ أَسْرَعَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ ۱۰ لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ

۵. اگر از کشت تخم‌ها و بافت‌ها و یاخته‌های نباتی درشگفتی، باید از سخن این کافران هم در شگفت باشی که نطفه آدمی را از یاد برده‌اند و می‌پرسند: آیا موقعی که خاک شویم و خاکمان بر باد رود آیا برای رستاخیز عمومی در آفرینش تازه‌ای قدم می‌گذاریم؟ این‌ها ایند که پروردگار خود را منکر شده‌اند و این‌ها ایند که به روز رستاخیز غل‌ها بر گردن دارند. و این‌ها ایند یاران دوزخ که جاودانه در آن می‌مانند.

۶. ما برای زندگی دنیا کام‌جویی‌ها مقرر کرده‌ایم که قبل از چشیدن طعم عذاب، لذت دنیا را دریابند ولی اینان منکر عذابند و با شتاب هرچه تمام‌تر عذاب را می‌طلبند با آن که پیش از این مردم، عقوبت‌ها و عبرت‌های گوناگون بر سر کافران فرود آمده است. به یقین آمرزش پروردگارت بر سر مردم سایه‌گستر خواهد بود گرچه سیه‌کار باشند و شرک بورزند. به یقین پروردگارت به روز عقوبت، عقابی سخت و سهمگین دارد.

۷. کافران می‌گویند: می‌باید معجزه‌ای از پیشگاه پروردگارش بر او نازل شود همانند آن معجزه‌ها که امت‌های پیشین مشاهده کردند و ایمان آوردند. ما به معجزه قرآن شک داریم تا چه رسد که هر آیه‌ای را معجزه‌ای جداگانه تلقی نماییم. بدانید و بدانند تو فقط پیام‌گزاری و پیامت آن است که جهانیان را از خطر قیامت و عذاب موعود آن برحذر بداری خواه مردم بپذیرند و خواه نپذیرند. هر نسلی رهبری دارد که به موقع قیام می‌کند و پیام تو را به آنان می‌رساند و مردم را به راه خدا هدایت می‌کند.

۸. خداست که می‌داند هر مادینه‌ای چه باری در شکم دارد و آن نطفه‌ها که رحم در خود جذب می‌کند و آن نطفه‌ها که می‌پروراند هر پدیده‌ای نزد خدا اندازه و حساب دارد.

۹. دانای نهان و آشکار است، بزرگ و والا است.

۱۰. برای او یکسان است، آن که سخن دل را نهان بدارد و آن که سخن را از دل برون اندازد. آن که شب به لانه خود نهان شود و روز از لانه برون خزد.

سَوْءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِّنْ وَالٍ ۝۱۱ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنشِئُ السَّحَابَ الثَّقَالَ ۝۱۲ وَيَسْبِغُ الرِّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَن يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ ۝۱۳ لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كِبَاسِطٌ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ۝۱۴ وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظُلُمًا لَهُمُ الْغُدُورُ وَالْأَصَالُ ۝۱۵ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُم مِّن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ

۱۱. به هر کجا که رود فرشتگان مراقب، از پیش و پس او به نگهبانی روان شوند تا او را از بلای ناگهانی که به فرمان خدا در حال نزول و عبور است درامان بدارند. به یقین خداوند رحمان هر نعمتی را که بر امتی ارزانی بدارد نعمت خود را وانمی‌گیرد و به نعمت و محنت تبدیل نمی‌کند تا آن‌روزی که خود، سیمای انسانی و مردمی خود را دگرگون سازند. و هر گاه که خداوند جهان برای امتی بدی بخواهد راه برگشت ندارد و برای آنان جز خدا هیچ کارسازی وجود ندارد.

۱۲. او همان خدایی است که برق را در آسمان عیان می‌سازد تا بیم و امید را در دل شما بینگیزد، بیم از صاعقه‌ها و سوختن کشتزارها و بوستان‌ها و خاکستر شدن جنگل‌ها و امید باران و سیرابی کشتزارها و بوستان‌ها و همو است که ابرهای سنگین صاعقه‌ساز را می‌سازد و برمی‌خیزاند.

۱۳. بانگ رعد، سطوت او را تسبیح می‌گوید همراه با سپاس و ثنای او و فرشتگان ذات مقدس او را تسبیح می‌کنند و از هر شائبه‌ای منزه می‌دارند. صاعقه را گسیل می‌دارد و بر سر هر مردمی که بخواهد می‌کوبد در همان حالی که آنان در خدایی خدا بحث و جدل دارند. خداوند جهان انتقامی سخت و مهیب دارد.

۱۴. دعای راستین ویژه او است که خدای راستین است. آن خدایان پوشالی که مردمان کافر به خدایی می‌خوانند دعای آنان را نمی‌شنوند و خواسته‌های آنان را اجابت نمی‌کنند. برای آنان حکایتی سراغ ندارم جز حکایت آن کسی که کف دست را چون طبق باز کرده به زیر آب فرو می‌برد تا آب را به دهان برساند ولی آب از دست او فرو می‌ریزد به دهانش نمی‌رسد. دعای کافران، موجی است که در فضا گم می‌شود و در گوش خدایانشان جا نمی‌گیرد.

۱۵. هر که در آسمان‌ها و زمین است خواه و ناخواه خدا را سجده می‌برد و خاکساری

لأنفسهم نفعاً ولا ضراً قل هل يستوي الأعمى والبصير أم هل تستوي الظلمات والنور أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشابه الخلق عليهم قل الله خالق كل شيء وهو الواحد القهار
 ١٦ أنزل من السماء ماء فسالت أودية بقدرها فاحتمل السيل زبداً رابياً ومما يوقدون عليه في النار ابتغاء حلية أو متاع زبد مثله كذلك يضرب الله الحق والباطل فأما الزبد فذهب جفاء وأما ما ينفع الناس فيمكث في الأرض كذلك يضرب الله الأمثال ١٧ للذين استجابوا لربهم الحسنى والذين لم يستجيبوا له لو أن لهم ما في الأرض جميعاً ومثله معه لاقتدوا به أولئك لهم سوء الحساب وماوَاهم جهنم وبئس المهاد ١٨ أفمن يعلم أنما أنزل إليك من ربك الحق كمن هو أعمى إنما يتذكر أولوا الألباب ١٩ الذين يوفون بعهد الله ولا ينقضون الميثاق ٢٠ و

می‌کند. در صبح و شام سایه‌هایشان نیز بر خاک می‌افتند و خاکساری می‌نمایند.
 ١٦. از اینان بپرس که پروردگار آسمان‌ها و زمین کیست؟ اگر آنان سکوت می‌کنند تو خود پاسخ بگو: خداوند، پروردگار آسمان‌ها و زمین است. بگو: آیا غیر از این خدا، که پروردگار آسمان‌ها و زمین است خدایان دیگری را به سرپرستی خود گزین کرده‌اید که حتی برای خود مالک سود و زیان نمی‌باشند؟ بگو: آیا خدای کور با خدای بینا برابر است؟ آیا چند سیاهی با روشنایی برابر است؟ آیا کسانی را به خدایی برگزیده‌اند که قدرت آفرینش دارند و آفرینش آنان با آفرینش خدای جهان مشتبه شده است و از این‌رو آنان را به خدایی گرفته‌اند؟ بگو: خالق هر چیزی همان خداوند جهان است که یکتا و قهار است.
 ١٧. از آسمانی بارانی نازل کرد و دره‌ها و رودخانه‌ها به اندازه گنجایش خود سیل کشیدند و سیل جوشید و خروشید و کف بر سر آورد. این کف تنها بر سر سیل روان نیست هر فلزی را که در آتش بگدازند تا زیوری بیاریند و یا کاسه و کوزه‌ای بسازند کف بر سر می‌آورد. خداوند رحمان درست و نادرست را به این صورت مثل می‌زند، اما کف که جلوه باطلی دارد از چهره حق برکنار خواهد گشت و اما آنچه حق و درست است در روی زمین برقرار می‌ماند. خداوند رحمان به این صورت حقایق جهان را به مثل می‌کشد.
 ١٨. برای آنان که دعوت پروردگار خود را اجابت کنند زندگانی بهتر مهیا است و کسانی که خدا را اجابت نکردند اگر ثروت دنیا را داشته باشند و آن را دو برابر سازند بی‌شک حاضرند که تمام آن را جانفدا بدهند و خود را از کیفر برهانند. برای آنان بدترین حسابرسی، درکار است. جایگاهشان دوزخ خواهد بود و دوزخ بدجایگاهی است.
 ١٩. آیا آن کسی که، می‌داند هرآنچه از پیشگاه پروردگارت به سوی تو نازل شده بر حق

الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ۲۱ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُؤُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ۲۲ جَنَّاتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ۲۳ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ۲۴ وَالَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ۲۵ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ ۲۶ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ

است با آن کسی که، دلش نابینا است و نمی‌داند از پیشگاه پروردگارت چه نازل شده، یکسان است؟ تنها مردمان صاحب‌خرد از این مسائل پند می‌گیرند.

۲۰. آن کسانی که با خدا عهد می‌بندند و به عهد خود وفا می‌کنند و پیمان نمی‌شکنند.
۲۱. آن کسانی که پیوند خود را با هر که خدا فرموده باشد پیوسته و برقرار نگه می‌دارند و از ملامت پروردگار خود درهراسند و از سختگیری در حسابرسی بیمناکند.

۲۲. آن کسانی که در برابر هر بلایی شکبیا ماندند تا رضای پروردگار خود را به دست آورند. نماز را برپا داشتند و در نهان و آشکار از روزی خود نیاز نیازمندان را برطرف ساختند و بدی‌ها را با نیکی‌ها پاسخ می‌دهند. این‌ها ایند که خانه آخرت ویژه آن‌هاست.

۲۳. بوستان‌های همیشه‌بهار که خود با افراد شایسته و صالح از پدرانشان و همسرانشان و فرزندانشان به آن بوستان‌ها درآیند و فرشتگان از هر دری بر آنان به تهنیت وارد شوند.

۲۴. که درود خدا بر شما باد از آن‌رو که در زندگی دنیا صبور و شکبیا ماندید. اینک چه خوب است فرجام شما در خانه آخرت.

۲۵. و آن کسانی که با خدا عهد می‌بندند و عهد خود را بعد از سوگند وفاداری می‌شکنند و پیوند خود را با هر که خدا فرموده باشد که باید پیوسته بماند می‌گسلند و در زمین به فساد و خرابکاری دست می‌زنند این‌ها ایند که لعنت خدا بر آنهاست و به فرجام، خانه بد جایگاه آنهاست.

۲۶. خداوند جهان روزی خود را برای هر کسی که بخواهد وسعت می‌دهد و برای هر کسی که بخواهد اندازه نگه می‌دارد و محدود می‌کند. کافران که روزی خود را وسیع و دست‌وبال خود را گشاده می‌یابند به زندگی دنیا دلخوش می‌شوند ولی زندگی دنیا در جنب آخرت توش و توان رهگذران است.

قُلْ إِنْ اللَّهُ يُضِلُّ مِنْ يَشَاءٍ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ ۚ الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ۚ ۲۸ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَ حَسَنُ مَا بَ ۲۹ كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لَتَتْلُو عَلَيْهِنَّ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٌ ۚ ۳۰ وَلَوْ أَنْ قُرْآنًا سُورِتُ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَةٌ بِهِ الْمَوْتَى بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَبْأَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّنْ دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۚ ۳۱ وَ لَقَدْ اسْتَهْزَى بِرُسُلٍ مِّنْ قَبْلِكَ

۲۷. کافران می‌گویند: چرا معجزه‌ای از پیشگاه پروردگارش بر او نازل نمی‌شود همانند آن معجزه‌ها که بر امت‌های پیشین نازل شده است تا ایمان بیاوریم؟ بگو: خداوند هر که را بخواهد گمراه می‌کند و هر کس به سوی خدا بازگردد خدایش به سوی خود رهبری خواهد کرد.

۲۸. آنان که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان با یاد خدا آرام می‌گیرد، بدانید و بدانند که تنها با یاد خداست که دل‌ها می‌تواند آرامش و قرار یابد.

۲۹. آنان که ایمان آورده‌اند و دستاورد شایسته‌ای دارند پاک‌ترین زندگی‌ها ویژه آنهاست با نیکوترین جایگاه.

۳۰. به این صورت و با این علم و معرفت، تو را در میان امتی مبعوث کردیم که پیش از آنها امت‌ها آمده‌اند و رفته‌اند؛ مبعوث کردیم تا قرآنی را که بر تو وحی شد بر آنان تلاوت کنی. ولی این امت به خداوند رحمان کافر شده است. بگو: خداوند رحمان پروردگار من است که جز او خدایی نیست. من بر همان خداوند رحمان توکل کرده‌ام که با رحمت خود مرا پرورش می‌دهد و بازگشت من به سوی او خواهد بود.

۳۱. و اگر قرآنی بود که با تلاوت آن کوهها از جا کنده می‌شد و به هوا می‌رفت و یا زمین پاره پاره می‌شد و دریاها به هم وصل می‌گشت و یا مردگان زنده می‌گشتند و با مردم همسخن می‌شدند آرزوی مؤمنان برآورده می‌شد و دهان کافران بسته می‌گشت ولی از هیچ قرآنی چنین کارها ساخته نیست، فرمان این کارها در دست خداست. آیا این نکته‌ها مؤمنان را از برآمدن آرزوی بی‌حاصلشان مأیوس نکرد که مکرر گفتیم: اگر خدا خواسته باشد همه مردم را به راه راست هدایت می‌کند ولی خدا چنین نمی‌خواهد بلکه می‌خواهد مردمان بفهمند و ایمان بیاورند و نیت خود را به آزمون بگذارند. و اما کافران که با دیدن آیت و

فَأَمَلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ۚۚۚ أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلُوبَهُمْ قُلْ سَمُّهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ يَبْظَاهِرُونَ الْقَوْلَ بَلْ زَيْنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرَهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۚۚۚ لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلِعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ۚۚۚ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكْلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ

معجز ایمان نمی‌آورند همواره بلایی سخت بر سرشان می‌کوبد و یا عذابی در کنار خانه‌هایشان نازل می‌شود که چرا مسلکی دروغین ساخته‌اند. این عذاب و بلا همواره ادامه دارد تا آن روز که وعده عذاب خدایی فرا رسد. به یقین خداوند جهان وعده خود را خلاف نخواهد کرد.

۳۲. بی‌شک به رسولان دیگری هم که پیش از تو آمده‌اند با استهزاء و تمسخر توهین و جسارت شده است و من که پروردگار تو هستم جسارت کفرآمیزشان را در پرونده اعاشان ثبت کردم و سال‌های سال به آن کافران مهلت دادم، سپس آنان را به عقاب و کیفر گرفتم. بنگر که عقاب و کیفر من بر چه منوال است.

۳۳. آن خدایی که بر سر هر کسی ایستاده و به حاصل اعمال او می‌نگرد با خدایان دروغین برابر نخواهد بود. این کافران با فلسفه‌واهی برای خدا انبازانی تراشیده‌اند. به آنان بگو: خدایان خود را نام ببرند. می‌گویند: این خدای قریش است، آن خدای ثقیف است و این خدای خزاعه، این خدای جنگ است. این خدای صلح است و این خدای زیبایی. آیا خداوند جهان از زبان فرشتگان خود، این خدایان را به شما معرفی کرده است؟ یا شما خود از وجود این خدایان باخبر گشتید و اینک خدا را از وجود این خدایان در عرصه زمین باخبر می‌سازید و یا به صورت پیشنهاد برای هر قومی و برای هر نیازی خدایی جدا نام می‌برد؟ ولی واقعیت چنین نیست واقعیت این است که حیل‌های این کافران برای ساخت‌وساز جامعه و رهبری مردم به صورت یک فلسفه‌واهی مزین شده است و با جاروجنجال شخصی از راه خدا بازمانده‌اند. خداوندشان با این فلسفه‌واهی به گمراهی کشانده است و هر کس را که خدا گمراه کند رهبری نخواهد داشت که او را از گمراهی برهاند.

۳۴. برای اینان در زندگی دنیا عذاب سختی مقرر کرده‌ایم و بی‌شک عذاب آخرت مشقت بیشتری دارد و هیچ‌کس آنان را از دست خدا نگهبان نخواهد بود.

النَّارُ^{۳۵} وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُو وَإِلَيْهِ مَآبٌ^{۳۶} وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ^{۳۷} وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ^{۳۸} يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ^{۳۹} وَإِنْ مَا نُرِيكَ بَعْضَ الَّذِي نَعْدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّعُكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ^{۴۰} أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا

۳۵. آن بهشتی که صاحبان تقوا به آن دعوت دارند از زیر درختانش نهرها روان است. میوهها، بی‌زوال و سایه شاخ‌وبرگ آن همواره برقرار است. این است فرجام مردم باتقوا و دوزخ، فرجام کافران است.

۳۶. و آن مردمی که ما به آنان کتاب تورات و انجیل را عطا کرده‌ایم شادند که این قرآن بر تو نازل شده است ولی برخی از دسته‌جات آنان قسمتی از مسائل قرآنی را منکر می‌شوند از آن رو که با مذاهب و افکارشان برابر نیست. بگو: من دستور دارم که فقط خدا را بپرستم و هیچ موجودی را با او شریک نسازم. من شما را به سوی خدا می‌خواهم و بازگشت من به سوی او خواهد بود.

۳۷. بدین صورت قرآن را به رسم یک قانون به زبان عرب نازل کردیم. اگر تو افکار و خواسته‌های کافران را پیروی کنی بعد از علم و دانشی که تو را فرا آمده است کیفر خدا را به جان خریدهای و هیچ مولا و نگهبانی تو را از عذاب خدا دور نخواهد کرد.

۳۸. ما پیش از تو رسولانی گسیل کردیم و برایشان همسران و فرزندان برقرار کردیم چونان که برای تو هم چند همسر و فرزند در نظر گرفتیم تا نسل هدایتگران برقرار بماند. هیچ رسولی حق ندارد معجزی ارائه کند جز با رخصت خدا و برای هر مرگی حتی مرگ رسولان دفتری است که میعاد مرگ او را نشان می‌دهد.

۳۹. اما خداوند جهان هر نوشته‌ای را بخواهد از دفتر کائنات محو می‌کند و هر نوشته‌ای را که بخواهد به جای آن ثبت می‌کند. اصل هر نوشته‌ای در نزد خداست.

۴۰. اگر ما تو را زنده بداریم و بخشی از کیفر کافران را که تهدیدشان کرده‌ایم نشانت بدهیم و یا با رسیدن اجل روح تو را قبض کنیم و عذاب موعود کافران را نبینی با تکلیف تو ارتباطی نخواهد داشت. تو رسول ما هستی و تکلیف تو ابلاغ پیام است و حسابرسی و مکافات آنان بر عهده ما خواهد بود.

وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ٤١ وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ
جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ ٤٢ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ
مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ٤٣

٤١. آیا ندیده‌اند که چسان شهرها و دهات و آبادی‌ها را بر سر مردم خراب کردیم؟ و آیا ندیده‌اند که چسان سواحل زمین را از قلمرو آنان جدا می‌کنیم؟ حکم عذاب را خداوند جهان صادر می‌کند و کسی حکم او را با چون‌وچرا دنبال نمی‌کند و با استیناف و فرجام به تأخیر نمی‌افکند. او سریعاً به حساب مردم واری خواهد کرد.

٤٢. به یقین کافران پیشین هم با رسولان خود به مکر و دغل پرداخته‌اند ولی همه مکرها و حيله‌ها مال خدا است که هر کس هر وسیله‌ای به دست آورد می‌داند و از توطئه و طرح اجرایی آن خبر دارد. این کافران در همین آینده نزدیک می‌فهمند که خانه آخرت از آن که خواهد بود.

٤٣. کافران می‌گویند: که تو فرستاده خدا نیستی. بگو: خداوند جهان کافی است که در اختلاف من با شما گواه باشد و هر کسی که دانش کتاب تکوین را دارا باشد و لوح محفوظ را ببیند.

ابراهيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ^١ اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ^٢ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ^٣ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا يَلْسَانٌ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ^٤ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ^٥ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَدَّبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ

١. ا. ل. ر. این قرآن کتابی است که به سویت نازل کرده‌ایم تا مردم را با رخصت پروردگارش از افکار سیاه شیطانی درآوری و به سوی نور الهی هدایت کنی تا در راه خدای عزتمند صاحب‌ثنا قدم بگذارند.

٢. آن خداوندی که هرچه در آسمان‌ها و هرچه در زمین است ملک او است. رحمت خدا بر مؤمنان که نعمت قرآن را سپاس می‌دارند و وای بر کافران از عذابی سخت و سهمگین.
٣. آنها که زندگی دنیا را محبوب‌تر از زندگی آخرت می‌شمرند و مردم را با جاروجنجال و بلوا از راه خدا بازمی‌دارند و راه خدا را با اعوجاج و کجی قرین می‌خواهند. اینان هستند که از راه خدا بدور افتاده‌اند.

٤. ما هیچ رسولی را به زبان بیگانه مبعوث نکردیم. ما هر رسولی را به زبان امتش مبعوث کردیم تا پیام خدا را برای آنان روشن سازد بعد از ابلاغ پیام است که خدا هر که را بخواهد گمراه می‌کند و هر که را بخواهد رهیاب می‌سازد و خدا عزتمند و کاردان است.

٥. به یقین موسی را با آیات و نشانه‌های خود مبعوث کردیم که مردم را از افکار سیاه شیطانی درآور و به سوی نور الهی هدایت و رهبری کن و روزهای خدا را که با شوکت و صولت خود مؤمنان را نصرت داده است فراخاطرشان بیاور. بی‌شک با تأمل در روزهای خدا برای هر مؤمنی که در بلاها صبور و شکیبیا باشد و در مقابل نعمت‌ها شکور و سپاسگزار باشد نشانه‌های الهی مشهود است.

وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ٦ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ٧ وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَن فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَأِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ٨ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ ٩ قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخَّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنَّ أَنْتُمْ لَأَبَشْرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَن تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَآتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ١٠ قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِن نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ

٦. خاطر نشان کن که موسی به مردم خود گفت: ای مردم! لطف و نعمت خدا را فراخاطر تان بیاورید. آن روز که خدا شما را از چنگال فرعونیان نجات بخشید، هم آنان که در بیغوله‌ها شما را دنبال کردند و با خواری، طعم عذاب را به شما می‌چشانند، پسرانتان را سر می‌بریدند تا نیروی مبارزتان تضعیف شود و جنگاورانتان در کنترل بماند. زنانتان را زنده می‌گذاشتند تا آمار آنان بالا برود و مشکلات خانوادگی افزون گردد و از این رهگذر آزمونی بزرگ و سنگین، شما را از سوی پروردگارتان فراگرفت که آیا زنانتان بر تنهایی و بی‌شوهری شکیبا می‌مانند و مادران و پدران در مرگ فرزندانشان صبر و استقامت دارند؟

٧. خاطر نشان کن که پروردگارتان به همگان اعلام کرد که اگر شاکر نعمت‌های من باشید به حق سوگند که نعمت خود را بر شما افزون می‌کنم و اگر کافر و ناسپاس شوید بی‌شک شما را عذاب خواهم کرد. عذاب من سخت و سهمگین است.

٨. و موسی بر این پیام خدا افزود که اگر شما مردم، با همه جهانیان کافر شوید بر محرومیت خود خسارت می‌افزایید چرا که خداوند جهان از همه جهانیان بی‌نیاز است و در کارهای خود ستوده و صاحب‌ثناست.

٩. آیا خبر مردمان پیشین به شما نرسیده است؟ خیر قوم نوح و عاد و ثمود و آن مردمی که بعداً پا به عرصه گیتی نهادند و جز خدا کسی از حال و کردارشان باخبر نیست. رسولان نشان با دلایل روشن به رسالت آمدند و آنان به استهزاء و اهانت دست‌ها را به دهان برده سوت کشیدند و صدای ناهنجاری از دهان برآوردند، یعنی: ما به رسالت شما کافریم و به دعوت آسمانی شما با نظر شک و بدگمانی می‌نگریم.

١٠. رسولان نشان گفتند: آیا به خدایی خدا هم شک دارید که شکافنده آسمان‌ها و زمین است؟ او شما را به سوی خود می‌خواند تا از گناهان پاک سازد و شما را تا پایان عمر مقدر

مَثَلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ١١ وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ١٢ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ ١٣ وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ ١٤ وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ١٥ مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ

مهلت بدهد و زنده نگه دارد و گرنه پیش از اجل طبیعی با عذاب خود نابودتان خواهد کرد. مردم گفتند: شما نیز مانند ما بشرید. با چه امتیازی مدعی رسالت شده‌اید؟ می‌خواهید ما را از سنت پدرانمان در پرستش بت‌ها مانع شوید و سنتی نو بگذارید تا قیادت جامعه را خود به عهده بگیرید؟ اگر شما می‌خواهید که سنتی نو در جامعه حاکم سازید باید سندی شکننده و آسمانی ارائه کنید تا حقانیت شما آشکار گردد.

١١. رسولان‌شان به آنان گفتند: درست است که ما هم بشریم و امتیازی بر شما نداریم ولی خداوند جهان از میان بندگان هر کسی را که بخواهد بر او منت می‌گذارد و به مقام رسالت انتخاب می‌نماید. ما را نمی‌رسد که سندی شکننده و آسمانی با خود بیاوریم که قدرت شما را درهم بشکند مگر با رخصت الهی که اجازه دهد با ناموس مشیت، قدرتی قاهر به وجود آوریم. ما به حقانیت خود ایمان داریم و به راه خود ادامه خواهیم داد. مؤمنان باید بر خداوند جهان توکل کنند.

١٢. ما را چه می‌شود که بر خدای خود توکل نکنیم با آن که ما را به راه درستمان رهبری کرده است. ما باید بر آزار دست و زبان شما شکبیا بمانیم و شکبیا خواهیم ماند. ما از خود قدرت دفاعی نداریم و هر کس قدرت دفاعی ندارد چه بهتر که بر خدای جهان توکل کند.

١٣. آن مردم کافر به رسولان گفتند: ما شما را از سرزمین خود می‌رانیم. جز این راهی نیست. یا باید سرزمین ما را ترک بگویید و یا به کیش و آیین ما بازگردید. رسولان درمانده شدند و پروردگارشان به آنان اشارت نمود که ما این سیه‌کاران را هلاک می‌نماییم.

١٤. و شما را بعد از نابودی این سیه‌کاران در همین سرزمین مأوا می‌دهیم. این پاداش من ویژه آن کسانی است که از بازپرسی من درهراسند و از تهدید من می‌هراسند.

١٥. کافران با اعلام جنگ به رسولان ما گفتند: اگر خداوند جهان با شما است با قدرتی قاهر بر سر ما بتازید و قدرت ما را براندازید و ما با قدرتی قاهر بر سر آنان تاختمیم و همه سرکشان پرعناد از قدرت‌نمایی خود سرخورده و ناامید گشتند و به دست ما هلاک شدند.

وَيَسْقَىٰ مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ ۖ يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ ۗ ۱۷ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ۗ ۱۸ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ يَاشَأُ يذْهَبِكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ۗ ۱۹ وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ۚ ۲۰ وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنَ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرَعْنَا أَمْ سَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ ۚ ۲۱ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنتُمْ بِمُصْرِخِي إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ

-
۱۶. و بعد از هلاکت، دوزخ آتشین در پی است و از زردابه قیر و نفت می آشامند.
۱۷. به ناچار از فرط تشنگی جرعه جرعه سر می کشند ولی هرگز گوارا نخواهد بود. مرگ از همه جا به سوی آنان شتابان است. ولی هرگز نخواهد مرد و از پس آن، باز هم عذابی سخت تر و زردابه ای غلیظتر در انتظار آنان خواهد بود.
۱۸. داستان آن مردمی که به پروردگار خود کافر شده اند کردار نیکشان چون کود خاکستری است که طوفانی شدید در یک روز پر آشوب بر آن بوزد و در فضا پراکنده سازد که قادر نشوند دستاورد خود را فراهم آورند. این همان بیراهه روی است با فاصله ای دور از راه حق و درست.
۱۹. ندیده ای که خداوند جهان آسمان ها و زمین را به حق و با هدفی درست آفریده است؟ اگر خواسته باشد شما را نابود می کند و مردم تازه ای را در عرصه زمین به آزمون می گذارد.
۲۰. انقراض یک ملت بر خدا ناگوار و ممتنع نیست.
۲۱. روز قیامت که تماماً از دل خاک برون آیند و در برابر خدا بر صف شوند کافران مستضعف، به اعیان و مستکبران خود می گویند: ما در دنیا از شما پیروی کردیم و دنبال شما را گرفتیم آیا امروز و اینک می توانید و قدرت آن را دارید که عذاب خدا را قدری از ما بگردانید؟ مستکبران جامعه می گویند: بی شک اگر خداوند رحمان ما را به راه نجاتی رهنمون گردد ما هم شما را رهنمون می شویم و نجات می بخشیم. اکنون برای ما یکسان است خواه بی تابی کنیم و شیون سر بدهیم یا شکیبایی بورزیم، در هر حال راه گریزی نیست.

أَلِيمٌ^{۲۲} وَأَدْخَلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ^{۲۳} أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ^{۲۴} تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ^{۲۵} وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ^{۲۶} يَثْبُتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ

-
۲۲. و چون روز قیامت داوری پایان گیرد و سیه‌کاران جن و انس به دوزخ درآیند، شیطان به تابعان خود خواهد گفت: خداوند جهان میعاد شما را به روز قیامت نهاد و با آتش دوزخ تهدید کرد و اینک تهدید خود را عملی کرد و من با شما وعده نهادم که حشر و نشری در کار نخواهد بود و اگر باشد باز هم غرق نعمت و شادی خواهید بود، اما به شما دروغ گفته بودم، من بر شما مسلط نبودم که شما را اجبار کنم. من فقط شما را فرا خواندم و شما دعوت مرا لبیک گفتید، اینک مرا ملامت نکنید باید خودتان را ملامت کنید که فریب مرا خوردید. امروز من نمی‌توانم به داد شما برسم شما هم نمی‌توانید به داد من برسید از آن پیش که شما شرک بورزید و مرا اطاعت کنید من به آیین شرک کافر بودم و خود را شریک خدا نمی‌دانستم. من با سیه‌کاری خود، شما را گمراه کردم تا انتقام خود را از نسل آدم گرفته باشم. بی‌شک عذاب دردناک دوزخ برای سیه‌کاران آماده خواهد بود.
۲۳. و آن دسته از مؤمنان که دستاوردی شایسته آخرت بجا آورده‌اند روز قیامت وارد بوستان‌هایی می‌شوند که از زیر درختانش نه‌رها روان است. با رخصت پروردگارشان جاودانه در آن خواهند ماند و با درود و سلام از آنان استقبال خواهد شد.
۲۴. آیا ندیده‌ای که خدا چگونه برای حق و باطل مثل آورده است، نطفه پاک، همانند درختی پاک است چون نخل خرما که ریشه آن مانند میخ در دل خاک پابرجا باشد و شاخه‌هایش چون چتر بر آسمان.
۲۵. در هر فصل با رخصت پروردگارش میوه‌ای می‌پرورد که غذایی کامل محسوب می‌شود. خداوند برای هدایت مردم مثل‌ها می‌زند، باشد که بعدها به خاطر بیاورند.
۲۶. نطفه ناپاک همانند درختی ناپاک است چون قارچ سمی که جثه خود را یک‌شبه از روی زمین بالا کشیده اما در دل خاک ریشه و استقرار ندارد.

اللَّهُ مَا يَشَاءُ^{٢٧} أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ^{٢٨} جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ^{٢٩} وَجَعَلُوا لِلَّهِ أُنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ^{٣٠} قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالَ^{٣١} اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ^{٣٢} وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ^{٣٣} وَأَتَاكُمْ مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن

٢٧. خداوند رحمان ایمان مؤمنان را با سخنی که در دنیا و آخرت پابرجا است تحکیم می‌کند و با همان سخن سیه‌کاران را به گمراهی می‌کشاند. و خداوند جهان هرکاری خواسته باشد می‌کند.

٢٨. آیا نظر نینفکندی به سوی آن رهبران سرکش که هدایت خدا را با تکذیب و انکار خود بدرقه کردند و با این کفر و ناسپاسی مردم خود را به خانهٔ هلاکت جای دادند.

٢٩. خانهٔ دوزخ که در آتش آن کباب می‌شوند و چه بدجایگاهی است.

٣٠. برای خدا انبازانی تراشیدند تا مردم را از راه خدا منحرف سازند. بگو: چند صباحی از دنیا کامیاب شوید که بعد از زندگی دنیا به سوی آتش می‌روید.

٣١. به آن بندگانم که ایمان آورده‌اند بگو: نماز را برپا دارند و از آن روزی که عطایشان کرده‌ایم پنهان و آشکارا نیاز نیازمندان را برطرف سازند. پیش از آن که رستاخیز عمومی فرا رسد که دیگر دادوستد نباشد و دوستی و رفاقت برجا نماند.

٣٢. خداوند، آن خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان بارانی فرو ریخت و بدان آب باران، میوه‌ها و دانه‌ها برآورد تا روزی شما باشد و کشتی را برای شما رام کرد تا با فرمان او در پهنهٔ دریا روان شود و نهرها و رودها را برای شما رام کرد تا به اینجا و آنجا جوی کشد و در اختیار شما قرار بگیرد.

٣٣. و خورشید و ماه را برای خدمت شما رام کرد تا به سیر خود ادامه دهند گرما و سرما را به شما تقدیم کنند و شب و روز را برای خدمت شما رام کرد تا اوقات کار و کوشش و هنگام راحت و آرامش خود را تنظیم کنید.

تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ^{٣٤} وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ^{٣٥} رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ^{٣٦} رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ^{٣٧} رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ^{٣٨} الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ^{٣٩} رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءَ^{٤٠} رَبَّنَا اغْفِرْ لِي

٣٤. علاوه بر این از هرچه خواستار آن بوده‌اید بهره‌مندتان ساخت و اگر نعمت‌های او را بشمارید از عهدهٔ آمار آن برنیاید. با وجود این همه نعمت، آدمی زاده با سیه‌کاری و ناسپاسی پروردگار خود را منکر می‌شود و به او شرک می‌آورد.

٣٥. خاطرنشان کن که ابراهیم در مناجات خود گفت: ای پروردگار من! این سرزمین را حرم امن خود قرار بده و مرا و فرزندانم را از پرستش بت‌ها برکنار بدار.

٣٦. پروردگار! بت‌های سنگی، بسیاری از مردم را به بیراهه کشانده‌اند و اگر رهنمود تو آنان را رهیاب نسازد زادگان اسماعیل من که در این سامان پا به عرصهٔ گیتی می‌گذارند همگان گمراه می‌شوند، هر کس پیروی مرا برگزیند با من پیوند ولایت دارد گرچه فرزند من نباشد و هر کس فرمان من نبرد با من پیوندی ندارد گرچه فرزند من باشد. اما هر که نافرمان باشد از پیوند ولایت تو خارج نباشد که تو آمرزندهٔ مهربانی.

٣٧. پروردگار! من از دو فرزند خود یک‌تن را در این درهٔ سوزان بی‌گیاه کنار خانهٔ حرامت سکنی دادم - پروردگار! - تا نسل من نماز را برپا دارند. پس دل‌های مردم را به سوی آنان پرواز ده و از برکات این معبد روزی آنان را عطا کن باشد که نعمت هدایت را شاکر شوند.

٣٨. پروردگار! آنچه را که ما نهان داریم تو می‌دانی و آنچه را علنی سازیم تو می‌دانی. در زمین و نه در آسمان چیزی بر خدا پنهان نخواهد ماند.

٣٩. سپاس و ستایش ویژهٔ آن خدایی است که بر سر پیری و سالخوردگی دعای مرا اجابت کرد و اسماعیل و اسحاق را به من بخشید. به یقین پروردگار من دعای بندگانش را می‌شنود و اجابت می‌نماید.

٤٠. پروردگار! مرا بر آن بدار که نماز را برپا بدارم و از خاندان من کسانی را بر آن بدار که نماز را برپا بدارند. پروردگار! و این دعای مرا نیز بپذیر و اجابت کن.

وَلِوَالِدَيْهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ٤١ وَلَا تَحْسِبَنَّ اللَّهُ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ٤٢ مُهْطِعِينَ مُقْنَعِي رِعُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ ٤٣ وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نَجِبْ دَعْوَتَكَ وَتَتَّبِعِ الرَّسُولَ أُولِمَ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِّن قَبْلِ مَا لَكُم مِّن زَوَالٍ ٤٤ وَسَكَنتُمْ فِي مَسَاكِنَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُم كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ الْأَمْثَالَ ٤٥ وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ ٤٦ فَلَا تَحْسِبَنَّ اللَّهُ مُخْلِفاً وَعَدِّهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ ٤٧ يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبُرُوزُوا

٤١. پروردگارا! به روز برپایی حساب مرا و پدر و مادر مرا با همه مؤمنان ببخش و گناهان ما را ببامرز.

٤٢. و تو ای رسول ما! هرگز تصور مکن که خدا از دستاورد سیه کاران بی خبر باشد. جز این نیست که عقاب آنان را به تأخیر می افکند برای آن روزی که چشم‌ها در اثر دهشت از حدقه برآیند.

٤٣. گردن‌ها کشیده، سرها فراز کرده، دیدگان به افق دوخته که چه خواهد شد دل‌ها از هر گونه آرزو و هوس آزاد است.

٤٤. به مردم اخطار کن از آمدن روزی که عذاب الهی چهره نماید و سیه کاران بگویند: پروردگارا مرگ ما را تا سرآمدی نزدیک به تأخیر افکن که اگر چند صباحی دیگر به ما مهلت بدهی دعوت تو را اجابت می کنیم و از رسولانت متابعت می نماییم و فرشتگان در پاسخ آنان بگویند که آیا این شما نبودید که پیش از این می گفتید: به خدا سوگند که جامعه ما را زوالی نیست؟

٤٥. شما در خانه‌های همان کافرانی جا گرفته بودید که جان خود را به سیاهی کشانده بودند با آن که معلوماتان بود که ما با آنان چه کردیم. ما برای شما حکایت پیشینیان را به مثل آورده بودیم و سرنوشت شما را گوشزد کرده بودیم.

٤٦. همه آنان با امکانات هرچه بیشتر به حيله‌گری برخاستند ولی نقشه‌های آنان در نزد خدا برملا بود. گرچه حيله‌های آنان چنان بود که کوهها از برابر آنان به کنار روند.

٤٧. تصور مکن که خداوند رحمان وعده‌ای را که با رسولانش دارد زیر پا گذارد. بی شک خداوند رحمان عزتمند و صاحب انتقام است.

لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ٤٨ وَ تَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقْرَنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ٤٩ سَرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطْرَانٍ وَ تَعَسَىٰ وَجُوهُهُمْ النَّارُ ٥٠ لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ٥١ هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ٥٢

٤٨. آن روز که این بستر خاکی به بستری غیر از تبدیل شود و آسمان‌ها به کلی تعویض شوند و همهٔ افراد بشر در برابر خداوند یکتای قهار از دل خاک سر برآرند.

٤٩. آن روز وعدهٔ خدا را عملی خواهی دید و خواهی دید که تبهکاران در زنجیرها و بندها با هم در بند شده‌اند.

٥٠. جامه‌هایشان از قیر و زفت است و آتش صورت‌هایشان را با شعلهٔ خود سیاه کرده است.

٥١. این‌همه برای آن است که خداوند رحمان حاصل دستاورد مردمان را سزا دهد. خداوند رحمان کسی را به انتظار حسابرسی نمی‌گذارد و با سرعت به حساب بندگانش خواهد رسید.

٥٢. همین سورهٔ کوتاه برای ابلاغ پیام رسالت به مردمان کافی و رسا است. باید بر مردم تلاوت شود و مفاد آن ابلاغ گردد و همگان بدین‌وسیله انذار شوند و بدانند که خدای آنان خدای یکتا است و برای آن که صاحبان خرد به خاطر بسپارند.

الحجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُبِينٍ^١ رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ^٢ ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُهُمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ^٣ وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيبَةٍ إِلَّا وَ لَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ^٤ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ^٥ وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ^٦ لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ^٧ مَا نُنزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ^٨ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ^٩ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِعَابِ الْأَوَّلِينَ^{١٠}

١. ا. ل . ر. اینها آیات کتاب خداوند است و قرآنی است روشنگر رسالت.
٢. اینک کافران در برابر حق تسلیم نمی‌شوند و بسا شود که همین کافران آرزو نمایند کاش در برابر حق تسلیم شده بودند.
٣. ما در کيفر کافران شتاب نمی‌ورزیم. اینک آنان را وانه تا بخورند و کام بگیرند و آرزوهای طلایی سرگرمشان سازد. به زودی می‌فهمند.
٤. ما هیچ امتی را هلاک نکردیم جز آن که برای آنان سرنوشتی مقدر شده بود.
٥. انقراض هیچ امتی از خط پایان خود پیش نمی‌افتد و نه لحظه‌ای باز پس می‌افتد.
٦. کافران با مسخره و استهزا گفتند: ای آقای محترم که قرآن بر تو نازل شده است شیطان به بازی گرفته است.
٧. اگر راست می‌گویی که این قرآن را از فرشتگان دریافت کرده‌ای باید فرشتگان را به گواهی با خود بیاوری.
٨. ولی ما پیام قرآن را برای آزمون نازل کرده‌ایم و ظاهر شدن فرشتگان اساس آزمون را فرو می‌ریزد. ما فرشتگان را برای کارهای درست و برحق نازل می‌کنیم نه کارهای لغو و باطل که هدف آفرینش را درهم بریزد. آن‌روزی که فرشتگان برای قبض روح بشر نازل شوند و یا نازل شوند تا بساط زندگی جهان را برچینند به کسی مهلت نمی‌دهند که در کلاس آزمون بماند و ایمان بیاورد.
٩. به یقین ما خودمان قرآن را نازل کرده‌ایم و پای جن و شیطان در میان نیست و بی‌شک در آینده هم ما خودمان قرآنمان را از دستبرد جن و شیطان در امان نگه می‌داریم.
١٠. ما پیش از تو رسولانی در میان امت‌های پیشین گسیل نمودیم.

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ^{۱۱} كَذَلِكَ نَسَلُكَ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ^{۱۲} لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ قَدْ خَلَتْ سَنَةُ الْأَوَّلِينَ^{۱۳} وَ لَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرَجُونَ^{۱۴} لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ^{۱۵} وَ لَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ زِينَاتٍ لِّلنَّازِحِينَ^{۱۶} وَ حَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ^{۱۷} إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شَهَابٌ مُّبِينٌ^{۱۸} وَ الْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَ أَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَ أُنَبَّتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ^{۱۹} وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَ مَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ^{۲۰} وَ إِنِّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ

-
۱۱. هیچ رسولی بر آن امت‌ها گسیل نشد جز آن که مردم، رسول خود را به استهزاء گرفتند.
 ۱۲. بدین سان که می‌بینی آیات قرآن را چون آب زلال در دل‌های این تبهکاران مجرم روان می‌سازیم.
 ۱۳. تبهکاران به قرآن زلال ما ایمان نمی‌آورند با آن که سنت امت‌های پیشین با عذاب نابودی مجرمان جاری بوده است.
 ۱۴. اگر ما بر روی این مردم دری از درهای آسمان را می‌گشودیم که هرروز به آسمان‌ها بالا روند و آیات و نشانه‌های خدا را دریابند.
 ۱۵. می‌گفتند: ما به آسمان بالا نرفتیم. بلکه فقط چشم‌های ما مست شدند و تصور کردیم که به آسمان‌ها فراز می‌شویم. ما از روی زمین تکان نخوردیم بلکه جادو شدیم و صحنه‌های سفر آسمانی در مقابل دیدار ما رژه رفتند.
 ۱۶. به یقین ما در آسمان، برج‌های نگهبانی برقرار کردیم و بدین‌وسیله آسمان را هم برای ناظران زیور نمودیم.
 ۱۷. و با آن برج‌ها، آسمان را از دستبرد هر شیطان رجیمی نگه‌داری نمودیم.
 ۱۸. مگر آن شیطانی که در فرصت مناسب به چابکی از برج‌ها بگذرد و کنکاش سنای فرشتگان را بشنود که سنگپاره آتشی‌نی او را دنبال کند و براند.
 ۱۹. بستر خاک را هم بر روی این کره مسکونی گسترده و کوهها را در دل خاک‌ها پابرجا کردیم و در پهنه خاک از هر گیاه و شجر، ثمره مناسبی رویاندیم.
 ۲۰. و برای شما در زمین مایه‌هایی از عیش و زندگانی برقرار نمودیم با جاندارانی دگر از چارپایان و دام و طیور که سود آنها از آن شما است و تأمین روزی آنها از توان شما خارج است.

^{۲۱} وَ أَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ ^{۲۲} وَإِنَّا لَنَحْنُ
نُحْيِي وَ نُمِيتُ وَ نَحْنُ الْوَارِثُونَ ^{۲۳} وَ لَقَدْ عَلَّمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَ لَقَدْ عَلَّمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ ^{۲۴}
وَ إِن رَّبِّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ^{۲۵} وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ
^{۲۶} وَ الْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ ^{۲۷} وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ
صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ^{۲۸} فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ^{۲۹} فَسَجَدَ
الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ^{۳۰} إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ^{۳۱} قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ إِلَّا
تَكُونُ مَعَ السَّاجِدِينَ ^{۳۲} قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ^{۳۳} قَالَ

۲۱. هیچ نعمتی و رحمتی از سودها و ثمرها و خوراکها و روزی‌های انسان و حیوان نیست
مگر آن که مخزن و انبار آن در پیشگاه ما است و جز به میزان معینی و اندازه مشخصی
برای شما نازل نمی‌سازیم.

۲۲. بادها را از چپ و راست فرستادیم تا شجر و گیاه را بارور سازند و از آسمان بارانی فرو
ریختیم و در رودها و استخرها و چاهها و قنات‌ها مستقر ساختیم تا مایه زندگی و حیات شما
را در دسترس قرار بدهیم. شما خود قادر به خزانه کردن باران نبودید.

۲۳. این ما هستیم که حیات و زندگی را به نطفه‌ها می‌بخشیم و پس از چندی بخشیده خود
را باز پس می‌گیریم و بعد از مرگ و سکوت جانداران، خود وارث هستی می‌شویم.

۲۴. در این کاروان زندگی و حیات، پیشاهنگان شما را می‌شناسیم و پس‌آهنگانتان را
شناسایی کرده‌ایم.

۲۵. بی‌شک پروردگارت تمام این کاروانیان را با هم محشور می‌کند و او کاردان و دانا است.

۲۶. و ما نطفه انسان را از گل خشکیده آفریدیم که در مردابی سیاه و بدبو پرورش دادیم.

۲۷. و ابلیس را پیش از آفرینش انسان از شعله گازهای سمی آفریدیم.

۲۸. خاطرنشان کن روزی که پروردگارت به فرشتگان گفت: می‌خواهم از گل خشکیده سیاه
بدبو بشری بیافرینم.

۲۹. موقعی که صورت او را پرداختم و از جان خود در او دمیدم همگان به خاطر این هنر
آفرینش به خاک بیفتید و مرا سجده برید.

۳۰. فرشتگان همگی یکسر سجده بردند.

۳۱. جز ابلیس، ابا ورزید که با سایرین به خاک بیفتد.

۳۲. پروردگارت گفت: ای ابلیس! تو را چه شد که با سایرین سجده نکردی؟

فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ۚ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ۗ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ۗ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ۗ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ۗ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ۗ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ۗ قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ۗ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ ۗ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ۗ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ ۗ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۗ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ أَمِينٍ ۗ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ

۳۳. ابلیس گفت: من حاضر نیستم به افتخار یک بشر که از گل خشکیده سیاه بدبو آفریدی سجده کنم.

۳۴. پروردگارت گفت: پس، از اینجا بیرون شو که رجیمی و رانده این درگاهی.

۳۵. و لعنت من تا روز جزا و قانون بر تو خواهد بود.

۳۶. ابلیس گفت: پروردگار من! پس مرا مهلت ده که تا روز قانون و جزا در این جایگاه بمانم.

۳۷. پروردگارت گفت: تو مانند سایرین مهلت داری.

۳۸. که تا روز معین در این جایگاه بمانی.

۳۹. ابلیس گفت: پروردگار من! بدین جهت که خردم را گمراه کردی بعد از فرود بشر به زمین کارهای ناشایسته را برای آنان زیور می‌دهم و خرد آنان را یکسر به شبهه و ضلالت می‌کشانم.

۴۰. جز آن دسته از بندگان که برای خود خالص کرده‌ای.

۴۱. پروردگارت گفت: راه عبادت راست و مستقیم بر من می‌گذرد.

۴۲. بی‌شک بندگان من از فریب تو مفتون نمی‌شوند و تو را بر آنان سلطه نخواهد بود مگر آن دسته از کج‌خردان که پیروی تو را برگزینند.

۴۳. و بی‌تردید وعده‌گاه آنان یکسر دوزخ است.

۴۴. برای دوزخ، هفت دره است و به هر دره‌ای جمعی از پیروان شیطان تقسیم شده‌اند.

۴۵. به یقین آن‌روز پرهیزکاران در بوستان‌ها و چشمه‌زارها مأوی دارند.

۴۶. فرشتگان به آنان خطاب کنند: با سلامتی و ایمنی از هر درد و رنج به بهشت برین درآیید.

٤٧ لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ ٤٨ نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ٤٩ وَ
 أَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ٥٠ وَ نَبَّيْهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ ٥١ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ
 إِنَّا مِنْكُمْ وَجَلُونَ ٥٢ قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ٥٣ قَالَ أَبَشْرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ
 الْكِبَرُ فِيمَ تُبَشِّرُونَ ٥٤ قَالُوا بِشْرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَمَا تُكِنُّ مِنَ الْقَانِطِينَ ٥٥ قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ
 رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ٥٦ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ٥٧ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ
 ٥٨ إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجِّوهُمْ أَجْمَعِينَ ٥٩ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا لَهَا لَمَنِ الْغَابِرِينَ ٦٠ فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ

٤٧. آنان را با تفاوت درجات و حفظ طبقات در بهشت برین جای می‌دهیم و برای آن که حسد نبرند و حسرت نخورند ریشه آلودگی‌ها را از سینه‌هایشان برمی‌کنیم که برادروار روبه‌روی هم بر تخت‌ها بنشینند.

٤٨. در آن بوستان‌ها رنج و خستگی به آنان دست ندهد و نه از بوستان‌ها اخراج شوند.

٤٩. به بندگان من گزارش کن که من آمرزنده‌ای مهربانم.

٥٠. گزارش کن که عذاب من نیز عذابی دردناک است.

٥١. به آنان گزارش کن از میهمانان ابراهیم.

٥٢. موقعی که بر ابراهیم وارد شدند، گفتند: سلام. ابراهیم گفت: سلام. ما از شما در هراسیم که از سلام رسمی امتناع کردید و از غذای ما تناول نمی‌کنید.

٥٣. فرشتگان گفتند: از ما مهراس. ما آمده‌ایم تا بشارت دهیم که خداوندت پسری دانا عطا خواهد کرد.

٥٤. ابراهیم گفت: به رغم آنکه سالخوردگی، مرا پیر و ناتوان کرده است باز هم به من بشارت می‌دهید؟ مرا به میلاد چه فرزندی بشارت می‌دهید؟ آیا به پسر اسماعیل فرزندی دانا عطا می‌شود و رسالت در نسل او برکت می‌یابد؟

٥٥. فرشتگان گفتند: ما تو را به حق و درستی بشارت دادیم. از این که خودت صاحب فرزند شوی، از ناامیدان مباش.

٥٦. ابراهیم گفت: کدام مؤمن از رحمت پروردگارش ناامید می‌شود؟ کسی از رحمت پروردگارش ناامید نمی‌شود مگر آنکه گمراه باشد.

٥٧. ابراهیم به فرشتگان گفت: ای فرستادگان آسمانی! اینک برنامه شما چیست؟

٥٨. فرشتگان گفتند: ما به سوی مردمی تبهکار و مجرم گسیل شده‌ایم.

٥٩. تا آنان را هلاک سازیم جز خاندان لوط را که یکسر نجاتشان می‌دهیم.

الْمُرْسَلُونَ ٦١ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ٦٢ قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ ٦٣ وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ٦٤ فَاسْرِبْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ٦٥ وَقَضِينَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُصْبِحِينَ ٦٦ وَجَاءَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ ٦٧ قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ ٦٨ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ ٦٩ قَالُوا أَوْ لَمْ نُنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ ٧٠ قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ٧١ لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ٧٢ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ٧٣ فَجَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ

٦٠. به استثنای همسرش. مقدر کردیم که در شمار جامانندگان باشد.

٦١. و چون فرشتگان به خاندان لوط رسیدند.

٦٢. لوط به آنان گفت: شما غریب و ناآشنایید.

٦٣. فرشتگان گفتند: ما نه مسافرانی که برای مهمانی به خانه‌ات آمده باشیم بلکه ما فرشتگانی و خبر غذایی را برایت آورده‌ایم که این مردم با تردید و استهزاء تلقی می‌کنند.

٦٤. ما به همراه درستی و حقیقت به حضور آمده‌ایم و بی‌شک راست می‌گوییم.

٦٥. پاسی که از شب گذشت خاندانت را پیشاپیش خود راه بینداز و خود در عقب آنان مراقب باش. هیچ‌یک از شما به چپ و راست و پشت‌سر بازنگردد. به همان راهی بروید که با وزش باد فرمان می‌یابید.

٦٦. و این حکم قضا را به لوط ابلاغ کردیم که نسل این مردم در صبحگاهان بریده خواهد بود.

٦٧. مردم شهر با شادمانی به خانه لوط هجوم آوردند.

٦٨. لوط گفت: ای مردم! این چند تن مهمان منند. با درآویختن به آنان مرا فزایند مکنید.

٦٩. از خشم خدا بپرهیزید و مرا خوار و رسوا نکنید.

٧٠. مردم لوط گفتند: مگر ما تو را از پناه دادن بیگانگان رهگذر منع نکردیم.

٧١. لوط به آنان گفت: این پسران که می‌بینید در واقع دختران منند که جامه عاریت پوشیده‌اند و جلوه پسران دارند. اگر خواهان پسر هستید به این صورت با همسرانتان نکاح نمایید.

٧٢. به جان تو سوگند که مردم در مستی خود گیج و حیرانند.

٧٣. پس با طلوع سپیده‌دم غرشی سهمگین آنان را فرا گرفت.

حِجَارَةً مِنْ سَجِيلٍ^{٧٤} إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ^{٧٥} وَإِنَّهَا لِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ^{٧٦} إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ^{٧٧} وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لظَالِمِينَ^{٧٨} فَانْتَقِمْنَا مِنْهُمْ وَانَّهُمَا لِيَامَامٍ مُّبِينٍ^{٧٩} وَ لَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحَجْرِ الْمُرْسَلِينَ^{٨٠} وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ^{٨١} وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ^{٨٢} فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ مُصْبِحِينَ^{٨٣} فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^{٨٤} وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ^{٨٥} إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ^{٨٦} وَ لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ

-
٧٤. صخره‌ای سنگین از آسمان در کنار شهرهایشان فرو افتاد که خانه‌هایشان را زیر و زیر کرد و تگرگی از سنگریزه‌ها و شن‌های آسمانی بر سرشان فرو باریدیم.
٧٥. به یقین در این داستان برای پژوهندگان نشانه‌ها و معجزه‌ها است.
٧٦. و شهرهایشان در کنار همان جاده‌ای است که همواره مسیر مسافران است
٧٧. در این داستان برای مؤمنان نیز نشانه و معجزی برقرار است.
٧٨. به یقین جنگلیان شهر مدین نیز از سیه‌کاران بودند که شعیب را تکذیب کردند.
٧٩. و ما از آنان انتقام گرفتیم. مردم لوط و مردم جنگل هر دو دسته، پیشوای تبهکاری بودند پیشوایی آشکار.
٨٠. مردم کوهستان حجر هم رسالت پیامبران را تکذیب نمودند.
٨١. ما با اقتراح و پیشنهاد آنان معجزات و آیات خود را ارائه کردیم ولی آنان از آیات ما روگردان شدند.
٨٢. آنان در دل کوهها خانه‌ها تراشیدند تا از طوفانی چون طوفان عاد در امان باشند.
٨٣. ولی در صبحگاهان غرشی سهمگین از سقوط صخره‌ای سنگین برخاست و لرزه کوهستان کاخ‌ها و خانه‌ها را درهم ریخت.
٨٤. و آن کاخ‌های سنگی و دژها که به دست کردند دردی، دوا نکرد و عذاب ما را از آنان برنتافت.
٨٥. ما آسمان‌ها و زمین را با آنچه در میان آسمان‌ها و زمین است جز با هدفی بر حق نیافریدیم. لحظه رستاخیز هم آمدنی است و کیفر عاصیان و کافران قطعی خواهد بود. اینک با اغماض و گذشتی نیکو از ملامت آنان درگذر.
٨٦. به یقین پروردگارت به هرگونه آفرینشی - گرچه از دل خاک باشد - خلاق و دانا است.

الْعَظِيمِ ۸۷ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفَضْنَا جَنَاحَكَ
 لِلْمُؤْمِنِينَ ۸۸ وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ۸۹ كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ۹۰ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ
 عِضِينَ ۹۱ فَو رَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ۹۲ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۹۳ فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ
 الْمُشْرِكِينَ ۹۴ إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ۹۵ الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۹۶ وَ
 لَقَدْ نَعَلْنَاكَ أَنْتَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ۹۷ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ۹۸ وَاعْبُدْ
 رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ۹۹

۸۷. به حق سوگند که ما هفت سوره حم را از سوره‌های حامل تأویل قرآن به تو داده‌ایم با قرآن بزرگ که دیگران با تو شریکند و با این گنجینه بزرگ رحمت، بالاترین نعمت و کامیابی برای تو حاصل شده است.

۸۸. دیدگانت را با اعجاب و شگفتی به سوی آن نعمت و دولت که به مردان و زنان کفرپیشه عطا کرده‌ایم خیره مکن و بر کفر و ناسپاسی آنان نیز تأسف مخور. بال‌های لطف و رحمت را برای مؤمنان بر زمین بگستران.

۸۹. و بگو: بی‌شک من منادی حقم و آشکارا اعلام خطر می‌کنم.

۹۰. آن‌سان خطری که بر صاحبان سهام نازل کردیم.

۹۱. آنان که قرآن را میان خود تقسیم کردند تا هر یک به رد و نقض قسمتی از آن بپردازند.

۹۲. به حق پروردگارت سوگند که از همه آنان بازپرسی خواهیم کرد.

۹۳. از آن دستاوردی که در مبارزه با قرآن ارائه می‌کردند.

۹۴. پس دعوت خود را برای عموم مردم آشکارا کن و از این پس جار برکش و فریاد بزن و اعلام خطر کن و از دعوت دولتمندان شرک اعراض کن.

۹۵. بی‌شک ما شر استهزاگران‌شان را از تو کفایت کردیم که دیگر مزاحمت نکنند.

۹۶. آنان که با خدای جهان، خدایی دیگر برای خود برقرار کرده‌اند. به زودی فرجام کارشان را می‌نگرند.

۹۷. به یقین ما هم گهگاه می‌بینیم که از توهین و جسارت آنان تنگدل می‌شوی.

۹۸. اینک دفاع و تعرضی در میان نیست با سپاس و ستایش پروردگارت را تسبیح کن و از ساجدان باش که آرامش دل حاصل شود.

۹۹. و پروردگارت را پرستش کن تا آخرین دم که یقین واقعی در راه است.

النحل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ^١ يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ^٢ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ^٣ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ^٤ وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ^٥ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ^٦ وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا لِيُبَشِّرَ الْإِنْفُسَ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرؤُوفٌ رَحِيمٌ ^٧ وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ^٨ وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ

١. فرمان خدا به آغاز هجرت و تأسیس حکومت برای سرکوبی مشرکان و محو آثار شرک فرا آمد از این پس شتاب مورزید و خدا را به صدور فرمان عذاب وامدارید. خداوند رحمان منزه و والاتر از آن است که با خدایان پوشالی و ناتوان مشرکین انباز باشد.
٢. خداوند رحمان فرشتگان خود را با موجی از فرمان خود بر آن بنده‌ای که بخواهد نازل می‌کند که مشرکان را از فرارسیدن رستاخیز بترسانید چرا که خدایی جز من نیست پس باید از خشم من بترسید و شرک نورزید.
٣. آسمان و زمین را به حق و با هدفی درست آفرید تا مردم را بیازماید. والاتر از آن که با خدایان پوشالی مشرکین همتا باشد و یا کسی را به خدایی شریک بگيرد.
٤. انسان را از يك نطفه آفرید و پرورید و اینک همین انسان با پروردگار خود در جدل است و آشکارا درصدد ستیز است.
٥. دامها را برای شما انسانها آفرید که با پوست و پشم آنها سرما را از خود دور کنید و سودهای دیگری ببرید و از گوشت آنها تناول کنید.
٦. و برای شما در نگهداری دامها و پرورش آنها جمال زندگی است در آن لحظاتی که شامگاهان برای استراحت به آغل برمی‌گردند و یا صبحگاهان برای چرا به دشت و کوهستان می‌روند.
٧. و احياناً بارهای سنگین شما را به سرزمینی حمل می‌کنند که شما خود با آن بارها جز با مشقت و جان‌کندن نخواهید رسید. به یقین پروردگار شما با رأفت و مهربان است.
٨. و برای شما اسبها و استرها و درازگوشها آفرید تا بر پشت آنها سوار شوید و هم‌زینت زندگی باشند و خدا چیزها می‌آفریند که شما نمی‌دانید تا چه رسد که از وجود آنها سود

لَهْدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ۹ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ۱۰
يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ
يَتَفَكَّرُونَ ۱۱ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِ إِيَّانَا فِي
ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۱۲ وَمَا ذَرَأْنَا فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ
يَذَكَّرُونَ ۱۳ وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلَةً تَلْبَسُونَهَا وَ
تَرَى الْفُلْكَ مَوَازِيرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۱۴ وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ
تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لِعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۱۵ وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ۱۶ أَمْ مَنْ يَخْلُقُ

بجوید.

۹. بر عهده خداست که راه میانگین را ارائه دهد و برخی راهها از راه اصلی منحرف است و اگر خواسته باشد شما را همگان به راه درست و میانه رهبری خواهد کرد.
۱۰. او است که از آسمان برای شما بارانی نازل کرد که قسمتی نوشابه شما خواهد شد و قسمتی شاخ و برگ درختان و گیاهان که دام و چارپای خود را بچرانید.
۱۱. با آن باران برای شما دانه‌های گندم و ذرت می‌رویانند و زیتون و خرما و انگور و گونه‌گون میوه‌ها می‌پروراند. در این خواسته‌ها، نشانه‌ها است برای آن مردمی که می‌اندیشند.
۱۲. و به سود شما شب و روز را و خورشید و ماه را به خدمت گرفت. ستارگان با فرمان او برای خدمتگزاری رامند. در این پدیده‌ها برای خردمندان نشانه‌ها مشهود است.
۱۳. و هر تخمی را که در زمین افشانند به سود شما رام کرد با رنگ‌های مختلف و انواع گوناگون، به یقین در این بذرافشانی نشانه‌ای است برای آن مردم که به خاطر می‌سپارند.
۱۴. او است که دریا را در اختیار شما نهاد تا از گوشت تازه آن تناول کنید و زیورهایی چون گوهر و مروارید و مرجان استخراج کنید و بر تن بیارید. کشتی‌ها را می‌بینی که سینه دریا را می‌شکافند و پیش می‌تازند تا بار خود را حمل کنند و یا مسافران را جابجا نمایند و شما از مازاد رحمت او روزی بجوید و بدین منظور که شاید شاکر نعمت باشید.
۱۵. کوهها را در دل خاک استوار نمود مبادا که شما را در سطح خود بلغزند و با خاک و گل درهم پیچد و در پیچ‌وخم کوهها رودها و جاده‌ها آفرید باشد که رهیاب شوید.
۱۶. و برای رهیابی شما از چین‌وشکن کوهها و رنگ‌های صخره‌ها علامت‌ها نهاد و در شب با رصد ستارگان رهیاب می‌شوند.

كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ^{١٧} وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصَوْهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ^{١٨} وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَمَا تَعْلَنُونَ^{١٩} وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ^{٢٠} أَمْوَاتٌ غَيْرَ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ^{٢١} إِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ قَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ^{٢٢} لَا جْرَمَ أَنْ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا يَسْرُونَ وَمَا يَعْلَنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ^{٢٣} وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ^{٢٤} لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ^{٢٥} قَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَاتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ

١٧. آیا خدایی که می آفریند با خدایی که نمی آفریند برابر است. آیا این نکته‌ها را به خاطر نمی‌گیرید؟

١٨. اگر نعمت‌های خدا را بشمارید به آمار آن موفق نمی‌شوید. به یقین خداوند جهان‌آمرزنده‌ای مهربان است. که با وجود کفر و نافرمانی نعمت خود را زایل نمی‌نماید.

١٩. و خداوند جهان کسی است که آنچه را نهان بدارید و آنچه را عیان سازید همه را یکسان و برابر می‌داند.

٢٠. و آن خدایانی که مشرکان غیر از خدای جهان به خدایی می‌خوانند چیزی نمی‌آفرینند و خود آفریده دست دیگرانند.

٢١. خدایانی مرده و بی‌شعور که نمی‌فهمند از این معبد به کدام معبد منتقل می‌شوند.

٢٢. خداوند شما، خدایی است یکتا که روز جزا را وعده‌گاه شما قرار داده است و آنان که به روز جزا ایمان نمی‌آورند دل‌هایشان کیفر و پاداش قیامت را منکر است و مفهوم جزا و رستاخیز را نمی‌شناسند و خود را از همگان والاتر و بزرگتر احساس می‌کنند.

٢٣. این نه جای چون و چرا است که خداوند جهان نهان و عیان آنان را می‌داند و از راز دل آنان خبر دارد. خداوند جهان مستکبران خودبین را دوست نمی‌دارد.

٢٤. و چون به آنان گفته شود: این چه قرآنی است که پروردگارتان نازل کرده است؟ می‌گویند: «نوشته‌ها و افسانه‌های پیشینیان است».

٢٥. اینان که خود گمراهند و دیگران را به گمراهی می‌کشاند روز قیامت باید بار گناهان خود را به صورت کامل بر دوش بکشند و قسمتی از بار گناهان این مردم را که از بی‌دانشی به گمراهی می‌کشاند. بدانید و بدانند، بدباری بر دوش خود می‌کشند.

لَا يَشْعُرُونَ^{٢٦} ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِبُهُمْ وَيَقُولُ آيِنَ شُرَكَائِي الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقِقُونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ^{٢٧} الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوْا السَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَى إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ^{٢٨} فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَيْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ^{٢٩} وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلِدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ^{٣٠} جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ^{٣١} الَّذِينَ

٢٦. امت‌های پیشین هم بدین صورت حيله و تزوير نمودند که خداوند جهان خانه‌ها و کاخ‌هایشان را از پی لرزاند و هوار سقف را بر سرشان فرو ریخت و عذاب خدا از آنجایی گریبانشان را گرفت که هرگز تصور نمی‌کردند.

٢٧. علاوه بر عذاب دنیا به روز رستاخیز هم رسوایشان خواهد ساخت و به آنان خواهد گفت: کجایند آن خدایانتان که از خدایی آنان با ستیز و جدل دفاع می‌کردید تا اینک از شما دفاع نمایند؟ و آن دسته از مردان خدا که علم و دانش را با موهبت الهی دریافت کرده‌اند می‌گویند: امروز رسوایی و بدبختی بر سر کافران هوار است.

٢٨. هم‌آنان که فرشتگان جان‌هایشان را در حال جرم و سیه‌کار توقیف می‌نمایند و چون با خشم فرشتگان مواجه می‌شوند، تسایم می‌شوند و می‌گویند: ما کار بد نکرده‌ایم و گناهی مرتکب نشده‌ایم. چرا هم مشرک بوده‌اید و هم در خطاکاری غرق بوده‌اید. به یقین خداوند جهان به دستاورد شما دانا است.

٢٩. از این رو به دره‌های دوزخ درآیید که باید جاودانه در آن بمانید و چه بدجایگاهی است جایگاه متکبران.

٣٠. و به پرهیزکاران گفتند: این چه قرآنی است که پروردگارتان نازل کرده است؟ گفتند: «خداوند رحمان بهترین کتاب آسمانی را نازل کرده است». برای آن کسانی که در زندگی دنیا نیک‌اندیش باشند نیکی و خوبی مقدر شده است و خانه آخرت برای آنان بهتر از خانه دنیا است و چه خوب است خانه پرهیزکاران.

٣١. بوستان‌های همیشه‌بهار که در آن مأوا بگیرند از زیر درختانش نهرها روان است و هرچه خواهند برایشان مهیا است. خداوند رحمان پرهیزکاران را به این صورت پاداش عطا می‌کند.

تَوَفَّاهُمْ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۳۲ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرٌ رَبِّكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۳۳ فَاصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۳۴ وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۳۵ وَلَقَدْ بعثنا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ ۳۶ إِنْ تَحَرَّصَ عَلَى

۳۲. و هم آنان که فرشتگان جان‌هایشان را در حال پاکی و قداست قبض و دریافت می‌نمایند و به آنان می‌گویند: سلام باد بر شما! به بوستان‌های بهشت درآید به پاداش طاعتی که به دست می‌کردید.

۳۳. آیا مشرکان جز این هم انتظار دارند که فرشتگان نازل شوند و بساط زندگی را برچینند تا رستاخیز عمومی را آغاز نهند؟ و یا آن که فرمان پروردگارت سر برسد و با عذاب آسمانی ریشه‌کن شوند؟ امت‌های پیشین نیز مانند اینان با سیه‌کاری شرک به انتظار عذاب الهی نشستند و ریشه‌کن گشتند. خداوند رحمان آنان را به سیاهی نکشید، بلکه آنان جان خود را به سیاهی می‌کشیدند.

۳۴. لذا دستاورد سوء آنان گریبانشان را گرفت و همان عذابی بر سرشان فرود آمد که آن را به استهزاء می‌گرفتند.

۳۵. مشرکان گفته‌اند که اگر خدا خواسته بود ما هیچ خدای دیگری جز او را پرستش نمی‌کردیم نه ما و نه پدران ما. و چیزی را هم بی‌تحریم خدا حرام نمی‌کردیم. پیشینیان نیز به همین صورت بهانه‌ها ساز کردند و کارهای خلاف خود را به خواست خدا وابسته کردند تا دعوت رسالت را ناموجه جلوه دهند. اگر مردم درصدد بهانه‌جویی و فلسفه‌بافی باشند آیا بر رسولان ما غیر از ابلاغ آشکارا تکلیف دیگری هست؟

۳۶. بی‌شک ما در میان هر امتی یک‌تن را به رسالت برانگیختیم که خدا را پرستید و از هر موجودی که در برابر خدا سر برکشد دوری گزینید. بدین‌صورت خدا با دعوت رسولان خود برخی را به راه درست رهبری کرد و برخی دگر داغ گمراهی بر پیشانی آنان نقش بست. شما در عرصه گیتی سفر کنید و آثار تمدن پر عزتشان را نظاره‌گر باشید و بنگرید فرجام آن مشرکان به کجا انجامید که رسالت الهی را تکذیب کردند.

هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۳۷ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۳۸ لِيَبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ ۳۹ إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۴۰ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنبُوئْتَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَآجِرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۴۱ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۴۲ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۴۳ بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ۴۴ أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ

۳۷. اگر تو بر هدایت این گمراهان حریص و علاقمند باشی این را بدان که خداوند جهان کسی را که خودش گمراه کند دیگر هدایت نخواهد کرد و کسی به یاری او نخواهد شتافت
 ۳۸. مشرکان سوگند خوردند با قسم جلاله که خداوند جهان هرگز مردگان را زنده نخواهد کرد؛ چرا، بر اساس آن وعده‌ای که خدا به حق بر عهده خود نهاده است مردگان را زنده خواهد کرد، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

۳۹. خداوند رحمان همه مردگان را زنده خواهد کرد تا مسئله رستاخیز اختلاف‌انگیز را برایشان روشن کند و کافران بدانند که چگونه در دنیا دروغ می‌بافته‌اند که رستاخیز قیامت را غیرممکن می‌خوانده‌اند.

۴۰. جز این نیست که اگر ما بخواهیم کاری صورت بدهیم به ناموس ملکوتی آن می‌گوییم: باش، و آن خواسته ما در ظرف مقدر خود وجود خواهد گرفت.

۴۱. آن کسانی که با رسول خدا بیعت کردند که دین خدا را نصرت کنید و مهاجران را با آغوش باز بپذیرند با آن کسانی که در راه خدا از خانه و کاشانه خود هجرت کردند از آن پس که زندگی و حیات آنان به دست نابکاران سیاه شده بود در زندگی دنیا خانه و لانه خوبی در اختیارشان می‌گذاریم. پاداش آخرت آنان از این هم والاتر و بزرگتر است. کاش می‌دانستند.

۴۲. هم‌آنان که بر سیه‌کاری مشرکان شکبیا ماندند و بر پروردگارشان توکل می‌نمایند.
 ۴۳. ما پیش از تو رسولانی به سوی مردم نفرستادیم جز مردانی همانند تو را که از میان امت‌ها گزین کردیم و به آنان وحی نمودیم. اگر نمی‌دانید و تردید می‌کنید بروید و از یهود و نصاری بی‌رسید که یادواره انبیا را در دست دارند.

۴۴. ما رسولان پیشین را با دلایل روشن‌گر و نوشته‌های مقدس گسیل کردیم و بر تو از آسمان یادواره قرآن را نازل نمودیم تا آنچه را از معارف آسمانی به سوی مردم نازل شده

اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ^{٤٥} أَوْ يَأْخُذُهُمْ فِي تَقْلِبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ^{٤٦} أَوْ يَأْخُذُهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرْؤُوفٌ رَحِيمٌ^{٤٧} أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَنْفِيًا ظَالِمًا عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ^{٤٨} وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةِ وَهُمْ لَا يُسْتَكْبِرُونَ^{٤٩} يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ^{٥٠} وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهِينَ اثْنَيْنِ إِنَّهُ هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ فَإِذَا يَدْعُونَ^{٥١} وَ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ لَهُ الدِّينُ وَاصْبِرْ أَوْ غَيْرِ اللَّهُ تَتَّقُونَ^{٥٢} وَ مَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمَنْ اللَّهُ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمْ الضَّرُّ فَالْيَهُ تَجْتَرُونَ^{٥٣} ثُمَّ إِذَا كُشِفَ الضَّرُّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْكُمْ بِرَبِّهِمْ

است برایشان روشن سازی تا دریابند و بپذیرند و باشد که بیندیشند.

٤٥. آیا آن کسانی که حیل‌ها برانگیختند و بدی‌ها ساز کردند ایمن شده‌اند که خداوند جهان،

زمین را زیر پایشان فرو ببرد و یا عذاب خدا از آنجا که تصور نکنند بر سرشان فرود آید؟

٤٦. و یا در حال سیر و سفر آنان را با یک فاجعه به کیفر بگیرد که فرصت گریز نماند.

٤٧. و یا با ایجاد رعب و وحشت نگرانشان سازد شاید که دل‌ها نرم شود. بی‌شک پروردگار

شما با رأفت و مهربان است.

٤٨. آیا ندیده‌اند که هر موجود سرکش و سرفرازی که خدا آفریده است به هنگام خواب به

خاک می‌افتد و به هنگام مرگ سر به تیره خاک فرو می‌برد؟ و ندیده‌اند که سایه‌هایشان از

چپ و راست بازمی‌گردد و برای خدا بر خاک می‌افتد و خاکساری می‌کند تا پایان زندگی

آنان را بر روی خاک تصویر کند.

٤٩. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین از جانداران و فرشتگان وجود دارند برای خدا سر به

خاک می‌سایند و کبریا ندارند.

٥٠. از پروردگار خود در هراس و بیمند که برفراز سر آنان در نظاره است و آنچه فرمان یابند

بجا می‌آورند.

٥١. و خدا فرمود: دو خدا برای پرستش اتخاذ نکنید که این یک، خدای خیر است و آن یک،

خدای شر است. در جهان فقط یک خدا وجود دارد که من هستم. از صولت و هیبتم

بهراسید.

٥٢. آنچه در آسمان‌ها و زمین است ملک خداست نه شریک خدا، و کیفر و پاداش هم لزوماً

در دست خدا است. آیا از خشم دیگران می‌هراسید؟

٥٣. هر نعمتی که در اختیار شما باشد از لطف و انعام خدای جهان است که شکر آن را

يُشْرِكُونَ^{٥٤} لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ^{٥٥} وَ يَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيْبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتَسْتَلْنَ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ^{٥٦} وَ يَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَ لَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ^{٥٧} وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٍ^{٥٨} يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ^{٥٩} لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَ لِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ^{٦٠} وَلَوْ يَوَّاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ

نمی‌گزارید و چون ضرر و زبانی به شما وارد آید به درگاه او التجا می‌برید.

٥٤. و چون خدای جهان ضرر و زیان را از شما بردارد بی‌تأمل جماعتی از سران شما به پروردگار خود شرک می‌آورند و خدایان پوشالی را سپاس می‌گذارند.

٥٥. تا نعمت ما را زیر پا بگذارند و کفر خود را زنده نگه‌دارند؛ باشد شما چند روزه دنیا کامرانی کنید که به زودی سزای شرک خود را می‌بیند.

٥٦. برای خدایان پوشالی خود که چیزی نمی‌فهمند سهمی از غلات و دام‌هایی که به آنان داده‌ایم برقرار کرده‌اند. به خدایی خدا سوگند که شما مشرکان از این دروغ‌ها و بافته‌ها بازرسی می‌شوید.

٥٧. با منطق موهوم خود برای خداوند جهان دختران را گذاشته‌اند که چون فرشتگان لطیف و خوش‌رنگند تا اگر خدایشان با آن دختران بیامیزد خدایی نرم‌خو بزاید که همواره صلح و صفا بخواهد - پاک است ساحت قدس خدا از زن و فرزند - ولی برای خود پسران را خواهان شده‌اند که طبعی زمخت و خشن دارند و جنگ و غارت را سامان می‌دهند.

٥٨. و چون یکی از مشرکان را به ولادت دختر بشارت دهند چهره او از غیظ و نفرت سیاه می‌شود و با سکوت بر خشم و نفرت خود سرپوش می‌نهد.

٥٩. از ملاقات با مردم دوری می‌گزیند از آن‌رو که میلاد دختر برای او مایه شرمساری است. سرنوشت دختر هم نامعلوم است که آیا با خواری و مهانت نگهداریش کند و یا بی‌اعتنا به تغذیه و بهداشت و دارو، روانه گورستانش کند و در خاک نهان سازد. بدانید و بدانند که بد داوری می‌نمایند.

٦٠. مثل بد، برای مشرکان است که به روز آخرت ایمان نمی‌آورند و مثل خوب، برای مؤمنان که به روز آخرت ایمان دارند و مثل والاتر و بهتر از آن خداوند جهان است و او عزتمند و کاردان است.

سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ^{٦١} وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَسِنَّتَهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَى لَا جَرَمَ أَنْ لَهُمُ النَّارُ وَأَنَّهُمْ مُفْرَطُونَ^{٦٢} تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^{٦٣} وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ^{٦٤} وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ^{٦٥} وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِ مِن بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ^{٦٦} وَمِن ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ

٦١. اگر خداوند جهان مردم را به کیفر سیه کاری بگيرد کره زمين را درهم می‌ریزد و بر پهنه گیتی جانوری برجا نمی‌گذارد ولی برنامه آزمون ايجاب می‌کند که به آنان فرصت دهد و مرگ آنان را تا سررسيد اجل که در کتاب تکوين ثبت است به تأخير افکند و چون اجل آنان فرارسد ديگر لحظه‌ای تأخير ندارند و لحظه‌ای شتاب نمی‌ورزند.

٦٢. مشرکان دختران خود را که با نفرت می‌نگرند و دوست نمی‌دارند برای خدا می‌گذارند تا خدا دوستشان بدارد و صریحاً با زبان - نه با دل و جان - اين دروغ را می‌پرورند که اگر زندگی بهتری به نام آخرت برای بشر مقدر و مقرر شده باشد از آن ما خواهد بود. اين نه جای چون و چرا است که در آخرت آتش دوزخ نصيب آنان باشد و آنان پيش از پيروانشان به دوزخ شوند.

٦٣. به خدا سوگند که ما پيش از تو رسولانی به سوی امت‌ها فرستادیم که آنان را به راه درست زندگی رهياب سازند ولی شيطان کردار و پندارشان را با تصورات خام و منطق پوشالی آراست و راه انبيا را بر روی آنان بست و لذا تا امروز هم به رهبری و سرپرستی آنان برقرار مانده است. برای همه آنان عذاب دردناکی مهيا است.

٦٤. ما کتاب آسمانی قرآن را بر تو نازل نکردیم جز بدین خاطر که مسئله رستاخيز اختلاف‌انگيز را برای مردم روشن سازی و بدین خاطر که رهنمودی باشد و رحمتی برای آن مردم که ایمان می‌آورند.

٦٥. و خداست که از آسمان بارانی فروریخت و با آن آب باران، خاک را بعد از مرگ و افسردگی زنده کرد. در اين مرگ و زندگی برای آن مردم که گوش شنوا دارند نشانه‌ها مشهود است.

٦٦. و برای شما در آفرینش دام‌ها عبرتی است که از داخل سیرابی و نگاری و هزارلا شیره غذا را می‌گذراند و ما از میان شیره شیردان تا برسد به خون پستان شیری خالص و گوارا

سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ^{٦٧} وَ أَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ^{٦٨} ثُمَّ كَلَّمِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَأَسْلُكِي سَبِيلَ رَبِّكَ ذَلَّلَا يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^{٦٩} وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمَرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ^{٧٠} وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ^{٧١} وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا

برای نوشیدن در اختیار نوشندگان می‌گذاریم.

٦٧. و از خرما و انگور افشرده‌ای شکرین و شیرهای بسان انگبین تهیه می‌نماید. به یقین در آفرینش این میوه‌های شیرین نشانه حق، روشن است اما برای آن مردمی که خرد را بکار می‌گیرند.

٦٨. و پروردگارت به زنبور عسل اشارت کرد که از صخره‌های کوهستان برای خودت خانه‌هایی برگزین و یا از درخت‌ها و داربست‌هایی که مردمان بر سرپا می‌نمایند.

٦٩. بعد از آن که لانه خود را ساختی از هر گونه‌گون میوه‌ای تناول کن و به لانه‌های شش‌گوشه‌ات که صنع پروردگار است وارد شو که بس نرم و هموار است. در این لانه‌های شش‌گوش است که از شکم‌های زنبور عسل نوشابه‌ای برآید با رنگ‌های گوناگون که در آن نوشابه برای مردم شفای دردمندی است. به یقین در این نوشابه‌سازی نشانه حق روشن است اما برای آن مردمی که می‌اندیشند.

٧٠. و خداوند، شما را آفرید و در پایان زندگی جان شما را قبض می‌کند. برخی از شما مردم، در جوانی و برخی در پیری دار فانی را ترک می‌گویند و برخی از شما به خوارترین دوره زندگی بازمی‌گردند که در سالخوردگی چون خردسالان ناتوانند و دانش باز یافته خود را هم از یاد می‌برند. به یقین خداوند جهان دانا و توانا است.

٧١. خداوند جهان، روزی برخی از شما را بر روزی آن دیگری فزون ساخته است تا آن حد که برخی مالکند و برخی مملوکنند، آن کسانی که روزی خود را از دسترنج بردگان به دست می‌آورند حاضر نمی‌شوند که سهم زائد خود را به بردگان خود برگردانند و با هم برابر شوند از آن رو که خود را مالک نعمت می‌شناسند و بردگان را مانند اسب و استر مملوک خود می‌شمارند. آیا خودشان را مالک نعمت می‌شناسند اما نعمت خدا را منکر شده‌اند که آفریده خدا را در کنار خدا به خدایی می‌نشانند؟

وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ^{٧٢} وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ^{٧٣} فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^{٧٤} ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ^{٧٥} وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ^{٧٦} وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ

٧٢. خداوند جفت شما را هم‌جان خودتان آفرید و از همسرانتان برای شما فرزندان و فرزندزادگان موهبت کرد و شما را از خوراکی‌های خوب زمین روزی کرد. آیا مشرکان به فلسفه موهوم خود ایمان می‌آورند و به این همه نعمت‌های خدا که یاد شد کفر می‌ورزند؟

٧٣. و در عوض خداوند رحمان، خداوندان پوشالی را می‌پرستند و ثناخوان می‌شوند که هرگز مالک چیزی نیستند و نمی‌توانند از آسمان‌ها و زمین به مردم روزی بدهند.

٧٤. پس شما برای خداوند رحمان از اینجا و آنجا مثل نزنید و نگویید: مثل خداوند جهان، مثل آن مالک کل است که ادارهٔ املاک خود را به مباشرانش واگذار کرده باشد. و یا مانند بانکداری است که حساب اموالش را به محاسبانش سپرده باشد. و یا مانند سلطانی است که ادارهٔ کشورش را به وزیرانش سپرده باشد و تنها از نتایج کار آنها باخبر می‌شود. خداوند جهان، مثل خود را می‌داند و شما نمی‌دانید.

٧٥. خداوند برای شما مثلی زده است: بردهٔ زرخریدی که مالک چیزی نیست و آنچه به دست آورد، به مالک او تعلق خواهد گرفت. در مقابل او مردی آزاده و صاحب‌اراده که روزی خوبی از خزانهٔ خود به او عطا کرده‌ایم و او با دست گشاده شب یا روز در نهان یا عیان به دیگران انفاق می‌کند، آیا این دوتن برابرند؟ خدا را شکر و سپاس که این مثل روشن است و باید همگان بدانند ولی بیشتر این مشرکان تفاوت این دوتن را نمی‌فهمند و مملوک دست‌بستهٔ خدا را در کنار خدا به خدایی می‌نشانند.

٧٦. خداوند یک مثل دیگر زده است، دو مرد را در نظر بگیرید و با هم مقایسه کنید، یکی گنگ است و به هیچ‌وجه قادر به کسب‌وکار و تجارت نیست و بار معاش و زندگی او بر دوش خواجه‌اش سنگینی می‌کند و هرچا روانه‌اش سازد با دست پر باز نمی‌گردد، و آن دیگری با زبانی فصیح و بلیغ و با خردی ژرف و عمیق خطابه می‌خواند و به عدل و داد

إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٧٧ وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ٧٨ أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ٧٩ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّن بِيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُم مِّن جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِن أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ٨٠ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ظَلَالًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُم سَرَائِلَ تَقِيكُمْ الْحَرَّ وَسَرَائِلَ تَقِيكُمْ بِأَسْكُمْ كَذَلِكَ يَتِمُّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ ٨١ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ٨٢ يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يَنْكُرُونَهَا وَ

فرمان می‌دهد و خود نیز بر راه راست و درست گام می‌زند، آیا این دو با هم برابرند؟
 ٧٧. نهان آسمان‌ها و زمین در دست خداوند است. فرمان قیامت صادر نمی‌شود جز در یک لحظه مانند یک برق چشم و یا کمتر از آن. به یقین خداوند جهان بر هر خواسته‌ای توانا است.
 ٧٨. خداوند شما را از شکم مادرانتان برون آورد و شما هیچ نمی‌دانستید. بدین منظور که در این دنیا بفهمید و دریابید و بدانید برای شما گوش و چشم و دل آفرید، باشد که شما شاکر این نعمت باشید.
 ٧٩. آیا به سنگ‌های پرندۀ آسمانی نظر نیفکنده‌اید که در فضای بالای آسمان رام و مسخرند و به هر جا فرمان دهد روان می‌شوند؟ آن سنگ‌ها را جز خداوند رحمان بر زیر آسمان نگه نمی‌دارد. به یقین در این طیران سنگ‌ها نشانه‌های ربوبی عیان است اما برای آن مردمی که این می‌آورند.
 ٨٠. خداوند برای شما از خانه‌هایی که در آن به سر می‌برید آرامش و قرار تن برقرار کرد و برای شما از پوست دام‌ها خیمه‌هایی برقرار نمود که روز کوچ کردن آسان و سبک برچیده شود و روز توقف آسان و سبک برپا شود. از پشم و کرک و موی دام‌ها اسباب و متاع زندگی برقرار فرمود برای روزگاری چند که در این جهان به سر می‌برید.
 ٨١. و خداوند از بوته‌ها و نیزارها و بیشه‌زارها برایتان سایه‌ها آفرید تا از گزند آفتاب در امان بمانید و برای شما از کوهستان‌ها غارها و کنام‌ها برقرار نمود تا از سورت سرما و برف و باران و تگرگ و صاعقه محفوظ بمانید و گرنه تاکنون نسل شما برجا نبود. برای شما جامه‌ها برقرار فرمود تا پیکر شما را از گزند گرما و سرما حفظ کند و جامه‌های دگر از پوست حیوانات که جان شما را از زخم نیزه و شمشیر مصون نگه‌دارد. خداوند جهان بدین‌سان

أَكْثَرَهُمُ الْكَافِرُونَ ۸۳ وَيَوْمَ نَبِّئُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذِنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ۸۴ وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفِّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ۸۵ وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُو مِنْ دُونِكَ فَأَلْقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ ۸۶ وَالْقَوَا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلْمِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۸۷ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ ۸۸ وَيَوْمَ نَبِّئُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَيِّبَاتًا لِّكُلِّ شَيْءٍ

نعمت خود را بر شما نسل بشر تمام کرد، باشد که به فرمان او گردن نهید.

۸۲. اگر بعد از این توضیحات منطقی باز هم مردمان مشرک به کتاب خدا پشت کردند متأسف مباش. زیرا جز این تکلیف دیگری بر عهدهات نیست که رسالت خود را علناً ابلاغ کنی.

۸۳. مردم نعمت خدا را می‌شناسند ولی منکر می‌شوند تا به سپاس آن مکلف نشوند و بیشتر آنان به نعمت‌های خدا کافرند و طبیعت را ثنا و ستایش می‌کنند.

۸۴. آن‌روز که از میان هر امتی یک‌تن را برانگیزیم که گواه اعمال آنان بوده باشد و چون داوری برقرار گردد به کافران رخصت ندهند که زبان باز کنند و از خود دفاع نمایند و یا آن که معذرت بخواهند.

۸۵. و چون سیه‌کاران به دوزخ درآیند و عذاب را با چشم خود بنگرند به عجز و لابه درآیند و استغاثه نمایند اما عذاب آنان سبک نشود و نه ساعتی عذاب را بردارند تا مهلت استراحت پیدا کنند.

۸۶. و چون مشرکان خداوندان پوشالی خود را بنگرند می‌گویند: پروردگارا! اینها بودند خدایان ما که در دنیا به پرستش آنان پرداختیم و پرستش تو را وانهادیم و خدایانشان با ایراد خطابه، تهمت آنان را برگردانند و مدلل کنند که شما دروغ می‌گویید و ما را پرستش نمی‌کردید.

۸۷. آن‌روز مشرکان سلاح سفسطه را بر زمین می‌افکنند و بافته‌های فلسفی خود را فراموش می‌کنند.

۸۸. آن کسانی که قرآن را تکذیب کرده‌اند و به خداوند رحمان کافر شده‌اند و با جنجال فلسفی راه خدا را بسته‌اند عذابی بالاتر از عذاب دیگران دارند از این‌رو که مردم را به فساد و تباهی کشاندند.

وَهْدَىٰ وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ
عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۗ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا
تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ ۙ وَلَا تَكُونُوا
كَالَّذِينَ نَقَضَتْ غَزْلَهُمَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا يَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ
مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلِيُبَيِّنَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ

۸۹. آن روز که در میان هر امتی گواهی از خود آنان برانگیزیم و تو را نیز به عنوان گواه این امت به عرصه رستاخیز بیاوریم داوری و محاکمه را آغاز می‌کنیم. ما کتاب آسمانی قرآن را بر تو نازل کردیم تا همه مسائل را روشن کند و رهنمودی باشد به همراه رحمت و بشارت برای آنان که به فرمان حق تن داده‌اند.

۹۰. شما مؤمنان باید بدانید که خداوند رحمان به دادگری و نیک‌اندیشی نسبت به همگان و عطابخشی به خویشان فرمان می‌دهد و از کارهای رسوا و کارهای زشت و بدناما و پامال کردن حق دیگران نهی می‌فرماید. خداوند رحمان شما مؤمنان را که می‌خواهید حکومت و فرمانروایی را آغاز کنید با این شرح و بیان و این منشور، فرمان موعظه می‌کند، باشد که به خاطر بسپارید.

۹۱. به شما فرمان می‌دهد که چون با اقوام همسایه و ملت‌های بیگانه عهد و پیمان بستید خدا را کفیل و ضامن بگیرید و عهد و پیمان خود را محترم بدارید و به آن وفادار بمانید. سوگندها و پیمان‌ها و عهدنامه‌های خود را بعد از استواری و محکم‌کاری نقض نکنید با آن که خدا را وکیل و ضامن گرفته‌اید. بی‌شک خدا می‌داند که شما چه کاری صورت می‌دهید.

۹۲. شما همانند آن عجوزه نباشید که پنبه خود را تابید و رشته کرد سپس رشته آن را و تابید و پنبه کرد، به این صورت که مانند یهودیان سوگندهای خود را دستاویز فریب و دغل‌سازید تا رقیبان خود را خام کنید که مبادا این‌عشیره بر آن‌عشیره فزونی گیرد. جز این نیست که خداوند جهان با کاستی‌ها و فزونی‌ها شما را آزمون می‌کند که آیا صاحبان قدرت و ثروت، با جامعه مستمندان و مردم ناتوان، به راه دادگری و نیک‌خواهی می‌روند یا در اثر خودخواهی حقوق دیگران را پامال می‌کنند. به حق سوگند که خدا در روز قیامت مسائل اختلاف‌انگیز را روشن می‌کند و دادگران شما را از خودخواهان شما جدا می‌سازد.

لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يَضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۙ وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۙ وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۙ مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۙ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۙ فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ۙ إِنَّهُ

۹۳. اگر خدا خواسته بود شما مردم را امتی یکپارچه و متحد می‌ساخت که اختلافی در میان ملت‌ها و عشیره‌ها نباشد و همگان بر راه حق مجتمع باشند، اما خداوند جهان‌چین نمی‌خواست. بلکه او خواست شما را بیازماید که با اراده و انتخاب خود از خداوند رحمان فرمان ببرید و یا راه شیطان را در پیش بگیرید. خداوند جهان با خواست و مشیت خود هر که را بخواهد گمراه می‌کند و هر که را بخواهد رهبری و هدایت می‌نماید. بی‌شک همه شما در روز قیامت از دستاورد خود بازپرسی می‌شوید.

۹۴. مبدا سوگندها و عهدهای خود را دستاویز فریب و دغل سازید که رقیبان شما دست به انتقام‌جویی بزنند و بعد از وفاداری به پیمان و قسم گام آنان بلغزد و هستی شما را به آتش بکشند و شما طعم بدکاری و بدفرجامی کار خود را بچشید از آن‌رو که راه راستی و درست‌کرداری را بر روی مردم بسته‌اید و دین خدا را در نظر مردم آلوده و ننگین ساخته‌اید و برای شما عذاب بزرگ آخرت هم مهیا است.

۹۵. مبدا عهد و پیمان خدا را زیر پا بگذارید که سیم و زری اندک به دست آورید. بی‌شک پاداش خدا برای شما بهتر از سیم و زر است اگر دانسته باشید.

۹۶. نعمتی که اینک در اختیار شما قرار دارد پایان‌پذیر است و آن نعمتی که در پیشگاه خدا مخزون است پایدار و جاوید است و به حق سوگند که هرکس در وفای به عهد و قسم، صابر و پایدار بماند پاداش او را بر اساس بهترین دستاورد او تقدیم می‌نماییم.

۹۷. پاداش بهتر تنها ویژه شما وفاداران عهد و قسم نخواهد بود بلکه هرکس از زنان و مردان کارنیکی انجام دهد با این شرط که مؤمن بوده باشد زندگی پاک و خوبی به او عطا می‌نماییم و پاداش او بر اساس بهترین دستاورد او تقدیم خواهد گشت.

۹۸. و تو ای رسول ما! هرگاه به قرائت قرآن پرداختی از شیطان رجیم به چوار خداوند رحمان پناه بگیر که در امواج صدایت نفوذ نکند و آیات خدا را به گونه‌ای دگر به گوش

لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ^{٩٩} إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ^{١٠٠} وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَنْزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ^{١٠١} قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ^{١٠٢} وَلَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ^{١٠٣} إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^{١٠٤} إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكُذِّبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَادِبُونَ^{١٠٥} مَنْ

مردم نرساند.

٩٩. شیطان بر آن مؤمنان که بر پروردگارشان توکل کرده‌اند تسلط ندارد که در پردهٔ گوش آنان ارتعاشی بیفزاید و یا در قلب آنان نفوذ کند.

١٠٠. نفوذ شیطان بر سر آن کسانی است که او را مولای خود گرفته‌اند و از او فرمان می‌برند و بر سر آن کسانی که با طاعت و پرستش شیطان مشرک شده‌اند.

١٠١. و چون آیتی از آیات قرآن را با آیت دیگری تبدیل کنیم تا نکته‌های آن را از زاویه‌های مختلف بررسی نماییم - با آن که خداوند رحمان به آیاتی که نازل می‌کند داناتر از دیگران است - مشرکان می‌گویند: جز این نیست که تو یک افتراپردازی. همواره گفته‌هایت را اصلاح می‌کنی و هر نکتهٔ تازه‌ای که به خاطر برسد بر آن می‌افزایی و به خدای جهان می‌بندی. نه چنین است که مشرکان از راز قرآن با خبر شده‌اند بلکه بیشتر آنان از مسائل تعلیم و تربیت بی‌اطلاعند.

١٠٢. در پاسخ آنان بگو: قرآن را روح‌القدس به حق از جانب پروردگارت نازل کرده است تا مردمان را با چهره‌های مختلف قرآن آشنا سازد و مؤمنان را در ایمانشان تثبیت کند و رهنمود و بشارتی باشد برای آن مردمی که تسلیم شده‌اند.

١٠٣. به یقین ما گاه و بیگاه می‌بینیم که مشرکان می‌گویند: یک نفر هست که قرآن را به او می‌آموزد. نه فرشته‌ای درکار است و نه روح‌القدس، اما این سخن مغلطه‌کاری است، زبان آن مردمی که قرآن را به او نسبت می‌دهند زبان نارسای عجمی است و زبان این قرآن، زبان عربی است که می‌تواند هرگونه مفهومی را آزادانه بیوراند و به مستمع برساند.

١٠٤. به یقین کسانی که به آیات خدا ایمان نمی‌آورند خداوندشان رهبری نمی‌فرماید که مغلطه‌ها را دور بریزند و معارف قرآن را دریابند. برای آنان عذاب دردناکی مهیا است.

١٠٥. فقط آن کسانی که رسول خدا افترا می‌زنند که نمی‌خواهند به آیات خداوند ایمان

كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيْمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيْمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ^{١٠٦} ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ^{١٠٧} أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ^{١٠٨} لَا جْرِمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ^{١٠٩} ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ^{١١٠} يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمَلَتْ وَهَمْ لَا يُظْلَمُونَ^{١١١} وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ

بیاورند. آنهایند که دروغ پردازند و فلسفهٔ شرک را به بافته‌اند.

۱۰۶. هرکس که مرتد شود و بعد از ادای شهادت سخن کفر بر زبان آورد و بت‌ها را ستایش کند - نه آن‌دسته از مؤمنان که در اثر جبر و اکراه مشرکان سخن کفر بر زبان جاری کنند و دل‌هایشان به عقیده و ایمان خود پابرجا و استوار باشد - فقط آن‌دسته از مؤمنان که سخن کفر بر زبان آورند و سینه‌هایشان از پذیرش کفر به الله گشاده و شادان باشد خشم و نفرت خدا بر آنان خواهد بود و برایشان عذاب بزرگی مهیا است.

۱۰۷. این خشم و عذاب از آن‌رو است که اینان زندگی دنیا را محبوب‌تر از زندگی آخرت شمردند و از آن‌رو است که خداوند جهان مردمان کفرپیشه را رهنمون نخواهد گشت.

۱۰۸. اینهایند که خداوند جهان بر دل‌هایشان و بر گوش‌ها و چشم‌هایشان مهر نهاده است که اعتقاد کفرآمیزشان در دل‌ها و گوش‌ها و چشم‌ها بماند و حقیقت در دل‌ها و گوش‌ها و چشم‌هایشان نفوذ نکند. اینهایند که از همه‌جا بی‌خبرند.

۱۰۹. پس چه جای چون‌وچرا است که اینان در روز قیامت از هر جهت ورشکسته باشند.

۱۱۰. با وجود این پروردگارت نسبت به آن‌دسته از مؤمنان که بعد از شکنجهٔ مشرکان کافر شوند اما بعد از کفرشان به سوی خدا و رسول خدا هجرت کنند و در راه خدا جهاد کنند و در معرکه‌ها پایدار بمانند. پروردگارت با این شرایط نسبت به مرتدان آمرزنده‌ای مهربان است.

۱۱۱. روز قیامت هرکس در محکمه داوری حاضر می‌شود و از خود دفاع می‌کند تا عذاب خدا را از خود بگرداند، ولی هرکسی که باشد سزای دستاورد خود را کاملاً دریافت می‌کند و مردم سیاه نخواهند شد.

لِبَاسِ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ^{۱۱۲} وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ^{۱۱۳} فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ^{۱۱۴} إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهْلِلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ^{۱۱۵} وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لَتُفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنْ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يَفْلِحُونَ^{۱۱۶} مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^{۱۱۷} وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ

۱۱۲. خداوند برای مشرکان حرم، مثلی زده است، شهری با امن و امان در آرامش خاطر می‌زیست و روزی آنان درحد وفور از اینجا و آنجا و همه‌جا فرا می‌رسید، اما در اثر غرور و مستی به نعمت‌های خدا کافر شدند و برای عیاشی و مستی و کام‌جویی و کام‌بخشی طرح‌های نو درانداختند و لذا خداوند جهان جامه فقر و ترس را بر تن آنان کرد تا طعم خواری و عذاب را بچشند به خاطر آن کارهایی که سازمان دادند.

۱۱۳. و به حق سوگند که از خود آن مردم رسولی بر آنان درآمد تا راه ایمان را به رویشان بگشاید و آنان را از تباهی و فساد و عیاشی بازدارد ولی مردم رسول خدا را تکذیب کردند و عذاب الهی، آنان را درحال سیه‌کاری فرا گرفت.

۱۱۴. شما مؤمنان باید از این مثل پند بگیرید و از روزی‌های خدا آن را که حلال و پاک است تناول کنید. اگر شما خدا را می‌پرستید باید نعمت خدا را شکر و سپاس بگذارید.

۱۱۵. جز این نیست که خداوند جهان فقط مردار و خون چهنده را حرام کرده است با گوشت هر حیوانی که خوک و گردن گراز باشد و گوشت هر دامی که با نامی غیر از نام خدا سر بریده شود. هر کس که ناچار شود و از محرّمات مزبور تناول کند - با این شرط که با قصد راهزنی و چپاول در بیابان نمانده باشد و نه با قصد آدمکشی و تجاوز و انتقام‌کشی - گناهی بر او بار نمی‌شود. خداوند جهان آمرزنده‌ای مهربان است.

۱۱۶. شما آنچه را شخصاً و با منطق واهی روا و ناروا می‌شمارید با تعبیرات مذهبی به مردم ابلاغ ننمایید که این حلال است و این حرام است و بدین وسیله دروغ خود را به خدا ببندید. بی‌شک کسانی که دروغی بیافند و آن را به خدا ببندند روی رستگاری نمی‌بینند.

۱۱۷. فقط چندصباحی کامیابی و توشه‌اندک دارند و در آخرت برای آنان عذاب دردناکی مهیا است.

كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ^{۱۱۸} ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمَلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ أَسْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعَفُورٌ رَحِيمٌ^{۱۱۹} إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَ لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ^{۱۲۰} شَاكِرًا لِنِعْمِهِ اجْتِبَاهُ وَ هَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ^{۱۲۱} وَ آتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ^{۱۲۲} ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ^{۱۲۳} إِنَّمَا جَعَلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ إِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ^{۱۲۴} ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي

۱۱۸. ما بر امت یهود برخی از خوراکی‌های پاک و حلال را حرام کردیم که قبلاً برایت بازگو کرده‌ایم. با این تحریم طبیعت، ما آنان را سیاه نکردیم بلکه آنان با تقلید از دانشمندان خام و جاهل، جان خود را به سیاهی کشاندند.

۱۱۹. با وجود سیه‌کاری پروردگارت نسبت به آن کسانی که از روی نابخردی کار بد کرده باشند و سپس از کار بد توبه نمایند و خرابی‌های خود را اصلاح کنند، به یقین پروردگارت با این شرایط آمرزنده‌ای مهربان است.

۱۲۰. ابراهیم در میان انبیا اولین پیامبری بود که امت خود را نفرین نکرد و بنای هجرت را سازمان داد. او گوش‌به‌فرمان خدا بود و درحد تعادل از افراط و تفریط و تمایل به چپ و راست دوری کرد و از مردمان مشرک نبود.

۱۲۱. ابراهیم نعمت‌های خدا را پاس می‌نهاد و خدایش بعد از آوارگی و هجرت سامان داد و به راه درست و راست هدایت کرد.

۱۲۲. در دنیا به او خوبی عطا کرد، همسر خوب، فرزندان خوب، فرزندزادگان خوب، آوازه خوب، و او در آخرت از صالحان است.

۱۲۳. بعد از همه انبیا اینک به تو اشارت کردیم که با تعادل و استقامت از کیش ابراهیم پیروی کن و از افراط و تفریط بپرهیز. ما به تو گفته‌ایم که ابراهیم از آغاز زندگی مشرک نبود.

۱۲۴. تعطیل شنبه برای آن بود که هرکسی شغل خود را وانهد و به خود و خانواده خود و ارحام خود بپردازد تا همگان هفته‌ای یک‌روز در کنار هم به شادمانی و استراحت بپردازند. این دستور تورات، تکلیفی نیست که بر دوش مردم سنگینی کند سنگینی این تعطیل فقط بر دوش کسانی قرار گرفت که با تقلید از فقیهان خامشان در تفسیر مشاغل اختلاف کردند و در اثر افراط و تفریط از سی‌ونه کار زندگی حتی از افروختن آتش و خاموش کردن آتش و

هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ۱۲۵ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ
فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عَوْقَبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ ۱۲۶ وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ
وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ ۱۲۷ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ
مُحْسِنُونَ ۱۲۸

پختن غذا محروم شدند و روز تعطیل خود را با تناول غذای فاسد و یا نیمه فاسد روزهای
قبلی گذراندند. به یقین پروردگارت روز قیامت میان آنان در همه اختلافاتشان داوری خواهد
کرد.

۱۲۵. تو با کاردانی کامل و اندرز نیکو مشرکان را به راه پروردگارت دعوت کن و با حضور
افراد بی طرف با آنان بحث و جدل کن که بهترین وجه جدل این است که مردمان بی طرف
و ساکت قضاوت کنند. رهیاب شوند. پروردگارت بهتر می شناسد چه کسانی از راه او بدور
افتاده اند و همو به حال رهیابان داناتر است.

۱۲۶. و اگر با آنان به بحث و جدل وارد شدید و آنان با دست و زبان تعدی کردند می توانید
با آنان به مقابله بپردازید و اگر به مقابله برخاستید پاسخ آنان را به همان صورت بدهید که با
شما تعدی کرده اند و اگر صبر و تحمل پیشه کنید برای شما بهتر خواهد بود.

۱۲۷. اما تو شخصاً باید در برابر آنان صبور و شکیبایمانی و با آنان مقابل نشوی و
شکیباییت جز با مدد خدا نتواند بود و بر این مردم که راه دوزخ را در پیش گرفته اند غمین و
اندوهمند مشو و از مکر آنان دلتنگی مگیر.

۱۲۸. به یقین خداوند جهان با پرهیزکاران است و با آن مردمی که نیک اندیش و نیکخواهند.

الإسراء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ^١ وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ آلًا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكَيْلًا^٢ ذُرِّيَّةً مِنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا^٣ وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا^٤ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا^٥ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا^٦ إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبَرَّوْا مَا عُلُوًّا تَبِيرًا^٧ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ

١. منزه است آن خدایی که بنده خود را شبانه از مسجدالحرام مکه تا مسجدالاقصای فلسطین که اطراف آن را با نعمت‌ها برکت داده‌ایم روان کرد تا از آیات خود چیزها به او نشان بدهیم. به یقین خداوند جهان دعای تو را می‌شنود و به حال تو بینا است.
٢. به موسی کتاب تورات را عطا کردیم و او را رهنمودی ساختیم برای قوم بنی‌اسرائیل که سفارش کند: جز من کسی را وکیل و کارپرداز خود مگیرید.
٣. نسل آن کسانی که با نوح به کشتی نشاندیم، به یقین نوح بنده شاکری بود.
٤. در آن کتاب به یهود بنی‌اسرائیل حکم قضا را ابلاغ کردیم که شما در سرزمین فلسطین دوبار به تبهکاری دست می‌زنید و به مقام بزرگی از پیروزی نایل می‌شوید.
٥. و چون موعد اول فرارسد و نخستین فساد و آدم‌کشی را به راه اندازید ما بندگان را که از آن مایند با سطوت و صولت بر شما می‌شورانیم و آنان با شما در ستیز می‌شوند و در میانه خانه‌ها و لانه‌های شما رخنه می‌کنند و خواب راحت را از چشم شما می‌ربایند. این وعده، شدنی است.
٦. سپس یک‌بار و دوبار هجوم شما را بر سر آنان سامان می‌دهیم و شما را با مال و منال و فرزندان مدد می‌رسانیم و جنگاوران شما را بیشتر از جنگاوران فلسطینی برقرار می‌داریم.
٧. اگر شما با قدرت و کثرتی که به دست می‌آورید در راه نیک‌اندیشی و نیکخواهی قدم بگذارید به سود خود نیک‌اندیشی کرده‌اید و اگر به بداندیشی و بدخواهی قدم بگذارید به زیان خود بدخواهی و بداندیشی کرده‌اید شما بر این منوال می‌مانید تا چون موعد آخرین

حَصِيرًا^۸ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا^۹ وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا^{۱۰} وَيَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا^{۱۱} وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ فَمَحْوِنًا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلُّ شَيْءٍ فَصْلَانًا تَفْصِيلًا^{۱۲} وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا^{۱۳} أَقْرَأْ كِتَابَكَ

فرارسد و دومین فساد و تبهکاری خود را به راه اندازید باید از سرزمین موعودتان برانند تا رویتان را سیاه کنند و باید همان کسانی که اولین بار به مسجد اقصی درآمدند باز هم به مسجد اقصی درآیند و هرچه بیابند درهم بکوبند و منهدم سازند.

۸. امید آن هست که بعد از این شکست رسوا، پروردگارتان بر شما رحمت آورد و هستی شما را نجات دهد و اگر شما یهودان باز با همان ادعای سرزمین موعود بر سر فساد و خونریزی شوید ما هم با همان قدرت و صولت به سرکوبی شما می پردازیم تا نسل شما را براندازیم. ما دوزخ فروزان را برای کافران مانند زندان، حصاربندی کرده ایم که راه برون شدن ندارند.

۹. این قرآن مردمان را به پایدارترین سنت های اجتماعی رهبری می کند و آن دسته از مؤمنان را که دستاورد شایسته ای دارند به پاداش بزرگی بشارت می دهد.

۱۰. و اخطار می کند به آن مردمی که روز قیامت را باور نمی دارند که عذاب دردناکی برای آنان مهیا کرده ایم.

۱۱. آدمی زاده فریب ظاهر دنیا را می خورد و بی تأمل شر و بدی را فرامی خواند آن سان که باید خیر و نیکی را فرابخواند، آدمی زاده پر شتابکار است.

۱۲. ما شب و روز را دو نشانه از نشانه های خود قرار داده ایم، نشانه شب را تاریک و سیاه کردیم تا آرامش شما را تأمین کنیم و نشانه روز را بینا و روشن ساختیم تا مازاد رحمت خدا، پروردگار خود را جويا شوید و با این دو آیت شمار سال ها را بدانید و حساب زندگی را نگه دارید. ما هر پدیده ای را که آیت ما باشد از زاویه های مختلف در فصل های جداگانه بررسی می نماییم تا آثار تربیتی را بشناسید.

۱۳. هر انسانی که در این جهان زندگی می کند پرنده او را به گردنش الصاق کردیم و روز قیامت آن را به صورت طوماری باز و گشاده می بیند.

كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا^{١٤} مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ تَبْعَثَ رَسُولًا^{١٥} وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا^{١٦} وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبٍ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا^{١٧} مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصَالَهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا^{١٨} وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا^{١٩} كَلَّا نُمَدِّهُ هُوَآءَ وَهُوَآءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا^{٢٠} انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ الْكِبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ

١٤. خودت کارنامهات را بخوان امروز حسابرسی خودت کافی است.

١٥. هرکس در رهگذر دنیا راه خود را بیابد و از آیات خدا رهیاب شود به سود خودش رهیاب شده است و هرکس آیات خدا را نشناسد و گمراه شود جز این نیست که بر زیان خودش گمراه شده است. هر گنه‌کاری بار گناه خود را بردوش می‌برد و هیچ گنه‌کاری گرچه رهبر مردم باشد بار گنه دیگران را بر دوش نخواهد کشید. روش ما این نبود که مردم را به عذاب خود گرفتار سازیم تا آنگاه که رسولی بر ایشان بفرستیم و اخطار بدهیم.

١٦. و چون اراده فرماییم که امتی را منقرض سازیم دولتمندان را فزون می‌سازیم و شمار دولتمندان که فزونی گرفت و با فسق و تجاوز از خط انبیا خارج گشتند، سخن خدا درباره آنان درست می‌آید که «اینان اهل دوزخند و ایمان نمی‌آورند» آنگاه یکباره آنان را هلاک و نابود می‌سازیم و درهم می‌کوبیم.

١٧. بر همین منوال و این روش چه بسیار امت‌ها را که بعد از رسالت نوح به دست هلاکت سپردیم. کافی است که پروردگارت به گناه بندگانش باخبر و بینا باشد.

١٨. هرکس نعمت دنیا را خواهان شود پاداش او را در دنیا هرچه زودتر عطا می‌کنیم، آنچه خواسته باشیم و برای هرکس که خواسته باشیم و اراده فرماییم. سپس دوزخ را سزای او قرار می‌دهیم تا در آتش آن کباب شود. نکوهیده و ملامت‌بار، مطرود از نعمت پروردگار.

١٩. و هرکس خواهان آخرت باشد و با ایمان به آخرت تلاشی درخور آخرت انجام دهد از تلاش او سپاسگزاری خواهد شد.

٢٠. ما در این دنیا هر دو دسته را از عطای پروردگارت مدد می‌رسانیم، هم آنان را که شیفته نعمت دنیا شدند و هم آنان که خواستار نعمت عقابند. عطای پروردگارت عمومی است و از دشمنان خدا هم دریغ نخواهد شد.

تَفْضِيلًا ٢١ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَخْذُولًا ٢٢ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ
 وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرَهُمَا
 وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ٢٣ وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلْمِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي
 صَغِيرًا ٢٤ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلأَوَّابِينَ غَفُورًا ٢٥ وَأْتِ دَا
 الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا ٢٦ إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ
 وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ٢٧ وَإِمَّا تَعْرِضْ عَنْهُمْ أِبْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا

٢١. بنگر که در این دنیا چسان برخی را بر دیگران فزونی داده‌ایم با درجات و با فاصله‌ای در طبقات، به یقین زندگی آخرت درجات والاتری دارد و در فضل و فزونی فاصله طبقات آن بیشتر و بیشتر خواهد بود.

٢٢. تو با این خداوند صاحب‌عطا که دوست و دشمن را با عطای خود می‌نوازد خدای دیگری برای خود برقرار مکن که نکوهیده و مفلوک از پا خواهی نشست.

٢٣. پروردگارت فرموده است که جز او را نپرستید، فرموده است که نسبت به پدر و مادر خود نیک‌اندیش و نیکخواه باشید، اگر یک‌تن آنان و یا هر دوتن، چندان زنده بمانند که در کنارت به سالخوردگی برسند با گفتن افّ اظهار ملالت مکن و با خشونت آنان را از خود مران. با آنان چنان سخن کن که ادب و کرامت همراه باشد.

٢٤. از روی مهربانی بال‌وپرت را زیر پایشان بگستر و بگو: پروردگارا! پدر و مادرم را در رحمت خود جای ده با آن‌سان رحمتی که آنان مرا در کودکی پروریدند.

٢٥. پروردگار شما به آنچه در نهاد جان دارید داناتر است. اگر شما مردان صالحی باشید و هرروزه بعد از مشاغل روزانه با مهر و وداد به پیشگاه پدر و مادر بازگردید و اظهار ادب نمایید پروردگارتان نسبت به کسانی که سریعاً به پیشگاه آنان بازگردند آمرزگار است.

٢٦. و تو ای رسول ما! از اموال همسرت حقی را که به نام احسان برای خویش مستمند و درویش وامانده از کار و درویش وامانده در راه فرض و واجب ساخته‌ایم ادا کن، اما ریخت‌وپاش مکن.

٢٧. بی‌شک کسانی که اهل ریخت‌وپاشند و در مصارف زندگی ولخرجی می‌نمایند برادران شیطانند و شیطان از دیرزمان به پروردگارش کافر بود و نعمت او را ناسپاسی کرد.

میسوراً^{۲۸} وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا^{۲۹}
 إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا^{۳۰} وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ
 خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا^{۳۱} وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ
 فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا^{۳۲} وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا
 لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا^{۳۳} وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ

۲۸. و اگر از این صاحبان حق که نام بردیم رو بگردانی و از دستگیری آنان امتناع کنی با این امیدواری که با موجودی سرمایه‌ات سودی از رحمت پروردگارت به دست آوری تقاضای آنان را با معذرتی مناسب و نوید آینده پاسخ بگویی.

۲۹. با خست و بخالت دست خود را به گردنت غل مکن که به سوی مردم دراز نگردد و با سخاوت و کرامت دست خود را چنان باز مکن که در گفت چیزی نماند که در آن صورت ملامت زده باشی و در این صورت درمانده وانشینی.

۳۰. این را بدان که پروردگارت با حکمت و کاردانی روزی خود را برای هرکس بخواهد گشاده می‌گرداند و با حکمت و کاردانی روزی خود را برای جمعی دگر تنگ و محدود می‌سازد تا نظام کار و پیشه را سامان دهد و مردم را به انتخاب مشاغل گوناگون وادار بسازد. به یقین پروردگارت به موقعیت بندگانش باخبر و بینا است.

۳۱. و شما مؤمنان فرزندان خود را از ترس تهی‌دستی بی‌خوراک و پوشاک و بی‌دارو و درمان رها نکنید که آنان را به کشتن می‌دهید، ماییم که آنان را روزی می‌دهیم و شما را روزی می‌دهیم. به یقین کشتن فرزندانتان از گناهان بزرگ است.

۳۲. به مرز زناکاری نزدیک نشوید که زنا از دیرباز مایهٔ رسوایی بوده است و بدراهی است برای خاموش کردن آتش شهوت.

۳۳. جان کسی را که خداوند جهان حرمت نهاده است، مگیرید جز بر اساس حقی که خدا مقرر کرده است. هرکس به ناحق و با سیه‌کاری کشته شد ما برای ولیِّ مقتول سلطه‌ای برقرار کردیم که اگر بخواهد جان قاتل را در مقابل جان مقتول بگیرد و اگر بخواهد بر جان قاتل بیخشايد. با این سلطه و با این حق قانونی، ولیِّ مقتول نباید در گرفتن انتقام اسراف کند و با سیه‌کاری جان دیگران را هم بگیرد که در آن صورت قابل تعقیب است و بر اساس همین قانون، ولیِّ هر مقتولی حق دارد که جان او را بگیرد. ولیِّ مقتول، همواره منصور است و در حمایت اسلام و قانون قرار دارد.

أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ٣٤ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كُنْتُمْ وَزَنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ٣٥ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ٣٦ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ٣٧ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ٣٨ ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا ٣٩ أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا ٤٠ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي

٣٤. به مال ایتم نزدیک نشوید جز به آن صورتی که با یک اندیشی همراه باشد. شما باید به کفالت ایتم ادامه بدهید تا آنگاه که یتیم به مرحله قدرت و توان جسم و روح برسد. شما باید به عهد خود وفا کنید که تعهدات شما در برابر خدا و خلق خدا همواره مسئولیت قانونی دارد.

٣٥. و چون کالایی را پیمانہ کنید پیمانہ را پر کنید و اگر وزن می‌کنید با سنگ تمام و ترازوی درست توزین نمایید. این درستکاری برای شما بهتر است و بازدهی و بازتاب بهتری دارد.

٣٦. و تو ای رسول ما! آنچه را نمی‌دانی دنبال مکن به یقین آدمی نسبت به قلمرو گوش و چشم و دل، جدا جدا مسئولیت دارد.

٣٧. در زمین با ناز و کبریا گام مزن. به یقین با صولت گام‌هایت زمین را نتوانی شکافت و با تطاول و گردن‌فرازی به بلندای کوهها نتوانی رسید.

٣٨. این گردن‌فرازی در مقابل دشمنان خدا محبوب و ستوده خواهد بود و صورت ناشایسته آن که از راه خودنمایی بر مؤمنان باشد نزد پروردگارت ناپسند و مبعوض است.

٣٩. اینها شمه‌ای از حکمت و کاردانی و سنت‌های پایدار اجتماعی است که پروردگارت به تو وحی و اشارت کرده است و بالاتر از آن شناخت الله است که با او خدای دیگری برای خود برقرار نسازی که هر چند نکوکار و حکمت‌بار باشی با ملامت و مهانت به دوزخ نگون خواهی شد.

٤٠. آیا پروردگارتان پسران برومند را صافی و خالص به شما وانهاد تا یار سلحشور شما باشند و جمعی از فرشتگان را به صورت دختر آفرید تا مونس او باشند؟ شما حرف‌های گنده‌تر از دهان خود می‌زنید.

هَذَا الْقُرْآنَ لِيَذْكُرُوا وَمَا يُزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا ٤١ قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَابْتَغَوْا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ٤٢ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا ٤٣ تَسْبِحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ٤٤ وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا ٤٥ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ٤٦ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ٤٧ انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا

٤١. به حق سوگند که ما در این قرآن مسئلهٔ شرک و توحید را دقیقاً زیرورو کردیم تا حقیقت را دریابند ولی بررسی‌های ما جز بر رمیدن و واپس خزیدنشان نیفزود.
٤٢. به این مشرکان بگو: اگر با خدای جهان، خدایان دیگری خدایی می‌کردند و آن‌چنان که شما می‌گویید کابینه‌ای تشکیل داده بودند اعضاء کابینه در جستجوی راهی می‌شدند که بر خداوند عرش اعلیٰ بشورند تا استقلال خود را بازیابند و در آن صورت ما شاهد بی‌نظمی جهان بودیم و ستیز خدایان و جنگ ستارگان را بالعیان مشاهده می‌کردیم.
٤٣. ساحت قدس الهی منزهرتر و والاتر از بافته‌های پوچ مشرکان است با تعالی برتر و عظمتی والاتر.
٤٤. آسمان‌های هفتگانه و زمین، با آنچه در آسمان‌ها و زمین است خدا را تسبیح می‌گویند. هیچ ذره‌ای نیست که خدا را همراه با سپاس و ستایش او تسبیح نکند اما شما تسبیح آنان را نمی‌فهمید. به به یقین خدای جهان خداوندگار عرش اعلیٰ بردبار و آمرزگار است که تا این حد کفر و ناسپاسی مردم را تحمل می‌نماید.
٤٥. موقعی که در نمازهایت به تلاوت قرآن بپرداز می‌توانی با آن مردمی که به روز آخرت ایمان نمی‌آورند پرده‌ای ناپیدا برقرار می‌نماییم تا راه مزاحمت را مسدود سازیم.
٤٦. و بر دل‌هایشان سرپوشی می‌گذاریم که معانی قرآن را درنیابند و در گوش‌هایشان سنگینی سرب که الفاظ قرآن را به درستی نشنوند و چون پروردگارت را در تلاوت نمازهایت با توحید ستایش کنی با تعصب پشت کنند و از پیرامونت برمند.
٤٧. موقعی که برای شنیدن قرآن سراپا گوش می‌شوند ما از خودشان داناتریم که به انتظار شنیدن چیزی نشسته‌اند تا خرده بگیرند و استهزاء کنند. موقعی که در جلسات سری به نجوی می‌نشینند ما به گفتگوی آنان داناتریم که برای پاسخ پیروان خود چه می‌اندیشند.

يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا^{٤٨} وَقَالُوا أَئِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرَفَاتًا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا^{٤٩} قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا^{٥٠} أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُؤُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا^{٥١} يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا^{٥٢} وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا^{٥٣} رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنَّ يَشَأُ يَرْحَمَكُمُ أَوْ إِن يَشَأُ يُعَذِّبْكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا^{٥٤} وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ

موقعی که این سیه کاران از جلسات سری خارج می‌شوند به مردم خود می‌گویند: اگر پیروی این مرد را برگزینید از یک مرد جادوگر پیروی کرده‌اید.

٤٨. بنگر که چگونه برایت مثل می‌زنند و سوژه به دست مردم می‌دهند که راه خود را گم کرده‌اند و راه به جایی نمی‌برند.

٤٩. گفته‌اند که آیا بعد از آن که جسدها پوسید و استخوان‌ها از هم پاشید و خاک شدیم باز هم با لباسی از آفرینش نو از دل گورها برپا می‌شویم.

٥٠. بگو: شما خواه سنگ شوید و خواه آهن بشوید.

٥١. و یا در فلز دیگری پیوند و ترکیب شوید که در فکر شما سخت‌تر از سنگ و آهن باشد ما نطفه شما را از دل سنگ و آهن و یا هرچه باشد بیرون می‌کشیم و در دل گورستان قیامت کشت می‌دهیم و لباس بشری بر تن شما می‌آراییم. می‌پرسند: چه کسی می‌تواند ما را به زندگی نو بازگرداند؟ بگو: همان کسی که اول بار نطفه شما را شکافت و جفت جفت به تکثیر آن پرداخت. سرهای خود را فرو می‌جنبانند و می‌پرسند: پس کی؟ بگو: امید است که آن لحظه نزدیک باشد.

٥٢. آن روز که خدایتان فریاد زند که برخیزید و شما با سپاسگزاری دعوت او را اجابت کنید. در آن روز شما تصور می‌کنید که جز چندصباحی در عالم بعد از مرگ توقف نکردید.

٥٣. به بندگانم بگو: در گفتگوی با مردم جمله‌ای را بکار بندند که شایسته و بهتر باشد، چرا که شیطان در ضمن این محاورات و مشاجرات است که میان مردم به شیطنت می‌پردازد و تخم کینه و حسد می‌پاشد. به یقین شیطان دشمنی خود را با بشر علناً اعلام کرده است.

٥٤. پروردگار شما به حال شما از خودتان داناتر است و صالح و ناصالح را بهتر می‌شناسد. اگر بخواهد شما را مورد مهر و مرحمت قرار می‌دهد و یا اگر بخواهد شما را به کیفر گناهاتان عذاب می‌کند. ما تو را بر سر مردم نگمارده‌ایم که ایمان بیاورند و اطاعت کنند.

وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا ۝٥٥ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ۝٥٦ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ۝٥٧ وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ۝٥٨ وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأُولُونَ وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا ۝٥٩ وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا

۵۵. پروردگارت به حال همه آن کسانی که در آسمانها و زمین به سر می‌برند داناتر از تو است. ما برخی از رسولان خود را بر سایر انبیاء فزونی و برتری داده‌ایم و به داود دفتر دعا و نیایش دادیم که در زبور او ثبت است.

۵۶. بگو: شما غیر از خداوند جهان هر خدایی را که برای خود تصور کرده‌اید برای رفع گرفتاریها بخوانید و با او راز و نیاز نمائید. هیچ‌یک استطاعت آن را ندارند که سختی و محنت را از دوش شما بردارند و یا آن را بر دوش دیگران بگذارند.

۵۷. همان خدایانی که مشرکان در برابر مجسمه‌هایشان زانو می‌زنند و دعا می‌خوانند، به درگاه پروردگار خود وسیله‌ای می‌جویند تا به مقام قرب او نزدیکتر شوند. همه آن خدایان به رحمت پروردگارشان دل‌بسته‌اند و از عذاب او بیمناکند. به یقین عذاب پروردگارت ترسناک است.

۵۸. هیچ ملتی از روستائی و شهری بر کفر و شرک خود نمی‌پاید مگر آن که پیش از روز قیامت آنان را با عذاب خود منقرض و نابود می‌سازیم و یا به عذاب سختی مبتلا می‌نمائیم. این سرنوشت در لوحه کائنات مسطور است.

۵۹. هیچ مانعی باعث نشد که معجزات خود را به دلخواه این مردم بفرستیم مگر آن که دیدیم مردم پیشین معجزات درخواستی خود را تکذیب کردند و به کیفر تکذیبشان منقرض گشتند. ما به ثمودیان ناقه صالح را عطا کردیم که چشم هر کوردلی را روشن می‌کرد ولی آنان با پی کردن ناقه معجزه ما را به سیاهی کشاندند. اینک ما آیات و نشانه‌های عذاب را جز برای بیم دادن کافران و اخطار به فاسقان گسیل نمی‌داریم.

طُغْيَانًا كَبِيرًا ٦٠ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ٦١ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأُحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا ٦٢ قَالَ أَذْهَبَ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا ٦٣ وَأَسْتَفْزِزُ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ٦٤ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا ٦٥ رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ٦٦ وَإِذَا

٦٠. به خاطر بسپار که تو را گفتیم: پروردگارت به حال و روز مؤمنان احاطه دارد و بد و خوب آنان را بهتر می‌شناسد و آن صحنه‌ای که از آینده فلسطین در رؤیا بر تو نازل کردیم فقط برای آزمون مردم گزارش کردیم. و آن درخت زقوم را که در قرآن لعنت کرده‌ایم برای آزمون سیه‌کاران آورده‌ایم ما همواره سیه‌کاران را با گزارش آیات خود می‌ترسانیم ولی اخطار ما جز بر طغیان و سرکشی آنان نمی‌افزاید.

٦١. خاطرنشان کن که ما به فرشتگان گفتیم: برای آفرینش آدم سجده کنید، همگان سجده کردند جز ابلیس که گفت: این درست است که من برای کسی سجده کنم که او را از گل آفریدی؟

٦٢. تو خود چه برآوردی از آفرینش آدم داری؟ همین آدمی که بر منش، گرامی داشتی و فرمودی که او را سجده برم. به پروردگارت سوگند که اگر اخراج مرا تا روز قیامت به تأخیر افکنی جز معدودی چند، نسل او را یکسره افسار می‌زنم و با خود به گمراهی می‌کشانم.

٦٣. پروردگارت گفت: برو که مهلت داری. اما هر کس از آدمیان دنبال تو را بگیرد سزای شما همگان از آدمی و شیطان دوزخ خواهد بود سزائی کامل و سرشار.

٦٤. علاوه بر افسار زدن هر که را توانستی با آواز خود برقصان و برای سلطه بر آنان، سوارگان و پیادگان را بسیج کن و از ذریه خود در تکثیر اثمار و حیوانات آنان کودافشانی کن و با ژن‌های خود در نطفه فرزندانشان سرمایه‌گذاری کن و بهره خود را دریاب. به آنان نوید سعادت بده و شیطان جز به وعده‌های خام نوید نخواهد داد.

٦٥. بی‌شک بندگان من زیر نفوذ تو نخواهند رفت. پروردگارت برای کارپردازی و کارسازی بندگان خود کافی است.

٦٦. پروردگار شما آن خدایی است که زورق‌ها را در آبها به پیش می‌راند تا از فضل خدا روزی خود را بجوئید. به یقین پروردگار شما نسبت به شما مهربان است.

مَسَّكُمْ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَ إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ٦٧ أَفَأَمَنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا ٦٨ أَمْ أَمَنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا ٦٩ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ٧٠ يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَٰئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظَلَّمُونَ فِتْنًا ٧١ وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا ٧٢ وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا

٦٧. و چون سختی و محنت در وسط دریا به سراغ شما بیاید جز خدا پروردگارتان همه خدایان دیگر از خاطره شما گم می‌شوند و چون پروردگارتان شما را به ساحل نجات برساند از او روگردان می‌شوید و نعمت حیات‌بخشی او را کفران می‌کنید. آدمیزاده همواره کافر و ناسپاس است.

٦٨. آیا ایمن شده‌اید که پروردگارتان بعد از ورود شما به ساحل، زمین را زیر پایتان زیر و رو کند و یا تگرگی از سنگ و آتش بر سر شما ببارد که بعد از آن هیچ کارسازی برای خود نیابید.

٦٩. و یا ایمن شده‌اید که پروردگارتان یک نوبت دیگر شما را به دریا بکشاند و گردبادی کشتی‌شکن به سوی شما گسیل دارد و شما را به خاطر کفر و ناسپاسی غرقه سازد که برای خود دادخواهی نیابید.

٧٠. به یقین ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم که از مشقت و پستی معافشان کردیم و در خشکی و دریا وسیله سواری در اختیارشان نهادیم و از خوراک‌های خوب زمین روزی کردیم و به صورتی شایسته بر جمع کثیری از مخلوقات خود برتری و فزونی دادیم.

٧١. آن‌روز که هر امتی را با پیشوایشان به محشر فرا بخوانیم به حساب آنان رسیدگی خواهیم کرد، آن کسانی که نامه اعمالشان در سمت راستشان باشد با شور و اشتیاق نامه خود را می‌خوانند و به میزان یک نخ حق آنان سپاه نخواهد شد.

٧٢. و هرکس در زندگی دنیا کور و گمراه باشد در زندگی آخرت هم کور خواهد بود و گمراهتر از دنیا که راه سعادت را هرگز نخواهد جست.

غَيْرُهُ وَإِذَا لَاتَّخَذُوكَ خَلِيلًا^{٧٣} وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكُنَ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا^{٧٤} إِذَا لَأَذْفَنَّاكَ
 ضَعْفَ الْحَيَاةِ وَضَعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا^{٧٥} وَإِنْ كَادُوا لَيْسَتَفِرُّونَكَ مِنَ
 الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبَثُونَ خِلافَكَ إِلَّا قَلِيلًا^{٧٦} سَنَّةً مَن قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ
 رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لُسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا^{٧٧} أَقِمِ الصَّلَاةَ لَدُلُوكَ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ
 قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا^{٧٨} وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا

۷۳. مشرکان برای تثبیت موقعیت خود به انواع حيله‌ها دست می‌زنند. نزدیک بود که با
 تهدید و شکنجه تو را از فرمانی که به سویت وحی کرده‌ایم بگردانند که از نماز در مسجد
 دست برداری و در خانه‌ات نماز بخوانی که تکلیف ثانوی من همین است در آن صورت تو
 را دوست و همدل خود می‌گرفتند.

۷۴. و اگر نه آن بود که گام تو را تثبیت کردیم اندکی به توافق با آنان نزدیک می‌شدی تا
 از شکنجه و تهدید آنان برهی.

۷۵. و در آن صورت ما شکنجه زندگی و شکنجه مرگ را در کامت دوچندان تلخ و ناگوار
 می‌کردیم که بعد از آن هیچ یآوری نیابی که تو را از عذاب ما برهاند.

۷۶. و چون از توافق با تو مأیوس گشتند نزدیک بود که با یک درگیری علنی تو را تحریک
 کنند و از جا برانگیزند که با آنان بستیزی سپس به بهانه دفع فساد و جلوگیری از جنگ
 داخلی تو را تبعید کنند و از مکه برانند و در آن صورت بعد از تو جز اندکی در وطن به
 سلامت توقف نمی‌کردند.

۷۷. این همان سنتی خواهد بود که درباره رسولان پیش از تو به مرحله اجرا درآمده است
 که همواره از دشمنانشان انتقام گرفتیم. تو نیز سنت ما را درباره این مردم به رنگی دیگر
 نخواهی یافت.

۷۸. یک نماز را از هنگام فرونشستن خورشید تا هنگام تاریکی افق برپا بدار و یک نماز
 دیگر را مقارن با سپیده‌دم از صبح کاذب تا صبح صادق که مزاحمانی چون ابوجهل در
 مسجد نباشند که در حال سجده پا بر گردنت بگذارند و یا سنگ بر سرت بکوبند. فاصله
 صبح کاذب تا صبح صادق از دیرباز مشهود فرشتگان است که شاهدان روز و شاهدان شب،
 همگان حضور دارند.

مَحْمُوداً^{۷۹} وَقُلْ رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِّيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا^{۸۰} وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبٰطِلُ اِنَّ الْبٰطِلَ كَانَ زَهُوْقًا^{۸۱} وَ نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاؤٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ وَ لَا يَزِيْدُ الظَّٰلِمِيْنَ اِلَّا خَسٰرًا^{۸۲} وَاِذَا اَنْعَمْنَا عَلٰى الْاِنْسٰنِ اَعْرَضَ وَ نَاىْ بِجَانِبِهٖ وَاِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يُوْوسًا^{۸۳} قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلٰى شَاكِلَتِهٖ فَرِيْكُمْ اَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ اَهْدٰى سَبِيْلًا^{۸۴} وَيَسْأَلُوْنَكَ عَنِ الرُّوْحِ قُلِ الرُّوْحُ مِنْ اَمْرِ رَبِّيْ وَمَا اُوْتِيْتُمْ مِنَ الْعِلْمِ اِلَّا قَلِيْلًا^{۸۵} وَلٰتِن شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِيْ اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيْلًا^{۸۶} اِلَّا رَحْمَةً مِنْ

۷۹. و قسمتی از شب را متناوباً بیدار باش و در سه نوبت، یازده رکعت نافله‌ای را که بر عهده داری ادا کن. امید آن است که پروردگارت تو را در جایگاهی پسندیده بالا ببرد.

۸۰. بگو: پروردگارا! با صدق و راستی مرا وارد مسجد کن و با صدق و راستی از در مسجد خارج کن و از پیشگاه خودت برای من سلطه‌ای برقرار کن که یاور من باشد و چون حمزه، شرّ مزاحمان را از من بگرداند.

۸۱. بگو: حق آمد و باطل با نامرادی بر باد رفت. بی‌شک هر باطلی بر باد خواهد رفت.
 ۸۲. ما از آیات قرآن هر آنچه را مایه شفا و رحمت مؤمنان باشد نازل می‌کنیم ولی هر آنچه مؤمنان را شفا و رحمت باشد سیه‌کاران را جز بر خسارت و کوری نمی‌فزاید.
 ۸۳. و چون بر آدمی زاده نعمتی ارزانی بداریم با ناز و کبریا از دعوت ما روگردان می‌شود و شانه خود را می‌چرخاند و پشت می‌کند اما چون سختی و بدی دامن او را بگیرد با درماندگی ناامید می‌گردد.

۸۴. می‌گویند: اگر شیوه آدمی بر این است پس چه انتظاری می‌توان داشت؟ بگو: هر انسانی برای سعادت خود برنامه‌ای تنظیم می‌کند که بر اساس آن عمل نماید و راه سعادت را بجوید. پروردگار شما به آن کسی که بهتر راه سعادت را بجوید داناتر است.

۸۵. می‌پرسند که این روح قدسی کدام است که می‌گویی قرآن را بر قلب تو نازل کرده است؟ بگو: روح قدسی موجی است از فرمان پروردگار من و شما از این علم و دانش جز بهره اندک ندارید.

۸۶. این امواج در لوح دلت نقش می‌گیرد ولی نه چنان نقشی ثابت که قابل محو نباشد. به حق سوگند که اگر خواسته باشیم تمام آنچه را به سویت وحی کرده‌ایم از لوح دلت پاک می‌نماییم و بعد از آن کارپردازی پیدا نخواهی کرد که از ما بپرسد چرا در کودکی سینه او را

رَبِّكَ إِنْ فَضَّلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا^{۸۷} قُلْ لئنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا^{۸۸} وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا^{۸۹} وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا^{۹۰} أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجَّرَ الْأَنْهَارُ خَلَالَهَا تَفْجِيرًا^{۹۱} أَوْ تُسْقَطَ السَّمَاءُ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِيَ بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا^{۹۲} أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرَفٍ أَوْ تَرْقَىٰ فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرَفِيقِكَ حَتَّىٰ تَنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا^{۹۳} وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا^{۹۴} قُلْ

شکافتید و گیرندهٔ امواج وحی را در قلب او جای دادید و چرا اینک امواج وحی را پاک کردید؟

۸۷. مگر آن که بازهم موجی دیگر از رحمت پروردگارت فرا آید و نقش قرآن را در لوح دلت ثبت فرماید و این از فزونی رحمت پروردگار است نه استحقاق و نبوغ ذاتی. به یقین فضل خدا از دیرباز بر تو گران بوده است.

۸۸. بگو به حق سوگند، که اگر آدمی و پری گرد هم آیند که با تبادل فرهنگ و ادب مانند این قرآن قرآنی بیاورند هرگز نتوانند مانند این قرآن قرآنی بیاورند گرچه با کمال صمیمیت هنر و ابداع خود را رویهم بریزند و سال‌های سال یار و همکار هم باشند.

۸۹. به یقین ما در این قرآن برای مردم هر گونه‌گون مثلی را زیور و کردیم تا رشد فکری خود را بازبند ولی بیشتر مردم هدایت ما را فقط با ناسپاسی پاسخ می‌دهند و انتظارات واهی دارند.

۹۰. گفته‌اند که ما هرگز به قرآن تو تسلیم نخواهیم شد مگر آن که به اعجاز الهی از دل این خاک خشک، چشمهٔ آبی روان سازی که سخت به آن نیازمندیم.

۹۱. و یا بوستانی از خرما و انگور برایت پدید آید و تو نهرها در خلال بیشه‌هایش خروشان سازی.

۹۲. و یا سنگ‌های آسمانی را - آن‌سان که می‌گویی بر سر کافران فرو افتاده است - پاره پاره بر سر ما فرو اندازی و یا خداوند را با فرشتگانش رودرو به گواهی بیاوری که قرآن تو را تأیید کنند.

۹۳. و یا خانه‌ای زرانودود برایت پدید آید که چشم مردم را خیره کند و مردم را گرد تو جمع آورد. یا به آسمان، بالا روی که ارتباط خود را با خدای آسمانها به ثبوت برسانی و ما هرگز

لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا ۙ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ۙ ۹۶ وَمَن يَهْدِ اللَّهُ فهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن يُضِلِّ فَلَن تَجِدَ لَهُم أَوْلِيَاءَ مِن دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِيَآ وَبُكْمًا وَصَمًّا مَّا وَهَمُّ جَهَنَّمَ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا ۙ ۹۷ ذَلِكَ جَزَاءُ هُم بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَأَنذَرْنَا عِظَامًا وَرَفَاتِنَا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ۙ ۹۸ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَادِرٌ عَلَىٰ

به عروج تو ایمان نمی آوریم مگر آنگاه که نامه‌ای با خود نازل کنی که آن را بخوانیم. بگو: منزله است پروردگار من که بدین اقتراحات پوچ و احمقانه پاسخ بدهد. او مرا به رسالت فرستاده است تا انذار و اخطار کنم نه برای آن که چشمه برآورم و باغ خرما و انگور بیارایم. من نگفتم که دستیار خدایم و سنگ‌های آسمانی را بر سر هر که بخوادم فرو می‌اندازم. من نگفتم که فرشته آسمانی هستم و به آسمان‌ها عروج می‌کنم. جز این است که من بشری بوده‌ام و ادعای رسالت کرده‌ام؟

۹۴. امت‌ها همیشه بر این روش بوده‌اند که هرگاه مشعل هدایتی با دست رسولی از رسولان فروزان گشت مانعی راه ایمانشان را مسدود نکرد جز تکبر و سرگردانی، که گفتند: آیا می‌شود که خداوند جهان بشری همپایه دیگران را به رسالت برانگیخته باشد؟

۹۵. بگو: نسل بشر باید رسولی از جنس بشر داشته باشد. اگر در عرصه زمین فرشتگانی پا به مرحله زندگی می‌نهادند که هموار و سنگین بر روی زمین گام بردارند در آن صورت ما از آسمان برای آنان فرشته‌ای را به رسالت نازل می‌کردیم.

۹۶. بگو: همین کافی است که خداوند جهان مابین من و شما گواه و ناظر باشد و داوری کند. او به حال بندگانش از باطن و ظاهر آگاه و بینا است.

۹۷. هرکس را که خدا رهنمون گردد رهیاب است و هرکس را که خدا گمراه کند دیگر کسی را جز خدا یار و یاور او نخواهی یافت. روز قیامت آنان را قوز کرده، به‌رو درافتاده محشور می‌کنیم سوار بر سنگ‌پاره‌های شناور در فضا با چشم‌های نابینا و زبان غیرگویا و گوش‌های ناشنوا. جایگاه آنان دوزخ است که در آن فروافتند و هرگاه شعله دوزخ فرونشیند آتش آن را برافروزیم و تیزتر سازیم.

۹۸. این سزای آنهاست. از آن‌رو که به آیات ما کافر شدند و با استهزاء گفتند: بعد از آن که استخوانی باشیم پوسیده و ازهم پاشیده بازهم در قالب جدید آفرینش از دل خاک برمی‌خیزیم؟

أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا^{٩٩} قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا^{١٠٠} وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَاسْتَأْذَنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا^{١٠١} قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَآئِرٍ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا^{١٠٢} فَأَرَادَ أَنْ يَنْتَفِزَهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا^{١٠٣} وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي

٩٩. آیا این مردم نمونهٔ تجدید حیات را در گیاهان ندیده‌اند؟ آیا آسمان‌ها و زمین را ندیده‌اند؟ آن‌ها خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفریده است توانا هست که بازهم آسمان‌ها و زمین را تجدید بنا کند و همانند اول‌بار نطفه‌هایشان را در زمین کشت دهد و پیکری بر نطفهٔ آنان بیاراید همانند آن پیکری که بر باد رفته است؟ خداوند جهان برای قیامت سرآمدی مقرر کرده است که در آن شکی نیست اما سیه‌کاران از هر واکنش دیگری جز کفران هدایت ابا دارند.

١٠٠. می‌گویند: اگر خداوند جهان گنجی بر تو نازل نمی‌کند و بهشتی برایت نمی‌آراید و قصرهای بهشتی برقرار نمی‌سازد چرا بر ما انعام نمی‌کند تا این کوهستان سوزان را با آب سدها بیاراییم و مردم این سامان را از تیره‌روزی بدر آریم. بگو: اگر شما مردم، خزانه‌دار رحمت پروردگار من باشید که آن را فنا و زوالی نیست بازهم شما از بذل و عطا امساک می‌نمایید از ترس آن که مبادا خزانه را خالی نمایید. این طبیعت خام انسان است که با خست از آیندهٔ خود هراسناک است.

١٠١. به یقین ما به موسی نه معجزهٔ روشن عطا کردیم. داستان او را از یهود بنی‌اسرائیل بپرس آن روز که موسی با رسالت الهی بر آنان درآمد و فرعون در پاسخ گفت: من تصور می‌کنم جادوگران تو را خام کرده‌اند که با بلندپروازی خود را نمایندهٔ خدا می‌دانی.

١٠٢. موسی گفت: تو خودت می‌دانی که این معجزات را کسی جز پروردگار آسمان‌ها و زمین نازل نکرده است تا وسیلهٔ بینش و معرفت باشد و رسالت مرا تأیید کند و من تصور می‌کنم که سرنوشت شومت نزدیک است.

١٠٣. فرعون می‌خواست موسی را با هوادارانش تحریک کند تا دست به شورش بزنند و به جرم شورش آنان را هلاک سازد و ما او را با سپاهیان‌ش غرقهٔ دریا کردیم.

إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا^{١٠٤} وَ بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَلَ
 وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا^{١٠٥} وَ قُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا^{١٠٦}
 قُلْ أَمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ
 سُجَّدًا^{١٠٧} وَ يَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا^{١٠٨} وَيَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ يَبْكُونَ
 وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا^{١٠٩} قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ لَا
 تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَ لَا تَخَافُوا بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا^{١١٠} وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا
 وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَّلِيٌّ مِّنَ الذَّلِّ وَ كَبَّرَهُ تَكْبِيرًا^{١١١}

١٠٤. و از آن پس به یهود بنی اسرائیل گفتیم: اینک با خیال راحت به سوی فلسطین شوید و در آن سکنی بگیرید و چون زمانه بچرخد و موعد آخرین فساد شما در فلسطین فرارسد شما را دسته‌دسته از اکناف جهان به فلسطین می‌آوریم.

١٠٥. ما این سرنوشت را به درستی نازل کرده‌ایم و به درستی نازل شده است بی‌آن که در نیمه راه با امواج شیطانی دستکاری شده باشد. ما تو را نفرستادیم تا کارپرداز آنان باشی ما تو را فرستادیم تا بشارت دهی و اخطار کنی.

١٠٦. و قرآنی را که نازل کرده‌ایم، سوره سوره کردیم تا به تدریج بر مردم تلاوت کنی و آنان به درس و تعلیم آن همت بگمارند. ما قرآن را هم به تدریج نازل کردیم که زندگی مردم را تعبیر و تفسیر کنیم.

١٠٧. به این مردم بگو: خواه ایمان بیاورید و خواه ایمان نیاورید. به یقین مردم نصرانی که پیش از نزول این قرآن بشارت آن را دریافت کرده‌اند و به قرآن ایمان دارند هرگاه قرآن بر آنان تلاوت شود به شکرانه این موهبت با صورت به خاک می‌افتند و برای سجده شکر ذقن بر خاک می‌سایند و نیایش می‌کنند.

١٠٨. می‌گویند: پروردگار ما منزّه است که بشارت بی‌مورد بدهد. به یقین وعده پروردگارمان بدون تخلف شدنی است.

١٠٩. با ذقن به خاک می‌افتند و می‌گیرند و تلاوت قرآن بر خشوع آنان می‌افزاید.

١١٠. به مردم بگو: شما خدا را با نام «الله» بخوانید و یا با نام «رحمن» بخوانید بی‌تفاوت است شما همان خدای آسمان‌ها و زمین را خوانده‌اید. شما با هر نامی که خدا را بخوانید مانعی نخواهد بود جز این که باید بدانید که خدا صاحب نام‌های نیک است و از نام‌های نیک او تجاوز نباید کرد. و اما در مقابل تهدید قریش که اگر بعد از این تو را در

مسجدالحرام در حال سجده ببینند سنگی بر سرت خواهند کوفت. نماز صبح و شب را در مسجدالحرام هنگام خلوت اغیار ادا کن نماز نیمروزت را هم علنی و در برابر آنان مخوان. در خانهات نیز پنهان مشو که نماز را تنها و بی حضور دیگران بخوانی بلکه راهی میان این و آن جستجو کن و در دامنه کوه صفا مرکزی برای تبلیغ و تلاوت دایر کن.

۱۱۱. و بگو سپاس و ستایش خداراست که نه فرزندی برای خود اتخاذ کرده است و نه در ملك و پادشاهی شریك و همتا دارد و نه در اثر خواری و درماندگی است که مولا و یاور دارد. خدا را به بزرگی یاد کن و بگو: الله اکبر.

الکھف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا ۚ قَيِّمًا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِمَّنْ لَدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا ۚ مَا كَثِيرٌ فِيهِ آيَاتٌ ۚ وَ يُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ۚ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا ۚ فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَرِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا ۚ إِنَّآ جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۗ وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ۚ أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا ۚ إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ

۱. سپاس خدا را، آن خدایی که منشور آسمانی را بر بنده خود نازل کرد بی آنکه اعوجاج و کجی را در آن راه دهد.
۲. منشوری قوام دهنده زندگی که بنده او بتواند مردم را از عذابی سخت و سهمگین که از جانب خدا در کمین کافران و نابکاران است بترساند و آن دسته از مؤمنان را که دستاوردهای شایسته آخرت دارند بشارت دهد که پاداش نیک آنان برقرار است.
۳. توقف آنان در آن بوستان‌ها که به پاداش می‌برند جاودان است.
۴. و اخطار کن به آن دسته از کافران که گفتند: خداوند جهان برای خود فرزندی اتخاذ کرده است.
۵. به این سخن علم و جزم ندارند نه خودشان و نه پدرانشان که این دروغ را از خود به میراث نهاده‌اند. این حرف از دهانشان بزرگتر است. اینان جز دروغ دیگران را بر زبان نمی‌آورند.
۶. شاید می‌خواهی با اندوه و اسف جان خود را به خطر بیندازی که چرا پشت کردند و رفتند و جز ردپایی از خود برجا ننهاده‌اند.
۷. هرگز جای اسف نیست. ما این نعمتی را که در صفحات زمین برقرار کرده‌ایم زیب و زیور زمین ساخته‌ایم که با زرق و برق آن و با صفا و طراوت آن، نهاد مردم را به آزمون بگذاریم و بدانیم که دستاورد کدامشان نیکوتر است.
۸. چون کلاس آزمون به پایان برسد این زیب و زینت و این طراوت و نعمت را چون خاک و خاکستر بر باد می‌دهیم.

فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا^{۱۰} فَضَرْبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا^{۱۱} ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا^{۱۲} نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاَهُمْ هُدًى^{۱۳} وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبَّنَا رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا^{۱۴} هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيْنَ يَدَيْهِمْ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا^{۱۵} وَإِذْ اعْتزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يُعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا

-
۹. آیا شگفت آورده‌ای که چسان مؤمنان و حامیانشان در شعب ابی‌طالب مقاومت کردند و یا تصور کرده‌ای که اصحاب کهف با آن لوحه سنگی که بر در غارشان برجا است از نشانه‌های شگفت ما بوده‌اند؟
۱۰. آن روز که چندتن از جوانمردان به غاری پناه بردند و گفتند پروردگارا از جانب خودت به ما رحمت عطا کن و راه نجات ما را از گرداب بلا هموار کن.
۱۱. و ما با غرش مهیب رعد چنان بر گوش آنان نواختیم که سال‌های سال در آن غار بیهوش بجا ماندند.
۱۲. سپس آنان را با همین شیوه برانگیختیم تا بدانیم کدام یک از دو گروه مؤمن و کافر سال‌های غیبت آنان را بهتر از دیگری آمار دارد.
۱۳. این بود خلاصه داستان و اینک ماجرای آنان را به درستی برای‌ت روایت می‌کنیم. آنان چهارتن از سخنوران آن قوم بودند که به پروردگار خود ایمان آوردند و ما چوپانی را به عنوان راهنما بر آنان افزودیم.
۱۴. و بندهایی از سکینه و آرامش بر دلشان استوار کردیم تا از طیش و اضطراب درامانشان بداریم آن روز که در یک جلسه مخفی برخاستند و گفتند: پروردگار ما همان پروردگار آسمان‌ها و زمین است و ما خدای دیگری غیر از همان خدای جهان را به خدایی نمی‌خوانیم که اگر خدای دیگری غیر از همان خدای جهان را به خدایی بخوانیم بی‌شک سخنی گزاف به هم بافته‌ایم.
۱۵. این مردم که هم‌تبار ما هستند برای خود غیر از خدای جهان، خدایان دیگری اتخاذ کرده‌اند. می‌باید برای خدایی آنان سندی ارائه نمایند و گرنه بافته‌های واهی خود را وانهند. کیست که سیه‌کارتر باشد از کسی که بافته‌های فکری خود را به دروغ بر خدا افترا زند.

١٦ وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَّوَّرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقَرَّبُ إِلَيْهِمْ ذَاتَ الشَّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا ١٧ وَتَحْسَبُهُمْ آيِقَاطًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشَّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمَلِئْتَ مِنْهُمْ رُعبًا ١٨ وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِئْتُمْ قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِئْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا ١٩ إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ

١٦. اینک که شما از جمع این مردم و از خدایانی که غیر از خدای جهان عبادت می‌کنند دوری گزیده‌اند به غار این کوهستان پناه ببرید و اگر از جمع این مردم هجرت کنید پروردگارتان از رحمت خود سایه‌ای بر سر شما می‌گستراند و این نجات شما از شر این مردم راه نجاتی ترتیب می‌دهد.

١٧. این غار، قدری بالاتر از مدار رأس السرطان مواجه با جنوب غربی است. اگر در مقابل آن غار ایستاده باشی خورشید را در سمت راست خود می‌بینی که چون طالع شود از غار آنان دور می‌شود و چون راه آسمان را در پیش بگیرد رفته‌رفته کوچکتر می‌شود و موقعی که در سمت چپ غروب کند از دهانه غار به صورت عمود فرومی‌نشیند و تابش شعاع آن لحظاتی به درون غار می‌تابد و پشت و پهلوئی غارخفتگان را نوازش می‌دهد با آنکه در صحن داخلی غار آرمیده‌اند. این غار با موقعیت ویژه و اثر مخصوص آن از نشانه‌های خداوند است که می‌تواند مردم با انصاف را هدایت کند. هرکسی را که خدا هدایت کند رهیاب است و هرکسی را که خدا گمراه کند هرگز رهنمایی نخواهد یافت که او را یاری و ارشاد نماید.

١٨. و چون به چشمانشان بنگری که باز است، پنداری که بیدارند با آنکه در خوابند و چون در حال بیهوشی بسر می‌برند ما خودمان بدن آنان را از چپ به راست و از راست به چپ می‌غلتانیم. سگ آنان بر آستانه غار دستها را دراز کرده و خوابیده است. اگر به داخل غار بر آنان مشرف شوی از عظمت و سطوت آنان فرار می‌کنی و جانت از ترس و وحشت لبریز می‌شود.

١٩. به همان صورت که آنان را با غرش مهیب آسمانی در خواب کردیم با غرش مهیب آسمانی قلبهایشان را به حرکت درآوردیم و از جابرانگیتیم تا این سؤال را در میان بگذارند:

وَلَنْ تَفْلَحُوا إِذَا أَبَدًا ۲۰ وَكَذَلِكَ أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا ۲۱ سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَاعَةٌ وَأَمْنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا ۲۲ وَلَا تَقُولنَّ لشيءٍ إني فاعل ذلك غداً ۲۳ إِلَّا أَنْ

يك نفر آنان گفت: چند ساعت توقف کرده‌ایم؟ برخی با توجه به تابش خورشید گفتند: از خستگی مفرط یک روز تمام خفته‌ایم. برخی گفتند: و شاید چند ساعت از روز را خفته باشیم و بالاخره یک سخن شدند که پروردگارتان بهتر می‌داند که یک روز و یا چند ساعت خفته‌اید. اینک یک نفرتان را با این سکه سیم به شهر بفرستید. باید بنگرد کدامین دکه خوراک تمیزتر دارد و از آن دکه خوراکی برایتان بیاورد، و باید با مدارا و لطافت با مردم برخورد کند و کسی را از حال شما باخبر نسازد.

۲۰. بی‌شک اگر این مردم بر شما دست یابند سنگباران می‌کنند و یا با جبر و اکراه به کیش خود برمی‌گردانند و در آن صورت هرگز روی رستگاری نمی‌بینید.

۲۱. چوپان جوان با سکه سیم هزارساله به شهر آمد و ما بدین صورت مردمان آن عهد را از حال و روز اصحاب کهف و عمر طولانی آنان باخبر کردیم تا مؤمن و کافر باهم ببیندیشند و دریابند که وعده خدا راجع به قیامت و حشر عمومی درست است و بشر نمی‌تواند اطلاعات ناچیز خود را درباره ناموس حیات و تجدید آفرینش و قالب‌بندی جان مأخذ و معیار بگیرد. و آن روز که مؤمن و کافر باهم به بحث و جدل پرداختند کافران گفتند: بر سر اجسادشان بنای یادبودی برپا کنید و بحث را به پایان ببرید. پروردگارشان به حال آنان داناتر است و مؤمنان که خاکسپاری آنان را حق مسلم خود می‌دانستند در رقابت با کافران پیروز شدند و گفتند: باید بر مزارشان مسجدی بسازیم و خاطره فداکاری و هجرت آنان را در لوحه‌ای ثبت نماییم.

۲۲. با شنیدن این داستان به زودی بحث و جدل شروع خواهد شد؛ جمعی خواهند گفت: آنان سه نفر بوده‌اند و چهارمین آنان سگ چوپان بوده است. و برخی دگر خواهند گفت: پنج تن بوده‌اند و سگ آنان ششمین آنان بوده است. و این آمار بی‌اساس چنان است که در تاریکی تیری به سوی هدف بیندازند. برخی دگر می‌گویند که هفت نفر بوده‌اند و سگ آنان هشتمین آنان بوده است بگو: پروردگار من به شمار آنان داناتر است جز مردمی اندک از

يَشَاءُ اللَّهُ وَادْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنِّي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا^{٢٤} وَلَيُنْزِلُنَا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تَسْعًا^{٢٥} قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَيْتُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا^{٢٦} وَأَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا^{٢٧} وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا

شمار درست آنان باخبر نیستند. از این رو در شمار آنان با کسی بحث و تشکیک مکن جز به آشکارا و در برابر مردم تا اگر طرف مقابل با جهالت به سخن ادامه دهد دیگران جهالت او را تقبیح کنند. مبدا به هنگام بحث و جدل از دیگران جويا شوی که عقیده خود را اظهار کند که اگر اتفاقاً آمار درستی بدهد ناچار باید گفته او را تأیید کنی و بی جا و بی مورد دانش او را صحیح بدانی.

٢٣. و در مقابل هیچ درخواستی مگو که من فردا آن را انجام می‌دهم گرچه در رابطه با نزول قرآن و پاسخ اعتراضات مردم باشد.

٢٤. مگر موقعی که خدا آن را بخواهد و تو با اطلاع از خواست الهی وعده فردا بدهی و یا وعده خود را بر خواست خدا معلق سازی و بگویی ان شاء الله چنین خواهم کرد. و اگر انجام وعده خود را بر خواست خدا معلق سازی و بگویی ان شاء الله چنین خواهم کرد. و اگر انجام وعده خود را فراموش کردی پروردگارت را یاد کن و بگو: امید است که فراموشی من خیر من باشد و پروردگارم مرا به انجام بهتر از کاری که فراموش کردم رهنمون گردد.

٢٥. و برخی می‌گویند: که اصحاب کهف سیصد سال تمام به اضافه نه سال دیگر در غار به سر برده‌اند.

٢٦. بگو: خداوند جهان به سال‌های توقف آنان داناتر است. پنهان آسمان‌ها و زمین در برابر او عیان است. وه چه بینا و شنواست. جز خداوند جهان کسی مولای مردم نیست و به تنهایی سرپرستی و یاری مردم را بر عهده دارد و در فرمان خود کسی را شرکت نمی‌دهد.

٢٧. تو از کتاب پروردگارت هر سوره و آیتی که نازل شود بر مردم تلاوت کن. هیچ کس کلمات خدا را دگرگون نخواهد کرد که وعده او تخلف شود و گفته او درست نیاید و تو نیز غیر از او پناهگاهی نخواهی یافت.

تُطَعُّ مَنْ أَغْلَقْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا^{۲۸} وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِنَّ سُرَادِقُهَا وَإِن يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا^{۲۹} إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا^{۳۰} أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُجْلُونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا^{۳۱} وَأَضْرِبْ لَهُم مِّثْلًا لِّرَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِّنْ أَعْنَابٍ

۲۸. به پیشنهاد مشرکان و تقاضای مذاکراتشان ترتیب اثر مده و با صبر و تحمل پابند آن کسانی باش که پروردگار خود را در نماز صبح و شام عبادت می کنند و با نیایش خود خواستار عطف توجه او می شوند. مبدا چشمانت از چهره آنان به سوی قریش و سران مشرکین بچرخد که زینت دنیا را خواستار باشی و مجالست با آنان را برای تفاهم ترجیح دهی. از کسانی فرمان میر که دل هایشان را از یادمان غافل کرده ایم و اینک به دنبال هوای خود می روند و از دیرباز برنامه خود را با تجاوز و قدرت نمایی آغاز کرده اند.

۲۹. بگو: این قرآن با آیات غیبی و اخبار نهانی همه برحق است و از جانب پروردگارتان آمده است. هر کس می خواهد ایمان بیاورد و هر کس می خواهد کافر شود. ما برای سیه کارانشان که حقیقت را پرده پوشی می نمایند آتش ناهید را مهیا کرده ایم که چون سراپرده بر سر آنان احاطه دارد و اگر از تفت گرما به تضرع و زاری درآیند و آبی بهر عطش بخواهند از آب فشان ها آبی غلیظ و جوشان بر سرشان فروباریم که چهره هایشان را کباب کند. بدنوشابه ای است و بدآبخوری.

۳۰. به یقین کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند مردمی نیک اندیش و نیکخواه خود بوده اند و ما به یقین پاداش هر مؤمنی را که دستاورد نیکی آورده باشد ضایع نخواهیم گذاشت.

۳۱. اینها ایند که برایشان بوستان های همیشه بهار آماده است از زیر بوستان ها نهرها روان است. با حلقه های طلا دست هایشان را زیور می دهند و جامه هایی از برگ سبز همانند حریر و یا دیبای مخمل بر تن خود می آریند و در بوستان ها بر تخت ها و کرسی ها لم می دهند. خوب پاداشی است و خوب آبخور و مرغزاری.

وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا ۳۳ كَلْنَا الْجَنَّتَيْنِ اَتَتْ اَكْلَهَا وَلَمْ تَظْلِمِ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَرْنَا خِلَالَهُمَا نَهْرًا ۳۴ وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ اَنَا اَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَاعَزُّ نَفَرًا ۳۵ وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا اُظُنُّ اَنْ تَبِيدَ هَذِهِ اَبَدًا ۳۶ وَ مَا اُظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدِدْتُ اِلَى رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا ۳۷ قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ اَكْفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا ۳۸ لَكِنَّا هُوَ اللّٰهُ رَبِّي وَ لَا اُشْرِكُ بِرَبِّي اَحَدًا ۳۹ وَ لَوْ لَا اِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اِنْ تَرَنْ اَنَا اَقَلُّ مِنْكَ مَالًا وَ وُلْدًا ۴۰ فَعَسَى رَبِّي

۳۲. برای این مشرکان، سرنوشت دوتن دوست را مثل بیابان: ما برای یک تن آنان دو بوستان از تاک انگور برآوردیم و گرداگرد هر بوستانی نخل خرما پروراندیم و فاصله دو بوستان را با کشت دانه‌ها از گندم و جو پر کردیم.

۳۳. هردو بوستان، انگور و خرما می‌خورد را به ثمر می‌رسانید و میوه خود را سیاه نمی‌کرد. و ما نه‌ری خروشان در میان آن دو بوستان روان ساخته بودیم.

۳۴. برای آن مرد از فروش میوه‌ها و غله‌ها و مازاد آب نهر، سود بسیاری حاصل می‌شد. روزی در یک مشجره و جدل دوستانه به رفیق خود گفت: می‌بینی که من در مال و دولت از تو سرم و در نفرت خانواده از تو گرانمایه‌ترم.

۳۵. و درحالی وارد بوستان شد که جان خود را با افکار پلید شیطانی به سیاهی می‌کشید. گفت: من تصور نمی‌کنم که این بوستان من بایر شود هرگز.

۳۶. و تصور نمی‌کنم که رستاخیزی برپا شود هرگز. و به حق سوگند که اگر رستاخیزی برپا شود و من به پیشگاه پروردگارم بروم با شخصیت و لیاقتی که دارم بی‌شک جایگاهی والاتر از نعمت دنیا خواهم یافت.

۳۷. دوست او به تندی گفت: آیا به خدایت کافر شدی که نطفه‌ات را از خاک بپرورد و سپس در قالب یک مرد برآورد؟

۳۸. اما من در ایمان خود استوارم. او خداوند جهان، پروردگار من است و من هیچ‌کس را با پروردگار خود شریک و انباز نمی‌دانم.

۳۹. آن لحظه‌ای که قدم به بوستان نهادی، در عوض آن سخن کفرآمیز که گفتم، کاش گفته بودی: «این همه از خواست خداوند است هیچ تاب‌وتوانی در کارها جز به وسیله ذات خداوند حاصل نخواهد گشت.» تا با این سپاس، شکر نعمت را ادا کرده باشی. اگر می‌بینی که من از حیث مال و خاندان از تو واپس‌ترم.

أَنْ يُؤْتِينَ خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا^{٤٠} أَوْ يُصْبِحَ مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا^{٤١} وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَيْهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا^{٤٢} وَلَمْ تَكُن لَّهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا^{٤٣} هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا^{٤٤} وَأَضْرِبْ لَهُم مَّثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا^{٤٥} الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ

٤٠. امید آن هست که پروردگارم بهتر از بوستان تو بوستانی به من عطا فرماید و به انتقام این ناسپاسیت بر بوستان تو از آسمان صاعقه‌ای بفرستد که بر عرصه آن جز خاک و خاکستر باقی نماند.

٤١. یا چشمه آبش فرو نشیند که هرچندش تلاش کنی و قنات آن را مرمت نمایی به جستن آب از دست‌رفته توفیق نیابی.

٤٢. آب چشمه فروکشید و قنات آب خشکید و سود بوستان یکسر به فنا رفت و فردا که تا کستان خود را بر روی چفت‌ها فروافتاده یافت به حسرت آن مبالغ هنگفتی که در آبادی بوستانش خرج کرده بود دست تأسف به هم می‌سود و می‌گفت: ای کاش برای پروردگارم همتا نمی‌تراشیدم.

٤٣. حزب و عشیره‌ای نداشت که او را یاری کنند و خسارت او را جبران نمایند جز خدا که هرکسی را یار و یاور می‌تواند بود و نه قدرت آن را داشت که انتقام خود را بازپس بگیرد.

٤٤. در آن عالم دیگر، که روز قیامت باشد همه کارسازی‌ها و حمایت‌ها و نصرت‌ها از آن خدای برحق است. او بهترین پاداش را به بندگانش عطا می‌کند و بهترین فرجام را برای آنان تهیه می‌بیند.

٤٥. این بود مثل کافران دولتمند و مؤمنان مستمند، و اینک زندگی دنیا را برای مردم تمثیل کن: زندگی دنیا همانند آن بارانی است که از آسمان نازل کرده باشیم. به وسیله آن باران، گیاهان مختلف رشد می‌کند و سر بهم می‌آورد تا خوراک آدمیان و چارپایان باشد و زیب و زیور فضای آن سامان گردد ولی بعد از چندصبحی افسرده می‌شود و برگ‌ها می‌شکنند و می‌ریزد و به دست باده‌ها سپرده خواهد شد. خداوند جهان بر هر کاری صاحب‌اقتدار است.

خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ٤٦ وَيَوْمَ نُسِيرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَا هُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ٤٧ وَعَرَضُوا عَلَى رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا ٤٨ وَوَضِعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ٤٩ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ٥٠ مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ

٤٦. اموال شما و فرزندان شما زینت دنیای شمایند و دستاورد نیک شما که بعد از مرگ شما برقرار بماند در پیشگاه پروردگارت پاداش بهتری دارد و نیکوترین مایه امید است.
 ٤٧. آن روز که این کوهها را از جا برکنیم و در فضا روان سازیم عرصه زمین را صاف و هموار بنگری که همه جا زمین باشد و زمین، بی تپه و کوه و صخره، و آدمیان را از دل زمین برآوریم و یک تن را جا نگذاریم.

٤٨. با صفوف منظم در پیشگاه پروردگارت حاضر شوند و به آنان بگویند: امروز شما هر یک تک و تنها به حضور آمده اید، بی پدر و بی مادر، بی دوست و بی خویشاوند، آن چنانکه در اولین بار خلقت شما را در دل خاک و مرداب آغاز کردیم شما در قدرت ما شک و تردید نمی کردید. بلکه تصور می کردید که هرگز برای شما موعد و میعادى برقرار نخواهیم کرد.

٤٩. آن روز کتاب آسمانی را در میان می گذارند که نیک و بد اعمالشان را معیار کنند و خواهی دید که تبهکاران از مندرجات آن نگرانند و می گویند: ای وای بر ما، این کتاب را چسان حافظه ای است که هیچ کار کوچک و بزرگی نیست جز آن که آمار و احصا کرده است و ارزش آن را اعلام می کند. در آن روز هر عملی را که مردم انجام داده اند در حافظه آن کتاب و صفحه آن حاضر و عیان می بینند و تکلیف بهشت و دوزخ خود را می شناسند. در آن روز پروردگار تو هیچ کس را با داوری ناحق سیاه نخواهد کرد.

٥٠. خاطر نشان کن آن روز را که ما به فرشتگان گفتیم: همگان بر آفرینش آدم سجده کنید، همگان سجده کردند جز ابلیس که در آزمون پیشین از پریان بود و از فرمان پروردگار خود پا بیرون نهاد. آیا شما آدمیان به جای آن که مرا مولا و یاور خود بگیرید ابلیس و نسل او را دوستان و یاوران خود می گیرید با آن که ابلیس و نسل او دشمنان شمایند؟ این کار شما سیه کاری است و شیطان برای سیه کاران بدترین مولای بدلی است.

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُمْ مُتَّخِذِ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا ٥١ وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا ٥٢ وَرَأَى الْمَجْرُمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا ٥٣ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ٥٤ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ الْأُولِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ٥٥ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا لِمُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيَجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا

۵۱. درست است که من شیاطین را به هنگام جان‌بخشی شما گواه و ناظر گرفتم و آنان را از اسرار آفرینش شما باخبر کردم ولی من آنان را در آفرینش آسمان‌ها و زمین شاهد نگرفتم و نه در آفرینش خود آنان، تا از همه اسرار خلقت آگاه شوند. من کسی نبودم که همراه‌کنندگان را اهرم کارهای خود بگیرم.

۵۲. و آن روز که پروردگارت به مشرکان بفرماید: به درگاه آن خدایانی که تصور می‌کردید در پرورش زندگی با من شریکند نیاز برید و آنان را به حمایت و نصرت بخوانید تا شما را از عذاب دوزخ نجات بخشند و مشرکان، خدایان خود را با فریاد بخوانند و آنان پاسخ ندهند. آن روز میان مشرکان و خدایانشان خلائی برآریم که آوای هم را نشنوند.

۵۳. آن روز که تبهکاران را به سوی دوزخ پرتاب کنند و تبهکاران در مسیر خود، دوزخ ناهید را بنگرند این پندار در دلشان قطعی شود که مستقیماً در آتش دوزخ نگون می‌شوند و راه دیگری نمی‌یابند که خود را از دوزخ برکنار دارند.

۵۴. به یقین ما در این قرآن هرگونه مثل را زیرورو کردیم تا راه را برای اندیشه مردم باز کنیم ولی مردم از سنت‌های اجدادی خود دست برنمی‌دارند و درباره حق جدل می‌کنند. آدمی‌زاده گویا از بحث و جدل بهره بیشتری دارد تا اندیشه سالم و منطقی استوار.

۵۵. موقعی که چراغ هدایت برای مردم افروخته شود هیچ انگیزه‌ای مانع آنان نمی‌شود که ایمان بیاورند و از پروردگار خود آمرزش بخواهند جز حالت انتظار و دفع الوقت تا سنت پیشینیان درباره آنان اجرا شود و ناگهان و بی‌خبر صاعقه‌ای بر سرشان فرود آید که فرصت ایمان نیابند و یا عذابی چون طوفان در برابر چشمانشان ظاهر شود که ایمان قهری بیاورند و ایمانشان را ارجی نباشد.

هُزُوا^{٥٦} وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا^{٥٧} وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا^{٥٨} وَتِلْكَ الْقُرَى أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا^{٥٩} وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّى أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا^{٦٠} فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ

٥٦. ما رسولان خود را فقط برای دعوت مردم می فرستیم که به مؤمنان صالح بشارت دهند و به کافران سیه دل اخطار کنند. ما رسولان خود را نمی فرستیم که مردم را بر ایمان و اتحاد و تشکیل حکومت و گسترش عدل و داد اجبار نمایند تا کافران مشرک برای ایمان و همکاری خود شرایطی طرح نمایند. کافران با سخنان باطل و پیشنهاد نامعقول و اقتراح معجزات احمقانه جدل می کنند تا حقیقت را لوث کنند. اینان دعوت ما را رد کرده اند و آیات ما را با هرگونه عذابی که تهدیدشان کرده ایم به استهزاء گرفته اند.

٥٧. کسیت که سیه کارتر باشد از کسی که او را با آیات پروردگارش متذکر سازند و او با لجاجت از آیات پروردگارش روگردان شود و گناهان پیشین خود را به فراموشی بسپارد و آمرزش نخواهد. به خاطر این سیه کاری است که ما بر دل هایشان سرپوش نهادیم که معانی قرآن را درنیابند و در گوش هایشان سرب سنگین ریختیم که الفاظ قرآن را به درستی نشنوند. از این رو اگر آنان را به راه هدایت فراخوانی هرگز رهیاب نمی شوند.

٥٨. اینان همواره می گویند: اگر راست می گویی تهدید خود را عملی کن و عذاب آسمانی را نازل کن که ما به قرآن تو کافریم و چون عذابی نازل نمی گردد تأخیر عذاب را سند کذب و محکومیت تو می شمارند، اما نمی دانند که پروردگار تو آمرزنده است و صاحب رحمت. اگر پروردگارت با هر دستاورد سوئی مردم را به مؤاخذه می گرفت بی شک عذاب خود را با شتاب بر سر آنان فرو می ریخت و امتهای به سرعت هلاک و نابود می گشتند ولی پروردگارت در عذاب کافران شتاب نمی ورزد بلکه برای آنان موعدی مقرر شده است که چون فرارسد جز خدا پناهگاهی نمی یابند.

٥٩. تمام امتهایی را که هلاک کرده ایم بعد از سیه کاری هلاک کردیم و برای هلاکت آنان میعادی نهادیم که از آن تجاوز نکردند.

٦٠. و آن روز را خاطر نشان ساز که غلام موسی گفت: ای مولای من! از چهره تا این حد شتاب می ورزی که شب و روز می تازی و استراحت نداری؟ چه بسا که آسیبی بر جانست وارد

سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ٦١ فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا ٦٢ قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْخُبُوتَ وَمَا أَنسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا ٦٣ قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَارْتَدَّ عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا ٦٤ فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتِيَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعِلْمَنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا ٦٥ قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَيْكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَ مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا ٦٦ قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ٦٧ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ

شود و از رفتن باز بمانی و موسی به غلام خود گفت: من از پا نمی‌نشینم تا بتوانم به موقع خود را به تنگه دریای تلخ برسانم و با مرد سبزه‌پوشی که در رؤیا دیدم ملاقات نمایم. من باید در سر موعد به آنجا برسم یا آن که سال‌ها در انتظارش بنشینم تا بار دیگر برای نوشیدن آب و تجدید حیات به آن تنگه درآید و چه‌بسا که من تا آن زمان زنده نمانم.

٦١. و چون موسی با غلام خود به تنگه تلخ رسیدند موسی به استراحت پرداخت تا غلامش ماهی نمک‌سودشان را آماده طبخ سازد اما بعد از بیدار شدن هردو شتاب کردند و به راه افتادند و فراموش کردند که از ناهار ماهی سخن به میان آورند. غلام موسی ماهی را در آب نهاد که بشوید و ماهی که با آب حیات آشنا شد جان گرفت و آب‌ساحل را شیار کرد و به دریا رفت.

٦٢. و چون ساعتی از تنگه گذشتند موسی با احساس گرسنگی توقف کرد و گفت: ناهارمان را بیابور که از این سفر، سخت کوفته و رنجور گشتیم.

٦٣. غلام او گفت: آیا می‌دانید موقعی که ما در سایه آن صخره پناه گرفتیم من ماهی را فراموش کردم و جز شیطان عامل دیگری مایه فراموشی من نشد که داستان ماهی را برایت تذکار کنم؛ موقعی که من ماهی را در آب نهادم ماهی زنده شد و به نحو شگفتی، راه خود را در پیش گرفت و به دریا رفت.

٦٤. موسی گفت: این آبگاه همان جایی بود که ما در جستجوی آن بودیم. پس راه آمده را بر اساس نشانه‌هایی که به خاطر داشتند بازگشتند و به آن آبگاه رسیدند.

٦٥. در آنجا بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که از پیشگاه خود به او رسالتی عطا کرده بودیم و از ناحیه خود دانشی به او آموخته بودیم.

٦٦. موسی به او گفت: آیا اجازه می‌دهید با شما همراه شوم با این قرار که از رشد و بینشی که دریافته‌ای شمه‌ای به من بیاموزی؟

٦٧. خضر به موسی گفت: تو آن طاقت و تاب نداری که با من شکبیا بمانی.

بِهِ خُبْرًا^{٦٨} قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَ لَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا^{٦٩} قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحَدِّثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا^{٧٠} فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخْرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا^{٧١} قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا^{٧٢} قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا^{٧٣} فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا^{٧٤} قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا^{٧٥} قَالَ إِنْ سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا^{٧٦} فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتِيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّقُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا^{٧٧} قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ

٦٨. و چگونه شکبیا توانی ماند بر ماجرای که از زیروری آن باخبر نباشی؟
٦٩. موسی گفت: إن شاء الله مرا صابر و شکبیا خواهی یافت و خواهی دید که از فرمان تو بیرون نخواهم شد.
٧٠. خضر گفت: اگر در متابعت من روان گشتی از چیزی سؤال مکن تا خودم سخن آغاز کنم.
- ٧١- با این شرط و تعهد به راه افتادند و رفتند تا آنگاه که با هم به یک کشتی سوار شدند، خضر کشتی را سوراخ کرد. موسی بی تأمل گفت: کشتی را سوراخ کردی تا اهل کشتی را غرقه دریا سازی؟ بی شک کاری بس بزرگ بجا آوردی.
٧٢. خضر گفت: آیا نگفتمت که تاب شکبایی با مرا نداری؟
٧٣. موسی به خود آمد و گفت: به خاطر شرطی که فراموش کردم مؤاخذهام مکن و تکلیفی دشوار بر من تحمیل مکن که با حالت نسیان، خودداری از تعرض دشوار است.
٧٤. باز به راه افتادند و رفتند تا آنگاه که با پسری نوجوان مواجه شدند و خضر او را کشت. موسی بی تأمل گفت: جوانک معصوم را کشتی، بی آن که قتلی مرتکب شده باشد؟ بی شک، کاری ناشایسته کردی.
٧٥. خضر گفت: نگفتمت که تاب شکبایی با مرا نداری؟
٧٦. موسی گفت: اگر یکبار دیگر از کارت سؤال کردم حق داری مصاحبت با مرا ترک گویی. تو از ناحیه من و سوالات بیجایی که کردم به عذری قاطع رسیده‌ای.
٧٧. باز به راه افتادند و رفتند تا آنگاه که بر مردم یک آبادی وارد شدند و تقاضای خوراک کردند و مردم آبادی از میزبانی آنان امتناع نمودند. در آن آبادی دیواری یافتند که

صَبْرًا ٧٨ أَمَا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينٍ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ
يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا ٧٩ وَأَمَّا الْعُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنِينَ فَخَشِينَا أَنْ يَرَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا ٨٠
فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رَحْمًا ٨١ وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي
الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا
كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ٨٢

می‌خواست درهم بریزد، خضر آن را بر سر پا کرد و زیرسازی نمود. موسی به او گفت: اگر می‌خواستی بنایی کنی و من عمله باشم می‌باید مزدی برای کارت دریافت کنی تا گدایی نکنی.

٧٨. خضر گفت: این آخرین تعرضی بود که میان من و تو جدایی انداخت. در اولین فرصت، تو را از مأل کارهایی که بر تحمل آن شکیبا نماندی باخبرت خواهم ساخت.

٧٩. اما آن کشتی که سوراخ کردم از آن چندتن مسکین درمانده بود که با مسافرکشی و بارکشی بر روی دریا کار می‌کردند. من خواستم که با سوراخ کردن کشتی آن را موقتاً معیوب و فاقد استفاده سازم زیرا پادشاهی در تعقیب این درماندگان بود که همه کشتی‌ها را تصرف می‌کرد تا لشکریان خود را برای جنگ با دشمن تجهیز کند و اگر مأمورین او کشتی این چندتن درمانده مستمند را سالم و قابل حرکت می‌دیدند با خود می‌بردند.

٨٠. و اما آن جوانک که به دست من کشته شد پدر و مادرش مؤمن بودند و فرزند آنان ناخلف بود. ترسیدیم که چون بزرگتر شود با کفر و طغیان خود، پدر و مادرش را هم به کفر و طغیان بکشد.

٨١. ما تصمیم گرفتیم که تربیتی دهیم تا پروردگارشان فرزندی دیگر عطا کند که پاکتر از فرزند مقتول او باشد و از رحم نزدیکتری ژن‌های معرفت را به میراث برده باشد نه ژن‌های کم‌خرد و بی‌ایمان را از اجداد کهن.

٨٢. و اما آن دیواری که بر سر پا استوار کردم از آن دوتن یتیم کودک بود که ساکن شهر بودند و زیر آن دیوار گنجی نهان بود از اموال پدرشان که از صالحان بود. پروردگارت تصمیم گرفت که آن دیوار چندان بر سر پا بماند تا آن دو کودک به قدرت برسند و سپس گنج خود را استخراج کنند. این کارهای من رحمتی بود از پیشگاه پروردگارت که بر آنان انعام شد و من از فرمان خودم چنین نکردم بلکه از فرمان خدا بود. این بود مأل کارهایی که تاب شکیبایی و تحمل آنها را نیاوردی.

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقُرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا^{٨٣} إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا^{٨٤} فَاتَّبَعَ سَبَبًا^{٨٥} حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَ وَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا^{٨٦} قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا^{٨٧} وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءٌ الْحَسَنَىٰ وَنَسْقُولُهُ مِنَ الْمُنَىٰ يَسْرًا^{٨٨} ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا^{٨٩} حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطَّلِعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا^{٩٠} كَذَلِكَ وَ قَدْ أَحْطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا^{٩١} ثُمَّ اتَّبَعَ

٨٣. از تو می‌پرسند که ذوالقرنین چه کسی بود؟ بگو: یادبودی از او بر شما تلاوت خواهم کرد.

٨٤. ما برای او در زمین قدرت و فرمانروایی برقرار کردیم و از هر پدیده‌ای وسیله دستاویزی بدو عطا کردیم.

٨٥. دستاویزی را به خدمت گرفت و راهی سیر و سیاحت گشت.

٨٦. تا چون به مغرب خورشید رسید چنان یافت که خورشید با اشعه زرین در چشمه آبی جوشان فرو می‌رود آن‌سان که در کارگاه خود قرصی از مس و روی گداخته را در آب فرو می‌برد و انفجار آب را با پرتو زرین می‌دید. در آن‌مکان مردمی را یافت که بر او شورش کرده بودند. ما به او گفتیم: ای ذوالقرنین: خواهی آنان را عذاب و شکنجه کن و خواهی راه و روشی نیکو درباره آنان اتخاذ فرما.

٨٧. ذوالقرنین گفت: اما آن‌کسانی را که دست به سیه‌کاری زده‌اند به زودی عذابشان خواهیم کرد و بعد از مرگ به سوی پروردگارشان باز می‌گردند و پروردگارشان با عذابی ناهنجارتر معذب خواهد ساخت.

٨٨. و اما آن‌کسانی که ایمان آورده‌اند و دستاوردهای شایسته‌ای داشته‌اند برای آنان پاداشی است بهتر از پاداش دنیا که خدا عطا خواهد کرد و ما نیز فرمان می‌دهیم تا رفاهیت و آسایش در اختیارشان قرار بگیرد.

٨٩. از آن‌پس دستاویزی دیگر به خدمت گرفت و راهی مشرق گشت.

٩٠. تا چون به آخرین نقطه از مشرق رسید چنان یافت که در آن مرزوبوم خورشید بر ملتی می‌دمد که جامعه دیگری جز تابش خورشید بر اندامشان نیاراسته‌ایم.

٩١. به همین‌صورت که گفتیم لخت و عور بودند. ذوالقرنین تعلیمات و خدماتی در اختیار آن‌مردم نهاد که بی‌شک ما به امکانات او احاطه کامل داشتیم.

سَبَّأً ۹۲ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ۹۳ قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّا يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ۹۴ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ۹۵ أَتُونِي زَبْرًا الْحَدِيدَ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ أَنْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ أَتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قَطْرًا ۹۶ فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا ۹۷ قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ

۹۲. از آن پس دستاوردی دگر به خدمت گرفت و راهی شمال زمین گشت.

۹۳. تا چون به تنگه داربال رسید که دو کوه صاف و مرتفع همانند سد در دوطرف، بالا رفته بودند، مردمی را یافت که پایین‌تر از تنگه زندگی می‌کردند و زبان هیچ قومی را جز با اشاره نمی‌فهمیدند.

۹۴. گفتند: ای ذوالقرنین! یا جوج و مأجوج در این سرزمین به فساد و تبهکاری دست می‌زنند آیا می‌پذیرید که برای شما خراجی منظور سازیم تا در میان ما و میان آنان سدی برپا بسازی که راه ورود آنان را مسدود نماید؟

۹۵. ذوالقرنین گفت: امکاناتی که پروردگارم به من عطا کرده است و بدان وسیله قدرتمند و صاحب‌توان شده‌ام بهتر از باج و خراجی است که شما در میان خود سرشکن نمایید و به من بپردازید. اگر خواهان سد باشید باید با نیروی انسانی و مواد لازم مرا یاری دهید تا ابتدا میان شما و آنان سنگچینی به صورت قالب تهیه نمایم.

۹۶. و چون قالب به شکل صدف آماده شد و کوره‌های لازم تعبیه گشت، ذوالقرنین گفت: پاره‌های آهن و مفرغ بیاورید و پاره‌های آهن را داخل قالب ریخت تا چون آهن پاره‌ها را با دو لپه صدف برابر کرد، گفت: در کوره‌ها بدمید و چندان در کوره‌ها دمیدند که آهن پاره‌ها را چون آتش، سرخ کردند گفت: سرب و روی آب‌شده را بیاورید تا بر روی آهن پاره‌های سرخ بریزیم و چون سرب و روی آب‌شده را داخل قالب ریختند به سرعت در خلال آهن پاره‌های سرخ دوید و سدی یکپارچه از سرب و روی مسلح به پاره‌های آهن شکل گرفت.

۹۷. و چون کارگران، قالب سد را برچیدند دیواری آهنین صاف و مرتفع ظاهر شد که دهانه تنگه را مسدود کرده بود و از آن پس یا جوج و مأجوج نتوانستند از آن بالا روند و نتوانستند که آن را سوراخ کنند.

رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا ٩٨ وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنَفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ٩٩ وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا ١٠٠ الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غَطَاءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا ١٠١ أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِن دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا ١٠٢ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ١٠٣ الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ١٠٤ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا ١٠٥ ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا

٩٨. ذوالقرنین گفت: این سد آهنین رحمتی است از پیشگاه پروردگار من که به مردم این سامان عنایت می‌شود و چون وعده پروردگارم دایر به رستاخیز قیامت فرا رسد این سد را با انفجار زمین هموار خواهد کرد، وعده پروردگار من درست است.

٩٩. در آن روز که قرارگاه سطح زمین درهم ریزد مردم را وامی‌نهیم که در فضا چون موج آب برهم بریزند و درهم شوند و بعدها با عبور یک شهاب آسمانی در شیپور بیداری دمیده خواهد شد و همه مردمان را در صحرای محشر گرد می‌آوریم.

١٠٠. در آن روز کره دوزخ را بر کافران عرضه خواهیم داد تا جایگاه خود را بشناسند.

١٠١. همان‌ها که جلوه‌های رحمت مرا در همه‌جا دیدند و از من یادی نکردند و یارای شنیدن نامم را هم نداشتند.

١٠٢. آیا کافران پنداشتند که در عوض من باید بندگان مرا به خدایی بگیرند و آنان را مولای خود بدانند تا سعادت خود را تأمین نمایند؟ به یقین ما دوزخ را برای ضیافت همین کافران آماده پذیرایی کرده‌ایم.

١٠٣. بگو: ای مردم! مایلید اعلام کنم چه کسی در پاداش عمل از دیگران خسارت بیشتری خواهد برد؟

١٠٤. آنان که ثمره تلاش و فعالیت آنان در زندگی دنیا گم شد و می‌پندارند که در ساختاری جامعه نیک‌اندیشی می‌نمایند.

١٠٥. همانان که به آیات پروردگارشان کافر شدند و روز قیامت را که باید به دیدار پروردگارشان نایل شوند ناممکن می‌شمردند و در نتیجه کردار نیک آنان که در جامعه خود داشته‌اند توقیف و بی‌ثمر شد و لذا روز قیامت برای مقیاس نیک و بد و حساب عصیان و طاعت آنان ترازویی برپا نخواهیم کرد که در نامه اعمالشان فقط عصیان و سیئات است.

وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُؤًا ۱۰۶ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ۱۰۷ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ۱۰۸ قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لَكَلَّمْتُ رَبِّي لَنَفَذَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَذَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ۱۰۹ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ۱۱۰

۱۰۶. این است که سزای مشرکان، دوزخ فروزان است در برابر آن که کافر شدند و نشانه‌های مرا با رسالت رسولان من به استهزاء گرفتند.

۱۰۷. در مقابل، آنان که ایمان آورده‌اند و فقط کارهای شایسته آخرت بجا آورده‌اند بوستان‌های برین برای ضیافت آنان آماده پذیرایی خواهد بود که همه نهرها و چشمه‌سارها از فلات آن به سوی بوستان‌های زیرین روان خواهد بود.

۱۰۸. جاودانه در آن بوستان‌ها به سر می‌برند و از آب‌وهوای آن ملال نمی‌گیرند که خواهان انتقال به جای دیگر بشوند.

۱۰۹. می‌گویند: اگر قیامتی باشد که دوزخیان و بهشتیان سزای خود را دریابند بعد از قیامت، دیگر بشری بر زمین نخواهد ماند تا مورد آزمون قرار بگیرد و ربوبیت الله جلوه‌گر شود. دیگر نه رسالتی خواهد بود و نه قیامتی و نه کلاسی برای تربیت و این قیامت فرضی قیامت‌های بعدی را نفی می‌کند و اساس منطق شما را درهم می‌ریزد و ویران می‌کند. آیا ربوبیت الله و رسالت رسولان فقط در یک برهه کوتاهی ضرور است؟ در پاسخ آنان بگو: اگر دریا مرکب شود تا آمار نفوس آدمی را ثبت و احصاء کند مرکب دریا به آخر می‌رسد پیش از آن که شمار آدمیان به آخر برسد گرچه مرکب دریا را تجدید کنیم. از این‌رو کلاس آزمون، همواره بازسازی می‌شود و افراد بشر کاروان کاروان به زندگی دنیا منتقل می‌شوند و دسته‌دسته رسولان خدا بر آنان مبعوث می‌گردند و نوبت به نوبت، مرحله به مرحله قیامت برپا خواهد گشت و دوزخیان راهی دوزخ و بهشتیان راهی بهشت می‌شوند.

۱۱۰. می‌گویند: پس تو از اسرار خلقت باخبری و دوره‌های مکرر به جهان پا نهاده‌ای که چنین از مراحل مختلف سخن به میان می‌آوری؟ بگو: من مانند شما بشرم فقط به سوی من وحی و اشارت می‌شود که خدای شما خداوند یکتا است. از این‌رو هرکس به دیدار پروردگارش امید می‌پرورد که روز قیامت بدان نایل آید باید کرداری شایسته و نمایان بجا آورد و در عبادت پروردگارش کسی را شریک و انباز نسازد.

مَرِيْم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

كهيعص^۱ ذَكَرُ رَحْمَةِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا^۲ اِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا^۳ قَالَ رَبِّ اِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّاسُ شَيْبًا وَلَمْ اَكُنْ بِدَعْوَتِكَ رَبِّ سَقِيًّا^۴ وَاِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَاَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا^۵ يَرْتَضِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا^۶ يَا زَكَرِيَّا اِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيٰى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا^۷ قَالَ رَبِّ اَنى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَاَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا^۸ قَالَ كَذٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلٰى هٰٓئِنٍ وَقَدْ

۱. ك. ه. ی. ع. ص.

۲. یادى است از رحمت پروردگارت که بنده خود زکریا را نواخت.

۳. آن روز که در خلوت عبادت پروردگارش را ندا کرد.

۴. گفت: پروردگار من! استخوانم سست شد و سپیدی مو چون شعله آتش بر سرم زبانه کشید و من تاکنون با دعای به درگاهت بدبخت و محروم نبوده‌ام.

۵. من از این وارثانی که دارم خائف و ترسانم که بعد از من میراث مرا در مصارف غیرشرعی به کار بندند و در کار خیرات و مددسانی به کاهنان معبد کوتاهی کنند. پروردگارا! و این همسری که دارم از جوانی نازا بود و من از او صاحب فرزندی نگشتم که وارثی داشته باشم. همسر من نیز از من ارث نمی‌برد و مجموعه میراث من که شامل صدقات و اوقاف است یکسر به چنگ برادرانم و یا وارثان برادرانم می‌افتد که شیوه آنان مرضی خاطر من نیست. پس تو که از پیشگاه خود برای مریم خوراک آسمانی می‌فرستی به من نیز از پیشگاه خود فرزندی پسر عطا کن.

۶. که وارث من گردد و حجابت معبد را از من ارث ببرد و ریاست را از خاندان یعقوب. پروردگارا! و آن فرزند را پسند درگاه خودت قرار بده.

۷. فرشتگان او را ندا کردند که ای زکریا! ما تو را به میلاد فرزندی بشارت می‌دهیم که نام او یحیی است. پیش از این ما هم‌نامی برای او برقرار نکردیم.

۸. زکریا گفت: پروردگارا! از کجا برای من پسری خواهد بود با آن که همسرم نازاست و من خود در اثر پیری خشکیده و فرتوت گشته‌ام؟ آیا باید از غذای مریم تناول کنیم تا من به جوانی بازگردم و او به صحت و سلامت، یا راه دیگری دارد؟

خَلَقْتِكَ مِنْ قَبْلِ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا^٩ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا^{١٠} فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا^{١١} يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا^{١٢} وَحَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا^{١٣} وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا^{١٤} وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا^{١٥} وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا^{١٦} فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا

۹. فرشته به او گفت: با همین سالخوردگی که تو داری و آن نازایی که همسرت دارد، پروردگارت گفت: این موهبت بر من آسان است. من تو را سال‌ها پیش که آفریدم چیزی نبود و در این عالم بی‌نام و نشان بودی.

۱۰. زکریا گفت: پروردگارا! برای من نشانه‌ای برقرار کن که هنگام مباشرت را بشناسم و به کار بیهوده دست نیازم. فرشته به او گفت: نشانه آن است که سه روز کامل با مردم سخن نتوانی کرد.

۱۱. زکریا پس از مدتی علامت را دریافت و سه روز تمام هر صبح و شام از محراب عبادت بیرون آمد و در عوض صلاهی نماز با حاضران معبد به اشارت گفت: نماز بخوانید و خدا را تسبیح بگویید.

۱۲. و به یحیی گفتیم: کتاب آسمانی را با قدرت و نیرو و با تمام استقامت در برابر طاغیان به دست بگیر. ما در کودکی به او فرمان و قضاوت عطا کرده بودیم.

۱۳. و از پیشگاه خود رأفت و مهری به او مرحمت نمودیم با پاکی جان و دل. و او پرهیزکار و باتقوا بود.

۱۴. با پدر و مادر خود نکوکار بود و هرگز سرکش و نافرمان نبود.

۱۵. درود بر یحیی روز میلادش که پاک و مطهر به دنیا آمد و درود بر یحیی روز وفاتش که شهید و پاک و مطهر از دنیا رفت و درود بر یحیی آن‌روز که زنده از خاک سربرآرد و برای شهادت به محشر آید.

۱۶. در فرمان آسمانی خود، داستان مریم را خاطرنشان کن، آن‌روز که از خانواده خود جدا شد و در سمت مشرق آنان، جایی خلوت برگزید تا در برابر آفتاب تن را صفا بخشد.

بَشْرًا سَوِيًّا ١٧ قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ١٨ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكَ غُلَامًا زَكِيًّا ١٩ قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشْرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ٢٠ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا ٢١ فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ

۱۷. از دید خانواده خود در پشت شاخ و برگ بوته‌ها و گندم‌ها در حجاب شد تا بتواند لباس را از تن برکند و ما روح قدسی خود را به سویش گسیل کردیم و روح قدسی با قدوبالای بشر در برابر او ظاهر گشت.

۱۸. مریم که لخت و عریان بود با وحشت گفت: من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم. اگر تو مردی باتقوا بوده باشی از انتقام خداوند رحمان پرهیز می‌کنی و به پناهنده او تعرض نخواهی کرد.

۱۹. مریم در صدد بود که اگر آن مرد مزاحم، تعرض کند با همان سر و وضع ناهنجار لخت و عریان و آشفته‌مو از دست او بگریزد و خانواده خود را به کمک بخواهد که روح قدسی گفت: من از جنس بشر نیستم. من فرستاده پروردگار تو هستم، آمده‌ام تا پسری پاک و مطهر به تو ارزانی بدارم.

۲۰. مریم با شنیدن این آوا و شناخت طنین صدا آرام گرفت چرا که سال‌ها قبل همین آوا در محراب عبادت به او گفته بود «بدون شوهر به او پسری عطا خواهد شد» او تصور کرده بود که روزی از آسمان برای او پسری نازل خواهد شد چونان که طَبَّقَ طَبَّقَ خرما و انگور بهشتی نازل می‌شود ولی چون صاحب آوا را دست‌خالی دید با شگفتی دوباره پرسید: چگونه و از کجا به من پسری موهبت خواهی کرد با آن که کسی با من مباشرت نکرده باشد؟ و با کمی تأمل گفت: و من دختری دوره‌گرد و بازاری نبوده‌ام که احياناً کسی در حال خواب و یا بیهوشی با من مباشرت کرده باشد و من ندانسته‌باشم؟

۲۱. روح قدسی، نسیمی در او دمید و گفت: «به این صورت» پروردگار گفت: «این آفرینش برای من آسان است.» ما کلمه خدا را به صورت لقاح مقدس در وجود مریم دمیدیم و آفرینش عیسی را آغاز نهادیم تا قدرت خدا را به نمایش بگذاریم و عیسی را نشانه‌ای از نشانه‌های الهی قرار دهیم برای مردم و رحمتی از جانب خود برای عالمیان. آفرینش این فرزند فرمانی بود که از جانب حق مسجل شده بود.

مَكَانًا قَصِيًّا^{٢٢} فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا
 مَنَسِيًّا^{٢٣} فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا^{٢٤} وَهَزَّتْ يَدَاكَ بِجِذْعِ
 النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا^{٢٥} فَكَلِمَةَ أَشْرَبِي وَفَرَّتْ عَيْنَا فِيمَا تَرَيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي
 إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا^{٢٦} فَآتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ
 جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا^{٢٧} يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا^{٢٨} فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ

٢٢. مریم به نطفه عیسی حامله شد و بعد از چندی که جنین او رشد کرد و مورد تهمت قرار گرفت به مکان دوری منتقل گشت تا از ملامت مردم در امان بماند.

٢٣. بالاخره درد زایمان او را به سوی نخل خرما می کشاند تا به جای قابله، تنه درخت را در پنجه‌ها و بازوها بفشارد. با خود گفت: خدایا نه قابله‌ای که کودک را بگیرد و ناف او را ببندد نه مادری که شربت آبی به دستم بدهد و یا دانه خرما می در دهانم بگذارد و اینک فرزندی به دنیا می‌آورد که شاهی بر لقاچ مقدس او ندارم، تا مرا تبرئه کند و ملامت و شنع مردم را بگرداند. کودک به دنیا آمد و مریم با خود نالید: ای کاش پیش از این مرده بودم و از خاطره‌ها رفته بودم که چنین روزی را نبینم.

٢٤. کودک از زیر دامن او فریاد زد: مادر! شوریده مباش، به زیر پایت بنگر که پروردگارت چشمه‌ای روان ساخته است تا کودک را با نرمش دربر بگیرد.

٢٥. تنه درخت را تکان بده تا رطب تازه بر سرت نثار کند.

٢٦. اینک رطبی چند تناول کن و شربت آبی بنوش. اشکهایت را پاک کن تا چشمانت با دیدار من روشن گردد. اگر کسی را دیدی که از تو واپرسد که این کودک را از چه کسی حامله گشتی که اینک با خود آورده‌ای؟ با اشارت دست و دهان بگو: من برای خداوند رحمان روزه شکر نذر کرده‌ام و لذا امروز با هیچ آدمیزاده‌ای سخن نخواهم گفت: هرگز.

٢٧. مریم کودک خود را در زنبیلی نهاد و به نزد مردم خود آمد. مردم که او را با زنبیل کودک مشاهده کردند با تعرض و استهزاء گفتند: ای مریم! از شرمساری لقاچ مقدس را ادعا کردی و رفتی که دیگر بازنگردی؟ اما اینک بازگشته‌ای تا فرزند حرامت را بر خدا افترا ببندی؟ به یقین دروغ بزرگی را بر خدا بسته‌ای.

٢٨. ای خواهر روحانی! پدرت عمران مردی فاجر و بدکاره نبود تا این دروغ و فریب را از او ارث برده باشی. مادرت بازاری و سوداگر نبود تا در حال خستگی و یا حالت بیهوشی مورد

قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا^{٣٩} قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا^{٣٠}
 وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا^{٣١} وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي
 جَبَّارًا شَقِيًّا^{٣٢} وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا^{٣٣} ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ
 قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ^{٣٤} مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا
 يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ^{٣٥} وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ^{٣٦} فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ

تجاوز قرار بگیرد و ندانسته نطفه فاجران را نذر معبد نماید. تو این فتنه و افسون را از کسی
 آموختی و این هرزگی و فریبکاری از چه کسی به ارث بردی؟

۲۹. مریم با دست خود به دهانش اشارت کرد که من روزه نذری دارم و به سوی کودک
 اشارت کرد که از خود کودک بپرسید و مردم گفتند: چگونه با کسی سخن بگوییم که در
 گهواره کودکی باشد؟

۳۰. کودک به سخن آمد و گفت: من بنده خدا هستم که مرا فرمانی تازه عطا کرده است و
 به پیامبری برقرار کرده است.

۳۱. او وجود مرا فرخنده و مبارک ساخته است هر کجا که باشم و هر کجا بروم، سفارشم
 کرده است که از نماز و زکات غافل نمانم مادام که زنده باشم.

۳۲. سفارشم کرده است که با مادرم نکویی بورزم و مرا شقی و سرکش نساخت که با مادرم
 جفا بورزم.

۳۳. درود خدا بر من روزی که پاک و مطهر به دنیا آمدم و درود خدا بر من روزی که پاک و
 مطهر بمیرم و درود خدا بر من روزی که زنده از خاک سر برآرم.

۳۴. این است چهره عیسی پسر مریم، چهره درستی که مردم درباره آن شبهه دارند.

۳۵. برای خدا شایسته نیست که فرزندی برگزیند. خداوند جهان منزّه و پاک است که با
 بندگان مخلوق خود عشق بورزد و همسر بگیرد و یا مخلوق خود را به فرزندی اختیار کند.
 هر گاه خدا وجود پدیده‌ای را مسجل سازد جز این برنامه دیگری ندارد که نهاد او را ابداع
 کند و بگوید: باش، و آن پدیده راه هستی را در پیش بگیرد.

۳۶. به یقین خداوند جهان، پروردگار من است و همان خداوند جهان پروردگار شماست.
 پس او را بپرستید. راه راست همین است.

مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ^{٣٧} أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونََنَا لَكِنِ
 الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ^{٣٨} وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا
 يُؤْمِنُونَ^{٣٩} إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ^{٤٠} وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ
 كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا^{٤١} إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا^{٤٢} يَا
 أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا^{٤٣} يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ
 الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا^{٤٤} يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ
 فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا^{٤٥} قَالَ أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمَ لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ لِأَرْجَمَنَّكَ

-
٣٧. ولی با آفرینش مسیح فرقه‌های مذهبی با عقاید گوناگون از میان برخاستند و هر یک
 سخنی ساز کردند. وای بر جماعت کافران از حضور در یک روز بزرگ.
٣٨. آن روز چه گوش‌های شنوا و چه چشم‌های تیز و بینا دارند. اما امروز این سیه‌کاران در
 گمراهی آشکاری به سر می‌برند، نه گوش شنوا دارند که بر اثر صدا رهیاب شوند و نه چشم
 بینا که راه راست را ببینند.
٣٩. و آنان را از روز واحسرتا بترسان که کار از کار بگذرد و کلاس آزمون برچیده شود و
 آنان درحال بی‌خبری باشند و ایمان نیاورند.
٤٠. آن روز وارث زمین، ما خودمان هستیم و وارث هرکسی که بر عرصه زمین باشد و
 همگان به پیشگاه ما بازآورده شوند.
٤١. در فرمان آسمانی خود، داستان ابراهیم را خاطرنشان کن. ابراهیم اهل صدق و راستی
 بود و پیامبری از پیامبران خدا.
٤٢. آن روز با پدرش گفت: ای پدرجان! چرا باید خدایی را بپرستی که نه می‌شنود و نه
 می‌بیند و خیر و شر تو را کفایت نمی‌کند.
٤٣. ای پدرجان! به من علم و دانشی فرارسید که تو را آن علم و دانش حاصل نیامده است.
 پس باید پیروی مرا برگزینی تا به راه صاف و راست رهنمونت گردم.
٤٤. ای پدرجان! بت‌پرستی فرمان شیطان است. فرمان شیطان مبر که شیطان خدای
 رحمان را نافرمان شده است.
٤٥. ای پدرجان! می‌ترسم غذایی جانفرسا از سوی خدای رحمان بر جان تو وارد شود که تو
 در کینه‌توزی یاور شیطان شوی.

وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا ٤٦ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا ٤٧ وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُو رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا ٤٨ فَلَمَّا اعْتَزَلْتَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ٤٩ وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ٥٠ وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ٥١ وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ٥٢ وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا ٥٣ وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ٥٤ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ

٤٦. پدرش گفت: ای ابراهیم! تو از خدایان من بیزاری؟ به خدا سوگند که اگر از اهانت به این خدایان خودداری نکنی تو را با دست خود سنگباران خواهیم کرد. اینک با خیر و خوشی مال و خواستهات را بردار و در اولین فرصت خانه مرا ترک کن.

٤٧. ابراهیم گفت: آخرین درود مرا بپذیر. با وجود این خشونت، من برای تو از پروردگار آمرزش خواهم خواست، باشد که تو را مورد مغفرت قرار دهد. پروردگار من نسبت به من حساس و مهربان است.

٤٨. من جوار شما و جوار خدایاتان عبادت می‌کنید هجرت می‌کنم و پروردگار خود را به مدد می‌خواهم، امیدوارم با دعای به درگاه پروردگارم شقی و نامراد نمانم.

٤٩. و چون ابراهیم به فلسطین هجرت کرد و مشرکان قوم خود را با خدایان پوشالی آنان ترک نمود ما به او پسرش اسحاق و پسرزاده‌اش یعقوب را عطا کردیم و هر دوتن را مقام نبوت دادیم.

٥٠. و از رحمت خود به آنان منصب قضاوت موهبت کردیم و برای آنان نامی نیک و ستایشی رفیع و راستین در میان امت‌ها به یادگار نهادیم.

٥١. در فرمان آسمانی خود داستان موسی را خاطرنشان کن. به یقین موسی برای ما خالص شده بود. هم‌مقام رسالت داشت و هم‌مقام نبوت و پیامبری داشت.

٥٢. در کوه طور او را از سمت راست دره ندا کردیم و او را به پیشگاه قرب خود خواندیم و با او به راز سخن گفتیم.

٥٣. و به خاطر او از رحمت خود به برادرش هرون نیز مقام نبوت عطا کردیم.

٥٤. در فرمان آسمانی خود، داستان اسماعیل را خاطرنشان کن، اسماعیل با راستی و صداقت به وعده خود وفا می‌کرد و مقام رسالت و نبوت داشت.

رَبِّهِ مَرْضِيًّا^{٥٥} وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا^{٥٦} وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا^{٥٧} أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا^{٥٨} فَخَلَفَ مِنْ بَدْهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا^{٥٩} إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا^{٦٠} جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا^{٦١} لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لُعْنًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا^{٦٢}

٥٥. خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد و در پیشگاه پروردگارش پسندخاطر بود.
٥٦. در فرمان آسمانی خود داستان ادريس را خاطرنشان کن، به يقين ادريس اهل صدق و راستی بود و پیامبری از پیامبران خدا بود.
٥٧. ما او را به مقام ارجمندی بالا کشیدیم.
٥٨. این کسان که خداوندشان نعمت هدایت و رسالت ارزانی فرمود، از سلسله آن پیامبران که نژاده آدم بودند و از نسل آن معدودی مردم که با نوح در کشتی سوارشان کردیم و از نژاده ابراهیم و یعقوب و از نسل آن پیامبرانی که هدایت کردیم و به پیشگاه خود نزدیکشان نمودیم، موقعی که آیات خداوند رحمان بر آنان تلاوت می‌شد همگان به خاک می‌افتادند و گریان، پیشانی بندگی بر سجده می‌نهادند.
٥٩. بعد از آنان کسانی به جایشان در مسند رهبری نشسته‌اند که نماز را ضایع کرده‌اند و خواسته‌های دل را دنبال کرده‌اند و به زودی با کج‌اندیشی راه خدا را گم می‌نمایند و راهی دوزخ می‌شوند.
٦٠. مگر آن کسانی که با پشیمانی از خواسته‌های نفسانی خود بازگردند و ایمان خود را تجدید کنند و کارهای شایسته بجا آورند. آنهاي‌ند که وارد بوستان‌های بهشتی می‌شوند و به هیچ‌وجه حق آنان سیاه نخواهد گشت.
٦١. بوستان‌های همیشه‌بهار که خداوند رحمان، بندگان خود را به آن دعوت کرده است و اینک از دید مردمان نهان است. بی‌شک وعده خدا آمدنی است.
٦٢. در آن بوستان‌ها، سخن بیهوده نخواهند شنید جز کلمه «سلام» که در دنیای پر جنگ‌و‌آشوب، نوید صلح و سلامت می‌دهد ولی در بهشت سراسر صلح و سلامت، شعاری است بی‌محتوا و تعارفی خالی از معنی. و در آن بوستان‌ها که شبانه‌روز آن یازده ساعت است خوراک بهشتیان در دو وعده صبح و شام گوارا است.

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا ٦٣ وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ٦٤ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا ٦٥ وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا ٦٦ أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا ٦٧ فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ٦٨ ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا ٦٩ ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا ٧٠ وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ٧١ ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا

٦٣. این است وصف آن بهشتی که بندگان خود را به میراث می‌دهیم. آن بندگان که باتقوا و پرهیزگار باشند.

٦٤. ما فرشتگان جز به فرمان پروردگارت فرود نمی‌آییم. هر آن برنامه‌ای که در پیش رو داریم و هر برنامه‌ای که پشت سر می‌نهیم و آنچه در زمین و بیسار خود داریم در اختیار او است. پروردگار تو فراموشی ندارد که فرمانی را از یاد ببرد.

٦٥. او پروردگار آسمان‌ها و زمین است و پروردگار آنچه در آسمان‌ها و زمین است. او را پرستش کن و بر طاعت او شکیبا بمان. آیا برای او هم‌نامی سراغ داری که او هم پروردگار آسمان‌ها و زمین باشد؟

٦٦. آدمی زاده می‌گوید: آیا می‌شود و امکان آن وجود دارد که چون بمیرم دوباره از خاک سر برآرم؟

٦٧. آیا به خاطر ندارد که ما او را سال‌ها پیش از این آفریدیم و او چیزی نبود و بی‌نام‌ونشان بود.

٦٨. به پروردگارت سوگند که ما همه انسان‌ها را همراه با شیاطین بر روی همین زمین محشور می‌نماییم. ما همه آنان را با عجز و خواری زانورده بر زمین، گرد دوزخ ناهید می‌چرخانیم و می‌دوانیم.

٦٩. ما از هر فرقه‌ای که طاعت شیطان برده باشد، هر کدامشان بر خدای رحمان جسورتر بوده باشد از جمع کافران بیرون می‌کشیم و به سوزنده‌ترین جایگاه دوزخ منتقل می‌نماییم.

٧٠. ما کسانی را که باید با آتشی سوزنده‌تر کباب شوند بهتر می‌شناسم.

٧١. تصور نکنید که ما تنها سران سیه‌کاران را به آتش می‌افکنیم، نه، هیچ‌یک از شما سیه‌کاران در صحرای قیامت برجا نخواهد ماند. همگان وارد دوزخ می‌شوید و در جای مقرر

وَنذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ٧٢ وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا ٧٣ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِثِيًّا ٧٤ قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا ٧٥ وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا ٧٦ أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِينَ مَالًا وَوَلَدًا ٧٧

خود مستقر می‌گردید. این فرمان خدا است و اجرای آن بر عهده پروردگارت لازم و حتمی است.

۷۲. ما مردمان باتقوا را از کره زمین نجات می‌بخشیم و به بوستان‌های بهشتی می‌رسانیم و سیه‌کاران را - از سران و سروران تا دنباله‌روان و تابعان - داخل دوزخ، زانورده بر سنگ‌های داغ آن رها می‌کنیم و بازمی‌گردیم.

۷۳. ما سرنوشت مؤمنان و کافران را گوشزد می‌نماییم. با وجود این موقعی که آیات ما با وضوح و روشنی تلاوت شود کافران به مؤمنان می‌گویند: مگر هم‌اینک کدام فرقه‌ما جایگاه نکوتر دارد و مجلسی باشکوه‌تر؟

۷۴. ولی ما که بساط زندگی را برای عیش و عشرت نگسترده‌ایم. چه بسیارند امت‌هایی که پیش از این هلاک و نابودشان کرده‌ایم با آن که خانه‌هایشان باشکوه‌تر و جامه‌های آنان فاخرتر و بساط زیر پایشان پر بهاتر بود و عیش و عشرتشان برقرارتر.

۷۵. می‌پرسند که چرا باید چنین باشد و کافران نعمت بیشتری داشته باشند؟ بگو: هرکس که در گمراهی به سر می‌برد خداوند رحمان باید در زندگی دنیا که تنها منزل سعادت کافران است به آنان یاری و کمک برساند و به مددهای خود ادامه دهد تا آن‌روز که وعده‌ خدایی فرارسد و با عذاب و هلاکت دنیوی و یا با قیام رستاخیز مواجه شوند آن‌روز به خوبی می‌دانند چه کسی موقعیت بدتری دارد و سپاهی ناتوان‌تر.

۷۶. این است برنامه‌ خداوند رحمان درباره کافران و برنامه او درباره مؤمنان این است که بر هدایت رهیابان می‌فزاید تا برای آخرت خود توشه بیشتری بردارند و برای بعد از مرگ خود باقیات الصالحات کافی تحصیل کنند. کردار صالحی که بعد از مرگ مؤمنان باقی بماند در پیشگاه پروردگارت پاداش بهتری دارد و بازده آن نیکوتر است.

أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ۷۸ كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا ۷۹
 وَنَرْتُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا ۸۰ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا ۸۱ كَلَّا سَيَكْفُرُونَ
 بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا ۸۲ أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا ۸۳ فَلَا
 تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَذَابًا ۸۴ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا ۸۵ وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ
 إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا ۸۶ لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ۸۷ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ

۷۷. اینک بگو نظرت خودت چیست؟ آن کسی که به آیات ما کافر شد و گفت: اگر رستاخیزی برپا شود و من به پیشگاه پروردگارم برده شوم به یقین جایگاهی والاتر از این دارم و از پیشگاه خدا مال و فرزند بیشتری عطا خواهم داشت که لیاقت آن را دارم.

۷۸. آیا بر جهان غیبی آگاه و مطلع است یا آن که در پیشگاه خداوند رحمان سندی دارد؟

۷۹. هرگز. نه بر جهان غیبی واقف و آگاه است و نه از پیشگاه خدا سندی و عهدنامه‌ای در دست دارد. به زودی ما ادعای او را ثبت می‌کنیم و به کیفر این سمپاشی و سیه‌کاری بر عذاب او می‌افزاییم.

۸۰. او به زودی خواهد مرد و همین مال و منال و فرزند و عیالی که دارد برای ما برجا می‌گذارد و فردای قیامت تک‌وتنها به حضور ما می‌آید و سزای خود را می‌بیند.

۸۱. به جای خداوند جهان خدایانی چند برای خود اتخاذ کردند تا به آنان عزت و ارجمندی بخشند.

۸۲. هرگز خدایان پوشالی عزت‌بخش آنان نخواهند بود. بلکه در قیامت به عبادت شرک‌آمیز آنان کافر می‌شوند و به جای سپاسگزاری تنفر و انزجار خود را اعلام می‌نمایند و برعلیه آنان گواهی می‌دهند.

۸۳. ندیده‌ای که ما شیطان‌ها را بر سر کافران فرستاده‌ایم تا دل‌هایشان را از کینه به جوش آورند.

۸۴. از این رو در محکوم ساختن آنان شتاب مکن که پرونده آنان کامل نیست. جز این نیست که ما خودمان تا فرا رسیدن موعد لحظه‌شماری می‌کنیم.

۸۵. آن روز که اهل تقوا را به ضیافت خداوند رحمان گرد آوریم.

۸۶. و تبه‌کاران مجرم را به سوی آب‌شخور دوزخ برانیم.

۸۷. هیچ‌کس صاحب شفاعت نخواهد بود جز آنان که در پیشگاه خداوند رحمان سندی داشته باشند.

وَلَدًا ۸۸ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِذَا ۸۹ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًا ۹۰
 أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ۹۱ وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ۹۲ إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ
 وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا ۹۳ لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ۹۴ وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا ۹۵
 إِنْ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وِدًّا ۹۶ فَإِنَّمَا يَسْرِنَاهُ بِلِسَانِكَ لِنُبَشِّرَ بِهِ
 الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا ۹۷ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ
 لَهُمْ رِكْزًا ۹۸

-
۸۸. کافران گفته‌اند که خداوند رحمان از میان ارواح قدسی فرزندی گزین ساخته است.
۸۹. ای کافران! چه غوغای عظیمی برپا کرده‌اید.
۹۰. نزدیک است که آسمان‌ها از شنیدن این غوغا منفجر شوند و دشت‌ها از هم بشکافند و کوهها با فریاد و فغان درغلتند.
۹۱. از آن‌رو که کافران برای خداوند جهان فرزندی تراشیدند و آن را خدای خود گرفتند.
۹۲. خدا را نسزد که برای خود فرزندی برگزیند.
۹۳. هر که در آسمان‌ها و زمین است با هر مقام و منزلتی که باشد در پیشگاه خداوند رحمان جز بنده‌وار قدم نمی‌گذارد.
۹۴. خداوند رحمان تمام بندگان خود را آمار و احصاء کرده است و شمار آنان را در دست دارد.
۹۵. و همه آنان به روز قیامت تک‌وتنها به حضور می‌شتابند.
۹۶. به یقین کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته‌ای به درگاه خدا تقدیم بدارند به زودی خداوند رحمان برای آنان مهتری در دل‌ها برقرار می‌سازد.
۹۷. ما این قرآن را بر زبانت روان کردیم تا اهل تقوا را نوید و امید ببخشی و به غوغاگران مدعی اخطار کنی.
۹۸. چه بسیارند امت‌هایی که پیش از این مردم، یکسر هلاک و نابودشان کردیم. آیا شیخ کسی را احساس کرده‌ای و یا صدایی شنیده‌ای تا فکر کنی که شاید یک‌تن آنان برجا مانده باشد؟

طه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طه ^۱ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ^۲ إِلَّا تَذَكَّرَ لِمَنْ يَخْشَى ^۳ تَنْزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى ^۴ الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى ^۵ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى ^۶ وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى ^۷ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى ^۸ وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ^۹ إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَى النَّارِ هُدًى ^{۱۰} فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى ^{۱۱} إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ^{۱۲} وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى ^{۱۳} إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا

۱. ط. هـ.

۲. ما قرآن را بر تو نازل نکردیم تا در میان مردم، نامراد و محروم گردی و با یارانت در میان یک‌دره محصور و منزوی بمانی.

۳. ما قرآن را نازل کردیم تا پندواره‌ای باشد برای آن مردمی که از اخطار الهی می‌ترسند.

۴. تنزیلی به تدریج از جانب آن خداوندی که زمین را آفریده است و آسمان‌های بلند و رفیع را برپا ساخته است.

۵. همان خداوند رحمان که بر عرش اقتدار خود جای دارد.

۶. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است ملک او است با آنچه در میان آسمان‌ها و زمین است و آنچه در زیر خاک‌ها نهان است.

۷. اگر با فریاد و فغان زبان به شکایت باز کنی او سرّ نهان را می‌شنود و نهان‌تر از سرّ نهان را می‌داند.

۸. الله، خدایی که جز او خدایی نیست نام‌های نکوتر آن او است.

۹. آیا از داستان موسی خبرت هست؟

۱۰. آن شب که با همسرش در کوهستان طور راه خود را گم کرد و از دور آتشی فروزان دید به همسرش گفت: شما در اینجا درنگ کنید و به دیگر جا مروید. چشم من با فروغ آتشی آشنا شد. می‌روم تا شاید شعله‌ای از آن آتش بر فروزم و برای شما بیاورم و یا بر سر آتش کسی را بیابم که راه را از او بجویم و از سرگردانی رها شویم.

۱۱. و چون به کنار آتش رسید ندایی به گوشش رسید که ای موسی!

۱۲. من پروردگار تو هستم. تو باید پافزار خود را از پا برون کنی چرا که در سرزمین طوی

إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ^{١٤} إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا لِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى ^{١٥} فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى ^{١٦} وَمَا تَلُكَ بِبَيْمِينِكَ يَا مُوسَى ^{١٧} قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى ^{١٨} قَالَ أَلْقَاهَا يَا مُوسَى ^{١٩} فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَبِيبَةٌ تَسْعَى ^{٢٠} قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى ^{٢١} وَأَضْمُمُ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَى ^{٢٢} لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا

درهٔ مقدس پا نهاده‌ای.

۱۳. من تو را از میان همگان برای رسالت خود گزین کردم. پس گوش به فرمان اشارت من باشد.

۱۴. به یقین من خودم همان خداوندم که خدایی جز من نیست. پس مرا پرستش کن و هرگاه به یاد من افتادی نماز را با راز و نیاز من برپا بدار.

۱۵. بی‌شک هنگامهٔ رستاخیز آمدنی است. من برآنم که از دیدگاه مردم پنهانش بدارم تا همواره مردم را با کفر و ایمان بیازمایم و هرکس در مقابل کار و تلاش خود، سزا یابد.

۱۶. پس مبادا آن کسانی که هنگامهٔ رستاخیز را باور نمی‌دارند و هوای دل را دنبال کرده‌اند تو را از تذکار قیامت بازدارند که اگر از تذکار قیامت بازمانی سقوط خواهی کرد.

۱۷. و دیگر این چیست که در دست داری؟

۱۸. موسی نگاهی به عصای خود کرد و چیزی که مایهٔ بی‌حرمتی باشد در آن ندید و گفت: چیزی نیست. عصای من است، به هنگام خواب پیشانی خود را بر آن تکیه می‌دهم و ایستاده استراحت می‌کنم تا گوسفندانم پراکنده نگردند. بر شاخ بوته‌ها و درخت‌ها می‌نوازم تا برگ‌های آن بر سر گوسفندانم بریزند. خواسته‌های دیگری هم دارم که با عصا انجام می‌دهم.

۱۹. پروردگارش گفت: ای موسی! عصا را بیفکن.

۲۰. با این فرمان موسی عصای خود را کنار پافزارش افکند ولی ناگهان عصا ماری شد که می‌پیچید و به سوی او می‌خزید.

۲۱. موسی که برای اولین بار با چنین پدیده‌ای روبرو می‌شد بدون تأمل فرار کرد و پروردگارش گفت: عصا را بگیر و نترس. لحظه‌ای دیگر که به سوی آن دست فراز آری به سیرهٔ نخستین بازش می‌گردانیم که معجزهٔ رسالت باشد.

۲۲. دست راست خود را زیر بغل بگیر که اگر دست خود را زیر بغل نگه‌داری بعد از

الْكُبْرَى^{٢٣} اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى^{٢٤} قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي^{٢٥} وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي^{٢٦}
 وَأَحْلِلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي^{٢٧} يَفْقَهُوا قَوْلِي^{٢٨} وَاجْعَلْ لِّي زَاجِرًا مِّنْ أَهْلِي^{٢٩} هَارُونَ أَخِي^{٣٠}
 اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي^{٣١} وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي^{٣٢} كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا^{٣٣} وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا^{٣٤} إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا
 بَصِيرًا^{٣٥} قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى^{٣٦} وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى^{٣٧} إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ

لحظه‌ای سپید و تابان برون می‌آید بی‌آن‌که از بیماری و کم‌خونی حکایت کند. و این معجزه دیگری است برای رسالت.

۲۳. ما تو را با این دو نشان معجز به رسالت می‌فرستیم تا روزی فرا رسد که نشانه‌ای بزرگتر از این دو نشانت بدهیم.

۲۴. اینک به سوی فرعون راه برگیر که سرکشی آغاز کرده است.

۲۵. موسی که دقیقاً از شوکت و اقتدار فرعونی باخبر بود احساس ضعف و ناتوانی کرد و گفت: پروردگار من! سینه مرا گشاده گردان تا آرامش دل داشته باشم و بهتر تصمیم بگیرم.

۲۶. کار مرا سهل و آسان کن که پیشبرد رسالت و مقابله با کاخ فرعونی و سنای مصر کاری بس مشکل است.

۲۷. گره از زبان من بگشا.

۲۸. تا طلاقت زبان داشته باشم و رسا و روان سخن بگویم و درباریان فرعونی منظور مرا دریابند.

۲۹. و از خاندان خودم برای من وزیری برقرار کن.

۳۰. همان هرون برادرم که هم از من فصیح‌تر سخن می‌گوید و هم ریاست بنی‌اسرائیل را برعهده دارد.

۳۱. کمر مرا به وزارت و پشتیبانی او استوار و محکم کن.

۳۲. و در ابلاغ پیام رسالت او را شرکت بده.

۳۳. تا به شکرانه این موهبت تو را تسبیح فراوان بگویم.

۳۴. و فراوان به یاد تو افتیم و نماز را برپا داریم.

۳۵. به یقین تو بر حال ما بینا بوده‌ای.

۳۶. پروردگارش گفت: ای موسی! همه درخواست‌هایت پذیرفته شد.

۳۷. به یقین ما در یک مرحله دیگر نیز بر تو منت نهاده‌ایم.

أَمْكَ مَا يُوحَىٰ ۚ ۳۸ أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ وَالْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي ۚ ۳۹ إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۚ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَا مُوسَىٰ ۚ ۴۰ وَأَصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي ۚ ۴۱ اذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي ۚ ۴۲ اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ۚ ۴۳ فَقُولَا لَهُ

۳۸. آن روزی که هرچه لازم بود در خواب به مادرت گفتیم.

۳۹. فرمودیم که نوزاد خود را در پارچه‌ای نهان کن و آن را در تابوتی از چوب بیفکن که گویا کهنه‌ای بی‌ارزش است. سپس تابوت را به نیل بیفکن که گویا ارزش نگه‌داری ندارد. بعد از آن بر عهده رود نیل است که تابوت کودک را به ساحل بیفکند تا آن کسی او را به فرزندی بگیرد که هم دشمن من باشد و هم دشمن کودک باشد. بدین ترتیب فرعون تو را به فرزندی گرفت و من جاذبه محبتی از وجود خودم بر وجود تو افکندم که تو را دوست بدارند و مجذوب تو گردند و برای آن که در برابر چشمان من و تحت مراقبت و نظر من ساخته شوی و سازمان یابی.

۴۰. آن روز خواهرت سایه‌به‌سایه همراه تابوت به راه افتاد تا دانست که درباریان فرعون تو را در آغوش خود می‌فشارند. سپس بر در کاخ آمد و انتظار کشید تا مأمورین کاخ به جستجوی دایه بیرون شدند و خواهرت گفت: آیا علاقه دارید که شما را به خانه دایه‌ای ببرم که از کودک شما به خوبی نگه‌داری نماید؟ به این ترتیب تو را به آغوش مادرت بازگردانیم تا چشمانش به جمال تو روشن گردد و اندوهگین نماند. و از این به بعد تو خودت ماجرای زندگی را می‌دانی تا آن روز که تنی از مردم قبط را کشتی و ما تو را از اندوه قصاص و پیگرد قانونی آن رهایی دادیم و سرنوشتت را عوض کردیم و با مشکلات عظیمی آزمونت کردیم و محک زدیم تا بالاخره چندسالی در میان مردم مدین درنگ کردی و اینک بر سر قسمت فرا رسیدی و مقام رسالت گرفتی.

۴۱. در این دوره نابسامانی تو کاملاً ساخته شدی و من تو را برای خودم ساختم.

۴۲. اینک تو با برادرت هرون به سوی فرعون راه برگیرید با پشتوانه معجزه‌ها و نشانه‌های من و در یادآوری من و اقامه نماز سستی مگیرید.

۴۳. و چون موسی وارد مصر شد و فرمان وزرات را به هرون ابلاغ کرد پروردگارش فرمود: بروید به سوی فرعون که سرکشی آغاز کرده است.

قَوْلًا لَّيْنَا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى ٤٤ قَالَ رَبَّنَا إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرَطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْفَى ٤٥ قَالَ لَنَا تَخَافًا إِنَّنِي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَى ٤٦ فَأْتِيَاهُ فَقَوْلًا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بآيَةٍ مِّنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ أَتْبَعِ الْهُدَى ٤٧ إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ٤٨ قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمْ يَا مُوسَى ٤٩ قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى ٥٠ قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى ٥١ قَالَ عَلَّمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى ٥٢ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ

٤٤. و چون به کاخ او درآمدید با او سخن نرم بگویید باشد که خدا را یاد کند و به دین شما ایمان بیاورد و یا از سطوت خدا بترسد و از طغیان دست بردارد.

٤٥. هرون و موسی گفتند: پروردگارا! ما خائفیم که فرعون از ادعای ما برآشوبد و بی تأمل ما را هلاک سازد و یا خشم او از حد بگذرد و سران بنی اسرائیل را هم به دست هلاکت بسپارد.

٤٦. پروردگارشان گفت: ترسی به دل راه مدهید. به یقین من با شما هستم گفتگوی شما را می شنوم و برخورد شما را می بینم.

٤٧. شما هردو به کاخ فرعون شوید و بگویید: ما دوتن رسول پروردگار تو هستیم و پیام پروردگارت این است که بردگان بنی اسرائیل را به همراهی ما آزاد کن و در اسارت و بیگاری عذاب مکن. ما نشانه لازم را از جانب پروردگارت آورده ایم که پشتوانه رسالت ما باشد. درود خدا بر آن کسی باد که از رهنمود خدا پیروی نماید.

٤٨. به یقین ما می دانیم و به ما وحی و اشارت شده است که عذاب الهی بر سر آن کسی نازل می شود که رسالت الهی را تکذیب کند و از فرمان او رویگرداند.

٤٩. فرعون گفت: ای موسی! پروردگار شما کیست که چنین رسالتی به شما داده است؟
٥٠. موسی گفت: پروردگار ما آن خدایی است که به مخلوق خود همه چیز لازم را عطا کرده است و سپس او را به راه درست خدایی هدایت کرده است.

٥١. فرعون گفت: پس امت های پیشین ما را چه مانع بود که بر ایشان پیام آوری نیامد و کسی آنان را به راه درست خدایی هدایت نکرد؟

٥٢. موسی گفت: آمار امت های پیشین نزد پروردگار من در لوحه محفوظی ثبت است و آنان را در دوره های مناسب به کلاس زندگی باز می گرداند و آزمون می نماید. پروردگار من هیچ نسلی را از قلم نمی اندازد و از یاد نمی برد.

أَرْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتَّى^{٥٣} كُلُّوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى^{٥٤} مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى^{٥٥} وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى^{٥٦} قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى^{٥٧} فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلَفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى^{٥٨} قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضَحَى^{٥٩} فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى^{٦٠} قَالَ لَهُمْ مُوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَيَّ

٥٣. همان خدایی که پهنه زمین را برای شما چون بستری گسترده و برای شما در زمین گذرگاهها و جادهها در پیچ و خم درهها سازمان داد و از آسمان بارانی نازل کرد و ما فرشتگان با آن باران جفت‌های گوناگونی از گیاهان را حیات بخشیدیم و از دل خاک برآوردیم.

٥٤. ای مردم! از گیاهان و میوه‌ها و دانه‌های زمین تناول کنید و دام‌هایتان را بچرانید تا از گوشت و پوست و شیر و مدفوع آنها بهره‌یاب شوید به یقین در پرورش این نعمت‌ها برای صاحبان خرد نشانه‌های ربوبیت آشکار است.

٥٥. ما شما را از همین خاک آفریدیم و در دل همین خاک بازتان می‌گردانیم و از دل همین خاک برای مرحله بعدی برون می‌آوریم.

٥٦. به یقین ما نشانه‌های خود را کلاً به فرعون ارائه کردیم و فرعون با شناخت کافی نشانه‌ها را تکذیب کرد و از پذیرش پیام رسالت ابا ورزید.

٥٧. فرعون با این سیاست که احساسات مردم را بر علیه موسی و بردگان تحریک کند گفت: ای موسی! رفتی و خود را با سحر و جادو مجهز کردی و اینک آمدی تا بردگان را بشورانی و ما را از این سرزمین برانی؟

٥٨. به خدایان سوگند که با سحری همانند سحر خودت به جنگ تو می‌آییم و ادعای رسالت را ابطال می‌کنیم. اینک فرصتی لازم است که ساحران را از اکناف جهان احضار کنیم. تو خود برای مبارزه میعاد می‌کنی که نه ما و نه تو هیچ‌یک تخلف نکنیم و بر سر موعد در میدان وسیع شهر حاضر شویم.

٥٩. و موسی با این فکر که فرعون نتواند جمعی را برای تماشا و داوری اجیر کند و به میدان بیاورد گفت: میعاد ما روز عید باشد که روز تعطیل است. اعلام شود که مردم همگان از خرد و کلان از شهر و روستا به تماشا حاضر شوند و اعلام شود که حتماً به هنگام پهن شدن آفتاب در میدان عمومی گرد آیند.

٦٠. با این قرار و مدار فرعون مجلس سنا را ترك کرد و بعد از آن که حیلۀ خود را سامان داد

اللَّهُ كَذِبًا فَيُسْحِتْكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى ^{٦١} فَتَنَّا عَمَّا مَرَّهَمُ بَيْنَهُمْ وَأَسْرَأُوا النَّجْوَى ^{٦٢} قَالُوا إِنَّ هَذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَّى ^{٦٣} فَاجْمَعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ اتُّوْا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى ^{٦٤} قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوْلَ مَنْ أَلْقَى ^{٦٥} قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى ^{٦٦} فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَى ^{٦٧} قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى ^{٦٨} وَأَلْقَى مَا فِي

و ساحران را گرد آورد برای گزارش به سنای مصر درآمد.

٦١. موسی در سنای مصر به ساحران گفت: وای بر شما، من ساحر و جادوگر نیستم. من هرگاه عصای خود را بر زمین بیندازم با خواست خدا به مار واقعی تبدیل می‌شود. شما بر خدا دروغ و افترا ننیدید که با حيله و تزوير ريسمان‌های خود را در سيمای مار و اژدها به مردم نشان بدهيد و بگويد: خدا اين موهبت را به ما هم عطا کرده است. که خداوند جهان شما را با عذاب خود ریشه کن خواهد ساخت. تحقيقاً هرکس بر خدا دروغ ببندد نامراد خواهد گشت.

٦٢. پند موسی در ساحران مؤثر افتاد زیرا از همگان شنیده بودند که عصای موسی در بارگاه فرعون بی تابش آفتاب و بی آتش و تبخیر آب به مار واقعی تبدیل شده است از این‌رو در کار خود دچار تردید گشتند و سران حکومت با نمایندگان سنا به نزاع و جدل پرداختند و ناچار جلسه کنکاش را سرّی اعلام نمودند.

٦٣. سران حکومت به ساحران گفتند: شما مطمئن باشید که این دوتن ساحرنده و می‌خواهند با این نمایش سحر خود، شما مردم قبط را از سرزمینتان برانند و حکومت شما را که پیشرفته‌ترین نوع حکومت است از میان بردارند و حکومت دینی تشکیل دهند.

٦٤. شما وسایل سحر خود را کلاً آماده کنید و با هماهنگی در يك صف به میدان وارد شوید و سحر انبوهی به میدان بیاورید و قدرت خود را نشان بدهید. امروز هرکسی در میدان مبارزه پیروز شود بی‌شک رستگار است و از فقر و بدبختی و خانه‌بدوشی رها خواهد گشت.

٦٥. ساحران با تهدید و تطمیع فرعون به میدان آمدند و با موسی گفتند: یا تو اول باید عصای خود را بیندازی و کار خود را شروع کنی و یا اول ما عصاها و ريسمان‌های خود را بر زمین بیندازیم و برنامه خود را نشان بدهیم.

٦٦. موسی گفت: جادوی شما نیاز به فرصت دارد تا اثر بگذارد از این‌رو شما اول کار خود را شروع کنید و آنچه در چنته خود نهان کرده‌اید برون اندازید. ساحران میدان را آب‌پاشی

يَمِينِكَ تَلَقَّفَ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى^{٦٩} فَالْقِيَ السَّحْرَةَ
سُجْدًا قَالُوا أَمَّا رَبُّ هَارُونَ وَمُوسَى^{٧٠} قَالَ أَمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنِ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَيْبِرُكُمْ الَّذِي
عَلَّمَكُمْ السَّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ وَلَأَصْلَبَنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ آيُنَا
أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى^{٧١} قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَيَّ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ

کردند و سپس ریسمان‌ها و عصاهای خود را در برابر تابش آفتاب بر زمین ریختند. ناگهان ریسمان‌ها و شاخه‌ها و عصاها در چشم موسی چنان مشهود شد که می‌خزند و می‌شتابند.
٦٧. موسی با دیدن این جلوه پر فریب که هلهله فرعونیان را در پی داشت ترس شکست را در دل خود احساس کرد و با خود گفت: اژدهای من در برابر این همه مار و اژدها - گرچه دروغین است - در انظار عمومی جلوه نمی‌کند و هرچند که مردم را فرابخوانم تا نزدیک بیایند و تزویر ساحران را لمس کنند، کسی جرئت نزدیک شدن ندارد. پس تکلیف من چه خواهد بود؟

٦٨. ما به موسی گفتیم: نترس، بی‌شک تو پیروز و برنده خواهی بود.

٦٩. همان عصا را که در دست راست خود داری بیفکن و بدان که اگر عصا را بیفکنی تمام ساخته‌های آنان را به کام خود فرو خواهد کشید. آنچه ساخته‌اند و سازمان داده‌اند حیلۀ ساحران است نه واقعیت، و ساحر هر جا که رود و هر چه به میدان آورد رستگار و پیروز نخواهد شد.

٧٠. موسی عصای خود را افکند و عصا به اژدهایی دمان تبدیل شد و به سحر ساحران حمله‌ور گشت و هر چه بود فرو بلعید و چیزی در وسط میدان برجا نماند جز عصای موسی که به هرسو در تکاپو بود. ساحران مجذوب شدند و بی‌تأمل به سجده افتادند و گفتند: ما به پروردگار موسی و هرون ایمان آوردیم.

٧١. فرعون با دیدن صحنه بدیع و شگفت، شکست خود را قطعی دید ولی ماهرانه به بازی پرداخت و با عتاب و تهدید به ساحران گفت: قبل از آن که من اعتراف کنم و اجازه دهم شما به درستی و راستی موسی اعتراف کردید و شکست مرا اعلام کردی؟ به یقین معلوم شد که موسی استاد شما است و این سحری که شما به میدان آوردید موسی به شما فرا داده است تا صحنه‌سازی کند و احساسات مردم را به سود خود برانگیزد و برعلیه حکومت قانونی بشوراند. به خدا سوگند که به جرم این خیانت دست‌وپای شما را از چپ و راست می‌برم و جسد شما را بر تنه درخت‌های خرما بر دار می‌کشم تا عبرت دیگران باشید. اینک

قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا^{٧٣} إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَبِيرٌ وَابْقَى^{٧٣} إِنَّهُ مِنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى^{٧٤} وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى^{٧٥} جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى^{٧٦} وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرْكًا وَلَا تَخْشَى^{٧٧} فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ^{٧٨} وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى^{٧٩} يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ

شما خواهید دید که شکنجه ما دردناکتر از شکنجه شما خواهد بود و حکومت ما از حکومت دینی شما پاینده تر خواهد بود.

۷۲. ساحران گفتند: سوگند به آن خدایی که اولین ذره جان ما را شکافت هرگز تو را بر نشانه‌های روشنی که به ما واصل شده است گزین نخواهیم کرد. هر فرمانی که خواهی صادر کن و هرگونه مایلی داوری کن که فرمانت فقط در دنیا روان است.

۷۳. به یقین، ما به پروردگار خود ایمان آوردیم تا دستاورد خطای ما را ببخشاید و این سحری که در اثر فشار و اکراه تو اجرا کردیم و به جنگ با خدا رفتیم بر ما نگیرد. خداوند برای ما بهتر است و مراحم او پاینده تر خواهد بود.

۷۴. هرکس به حضور پروردگارش درآید و مجرم باشد بی‌شک دوزخ فروزان نصیب او خواهد بود که آنجا نه مرگ است و نه زندگی.

۷۵. و هرکس به حضور پروردگارش درآید و با شرط ایمان دستاورد شایسته‌اس آورده باشد درجات والای بهشت از آن او خواهد بود.

۷۶. بوستان‌های همیشه‌بهار که از زیر آنها نهرها روان است جاودانه در آن بوستان‌ها به سر خواهند برد و این پاداش کسی است که از آلودگی دوری گزیده باشد.

۷۷. ما به موسی اشارت کردیم که با کوچ شبانه بندگان مرا به سوی فلسطین رهبری کن و مستقیماً راه دریای تلخ را در پیش بگیر و برای آنان در عرض دریا راهی خشک بزن که نه از رسیدن فرعون ترسی در میان است و نه از فروریختن آب‌دریا.

۷۸. موسی با قوم خود وارد دریا شد و فرعون هم با سپاهیان‌ش به تعقیب آنان وارد راه شدند و دیواره آب بر سر آنان فروریخت.

۷۹. فرعون مردم خود را بی‌راه کرد و هدایت نکرد.

أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَوَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى ^{٨٠} كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى ^{٨١} وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى ^{٨٢} وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى ^{٨٣} قَالَ هُمْ أَوْلَاءُ عَلَيَّ أَتْرَبِي وَعَجَلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى ^{٨٤} قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ ^{٨٥} فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلِمْتُمْ بِرَبِّكُمْ وَعَدَا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي ^{٨٦} قَالُوا

۸۰. ای یهود بنی اسرائیل! بدین صورت بود که شما را از چنگال دشمنانتان نجات بخشیدیم و چون موسی برای میقات با ما روانه طور شد تا برنامه ده فرمان را دریافت کند با شما وعده نهادیم که در سمت راست کوهستان متوقف شوید و به انتظار موسی بمانید و در نیمه راه که دچار قحطی شدید بر سر شما ابری سایه گستر نمودیم و از آن ابر، ماهی من و سلوی بر سرتان فروریختیم.

۸۱. و گفتیم: فقط از روزی‌های پاک ما که ماهی بافلس باشد تناول کنید و در جستجوی روزی خود طغیان و تمرد نکنید که خشم من بر شما درآید و خشم من بر هرکس که درآید بی شک سقوط خواهد کرد.

۸۲. من همواره غفار و بخشاینده‌ام اما نسبت به کسی که از خطای خود بازگردد و ایمان بیاورد و کار شایسته بجا آورد و بعد از تحصیل این شرایط در راه هدایت گام گذارد.

۸۳. موسی تنها به کوه طور آمد ولی چهل روز معطل ماند تا تشریف سخن حاصل کرد و پروردگارش گفت: ای موسی! از چه رو شتاب کردی و بدون همراهیانت به طور آمدی؟
 ۸۴. موسی گفت: آنان همین‌ها هستند که همراه باروبنه دنبال من حرکت کردند و یک‌ماه است که پایین همین کوه اطراق کرده‌اند و منتظرند. من به حضورت شتاب کردم - ای پروردگار من - که قبل از رسیدن مردم، میقات خود را به پایان ببرم و الواح را دریافت کنم و با رسیدن مردم به راه خود ادامه دهیم و زودتر به فلسطین برسیم تا رضایت تو را تحصیل کنم.

۸۵. پروردگارش گفت: پس این را بدان که ما قوم تو را بعد از آمدنت به آزمون نهادیم و سامری آنان را گمراه کرد.

۸۶. موسی الواح ده فرمان را دریافت کرد و با خشم و اسف به نزد مردم بازگشت و گفت: ای مردم من! آیا پروردگارتان با شما وعده نکرد که سعادت شما را با یک برنامه آسمانی تأمین

مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلَكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا أُوزَارًا مِّنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ^{٨٧} فَأَخْرَجَ لَهُمْ عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِي^{٨٨} أَفَلَا يَرُونَ أَلَّا يَرْجِعَ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا^{٨٩} وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلِ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي^{٩٠} قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ^{٩١} قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا^{٩٢} أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي^{٩٣} قَالَ يَا ابْنَ

کند؟ آیا از وعده خدا سال‌ها و سال‌ها گذشت که باعث ناامیدی و مایه بی‌ایمانی شما شد؟ یا آن که می‌خواستید خشم خدا دامن شما را بگیرد که از وعده من تخلف کردید و به انتظار من نماندید؟

۸۷. مردم موسی گفتند: ما با فکر و تصمیم خود وعده تو را بر هم نزدیم. بعد از دیرکرد شما سران اسباط جلسه‌ای ترتیب دادند و سپس به دستور سامری بر ما تحمیل کردند که هر سبطی مبلغ سنگینی از زیورات خود را بیاورد و ما زیورات خود را جمع کردیم و به دستور سامری در کوره افکندیم. سامری هم یک چیزی به کوره انداخت.

۸۸. و بعد برای آن سران همان گوساله بی‌جانی از کوره بیرون آورد که بانگ می‌کرد و سران اسباط به ما گفتند: خدای شما و خدای موسی داخل همین گوساله است که به هنگام بالا رفتن بر طور فراموش کرده و برجا نهاده است.

۸۹. آیا ندانستند که این خدا را سامری ساخته است و زرق و برق آن از گوشواره‌ها و دست‌بند‌های آنان مایه می‌گیرد؟ از این گذشته آیا نمی‌بینند که گوساله پاسخی به سخنانشان نمی‌دهد و توان آن را ندارد که سودی و زیانی برساند؟

۹۰. هرون هم پیش از آمدن موسی به آنان گفته بود که ای مردم من! جز این نیست که شما خرد خود را از کف نهاده‌اید و مفتون این بت شده‌اید که نعره گوساله سر می‌دهد. پروردگار شما خداوند رحمان است. از گرد این گوساله پراکنده شوید و همراه من بیایید و از فرمان من اطاعت کنید.

۹۱. مردم گفتند: ما هرگز از گرد گوساله پراکنده نخواهیم شد تا روزی که موسی به سوی ما بازگردد و تکلیف ما روشن شود.

۹۲. موسی با یک دست موهای سر هرون را گرفت و او را کشید و با دست دیگر محاسن او را در مشت گرفت و با خشم و ملامت در چهره‌اش نگریست و گفت: ای هرون! موقعی که دیدی مردم از راه بدر گشتند چه مانعت شد که دنبال من به طور نیامدی تا خبر حیات مرا

أَمْ لَا تَأْخُذُ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي^{٩٤} قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ^{٩٥} قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي^{٩٦} قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ تَخْلَفَهُ وَانْظُرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا^{٩٧} إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا^{٩٨} كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ

برای مردم بیاوری و علت تأخیر مرا روشن سازی؟

۹۳. آیا فرمانت ندادم که راه بدکاران مفسده‌جو را دنبال نکنی، آیا فرمان مرا نادیده گرفتی؟
 ۹۴. هرون گفت: برادر جان، موهای سرم را مگیر و نه موهای محاسنم را که دشمنم را شاد کنی. من ترسیدم بگویی که چرا میان امت من تفرقه انداختی. چرا سخن مرا پاس و حرمت نگذاشتی که گفتم: «تا می‌توانی اختلاف امت را با صلح و صفا برطرف کن و راه سران اسباط را دنبال مکن».

۹۵. موسی رو به سامری کرد و گفت: تو چرا این فتنه را به راه انداختی، ای سامری!
 ۹۶. سامری گفت: نظر من به چیزی معطوف شد که نظر دیگران معطوف نشد. من رسول آسمانی را دیدم که هر جا می‌گذرد زیر پایش حیات و جنبش می‌آفریند. بی‌درنگ مشت‌های از گل اکسیر شده را برگرفتم و پنهان کردم. در فکر بودم که چگونه اکسیر حیات را بکار گیرم که با تشویق سران اسباط، قالب گوساله‌ای پرداختم و اکسیر حیات را داخل آن ریختم و این برنامه‌ای بود که نفس من در نظرم آراست.

۹۷. موسی گفت: پس برو که بی‌شک از تماس با اکسیر حیات تنها این سود برای تو می‌ماند که مادام الحیات از مردم گریزان شوی و بگویی: «به من دست نزنید وگرنه با تورم رگ‌ها و غلیان خون به یک تب بحرانی دچار می‌شویم». این را هم بدان که بی‌شک عمر جاویدان نخواهی کرد. بلکه برای مرگت موعدی مقرر شده است که آن را پشت‌سر نخواهی گذاشت. اینک به این خدایت که معتکف درگاهش بودی بنگر - به پروردگرم سوگند - که آن را به آتش می‌افکنم و خاکستر آن را به دریا می‌پاشم تا ریشه فساد و فتنه را از روی زمین برکنم.

۹۸. ای مردم! شما آن‌خدایی است که خدایی جز او نیست. دانش او هر چیزی را در بر گرفته است.

أَنْبَاءَ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا ۚ مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا ۙ
 خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا ۙ ۱۰۱ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا
 يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ۙ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ
 لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ۙ ۱۰۴ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ۙ ۱۰۵ فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ۙ ۱۰۶ لَا
 تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا ۙ ۱۰۷ يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا
 تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا ۙ ۱۰۸ يَوْمَئِذٍ لَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا ۙ ۱۰۹ يَعْلَمُ مَا

۹۹. با این گونه شرح و بیان ما از خبرهای پیشین زمان، برایت روایت می کنیم. به یقین ما از پیشگاه خود یادواره‌ای عطایت کردیم که از خاطره‌ها محو نخواهد گشت.
۱۰۰. هر کس که از این یادواره اعراض کند روز رستاخیز بار سنگینی بر دوش خواهد کشید.
۱۰۱. و هماره در زیر بار عذاب خواهد ماند. روز قیامت بار بدی بر دوش دارند.
۱۰۲. آن روز که با عبور یک شهاب سنگ عظیم در شیپور بیداری دمیده شود و تبهکاران مردم را در آن روز با چشمانی کیبود و نارس محشور کنیم که از قدرت بینایی محروم شوند.
۱۰۳. آهسته باهم می گویند که چندروز در گور خود توقف کردیم که اینک برون می شویم؟ جمعی می گویند: بیش از دهر روز توقف نکرده‌اید.
۱۰۴. ما به نجوای آنان داناتریم که بهترین کارشناس آنان می گوید: فقط یک روز توقف کرده‌اید.
۱۰۵. می پرسند که پروردگارت با صدها سلسله جبال و هزاران کوه و تپه چه خواهد کرد که حشر و جمع همگانی را ناممکن کرده است؟ بگو: پروردگارم با انفجاری عظیم کوهها را از هم می پاشد و غبار آن را بر باد می دهد و بر سطح زمین می پاشد.
۱۰۶. بعد از آن عرصه زمین را به صورت دشتی صاف و هموار برجا می گذارد.
۱۰۷. که در چشم انداز خود، پستی و بلندی نخواهی دید.
۱۰۸. در آن روز شیپور بیدارباش با قامتی راست مردم را فرابخوابد و همگان به آواز او سر از خاک برآزند. و چون خداوند رحمان حاضر شود صداها در حضور خداوند رحمان پست شود که دیگر صدایی جز زیرلب نخواهی شنید.
۱۰۹. در آن روز شفاعت شافعان برای کسی نافع نیفتد جز برای کسی که خداوند رحمان رخصت دهد و گفتار او پسندیده باشد، نماز خوانده باشد، به مسکین نوا داده باشد، به مقدسات دینی توهین نکرده باشد و روز قیامت را تکذیب نکرده باشد.

بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا ١١٠ وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ١١١ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا ١١٢ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا ١١٣ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ١١٤ وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا ١١٥ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى ١١٦ فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى ١١٧ إِنَّ لَكَ أَلًا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى ١١٨ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَى ١١٩ فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ

١١٠. آنچه را مردم در پیش دارند و آنچه را پشت سر نهاده‌اند خدا می‌داند و دانش دیگران به خدای رحمان احاطه نخواهد داشت.

١١١. چهره‌ها در پیشگاه آن زنده نگهبان خوار می‌شوند. نامراد آن کسی که بار سیه‌کاری بر دوش دارد.

١١٢. و هرکس از کارهای شایسته آخرت بجا آورد و حال آن که مؤمن باشد ترسی نخواهد داشت که حق او سیاه شود و یا پاداش او کاسته گردد.

١١٣. ما به این صورت پیام خود را در قالب الفاظ عرب نازل کردیم و مردم را با چهره‌های گوناگون قیامت تهدید کردیم، باشد که راه تقوا در پیش بگیرند. و یا تازه‌های قرآن، یاد خدا را در دل‌هایشان زنده کند.

١١٤. بلند باد پایه آن خدا که پادشاه برحق است. اگر فرصتی حاصل آید پیش از آن که فرمان وحی به تو واصل شود در خواندن قرآن و ابلاغ احکام آن شتاب مکن. بگو: پروردگارا! دانش مرا افزون کن که تکلیف خود را بهتر بشناسم و آن را به موقع به مرحله اجرا بگذارم.

١١٥. به یقین ما پیش از هبوط آدم به او سفارش کردیم ولی او سفارش ما را فراموش کرد و در وجود او اراده‌ای جازم ندیدیم.

١١٦. آن روز که فرشتگان را گفتیم: به خاطر آفرینش آدم سجده کنید. همه حاضران سجده کردند مگر ابلیس که دشمنی خود را با نسل بشر اعلام کرد و از سجده ابا ورزید.

١١٧. از این رو گفتیم: ای آدم! این شیطان، دشمن تو و دشمن همسرت خواهد بود. مبادا با فریب و افسون خود شما را از این بهشت بیرون کند که محروم و بدبخت می‌شوی.

١١٨. در بهشت، این سعادت را داری که هرگز گرسنه و عریان نمایی.

يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى ^{١٢٠} فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوَاتِرُهُمَا وَطَفَقَا يَخْصَفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ^{١٢١} ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى ^{١٢٢} قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَمَا يَاتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى ^{١٢٣} وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ^{١٢٤} قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ^{١٢٥} قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسَيْتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنسى ^{١٢٦} وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى ^{١٢٧}

۱۱۹. بی‌شک در اینجا تشنه و بی‌آب نخواهی ماند و تابش آفتاب نخواهی دید.

۱۲۰. شیطان او را وسوسه کرد و گفت: ای آدم! آیا میل داری که تو را به سوی درختی هدایت کنم که عمری جاودانه می‌بخشد و پادشاهی بی‌زوالت می‌دهد؟

۱۲۱. آدم و همسرش با وسوسه شیطان از میوه آن درخت تناول کردند و اندام شرمگاهشان از پرده برون افتاد. آدم و همسرش با اضطراب و قلق که اتفاق ناگواری رخ داده است به رفوگری پرداختند و شاخ‌وبرگ‌های بهشتی را بر اندام خود وصله زدند. آدم فرمان پروردگارش را نادیده گرفت و خرد خود را گم کرد.

۱۲۲. سپس با دریافت دعایی از جانب پروردگارش توبه نمود و پروردگارش او را فراخواند و هدایت کرد.

۱۲۳. پروردگارش بعد از آن ترمز گفت: شما هر دو نسل انس و جن از بهشت برین پایین روید و همگان با این ستیزه و کینه‌ای که با هم دارید در زمین مستقر شوید و به زندگی پر نعمت ادامه دهید. اگر رهنمودی از پیشگاه من نزد شما آمد برنامه تکلیف و کلاس تربیت برقرار می‌گردد؛ پس هر کس رهنمود مرا تابع شود گمراه نخواهد گشت و محروم و بدبخت نخواهد ماند.

۱۲۴. و هر کس از یاد من رو برتابد و از نماز با من ابا ورزد بهره او از حیات دنیا محرومیت و بدبختی است و روز قیامت با دیده کور از گور برون می‌آید.

۱۲۵. و می‌گوید: پروردگارا! از چهره مرا کور و نابینا برانگیختی با آن که یقیناً در دنیا بینا بودم.

۱۲۶. و پروردگارش می‌گوید: به این ترتیب: آیات ما بر تو ارائه شد تا با آن چشم بینا به عبرت بنشینى و اندیشه کنى و پند بگیری و تو چشم خود را بستی و آیات ما را به دست فراموشی سپردی که امروز این چنین به دست فراموشی سپرده شدی و دیدگان کبودت

أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي
النُّهَى ^{١٢٨} وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى ^{١٢٩} فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ
وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ
لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ ^{١٣٠} وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ
وَرَزَقْنَاكَ مِنْ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ^{١٣١} وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ
وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ ^{١٣٢} وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِّنْ رَبِّهِ أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةٌ مَّا فِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ ^{١٣٣} وَلَوْ

بی مردمک است.

۱۲۷. و به همین ترتیب هرکس که در عیش و عشرت و دنیاپرستی به راه اسراف و زیاده‌روی قدم گذارد و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد با عذاب کوری سزا می‌دهیم و بی‌شک عذاب آخرت، شدیدتر از کوری و بر دوام‌تر از عذاب دنیا خواهد بود.

۱۲۸. آیا این مردم از فرجام امت‌های پیشین پند نگرفته‌اند و آیا برای قومت مایه عبرت نیست که پیش از آنها چه امت‌هایی را هلاک و نابود کردیم که در سفر شام بر سرزمین ثمود گذر دارند و در سفر یمن از کنار احقاف قوم عاد می‌گذرند که با تمدنشان در زیر خروارها شن مدفون مانده‌اند؟ به یقین در آثار گذشتگان برای مردم صاحب‌خرد نشانه‌های حقیقت آشکار است.

۱۲۹. و اگر آن‌وعدۀ پروردگارت نبود که عذاب کافران را تا روز قیامت به تأخیر افکنده است و این عمر مقدری که در کتاب آفرینش برای مهلت مردم به ثبت رسیده است، هلاک و دمار این مردم لازم و فوری بود.

۱۳۰. پس تو از تأخیر عذاب آنان دلتنگ مشو و بر استهزاء و شتم و ناسزای آنان صبوری کن و پیش از طلوع خورشید و پیش از غروب آن خدا را همراه با ستایش او تسبیح کن و از لحظات تاریک شب، لحظاتی را برگزین و نافله‌ات را با تسبیح خدا شروع کن و در دو طرف روشنایی روز هم تسبیح خدا را در نافله مغرب و صبح از یاد مبر، باشد که رضایت خاطر از یمن عبادت پروردگارت حاصل شود.

۱۳۱. و دیدگانت را خیره مکن به این ناز و نعمت که مردان و زنانشان را بهره‌مند کردیم تا مایه ابتلا و آزمونشان باشد. این را بدان که روزی پروردگارت بهتر و پاینده‌تر از روزی آنها است.

۱۳۲. و خاندانت را به اقامۀ نماز فرمان بده و خودت نیز بر نمازهای فریضه و نافله‌ات

أَنَا أَهْلَكُنَاهُمْ بَعْدَ أَنْ لَقَا رَبَّنَا لَوْ لَأَرْسَلْنَا رَسُولًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نُنْزِلَ
وَنَخْزِي ۱۳۴ قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى ۱۳۵

پایداری پیشه کن که در تلاوت نمازهای آیات خدا را به مردم تبلیغ کنی. ما از تو ابلاغ رسالت خواسته‌ایم، از تو نخواستیم که برای تلاش معاش برخیزی. ما خودمان روزی تو را تأمین می‌نماییم. فرجام زندگی به سود تقوا و اهل تقوا خواهد بود.

۱۳۳. گفته‌اند که چرا آیتی از پیشگاه پروردگارش برای ما نمی‌آورد که معجزه رسالت او باشد. آیا معجزه قرآن به آنان نرسیده است؟ آیا آن شواهد روشنی که در نوشته‌های پیامبران پیشین است به آنان واصل نشده است؟

۱۳۴. اگر ما این مردم را پیش از نزول قرآن به دست هلاکت می‌سپردیم فردای قیامت می‌گفتند: چرا برای ما رسولی نفرستادی تا آیات تو را بشنویم و پیروی کنیم و امروز به این خواری و رسوایی دچار نگردیم.

۱۳۵. بگو: همه مردم منتظر آیت و اعجازند شما هم به انتظار باشید. به زودی خواهید دانست که رهروان راه درست و رهیابان راه راست کیانند؟

الانبیاء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مَّعْرُضُونَ^١ مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ^٢ لَاهِيَةً قُلُوبِهِمْ وَاسْرُوهُمُ النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ تَبْصُرُونَ^٣ قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ^٤ بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلْ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ^٥ مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ^٦ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ

١. روز حساب و بازپرسی نزدیک شد و مردم در حال بی‌خبری از دعوت حق روگردانند.
٢. یادواره دیگری از پیشگاه پروردگارشان برایشان در قالب نو نازل نشد جز آن که سرسری شنیدند و سپس به بازی زندگی سرگرم شدند.
٣. بی‌آنکه به آیات خدا دل بدهند، جلسه کنکاش و شوری در کنار کعبه داخل مشورت‌خانه دارالندوه منعقد شد و به زودی جلسه را سری کردند همان کسانی که که سیه‌کار بودند و بعد از جلسه گفتند: ای مردم! مگر این رسول شما بشری مانند شما نیست که سحر و جادو آموخته است؟ آیا با چشمان باز در پی جادو روان شده‌اید؟
٤. رسول خدا گفت: پروردگار من هر سخنی که در آسمان باشد و یا در زمین باشد می‌داند و مذاکرات سری شما را می‌شنود و به نیت و اهداف شما دانا است.
٥. در جلسه تنها نگفتند که این قرآن سحر و جادو است بلکه جمعی گفتند: «آرزوهای طلایی او در عالم رؤیا برایش مجسم شده نام آن را قرآن نهاده است». دیگری گفت: نه، بلکه باید گفت: «ساخته‌های ادیان پیشین را اقتباس کرده به خدای گیتی بسته است». دیگری گفت: «قرآن جاذبه‌ای فوق تصور دارد و با همین جاذبه و گیرایی است که مردم ما را به خود جلب کرده است، نه با آرزوهای طلایی و افسانه‌سرای. ما باید جاذبه قرآن را محدودش کنیم باید بگوییم: او شاعر است، باید بگوییم که او با ظرافت و ابداع خود طرح نوی ریخته و شعری نو در قالبی نو پرداخته است. اگر او رسول باشد باید مانند پیامبران پیشین معجزه‌ای بیاورد تا به او ایمان بیاوریم».
٦. درست است که ما به امت‌های پیشین معجزاتی ارائه کردیم، ولی آنان نپذیرفتند و ایمان نیاوردند که هلاکشان کردیم. آیا اگر همان معجزات را امروز ارائه دهیم این مردم می‌پذیرند و ایمان می‌آورند؟ اگر آن معجزات را قابل پذیرش می‌شمارند چرا به رسولان پیشین ایمان

الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^٧ وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ^٨ ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ^٩ لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ^{١٠} وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ^{١١} فَلَمَّا أَحْسَبُوا بِأَسْنَانَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ^{١٢} لَّا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ^{١٣} قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ^{١٤} فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ^{١٥}

نیاورده‌اند؟

۷. اینان بهانه‌جویی می‌کنند و می‌گویند: رسول خدا باید فرشته باشد و از عالم بالا نازل شود و اگر روح فرشته دارد باید غذا نخورد در حالی که پیش از تو هم سنت ما بر آن بود که مردانی را انتخاب کنیم و به آنان وحی نماییم تا رسالت ما را به امت‌ها ابلاغ کنند. اگر خودتان نمی‌دانید از امت‌های پیشین پی‌رسید که اهل کتابند و از کتاب خود و انبیاء خود خاطره‌ای دارند تا به شما خبر بدهند.

۸. ما رسولان خود را از جنس فرشتگان انتخاب نکردیم و نه ارواح عالیه را در قالب بشری مجسم کردیم که نخورند و نیاشامند. جاوید و لایزال هم نبودند.

۹. ما دعوت خود را از زبان رسولان خود به مردم ابلاغ کردیم و تهدیدشان کردیم که اگر دعوت ما را نپذیرند هلاک و نابود می‌شوند و بعد از سال‌ها دعوت که نتیجه کامل نگرفتیم تهدید خود را به اجرا نهادیم و رسولان خود را با آن مردمی که خواسته بودیم نجات دادیم و اهل اسراف را که در کامیابی از دنیا، مرزی نمی‌شناسند به دست هلاکت سپردیم.

۱۰. ای مردم! ما کتابی از آسمان به سوی شما نازل کردیم که یادواره شما را از نیک و بد منعکس خواهد کرد و کفر و ناسپاسی امروز شما نفرین نسل آینده را به سوی شما متوجه خواهد ساخت. آیا اندیشه خود را به کار نمی‌بندید و از بدنامی نمی‌هراسید؟

۱۱. چه بسیارند امت‌ها که سیه‌کار بودند و ما آنان را درهم شکستیم و بعد از نابودی و استیصال آنان، امت دیگری تأسیس نمودیم.

۱۲. بدان هنگام که سطوت ما را احساس کردند بی‌تأمل از مأمّن خود گریزان گشتند.

۱۳. مگریزید و به بستر ناز خود بازگردید. به خانه‌ها و باغ‌ها و کاخ‌های خود بازشوید. چرا همه چیز خود را بلا تکلیف رها می‌کنید و می‌دوید؟ باشد که حساب و کتاب مردم را روشن کنید.

۱۴. ولی آن روز می‌گویند: ای وای بر ما که سیه‌کار بودیم.

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ^{١٦} لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ آتَّخِذْنَا مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ^{١٧} بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ^{١٨} وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ^{١٩} يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ^{٢٠} أَمْ اتَّخَذُوا آلِهَةَ مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ^{٢١} لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ^{٢٢} لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ^{٢٣} أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مِنْ مَعِي وَذِكْرٌ مِنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ^{٢٤} وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا

۱۵. فریاد و اوایلای آنان بر آسمان بلند بود تا آن لحظه که مانند علف‌های دروشده آنان را بر زبر هم ریختیم و شعله حیاتشان فروخوابید.

۱۶. ما آسمان و زمین را با آنچه در میان زمین و آسمان است برای بازی نیافریدیم.

۱۷. اگر خواسته بودیم که برای خود سرگرمی و تفریحی ترتیب دهیم از پیشگاه غیب خود سرگرمی اتخاذ می‌کردیم و چهره‌های بدیعی از اسرار ملکوت را به نمایش می‌نهادیم. اگر کننده این کارها بودیم.

۱۸. با طرح این مسائل، بحث امکان و امتناع را مطرح نکردیم تا فلسفه بیافیم بلکه با این بیان حجت حق را چون سنگ خارا بر سر باطل می‌کوبیم تا مغز باطل را درهم بپاشد و ناگهان جلوه باطل فروبمیرد. وای بر شما مردم، از خرافاتی که به هم می‌بافید.

۱۹. هر آن کس که در آسمان‌ها و زمین است مملوک و بنده او است و کسانی که در پیشگاه اویند از پرستش او کبر نمی‌ورزند و وانمی‌مانند.

۲۰. شب تا به روز و روز تا به شب خدا را تسبیح می‌گویند و سستی و ملال نمی‌گیرند.

۲۱. آیا مشرکان همین مقربان آسمانی را به خدایی گرفته‌اند و یا از کارگزاران زمینی، خدایانی اختیار کرده‌اند که عهده‌دار نشر حیاتند؟

۲۲. اگر در نیست و زمین چند خدای دیگر جز خدای آسمان‌ها و زمین خدایی و قدرت‌نمایی می‌کردند بی‌شک آسمان‌ها و زمین تباه و ویران شده بود. آن خدایی که پروردگار عرش است از تعریف و توصیف مشرکان پاك و برکنار است.

۲۳. که می‌گویند: «خدای خدایان از کرده خود بازپرسی نمی‌شود ولی خدایان کابینه در برابر او بازخواهی و مسئولیت دارند».

۲۴. یا آنکه پروردگار عرش را از خدایی بر کنار می‌دانند و خدایان دیگری اتخاذ کرده‌اند که

فَاعْبُدُونِ ۲۵ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ۳۶ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ۲۷ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ۲۸ وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ۲۹ أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ۳۰ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سَبِيلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

انحصاراً در کار آسمان‌ها و زمین خداوندگارند؟ بگو: برهان خود را بر صحت این مدعا اقامه نمایید. این است یادنامهٔ این موحدان که با من همراهند و یادنامهٔ آن موحدان که پیش از من آمده‌اند. مشرکان برای مدعی خود دلیل برحقى ندارند بلکه اکثر آنان حق را نمى‌شناسند و لذا از توحید قرآن روگردانند.

۲۵. پیش از تو هیچ رسولى را به رسالت نفرستادیم جز آنکه بدو وحى کردیم: «خدايى جز من نيست مرا بپرستيد».

۲۶. گفتند: خداوند رحمان از ميان فرشتگان فرزندانى براى خود اتخاذ کرده است. خداوند رحمان منزه است که احساس عشق کند و فرزندی برای خود برگيرد بلکه فرشتگان گرمی، بندگان خداوند رحمانند.

۲۷. پیش از فرمان خدا سخن نمى‌گویند و پيشنهادهی طرح نمى‌نمایند و فقط به فرمان او عمل می‌نمایند.

۲۸. خداوند رحمان برنامه‌ای را که فرشتگان در دست عمل دارند و برنامه‌ای را که پشت سر نهاده‌اند می‌داند و فرشتگان به سود کسی شفاعت و همیاری ندارند که برنامهٔ خدايى را تغيير دهند مگر به سود آن کسانی که خداوند رحمان رضایت بدهد. فرشتگان از بازخواست الهی نگرانند.

۲۹. هر يك از فرشتگان که بگويد: من خودم رتبهٔ خدايى دارم. او را با آتش دوزخ سزا می‌دهيم. به همین صورت سیه‌کاران را هم سزا می‌دهيم.

۳۰. آیا کافران ندیده‌اند که با يك طوفان عظیم قسمتی از مایعات خورشیدی را برگرد خورشید چرخانديم و کرات سنگین زمینی را از مایعات روان و هفت‌آسمان را از گازهای متصاعد آن پروراندیم؟ آیا ندیدند که در آغاز این پرورش و آفرینش سطح کرات زمینی و آسمانی صاف و یکپارچه بودند چون گوی لغزان و ما با فشار امواج درونی سطح آسمان‌ها و زمین را شکافتيم و شیارها و کانال‌ها برآوردیم و هر موجود زنده‌ای را که می‌بینند از همان

^{۳۱} وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرَضُونَ ^{۳۲} وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ
 وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ^{۳۳} وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِن مَّتَّ فَهَمُّ
 الْخَالِدُونَ ^{۳۴} كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ^{۳۵} وَإِذَا رَأَى
 الَّذِينَ كَفَرُوا إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوعًا أَلَا هَذَا الَّذِي يَذَّكُرُ إِلَهُكُمْ وَهُمْ يَذَّكُرُ الرَّحْمَنَ هُم كَافِرُونَ ^{۳۶}
 خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ^{۳۷} وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ

مايع خورشیدی آفریدیم؟ آیا ایمان نمی آورند.

۳۱. و با همان انفجارات درونی در کره زمین کوهستان‌های عظیم و ریشه‌دار برقرار کردیم
 که بستر خاک‌ها با خانه‌ها و باغ‌ها و دشت‌ها و مزارع درهم بریزند و مردم را در زیر خروارها
 خاک و شن مدفون نسازند و در سطح زمین دره‌ها و بازه‌های پر پیچ‌وخم برآوردیم به
 صورت جاده‌ها با شیب ملایم که برای صعود و هبوط آماده باشند، باشد که مردم راه خود را
 بیابند.

۳۲. و آسمان سنگی را بر سر مردم چون سقف بلند برافراشتیم و محافظت کردیم تا سقوط
 نکند. در آسمان‌ها نشانه‌های ربوبیت او مشهود است و مردم از نشانه‌های آسمانی روگردانند.

۳۳. او همان خدایی است که تاریکی آفرید و روشنایی. خورشید آفرید و ماه. همه آسمان‌ها
 و زمین با خورشید و ماه در مدار خود شناور شده‌اند.

۳۴. کافران بدین انتظارند که بعد از تو قدرت را به دست گیرند و آثار تو را محو نمایند. ما
 برای هیچ آدمی که پیش از تو رسالت داده‌ایم عمر جاویدان نبخشیده‌ایم که تو را هم عمر
 جاویدان ببخشیم و امید آنان را برباد دهیم، اما اگر تو چشم از جهان بیوشی و زندگی دنیا را
 ترك بگویی آنان بعد از تو جاودان می‌مانند که آثار تو را محو نمایند؟

۳۵. هر صاحب‌جانی طعم مرگ را خواهد چشید. پیش از آنکه مرگ شما فرارسد شما را با
 محنت و عاقبت مبتلا می‌سازیم تا عیار ایمان و اخلاص شما را محک بنزیم و بعد از مرگ،
 همه شما به پیشگاه ما بازگردان می‌شوید.

۳۶. موقعی که این کافران با تو مواجه شوند با تحقیر و استهزاء می‌گویند: آیا همین است
 آنکه خدایانتان را به بدی یاد می‌کند؟ آنان خدایان خود را با نام‌های شایسته و نیکو یاد
 می‌کنند و به نام خداوند رحمان کفر می‌ورزند.

۳۷. آدمی از شتاب آفریده شد. به زودی من نشانه‌های عذاب را به شما نشان خواهیم داد.
 مرا به شتاب کردن وامدارید.

صَادِقِينَ ۳۸ لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونَ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۳۹ بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ۴۰ وَلَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۴۱ قُلْ مَنْ يَكْلُؤُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ ۴۲ أَمْ لَهُم آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِّنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِّنَّا يُصْحَبُونَ ۴۳ بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءَ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ۴۴ قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ

۳۸. می‌گویند: موعد این عذاب کی فرا خواهد رسید؟ اگر راست می‌گویید تهدید خود را اجرا نمایید.

۳۹. اگر کافران می‌دانستند که چه روزگار نحسی در پیش دارند هرگز به آمدن آن لحظاتی شتاب نمی‌کردند که نتوانند لهیب آتش را از چهره‌های خود دور سازند و نه از پشت و قفای خود و نه هیچ‌کس به یاری آنان بیاید.

۴۰. عذاب خدا خبر نمی‌کند بلکه ناگهانی فرا می‌رسد که مات و میبهوت بمانند. نه توان دفاع بیابند و نه مهلت و فرصت دارند.

۴۱. به یقین رسولان پیش از تو هم مورد استهزاء و تحقیر امت قرار گرفته‌اند، اما استهزاء و تحقیر امت‌ها به عذاب الهی بود که مآلاً پایبج همان کسانی شد که انبیاء را به تمسخر و استهزاء گرفتند.

۴۲. بگو: چه کسی شما را در طول شب و روز از عذاب خداوند رحمان نگرهبانی تواند داد؟ کافران قدرت خداوندی را انکار نمی‌کنند بلکه از یادکردن خدای رحمان و عبادت او روگردان شده‌اند.

۴۳. آیا جداً و تحقیقاً از حمایت خدا برخوردارند؟ و یا خدایانی دارند که خارج از سیطرهٔ ما حمایت آنان را بر عهده دارند؟ آن خدایان که از حریم خود هم توان دفاع ندارند و نه از جانب ما مأموری به مصاحبت آنان گسیل می‌شود که فعالیت آنان را کنترل و مراقبت نماید.

۴۴. آنان نه از حمایت خداوند رحمان برخوردارند و نه خدایانشان توان حمایت دارند که چنین با غرور و اطمینان فلسفه می‌یابند بلکه ما نعمت و دولت را در اختیار آنان نهادیم و در اختیار پدرانشان تا آن حد که در اثر رفاهیت و سلامت از عمرهای طولانی سرمست و برخوردار شدند و به فلسفه‌بافی پرداختند و بنیاد شرک را بنا نهادند. آیا ندیده‌اند که چسان ما شهرها و آبادی‌های مشرکان را زیر و زبر کرده‌ایم؟ و یا ندیده‌اند که چسان به قلمرو آنان

وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذِرُونَ^{٤٥} وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ^{٤٦} وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ^{٤٧} وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ^{٤٨} الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ^{٤٩} وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ^{٥٠} وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ^{٥١} إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَائِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ^{٥٢} قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ^{٥٣} قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ

می تازیم و سواحل زمین را قطعه قطعه می ربا بایم و به دریا می سپاریم؟ با این قدرت و سطوتی که به آنان نشان داده ایم آیا تصور می کنند که بر ما چیره و قاهرند؟

٤٥. بگو: من از جانب خود شما را تهدید نمی کنم. اخطار من بر اثر وحی و اشارات خداوند است. ولی کافران، گوشه برای شنیدن ندارند. هر کسی ناشنوا باشد فریاد جارچی را هم نخواهد شنید که صدا به الحذر الحذر برآرد.

٤٦. به خدایت سوگند که اگر سوز و گزندی از عذاب خدا پیکر آنان را لمس کند از بی تابی ناله آنان بلند می شود که ای وای بر ما این ما بودیم که سیه کاری کردیم.

٤٧. روز قیامت معیار ما ترازوی درست و سنگ تمام است. بنابراین حق کسی سیاه نخواهد شد و اگر حق کسی همسنگ یک دانه خردل بی مقدار باشد آن را هم به حساب او منظور می کنیم. کافی است که حسابرس مردمان، ما بوده باشیم.

٤٨. به یقین ما به موسی و هرون، کتاب آسمانی عطا کردیم به همراه معجزه ها که درست و نادرست را جدا سازد و روشنی بخش زندگی باشد و یادواره ای برای پرهیزگاران بود باشد.

٤٩. همان ها که در نهان، از پروردگارشان در هراسند و از هنگامه قیامت نگرانند.

٥٠. و این قرآن هم یادواره ای است فرخنده و جاویدان که فروفرستاده ایم. آیا شما منکر قرآنید؟

٥١. به یقین ما در ادواری پیش از این رشد و بصیرت لازم را به ابراهیم موهبت نمودیم. ما او را می شناختیم.

٥٢. آن روز که در برابر پدرش و در مقابل مردم ایستاد و گفت: این مجسمه های بی جان چیست که به خاطر آنها در معبد معتکف می شوید؟

٥٣. مردم او گفتند: ما عهد پدران خود را دریافتیم و دیدیم که این مجسمه ها را پرستش می کردند و ما بر سنت آنان می رویم.

وَأَبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ^{٥٤} قَالُوا أَجِئْنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ^{٥٥} قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ^{٥٦} وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُولُوا مُدْبِرِينَ^{٥٧} فَجَعَلَهُمْ جُدَادًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ^{٥٨} قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِالْهَيْتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ^{٥٩} قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ^{٦٠} قَالُوا فَاتُوا بِهِ عَلَىٰ عَيْنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ^{٦١} قَالُوا أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ^{٦٢} قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ^{٦٣} فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ^{٦٤}

٥٤. ابراهیم گفت: بی شک شما و پدرانتان سنتی را پیروی کرده‌اید که نادرستی آن آشکار است.

٥٥. گفتند: آیا به حقیقت این سخن را به میان آورده‌ای و یا برای تفریح و سرگرمی خدایان ما را به بازی گرفته‌ای؟

٥٦. ابراهیم گفت: نه، من خدایان شما را به بازی نگرفته‌ام بلکه به جدّ می‌گویم: پروردگار شما، پروردگار آسمان‌ها و زمین است که خمیره آنها را از هم شکافت. من خود با علم و دانشی که از ملکوت عالم، حاصل کرده‌ام بر این آفرینش و پرورش گواهی دارم.

٥٧. به خدا سوگند که چون جشن خرمن فرارسد و شما همگان به صحرا بروید و معبد را ترک کنید حيله‌ای به کار می‌بندم و بت‌های شما را خوار و رسوا خواهم کرد.

٥٨. جشن خرمن فرارسید و ابراهیم با این بهانه که تب کرده‌ام در خانه بجا ماند و در نیمروزی که شهر و معبد خلوت بود به معبد رفت و بت‌ها را قطعه‌قطعه کرد جز بت بزرگ را که برجا نهاد، باشد که مردم نادان بت اعظم را مسئول بدانند.

٥٩. مردم به معبد بازگشتند و با دیدن آن صحنه گفتند: هرکس این بلا را بر سر بت‌های ما آورده باشد از سیه‌کاران اجتماع است که باید به جرم سیه‌کاری محکوم گردد.

٦٠. جمعی گفتند: ما از يك جوانی به نام ابراهیم شنیدیم که خدایان را تهدید می‌کرد.

٦١. گفتند: هرکس که نامش ابراهیم باشد بیاورید و در برابر دیدگان مردم نگاه‌دارید، شاید او را بشناسند و بر علیه او شهادت بدهند.

٦٢. ابراهیم را شناسایی کردند و گفتند: ابراهیم! تو این بلا را بر سر خدایان ما آورده‌ای؟

٦٣. ابراهیم گفت: این کار باید کار خدای خدایان، بت بزرگ باشد که خدایان کوچک را تنبیه کرده است زیرا من از کاهن معبد شنیده‌ام که «خدایان کوچک در برابر خدای اعظم مسئولیت دارند». اگر این بت‌های کوچک، سخن می‌گویند از خودشان پرسید که این بلا را

ثُمَّ نَكُسُوا عَلَى رُؤُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ^{٦٥} قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَنَا
يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ^{٦٦} أَفَلَكُمْ وَلَمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ^{٦٧} قَالُوا حَرِّقُوهُ
وَأَنْصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ^{٦٨} قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ^{٦٩} وَأَرَادُوا بِهِ
كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ^{٧٠} وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ^{٧١} وَوَهَبْنَا لَهُ
إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ^{٧٢} وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ

چه کسی بر سر شما آورده است.

٦٤. قضات محکمه، از دفاع شیوای ابراهیم متأثر شدند و رو به شاهدان گفتند: این شما هستيد که با سیه‌کاری به این جوانک تهمت زده‌اید و باید مجازات شوید.

٦٥. سپس سرها را به زیر انداخته و در فکر شدند که چرا می‌گفت: «اگر سخن می‌گویند از خودشان بپرسید». سپس رو به ابراهیم کرده و گفتند: به یقین تو نیز دانسته‌ای که این خدایان سخن نمی‌گویند، از چه رو گفتمی از خودشان بپرسید؟

٦٦. ابراهیم گفت: پس شما مردم، خدای رحمان را وانهاده‌اید و خدایانی را می‌پرستید که قدرت سخن گفتن ندارند؟ خدایانی را می‌پرستید که نه سودی به شما می‌رسانند و نه گزندی به شما وارد می‌نمایند؟

٦٧. اف‌باد بر شما و بر این خدایانتان که به جای خداوند رحمان عبادت می‌کنید. آیا خدایان خود را نشناخته‌اید؟ آیا خرد خود را به کار نمی‌بندید؟

٦٨. در این هنگام مردم غوغایی، با شور و فغان فریاد زدند: او را به آتش بیفکنید و انتقام خدایان را بگیرید. اگر شما کننده این کار هستید.

٦٩. آتشی افروختند و ابراهیم را به آتش افکندند و ما گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت باش. و آتش با سوز و گداز خود و با شعله‌های سرکش خود بر او سرد و سلامت شد و او را گزندی نرسید و بر اساس همان سنت ملی که او را به آتش کشیدند حکم آزادی و برائت او را صادر کردند.

٧٠. مشرکان خواستند که با ایجاد بلوا و غوغای عمومی، ابراهیم را نابود کنند و ما رجاله‌های غوغایی را شکست‌خورده‌تر از قضات محکمه از میدان بدر کردیم.

٧١. و ابراهیم را با لوط که بر دین و ایمان او بود از چنگال مشرکان رهانیدیم و به سوی فلسطین روان ساختیم که در آن سرزمین نعمت خود را جاویدان کرده‌ایم.

٧٢. و در همان سرزمین اسحاق را به او موهبت کردیم و فرزندزاده‌اش یعقوب را اضافه بر

الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ^{٧٣} وَلَوْطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسْقِينَ^{٧٤} وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ^{٧٥} وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ^{٧٦} وَنَصْرَانًا مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ^{٧٧} وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ^{٧٨} فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ^{٧٩} وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ^{٨٠} وَسُلَيْمَانَ

درخواست او به او مرحمت کردیم و همه آنان را از صالحان قرار دادیم.

٧٣. و آنان را پیشوایان مردم ساختیم که با فرمان ما هدایت مردم را به عهده بگیرند. به آنان اشارت کردیم که چگونه باید در انجام خیرات و برپا داشتن نماز و پرداختن زکات بکوشند. آنان از عابدان ما بودند.

٧٤. و لوط را منصب قضا و دانش الهی عطا کردیم و از میان آن مردمی که دستاوردها پلیدی و ناپاکی بود نجات بخشیدیم. به یقین که آنان بد مردم فاسقی بودند.

٧٥. و لوط را به رحمت خویش رساندیم. لوط از صالحان بود.

٧٦. و پیش از ابراهیم و لوط، نوح را از شر کافران نجات بخشیدیم، آن روز که خدای خود را به یاری خواند و ما درخواست او را اجابت کردیم و او را با خاندانش از اندوهی بزرگ نجات دادیم.

٧٧. و انتقام او را از امت او گرفتیم که آیات ما را تکذیب کردند و رسالت او را به استهزاء گرفتند. به یقین قوم بدمردمی بودند و ما همگان را یکسر با سیلاب آسمانی غرقه کردیم.

٧٨. داود و فرزندش سلیمان را نیز فرمان قضا و دانش الهی عطا کردیم آن روز که در ادای خسارت به یک نفر زارع به تفاهم فقهی پرداختند آن روز گوسفندان یک چوپان قصیل یک مزرعه را شبانه چرا کرده بودند. در آن روز شاهد بودیم که همه فقیهان بر اساس تورات حکم خود را به ضمان و ادای خسارت صادر کردند.

٧٩. و ما نحوه اجرای حکم را به سلیمان فهماندیم که نه آینده زارع تباہ شود و نه آینده چوپان. ما به هر دو تن فرمان قضا و دانش الهی عطا کردیم و کوهستان را با آوای داود هم صدا کردیم که با تسبیح او خدا را تسبیح بگویند. پرندگان را نیز برای او رام کردیم و ما

الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ ^{٨١} وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ ^{٨٢} وَيُوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ^{٨٣} فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَأَتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذَكَرَى لِلْعَابِدِينَ ^{٨٤} وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ ^{٨٥} وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ ^{٨٦} وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ^{٨٧}

کننده این کار بودیم.

۸۰. و بدو آموختیم که چگونه زره بسازد تا شما را از گزند سلاحان حصار دهد. آیا شما شاکر دستاورد او هستید؟

۸۱. و برای سلیمان باد را مسخر کردیم که بشتابد و به فرمان او بادپیمای او را به سرزمین فلسطین روان سازد که در آن سرزمین برکت و نعمت نهاده‌ایم. و ما به هر پدیده‌ای دانا بوده‌ایم.

۸۲. و از شیطان‌های جن، جمعی برای او به زیر دریا غوطه‌ور می‌گشتند تا لؤلؤ و مرجان صید نمایند و کارهای دیگر برای او انجام می‌دادند. ما مراقب آنان بودیم.

۸۳. و ایوب را هم مورد لطف و عنایت قرار دادیم آن‌روز که پروردگار خود را به یاری فراخواند و گفت: پروردگارا! درد و بلا پیکر مرا فراگرفت و ترس از سرایت و ابتلا نفرت مردم را برانگیخت و تو از همهٔ مهربانان مهربان‌تری که مرا در مهر خود جای دهی.

۸۴. و ما خواستهٔ او را اجابت کردیم و با آب‌حیات درد و بلا را از پیکر او برداشتیم و فرزندان او را که با سرایت ابتلا در گذشته بودند به او پس دادیم با همانندانشان از شمار پسر و دختر تا رحمتی باشد از پیشگاه ما و خاطره‌ای برای عابدان دیگر.

۸۵. اسماعیل و ادريس را با آن پیامبر دیگر که با کفالت خود محکومی را نجات بخشید همهٔ آنان را به محنت گرفتیم و همهٔ آنان از صابران بودند.

۸۶. و آنان را در رحمت خود جای دادیم که از صالحان بودند.

۸۷. و صاحب‌ماهی را از شکم ماهی نجات بخشیدیم آن‌روز که با قهر و نارضایتی به راه خود رفت و نارضایتی ما را سهل گرفت. تصور کرد که ما هرگز بر او سخت نمی‌گیریم از آن‌رو که با فرمان ما امت خود را تهدید کرد و ما عذاب خود را از سر آنان برداشتیم و او سرخورده و تنها راه سفر در پیش گرفت. ولی ما بر او سخت گرفتیم و در شکم ماهی به

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ^{۸۸} وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ^{۸۹} فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ^{۹۰} وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ^{۹۱} إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ^{۹۲} وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلُّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ^{۹۳} فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعِيهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ^{۹۴} وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ^{۹۵} حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَا جُوجُ

زندانش کردیم و او در تاریکی‌های زندان به خطای خود اعتراف کرد و فریاد زد: خدایا! جز تو خدایی نیست، تو منزه‌ای که نابجا خشم کنی و مرا به زندان بیفکنی. این من بودم که نابجا خشم گرفتم و رسالت خود را ناتمام رها کردم و از سیه‌کاران گشتم.

۸۸. ما خواسته‌ایم او را اجابت کردیم و از اندوه زندان نجات بخشیدیم. ما به این صورت سایر مؤمنان را هم نجات می‌بخشیم.

۸۹. زکریا را نیز از اندوه و غم رها کردیم. آن‌روز که پروردگار خود را به یاری فراخواند و گفت: پروردگار! مرا تنها و بی‌وارث رها مکن با آنکه تو خود بهترین وارث انسان‌هایی.

۹۰. و ما خواسته‌ایم او را اجابت کردیم و یحیی را به او بخشیدیم و نازایی همسرش را اصلاح کردیم. خاندان او در کارهای خیر اجتماعی پیشقدم بودند و برای جلب نعمت و دفع نعمت به درگاه ما نیاز می‌بردند و در برابر ما فروتن و خاشع بودند.

۹۱. و مریم که دامن خود را در پرده نهران کرد و آغوش مردان را بر خود حرام فرمود از مهر و عنایت ما برخوردار بود. ما از روح قدسی خود در دامن او دیدیم و او را با پسرش عیسی برای جهانیان نشانه‌ای ساختیم که از راز آفرینش نکته‌ها دارد.

۹۲. ما به همه انبیاء توصیه کردیم که این همان خط پیشوایی شما است که بر نهج واحد و یک‌نواخت باید با نسل‌های مؤمن بسپارید و من پروردگار شما هستم که باید مرا بپرستید.

۹۳. ولی نسل مؤمن جبهه واحد را وانهاد و هر امتی در اثر خودخواهی به راه تفرقه رفت و برنامه خود را جداگانه تدوین کرد. همه امت‌ها به سوی ما بازمی‌گردند و بار مسئولیت این جدایی را بر دوش می‌کشند.

۹۴. هرکس که از اعمال شایسته خدایی دستاوردی به همراه آورد با این شرط که مؤمن باشد تلاش او بی‌ثمر نخواهد ماند و با ناسپاسی مواجه نخواهد گشت. اینک ما دستاورد او را به سود او ثبت می‌نماییم.

وَمَا جُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ^{٩٦} وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ^{٩٧} إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصْبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ^{٩٨} لَوْ كَانَ هَؤُلَاءِ آلِهَةً مَا وَرَدُّوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ^{٩٩} لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ^{١٠٠} إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنْنا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ^{١٠١} لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ^{١٠٢} لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ^{١٠٣} يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ^{١٠٤} وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ

٩٥. ما بر هر امتی که در اثر عذاب خدا ریشه کن گردد قدغن کردیم که، پرونده اعمالشان بسته شود و دگرباره به زندگی بازگردند تا کلاس آزمون را دوباره طی نمایند.

٩٦. تا آن روز که یاجوج و ماجوج به راه افتند و دوان دوان از تپه ها کنده شوند و فرود آیند.

٩٧. آن روز وعده راستین قیامت گامی نزدیکتر نهد و ناگهان چشم های کافران به روی آثار قیامت خیره بماند که ای وای بر ما. حقیقتاً از این معنا غافل بودیم. بلکه خود را به غفلت می زدیم و سیه کار بودیم.

٩٨. شما کافران با آن خدایان پوشالی که عبادت می کردید چون نخاله غربال، لایق آنید که به دره های دوزخ پرتاب شوید. بی شک شما وارد دوزخ می شوید.

٩٩. اگر این خدایان شما واقعاً خدا بودند به دوزخ سرازیر نمی گشتند. همه شما در دوزخ جاودانه می مانید.

١٠٠. در دوزخ همانند خران نعره می کشند و خود صدایی را نمی شنوند که صغیر شعله ها گوش آنان را پر کرده است.

١٠١. به یقین کسانی که در دنیا از نعمت هدایت برخوردارند روز قیامت از دوزخ بدورند.

١٠٢. زوزه دوزخ را نمی شنوند و در نعمت های بهشتی - از هر چه بخواهند و هوس نمایند - جاودانه به سر می برند.

١٠٣. از پرتاب شدن به دوزخ که بالاترین هول قیامت است در امانند و فرشتگان به استقبالشان آیند و گویند: امروز روز شما است که نوید آن را دریافت می کردید.

١٠٤. آن روز که آسمان پر از گاز را مانند طومار درهم بیچیم آن چنانکه اول بار درهم بیچیدیم و سیارات آسمان را بنیاد نهادیم آفرینش آسمان ها را تجدید کنیم. ما این وعده را بر عهده داریم. ما کننده این کار بوده ایم.

يَرْثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ ۱۰۵ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ ۱۰۶ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ۱۰۷ قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۱۰۸ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ وَإِن أُدْرِي أَقْرِبُ أَمْ بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ ۱۰۹ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ۱۱۰ وَإِن أُدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لِّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ۱۱۱ قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ۱۱۲

۱۰۵. ما در نوشته‌های مقدّس - بعد از یادآوری آن در کتاب‌های آسمانی - نوشتیم که بندگان صالح ما زمین را باید به ارث ببرند.

۱۰۶. در این نوید مؤکد حجت رسایی است برای آن‌مردمی که اهل عبادت باشند.

۱۰۷. ما تو را نفرستادیم جز برای آنکه بر عالمیان ترحم کرده باشیم.

۱۰۸. بگو: تفاوت من با عالمیان تنها در این است که به من وحی می‌شود که خدای شما خدای یکتا است. آیا شما به این وحی الهی تسلیم می‌شوید؟

۱۰۹. اگر اینان پشت کردند و رفتند، بگو: من علناً به شما اخطار می‌کنم و شما را از خشم خدا برحذر می‌دارم که همگان بدانید و بی‌خبر نمانید. از این پس دشمنی شما با خدا و دشمنی خدا با شما علنی است گرچه نمی‌دانم میعاد عذاب شما نزدیک است و یا هنوز دور است.

۱۱۰. پروردگار من، سخن مردم را که آشکارا و علنی کفر بورزند و اعلام جنگ دهند می‌داند و توطئه شما را که در نهن، سخن از ستیزه و جنگ زده‌اید و قصد سوئی در دل پروریده‌اید، می‌داند و شما را از خشم خود برحذر می‌دارد.

۱۱۱. و من نمی‌دانم شاید عذاب شما تأخیر بیفتد و این تأخیر برای آزمون شما باشد که آیا دست از خشونت بازمی‌دارید یا نه. و برای آن باشد که چند صباحی از توشه دنیا بهره‌مند شوید.

۱۱۲. و بعد از اعلام جنگ رسول ما به درگاه پروردگارش نیاز برد و گفت: پروردگارا! میان من و میان این کافران به درستی داوری کن و مؤمنان گفتند: پروردگار ما، خداوند رحمان بر تهدیدات شما کافران که هر روزی به صورتی برای ما خط و نشان می‌کشید یار و مستعان است.

الحج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ^١ يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ^٢ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ^٣ كَتَبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَآنَهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ^٤ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تَرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عِلْقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُّخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نَخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لَتَبَلَّغُوا أَشَدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّن يَتَّقَىٰ وَمِنْكُمْ مَّن يَرُدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلًا يَعْلَمُ مَن بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ وَأَنْبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ^٥ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ

١. ای مردمان! از پروردگار خود برحذر باشید. زمین لرزه رستاخیز پدیده‌ای بس بزرگ است.
٢. آن روز که قاره‌ها در فضا چون گهواره، شناور شوند هر دایه‌ای با دهشت از کودکی که در زیر پستان دارد دل برگیرد و هر آبستنی جنین خود را از هول بر زمین گذارد و از خود بی‌خبر بماند. مردم را سرخوش و مست می‌نگری که بی‌تبادل افتان و خیزانند، ولی مست و سرخوش نیستند بلکه عذاب خدایی سخت و شدید است.
٣. جمعی بدون علم و دانش در نام خداوند رحمان جدل می‌کنند و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌نمایند.
٤. در طالع شیطان ثبت است که هرکس پیروی او را برگزیند از راه درست سرگشته و گمراهش سازد و به آتش سوزان رهنمونش گردد.
٥. ای مردمان! اگر در رستاخیز خود شك و شبهه‌ای به دل دارید این نکته را بدانید که ما آفرینش شما را از خاک خالص آغاز کردیم تا به صورت نطفه درآمد. سپس ملکول نطفه را در لوله رحم جفت کردیم تا به صورت یک کرم به جدار رحم چسبید سپس آن را پروریدیم تا به صورت یک قطعه گوشت جویده نمایان شد. قطعه جویده برخی پیراسته می‌شود و اندام می‌گیرد. برخی ناپیراسته از رحم ساقط می‌شود و یا بعدها بشری ناقص متولد می‌گردد. این توضیح را در اثنای سخن برای آن افزودیم که مسیر آفرینش را برای شما روشن سازیم و شما بدانید که جنین ساقط‌شده هم بشر است. ما آن نطفه‌ای را که بخواهیم در رحم مادرش تا سرآمدی مقرر مستقر می‌داریم سپس شما را به صورت یک طفل از رحم مادر

يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۖ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ۗ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ ۘ ثَانِي عَطْفُهُ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنَذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ ۙ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ۚ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ

خارج می‌نماییم سپس برای آنکه به سرحد لازم از توان و قدرت برسید کفالت شما را به دست پدر و مادران می‌سپاریم و خود بر آن نظارت می‌نماییم. برخی از شما مردم در کودکی و یا جوانی و یا پیری می‌میرد و نطفه او به دست فرشتگان توقیف می‌گردد و بدنش خاک نمایند و به مواد قبلی تبدیل می‌گردد و برخی از شما مردم به خوارترین دوره زندگی که عهد ناتوانی و فرتوتی و بی‌رمقی است پا می‌گذارد تا آن حد که بعد از تحصیل علم و دانش هیچ نداند و نفهمد. این است سیر آفرینش بشر که هر فردی صدها بار می‌تواند همین مسیر طبیعی را طی نماید. رستاخیز شما در روز قیامت بر همین منوال و در همین مسیر طبیعی جریان دارد منتها نه در کشتزار رحم، بلکه در کشتزار زمین آن‌سان که هم‌اینک خاک را می‌بینی خشک و بی‌روح است و چون آب را از آسمان بر آن بیفشانیم می‌جنبد و پف می‌کند و از هر نوع گیاهی جفت‌های بهجت‌آفرین می‌رویانند.

۶. این تجدیدحیات بدان جهت است که بدانید خداوند، همان حق است که آفرینش را به خاطر بازی آغاز نکرده است تا بی‌ثمر رها سازد و همو مردگان را زنده می‌سازد تا ثمره آفرینش و آثار تربیت و نتیجه آزمون را نمایان سازد. او بر ایجاد هر پدیده‌ای توانا است.

۷. و بدانید که لحظه انقراض، آمدنی است. در آن شکی نیست. و بدانید که خداوند رحمان مردگان را از گور بر خواهد انگیخت.

۸. آن‌یک بی‌دانش و خرد و بی‌رهنمودی از خردمندان و دانشمندان و یا کتابی که روشنگر واقعیت باشد در نام خدای رحمان جدل می‌کند.

۹. با ناز و ادا شانه خود را می‌چرخاند و بی‌اعتنا می‌رود تا سخن قرآن را بی‌ارزش جلوه دهد و مردم را از راه خدا به راه دگر بگرداند. برای او در دنیا رسوایی خوارکننده‌ای مهیا است و روز قیامت طعم آتش سوزان را به او می‌چشانند.

۱۰. این آتش فروزان ثمره آن دستاوردی است که برای امروز خود مهیا کردید. این آتش فروزان - و نه در حد فزاینده‌تر - بدان جهت است که خداوند جهان‌بندگان خود را بیش از حد سیه‌کاری آنان سیاه نخواهد کرد.

وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ^{۱۱} يَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا نُنْفَعُهُ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ^{۱۲} يَدْعُو لَمَنْ ضُرُّهُ أَقْرَبُ مِن نَّفْعِهِ لَيْسَ الْمَوْلَىٰ وَلَيْسَ الْعَشِيرُ ^{۱۳} إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ^{۱۴} مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَن لَّنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ ^{۱۵} وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ

۱۱. و این يك در اثر فلاکت و بدبختی به صورت آزمون و آزمایشی ایمان می‌آورد و بر لب مرز کفر و ایمان با نگرانی خداوند رحمان را عبادت می‌کند؛ اگر خیر و نیکی نصیب او شد به ایمان خود دل می‌دهد و پابند می‌شود و اگر محنت و نعمت به او رو آورد واپس به سوی کفر و الحاد خود بازمی‌گردد، در حالی که دنیا و آخرت را با هم از کف داده است. خسارت واقعی همین است که انسان، دنیا و آخرت خود را یکجا از دست بدهد.

۱۲. به جای آنکه خداوند رحمان را به یاری بخواند بت را به یاری خود می‌خواند که نه زیانش می‌رساند و نه سودش می‌دهد. گمراهی دور همین است که انسان از جاده اصلی فرسنگ‌ها به دور افتاده باشد.

۱۳. کسی را به یاری خود می‌خواند که اول باید نذوراتی به او تقدیم کند سپس با او به راز و نیاز بپردازد و به این صورت زیانش زودتر از سودش دامن انسان را می‌گیرد تا چه رسد به نحوست آن. واقعاً چه بد خواجه و مولایی است بت و چه بد معاشر و همراز.

۱۴. بی‌شک خداوند رحمان کسانی را که ایمان آورده‌اند و دستاوردی شایسته درگاه خدا دارند به بوستان‌های بهشتی وارد می‌کند که از زیر آنها نهرها روان است. خداوند رحمان درباره آخرت بدین‌سان وعده می‌دهد و تعهد می‌سپارد، اما نسبت به زندگی دنیا وعده نمی‌دهد و تعهد نمی‌سپارد تا شما بعد از ایمان به انتظار رحمت و گشایش نعمت بنشینید و اگر فرجی حاصل نشد به عقب بازگردید و مرتد شوید. بی‌شک خداوند رحمان درباره امور دنیا آنچه اراده فرماید عملی و اجرا می‌نماید و مؤمنان را در رفع مشکلات و مصائب یاری خواهد نمود.

۱۵. هیچ‌کس نباید از مقدرات زندگی، ناراضی باشد بلکه باید به مراحم الهی امید ببندد. هرکسی که از مقدرات خود، ناراضی و خشمگین است و مانند یهودیان تصور می‌کند که خداوند رحمان سرنوشت کسی را تغییر نمی‌دهد و در دنیا و آخرت دست کسی را نمی‌گیرد، بهتر آن است که دستاویزی به سوی آسمان بکشد و با طی کردن راه میان‌بر هرچه سریع‌تر

بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ^{١٦} إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى
وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ^{١٧}
أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ
وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ
اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ^{١٨} هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ
يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُوسِهِمُ الْحَمِيمُ^{١٩} يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ^{٢٠} وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ

در یکی از سیارات آسمانی رحل اقامت اندازد و آنگاه بنگرد که این چاره‌جویی و این سفر آسمانی می‌تواند فقر و فلاکت او را از بین ببرد و اسباب سرور او را فراهم سازد؟

١٦. بدین صورت قرآن را در قالب آیات روشن نازل کردیم تا موقعیت دین و ایمان معلوم باشد و مردم حدود انتظارات خود را بشناسند و معلوم باشد که خداوند رحمان هر که را اراده فرماید به راه درست خود، رهبری خواهد کرد.

١٧. آن کسانی که به قرآن ایمان آورده‌اند و آن کسانی که راه یهودیت گرفته‌اند و کسانی که از دین یهودیت به دین مسیحیت وارد شده‌اند و کسانی که نصرانی شده‌اند و کسانی که دین مجوسیت را برگزیده‌اند و کسانی که راه توحید را وانهادند برای خداوند جهان شریک‌هایی تراشیده‌اند، خداوند رحمان روز قیامت میان همه آنان داوری خواهد کرد. به یقین خداوند رحمان بر هر پدیده‌ای شاهد و گواه است.

١٨. آیا ندیده‌ای که هر کس در آسمان‌ها و هر کس در روی زمین است برای خداوند رحمان به خاک می‌افتد و سجده می‌کند با خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختها و همه جنبنده‌ها و بسیاری از مردمان که ایمان آورده‌اند و در رحمت خدا جای می‌گیرند و بسیاری از مردمان که از سجده ابا می‌ورزند عذاب خدایی، برای آنان مسلم است هر کس را که خدا با عذاب دوزخ، خوار کند، کسی نیست که او را از دوزخ برهاند و اکرام کند. به یقین خداوند رحمان آنچه را بخواهد، انجام خواهد داد.

١٩. این دو خصم منازع در برابر هم قرار گرفته‌اند و درباره پروردگارشان در ستیز و جدالند؛ برای آن دسته کافر جامه‌هایی از آتش قیر بر اندامشان بریده و دوخته خواهد شد و با فوران آفشان‌ها از فراز سر، آبی جوشان بر سرشان فرو می‌ریزد.

٢٠. با نوشیدن آن آب‌های کبریتی، احشاء شکم به سوز و گداز می‌افتد و با شستشوی بدن پوست‌ها تفتیده و بریان می‌گردد.

^{۲۱} كَلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ^{۲۲} إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ
الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ
وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسَهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ^{۲۳} وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطٍ الْحَمِيدِ ^{۲۴} إِنَّ
الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفِ فِيهِ
وَالْبَادِ وَمَنْ يَرِدْ فِيهِ بِالْجِدِّ يَظْلَمْ نَفْسَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ^{۲۵} وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا
تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ^{۲۶} وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ
يَأْتُواكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ^{۲۷} لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ

۲۱. برای آنان گرزهای آهنین مهیا است.

۲۲. هرگاه درصدد برآیند که از دره سوزانی به دره دیگر منتقل شوند که عذاب آن سبکتر باشد با همان گرزهای آهن سرکوب می‌شوند و می‌گویندشان: به قرارگاه خود بازشوید و عذاب سوزان را بچشید؟

۲۳. به یقین خداوند رحمان، کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته آخرت انجام داده‌اند به بوستان‌های بهشتی وارد می‌کند که از زیر درختانش نهرها روان است. در آن بوستان‌ها با دستواره‌های طلا، زیور می‌شوند و با مروارید غلتان، مرصع می‌شوند و جامه‌هایشان از حریر است.

۲۴. رهیابند به گفتن سلام و سخنان پاک و شایان و رهیابند به راه خداوند صاحب‌ثنای ستوده‌کردار.

۲۵. به یقین کسانی که به قرآن ما کافر شده‌اند و مردم را با جنجال و بلوا از راه خدا بازمی‌دارند و راه مسجدالحرام را بر واردین می‌بندند با آنکه در داخل حرم، ما صاحبخانه و مهمان را حقوق برابر داده‌ایم. ما همه این کافران را با هرکسی که در سرزمین حرم از روی کجی و الحاد به سیه‌کاری و حق‌کشی بیردازد از عذاب دردناک خود می‌چشانیم.

۲۶. خاطرنشان کن آن‌روزی که عرصه حرم را برای ابراهیم صاف و هموار نمودیم، شرط نهادیم که هیچ موجودی را خواه بت سنگی باشد و یا فرشته آسمانی را در عبادت من شریک مکن و خانه مرا دور از مظاهر شرک برای طواف حاجیان و قیام و رکوع و سجود نمازگزاران پاک و مطهر نگاه‌دار.

۲۷. اینک سال‌ها است که حرم در اشغال مشرکان است اما بعد از اخراج مشرکین در میان مردم جار بزن که برای ادای حج حاضر شوند اگر در میان مردم مؤمن جار بکشی و اعلام

اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ۚ ثُمَّ لِيُقْضَىٰ لَهُمْ وَلِيُؤْفُوا نَدْوَرَهُمْ وَلِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ۚ ذَٰلِكَ وَمَن يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ۚ حَنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ ۚ ذَٰلِكَ وَمَن يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى الْقُلُوبِ ۚ

کنی که باید برای دریافت مناسک حج حضور یابند مردم با پای پیاده و سوار بر مرکوب نزار و لاغر به حضورت می‌شتابند و از دره‌های ژرف جُحَفَه، قَرْنُ الْمَنَازِل، یَلْمَلَمٌ و عَقِيق در گرد خانه جمع می‌شوند.

۲۸. تا در سور قربانی‌ها شرکت کنند و روزهای دهم و یازدهم و دوازدهم که روزهای جشن و سرور است خداوند را به شکرانهٔ این ضیافت که از قربانی دام‌های اهلی به آنان روزی کرده است با تکبیر و تهلیل ثنا و سپاس گویند. پس بخورید از گوشت آن قربانی‌ها و مستمندان درویش را اطعام کنید.

۲۹. و بعد از ادای قربانی باید چرک و آلودگی را از بدن بپیرایند و بعد از آن، تعهدات خود را از طواف خانه و سعی صفا و مروه و حضور در ضیافت شب‌های منی به پایان برند و بعد از آن، يك نوبت دیگر گرد خانهٔ کهن طواف نمایند تا از قید تمام حرمت‌ها آزاد شوند.

۳۰. توجه داشته باشید در رابطه با فرمانی که برای حج صادر کردیم شما باید در حال احرام و در اثنای سفر مراقب حرمت‌های الهی باشید و حرمت ماه حرام، سرزمین حرم و مقررات احرام را رعایت کنید و هرکس علاوه بر رعایت حرمت‌ها به تعظیم و بزرگداشت آنها بپردازد وظیفه‌شناسی او در پیشگاه پروردگارش به خیر و صلاح او خواهد بود. بعد از رعایت این حرمت‌ها و بعد از ادای تعهدها و انجام آخرین طواف‌ها همهٔ محرمات احرام بر شما حلال می‌شود و نیز خوردن گوشت دام‌ها گرچه شکار وحشی باشد بر شما حلال می‌شود، جز گوشت آن دامی که بعداً آیهٔ آن بر شما تلاوت خواهد شد. اینک شما از گوشت پلیدی که به نام بت‌ها قربان می‌شود باید پرهیز کنید و هم پرهیز کنید از شهادت دروغ و پر تزویری که مشرکان با سرود و چغانه ادا می‌کنند «لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، إِلَّا شَرِيكًا هُوَ لَكَ، تَمَلِّكُهُ وَ مَا مَلَكٌ».

۳۱. شما باید در اجرای فرمان خدا با اعتدال باشید و از افراط و تفریط برکنار بمانید و بدو شرک نوزید که هرکس به خداوند رحمان شرک بورزد چنان است که از آسمان سقوط کند

لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعٌ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ۗ ۳۳ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِّيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ ۚ فَإِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلَمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ ۚ ۳۴ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۗ ۳۵ وَالَّذِينَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ ۚ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۗ ۳۶

و لاشئه او را عقابی در فضا برآید و یا تندبادی او را به سرزمینی دور بیفکند که اثری از او یافت نگردد.

۳۲. توجه داشته باشید. در رابطه با آن شرك زدایی که باید در ساحت حرم صورت بگیرد شما باید مراقب شعارهای الهی باشید و هرگاه بر صفا و مروه، مشعرالحرام و جبل الرحمه گذر کردید احترام لازم را رعایت کنید و هرکس علاوه بر احترام لازم به تعظیم و بزرگداشت شعارها بپردازد باید بداند که بزرگداشت آنها شرك نخواهد بود بلکه از تقوای قلبی آنان حکایت دارد.

۳۳. در آن دام‌های اهلی که برای قربانی می‌آورید برای شما سودهایی منظور است که در راه بر پشت آنها سوار شوید و از شیر آنها بنوشید تا آن روز که موعد قربانی فرارسد و در ساحت کعبه خانه کهن قربانی شود.

۳۴. ما برای هر امتی يك نوع تشریفات قربانی برقرار کرده‌ایم تا به شکرانه سوری که خدا از دام‌های اهلی روزی آنان کرده است نام خدا را با ثنا و ستایش سپاس بگذارند. پس خدای شما امت‌ها، همان خدای واحد است با فرمانی واحد. از این رو در برابر فرمان او تسلیم باشید و با فروتنی دستور او را به اجرا بگذارید. به این مردم که با فروتنی و اخلاص کامل در برابر فرمان خدا تسلیم شده‌اند بشارت ما را ابلاغ کن.

۳۵. همان کسانی که چون نام خداوند رحمان در حضورشان یاد شود دل‌هایشان از خوف خدا به طپش می‌افتد و می‌لرزد. بشارت ما را به آن کسانی ابلاغ کن که بر مصیبت‌ها شکیبایند و نماز را بر پاد می‌دارند و از آنچه عطایشان کرده‌ایم در راه خدا انفاق می‌نمایند.

۳۶. شتران ماده را - با جثه‌های بلند و کوهان افراشته چون مشعر که با کارد و خنجر شیاری از خون به علامت قربانی بر کوهانش روان باشد - برای شما شعار خدایی قرار دادیم. برای شما در قربانی کردن این شعار خدا، خیر دنیا و آخرت است. پس به هنگام قربانی ناقه‌ها را ایستاده بر صف کنید و نام خدا را یاد کنید و کارد بلندی در زیر حلقوم آنها

لَنْ يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ٣٧ إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ ٣٨ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَفْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ٣٩ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ٤٠

فرو ببرید و چون قربانی درغلتید و پهلوی آن به زمین چسبید و بی حرکت ماند از گوشت آن تناول کنید و هر سائلی را که قانع باشد و هر فقیری که حاضر و ساکت باشد و با هوس به گوشت قربانی بنگرد اطعام کنید. ما به این صورت که می بینید این دام درشت اندام را با یال و کوپال بزرگش رام شما کردیم، باشد که شکر این نعمت را بگزارید.

٣٧. تصور نکنید که خداوند رحمان به گوشت بیشتری نیاز دارد و یا جوی خون می طلبد که شما را به کشتن ناقه ترغیب می کند. گوشت دامها هرگز به خداوند رحمان نمی رسد و نه خون دامها، ولی با ریختن و حلال شدن گوشتشان شاخص تقوای شما به خداوند رحمان خواهد رسید. به این صورت خداوند رحمان دامهای اهلی را برای شما رام و مسخر فرمود تا خدا را بر این نعمت هدایت، بزرگ بشمارید و تکبیر بگویید و همواره نیکخواه و نیک اندیش باشید و تو مردم نیکخواه و نیک اندیش را بشارت بده که خدا نیکخواه آنها است. ٣٨. به یقین خداوند رحمان در سفر حج از مؤمنان دفاع خواهد کرد. به یقین خداوند رحمان هر کس را که خیانت پیشه و ناسپاس باشد دوست نمی دارد گرچه خادم کعبه و حرم باشد. ٣٩. به هر دسته از مؤمنان که در سفر حج و عمره مورد هجوم و حمله قرار بگیرند رخصت رفاع و درگیری داده شد نه از آن جهت که به روی آنان شمشیر می کشند بلکه از آن جهت که در مکتب مشرکان حق آنان دایر به زیارت و آزادی ورود به حرم سیاه شده است. بی شک خداوند رحمان بر نصرت مؤمنان توانا است که اجازه دفاع و مقابله را صادر کرده است.

٤٠. اینک این رخصت برای آن کسانی صادر شد که از خانه هایشان رانده شدند بدون جرمی که اخراج آنان را ایجاب کند جز آنکه می گفتند: پروردگار ما، خداوند رحمان است. و اگر نبود که خداوند رحمان شر آشرا مردم را به وسیله جمعی دیگر از مؤمنان دور می کند تاکنون بسیاری از صومعه ها و کنسرها و نمازخانه ها ویران شده بود حتی مسجد ابراهیم و داود که نام خدا در آنها فراوان یاد می شود. هر کس که خدا را نصرت کند خداوند او را نصرت خواهد

الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ٤١ وَإِن يَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ ٤٢ وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ ٤٣ وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ٤٤ فَكَايَنَ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فِيهَا خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْسَ مَعْطَلَةٌ وَقَصْرٌ مَّشِيدٌ ٤٥ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَآ تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ٤٦ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِن يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ ٤٧ وَكَايَنَ مِنْ قَرْيَةٍ أَمَلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ

نمود. به یقین خداوند رحمان توانا و عزتمند است.

٤١. همانان که اگر در عرصه زمین به آنان قدرت و مکتب بدهیم نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و به سنت‌های نیک مذهبی فرمان می‌دهند و از سنت‌های ناپسند شرعی نهی می‌نمایند. به زودی خداوند رحمان به این خواسته خود لباس عمل می‌پوشاند. پایان کارها در دست خداوند است.

٤٢. اگر کافران تو را تکذیب می‌نمایند و می‌گویند که خداوند رحمان از شما دفاع نخواهد کرد زیرا می‌خواهید جبراً به حرم خدا وارد شوید، باید این را بدانید که قبلاً نیز مردم نوح و عاد و ثمود هم دفاع الهی را تکذیب کردند.

٤٣. قوم ابراهیم و قوم لوط هم با آنان هم‌صدا شدند.

٤٤. و مردم شهر مدین نیز دفاع الهی را رد کردند. موسی هم به وسیله قوم فرعون و حتی قوم یهود تکذیب شد ولی من کافران را مهلت دادم و پس از چند صباحی به کیفر گرفتم. دیدی چسان دست کافران را کوتاه کردم؟

٤٥. چه بسیار است رقم آن آبادی‌ها که ویران کردیم و مردم آن سیه‌کار بودند که اینک دیوارهایشان بر روی داریست‌ها و سقف‌ها فروخواهیده است. چه قنات‌ها و چاه‌ها که متروک شد و چه طاق‌های آراسته با گچ و سنگ که بی‌صاحب ماند.

٤٦. آیا مردم به سیر و سیاحت نرفته‌اند تا عبرت بگیرند و چشم آنان باز شود؟ تا دل‌هایشان صاحب اندیشه باشد و گوش‌هایشان سخن حق را پذیرا باشد از آن‌رو که چشم‌های ظاهربین، کور و نابینا نمی‌شوند ولی دل‌هایی که در سینه می‌تپد از درک دیده‌ها و شنیده‌ها کور می‌گردند.

٤٧. کافران می‌گویند که هرچه زودتر عذاب قیامت را به اجرا بگذارید. باید بدانید و بدانند

أَخَذَتْهَا وَإِلَى الْمَصِيرِ ٤٨ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ٤٩ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ٥٠ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ٥١ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلَقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ٥٢ لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةَ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ٥٣ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا

که خداوند جهان هرگز از وعده خود تخلف نخواهد کرد و حتماً عذاب خود را بر سر مردم فرود خواهد آورد، ولی مردم نمی‌دانند که یک روز آنان بیست و چهار ساعت است و فردای آنان با گذشت دوازده ساعت فرا می‌رسد در حالی که اینک یک روز فرشتگان در پیشگاه پروردگارت با هزار سال شما برابری دارد؛ قرن‌های شما در نظر آنان جلوه ندارد و فردای آنان با هزاره بعدی شما شروع خواهد شد. آنان تصور می‌کنند که چند لحظه دیگر به حساب شما می‌رسند در حالی که شما سه سال از عمر خود را طی کرده‌اید.

٤٨. و چه بسیارند امت‌هایی که سیه‌کار بودند و من به آنان مهلت و عافیت دادم و سپس آنان را به کیفر گرفتم. در پایان زندگی، همگان به سوی من می‌شوند.

٤٩. بگو: ای مردم! جز این نیست که من برای شما اخطارکننده‌ای آشکارا می‌باشم.

٥٠. شما در برابر من و در برابر رسالت من به دو دسته کافر و مؤمن ممتاز می‌شوید؛ آن کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته بجا آورند گناهانشان آمرزیده می‌شود و روزی‌های با کرامت بهشتی از آن آنهاست.

٥١. و آن کسانی که در سياه کردن آیات ما تلاش کنند تا رسولان ما را از هدایت مردم عاجز و ناتوان سازند یاران دوزخند.

٥٢. ما پیش از تو رسولی نفرستادیم و نه پیامبری که آیات ما را بر مردم تلاوت کنند جز آنکه هرگاه آیات خدا را زیر لب زمزمه کردند شیطان در زمزمه آنان ولوله افکند و باطلنی را به صورت آیات حق به جلوه درآورد. و خداوند رحمان بر اساس تعهدی که دارد القاء شیطان را محو می‌کند و آیات خود را تحکیم می‌نماید تا عصمت آیات خود را تأمین کرده باشد. خداوند رحمان دانا و کاردان است.

٥٣. از آن رو خداوند رحمان چنین فرصتی به شیطان داد تا القائات شیطانی آزمونی باشد برای آن مؤمنانی که در دل‌هایشان بیماری نفاق است و آن کافرانی که دل‌هایشان چون سنگ است و القائات شیطان را وسیله سیه‌کاری و پرده‌پوشی بر حقیقت می‌سازند.

الْعِلْمُ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ٥٤ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مَرِيَّةٍ مِنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ ٥٥ الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ٥٦ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ٥٧ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ٥٨ لِيُدْخِلَنَّهُمْ مُدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ٥٩ ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ

سیه کاران درصدند آنند که هرچه بیشتر راه جدایی و ستیزه‌جویی در پیش بگیرند و از شما دور شوند.

٥٤. و از آن‌رو که هرکس دانشی از کتاب‌های آسمانی دریافت کرده باشد و از داستان انبیاء پیشین و القاء شیاطین باخبر باشد بداند که قرآن برحق است و از جانب پروردگارت نازل شده است و بدان ایمان بیاورد و دل‌هایشان در برابر قرآن تسلیم شود. بی‌شک خداوند رحمان کسانی را که ایمان آورده باشند به راه راست رهبری خواهد کرد.

٥٥. ولی کافران همواره از درستی قرآن در شک و ابهامند و به این شک و تردید خود برقرار می‌مانند تا ساعت انقراض جهان ناگهان فرا رسد و یا عذاب روزی فرا رسد که دیگر شامی در پی ندارد.

٥٦. آن‌روز پادشاهی از آن خداست. آن‌روز روز داوری است که خداوند رحمان، میان مردم داوری خواهد کرد، پس آن کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته بجا آورده‌اند در بوستان‌های پر نعمت جای دارند.

٥٧. و آن کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب نمودند برای آنان عذابی خوارکننده مهیا است.

٥٨. و آن دسته از مؤمنان که علاوه بر دستاورد نیک و صالح در راه خدا هجرت کرده باشند و در اثنای هجرت مقتول شده باشند و یا با مرگ طبیعی مرده باشند بی‌شک در شمار شهیدانند که در پیشگاه پروردگار خود از نعمت حیات و جنبش برخوردارند و خداوندشان روزی نیکویی به آنان عطا خواهد کرد. خداوند رحمان بهترین روزی‌دهندگان است.

٥٩. آنان را به بهشتی واردشان می‌سازد که پسند خاطرشان باشد و خداوند رحمان دانا و سنجیده کار است.

لَعَفُوْهُ غَفُوْرٌ ۶۰ ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ يُوَلِّجُ اللّٰیْلَ فِی النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِی اللّٰیْلِ وَاَنَّ اللّٰهَ سَمِیْعٌ بَصِیْرٌ ۶۱ ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَاَنَّ مَا یَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖ هُوَ الْبَاطِلُ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْعَلِیُّ الْكَبِیْرُ ۶۲ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَتُصْبِحُ الْاَرْضُ مُخْضَرَةً اِنَّ اللّٰهَ لَطِیْفٌ خَبِیْرٌ ۶۳ لَهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ وَاِنَّ اللّٰهَ لَهُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِیْدُ ۶۴ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِی الْاَرْضِ وَاَلْفُلْكَ تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِاَمْرِهٖ وَیَمْسِكُ السَّمَآءَ اَنْ تَقَعَ عَلَی الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِهٖ اِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرُوْوفٌ رَّحِیْمٌ ۶۵ وَهُوَ الَّذِیْ اَحْیَاكُمْ ثُمَّ یَمِیْتُكُمْ ثُمَّ یُحْیِیْكُمْ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَكَفُوْرٌ ۶۶ لِكُلِّ

۶۰. توجه داشته باشید در رابطه با آن اذن دفاع و جهادی که مطرح کردیم انتقام از کافران حرم باید با جرم و سیه کاری آنان برابر باشد؛ اگر اموال شما را مصادره و ضبط کرده باشند شما هم می‌توانید اموال آنان را ضبط و تصاحب نمایید. اگر از ورود حرم مانع شدند هجوم ببرید. اگر تندی کردند تندی کنید. اگر شمشیر کشیدند شمشیر بکشید و هر کس با آنان مقابله به مثل کند و انتقام خود را بگیرد و کافران مجدداً درصدد تعقیب و ستم برآیند خداوند رحمان شخصاً او را یاری و نصرت خواهد داد. این را نیز در نظر داشته باشید که انتقام و کین‌خواهی از مشرکان بر شما فرض و قطعی نیست بلکه تنها اذن انتقام و مقابله به مثل برای شما صادر شده است و شما می‌توانید از حق انتقام خود چشم‌پوشی نمایید چرا که خداوند رحمان بخشاینده و آمرزگار است.

۶۱. این بدان خاطر است که خداوند رحمان پروردگار انسان‌ها است نه خصم آنان تا فرصت‌ها را از آنان سلب کند؛ پروردگاری که سیاهی شب را در دل روز و سپیدی روز را در دل شب فرو می‌برد، تا کلاس تربیت برقرار بماند. به یقین خداوند رحمان دعای بندگانش را می‌شنود و به حال آنان بینا است.

۶۲. این بدان خاطر است که خداوند رحمان خدای برحق است و آن‌خدایانی که مشرکان به خدایی می‌خوانند پوچ و باطل است. خداوند رحمان والا و بزرگ است.

۶۳. آیا ندیده‌ای که خداوند رحمان آبی از آسمان فرومی‌بارد و صبح فردا بستر خاک سبز و خرم می‌گردد. به یقین خداوند رحمان به کار خود لطیف و آگاه است.

۶۴. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است ملک او است. به یقین خداوند رحمان از همگان بی‌نیاز است و ستوده‌کردار.

۶۵. آیا ندیده‌ای که خداوند رحمان آنچه را در زمین است برای شما رام و مسخر ساخت با کشتی‌ها و زورق‌ها که به فرمان او با وزش بادها و جزرومد دریا بر روی آب روان گردند. و

أُمَّةً جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُونَكَ فِي الْأَمْرِ وَأَدْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ
 ٦٧ وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ٦٨ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ
 تَخْتَلِفُونَ ٦٩ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَىٰ
 اللَّهِ يَسِيرٌ ٧٠ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ
 مِن نَّصِيرٍ ٧١ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ
 يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأَنْبَتَكُمْ بِشَرِّ مَن ذَلِكُمُ النَّارُ وَعَدَّاهُ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا
 وَبَشَىٰ الْمَصِيرَ ٧٢ يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبٌ مِّثْلُ مَا سَمِعْتُمُوهُ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَن

او است که سنگ‌های آسمان را نگه می‌دارد که بر زمین سقوط نکنند جز با رخصت او. به یقین خداوند رحمان نسبت به مردمان رؤف و مهربان است.

٦٦. و همان خداوند رحمان است که نطفه شما را زنده کرد و پس از چندی نطفه شما را می‌میراند که از حرکت باز می‌ماند و پس از مدتی دوباره نطفه شما را زنده خواهد کرد. به یقین، آدمی کافر و ناسپاس است.

٦٧. ما برای هر امتی قربانگاهی مقرر کردیم که قربانی‌های خود را در آنجا تقدیم کنند. مبدا فرصت دهی که آنان با تو در فرمان خدا به نزاع برخیزند. تو مردم را به سوی پروردگارت دعوت کن. به یقین تو بر رهنمودی راست و مستقیم استواری.

٦٨. و اگر مردم با تو جدل کردند بگو: من با شما نزاع و جدل ندارم. سروکار شما با خداوند رحمان است نه من. و خداوند رحمان دستاورد شما را بهتر می‌شناسد.

٦٩. خداوند رحمان به روز قیامت میان شما داوری خواهد کرد و تکلیف این مسائل اختلافی را که در آن جدل می‌کنید روشن خواهد نمود.

٧٠. آیا ندانسته‌ای که خداوند رحمان آنچه را در آسمان و زمین است می‌داند؟ آنچه در آسمان و زمین باشد در لوحه‌ای پر حافظه ثبت است. ثبت پدیده‌های آفرینش با همه وسعت و دگرگونی آن بر خدا آسان است.

٧١. مشرکان بت‌هایی را به خدایی می‌پرستند که خداوند رحمان سندی از آسمان بر خدایی آنان نازل نکرده است. مشرکان علم و دانشی به خدایی آنان ندارند بلکه با سیه‌کاری به خیالبافی و فلسفه‌بافی ادامه می‌دهند. سیه‌کاران یاور و حامی ندارند.

٧٢. و چون آیات ما با وضوح و روشنی بر آنان تلاوت شود در چهره این کافران اثر خشم و ناراضیتی را خواهی دید، نزدیک است که با مشیت و لگد به آن کسانی حمله‌ور شوند که

يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمْ الذُّبَابُ شَيْئًا لَأَسْتَقْدُوهُ مِنْهُ ضَعْفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ
 ٧٣ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ٧٤ اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ
 إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ٧٥ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ٧٦ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ٧٧ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ
 جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ
 الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا
 الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ٧٨

آیات ما را تلاوت می‌کنند، بگو: اجازه می‌دهید که شما را از موقعیتی بدتر از این باخبر سازم؟ آتش، آتش دوزخ که خداوند جهان کافران را به آن دعوت کرده است؛ دوزخ، بدجایگاهی است.

٧٣. ای مردمان! مثلی آورده شد، بدان گوش دهید، به یقین خدایانی که شما به جای خداوند رحمان پرستش می‌کنید و به درگاه آنان نیاز می‌برید - گرچه مجتمع شوند و همکاری نمایند - هرگز نمی‌توانند مگسی هم بیافرینند. و اگر مگس با خرطوم خود چیزی از خدایانشان برباید نمی‌تواند آن را از دهانش بازپس بگیرند. گیرنده ناتوان، فرارکننده ناتوان.

٧٤. قدر خداوند رحمان را به درستی نسنجیده‌اند، به یقین خدا توانا و با عزت است.

٧٥. خداوند رحمان از فرشتگان رسولانی گزین می‌سازد و از مردمان نیز رسولانی گزین می‌نماید. به یقین خداوند رحمان نیایش مردم را می‌شنود و به حال آنان بینا است.
 ٧٦. آینده آنان را می‌داند. آنچه را پشت‌سر نهاده‌اند می‌داند. همه کارها به سوی خداوند رحمان ارجاع می‌گردد.

٧٧. ای اهل ایمان! در حال نیایش رکوع کنید و سجده نمایید و به این صورت پروردگارتان را بپرستید. این صورت از نیایش، بهترین کار است. این کار بهترین را انجام دهید که رستگار گردید.

٧٨. و در راه خدا جهاد کنید جهادی که شایسته درگاه او باشد؛ شمشیر دشمن را با شمشیر، جدل آنان را با جدل، شعار آنان را با شعار، خطابه آنان را با خطابه پاسخ دهید و هرگونه تلاش آنان را با تلاشی مناسب مواجه سازید. اوست که شما را سامان داد. در سنت‌ها و فرایض دینی فشار و سختی بر شما وارد نکرد. همان کیش پدرتان ابراهیم را پیروی کنید

که در حد اعتدال و استقامت بود. پیش از قرآن شما را به نام مسلمان نامید که حاکی از حالت تسلیم شماست و در همین قرآن نام شما را مسلمان نهاد تا رسول خدا ناظر اعمال شما باشد و شما با تسلیم و طاعت، ناظر بر سایر مردمان باشید. از این رو باید نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید و به خداوند رحمان تمسک بجویید که خداوند رحمان مولای شما است. مولایی خوب و یاوری خوب.

المؤمنون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ^١ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ^٢ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ^٣ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ^٤ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ^٥ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ^٦ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ^٧ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ^٨ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ^٩ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ^{١٠} الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^{١١} وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ^{١٢} ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ^{١٣} ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ^{١٤} ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ^{١٥} ثُمَّ

خط مؤمنان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. مؤمنان از عذاب خدا رسته‌اند.
٢. آنان که در نماز خود آرامش روح و تن دارند.
٣. و آنان که از کار بیهوده و بی‌ثمر روگردانند.
٤. آنان که زکات را به انجام می‌برند.
٥. آنان که از دامن خود مراقبت به عمل می‌آورند.
٦. جز برای همسرانشان یا کنیزان زرخریدشان که در هر حال مورد ملامت قرار نمی‌گیرند.
٧. هرکس ورای این راه، راه دیگری بجوید تجاوز کار و عادی است.
٨. آن کسانی رستگارانند که نسبت به امانت‌های خود و تعهدات خود - خواه در امور مالی و خواه در اسرار زندگی - پایبند رعایت باشند.
٩. آن کسانی که از هر جهت بر نمازهای خود مراقبت دارند.
١٠. اینها ایند که از آتش دوزخ می‌رهند و وارث ناز و نعمت می‌شوند.
١١. همان کسانی که بهشت برین را به ارث می‌برند و در آن جاودانه به سر می‌برند.
١٢. به یقین ما آدمی را از چکیده آب و گل آفریدیم.
١٣. سپس او را به صورت نطفه در لوله رحم جای دادیم.
١٤. سپس به صورت کرم چسبان به جدار رحم چسباندیم و کرم را به صورت گوشت جویده و از گوشت جویده استخوان و پی ساختیم و استخوان و پی را لباسی گوشتین پوشاندیم و از

إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ۱۶ وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ ۱۷
وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لِقَادِرُونَ ۱۸ فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ
جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهِ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ۱۹ وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورٍ
سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَصَبْغٍ لِلَّكَلِينِ ۲۰ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ
فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ۲۱ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ۲۲ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ
فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۲۳ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا
هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا

مجموعه این تاروپود آفرینشی دگر ایجاد کردیم و نام او را بشر نهادیم. جاوید باد خداوند
رحمان بهترین آفرینندگان.

۱۵. شما بعد از سپری ساختن دوره دنیا، مرده و بی جان می شوید.

۱۶. سپس روز قیامت بعد از طی مراحل چند از دل خاکها انگیخته می شوید. پس به فکر
رستگاری خود باشید.

۱۷. ما بر فرازتان هفت مدار جدا از هم آفریدیم و از راز آفرینش بی خبر نبودیم.

۱۸. از آسمان آبی به اندازه نازل کردیم و در دل خاک خزانه کردیم. به یقین قادر و توانا
هستیم که آن را نابود کنیم.

۱۹. با آن آب باران، برای شما بوستانها از رطب و انگور پدید آوردیم. برای شما در رطب و
انگور انواعی از میوه برای شادخواری مهیا است و از خرما و مویز آن، تغذیه می نمایید.

۲۰. و درخت زیتون که از کوه سینا برون می آید و میوه ای دارد با افشردۀ روغن برای
شادابی مو و پوست و خورشی برای خورندگان.

۲۱. و برای شما در آفرینش دامها عبرتی است که شما را با ربوبیت من آشنا می سازد، که از
چهار شکمبه آنها شیری گوارا و سپید در اختیار شما می نهیم که پیر و جوان را ضرور است و
برای شما در آفرینش دامها، سودها و سورها بسیار است و از گوشت آنها تناول می کنید.

۲۲. بر پشت شترها در دشت و صحرا سوار می شوید و بر پشت زورقها در نهر و دریا روان
می شوید.

۲۳. ما نوح را به سوی مردم او فرستادیم. نوح به آنان گفت: ای مردم من! خدا را بپرستید
که برای شما جز او خدایی نیست. آیا از خشم خدا نمی ترسید؟

الْأُولَئِينَ ۲۴ إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فْتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ ۲۵ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ ۲۶ فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعْ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَّوْحَيْنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِضُونَ ۲۷ فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۲۸ وَقُلْ رَبِّ انزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ ۲۹ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ ۳۰ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ۳۱ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۳۲ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِإِلْقَاءِ الْآخِرَةِ

۲۴. سران آن مردم که رسالت نوح را انکار می کردند به مردم گفتند: این مرد مانند شما بشر است و امتیازی ندارد. می خواهد بر شما برتر بجوید و ارجمند شود. رسالت در شأن فرشتگان است و اگر خدا خواسته باشد فرشته ای را به رسالت خواهد فرستاد. نشنیده ایم که در عهد پدرانمان رسول از جانب خدا مبعوث شده باشد.

۲۵. جز این نتواند بود که این مرد دچار جنون و توهم شده است. باید تا چندی با او مدارا کنید تا عارضه او برطرف گردد.

۲۶. نوح پس از سال ها دعوت و ناامیدی خدا را خواند و گفت: ای پروردگار من! مرا نصرت عطا کن که این مردم رسالت مرا تکذیب کردند.

۲۷. و ما به نوح اشارت کردیم که در زیر نظر ما و با وحی و اشارات ما ساختن کشتی را به صورت يك جعبه مخروط آغاز کن و چون فرمان عذاب فرارسد و آب از تنور نان فوران کند از راه دریچه کشتی از هر دام اهلی، يك جفت نر و ماده به کشتی داخل کن با خاندانت به استثنای همسرت که قبلاً در اثر کفر و نفاق عذاب او مسلم و مقدر شده است. مبادا درباره سیه کاران زبان به شفاعت باز کنی و با من خطاب و جدل کنی به یقین همه آنان باید غرقه شوند.

۲۸. و چون راست و درست بر کشتی مستقر گشتی تو با آنان که همراه تو بر کشتی مستقر شده اند بگو: حمد و سپاس آن خدایی راست که ما را از شر سیه کاران نجات بخشید.

۲۹. بگو: پروردگارا! در مهمان سرایی با نعمت و پربركت ما را فرود آور و تو بهترین میزبانی.

۳۰. در این داستان آیات و نشانه های ما مشهود است و بی شک ما مردمان را آزمون کردیم.

۳۱. و از پس قوم نوح امت دیگری در سرزمین آنان پدید آوردیم.

۳۲. و در میان آنان رسولی از خودشان گسیل کردیم که ای مردم! خدا را پرستش کنید که

وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ^{٣٣}
وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ^{٣٤} أَيْعِدْكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنْكُمْ
مُخْرَجُونَ^{٣٥} هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ^{٣٦} إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ
بِمُعْوِيْنَ^{٣٧} إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ^{٣٨} قَالَ رَبِّ انصُرْنِي
بِمَا كَذَّبْتَنِي^{٣٩} قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ^{٤٠} فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً
فَبَعْدًا لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ^{٤١} ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخِرِينَ^{٤٢} مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجْلَهَا وَمَا

جز او برای شما خدایی نیست. آیا از خشم خدا نمی ترسید.

٣٣. سران کافر آن قوم که دیدار آخرت را تکذیب کرده بودند و ما در زندگی دنیا به آنان ناز و نعمت عطا کرده بودیم گفتند: ای مردم! این مرد فرشته نیست. او هم مانند شما بشر است. با فرشتگان نیز شباهتی ندارد، از همان غذایی که شما تغذیه می کنید تغذیه می کند و از همان آبی که شما می نوشید می نوشد.

٣٤. اگر شما از بشری همانند خود بی چون و چرا اطاعت کنید به یقین از کار خود زیان می برید.

٣٥. آیا وعده می دهد که چون بمیرید و پیکرتان خاک شود و استخوانتان بپوسد دوباره جان می گیرید و از گورها برون می شوید؟

٣٦. هیاهات هیاهات که چنین وعده ای قابل عمل باشد.

٣٧. زندگی جز همین زندگی دنیا نیست. یک دسته می میریم و یک دسته دیگر لباس زندگی می پوشیم. ما هرگز دوباره باز نمی گردیم.

٣٨. غیر از این نیست که این مرد، دروغی به هم بافته و بر خدا بسته است. ما به او ایمان نمی آوریم.

٣٩. صالح، خدا را خواند و گفت: پروردگارا! مرا بر این مردم نصرت عطا کن که مرا تکذیب کردند.

٤٠. پروردگارش گفت: دیری نمی گذرد که در یک صبحدم پشیمان می شوند.

٤١. با سقوط شهاب سنگی عظیم غرشی عظیم برخاست و زمین لرزه آنان را فراگرفت و پیکرشان را چون هیمه در زیر خاک و آوار کردیم. سیه کار از صفحه گیتی گم باد.

٤٢. سپس امت های دیگری بعد از قوم ثمود پدید آوردیم.

يَسْتَأْخِرُونَ^{٤٣} ثُمَّ أَرْسَلْنَا رَسُولَنَا تَتْرَأُ كُلَّ مَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذِبُهُ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبَعْدًا لِقَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ^{٤٤} ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ^{٤٥} إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ^{٤٦} فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ^{٤٧} فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ^{٤٨} وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ^{٤٩} وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ^{٥٠} يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ كُلِّمَ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ^{٥١} وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ^{٥٢} فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبْرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ^{٥٣} فَذَرَهُمْ فِي

-
٤٣. هیچ امتی بر لحظه انقراض خود پیشی نگرفت و نه لحظه‌ای دیرتر پایید.
٤٤. ما رسولان خود را در میان آن امت‌ها یکی از پس دیگری گسیل نمودیم، و هرگاه رسولی در برابر امتی قرار گرفت او را تکذیب کردند و ما آنان را نابود کردیم و به امت پیشین خود ملحق نمودیم و از سرنوشت آنان داستان شب ساختیم. هر که اهل ایمان نباشد از صفحه گیتی گم باد.
٤٥. بعد از آن موسی و برادرش هرون را با نشانه‌های خود فرستادیم و با یک حجت قاطع که حقیقت را روشن کند.
٤٦. آن دو را به سوی فرعون و سران مصر فرستادیم ولی آنان با کبریا و گردن‌فرازی خود را بزرگتر از آن شمردند که پیام ما را بشنوند. آنان از حیث تمدن مردمی والا و برتر بودند.
٤٧. گفتند: آیا به رسالت دو تن از افراد بشر که همانند ما هستند اعتراف کنیم با آنکه امت آنها بندگان ما هستند؟
٤٨. فرعونیان موسی و هرون را تکذیب کردند و در پایان مبارزه نابود گشتند.
٤٩. به یقین ما به موسی کتاب تورات را عطا کردیم باشد که امت او رهیاب شوند.
٥٠. و بعد از او رسولانی بسیار بر آنان گسیل کردیم و پسر مریم را با مادرش از نشانه‌های خود قرار دادیم و به سوی فلاتی هموار با آبی روان رهنمون گشتیم و جا و مکان دادیم.
٥١. ما به همه آنان گفتیم که ای پیامبران! شما نیز باید مانند یک تن از افراد امت خود فقط از خوراکی‌های پاک تناول کنید و کار شایسته انجام دهید. من به دستاورد شما همگان دانایم.
٥٢. و این خطی که شما را رهنمود شدم همان خط پیشوایی شما است که بر نهج واحد و یک‌نواخت باید به نسل‌های مؤمن بسپارید و من پروردگار شما هستم که باید از من

غَمْرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ ٥٤ أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَيْنٍ ٥٥ نَسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ
 بَلْ لَّا يَشْعُرُونَ ٥٦ إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ٥٧ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ
 ٥٨ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ٥٩ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ
 رَاجِعُونَ ٦٠ أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ٦١ وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدِينَا
 كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ٦٢ بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِنْ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِنْ دُونِ
 ذَٰلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ ٦٣ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجَارُونَ ٦٤ لَّا تَجَارُوا الْيَوْمَ

بهراسید.

٥٣. ولی نسل مؤمن جبههٔ پیشتاز انبیاء را وانهاد و هر امتی برای خود رساله و برنامه‌ای
 جداگانه تدوین کرد اینک هر دسته و جمعی به آنچه در دست دارد خرم و شادان است.

٥٤. پس این مردم را به دریای جهالت بسیار تا دوران مهلت خود را به سر برند.

٥٥. آیا این سران و سروران تصور می‌کنند آنچه از مال و منال دنیا و پسران برومند و توانا
 که به آنان داده و می‌دهیم.

٥٦. به خیر و صلاح آنان شتاب گرفته‌ایم؟ نه، بلکه این مردم شعور آن را ندارند که خیر و
 صلاح خود را بشناسند.

٥٧. بی‌شک کسانی که از انتقام پروردگارشان نگرانند.

٥٨. و آن کسانی که به آیات پروردگارشان ایمان می‌آورند.

٥٩. و کسانی که به پروردگارشان شرک نمی‌ورزند.

٦٠. و کسانی که هرچه در راه خدا انفاق کنند باز هم نگران آنند که چون فردا به حضور
 پروردگارشان بازگردند از کم‌وکیف طاعت خود شرمسار باشند.

٦١. اینها هستند که با شناخت کامل، شخصاً به خیر و صلاح خود شتاب می‌ورزند و بر
 دیگران پیشتازند.

٦٢. ما هیچ‌کس را جز به میزان گنجایش و توان او تکلیف نمی‌نماییم. در پیشگاه ما لوحی
 وجود دارد که با درستی و صحت، کم‌وکیف طاعت مردم را می‌سنجد و ردّ و قبول آن را
 اعلام می‌کند. با وجود این لوح مکتوب حق مردم سیاه نخواهد شد.

٦٣. نه چنان است که مردم کتاب ما را می‌شناسند و از سنجش و معیار آن باخبرند، نه،
 دل‌های مردم از کاربرد این لوح و عملکرد آن غرق در جهالت است و برای آنان طاعتی
 وجود دارد که با معیار این لوح برابر نیست ولی همواره به انجام طاعات بی‌عیار خود سرگرمند

إِنَّكُمْ مَنَا لَا تُنصِرُونَ ٦٥ قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تَتْلَى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تَنْكُصُونَ ٦٦
 مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ ٦٧ أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأُولِينَ ٦٨ أَمْ
 لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ٦٩ أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمُ بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمُ لِلْحَقِّ
 كَارِهُونَ ٧٠ وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمُ
 بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنِ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ ٧١ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَجَ رِبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

و انتظار جایزه دارند.

٦٤. تا آن روز که صاحبان ناز و نعمت را به کیفر بگیریم ناگهان فریاد استغاثه آنان بلند است.

٦٥. امروز استغاثه و شیون مکنید که فرصت را از کف داده‌اید و از جانب ما نصرت و یابوری نمی‌بینید.

٦٦. به یقین روزهایی بود که آیات ما بر شما تلاوت می‌شد و شما رو به عقب رم می‌کردید.

٦٧. و با رم کردن، ناز و تکبر خود را به رخ دیگران می‌کشیدید و در شب‌نشینی‌های خود به یابوسرای می‌نشستید؟

٦٨. آیا اینان در معانی قرآن تدبر نکرده‌اند که پیام آن را درک کنند؟ یا پیامی به آنان رسیده است که به اجداد پیشین آنان نرسیده است و از این‌رو به شک اندرند که پس چرا نسل‌های پیشین را دعوت نکردند؟

٦٩. یا آنکه رسول خود را شناخته‌اند و از امانت و اخلاص او در شک و ابهامند که رسالت او را انکار می‌نمایند؟

٧٠. یا می‌گویند که عارضه جنون دارد و سخن مجنون اعتباری ندارد؟ نه چنین نیست. اینان در معانی قرآن تدبر کرده‌اند و پیام آن را دریافته‌اند. اینان از عقل و خرد و صدق و صفا و امانت رسول خود اطمینان کامل دارند. اینان می‌دانند که پیام رسالت از زبان اسماعیل به اجدادشان رسیده است و هم‌اینک افتخار آن را دارند که خود را از نسل ابراهیم و دودمان اسماعیل می‌شمارند و ادعا دارند که خادم کعبه‌اند و حج اسماعیلی می‌نمایند. این مشرکان از این رهگذر که می‌گویند بهانه‌ای ندارند. بلکه رسول ما دعوت قرآن را با حق و درستی به آنان ابلاغ کرده است، اما اکثریت آنان از پذیرفتن حق کراهت دارند که با جاه و مقام آنان و با خودکامگی و طغیان آنان منافات دارد.

٧١. در تمام ادوار دعوت همین صاحبان ناز و نعمت بودند که در برابر ما مقاومت کردند و

^{۷۲} وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ^{۷۳} وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ ^{۷۴} وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَجُوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ^{۷۵} وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ^{۷۶} حَتَّى إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ^{۷۷} وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ^{۷۸} وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ

مزاحمت نمودند و هماره برای رفع مزاحمت و ایجاد مسالمت خواهان امتیاز و مقام و منصب گشتند اما اگر برنامه حق، خواسته‌های آنان را دنبال کند و تابع آنان گردد همه مؤمنان با همه کروبیان و فرشتگان باید به خواسته‌های اینان تن بدهند و مقدرات را به میل آنان اجرا نمایند و این خود آسمان‌ها و زمین را با همه ساکنان آسمان و زمین به تباهی خواهد کشانید، پس ما با خودکامگی‌های آنان مبارزه داریم نه با نام و عزت آنان و دادن مقام و منصب به این و آن. ما نمی‌خواهیم که نام آنان را از صفحه گیتی محو کنیم بلکه هم‌اینک برای آنان یادنامه تاریخی آورده‌ایم تا نام قریش را در تاریخ آیندگان جاوید و مخلد بسازیم. پس چنانکه می‌بینید این بی‌خردان از یادنامه خود روگردانند.

^{۷۲} آیا اینان فکر می‌کنند که چون به پیام رسالت گردن بگذارند فردا مخارج خود را بر آنان تحمیل می‌کنی و خواستار عوارض و مالیات می‌گردی؟ ولی باید بدانند که خرجی پروردگارت بهتر از خرجی دیگران است و او بهترین روزی‌دهندگان است.

^{۷۳} تو آنان را به سوی حکومت مردمی دعوت می‌نمایی. تو آنان را به راه راست زندگی دعوت می‌نمایی.

^{۷۴} ولی کسانی که به روز قیامت ایمان نمی‌آورند قهراً از راه راست زندگی کناره می‌گیرند و با هزاران مشکل و بدبختی مواجه می‌شوند.

^{۷۵} و اگر ما کافران را مورد رحمت و شفقت قرار دهیم و مشکلاتشان را برطرف سازیم رفاه و سلامت را دلیل درستی و راستی راه خود می‌گیرند و سرگشته و حیران در ادامه طغیان و سرکشی، سرسختی و لجاجت می‌ورزند.

^{۷۶} ما آنان را به شکنجه و کیفر گرفتیم تا تنبیه شوند اما آنان تنبیه نشدند و در برابر پروردگارشان زانو نزدند و زاری نکردند که بر جان ما ببخشایید.

^{۷۷} تا آنگاه که چون دری از درهای عذاب را بر روی آنان بگشاییم که در محنتی سخت و سهمگین فروافتند ناگهان در اندوه و ناامیدی فرو می‌روند که راه خروج را بر خود مسدود می‌بینند.

فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ^{٧٩} وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ^{٨٠}
 بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ^{٨١} قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَأَنْتَا لَمَبْعُوثُونَ^{٨٢} لَقَدْ وَعَدْنَا
 نَحْنُ وَأَبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ^{٨٣} قُلْ لِمَنْ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ
 تَعْلَمُونَ^{٨٤} سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ^{٨٥} قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ
 الْعَظِيمِ^{٨٦} سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ^{٨٧} قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ

۷۸. و او است که برای شما مردم گوش و چشم و دل برقرار کرد و شما کمتر نعمت او را سپاس می‌گزارید.

۷۹. او است که نطفه شما را در دل خاک افشاند و روز قیامت هم از دل خاک به حضور او فراهم می‌شوید.

۸۰. اوست که جان می‌بخشاید و جان می‌گیرد و شب و روز برای او در پی هم می‌دوند. آیا نمی‌اندیشید؟

۸۱. اینان درباره حشر قیامت فلسفه‌ای ندارند بلکه آنچه را دیگر مردم پیشین به هم بافته‌اند به صورتی تازه واگو می‌نمایند.

۸۲. گفته‌اند که آیا چون بمیریم و مشتی خاک و استخوان باشیم دوباره از دل خاک‌ها سر برون می‌کنیم؟

۸۳. ما امروز سخن از حشر قیامت می‌شنویم پدرانمان را پیش از ما به زندگی بعدی نوید و بشارت داده‌اند. حشر قیامت اسطوره‌های پیشینیان است که در سینه افسانه‌پردازان بجا مانده است.

۸۴. به آنان بگو: این کره زمین با آنچه در آن است و همه کسانی که بر آن زندگی می‌نمایند در مالکیت کیست؟

۸۵. با تأمل پاسخ می‌دهند که مالکیت زمین و همه موجودات آن، مال خداست. بگو: پس آیا متوجه نمی‌شوید که پروردگار شما همان خداوند زمین است.

۸۶. بگو: کیست که پروردگار هفت‌آسمان باشد و پروردگار عرش بزرگ باشد؟

۸۷. با تأمل می‌گویند: مالکیت هفت‌آسمان و مالکیت خورشید تابان از آن خداوند است. بگو: آیا از خشم همان خداوندی که مالک هفت‌آسمان است و مالک خورشید بزرگ است نمی‌ترسید؟

عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ^{٨٨} سَيَقُولُونَ لَلَّهِ قُلٌّ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ^{٨٩} بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ^{٩٠} مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ^{٩١} عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ^{٩٢} قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيئِي مَا يُوعَدُونَ^{٩٣} رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ^{٩٤} وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعْدُهُمْ لِقَادِرُونَ^{٩٥} ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ^{٩٦} وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ

٨٨. بگو: کیست که نهاد و ناموس هر پدیده‌ای در دست او باشد. امان بدهد و کسی برخلاف خواسته او امان ندهد. اگر می‌دانید پاسخ بدهید.

٨٩. باز هم با تأمل می‌گویند: نهاد و ناموس هر پدیده‌ای در دست خداوند است. بگو: پس با سحر و فسون به سوی کدامین فلسفه رو می‌آورید؟

٩٠. می‌گویند: این شماييد که جوانان ما را با سحر قرآن از ملت خود جدا کرده‌اید. نه چنین است بلکه ما حق و حقیقت را به آنان هدیه کردیم. بی‌شک اینان دروغ می‌گویند و یاوه می‌سرایند.

٩١. خداوند هیچگاه فرزندی برای خود اتخاذ نکرده است و نه در کنار او خدایان دیگری وجود دارند که در کار خدایی و رتق و فتق آسمانی با او شریک باشند. اگر در کنار او خدایان دیگری خدایی می‌کردند بی‌شک هر خدایی آفریده خود را با خود می‌برد تا بهتر از سایر خدایان بندگان خود را بنوازد و در این رقابت بر سر هم می‌تاختند تا دیگران را مغلوب سازند و تنهایی به خدایی بپردازند. خداوند رحمان از تعریف و توصیف این مردم منزّه و برکنار است.

٩٢. او دانای نهان و عیان است. برتر از آنکه با خدایان پوشالی مشرکان، هم‌تا و انباز باشد.
٩٣. بگو: پروردگارا! اگر قرار باشد که در زندگی دنیا عذاب موعود این مردم را به من بنمایانی.

٩٤. پروردگارا! پس مرا از جمع این کافران مشرک برون بر و در میان این سیه‌کاران برجا مگذار.

٩٥. و این را بدان که ما قادریم همین‌جا و در برابر چشمانت اینان را عذاب کنیم و ریشه آنان را براندازیم.

٩٦. اینک که در میان این کافران هستی شر آنان را به هر صورتی که بهتر باشد از جان خود دفع کن. ما به خط و نشانی که برایت می‌کشند داناتریم.

هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ٩٧ وَأَعُوذُ بِكَ رَبَّ أَنْ يَحْضُرُونِ ٩٨ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ٩٩ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ١٠٠ فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ١٠١ فَمَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ١٠٢ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ١٠٣ تَلْفَحُ وُجُوهُهُمُ النَّارَ وَهُمْ فِيهَا كَالْحِجُونَ ١٠٤ أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ١٠٥ قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ١٠٦ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عَدْنَا فَإِنَّا

٩٧. بگو: پروردگارا! من از تحریکات شیطان‌ها که باعث درگیری شود به تو پناه می‌برم.
٩٨. و به تو پناه می‌برم که شیطان‌ها در کنار من حاضر شوند.
٩٩. مشرکان به راه خود ادامه می‌دهند تا آن لحظه که مرگ به بستر یک‌یک آنان درآید و فرشتگان روح او را توقیف کنند فریاد برکشند که: پروردگارا! مرا برگردانید.
١٠٠. باشد که در زندگی دنیا کارهای شایسته بجا آورم که بجا نیآورده‌ام. نه چنین است. این فقط حرفی است که می‌گویند و سخن پوچ و وعده باطلی است که بر زبان می‌رانند. اگر به دنیا باز گردد باز هم به کارهای ناپسند قبلی باز می‌گردد. از این‌رو هرگز او را بدین صورت به زندگی قبلی باز نمی‌گردانیم و پس از مرگ تا روز قیامت که برانگیخته خواهد شد فاصله‌ای دراز طی خواهد کرد.
١٠١. و چون شهاب‌سنگ آسمانی در شیپور بیداری بدمد و همگان سر از خاک بردارند آن‌روز در میان آنان نسبی برقرار نخواهد بود و نه می‌پرسند که از کدام تیره‌ای؟ پدرت کیست و مادرت کدام است؟
١٠٢. هرکس وزنه‌های کردارش سنگین باشد رستگار است.
١٠٣. و هرکس وزنه‌های کردارش سبک باشد، اینان ورشکسته‌های بازار ایمانند که سرمایه‌شان را به خسارت از کف داده‌اند و جاودانه در دوزخ جای دارند.
١٠٤. سوز آتش صورت‌هایشان را کباب می‌کند و آنان با چهره‌ای تکیده و چشمانی به‌هم چسبیده و لب‌هایی درهم کشیده رو ترش کرده‌اند که گویا شکلک درآورده‌اند.
١٠٥. منادی ندا در دهد که مگر جز این بود که آیات عذاب من بر شما تلاوت می‌شد و شما آیات مرا تکذیب می‌کردید؟
١٠٦. می‌گویند: پروردگارا! شقاوت ما بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم.

ظَالِمُونَ ۱۰۷ قَالَ اخْسَوْوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُون ۱۰۸ إِنَّه كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ۱۰۹ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سُخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوَكُم ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ ۱۱۰ إِنِّي جَزَيْتَهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ ۱۱۱ قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ۱۱۲ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِينَ ۱۱۳ قَالَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنْتُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۱۱۴ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ عَلِيمُونَ ۱۱۵ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ۱۱۶ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّه لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ۱۱۷ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ۱۱۸

۱۰۷. پروردگارا! ما را از این دوزخ برهان و به کلاس آزمون بازگردان. اگر بار دیگر به کفر و گنه بازگشتیم اعتراف می کنیم که سیه کاریم.

۱۰۸. پروردگارشان گوید: بروید و گم شوید و با من سخن نکنید.

۱۰۹. مگر نه آن بود که گروهی از بندگان من می گفتند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم. پس ما را ببامرز و در رحمت خود جای ده و تو از همه مهربانان مهربانتری.

۱۱۰. و شما آنان را به مسخره و استهزاء گرفتید و چندان به آزار آنان سرگرم شدید که مرا از یاد شما بردند. شما بودید که با دیدن بندگان من قهقهه سر می دادید.

۱۱۱. من امروز آنان را به خاطر صبری که پیشه کردند سزا دادم که از عذاب دوزخ رهیند و به نعمت های بهشتی رسیدند.

۱۱۲. پروردگارشان می پرسد: چند سال در دل خاک ها به سر بردید که اینک سر برگرفتید؟

۱۱۳. گویند: فقط یک روز در گورها درنگ کردیم و شاید یک نیمروز. این سؤال را از حسابگران باید پرسید.

۱۱۴. پروردگارشان خواهد گفت: جز اندک زمانی در دل خاک نماندید کاش معنای این سخن را می دانستید.

۱۱۵. آیا تصور کردید که شما را به بازی و هوس آفریدیم و شما بعد از مرگتان که بازی تمام شود رها می شوید و به حضور ما بازگردان نمی شوید.

۱۱۶. آن خدایی که مالک برحق است و پادشاه مطلق، برتر از آن است که بازیچه بیافریند و کار بیهوده و بی هدف انجام دهد. خدایی جز همان خداوند رحمان نیست. پروردگار عرشی است صاحب کرم.

۱۱۷. هرکس با وجود خدای رحمان در برابر خدایی دیگر نیایش کند که دلیلی بر خدایی او

ندارد جز این نخواهد بود که حساب پرونده او به پیشگاه پروردگارش حواله می‌شود.
بی‌شک مردمان کافر از عذاب خدا رستگاری ندارند.
۱۱۸. بگو: بار پروردگارا! مرا بیامرز و بر من ترحم کن و تو بهترین ترحم‌کنندگانی.

النور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ^١ الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ^٢ الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرَمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ^٣ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ^٤ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ^٥ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ

١. این، يك سورة قرآن است که نازل کردیم و تلاوت آن را فرض و لازم ساختیم تا همگان از مفاد آن آگاه شوند. در این سوره، آیات روشنی نازل کردیم، باشد که شما خود دریابید و به خاطر بگیرید.

٢. به هر يك از زن و مرد زناكار، صد تازیانه چرمی شلاق بزنید اگر شما اهل ایمان باشید و به خدا و روز جزا ایمان داشته باشید، در اجرای دین خدا بر زن و مرد زناكار، رأفت و دلسوزی شما را فرا نخواهد گرفت و باید رهگذرانی از مؤمنین عذاب آن دو را شاهد و ناظر باشند.

٣. مرد زناكار حق ندارد با کسی ازدواج کند جز با زن زناكار و یا زن مشرك، و زن زناكار هم نمی تواند همسر کسی باشد جز همسر يك مرد زناكار و یا يك مرد مشرك؛ ازدواج با زناكاران و مشركان بر مؤمنان حرام و قدغن گشته است تا ژن های پاك و ناپاك به هم نیامیزند.

٤. و آن کسانی که زنان پرده نشین را با تهمت زنا متهم سازند و بعد از ایراد تهمت چهارتن شاهد ناظر نیاورند که زناي آن زن را گواهی کنند، آنان را هشتاد تازیانه چرمی بزنید و بعد از آن هرگز گواهی آنان را درباره احکام شرعی نپذیرید. اینهايند که از مرز شریعت خارج شده اند.

٥. مگر آن دسته که بعد از اجرای حد و یا بعد از ایراد تهمت توبه کنند و تهمتی را که وارد کرده اند تکذیب نمایند تا حیثیت متهم را اعاده نمایند و فسادی که برانگیخته اند به اصلاح آورند. در این صورت و با این شرایط خداوند رحمان، آمرزنده و مهربان است.

شُهَدَاءَ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ^٦ وَالْخَامِسَةَ أَنْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ^٧ وَيَدْرُؤُا عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ^٨ وَالْخَامِسَةَ أَنْ غَضَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ^٩ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ^{١٠} إِنْ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ^{١١} لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُبِينٌ^{١٢} لَوْ لَا جَاءُوا

٦. و آن کسانی که خانم‌های خود را با تهمت زنا متهم سازند و جز خودشان چهارتن شاهد نداشته باشند که تهمت را اثبات کنند و همسر فاسد را از خانه برانند شهادت شوهرش چهار نوبت که با قید قسم بگوید: «اشهد بالله که من راست می‌گویم» کافی است که تهمت را اثبات کند.

٧. با این قید که در مرحله پنجم بگوید: «لعنت خدا بر من باد اگر دروغ گفته باشم».

٨. با این گواهی و این سوگند، تهمت شوهر تأیید می‌شود و همسر او باید صد تازیانه عذاب بیرحمانه را بچشد و همسر او می‌تواند عذاب تازیانه را از دوش خود بردارد به این صورت که چهار نوبت با قید قسم شهادت بدهد و بگوید: «اشهد بالله که شوهرم دروغ می‌گوید».

٩. و در مرحله پنجم بگوید: «خشم خدا بر من باد اگر شوهرم راستگو باشد».

١٠. اگر مازاد رحمت خدا به اضافه رحمت عامه و همگانی او شامل حال شما نمی‌بود و اگر نه آن بود که خداوند رحمان آشتی‌جو و کاردان است برای شوهران راستگو، راه نجاتی از شر همسران خبیث و فرزندان نامشروعشان باز نمی‌شد و برای خانم‌های عفیف و پاکدامن راه نجاتی از شر همسران دروغگو یافت نمی‌شد و نه راهی برای توبه به درگاه الهی.

١١. آن کسانی که وارونه خیر آورده‌اند چندتن از شما مردمند که همدست شده‌اند، تصور نکنید که این تهمت برای شما زیانی بیار آورد بلکه برای شما خیر و نیکی به دنبال دارد. برای هریک از آنان سهمی از این زورگویی و اتهام وارونه برقرار است و برای آن کسی که عهده‌دار بزرگترین نقش این تهمت بوده است عذاب بزرگی در راه است.

١٢. موقعی که این تهمت را شنیدید چرا مردان مؤمن و زنان مؤمن شما نسبت به همکیشان خود خوشبین نشدند که با حسن ظن بگویند: این خبر تهمتی است که دروغ بودن خود را روشن می‌سازد.

عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ^{١٣} وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ^{١٤} إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالسِّنْتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ^{١٥} وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ^{١٦} يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^{١٧} وَبَيَّنَّ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^{١٨} إِنْ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^{١٩} وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَوْؤُفٌ رَحِيمٌ^{٢٠} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا

١٣. اگر خود شاهد این گناه ننگین بوده‌اند چرا چهارتن از جمع خود را به شهادت نیاوردند؟ و چون چهار تن شاهد نیاوردند در پیشگاه خدا دروغگو به شمار می‌آیند.

١٤. و اگر مازاد رحمت خدا با رحمت عامه و همگانی او در دنیا و آخرت شامل حال شما نمی‌بود بی‌شک به خاطر این شایعه‌پردازی و قلب تهمت، عذاب بزرگی بر سرتان فرو می‌ریخت.

١٥. آن روزها که تهمت را چون مار گزنده با زبان‌هایتان می‌ربودید و از دهانتان برون انداخته به دیگران منتقل می‌کردید و تصور می‌نمودید که گناهی است سهل و سبک با آن که در پیشگاه خدا گناه بزرگی است.

١٦. آن روزی که تهمت را شنیدید چرا نگفتید: ما حق نداریم که این شایعه را بر زبان برانیم و به سمع دیگران برسانیم. بار خدایا تو منزهی که جامهٔ رسالت را آلوده بینی. خدایا این تهمتی بس بزرگ است.

١٧. خداوند به شما اندرز می‌دهد که دیگر به این شایعه‌ها دامن نزنید. اگر اهل ایمان بوده باشید.

١٨. خداوند آیات خود را برای شما روشن می‌کند که نیازی به شرح و تفصیل نماند. خداوند رحمان دانا و کاردان است.

١٩. بی‌شک کسانی که دوست می‌دارند که رسوائی در میان مؤمنان فاش و برملا شود در دنیا و آخرت عذاب دردناکی دارند. خداوند واکنش جامعه را می‌داند و شما نمی‌دانید.

٢٠. و اگر مازاد رحمت خدا شامل حال شما نمی‌بود به اضافهٔ آن رحمت واسعه که شامل حال همگان است و اگر نه آن بود که خداوند رحمان، صاحب رأفت و مهربانی است و بدون اختطار قبلی کسی را عذاب نمی‌نماید عذاب دنیا و آخرت دامن شما را می‌گرفت.

خَطُواتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَ مِنْكُمْ مَنْ أَحَدٌ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۲۱ وَلَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۲۲ إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْسِنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۲۳ يَوْمَ تُشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَسْتِهُمُ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۲۴ يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ۲۵ الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۲۶ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا

-
۲۱. ای اهل ایمان! گام‌های شیطان را دنبال مکنید و به راه او مروید. هرکس گام‌های شیطان را دنبال کند و به راه او قدم گذارد باید بداند که شیطان به کارهای رسوا و ناپسند اجتماعی فرمان می‌دهد و اگر مازاد رحمت خدا و رحمت همگانی او شامل حال شما نمی‌بود هیچ‌یک از شما مؤمنان از آلودگی شیطان پاک نمی‌شد. هرگز و ابداً هیچ‌کس نمی‌تواند از تسویلات شیطان و دام‌های فریبنده او در امان بماند و جان خود را پاک نگهدارد ولی خداوند رحمان می‌تواند جان هرکسی را که بخواهد از آلودگی بپیراید. از این رو برای پاکی و طهارت خود به درگاه خدا دعا کنید و التجا ببرید که خداوند رحمان شنوا و دانا است.
۲۲. مبادا آن کسانی که بیش از نیاز خود صاحب نعمت شده‌اند و امکانات وسیعی دارند در عطابخشی به خویشان خود و رسیدگی به درماندگان بی‌نوا و مهاجران در راه خدا کوتاهی کنند که چرا در ایراد تهمت و شایعه‌پردازی شرکت کرده‌اند. باید از خطای آنان درگذرند و گناهانشان را به رخ آنان نکشند آیا شما خودتان دوست نمی‌دارید که خداوند رحمان گناهان شما را ببامرزد. خداوند رحمان آمرزنده و مهربان است.
۲۳. بی‌شک کسانی که خانم‌های پرده‌نشین را با وجود بی‌خبری که نشان نجابت و نهاد پاک آنهاست و با وجود ایمان که مانع رسوائی و فساد آنهاست متهم می‌نمایند در دنیا و آخرت ملعونند و عذاب بزرگی برای آنان مهیا است.
۲۴. آن‌روز که زبانشان و دست و پایشان بر کردار بد و نیک آنان گواهی دهد.
۲۵. آن‌روز است که خداوند رحمان حق قانونی آنان را به تمام و کمال ادا کند و مردم بدانند که خداوند رحمان حق است و آشکار کننده حقیقت و درستی است.
۲۶. زنان ناپاک مال مردان ناپاکند و مردان ناپاک مال زنان ناپاک. زنان پاک، مال مردان

بِیُوتَا غَیْرِ بَیُوتِکُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَیْ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَیْرٌ لَّکُمْ لَعَلَّکُمْ تَذَكَّرُونَ ۲۷ فَاِنْ لَمْ تَجِدُوْا فِیْهَا اَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوْهَا حَتَّى یُؤْذَنَ لَکُمْ وَاِنْ قِیلَ لَکُمْ اَرْجِعُوْا فَاَرْجِعُوْا هُوَ اَزْکٰی لَکُمْ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ عَلِیْمٌ ۲۸ لَیْسَ عَلَیْکُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَدْخُلُوْا بَیُوتًا غَیْرَ مَسْکُوْنَةٍ فِیْهَا مَتَاعٌ لَّکُمْ وَاللّٰهُ یَعْلَمُ مَا تَبْدُوْنَ وَمَا تَکْتُمُوْنَ ۲۹ قُلْ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ یَغْضُوْا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَیَحْفَظُوْا فُرُوْجَهُمْ ذٰلِکَ اَزْکٰی لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِیْرٌۢ بِمَا یَصْنَعُوْنَ ۳۰ وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنٰتِ یَغْضِضْنَ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ وَیَحْفَظْنَ فُرُوْجَهُنَّ وَلَا یُبْدِیْنَ زَیْنَتَهُنَّ اِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَیْ جُیُوْبِهِنَّ وَلَا یُبْدِیْنَ زَیْنَتَهُنَّ اِلَّا لِبُعُوْلَتِهِنَّ اَوْ اَبَائِهِنَّ اَوْ اَبَاءِ بُعُوْلَتِهِنَّ اَوْ اَبْنَاہِنَّ اَوْ اَبْنَاءِ بُعُوْلَتِهِنَّ اَوْ اِخْوَانِهِنَّ اَوْ بَنِیْ اِخْوَانِهِنَّ اَوْ

پاکند و مردان پاک مال زنان پاک. آن مردانی که چون رسول ما و فرزندانش به طهارت و پاکی مسلم باشند از تهمت دروغ پردازان مبرأیند که صاحب همسری خبیث و ناپاک باشند. برای پاکان آمرزش و مغفرت در راه است با روزی با کرامت و شایان.

۲۷. ای اهل ایمان! به جز خانه‌های خود که در هر حال و بی‌اجازه حق ورود دارید به خانه دیگران وارد نشوید مگر آنگاه که با اهل خانه آشنا و مأنوس شوید و بر آنان سلام بگوئید. اتخاذ این شیوه برای شما بهتر است باشد که شما متذکر شوید و بی‌خبر و بی‌آشنائی سابق و معارفه قبلی به خانه کسی قدم نگذارید.

۲۸. و اگر بر در خانه ایستادید و بر اهل خانه سلام گفتید و کسی را در خانه نیافتید که سلام شما را پاسخ بدهد به آن خانه وارد نشوید. تأمل کنید تا آماده پذیرایی شوند و با پاسخ سلام و تعارف از قدوم شما استقبال نمایند و اگر با سکوت اهل منزل مواجه شدید و یا صریحاً به شما گفته شد بازگردید بازگردید و دیدار خود را به وقت دیگری موکول نمایند. اتخاذ این شیوه برای شما به پاکی و طهارت و رفع هرگونه تهمت نزدیکتر است و خداوند رحمان به دستاورد شما دانا است.

۲۹. به خانه‌های غیرمسکونی مانند طویله و انبار که توشه خود را در آنجا نهاده‌اید بر شما حرجی نیست که بدون اجازه و تقدیم سلام وارد گردید. خداوند جهان به عزم شما که آشکارا نمایند و یا در دل نهان سازید دانا و آگاه است.

۳۰. به مردان مؤمن بگو که چشم‌های خود را از نظر دوختن به زیر دامن دیگران فرو بخوابانند و از دامن‌های خود نیز مراقبت به عمل آورند که چشم دیگران به زیر دامن آنان نیفتد. این شیوه برای مؤمنان به طهارت و پاکی نزدیکتر است به یقین خداوند رحمان به هرکاری که سازمان بدهید خبیر و با اطلاع است.

بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتَوَبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^{٣١} وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ^{٣٢} وَلَيْسَتَعَفَى الَّذِينَ لَا يُجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرَهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لَتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ^{٣٣}

٣١. به زنان مؤمن بگو که چشم‌های خود را از نظر دوختن به زیر دامن دیگران فرو بخوابانند و از دامن‌های خود نیز مراقبت به عمل آورند که چشم دیگران حتی بانوان به زیر دامن آنان نیفتند. و زینت ساق خود را که گرده ماهیچه‌ها است از زیر دامن برون نکنند مگر آنچه خود به هنگام راه رفتن آشکارا شود و باید روسری خود را به زیر گلو محل گریبان گره بزنند و یا سنجاق کنند و زینت‌های زیر آن که گیسوانشان باشد برملا نکنند جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان و یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا خانم‌های خدمتکارشان یا برده‌های زرخریدشان یا ملازمانشان از مردها با این شرط که صاحب شهوت نباشند و یا کودکان اجنبی با این قید که بر اندام زنان آگاه نباشند. مبادا پای خود را بر زمین بکوبند تا آنچه را در زیر دامن و ساری و یا روسری نهان کرده‌اند افشان و برملا شود. و شما ای اهل ایمان! همگی آشتی‌جویان به سوی خدا بازگردید و به این حجاب شرعی محجوب شوید، باشد که از عذاب دوزخ برهید و به بوستان‌های بهشتی درآیید.

٣٢. و زنان بی‌شوهر بی‌سرپرست آزاد را که از ملت شما باشند، شوهر بدهید و بردگان و کنیزان خود را که شایسته و صالح باشند همسر بدهید. اگر شوهران، فقیر و مستمند باشند خداوند رحمان از فضل رحمت خود آنان را بی‌نیاز خواهد کرد. خداوند جهان رحمتی وسیع دارد و به حال بندگانش دانا است.

٣٣. و آن کسانی که خرجی ازدواج ندارند باید عفت به خرج بدهند و پاکی و طهارت خود را حفظ کنند و صبر کنند تا خداوند رحمان از مازاد رحمت خود آنان را بی‌نیاز کند و بعد از آن به امر ازدواج بپردازند. و آن دسته از بردگان زرخریدتان که جویای پیمان شوند با آنان پیمان ببندید و سند امضا نمائید که ظرف چندماه با پرداخت مبلغی آزادی خود را بخرند و مستقل

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ۝۳۴ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝۳۵ فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيَذَكَرَ فِيهَا اسْمَهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ۝۳۶ رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ

گردند. این در صورتی است که شما خود در وجود آنان خیر و صلاحی بیابید و بر قدرت مالی آنان واقف باشید و باید برای کمک به آزادی آنان از اموال زکات که مال خداوند است و به شما داده است تا به اهلش برسانید به آنان تقدیم کنید تا سرمایه کار و کسب آنان باشد ولی کنیزان خود را - در صورتی که شخصاً خواهان پرده‌نشینی در منزل باشند و خدمات خانه را ترجیح بدهند - بر کسب و کار خارج از منزل وادار مکنید تا به خواسته‌های زندگی دنیا دست بیابید. هرکس کنیزان خود را به کسب و کار خارج از منزل اجبار و اکراه کند و کنیزان ناخواسته به راه فحشاء قدم بگذارند و یا اجباراً آلوده شوند خداوند جهان بعد از این اجبار و اکراه نسبت به گناه آنان، آمرزنده و مهربان است.

۳۴. به یقین ما آیات روشنگری برای شما نازل کردیم تا راه را از چاه بشناسید و مثلی از آن امت‌ها برایتان طرح کردیم که پیش از شما درگذشتند و دوازده نقیب الهی از نسل رسولشان به ترتیب، مأمور نگهداری امت بود. به اضافه پند و اندرز برای پرهیزگاران شما که از نافرمانی نقیبان دوری گزینند.

۳۵. خداوند رحمان روشنایی آسمان‌ها و زمین است. مثل روشنایی او مثل چراغدانی است که داخل آن چراغ باشد. آن چراغ در آبگینه بلورین باشد. آن آبگینه بلورین چنان رخشان شود که گویا ستاره پر نوری از درخت با برکت زیتونی فروزان شده است که شاخ‌وبرگ آن همواره در پرتو آفتاب رخشان بوده است نه زیتون شرقی که صبحگاهان در تابش خورشید باشد و نه زیتون غربی که شامگاهان در تابش خورشید قرار گیرد. روغن آن چراغ از صفا و روشنی نزدیک است که پرتو بیفشاند گرچه آتشی در آن نگیرد. پرتو شعله برفراز پرتو روغن. خداوند رحمان هر که را بخواهد به روشنایی خود رهنمون می‌گردد. خداوند رحمان این مثل‌ها را برای مردم می‌زند. خداوند رحمان به هر پدیده‌ای دانا است.

۳۶. این دوازده نور پاک در خانه‌هایی مأوی دارند که خداوند رحمان رخصت داده است که بنیانش رفیع شود و نام خدا در آن خانه‌ها چون مساجد یاد شود. در آن خانه‌ها به صبح و

تِجَارَةٌ وَلَا يَبِيعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ
 ۳۷ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۳۸
 وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ
 اللَّهَ عِنْدَهُ فُوفًا حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۳۹ أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ
 مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ
 اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ ۴۰ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِغُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ
 صَفَاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ۴۱ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

عصر با نماز نافله خدا را تسبیح بگویند.

۳۷. مردانی که تجارت کالا و مبادلات نیازمندی‌ها از یاد خدا و اقامه نماز و پرداخت زکات

سرگرمشان نسازد و از آن روزی خائف باشند که دل‌ها و دیده‌ها از بیم آن در تب‌وتابند.

۳۸. طاعات و عباداتشان برای آن است که خداوند رحمان نیکترین دستاوردشان را پاداش

دهد و از فضل رحمت خود بر پاداش آنان بیفزاید و خداوند رحمان هر که را بخواهد

بی‌حسابرسی و مافوق نیازمندی رزق و روزی عطا می‌فرماید.

۳۹. و آن کسانی که به این دوازده نور خدا کافر شوند دستاوردشان از نماز و زکات و یا سایر

طاعات و عبادات همچون سرابی است که در دشت و صحرا می‌درخشد و رهگذر عطشان،

تصور می‌کند آب است و به جستجو دنبال آن می‌دود تا آنگاه که در برابر آن سراب حاضر

شود و چیزی در بساط نبیند و بر همین منوال به روز قیامت که نامه اعمال خود را بچوید

اثری از طاعت و عبادت نبیند، اما خدا را ببیند که حساب گناهانش را در دست او می‌گذارد و

خداوند جهان سریعاً به حساب مردم خواهد رسید.

۴۰. مثل این کافران با دستاوردشان بدین منوال است و یا همانند سیاهی‌ها در میان دریای

ژرف و پهناور که موجی از دریا برخیزد و بر زبر آن موج، موجی دیگر و بر بالای موج‌ها و

سیاهی‌ها ابری تاریک، سیاهی بر زبر سیاهی که اگر کسی دست خود را برآرد که نتواند آن

را با چشم بنگرد. کافران از هر جهت در تاریکی و سیاهی غرقند و آن کس که خداوند

رحمان برای او روشنی قرار ندهد نوری برای او حاصل نخواهد گشت.

۴۱. آیا ندیدی که هر کس در آسمان‌ها و زمین است برای خداوند رحمان تسبیح می‌گوید با

آن مرغان پرنده آسمانی که صف کشیده چون پیکان هجرت می‌نمایند. هر موجودی نیایش

و تسبیح خود را می‌شناسد و خداوند رحمان به کردار آنان دانا است.

وَاللَّهُ الْمَصِيرُ ٤٢ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خَلَالِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ ٤٣ يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ ٤٤ وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٤٥ لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبِينَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ٤٦ وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ٤٧ وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ ٤٨ وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ٤٩ أَفِي

٤٢. پادشاهی آسمان‌ها و زمین خدا راست. همگان به سوی خدا می‌شوند.

٤٣. آیا ندیدی که خداوند رحمان توده‌های ابر سفید و سیاه را می‌راند و فراهم می‌آورد و بر زبر هم متراکم می‌سازد از آن پس می‌بینی که قطره‌های آب از خلال ابرها برون می‌تراود؟ آیا ندیدی که خداوند از آسمان از صخره‌هایی که در آسمان است تگرگ آتشین نازل می‌کند و با آن دانه‌ها هر که را بخواهد نشانه می‌گیرد و آسیب می‌رساند و هر که را بخواهد در امان می‌دارد و تگرگ سجیل را از پیرامون او به دیگر سو برمی‌گرداند. تگرگ آتشین چنان سرخ و شعله‌ور است که شاید شعاع آن بتواند بینایی را بزدايد.

٤٤. خداوند رحمان، تاریکی شب و سپیدی روز را برگرد زمین می‌چرخاند. در این زیرورو شدن سیاهی و سپیدی برای صاحبان بینش گذری به سوی حق و حقیقت باز است.

٤٥. خداوند رحمان، هر جنبنده‌ای را از آب زندگی آفرید، برخی بر شکم می‌خزند و راه می‌روند، برخی روی دو پا راه می‌روند و برخی بر چهارستون بدن تکیه دارند. خداوند جهان هر چه بخواهد می‌آفریند. خداوند جهان بر انجام هر پدیده‌ای توانا است.

٤٦. به یقین ما آیات روشنگری نازل کردیم تا راه را از چاه بشناسید. خداوند رحمان آن که را بخواهد به راه راست رهنمون خواهد گشت.

٤٧. می‌گویند: به خدا و رسول خدا ایمان آوردیم و راه طاعت گرفتیم و بعد از ادعا جماعتی از آنان روگردان شده‌اند و راه نافرمانی در پیش دارند. اینان اهل ایمان نیستند.

٤٨. و چون به سوی خدا و رسول خدا دعوت شوند تا در نزاع آنان داوری کند، ناگهان جماعتی از آنان که ناحق می‌گویند از داوری رسول خدا اعراض می‌نمایند.

٤٩. و اگر حق با آنان باشد با اعتراف و پذیرش کامل برای داوری حاضر می‌شوند.

قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَخِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ٥٠
 إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا
 وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ٥١ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ٥٢
 وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةَ مَعْرُوفَةَ إِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ بِمَا
 تَعْمَلُونَ ٥٣ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ
 وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ٥٤ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي
 ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ
 فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ٥٥ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ٥٦ لَا

٥٠. آیا در دل های آنان بیماری نفاق است و کفر خود را در پوشش ایمان نهان کرده اند؟ یا در شک و تردید به سر می برند و قرآن را باور نکرده اند؟ یا می ترسند که خداوند رحمان با حکومت قرآن بر آنان ستم روا دارد و رسول خدا ناحق بر زیانشان داوری نمایند؟ نه، اینها نیست. بلکه آنان سیه کارند و حق دیگران را ربوده اند.

٥١. موقعی که مؤمنان را به سوی خدا و رسول خدا دعوت کنند تا در نزاع آنان داوری کند پاسخ مؤمنان نباید جز این باشد که بگویند: شنیدیم و اطاعت کردیم. اینها ایند که رستگاران و از عذاب خدا می رهند.

٥٢. هرکس خدا و رسول خدا را اطاعت کند و از مؤاخذه خدا هراسان باشد و از خشم او بترسد هم اینها ایند که به بوستان های بهشتی می رسند.

٥٣. با سوگندهای غلاظ و شداد قسم خوردند که اگر فرمان بدهی بسیج می شوند. بگو: سوگند مخورید، طاعتی شناخته شده همچون طاعت مؤمنان کافی است. نیازی به سوگند شما نیست. خداوند رحمان به زیر و روی کار شما آگاه است.

٥٤. بگو: خدا را اطاعت کنید، رسول خدا را اطاعت کنید. اگر پشت کنید و اعراض نمایند این را بدانید که تکلیف رسول ما ادای رسالت است و تکلیف شما پذیرش و طاعت، و هرکس باید به تکلیف خود عمل نماید. اگر شما فرمان رسول را اطاعت کنید رهیاب می شوید و اگر اطاعت نکنید رسول ما تکلیف ندارد که شما را وادار و اجبار کند. بر رسول ما جز این تکلیفی نیست که رسالت ما را ابلاغ کند به صورتی که حقیقت آشکارا شود.

٥٥. خداوند رحمان با آن کسانی که از شما مردم ایمان آورده اند و دستاورد صالحی دارند

تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمُ النَّارُ وَلَيْسَ الْمَصِيرُ^{٥٧} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ اسْتَأْذَنُكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^{٥٨} وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^{٥٩} وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ

وعده نهاد که آنان را در پهنه زمین جایگزین حاکمان فعلی سازد، آن چنان که حاکمان فعلی را جایگزین حاکمان قبلی ساخته است. خدا وعده نهاد که دین و قانونی که برایشان پسندیده است تثبیت و پا برجا کند و بعد از ترس و اضطرابشان امنیت و آرامش عطا کند به این صورت که فقط مرا بپرستند و کسی را با من شریک نسازند. هر کس که بعد از رسیدن به قدرت و ثبات موقعیت، ناسپاسی کند و کفر بورزد همه آنان فاسق و تجاوزکارند.

۵۶. شما باید ایمان بیاورید و نماز را برپا بدارید و زکات را بپردازید و از فرمان رسول خدا اطاعت کنید، باشد که مورد رحمت قرار بگیرید.

۵۷. تصور مکن که این کافران در صفحه گیتی ما را عاجز کنند و از چنگ ما برهند. اینان در چنگال مایند و خانه آنان دوزخ است؛ دوزخ بدجایگاهی است.

۵۸. ای اهل ایمان! کنیزان و بردگانی که ز خرید شما با نوجوانان شما که به سرحد بلوغ جنسی نرسیده اند ظرف بیست و چهار ساعت در سه هنگام باید از شما رخصت بگیرند و بعد از رخصت به اطاق شما وارد شوند، هنگام سحرگاهان که قبل از نماز فجر است و شما لباس خواب بر تن دارید. هنگام نیمروز که جامه های خود را در اثر گرما از تن برآورده بر زمین می گذارید و هنگام خواب شب که بعد از نماز عشا به خوابگاه خود وارد می شوید. در این سه هنگام ورود بی اجازه آنان برای شما و آنان مایه رسوایی است. در غیر این سه هنگام بر شما حرجی نیست و نه بر آنان که بی رخصت شما وارد شوند، پیرامون شما بچرخند و در خدمتگزاری فعال باشند و یا شما بی اجازه و رخصت به اطاق آنان وارد شوید و فرمان خدمت بدهید. خداوند رحمان آیات خود را بدین صورت برای شما روشن می کند که نیازی به تفسیر دیگران نباشد. خداوند رحمان دانا و کاردان است.

۵۹. و هرگاه نوجوانان شما به حد بلوغ رسیدند باید در همه اوقات به هنگام ورود بر شما رخصت بگیرند و سپس وارد شوند به آن صورتی که سایر افراد بالغ پیش از این نوبالغان با

عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٦٠ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ بَيَّنَّ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ٦١ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوا إِنْ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنْ لِّمَنْ شِئْتَ

سلام کردن از پشت در رخصت می گرفتند. خداوند رحمان آیات خود را با این گونه شرح و بیان برای شما روشن می کند تا نیازی به توضیح دیگران نماند. خداوند رحمان دانا و کاردان است.

٦٠. و آن خانم‌هایی که از خونریزی ماهیانه مایوسند و امیدی به نکاح همسر و بستر شوهر ندارند، بر آنان حرجی نیست که از خانه خارج شوند و شغل خود را از دوش بر زمین بگذارند با این شرط که برای خودنمایی و ارائه لباس فاخر و جامه پر زرق و برق خود، بیرون نیامده باشند. و با وجود این رخصت چه بهتر که جوپای عفت شوند و کمتر با اجنبی سخن بگویند. خداوند رحمان سخن مردم را می شنود و به راز دل‌هایشان آگاه است.

٦١. بر کورانتان باکی نیست و نه بر شلاتان و نه بر بیمارانتان که خانه شما را خانه خود بدانند و نه بر خودتان که از نان و خورش خانه خود تناول کنید و یا از نان و خورش پدرانتان یا خانه مادرانتان یا خانه برادرانتان یا خانه خواهرانتان یا خانه عموهایتان یا خانه عمه‌هایتان یا خانه خالوهایتان یا خانه خاله‌هایتان و یا هر خانه‌ای که کلیده‌ای آن در دست شما باشد و یا خانه دوستانتان، بر هیچ‌یک از شما گناهی نیست که یکجا و یا مجتمعاً از خانه‌های مجاز نامبرده تناول کنید و یا تک‌تک و پراکنده در روزهای مختلف به این خانه‌ها درآیید و از ماکولات آن تناول نمائید و چون به خانه‌های نامبردگان درآمید بر خودتان سلام دهید و بگویید: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» تا تحیتی باشد از جانب خدا با برکت و نزاهت، خداوند رحمان با این بیان و توضیح آیات خود را برای شما روشن می کند، باشد که اندیشه خود را بکار بندید و نکته‌ها را دریابید.

مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٦٢ لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ
 بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلِيَحْذَرِ الَّذِينَ يخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ
 فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٦٣ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ
 يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ٦٤

٦٢. مؤمنان واقعی آن کسانی که به خدا و به رسول خدا ایمان آورده‌اند و هرگاه با رسول
 خدا در مشاوره و کنکاش يك مهم اجتماعی حاضر باشند به راه خود نمی‌روند مگر آنگاه که
 از رسول خدا اجازه بگیرند، آن کسانی که ابتدا از تو رخصت می‌گیرند و سپس از حضور تو
 خارج می‌شوند همان‌ها هستند که به خدا و رسول خدا ایمان دارند. پس هرگاه برای رسیدگی به
 امور شخصی خود از تو رخصت بجویند به هر يك از آنان که بخواهی رخصت عطا کن و
 برای آنان از خداوند رحمان آمرزش بخواه. بی‌شک خداوند رحمان آمرزنده و مهربان است.

٦٣. شما حق ندارید که دعوت رسول خدا را در جمع خود به آن صورت تلقی کنید که برخی
 از شما مردم دوستان و آشنایان خود را برای امر مهمی فرا می‌خواند و آنان حاضر نمی‌شوند
 و یا حاضر می‌شوند و بی‌اجازه و رخصت بازمی‌گردند. گاه می‌شود که خداوند رحمان کسانی
 را می‌بیند که در پشت دیگران پنهان می‌شوند و نرم‌نرمک خود را از حضور رسول خدا
 بیرون می‌کشند. آن کسانی که از فرمان رسول خدا با منادی «الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ» سرپیچی
 می‌نمایند باید برحذر باشند که بلایی به رسم آزمون بر سر آنان فرود آید تا کفر و نفاق آنان
 را برملا سازد و یا عذاب دردناکی فرا آید و آنان را درهم بکوبد.

٦٤. این را باید همگان بدانند که آنچه در آسمان‌ها و زمین است، ملك خداست. گاه
 می‌شود که شما را در وضع ناهنجاری مشاهده می‌کند و دم برنمی‌آورد. ولی آن روز که
 همگان به سوی او بازگردان شوند نابکاران را به دستاورد اعمالشان باخبر خواهد ساخت.
 خداوند رحمان به هر پدیده‌ای دانا است.

الفرقان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا^١ الَّذِي لَهُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا^٢ وَأَتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِنَفْسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا^٣ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا^٤ وَقَالُوا آسَاطِيرُ الْأُولِينَ اكْتَتَبَهَا فِيهَا تَمَلَّى عَلَيْهِ بَكْرَةٌ وَأَصِيلًا^٥ قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا^٦ وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا^٧ أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ

١. جاوید و پاینده باد آن خدایی که معجزه قرآن را بر بنده خود نازل کرد تا به جهانیان
اخطار کند.

٢. آن خدایی که پادشاهی آسمانها و زمین مال او است. فرزندی برای خود نگرفت که جای
او را بگیرد و همتایی برای او نبود که در پادشاهی شریک او باشد. هر پدیده‌ای را شخصاً
آفرید و مقدار او را هندسه کرد.

٣. ولی مردم به جای آن که خالق را به خدایی بگیرند و پرستش کنند، دیگرانی را به خدایی
گرفتند و پرستش کردند که هیچ پدیده‌ای نمی‌آفرینند و خود آفریده و مخلوقند و مالک سود
و زیان خود نیستند و نه مالک مرگ و زندگی و برانگیختن مردگان.

٤. آن کسانی که به قرآن کافر شده‌اند گفته‌اند که این قرآن سخنی است که خود بافته و بر
خدا بسته است و جمعی از اهل کتاب او را در ساختن قرآن یاری داده‌اند. بی‌شک کافران با
سیه‌کاری و با تهمت و تزویر به مقابله قرآن آمده‌اند.

٥. و گفته‌اند که از افسانه‌های مردم پیشین نسخه‌ای به دست آورده که بام و شام بر او
می‌خوانند تا در نماز صبح و عصر خود انشاء کند و با طنطنه بر مردم تلاوت کند.

٦. بگو قرآن را خداوندی نازل کرده است که در آسمانها و زمین سر نهان را می‌داند. به
یقین خداوند رحمان آمرزنده‌ای مهربان است. که سیه‌کاران را مهلت داده است.

٧. گفته‌اند که رسالت شأن فرشتگان است که قداست دارند و با عالم قدس تناسب دارند، نه
می‌خورند و نه بر روی زمین گام می‌گذارند که پلید و آلوده شوند. این چگونه رسولی است
که غذا می‌خورد و در بازارها می‌چرخد تا روزی خود را به دست آورد؟ اگر او رسول خدا باشد

يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا^٨ انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا^٩ تَبَارَكَ الَّذِي إِن شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلُ لَكَ فُصُورًا^{١٠} بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا^{١١} إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيظًا وَزَفِيرًا^{١٢} وَإِذَا أَلْقَا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقْرِنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا^{١٣} لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا^{١٤} قُلْ أَدْلِكْ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَ مَصِيرًا^{١٥} لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا

لا اقل باید فرشته‌ای بر سر او فرود آید تا با هم و در کنار هم رسالت خدا را ابلاغ نمایند و به مردم اخطار کنند.

۸. یا آن که گنجی از آسمان به دامنش افکنده شود تا خراج مأموریت او باشد و یا بوستانی داشته باشد که روزی خود را از آن بوستان به دست آورد و برای پیشرفت مأموریت خود از گنج و بوستان بهره بگیرد. سیه‌کاران به مردم خود گفتند: شما دنبال مردی را گرفته‌اید که جادویش کرده‌اند و از خود اراده ندارد..

۹. بنگر که برایت چه مثل‌ها زده‌اند که خود هم باور کرده‌اند و گمراه شده‌اند. اینک نمی‌توانند که راهی دگر بجویند.

۱۰. پاینده باد خدایی که اگر خواسته باشد بهتر از اینها را برایت مهیا می‌سازد، بوستان‌هایی که از زیر آن نهرها روان باشد و کوشک‌ها و قصرها و کاخ‌ها برایت برقرار می‌نماید.

۱۱. مشکل این مردم نزول فرشتگان نیست و نه مال و منال و ثروت و یا گنج و دولت، بلکه اینان روز قیامت را تکذیب کرده‌اند و به ناچار رسالت قرآن را که دم از قیامت می‌زند منکر شده‌اند و ما برای آن مردمی که قیامت را تکذیب کنند آتش فروزان را مهیا کرده‌ایم.

۱۲. و چون آتش دوزخ بر روی این مردم چشم بگشاید جوش و خروش آن را با گوش خود بشنوند.

۱۳. و چون با غل و زنجیر به یکی از دره‌های تنگ دوزخ افکنده شوند در تنگای دره‌ها فریاد برآرند و مرگ خود را خواهان شوند.

۱۴. امروز نه یکبار، بلکه صدها بار باید مرگ خود را خواهان شوید.

۱۵. بگو: آیا سرانجامی این‌چنین برای شما بهتر است یا بهشت جاویدان که صاحبان تقوا را به آنجا دعوت کرده‌اند. بهشت برای صاحبان تقوا پاداش است و سرانجامی که به سوی آن روان می‌شوند.

مَسْؤُولًا ۱۶ وَيَوْمَ يُحْشِرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ أَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ۱۷ قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَأَبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا ۱۸ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَ لَا نَصْرًا وَ مَنْ يَظْلِمُ مِنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا ۱۹ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا أَنْهَمُ لِيَأْكُلُوا الطَّعَامَ وَيَمْشُوا فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا ۲۰ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ

۱۶. در بهشت برای صاحبان تقوا هر نعمتی که بخواهند مهیا و حاضر است. جاودانه در بهشت می‌مانند. این پاداش، با تعهد و مسئولیت بر عهدهٔ پروردگارت ثبت است.

۱۷. آن‌روز که پروردگارت مردم کافر را محشور کند و خدایانشان را هم که از میان فرشتگان و انبیا و اولیا به جای خداوند رحمان می‌پرستند محشور نماید به خدایانشان خواهد گفت: آیا شما این بندگان مرا از راه بدر کردید یا خودشان راه را گم کردند؟

۱۸. خدایانشان می‌گویند: تو از شریک و هم‌تا منزه و برکناری. برای ما شایسته و ممکن نبود که از بندگیت سر بتابیم و بندگان را گمراه کنیم تا یار و یاور ما باشند. گمراهی این مردم بدین علت بود که آنان را و پدرانشان را از نعمت دنیا کامیاب کردی تا آن‌حد که دعوت را از یاد بردند. گمراهی آنان بدین علت بود که مردمی فاسد و بی‌مقدار بودند.

۱۹. پس خدایانتان هم که ادعای شما را تکذیب کردند و شما را سرخود و گمراه می‌شمارند و شما نمی‌توانید کیفر خدا را از خود بگردانید و نه از خدایانتان یاری بجویید و هرکس از شما که سیه‌کاری کرده باشد عذاب بزرگ دوزخ را به او می‌چشانیم تا کیفر سیه‌کاران را ادا کرده باشیم.

۲۰. می‌گویند: «رسول خدا باید فرشته باشد تا سفارت او مورد تردید و تأمل قرار نگیرد و یا همچون سفرای شاهان با تاج و نشان گسیل شود تا کیکبه‌اش دلیل سفارت او باشد، نه آن‌که در کوی و برزن کوچه و بازار به دنبال روزی و معاش خود روان باشد». ما آن پیامبرانی هم که پیش از فرستادیم از مردان روی زمین گزین کردیم و جز این نبود که غذا می‌خورند و در بازارها به دنبال روزی روان بودند. ما با تقسیم ثروت و دولت، صحت و عافیت برخی را مایهٔ آزمون دیگران ساخته‌ایم تا روشن شود حتی بر خودتان که آیا بر فقر و بیماری و مشکلات زندگی صبور و شکیبا می‌مانید یا دست به تجاوز و خیانت می‌زنید؟ آیا با دولت و صحت سر به طغیان برمی‌آورید یا به یاری درماندگان و زیردستان می‌شتابید؟

وَعْتَوْ عُنُوتًا كَبِيرًا ۲۱ يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حَجْرًا مَّحْجُورًا ۲۲ وَ قَدُمْنَا إِلَىٰ مَا عَمَلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا ۲۳ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَ أَحْسَنُ مَقِيلًا ۲۴ وَ يَوْمَ تَشَقُّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَ نَزَلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا ۲۵ الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَ كَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ۲۶ وَ يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ۲۷ يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ۲۸ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَدُولًا ۲۹ وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ

-
- پروردگارت نیازی به آزمون ندارد و از آغاز زندگی به سرانجام بندگانش بینا بوده است.
۲۱. و آن کسانی که روز قیامت را منکر شده‌اند و امیدی به ملاقات ما ندارند، می‌گویند که باید فرشتگان بر ما نازل شوند که پیام خدا را به ما ابلاغ کنند و یا در همین دنیا خدا را ببینیم و پیام او را بشنویم. اینان در نهاد جانشان خود را والاتر و بالاتر از این شمردند که پیام ما را از زبان افرادی همتای خود دریافت نمایند. آنان با ردّ پیام ما سرکشی بزرگی را آغاز نهادند.
۲۲. آن روز که فرشتگان را با چشم بنگرند برای تبهکاران مجرم نوید و بشارتی در میان نیست و چون قیافه خشمناک فرشتگان را ببینند با این تصور که ارواح خشمگین به سراغ آنان آمده‌اند خطی بر گرد خود می‌کشند که خود را با طلسم و منتر از شر آنان برهانند.
۲۳. در آن روز ما گامی به جلو نهمیم و ساخته‌ها و پرداخته‌های آنان را از کاخ‌ها و بوستان‌ها و جاده‌ها و دانشکده‌ها با همه مظاهر تمدن و جلوه‌های زندگی درهم بکوبیم و چون خاک و خاکستر بر باد دهیم.
۲۴. آن روز بهشتیان قرارگاه بهتری دارند و بهترین بستر استراحت از آن آنها است.
۲۵. آن روز که آسمان مریخ و مشتری با انفجاری عظیم پاره‌پاره شود و تنها ابری سفید از آن برجا نمایان باشد و فرشتگان فوج فوج فرود آیند.
۲۶. آن روز پادشاهی با شیوه درست و برحق برای خداوند رحمان است. آن روز بر کافران سخت و دشوار خواهد گشت.
۲۷. آن روز هر که سیه‌کار است دست خود را به دندان بگزد و با اسف بگوید: ای کاش که من با رسول خدا راهی باز کرده بودم.
۲۸. ای وای بر من، ای کاش که من فلانی را یار جانی خود نگرفته بودم.
۲۹. به یقین او بود که بعد از فرآمدن قرآن مرا از دریافت پیام قرآن بی‌راه کرد. شیطان

مَهْجُورًا ٣٠ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا ٣١ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ٣٢ وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا ٣٣ الَّذِينَ يُحْشِرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا ٣٤ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا ٣٥ فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَا هُمْ تَدْمِيرًا ٣٦ وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَبُوا الرُّسُلَ

هماره آدمی را بعد از فکندن در چاه، تنها رها خواهد کرد.

٣٠. و رسول ما خواهد گفت: ای پروردگار من! امت من قرآن تو را متروک و مهجور رها کردند.

٣١. و بدین سان ما برای هر پیامبری از میان تبهکاران مجرم، دشمنی را به مقابله برانگیختیم و با وجود این همه دشمن که داری، پروردگارت برای هدایت و نصرت کافی است.

٣٢. کافران بهانه دیگری ساز کردند و گفتند: اگر قرآن کلام خدا باشد می باید مانند پیامها و رسالت های دیگر یکجا بر او نازل گردد. معلوم می شود که قرآن را خودش به مرور ایام می سازد و هر چندگاهی که یک سوره کوتاه و بلند آماده شود بر مردم تلاوت می کند. ما قرآن را به همین صورت سوره سوره بر تو نازل کردیم تا ارتباط خود را با تو برقرار نگه داریم و در مواقع لازم روحیهات را تقویت نماییم. ما قرآن را شمرده و آرام بر تو تلاوت کردیم تا شیوه تلاوت را بیاموزیم.

٣٣. با این فرصت و با این ارتباط دائم است که می بینی هیچ گاه برای شکست کلامت مثلی نمی آورند جز آن که به یاریت می شتابیم و مثلی درست و برحق برایت می آوریم و با واضح ترین تفسیر و بیان مسائل اجتماعی را ارزیابی و تفسیر می نماییم.

٣٤. آن کسانی که روز قیامت با قوز خمیده سوار بر سنگپاره ها به سوی دوزخ محشور می شوند موقعیت شومتری دارند و گمراه ترند.

٣٥. به یقین ما کتاب تورات را به موسی عطا کردیم و برادرش هرون را با او به یاری و معاونت کارهای سنگین منصوب کردیم.

٣٦. و آنگاه گفتیم به سوی فرعونیان بروید، مردمی که آیات ما را دروغ انگاشتند و ما دمار از روزگار آنان برآوردیم.

أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا^{٣٧} وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا^{٣٨} وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا^{٣٩} وَلَقَدْ اتَّوَا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا مَطَرًا سَوْءًا أَلَمْ يَكُونُوا يَرُونَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا^{٤٠} وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوءًا أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا^{٤١} إِن كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرُونَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا^{٤٢} أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا^{٤٣} أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِن هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا^{٤٤} أَلَمْ تَر إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا (٤٥)

۳۷. مردم نوح را هم که رسولان ما را تکذیب کردند در آب طوفان غرقه کردیم و سرنوشت آنان را برای مردمان نشانه عذاب خدا قرار دادیم. ما برای سیه کاران عذاب دردناکی مهیا داریم.

۳۸. و مردم عاد و ثمود را با اهالی رود ارس و مردم قرن‌های بسیار دیگر که در این میان به تکذیب رسالت برخاستند.

۳۹. برای هر امتی مثل‌ها آوردیم و در پایان امر همگان را درهم شکستیم.

۴۰. بی‌شک این مردم کافر بر آن آبادی که سنگپاره‌های آسمانی بر سر آنان باریده است گذر کرده‌اند. آیا گذر کردند و شهرهای واژگون‌شده آنان را ندیدند که پند بگیرند؟ چرا شهرها را دیدند ولی در فکر قیامت و حشر و نشر بشر نبودند که پند و عبرت نگرفتند.

۴۱. موقعی که این مردم کافر تو را بنگرند جز این‌که تو را به استهزاء بگیرند واکنش دیگری ندارند، با این ریشخند که آیا این همان رسولی است که خداوند رحمان برانگیخته است؟

۴۲. می‌گویند اگر نه آن بود که ما به پای خدایانمان استقامت کردیم، نزدیک بود که ما را از راه خدایانمان بدر کند. این مردم استهزاگر - در آن لحظه‌ها که عذاب الهی را بنگرند - می‌دانند که فرقه گمراهتر کیانند.

۴۳. نظر خودت چیست؟ آیا آن کس که هوای نفس خود را خدای خود می‌شناسد و از هوای دل به نام غریزه و فطرت اطاعت می‌کند و به طاعت خود انگ الهی می‌زند، آیا تو می‌خواهی مانند موکلان بر سر او بایستی تا به خداوند رحمان ایمان بیاورد؟

۴۴. یا تصور می‌کنی که اکثر این مردم گوش شنوا دارند و یا اهل اندیشه‌اند که تعقل نمایند؟ اینان فقط مانند بهائم در فکر خوراک و زفافند بلکه گمراهتر که خوراک لایق و زفاف

٤٥ ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا ٤٦ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ٤٧ وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ٤٨ لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنْآسِي كَثِيرًا ٤٩ وَلَقَدْ صَرَفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذْكُرُوا فَآبِيَ أَكْثَرَ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ٥٠ وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا ٥١ فَلَا تُطِعِ الكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ

مناسب خود را هم نمی‌شناسند.

٤٥. آیا ندیده‌ای که پروردگارت چسان سایه زمین را بر گرد زمین کشانید تا شب و روز را بیافریند؟ اگر خواسته بود سایه زمین را متوقف می‌ساخت تا شما را در تاریکی و سرمای دائم فرو برد و ما، فرشتگان توقف خورشید را برای مردم آن نیمه دیگر که روز دائم دارند گواه آن می‌ساختیم که تاریکی و سرما هم متوقف مانده است و دیگر استراحت شب و سایه خنک به سراغ آنان نمی‌آید.

٤٦. فقط با حرکت انتقالی نرمک نرمک و ظرف یکسال سایه زمین را به دنبال خود می‌کشاندیم و جابجا می‌نمودیم که شبانه‌روز بیست و چهار ساعتی را به شبانه‌روز ٨٧٦٦ ساعتی بدل نماییم.

٤٧. او همان پروردگاری است که شب را جامه خواب شما ساخت تا ظلمت و تاریکی، ساتر شما باشد و لباس از تن برآورد. خواب را وسیله آرامش تن ساخت که تلاش زندگی را قطع کنید و به بستر استراحت پناه برید و روشنایی روز را چون، روح زندگی در پیکر طبیعت دمید تا از جا برخیزید و برای تلاش معاش از لانه‌ها برون شوید.

٤٨. او همان پروردگاری است که بادها را پیشاپیش رحمت خود گسیل می‌دارد تا مژده باران باشد و ما فرشتگان آبی پاک‌کننده از آسمان فرو فرستادیم.

٤٩. تا به وسیله آن آب سرزمین مرده را زنده و بارور سازیم و بسیاری از دام‌ها و انسان‌ها را که دسترسی به آب دیگری ندارند سیراب نماییم.

٥٠. به یقین ما قرآن را در میان مردم با چهره‌های گوناگون و از زوایای مختلف مطرح کردیم تا مردم پیام قرآن را دریابند اما بیشتر مردم جز ناسپاسی و کفران از هر واکنش دیگری ابا دارند.

٥١. اگر ما خواسته بودیم در میان هر مجتمعی یک رسول اخطارکننده، مبعوث می‌نمودیم ولی چون همواره امت‌ها از تجربه دیگران به نتیجه بهتری می‌رسند، به ارسال یک تن اکتفا نمودیم.

جَهَادًا كَبِيرًا^{۵۲} وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا^{۵۳} وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا^{۵۴} وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا^{۵۵} وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا^{۵۶} قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا^{۵۷} وَتَوَكَّلْ عَلَىٰ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا^{۵۸} الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا^{۵۹} وَإِذَا قِيلَ

۵۲. از این رو پیشنهاد صلح و مسالمت را از کافران میپذیر و با قرآن به مقابله آنان برخیز مقابله‌ای بزرگ و عظیم.

۵۳. او همان پروردگاری است که میان دو دریا را بهم آمیخت، این دریا شیرین و خوشگوار و آن دریا شور و تلخ است و در میان دو دریا لایه‌ای است از آب شور و شیرین که چون دیواری متین و مستحکم مانع امتزاج است.

۵۴. او همان پروردگاری است که انسان را از آب حیات آفرید و نژاد او را در دو تیره به قوام آورد، تیره اول، تیره نسب که خواهران و برادران باشند با پدر و فرزند و تیره دوم تیره دامادی و وصلت که زن و شوهر باشند و پایه‌گذار تیره نسب. پروردگارت بر این آفرینش توانا بود.

۵۵. و این کافران به جای خداوند رحمان خدایان دیگری می‌پرستند که نه سودشان می‌رسانند و نه زبانی دربر دارند. مردم کافر بر علیه پروردگارشان پشتیبان شیطان شده‌اند.

۵۶. ما تو را جز برای بشارت به نعمت‌های بهشتی و اخطار و تحذیر از سختی‌های دوزخ گسیل نکردیم. بیش از این، تکلیفی بر تو نیست.

۵۷. بگو: من برای ابلاغ رسالت از شما مزدی نمی‌طلبم جز آن که هر مؤمنی بخواهد با تقدیم هدایا راهی به سوی پروردگارش باز کند هدیه او را باز نمی‌گردانم.

۵۸. تو بر آن زنده جاویدی اتکال کن که هرگز نمی‌میرد. ذات مقدس او را تنزیه کن و با ستایش و تمجید او، پیگرد تبه‌کاران بر عهده تو و یا دیگران نیست. پروردگارت برای پیگرد و واری از گناهان بندگانش کافی است.

۵۹. آن خدایی که ظرف شش‌روز آسمان‌ها و زمین را آفرید با آنچه در میان آسمان‌ها و زمین است سپس بر عرش اقتدار خود بال‌وپر گشود، همان خدایی که رحمان است هرچه خواهی از او پرس که از زیر و روی کارها باخبر است.

لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنْسَجِدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ٦٠ تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ٦١ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خَلْفَةً لَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ٦٢ وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ٦٣ وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ٦٤ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ٦٥ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ٦٦ وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ٦٧ وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ٦٨ يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ

٦٠. و چون به کافران گفته شود برای خداوند رحمان به خاک افتید، می‌گویند: خداوند رحمان دیگر چه خدایی است که باید او را سجده کنیم؟ آیا برای هر خدایی که تو فرمان بدهی باید سجده کنیم و به خاک بیفتیم؟ اینان خدای رحمان را نمی‌شناسند و نام رحمان هرچه بیشتر بر نفرت آنان خواهد افزود.

٦١. پاینده باد آن خدایی که در آسمان، برج‌های نگهبانی برقرار نمود و در آسمان مه‌ری فروزان و ماهی تابان برقرار فرمود.

٦٢. او همان خدایی است که روز را خلیفه شب و شب را خلیفه روز آورد برای آنان که بخواهند به یاد خدا باشند و نماز بگزارند و یا بخواهند نعمت خدا را با ادای نوافله‌ها پاس بدارند.

٦٣. و اما بندگان خدای رحمان، بندگان خدای رحمان کسانی هستند که بی‌جبروت و کبریا با آرامش طبیعی بر روی زمین گام می‌نهند و چون جاهلان با شیوه‌های ناهنجار و ناپسند خود با آنان سخن بگویند جز با صفا و سلامت پاسخ ندهند.

٦٤. هم‌آنان که شب‌ها به خاطر پروردگارشان با سجود و قیام به سر می‌برند.

٦٥. هم‌آنان که در نماز و نیاز خود می‌گویند: پروردگارا! عذاب دوزخ را از ما بگردان که عذاب دوزخ بار سنگینی دارد.

٦٦. به یقین که دوزخ، منزلگاه بدی است و بدجایگاهی برای توقف و اقامت گزیدن.

٦٧. هم‌آنان که چون انفاق کنند از حد لازم تجاوز نکنند و از حد لازم، کوتاه نیایند و تقصیر ننمایند بلکه در میان افراط و تفریط حد اعتدال را در پیش بگیرند که قوام زندگی را از دست ندهند.

٦٨. هم‌آنان که با وجود خداوند رحمان به خدایان دیگر التجا نبرند و خونی را که خداوند

الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا ٦٩ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ٧٠ وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ٧١ وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ٧٢ وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا ٧٣ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ

رحمان تحریم کرده و حرمت نهاده است جز به خاطر احقاق حق نریزند و با زنان همسایه نیامیزند. همگان، باید این را بدانند که هرکس به یکی از این سه کار کفرآمیز دست زند با زورمندی ما مواجه خواهد گشت.

٦٩. به روز قیامت عذاب گناهان او دوچندان می‌شود و با خواری و مهانت در عذاب دوزخ جاودانه به سر می‌برد.

٧٠. مگر آن کسانی که بعد از شرك و بعد از خون ناحق و بعد از زناکاری رو به خدا بازگردند و ایمان خود را تجدید کنند و کاری شایسته و نمایان انجام دهند. اینها هستند که خداوند رحمان گناهانشان را محو می‌کند و به جای ثواب و طاعت ثبت می‌کند. خداوند رحمان همواره آمرزنده و مهربان بوده است.

٧١. این را هم باید همگان بدانند که هرکس از این سه کار کفرآمیز توبه کند و کاری شایسته و صالح انجام دهد که گذشته‌ها را جبران نماید - گرچه توبه او به خاطر ایمان نباشد - باز هم رو به سوی خدا آورده است.

٧٢. هم‌آنان که در مجالس تزویر و حق‌کشی حضور نیابند و هرگاه بر کارهای بیهوده و بی‌ثمر بگذرند بی‌تعرض و بی‌اعتنا کریمانه از کنار آن بگذرند.

٧٣. هم‌آنان که چون با تلاوت آیات پروردگارشان تذکر یابند و اخطار شوند تنها به تقلید از مؤمنان و همگامی با نمازگزاران برای سجده بر خاک نیفتند اندرز الهی را به گوش بگیرند و چشم عبرت‌بین خود را باز نمایند.

إِمَامًا ٧٤ أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيَلْقَوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ٧٥ خَالِدِينَ فِيهَا حَسَنَتٌ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ٧٦ قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا ٧٧

٧٤. هم آنان که در نماز و نیاز خود گویند که پروردگارا! از همسران ما و از فرزندان و فرزندانزادگان ما به ما روشنی چشم عطا کن و ما را پیشوای پرهیزکاران قرار بده.

٧٥. اینها هستند که بر اثر شکیبایی و استقامت درجات بهشتی را به پاداش می‌برند و با سلام و خوشآمد از آنان استقبال می‌شود.

٧٦. جاودانه در بهشت برین می‌مانند. بهشت، نیکو قرارگاهی است و نیکو جایگاهی برای اقامت گزیدن.

٧٧. بگو: در صورتی که شما را نماز و دعایی نباشد پروردگار من به خیرات و میراث شما ارجی نمی‌نهد. شما با انکار نماز و دعا اساس مذهب را انکار کرده‌اید. به زودی عذاب خدا دامن شما را خواهد گرفت.

الشُّعْرَاءُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طسم^۱ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ^۲ لَعَلَّكَ بَآخِ نَفْسِكَ آلَا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ^۳ إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ^۴ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ^۵ فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءٌ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ^۶ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ^۷ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ^۸ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ^۹ وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ^{۱۰} قَوْمَ فِرْعَوْنَ آلَا يَتَّقُونَ^{۱۱} قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ^{۱۲} وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى

۱. ط. س. م.

۲. اینها آیات کتاب آسمانی قرآن است که روشنگر راه است.

۳. شاید هوای خودکشی داری که چرا این مردم ایمان نیاورده‌اند.

۴. ایمان این مردم، آرزوی ما نیست. اگر ما بخواهیم معجزه و نشانی از آسمان بر سر آنان نازل می‌کنیم که مقهور شوند و ایمان بیاورند و در آن صورت گردن این گردنکشان در برابر آیات و نشانه‌های قاهر ما شکسته و خاضع خواهد گشت.

۵. ما تاکنون آیات فراوانی از قرآن بر آنان نازل کرده‌ایم که ایمان نیاورده‌اند و هرچند که در آیات قرآن، یاد خداوند رحمان را بر آنان تازه می‌کنیم، واکنشی ندارند جز آن که روی خود را برمی‌گردانند.

۶. دیگر امیدی به ایمان این مردم نیست اینان تهدیدهای ما را با تمسخر و استهزاء تکذیب کرده‌اند و به زودی بیک تهدیدهای ما به آنان خواهد رسید.

۷. آیا نشانه‌های پرورش و رحمت را در آسمان‌ها ندیده‌اند؟ آیا به زمین زیر پایشان نظاره نکردند که میلیون میلیون گیاه ماده را با میلیون میلیون گیاه نر جفت کردیم و در خاک پروردیم تا با تولید و تناسل، خانواده‌های شریف و ارجمندی تشکیل دهند؟

۸. به یقین در اعلام این خبر برای مردم نشانی از درستی و رسالت مشهود است ولی بیشتر مردم اهل ایمان نبودند که ایمان نیاوردند.

۹. به یقین پروردگارت همان عزتمند و مهربان است.

۱۰. خاطر نشان کن که پروردگارت موسی را ندا کرد که نزد آن گروه سیه‌کار شو.

۱۱. همان فرعونیان، بنگر آیا از خشم ما نمی‌هراسند و پرهیز نمی‌کنند؟

هَارُونَ^{١٣} وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ^{١٤} قَالَ كَلَّا فَادْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ^{١٥}
 فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ^{١٦} أَنْ أَرْسِلُ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ^{١٧} قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا
 وَلِيدًا وَ لَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ^{١٨} وَ فَعَلْتَ فَعَلْتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَ أَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ^{١٩} قَالَ
 فَعَلْتُهَا إِذْ وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ^{٢٠} فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَ جَعَلَنِي مِنَ
 الْمُرْسَلِينَ^{٢١} وَ تِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ^{٢٢} قَالَ فِرْعَوْنُ وَ مَا رَبُّ الْعَالَمِينَ
 قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ^{٢٤} قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ^{٢٣}

۱۲. موسی گفت: پروردگارا! می ترسم که رسالت مرا تکذیب کنند.
۱۳. اگر فرعونیان رسالت مرا تکذیب کنند سینه ام تنگ می شود و در اثر خشم و تندی زبانم می گیرد. از این رو بهتر آن است که از پی هرون برادرم بفرستی که ابلاغ رسالت و مواجهه با فرعون و فرعونیان به عهده او باشد.
۱۴. علاوه آنان را بر گردن من جرمی است که می ترسم به پیگرد آن جرم مرا بکشند.
۱۵. پروردگارت به موسی گفت: هرگز تو را نخواهند کشت. اما اگر به وزارت برادرت نیاز داری هر دوتن مأمورید که با معجزات و نشانه های من روان شوید. به یقین ما به همراه شما هستیم و گفتگوی شما را می شنویم.
۱۶. هر دوتن، نزد فرعون شوید و بگویید: ما دوتن، فرستاده پروردگار جهانیانیم.
۱۷. پیام آورده ایم که اسیران بنی اسرائیل را به همراه ما آزاد کن.
۱۸. فرعون گفت: مگر ما تو را همچون برده خانه زاد در خاندان خود نپروردیم؟ تو سال ها از عمر خود را در خاندان ما به سر بردی.
۱۹. و کردی آن کار خود را که کردی و در آن حالت ناسپاس و متمرّد بودی؟ اینک به جای عذرخواهی به طلبکاری آمده ای که باید سایر بردگان را آزاد کنی؟
۲۰. موسی گفت: آن روز که مردک قبطی را کشتیم در اثر خشم و غضب مانند شما در شمار گمراهان بودم که خط قانون را نمی شناسند.
۲۱. و چون از داوری شما بر جان خود خائف بودم به مدین فرار کردم و در آنجا پروردگارم به من فرمان قضا و حکومت عطا کرد و از رسولان خود قرار داد.
۲۲. گویا تو بر سر من منت می نهی که بنی اسرائیل را به اسارت و بردگی کشیدی و مرا برده خانه زاد خود می دانی.
۲۳. فرعون گفت: این «پروردگار جهانیان» که گفתי چگونه پروردگاری است که تاکنون

^{۲۵} قَالَ رَبُّكُمْ وَ رَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ^{۲۶} قَالَ إِنْ رَسُولُكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ ^{۲۷} قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ^{۲۸} قَالَ لئنِ اتَّخَذَتِ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ ^{۲۹} قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ ^{۳۰} قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ^{۳۱} فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ^{۳۲} وَ نَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ ^{۳۳} قَالَ لِلْمَلَأِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ^{۳۴} يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ^{۳۵} قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَ

نشنیده ایم؟

۲۴. موسی گفت: پروردگار جهانیان همان پروردگار آسمان‌ها و زمین است و پروردگار هر آنچه در میان آسمان‌ها و زمین است. اگر شما اهل یقین باشید به حقیقت معنی می‌رسید.
۲۵. فرعون به اطرافیان خود گفت: آیا نمی‌شنوید که چسان پاسخ بی‌معنی می‌دهد؟ آسمان‌ها و زمین که همان جهان و جهانیان است.
۲۶. موسی گفت: همان که پروردگار شماست و پروردگار پدران پیشین شما بوده است.
۲۷. فرعون با تمسخر گفت: ای نمایندگان سنا! این سفیری که به سوی شما فرستاده‌اند دیوانه و مجنون است که چون جن‌زدگان فقط ورد خود را دنبال می‌کند.
۲۸. موسی گفت: همان که پروردگار شرق و غرب است و پروردگار آنچه در شرق و غرب است. اگر شما اهل خرد باشید او را می‌شناسید.
۲۹. فرعون با خشم و تندی گفت: اگر غیر از من خدایی دیگر برگزینی بی‌شک تو را چون سایر اخلاط‌گران به بند خواهیم کشید.
۳۰. موسی گفت: گرچه من راستگو باشم و با دلیلی روشن‌گر رسالت آمده باشم؟
۳۱. فرعون گفت: اگر راست می‌گویی دلیل روشن‌گرت را بیاور.
۳۲. موسی عصای خود را بر زمین افکند و ناگهان اژدهایی شد که با تکاپو، راست بودن خود را آشکار می‌کرد.
۳۳. و دست خود را از داخل گریبان بیرون کشید و ناگهان در انظار حاضران، سپید و رخشان بود.
۳۴. فرعون در برابر این حقیقت نقشی تازه آورد و گفت: به یقین که این مرد، ساحر دانایی است.
۳۵. می‌خواهد با سحر خود برده‌ها را به سوی خود جلب کند و با شورش و آشوب بردگان، شما را از سرزمینتان براند. شما نمایندگان سنا چه دستوری می‌دهید؟

أَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ^{٣٦} يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَابٍ عَلِيمٍ^{٣٧} فَجَمَعَ السَّحَرَةَ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ^{٣٨} وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ^{٣٩} لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمْ الْغَالِبِينَ^{٤٠} فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ^{٤١} قَالَ نَعَمْ وَإِنكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقْرَبِينَ^{٤٢} قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ^{٤٣} فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ^{٤٤} فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ^{٤٥} فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ^{٤٦} قَالُوا أَمَّا رَبُّ الْعَالَمِينَ^{٤٧} رَبُّ مُوسَى وَهَارُونَ^{٤٨} قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آدَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ^{٤٩} قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ^{٥٠} إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا إِنَّ كُنَّا أُولَ

٣٦. نمایندگان سنا گفتند: او را و برادرش را بدون پاسخ نگه‌دار و مأمورین خود را به شهرستان‌ها گسیل دار.

٣٧. تا هر ساحر دانایی که بیابند به حضورت بیاورند.

٣٨. ساحران دانا برای روز معین حاضر شدند.

٣٩. و هواخواهان فرعون به مردمان گفتند: آیا شما هم در میدان مبارزه مجتمع می‌شوید؟

٤٠. تا اگر ساحران درباری بر موسی پیروز شدند در پشتیبانی از فرعون با ساحران همراه شویم؟

٤١. و چون ساحران به میدان آمدند به فرعون گفتند: اگر ما در مبارزه پیروز گردیم آیا پاداشی برای ما منظور خواهد گشت؟

٤٢. فرعون گفت: آری، و علاوه بر پاداش، از مقربان درگاه حکومت می‌شوید.

٤٣. موسی به آنان گفت: هر سحری که در آستین دارید به میدان بیفکنید.

٤٤. ساحران ریسمان‌ها و چوب‌دستی‌ها را به میدان افکندند و با خرمی گفتند: به عزت و اقتدار فرعون قسم که ما در این مبارزه پیروزیم.

٤٥. بعد از آن موسی عصای خود را بر زمین افکند و ناگهان دیدند که عصای موسی چون ازدهایی پیچان، مارهای دروغین ساحران را در کام خود فرو برد.

٤٦. ساحران بی‌محابا به خاک افتادند.

٤٧. گفتند: ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم.

٤٨. همان که پروردگار موسی و هرون است.

٤٩. فرعون نقش دیگری به میان آورد و به ساحران گفت: پیش از آن که رخصت دهم به

الْمُؤْمِنِينَ^{٥١} وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِيٰ إِنَّكُمْ مَتَّبِعُونَ^{٥٢} فَأَرْسَلْنَا فِرْعَوْنَ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ^{٥٣} إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشُرُذِمَةٌ قَلِيلُونَ^{٥٤} وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ^{٥٥} وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَازِرُونَ^{٥٦} فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ^{٥٧} وَ كُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ^{٥٨} كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ^{٥٩} فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ^{٦٠} فَلَمَّا تَرَاءَ الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرِكُونَ^{٦١} قَالَ كَلَّا إِنَّ

پیروزی و حقانیت او اعتراف کردید؟ معلوم شد که موسی استاد بزرگ شما است و این سحر و جادو را او به شما آموخته است تا با این صحنه‌سازی رسالت او را در برابر مردم تأیید کنید. به زودی خواهید دانست که با شما چه خواهیم کرد. همه شما را به عنوان توطئه‌گر محاکمه خواهیم کرد، دست‌ها و پاهای شما را از چپ و راست می‌برم و جسد شما را همگان بر صلیب خواهیم کشید که این کیفر خائنانه است.

۵۰. ساحران گفتند: ما را چه زیان است که به سوی پروردگار خود باز می‌شویم.
۵۱. ما طمع بسته‌ایم که پروردگارمان خطاهای ما را ببخشد از آن‌رو که پیش از دیگران به موسی ایمان آوردیم و در صف اول قرار گرفتیم.
۵۲. فرعون رسالت موسی را تکذیب کرد و ما به موسی اشارت کردیم که بندگان مرا شبانه به سوی فلسطین کوچ ده. این را هم بدان که شما بی‌شک تعقیب می‌شوید.
۵۳. موسی با بردگان بنی‌اسرائیل شبانه کوچ کردند و فرعون به شهرها پیام فرستاد.
۵۴. که این فراریان، گروهی اندک از شورشیان بنی‌اسرائیل بوده‌اند.
۵۵. که با فرار خود ما را به خشم آورده‌اند.
۵۶. هرچه زودتر ما را مطلع سازید که ما همگان حاضریراق آماده حرکت هستیم.
۵۷. ما فرعون و فرعونیان را به دنبال بنی‌اسرائیل از بوستان‌ها و چشمه‌سارها بیرون کشیدیم.
۵۸. و از خانه‌های پرگنج و کاخ‌های شکوهمند.
۵۹. به همین ترتیب، و همه آن بوستان‌ها و گنج‌ها و کاخ‌ها را برای آن دسته از اسرائیلیان ارث نهادیم که در اثر پیروی در مصر بجا مانده بودند.
۶۰. فرعون و فرعونیان با برآمدن آفتاب فردا به دنبال اسرائیلیان تاختند.
۶۱. و چون هر دو گروه در دیدرس هم قرار گرفتند یاران موسی گفتند: به یقین ما را به چنگ می‌آورند.

مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ٦٢ فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ ٦٣ وَأَزْلَفْنَا نَمَّ الْأَخْرِينَ ٦٤ وَأُنَجِّينَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ ٦٥ ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْأَخْرِينَ ٦٦ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ٦٧ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ٦٨ وَأَنْتَ عَلَيْهِمْ نَبَأُ إِبْرَاهِيمَ ٦٩ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ٧٠ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُ لَهَا عَافِيْنَ ٧١ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ٧٢ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يُضُرُّونَ ٧٣ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ٧٤ قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ٧٥ أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ ٧٦ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي

-
٦٢. موسی گفت: هرگز چنین نخواهد شد. به یقین پروردگار من با من همراه است و مرا رهبری خواهد کرد.
٦٣. ما به موسی اشارت کردیم که با عصایت ضربه‌ای بر آب دریا فرود آور و چون ضربه‌ای بر آب دریا فرود آورد پهنای دریا با فریادی مهیب از هم شکافت و چون دو کوهی عظیم و شامخ از دو طرف به آسمان سر کشید.
٦٤. اسرائیلیان به گذرگاه آبی وارد شدند و در آن حال ما فرعونیان را بر لب دریا رساندیم.
٦٥. موسی را با همه همراهیانش از گذرگاه دریا نجات بخشیدیم.
٦٦. و دیگران را در آب دریا غرقه کردیم.
٦٧. به یقین در این ماجرا برای مردم نشانی از درستی رسالت مشهود است، ولی بیشتر مردم، اهل ایمان نبودند که ایمان نیاوردند.
٦٨. به یقین پروردگارت همان عزتمند مهربان است.
٦٩. داستان ابراهیم را نیز بر این مردم تلاوت کن.
٧٠. آن روز که ابراهیم با پدرش و با مردم سامانش گفت: شما چه خدایی را می‌پرستید؟
٧١. گفتند: بت‌هایی را برای پرستش داریم که روزها در برابر آنها اعتکاف می‌ورزیم.
٧٢. ابراهیم گفت: آیا موقعی که بت‌ها را به یاری خود می‌خوانید راز و نیاز شما را می‌شنوند؟
٧٣. آیا به شما سودی می‌رسانند و یا زیانی به دشمنان شما وارد می‌نمایند؟
٧٤. آنان گفتند: که این بت‌ها آوای ما را نمی‌شنوند. سود و زیانی هم ندارند. ولی ما عهد پدران خود را دریافتیم که آنان از دیرزمان در برابر بت‌ها زانو می‌زدند.
٧٥. ابراهیم گفت: آیا دانسته‌اید، این بت‌هایی که عبادت می‌کرده‌اید.
٧٦. و شما با پدران پیشین خود در برابر آنها زانو زده‌اید،

إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ^{٧٧} الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ^{٧٨} وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ^{٧٩} وَإِذَا مَرَضْتُ
فَهُوَ يَشْفِينِ^{٨٠} وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ^{٨١} وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ^{٨٢}
رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ^{٨٣} وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ^{٨٤} وَاجْعَلْنِي
مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ^{٨٥} وَاعْفُرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ^{٨٦} وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ^{٨٧} يَوْمَ
لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ^{٨٨} إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ^{٨٩} وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ^{٩٠} وَبُرَزَتِ
الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ^{٩١} وَقِيلَ لَهُمْ آيِنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ^{٩٢} مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ
يَنْتَصِرُونَ^{٩٣} فَكَبُّوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ^{٩٤} وَجُنُودٌ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ^{٩٥} قَالُوا وَهُمْ فِيهَا

٧٧. همهٔ این خدایانتان با من دشمنند به جز خدای خدایانتان که پروردگار جهانیان است.

٧٨. همان خدایی که مرا آفریده است و همو مرا رهبری و هدایت می‌کند.

٧٩. همان خدایی که به من خوراک می‌دهد و آب می‌رساند.

٨٠. و چون بیمار شوم همو مرا شفا می‌بخشد.

٨١. همان خدایی که جان مرا می‌گیرد و دوباره جان می‌دهد.

٨٢. همان خدایی که طمع دارم به روز قیامت و داوری، خطای مرا ببوشاند.

٨٣. ای خالق که پروردگار من هستی، در سلامت و بیماری، تشنگی و گرسنگی، مرگ و زندگی پرورش مرا بر عهده داری. تو خود فرمان حکومت و داوری عطایم کن و مرا به صالحان بندگانت ملحق گردان.

٨٤. و برای من ستایشی راست و برحق در میان آیندگان برقرار کن.

٨٥. و از وارثان نعمت‌های بهشتی قرارم ده.

٨٦. پدرم را بیامرزد که بی‌شک از مردمان گمراه و بی‌خبر بود.

٨٧. روز رستاخیز، مرا رسوا مکن.

٨٨. روزی که مال دنیا کسی را سود ندهد و نه از فرزندان و فرزندزادگان خیری عاید گردد.

٨٩. جز کسی را که با قلبی پاک و بی‌ریا به پیشگاه خدا حاضر شود.

٩٠. آن‌روز بهشت برین، خرامان به جانب پرهیزکاران نزدیک شود.

٩١. و دوزخ فروزان در دیدگاه کج‌خردان عیان گردد.

٩٢. و به آنان گفته شود: خدایانتان کج‌ایند؟

٩٣. که در عوض خدای رحمان پرستش می‌کرده‌اید؟؟ آیا به شما یاری می‌دهند که شما را از عذاب دوزخ برهانند و یا از بدخواهانتان انتقام بگیرند؟

يَخْتَصِمُونَ^{٩٦} تَاللَّهِ إِنَّ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ^{٩٧} إِذْ نُسَوِّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ^{٩٨} وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ^{٩٩} فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ^{١٠٠} وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ^{١٠١} فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ^{١٠٢} إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ^{١٠٣} وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ^{١٠٤} كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ^{١٠٥} إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ^{١٠٦} إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ^{١٠٧} فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ^{١٠٨} وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ^{١٠٩} فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ^{١١٠} قَالُوا أَنْوْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ^{١١١} قَالَ وَمَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا

٩٤. در این موقع کج خردان گول را در دوزخ نگونسار کنند.

٩٥. با سپاهیان ابلیس یکسر.

٩٦. و آنان در دوزخ به نزاع و جدل پردازند.

٩٧. و با بت‌هایشان گویند: به خدای جهان سوگند که ما در گمراهی و بیراهه‌روی بودیم.

٩٨. که شما را با پروردگار جهانیان برابر می‌گرفتیم.

٩٩. و کسی ما را به گمراهی نکشاند جز همان سران جامعه که مردمی تبه‌کار بودند.

١٠٠. اینک برای ما شفيعی نیست که شفاعت کند.

١٠١. و نه یار جانی که غمخواری نماید.

١٠٢. کاش برای ما بازگشتی به زندگی دنیا بود که این‌بار از مؤمنان باشیم و از دوزخ برهیم.

١٠٣. به یقین در این داستان برای مردمان نشانی از درستی رسالت مشهود است ولی بیشتر مردم اهل ایمان نبودند که ایمان نیاوردند.

١٠٤. به یقین پروردگارت همان عزتمند مهربان است.

١٠٥. مردم نوح نیز رسالت رسولان را تکذیب کرده بودند.

١٠٦. آن‌روز که برادرشان نوح به آنان گفت: آیا از خشم خدا نمی‌ترسید؟

١٠٧. من رسولی هستم امین و معتمد که از سوی خداوند رحمان برای رهبری و هدایت شما مردم آمده‌ام.

١٠٨. از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.

١٠٩. من بر ادای رسالت و خدمات رهبری مزدی نمی‌طلبم. مزد من بر عهده هیچ‌کس نخواهد بود جز بر عهده پروردگار جهانیان که بار تکلیف او را بر دوش دارم.

١١٠. پس بیایید و از خشم خدا بترسید و از من اطاعت کنید که عذر و بهانه‌ای در میان نیست.

يَعْمَلُونَ^{١١٢} إِنْ حَسَابِهِمْ إِلَّا عَلَى رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ^{١١٣} وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ^{١١٤} إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ^{١١٥} قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ^{١١٦} قَالَ رَبِّ إِنِّي قَوْمِي كَذَّبُونِ^{١١٧} فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ^{١١٨} فَانجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ^{١١٩} ثُمَّ أَعْرَفْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ^{١٢٠} إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ^{١٢١} وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُو الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ^{١٢٢} كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ^{١٢٣} إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ^{١٢٤} إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ^{١٢٥} فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ^{١٢٦} وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ

۱۱۱. مردم نوح گفتند: آیا ما به رسالتت اعتراف کنیم در حالی که فقط سفله‌گان دیروزی به دنبال تو افتاده‌اند.
۱۱۲. نوح گفت: من از کجا بدانم که آنان چه می‌کرده‌اند.
۱۱۳. واری اعمال آنان بر عهده هیچ‌کس نخواهد بود جز بر عهده پروردگار من، کاش شما معنای این سخن را بفهمید.
۱۱۴. من به سابقه این مردم کاری ندارم و هرگز آنان را از گرد خود نخواهم راند.
۱۱۵. من بازرس مردم نیستم. من فقط اخطارکننده‌ام که باید شما را از خطر برحذر دارم.
۱۱۶. مردم نوح گفتند: اگر از دعوت دست برداری به مقدساتمان سوگند که تو را همراه با سایر خائنان سنگباران می‌کنیم.
۱۱۷. نوح گفت: پروردگارا! مردم من مرا تکذیب کرده‌اند و راه مرا بسته‌اند.
۱۱۸. تو خود راه بسته را میان من و این مردم بگشا و مرا با مؤمنان همراه از شر این کافران برهان.
۱۱۹. ما او را با مؤمنان همراهش در یک کشتی پربار و سرپوشیده نجات بخشیدیم.
۱۲۰. و سایرین را یکسر غرقه آب کردیم.
۱۲۱. به یقین در این داستان برای مردمان نشانی رسالت مشهود است ولی بیشتر مردم اهل ایمان نبودند که ایمان نیاوردند.
۱۲۲. به یقین پروردگارت همان عزتمند مهربان است.
۱۲۳. مردم عاد هم رسالت رسولان را تکذیب کردند.
۱۲۴. آن‌روز که برادرشان هود به آنان گفت: آیا از خشم خدا نمی‌ترسید؟
۱۲۵. من رسولی هستم امین و معتمد که به سوی شما مبعوث گشته‌ام.
۱۲۶. از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید.

أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ۱۳۷ أَتَّبِعُونَ بِكُلِّ رِيحٍ آيَةً تَعْبَثُونَ ۱۳۸ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ
تَخْلُدُونَ ۱۳۹ وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ ۱۴۰ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۱۴۱ وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا
تَعْلَمُونَ ۱۴۲ أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ ۱۴۳ وَجَنَّاتٍ وَعَيْونَ ۱۴۴ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ
۱۴۵ قَالُوا سِوَاءَ عَلَيْنَا أَوْعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ ۱۴۶ إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ ۱۴۷ وَمَا
نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ ۱۴۸ فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۱۴۹ وَإِنَّ

-
۱۲۷. من برای ابلاغ رسالت و خدمات رهبری و هدایت مذهبی، مزدی از شما نمی‌طلبم. مزد من بر عهدهٔ هیچ‌کس نیست جز بر عهدهٔ پروردگار جهانیان که بار تکلیف او را بر دوش دارم.
۱۲۸. شما بر سر هر بلندی علامتی بنیان می‌نهدید که با مغلطه‌کاری رهگذران را بازیچهٔ خود سازید؟
۱۲۹. و آبگیرها و انبارها تهیه می‌بینید که گویا جاودانه و بردوام می‌مانید.
۱۳۰. و چون بر سر کسی بکوبید با قلدری بر سر او می‌کوبید که او را مقهور خود سازید.
۱۳۱. از خشم خدا بترسید و از من اطاعت کنید.
۱۳۲. از همان خدایی بترسید که شما را با نعمت‌های خود مدد کرده است و شما خود قدر آن نعمتها را می‌شناسید.
۱۳۳. شما را با دامها و فرزندان مدد کرده است.
۱۳۴. و با بوستان‌ها و چشمه‌سارها که از آن در رفاهید.
۱۳۵. با این کفر و ناسپاسی که شما دارید من بر شما از عذاب روزی بزرگ و سهمگین بیمناکم که بدان دچار گردید.
۱۳۶. مردم عاد گفتند: برای ما یکسان و بی‌تفاوت است، خواه پندمان بدهی و یا لب از سخن فروبندی ما راه تو را در پیش نمی‌گیریم.
۱۳۷. راه و رسم ما همان راه و رسم پیشینیان است.
۱۳۸. چونان که برای پیشینیان عذابی در میان نبود برای ما هم عذابی در میان نیست.
۱۳۹. مردم عاد، رسول ما را تکذیب کردند و ما آنان را هلاک کردیم. به یقین در این داستان برای مردمان، نشانی رسالت مشهود است ولی بیشتر مردم اهل ایمان نبودند که ایمان نیاوردند.

رَبِّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۱۴۰ كَذَبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ ۱۴۱ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلا تَتَّقُونَ ۱۴۲
 إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۱۴۳ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ ۱۴۴ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا
 عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ۱۴۵ أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ ۱۴۶ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۱۴۷ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ
 طَلَعُهَا هُضَيْمٌ ۱۴۸ وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ ۱۴۹ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ ۱۵۰ وَلا تُطِيعُوا
 أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ۱۵۱ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلا يُصْلِحُونَ ۱۵۲ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ
 ۱۵۳ مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۱۵۴ قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَ لَكُمْ

۱۴۰. به یقین پروردگارت همان عزتمند مهربان است.

۱۴۱. قوم ثمود هم رسالت رسولان را تکذیب کردند.

۱۴۲. آن روز که برادرشان صالح به آنان گفت: آیا از خشم خدا نمی ترسید؟

۱۴۳. من رسولی هستم امین و معتمد که برای هدایت شما مبعوث گشته‌ام.

۱۴۴. از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.

۱۴۵. من برای ابلاغ رسالت و خدمات رهبری و هدایت مذهبی، مزدی از شما نمی طلبم.
 مزد من بر عهده هیچ کس نخواهد بود جز بر عهده پروردگار جهانیان که بار تکلیف او را بر
 دوش دارم.

۱۴۶. آیا تصور کرده‌اید که در زندگی دنیا و در این ناز و نعمتی که دارید پابنده و برقرار
 می مانید؟

۱۴۷. در این بوستان‌ها و چشمه سارها.

۱۴۸. و این کشتزارها و نخلستان‌ها با خوشه‌های نازک و آویزان رها می شوید؟

۱۴۹. و از کوهها خانه‌ها می تراشید تا قدرت خود را به رخ دیگران بکشید و از شر طوفان در
 امان بمانید؟

۱۵۰. از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.

۱۵۱. و از مردمان عیاش و خوشگذران که به راه اسراف رفته‌اند فرمان نبرید.

۱۵۲. همان‌ها که در عرصه گیتی با قتل و غارت، تباهی می آفرینند و به اصلاح تباهی
 نمی پردازند.

۱۵۳. مردم ثمود به او گفتند: جز این نتواند بود که عقلت را با سحر و جادو ربوده‌اند که از
 خدای آسمان‌ها ادعای رسالت داری.

۱۵۴. مگر غیر از این است که تو هم مانند ما بشری و با ما هم‌شان و برابری؟ اگر راست

شَرِبَ يَوْمَ مَعْلُومٍ ۱۵۵ وَ لَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۱۵۶ فَعَقَرُوهَا فَاصْبِرُوا نَادِمِينَ ۱۵۷ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۱۵۸ وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۱۵۹ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ۱۶۰ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ ۱۶۱ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۱۶۲ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا ۱۶۳ وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ۱۶۴ أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ ۱۶۵ وَ تَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لَكُمْ بَلِ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ۱۶۶ قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ ۱۶۷ قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ

می‌گویی که از سوی خدای رحمان به رسالت مبعوث گشته‌ای نشانه‌ای از عالم بالا بیاور که رسالت تو را تأیید کند.

۱۵۵. صالح به آنان گفت: این ناقه که می‌بینید نشانه‌ای از سوی خداوند است که برای تصدیق رسالت آمده است، یک روز آب این چشمه از آن او خواهد بود و برای شما روز دیگر، که هرکس در نوبت خود از آب چشمه بهره‌مند خواهد شد.

۱۵۶. مبدا به این ناقه آسیبی برسانید که عذاب یک روز بزرگ، دامن شما را خواهد گرفت.

۱۵۷. ولی مردم نمود آن ناقه را پی کردند و فردای آن پشیمان گشتند.

۱۵۸. بر اثر نافرمانی، عذاب الهی دامن آنان را گرفت. به یقین در این داستان برای مردمان، نشانی از صدق رسالت مشهود است ولی بیشتر مردم اهل ایمان نبودند که ایمان نیاوردند.

۱۵۹. و پروردگارت همان عزتمند مهربان است.

۱۶۰. مردم لوط هم رسالت رسولان را تکذیب کردند.

۱۶۱. آن روز که برادرشان لوط به آنان گفت: آیا از خشم خدا نمی‌ترسید؟

۱۶۲. من رسولی هستم امین و معتمد که برای رهبری و هدایت شما مبعوث شده‌ام

۱۶۳. از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.

۱۶۴. من بر ادای رسالت و خدمات رهبری و هدایت، مزدی از شما نمی‌طلبم. مزد من بر عهده هیچ‌کس نخواهد بود جز بر عهده پروردگار جهانیان که بار تکلیف او را بر دوش دارم.

۱۶۵. آیا شما مردان با همجنسان خود از جهانیان به بستر می‌روید؟

۱۶۶. و بستر زنان را که خداوند رحمان برای همسری شما مردان آفریده است مهجور و متروک می‌گذارید؟ شما با این شیوه پلید خود از حقوق انسانی و آزادی اجتماعی متمتع نمی‌گردید بلکه شما مردمی تجاوزکارید.

۱۶۷. مردم لوط گفتند: ای لوط! اگر از ملامت و اعتراض خود دست نکشی تو را همچون

مِنَ الْقَالِينَ ۱۶۸ رَبِّ نَجِّنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ۱۶۹ فَجَنِّبْنَا وَ أَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ۱۷۰ إِلَّا عَجُوزًا فِي
 الْغَابِرِينَ ۱۷۱ ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخِرِينَ ۱۷۲ وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطْرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذَرِينَ ۱۷۳ إِنَّ فِي ذَلِكَ
 لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۱۷۴ وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۱۷۵ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ
 الْمُرْسَلِينَ ۱۷۶ إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ۱۷۷ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۱۷۸ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا
 ۱۷۹ وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ۱۸۰ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لَا تَكُونُوا
 مِنَ الْمُخْسِرِينَ ۱۸۱ وَ زِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ۱۸۲ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا

دیگران از شهر و دیار خود طرد می‌نماییم.

۱۶۸. لوط به آنان گفت: من همانند خردمندان از کردار شما متنفرم.

۱۶۹. ای پروردگار من! مرا و خاندان مرا از دستاورد شوم این مردم رهایی بخش.

۱۷۰. و ما لوط را با خاندانش همگی نجات بخشیدیم.

۱۷۱. جز همسر پیر او را که در میان مردم برجا نهادیم.

۱۷۲. سپس همه آنان را درهم شکستیم.

۱۷۳. و بر سر آنان بارانی از سنگریزه‌های آتشین بارانیدیم. بارانی که بعد از اعلام خطر بیارد باران بدی خواهد بود.

۱۷۴. به یقین در این داستان برای مردمان نشانی از صدق رسالت مشهود است ولی بیشتر مردم اهل ایمان نبودند که ایمان نیاوردند.

۱۷۵. به یقین پروردگارت همان عزتمند مهربان است.

۱۷۶. مردم جنگل نیز رسالت رسولان را تکذیب کردند.

۱۷۷. آن روز که شعیب به آنان گفت: آیا از خشم خدا نمی‌ترسید؟

۱۷۸. من رسولی هستم امین و معتمد که برای هدایت شما مبعوث گشته‌ام

۱۷۹. از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.

۱۸۰. من برای ابلاغ رسالت و زحمات رهبری و هدایت مذهبی، مزدی از شما نمی‌طلبم. مزد من بر عهده هیچ‌کس نخواهد بود جز بر عهده پروردگار جهانیان که بار تکلیف او را بر دوش دارم.

۱۸۱. ای مردم! پیمانانه را پر کنید و حق مردم را کسر مگذارید.

۱۸۲. با سنگ تمام و ترازوی درست، کالای خود را وزن کنید.

فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ^{١٨٣} وَ اتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الْجِبِلَّةَ الْأُولِينَ^{١٨٤} قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ^{١٨٥} وَ مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَ إِنْ نَنْظُرُكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ^{١٨٦} فَاسْقُطْ عَلَيْنَا كَسَفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ^{١٨٧} قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ^{١٨٨} فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ^{١٨٩} إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ^{١٩٠} وَ إِنْ رَبِّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ^{١٩١} وَ إِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ^{١٩٢} نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ^{١٩٣} عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ^{١٩٤} بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ^{١٩٥} وَ إِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأُولِينَ^{١٩٦} أَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ

١٨٣. کالای مردم را پست و خوار نسازید و در زمین به چپاول و خیانت دست میندازید.
١٨٤. از آن خدایی بترسید که شما را آفرید و خلق عظیم پیشین را آفرید.
١٨٥. مردم جنگل گفتند: جز این نخواهد بود که عقل و خردت را با سحر و جادو ربوده‌اند که رسالت آسمانی را ادعا داری.
١٨٦. تو نیز مانند ما بشری و با ما برابر و یکسانی و راهی به سوی آسمان‌ها نداری. اعتقاد ما این است که تو هم مانند سایرین که ادعای رسالت کرده‌اند از دروغ‌گویانی.
١٨٧. اگر راست می‌گویی و با عالم آسمانی در ارتباطی، سنگهای آسمانی را بر سر ما بیفکن تا ادعایت را به اثبات برسانی.
١٨٨. شعیب به آنان گفت: پروردگار من به دستاورد شما داناتر است و می‌داند که با سقوط سنگ‌های آسمانی هم ایمان نمی‌آورید.
١٨٩. مردم جنگل، شعیب را تکذیب کردند و با سقوط سنگی عظیم، صاعقه‌ای در جنگل فروزان گشت که دود و آتش آن بر سر آنان سایبان شد و همه‌چیز را درهم سوخت. دود و آتش جنگل نمودار عذاب روز بزرگ قیامت بود.
١٩٠. به یقین در این داستان برای مردمان نشانی از صدق رسالت مشهود است ولی بیشتر مردم اهل ایمان نبودند که ایمان نیاوردند.
١٩١. به یقین پروردگارت همان عزتمند مهربان است.
١٩٢. و این قرآن بدون شک تنزیل پروردگار عالمیان است که با نزول تدریجی بر کلاس تربیتی ناظر و گواه باشد.
١٩٣. همان روح القدس که امین پروردگار است قرآن را با خود فرود آورده است.
١٩٤. و بر صفحات قلبت ثبت کرده است تا مانند سایر رسولان به بندگان خدا اخطار کنی.
١٩٥. قرآن را به زبان عربی نازل کرده است که روشنگر معانی است.

أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ۚ وَ لَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ۙ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ
 مُؤْمِنِينَ ۙ كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ۙ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۙ
 فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۙ فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ ۙ أَفَعِذَابِنَا يُسْتَعْجَلُونَ ۙ
 أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ۙ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ۙ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ ۙ
 ۙ وَ مَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ ۙ ذِكْرَىٰ وَ مَا كُنَّا ظَالِمِينَ ۙ وَ مَا نَزَّلَتْ بِهِ

-
۱۹۶. نزول این قرآن در نوشته‌های مقدسی که از پیشینیان بجا مانده اعلام شده است.
۱۹۷. آیا همین خود نشانه صدق رسالت نیست که دانشمندان بنی اسرائیل هم می‌دانند که آخرین کتاب آسمانی به زبان عرب است.
۱۹۸. اگر ما قرآن را به زبان دیگر بر یک تن از مردم عجم نازل می‌کردیم.
۱۹۹. و او قرآن خود را بر این مردم عرب تلاوت می‌کرد، اینان مردمی نبودند که مخلصانه و بی‌کبریا زبان او را تعلیم بگیرند و به قرآن او ایمان بیاورند.
۲۰۰. ما قرآن خود را با زبان عرب و به صورت روشن در دل‌های این تبه‌کاران چون آب، روان کرده‌ایم.
۲۰۱. باز هم ایمان نمی‌آورند و به انکار خود پابرجایند تا آن روز که عذاب دردناک قیامت را با چشم خود بنگرند.
۲۰۲. آن روز که عذاب قیامت، ناگهان فرارسد و اینان بی‌خبر باشند.
۲۰۳. و در آن لحظه بگویند: آیا به ما مهلت می‌دهند که گذشته را جبران نماییم؟
۲۰۴. آیا هم اینان در فرود آمدن عذاب ما، شتاب دارند؟
۲۰۵. چه تصور کرده‌ای؟ اینان که به روز عذاب، مهلت می‌طلبند اگر چندسالی بر کامیابی آنان بیفزاییم.
۲۰۶. و بعد از آن، عذاب موعود را بر سرشان فرود آوریم.
۲۰۷. آن کامیابی چندساله کدام درد آنان را دوا خواهد کرد.
۲۰۸. ما هیچ امتی را هلاک نکردیم مگر بعد از آن که جمعی از پیامبران و پیشوایان به آنان اخطار کرده‌اند.
۲۰۹. ما توانا بودیم که به آنان مهلت دهیم ولی هلاکشان کردیم تا عبرت‌آموز دیگران باشند. ما در هلاک و نابودی آنان سیه‌کار نبودیم.

الشَّيَاطِينِ ۲۱۰ وَ مَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَ مَا يَسْتَطِيعُونَ ۲۱۱ إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعَزُولُونَ ۲۱۲ فَلَا تَدْعُ مَعَ
 اللَّهُ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذِّبِينَ ۲۱۳ وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ۲۱۴ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ
 اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۲۱۵ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنَّي بِرَبِّي مِمَّا تَعْمَلُونَ ۲۱۶ وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ
 الرَّحِيمِ ۲۱۷ الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ ۲۱۸ وَ تَقْلُبُكَ فِي السَّاجِدِينَ ۲۱۹ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۲۲۰
 هَلْ أَنْبَأَكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنْزَلُ الشَّيَاطِينُ ۲۲۱ تَنْزَلُ عَلَىٰ كُلِّ آفَاكٍ أَثِيمٍ ۲۲۲ يَلْقَوْنَ السَّمْعَ وَ
 أَكْثَرَهُمْ كَاذِبُونَ ۲۲۳ وَ الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ۲۲۴ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ۲۲۵ وَ أَنَّهُمْ

۲۱۰. این قرآن را شیطان‌ها با خود فرود نیاورده‌اند.

۲۱۱. درخور شیاطین و در خط مشی آنان نیست که در نزول قرآن همکاری کنند و نه قدرت آن را دارند.

۲۱۲. شیطان‌ها اینک از شنیدن پیام‌های روح القدس برکنارند.

۲۱۳. پس با وجود این خدای قرآن، خدایی را به یاری خود مخوان که چون سایر مشرکان محکوم به عذاب خواهی بود.

۲۱۴. اینک نزدیکترین عشیره‌ات را دعوت کن و از عذاب خدا بترسان، باشد که ایمان بیاورند.

۲۱۵. بال‌وپرت را به رسم خضوع و قدردانی برای آن مؤمنی که پیروی تو را اختیار کند فرو بخوابان.

۲۱۶. اگر خویش و تبارت از پذیرش ایمان نافرمان شدند مسئولیت قومی را نفی کن و بگو من از حمایت شرك‌آمیز شما بیزارم.

۲۱۷. از تنهایی مه‌راس و بر خدای عزتمند مهربان اتکال کن که یار رسولان است.

۲۱۸. آن خدایی که به شب‌هنگام قیام تو را برای تهجد می‌نگرد.

۲۱۹. و به نیمروزان حرکات تو را در جمیع نمازگزاران زیر نظر دارد.

۲۲۰. او راز و نیاز شما را می‌شنود و به حال و روز شما دانا است.

۲۲۱. آیا به شما اطلاع بدهم که شیطان‌ها بر چه کسی نازل می‌شوند؟

۲۲۲. شیطان‌ها بر کسی نازل می‌شوند که دروغ پرداز و زورگو باشند.

۲۲۳. آنان که گوش می‌سپارند تا القائات شیطان را دریابند و بیشترشان دروغ می‌گویند.

۲۲۴. و شعراء این ویژگی را دارند که مردمان کج‌اندیش، راه آنان را دنبال کنند.

۲۲۵. نمی‌بینی که به هر دره‌ای، سرگشته دوانند؟

يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ^{٢٢٦} إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ
بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ^{٢٢٧}

٢٢٦. و آنچه را نمی‌کنند با زبان، ادعا دارند.

٢٢٧. جز آن دسته از شاعران که ایمان بیاورند و کارهای شایسته بجا آورند و خدا را فراوان یاد کنند و با زبان شعر، انتقام خود را از سیه‌کاران بگیرند که آنان را به سیه‌روزی کشانده‌اند. به زودی سیه‌کاران جامعه می‌دانند به کدامین درهٔ دوزخ نگونسار می‌شوند.

النمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ ١ هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ٢ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ٣ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زِينَا لَهُمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهِمْ يِعْمَهُونَ ٤ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْآخِسُونَ ٥ وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ٦ إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَاءَتِ كَيْفُهَا بِخَبَرٍ أَوْ آتِيكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ٧ فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مِنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٨ يَا مُوسَى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٩ وَالْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ ١٠ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ

١. ط. س. اینها آیات قرآن است و آیات کتابی که روشنگر راه است.

٢. رهنمودی به همراه بشارت برای مؤمنان.

٣. آنان که نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و به زندگی آخرت یقین دارند.

٤. آن کسانی که به زندگی آخرت ایمان نمی‌آورند دستاورد دنیا را برایشان آراسته‌ایم و زینت داده‌ایم که اینک در پندار خود سرگشته و نابینايند.

٥. اینهايند که در زندگی دنیا به عذاب‌های نفرت‌انگیزی مبتلايند و در آخرت زیانبارتر از ديگرانند.

٦. ما تو را به رسالت گزين کرده‌ایم و تو قرآن را از پیشگاه خدایی کاردان و دانا دریافت می‌کنی.

٧. آن روز را خاطر نشان کن که موسی به خانواده‌اش گفت: چشم من با فروغ آتشی آشنا شد. می‌روم تا به زودی برایتان خبری به دست آورم و یا شعله‌ای از آن آتش بفرورزم و به همراه خود بیاورم، باشد که شما هم آتشی بفرورزید و خود را گرم کنید.

٨. و چون به حضور آتش رسید آوازی شنید که جاوید باد آن خدایی که درون آتش است و آن خدایی که پیرامون آتش است. منزه است خدای جهان، پروردگار جهانیان از آتش و گرمای آتش.

٩. ای موسی! آن که درون آتش است و آن که برون آتش است من هستم که خداوندگارم عزتمند و کاردانم.

١٠. نعلین خود را از پا درآور و عصایت را بر زمین بیفکن، و چون عصایت را افکند و دید

ثُمَّ بَدَّلَ حَسَنًا بَعْدَ سَوْءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۱ وَأَدْخَلَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ۱۲ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ۱۳ وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ۱۴ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ۱۵ وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ ۱۶ وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ

که به جنب و جوش آمد؛ گویا ماری است پیچان، از ترس آن مار گریخت و پشت سرش را ننگریست. ندا بر آمد: ای موسی! مترس، این منم که در پیشگاه من رسولانم ترسی به دل راه نمی دهند.

۱۱. مگر آن رسولی که مانند یونس پرونده خود را سیاه کرده باشد و سپس نیکی را به جای بدی نشانده باشد و قهراً خائف و ترسان است که مبدا مغفرت خدا شامل حال او نباشد و من اعلام می کنم که آمرزنده ای مهربانم.

۱۲. دست خود را به گریبان داخل کن و در زیر بغل به بدن بچسبان که چون دست خود را برآوری سپید و روشن برآید بی آن که از بیماری و کم خونی باشد. با این دو آیت و هفت آیت دیگر که بعدها به تو خواهیم داد رویهم رفته با نه آیت به سوی فرعون و فرعونیان بشتاب که آنان از دیرباز مردمی فاسق بوده اند.

۱۳. و چون آیات و نشانه های ما به آنان رسید که چشم هر بی بصیرتی را روشن و بینا می کرد، گفتند که این نشانه ها سحر است و نمایانگر تزویر.

۱۴. فرعون و فرعونیان با سیه کاری و جاه طلبی تمام نشانه ها را منکر شدند با آن که جان هایشان به یقین، صحت آن نشانه ها را باور داشت. و تو بنگر که فرجام آن فسادگران به کجا انجامید.

۱۵. ما به داود و سلیمان دانشی عطا کردیم و آن دو گفتند: سپاس خداوند رحمان را که به هنگام فضل و بخشش، ما را بر جمع بسیاری از بندگان مؤمن خود برتری داد.

۱۶. سلیمان، وارث داود شد و بر تخت قدرت تکیه زد و گفت: ای مردم! ما زبان پرندگان را آموخته ایم و از هر پدیده ای دانشی دریافته ایم. این همان فضل خداوند است که نمایانگر امتیاز ما بر سایرین است.

۱۷ حَتَّى إِذَا اتَوْا عَلَى وَادِي النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَّا يَحْطَمَنَّكُمْ
سُلَيْمَانَ وَجُنُودَهُ وَهُمْ لَّا يَشْعُرُونَ ۱۸ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَن أَشْكُرَ
نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَن أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي
عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ۱۹ وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَّا أَرَى الِهْدُهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ ۲۰ لَأُعَذِّبَنَّهُ
عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ۲۱ فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطُ
بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بَنِيَّ يَقِينٍ ۲۲ إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ
عَظِيمٌ ۲۳ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ

۱۷. سپاهیان سلیمان از پری و آدمی و پرندگان در رکاب او فراهم شدند و هر سپاهی در جایگاه ویژه خود متوقف گشت.

۱۸. سپاه سلیمان در رکاب او روان گشت تا آنگاه که به دره موربانه‌ها رسیدند. موربانه‌ای با رمز و اشارت به سایرین گفت: ای موربانه‌ها به لانه‌های خود در شوید که سلیمان و سپاهیان‌ش بی‌خبرانه شما را در زیر پای خود درهم نکوبند.

۱۹. سلیمان از اخطار آن موربانه خندان شد و گفت: بار پروردگارا! چندان مرا در دنیا نگه‌دار تا این نعمتی را که بر من و بر پدر و مادرم موهبت کرده‌ای سپاس بگزارم و به شکرانه این قدرت و شوکت مسجدی شایسته برپا کنم که پسند خاطرت بوده باشد. پروردگارا! و مرا با رحمت و رأفتت در سلك بندگان شایسته‌ات جای ده.

۲۰. سلیمان پرندگان را سان دید و گفت: مرا چه می‌شود که هدهد را نمی‌بینم؟ آیا در این سفر همراه است و اینک به جایی رفته یا از ابتدای سفر با سایرین، غیبت کرده است و همراه ما نیامده است؟

۲۱. اگر از حضور در این سفر غیبت کرده باشد او را با شکنجه سختی عذاب می‌دهم و یا با کارد سر او را می‌برم مگر آن که با حجتی به حضور ما بشتابد که عذر او را نمایان سازد.

۲۲. زمانی نه‌چندان دور گذشت که هدهد به حضور آمد و گفت: من در این سیر و سفر بر سرزمینی گذر کردم و اسراری را کشف کردم که تو را از آن خبری نیست. من از سرزمین سبا با یک خبر تازه و دست اول به حضور آمده‌ام.

۲۳. من خانمی را در خطه سبا یافتم که پادشاه مردم آن سامان بود و از هر جلوه‌ای بهره‌ای به عطا داشت. با تختی بزرگ و عظیم.

فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ^{٢٤} أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ^{٢٥} اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ^{٢٦} قَالَ سَنَنْظُرُ أَ صَدَقْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ^{٢٧} أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقَاهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ^{٢٨} قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ^{٢٩} إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^{٣٠} أَلَّا تَعْلَمُونَ عَلَيَّ وَآتُونِي مُسْلِمِينَ^{٣١} قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونُ^{٣٢} قَالُوا نَحْنُ أَوْلَاوُا قُوَّةً وَأَوْلُوا بِأَسِي شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكَ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ^{٣٣} قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةً أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ^{٣٤} وَإِنِّي مُرْسَلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمِ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ^{٣٥} فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ

٢٤. من آن ملکه را با رعایا چنان یافتم که نه در برابر خداوند رحمان، که در برابر خورشید رخشان به خاک افتاده سجده می کردند. شیطان دستاورد آنان را در انظارشان آراسته بود و راه درست را بر آنان بسته بود که اینک امیدی به رهیابی آنان نیست.
٢٥. شیطانشان چنین ره نمود که خورشید را سجده کنند، نه آن خدایی را که پوشیده آسمانها و زمین را از پرده برون می افکند و آنچه را آشکار و نهان سازید، می داند.
٢٦. خداوند رحمان که جز او خدایی نیست و همو پروردگار عرش بزرگ است.
٢٧. سلیمان گفت: به زودی می نگریم که راست گفته ای یا آن که مانند دیگران، دروغی برای برائت خود به هم بافته ای.
٢٨. این نامه ای را که می نویسم به سوی آنان ببر و در کاخ سلطنتی نزد آنان بیفکن و خود از جمع آنان کناره کن و بنگر چه پاسخی بازمی دهند؟
٢٩. هدهد نامه را به سبا برد و ملکه سبا به درباریان خود گفت: ای نمایندگان سنا! من دیدم که نامه ای گرانبایه از نوك مرغی به حضور من افکنده شد.
٣٠. نامه از سلیمان است و متن نامه چنین آغاز می شود: بسم الله الرحمن الرحيم.
٣١. «بر من گردن فرازی مکنید و با تسلیم و رضا به پیشگاه من بیایید».
٣٢. ملکه سبا گفت: ای نمایندگان سنا! در کار من نظر بدهید. من هیچگاه بی حضور شما تصمیم قاطعی اتخاذ نکرده ام.
٣٣. نمایندگان سنا گفتند: ما صاحب نیرو و قدرتییم و هم صاحب سطوت و شجاعت، با وجود این، فرمان تو راست، بنگر که چه فرمان می دهی.
٣٤. ملکه سبا گفت: به یقین، شیوه شاهان است که چون با قهر و سطوت به شهری درآیند

أَتَمِدُونَنِي بِمَالٍ فَمَا أَتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا أَتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيَتِكُمْ تَفْرَحُونَ^{٣٦} أَرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ^{٣٧} قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ^{٣٨} قَالَ عَفْرَيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ^{٣٩} قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ^{٤٠} قَالَ نَكَرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرُ أَتَهْتَدِي

آبادی را به تباهی می‌کشند و عزتمندان را با غارت و چپاول خوار و ذلیل می‌سازند. شاهان را همواره شیوه بر این است.

٣٥. من برای آن که از خواسته‌های سلیمان آگاه شوم هدیه‌ای به سوی آنان گسیل می‌دارم و نگران می‌شوم که رسولان من با چه پاسخی بازمی‌گردند.

٣٦. و چون سفیر سبا به محضر سلیمان درآمد و هدایا را گذراند. سلیمان گفت: آیا شما مردم می‌خواهید که با مال و منال دنیا مرا به سوی خود جلب نمایید؟ آنچه را که خداوند رحمان به من عطا کرده است بهتر از مال و منالی است که شما را به عطا داده است. من از مال و منال دنیا شاد نمی‌شوم که از هدایای شما خرسند گردم و دست از شما کافران بدارم. بلکه شما کافران به هدایا و نفایس اموال دنیا شاد و خرم می‌شوید.

٣٧. اینک به سوی مردمتم بازگرد. اعلام کن که با سپاهی چنان عظیم بر آنان درآیم که از مقابله آن عاجز شوند. بی‌شک آنان را با خواری و ذلت از کاخ و ارك شاهی به اسارت بیرون می‌کشیم.

٣٨. ملکه سبا بعد از دریافت پاسخ دانست که سلیمان کشورگشا نیست بلکه با رسالت معنوی پادشاهی می‌کند و لذا با امرا و بزرگان کشور عازم پیشگاه سلیمان گشت. سلیمان به حاضران دربارش گفت: کدامتان تخت شاهی او را برایم می‌آورد پیش از آن که با تسلیم و رضا به حضور ما برسند.

٣٩. پهلوانی از جنیان گفت: من تخت شاهی او را به خدمت حاضر می‌کنم پیش از آن که از جایگاهت برخیزی. من بر این کاری که گفتم توانایم و در حفظ و مراقبت آن امین و باوفایم.

٤٠. و آن که دانشی از کتاب تکوین داشت به سلیمان گفت: من تخت شاهی او را در برابرت حاضر می‌کنم پیش از آن که نگاهت به پیش پایت معطوف شود و چون سلیمان به پیش

أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ^{٤١} فَلَمَّا جَاءَتْ قَيْلَ أَهْكَذَا عَرْشِكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأَوْتَيْنَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ^{٤٢} وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمِ كَافِرِينَ^{٤٣} قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبْتَهُ لُجَّةً وَكَشَفْتُ عَنْ سَاقِهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^{٤٤} وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ^{٤٥} قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ

پای خود نگریست تخت شاهی را در برابر خود حاضر دید و گفت: این دانش و امکان نیز از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید و ببیند شاکر آن هستم یا ناسپاسی و کفران می‌ورزم. هر کس شاکر نعمت‌های خدا باشد به سود خود شکر می‌گذارد زیرا شکر نعمت مایه استقرار و فزونی نعمت است و هر کس ناسپاسی کند پروردگار من از سپاس و ثنای مردم بی‌نیاز است و با کرامت خود در کیفر ناسپاسان تعجیل روا نمی‌دارد.

٤١. سلیمان گفت: تخت او را با آرایشی جدید ناآشنا سازید تا بنگریم که آیا به شناخت عرش خود رهیاب می‌شود یا مانند گولان راه به جایی نمی‌برد.

٤٢. و چون ملکه به حضور سلیمان رسید از او سؤال شد: آیا تخت شاهی شما نیز بدین شکل است؟ ملکه سبا گفت: گویا همان عرش من باشد. و همراهیان او سخن علیاحضرت خود را دنبال کرده و گفتند: ما پیش از ایشان یقین کرده بودیم که قدرت سلیمان قدرت الهی است و از همان زمان اسلام آورده بودیم.

٤٣. ولی اعتقاد به خداوندگاری خورشید مانع علیاحضرت شد که او خود به رسالت سلیمان اعتراف کند. چرا که او با پرستش خورشید از زمره کافران بود.

٤٤. درباریان سلیمان به ملکه گفتند: به کوشک سلیمان درآیید و به حضور ایشان شرفیاب شوید. و چون به کوشک سلیمان نزدیک شدند ملکه سبا تصور کرد که باید از آب‌نما بگذرد و لذا دامن خود را برجید و ساق‌ها را عریان کرد تا وارد آب‌نما گردد. مهمانداران به او گفتند: این آب‌نما نیست که ساق‌ها را بالا زده‌اید. این کوشکی است که از شیشه تراشیده‌اند. ملکه سبا را یقین شد که این نیروی الهی است و لذا به پروردگار خود نیاز آورد و در دل گفت: پروردگارا! من جان خود را به سیاهی کشیدم و خود را گول زدم که نیروی تو را انکار کردم. و رو به حاضران گفت: من با سلیمان و همانند او در پیشگاه خداوند رحمان پروردگار عالمیان تسلیم و منقادم.

٤٥. ما به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را گسیل کردیم که خداوند رحمان را بپرستید و

بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ^{٤٦} قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ^{٤٧} وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ^{٤٨} قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ^{٤٩} وَكَرَرُوا مَكْرًا وَكَرَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يُشْعُرُونَ^{٥٠} فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ^{٥١} فَتِلْكَ بَيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

چون ناقه خدایی را به آنان عطا کردیم و برای پذیرایی او آبشخور آب را تقسیم کردیم مردم به دو دسته تقسیم شدند و با هم به نزاع نشستند.

٤٦. يك دسته نوبت آب را رعایت کردند و با وجود خشکسالی ناقه را سیراب می‌کردند و دسته دیگر می‌گفتند: با این خشکسالی چرا باید مزارع و بوستان‌های ما از بی‌آبی بخشکد. از این‌رو صالح به آنان گفت: چرا پیش از آن‌که در جلب رضای خدا و تقاضای رحمت و باران تلاش کنید با تخلف از قرار قبلی و آسیب رساندن به ناقه در جلب عذاب و نعمت الهی شتاب می‌ورزید. در حالی که استغفار از گناهان مایه جلب رحمت و نزول باران است چرا از خداوند رحمان آموزش نمی‌طلبید تا مورد رحمت قرار بگیرید و از خشکسالی برهید.

٤٧. نفاق‌پیشگان آن مردم گفتند: ما این خشکسالی را از شومی تو و یاران مؤمنت می‌دانیم. صالح به آنان گفت: نه چنین است که خشکسالی از شومی این و آن باشد. بلکه شما با این مصیبت آزمون می‌شوید.

٤٨. در آن شهر، نه عشیره ساکن بودند که به فرمان سرانشان در آن بوم‌ویر به تبهکاری و زورگویی می‌گذراندند و راه صلاح را در پیش نمی‌گرفتند.

٤٩. سران عشایر که در خانه‌های سنگی بیلاقی زندگی می‌کردند به توطئه نشستند و گفتند: به نام خدا سوگند بخورید که در يك شب تیره به شهر بازگردیم و به شیوه سارقان شیرو، صالح را با خانواده‌اش یکجا هلاک سازیم تا شاهد قتلی در میان نباشد و اگر مورد تهمت قرار گرفتیم با قید سوگند به خونخواه او بگوییم که ما به هنگام قتل خانواده صالح در خارج شهر به سر می‌بردیم و در این سخن و این سوگند خود، راستگو هستیم.

٥٠. سران عشایر در حضور ما توطئه کردند و ما بی‌حضور آنان توطئه کردیم که آنان بی‌خبر ماندند.

٥١. بنگر توطئه آنان به کجا انجامید، فرجام توطئه آنان این بود که ما سران عشایر را با اتباعشان، همگان درهم کوبیدیم.

^{۵۲} وَ أَتَجِنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ ^{۵۳} وَ لُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَ أَنْتُمْ تَبْصُرُونَ ^{۵۴} أَ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ^{۵۵} فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنْاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ^{۵۶} فَانْجَيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا مِنَ الْغَائِرِينَ ^{۵۷} وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذِرِينَ ^{۵۸} قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ ^{۵۹} أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَانْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا إِلَهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ

۵۲. در این میان مردی از قوم ثمود ناقهٔ صالح را پی زد و پیش از آن که زمان قتل صالح فرارسد سنگی از آسمان سقوط کرد و کاخها و کوشکها درهم ریخت و قوم ثمود از سران و بی‌سران در زیر هوار جان سپردند، اینک خانه‌هایشان بر سر راه مسافران برجا است که از سکنه خالی است از آن‌رو که سیه‌کاری نمودند. بی‌شک در این داستان نشانی بر صدق رسالت مشهود است برای آن‌مردمی که اهل دانش باشند.

۵۳. و صالح را با آن‌دسته از قوم ثمود که ایمان آورده بودند و از دیرباز اهل تقوا بودند از آن‌سرزمین نجات بخشیدیم.

۵۴. و لوط را هم به سوی قومش گسیل نمودیم آن‌روز که به قوم خود گفت: آیا با چشم‌های بینا به سوی فاحشه رومی‌آوردید؟

۵۵. آیا به خاطر شهوترانی به بستر مردان می‌روید و بستر خانم‌ها را ترک می‌گویید؟ این کار پلیدتان آزادی اجتماعی نیست بلکه شما مردمی جهالت‌پیشه‌اید و از راه خرد بدور افتاده‌اید.

۵۶. مردم لوط را پاسخی در میان نبود جز آن‌که باهم گفتند: خاندان لوط را از شهر و دیار خود بیرون بریزید. آنان مردمی هستند که می‌خواهند خود را از خیانت ما دور نگه‌دارند.

۵۷. و ما لوط را با خاندانش نجات بخشیدیم جز همسرش را که مقدر کردیم از بجامانندگان بوده باشد.

۵۸. و بارانی از سنگ بر سر آنان فرو ریختیم. باران عذابی که بعد از اخطار الهی بیبارد باران شومی است.

۵۹. بگو: سپاس خدا را بر نعمت و درود بر بندگان برگزیدهٔ او، آیا خداوند رحمان برای پرستش و التجا بهتر است یا آن‌خدایانی که مشرکان انباز و همتای او می‌شناسند؟

قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ٦٠ أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خَلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِي وَجَعَلَ بَيْنَ
الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا إِلَهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٦١ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ
السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ٦٢ أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ
وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلِ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ٦٣ أَمَّنْ
يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ

٦٠. آیا خدای مشرکان خدای برحق است یا آن خدایی که نیست و زمین را آفریده و برای
شما از آسمان بارانی نازل کرده است و ما فرشتگان با آب بارن بوستان‌های پر طراوات
رویانده‌یم. شما را نمی‌سزد که اشجار بوستان‌ها را رویانده باشید. آیا با خدای رحمان خدای
دیگری هست که آسمانی بیافریند و بارانی نازل کند و درخت و گیاه برویاند؟ نه چنین است
که این مردم در این مسائل اندیشیده باشند بلکه از راه حق و درست منحرف می‌شوند و به
راه جهالت عدول می‌نمایند.

٦١. آیا خدای مشرکان برای التجا بهتر است یا آن خدایی که بستر خاک را قرارگاه مردم
ساخت و در شکاف زمین نهرها روان ساخت و برای زمین کوه‌های ریشه‌داری در دل خاک
برقرار فرمود تا بستر خاک درهم نریزد و در میان دو دریای شور و شیرین دیواری کشید تا
درهم ممزوج نگردند. آیا با این خدای رحمان که وسایل آسایش می‌پرورد خدای دیگری
هست که انباز و شریک او باشد؟ نه چنین است که مشرکان این نکته‌ها را دانسته باشند
بلکه بیشترشان اهل دانش و اطلاع نمی‌باشند.

٦٢. آیا خدای مشرکان برای التجا بهتر است یا آن خدایی که نیاز در ماندگان را اجابت
می‌کند - موقعی که او را بخوانند - و بدی‌ها را از آنان دور می‌سازد و شما را بر روی زمین
جانشین مردم پیشین می‌سازد؟ آیا با وجود خدای رحمان که در ماندگان را اجابت می‌کند
خدای دیگری هست که انباز و همتای او باشد؟ نه چنین است که مشرکان این نکته‌ها را به
خاطر بگیرند بلکه شما مردم، کمتر از مسائل زندگی پند می‌گیرید.

٦٣. آیا خدای مشرکان برای التجا بهتر است یا آن خدایی که شما را در تاریکی‌های دشت و
دریا به سوی روشنایی و نجات رهبری می‌کند؟ آن خدایی که بادها را پیشاپیش نزول
رحمتش گسیل می‌دارد تا مژده باران بیاورد. آیا با این خداوند رحمان خدای دیگری هست
که نجات‌بخش و فریادرس در ماندگان باشد؟ خدای رحمان از مشارکت این خدایان پوشالی
برتر و والاتر است.

كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٦٤ قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ٦٥ بَلْ أَدَارِكْ عَلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا بَلْ هُمْ مِنْهَا عَمُونَ ٦٦ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَإِنَّا لَمُخْرَجُونَ ٦٧ لَقَدْ وَعَدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ٦٨ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ٦٩ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ ٧٠ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٧١ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ٧٢ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ

٦٤. آیا بت‌های مشرکان برای التجا بهترند یا آن‌خدایی که آفرینش را آغاز می‌کند و بعد از مرگ و نابودی دوباره آفرینش را سازمان می‌دهد؟ آن‌خدایی که از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد. آیا با این خدا، خدای دیگری هست که آفرینش را آغاز و انجام دهد و روزی مردمان را فراهم آورد؟ اگر شما مشرکان راست می‌گویید حجت خود را به میدان آورید و ثابت کنید که خدایانتان در این کارها با خداوند رحمان شریک هستند.

٦٥. بگو: جز خداوند رحمان هر موجودی که در آسمان‌ها و زمین است از عالم غیب بی‌خبر است و نمی‌داند که بعد از مرگ و نابودی در چه زمانی مبعوث و برانگیخته می‌شوند.

٦٦. بلکه باید گفت: دانش این مردم در زمینه آخرت که چگونه باید لباس تازه بر تن بپوشند مات و درمانده است. بلکه باید گفت: در شک و ابهامند. بلکه باید گفت: از حیات جدید آخرت کور و نابینايند.

٦٧. کافران گفته‌اند: آیا بعد از آن که گوشت و استخوانمان خاک شود با آن پدرانمان که قبلاً خاک و برفنا شده‌اند دوباره از دل خاک برونمان می‌کشند؟

٦٨. این وعده را به ما داده‌اند و پیش از ما همین وعده را به پدرانمان داده‌اند که به آن وفا نکردند. رستاخیز بشر غیر از فسانه‌های مردم پیشین چیزی دگر نیست.

٦٩. بگو: شما کافران در عرصات زمین بچرخید و در سیر و سیاحت بنگرید که فرجام تبهکاران به کجا انجامیده است و چسان با وجود کامیابی و تمدن در اثر کفران هدایت و جنگ با خداوند رحمان نابود و منقرض گشتند.

٧٠. تو بر این مردم کافر، اسف مخور و از حلقه دامی که برایت گسترده‌اند خود را در تنگنا و محدودیت بدان.

٧١. می‌گویند: اگر راست می‌گویید مشخص کنید که این وعده رستاخیز را کی به مرحله اجرا می‌گذارید؟

و لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ٧٣ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ٧٤ وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ٧٥ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقْضِي عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ٧٦ وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ٧٧ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ٧٨ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ ٧٩ إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلُوا مَدِيرِينَ ٨٠ وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنِ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ٨١ وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ

٧٢. بگو: شاید قسمتی از عوامل رستخیز که در آمدنش شتاب دارید به دنبال شما ردیف گشته باشند.

٧٣. بی شک پروردگارت بر مردمان، بیش از حد نیازشان رحمت می آورد ولی بیشتر مردم شکرگزار رحمت او نمی باشند.

٧٤. بی شک پروردگارت از ایمانی که مردمان در سینه نهان می دارند و از کفر و انکاری که بر زبان دارند باخبر است.

٧٥. هیچ پدیده ای در آسمان ها و زمین از دیده ها نهان نمی ماند جز آن که در کتاب آفرینش نمایان است.

٧٦. این قرآن بسیاری از آن مسائل را که یهود بنی اسرائیل در شناخت صحیح آن اختلاف می ورزند برای آنان حکایت می کند.

٧٧. این قرآن برای مؤمنان، هدایت و رحمت خواهد بود.

٧٨. به یقین پروردگارت میان اسرائیلیان با حکم و فرمان خود داورى خواهد کرد. و او عزتمند و دانا است.

٧٩. پس بر خداوند رحمان توکل کن و از مشرکان مهراس؛ تو برحقى و حق، نمایانگر راه است.

٨٠. تو فریادت را به گوش مردگان نتوانی رساند و نه آوایت را به گوش کران خواهی رساند موقعی که پشت کنند و از اشارات دست و لب بی خبر بمانند.

٨١. و تو کوران را از بی راهه به راه خود نتوانی فراخواند که یارای تشخیص ندارند تو فریادت را فقط به گوش آن کسانی می رسانی که اهل ایمان باشند و به آیات ما ایمان می آورند و به فرمان ما گردن می نهند.

النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ۚ وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ۚ ۸۲ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُمْ بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِطُوا بِهَا عَلِمًا أَمْ أَذًا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۚ ۸۳ وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ ۚ ۸۴ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۚ ۸۵ وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ ۚ ۸۶ وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۚ ۸۷ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ

۸۲. و چون حکم عذاب دوزخ بر سر آنان فروافتد که دیگر ایمانشان سودی ندهد با دست همین کافران جاننداری از دل خاک برون آریم تا از جان گرفتن جانداران در دل خاک حکایتی باشد و با زبان بی‌زبانی با مردم سخن کند که نسل بشر از آغاز آفرینش نشانه‌های ما را به یقین باور نکرده‌اند و به رستاخیز ایمان نیاورده‌اند.

۸۳. آن‌روز که از هر امتی یک‌دسته از منکران رستاخیز را پیشاهنگ دیگران محشور سازیم و محبوسشان نگه‌داریم.

۸۴. تا آنگاه که تمامشان محشور شوند و از سینه خاک‌ها بدر آیند پروردگارشان بگوید: آیا نشانه‌های مرا از آن‌رو تکذیب نمودید که به دانش آن احاطه پیدا نکردید؟ یا علت دیگری داشت؟ خودتان پاسخ بدهید که چه می‌کردید؟

۸۵. در آن‌روز به خاطر سیه‌کاری کافران، جرم آنان تثبیت می‌شود و دیگر یارای دم زدن ندارند.

۸۶. می‌گویند که ما کدامین معجزه و نشان را دیدیم و تکذیب نمودیم؟ آیا ندیدند که ما شب را تاریک نمودیم تا در سیاهی شب بیاسایند و روز را روشن و بینا ساختیم تا در تلاش معاش بپاخیزند. تنها در این پیگرد روز و شب، پیگرد سایه و آفتاب، پیگرد سرما و گرما برای آن‌مردمی که اهل ایمان باشند نشانه‌ها و آیت‌های خداوند رحمان فراوان است.

۸۷. و آن‌روز که با عبور یک شهاب‌سنگ آسمانی در شیپور بیداری دمیده شود و هر که در آسمان‌ها باشد و هر که در زمین باشد به وحشت افتد جز آنان که خدا خواسته باشد و آدمیان یکسر از خاک سر برآرند و با خواری به پیشگاه خدا حاضر شوند.

۸۸. کوهپاره‌های آسمان و زمین را در آفاق خواهی دید که گویا در فضا یخ زده‌اند با آن‌که همچون ابر، در حال عبورند. این ساختار خدای آفرینش خواهد بود که هر پدیده‌ای را استوار و مستحکم ساخته است. به یقین خداوند رحمان به زیر و روی کردار شما آگاه است.

مَنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمَنُونَ ۘ ۸۹ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّآ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۙ ۹۰ إِنَّمَا أَمْرُهُ أَنْ أُعْبَدَ رَبُّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأَمْرُهُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۙ ۹۱ وَأَنْ أَتْلُو الْقُرْآنَ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ ۙ ۹۲ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيَّرِكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۙ ۹۳

-
۸۹. هرکس با کردار نیک به عرصهٔ قیامت پا بگذارد بهتر از آن را پاداش می‌برد و اینها ایند که از دهشت و هول قیامت در امانند.
۹۰. و هرکس با کردار سوء خود به عرصهٔ قیامت بیاید به سوی دوزخ روان خواهد شد و با سر و صورت به آتش نگون می‌شود و به آنان می‌گویند: آیا جز سزای دستاورد خود را می‌چشید که در دنیا به مرحلهٔ اجرا نهادید؟
۹۱. بگو: جز این نیست که من فرمان یافته‌ام که فقط پروردگار این شهر مکه را بپرستم، همان پروردگاری که این بقعهٔ زمین را حرم امن خود ساخت و هر پدیده‌ای مال او است. من فرمان یافته‌ام که چون سایر افراد امتم اهل تسلیم و طاعت باشم و به این سرزمین حرمت بگذارم.
۹۲. و فرمان یافته‌ام که قرآن را بر شما تلاوت کنم و رسالت خود را ادا نمایم. پس هرکسی که راه قرآن را در پیش بگیرد به سود خودش رهیاب شده است و هرکس از راه قرآن بیراهه شود باید به آنان بگویی که من کفیل شما نیستم که خواه و ناخواه شما را به راه قرآن بکشانم. من فقط اخطارکننده‌ام و شما را از خشم خدا برحذر می‌دارم.
۹۳. و بگو: سپاس و ثنا خدا را است. به زودی آیات و نشانه‌های خود را به شما معرفی خواهد کرد شما آیات او را می‌شناسید و تأیید می‌کنید. پروردگارت از دستاورد شما مردمان بی‌خبر نیست.

الْقَصَص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طسم^١ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ^٢ نَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ^٣
إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يُذِخُّ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي
نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ^٤ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ
أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ^٥ وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا
كَانُوا يَحْذَرُونَ^٦ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَاذًا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقَاهُ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي
وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ^٧ فَالتَّقِطُهُ أَلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا
إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ^٨ وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قَرَّتْ عَيْنِي لِي وَلَكَ لَا

١. ط. س. م.

٢. اینها آیات کتابی است که روشنگر راه است.

٣. از داستان موسی و فرعون برای آشنایی و عبرت آن مردمی که ایمان می‌آورند شطری به درستی بر تو تلاوت می‌کنیم.

٤. فرعون در سرزمین مصر سرآمد و سرور شد و مردم را به طبقات مختلف در امتیازات متفاوت دسته‌بندی کرد تا رقابت آنان را برای تقدیم خدمت به مرکز قدرت تحریک کند و یک طایفه از بنی‌اسرائیل را به استضعاف و ذلت کشانید به این صورت که پسران آنان را می‌کشت تا قدرت قیام و شورش نیابند و زنانشان را زنده می‌گذاشت تا بر مشکلات خانوادگی خود بیفزایند و در تقدیم خدمات خود به قبطیان باهم رقابت کنند. بی‌شک فرعون مانند سایر قلدران، اهل فساد و تباهی بود.

٥. ما اراده کردیم که بر مستضعفان بنی‌اسرائیل منت بگذاریم و سرانشان را پیشوایی دهیم و وارثان حکومت سازیم.

٦. در عرصه زمین به آنان قدرت و امکان دهیم و به فرعون و وزیر کابینه‌اش هامان با سپاهیان‌شان شورش مستضعفان را ارائه دهیم که همواره از آن برحذر بودند.

٧. ما به مادر موسی اشارت کردیم که نوزادت را شیر بده و چون بر جان او خائف گشتی او را به آب بیفکن و خائف محزون مباش که بی‌شک فرزندات را به تو باز می‌گردانیم و او را از رسولان خود قرار می‌دهیم.

٨. مادر موسی فرزند خود را در صندوق چوبی نهاد و به رود نیل افکند و خاندان فرعون

تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَن يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ^٩ وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِغًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ^{١٠} وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصَّرَتْ بِهِ عَنْ جَنْبِ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ^{١١} وَحَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِن قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ^{١٢} فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ^{١٣} وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ^{١٤} وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنَ

کودک را از آب گرفتند تا دشمن آنان باشد و مایهٔ رنج و اندوه. به یقین فرعون و هامان و سپاهیانسان از خطاکاران بودند.

۹. همسر فرعون به او گفت: این کودک برای ما که فرزندی نداریم نور چشمی خواهد بود و مایهٔ سرور و شادی، گرچه بردهٔ اسرائیلی باشد. او را مکشید، باشد که ما را در خدمات حکومتی سودمند افتد و یا او را به فرزندی بگیریم بی آن که بردگان بدانند.

۱۰. فردای آن روز مادر موسی غم فرزند را از دل بدر کرده بود اما اگر ما بر دل او مهار نمی بستیم تا بر ایمان خود استوار بماند همان روز اول می رفت که با شیون و افغان عقده دل را بر همگان فاش و آشکار نماید.

۱۱. مادر موسی به خواهر موسی گفت: صندوق برادرت را در کنار رود نیل دنبال کن و خواهر موسی به صورتی که مردم درنیابند در حاشیهٔ نیل روان شد و صندوق برادرش را زیر نظر گرفت تا آن گاه که دید همسر فرعون موسی را در آغوش خود می فشارد.

۱۲. و پیش از آن که موسی به آغوش مادر بازگردد گرفتن پستان دیگران را بر موسی قدغن کرده بودیم و چون خواهر موسی دید که از کاخ فرعون به سراغ دایگان آمده اند و موسی پستان کسی را نمی پذیرد به نزد آنان حاضر شد و گفت: آیا میل دارید که شما را به خانواده ای رهنمون شوم که پرستاری و دایگی این کودک را به عهده بگیرند و خیرخواه او باشند؟

۱۳. بدین صورت بود که موسی را به مادرش باز رساندیم تا چشم او روشن شود و غم نخورد و بداند که وعدهٔ خدا حق است ولی بیشتر مردم نمی دانستند که موسی به دامن مادر بازآمده است.

۱۴. و چون موسی به قدرت و نیرو رسید با نیک اندیشی راه احسان و کرم در پیش گرفت و ما فرمان حکومت و دانش را توأمأً بدو عطا کردیم. ما به نیک اندیشان هماره چنین پاداش

شَبَّعْتَهُ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَعَاثَهُ الَّذِي مِنْ شَبَّعْتَهُ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ^{١٥} قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ^{١٦} قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ^{١٧} فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَعَوِيٌّ مُبِينٌ^{١٨} فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَا مُوسَى أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ^{١٩} وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ^{٢٠} فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ

داده و می دهیم.

۱۵. موسی یک روز با لباس مبدل به شهر درآمد و دوتن را دید که به هم درآویخته‌اند و قصد کشتن هم دارند، این یک از پیروان او بود و آن یک از دشمنان او، آن یک که از پیروان او بود تقاضای کمک کرد تا به یاری او بیاید و بر دشمن او بتازد. موسی مشت خود را گره کرد و بر سر آن مرد قبطی کوبید و کار او را تمام کرد. موسی با خود گفت: این خشم و تندی از کار شیطان بود تا مرا در یاری و آزادی بردگان، گمراه سازد. به یقین شیطان دشمن است و گمراه‌کننده‌ای که دشمنی خود را آشکارا اعلام کرده است.

۱۶. موسی دست به دعا برداشت و گفت: پروردگارا! من حق خود را سپاه کردم که موقعیت کارساز خود را از دست دادم. پروردگارا! تو این خطای مرا بر من ببخشا. پروردگارش بر او بخشید. به یقین پروردگار موسی، آمرزنده‌ای مهربان است.

۱۷. موسی گفت: پروردگارا! به پاس این نعمتی که بر من ارزانی داشته‌ای هرگز پشتیبان تبهکاران نخواهم شد.

۱۸. موسی از ترس گرفتاری به کاخ فرعون بازنگشت و فردای آن شب در شهر با حالت اضطراب و واهمه می‌چرخید که ناگهان به همان مرد دیروزی برخورد که مانند روز گذشته او را به یاری خود می‌خواند. موسی به او گفت: بی‌شک تو راه خرد را گم کرده‌ای.

۱۹. و چون پیش رفت که مشتی بر سر آن مرد قبطی بکوبد مرد قبطی گفت: ای موسی! می‌خواهی مرا بکشی چنان که دیروز یک‌تن دیگر را کشتی. تو هوای دیگری بر سر نداری جز آن که در این سرزمین، سرکش و قلدر باشی. تو نمی‌خواهی که از مصلحان بوده باشی.

۲۰. در این اثنا مردی از بالای شهر دوان دوان آمد و گفت: ای موسی! سنای مصر درحال

الظَّالِمِينَ ۲۱ وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ ۲۲ وَلَمَّا وُورِدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءَ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ۲۳ فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظَّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لَمَّا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ۲۴ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتُ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۲۵ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبْتَ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ۲۶ قَالَ إِنِّي

بحث و مشورت است که تو را محکوم به قتل سازد. از این شهر برون شو و بدان که من از خیر خواهان تو هستم.

۲۱. موسی با ترس و اضطراب از شهر برون شد و گفت: پروردگارا! مرا از چنگال این سیه کاران رهایی بخش.

۲۲. خداوند بدو اشارت کرد که از قلمرو فرعون خارج گردد و چون موسی به سوی شهر مدین راه برگرفت که از سیطره فرعون خارج شود گفت: امید من آن است که پروردگارم راه صاف را به من بنمایاند.

۲۳. و چون به چاه مدین رسید چندتن از مردم پیشرفته را بر سر چاه مدین دید که مجتمعاً چرخ دولاب را می چرخانند و احشام خود را سیراب می سازند و دوتن خانم را دید که دورتر از حوض آب ایستاده اند و احشام خود را عقب می رانند. به آن دو خانم گفت: چه علت دارد که شما گوسفندان خود را از آبگاه عمومی بازپس می رانید؟ و آن دو خانم گفتند: ما گوسفندان خود را آب نمی دهیم تا شبانها گوسفندان خود را از گرد آب بازگردانند و ما با آب باقیمانده در حوض، گوسفندان خود را آب بدهیم و تنها برادر ما خردسال است و پدر ما پیری کهن سال است.

۲۴. موسی پیش رفت و با گرفتن نوبت به تنهایی چرخ را چرخاند و برای آن دو خانم به قدر کافی آب کشید و سپس به سوی سایه ای بازگشت و می گفت: پروردگارا! من گرسنه ام من به هرگونه خیری که از جانب خود به سوی من نازل کنی نیازمندم.

۲۵. ساعتی بعد یک تن از آن دو خانم - درحالی که با حجب و حیا گام می زد - به نزد موسی آمد و گفت: پدرم تو را به خانه دعوت می کند تا مزد تو را که برای گوسفندانمان آب کشیدی بپردازد. و چون موسی به حضور آن پیر آمد و سرگذشت خود را حکایت کرد پیر مدین به موسی گفت: دیگر مترس که از چنگال فرعونیان سیه کار رهایی یافته ای.

أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَسُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ^{٢٧} قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَيَّ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ^{٢٨} فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ^{٢٩} فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِي الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ^{٣٠} وَأَنْ أَلْقِ

٢٦. يك تن از آن دو خانم گفت: پدرجان او را برای شبانی اجیر کن. بی شک بهترین شبانی که استخدام کنی شبانی است که توانا و مورد اعتماد باشد.

٢٧. پیر مدین به موسی گفت: من میل دارم که یکی از این دو دختر خود را با تو تزویج کنم با این شرط که هشت سال اجیر من باشی و به کار شبانی و مراقبت از احشام من پردازی. برای من حضور هشت ساله تو ضرور است تا پسرم هیچده ساله شود و بتواند از گوسفندان ما مراقبت به عمل آورد و اگر تو ده سال را کامل کنی تا پسر خردسالم بیست ساله شود به میل خودت کرم کرده‌ای و خاطر من آسوده‌تر می‌شود. من نمی‌خواهم که در گذران زندگی و معاش روزانه بر تو سخت بگیرم. به زودی - اگر خدا خواسته باشد - مرا از جمله صالحان خواهی یافت.

٢٨. موسی گفت: این شرط در میان من و تو برقرار باشد که از دوره هشت ساله و یا دوره ده ساله هر کدام را به پایان برسانم کسی بر من تحمیل نکند که باز هم باید به خدمت ادامه دهم. خداوند رحمان بر این شرط و مقاوله ما وکیل و ضامن باشد.

٢٩. و چون موسی دوره تعهد را به پایان برد و با خانواده‌اش راهی مصر گردید در مسیر کوه طور راه خود را گم کرد و شباهنگام بر سر کوهی لهیب آتش در نظرش پدیدار شد. به خانواده‌اش گفت: شما در همین جا بمانید و به دیگرجا نروید که در بازگشت خود، شما را گم نکنم. چشم من با فروغ آتشی آشنا شده است می‌روم تا از سر آتش خبری واپرسم و راه مصر را بجویم و اگر کسی نیابم و مسافران رفته باشند لااقل شعله آتشی با خود بیاورم تا برای خود آتشی بفرروزیم و شما خود را گرم کنید.

٣٠. و چون موسی به آتش رسید از جانب راست دره، آنجا که سرزمین پربرکت شروع می‌شود از درخت زیتون ندایی برآمد که ای موسی! به یقین من همان خداوند رحمانم پروردگار جهانیان.

عَصَاكَ فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنهَآ جَانٌ وَلَىٰ مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَىٰ أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْأَمِينِينَ ٣١ اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَأَضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ٣٢ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ٣٣ وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ٣٤ قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكَمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصْلُونَ إِلَيْكَمَا يَا تَأْتِنَا أَتْمَمًا وَمِنْ أَتْبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ ٣٥ فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّقْتَرَىٰ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ٣٦ وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ

٣١. نعلین خود را از پا برکن که اینجا وادی قدس است. عصایت را هم از کف بینداز. موسی نعلین را از پا برآورد و عصا را بر زمین انداخت و چون موسی دید که عصا مانند ماری می‌جنبد و می‌پیچد، پشت کرد و چنان پا به گریز نهاد که رو به عقب ننگریست تا از حال عصا باخبر گردد که هنوز هم دنبال او می‌دود یا متوقف شده است. پروردگارش ندا کرد که ای موسی! رو به من بازگرد و مترس. تو در پیشگاه من مانند سایر رسولان در امانی.

٣٢. دست خود را در گریبان فرور و در زیر بغل به بدن بچسبان که چون برون آوری سپید و سالم بیرون آید و باید بر اثر لرزی که بر اندامت مستولی می‌شود بازویت را بر روی دست به بغل بچسانی و آرامش خود را حفظ کنی این دو نشانه و آیت دو حجت قاطع است از جانب پروردگارت که به سوی فرعون و سنای او می‌بری. اینان از دیرباز مردمی فاسق و تجاوزکارند.

٣٣. موسی گفت: پروردگارا! من یک نفر از قبطیان را کشته‌ام از این رو می‌ترسم که مرا به قصاص آن مرد مصری بکشند.

٣٤. می‌ترسم مرا تکذیب کنند و من با خلق و خوی تندی که دارم زبانم بگیرد و نتوانم روان سخن بگویم. برادرم هرون که اینک رئیس بنی اسرائیل است در زبان آوری از من فصیح‌تر است. او را هم با من روانه کن تا پشتوانه من باشد و مرا تصدیق کند. من می‌ترسم که همگان حتی قوم بنی اسرائیل مرا تکذیب کنند.

٣٥. پروردگار موسی گفت: به زودی بازویت را با وزارت هرون برادرت توانا می‌سازم و برای شما سلطه‌ای برقرار می‌داریم تا فرعونیان به شما دست نیابند. با آیات و نشانه‌های ما، شما و پیروانتان پیروزید.

٣٦. و چون موسی با نشانه‌های نمایان ما به نزد فرعونیان شد گفتند: این عصا و ید بیضا

بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ۳۷ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۳۸ وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ ۳۹ فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَانَظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ۴۰ وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ ۴۱ وَأَتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ ۴۲ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۴۳ وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْعَرَبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى الْأَمْرَ

جادویی است که به نام آیت، بر خدا بسته‌اند. در تاریخ پدران و اجداد پیشین خود نشنیده‌ایم که رسولی از جانب خدای آسمان به رسالت آمده باشد.

۳۷. موسی گفت: پروردگار من کسی را که با چراغ هدایت از جانب او به رسالت آمده باشد بهتر می‌شناسد و همو بهتر می‌داند پایان زندگی به سود کیست. بی‌شک سیه‌کاران جامعه، روی رستگاری نمی‌بینند.

۳۸. فرعون به سنای مصریان گفت: ای نمایندگان! من برای شما خداوندی نمی‌شناسم که درباره آزادی بردگان تصمیم بگیرد جز خودم. من از حق قانونی خود استفاده می‌کنم و به مبارزه با موسی ادامه خواهم داد. آنگاه برای دفع الوقت به وزیرش گفت: ای هامان! تا می‌توانی بر سر کوره‌های آجر آتش بیفروز و برای من کوشکی مرتفع بنا کن، باشد که به آسمان بالا روم و از خدای موسی بیرسم آیا موسی فرستاده تو است؟ من تصور می‌کنم که موسی از دروغگویان است.

۳۹. فرعون با سپاهیان به ناحق مدعی برتری بودند و خود را از دیگران بالاتر و والاتر می‌شمردند تصورشان بر این بود که به سوی ما بازمی‌گردند.

۴۰. در اثر این سیه‌کاری فرعون و سپاهیان را گرفتیم و به دریا افکندیم. بنگر که زندگی سیه‌کاران چه پایان شومی داشت.

۴۱. ما آنان را به پیشوایی برقرار کردیم که پیروان خود را به سوی دوزخ فرا می‌خوانند و روز قیامت بدون یاور می‌مانند.

۴۲. آنان را در دنیا با لعنت و نفرین بدرقه کردیم و روز قیامت با چهره‌های زشت و رسوا محشور می‌شوند.

۴۳. ما به موسی کتاب تورات را عطا کردیم بعد از آن که امت‌های پیشین را هلاک و نابود

وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ^{٤٤} وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ^{٤٥} وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ^{٤٦} وَلَوْ لَا أَن تُصِيبَهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمْتُ أَيْدِيَهُمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ^{٤٧} فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَى أَوْلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ^{٤٨} قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَى

کرده کردیم تا کتاب ما مایهٔ بینش باشد برای مردمان و هدایت و رحمت باشد برای آن مردمی که دل بدهند و به خاطر بسپارند.

٤٤. تو در جانب غربی آن درهٔ مقدس نبودی آن روز که به موسی فرمان رسالت دادیم. تو در مراسم اعطای رسالت شاهد و ناظر نبودی.

٤٥. ما از عهد موسی تاکنون امت‌ها و نسل‌هایی به عرصه آوردیم که دوران آنان به درازا کشید. تو در میان مردم مدین ساکن نبودی که مانند شعیب آیات ما را بر مردم تلاوت کنی. این ما بودیم که رسولان را به رسالت فرستادیم.

٤٦. و تو مانند موسی در جانب راست دره نبودی که برای اعطای تورات ندایش کردیم بلکه با رحمت پروردگارت که تو را گرامی داشت کتاب آسمانی قرآن خود به سراغ تو آمد و در قلبت جاگرفت تا به مردم این سامان اخطار کنی، از آن رو که پیش از تو برای آنان رسولی نیامده بود که اخطار کند. شاید به خاطر بسپارند.

٤٧. و از آن رو که مبادا در اثر دستاورد سوء و کردار ناصوابشان عذابی بر سر آنان فرود آید و آنگاه بهانه آورند و بگویند: پروردگارا! چرا مانند سایر امت‌ها برای ما رسولی از خودمان گسیل نکردی تا از نشانه‌های الهام بگیریم و رسالت را بپذیریم و از مؤمنان بوده باشیم.

٤٨. و اینک که دین حق بدون پیرایه و دست‌نخورده بر در خانهٔ آنان فرود آمده است می‌گویند: چرا نشان و آیتی همچون نشانه‌های موسی نمی‌آورد تا به او ایمان بیاوریم. مگر اینان به نشانه‌ها و آیت‌هایی که قبلاً به موسی داده‌ایم کافر نشده‌اند که اینک همان نشانه‌ها و آیت‌ها را از تو می‌خواهند؟ اگر ما معجزه‌ها و نشانه‌های موسی را هم برای این مردم بیاوریم ایمان نمی‌آورند و می‌گویند: عصای او هم مانند عصای موسی، سحر است و هر دو سحر، پشتیبان و گواه هم آمده‌اند تا ما را بفریبند. و خواهند گفت: ما به همهٔ معجزات و نشانه‌ها و به همهٔ رسالت‌ها کافریم؟

مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٤٩ فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ٥٠ وَقَدْ وَصَلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ٥١ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ ٥٢ وَإِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ٥٣ أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرُؤُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ٥٤ وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبَغِي الْجَاهِلِينَ ٥٥ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ

٤٩. اینان به اصل رسالت کافرند و هیچ معجزه‌ای را باور نمی‌دارند و گرنه تاکنون باید یهودی شده باشند و یا به قرآن ایمان آورده باشند و مسلمان شده باشند. به آنان بگو: اگر شما راست می‌گویید کتابی بهتر از قرآن و یا کتابی بهتر از تورات موسی برای من بیاورید که بیشتر به هدایت الهی نزدیک باشد تا من نیز از همان کتاب الهی پیروی کنم و از قرآن و تورات حمایت نکنم.

٥٠. اگر اینان به این پیشنهاد تو پاسخ ندهند و دعوتت را اجابت نکنند، باید بدانی که این مردم دنبال هوای نفس خود شده‌اند و از پندار خود پیروی می‌نمایند. کیست که گمراهتر باشد از کسی که پیروی هوای نفس را برگزیند و بی‌رهنمود الهی گام زند؟ به یقین خداوند رحمان سیه‌کاران گمراه را رهبری نخواهد کرد.

٥١. به یقین ما سخنان خود را به هم پیوند زدیم باشد که به خاطر بسپارند.

٥٢. آن کسانی که قبل از قرآن، کتاب آسمانی تورات و انجیل را به آنان داده‌ایم به قرآن ایمان می‌آورند.

٥٣. و چون آیات قرآن بر آنان تلاوت شود می‌گویند که ما به قرآن ایمان داریم به یقین که این قرآن به حق و درست از سوی پروردگاران نازل شده است. ما پیش از نزول قرآن تسلیم شده‌ایم.

٥٤. اینها ایند که پاداش ایمان خود را دونوبت دریافت می‌کنند، از آن‌رو که بر سختی‌ها شکیبایی در پیش گرفتند و با نیک‌اندیشی و نیکوکاری خود بدانندیشی‌ها و بدکاری‌های دیگران را از خود دور می‌کردند و از آن رزق و روزی که عطایشان کرده‌ایم انفاق می‌نمایند.

٥٥. و چون سخن بیهوده و بی‌ثمر بشنوند بدون تعرض و درگیری روگردان می‌شوند و می‌گویند: دستاورد ما از آن ما است و دستاورد شما از آن شما است، خداحافظ، ما را به رفاقت با جاهلان رغبتی نیست.

اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ^{٥٦} وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهَيْدَىٰ مَعَكَ تَتَخَفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجَبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ^{٥٧} وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ^{٥٨} وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ^{٥٩} وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ أَفَلَا تَعْقِلُونَ^{٦٠} أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ^{٦١} وَ يَوْمَ يَنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ

٥٦. به یقین تو هر کسی را که مایل باشی به راه درست رهبری نتوانی کرد. ابن خداوند رحمان است که هر که را بخواهد به راه درست رهبری خواهد نمود. خداوند رحمان به رهیابان دانتر است.

٥٧. مشرکان قریش این بهانه را ساز کرده‌اند که «اگر با تو شویم و از هدایت قرآن پیروی نمایم گرگ‌های جزیره العرب با ما دشمن می‌شوند و ما را از خانه و لانه می‌ربایند و شکار می‌نمایند». مگر ما حرم امن خود را جایگاه آنان نساخته‌ایم که محصول هر چیزی به سوی حرم سرازیر می‌شود تا از پیشگاه ما روزی آنان فراهم شده باشد. ما همه سودها و حاصل سرمایه‌ها و میوه باغ‌ها و بوستان‌ها را به وسیله زائران به کیسه این مردم ریخته‌ایم ولی بیشتر آنان نمی‌دانند که این نعمت و این امنیت را از میمنت خانه ما دارند.

٥٨. چه بسیاری از امت‌ها را هلاک و نابود کردیم که سامان زندگی را به ناز و افاده و نخوت کشیده بودند. این خرابه‌ها و ویرانه‌ها که در مسیر کاروان‌ها می‌بینید کاخ‌ها و کوشک‌های آنان بوده است که بعد از هلاکت آنان، دیگران جز اندک‌زمانی در آن مأوا نگرفتند و ما خود وارث ملک و املاک آنان بودیم.

٥٩. پروردگارت هرگز شهر و دیار مردم را درهم نخواهد ریخت مگر بعد از آن که در عاصمه مرکزی، رسولی بینگیزد که آیات ما را بر آنان تلاوت کند و اخطار ما به همه مجامع و بلاد فرعی برسد. ما هرگز شهر و دیار مردم را درهم نمی‌کوبیم مگر موقعی که مردم آن جوامع چهره حق را به سیاهی بکشند.

٦٠. هر آن نعمتی که در اختیار شما قرار بگیرد توشه عیش دنیا است و زیب و زیور آن و آنچه در پیشگاه خدا ذخیره باشد بهتر و پایاتر است. آیا اندیشه ندارید؟

٦١. آیا آن کسی که ما به او وعده نیکو داده‌ایم و در قیامت دیدگانش به دیدار وعده ما

كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ٦٢ قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ ٦٣ وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ٦٤ وَيَوْمَ يَنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ٦٥ فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ ٦٦ فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ ٦٧ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ٦٨ وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ٦٩ وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي

روشن می‌شود با آن کسی برابر می‌شود که از توشه دنیا کامیابش کرده‌ایم و روز قیامت در عذاب دوزخ حضور خواهد داشت.

٦٢. آن روز که پروردگارشان آوازشان دهد: کجایند آن خدایانی که تصور می‌کردید در خدایی من، با من شریک و انبازند؟

٦٣. و سران سروران شیطان صفت که حکم دوزخ درباره آنان صادر شده است پاسخ می‌دهند که پروردگارا! این مردمی را که ما با کج‌خردی و کج‌اندیشی به گمراهی کشانیدیم به همان صورت که اندیشه ما به غلط رفت و گمراه شدیم آنان را هم به کج‌اندیشی و گمراهی کشانیدیم. ما از طاعت این مردم و خداوندگاری خود به پیشگاه تو اظهار برائت و بی‌زاری داریم. اینان ما را پرستش نمی‌کردند بلکه از ما درس می‌گرفتند و راه کج‌اندیشی را برای نسل بعدی هموار می‌نمودند.

٦٤. و به کافران مشرک خطاب شود که خدایانتان را به یاری بخوانید تا شما را از دوزخ برهانند و مشرکان فریاد برآرند و خدایان پوشالی خود را به یاری فراخوانند و خدایانشان پاسخ ندهند و یاری نکنند. و در این هنگام که عذاب خدا را قطعی ببینند آرزو نمایند: ای کاش درصدد رهیابی و ایمان بودند و به دوزخ نمی‌افتادند.

٦٥. آن روز پروردگارشان ندا برکشد که شما مردم به دعوت رسولان من چه پاسخی داده‌اید؟

٦٦. در آن روز راه خبر بر روی آنان بسته باشد و مات و مبهوت به هم می‌نگرند و از هم چیزی نمی‌پرسند.

٦٧. اما هر آن کس که از بافته‌های ناصواب خود بازگردد و ایمان بیاورد و کار شایسته انجام دهد، امید آن می‌رود که چون دیگران به رستگاری از دوزخ دست یابد.

٦٨. پروردگار تو هرچه بخواهد می‌آفریند و هر که را بخواهد به رسالت برمی‌گزیند. در شأن

الْأُولَى وَالْآخِرَةَ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۗ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَضِيَاءَ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ۗ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَلِيلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ۗ وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۗ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ۗ وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۗ إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى

آفریدگان او نیست که برای خود رسولی برگزینند و یا کسی را به خدایی بگیرند. منزه و والا است خداوند رحمان که همتای خدای مشرکان بوده باشد.

۶۹. پروردگار تو می‌داند که در دل این مردم چه رازها نهان می‌ماند و کدامین رازها را از سینه برون می‌اندازند.

۷۰. اوست خداوند جهان، جز او خدایی نیست، نعمت دنیا و آخرت از آن اوست سپاس و ستایش هم از آن اوست و فرمان هم زبینه‌شان او است و شما مردم به سوی او بازگردان می‌شوید.

۷۱. به این مشرکان بگو: شما خودتان قضاوت کنید، اگر خداوند جهان شب را تا قیامت بر سر شما پاینده سازد غیر از خداوند جهان کیست که خدایی کند و برای شما روشنایی بیاورد؟ آیا گوش خود را باز نمی‌کنید؟

۷۲. بگو: شما قضاوت کنید. اگر خداوند جهان روز را تا قیامت بر سر شما پاینده نگه‌دارد غیر از خداوند جهان کیست که خدایی کند و شب را به شما بازگرداند تا در ساعات شب آرام بگیرید؟ آیا چشم خود را باز نمی‌کنید؟

۷۳. این لطف و رحمت خداوند است که برای شما شب و روز را برقرار فرمود تا شب‌ها آرام بگیرید و روزها از فضل خدا جویای نعمت و رحمت شوید و در فواصل مختلف با نماز و دعا به شکر نعمت او بپردازید.

۷۴. آن‌روز که پروردگارت به مشرکان بگوید: کجایند آن خدایانی که تصور می‌کردید در تربیت و زیست شما با من شریک و انبازند؟

۷۵. و از میان هر امتی یک تن آگاه و مطلع را بیرون آوریم و بگوییم شما که فیلسوف مردم‌شناس و یا محقق زیست‌جوامع بوده‌اید و رسالت و ربوبیت را منکر بوده‌اید اینک برهان و حجت خود را ارائه نمایید. ولی این جمع دانشمندان و محققان جز سکوت و

فَبَعَىٰ عَلَيْهِمْ وَأَتَيْنَاهُم مِّنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ
 إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ^{٧٦} وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا
 وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ^{٧٧} قَالَ
 إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ
 قُوَّةً وَأَكْثَرَ جَمْعًا وَلَا يَسْأَلُ عَن ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ ^{٧٨} فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ
 يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ^{٧٩} وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا

سرافکندگی پاسخی ندارند و با مشاهده رستاخیز و قیامت دانسته‌اند که حق با خداست و بافته‌های فکری خود را از کف نهاده‌اند.

۷۶. بی‌شک قارون از قوم و تبار موسی بود که به سود خود بر علیه هم‌تباران خود با فرعونیان یار و هم‌صدا شده بود و ما از گنجینه‌های زر و گوهر چندان بدو عطا کرده بودیم که حمل کلیدهای مخازن او بر چندتن مردان قوی پنجه گرانی می‌کرد. آن‌روز که مردم قارون به او گفتند: بر این ناز و نعمت، شادی مگیر که خداوند جهان مردمان شادی‌طلب را دوست نمی‌دارد.

۷۷. با این ناز و نعمتی که خدایت عطا کرده است زندگی آخرت را بجوی و سهم خود را از زندگی دنیا از یاد مبر. به بندگان خدا نیکی و احسان کن همان‌سان که خداوند جهان به تو نیکی و احسان کرده است و این ناز و نعمت را در اختیارت نهاده است. در زمین خواهان قتل و غارت مباش که خداوند جهان مردمان مفسده‌جو را دوست نمی‌دارد.

۷۸. قارون به آنان گفت: ناز و نعمت من میراث پدر پدر نیست که بی‌پشتوانه باشد و نه بادآورده‌ای که برباد رود. من این ناز و نعمت را با دانشی به دست آورده‌ام که در سینه من محفوظ است و بدین شادمانی گرفته‌ام که ناز و نعمت من پایا است. آیا نمی‌دانست که دانش و اطلاع بشر ضامن سعادت او نیست و یا نمی‌دانست که خداوند جهان پیش از او نام‌آورانی را به دست نابودی و هلاک سپرده است که در ساخت‌وساز صنایع و استخراج معادن نیرومندتر و در گردآوری حشم و خدم کارگران و چاکران، توفیق بیشتری داشته‌اند؟ این نام‌آوران در اثر طغیان ثروت بنیان‌گزار فساد و تبه‌کاری بودند که بی‌محاکمه نابود شدند. پیشوایان فساد و سروران تبه‌کار بازپرسی و محاکمه ندارند.

۷۹. قارون با زیب و زیور زندگی و در میان خادمان و چاکران بر مردم هم‌تبار خود ظاهر گشت. آن‌دسته از مردم که زندگی دنیا را می‌جویند گفتند: ای کاش که برای ما هم ناز و

الْعِلْمِ وَيَلِكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ^{٨٠} فَخَسَفْنَا بِهِ
وَبَدَارَهُ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ^{٨١} وَأَصْبَحَ
الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَانَ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْ لَا أَنْ
مِّنَ اللَّهِ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيَكَانَهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ^{٨٢} تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ
عُلُوقًا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ^{٨٣} مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ
فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^{٨٤} إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ

نعمتی چون ناز و نعمت قارون دست می‌داد. بی شک قارون، کامیابی بزرگی دارد.

٨٠. و آن دسته از مردم که علم و ایمانی حاصل کرده بودند به آنان گفتند: وای بر شما، بهشت خدا برای آن کسانی که ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند از ناز و نعمت دنیا والاتر است. پاداش بهشت را جز مردمان صابر و شکیبیا به دست نمی‌آورند.

٨١. سحرگاهان یک‌روز قارون را با خانه و کاشانه‌اش با خدم و حشم، با زیب و زیورش و تمام چاکران و نوکرانش به زمین فروکشیدیم. در آن روز او را حزب و دسته‌ای در میان نبود که به یاری بشتابند جز خداوند جهان که او را به عذاب و کیفر گرفته بود و نه او را قدرت دفاع و یا حمله‌ای بر تن بود که انتقام بگیرد و یا خود را از چنگال عذاب خدا برهاند.

٨٢. فردای آن روز همان کسانی که دیروز موقعیت قارون را آرزو می‌کردند این زمزمه را بر لب داشتند که ای عجب، گویا رزق و روزی نه شانس و اقبال است و نه علم و دانش انحصاری. بلکه خداوند جهان، روزی این جهان را برای هرکس بخواهد گسترده و موفور می‌سازد و برای هرکس که بخواهد محدود می‌کند. اگر نه آن بود که خداوند رحمان با این روزی محدودی که داریم بر ما منت نهاده است ما را نیز مانند قارون به زمین فرو می‌کشید. ای عجب، گویا قرار جهان بر این نیست که کافران روی رستگاری ببینند.

٨٣. آن ناز و نعمت آخرت که وصف آن را به قرآن آورده‌ایم برای کسانی برقرار می‌سازیم که در صفحات گیتی جویای جاه و مقام و خواهان تباهی دیگران نباشند. اینک زندگی دنیا در اختیار کافران است و پایان و فرجام زندگی از آن پرهیزکاران خواهد بود.

٨٤. هرکس با یک کار نیک به صحرای قیامت درآید پاداشی بهتر از آن دریافت می‌کند و هرکس با کار زشت و ناصواب به محشر درآید سزای همان کردار خود را دریافت می‌کند در این صورت تمام آن کسانی که دستاورد ناصوابی دارند سزایی نمی‌بینند جز سزای همان کاری که می‌کرده‌اند.

إِلَى مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ^{٨٥} وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ
 إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ ^{٨٦} وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ
 إِذْ أَنْزَلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ^{٨٧} وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا
 هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ^{٨٨}

٨٥. به یقین خدایی که اجرای قرآن را بر تو فرض و قطعی ساخته است بعد از مرگ مجدداً به این دنیا بازت خواهد آورد تا برنامه‌های قرآن را به کمال برسانی. به اینان بگو: پروردگار من بهتر می‌داند چه کسی با چراغ هدایت آمده است و چه کسی آشکارا در حیرت و بیراهه قدم برمی‌دارد.

٨٦. تو سال‌ها فکر کردی و امید نمی‌بردی که راه خود را بیابی و هرگز در انتظار این موهبت نبودى که فرمان رسالت و کتاب قرآن به سويت فرآید جز آن که رحمت پروردگارت فرایت گرفت و قرآن را بر تو نازل کرد که هم رهیاب شدی و هم‌راهنمای جهانیان گشتی. پس به پاس این موهبت مبدا پشیمان کافران باشی.

٨٧. مبدا این کافران تو را از تلاوت آیات خدا بازدارند بعد از آن که آیات خدا برای ابلاغ و تلاوت بر تو نازل شده است. مردم را به سوی پروردگارت بخوان و مبدا از مشرکان باشی و از دیگران یاری طلب نمایی.

٨٨. با وجود خداوند رحمان کسی را به خدایی مگیر. جز او خدایی نیست هر چیزی رو به نابودی است جز جمال او که جاوید است فرمان اوراست و شما مردم به سوی او بازگردان می‌شوید.

العنكبوت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الم ^١ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ^٢ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ^٣ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ^٤ مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ^٥ وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ^٦ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ^٧ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ^٨ وَالَّذِينَ

١. ل. م.

٢. آیا مردمان پنداشته‌اند که با گفتن «آمنّا و صدّقنا» آنان را به حال خود وامی‌گذارند بی‌آن‌که در فتنه‌ها آزمون گردند.

٣. ما امت‌های پیشین را به هم آزمون نهادیم خداوند رحمان باید بشناسد کسانی را که راست گفته‌اند و باید بشناسد کسانی را که دروغ گفته‌اند و تظاهر می‌کنند.

٤. و یا آن کسانی که دست به کارهای نامشروع و رسوا می‌زنند با خود پنداشته‌اند که از پیش ما می‌گریزند و ما از تعقیب آنان درمانده می‌شویم و بر آنان دست نمی‌یابیم؟ این قضاوت ناصوابی است.

٥. هرکس در اثر ایمان و کردار صواب امید و انتظار آن را دارد که در قیامت با خداوند رحمان دیدار کند باید بداند که میقات خدا آمدنی است. او نیایش مؤمنان را می‌شنود و به حال و روز آنان دانا است.

٦. هرکس در راه خدا تلاش کند بی‌شک به سود خود تلاش می‌کند. خداوند رحمان از تلاش جهانیان بی‌نیاز است.

٧. اما آن کسانی که ایمان آورده‌اند و دستاورد صالحی دارند بی‌شک بدی‌های کردارشان را از نامه اعمالشان محو می‌نماییم و دستاورد نیکویشان را به نیکوتر از صورتی که بجا آورده‌اند پاداش می‌دهیم.

٨. ما به انسان توصیه کردیم که با پدر و مادر احسان کن. با وجود این به او گفتیم که اگر پدر و مادر تلاش کردند تا خدایی را که نمی‌شناسی با من شریک و هم‌تا بدانی از آنان اطاعت مکن. بازگشت شما به سوی من است و آن‌روز من شما را از نتیجه دستاوردتان

أَمِنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ^٩ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولَنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْلَىٰ آلِلَّهِ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ^{١٠} وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ^{١١} وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ^{١٢} وَلِيَحْمِلَنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيَسْأَلَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتُرُونَ^{١٣} وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ^{١٤} فَانجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ^{١٥} وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا

باخبر خواهم ساخت.

٩. و آن کسانی را که ایمان آورده‌اند و کردار شایسته‌ای بجا آورده‌اند در زمره صالحان جای خواهیم داد.

١٠. برخی از مردمان، صادقانه ایمان می‌آورند و در برابر مشکلات زندگی صبور و شکیبا می‌مانند و برخی از مردمان با لقلقه زبان می‌گویند که ما ایمان آورده‌ایم ولی چون در راه خدا مورد آزار مخالفان قرار بگیرند شکنجه آدمیان را مانند عذاب خدا تلقی می‌کنند که باید از آن بگریزند و به طاعت آنان تن بدهند. اما اگر نصرتی از پیشگاه پروردگارت فرارسد به نزد شما می‌شتابند و می‌گویند که ما هم با شما همراه و هم‌رأی بودیم و در این نصرت نصیب و بهره‌ای داریم. آیا می‌خواهند که خدا را فریب بدهند؟ و یا فکر می‌کنند که خداوند جهان به راز سینه‌های جهانیان داناتر نیست؟

١١. بدین خاطر است که خداوند جهان باید کسانی را شناسایی کند که به راستی ایمان آورده‌اند و منافقان را شناسایی کند که برای فریب خدا و رسول خدا و محافظه‌کاری با خلق خدا به دروغ، اظهار ایمان دارند.

١٢. کافران به مؤمنان گفتند که از ایمان خود بازگردید و راه ما را دنبال کنید و اگر معلوم شد که راه ما بر خطا است جرم شما را بر عهده می‌گیریم. آنان هرگز خطای دیگران را بر دوش نمی‌گیرند. بی‌شک کافران دروغ می‌گویند.

١٣. این کافران باید هم بار سنگین خود را بر دوش بکشند و هم بار سنگین آن مسئولیت‌ها که از راه فریبکاری و اغوای مردم بر دوش آنان بار می‌شود. این کافران روز قیامت از بافته‌های شرک‌آمیز خود که بر خدا می‌بندند باید مورد بازپرسی قرار بگیرند.

١٤. ما نوح را به سوی مردم گسیل کردیم و او در میان امت خود نهصدوپنجاه سال

اللَّهِ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ^{١٦} إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ^{١٧} وَإِن تَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ^{١٨} أَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ^{١٩} قُل سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^{٢٠} يُعَذِّبُ مَنْ

مقاومت کرد و نتیجه مطلوبی به دست نیاورد. به کیفر تمرد و کفران، طوفان آب، آنان را فراگرفت و همگان سیه‌کار بودند.

۱۵. ما نوح را با اهل کشتی نجات دادیم و کشتی را برای جهانیان نشانه صدق رسالت قرار دادیم.

۱۶. ما ابراهیم را به سوی مردم گسیل کردیم، آن روز با قوم خود گفت: خداوند رحمان را پرستید و از خشم او بترسید. اگر شما اهل دانش و اطلاع باشید می‌دانید که ترس و پرهیز از خشم خدا برای شما بهتر از بی‌بندوباری است.

۱۷. شما در عوض خداوند جهان سنگ‌های تراشیده را عبادت می‌کنید و برای توجیه این عبادت فلسفه شرک را با فریب و دغل ترویج می‌نمایید. این سنگ‌ها که شما در عوض خداوند جهان می‌پرستید روزی شما را در اختیار ندارند که با پرستش آنها روزی وافر به دست آورید. روزی شما در اختیار خداوند رحمان است روزی را از پیشگاه او بجوید و همو را پرستید و شاکر نعمت‌های او باشید. در پایان زندگی شما به سوی او بازگردان می‌شوید.

۱۸. گفتند: رسالت ما را تکذیب کنید بر ما ناگوار نخواهد بود چرا که پیش از شما امت‌های دیگری هم باید الهی را تکذیب کرده‌اند. بر رسول خدا در هر عصری که باشد جز ابلاغ پیام به صورت آشکار آن، تکلیف دیگری نخواهد بود.

۱۹. آیا نمی‌بینند که خداوند جهان آفرینش نبات و حیوان را بر چه منوالی دنبال می‌کند؟ و یا ندیده‌اند که خداوند جهان چسان آفرینش حیات را آغاز کرده است؟ خداوند جهان حیات را بر قالب اول تجدید خواهد کرد. تجدید حیات و اعاده زندگی بر خداوند جهان آسان است.

۲۰. اگر کافران می‌گویند که ما از آغاز جهان بی‌خبریم بگو در صفحات زمین بچرخید و با چشم حقیقت‌بین بنگرید که خداوند جهان چسان آفرینش را آغاز کرده است؟ خداوند جهان بعد از انقراض حیات و نابودی نسل بشر، نوبت دیگر حیات و زندگی را برای عالم بعدی شکوفا می‌سازد. بی‌شک خداوند جهان بر هر پدیده‌ای توانا است.

يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ ۲۱ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۲۲ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَكْفُرُونَ وَمَا كَفَرُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ وَمَا يَكْفُرُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ۲۳ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۲۴ وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۲۵ فَأَمَنْ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۲۶ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَأَتَيْنَاهُ آجُرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ

۲۱. و چون عالم آخرت برپا گردد هر که را بخواهد عذاب کند و هر که را بخواهد مورد مغفرت و رحمت قرار می دهد همه شما به سوی او منتقل می شوید.

۲۲. شما مردم با گریختن از عرصات زمین و فضای بیکران آسمان از چنگ ما خلاصی ندارید. برای شما غیر از خداوند رحمان سرپرست و یآوری وجود ندارد.

۲۳. آن کسانی که به آیات خدا و ملاقات او در قیامت کافر شده اند از رحمت من ناامید و محرومند و برای آنان عذاب دردناک دوزخ مهیا است.

۲۴. از آن پس که ابراهیم مردم خود را انداز و تبلیغ کرد پاسخ مردم جز این نبود که «باید او را به جرم توهین و اهانت به خدایان معبد بکشید و یا آتش بزیند». مردم او را به آتش افکندند و خداوند رحمان او را از آتش به سلامت نجات بخشید. در این نجات بخشی از آتش برای اهل ایمان نشانه های صدق رسالت برقرار است.

۲۵. ابراهیم به مردم خود گفت: جز این نیست که شما در عوض خداوند جهان، بت ها را به خدایی گرفته اید تا در زندگی دنیا، دوستی و همبستگی شما برقرار بماند اما روز قیامت دوستی ها و همبستگی ها درهم می ریزد، این یک، آن یک، آن یک را کافر و ناسپاس می شمارد، آن یک، این یک را لعنت و نفرین می کند. آن روز، ندامت و لعنت سودی نمی بخشد و جایگاه شما کافران، دوزخ فروزان است و برای شما یآوری وجود ندارد که شما را از آتش دوزخ برهاند.

۲۶. از میان عشیره ابراهیم تنها خواهرزاده اش لوط به او ایمان آورد و گفت: من از میان این مردم کافر هجرت می کنم و به جایی می روم که آزادانه خدای خود را عبادت کنم. بی شک خداوند رحمان عزتمند و کاردان است.

الصَّالِحِينَ^{٢٧} وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ^{٢٨} أُنْتُمْ لَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ^{٢٩} قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ^{٣٠} وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنْ أَهْلُهَا كَانُوا ظَالِمِينَ^{٣١} قَالَ إِنْ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ^{٣٢} وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُونَكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ^{٣٣} إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا

٢٧. به فرجام ما به ابراهیم اسحاق و یعقوب را عطا کردیم و در نسل او رسالت و فرمان را برقرار نمودیم. پاداش او را در همین دنیا عطا نمودیم و او در آخرت نیز از صالحان است.

٢٨. لوط را هم به رسالت برانگیختیم آن روز که با مردم خود گفت: شما مردم به ارتکاب فاحشه‌ای دست می‌زنید که هیچ‌کس از جهانیان پیش از شما به ارتکاب این فاحشه سبقت نگرفت.

٢٩. آیا تا این حد فاسد شده‌اید که با مردان درآمیزید و برای این کار شنیع خود، راه را بر مسافران و رهگذران می‌برید و در مجالس عمومی و در انظار مردان و زنان و کودکان به این کار ناپسند و ناآشنا اقدام می‌کنید؟ پاسخ آن مردم جز این نبود که گفتند: اگر راست می‌گویی که این کار ما خشم و عذاب خدا را به دنبال دارد عذاب او را بر سر ما نازل کن.

٣٠. لوط به هنگام نیایش گفت: پروردگارا! مرا بر این قوم فاسد نصرت عطا کن.

٣١. و چون رسولان عذاب، در سر راه خود به حضور ابراهیم رسیدند تا او و همسرش را به میلاد اسحاق بشارت بدهند به ابراهیم گفتند: ما برای این فرود آمده‌ایم تا شاهد هلاکت این شهرها باشیم که بی‌شک مردم آن سیه‌کارند.

٣٢. ابراهیم به آنان گفت: لوط هم که در همان شهر و دیار است؟ فرشتگان گفتند: ما ساکنان آن شهرها را بهتر می‌شناسیم. به یقین ما لوط را با خاندانش از آنجا نجات می‌بخشیم جز همسرش را که در تقدیر الهی دیدیم که از باقی‌ماندگان است.

٣٣. موقعی که رسولان ما به حضور لوط رسیدند لوط از دیدار آنان ملول و بدحال شد و از پذیرفتن آنان، دل‌تنگ و نگران بود. رسولان ما که از قلب اندوهگین او باخبر گشتند بدو گفتند: مترس و اندوهگین مباش. ما تو را و خانواده‌ات را - به غیر از همسرت که از باقی‌ماندگان در عذاب است - همه را از این شهر و دیار نجات می‌بخشیم.

يَفْسُقُونَ ٣٤ وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ٣٥ وَإِلَىٰ مَدِينَةِٰ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْبُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ٣٦ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثْمِينَ ٣٧ وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّنْ مَّسَاكِينِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ ٣٨ وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُّوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ ٣٩ فَكَلَّمْنَا بَدْنِيهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَّنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَّنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ٤٠ مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ

٣٤. ما بر سر این مردم عذابی از آسمان نازل می‌کنیم چرا که اینان مردمی تبهکار و فاسق بوده‌اند.

٣٥. ما عذاب را بر سر آنان نازل کردیم و همگان را هلاک کردیم و از ویرانه‌های آن سرزمین نشانه‌ای برای اندیشمندان برجا نهادیم.

٣٦. ما شعیب را هم به سوی هم‌تبارانش، مردم مدین به رسالت فرستادیم، شعیب به آنان گفت: ای مردم من! خدا را بپرستید و به روز واپسین قیامت، امیدوارِ نعمت‌های خدا باشید و هرگز در عرصهٔ زمین به فساد و تباهی سعی و تلاش مورزید.

٣٧. مردم مدین شعیب را تکذیب نمودند و در اثر تکذیب با سقوط یک شهاب‌سنگ آسمانی سرزمینشان به لرزه درآمد و فردا صبح، آن همگان در خانه‌هایشان زانورده بر زمین، زیر آوار بودند.

٣٨. بر همین منوال قوم عاد و قوم ثمود را هلاک و نابود کردیم. راستی و درستی این سخن از خانه‌ها و کاشانه‌هایشان بر شما مکشوف است. شیطان کردار ناپسند و افکار باطل آنان را در نظرشان آراست و از پیروی راه حق بازشان داشت با آن‌که اهل بصیرت و بیش بودند.

٣٩. قارون و فرعون و هامان را هم نابود کردیم. به یقین موسی با دلایل روشن به نزد آنان رفت و پیام خدا را ابلاغ کرد. آنان در آن سرزمین خواهان کبریا و بزرگی بودند و با شتاب و سرعتی که در فرار خود داشتند در چنگال ما گرفتار آمدند.

٤٠. ما همهٔ آنان را به کیفر گناهانشان مأخوذ نمودیم، بر سر قوم عاد شن‌های آسمانی فروریختیم که در زیر آن مدفون گشتند. بر سر قوم ثمود شهاب‌سنگ آسمانی فروانداختیم که با غرش سهمگین آن، قالب تهی کردند. قارون و چاکرانش را به زمین فرو بردیم. فرعونیان را در آب دریا غرقه کردیم. خداوند رحمان‌خدایی نبود که آنان را سیاه کند. آنان

كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ^{٤١} إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ^{٤٢} وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَاسٍ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ^{٤٣} خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ^{٤٤} اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ^{٤٥} وَلَا تَجَادَلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ^{٤٦} وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ

خودشان بودند که جان خود را به سیاهی کشاندند.

٤١. حکایت آن مردمی که غیر از خدا، خدایان دیگری برای سرپرستی و حمایت خود برگرفتند حکایت عنکبوت است که از لعاب دهانش برای خود خانه‌ای اتخاذ می‌کند و بی‌شک سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است. کاش مردمان، این نکته را می‌دانستند.

٤٢. خداوند رحمان می‌داند که مشرکان در عوض خداوند جهان چه موجودات موهومی را پرستش می‌کنند که آنها را به تار عنکبوت مثل می‌زند و همو عزتمند و کاردان است.

٤٣. ما این مثل‌ها را برای شناخت و معرفت مردم می‌زینیم ولی جز مردمان دانشمند به عمق مسائل نمی‌رسند.

٤٤. خداوند جهان آسمان‌ها و زمین را به درستی و برحق آفرید نه آن که بازیچه و سرگرمی باشد. به یقین در آفرینش آسمان‌ها و زمین برای مؤمنان نشانه راستی و درستی مشهود است.

٤٥. اینک آیات قرآن را که به سویت اشارت شد بر مردم تلاوت کن و نماز را برپا بدار. نماز می‌تواند رابطه مردم را با خدا تقویت کند و آنان را از ارتکاب رسوایی‌ها و زشتی‌ها بازمی‌دارد. بی‌شک یاد خداوند رحمان بزرگتر از هر امر و ناهی است. خداوند رحمان به ساخت و ساز شما مردم دانا است.

٤٦. شما با یهود و نصاری که اهل کتابند به جدل منشینید مگر به صورت بهتر آن، که افراد بی‌طرف، حاضر مجلس باشند و قضاوت کنند به استثنای آن دسته از یهود و نصاری که سیه‌کارند و جدل کردن با آنان بی‌ثمر است؛ با اینان بحث و جدل نکنید فقط بگویید که ما به قرآنی که بر ما نازل شده ایمان داریم و به توراتی هم که بر شما نازل شده است ایمان داریم. خدای ما و خدای شما یکی است و ما در برابر او تسلیم و متقادیم.

بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ^{٤٧} وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخْطُهُ بِيَمِينِكَ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ^{٤٨} بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ^{٤٩} وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ^{٥٠} أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَى لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ^{٥١} قُلْ كَفَى بِاللَّهِ بَيِّنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ^{٥٢} وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلِيَأْتِيَنَّهُمْ

٤٧. ما با چنین شیوه عملی و اخلاقی کتاب قرآن را به سوی تو نازل کردیم. اینک کسانی که ما کتاب تورات و انجیل را به آنان عطا کرده‌ایم با همین نشانه‌ها قرآن را می‌شناسند و ایمان آورده‌اند. از این مردم مشرک نیز کسانی هستند که با روح سالم به قرآن تو ایمان می‌آورند و کسانی هستند که با سیه‌کاری و پرده‌پوشی به قرآن تو کافر می‌شوند. صحت آیات ما را کسی انکار نمی‌کند جز آنان که ناسپاس و کافر باشند.

٤٨. تو پیش از نزول قرآن مکتب ندیده بودی که از روی کتاب و نبشته‌ای تلاوت کنی و یا آن را با دست خود به کتابت بیاوری که اگر چنین بود مردمان باطل‌گرا در شک و تردید به سر می‌بردند.

٤٩. کتاب قرآن ساخته دست بشر نیست بلکه آیات روشنی است که در سینه مردان خدا که علم و ایمان را باهم دریافته‌اند جا گرفته است. کسی آیات ما را منکر نمی‌شود جز آنان که سیه‌کارند.

٥٠. مشرکان گفته‌اند که چرا معجزه‌ای از پیشگاه پروردگارش بر او نازل نمی‌گردد. بگو نشانه‌هایی که شما خواهان آن هستید فقط در اختیار خداوند جهان است نه در اختیار من. جز این نیست که من اخطارکننده‌ای هستم که باید آشکارا پیام خود را اعلام نمایم.

٥١. آیا تذکار نشانه‌های خدایی در آفاق و انفس برای روشن شدن حقیقت کافی نبود؟ آیا همین نشانه آنان را کفایت نکرد که ما کتاب قرآن را بر تو نازل کردیم که روز و شب بر آنان تلاوت می‌شود؟ در این قرآن برای مردمی که اهل ایمان باشند و ایمان بیاورند رحمتی است که سعادت دنیا و آخرتشان را تأمین می‌کند و خاطره‌ای است که نام آنان را جاوید و پایدار خواهد ساخت.

٥٢. اگر کافران، معجزه قرآن را کافی نمی‌دانند بگو: در قضاوت میان من و میان شما، تنها خداوند رحمان کافی است. آنچه را که در آسمان‌ها و زمین باشد می‌داند و از ادعای من و

بَعْتَهُ وَهُمْ لَا يُشْعُرُونَ ۵۳ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ۵۴ يَوْمَ يَغْشَاهُمْ
 الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۵۵ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا
 إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيبَايَ فَاعْبُدُونِ ۵۶ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ۵۷ وَالَّذِينَ آمَنُوا
 وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ
 الْعَامِلِينَ ۵۸ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۵۹ وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا
 وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۶۰ وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

انکار شما باخبر است و در این زمینه داوری خواهد کرد. آنان که بافته‌های شرک‌آمیز را باور کرده‌اند و خدای قرآن را منکر شده‌اند هم‌آنها بید که در زندگی دنیا خاسر و زیانکارند.
 ۵۳. کافران از تو می‌خواهند که هرچه زودتر تهدید عذاب را به مرحله اجرا بگذاریم. اگر نه آن بود که انقراض امت‌ها وقت و هنگام مشخصی دارد عذاب الهی بر آنان نازل می‌گشت. بی‌شک عذاب الهی ناگهان بر سر آنان خواهد تاخت درحالی که بی‌خبر سرگرم زندگی باشند.

۵۴. کافران، هرچه سریع‌تر عذاب الهی را خواهان شده‌اند درحالی که آتش دوزخ از شش‌جهت بر کافران فراگیر است.

۵۵. آن‌روز که آتش دوزخ از فراز سر و زیر پا فرا بگیرد، خداوند جهان پاسخ این شتاب را خواهد داد و به آنان می‌گوید: سزای دستاورد خود را بچشید.

۵۶. ای بندگان من! شما که ایمان آورده‌اید این را بدانید که زمین من گسترده و پهناور است. برای تحصیل روزی به سرزمین کفر مچسبید و به سایر بوم‌ها و برها منتقل شوید تا فقط مرا بپرستید و از فرمان من اطاعت نمایید.

۵۷. هرکس در هر جا که باشد طعم مرگ را خواهد چشید از پس مرگ، همه شما به پیشگاه ما بازگردان می‌شوید.

۵۸. آن کسانی که ایمان آورده‌اند و دستاورد صالحی با خود آورده‌اند بستر آنان را در غرفه‌های بهشتی آماده می‌سازیم که از زیر درختانش نهرها روان باشد و جاودانه در آن بمانند پاداش اهل طاعت، پاداش خوبی است.

۵۹. همان‌ها که بر سختی‌های زندگی شکیبا ماندند و بر پروردگارشان توکل می‌نمایند.

۶۰. چه بسیارند جنبندگان ذی‌حیاتی که نمی‌توانند مسئولیت روزی را بر دوش بگیرند و خداوند رحمان به آنان روزی می‌دهد و به شما نیز که خود مسئولیت تحصیل روزی را بر

لَيَقُولَنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ^{٦١} اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِن عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ^{٦٢} وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ^{٦٣} وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ^{٦٤} فَأِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ^{٦٥} لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ^{٦٦} أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا

دوش می کشید. خداوند رحمان درخواست شما را می شنود. به نیازمندی های شما دانا است. ٦١. به حق سوگند که اگر از کافران بپرسی چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را رام و مسخر کرده است، بی شک خواهند گفت: که خداوند رحمان آسمان ها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را مسخر کرده است. در این صورت به سوی کدام خدا چرخانده می شوند؟

٦٢. همان خداوند رحمان است که برای هرکس بخواهد روزی خود را گسترده می سازد و برای هرکس بخواهد روزی خود را محدود می کند. به یقین خداوند رحمان به هر پدیده ای دانا است.

٦٣. به حق سوگند که اگر از کافران بپرسی چه کسی از آسمان متناوباً باران نازل می کند و زمین را بعد از مرگ و سکوت، زنده و پویا ساخته است، به یقین خواهند گفت: خداوند رحمان باران را نازل کرده و زمین را احیاء کرده است. بگو: خدا را شکر که تا این حد به حقیقت اعتراف دارید. نه چنین است که اعتراف آنان بر اساس عقل و اندیشه ژرف باشد. اکثریت آنان عقل و اندیشه به کار نمی بندند که اگر نیازمندی های زندگی در دست خداوند جهان است پس خدایان پوشالی آنان چه محلی از خدایی دارند!

٦٤. زندگی دنیا با همه جلا و طراوت آن به خاطر بی ثباتی و پوچی و انقلابات روزمره جز سرگرمی و بازی چیز دیگری نخواهد بود. بی شک خانه آخرت خانه زندگی و حیات است که همواره با صفا و امنیت و نعمت جاویدان همراه است. کاش مردمان می دانستند.

٦٥. و چون کافران بر کشتی سوار شوند همواره خداوند رحمان را به حکایت و حفظ خود فرامی خوانند و خالصانه با نذر و نیاز، طاعت او را تعهد می نمایند و چون خداوند رحمان از دریا به ساحل نجاتشان برساند ناگهان در سیمای شرک خود ظاهر می شوند.

٦٦. باشد به نعمت هایی که ما عطایشان کرده ایم ناسپاسی کنند و کفر بورزند و کامیابی حاصل کنند، به زودی می دانند که سزای کفر و ناسپاسی چیست؟

حَرَمًا أَمْنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ ^{٦٧} وَمَنْ أَظْلَمُ
مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ^{٦٨}
وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ^{٦٩}

٦٧. آیا در این زمین لایزرع نعمت‌ها و ثروت‌های جهان را برایشان سوغات نکردیم؟ و یا سرزمین مکه را حرم امن خود قرار ندادیم که گرگان جزیره‌العرب در آن رام و سربزیر باشند با آن که سایر مردم در اطراف حرم با چنگ و دندان همین گرگان شکار می‌شوند؟ آیا به دروغ خدایان، ایمان می‌آورند و به نعمت‌های خدا کافر می‌شوند.

٦٨. کیست که سیه‌کارتر باشد از کسی که دروغی را بیافد و بر خدا ببندد و یا سخن راست و درست را بشنود ولی تکذیب نماید؟ سیه‌کاری همان کفر و ناسپاسی است و سیه‌کاران باید کیفر خود را ببینند. آیا نه این است که جای کافران در دوزخ مهیا شده است.

٦٩. و آنان که در راه ما تلاش کنند بی‌شک آنان را به راه خود هدایت می‌کنیم. خداوند رحمان تلاشگران را دوست دارد و با صاحبان احسان همراه است.

الرُّوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الم ۱ غُلِبَتِ الرُّومُ ۲ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ ۳ فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ۴ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۵ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۶ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ ۷ أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ ۸ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۹ ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَِ الْأَسَاوُوا السَّوَاءَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ ۱۰

۱. ا. ل. م.

۲. رومیان که بر دین مسیحند به دست مجوسیان مغلوب گشتند.

۳. صحنهٔ بیکار به سرزمین شما نزدیکتر بود و به سرزمین روم و ایران دورتر. ولی رومیان بعد از این شکست به زودی پیروز می‌شوند.

۴. فقط ظرف چندسال، فرمان قضا در دست خداوند جهان است از این‌پیش و از این‌پس. آن‌روز که رومیان پیروز شوند مؤمنان نیز شاد و خرم می‌شوند.

۵. با نصرت الهی در جنگ بدر، خداوند هر که را بخواهد نصرت می‌دهد و او عزتمند و مهربان است.

۶. وعدهٔ خدا را اعلام کنید و به انتظار نصرت بنشینید. خداوند رحمان وعدهٔ خود را خلاف نخواهد کرد. اما بیشتر مردم نمی‌دانند.

۷. مردم فقط نمودی از زندگی دنیا را می‌شناسند و از زندگی آخرت غافل و بی‌خبرند.

۸. آیا به گفته‌های انبیا نیندیشیده‌اند و یا پیش خود به اندیشه نپرداختند که خداوند رحمان آسمان‌ها و زمین را با آنچه در میان آسمان و زمین است جز به حق و راستی نیافریده است آنهم با سرآمد معین و پایان مقدر که به رستاخیز عمومی ختم شود. به یقین بیشتر مردم به تفکر نپرداخته‌اند که اینک به روز رستاخیز و دیدار پروردگارشان کفر می‌ورزند.

۹. آیا بر تاریخ گذشتگان مروری نکرده‌اند و یا خود در پهنهٔ گیتی به سیر و سیاحت نپرداخته‌اند تا بنگرند که تمدن‌های پیشین با چه فرجامی به آخر رسید. آنان که در قدرت و

الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ ۚ ۱۹ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ ۚ ۲۰ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۚ ۲۱ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ ۚ ۲۲ وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُسْمِعُونَ ۚ ۲۳ وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۚ ۲۴ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ

آفریده باشد و یا به مخلوقی از بندگان خود سمت خدایی داده باشد.

۱۹. خدای جهان زنده را از مرده برون می‌کشد و مرده را از زنده برون می‌آورد. خاک را بعد از مرگ و سکوت، زنده و پویا می‌سازد و شما مردم نیز به همین صورت مانند گیاهان از دل خاک برای حشر عمومی برون می‌شوید.

۲۰. از نشانه‌های خداوند رحمان است که شما را از تودهٔ خاک آفرید و پس از مراحل چند اینک با صورت بشری به هر دشت و دره‌ای پراکنده‌اید.

۲۱. و از آیات خداوند رحمان است که برای شما از بشر همجانتان جفت و همسر آفرید تا برای آرامش جان و تن به سوی آنها شوید و میان شما نوع بشر دوستی و مهربانی برقرار نمود تا به هم پیوند یابید و انس بگیرید. بی‌شک در تطور این مراحل آیات و نشانه‌های ربوبی - برای آن مردمی که بیندیشند - کاملاً مشهود است.

۲۲. و از نشانه‌های خداوند رحمان آفرینش آسمان‌ها و زمین است با تفاوت زبان و رنگ شما. به یقین در این آفرینش برای مردم دانا نشانه‌های فراوانی است.

۲۳. و از نشانه‌های خداوند رحمان خواب شما است در شب تاریک و در روشنایی روز. با تلاش و کوشش روزانه برای روزی و جستجوی از فضل او، به یقین در تطور این مراحل نشانه‌های ربوبی - برای آن مردمی که سخن را آویزهٔ گوش گیرند - مشهود و آشکار است.

۲۴. و از آیات خداوند رحمان است که صاعقه را عیان می‌سازد تا بیم و امید را در دل‌ها برانگیزد و از آسمان باران فرو می‌بارد و با آن باران خاک را بعد از مرگ زمستانی احیا می‌کند و جان می‌بخشد. به یقین در این پدیده‌های سماوی نشانه‌های ربوبی - برای آن مردمی که بیندیشند - ظاهر و مشهود است.

الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ ۚ وَ لَهُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلِّ لَه قَانِتُونَ ۚ ۲۶ وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۲۷ ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۲۸ بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۲۹ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۳۰ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۳۱

۲۵. و از آیات خداوند رحمان است که بعد از بازسازی خلقت، آسمان و زمین به فرمان او در جایگاه مقرر و مدار مقدر خود قرار بگیرند و به راست و چپ انحراف نگیرند و در مراحل آخر که شما را با یک بانگ فراخواند ناگهان از دل خاک برون می‌شوید.

۲۶. هرآن ذی‌وجودی که در آسمان‌ها و زمین باشد مال او است و همهٔ آنان از دل و جان در انتظار فرمان اویند.

۲۷. او است که آفرینش را آغاز می‌کند و بعد از قیامت بازسازی می‌نماید و این بازسازی بر او آسان‌تر است. در آسمان‌ها و زمین مثل بالاتر و والاتر مال او است و او عزتمند و کاردان است.

۲۸. خداوند جهان برای شما مثلی از خودتان آورده است، آیا در میان بردگان زرخیدتان کسی همتای شما هست که در نعمت‌های ما با شما شریک باشد به صورتی که شما و آنان یکسان و برابر صاحب‌اختیار نعمت باشید و در رقابت‌های زندگی از قدرت آنان آن‌سان در بیم و هراس شوید که از رقابت سایرین در هراسید؟ با این شرح و بیان، آیات ربوبیت را برای مردمی که بیندیشند از چهره‌های مختلف به مطالعه می‌گذاریم.

۲۹. نه چنان است که مشرکان در فلسفهٔ شرک خود و تصویر «خدای خدایان»، «ارباب انواع»، «فرهوران» به راه درستی رفته باشند بلکه سیه‌کاران پندار فلسفی خود را بدون دانش و بینش دنبال کرده‌اند و اینک باید گفت: کسی را که خداوند جهان به جرم سیه‌کاری در گمراهی رها کرده است کدام رهبر فکری می‌تواند او را به راه راست و درست بازگرداند. هیچ‌کس نمی‌تواند خدازدگان را به راه راست هدایت کند و روز قیامت یار و یاورى برای آنان وجود ندارد.

۳۰. پس روی خود را به سوی قانون الهی توجیه کن و به جانب راست و چپ منگر. سرشت

مَنْ الَّذِينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ۚ وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آذَاهُمْ مِنْهُ رَحْمَةٌ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يَشْرِكُونَ ۚ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۚ أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يَشْرِكُونَ ۚ وَإِذَا آذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ ۚ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۚ فَاتِّذِرْ ذَا الْقُرْبَىٰ

خدا را دنبال کن همان سرشتی که جان مردم را بر آن بسرشت. سرشت خدایی بدل نمی‌گردد و دگرگونی نمی‌یابد که اختلاف و ابتدال را به دنبال کشد و قانون خدا کهنه شود. این همان قانون اصیل است که استوار و پابرجا است ولی اکثریت مردم نمی‌دانند.

۳۱. و شما مؤمنان نیز به سوی همین قانون خدا رو بگردانید و از خشم خدا بترسید که قانون او را بشکنید. نماز را برپا بدارید و در هیچ مظهري از مظاهر زندگی مشرک نباشید.

۳۲. از آن دسته مشرکان که دین خود را به اختلاف کشاندند و با تشکیل دسته‌جات مخالف، مذاهب مختلف را پایه‌گذاری نمودند و اینک هر گروهی به آنچه در دست دارد خرم و شادان است.

۳۳. این طبیعی است که چون به مردمان رنج و محنتی درآید پروردگار خود را به کمک می‌خوانند و رو به سوی او می‌روند و چون خداوند رحمان از پیشگاه خود طعم راحت و رحمت را به آنان بچشاند ناگهان جمعی از آنان به پروردگار خود شرک می‌ورزند و با فلسفه‌بافی به تمجید خدایان دیگر می‌پردازند.

۳۴. باشد، اینک به نعمت‌هایی که عطایشان کرده‌ایم ناسپاسی کنند و به پروردگار خود کافر شوند. شما مشرکان نیز به کامیابی دنیا بپردازید و به راه خود ادامه دهید. به زودی سزای این کفر و ناسپاسی خود را می‌بینید.

۳۵. آیا بر فلسفه‌ شرک خود حجت و برهانی در دست دارند که از آن دست بر نمی‌دارند و یا ما از آسمان سندی بر آنان نازل کردیم که از فلسفه‌ شرک و معرفی خدای خدایان و فرهوران و امشاسپندان سخن به میان آورده است ؟

۳۶. هماره شیوه مردم بر این است که چون رحمتی از پیشگاه خود به آنان بچشانیم شادان می‌شوند و خدا را فراموش می‌کنند و چون به کیفر خطاکاری و جرائم قلی رنج و سختی بر آنان درآید سرخورده و مأیوس رو به ما می‌آورند.

۳۷. آیا ندیده‌اند که بسیاری از ثروتمندان و صاحب‌مقامان به خاک سیاه نشستند و یا

حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۳۸ وَمَا آتَيْتُم مِّن رَّبًّا لَّيْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ ۳۹ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَن يَفْعَلُ مِثْلَ مَا تَعَالَى سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ۴۰ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمَلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۴۱ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ۴۲ فَأَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ

ندیده‌اند که خدای رحمان روزی خود را برای هر کس بخواهد وسیع و گسترده می‌سازد و گهگاه روزی خود را محدود می‌نماید؟ به یقین در قبض و بسط روزی - برای آن مردمی که اهل ایمان باشند - نشانه‌های ربوبیت و انگیزهٔ آزمون و تربیت مشهود است.

۳۸. پس تو که امروز صاحب مال فراوانی و روزی وافر داری حق خویشاوند خود را از فریضهٔ احسان بپرداز و حق درویش و امانده از کار و درویش درمانده در راه را ادا کن. این تکلیف اینک برای تو یک فریضهٔ اختصاصی خواهد بود و برای آنان که رضای خدا را می‌جویند بهترین سنت و آیین است که داوطلبانه به آن اقدام نمایند. آنان که از این سنت پیروی نمایند و بدین وسیله رضای خدا را بجویند رستگارند.

۳۹. و شما مردم آنچه را به کاروان‌های تجارتي و یا به شرکت‌ها و بانک‌ها بسپارید تا در میان سرمایه‌های دیگران سودی حاصل کند و افزون گردد در نزد خداوند رحمان سودی عاید نمی‌کند و روزی شما را افزون نمی‌سازد اما آنچه را به رسم زکات بپردازید که رضای خدا را تحصیل کنید در نزد خداوند رحمان رشد می‌کند و افزون می‌گردد. صاحبان زکات سودهای چندبرابر حاصل می‌کنند.

۴۰. خداوند رحمان است که شما را آفرید و روزی بخشید و به فرجام زندگی شما را میراند و سپس برای قیامت زنده می‌سازد. آیا از این خداوندانی که شما شریک و انباز او می‌شمارید خدایی هست که بیافریند و روزی بدهد؟ جان بگیرد و جان ببخشد؟ خداوند منزّه و برتر از آن است که با خدایان مشرکین انباز و همتا باشد.

۴۱. بر اثر دستاورد شوم و کثرت گناهان مردم، فساد و غارت و خونریزی بر دشت و دریا حاکم شد تا خداوند جهان تلخی و ناگواری برخی از کارهای شوم و کردار ناصواب مردم را به آنان بچشاند، باشد که از بی‌بندوباری و افسار گسیختگی دست بردارند.

۴۲. می‌گویند: که این تباهی و ویرانی بر اثر ستیز مجوسیان و مسیحیان است که

الْقِيَمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمًا لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَعُونَ^{٤٣} مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسَ لَهُمْ يَمْهَدُونَ^{٤٤} لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ^{٤٥} وَلِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ^{٤٦} وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ^{٤٧} اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كَسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خَلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ^{٤٨} وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنَ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ^{٤٩} فَانظُرْ

ابرقدرت‌های زمانند و برای تصرف بومویر، مردم را به خاک و خون می‌کشانند. بگو: در صحنه گیتی به سیر و سیاحت شوید و به فرجام ابرقدرت‌های پیشین بنگرید تا دریابید که بیشتر آنان مشرکان چندخدایی بوده‌اند که یکباره به دست هلاکت سپرده شدند.

٤٣. پس تو روی خود را به سوی قانون پابرجا و استوار الهی توجیه و مقابل کن پیش از آن که روز قیامت فرابرسد که از سوی خداوند جهان بر سر راهش سدّی قرار ندارد که بازش بگرداند. آن روز جمع مردم از هم جدا می‌شوند و دوفرقه ممتاز را متشکل می‌سازند.

٤٤. هرکس به دین استوار الهی کافر شده باشد کفر او بر زیان و خسران خودش تمام خواهد شد و هرکس ایمان آورده باشد و کردار صوابی عرضه کند بستر ناز خود را در بهشت جاودان می‌گستراند.

٤٥. خداوند رحمان باید مؤمنان صالح را از فضل خود پاداش دهد و کافران را به سزای کردار ناصوابشان برساند. خداوند رحمان کافران را دوست نمی‌دارد.

٤٦. و از آیات خداوند رحمان است که باده‌ها را گسیل می‌دارد تا نویدبخش و جانفزا باشند و شما را از رحمت خود آب سالم و گوارا بچشانند و کشتی‌ها به فرمان او بر زبر آبها روان شوند و شما بدین وسیله از فضل خدا روزی بیشتری بجوید. و باشد که این لطف و عنایت را دریابید و شاکر نعمت شوید.

٤٧. به یقین پیش از تو رسولانی به سوی هم‌تبارانشان گسیل نمودیم. رسولان ما با دلایل روشن به نزد مردم خود رفتند و پیام ما را ابلاغ کردند ولی جز جمع قلیلی ایمان نیاوردند و ما از کافرانسان که تبهکاری پیشه کردند انتقام گرفتیم و مؤمنان را نجات بخشیدیم. یاری مؤمنان بر عهده ما یک حق التزامی بود.

٤٨. او همان خدایی است که باده‌ها را گسیل می‌دارد و باده‌ها، ابرها را می‌شوراند و در آسمان

إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٥٠ وَلَئِن أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَظَلُّوا مِن بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ ٥١ فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمَعُ الصَّمَّةَ الدَّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ٥٢ وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنِ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا مِن يَوْمِنَا بِآيَاتِنَا فَهَمَّ مُسْلِمُونَ ٥٣ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِن ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشِببَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ ٥٤ وَ يَوْمَ تَقُومُ

می‌گسترده آنچنان که خدا بخواهد و گاه، آن را پاره‌پاره چونان صخره در آسمان روان می‌دارد. می‌بینی که ذرات آب از خلال ابرها برون می‌خزد و باران می‌زاید و چون باران را بر سر آن مردمی از بندگانش که بخواهد فرو ریزد شادمانه به هم بشارت می‌دهند که امسال مزارع خرمی داریم اما به یاد خدا و شکر نعمت‌های او نمی‌پردازند.

٤٩. درحالی که پیش از نزول باران درمانده و ناامید بودند و در این فکر که چگونه سال قحطی را بگذرانند.

٥٠. بنگر به آثار رحمت خدا از سبزه و راغ، مزارع و اشجار، چگونه باران رحمت، خاک مرده را بعد از سکوت زمستانی زنده و پویا می‌سازد. به یقین همین باران رحمت است که در قیامت مردگان را زنده می‌سازد و خداوند جهان بر هر پدیده‌ای توانا است.

٥١. به خدا سوگند که اگر بادی سخت و خشک وزان سازیم که بر کشتزار و مرغزارشان بگذرد و هر گیاهی را زرد و خشک بنگرند از نعمت و کیفر پند نگیرند و بازهم در راه کفر خود پایرجا بمانند.

٥٢. این مردم مشرک که از رحمت و نعمت پند و عبرت نمی‌گیرند مردگانند و تو نتوانی فریاد خود را با گوش مردگان آشنا سازی و نه با گوش کران موقعی که پشت کنند و اشارت دست و لب را درنیابند.

٥٣. این مردم مشرک کورند که در بیراهه راه می‌سپارند و تو نتوانی به این کوران جهالت، راه درست را بنمایی که راه و چاه را نمی‌بینند تا از هم تمیز بدارند. تو فقط فریادت را به گوش آن کسانی می‌رسانی که با چشمی بینا و گوش‌شنوا به آیات ما ایمان می‌آورند و به فرمان ما گردن می‌نهند.

٥٤. خداوند رحمان همان خداوندی است که آفرینش شما را از ضعف و ناتوانی آغاز نهاد که نه چشم‌ها ببینند و نه گوش‌ها بشنود و نه مغزها دریابند. و بعد از این ناتوانی قدرت و نیرو بخشید که چشم ببیند و گوش بشنود و مغز دریابد و زبان بیاراید و بعد از این نیرو و توان،

السَّاعَةَ يُقَسِّمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَيْثُوا غَيْرَ سَاعَةَ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ^{٥٥} وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ
 وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^{٥٦}
 فَيَوْمَئِذٍ لَا يُنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مُعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ^{٥٧} وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ
 مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ^{٥٨} كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ
 عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ^{٥٩} فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفِّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ^{٦٠}

ناتوانی برقرار فرمود که چشم نبیند و گوش نشنود و مغز درنیابد و زبان کندی گیرد و قدمها
 استوار نماند. خداوند جهان آنچه بخواهد می‌آفریند و شما همواره مقهور پنجه او هستید و او
 دانا و توانا است.

٥٥. آن روز که قیامت بپا خیزد سران تبهکاران سر از خاک برگیرند و بگویند: به خدا سوگند
 که جز پاسی از روز در عالم مرگ و اغما درنگ نکردند. با یک چنین حدس و گمان خام و
 جاهلانه دست به گریبان بودند که از راه صواب به راه ناصواب منحرف گشتند.

٥٦. و آنان که دانش و ایمان را توأمان دریافت کرده‌اند می‌گویند: بر اساس کتاب خدا شما
 تا روز رستاخیز باید درنگ کرده باشید که هزاران سال به طول می‌انجامد و اینک روز
 رستاخیز است که شما سر از خاک برگرفته‌اید. شما آن روزها این مسائل را درک نمی‌کردید.

٥٧. آن روز اعتراف و عذرخواهی، سیه‌کاران را سود ندهد و نه فرصت می‌دهند که
 عذرخواهی نمایند.

٥٨. ما در این قرآن برای مردمان از هرگونه‌گون مثل آوردیم تا دل‌ها را با حقیقت آشنا
 سازیم و مغزها را بپرورانیم که دیر و زود موفق می‌شویم و اگر برای آنان معجزه و آیتی
 ارائه دهی به حقیقت سوگند که بازهم مشرکان کافر می‌گویند: شما باطل‌گرایید و
 صورت‌سازی کرده‌اید.

٥٩. این چنین است که خداوند جهان بر دل‌های این مردم جاهل و نادان مهر می‌نهد تا
 ایمان به قلب آنان راه نیابد.

٦٠. اینک تو در برابر جهالت و آزار آنان شکبیا بمان به یقین وعده خدا حق است و دین تو
 پیروز خواهد گشت. مراقب باش که مردمان بی‌یقین، تو را تحریک و خشمگین سازند و
 ازجا بدر نکنند که با آنان درگیر شوی و راه مسالمت را مسدود سازی.

لَقْمَان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الم ^۱ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ^۲ هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ ^۳ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ
الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ^۴ أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ^۵ وَمِنَ
النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ
عَذَابٌ مُّهِينٌ ^۶ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَكُنَّا مُسْتَكْبِرِينَ ^۷ كَانُوا فِي أذُنِهِمْ فَهْمًا وَقَدَأْتُمْ لَهَا
عَذَابٌ أَلِيمٌ ^۸ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ النَّعِيمِ ^۹ خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ^{۱۰} خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَاللَّيْلِ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيًا أَن تَمِيدَ بِكُمْ
وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ^{۱۱} هَذَا خَلْقُ اللَّهِ

۱. ل. م.

۲. اینها آیات کتابی است کاردان.

۳. تا هدایت و رحمت باشد آن کسانی را که برای خود نیک اندیشند.

۴. آنان که نماز را برپا می‌دارند و زکات اموال خود را می‌پردازند و به آخرت یقین دارند.

۵. آنها اینند که بر خط هدایتی از پروردگارشان گام می‌زنند و آنها اینند که روز رستگاری
رستگارند.

۶. برخی به بازار سخن می‌روند و فسانه‌های سرگرم‌کننده را خریداری می‌نمایند تا جاهلان،
مردم را از راه خدا و استماع آیات قرآن بگردانند و راه خدا را به استهزاء بگیرند. اینها اینند که
برایشان عذاب خوارکننده مهیا است.

۷. و چون آیات ما بر او تلاوت شود با کبر و ناز روی خود را برمی‌گرداند و می‌رود گویا که
آیات ما را نشنیده است گویا که در گوش او سرب سنگین ریخته‌اند. او را به عذاب دردناک
دوزخ بشارت بده.

۸. به یقین کسانی که ایمان آورده‌اند و دستاورد صالحی دارند بوستان‌های پر نعمت برای آنان
مهیا است.

۹. جاودانه در بهشت به سر می‌برند. وعده‌ای که خداوند رحمان به حق و راستی به
بندگان داده است. خداوند رحمان، عزتمند و کاردان است.

۱۰. آسمان‌ها را آفرید بی‌عمودی که مشهود شما باشد. در دل زمین کوه‌های پرریشه جا داد
که بستر خاک، شما را درهم نیچد و در پهنه خاک از هر نوع جنبنده‌هایی پراکنده ساخت و

فَارُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۱۱ وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ۱۲ وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ۱۳ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ ۱۴ وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ

ما از آسمان آبی فرود آوردیم و با آن آب از هر گیاه و شجر جفتی شریف و آزاده در زمین پروریدیم.

۱۱. این است آفریده‌های خداوند رحمان و شما کافران مشرک ارائه دهید که خدایان دیگر چه آفریدند؟ کافران را ادعایی نیست که خلقت و آفرینش در دست خدایانشان باشد بلکه سیه‌کاران در گمراهی نمایان به سر می‌برند و تنها اداره جهان آفرینش را بر عهده ارباب انواع و فرهوران و امشاسپندان می‌گذارند.

۱۲. به یقین ما به لقمان حکمت و کاردانی عطا کردیم که همواره خدا را شاکر باش. هرکس شاکر نعمت باشد جز این نیست که به سود خود اقدام می‌کند و دوام نعمت خود را تضمین می‌نماید و هرکس ناسپاسی کند باید متوجه این نکته باشد که خداوند جهان از سپاس و ثنا بی‌نیاز است و در نعمت‌بخشی، ستوده و صاحب‌ثناست.

۱۳. خاطر نشان کن که لقمان به فرزند خود گفت آن‌روز که او را پند و موعظه می‌کرد که ای پسر جان! کسی را در خداوندی با خدای رحمان شریک مگیر که شرک‌ورزی سیه‌کاری بزرگی است.

۱۴. در رابطه با این سفارش باید بدانید که ما همواره از خدمات پدر و مادر به عنوان پرورش یاد کرده‌ایم و لذا به انسان توصیه کردیم که نسبت به پدر و مادرش، خصوصاً مادرش که بار زندگی او را به دل برداشت و با فزودن سستی بر سستی نهمه‌ماه تحمل کرد و سپس تا دو سال او را در آغوش خود فشرد و با شیره جان پرورید تا از دامن خود جدا کرد و بر سفره نشانید. توصیه کردیم که مرا سپاس بگزار و شاکر باش و در مرتبه بعدی پدر و مادرت را سپاس بگذار و شاکر باش. بازگشت همه شما فرزندان امروز و پدران و مادران فردا به سوی من است و من از همه شما بازپرسی خواهم کرد.

مِنْ أَنَابِ إِلِيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ^{۱۵} يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنَّا جَاءْنَا بِكِتَابٍ لِّكَ مَثَقَالِ حَبَّةٍ
 مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ
 يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ
 الْأُمُورِ^{۱۶} وَلَا تَصْعَرَ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ
 وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ^{۱۷} أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ
 اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ
 مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ^{۱۸} وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا

۱۵. با وجود این به او توصیه کردیم که اگر پدر و مادرت مشرک بودند و تلاش کردند تا
 خدایی را که نمی‌شناسی با من شریک و هم‌تا بدانی از آنان فرمان مبر و مادام که در دنیا
 زنده باشی فقط با آداب معروف مذهبی با آنان مصاحبت کن و راه کسی را دنبال کن که
 توبه‌کنان رو به سوی من باز آید. به فرجام زندگی، بازگشت شما مردم همگان از پدران و
 مادران و فرزندان و برادران و خواهران به سوی من است و من به شما خواهم گفت: که
 دستاورد شما در دنیا چسان بود.

۱۶. لقمان در ادامه آن سخن به فرزندش گفت: ای پسر جان! اگر کار ناصوابت به سنگینی
 چون یک دانه خردل باشد و آن دانه خردل در دل صخره‌ای باشد یا در آسمان‌ها باشد و یا
 در دل خاک باشد خدا آن را در محکمه قضا حاضر خواهد ساخت. خداوند رحمان لطیف
 است و از زیر و روی هر کاری باخبر است.

۱۷. ای پسر جان! نماز را برپا بدار و به آداب معروف و شناخته مذهبی فرمان بده و از آداب
 ناشناخته و منکر نهی کن و در این راه بر مصیبت و مشکلاتی که وارد شود صبور و شکیبا
 بمان. بی‌شک این صبر و شکیبایی از کارهای مثبت انسانی است.

۱۸. با ناز و افاده از مردم رخ متاب و در پهنه زمین با شادی کودکانه گام مزین. خداوند
 رحمان هرکسی را که پرافاده و خودستا باشد، دوست نمی‌دارد گرچه از جهات دیگر
 ستوده‌کردار باشد.

۱۹. در راه رفتن و گام برداشتن میانه‌رو باش و صدایت را کوتاه کن. بی‌شک فریاد خران
 ناخوش‌ترین فریاد است.

۲۰. آیا ندیده‌اید که خداوند رحمان آنچه را در آسمان‌ها است و آنچه را در زمین است برای
 شما رام و مسخر ساخت و نعمت‌های خود را آشکارا و نهان بر سر شما گسترد. با وجود این

بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَّلًا كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ۚ^{۲۱} وَمَنْ يُسَلِّمْ
 وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ۚ^{۲۲} وَمَنْ كَفَرَ
 فَلَا يَحْزَنْكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۚ^{۲۳} نَمَتَّعُهُمْ قَلِيلًا
 ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ غَلِيظٍ ۚ^{۲۴} وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلْ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۚ^{۲۵} لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۚ^{۲۶}

برخی از مردم درباره خدا جدل می کنند بی آن که با دانش و آگاهی جدل نمایند و بی آن که رهنمودی و یا کتاب روشنی در دست خود داشته باشند.

۲۱. و چون به آنان گفته شود که از کتاب منزل آسمانی پیروی نمایید، می گویند: ما کتاب آسمانی را نمی شناسیم، ما آن سنتی را پیروی می نمایم که پدران خود را بر آن سنت یافته ایم. آیا نمی دانند که سنت شرك را شیطان در میان پدرانشان رایج کرده است؟ و یا اگر شیطان پدرانشان را به شعله های فروزان آتش خوانده باشد باز هم باید از پدرانشان پیروی نمایند؟

۲۲. هرکس روی خود را با تسلیم و رضا به سوی خدا متوجه سازد و طاعات مذهبی را با نیک اندیشی انجام دهد بی شك به دستگیره استواری چنگ زده است. با وجود این فرجام کارها به خدا حواله می شود.

۲۳. و هر کس به خداوند رحمان کافر شود اینک نباید کفر و ستیز او تو را اندوهگین سازد. بازگشت همه آنان به پیشگاه ما خواهد بود و ما آنان را از دستاوردهای باخبر خواهیم نمود. خداوند رحمان به حسادت و کینه ای که مردم در سینه نهان کرده اند دانا است.

۲۴. ما چند صباحی به آنان کامیابی می دهیم باشد که بازگردند و چون به حضور ما باز رسند ناچارشان می سازیم که به سوی دوزخ راه برگیرند.

۲۵. به حق سوگند که اگر از این مردم کافر پرسی آسمانها و زمین را چه کسی آفریده است؟ بی گمان می گویند که آسمانها و زمین را خداوند جهان آفریده است. بگو: خدا را شکر که تا این حد با حقیقت آشنا هستید. این کافران اعتراف دارند که خالق آسمانها و زمین خداوند جهان است ولی بیشترشان نمی دانند که با این شناخت و معرفت باید فلسفه شرك و تصویر خدای خدایان، ارواح عالیه، ارباب انواع را تخطئه نمایند و تنها خالق آسمانها و زمین را پرستش نمایند.

وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^{٢٧} مَا خَلَقَكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةً إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ^{٢٨} أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ^{٢٩} ذَلِكَ بَانَ اللَّهُ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ^{٣٠} أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ^{٣١} وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلْمِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ

٣٦. آنچه در آسمان‌ها و زمین وجود دارد مملوک خداوند رحمان است و همگان‌شان در همه حال بدو محتاجند و ریزه‌خوار خوان نعمت اویند و خداوند رحمان از همهٔ آنان بی‌نیاز است و در نعمت‌بخشی ستوده‌کردار است.

٣٧. ارواح و نفوس بشری از عالی و دانی در آن حد بسیارند که اگر اشجار زمین را قلم سازند و دریا را مرکب نمایند و هفت دریای دیگر به آن بپیوندند و مرکب شود تا نفوس و ارواح را که پرورده‌های وجود الله‌اند آمار کنند آمار آنان به پایان نمی‌رسد اما دریاها و قلم‌ها به پایان می‌رسند. با وجود این کثرت، همگان بی‌واسطه پروردهٔ اویند و به انتظار آن‌روزند که با لباس بشریت در کلاس آزمون شرکت نمایند. به یقین خداوند رحمان، عزتمند و کاردان است.

٣٨. آفرینش شما افراد بشر و رستخیز بعدی شما در کارگاه خدا مانند آفرینش یک‌تن و رستخیز یک‌تن است چرا که مسیر آفرینش یکسان است. خداوند رحمان درخواست بندگانش را می‌شنود و به نیازمندی‌های آنان بینا است.

٣٩. آیا ندیده‌ای که خداوند رحمان سیاهی شب را در بن روز و سپیدی روز را در بن شب فرو می‌برد؟ خورشید و ماه را مسخر کرد که هر یک تا سرآمدی نام‌برده به راه خود ادامه خواهد داد. این مسائل را که در قرآن تکرار کرده‌ایم باید دانسته باشی و هم دانسته باشی که خداوند جهان به دستاورد شما خبیر و آگاه است.

٣٠. این نظم و انتظام از آن‌رو است که خداوند جهان همان خدای برحق است و آن خدایانی که مشرکان به جای خداوند جهان به خدایی می‌خوانند باطل و پوشالی است و خداوند جهان همان خدای والا و بزرگ است.

٣١. آیا ندیده‌ای که زورق‌ها به کارسازی نعمت او بر سینهٔ دریا روانند تا آیات خود را از جزر و مدّ دریا، جریان آبها و آتشفشان‌ها، طوفان‌ها و نسیم‌ها به شما بنمایند و رمز دریانوردی را به شما بیاموزد. به یقین در این نعمت‌ها برای هر مردمی که در برابر سختی‌های دریانوردی

الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ^{٣٣} يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ^{٣٣} إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ^{٣٤}

شکیبا بوده باشند و نعمت‌های خدا را سپاسگزار و شاکر باشند نشانه‌های تربیت ربوبی ظاهر و آشکار است.

۳۲. و هرگاه موجی بر سر کشتی چون سایبان فراز گردد خداوند رحمان را به یاری خود می‌خوانند و خالصانه طاعت او را پذیرا می‌شوند و چون از دریا به ساحل نجاتشان برساند تنها جمعی اندک راه میانه را در پیش می‌گیرند و بیشترشان آیات ما را منکر می‌شوند. آیات ما را جز مردم ناسپاس عهدشکن منکر نخواهد گشت.

۳۳. ای مردمان! از خشم پروردگارتان بترسید. نگران روزی باشید که هیچ پدری عذاب فرزندش را به جان نمی‌خرد و هیچ فرزندی حاضر نمی‌شود که شمه‌ای از عذاب پدر را به جان خریدار شود. به یقین وعده خدا راجع به روز کیفر و مجازات حق است، پس زندگی دنیا شما را خام نکند و هیچ فریبنده‌ای شما را نفریبد که خدا رحیم است و شما را عذاب نخواهد کرد.

۳۴. بی‌شک علم قیامت در نزد خدا است. باران نرم را او نازل می‌کند و آنچه در زهدان زنان است می‌شناسد. هیچ‌کس نمی‌تواند دریابد که فردا چه سود و زیانی به دست می‌آورد و نمی‌تواند دریابد که در کدامین سرزمین می‌میرد. خداوند جهان می‌داند و به این مسائل دانا و باخبر است.

السَّجْدَه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الم^۱ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ^۲ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لَتَنْذِرَنَّهُمْ قَوْمًا مَا آتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِّنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ^۳ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ^۴ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ^۵ ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ^۶ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ^۷ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ^۸ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُّوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ^۹ وَقَالُوا أَئِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي

۱. ا. ل. م.

۲. تنزیل قرآن - که در آن تردیدی وجود ندارد - از پیشگاه پروردگار جهانیان صورت گرفت تا به تدریج مسائل تربیتی را بیاموزد.

۳. آیا مشرکان در تنزیل قرآن تردید می‌کنند و یا جداً می‌گویند که قرآن را خودش بافته و بر خدا بسته است؟ مشرکان هرچه می‌خواهند بگویند، در تنزیل قرآن تردیدی وجود ندارد بلکه قرآن منشوری است برحق و درست از پیشگاه پروردگارت، تا اخطار کنی به این مردمی که پیش از تو رسول اخطارکننده برای آنان نیامده است، باشد که رهیاب شوند.

۴. خداوند رحمان است که آسمان‌ها و زمین را با آنچه در میان آسمان‌ها و زمین است ظرف شما روز آفرید که هر روزی پنجاه هزار سال شما است، سپس بر عرش اقتدار خود بال گسترد و مستقر گشت. جز خداوند رحمان شما را مولا و سرپرستی نیست، و نه شافعی که دست شما را بگیرد و از دوزخ برهاند. آیا پذیرای حقیقت می‌شوید؟

۵. با واری دقیق و با مطالعه و تدبیر امواج فرمان را از آسمان به سوی زمین می‌فرستد سپس آن موج ظرف یک روز به سوی او بازمی‌گردد که طول آن روز با هزار سال از سال‌های شما برابر است.

۶. این است وصف و ثنای خداوند رحمان دانای آشکار و نهان. خدای عزتمند مهربان

۷. آن خدایی که هرچه را آفرید دانست و درست آفرید و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد.

۸. سپس زایمان او را از چکیده آب منی برقرار نمود.

۹. سپس اندام او را پرداخت و از روح خود در او دمید و برای شما انسان‌ها گوش و چشم و دل برقرار نمود. این نعمت‌ها شایان بالاترین شکرگزاری است و شما کمتر شکر نعمت می‌گذارید.

خَلَقَ جَدِيدَ بَلِّ هُمْ يَلْقَاءُ رَبَّهُمْ كَافِرُونَ^{۱۰} قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ^{۱۱} وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمَجْرُمُونَ نَاكِسُو رُؤُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ^{۱۲} وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ^{۱۳} فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ^{۱۴} إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ^{۱۵} تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ^{۱۶} فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا

۱۰. با آنکه آفرینش انسان را از گل آغاز نهادیم و نطفه او را در دل خاک پروردیم باز هم می‌گویند: آیا بعد از آنکه در دل خاک‌ها گم شویم در آستانه آفرینشی نو بسر می‌بریم. نه چنین است که آفرینش بعدی را محال بدانند بلکه دیدار پروردگارش را محال می‌دانند که رستاخیز را منکر شده‌اند.

۱۱. بگو فرشته مرگ که بر شما موکل و مأمور است جان شما را دریافت می‌کند تا روز قیامت که دوباره در مرداب زمین کشت شود و روح قدسی در او دمیده شود و شما همگان به سوی پروردگارتان بازگردان شوید.

۱۲. اگر ببینی آن روز را که سران تبهکاران در برابر پروردگارش ایستاده سرها از شرم و ناامیدی فروافکنده باشند و بگویند: پروردگارا چشم و گوش ما باز شد. اینک ما را به کلاس آزمون بازگردان که اگر ما را بازگردانی به کارهای شایسته می‌پردازیم. همانا بی‌شک ما به یقین رسیدیم.

۱۳. اگر ما خواسته بودیم که مردم به این صورت به یقین برسند و با این شرایط کردار شایسته بجا آورند به هر جانی رهنمودی مناسب عطا می‌کردیم تا یقین حاصل کند ولی من زندگی را براساس ایمان و آزمون بنا نهادم تا هر که خواهد راه خداوند رحمان را در پیش بگیرد و هر که خواهد راه شیطان را دنبال کند. وعید و تهدید من درست و برحق است که دوزخ را از نابکاران پری و مردمی پرخواهیم ساخت.

۱۴. آن روزشان خواهیم گفت: باید بچشید عذاب دوزخ را از آن‌رو که دیدار امروزتان را بدست فراموشی سپردید. ما هم امروز شما را فراموش کردیم و با کاروان بهشتیان همراه نکردیم. بچشید عذاب دائم را به سزای دستاوردی که بجای آوردید.

۱۵. جز این نیست و جز این نخواهد شد. کسانی که به آیات ما ایمان می‌آورند که چون آیات ما را به آنان تذکار دهند برای سجده به خاک فرومی‌افتند و با ثنا و ستایش پروردگارش را تسبیح می‌گویند بی‌آنکه تکبر بورزند.

۱۶. شب‌ها پهلوی از بستر خواب جدا می‌سازند و با پروردگار خود از ترس عذاب و نعمت به

كَانُوا يَعْمَلُونَ^{۱۷} أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ^{۱۸} أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^{۱۹} وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ^{۲۰} وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلَدِيِّ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ^{۲۱} وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ^{۲۲} وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُن فِي مِرْيَةٍ مِّنْ لِّقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ^{۲۳} وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا

طمع ثواب و رحمت راز و نیاز می کنند و نماز می خوانند و از آن بخش روزی که به آنان عطا کرده ایم انفاق می نمایند.

۱۷. هیچ کس نمی داند که چه پاداش و جایزه ای برای روشنی چشم آنان از دید دیگران نهان داشته اند پاداشی در برابر دستاورد نیک و شایسته آنان.

۱۸. آیا آن کسانی که مؤمن بوده اند هم پاییه آن کسانی می شوند که متمرّد و فاسق بوده اند؟ هرگز برابر نمی شوند.

۱۹. کسانی که برای آورده اند و کار شایسته بجا آورده اند برای آنان خانه های بیلاقی در بوستان بهشتی مهیا کرده ایم تا در برابر دستاورد صالحی که بجا آورده اند به رسم پای انداز ضیافت تقدیم شود.

۲۰. و اما آن کسانی که متمرّد و فاسق شدند و از قانون الهی خارج گشتند جایگاهشان دوزخ است و هرچند که با محاسبات ریاضی درصدد برآیند که از دوزخ آتش دور شوند دوباره آنان را به جایگاه اول آنان بازمی گردانند و به آنان می گویند: بچشید عذاب آتشی را که تکذیب می نمودید.

۲۱. به یقین پیش از آنکه این مردم با عذاب آخرت مواجه گردند طعم عذاب را در دنیا به آنان می چشانیم، باشد که راه بازگشت و انابه را در پیش بگیرند.

۲۲. کیست که سیه کارتر باشد از کسی که با تلاوت آیات خدا او را متذکر سازند و او بشنود سپس روبرتابد. ما از این مردم که تبهکار و مجرمند انتقام می گیریم.

۲۳. ما به موسی کتاب و فرمان عطا کردیم - اگر به خاطر می آوری که در میقات طور به موسی تأکید کردیم که دیدار و ملاقات با ما هرگز امکان ندارد - تو در صحت دیدار با پروردگارت تردید مکن چرا که میقات تو در افق اعلی بود و دیدار ما در افق اعلی ممکن است. دیدار ما در سطح زمین با صاعقه و نابودی و نفی هستی همراه است و لذا موسی در کوه طور از دیدار ما محروم ماند و فقط کتاب و فرمان را دریافت نمود و ما او را هادی قوم بنی اسرائیل کردیم.

وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْضِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۚ ۲۵
 أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ
 أَفَلَا يَسْمَعُونَ ۚ ۲۶ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ
 أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ ۚ ۲۷ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۚ ۲۸ قُلْ يَوْمَ
 الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ۚ ۲۹ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَانْتَظَرِ إِنَّهُمْ
 مُنْتَظَرُونَ ۚ ۳۰

۲۴. ما از میان این قوم کسانی را، به امامت آنان برقرار نمودیم تا مردم خود را با فرمان ما رهبری نمایند از آن رو که صبر و پایداری نمودند و آیات ما را از روی یقین باور می نمودند.

۲۵. بی شک همان پروردگارت روز قیامت میان فرقه‌ها و مذاهب گوناگون در همه آن مسائلی که با هم در تضاد و اختلافند داوری خواهد کرد.

۲۶. آیا ندیده و نشنیده‌اند که ما از بندگان و رسولان خود حمایت کرده‌ایم و همواره مؤمنان پیروز بوده‌اند و یا به این نکته راه نبرده‌اند که ما پیش از این مردم ملت‌های بسیاری را هلاک و نابود کردیم که اینک در خانه‌های آنان گام می‌زنند و سیاحت می‌کنند. به یقین در هلاکت دشمنان خدا نشانه‌های ربوبیت و درستی رسالت آشکار است. آیا سخن ما را نمی‌شنوند؟

۲۷. آیا نشانه‌های ربوبیت و رحمانیت ما را در آفرینش ماه و خورشید و ستارگان و گردش روزان و شبان ندیده‌اند و نشنیده‌اند؟ و یا ندیدند که ما آب را بر پشت ابرها بار می‌نماییم و به سوی تشنه‌کامان زمین می‌رانیم و بدین وسیله کشت و زرع را از دل خاک بیرون می‌کشیم که دام‌هایشان از مرغزار آن چرا کنند و خود از دانه‌ها و میوه‌ها تناول نمایند؟ آیا چشم خود را باز نمی‌نمایند؟

۲۸. می‌گویند که این فتح و گشایشی که مؤمنان را وعده می‌دهید کی صورت خواهد گرفت؟ اگر راست می‌گویید وعده خود را با مؤمنان عملی سازید و یا عذاب را بر سر ما فرود آورید.

۲۹. بگو: آن روزی که فتح و گشایش رخ دهد ایمان کافران سودشان ندهد و نه مهلت زندگی دارند.

۳۰. اینک از آنان اعراض کن و به انتظار نصرت ما بمان که بی‌شک آنان هم منتظرند.

الأحزاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ^١ وَأَتَّبِعْ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ^٢ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ^٣ مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهَرُونَ مِنْهِنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ ^٤ ادْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَّمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ^٥ النَّبِيُّ

احزاب - ولایت ویزه رسالت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. ای پیامبر! از خشم خدا بپرهیز و از فتوای کافران و منافقان دربارهٔ مادرخوانده‌ها و فرزندخوانده‌ها پیروی مکن. به یقین خداوند رحمان دانا و کاردارن بوده است که احکام جاهلی را نسخ کرده است.

٢. آنچه از جانب پروردگارت به سویت اشارت می‌شود پیروی کن. بی‌شک خداوند رحمان از دیرباز به دستاورد شما خبیر و آگاه است.

٣. از واکنش مردم نادان نهراس و بر خدا توکل کن. خداوند رحمان برای وکالت و کارگزاری کافی است.

٤. خداوند جهان برای هیچ مردی دو دل در پیکر او قرار نداد که صاحب دو شخصیت بوده باشد و آن همسرانی را که شما با نسبت مادری به بستر آنان پشت می‌کنید مادران شما قرار نداد که نکاح آنان بر شما حرام باشد و نه پسرخوانده‌های شما را پسران شما قرار داد که نکاح همسران آنان بر شما حرام باشد. این نسبت‌ها، نسبت‌های زبانی و اعتباری است نه نسبت‌های واقعی. خداوند رحمان آنچه بگوید حق و درست می‌گوید و اوست که راه درست را نشان می‌دهد.

٥. از این پس پسرخوانده‌ها را به نام پدرانشان بخوانید که نسبت آنان به پدران واقعی در پیشگاه خداوند رحمان به انصاف و دادگری نزدیکتر است و اگر شما پدرانشان را نمی‌شناسید در صورت آزادی به نام برادران دینی بخوانید و در صورت بردگی به عنوان مولا و آزادکردهٔ خود بنامید. در آن مواردی که خطا کنید و آنان را به نام پدرخوانده‌ها آواز دهید بر شما گناهی نخواهد بود و اگر عمداً و با توجه قلبی آنان را به نام پدرخواندهٔ آنان بخوانید گناه شما قطعی است که باید استغفار نمایید. خداوند رحمان آمرنده و مهربان است.

أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا^٦ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا^٧ لِيَسْئَلُ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا^٨ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا^٩ إِذْ جَاؤُوكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا^{١٠} هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا

٦. پیامبر ما از خود مؤمنان به مؤمنان واپیشتتر است که برای آنان تصمیم بگیرد و اعمال ولایت و سرپرستی کند و همسران پیامبر، مادران مؤمنانند و به جز این مورد مادرخواندگی به جای مادر قرار نمی‌گیرد که ازدواج با آنان تحریم شود. و اما خویشان رسول خدا، برخی از خویشان رسول خدا که امام اهل بیت باشد - آن چنان که در کتاب خدا مقرر شده است - نسبت به برخی دیگر از خویشان او ولایتی قاطع و مطلق دارد که واپیشتتر از ولایت مؤمنان و مهاجران است. پس هیچ‌کسی از شما مؤمنان و مهاجران بر آنان حق ولایت و حکومت ندارد و نه می‌تواند به آنان فرمان بدهد. فقط می‌توانید به صورت شایسته و معروف مذهبی در خدمتگزاری آنان که اولیاء شما تلقی می‌شوند قیام نمایید و کاری صورت بدهید. این ولایت و این خدمتگزاری در کتاب خدا و فرمان قاطع او ثبت است.
٧. آن‌روز را خاطرنشان ساز که ما از پیامبران خود پیمان و تعهد گرفتیم و از تو که آخرین پیامبر مایی و از نوح که اولین پیامبر ما بود و از ابراهیم و موسی و عیسی بن‌مریم که در وسط بودند پیمان استوار و تعهدی سنگین گرفتیم از آن‌رو که اینان پیامبران اولوالعزم ما بودند.
٨. این فرمان‌ها و این تعهدات اجرایی برای آن است که خداوند رحمان باید راستگویان امت را از مراتب صدق و صفایشان جويا شود و پاداش دهد و دروغگویان امت را مورد بازپرسی قرار دهد و با این فرمان‌های ضدملی آزمون نماید تا کفر باطنی آنان برملا گردد. خداوند جهان برای کافران عذاب دردناکی مهیا کرده است.
٩. ای اهل ایمان! نعمتی را که خداوند رحمان به شما ارزانی داشته است به خاطر بسپارید آن‌روز که چند لشکر گرداگرد شما فرود آمدند و به فرجام، ما بر سر آنان بادی تند و خشک فرستادیم با سپاهيانی که در چشم شما عیان نبودند و خداوند از آغاز به دستاورد ناساز شما بینا بوده است.
١٠. آن‌روز که از شمال و جنوب بر سر شما تاختند. آن‌روز که چشم‌هایتان از ترس و وحشت به پیچ‌وتاب افتاد و دل‌ها از تپش بازمانده نفس‌ها به حلقوم فراز آمد و شما به

شَدِيدًا ١١ وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا ١٢
 وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مَقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ
 إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا ١٣ وَلَوْ دَخَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سَأَلُوا
 الْفِتْنَةَ لَآتَوهُا وَمَا تَلَبَّثُوا فِيهَا إِلَّا بَسِيرًا ١٤ وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُولُونَ الدِّبَارَ وَكَانَ
 عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُورًا ١٥ قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِن فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَمْ تَمْتَعُونَ إِلَّا
 قَلِيلًا ١٦ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِن أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ
 لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ١٧ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا
 وَلَا يَأْتُونَ الْبَاسَ إِلَّا قَلِيلًا ١٨ أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورًا

خداوند رحمان گمان‌های نابجا می‌بردید.

١١. آنجا بود که مؤمنان آزمون گشتند و به سختی دچار تزلزل و اضطراب گشتند.

١٢. آن روز که مردمان منافق و آن‌مهاجرانی که در دل‌هایشان بیماری تزویر است می‌گفتند: خدا و رسول خدا ما را گول زدند و جز وعدهٔ خام و فریب‌آمیز به ما ندادند.

١٣. آن روز که جماعتی از آنان گفتند: ای مردم یثرب! دیگر جای ایستادن نیست به خانه‌هایتان بازگردید و از مقابله با دشمن دست بردارید و جمعی دیگر از پیامبر ما اجازهٔ بازگشتن می‌خواستند با این بهانه که خانه‌های ما حصار و حجاب ندارد و زنان و کودکان ما در معرض تجاوز قرار دارند. در حالی که خانه‌هایشان حجاب و حصار دارد و خانوادهٔ آنان در امن و امانند. اینان جز فکر فرار، فکر دیگری در سر ندارند.

١٤. و اگر مهاجمان از جوانب شهر بر این مردم درآیند و از آنان خواسته شود که یا کافر شوند و امان یابند یا تن به مرگ بدهند خواسته‌های مهاجمان را با کمترین تأمل برآورده می‌سازند.

١٥. اینان می‌خواهند پشت به دشمن راه فراری بجویند با آن که قبلاً با خدا تعهد کرده‌اند که از مقابل دشمن فرار نمایند. تعهد خدا همواره بازپرسی و مسئولیت داشته است.

١٦. بگو: فرار شما، از مرگ باشد و یا از قتل باشد سودی نخواهد داشت از آن‌رو که عمر شما مقدر است و اگر عمری برجا باشد جز چهارصبحی کامیابی، دنیای شما برقرار نخواهد بود.

١٧. می‌خواهند که با فرار خود از چنگ دشمن برهند. بگو در صورتی که خداوند جهان برای شما مصیبتی اراده فرماید و یا رحمتی اراده فرماید چه کسی شما را از سیطرهٔ او خارج می‌سازد. مردم، همگان در سیطرهٔ خدا به سر می‌برند و جز خداوند رحمان مولا و یابوری نمی‌یابند.

١٨. گهگاه خدا کسانی از شما را می‌بیند که دیگران را از قتال با دشمن بازمی‌دارند و

أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَفُوكُمْ بِالسَّنَةِ حَدَادٍ أَشْحَهَ عَلَى الْخَيْرِ أَوْلَيْتُكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ١٩ يَحْسِبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِن يَأْتِ الْأَحْزَابَ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا ٢٠ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ٢١ وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا ٢٢ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا ٢٣ لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِن شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنِ اللَّهُ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ٢٤ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا

کسانی را می بیند که در کنار جبهه توقف می کنند و دیگران را هم دعوت می کنند کنار بیایید و جان خود را به خطر نیفکنید و خود نیز جز ساعتی اندک در معرکه نبرد حاضر نمی گردند.

۱۹. در حفظ جان شما حریصند و نمی خواهند شما را از دست بدهند ولی چون پای جان در میان بیاید خواهی دید که تو را می نگرند و به یاری نمی شتابند. چشم هایشان در حدقه دور می زند مانند بیماری که در آستانه مرگ قرار دارد و سرش دوران می گیرد و بیهوش می شود. اما چون خوف و خطر برطرف گردد با زبانی تیز و تند به جان شما می افتند که غنیمت بیشتری دریافت نمایند. اینها ایمان واقعی ندارند و لذا خداوند جهان کردار نیک آنان را توقیف کرده است تا از ثمرات آن بهره مند نباشند. و این بر خدا سهل و آسان است. ۲۰. هنوز تصور می کنند که احزاب مهاجم نرفته اند و اگر احزاب مهاجم برای محاصره بازگردند آرزو می کنند که ای کاش با اعراب بادیه در خارج شهر بودند و دورادور از اخبار شما مطلع می گشتند. اگر اینان در میان شما بودند جز لحظاتی اندک پیکار نمی کردند.

۲۱. به یقین برای شما در استقامت رسول الله سرمشق خوبی بود که به او تأسی نمایید، برای آنان که امید خود را به خدا و روز قیامت بسته اند و خدا را فراوان یاد می نمایند.

۲۲. و چون مؤمنان سپاه احزاب را مشاهده کردند گفتند: این سختی و محنت همان سختی و محنت است که خدا و رسول خدا آمدنش را به ما خبر دادند. خدا و رسول خدا راست گفتند و وعده آنان درست آمد. این محنت و سختی جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود.

۲۳. مردانی از مؤمنان به عهد خود وفا کردند و به راستی و درستی در راه خدا جانفشانی کردند، برخی در این راه جان خود را فدا کردند و شربت شهادت نوشیدند و برخی به انتظار شهادت به سر می برند و خط خود را بدل نکردند.

۲۴. این محنت و سختی برای آن بود که خداوند رحمان راستان امت را به مراتب صدق و

بِعِيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيْزًا ٢٥ وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَّاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيْقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيْقًا ٢٦ وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطْوُوهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرًا ٢٧ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكِ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعَنَّ وَأَسْرَحَنَّ سَرَاحًا جَمِيْلًا ٢٨ وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالِدَارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيْمًا ٢٩ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِيْنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيْرًا ٣٠ وَمَن يَقْنَتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتْهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيْمًا ٣١ نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ

راستی آنان پاداش دهد و منافقان را اگر خواسته باشد عذاب کند و یا بر آنان رحمت آورد. به یقین خداوند رحمان، آمرزنده و مهربان بوده است.

۲۵. خداوند، کافران را با غیظ و کین از گرد شما دور کرد بی آن که به اهداف خود دست یابند. خداوند شر کافران را بدون پیکار کفایت کرد. خداوند جهان توانا و صاحب عزت بوده است.

۲۶. و آن دسته از کافران اهل کتاب را که از مشرکان پشتیبانی کردند از حصارها و قلعه‌هایشان فروکشید و در دل‌هایشان رعب و وحشت افکند که بدون مقاومت یک‌دسته را کشتید و یک‌دسته را به اسارت و بردگی گرفتید.

۲۷. و مزارع و خانه‌ها و اموالشان را به شما ارث داد با سرزمینی که در وادی القری دارند و شما برای قتال به آنجا پا نهاده‌اید. خداوند بر هر کاری توانا بوده است.

۲۸. ای پیامبر! تا کی می‌خواهی با همسرانت قهر باشی و اعتصاب آنان را تحمل کنی؟ به همسرانت بگو: اگر شما به امید زندگی دنیا و زر و زیور آن به خانه من آمده‌اید این را بدانید که در بساط من از زر و زیور خبری نیست، پس بیایید تا شما را با پشتوانه زندگی طلاق دهم و با خوشی و سلامت روانه سازم که شوهر دلخواه خود را بیابید و از زینت دنیا برخوردار شوید.

۲۹. و اگر خدا و رسول خدا را خواهان بوده‌اید و جویای نعمت آخرت شده‌اید که به خانه من آمده‌اید پس بدانید که خدا و رسول خدا و نعمت آخرت برقرار است و خداوند رحمان برای نیک‌اندیشان و نیکوکاران شما پاداش بزرگی مهیا کرده است

۳۰. ای خانم‌های پیامبر! هر یک از شما به فاحشه‌ای دست زند که نمودار نقض تعهد باشد کیفر او دوچندان می‌شود و این تشدید عذاب بر خدا سهل و آسان بوده است

۳۱. و هر یک از شما با مهر و علاقه به فرمان خدا و رسول خدا گردن نهد و کردار شایسته بجا آورد پاداش او را دو برابر می‌دهیم و برای او روزی با کرامتی مهیا کرده‌ایم.

فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا^{٣٢} وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا^{٣٣} وَادْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا^{٣٤} إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا^{٣٥} وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُمِئَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا^{٣٦} وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ

٣٢. ای خانم‌های پیامبر! اگر شما تقوا را از دست ندهید با هیچ‌یک از خانم‌های دیگر یکسان و برابر نخواهید بود. پس به خاطر حفظ تقوا آوای خود را در برابر بیگانگان نرم و هموار نکنید که آن مهاجر بیمار دل، طمع ورزد و بر بیماری خود بیفزاید. شما در رابطه با حفظ تقوا باید هماره سخنان عادی و متداول بر زبان برانید و در برابر اجنبی از مسائل جنسی سخن به جد و شوخی بر زبان نرانید.

٣٣. در خانه‌های خود قرار و آرام بگیرید و چون دوران جاهلیت پیشین از پنجره‌ها و بام‌ها و دیوارها خودنمایی نکنید. نماز را برپا بدارید و زکات را بپردازید و خدا و رسول خدا را اطاعت نمایید. شما مردان این خانواده هم باید بدانید که تمام این توصیه‌ها به خاطر آن است که خداوند رحمان می‌خواهد پلیدی و بی‌ایمانی را از جامعه شما بزداید و ساحت شما را از آلودگی برکنار دارد.

٣٤. شما خانم‌های پیامبر باید آیات خدا را که در خانه‌های شما تلاوت می‌شود با سستی که در کاردانی آن تدریس می‌شود به خاطر بگیرید خداوند رحمان به هر پدیده‌ای لطیف و باخبر بوده است.

٣٥. به یقین مردان و زنانی که در برابر فرمان خدا و رسول خدا گردن نهاده‌اند و ایمان آورده‌اند با علاقمندی به طاعت، صدق و راستی، صبر و پایداری، خشوع و فروتنی، مردان و زنانی که از جان و دل صدقه می‌دهند و روزه می‌گیرند و دامن عفت را مصون نگه می‌دارند و فراوان یاد خدا را بر زبان دارند خداوند رحمان برای پذیرایی آنان آمرزش خود را همراه پاداشی بزرگ مهیا کرده است.

٣٦. و هرگاه که خدا و رسول خدا فرمانی صادر کنند هیچ مرد مؤمنی را نمی‌رسد و نه هیچ زن مؤمنی را که در امور شخصی، خود را صاحب‌اراده و با اختیار بدانند گرچه فرمان رسول خدا مربوط به ازدواج و طلاق آنان بوده باشد و هرکسی حکم خدا و رسول خدا را

زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا^{٣٧} مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا^{٣٨} الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا^{٣٩} مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا^{٤٠} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا^{٤١} وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا^{٤٢} هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّن

نافرمان شود بی شک راه حق را گم کرده است و آشکارا در راه ناحق وارد شده است.

٣٧. خاطر نشان ساز که آن روز با برده‌ات زید بن حارثه - همو که خدا به او نعمت ایمان بخشید و تو نعمت آزادی - می‌گفتی همسرت را برای خودت نگهدار و از خدا بترس که همسرت را طلاق دهی و زبان یابوه‌گویان را درازتر سازی. در آن روز تو رازی را در دلت پنهان می‌کردی که خدا باید آن را آشکار می‌کرد. تو از ملامت یابوه‌گویان هراس می‌کردی و خدا سزاوارتر از مردم است که از ملامت او هراس بگیری. و چون زید با طلاق همسرش زینب به کامیابی خود پایان داد آن خانم را با تو جفت و همسر ساختیم تا بر سایر مؤمنان هم ایرادی نباشد موقعی که با همسران پسرخوانده‌هایشان ازدواج می‌نمایند بعد از آن که پسرخوانده‌ها به کامیابی خود از همسرانشان پایان داده باشند. ازدواج تو با زینب دختر عمه‌ات فرمان خدا بود و فرمان خدا شدنی است.

٣٨. بر پیامبر در آن کامیابی که خدا برای او فرض و قطعی کرده و آیتی در آن باره نازل کرده است ایرادی و اعتراضی روا نخواهد بود. این شیوه ازدواج که با شیفگی و مهر پیامبر و فداکاری شوهر صورت بگیرد در انبیاء پیشین نیز سابقه دارد. این ازدواج‌ها با فرمان خدا صورت گرفته است و فرمان خدا اندازه و مقیاس دارد.

٣٩. همان پیامبرانی که رسالت‌های خداوند رحمان را تبلیغ کردند و از مؤاخذه الهی و بازپرسی مسئولیت‌ها در هراس بودند و جز خدا از هیچ کس هراسی به دل راه ندادند. خداوند رحمان برای مراقبت و حسابرسی مسئولیت‌ها کافی است.

٤٠. محمد ابوالقاسم نیست، ابوبراهیم نیست، ابوزید نیست، ابو هیچ‌یک از مردان شما نیست که با نام و عنوان «پدر فلانی» توقیر و تکریم شود. محمد رسول خدا است. محمد، خاتم انبیاست. باید او را با چنین کنایه‌ها و لقب‌ها توقیر نمایید. خداوند جهان به تشریف و تکریم هر چیزی دانا بوده است.

٤١. ای اهل ایمان! خدا را فراوان یاد کنید.

٤٢. و در هر صبح و شام او را تسبیح بگویید.

الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا^{٤٣} تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا^{٤٤} يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا^{٤٥} وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا^{٤٦} وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا^{٤٧} وَلَا تَطْعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعِ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا^{٤٨} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَنْعُوهُنَّ وَسِرَّوهُنَّ سِرَاحًا جَمِيلًا^{٤٩} يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِيَّاتِ أَتَيْتَ أَجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عُمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالَكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِيَّاتِ هَاجِرْنَ مَعَكَ وَأَمْرَاءَ مُؤْمِنَاتٍ إِنْ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا^{٥٠} تُرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمَنْ ابْتِغَيْتَ مِمَّنْ

٤٣. او چنان خدایی است که بر شما صلوات می‌فرستد و فرشتگانش نیز بر شما صلوات می‌فرستند تا شما را از سیاهی‌ها بیرون کشد و به سوی نور خود هدایت نماید. خداوند رحمان به مؤمنان مهربان بوده است.

٤٤. آن روز که مؤمنان با خدای خود ملاقات کنند با «سلام علیکم» آنان را خوش آمد گویند. خداوند برای آنان مزد باکرامتی مهیا کرده است.

٤٥. ای پیامبر! ما تو را مبعوث کردیم تا شاهد بر مسئولیت‌های مردم باشی. مؤمنان را نوید دهی و به کافران اخطار کنی.

٤٦. با رخصت خداوند مردم را به سوی خدا دعوت کنی و چراغ روشنی‌بخش آنان باشی.

٤٧. کافران را از آتش فروزان دوزخ بترسان و مؤمنین را بشارت ده که از پیشگاه خداوند رحمان نعمت بسیار بزرگی برای آنان منظور شده است.

٤٨. از فتوای کافران و منافقان اطاعت مکن و به آزار آنان بی‌اعتنایی کن و بر خدا توکل نما. کافی است که خداوند رحمان وکیل تو باشد.

٤٩. ای اهل ایمان! هرگاه زنان مؤمن را به همسری گرفتید و پیش از مباشرت و عروسی، آنان را طلاق دادید در این صورت حق ندارید که هیچ‌گونه عده‌ای را بر آنان تحمیل کنید و تا پایان مدت آنان را در خانه نگه‌دارید و یا از گرفتن شوهر مانع شوید. بعد از طلاق باید آنان را با موهبتی از متاع زندگی کامیاب و خوشحال سازید و به خانه اقوامشان روانه سازید.

٥٠. ای پیامبر! ما آن دسته از همسرانت را که قبلاً با عقد موقت تزویج کرده‌ای و کابین آنان را هم پرداخت کرده‌ای بر تو حلال و روا کردیم. حلال و روا کردیم آن کنیزانی را که مالک شده‌ای از آن کنیزانی که در اسلام و به حکم قرآن به اسارت درآمده‌اند نه

عَزَلْتِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا^{٥١} لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا^{٥٢} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرِ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعَمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا^{٥٣} إِنْ تَبَدُّوا شَيْئًا أَوْ تَخَفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ

آن کنیزی که به رسم جاهلیت در غارتها تملک شده‌اند. حلال و روا کردیم دختران عمویت را از زنان قریش و دختران عمهات را مانند زینب بنت جحش و دختران خالویت و دختران خالهات با این شرط که با تو هجرت کرده باشند و هر زن مؤمن اگر جان خود را مانند میمونه به پیامبر ببخشد اگر پیامبر خواهان همسری او باشد. تمام این احکام و شرایط ویژه تو خواهد بود بی آن که مؤمنان را شامل شود. بی شک ما خودمان دانسته‌ایم که قبلاً بر عهده مؤمنان نسبت به همسران و کنیزانشان احکام دیگری صادر کرده‌ایم این احکام ویژه، برای آن است که تو با اعتصاب همسران در تنگنا نمایی و کسی را بر تو ایرادی نباشد. خداوند رحمان آمرزنده و مهربان بوده است.

۵۱. هریک از این همسران و کنیزان را که بخواهی با وعده مناسب از بسترت دور می کنی و هریک را بخواهی به بسترت راه می دهی. و هریک را که از بسترت دور کرده باشی اگر بعد از لحظاتی خواهان شوی و او را به بستر خود فراخوانی بر تو باکی نخواهد بود. این اختیارات وسیع بهتر می تواند چشم آنان را روشن کند که در هووداری محزون نشوند و همه آنان به هرچه از مهر و علاقه ارزانی بداری رضایت بدهند. خدا آنچه را در دل های شما مؤمنان می گذرد می داند. خداوند رحمان دانا و سنجیده کار است که چنین ویژگی هایی را به پیامبر خود فرمان داده است.

۵۲. بعد از این تاریخ که خانم های خدا و رسول را اختیار نمودند و از اعتصاب خود دست کشیدند بر تو روا نخواهد بود که بر تعداد خانم های بیفزایی و نه آن که خانم های را بدل کنی و با طلاق یک تن از خانم ها، خانم دیگری به نکاح خود درآوری گرچه مانند زینب از زیبایی او به شگفت آیی. مگر کنیزی باشد که او را به تملک درآوری. خداوند رحمان بر هر چیزی مراقب و نگهبان بوده است.

۵۳. ای اهل ایمان! به خانه های پیامبر وارد نشوید مگر آن که صلا داده شود برای غذا و شما نباید پیش از طبخ غذا وارد شوید و به انتظار بمانید تا غذا آماده شود بلکه چون برای

عَلِيمًا^{٥٤} لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ
 أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا^{٥٥}
 إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا^{٥٦} إِنَّ
 الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا^{٥٧} وَالَّذِينَ
 يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا^{٥٨} يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ
 لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا

ناهار دعوت شوید موقع ناهار وارد شوید و چون تناول کردید پراکنده شوید. نه آن که قبل از غذا و یا بعد از تناول غذا برای گپ زدن و انس گرفتن بنشینید و وقت پیامبر را تلف نمایید. بی شک این زود آمدن و دیر رفتن شما، پیامبر ما را آزار می دهد ولی از شما حیا می کند که عذر شما را بخواهد و خداوند رحمان از حرف حق حیا ندارد. و چون از خانم های او توشه ای به عاریت بخواهید باید از پشت پرده آویخته درخواست نمایید. این دستور به پاکی دل های شما و دل های خانم ها بهتر کمک می نماید. شما حق ندارید که رسول خدا را آزار دهید و نه آن که همسرانش را بعد از مرگ او به نکاح خود در آورید. این گونه توجه داشتن به خانم های پیامبر در پیشگاه خداوند جهان بسیار سهمگین خواهد بود.

۵۴. اگر شما نیت خود را عیان سازید و یا پنهان بدارید بی شک خداوند جهان به هر رازی دانا است.

۵۵. بر خانم های پیامبر حرجی نیست که در برابر پدرانشان حجاب نگیرند و نه در برابر پسرانشان و نه در مقابل برادرانشان و نه در برابر پسران برادرانشان و نه در برابر پسران خواهرانشان و نه در برابر خانم های فامیلشان و نه در برابر برده هایشان. ای خانم های پیامبر از خشم خدا بترسید و از فرمان خدا خارج نشوید. به یقین خداوند جهان بر هر چیزی شاهد و ناظر است.

۵۶. خداوند رحمان با فرشتگانش بر پیامبر خود صلوات می فرستد. ای اهل ایمان! شما نیز به هنگام نام بردن او صلوات بفرستید و سلام بگویید.

۵۷. به یقین کسانی که خدا و رسول خدا را با تعریض به همسران رسول خدا می رنجانند خداوندشان در دنیا و آخرت لعنت می کند و عذاب خوارکننده ای برای آنان مهیا دارد.

۵۸. و آن کسانی که مردان و زنان مؤمن را - بی آنکه گناهی مرتکب شده می شوند - با تعریض و کنایه آزار می دهند بی شک مسئولیت زخم زبانشان به عنوان تهمت و شهادت دروغین بر دوش آنان بار خواهد گشت.

يُؤذِنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا^{٥٩} لئن لم ينته المنافقون والذين في قلوبهم مرض والمرجفون في المدينة لنجربنك بهم ثم لا يجاورونك فيها إلا قليلاً^{٦٠} ملعونين أينما ثقفوا أخذوا وقتلوا تقتيلاً^{٦١} سنة الله في الذين خلوا من قبل ولن تجد لسنة الله تبديلاً^{٦٢} يستلک الناس عن الساعة قل إنما علمها عند الله و ما يدريك لعل الساعة تكون قريباً^{٦٣} إن الله لعن الكافرين و أعد لهم سعيراً^{٦٤} خالدين فيها أبداً لا يجدون ولياً و لا نصيراً^{٦٥} يوم تقلب و جوههم في النار يقولون يا ليتنا أطعنا الله و أطعنا الرسولاً^{٦٦} و قالوا ربنا إنا أطعنا سادتنا و كبراءنا فأضلونا السبيلاً^{٦٧} ربنا آتتهم ضعفين من العذاب و العنهم لعناً كبيراً^{٦٨}

٥٩. ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و خانم‌های مؤمنان بگو هنگام خروج از منزل از جامه‌های چادری خود جامه‌ای بزرگ بر دوش بگیرند و بر تن بپوشند. این جامه بزرگ به شناسایی آنان بهتر کمک می‌کند تا معلوم شود که این خانم‌ها اجازه تماس با بیگانگان را ندارند و نباید مورد آزار دیگران قرار بگیرند. خداوند رحمان آمرزنده و مهربان بوده است که راه خطاکاری شما را مسدود کرده است.

٦٠. به خدا سوگند که اگر منافقان مدینه و بیماردلان مهاجر و آن بادیه‌نشینان که در شهر مدینه تردد دارند از پخش اراجیف و تهمت دست بردارند تو را وادار می‌کنیم تا بر آنان برآشوبی و در آن صورت جز اندک‌زمانی در مدینه تاب نمی‌آورند و جوار تو را ترک می‌نمایند.

٦١. همراه با نفرت و لعنت که هر جا بر آنان دست یابند گرفتار شوند و با شمشیر پاره‌پاره گردند.

٦٢. این است سنت خداوند جهان در امت‌های پیشین و هرگز سنت خدا را به گونه‌ای دیگر نخواهی یافت.

٦٣. مردم می‌پرسند که رستاخیز قیامت کی برپا می‌شود؟ بگو: پاسخ این سؤال فقط نزد خداوند است و چه رمزی می‌تواند تو را باخبر سازد که بگویی: شاید رستاخیز قیامت نزدیک باشد. به یقین خداوند جهان، کافران را نفرین کرده است و برای آنان دوزخ را مهیا کرده است.

٦٤. به یقین خداوند جهان کافران را نفرین کرده است و برای آنان دوزخ را مهیا کرده است.

٦٥. جاودانه در دوزخ به سر می‌برند همیشه، نه حامی برای خود می‌یابند و نه یار و یاور.

٦٦. آن روز که چهره آنان در آتش دوزخ چون کباب زیر و زبر گردد گویند که ای کاش ما از خدا و رسول خدا اطاعت کرده بودیم.

٦٧. خواهند گفت: پروردگارا! ما از سروران و مهتران خود اطاعت کردیم و آنان بودند که

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا ۖ
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۗ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ
مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ۗ^{٧١} إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ
الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ۗ^{٧٢} لِيُعَذِّبَ
اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُنَافِقَاتِ وَ الْمَشْرِكِينَ وَ الْمَشْرِكَاتِ وَ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ
وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۗ^{٧٣}

ما را از راه درست به بیراهه بردند.

۶۸. پروردگارا! عذاب آنان را دوچندان کن و با نفرتی بزرگ و سهمگین از رحمت خود دورشان گردان.

۶۹. ای اهل ایمان! شما مانند یهودیان نباشید که موسی را با تهمت عشق به مادرخوانده‌اش زن جوان فرعون آزار می‌نمودند و خداوند رحمان او را از تهمت مردم تبرئه فرمود و معلوم شد فرار او به سوی مدین به خاطر قتل یک قبطی یوده است نه افشای اسرار او. موسی در پیشگاه خدا صاحب آبرو بود.

۷۰. و شما ای اهل ایمان! از خشم خدا بترسید و دربارهٔ انبیا و خصوصاً رسول خدا و ازدواج او با دختر عمه‌اش زینب سخنی معقول و استوار بیارید.

۷۱. اگر شما دربارهٔ ازدواج انبیاء مانند ازدواج داود و موسی و رسول خدا درست و شایسته سخن بگویید خداوند رحمان کردار شما را اصلاح می‌کند و گناهان شما را می‌آمرزد. هر کس خدا و رسول خدا را اطاعت کند بی‌شک به رستگاری بزرگی نایل شده است.

۷۲. ما بر آسمان‌ها و خاک‌ها و کوهها عرضه نمودیم که حیات مستقل یابند و آزادانه بار تکلیف را بر دوش بگیرند، اما آسمان‌ها و خاک‌ها و کوهها ابا کردند که بار تکلیف را بر دوش بگیرند و از مسئولیت حیات و جنبش نگران گشتند، ولی آدمی بار حیات و تکلیف را بر دوش کشید چرا که از مسئولیت خود در سیاهی و جهالت بود.

۷۳. این حیات و تکلیف و این مسابقه و تمرین برای آن بود که نهادها برملا شود و خوب و بد ممتاز شود و منافق و مؤمن، مشرک و موحد شناسائی گردند و خداوند جهان منافقان را از زن و مرد و مشرکان را هم از زن و مرد یکجا به دوزخ افکند و با آتش فروزان عذاب کند و بر مؤمنان از زن و مرد با رحمت و مغفرت رو آورد و خداوند رحمان آمرزنده و مهربان بوده است.

سَبَا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ
يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ
الْعَفُورُ^{٣٦٠} وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالَمٌ الْغَيْبِ لَا يُعْزَبُ
عَنْهُ مَثْقَلُ دَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ
لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ^{٣٦٣} وَالَّذِينَ سَعَوْا
فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ^{٣٦٤} وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ
إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ^{٣٦٥} وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ

سبأ - كفران نعمت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

٣٦٠٠. سپاس و ثنا ویژه آن خدایی است که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است مال اوست. در زندگی آخرت هم سپاس نعمت از آن اوست و او با کردانی از زیر و روی کارها باخبر است.

٣٦٠١. هر تخم و ریشه‌ای که در خاک فرو می‌رود می‌داند و آن ساقه‌ای که از خاک برون می‌شود می‌داند و هر رحمتی که از آسمان نازل شود و هر دعایی که به سوی آسمان بالا رود می‌داند و او مهربان و آمرزگار است.

٣٦٠٢. کافران گفته‌اند که زمین و آسمان درهم نمی‌ریزد و زندگی ما منقرض نخواهد گشت. بگو: چرا - سوگند به پروردگارم - قیامت بر سر شما قیام خواهد کرد و بساط زندگی شما برچیده خواهد گشت. سوگند به همان دانای نهان که از کردار شما هم‌وزن مورچه‌ای در آسمانها و نه در زمین از دید او گم نخواهد شد و نه چیزی کوچکتر از مورچه و نه چیزی بزرگتر از مورچه وجود دارد جز آن که آینه‌وار در نوشته‌های نمایان، ثبت است.

٣٦٠٣. تا کسانی را که ایمان آورده‌اند و کردار شایسته‌ای دارند پاداش دهد. اینها ایند که برایشان آمرزشی با روزی باکرامت مهیا است.

٣٦٠٤. و آن کسانی که با تلاشی پیگیر به جنگ ما برخاسته‌اند که آیات ما را انکار کنند آنها ایند که برایشان عذابی دردناک از رگبار آسمانی مهیا داریم.

٣٦٠٥. آن کسانی که علم و ایمان دریافت کرده‌اند به عیان می‌دانند که این قرآنی که از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است، حق و درست است و مردم را به راه خدای عزتمند

نَدَلُّكُمْ عَلَى رَجُلٍ يَنْبِتُكُمْ إِذَا مَرَّقْتُمْ كُلَّ مَمْرَقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۳۶۰۶ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ
 كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ ۳۶۰۷ أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا
 بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مَنْ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ نَشَأَ نَحْسِفُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نَسْقِطُ عَلَيْهِمْ
 كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِّكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ ۳۶۰۸ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ
 أُوْبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ ۳۶۰۹ أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي
 بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۳۶۱۰ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غَدُوها شَهْرٌ وَرَوَّاحها شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقَظْرِ وَمِنَ
 الْجِبِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ۳۶۱۱

ستوده کار رهنمون می سازد.

۳۶۰۶. کافران مکه به زائران حج گفته‌اند: آیا میل دارید که شما را به حضور مردی
 هدایت کنیم که از يك راز نهان شما را آگاه می‌سازد؟ خبر می‌دهد که هرگاه شما در دل
 گورها متلاشی گشتید و چون خاک، نرم و پاشیده شوید در آستانه آفرینشی نو قرار
 می‌گیرید؟

۳۶۰۷. نمی‌دانیم که آیا عمداً دروغی را بافته و بر خدای جهان بسته است یا آن که جن در
 جسم و جان او حلول کرده عقل او را دگرگون کرده است؟ نه. تکذیب این کافران علت
 دیگر دارد. علت آن است که روز قیامت را باور نمی‌دارند و کسانی که روز قیامت را باور
 نمی‌دارند در عذاب الهی به سر می‌برند و از راه حق بدور افتاده‌اند.

۳۶۰۸. آیا این کافران به افق نظاره نکرده‌اند که در پیش و پس خود از هر جانب آسمان و
 زمین را بر خود محیط ببینند؟ اگر ما خواسته باشیم از آنان انتقام بگیریم زمین را در زیر
 پایشان فرو می‌بریم و یا پاره‌سنگی از آسمان بر سرشان فرو می‌افکنیم. ولی اینک ما
 درصدد تعلیم و تربیت آنان هستیم نه درصدد انتقام. در این گزاره کیهانی برای هر بنده‌ای
 که حاضر باشد از راه خطا بازگردد نشانه تربیت مشهود است.

۳۶۰۹. به یقین ما به داود از پیشگاه خود رحمت بیشتری عطا کردیم، کوهساران را مسخر
 او کردیم و گفتیم که ای کوهها در تسبیح و ستایش خدا با او هم‌صدا شوید. پرندهگان را
 رام او کردیم و آهن را در دست او نرم کردیم.

۳۶۱۰. و گفتیم که از حلقه‌های آهن پیراهن فراخ و فراگیر بساز و در تنظیم حلقه‌ها اندازه
 نگه‌دار. ای خاندان داود کارهای شایسته انجام دهید و بدانید که من به دستاورد شما
 بینایم.

۳۶۱۱. و برای سلیمان باد را مسخر کردیم که قبل از ظهر مسیر يك‌ماه را طی می‌کرد و
 بعداز ظهر مسیر يك‌ماه دیگر. و برای او چشمه مس را چون چشمه آب، روان کردیم که

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَتَمَائِيلَ وَجِفَانَ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ ۝ ٣٦١٢ فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةٌ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَاتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَن لَّو كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ۝ ٣٦١٣ لَقَدْ كَانَ لِسِيَّ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جِئَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُّوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَأَشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ ۝ ٣٦١٤ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سِيلَ الْعَرَمِ وَبَدَّلْنَا لَهُمُ جَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَىٰ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ ۝ ٣٦١٥ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُم بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ

هرچه خواهد بی زحمت کاوش برگردد. و از پریان که به چشم شما نیابند کسانی را مسخر کردیم که با رخصت پروردگارش در برابر چشمانش کارهای فنی انجام دهند و هرکدامشان که از فرمان ما سرپیچی می کرد و طفره می رفت طعم عذاب فروزان آتش را به او می چشاندیم.

۳۶۱۲. آنچه را سلیمان می خواست از غرفه های بلند و مجسمه ها و کاسه ها به بزرگی چون حوض آب و دیگ های فرورفته در زمین برای او می ساختند. ای خاندان داود به شکرانه این نعمت به کار معبد ادامه دهید. بندگان سراپا شکر من بسیار اندکند.

۳۶۱۳. سلیمان دعا کرد که او را زنده نگه داریم تا کار معبد را تمام کند ولی ما فرمان مرگ او را موقعی به مرحله اجرا نهادیم که در کوشک خود تکیه بر عصا متوقف بود. در نتیجه هیچ کسی پریان را از مرگ سلیمان باخبر ننمود که دست از کار معبد بدارند جز موربانه که عصای او را می خورد و چون کار معبد پایان یافت جسد سلیمان بر زمین درغلتید و بر پریان روشن شد که اگر در آن حد از دانش بودند که عالم غیب و نهان را بدانند در عذاب خوارکننده دستگاه سلیمانی درنگ نمی کردند بلکه با مرگ او راه فرار در پیش می گرفتند.

۳۶۱۴. به یقین برای مردم سبا در سرزمین آنان يك نشانه از نشانه های رحمت و تربیت برقرار بود، دو بوستان سبز و خرم در سمت راست دره و سمت چپ آن بارور کردیم و گفتیم: از روزی پروردگارتان تناول کنید و سپاسگزار نعمت او باشید. سرزمینی فرح بخش و آباد. پروردگاری گنه بخش و آمرزگار.

۳۶۱۵. مردم پس از مدتی از شکرگزاری و آمرزش خواهی روگردان شدند و ما بر سر آنان سیل پرخروشی گسیل کردیم که از دو طرف خانه ها و مزرعه ها و باغ های آنان را شست و با خود برد و به جای آن، دو بوستان از بوته های ترشک و درخت گز و چند درخت سدر برای آنان برآوردیم.

نُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ^{٣٦١٦} وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سَيْرُوا فِيهَا لَيَالِيًا وَأَيَّامًا آمِنِينَ^{٣٦١٧} فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ^{٣٦١٨} وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ^{٣٦١٩} وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا لَنَعْلَمَ مَنْ يُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ^{٣٦٢٠} قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهَا مِن شِرْكٍَ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِّن ظَهِيرٍ^{٣٦٢١} وَلَا تَتَفَعَّلُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَن أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ

٣٦١٦. بدین صورت ما سزای کفر و ناسپاسی آنان را دادیم. ما به جز مردمان ناسپاس را کیفر می‌دهیم؟

٣٦١٧. و میان سرزمین آنان با سرزمین شام و اردن که در آن برکت نهاده‌ایم در فاصله‌های برابر آبادی‌های نمایان برقرار کردیم و مسیر مسافران یهود را در خلال آن آبادی‌ها با چهارساعت طی مسافت، هندسه و اندازه گرفتیم و گفتیم: اینک بی‌زادسفر چند شب و چند وز در نهایت امن و امان راه برگزید تا به معبد بیت المقدس برسید.

٣٦١٨. ولی آنان گفتند: پروردگارا! فاصله شهرها را دور کن تا سفرهای ما بر پشت مرکب بدرازا کشد. با این تقاضا ناشکری کردند و با فسق و فجور خود، جان خود را به سیاهی کشاندند و ما آنان را فسانه مردم کردیم و از هر جهت درهم کوبیدیم و پراکنده کردیم. بی‌شک در این مجازات الهی برای هرکس که پرشکیب و سراپا شکر باشد نشانه ربوبیت و تربیت مشهود است.

٣٦١٩. به حق سوگند که شیطان گمان خود را که می‌تواند اکثر مردم را اغوا کند به ثبوت رسانید و مردم همگان پیروی او گرفتند جز گروهی از اهل ایمان.

٣٦٢٠. او بر روح مردمان مسلط نبود که آنان را خواه و ناخواه به دنبال خود بکشاند. ما فقط به او فرصت دادیم که مردم را اغوا کند و این فرصت برای آن بود که بدانیم چه کسانی به قیامت و آخرت ایمان می‌آورند و چه کسانی در شک و گمان خود درجا می‌زنند. پروردگارت بر سر هر پدیده‌ای ناظر و نگهبان است.

٣٦٢١. به این مردم مشرک بگو: اینک شما خدایان خود را که تصور می‌کنید به جای خداوند رحمان خدایی می‌کنند عبادت کنید و برای نیازهای خود به آنها متوسل شوید. ولی این را بدانید که خدایان شما هم‌وزن مورچه‌ای در آسمان‌ها مالکیت ندارند، و نه در زمین و نه در آسمان‌ها و زمین برای خدایان شما حقی وجود دارد و نه آن که خداوند آسمان‌ها و زمین را یاری و پشتیبانی می‌نمایند.

إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ۗ ۳۶۲۲ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ
 مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۗ ۳۶۲۳ قُلْ لَا
 تُسْئَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْئَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۗ ۳۶۲۴ قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَ
 هُوَ الْفَاتِحُ الْعَلِيمُ ۗ ۳۶۲۵ قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۗ ۳۶۲۶
 وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۗ ۳۶۲۷ وَيَقُولُونَ
 مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۗ ۳۶۲۸ قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا

۳۶۲۲. شما که از خدایان خیالی خود انتظار شفاعت دارید این را بدانید که شفاعت رسولان و فرشتگان هم در پیشگاه خدا نافع نمی‌افتد جز برای آن کسانی که خداوندشان رخصت دهد. شافعان باید از خداوند رحمان رخصت بگیرند و درحال تماس که دل‌هایشان در ارتعاش و طپش لرزان است پیام را دریافت می‌نمایند و چون وحی خداوند رحمان پایان پذیرد و دل‌ها از هیمنه ذات او آرام و قرار خود را بازیابد خطاکاران از آنان می‌پرسند که پروردگارتان چه گفت؟ و شافعان پاسخ می‌دهند که خداوند رحمان به درستی سخن حق گفت: شفاعت ویژه آن کسانی است که نماز خوانده باشند. به مسکین نوا داده باشند. به مقدسات دینی توهین نکرده باشند و امروز را که روز رستاخیز است باور کرده باشند. پروردگار شما والا و بزرگ است.

۳۶۲۳. بگو: کدام خداوندی است که از آسمان‌ها و زمین به شما روزی می‌دهد؟ مشرکان پاسخی ندارند. تو خود در پاسخ این سؤال بگو: خداوند آسمان‌ها و زمین است که به مردم روزی می‌دهد نه خدایان پوشالی شما. در پایان زندگی معلوم می‌شود کدامین فرقه از ما و شما در راه هدایت گام می‌زده‌ایم و کدامین فرقه در گمراهی نمایان به سر می‌بردیم.

۳۶۲۴. بگو: اینک ما به راه خود می‌رویم و شما به راه خود می‌روید. شما از تبهکاری ما بازپرسی ندارید و ما از دستاورد شما بازپرسی نداریم.

۳۶۲۵. بگو: روز قیامت خداوند جهان ما و شما را در برابر هم بر صف می‌کند و بن‌بست میان ما و شما را می‌گشاید و او گشاینده‌ای دانا است.

۳۶۲۶. بگو: آن خدایانی را که در خدایی به خداوند جهان ملحق کرده‌اید به من نشان بدهید، ابداً و هرگز خدایان آنان جلوه خدایی ندارند. پروردگار آنان همان خدای عزتمند و کاردان است.

۳۶۲۷. ما تو را تنها برای این مردم عرب گسیل نکردیم بلکه بر تمام بشریت گسیل کردیم تا مزه‌بخش ثواب و اخطارکننده عذاب ما باشی. اما بیشتر مردم نمی‌دانند.

۳۶۲۸. با استهزاء و مسخره می‌گویند که اگر راست می‌گویید پس این وعده قیامت کی

تَسْتَقْدِمُونَ ۳۶۲۹ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ
الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ
اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ۳۶۳۰ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا أَنْحَنُ صَدَدْنَاكُمْ
عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ ۳۶۳۱ وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ
مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ
وَجَعَلْنَا الْأَعْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يَجْزُونَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۳۶۳۲ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي
قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ۳۶۳۳ وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَ
أَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ۳۶۳۴ قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

عملی خواهد گشت؟

۳۶۲۹. بگو: وعده شما روزی است که چون فرارسد لحظه‌ای دیرتر و لحظه‌ای زودتر سر
از خاک بر نمی‌دارید.

۳۶۳۰. کافران گفته‌اند که ما هرگز به این قرآن ایمان نمی‌آوریم و نه به آن تورات و
انجیلی که در مقابل قرآن است. اگر ببینی، آن روز که سیه‌کاران را در مقابل پروردگارشان
متوقف سازند، با هم پرخاش می‌کنند و بی‌محبا و بی‌رعایت ادب جواب هم را می‌دهند.
آن روز مردم مستضعف به سران مستکبر خود می‌گویند که اگر شما نبودید بی‌شک ما راه
ایمان می‌گرفتیم.

۳۶۳۱. و مستکبران پاسخ می‌دهند که آیا ما شما را از هدایت و رهیابی مانع شدیم؟ آیا
موقعی که آیات خدا به شما ابلاغ شد ما بودیم که دست شما را گرفتیم که ایمان نیاورید؟
نه بلکه شما خود از تبه‌کاران بودید.

۳۶۳۲. و افراد مستضعف که همواره فریب مستکبران را می‌خورند در پاسخ آنان می‌گویند:
درست است که شما دست ما را نگرفتید و مانع نشدید ولی نیرنگ شما در شب‌ها و روزها
چنان ادامه یافت که با مقدمه‌چینی و برنامه‌ریزی و فلسفه‌بافی وادارمان کردید تا به
خداوند جهان کافر شویم و برای او همتایان خیالی بتراشیم. کافران با این غوغا و جنجال،
ندامت خود را از کردار خود آشکارا می‌کنند و چون عذاب را عیاناً بنگرند ساکت می‌شوند و
ندامت خود را نهان می‌سازند. ما کافران را به دوزخ می‌بریم و غل‌ها را بر گردنشان
می‌افکنیم. آیا کافران جز سزای دستاوردشان سزای دیگری می‌بینند؟

۳۶۳۳. ما برای هیچ مردمی رسولی نفرستادیم که آنان را از عذاب خدا بترساند جز آن که
صاحبان ناز و نعمت گفتند: ما به پیام شما کافریم.

۳۶۳۴. گفتند: که ما از حیث مال و منال و از نظر فرزند و عیال بر شما مؤمنان برتری و

لَا يَعْلَمُونَ^{۳۶۳۵} وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جِزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ^{۳۶۳۶} وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ^{۳۶۳۷} قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ^{۳۶۳۸} وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ^{۳۶۳۹} قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرَهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ^{۳۶۴۰} فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفَعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ

امتیاز داریم خود این خود گواه محبوبیت ما نزد خداوند است. ما به عذاب خدا مبتلا نخواهیم شد.

۳۶۳۵. بگو: فقر و ثروت مصلحت دیگری دارد و پروردگار من روزی خود را برای هر کس بخواهد می‌گسترده و برای هر کس بخواهد محدود می‌سازد تا آنان را بیازماید و کار جامعه را بدون سرنیزه سامان بدهد اما بیشتر مردم نمی‌دانند.

۳۶۳۶. اموال شما و یا فرزندان شما آن دستاوردی نیست که شما را به پیشگاه خدا نزدیک سازد. هیچ کس به پیشگاه خدا نزدیک نمی‌شود جز آن کسی که ایمان بیاورد و دستاورد شایسته‌ای ارائه دهد. اینها ایند که در برابر دستاوردشان پاداش ده‌برابر دارند. اینها ایند که در قصرها و کاخ‌ها در امانند.

۳۶۳۷. و آن کسانی که با تلاش پیگیر به جنگ و گریز با ما برخاسته‌اند که آیات ما را بی‌اثر سازند آنها ایند که در عذاب دوزخ حاضرند.

۳۶۳۸. بگو: مال و منال دنیا تنها در اختیار شما نیست. پروردگار من برای هر یک از بندگان که بخواهد و صلاح بدانند روزی خود را گسترده می‌سازد و اگر بخواهد و مصلحت بدانند روزی او را محدود می‌سازد و شما مؤمنان که روزی گسترده دارید هر چه از روزی خود انفاق نمایید و به دیگران برسانید خداوند جای آن را پر می‌کند و خدا بهترین روزی‌دهندگان است.

۳۶۳۹. آن روز که خداوند جهان همه جهانیان را در عرصه قیامت محشور کند سپس به فرشتگان بگوید: آیا این کافران شما را پرستش می‌نمودند؟

۳۶۴۰. فرشتگان پاسخ می‌دهند: تو از شریک و هم‌تا منزه و برکناری. برای ما شایسته و ممکن نبود که از بندگیت سربتاییم و بندگان را گمراه کنیم تا یار و یاور ما باشند. یار و یاور ما تو هستی نه آنان که ما را ندیده‌اند و فقط از ما نامی شنیده‌اند. اینان از ما فرشتگان پیامی نگرفته‌اند که موجب اغوای آنان شده باشد بلکه اینان پریان را پرستش می‌کرده‌اند که با آدمیان تماس می‌گیرند و آنان را به کارهای خطا رهنمون می‌شوند و اخبار غیبی در

لَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ^{۳۶۴۱} وَإِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانُوا يَعْبُدُ آبَاؤَكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرَىٰ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ^{۳۶۴۲} وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ ^{۳۶۴۳} وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مَعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ^{۳۶۴۴} قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَىٰ خِزْفٍ ثُمَّ تَنفَكُّوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ^{۳۶۴۵} قُلْ مَا

اختیارشان می‌گذارند. بیشتر این کافران مشرک به ارواح جنّ ایمان واقعی دارند.
 ۳۶۴۱. بنابراین خدایان شما از شما بیزار می‌دارند و به یاری شما نمی‌آیند. شما خودتان هم که امروز برای همدیگر یار و یاور نمی‌شوید و مالک سود و زیان نمی‌باشید. پس راه دیگری جز دوزخ فروزان ندارند و ما کافران را به دوزخ می‌افکنیم و می‌گوییم: بچشید عذاب آن آتشی را که در دنیا باور نمی‌کردید.

۳۶۴۲. و چون آیات ما با وضوح و روشنی بر آنان تلاوت شود کافران می‌گویند که این مرد برنامه دیگری ندارد جز اینکه می‌خواهد شما را از آن خدایانی دور کند که پدرانتان عبادت می‌کرده‌اند. می‌خواهد سنت‌های اجداد ما را بشکند و سنتی را به جای آن بگزارد که خود بنیان‌گذار آن باشد. می‌گویند که این قرآن دروغی است که دیگران بافته‌اند و به خدا بسته‌اند. قرآن، حقیقت محض است ولی چون به دست کافران رسید گفتند: قرآن، جادویی روشن و آشکار است.

۳۶۴۳. ما به این مردم مشرک از کتاب‌های دانشمندان پیشین کتابی عطا نکردیم که به درس و تدریس آن کتاب‌ها پرداخته باشند و مسائل مذهبی را بشناسند. پیش از تو ما رسولی هم به سوی این مردم گسیل نکردیم که مستقیماً آنان را انذار کند و از خشم خدا بترساند.

۳۶۴۴. امت‌های پیشین که رسالت‌های ما را تکذیب کردند از قدرت عظیمی برخوردار بودند. این مردم که یک‌دهم آن قدرت را هم ندارند جرئت کرده‌اند و رسولان ما را تکذیب می‌کنند. امت‌های پیشین با آن قدرت و سطوت چسان مورد بازخواهی ما قرار گرفتند، فکر می‌کنی اینان را که به یک‌دهم آن قدرت نرسیده‌اند چگونه مورد بازخواهی قرارشان می‌دهیم.

۳۶۴۵. بگو: من شما را به یک نکته پند می‌دهم. آن نکته این است که شما به خاطر خدا دونفر دونفر باهم و یا تک‌تک و تنها تنها به تحقیق برخیزید و سپس درباره قرآن بیندیشید. چرا بدون تحقیق و پژوهش و بی‌تدبر و واری رسالت الهی را تکذیب می‌کنید،

سَأَلْتُمْ مَنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۚ ۳۶۴۶ قُلْ إِنْ رَبِّي
يَقْدِرُ بِالْحَقِّ عِلْمَ الْغُيُوبِ ۚ ۳۶۴۷ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبَدِّلُ الْبَاطِلَ وَمَا يَعْبُدُ ۚ ۳۶۴۸ قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ
فَأِنَّمَا أَضِلُّ عَلَى نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ ۚ ۳۶۴۹ وَ لَوْ تَرَى إِذُ
فَزَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ ۚ ۳۶۵۰ وَ قَالُوا آمَنَّا بِهِ وَ أَنَّى لَهُمُ التَّنَاطُشُ مِنْ مَكَانٍ
بَعِيدٍ ۚ ۳۶۵۱ وَ قَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَ يَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ۚ ۳۶۵۲ وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ
مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلِ إِنْهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ ۚ ۳۶۵۳

رسول شما جنون ندارد که چنین رسالت بزرگی را ادعا کند. او نه مجنون است و نه ساحر. بلکه او فقط اخطارکننده‌ای است که باید شما را از آن عذاب سختی که در پیش رو دارید بترساند.

۳۶۴۶. بگو: اجر و مزدی که من از شما خواسته‌ام مال شما باشد. من که از شما اجر و مزدی طلب نکردم. اجر و مزد من بر عهده شما نخواهد بود و نه بر عهده هیچ کس. اجر من بر عهده خداوند جهان خواهد بود و او بر هر چیزی گواه و ناظر است.

۳۶۴۷. بگو: بی‌شک پروردگار من با راستی و درستی عالم غیب را با تیر سخن نشان می‌کند دانندهٔ نهان‌ها است.

۳۶۴۸. بگو: خداوند حق آمد که آغاز و انجام آفرینش با اوست. خدای باطل، نه آغاز می‌کند و نه بازسازی می‌نماید.

۳۶۴۹. بگو: اگر من با ادعای رسالت گمراه گشته‌ام گمراهی من بر زیان خودم خواهد بود و اگر رهیاب باشم در اثر فرمانی است که پروردگارم به سوی من اشارت می‌کند. به یقین پروردگار من ادعای مرا می‌شنود و به بندگان خود نزدیک است.

۳۶۵۰. اگر ببینی، آن هنگام که این کافران با دیدار فرشتگان به فزع درآیند. آن روز از چنگ ما راه فرار ندارند. فرشتگان موکل بر جان‌ها از جایی بس نزدیک توقیفشان می‌کنند و مأخوذشان می‌دارند.

۳۶۵۱. و گویند که ما به قرآن ایمان آوردیم. کی می‌توانند که از جایی بس دور به قرآن و ایمان دست یابند.

۳۶۵۲. با آن که در عالم دنیا به آن کافر بودند و از جایی بس دور با تیر گمان، عالم غیب را هدف می‌گرفتند.

۳۶۵۳. آن روز میان آنان و میان خواسته‌هایشان فاصله می‌افتد چونان که با هم کیشانان همین معامله اتفاق افتاد. بی‌شک کافران با تردیدی اتهام‌آور به سر می‌برند که به انبیاء سوءظن داشتند.

فَاطِر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنَحَةٍ مَّثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعٌ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^١ مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ^٢ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَانِي تُوَفَّكُونَ^٣ وَإِنْ يَكْذِبُونَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ^٤ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغْرُبَنَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغْرَبَنَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ^٥ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ^٦ الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

فاطر - توحيد و معاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. سپاس و ثنا ویژه آن خدایی است که شکافنده آسمانها و زمین است. فرشتگان را به رسالت برقرار می کند، برخی با دوبال، برخی با سه بال و برخی با چهاربال پرواز می کنند. خداوند آسمانها و زمین، بر بالهای فرشتگان هر چند که بخواهد می افزاید. بی شک خداوند جهان بر هر پدیده ای تواناست.

٢. درهای رحمتی را که خداوند بر روی مردم بگشاید هیچ کس نتواند مسدود کند و آن نعمتی را که خداوند بازدارد هیچ کس نتواند آن را به سوی مردم گسیل دارد؛ او عزتمند و کاردان است.

٣. ای مردم! نعمتی را که خداوند رحمان به شما ارزانی داشته است به خاطر داشته باشید. آیا جز خداوند جهان آفریننده دیگری هست که شما را از آسمان و زمین روزی عطا نماید؟ جز او خدایی نیست. پس شما مردم به کجا منحرف می شوید!

٤. اگر این کافران تو را تکذیب می نمایند رسولان پیش از تو هم تکذیب شده اند. بازپرسی رسولان و آدمیان به خداوند رحمان ارجاع می شود.

٥. ای مردمان! به یقین وعده خداوند جهان حق و درست است و روز قیامت آمدنی است. پس زندگی دنیا شما را گول نزند و هیچ فریبنده دیگری از یاوه گویان جن و بشر شما را نفریند که خدا رحیم است و کسی را عذاب نخواهد کرد.

٦. این را بدانید که شیطان دشمن شما است. در برابر او جبهه بگیرید و از او برحذر باشید. جز این نیست که شیطان حزب خود را دعوت می کند تا از یاران دوزخ بوده باشند.

الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ٧ أَفَمَنْ زِينَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَاهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ٨ وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَدْمِيَّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ ٩ مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورٌ ١٠ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا يَعْلَمُهُ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ١١ وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذَابٌ

٧. کسانی که کافر شده‌اند برایشان عذاب سختی مهیا است. و برای آن کسانی که ایمان آورده‌اند و دستاورد صالحی دارند آمرزش الهی با مزدی بزرگ مهیا است.
٨. آیا آن کسی که اعمال ناپسند او در نظرش زینت یافته و آن را نیک و پسندیده می‌بیند چه تصویری دارد؟ او باید بداند که خداوند هر که را بخواهد مانند او گمراه می‌کند و هر که را بخواهد به راه راست رهیاب می‌نماید. پس مراقب باش که از حسرت بر کافران جانت برباد نرود. به یقین خداوند جهان به کارهایی که این کافران صورت بدهند دانا است.
٩. خداوند شما، آن خدایی است که بادهای لطیف را گسیل می‌دارد و بادهای ابرها را می‌شوراند و ما ابرها را به سوی دشت‌های مرده می‌رانیم و با آب باران توده‌ی خاک را بعد از مرگش زنده و پرنشاط می‌سازیم. رستاخیز بشر نیز بر همین منوال است که نطفه‌ی انسان‌ها را در دل خاک جای می‌دهیم و با آب حیات آبیاری می‌نماییم و بالاخره آنان را از دل خاک برون می‌افکنیم.
١٠. هر کس خواهان عزت دنیا باشد باید بداند که عزت یکسر مال خداست. گفته‌های پاک با موج فرشتگان به سوی خدا اوج می‌گیرند و به پیشگاه خدا می‌رسند. کردار شایسته را خداوند رحمان شخصاً به سوی خود بالا می‌برد که پرونده‌ی گفتار نیک و کردار نیک در علین به حضور او ارجاع می‌شود. و آن کسانی که بدی‌ها را با نیرنگ و فریب سامان می‌دهند برایشان عذاب سختی آماده است. اما بازار نیرنگ آنان کساد است.
١١. خداوند شما، آن خدایی است که نطفه‌ی شما را از غبار خاک آفرید سپس نطفه‌ها را در قرارگاه مناسب مستقر ساخت و آنگاه شما را جفت‌جفت به صورت آدمی آراست. هیچ ماده‌ای از جفت خود بار نمی‌گیرد و سپس بار خود را به صورت نوزاد بر زمین نمی‌گذارد جز با علم و اطلاع او. هیچ سالخورده‌ای عمر دراز نمی‌کند و هیچ کس عمرش کوتاه نمی‌شود جز آن که در آئینه‌ی کتاب تکوین نمودار است. بی‌شک ثبت احوال بشر بر خداوند جهان آسان است.

فَرَاتُ سَائِغٍ شَرَابِهِ وَهَذَا مِلْحٌ أَجَاجٌ وَمِنْ كُلِّ تَاكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا
وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَآخِرَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ^{١٢} يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ
النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ
وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ^{١٣} إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا
مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ^{١٤} يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ
الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ^{١٥} إِنْ يَشَأْ يُدْهَبِكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ^{١٦} وَمَا ذَلِكَ
عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ^{١٧} وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ
كَانَ دَا قُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ
لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ^{١٨} وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ^{١٩} وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ^{٢٠} وَلَا

١٢. دو دریا در کنار هم یکسان و برابر نمی‌شوند، این یک، شیرین و گواراست که گلو را نوازش می‌دهد و آن یک، شور و تلخ است و گلو را می‌خراشد. از هر دو دریا گوشت تازه و تر تناول می‌کنید و زیورآلات لؤلؤ و مرجان برون می‌کشید و بر تن خود می‌آرایید. زورق‌ها را بر پهنه دریا می‌بینی که سینه امواج را می‌شکافند تا شما بتوانید از فضل خدا روزی خود را بجویید و باشد که بر این نعمت‌ها شکر و سپاس لازم را بگذارید.

١٣. سیاهی شب را در دل روز فرو می‌برد و سپیدی روز را در شکم شب. خورشید روز و ماه شب را مسخر کرد تا مسیر خود را به درستی طی کنند. هر یک تا سرآمد مشخصی به سیر خود ادامه خواهد داد. این است خداوند پروردگار شما که پادشاهی جهان او راست. آن خدایانی که شما مشرکان به جای خداوند جهان پرستش می‌کنید و به یاری خود می‌خوانید بر یک دانه خرما پادشاهی ندارند.

١٤. اگر آنان را بخوانید نمی‌شنوند و اگر بر فرض محال آوای شما را بشنوند درخواست شما را اجابت نمی‌کنند و روز قیامت به اعتقاد شرك‌آمیز شما کافر می‌شوند. هیچ اهل اطلاعی مانند خداوند جهان از زیر و روی کارها باخبر نیست که شما را آگاه و باخبر سازد.
١٥. ای مردم! این شماست که نیازمند خدا هستید. خداوند جهان از شما بی‌نیاز است و در نعمت‌بخشی ستوده کار.

١٦. اگر بخواهد شما را از میان می‌برد و نسل جدیدی بر روی زمین برقرار می‌سازد.

١٧. این کار بر خداوند جهان ناگوار نخواهد بود که بارها و بارها چنین کرده است.

١٨. هیچ خطاکاری بار خطای دیگران را بر دوش نمی‌کشد و اگر بار کسی سنگین باشد و دیگران را به یاری بخواند از بار او برداشته نمی‌شود که بر دوش دیگران بار گردد گرچه خویشاوند خود را به یاری خوانده باشد. از تو نمی‌آید که مردمان را یکسر خداترس بسازی

الظِّلِّ وَلَا الْحَرُورِ^{٢١} وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ^{٢٢} إِنَّ أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ^{٢٣} إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّن أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ^{٢٤} وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ^{٢٥} وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ^{٢٥} ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ^{٢٦} أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ^{٢٧} وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ^{٢٨} إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا

جز آن دسته کسانی که در نهان از بازپرسی پروردگار خود در هراس باشند، نماز را برپا بدارند و زکات را بپردازند تا جان خود را پاک سازند. هرکس زکات بپردازد به سود جان خود از پلیدی‌ها پرهیز کرده است. تمام جهانیان به سوی خدا می‌شوند.

۱۹. هرگز پاک و پلید برابر نیست. کور و بینا هم برابر نیست.

۲۰. و نه سیاهی با نور.

۲۱. نه سایه با آفتاب

۲۲. زندگان با مردگان هم برابر نخواهند بود. کافران کورند و تاریک‌دل، بلکه چون مردگانند. بی‌شک خداوند جهان سخن خود را به گوش هرکس بخواهد می‌رساند، گرچه مرده‌دل باشد یا مرده در گور باشد ولی تو هرگز نمی‌توانی سخن خود را به گوش مردگان در گور برسانی.

۲۳. تو فقط اهل خطاری که باید مردم را از عذاب خدا بترسانی.

۲۴. ما تو را به حق گسیل کردیم، مژده‌بخش بهشت و اخطارکننده دوزخ، هیچ امتی از جهان رخت نیست جز آن که پیامبری اخطارکننده مأمور آنان بود.

۲۵. اگر این مردم کافر تو را تکذیب می‌کنند امت‌های پیشین هم پیامبران خود را تکذیب کرده‌اند، پیامبرانشان با دلایل روشن‌گر و نوشته‌های مقدس و کتاب آسمانی تابان به دعوت آنان آمده بودند.

۲۶. اما مورد تکذیب آنان قرار گرفتند و من کافران را به کیفر گرفتم. کیفر و بازخواهی من چسان بود؟

۲۷. آیا ندیده‌ای که خداوند جهان از آسمان آبی نازل کرد و ما فرشتگان با آن آب میوه‌های رنگارنگ از دل خاک برون کردیم؟ به کوهساران که بنگری برخی رگه‌های سفید و سرخ با رنگ‌های گوناگون دیگر دارند و برخی سراسر سیاهند.

۲۸. برخی از مردم نیز و برخی از جانداران و چارپایان بر همین منوال در رنگ‌های

رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ ٢٩ لِيُوفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ ٣٠ وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ ٣١ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنُ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ٣٢ جَنَّاتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا يُحَلِّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسَهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ٣٣ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ ٣٤ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا

گونگون جلوه‌گرد و رنگ‌های گواه اختلاف درونی و آثار نابرابرند مردم باید با این نکته‌ها آشنا گردند تا از حدود مسئولیت‌ها باخبر شوند و هراس بگیرند. جز این نیست که از میان بندگان خداوند رحمان فقط دانشمندانشان از محاکمه الهی در هراسند. بی‌شک خداوند رحمان در مقابل دشمنان خود عزتمند و در قبال دوستان خود آمرزگار است.

٢٩. به یقین کسانی که آیات قرآن را تلاوت می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و از روزی خود - خواه پنهان و خواه عیان - بر دیگران انفاق می‌نمایند به تجارتی دل بسته‌اند که هرگز بازار آن کسادى ندارد.

٣٠. بدین امیدند که خداوند رحمان پاداش طاعت آنان را مرحمت کند و از فضل خود بر پاداش آنان بیفزاید. خداوند رحمان آمرزنده گناه و سپاسگزار طاعت بندگان است.

٣١. بی‌شک رسالت تو برحق است و آنچه از آیات قرآن به سویت اشارت کرده‌ایم درست است و می‌تواند کتاب انجیل و تورات را که پیش از قرآن نازل کرده‌ایم تصدیق و تأیید کند و تحریفات آن را به اصلاح آورد و اختلاف نصاری و یهود را حل کند. خداوند رحمان به نهاد بندگانش خبیر و بینا است.

٣٢. ما به هر رسولى کتابی عطا کردیم تا در پرتو آن کتاب امت خود را به راه صواب هدایت کند و از آن پس که رسولان ما چشم بر جهان فروبستند میراث کتاب را به دست همان مردمی سپردیم که از میان بندگان خود برای دریافت آن‌گزین کرده بودیم ولی آنان اتحاد و اتفاق مکتب را شکستند، برخی با شکستن قانون و ارتکاب جرائم جان خود را به سیاهی کشاندند. برخی با میانه‌روی طاعت و عصیان را به هم درآمیختند و جمعی با اجازه خداوند رحمان بهترین اعمال شایسته را انجام داده بر دیگران پیشی گرفتند. فضل بزرگ همین است که سابقان امت بر آن ظفر یافته‌اند.

٣٣. بهشت فردوس که به آنجا درآیند و با دستواره‌های طلا و گوهر زیور گیرند و جامه‌های آنان در فردوس برین از حریر است.

٣٤. گویند: سپاس و ثنای ما ویژه آن‌خدایی است که اندوه زندگی را از ما زدود. به یقین

يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ^{٣٥} وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَافِرٍ^{٣٦} وَهُمْ يَصْطَرِّخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوَلَمْ نَعْمَرْكُمْ مَا يُتَذَكَّرُ فِيهِ مِنْ تَذَكَّرٍ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ^{٣٧} إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ^{٣٨} هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرَهُمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرَهُمْ إِلَّا خَسَارًا^{٣٩} قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْهُ بَلْ إِنْ يَعْذِرُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا^{٤٠} إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا

پروردگار ما آمرزنده گناه است. او سپاسگزار طاعت است.

٣٥. آن خدایی که از فضل خود ما را به این خانه جاوید درآورد که نه خستگی با تن ما آشنا گردد نه ملالی بر خاطر ما نشیند.

٣٦. اما کسانی که کافر شدند برای آنان آتش دوزخ مهیا است. فرمان مرگ آنان صادر نمی‌شود که بمیرند و رنج نبرند و عذاب آنان سبک نمی‌شود که دمی بیاسایند. هرکس که ناسپاس باشد چنین سزایش خواهیم داد.

٣٧. این کافران ناسپاس در دوزخ فریاد می‌کشند که پروردگارا ما را از دوزخ برآر که اگر ما را از دوزخ برآری تعهد می‌کنیم و کارهای شایسته‌ای را بجا می‌آوریم که رضای تو در آن باشد غیر از آن کارهایی که در دنیا بجا آورده‌ایم و خشم تو را برانگیخته‌ایم. به آنان پاسخ می‌دهند: آیا عقل و وجدان به شما عطا نکردیم که شایسته و ناشایسته را از هم بازشناسید؟ آیا چندان عمر و مهلت به شما عطا نکردیم که با فرصت کافی همچون دیگران پند و عبرت بگیرید؟ چرا هم عقل و وجدان به شما عطا کردیم و هم فرصت کافی در اختیارتان نهادیم و هم اخطارکننده‌ای آمد که شما را از عذاب خدا بیم دهد ولی شما روی حق را سیاه کردید و رسولان را تکذیب نمودید. اینک بچشید عذاب دوزخ را که سیه‌کاران یآوری ندارند.

٣٨. بی‌شک خداوند جهان به نهان آسمان‌ها و زمین دانا است. بی‌شک خداوند جهان به راز دل‌های مردم آگاه است.

٣٩. او خدایی است که شما را جانشین نسل‌های پیشین ساخت، هرکس کافر شود کفر او بر زیان او است. کفر کافران در پیشگاه خداوندشان جز بر خشم و نفرت خدا نمی‌افزاید. کفر کافران جز بر خسارت دنیا و آخرت آنان نخواهد افزود.

٤٠. بگو شما چه تصور کرده‌اید؟ آن خدایانی که شریک خدا می‌دانید و در عوض خداوند

إِنْ أَمْسَكْتَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ٤١ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنَ الْإِحْدَىٰ ۚ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا ٤٢ اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ ۚ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ ۚ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا ٤٣ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِن شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا ٤٤ وَلَوْ يَأْخُذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ

جهان پرستش می‌نماید باید خدایی آنان را نشان بدهید. به من نشان بدهید که از این زمین پهناور کدام منطقه را خدایان شما آفریده‌اند؟ و یا در آفرینش آسمان‌ها چه نقشی ایفا کرده‌اند که شریک خدا شده‌اند؟ آیا ما خودمان به این مشرکان سندی داده‌ایم و شریکان خود را معرفی کرده‌ایم و اینان با درک و دریافت آن‌سند به عبادت بت‌ها پرداخته‌اند؟ چنین نیست. اینان سیه‌کارند که حقیقت را بر مردم عامی دگرگون می‌نمایند. سیه‌کاران جز با نیرنگ و دغل جامعه خود را نوید سعادت نمی‌دهند.

٤١. این خداوند جهان است که آسمان‌ها و زمین را در مدار خود نگه می‌دارد که مبدا از مدار خود بلغزد. به خدا قسم که اگر آسمان‌ها و زمین از مدار خود بلغزند بعد از خداوند جهان هیچ‌کس قدرت ندارد که آسمان‌ها و زمین را در مدار جدید آن نگه‌دارد که بازهم جابجا نشوند. به یقین خداوند رحمان بر خطای بندگانش بردبار و آمرزنده بود که آسمان‌ها را در مدار خود نگه داشته است.

٤٢. این کافران مشرک قبلاً به جدی‌ترین سوگندهای خود قسم یاد کرده‌اند که اگر رسولی بر آنان مبعوث شود که مستقیماً آنان را از عذاب خدا بترساند از همه امت‌ها رهیاب‌تر می‌شوند و اگر از همه امت‌ها رهیاب‌تر نگردند از همه امت‌ها گمراه‌تر نخواهد شد بلکه لااقل از برخی از امت‌ها رهیاب‌تر می‌شوند و اگر در صف اول نباشند در صف آخر جای نمی‌گیرند. اما چون اخطارکننده الهی نزد آنان آمد جز بر رمیدن آنان نیفزود.

٤٣. رمیدنشان از حق بدین خاطر بود که در پهنه زمین به جاه‌طلبی و استکبار خود ادامه دهند و با مکر شوم خود مردم را در استضعاف و بردگی نگه‌دارند. ولی مکر شوم و ناپسندشان جز پایبج آنان نخواهد گشت. پس با وجود این نیرنگ و دغل و این سیه‌کاری و عناد با حق انتظار دیگری دارند جز اجرای همان سنتی که درباره پیشینیان به اجرا نهادیم و دمار از روزگارشان برآوردیم؟ تو هرگز سنت خدا را درگگون نخواهی یافت. تو هرگز سنت خدا را به رنگ دیگر نخواهی یافت.

٤٤. آیا این کافران سنت خدا را از زبان همین قرآن نشنیده‌اند؟ و یا در عرصات زمین به

عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخَّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فِإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ
بَصِيرًا^{٤٥}

سیر و سیاحت نرفته‌اند تا فرجام امت‌های پیشین را بنگرند که در قدرت و نیرو از اینان هم تواناتر و مقتدرتر بودند؟ هیچ چیزی در آسمان‌ها و زمین از چنگ خدا راه فرار ندارد. به یقین خداوند جهان دانا و توانا بوده است.

٤٥. اگر خداوند جهان مردمان را به کیفر کردارشان می‌گرفت بر روی زمین جنبنده‌ای را برجا نمی‌نهاد. خداوند جهان مردمان را تا پایان عمری که برایشان نامزد کرده است فرصت و مهلت می‌دهد و چون اجل آنان به سر آید مسیر بهشت و دوزخ آنان را روشن می‌کند. خداوند جهان به حال بندگان خود بینا است.

یس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یس^۱ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ^۲ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ^۳ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ^۴ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ^۵
لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ^۶ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ^۷ إِنَّا
جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ^۸ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ
خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ^۹ وَ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا
يُؤْمِنُونَ^{۱۰} إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَ خَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَ أَجْرٍ كَرِيمٍ^{۱۱} إِنَّا

یاسین - اخلاص در ایمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. ی. س.
۲. به قرآن کاردان سوگند.
۳. که تو از رسولان ما هستی.
۴. و بر راه راست می‌روی.
۵. تنزیل این قرآن، کار آن عزتمند مهربان است.
۶. تا به مرور زمان اخطار کنی به این مردمی که بر پدرانشان اخطاری نیامد و اینک بی‌خبرند.
۷. تو اینان را انذار کردی ولی ایمان نیاوردند و بر بیشتر آنان نام دوزخی تثبیت شد که دیگر ایمان نمی‌آورند.
۸. ما با یک صفحه پهن آهنین بر گردن‌هایشان غل بسته‌ایم که تا زیر چانه‌هایشان می‌رسد از این‌رو سرها را بالا برده‌اند که نه.
۹. ما در پیش روی آنان سدی برقرار کردیم و از پشت سر سدی دیگر که راه پیش و پس ندارند بعد از آن چادری بر سر آنان افکنده‌ایم که دیگر یارای دیدن ندارند.
۱۰. بر آنان یکسان است که بت‌رسانی یا تترسانی. ایمان نمی‌آورند چرا که قیامت را نمی‌شناسند.
۱۱. جز این نخواهد بود که انذار و اخطارت بر مردمی مفید می‌افتد که از پند قرآن پیروی کنند و از محاکمه خداوند رحمان در هراس باشند. اینان را به آمرزش گناهان و پاداش بی‌کران، نویدبخش و بشارت گو باش.

نَحْنُ نَحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَرَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ ۱۲ وَاصْرَبْ لَهُمْ مَثَلًا بِأَصْحَابِ الْفَرِيِّةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ۱۳ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ ۱۴ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ۱۵ قَالُوا رَبَّنَا يُعَلِّمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ۱۶ وَمَا عَلَيْنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۱۷ قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجِمَنَّكُمْ وَنَحْمِسَنَّكُمْ مَنَا عَذَابٍ أَلِيمٍ ۱۸ قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَإِنْ دُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ۱۹ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ۲۰ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ ۲۱ وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَ

۱۲. به یقین ما خودمان هستیم که مرده‌ها را جان می‌دهیم و دستاورد آنان را ثبت می‌نماییم به اضافه پی‌آمدهای کردارشان بعد از مرگشان. ما هر چیزی را در لوحی نمایانگر ثبت و آمار می‌نماییم که پیشوای هر لوح و دفتری است.

۱۳. برای این مردم، سرنوشت آن آبادی را مثل بیابور که چندتن از رسولان را مجتمعاً بر آنان گسیل کردیم.

۱۴. آن روز که دوتن را به سوی آنان فرستادیم رسالت آن‌دو را تکذیب کردند و از آن پس، سومین را یار آن دو تن ساختیم و هر سه‌تن مجتمعاً گفتند: ای مردم! ما برای شما رسالتی آورده‌ایم.

۱۵. مردم آبادی گفتند: شما که از فرشتگان نیستید. شما مانند ما بشرید و این خداوند رحمان که می‌گویید، چیزی از آسمان نازل نکرده است. غیر این نیست که شما دروغ می‌گویید.

۱۶. رسولان ما گفتند: پروردگار ما می‌داند که ما به رسالت آمده‌ایم.

۱۷. بر ما تکلیف دیگری نیست جز آن که پیام خود را به روشنی ابلاغ نماییم.

۱۸. مردم گفتند: ما حضور شما را در این آبادی به فال بد گرفته‌ایم. به خدا سوگند که اگر از دعوت خود دست بردارید شما را با سنگباران کیفر می‌دهیم و عذاب دردناک ما دامن شما را خواهد گرفت.

۱۹. رسولان گفتند: شومی شما با شما است. اگر به شما تفهیم شود می‌دانید که شومی احوال شما از ما نیست بلکه شما مردمی تجاوزکار و اسرافکارید که چنین به خشکسالی مبتلا هستید.

۲۰. از آن سوی شهر مردی دوان‌دوان آمد و گفت: ای مردم من! از این رسولان اطاعت نمایید.

۲۱. از این نیکمردان پیروی نمایید که از شما مزدی نمی‌خواهند و راه درست را دریافته‌اند.

إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۚ ۲۲ أَلَا تَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرَدِّنَ الرِّحْمَنُ بُصْرًا لَّا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَ
لَّا يُنْقَذُونَ ۚ ۲۳ إِنِّي إِذَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۚ ۲۴ إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ ۚ ۲۵ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ
قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ۚ ۲۶ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ۚ ۲۷ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى
قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُندٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ ۚ ۲۸ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ
خَامِدُونَ ۚ ۲۹ يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۚ ۳۰ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ
أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ۚ ۳۱ وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ۚ ۳۲ وَ
آيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ۚ ۳۳ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ

۲۲. چرا من خدایی را عبادت نکنم که سلول مرا شکافت تا پیکر مرا آراست. شما مردم نیز مانند من به سوی او بازگردان می‌شوید.

۲۳. آیا من خدایان دیگری به جای او به خدایی بگیرم که اگر خداوند رحمان برای من زبانی بخواهد همیاری آن خدایان، زیان خداوند رحمان را از من برنتابد و نه می‌تواند مرا از عذاب او برهانند.

۲۴. اگر من خدایان دیگری غیر از خدای جهان اتخاذ کنم در بیراهه روشنی قدم می‌گذارم. ۲۵. من به پروردگار شما که همان خداوند رحمان است ایمان آورده‌ام پس سخن مرا بشنوید و از این رسولان پیروی نمایید.

۲۶. مردم بر سر او ریختند و او را کشتند و از ناحیه فرشتگان بدو خطاب آمد که به بوستان بهشتی درآی و او گفت: : کاش مردم من می‌دانستند.

۲۷. که با چه دستاوردی پروردگار من گناهان مرا بخشید و در شمار مردان گرامی درآورد که به فردوس برین وارد می‌شوند.

۲۸. و ما بعد از قتل آن مؤمن و به انتقام خون او از آسمان لشکری برای هلاکت آن مردم نازل نکردیم و حاضر نبودیم که لشکری از آسمان نازل کنیم.

۲۹. فقط سنگی از آسمان بر سرشان فروافکندیم که ناگهان غرشی سهمگین برخاست که نبض آنان نشست و شعله حیات آنان سرد و خاموش گشت.

۳۰. افسوس و صدافسوس بر این بندگان. هیچ رسولی بر آنان مبعوث نگشت جز آن که او را به استهزا گرفتند.

۳۱. آیا خبر ندارند که این چند امت‌ها که هلاک و نابود کردیم دیگر به سوی آنان بازنگشتند.

۳۲. هیچ امتی هلاک و نابود نمی‌شود جز آن که تماماً در پیشگاه ما حضور می‌یابند.

۳۳. برای مردم، يك آیت حق و نشان ربوبیت، همین خاك مرده است که ما آن را زنده

نَخِيلٍ وَاعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ^{٣٤} لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ^{٣٥} سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تَنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ^{٣٦} وَ آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ^{٣٧} وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ^{٣٨} وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ^{٣٩} لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ^{٤٠} وَ آيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ^{٤١} وَ خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ^{٤٢} وَ إِنَّا نَشَأُ نُفُسَهُمْ فَلَآ صَرِيخَ لَهُمْ وَ لَآ هُمْ يُنْقَدُونَ^{٤٣} إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَ مَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ^{٤٤} وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ

ساختیم و از آن دانه‌ها برآوردیم که تناول می‌نمایند.

٣٤. در دشت‌ها بوستان‌ها از نخل و تاک برقرار کردیم و در دل خاک‌ها چشمه‌ها را جوشان کردیم.

٣٥. تا مردم از ثمرات آن نخل‌ها و تاک‌ها و چشمه‌ها کامیاب گردند و از ثمرات ساخته‌های دست خود که بر منوال جنگل نخل‌ها و تاک‌ها می‌نشانند و چشمه‌ها و نه‌رها و قنات‌ها جاری می‌نمایند بهره بگیرند. آیا شکر این همه نعمت را بجا نمی‌آورند.

٣٦. منزه است از شریک و هم‌تا آن‌خدایی که جفت‌های نر و ماده را آفرید از جفت‌های نباتی که زمین می‌رویاند تا برسد به جفت‌های آدمی و جفت‌های آن موجودات دیگری که نمی‌دانند و نمی‌شناسند.

٣٧. برای مردم يك آیت دیگر، تاریکی شب را گواه می‌آوریم که فتون‌های روشنی‌بخشی را که در روز بر فضا پراکنده‌ایم بیرون می‌کشیم و ناگهان مردم در سیاهی فرو می‌روند.

٣٨. خورشید تا به قرارگاه خود برسد به راه خود ادامه خواهد داد. هندسه‌ خداوند عزیز دانا این است.

٣٩. ماه را هندسه کردیم که هر شب در يك قطعه‌ آسمان منزل کند تا آنگاه که مانند خوشه‌ خرما لاغر و منحنی گردد.

٤٠. خورشید را نشاید که به ماه برسد و شب را کوتاه کند و نه شب می‌تواند بر روز پیشی بگیرد و روز را کوتاه کند. ماه و خورشید هر يك در مدارى ویژه خود شناورند.

٤١. و آیتی دیگر آن‌که ما نسل بشر را در کشتی سرپوشیده نوح سوار کردیم.

٤٢. و برای آنان شبیه آن کشتی سرپوشیده مخروطی کشتی‌های کشکولی روبازی مانند زورق آفریدیم که اینک بر آن سوار می‌شوند.

٤٣. و اگر بخواهیم آنان را به زیر آب فرو می‌بریم که فریادرسی در آنجا نیابند و نه آنان را از غرقه شدن نجات بخشند.

اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَ مَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ^{٤٥} وَ مَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ^{٤٦} وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أ نَطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ^{٤٧} وَ يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^{٤٨} مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَ هُمْ يَخِصِّمُونَ^{٤٩} فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَ لَا إِلَى أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ^{٥٠} وَ نَفِخْ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ^{٥١} قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ^{٥٢} إِنْ

٤٤. مگر آن که با ترحمی از پیشگاه ما نجات یابند و تا چندصباحی دیگر توشه دنیا را در اختیارشان بگذاریم.

٤٥. و چون به آنان گفته شود: از این گناهای که در دست عمل دارید و از گناهایی که پشت سر نهاده‌اید بترسید و استغفار کنید باشد که مورد رحمت قرار بگیرید، بی‌اعتنا به گناهان خود افتخار می‌نمایند.

٤٦. هیچ آیتی از آیات پروردگارشان به آنان نمی‌رسد جز آن که روگردان می‌شوند و بی‌اعتنا می‌گذرند.

٤٧. و چون در تلاوت قرآن به آنان گفته شود: از آن رزق و روزی که خدا عطایتان کرده است به درماندگان انفاق کنید، کافران به مؤمنان می‌گویند: «آیا کسی را اطعام کنیم که اگر خدا خواسته بود خودش او را اطعام می‌کرد چنانکه ما را اطعام کرده است. شما در گمراهی نمایان به سر می‌برید که خدا را عاجز و ناتوان می‌دانید و می‌گویید: خدا دست‌گذاری به سوی بندگانش دراز کرده است.»

٤٨. می‌گویند: که «این وعده قیامت که از آن دم می‌زنید کی آمدنی است؟ اگر وعده شما راست و درست است وعده خود را عملی سازید.»

٤٩. اینان انتظاری ندارند جز آن که سنگی عظیم از آسمان فرو اندازیم که غرش سهمگین آن همه آنان را فراگیرد و نابود کند درحالی که آنان بر سر دنیا با هم مخاصمه دارند.

٥٠. با این شیپور خواب، نه فرصت وصیت دارند و نه آن که به خانه‌های خود نزد خانواده خود بازگردند.

٥١. بعد از بازسازی جهان و انسان در شیپور بیدارباش دمیده می‌شود و ناگهان خود را از گورها بیرون می‌کشند که به سوی پروردگارشان راه برگیرند.

٥٢. و چون سر از خاک برآرند، می‌گویند: ای وای بر ما، چه کسی ما را از خوابگاه گورمان برانگیخت؟ این همان وعده خدای رحمان است که عملی‌گردید و رسولان درست گفته بودند.

كَانَتْ إِلَّا صِيحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ٥٣ فَالْيَوْمَ لَا تَطْلُمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تَجْزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ٥٤ إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهِونَ ٥٥ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكَوِّنُونَ ٥٦ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَ لَهُمْ مَا يَدَّعُونَ ٥٧ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ ٥٨ وَ اَمْتَاَزُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ٥٩ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ٦٠ وَ أَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ٦١ وَ لَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَ فَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ٦٢ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ٦٣ اَصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ٦٤ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَ تَكَلَّمْنَا أَيْدِيهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ٦٥ وَ لَوْ نَشَاءُ

٥٣. شیپور بیدارباش پیام و دعوت نبود، صیحه و فریادی بود خشمگین که از عبور شهاب‌سنگی عظیم برخاست و ناگهان همگان در پیشگاه ما حاضر شدند.
 ٥٤. امروز هیچ جانی را به سیاهی نکشند و شما مردم جز به میزان دستاوردتان سزا نمی‌بینید.

٥٥. امروز بهشتیان در سرگرمی شادی‌بخشی به سر می‌برند.
 ٥٦. آنان با جفت‌هایشان در سایه‌ها بر تخت‌ها تکیه زده لم می‌دهند.
 ٥٧. در آنجا برایشان میوه‌های گوناگون مهیاست و هرآنچه از خادمان خود بخواهند در اختیارشان قرار خواهد گرفت.
 ٥٨. «سلام علیکم» درودی جانفزا است از پروردگاری مهربان برای مؤمنان.
 ٥٩. و شما ای تبهکاران! امروز باید از مؤمنان جدا بشوید و آنان در سمت آفتاب زمین مستقر می‌گردند.
 ٦٠. ای فرزندان آدم! آیا سفارش نکردم که شیطان را عبادت نکنید؟ نگفتم که او دشمن آشکار شما است؟

٦١. نگفتم که فقط مرا عبادت کنید که راه راست همین است؟
 ٦٢. اما شیطان خلق عظیمی از شما فرزندان آدم را به بیراهه کشاند مگر شما اندیشه خود را بکار نمی‌بستید؟
 ٦٣. اینک این همان جهنمی است که شما را به عذاب آن تهدید می‌کردند.
 ٦٤. امروز در تفت آن بسوزید از آن‌رو که به آیات ما کافر شده‌اید.
 ٦٥. امروز بر دهانشان مهر می‌نهیم که لب از لب نگشایند و با ارائه تصویر اعمالشان دست‌هایشان با ما سخن می‌گویند که چه کرده‌ایم و پاهایشان گواهی می‌دهند که در چه راهی تکاپو کرده‌ایم.

لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ ۖ ۶۶ وَ لَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مَوْجِيًا وَلَا يَرْجِعُونَ ۖ ۶۷ وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَ فَلَا يَعْقِلُونَ ۖ ۶۸ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ ۖ ۶۹ لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ۖ ۷۰ أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ۖ ۷۱ وَ دَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ۖ ۷۲ وَ لَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَ فَلَا يَشْكُرُونَ ۖ ۷۳ وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ ۖ ۷۴ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَ هُمْ لَهُمْ جُنُودٌ

۶۶. اگر ما خواسته باشیم که خشم خود را به آنان بنماییم با درخشی عظیم، چشمانشان را کور و سیاه می‌سازیم تا آنان از بیم جان بتازند که هرچه زودتر راه فراری بجویند اما کجا توان دیدن دارند.

۶۷. و اگر خواسته باشیم با همین صورت انسانی که دارند آنان را به شکل یک توده گوشت درمی‌آوریم که توان رفتن نیابد و نه پای بازگشتن داشته باشند.

۶۸. هم‌اینک کسانی را که عمری دراز بدهیم در آفرینش نگونسارشان می‌سازیم که چون عنکبوتی در گوشه‌ای کز کنند و در انتظار مرگ بمانند. آیا اندیشه بکار نمی‌بندند که موقعیت خود را در برابر قهر خدا بشناسند.

۶۹. ما به رسول خود شعر و شاعری نیاموخته‌ایم. شایسته او هم نیست که زبان به شعر بگشاید. شعر با احساس و تخیل شکوفا می‌شود اما زندگی با خرد و بینش رشد می‌نماید. این قرآن نه احساس شاعرانه است بلکه یادواره خرد و بینش است و کتابی خواندنی که آشکاراکننده حق است.

۷۰. تا آن کتاب را بخواند و هرکه را از خرد و بینش جانی زنده دارد انذار کند و از آتش دوزخ دور سازد و نام دوزخی را بر پیشانی کافران تخیل‌گرا نقش نماید.

۷۱. آیا ندیده‌اند که ما برای آنان از دستاوردهای خودمان چارپایانی چون خر و اسب و استر آفریدیم و دام‌هایی چون گاو و گوسفند و اشتهر آفریدیم که اینک، مالک و صاحب آنها شده‌اند.

۷۲. ما همه آنها را برای آنان رام کرده‌ایم که برخی را سوار شوند و برخی را برای خوراک و تغذیه خود تذکیه نمایند.

۷۳. برای مردم در این چارپایان و دام‌ها از پوست و گوشت و پشگل آنها سودها است و از شیر و ماست آنها شربت‌ها برایشان مهیا است. آیا شکر نعمت نمی‌گزارند که خدا را با حمد و ثنا ستایش نمایند و طاعت برند.

۷۴. با وجود این همه رحمت و نعمت به جای خداوند رحمان خدایان دیگری از آسمان و

مُحْضَرُونَ ٧٥ فَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ ٧٦ أ وَ لَمْ يَرَ الْإِنْسَانَ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ٧٧ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ ٧٨ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ٧٩ الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ ٨٠ أ وَ لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ٨١ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَن يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ٨٢ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٨٣

زمین برای خود اتخاذ کردند باشد که از ناحیه آن خدایان نصرت و یاری شوند.

٧٥. ولی خدایانشان توان نصرت و یاری ندارند و این مشرکان چون سپاهی برای خدایانشان در آتش دوزخ احضار می‌شوند.

٧٦. از این رو سخن کفرآمیزشان که قرآن را افسانه پیشینیان می‌شناسند تو را غمین نسازد که ما اعتراف قلبی آنان را که از مردم نهان می‌کنند می‌دانیم و هم طعنه و انکاری که بر زبان دارند می‌شنویم.

٧٧. آیا آدمی زاده از آفرینش اجدادش بی‌خبر است که آنان را از دل خاک برآوردیم و یا ندیده است که ما او را از یک نطفه ذره‌بینی آفریدیم که اینک خصم آشکار ما شده است؟

٧٨. برای ما مثل می‌آورد و آفرینش خود را از نطفه دیروزی تا جثه کلان امروزی فراموش کرده است: استخوان پوسیده‌ای را در کف می‌فشارد و ذرات آن را بر باد می‌دهد و می‌گوید: کیست که این استخوان‌های پوسیده خاک شده را دوباره حیات ببخشد؟

٧٩. بگو: استخوان‌ها را آن خدایی حیات می‌بخشد که اول بار در پیکر شما آراست با آن که نطفه استخوانی دربر نداشت. خداوند جهان به هرگونه آفرینشی دانا است خواه در شکم مادر باشد و خواه در شکم خاک و مرداب.

٨٠. همان خدایی که برای شما از درخت سبز آتش‌زنه‌ای چون کبریت آرید و اینک شما از شاخ آن شعله آتش برمی‌فروزید.

٨١. آیا آن خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، توانا نیست که مشابه آن گوشت و پوستی که اینک دارید و مانند آن رگ استخوانی که از مواد خوراکی در وجود شما پرورید دوباره بر قامت نطفه‌هایتان بپوشانید و پیکر شما را در دل خاک بپیراید؟ چرا توانا هست و او در انواع آفرینش، خالق دانا است.

٨٢. فرمان او جز بدین صورت نیست که هرگاه چیزی را خواهان شود به ناموس و نهاد او می‌گوید: بشو، و آن چیز در ظرف مقدر خود خواهد شد.

٨٣. از این رو تسبیح کن خدایی را که نهاد و ناموس هر پدیده‌ای در دست او است و همه

شما مردمان به سوی او بازگردان می‌شوید.

الصّافات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ الصّافاتِ صَفًّا^١ فَالزّاجراتِ زَجْرًا^٢ فَالتّالياتِ ذِكْرًا^٣ إِنَّ إِلَهُكُمْ لَواحِدٌ^٤ رَبُّ السّماواتِ وَ
الأرضِ وَ ما بَينَهُما وَ رَبُّ المِشارِقِ^٥ إنا زينا السّماءَ الدُّنيا بِزينةِ الكواكبِ^٦ وَ حِفْظًا مِنْ كُلِّ
شيطانٍ ماردٍ^٧ لا يسمعونَ إلى المَلِئِ الأعلى وَ يُقدِفونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ^٨ دُحورًا وَ لَهُمُ عَذابٌ
وَاصِبٌ^٩ إلاّ مَنْ خَطَفَ الخُطْفَةَ فَاتَّبَعَهُ شَهابٌ ثاقِبٌ^{١٠} فَاسْتَفْتِهِمْ أَ هُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ
خَلَقنا إنا خَلَقناهُمْ مِنْ طينٍ لَازِبٍ^{١١} بَلْ عَجِبْتَ وَ يَسخرونَ^{١٢} وَ إذا ذُكروا لا يذكرونَ^{١٣} وَ

صفوف رسالت، پاداش نیک اندیشان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. سوگند به فرشتگان صف درصف.
٢. تا شیطان را از سر راه خود برانند.
٣. و سپس یاد خدا را بر پیامبر او تلاوت نمایند.
٤. که پروردگار شما یکتاست.
٥. پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه در فاصله آسمان‌ها و زمین است. پروردگار مشرق‌های آسمان‌ها و زمین.
٦. ما نزدیک‌ترین آسمان شما را با زینت سیارک‌های کوچک و بزرگ چراغان کردیم.
٧. که تهدیدی باشد برای سنگباران امت‌های تجاوزگر گردنکش و حلقه حصارى بوده باشد برای نگهبانی از عبور هر شیطان سرکش.
٨. تا به گفتار سنای بالاتر گوش ننشینند و پرتاب شوند از هر سو با آن سنگپاره‌ها.
٩. که باید طرد شوند. با این سنگپاره‌ها برای شیطان‌ها عذابی است لازم و مؤمن.
١٠. مگر شیطانی که تواند چابک درگذرد و با وجود این شهابی چون تیر به دنبال او پرتاب گردد.
١١. اینک از این مردم بپرس که آنان آفرینشی استوارتر دارند یا فرشتگان که ما آفریدیم و آسمان‌ها و شهاب‌ها که ما برآوردیم. ما این مردم را از گل چسبان آفریدیم.
١٢. تو در این سخن تردید نکردی بلکه تعجب کردی و شگفت آوردی و اینان که ایمان ندارند همواره سخن ما را به استهزا می‌گیرند.
١٣. و اگر با مسائل آفرینش آشنا گردند به خاطر نمی‌گیرند.

إِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ^{١٤} وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ^{١٥} إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَ إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ^{١٦} أَوْ أَبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ^{١٧} قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ^{١٨} فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ^{١٩} وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ^{٢٠} هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ^{٢١} احشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ^{٢٢} مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ^{٢٣} وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ^{٢٤} مَا لَكُمْ لَا تَنصَرُونَ^{٢٥} بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ^{٢٦} وَأَقْبَلْ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ^{٢٧} قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ^{٢٨} قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ^{٢٩} وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَاغِينَ^{٣٠} فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ

١٤. و چون نشانه برحقى ببينند مسخره مى شمارند.

١٥. مى گویند که این حقیقت نیست بلکه سحرى است نمایان.

١٦. آیا بعد از آن که بمیریم خاک گردیم و مشت استخوانى از ما برجا بماند دوباره از خاک برمى خیزیم.

١٧. آیا ما برانگیخته خواهیم شد که استخوانمان برجاست یا پدران پیشین ما که استخوان هایشان هم برباد رفت؟

١٨. بگو: بلى هم شما و هم پدران پیشین شما برانگیخته مى شوید با کمال خوارى و ذلت.

١٩. جز این نیست که با غرش يك شهاب بر سر آنان نهیب مى زنیم و ناگهان همگان چشم ها را باز مى کنند و مى نگرند.

٢٠. مى گویند: اى واى بر ما. این همان روز قانون است.

٢١. بلى، این همان روز داورى است که شما تکذیب مى نمودید.

٢٢. سیه کاران را با یارانشان یکجا محسور کنید در کنار آن خدایانشان که عبادت کردند.

٢٣. به جای آن که خداوند رحمان را عبادت کنند. و چون همه را یکجا و در کنار هم گردآوری کردید به سوى دوزخ هدایت کنید.

٢٤. در آن قسمتى که خورشید هرگز غروب نمى کند بر سر پا نگه دارید که بازپرسى شوند.

٢٥. گویندشان که چرا شما سران و سروران با یاراتان به یارى هم برنمى خیزید؟

٢٦. امروز ادعاى ندارند بلکه سر به انقیاد دارند.

٢٧. اینان با هم به پرخاش و مشاجره رو مى آورند.

٢٨. به پیشوایانشان مى گویند: این شما بودید که راه راست را بر ما بستید و ما را با خود به سوى چپ کشانیدید.

٢٩. و پیشوایانشان پاسخ دهند که ما هرگز راه بهشت را بر شما نبستیم بلکه خود، اهل ایمان نبودید که راه ما را برگزیدید.

رَبَّنَا إِنَّا لَفَاتِقُونَ^{٣١} فَأَغْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ^{٣٢} فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ^{٣٣} إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ^{٣٤} إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يُسْتَكْبِرُونَ^{٣٥} وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَارِكُوا آلَهُتِنَا لَشَاعِرٍ مَجْنُونٍ^{٣٦} بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَقَ الْمُرْسَلِينَ^{٣٧} إِنَّكُمْ لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ^{٣٨} وَ مَا تَجْزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ^{٣٩} إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ^{٤٠} أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ^{٤١} فَوَاكِهِ وَ هُمْ مُكْرَمُونَ^{٤٢} فِي جَنَّاتٍ النَّعِيمِ^{٤٣} عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ^{٤٤} يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ^{٤٥} بِيضَاءٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ^{٤٦} لَا فِيهَا غَوْلٌ وَ لَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ^{٤٧} وَ عِنْدَهُمْ

٣٠. اراده ما بر شما نافذ نبود که مقهور ما باشید بلکه شما خود، طاغی و سرکش بودید که با ما همراه گشتید.

٣١. و اینک سرنوشت پروردگاران که گفت: «پیروان شیطان را با پیشوایانشان به دوزخ می‌افکنم» بر پیشانی ما رقم خورد و بی‌شک عذاب دوزخ را باید بچشیم.

٣٢. ما شما را به سوی کج‌اندیشی و راه نادرست هدایت کردیم چرا که خود نیز کج‌اندیش و کج‌خرد بودیم و راه نادرست را در پیش گرفته بودیم.

٣٣. امروز همه این کافران از تابع و متبوع، مقلد و مجتهد، امام و مأموم در عذاب دوزخ شریکند.

٣٤. ما با پیروان تبه‌کاران نیز همین‌گونه عمل خواهیم کرد.

٣٥. چنان با سنت اجداد خود خو گرفته بودند که هرگاه به آنان گفته می‌شد «خدایی جز خدای جهان نیست» خود را بزرگتر از آن می‌شمردند که در برابر یک بشر معاصر تسلیم شوند.

٣٦. می‌گفتند: آیا باید به خاطر یا شاعر دیوانه خدایان خود را ترک بگوییم؟

٣٧. رسول ما از سبکسری و بی‌بندوباری ترویج نمی‌کند تا شاعری دیوانه باشد بلکه پیامی راست و برحق برای شما آورد و رسالت رسولان پیشین را تأیید کرد.

٣٨. شما مردم، باید عذاب دردناک دوزخ را بچشید.

٣٩. و این سزای دستاورد شما است که قبلاً اعلام و اخطار شده بود.

٤٠. به استثنای بندگان خالص خداوند که عذاب دوزخ را نمی‌چشند.

٤١. اینها ایند که روزی مقرر دارند.

٤٢. میوه‌های گوناگون با نواخت و کرامت.

٤٣. در بوستان‌های پر نعمت.

٤٤. گرد هم بر تخت‌های راحتی قرار می‌گیرند.

٤٥. خادمان بهشتی جام‌های شراب را از رودهای بهشتی پر می‌کنند و دور می‌گردانند.

قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عَيْنٌ ۴۸ كَانَهُنَّ بِيضٌ مَكْنُونٌ ۴۹ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ۵۰ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ۵۱ يَقُولُ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ ۵۲ إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أِنَّا لَمَدِينُونَ ۵۳ قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ ۵۴ فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ ۵۵ قَالَ تَاللَّهِ إِن كُنتَ لَتَتَرَدِينِ ۵۶ وَ لَوْ لَا نِعْمَةٌ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ۵۷ أَفَمَا نَحْنُ بِمَبْتَلِينَ ۵۸ إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ۵۹ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۶۰ لِمَثَلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ ۶۱ أ ذَلِكَ خَيْرٌ نَزَلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ۶۲ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ۶۳ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ۶۴ طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُؤُوسُ الشَّيَاطِينِ ۶۵ فَإِنَّهُمْ لَكَالُونَ مِنْهَا فَمَا لَوْنٌ مِنْهَا الْبُطُونَ ۶۶

۴۶. شرابی سپید که نوشندگان را خوشکام سازد.
۴۷. در آن شراب، الکل نیست که تباهی جسم و جان آورد و نه از نوشیدن آن مست گردند.
۴۸. در کنارشان زنان نزدیک‌بین با چشم‌هایی درشت و آهووش.
۴۹. سیمتن که گویا تخم ماکیان را در پرده نهان کرده‌اند.
۵۰. در محافل انس از گذشته‌های هم واپرسی نمایند.
۵۱. یک نفر می‌گوید: من در دنیا دوستی داشتم که از هم جدا نمی‌گشتیم.
۵۲. می‌گفت: آیا تو واقعاً رسالت انبیا را درست می‌دانی و تصدیق می‌نمایی؟
۵۳. واقعاً موقعی که ما مردیم و خاک و استخوان گشتیم زنده می‌شویم و سزا می‌بینیم؟
۵۴. آیا میل دارید که بر فراز دوزخ پرواز کنیم و سرک بکشیم؟
۵۵. اهل محفل با هم پرواز می‌کنند و او بر فراز دوزخ، سرک می‌کشد و دوست خود را در فلأت دوزخ می‌نگرد.
۵۶. به او می‌گوید: به خدا سوگند نزدیک بود که مرا هم به سقوط بکشانی.
۵۷. اگر نه آن بود که هدایت پروردگارم شامل حال من گشت من نیز مانند تو در دوزخ بودم.
۵۸. آیا سخت درست درآمد که «ما مردنی نداریم».
۵۹. جز همان مردن اول، که دیگر نه حیاتی در کار است و نه دوزخی و عذابی؟
۶۰. حقاً که این مقام و منزلت که بهشتیان دارند همان رستگاری بزرگ است.
۶۱. برای نیل به این مقام و منزلت لازم است که اهل طاعت بر طاعات خود بیفزایند.
۶۲. آیا برای پانداز مهمان، این نعمت و عافیت بهتر است یا درخت زقوم.
۶۳. ما این درخت را برای سیه‌کاران، آزمون ساخته‌ایم که یا ایمان بیاورند و گرنه بیشتر بر کفر خود بیفزایند.

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ ۖ ثُمَّ إِنَّمَا مَرَجَعَهُمْ لِآلِ الْجَحِيمِ ۖ إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ
 ضَالِّينَ ۖ فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ ۗ وَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأُولِينَ ۗ وَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ
 مُنذِرِينَ ۗ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ ۗ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۗ وَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ
 فَلَنعْمَ الْمُجِيبُونَ ۗ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ۗ وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ۗ وَ
 تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ۗ سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ۗ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۗ
 إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۗ ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْآخِرِينَ ۗ وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ ۗ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ

-
۶۴. زقوم، همان انجیر هندی است که در تکدره‌های دوزخ می‌روید.
 ۶۵. خوشه‌های آن، مانند سرهای شیطان پر خار است.
 ۶۶. با وجود تلخی و تندی، دوزخیان مجبورند که از آن بخورند و شکم‌ها را پر کنند تا هرچه دیرتر به دره نزول و صعود نمایند.
 ۶۷. بر روی آن زقوم آب جوشان می‌نوشند.
 ۶۸. و بعد از آن به فلات دوزخ بازمی‌گردند.
 ۶۹. اینان پدرانشان را در بیراهه شریک دیدند.
 ۷۰. که اینک بر خط و نشان آنان شتابان می‌روند.
 ۷۱. بیشتر امت‌های پیشین نیز قبلاً راه خود را گم کرده بودند.
 ۷۲. که ما رسولان خود را برای اخطار و اندازشان فرستادیم.
 ۷۳. بنگر که فرجام آن ره‌گم‌کردگان که انداز شدند و اعتنا نکردند به کجا انجامید.
 ۷۴. فقط بندگان خالص از عذاب ما رهیدند که برای خدا خالص شده بودند.
 ۷۵. نوح از دست همین مردم کج‌خرد به ستوه آمد که ما را به فریادرسی فراخواند و ما فریادرس خوبی بودیم.
 ۷۶. او را با خاندانش از اندوهی بزرگ نجات بخشیدیم.
 ۷۷. و فقط نسل او را بر زمین باقی نهادیم.
 ۷۸. و نام نیک او را در امت‌های بعدی بر زبان‌ها برجا نهادیم.
 ۷۹. که درود خدا بر نوح باد در جمع جهانیان.
 ۸۰. ما نیکوکاران نیک‌اندیش را به همین صورت پاداش می‌دهیم و ثنای آنان را ورد زبان‌ها می‌سازیم.
 ۸۱. نوح از بندگان مؤمن ما بود که او را نجات بخشیدیم.
 ۸۲. و کافران را با طوفان آب هلاک و نابود کردیم.
 ۸۳. و یکی از پیروان نوح، ابراهیم بود.

بِقَلْبِ سَلِيمٍ^{٨٤} إِذْ قَالَ لِأَيُّهِ وَ قَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ^{٨٥} أَمْ إِفْكَاءَ آلِهَةٍ دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ^{٨٦} فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ^{٨٧} فَ نَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ^{٨٨} فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ^{٨٩} فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ^{٩٠} فَرَاغَ إِلَى آلِهِتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ^{٩١} مَا لَكُمْ لَا تَنْطَفُونَ^{٩٢} فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ^{٩٣} فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُونَ^{٩٤} قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ^{٩٥} وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ^{٩٦} قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُيُوتًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ^{٩٧} فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ^{٩٨} وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيَهْدِينِ^{٩٩} رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ^{١٠٠} فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ^{١٠١} فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ

٨٤. که بعد از نوح با قلبی پر از رضا و تسلیم به پیشگاه پروردگارش رسید.
٨٥. آن روز با پدرش و با قوم و تبارش گفت: شما کدامین خدا را عبادت می کنید؟
٨٦. می خواهید با قلب حقیقت، چند خدای پوشالی به جای خداوند جهان بتراشید؟
٨٧. گمان شما به پروردگار عالمیان چیست؟ تصور می کنید که شما را خواهد بخشید؟
٨٨. سپس نگاهی به ستارگان آسمان افکند و چون زهره تابان را دید به یاد رؤیای ملکوت افتاد.
٨٩. و به عزم اجرای تعهد آن شب گفت: من بیمارم و در جشن ملی فردا شرکت نخواهم کرد.
٩٠. مردم او را در شهر بجا نهادند و خود برای جشن خرمن به صحرا شدند.
٩١. ابراهیم از نیمه راه منزل به سوی معبد راه برگرفت و با خدایان مردم به استهزا گفت: آیا ناهار نمی خورید؟
٩٢. از چهره و پاسخ نمی دهید؟
٩٣. سپس به حضور یک یگ خدایان رسید و همه را با تبر درهم کوبید.
٩٤. مردم باخبر گشتند و شتابان در محاکمه او حاضر شدند.
٩٥. ابراهیم گفت: آیا خدایانی را عبادت می کنید که با خلاقیت خود می تراشید؟
٩٦. با آن که شما را و این چوبها و سنگها و آهن پارهها را خدای جهان آفرید؟
٩٧. رجالهها غوغا کردند که باید کوره ای مرتفع بسازید و او را به آتش دراندازید.
٩٨. مردم رجاله می خواستند که با اجرای این سنت عامیانه ابراهیم را نابود کنند و لذا از محاکمه رسمی او مانع شدند و ما با سرد کردن آتش، مکر آنان را زیر پا نهادیم و بدخواهان او را از قضات محکمه خوارتر کردیم که حکم تبعید او را در سر پخته بودند.
٩٩. ابراهیم گفت: اینک که شما وجود مرا تحمل نمی کنید من به سوی پروردگارم هجرت می کنم. پروردگارم مرا به خانه خود رهنمون خواهد گشت.
١٠٠. ابراهیم به فلسطین آمد و گفت: پروردگارا! به من فرزندی از صالحان نبوت موهبت

يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا آبَتُ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي
 إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ۝۱۰۲ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ ۝۱۰۳ وَ نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ ۝۱۰۴ قَدْ
 صَدَقْتَ الرَّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝۱۰۵ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ ۝۱۰۶ وَ قَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ
 عَظِيمٍ ۝۱۰۷ وَ تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ۝۱۰۸ سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ ۝۱۰۹ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝۱۱۰
 إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۝۱۱۱ وَ بَشَرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنْ الصَّالِحِينَ ۝۱۱۲ وَ بَارَكْنَا عَلَيْهِ وَ عَلَى

کن.

۱۰۱. و ما بعد از چندی او را به میلاد پسر ی بردبار و پرتحمل بشارت دادیم.
۱۰۲. ابراهیم به فرمان ما کودکش را به کنار کعبه منزل داد و سالها بعد موقعی که در حال برگزاری حج از مشعر الحرام گذشتند و به سعی در وادی محسر رسیدند با پسرش گفت: ای پسر جان! من در رؤیای حج دیدم که بعد از هروله در این مسیل، تو را در وادی منی قربانی می کنم. بنگر که چه می اندیشی و نظرت چیست؟ پسرش اسماعیل گفت: ای پدر جان! آنچه در رؤیا فرمانت دهند به مرحله اجرا بگذار. خواهی دید که - اگر خدا بخواهد - در مراسم قربانی صبور و خوددار خواهیم بود.
۱۰۳. و چون هر دو به فرمان رؤیا تسلیم شدند و ابراهیم پسرش را به پهلو خوابانید.
۱۰۴. کارد را بر گوی او کشید و گفت: پروردگارا! این قربانی را از ما بپذیر و ما او را فریاد کردیم که ای ابراهیم ما قربانی را از هر دوتن شما بپذیرفتیم.
۱۰۵. تو رؤیای خود را صادقانه انکاشتی و این از نیک اندیشی تو است. ما بدین صورت نیک اندیشان را پاداش می دهیم که اندیشه نیک آنان را به حساب عملکرد آنان می گذاریم و پاداش آن را عطا می کنیم.
۱۰۶. قربانی فرزند، همان آزمون سختی بود که امامت او را نمایان ساخت.
۱۰۷. ما پسرش را از زیر کارد نجات بخشیدیم و با گوسفندی بزرگ جان او را عقیقه کردیم.
۱۰۸. و در امت های بعدی این ثنا را بر او ورد زبان ها کردیم.
۱۰۹. که درود خدا بر ابراهیم باد.
۱۱۰. ما نیک اندیشان را به این صورت پاداش می دهیم و ثنای آنان را ورد زبان ها می سازیم.
۱۱۱. ابراهیم از بندگان مؤمن ما بود.
۱۱۲. ابراهیم خواستار فرزندی از همسر خود بود و ما او را به میلاد فرزندش اسحاق بشارت دادیم که پیامبری از صالحان بود.

إِسْحَاقَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ مُبِينٌ^{١١٣} وَ لَقَدْ مَنَّآ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ^{١١٤} وَ نَجَّيْنَاهُمَا وَ قَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ^{١١٥} وَ نَصَرْنَاهُمْ فَمَا كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ^{١١٦} وَ آتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ^{١١٧} وَ هَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ^{١١٨} وَ تَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ^{١١٩} سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ^{١٢٠} إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ^{١٢١} إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ^{١٢٢} وَ إِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ^{١٢٣} إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ^{١٢٤} أ تَدْعُونَ بَعْلًا وَ تَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ^{١٢٥} اللَّهُ رَبُّكُمْ وَ رَبَّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ^{١٢٦} فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ^{١٢٧} إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ^{١٢٨} وَ تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ^{١٢٩} سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ^{١٣٠} إِنَّا كَذَلِكَ

١١٣. و این برکت را بر اندام ابراهیم و پسرش پوشانیدیم که خاندان او از نبوت و رسالت تهی نباشد با آن که در نسل آنان برخی نیک‌اندیش و نکوکارند که طاعات الهی را به نحو احسن اجرا می‌نمایند و برخی بر وجهی نمایان جان خود را با گناهان به سیاهی می‌کشاند.

١١٤. ما بر موسی و هرون نیز منت نهادیم که نعمت خود را بر آنان تمام کردیم.

١١٥. و آن دو را با هم تبارانشان از قوم بنی‌اسرائیل از اندوه بزرگ اسارت رهایی دادیم.

١١٦. آنان را بر فرعونیان نصرت عطا کردیم که به فرجام پیروز گشتند.

١١٧. ما کتاب آسمانی تورات را نمایان و روشن به آن دو عطا کردیم.

١١٨. و هردو را به راه راست خود هدایت کردیم.

١١٩. و در امت‌های بعدی این ثنا را برایشان برجا نهادیم.

١٢٠. که درود خدا بر موسی و هرون باد.

١٢١. ما نیک‌اندیشان را به همین صورت پاداش می‌دهیم که ثنای آنان را ورد زبان‌ها

می‌سازیم.

١٢٢. موسی و هرون هردو از بندگان مؤمن ما بودند.

١٢٣. الیاس هم از رسولان ما بود.

١٢٤. آن روز با مردم خود گفت: آیا از خشم خدا نمی‌ترسید؟

١٢٥. آیا «بعل» را به خدایی می‌خوانید و بهترین خالق جهانیان را وامی‌نهیید.

١٢٦. همان خدایی که پروردگار شما است و پروردگار پدران پیشین شما است.

١٢٧. مردم او را تکذیب کردند و همه آنان سزاوار دوزخ شدند.

١٢٨. جز بندگان با اخلاص خدا که از عذاب دوزخ می‌رهند.

١٢٩. ما او را نجات بخشیدیم و در امت‌های بعدی این ثنا را برایش برجا نهادیم.

١٣٠. که درود خدا بر الیاس.

نَجَزِي الْمَحْسِنِينَ ۱۳۱ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۱۳۲ وَإِنْ لَوْطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۱۳۳ إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَ
أَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ۱۳۴ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْعَابِرِينَ ۱۳۵ ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ ۱۳۶ وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُونَ عَلَيْهِمْ
مُصْبِحِينَ ۱۳۷ وَاللَّيْلِ أَفْلا تَعْقِلُونَ ۱۳۸ وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۱۳۹ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ
الْمَشْحُونِ ۱۴۰ فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ۱۴۱ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ۱۴۲ فَلَوْ لَا أَنَّهُ
كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ۱۴۳ لَلَّيْتُ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۱۴۴ فَانْبَدْنَاهُ بِالْعِراءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ۱۴۵ وَ
أَبْتَنَّا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ ۱۴۶ وَارْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ آلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ ۱۴۷ فَأَمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ

۱۳۱. ما به این صورت نیک‌اندیشان مؤمن را پاداش می‌دهیم که ثنای آنان را ورد زبان‌ها

می‌سازیم.

۱۳۲. الیاس از بندگان مؤمن ما بود.

۱۳۳. لوط هم از رسولان ما بود.

۱۳۴. آن‌روز که او را با خاندانش همگی نجات بخشیدیم.

۱۳۵. جز زن پیرش که در میان مردم برجا نهادیم.

۱۳۶. و بعد از نجات او همهٔ برجامانگان را درهم کوبیدیم.

۱۳۷. به یقین شما مشرکان بر دیار آنان گذر می‌کنید، گاهی صبح‌دم.

۱۳۸. گاهی شبانگاهان، آیا اندیشه به کار نمی‌بندید که هم‌اره پیامبران خدا پیروز بوده‌اند.

۱۳۹. بی‌شک یونس هم از رسولان ما بود.

۱۴۰. آن‌روز که از حوزهٔ مأموریت خود گریخت و به کشتی روسته‌ای پناه برد.

۱۴۱. و چون کوسه‌ماهی به کشتی حمله کرد برای قربانی شدن در قرعه‌کشی شرکت کرد و به حکم قرعه طعمهٔ ماهی گردید.

۱۴۲. او را به دریا افکندند و ماهی او را بلعید و یونس خود را ملامت می‌کرد که خدایا تو منزهی، این من بودم که جان خود را سیاه کردم.

۱۴۳. اگر نه آن بود که با این تسبیح و اعتراف، خدا را از بی‌مهری با رسولان تسبیح و تنزیه می‌کرد.

۱۴۴. بی‌شک به قعر دریا می‌رفت و یونس در سینهٔ ماهی باقی می‌ماند تا آن‌روز که رستاخیز عمومی را برپا نماییم.

۱۴۵. ما او را با دردمندی در ساحل دریا از دهان ماهی برون افکندیم.

۱۴۶. و بر سر او بوتهٔ کدوین رویاندیم تا پوست آب‌گر شدهٔ او را ترمیم نماییم.

۱۴۷. سپس او را به سوی همان امت که صد هزار تن بودند و با بلوغ نوجوانانشان صدوسی هزار تن می‌شدند بازپس فرستادیم.

إِلَى حِينٍ ١٤٨ فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبُنُونَ ١٤٩ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ١٥٠ أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ١٥١ وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ١٥٢ أَصْطَفَى الْبَنَاتَ عَلَى الْبَنِينَ ١٥٣ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ١٥٤ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ١٥٥ أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُبِينٌ ١٥٦ فَاتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ١٥٧ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ١٥٨ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ١٥٩ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ١٦٠ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ١٦١ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ ١٦٢ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ١٦٣ وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ

١٤٨. امت یونس به او ایمان آوردند و راه اطاعت در پیش گرفتند و ما تا چندصباحی از زندگی دنیا کامیابشان کردیم.

١٤٩. اینک از این مشرکان واپرس که آیا دخترها خواستهٔ پروردگار تو هستند و پسران خواستهٔ آنان؟

١٥٠. و یا شاهد ما بوده‌اند که ما فرشتگان را زن آفریدیم؟

١٥١. بدانید که اینان با دروغ پردازی و قلب حقیقت می‌گویند:

١٥٢. که خداوند جهان فرزندی به وجود آورده است و بی‌شک دروغ می‌گویند.

١٥٣. آیا تصور می‌کنند که خداوند جهان دخترها را که جنسی لطیف و خویی نرم دارند بر پسرها گزین کرده است که تندخو و زمختند؟

١٥٤. شما را چه می‌شود؟ شما خود چگونه داوری می‌نمایید؟

١٥٥. آیا حقیقت را در نمی‌یابید؟

١٥٦. و یا سندی در دست دارید که مدعای شما را روشن می‌کند؟

١٥٧. اگر راست می‌گویید سند کتبی خود را ارائه نمایید.

١٥٨. اینان بین خداوند جهان با جنیان نسبت خویشاوندی تصور کرده‌اند از آن‌رو که دست آنان را همچون پسران در همه‌جا باز و آزاد می‌نگرند با آن‌که جنیان دانسته‌اند که با فضولی در کار بشر به دوزخ احضار می‌شوند.

١٥٩. منزه است خداوند جهان از این اوهامی که مشرکان در وصف خدا می‌آورند و مردم را به گمراهی می‌کشانند.

١٦٠. مگر بندگان خالص خداوند که از فتنهٔ مشرکان درامانند.

١٦١. شما مشرکان بدانید که همهٔ شما دروغ پردازان با خدایانی که می‌پرستید.

١٦٢. نمی‌توانید کسی را مفتون سازید و گمراه کنید.

١٦٣. مگر کسی را که دوزخی بوده باشد و فریب شما در او اثر گذارد.

مَعْلُومٌ ۱۶۴ وَ إِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ ۱۶۵ وَ إِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ۱۶۶ وَ إِن كَانُوا لَيَقُولُنَّ لَوْ أَنَّ
عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ ۱۶۸ لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ۱۶۹ فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۱۷۰ وَ لَقَدْ
سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ۱۷۱ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ۱۷۲ وَ إِن جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ۱۷۳
فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ۱۷۴ وَ أَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ۱۷۵ أَفِعْدَابِنَا يُسْتَعْجِلُونَ ۱۷۶ فَإِذَا نَزَلَ
بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذِرِينَ ۱۷۷ وَ تَوَلَّىٰ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ۱۷۸ وَ أَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ۱۷۹
سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ۱۸۰ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ۱۸۱ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ ۱۸۲

-
۱۶۴. هر فرشته‌ای که باشد مقام مشخصی دارد.
۱۶۵. ما فرشتگان هستیم که صف در صف شده‌ایم.
۱۶۶. ما فرشتگان هستیم که خدا را از اوهام و خیالات بشر تنزیه و تسبیح می‌کنیم.
۱۶۷. مردمان به جد می‌گفتند:
۱۶۸. اگر یادواره‌ای از امت‌های پیشین در دست ما بود که ما را با مسائل مذهبی آشنا می‌کرد.
۱۶۹. ما هم از بندگان خالص خدا بودیم.
۱۷۰. و اینک به خداوند جهان کافر شدند و به زودی می‌دانند که فرجام آنان به کجا خواهد انجامید.
۱۷۱. وعده ما به بندگان صاحب رسالت پیشی گرفت.
۱۷۲. که آنان حتماً پیروز می‌شوند.
۱۷۳. بی‌شک سپاه ما غالب و پیروزند.
۱۷۴. اینک تا چندصباحی از آنان رو برتاب.
۱۷۵. آنان را زیر نظر داشته باش که به زودی با دیدار عذاب ما چشمانشان باز می‌شود.
۱۷۶. آیا به سوی عذاب ما شتاب می‌ورزند و خواهان عذابند؟
۱۷۷. آن شب که عذاب ما در خانه آنان قدم گذارد اخطارشدگان صبح بدی در پیش دارند.
۱۷۸. فقط تا چندصباحی از دعوت آنان کناره بگیر.
۱۷۹. بعد از آن بنگر که آنان نیز به زودی چشم خود را باز می‌کنند.
۱۸۰. منزه است پروردگارت همان پروردگار عزت و اقتدار از ستایش آلوده مشرکان.
۱۸۱. درود خدا بر رسولان.
۱۸۲. سپاس و ثنا از آن خداست پروردگار جهانیان.

ص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص وَ الْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ^۱ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَ شِقَاقٍ^۲ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَ لَاتَ حِينَ مَنَاصٍ^۳ وَ عَجَبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَ قَالِ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ^۴ أَجَعَلَ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ^۵ وَ انطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ امشُوا وَ اضْبُرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ^۶ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمَلَّةِ الْآخِرَةِ إِنَّ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ^۷ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَدُوقُوا عَذَابَ^۸ أَمْ عِنْدَهُمْ

۱. ص. سوگند به قرآن که یادواره حق است و یادواره مردان حق.
۲. ولی مردم باور نمی‌دارند بلکه مردمان کافر در اوج قدرت و عزت راه خود را در پیش دارند و همواره با حق و مردان حق درستیند.
۳. پیش از این مردم چه ملت‌های بسیاری در اوج عزت بودند که ما هلاکشان کردیم و به هنگام عذاب فریاد شیون و عذرخواهی آنان بر آسمان بلند شد ولی دیگر دیر بود و فرصت از دست رفته بود.
۴. این مردم شگفت آورده‌اند که نمی‌شاید اخطارکننده الهی از میان خودشان برخیزد. چرا فرشتگان آسمانی به رسالت و اخطار نیامده‌اند و کافران‌شان گفته‌اند که این مرد جادوگر است و دروغ پرداز.
۵. آیا همه خدایان را در یک‌خدا جمع کرده است؟ واقعاً طرحی شگفت است و سخنی شاخدار.
۶. سران مردم به راه افتادند که «ای مردم! از گرد او پراکنده شوید و به راه خود بروید. به سخن او گوش مدارید و بر عبادت بت‌های خود پابرجا بمانید. مکتب یک‌خدایی، یک طرح سیاسی است که برای وحدت ریخته‌اند و می‌خواهند قدرت‌های محلی را درهم بریزند و یک قدرت کلی به وجود آورند که خود پرچمدار آن باشند.
۷. ما این طرح و برنامه را در ملت مجوس هم که امروز یک ابرقدرت جهانی است از کسی نشنیده‌ایم. این یک فلسفه ساختگی است که از یک‌خدا هم کار جنگ بیاید هم کار صلح، هم عشق و شیدایی را هدیه کند و هم نفرت و جدایی، هم خدای خیر باشد و هم خدای شر، هم دعای قریش را اجابت کند و هم دعای غطفان و ثقیف.
۸. آیا این قابل قبول است که از میان همه ما سران با نفوذ جامعه و ما دولتمندان ثقیف و قریش، یادواره قرآن بر مردی نازل شود که نه صاحب دولت و ثروت است و نه از سران

خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ۹ أَمْ لَهُمْ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي
 الْأَسْبَابِ ۱۰ جُنْدٌ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ ۱۱ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو
 الْأَوْتَادِ ۱۲ وَثَمُودٌ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ ۱۳ إِنْ كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ
 فَحَقَّ عِقَابٌ ۱۴ وَمَا يَنْظُرُ هُوَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَا لَهَا مِنْ فِوَاقٍ ۱۵ وَقَالُوا رَبَّنَا عَجَلْ لَنَا
 قَطْنًا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ۱۶ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۱۷ إِنَّا
 سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعُشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ ۱۸ وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ ۱۹ وَشَدَدْنَا

جامعه؟ آیا تصور می کنید که این ردّ و ایراد را کافران از آن رو بر زبان آورده اند که قرآن را پذیرفته اند و رسول را نمی پذیرند؟ نه. اینان از خود قرآن در شک و ارتیابند بلکه باید گفت: هنوز طعم عذاب را نچشیده اند که چنین گستاخند.

۹. و یا تصور می کنید که گنجینه های رحمت پروردگارت با همه عزت و بخشندگی در دست آنها است تا رسالت قرآن را به هر که خواهند بسپارند.

۱۰. و یا پادشاهی آسمان ها و زمین و آنچه در میان آسمان ها و زمین است مال آنهاست؟ پس باید وسایل صعود را فراهم آورند و با ریسمان ها به آسمان ها بالا روند تا از قلمرو خود دیدار نمایند.

۱۱. در آسمان ها هر لشکری که از احزاب مردم باشد گرچه ابرقدرت ها باشند درهم شکسته و مقهورند.

۱۲. پیش از این مردم، قوم نوح رسالت الهی را تکذیب کردند و هم قوم عاد و قوم فرعون که اهرام ثلاثه را چون کوه بنیاد کردند.

۱۳. و قوم ثمود و قوم لوط و صاحبان جنگل که احزاب ضد رسالت بودند.

۱۴. جز این نبود که همه آنان رسالت رسولان را تکذیب کردند و کیفر ما را به جان خریدند.

۱۵. اینان هم انتظاری ندارند جز آن که غرشی سهمگین بر سر آنان بخروشد که ساعتی هم مهلت نیابند.

۱۶. گفته اند که پروردگارا! ما جایزه آخرت نمی خواهیم. جایزه ما را از حورالعین و نعمت های بهشتی قبل از برپایی روز حساب به ما پرداخت کن که تاب انتظار نداریم.

۱۷. تو بر استهزای آنان صبوری پیشه کن و یاد بنده ما داود را در خاطره ها زنده کن که با وجود قدرت و شوکت بعد از پرداختن به امور سلطنت به درگاه خدا بازمی گشت.

۱۸. ما کوهساران را برای او رام کردیم که در عصر و صبحدم با او هم آوا گردند و خدا را تسبیح کنند.

مُلْكُهُ وَ آتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَ فَصَلَ الْخِطَابَ ٢٠ وَ هَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ ٢١ إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَ لَا تَشْطِطْ وَ أَهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ ٢٢ إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ نَعْجَةً وَ لِي نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفُلْنِيهَا وَ عَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ٢٣ قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجِكَ إِلَى نَعَاجِهِ وَ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغِيَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ قَلِيلٌ مَا هُمْ وَ ظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ رَاكِعًا وَ أَنَابَ ٢٤ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَ إِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَى وَ حُسْنَ مَآبٍ ٢٥ يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ

١٩. پرندگان را هم برای او رام کردیم که بعد از گشت و گذار نیمروزی در حضور او جمع آیند.

٢٠. پادشاهی او را استوار و بر دوام کردیم و در اجرای سنت‌های مذهبی به او کاردانی عطا نمودیم با داوری قاطع در فیصله نزع دادخواهان.

٢١. آیا خبر آن دادخواهان به تو واصل شده است که روزی از دیوار غرفه برآمدند؟

٢٢. به خلوتگاه داود درآمدند و داود از ترس جان چنان دچار فزع شد که از دم زدن و اعتراض کردن بازماند. دادخواهان گفتند: مترس، ما دشمن نمی‌باشیم. دوتن دادخواهیم که یکی از دیگری حق خود را مطالبه می‌کند. تو در میان ما به درستی داوری کن و از جاده حق دور مشو. ما را به راه صاف و درست هدایت کن.

٢٣. این برادر من در خانه‌اش نودونه میش دارد و من فقط یک میش دارم که به شیر آن اکتفا می‌کنم. با وجود این به من می‌گوید: آن یک میش را هم در اختیار من بگذار. این سخن را با قلدری می‌گوید نه با خواهش و التماس.

٢٤. داود گفت: بی‌شک برادرت می‌خواهد تو را سیاه کند که میش تو را می‌طلبد تا با میش‌های خودش یکجا کند. بسیاری از مردم که باهم خلط و آمیزش دارند و در یک خانه به سر می‌برند از خودخواهی به حق خود قناعت ندارند مگر آن کسانی که ایمان آورده‌اند و دستاورد شایسته دارند که خودخواهی ندارند. منتها این گونه مؤمنان انگشت‌شمارند. در این موقع دادخواهان ناپدید شدند و داود دانست که اینان فرشتگان بودند و از طرح این دعوی و شرح دادخواهی منظور دیگری داشته‌اند. با خود فکر کرد که ما به خاطر خواستاری زن اوریا او را آزمون کرده‌ایم و اینک از او اعتراف به خطاکاری گرفتیم. لذا از پروردگار خود طلب مغفرت کرد و با حال رکوع به خاک درافتاد و به معذرت‌خواهی و انابه پرداخت.

٢٥. و ما این خطا را بر او بخشیدیم که حاضر نشد بردباری پیشه کند و از حق مشروع

و لَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ
بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ ۚ^{۲۶} و مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ
كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ ۚ^{۲۷} أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ
فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ۚ^{۲۸} كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ
أُولُو الْأَلْبَابِ ۚ^{۲۹} وَ هَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۚ^{۳۰} إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَاسِيِ الصَّافِنَاتُ
الْجِيَادُ ۚ^{۳۱} فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ۚ^{۳۲} رُدُّهَا عَلَيَّ

خود که خداوند رحمان ویژه انبیا مقرر کرده است چشم‌پوشی نماید. با وجود این داود را در
پیشگاه مامزنت والایی است و جایگاه نیکویی در واپسین حیات آخرت دارد.

۲۶. ای داود ما تو را در این سرزمین جانشین سلاطین پیشین ساختیم تا حکومت طاغیان
را برکنیم. پس در میان مردم به حق و درستی حکومت کن و خواهش دل را دنبال مکن
که خواهش دل تو را از راه خدا به بیراهه خواهد کشانید. بی‌شک کسانی که از راه خدا گم
شوند عذاب سختی برای آنان مهیاست از آن‌رو که روز حسابرسی را به فراموشی سپردند.
۲۷. ما آسمان و زمین را با آنچه در میان آسمان و زمین است بیهوده و بی‌هدف نیافریدیم.
آفرینش بی‌هدف، تصور کافران است که از فرجام آسمان‌ها و زمین بی‌خبرند. وای بر
کافران از آتش دوزخ.

۲۸. آیا حاکمان جور با حاکمان دادگر در پیشگاه ما برابر می‌شوند و یا آن‌مؤمنان را که
دستاورد صالحی دارند با تبهکاران مفسده‌جو برابر می‌کنیم که در زمین به قتل و غارت
می‌پردازند و یا پرهیزکاران را با فاجران که بی‌محبا به سوی خودکامگی می‌تازند برابر و
یکسان ارج می‌نهیم.

۲۹. این قرآن کتابی است فرخنده که سوی تو نازل کردیم تا مردم در آیات آن بیندیشند و
صاحبان خرد به خاطر بسپارند و پند بگیرند.

۳۰. ما به داود فرزندش سلیمان را عطا کردیم. سلیمان بنده خوبی بود. بعد از رسیدگی به
امور کشور و سلطنت برای مناجات با خدا و رازونیا و دعا به مصلاهی خود بازمی‌گشت.
۳۱. اما آن‌روز به هنگام عصر اسب‌های نجیب عربی بر او عرضه می‌شد که برای خود و
سپاهیان خود انتخاب نماید.

۳۲. سلیمان این اعتراض را در چهره حاضران خواند که چگونه مانند فرعونیان با شیفتگی
به سان اسب‌ها پرداخته است و نافله نیمروز خود را فراموش کرده است. لذا در پاسخ آنان
گفت: من امروز به فرمان خدا واری اسب‌ها را که بهترین یار مجاهدین است بر یاد خدا
ترجیح دادم. واری کامل شد و اسب‌ها در پشت دیوار کاخ در حجاب شدند.

فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ۚ ۳۳ وَ لَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَ أَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ۚ ۳۴
 قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۚ ۳۵ فَسَخَّرْنَا لَهُ
 الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ ۚ ۳۶ وَ الشَّيَاطِينَ كُلَّ بِنَاءٍ وَ غَوَاصٍ ۚ ۳۷ وَ آخِرِينَ مَّقْرَنِينَ
 فِي الْأَصْفَادِ ۚ ۳۸ هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۚ ۳۹ وَ إِنَّا لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَ حُسْنِ
 مَّآبٍ ۚ ۴۰ وَادْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ۚ ۴۱ ارْكُضْ

۳۳. سلیمان گفت: آنها را برگردانید. و چون اسبها را نوبت دوم عرضه کردند سلیمان با توجه بیشتر دست بر ساق آنها کشید و گرد از گردن و یال آنها افشاند تا بهترین اسبها را برای خود برگزید.

۳۴. به حق سوگند که ما سلیمان را آزمون کردیم و در رؤیا ستاره داودی را با درخششی خیره کننده بر تخت شاهی او افکندیم. درخششی که جن و طیر و انس به تماشا فراهم آمدند و او تصور کرد که سوگلی او پسری خواهد آورد که صاحب یک چنین حشمتی خواهد شد. ولی ما فرزند سوگلی او را مرده بر تخت شاهی او به دنیا آوردیم و سلیمان دانست که در تشخیص رؤیا به خطا رفته است و لذا به درگاه خدا بازگشت و به معذرت پرداخت.

۳۵. سلیمان گفت: پروردگارا! آرزوی خامی را که برای دودمانم در دل پروریدم بر من بیخشا و آن چنان که در رؤیا به من وعده فرمودی سلطنتی به من عطا فرما که بعد از من شایان کسی نباشد. به یقین تو بخشاینده هر نعمتی.

۳۶. از این رو ما باد تند را برای سلیمان رام کردیم تا به فرمان او بساط سلیمانی را به هر کجا که درست هدایت کند نرم و هموار پرواز دهد.

۳۷. و شیطانها را برای او رام کردیم هر کدامشان که بنای ساختمان باشد و یا غواص دریا باشد.

۳۸. و آنها را که تمرّد کنند و یا خرابکاری نمایند در کند و زنجیر محبوس نماید.

۳۹. این است عطا و موهبت ما. اگر خواهی بر اسیرانشان منت نهی و آزاد کنی و یا در بند و زنجیرشان نگه داری صاحب اختیاری، بی آن که بر تو حساب و کتابی باشد و یا نقد و اعتراضی روا باشد.

۴۰. بی شک با وجود این دولت و قدرت و این رفاهیت و نعمت برای سلیمان در پیشگاه ما قرب و منزلتی والاست و جایگاه نیکویی در واپسین حیات دارد.

۴۱. خاطر نشان کن بنده ما ایوب را آن روز که فریاد برآورد: پروردگارا! شیطان با دست خود رنج و عذابی بر بدن من افشاند.

بِرَجْلِكَ هَذَا مَغْتَسِلٌ بَارِدٌ وَ شَرَابٌ ٤٢ وَ وَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَ ذِكْرِي
 لَأُولِي الْأَلْبَابِ ٤٣ وَ خُذْ بِيَدِكَ ضِغْتًا فَاضْرِبْ بِهِ وَ لَا تَحْنُثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ
 أَوَّابٌ ٤٤ وَ أَذْكَرُ عِبَادِنَا إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَ الْأَبْصَارِ ٤٥ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ
 بِخَالصَةِ ذِكْرِي الدَّارِ ٤٦ وَ إِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ ٤٧ وَ أَذْكَرُ إِسْمَاعِيلَ وَ الْيَسَعَ وَ
 ذَا الْكُفْلِ وَ كُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ ٤٨ هَذَا ذِكْرٌ وَ إِنَّا لَلْمُتَّقِينَ لِحَسْنِ مَّآبٍ ٤٩ جَنَّاتٍ عَدْنٍ مَّفْتَحَةٌ لَهُمْ
 الْأَبْوَابُ ٥٠ مُتَّكِنِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَ شَرَابٍ ٥١ وَ عِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ
 أَمْثَلُ ٥٢ هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ٥٣ إِن هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِن نَّفَادٍ ٥٤ هَذَا وَ إِنَّا

٤٢. بدو گفتیم: پایت را بر زمین بکوب. و او پایش را بر زمین کوفت و زمین فرو نشست و چشمه‌ آبی برآمد. گفتیم: این چشمه‌ آب‌ حیات برای غوطه‌ خوردنت و نوشیدنت مهیا است تا پوست بدن ترمیم گردد و جهاز هاضمات نیروی جوانی گیرد.

٤٣. و چون ایوب به دوره‌ جوانی بازگشت خاندانی را که از دست داده بود به او مرجوع کردیم با همانندانشان از زن و مرد، دختر و پسر، تا رحمتی باشد از جانب ما و یادواره‌ای برای صاحبان مغزها و خردها.

٤٤. و چون سوگند خورده بود که اگر شفا یابد چهل تازیانه بر پشت همسرش بنوازد بدو گفتیم که یک‌مشت شاخه‌ خرما برگیر و با آن شاخه‌های نازک بر پشت همسرت بنواز تا سوگند خود را خلاف نکرده باشی. ما ایوب را بر محنت جذام صبور و شکیبیا یافتیم. ایوب بنده‌ خوبی بود که در هر فرصتی به درگاه خدا بازمی‌گشت.

٤٥. خاطر نشان کن بندگان دیگرمان ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که صاحبان توان و بینایی بودند.

٤٦. ما آنان را به این ویژگی مفتخر کردیم که در دنیا خاطره‌ آنان زنده و برقرار بماند.

٤٧. آنان در پیشگاه ما از گزین‌ها و بهترین‌ها بودند.

٤٨. خاطر نشان کن رسولان دیگرمان اسماعیل و یاسع و صاحب کفالت را و همه‌ آنان از بهترین‌ها بودند.

٤٩. این خود یادواره است برای این پرهیزکاران و بی‌شک برای پرهیزکاران، فرجام خوبی است.

٥٠. بهشت‌های برین که درهای آنها به روی پرهیزکاران باز است.

٥١. در بهشت‌ها بر تخت‌ها تکیه می‌زنند و برای پذیرایی مهمان‌های خود میوه‌های بسیار می‌طلبند با نوشابه در حد کفاف.

٥٢. در کنار آنان، بانوانی برای همسری آماده‌اند همسال، با چشمانی نزدیک‌بین که توان

لِلطَّاعِينَ لَشَرِّ مَا بَ ٥٥ جَهَنَّمَ يَصَلُونَهَا فَيَسَّ الْمِهَادُ ٥٦ هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَ غَسَاقٌ ٥٧ وَ آخِرُ
 مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ ٥٨ هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارَ ٥٩ قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا
 مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَيَسَّ الْقَرَارُ ٦٠ قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي
 النَّارِ ٦١ وَ قَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ ٦٢ أَتَّخَذْنَاَهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ
 عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ ٦٣ إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ٦٤ قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ

دیدن دور از خانه را ندارند.

٥٣. این است پاداش ما برای شما پرهیزکاران در روز حسابرسی که اینک وعده آن را دریافت می‌دارید.

٥٤. این است شرح ارزاق ما در بهشت که پایانی ندارد.

٥٥. این پاداش پرهیزکاران مؤمن است و بی‌شک برای طاغیان سرکش بدترین فرجام است.

٥٦. دوزخی که در آن کباب می‌شوند دوزخ آرامگاه شومی است.

٥٧. این سزای قطعی آنهاست که باید بچشند، آب داغ، پرچرک و سیاه.

٥٨. و آبی دیگر از همین نمونه که از آبفشان‌ها فوران دارد با نفت سیاه و قیر و زفت و قطران.

٥٩. گروهی از دوزخیان سوار بر کوه‌پاره‌های زمینی به دره‌های دوزخ سرازیر می‌شوند و فرشتگان می‌گویند: ای دوزخیان! این گروه تازه وارد به دره شما فرود می‌آیند و دوزخیان بلافاصله می‌گویند: قدم‌هایشان شکسته‌باد! و فرشتگان به سخن ادامه می‌دهند که این گروه تازه وارد در این دره باید کباب شوند که اتباع شمایند و گناهانشان با گناه شما همسان است.

٦٠. گروه تازه وارد به دوزخیان می‌گویند: بلکه قدم‌های شما شکسته‌باد. این شما بودید که ما را به دوزخ کشانید که اینک بدترین قرارگاه است.

٦١. پروردگارا! هرکس ما را به این عذاب فروزان رهنمون شد عذاب او را در این دوزخ دوچندان ساز.

٦٢. و گویند: ما را چیست که آن کسانی را که جزو اشرار جامعه می‌شمردیم در دوزخ نمی‌بینیم؟

٦٣. آیا آنان را به پایین دره فرستادیم تا برای ما بیگاری کنند و میوه زقوم بچینند که آنان را نمی‌بینیم یا در اینجا حاضرند و چشمان ما از دیدن آنها خطا رفت و آنان را ندیدیم؟

٦٤. این بحث‌ها و مشاجره‌ها درست است و واقعیت خواهد گرفت. اینها شرحی از نزاع

الوَاحِدُ الْقَهَّارُ^{٦٥} رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ^{٦٦} قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ^{٦٧} أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ^{٦٨} مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِمُونَ^{٦٩} إِنْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنْمَأَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ^{٧٠} إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ^{٧١} فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ^{٧٢} فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ^{٧٣} إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ^{٧٤} قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإَيْدِي اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ^{٧٥} قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ^{٧٦} قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ

دوزخیان است.

٦٥. بگو: جز این نیست که من اخطارکننده‌ام و تکلیف دیگری جز ابلاغ پیام ندارم. خدایی جز خداوند جهان وجود ندارد که یکتا و قهار است.

٦٦. پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آسمان‌ها و زمین است. خداوند عزتمند غفار.

٦٧. بگو: نزاع دوزخیان یک خبر بزرگی است که در رستاخیز عمومی رخ می‌دهد.

٦٨. و شما از آن روگردانید و توجه نمی‌نمایید.

٦٩. اینک خبری دیگر با شگفتی و اعجاب بیشتر از عالم غیب، من اطلاعاتی از سنای بالاتر نداشتیم که چرا در کنکاش و جدل بوده‌اند.

٧٠. اشارتی که من دریافت می‌کنم فقط همین است که من اخطارکننده‌ام و مسئولیتی ندارم جز این که پیام خود را آشکارا اعلام کنم.

٧١. خاطر نشان ساز که آن روز در سنای بالا پروردگارت به فرشتگان گفت: من برآنم که آدمی از گل بیافرینم.

٧٢. موقعی که پیکرش را پرداختم و از موج وجودم در قالب او دمیدم همگان به افتخار این آفرینش سجده کنید و به خاک افتید.

٧٣. فرشتگان بعد از جان گرفتن آدم همگی یکسر به خاک افتادند و خدا را سجده بردند.

٧٤. به جز ابلیس که خود را بزرگ شمرد و از کافران بود.

٧٥. پروردگارت گفت: ای ابلیس! تو را چه مانع شد که به خاطر دستاورد آفرینشم سجده نکردی؟ آیا خود را بزرگتر از آن شمردی که آفریده‌ام مرا تکریم کنی یا از بزرگان و عالی‌مقامان بودی؟

٧٦. ابلیس گفت: من از آدم برترم. تو مرا از گلایه آتش آفریده‌ای و او را از گل آفریده‌ای. من نباید در مراسم حیات‌بخشی او مانند دیگران سجده کنم، بلکه باید مانند عالی‌مقامان فقط ناظر این مراسم باشم.

رَجِيمٌ ۷۷۰ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ۷۸ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ۷۹ قَالَ
 فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ۸۰ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ۸۱ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ۸۲ إِلَّا
 عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ ۸۳ قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ ۸۴ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ
 مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ۸۵ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ۸۶ إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ
 لِلْعَالَمِينَ ۸۷ وَتَتَلَمَّنُّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ۸۸

-
۷۷. پروردگارت گفت: اگر چنین تصویری در دماغ خود می‌پروری از این جایگاه برون شو
 که تو راندهٔ این درگاهی.
۷۸. و بی‌شک لعنت من تا روز برپایی قیامت بر تو نثار خواهد شد.
۷۹. ابلیس گفت: پروردگارا! پس اخراج مرا تا روز قیامت بتأخیر بیفکن.
۸۰. پروردگارت گفت: تو از کسانی خواهی بود که مهلت دارند.
۸۱. تا آن‌روز میقات که برای اخراج همگان مقدر شده است در اینجا ناظر و حاضر باشی.
۸۲. ابلیس گفت: پس این را بدان به عزت و ارجمندیت سوگند که من همهٔ آنان را از
 خرد، بیگانه می‌سازم.
۸۳. جز بندگان خالص‌شده‌ات از بنی‌آدم که بر آنها دست نمی‌یابم.
۸۴. پروردگارت گفت: این سخن تو حق است که تنها بندگان خالص من به کج‌خردی
 گمراه نمی‌گردند و من نیز این سخن را به حق می‌گویم.
۸۵. به عزت خودم سوگند که دوزخ را از تو و از هر آدمی که راه تو را پیروی کند پر
 خواهم کرد.
۸۶. بگو: من در برابر ابلاغ قرآن از شما مزدی نمی‌طلبم که بدین جهت از پذیرش آن ابا
 بورزید و نه در قبولاندن آن حریصم که مرا متهم به جاه‌طلبی نماید.
۸۷. این قرآن جز یادواره‌ای برای جهانیان نیست که از عالم دیگر گزارش می‌دهد.
۸۸. به خدا سوگند که بعد از زمانی چند خبر آن را دریافت خواهید نمود.

الزُّمَر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ^١ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ^٢ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ^٣ لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ^٤ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يَكُونُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَالنَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ^٥ خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَىٰ تُصْرَفُونَ^٦ إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ

١. تنزيل این کتاب از سوی خداوند عزتمند کاردان است.

٢. ما این کتاب را با هدفی درست و برحق به سوی تو نازل کردیم پس خدا را با اخلاص در دین عبادت کن.

٣. آگاه باشید که دین خالص از آن خداوند رحمان است. آن کسانی که خداوند رحمان را وانهاده‌اند و برای دوستی و سرپرستی خود خدایانی اتخاذ کرده‌اند شعارشان این است که ما این خدایان را پرستش نمی‌کنیم جز برای آن که ما را به پیشگاه خداوند جهان، وجاهت و منزلت بدهند. بی‌شک خداوند جهان میان آنان در هر گونه اختلافی داوری خواهد کرد. خداوند رحمان دروغگوی ناسپاس را هر که باشد و با هر مقامی که باشد رهبری نخواهد کرد.

٤. اگر خداوند رحمان اراده می‌فرمود که فرزندی اتخاذ کند شخصاً از میان آفریدگانش موجودی را که می‌خواست گزین می‌کرد نه آن که اجازه دهد مردم کسی را انتخاب کنند و او را به خدا بچسبانند. خداوند رحمان از انتخاب فرزند منزّه و برکنار است. او خداوند یکتاست. او خدای قهار است.

٥. آسمان‌ها و زمین را با هدفی درست آفرید، از سیاهی شب بر گرد روز می‌افزاید تا شب دراز شود و روز کوتاه گردد و از سپیدی روز بر گرد شب می‌افزاید تا روز دراز شود و شب کوتاه گردد. خورشید و ماه را مسخر کرد، هر کدام برای میعاد می‌شخص به راه خود ادامه خواهد داد. آگاه باشید که خداوند رحمان عزتمند و آمرزگار است.

٦. شما مردم را از یک‌جان آفرید و همسر او را از همان‌جان آفرید. برای شما از دام‌ها که

اللَّهُ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ٧ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْ نَّسِيِّ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِن قَبْلٍ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ٨ أَمَّنْ هُوَ قَانَتْ أُنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ٩ قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ١٠ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ

گوشت آن صددرصد با جان شما تناسب دارد هشت جفت دام وحشی و اهلی از بهشت برین نازل کرد اینک شما را در شکم‌های مادرانتان در چند مرحله از آفرینش و سه پرده از سیاهی و تاریکی می‌پرورد. این است خداوند رحمان، پروردگار شما که پادشاهی آن او است. خدایی جز او نیست. پس شما مشرکان را از راه درست به کجا می‌برند؟

٧. اگر شما به خداوندی او کافر شوید این را بدانید که خداوند رحمان از شما بی‌نیاز است. کفر و ناسپاسی را هم برای بندگان خود نمی‌پسندد که در اثر بی‌نیازی، از دعوت آنان دست بردارد و اگر شما مردم، آفرینش و پرورش خدا را سپاس بگذارید و ایمان بیاورید از ایمان و طاعت شما خوشنود می‌گردد. هیچ گنهکاری بار گناه دیگران را بر دوش نمی‌برد و به جای دیگران کیفر نمی‌شود. پس از مرگ که پرونده اعمال شما بسته شود بازگشت شما همگان به پیشگاه خداوند است و او شما را به دستاوردتان آگاه خواهد ساخت. خداوند جهان به راز سینه‌ها دانا است و نیت شما را در کردار و گفتارتان می‌داند.

٨. و چون رنج و بیماری آدمی را لمس کند با درخواست شفا پروردگار خود را می‌خواند و از همه‌جا به سوی او رو می‌آورد و بعد که خداوند رحمان او را از نعمت سلامتی برخوردار سازد دردمندی خود را که برای شفای آن دعا می‌کرد فراموش می‌کند و برای خداوند رحمان همتا می‌تراشد تا دیگران را هم از راه خدا بگرداند. بگو: با کفر و ناسپاسی چندصباحی کام دل بستان که بی‌شک از یاران آتش سوزانی.

٩. آیا ناسپاسان کافر که شکر نعمت را به دست فراموشی می‌سپارند فرجام بهتری دارند یا آن کسی که با صفا و رغبت ساعات آخر شب را با سجده و قیام طی می‌کند و با این نماز و راز و نیاز از آتش آخرت حذر می‌کند و به رحمت پروردگارش امید می‌بندد؟ می‌گویند که ما از فرجام این و آن بی‌خبریم. بگو: آنان که می‌دانند و آنان که نمی‌دانند با هم برابرند؟ فقط مردمان با مغز و خرد از این مثل‌ها پند می‌گیرند.

١٠. بگو: ای بندگان من که ایمان آورده‌اید از خشم پروردگار خود بپرهیزید. این را بدانید

اللَّهُ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ۚ ۱۱ وَ أُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ۚ ۱۲ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۚ ۱۳ قُلْ اللَّهُ أَعْبَدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي ۚ ۱۴ فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنْ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ۚ ۱۵ لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ ۚ ۱۶ وَ الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاعُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَ أَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ ۚ ۱۷ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ ۚ ۱۸ أَفَمَنْ

که هر کس در این دنیا با نیک‌اندیشی به کار نیک و انجام عبادت بپردازد برای او زندگی نیکو مقرر شده است و اگر محیط زندگی ناسالم باشد و امکان عبادت میسر نباشد زمین خدا پهناور است. هجرت کنید و جایی بروید که با کار درست و نیک‌اندیشی زندگی نیکو برای شما تأمین باشد. و چه بهتر که بر کار درست و ایمان به حق صبور و شکیبا بمانید که فقط صابران و شکیبامردان مزد خود را بی حساب و کتاب دریافت می‌نمایند.

۱۱. بگو: من فرمان یافته‌ام که خدا را با اخلاص در دین عبادت کنم.

۱۲. و فرمان یافته‌ام که در برابر قانون دین اولین کسی باشم که سر تسلیم فرود می‌آورم.

۱۳. بگو: اگر من پروردگار خود را نافرمان کردم از عذاب روز بزرگ ترسانم.

۱۴. بگو: من فقط خدا را پرستش می‌کنم و دین خود را برای او خالص کرده‌ام.

۱۵. اینک شما مردم هر خدایی را که می‌خواهید در عوض خداوند رحمان عبادت کنید که با این عبادت جان خود و جان خاندان و تابعان خود را به خسارت می‌افکنید. بگو: بی‌شک و رشکسته این جهان کسانی خواهند بود که روز قیامت، هم جان خود را از دست داده باشند و هم جان خاندان خود را و این همان خسارت آشکار است.

۱۶. برای آنان از فراز سر، ابرهای آتشین است و از زیر پایشان ابرهای دیگر از دود و بخار گوگرد، این است آن عذابی که خداوند جهان بندگان خودش را از آن می‌ترساند. ای بندگان من! از خشم من بهراسید.

۱۷. بگو: آن کسانی که ایمان آورند و از عبادت طاعت سرکش که بر علیه خداوند رحمان ساختاری شده است اجتناب ورزند و از همه جا به سوی خداوند رحمان بازگردند بشارت الهی برای آنان در راه است. پس بندگان مرا بشارت ده.

۱۸. آنان که فرمان‌ها را استماع می‌کنند و بهترین آنها را به مرحله عمل می‌گذارند تا تقریب بیشتری حاصل نمایند، این‌ها هستند که خداوند رحمان هدایتشان کرده است و هم این‌ها هستند که صاحب خردند.

حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَ فَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ^{۱۹} لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ^{۲۰} أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعٌ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ^{۲۱} أَمْ مَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبِهِمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ^{۲۲} اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضَلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ^{۲۳} أَمْ مَنْ يَتَّقِي بَوَاجِهَهُ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ

۱۹. آیا آن کسی که نام دوزخی درباره او صادق آید آیا تو می توانی آدم دوزخی را از آتش دوزخ نجات ببخشی؟

۲۰. این است سرانجام تبهکاران، ولی آن کسانی که از خشم پروردگارشان پرهیز کرده اند برایشان کوشکها و کاخها آماده است، طبقاتی بر زبر هم که از زیر آنها نهرها روان است. این وعده خداست. خداوند رحمان از وعده خود تخلف نخواهد کرد.

۲۱. آیا ندیدی که خداوند رحمان از آسمان بارانی نازل کرد و آن را در چشمه های زمین روان کرد و بعد در بهاران با آن آب کشت های رنگارنگ را از دل خاک برون می کشد و در پاییز شاخه ها و بوته ها به شور و هیجان می آیند و بعد از چندی خواهی دید که زرد و خشکیده اند و بعد از آن بوته ها را درهم می شکند و هیزم مطبخ می سازد. بی شک این الطاف خداوندی برای صاحبان خرد یادواره خوبی است که مظاهر پرورش و تربیت را تا پایان زندگی تذکار می دهند.

۲۲. آیا آن کسی که خداوند رحمان سینه اش را برای پذیرش اسلام گسترده سازد که با گنجایش بیشتری امواج عالم بالا را دریافت کند و در نتیجه از پیشگاه پروردگارش به پرتوی دست یابد که راه خود را در تاریکی ها بجوید - با آن کسی که دلی چون سنگ دارد که نوری در آن نمی تابد - برابر خواهد بود؟ وای بر آن کسانی که دل هایی چون سنگ دارند و در اثر سختی و صلابت، موجی در آن نفوذ نمی نماید. اینها ایند که در گمراهی آشکاری به سر می برند.

۲۳. خداست که بهترین سخن تازه را نازل کرده است. کتابی مشابه کتاب های دیگر که تأویل آن با تنزیل آن جفت است. با این تفاوت که از شنیدن آن، پوست بر اندام آن کسانی که از محاکمه خدای خود می هراسند به لرزه می افتد سپس پوست هایشان و دل هایشان آرامش و نرمش می یابد که به سوی راز و نیاز با خدا بشتابند. هدایت خداوند

تَكْسِبُونَ ٢٤ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَآتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ٢٥ فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ
 الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ٢٦ وَ لَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا
 الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ٢٧ قَرَأْنَا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ٢٨ ضَرَبَ اللَّهُ
 مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ
 أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٢٩ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ٣٠ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ
 ٣١ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَ كَذَبَ بِالصَّدَقِ إِذْ جَاءَهُ الْآيسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى

رحمان چنین است. هر که را بخواهد به وسیله قرآن هدایت می کند و هر کس را که خدا بخواهد گمراه می سازد. هر که را خدا گمراه سازد برای او هادی و رهنمونی وجود ندارد.

٢٤. آیا آن کسی که روز قیامت عذاب دوزخ را با چهره خود از جان خود دور می سازد با آن کسی که در بهشت عدن جای دارد برابر خواهد بود؟ سیه کاران به روز قیامت در دوزخ فروزان جای دارند و به آنان گفته شود: کیفر کردار خود را بچشید.

٢٥. امت های پیشین، آنان نیز رسالت خدا را تکذیب کردند که در اثر تکذیب و انکارشان، عذاب الهی از آن جایی که نفهمیدند بر سرشان فرود آمد.

٢٦. پس خداوند جهان در همین زندگی دنیا طعم خواری و رسوایی را به آنان چشانید و بی شک عذاب آخرت بزرگتر از عذاب دنیا است. کاش می دانستند.

٢٧. به یقین ما در این قرآن برای مردم از هرگونه گون مثل آوردیم، باشد که به یاد بسپارند.

٢٨. قرآنی که با زبان اصیل عرب تلاوت شود بی آن که اعوجاجی بیار آورد، باشد که مردم راه تقوا در پیش بگیرند.

٢٩. خداوند مثلی می آورد: مردی که چند خواجه تندخو و ناموافق مالک او باشند و هر یک به رقابت دیگران فرمانی مخالف فرمان دیگران صادر کند و آن مرد برده نداند که فرمان کدام یک را باید اطاعت کند و نیاز زندگی خود را از کدام یک مطالبه کند. در مقابل، مردی که فقط یک خواجه دارد و در برابر فرمان او تسلیم و اخلاص دارد و خواجه او می داند که باید نیاز او را برآورده سازد. آیا حال و روز آن دو با هم برابر است؟ خدا را سپاس که آثار یک خدایی بر همگان روشن است و رسوایی فلسفه شرک را روشن می کند ولی بیشتر مشرکان نمی دانند.

٣٠. تو خواهی مرد و آنان نیز می میرند.

٣١. روز قیامت همه شما در پیشگاه پروردگارتان گریبان هم را می گیرید و دادخواهی می کنید.

لِّلْكَافِرِينَ ۚ وَ الَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ وَ صَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ۚ لَّهُمْ مَا يَشَاؤُنَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۚ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ۚ لِيَكْفَرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَ يَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ۚ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَ يَخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَ مَنْ يَضِلَّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۚ ۳۶ وَ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ ۚ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ ۚ ۳۷ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ۚ ۳۸ قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۚ ۳۹ مِنْ يَأْتِيهِ

۳۲. کیست سیه کارتر از کسی که بر خداوند جهان دروغ ببندد و سخن درست الهی را که به او برسانند تکذیب کند. سیه کاری در آیات خدا کفر است و کیفر کافران آتش دوزخ. آیا جایگاه کافران در آتش دوزخ مهیا نیست.

۳۳. در مقابل، آن کسی که سخن درست خدایی را می آورد و خود به آن سخن تصدیق دارد در شمار صدیقان است و همان هایند که صاحبان تقوایند.

۳۴. برای آنان در پیشگاه پروردگارشان هر آنچه بخواهند مهیا است. این است پاداش مردم نیک اندیش و نکوکار که طاعت خود را به درستی انجام می دهند.

۳۵. تا خداوند رحمان بدترین گناهانشان را از نامه اعمالشان بسترده و دستاورد نیکشان را به بهترین صورتی که عمل کرده اند پاداش دهد.

۳۶. مشرکان تو را به قتل و تبعید تهدید می کنند. آیا تصور می کنند که خداوند رحمان شر دشمنان را از بنده خود کفایت نخواهد کرد؟ اینان تو را از خدایان خود می ترسانند در صورتی که خدایانشان پوشالی و تهدیدشان توخالی است و هر که را خداوند رحمان گمراه کند هرگز هادی و رهبر پیدا نخواهد کرد.

۳۷. و هر که را خداوند رحمان رهبری نماید کسی او را گمراه نتواند کرد. آیا خداوند رحمان صاحب عزت نیست که از دوستان خود حمایت کند و از دشمنان خود انتقام بگیرد؟

۳۸. اگر از آنان بپرسی که خالق آسمان ها و زمین کیست؟ بی درنگ و بی تأمل پاسخ می دهند که خداوند جهان خالق آسمان ها و زمین است. بگو: پس درباره آن خدایانی که به جای خداوند جهان عبادتشان می کنید چه اندیشه ای دارید؟ اگر خداوند جهان اراده فرماید که مرا بیمار و دردمند سازد آیا خدایان شما می توانند بیماری و دردمندی را از تن من بیرون کنند؟ و یا اگر خداوند رحمان اراده فرماید که به من رحمتی ویژه عطا نماید آیا خدایان شما می توانند رحمت خدا را از من باز بدارند؟ بگو: من خدایان پوشالی شما را به چیزی نمی شمارم خداوند رحمان مرا بس که خالق و پروردگار جهان است و اهل توکل بر

عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ٤٠ إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ٤١ اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ٤٢ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أُولَئِكَ كَانُوا لَنَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ ٤٣ قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٤٤ وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ٤٥ قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ

او توکل می‌نمایند.

۳۹. بگو: شما با همه قدرت و امکانات خود مبارزه را دنبال کنید من نیز به برنامه خود ادامه خواهم داد. شما به زودی می‌دانید.

۴۰. که عذاب الهی بر چه کسی نازل می‌شود که رسوایش سازد و فردای قیامت عذاب دائم دوزخ بر سر او فرود آید.

۴۱. ما این کتاب را به حق و درستی برای مردم نازل کردیم. هرکس رهیاب شود به سود جانش رهیاب شده است و هرکس در بیراهه گمراه شود به زیان خودش گمراه شده است. تو وکیل و مأمور آنان نیستی که بر سر آنان بایستی تا ایمان بیاورند.

۴۲. خداست که جان‌های مردم را به هنگام مرگشان دریافت می‌دارد و آن جان‌ها را که نمرده‌اند در حال خواب دریافت می‌کند و در آخرین لحظات خواب، آن جانی را که فرمان مرگ او را صادر کرده است در قبضه خود نگه می‌دارد و آن جانی را که باید زنده بماند از قبضه خود آزاد می‌کند تا عمر مقدر خود را به پایان برساند. در این پدیده نشانه‌های ربوبیت برای آن قومی که در سخن ما بیندیشند کاملاً هویدا است.

۴۳. آیا مشرکان تصور می‌کنند که جان‌های مردم در دست خدایان آنهاست و می‌توانند به مردم مرگ و زندگی بدهند؟ و یا بر این باورند که خدایان خود را برای همیاری و شفاعت اتخاذ کرده‌اند تا برای رفع حاجت به درگاه خداوند جهان بدون شافع نروند. بگو: در صورتی که خدایان شما صاحب‌اختیار چیزی نباشند و یا چون بت‌های سنگی اندیشه و درکی نداشته باشند باز هم آنان را به خدایی اتخاذ می‌نمایید؟

۴۴. بگو: اختیار شفاعت در دست خداست خواه با درخواست و دعا باشد و یا با دستگیری و همیاری در عمل. پادشاهی آسمان‌ها و زمین مال خداوند است و بعد از درهم کوبیدن آسمان‌ها و زمین همه شما به سوی او بازگردان می‌شوید.

۴۵. و چون نام خدا با کلمه توحید بر زبان آید دل‌های آن کافران که روز قیامت را باور

تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ^{٤٦} وَ لَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَ مِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ بَدَأَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ^{٤٧} وَ بَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتٍ مَا كَسَبُوا وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ^{٤٨} فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ^{٤٩} قَدْ قَالُوا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^{٥٠} فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا كَسَبُوا وَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا كَسَبُوا وَ مَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ^{٥١} أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ^{٥٢} قُلْ يَا

نمی‌دارند از کینه و نفرت پر می‌شود و چون نام بت‌های آنان به میان آید ناگهان اظهار شادمانی می‌نمایند.

٤٦. بگو: بارخدايا، ای شکافندهٔ آسمان‌ها و زمین. ای دانای پنهان و پيدا، توئی که میان بندگانت در مسائل اختلافی داوری خواهی کرد.

٤٧. آن کسانی که سیه‌کاری کرده‌اند اگر تمام ثروت زمین را مالک باشند و به اندازهٔ ثروت زمین اندوختهٔ مالی داشته باشند حاضرند همه را یکجا جریمه و جانفدا بدهند تا از شرّ عذاب قیامت برهند. در آن روز از خداوند جهان بر ایشان عالمی آشکار می‌شود که هرگز تصور آن را هم نمی‌کردند.

٤٨. شومی کردارشان هم که در دنیا حاصل کرده‌اند آشکار می‌شود و عذابی که به استهزاء می‌گرفتند پایچ آنان خواهد گشت.

٤٩. موقعی که درد و بیماری آدمی را لمس کند با دعا و ثنا ما را به یاری فرا می‌خواند و چون نعمتی بی‌زحمت و مشقت از پیشگاه خود به او مرحمت نماییم، می‌گوید: «جز این نیست که من این نعمت و دولت را در اثر دانش و هنر تحصیل کرده‌ام». نعمت دنیا به علم و هنر بستگی ندارد بلکه برای فتنه و آزمون در اختیار مردم قرار می‌گیرد ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

٥٠. کافران پیشین هم که صاحب نعمت شدند همین سخن را گفتند: ولی مال و منالی که به دست آورده بودند عذاب خدا را از ساحت آنان دور نکرد.

٥١. و کیفر بدکرداری آنان بر سرشان فرود آمد. سیه‌کاران این مردم نیز به زودی سزای بدکرداری خود را می‌بینند و از چنگال ما راه فرار نمی‌یابند.

٥٢. آیا ندیده‌اند که ثروتمندان بسیاری در این جهان از کرسی به زیر آمده‌اند و به خاک مذلت نشسته‌اند و یا ندانسته‌اند که ثروت در اختیار خداوند است، روزی خود را برای هر کس بخواهد گسترده می‌سازد و هرگاه که بخواهد محدود می‌کند؟ بی‌شک در این

عِبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ^{٥٣} وَ أُنْيَبُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَ أَسْلَمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ^{٥٤} وَ اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ مِن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ^{٥٥} أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ^{٥٦} أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ^{٥٧} أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةٌ فَأَكُونُ مِنَ الْمُحْسِنِينَ^{٥٨} بَلَىٰ قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَ اسْتَكْبَرْتَ وَ كُنتَ مِنَ الْكَافِرِينَ^{٥٩} وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ

قبض و بسط روزی برای آن مردمی که اهل ایمانند نشانه‌های ربوبیت آشکار است.

٥٣. از جانب من صلا برکش و بگو: ای بندگان من که با اسراف و تندروی بار سنگینی از گناهان را بر دوش دارید از رحمت خدا نومید مباشید نگویید که گناهان من بسیار است و پرونده من رسواست. اگر توبه کنید خداوند رحمان همه گناهان شما را می‌آمرزد و گناهان کوچک و بزرگ سنگین و سبک مانع آمرزش نخواهد شد. خداوند رحمان آمرزنده و مهربان است.

٥٤. با داشتن گناه فراوان و جرایم سنگین به سوی خدا راه بگیرید و در برابر او تسلیم شوید پیش از آن که فرصت از دست برود و عذاب الهی دامن شما را بگیرد که در آن صورت کسی یارای نصرت شما را ندارد.

٥٥. بهترین کتابی را که از آسمان به سوی شما مردم نازل شده است اطاعت و پیروی نمایید پیش از آن که عذاب الهی ناگهان بر سر شما فرود آید و شما بی‌خبر باشید.

٥٦. ما بدین حد به تبهکاران فرصت انابه و بازگشت دادیم که هیچ کس روز قیامت با حسرت و اسف نگوید: ای صد افسوس که در جنب خدا کوتاهی کردم و پیام او را مسخره کردم.

٥٧. و یا بگوید: اگر خداوند جهان مرا هدایت کرده بود من نیز اهل تقوا می‌شدم و از عذاب خدا می‌رهیدم.

٥٨. و یا موقعی که عذاب خدا را عیناً ببیند بگوید: کاش برای من رجعتی بوده باشد تا از درستکاران باشم.

٥٩. در آن روز به آنان خواهیم گفت: آری آیات و نشانه‌های من به تو واصل شد و تو آنها را تکذیب کردی و خود را بزرگتر از آن شمردی که به آیات من توجه کنی و از کافران گشتی.

مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ ۚ وَ يَنْجِي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۖ
 اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۗ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الَّذِينَ
 كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۗ قُلْ أَ فَغَيَّرَ اللَّهُ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيَّهَا الْجَاهِلُونَ ۚ وَ
 لَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَ إِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبِطَنَّ عَمَلُكَ وَ لَتَكُونَ مِنَ
 الْخَاسِرِينَ ۗ بَلِ اللَّهُ فَاعِبُدْ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۗ وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ الْأَرْضُ جَمِيعًا
 قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۗ وَ نَفِخْ فِي
 الصُّورِ فَصُعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نَفِخْ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا
 هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ۗ وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ وُضِعَ الْكِتَابُ وَ جِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَ الشُّهَدَاءُ

۶۰. روز قیامت خواهی دید کسانی که بر خدا دروغ بسته‌اند با چهره‌های سیاه محشور شده‌اند اینان همان متکبرانند که در برابر رسولان ما قد علم کردند. آیا برای این متکبران جایی در دوزخ مهیا نیست؟

۶۱. در آن روز خداوند رحمان اهل تقوا را با راه ویژه‌ای که برای رستگاری در پیش دارند نجات می‌بخشد. بی‌آن که در پیچ‌وخم جاده‌ها مشکلاتی لمس کنند و یا اندوهگین گردند.
 ۶۲. خداوند رحمان آفریننده همه اشیاء است و او بر سر هر پدیده‌ای کارگزار و وکیل است.
 ۶۳. کلیدهای آسمان‌ها و زمین مال او است و آن کسانی که به آیات خدا کافر شوند و پرستش او را وانهند آنان زیانکار و خاسرند.

۶۴. بگو: ای مردم جاهل! آیا به من امر می‌کنید که آفریننده اشیا و کلیددار آسمان‌ها و زمین را و انهم و خدای شما را بپرستم تا شما هم خدای مرا بپرستید.

۶۵. بی‌شک به سوی تو از آسمان اشارت رسید و به سوی رسولان پیش از تو هم، که اگر خدایان شرک را در پرستش خود شریک سازی اعمال نیکت توقیف می‌شود و از خاسران و زیانکاران خواهی بود که سرمایه ایمان و رسالت را از کف داده‌ای.

۶۶. هرگز خدایان شرک را عبادت مکن بلکه فقط خدای آسمان‌ها و زمین را عبادت کن و چون سایر رسولان از نعمت هدایت و رحمت خدا شاکر باش.

۶۷. این مردم نه رسولان خدا را به درستی شناخته‌اند که آنان را به مصالحه سیاسی دعوت می‌کنند و نه خدای جهان را شناخته‌اند که تصور می‌کنند بساط زندگی را بی‌هدف گسترده است و رستاخیزی برای حسابرسی وجود ندارد با آن که به روز رستاخیز، بستر خاکی زمین با همه رستاخیزیان در مشت با اقتدار او جا دارند و طومار آسمان‌ها در دست راست او پیچیده خواهد بود. خداوند جهان از بافته‌های مشرکان منزه و والاتر است.

۶۸. با غرش یک شهاب‌سنگ در شیپور خواب دمیده می‌شود و هر آن که در آسمان‌ها

وَقَضَىٰ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ^{٦٩} وَوَفَّيْتُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَّا يَعْمَلُونَ^{٧٠} وَ سِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُهَا فَتَحَتْ أَبْوَابَهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَىٰ وَ لَكِن حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ^{٧١} قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ^{٧٢} وَ سِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُهَا وَ فَتَحَتْ أَبْوَابَهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ^{٧٣} وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا

باشد با آنان که در زمین باشند با غرش صاعقه قالب تهی می کنند جز کسانی که خداوند جهان خواسته باشد که زنده و برقرارند. سپس نوبتی دیگر با عبور شهاب سنگی در شیپور بیداری دمیده می شود که ناگهان یکسره از جا برمی خیزند و صحرای قیامت را به چشم می نگرند.

٦٩. کره زمین با پرتو پروردگارش روشن و تابان می گردد و کتاب اعمال را در میان می نهند و پیامبران و شاهدان را به گواهی و نظارت می آورند و درباره مردم به درستی داوری می شود و حق کسی سیاه نخواهد شد.

٧٠. هر کس سزای دستاورد خود را به کمال و تمام دریافت می کند و خداوند جهان به کردار آنان داناتر است.

٧١. آنان که کافر بوده اند دسته دسته به سوی دوزخ رانده می شوند و در فضا می روند و می روند تا چون به سیاره دوزخ برسند درهای دوزخ باز می شود و یکسر به دوزخ سرازیر می شوند و مأمورین دوزخ می گویند: آیا رسولانی از میانتان برنخاستند که آیات پروردگارتان را بر شما تلاوت کنند و با اخطار و انذار الهی از دیدار این روزتان بترسانند؟ دوزخیان می گویند: چرا آمدند ولی ما کافر شدیم و تهدید عذاب درباره کافران به حقیقت پیوست.

٧٢. پس به آنان خطاب شود که اینک به دره های دوزخ درآیید که باید جاودانه در آن بمانید. جایگاه متکبران بد جایگاهی است.

٧٣. ولی آنان که از خشم پروردگارشان در هراس بوده اند دسته دسته به سوی بهشت برین رانده خواهند شد و در فضا می روند و می روند تا چون به سیاره بهشت درآیند درهای بهشت به روی آنان گشوده می شود و با فرودی آزاد در بوستان های هشتگانه فرود می آیند و خازنان بهشتی به آنان خطاب می نمایند، که درود بر شما، خوش باد شما را، این بهشت جاودان است. برای همیشه در آن منزل نمایید.

وَعَدَهُ وَ أَوْرَثْنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مَنْ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنَعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ^{٧٤} وَ تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ
مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^{٧٥}

٧٤. و بهشتیان گویند: سپاس خدای رحمان را که وعده خود را با ما درست آورد و این سرزمین را بعد از عروج بهشتیان پیشین به ما داد تا هر کجا خواسته باشیم جایی برای ماندن انتخاب نماییم. چه پاداش خوبی است پاداش آن کسانی که دستاوردی شایسته بهشت آورده‌اند.

٧٥. آن روز فرشتگان را بینی که گرداگرد عرش خدا انبوهند و ستایش کنان پروردگار خود را تسبیح می‌کنند. آن روز میان مردم به درستی داوری می‌شود و در پایان داوری گفته شود: سپاس و ثنا از آن خداوند است که پروردگار جهانیان است.

غَافِرٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمْ ١ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ٢ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهُ الْمَصِيرِ ٣ مَا يَجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرُكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ ٤ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابُ ٥ وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَاتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ٦ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ٧ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ

مؤمن آل فرعون - مسیح دجال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

٠١. ح. م.

٢. تنزیل این کتاب از پیشگاه خداوند عزیز داناست.

٣. آمرزنده گناه، پذیرای آشتی، سخت کیفر، صاحب دولت، خدایی جز او نیست، همگان به سوی او می شوند.

٤. در آیات و نشانه های خدا جز مردم کافر جدل نمی ورزند و اگر به قدرت و صولت خود می نازند قدرت آنان محکوم به زوال است؛ مبادا کر و فر آنان در شهرها تو را خام کند و از مبارزه و دعوت ناامیدت سازد.

٥. پیش از اینان قوم نوح و بعد از آنان دسته جات مختلف دیگر رسالت ما را تکذیب کردند و هر امتی همت گماشت که رسول خود را به کیفر بگیرد و به ناحق، باطل خود را جلوه گر ساختند تا حق را پامال کنند و در پایان، ما آنان را به کیفر گرفتیم. کیفر ما چسان بود؟

٦. بدین صورت سخن پروردگارت که کافران لایق دوزخند بر آن مردم درست آمد که روانه دوزخ شدند.

٧. آن دسته از فرشتگان که عرش خدا را بر دوش می برند با آن دسته از فرشتگان که گداگرد عرش خدا انبوهند با سپاس و ثنا پروردگار خود را تسبیح می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان آمرزش می طلبند که: پروردگارا! رحمت و دانشت همه چیز را فراگیر است و می دانی که آدمی زاده خام است و شیطان دشمن بشر. پس بر آن مردمی که آشتی کنان از راه شیطان به سوی تو بازگردند و خط تو را پیروی نمایند ببخشای و از آتش دوزخ بازشان دار.

وَدْرِيَاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ^٨ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ^٩ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا ينادونَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ^{١٠} قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْبَبْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ^{١١} ذَلِكَ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكَ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ^{١٢} هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ آيَاتِهِ وَيُنزِلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ^{١٣} فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ^{١٤} رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ^{١٥} يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لَمَنِ الْمُلْكُ

٨. پروردگارا! و آنان را به بوستان‌های جاویدی درآور که به آنان وعده فرمودی با پدرانشان و همسرانشان و فرزندانشان و فرزندزادگانشان که صالح بوده‌اند. به یقین توئی که عزتمند و کاردانی.

٩. و از بدی‌ها و گرفتاری‌ها بازشان دار و هرکس را تو از گرفتاری‌های روز محشر بازداری بی‌شک مورد رحمت قرار داده‌ای و این است همان رستگاری بزرگ که از دوزخ برهند و به فردوس برین راه یابند.

١٠. در آن روز کافران بر جان خود خشم و نفرت دارند و فرشته‌ها به آنان فریاد می‌زنند که بی‌شک خشم و نفرت خدا سهمگین‌تر از خشم و نفرتی است که شما بر جان خود دارید از آن‌رو که شما را به سوی ایمان دعوت کردند و شما کافر شدید.

١١. کافران می‌گویند: پروردگارا! دوبار جان ما را گرفتی و دوبار به ما جان دادی، اعتراف داریم که در هر دو نوبت گناه کار شدید و از رجعت دنیا و تکلیف دوباره سودی به دست نکردیم تا راه بهشت را بیابیم. اینک آیا راهی به سوی خارج دوزخ هست که ما را به آن راهنما گردی؟

١٢. فرشتگان گویند: دوزخ خانهٔ جاودانی است و از این‌رو سزای شما دوزخ شد که هرگاه نام خدا را به لالهٔ لا اله الا الله بر زبان راندند شما کافر شدید و اگر نام خدا را در کنار خدایان شما آوردند شما به آن ایمان آوردید. پس داوری و حکومت، با آن خدای والا و بزرگ است که فرمود: دوزخ ماوای مشرکان است.

١٣. خداوند شما آن‌خدایی است که نشانه‌های خود را در آسمان و زمین به شما نشان می‌دهد و از آسمان برایتان روزی می‌فرستد و از این گفته کسی پند نمی‌گیرد جز کسانی که به سوی خدا بازگردند.

١٤. پس خدا را بخوانید و در دینداری با خدا اخلاص بورزید گرچه کافران را ناخوش آید.

١٥. خداوند شما خدایی است بلندمرتبه، صاحب‌عرش، موجی از فرمان خود را بر هر کسی از بندگانش که بخواهد می‌افکند تا مردم را از روز ملاقات او بترساند.

الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ۱۶ الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ
 ۱۷ وَأَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْأَرْزَاقِ إِذْ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِينٍ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ ۱۸
 يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ ۱۹ وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ
 شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۲۰ أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ
 كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ
 مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ۲۱ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ
 شَدِيدُ الْعِقَابِ ۲۲ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُبِينٍ ۲۳ إِلَى فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ قَارُونَ

۱۶. آن روز که مردم همگان در برابر خداوند رحمان، آفتابی شوند و هیچ نکته‌ای از حال و روز آنان بر خدا پوشیده نباشد، آن روز پادشاهی از آن کیست؟ از آن خداوند یکتای قهار است.
۱۷. آن روز هرکسی با حاصل کار و کردار خود سزا می‌بیند. آن روز سیه‌کاری وجود ندارد گرچه با تأخیر داوری و بلا تکلیفی آنان بوده باشد. خداوند رحمان سریع الحساب است و در یک لحظه حساب آنان را واری خواهد کرد.
۱۸. مردم را از روزی پر عذاب بترسان که دل‌ها از طپش و جوشش کف بر لب راه حلقوم را بسته باشد که یارای تنفس نباشد، آن روز برای سیه‌کاران نه خویشاوندی وجود دارد که حمایت کند و نه شافعی که بر فرشتگان فرمان براند و مطاع باشد.
۱۹. خداوند شما آن خدایی است که چشم‌های خائن را می‌شناسد و هر آن رازی که سینه‌ها در دل خود نهان بدارند می‌داند.
۲۰. خداوند جهان به درستی داوری خواهد کرد و خدایانی که مشرکان در برابر آنها زانو می‌زنند و دعا می‌خوانند هیچ‌گونه حکومت و داوری نتوانند. بی‌شک خداوند شما دعای بندگان را می‌شنود و به حال زار آنان بینا است.
۲۱. آیا خبر امت‌های پیشین را نشنیده‌اند و یا در سرزمین به سیر و سیاحت نرفته‌اند تا از فرجام آنان باخبر گردند و دیدنی‌ها را با چشم خود ببینند؟ پیشینیان نیرومندتر از این مردم بودند و آثاری از قدرت و شوکت خود برجا نهاده‌اند که گواه نیرومندی آنهاست. با وجود این خداوندشان به کیفر گناهانشان گرفتار نمود و جز خداوند رحمان نیروی دیگری در میان نبود که نگهبان آنان بوده باشد.
۲۲. این فرجام بی‌سرانجام از آن رو بود که رسولانشان با دلایلی روشن به نزد آنان می‌آمدند و آنان را دعوت می‌کردند ولی آنان به رسالت رسولان کافر می‌شدند و خداوندشان به کیفر گرفت و نابود فرمود. خداوند جهان نیرومند است و کیفری سخت، سهمگین دارد.
۲۳. ما موسی را با آیات و نشانه‌های خود و با سندی قاطع و روشن‌گر به رسالت فرستادیم.

فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ۲۴ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ۲۵ وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ ۲۶ وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ ۲۷ وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ۲۸ يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنَ بَنِي اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى

۲۴. به سوی فرعون مصر و هامان وزیر او و قارون کفیل بنی اسرائیل و اینان همگان گفتند: موسی جادوگری است که از این دروغ‌ها بسیار دارد.

۲۵. موقعی که موسی از پیشگاه ما با راستی و درستی نزد آنان رفت و آیات ما را ارائه نمود گفتند: آن دسته از یهودیان را که به موسی ایمان آورده‌اند، پسرانشان را بکشید تا نیروی رزمنده آنان تضعیف گردد و زنانشان را زنده نگه دارید تا بر مشکلات اجتماعی و اخلاقی آنان بیفزایند. این حیلۀ فرعونیی اثری برجا نهد چرا که حیلۀ کافران همواره در تباهی و بیراهه‌روی است.

۲۶. فرعون به نمایندگان سنا گفت: به من فرصت بدهید تا موسی را بکشم و او تا می‌تواند و فرصت دارد پروردگار خود را فراخواند. من می‌ترسم که مردم ما را با سحر خود شیفته سازد و دین شما را به دین بردگان تبدیل کند و یا آن‌که در این سرزمین قتل و غارت و آتش‌سوزی را حاکم نماید.

۲۷. و موسی به نمایندگان سنا گفت: من از شرّ هر متکبری که روز حساب را باور نمی‌دارد به پروردگار خودم و پروردگار شما پناه بردم و از تهدید او باکی ندارم.

۲۸. در این حال مردی از خاندان فرعون که تا آن‌روز ایمان خود را نهان می‌داشت از جا برخاست و گفت: ای همکاران من! آیا می‌خواهید مردی را بکشید تنها به این جرم که می‌گوید: پروردگار من خداوند جهان است. با آن‌که از جانب پروردگار شما با دلایلی روشن به رسالت آمده است که بردگان را آزاد کنید؟ اگر او دروغگو باشد دروغ او بر زبان او خواهد بود که خدا یاریش نخواهد کرد و اگر راستگو باشد حتماً از این‌گونه مصیبت‌ها که شما را به آن تهدید می‌کند مصیبتی بر سر شما فرود می‌آید و دمار از روزگارتان برمی‌آورد. بی‌شک خداوند جهان کسی را هدایت نخواهد کرد که پا را از گلیم خود فراتر نهد و دروغ‌های فراوانی به نام خدا برهم بیافد.

وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ۚ وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ۚ ۲۹
 مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَتَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ ۚ وَ يَا قَوْمِ إِنِّي
 أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ۚ ۳۰ يَوْمَ تَوَلَّوْنَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ
 مِنْ هَادٍ ۚ ۳۱ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلِ الْبَيِّنَاتِ فَمَا زَلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّى إِذَا
 هَلَكَ قَلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ ۚ ۳۲
 يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبْرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ

۲۹. ای هم‌تباران من! امروز در این سرزمین ملک و پادشاهی با شما است و کاملاً بر اوضاع مملکت تسلط دارید و از موسی و بردگان کاری ساخته نیست که بر شما بشورند و یا تباهی بیفروزند اما با کشتن موسی اگر عذاب خدا از آسمان بر سر ما فرود آید چه کسی می‌تواند به یاری و نصرت ما برخیزد؟ فرعون سخن او را برید و گفت: من جز کشتن موسی پیشنهاد دیگری ندارم و نمی‌توانم به صورتی دیگر فتنه او را خاموش نمایم. من با این پیشنهاد خود، شما را جز به راه رشد و صلاح رهنمون نمی‌سازم.

۳۰. مؤمن آل فرعون به سخن ادامه داد و گفت: ای همکاران من! می‌ترسم که روزی بر سر شما فرود آید همچون یکی از آن روزها که بر سر امت‌های پیشین فرود آمد و هستی آنان را برباد داد.

۳۱. همچون سرنوشت قوم نوح و قوم عاد و قوم ثمود و اقوام بعدی آنان. خداوند جهان که خود، هستی می‌آفریند نمی‌خواهد مردم را سیاه کند بلکه این سران جامعه هستند که خود و جامعه خود را به سیاهی می‌کشاند و هستی آنان را برباد می‌دهند.

۳۲. ای مردم من! من از آن روزی بر شما بیمناکم که فریاد استغاثه شما به آسمان بلند شود.

۳۳. روزی که عذابی بنیان کن به شما هجوم آورد و شما پشت به خانمان خود شیون کنان بگریزید و غیر خداوند جهان کسی نتواند شما را از عذاب الهی پناه دهد، هر که را خداوند جهان گمراه سازد چه کسی می‌تواند او را به راه راست بکشاند و از مهلکه برهاند.

۳۴. شما خودتان می‌دانید که چندی پیش از این یوسف با دلایل روشن به نزد شما مصریان آمد ولی شما از ره‌آورد رسالت او هماره در شبهه و شک بودید تا آن روز که یوسف مرد و شما گفتید: خداوند جهان که یوسف را بر ما مبعوث نمود می‌خواست که والاترین کشور متمدن را از شر قحطی برهاند. بعد از یوسف خداوند جهان هرگز کسی را بر ما گسیل نخواهد کرد که مردمان والایی چون ما را نیازی به رسالت رسولان نیست. با این‌گونه بافته‌های واهی است که خداوند جهان متجاوزان شکاک را به راه ضلالت می‌کشاند.

عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٌ ۚ^{٣٥} وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صِرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ^{٣٦} السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلَعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَكَذَلِكَ زَيْنَ فِرْعَوْنَ سَوْءَ عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ^{٣٧} وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ^{٣٨} يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ^{٣٩} مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ^{٤٠} وَيَا قَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَاةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ^{٤١} تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ

۳۵. هم آنان که در آیات خدا جدل می کنند بی آن که از آسمان سندی به دستشان رسیده باشد. این جدل بالاترین خشم و نفرت را در پیشگاه خدا و پیشگاه اهل ایمان بیار می آورد. با این جدل های نفرت انگیز است که خداوند جهان بر قلب هر مستکبر سرکشی مهر می زند که دیگر روی رستگاری نبیند.

۳۶. بعد از بیانات مؤمن آل فرعون نمایندگان سنا از پیشنهاد فرعونیان دایر به قتل موسی جانبداری نکردند و فرعون با سیاست دفع الوقت به وزیرش هامان گفت: ای هامان! برای من برجی بلند بنا کن که با سایر وسایل پرواز مجهز باشد، باشد که من به ریسمان های نمرودی دست یابم.

۳۷. همان ریسمان های آسمان پیما تا نزد خدای موسی شوم و بیرسم آیا درست است که موسی را به رسالت فرستاده است تا من بردگان را آزاد کنم؟ من تصور می کنم که موسی فرستاده خدا نیست و می خواهد با این دروغ خود، بنی اسرائیل را از چنگال ما برهاند. به این صورت بود که دستاورد ناصواب فرعون در نظرش مزین شده بود و از پیمودن راه درست حق بازماند. این حيلة فرعون هم مانند سایر حيله ها و سياست بازي ها با شكست و تباهي مواجه گشت.

۳۸. مؤمن آل فرعون گفت: ای همکاران من! بیاید و از من پیروی نمایید و قدرت را به دست من بسپارید تا شما را به رشد و صلاحتان رهنمون گردم.

۳۹. ای مردم من! این زندگی دنیا توشه ای است برای گذران دوره آزمون و بی شک تنها زندگی آخرت خانه استقرار و جاودانی است.

۴۰. هرکس به کار بد دست یازد جز به میزان همان کار بد سزا نمی یابد و هرکس کار شایسته انجام دهد - خواه مرد باشد و خواه زن باشد - اما مؤمن باشد همه آنان به بهشت برین وارد می شوند و در آنجا روزی بی حساب دارند.

۴۱. در این میان جمعی از هواداران فرعون فریاد و غوغا برآوردند و او را تهدید نمودند و او گفت: ای همکاران من! من از این پیشنهاد خود سودی نمی برم. من شما را به سوی نجات

وَأَشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ ٤٢ لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنْ مَرَدْنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ٤٣ فَسْتَدْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ٤٤ فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ ٤٥ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ٤٦ وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَنُونَ عَلَيْنَا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ ٤٧ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ ٤٨ وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَازِنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَلَيْنَا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ ٤٩

می‌خوانم و شما مرا به سوی آتش دوزخ فرا می‌خوانید.

٤٢. شما دعوت می‌کنید تا من به خدای جهان کافر شوم و خدایانی را با او شریک و انباز بگیرم که از وجود آنها اطلاعی در دست ندارم. اما من شما را به سوی خدایی دعوت می‌کنم که عزتمند و غفار است.

٤٣. بی‌چون‌وچرا روشن است که خدای شما نه در دنیا و نه در آخرت نمی‌تواند هیچ‌کس را به سوی خود دعوت کند و در پناه بگیرد و نه جای چون‌وچراست که بازگشت ما همگان به پیشگاه خداوند جهان است و تجاوزکاران تندرو یاران آتش دوزخند.

٤٤. زود باشد که شما این سخنان مرا به خاطر بیاورید که دیگر فرصت را از دست داده باشید. من کار خود را به خدا حواله می‌کنم و دیگر حرفی برای گفتن ندارم. خداوند جهان به حال بندگانش بیناست.

٤٥. فرعونیان بر آن شدند که مصونیت او را در سنا لغو سازند و به اتهام همکاری با دشمن و خیانت به وطن محاکمه نمایند ولی خداوند جهان او را از حیل‌های شوم فرعونیان نگهبان گشت و بدترین عذاب‌ها پایبج فرعونیان گشت.

٤٦. اینک آتش ناهید است که صبح و شام بر شعله‌های فروزانش عرضه می‌شوند و روزی که قیامت قیام گیرد ندا برخیزد که فرعونیان را به سخت‌ترین عذاب‌های دوزخ درآید.

٤٧. خاطر نشان ساز که فرجام کافران مستکبر همگان بر این منوال است و آن لحظه‌ای که در آتش دوزخ با هم به بحث و کنکاش درآیند، ناتوان مردان مستضعف به سران مستکبر خود گویند که: ما دنبال شما را گرفتیم که به این عذاب الهی دچار گشتیم. آیا حاضرید که قدری از عذاب آتش را از دوش ما بردارید؟

٤٨. و مستکبران‌شان گویند که ما همگان از تابع و متبوع باهم و در کنار هم در آتش دوزخ جای داریم. داوری با ما نیست و نه توان و قدرت آن را داریم که آتش فروزان را کم و کوتاه نماییم. خداوند جهان شخصاً میان بندگانش داوری کرده است.

قَالُوا أَوْلَم تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ٥٠
 إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ٥١ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ
 مَعْدِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ٥٢ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَى وَأَوْثَرْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ ٥٣
 هُدًى وَذِكْرَى لِلْأُولِي الْأَلْبَابِ ٥٤ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
 بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ٥٥ إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِن فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ
 مَّا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ٥٦ لَخَلَقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ
 النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ٥٧ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

٤٩. دوزخیان با خزانه‌داران دوزخ می‌گویند: شما پروردگار خود را بخوانید تا گاه‌گاهی یک‌روز عذاب را بر ما سبک سازد.

٥٠. خزانه‌داران دوزخ به پاسخ آنان می‌گویند: آیا شما نام دوزخ را نشنیده بودید؟ و یا رسولانتان با دلایل روشن نزد شما نیامدند که شما را از آتش دوزخ بترسانند؟ دوزخیان گویند: چرا آمدند و خبر دادند، خزانه‌داران دوزخ گویند: پس اینک هرچه می‌خواهید دعا کنید و فریاد بزنید که دعای کافران جز بر باد هوا نیست.

٥١. بی‌شک ما رسولان خود را با آنان که ایمان آورده‌اند در همین دنیا نصرت می‌دهیم و هم در آن‌روزی که گواهان در عرصات محشر بیا خیزند.

٥٢. آن‌روز که سیه‌کاران را عذرخواهی سودی نبخشد و لعنت خدا نصیب آنان گردد و برای آنان دوزخ بدترین جایگاه و شوم‌ترین خانه بر دوام مهیا است.

٥٣. به یقین ما به موسی پرچم هدایت داده بودیم و کتاب تورات را بعد از مرگ موسی به اسرائیلیان ارث دادیم.

٥٤. تا رهنمودی باشد برای مؤمنان و یادواره‌ای برای صاحبان مغزها و اندیشه‌ها که از آن درس بگیرند.

٥٥. اینک تو پایداری کن. بی‌شک وعده خداوند رحمان درست است و آن‌چنان که موسی را از شر فرعونیان رهانید تو را نیز از شر این مستکبران رهایی خواهد داد. اینک از گناه خود پوزش بخواه و با ثنا و سپاس در هر شام و بام پروردگار خود را تسبیح کن.

٥٦. آن‌کسانی که در آیات خدا جدل می‌کنند بی‌آن‌که از سوی خدا سندی به دست آنان رسیده باشد در سینه‌هایشان جز کبریا و جاه‌طلبی چیز دیگری نیست که می‌خواهند بدان برسند و نخواهند رسید. تو باید از شر آنان به خداوند جهان پناه ببری به یقین خداوند جهان دعای تو را می‌شنود و به حال تو بیناست.

٥٧. بی‌شک آفرینش آسمان‌ها و زمین والاتر از آفرینش مردمان است ولی بیشتر مردم

الصَّالِحَاتِ وَاللَّيْلِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ^{٥٨} إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ^{٥٩} وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ^{٦٠} اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ^{٦١} ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَانِي تُوْفِكُونَ^{٦٢} كَذَلِكَ يُؤْفِكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ^{٦٣} اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ^{٦٤} هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^{٦٥} قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أُعْبَدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسَلِّمَ لِلرَّبِّ الْعَالَمِينَ^{٦٦} هُوَ

نمی‌دانند.

٥٨. آن کسانی که می‌دانند با آنان که نمی‌دانند برابر نمی‌شوند. مردم نابینا و مردم بینا یکسان نخواهند بود و آن کسانی که ایمان آورده‌اند و اعمال شایسته دارند با کافران بدکاره برابر نخواهند بود. شما این نکته‌ها را کمتر به خاطر می‌سپارید.

٥٩. به یقین لحظه رستاخیز، آمدنی است در آن تردیدی نیست متأسفانه بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند.

٦٠. پروردگار شما گفته است در عبادات خود مرا بخوانید که اگر مرا بخوانید به شما پاسخ می‌دهم. اما کافران و مشرکان از خواندن خداوند رحمان ابا می‌ورزند. کسانی که از عبادت من کبر بورزند به زودی با خواری و ذلت به دوزخ می‌شوند.

٦١. خداوند شما آن‌خدایی است که شب را تاریک آفرید تا در سایه آن آرام بگیرید و روز را روشن آفرید تا در پرتو آن به تلاش روزی برخیزید و از فضل خدا بهره بگیرید. به یقین خداوند رحمان بر مردمان رحمتی افزون دارد ولی بیشتر مردم سپاس آن را بجا نمی‌آورند.

٦٢. این است پروردگار شما آفریننده همه چیز، جز او خدایی نیست، به کجا منحرف می‌شوید؟
٦٣. آن کسانی هم که پیش از شما آیات ما را منکر می‌شدند به همین صورت از راه پروردگار خود منحرف می‌شدند که خداوند جهان را به کمال ربوبیت نمی‌شناخته‌اند.

٦٤. خداوند شما آن‌خدایی است که زمین را قرارگاه شما ساخت و آسمان را سقفی افراشته بر سرتان. صورت شما را پرداخت و به نیکوترین صورتی پیراست و خوردنی‌های خوب را روزی شما کرد. این است پروردگار شما. پاینده‌باد خداوند جهان پروردگار جهانیان.

٦٥. او همان زنده جاوید است. جز او خدایی نیست. پس با اخلاص در دین به درگاه او دعا کنید. خدایی را سپاس که پروردگار جهانیان است.

٦٦. بگو من بعد از آن که دلایل روشنی از سوی پروردگارم به دست آورده‌ام پرهیز دارم که در

الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ٦٧ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ٦٨ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّى يُصْرَفُونَ ٦٩ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ٧٠ إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ ٧١ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ٧٢ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ ٧٣ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ ٧٤ ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ ٧٥ ادْخُلُوا أَبْوَابَ

عوض خداوند جهان، خدایان شما را عبادت کنم. من فرمان یافته‌ام که در برابر پروردگار جهانیان تسلیم باشم.

٦٧. او همان خداوندی است که شما را از غبار خاک آفرید و به صورت یک نطفه ملکولی آراست. سپس آن را پرورید تا به صورت جنین به رحم چسبید، سپس در مراحل دیگری پروراند تا به فرجام از رحم مادراتان بیرون کشید و باز هم پرورید تا شما به اوج صلابت و سختی برسید و باز هم شما را پرورید تا به پیری برسید. همه شما مراحل زندگی را یکسان نمی‌بیمایید. برخی پیش از جوانی و یا رسیدن به پیری توقیف می‌شوید و نطفه شما به وسیله فرشتگان دریافت می‌گردد. در هر حال شما مراحل گوناگون را طی می‌کنید تا به پایان عمر مقدر برسید و برای آن که ظرف این مدت عقل و اندیشه خود را به دست آورید.

٦٨. او همان خداوندی است که جان می‌بخشد و جان می‌گیرد و چون فرمان دهد که کاری انجام شود فقط به نهاد آن می‌گوید: باش، و آن پدیده در وقت مقرر آن عملی خواهد گشت.

٦٩. آیا به این کسانی که در آیات خداوند جهان جدل می‌کنند نمی‌نگری که از راه خدای جهان و پروردگاری او به کدامین راه خطا منحرف می‌شوند؟

٧٠. همان کسانی که آیات کتاب ما را تکذیب کرده‌اند و رسالت رسولان را دروغ می‌شمارند. اینان به هر راهی که می‌خواهند بروند به زودی خواهند فهمید.

٧١. آن روز که غل‌ها بر گردن دارند و زنجیرها بر دست و پایشان، کسان کشان می‌روند.

٧٢. ساعتی در آب کبریت جوشان، سپس در آتش گازهای مشتعل شعله‌ور می‌شوند.

٧٣. سپس به آنان گفته می‌شود: کجایند آن خدایان شرک که در عوض خدای جهان عبادت می‌نمودید؟

٧٤. گویند: خدایان خود را گم کردیم بلکه ما پیش از این خدایی را ندیدیم که عبادت نماییم،

با این سرگشتگی و خودباختگی است که خداوند جهان کافران مشرک را گمراه می‌سازد.

٧٥. این عذاب و شکنجه شما از آن رو است که در عرصات زمین به ناحق اظهار شادمانی

جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ^{٧٦} فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَمَا نُزِيتِكَ بَعْضَ الَّذِي نَعَدُهُمْ أَوْ تَتَوَقَّعُكَ فَاإِنَّا يُرْجَعُونَ^{٧٧} وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ^{٧٨} اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوهَا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ^{٧٩} وَ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَ تَلْبَغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَ عَلَيْهَا وَ عَلَى الْفُلْكِ تَحْمَلُونَ^{٨٠} وَ يَرِيكُمْ آيَاتِهِ فَآيَ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ^{٨١} أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَ أَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^{٨٢} فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم

کردید و بدان جهت که با ناز و افاده راه می‌رفتید.

۷۶. اینک به دره‌های دوزخ درآید که جاودانه در آن بمانید. جایگاه متکبران بد جایگاهی است. ۷۷. و تو باید پایداری کنی چرا که وعده خداوند رحمان برحق است. در هر حال تفاوتی نخواهد کرد، چه آن که برخی از تهدیدهای خود را در برابر دیدگانت به مرحله اجرا بگذاریم و یا جان تو را بگیریم و تهدیدهای خود را موقعی به مرحله عمل بگذاریم که تو در میان مردم نباشی. به فرجام، همگان به سوی ما بازگردان می‌شوند.

۷۸. بی‌شک ما پیش از تو رسولانی فرستادیم که رسالت برخی از آنان را برایت روایت کرده‌ایم و زندگی برخی را روایت نکرده‌ایم. هیچ رسولی در برابر آزار و بهانه‌جویی‌های مردم تسلیم نشد و هیچ رسولی را ممکن نبود که نشانه‌ای به عنوان معجز برای مردم بیاورد جز با رخصت خداوند و چون فرمان خدا برای محشر صادر شود به درستی و حقیقت میان مردم داوری خواهد شد. در صحرای محشر است که اهل باطل زیانبار و خاسر می‌شوند.

۷۹. خداوند شما آن خدایی است که دام‌ها را برای شما چنان رام و مسخر کرد تا بتوانید بر پشت برخی مانند اشتر و گاو سوار شوید و از گوشت آنها تناول کنید.

۸۰. و برای شما در شیر و پشم و پوست آنها سودها است و تا بر پشت آنها کجاوه ببندید و چون حجله عروسی داخل کجاوه به کام دل برسید و یا صاحبان دام‌ها با گرفتن اجرت، شما را بر پشت دام‌ها و بر زبر کشتی‌ها سوار نمایند و به مقصد برسانند.

۸۱. این خداست که نشانه‌های خود را به شما ارائه می‌کند پس شما کدامین آیت او را انکار می‌نمایید.

۸۲. آیا در صفحات گیتی سیر و سیاحت نکردند تا فرجام پیشینیان را بنگرند؟ آنان جمعیتی انبوه‌تر و نیرویی قوی‌تر و مزارع و معادن و بوستان‌ها و کاخ‌های بیشتری در اختیار خود داشتند ولی حاصل تلاش و کوشش آنان، عذاب خدا را از وجود آنان برنتابید.

بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ^{۸۳} فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا
بِاللَّهِ وَحَدَّهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ^{۸۴} فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي
قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ^{۸۵}

۸۳. موقعی که رسولان نشان با دلایل روشن به نزد آنان آمدند شادمانه گفتند که ما با داشتن فرهنگ عالی بهترین نظام را در جامعه خود به اجرا نهاده‌ایم و نیازی به طرح و برنامه شما رسولان نداریم. برنامه رسالت را به استهزاء گرفتند و استهزای آنان پایبج جامعه آنان گشت.

۸۴. و چون خشم و صولت ما را بالعیان مشاهده کردند گفتند که ما به خداوند یکتا ایمان آوردیم و به خدایان پیشین خود کافریم.

۸۵. اما بعد از آن که خشم و صولت ما را دیده باشند ایمانشان هرگز نمی‌تواند به حال آنان سودمند باشد. این همان سنت خدایی است که درباره بندگان ما اجرا شده است و با فرود آمدن عذاب آسمانی پرونده آنان را بسته‌اند اینجا است که مردمان کافر زیانبار و خاسر می‌شوند.

فُصِّلَتْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمْدٌ تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۲ كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۳ بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ۴ وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلْنَا مَا نَمَلُونَ ۵ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ ۶ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ ۶ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ۷ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۸ قُلْ أُنْتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۹ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَّ

قرآن عزیز. والاتر از دست اندازی بشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. ح. م.

۲. تنزیل این کتاب از پیشگاه خداوند رحمان و رحیم است.

۳. کتابی است آسمانی که آیات آن فصل به فصل، مشروح و واضح شده است به صورت قرآنی خواندنی به زبان عرب برای آن مردمی که اهل دانش باشند و زبان عرب را بشناسند.

۴. نویدبخش است و اخطار کننده. اما بیشتر این مردم روگردان شدند و به قرآن گوش فرا نمی‌دارند.

۵. می‌گویند که ما به قرآن ایمان نداریم و دل‌های ما از دعوت قرآن در لفافه و پوشش است و گوش‌های ما سنگین است و میان ما و تو دیواری حایل است که از هر جهت ما و تو را از هم جدا کرده است. پس تو به دین خود باش که ما نیز به دین خود هستیم.

۶. بگو: جز این نیست که من نیز مانند شما بشر هستم. با این تفاوت که به سوی من وحی می‌شود که خداوند شما خداوند یکتا است. پس راست و مستقیم به سوی او راه بگیرید و از گذشته‌های خود معذرت و آمرزش بخواهید. اما مشرکان ایمان نمی‌آورند که نماز بخوانند و معذرت بخواهند و وای بر مشرکان!

۷. هم‌آنان که زکات نمی‌پردازند و روز قیامت را باور نمی‌دارند.

۸. کسانی که ایمان آورده‌اند و دست‌آورد شایسته‌ای دارند برای آنان پاداشی بر دوام و بی‌انقطاع است.

۹. بگو: شما به آن خداوندی کافر می‌شوید که زمین را ظرف دو روز آفرید و برای او چند همتا می‌تراشید که نه در آفرینش این زمین شرکت داشته‌اند و نه زمینی دیگر آفریده‌اند؟

مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ ^{١٠} ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ^{١١} فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ^{١٢} فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِّثْلَ صَاعِقَةِ عَادَ وَثُمُودَ ^{١٣} إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَأِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ^{١٤} فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ^{١٥} فَأَرْسَلْنَا

پروردگار جهانیان همان خدایی است که زمین را زیر پای شما آفرید.

۱۰. و کوه‌های سخت و سنگین را در دل زمین جوشانید و از فراز زمین برافراشت تا بستر خاک در زیر پای شما درهم نریزد و در دل خاک برکت نهاد که میوه‌ها و دانه‌ها را بپروراند و خوراکی‌ها را ظرف چهار روز هندسه کرد و پرورانید. چها روز و دو روز، شش روز، پاسخی یکنواخت برای پرسندگان امت‌ها از پیشینیان و آیندگان.

۱۱. بعد از آفرینش زمین پر کشید به سوی آسمان و آسمان ظرف آن دو روز انباشته بود از گاز و دود. پروردگارش به گرد عرش اعظم خود چرخید و به دودها و زمین گفت: با من بیایید خواه و ناخواه که باید شیوه راه رفتن و چرخیدن بیاموزید. زمین نیم‌پرورده و گازهای ناپرورده گفتند: آمدیم با رضایت خاطر از دل و جان.

۱۲. و پس از چرخش وضعی و گردش انتقالی، دودها را به صورت هفت پیکر سحابی مجتمع کرد و پیراست فقط ظرف دو روز. و در هر آسمانی فرمان ویژه آن را ثبت کرد و اشارت فرمود. و ما آسمان نزدیکتر شما را که مریخ باشد با چراغ‌های آسمان دوم که درهم ریخته است مزین کردیم. این چراغ‌های سنگی وسیله‌ای است برای تهدید و درهم کوبیدن کافران و هم برای حصاربندی و نگهبانی سنای بالاتر از نفوذ پریان. هندسه عزتمند دانا چنین است.

۱۳. اگر باتوضیح این دلایل بازهم مشرکان اعراض کردند و خدایان پوشالی خود را تقدیس کردند به آنان بگو: من شما را از سقوط صاعقه‌ای مانند صاعقه عاد و ثمود می‌ترسانم.

۱۴. آن روز که رسولان بر سر راهشان ایستادند و خطاب کردند و یا به دنبالشان راه برگرفتند و ندا کردند که جز خداوند جهان را نپرستید. آنان گفتند: اگر پروردگار ما خواسته بود که رسولی بفرستد فرشته‌ها را به رسالت می‌فرستاد نه شما را که هم‌سنگ مایید. ما به رسالت شما کافر و بی‌اعتقادیم.

۱۵. اما قوم عاد به ناحق در روی زمین خواهان بزرگی و اعتلا بودند و به رسولان

عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنَذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ^{١٦} وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَآخَذْتَهُمْ صَاعِقَةً الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^{١٧} وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ^{١٨} وَيَوْمَ يَحْشُرُ أَعْدَاءَ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ^{١٩} حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاؤُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^{٢٠} وَقَالُوا لَوْلَا دُعِينَا لَهُ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالَُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ^{٢١} وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ^{٢٢} وَذَلِكُمْ

می‌گفتند: کیست که در قدرت و نیرو از ما قویتر باشد و بتواند بر ما چیره و پیروز گردد. آیا نشنیده بودند که ما قوم نوح را چسان با طوفان باران هلاک کردیم و یا فکر نکرده بودند که آن خدای جان‌آفرین که قوم آنان را مقتدر و قوی پنجه آفرید قهراً از آنان قویتر و نیرومندتر خواهد بود؟ قوم عاد با ادعای قدرت و شوکت آیات ما را انکار می‌نمودند.

١٦. و ما به کیفر این طغیان و سرکشی در روزهای نحس و پرغباری چون آتش سرخ‌گون، تندبادی کوه‌شکن با غرشی سهمگین بر سر آنان گسیل کردیم تا عذاب خواری و رسوایی را در همین دنیا به آنان بچشانیم و بی‌شک عذاب آخرت رسواتر از عذاب دنیا خواهد بود و کسی را یار و یاور نخواهند دید.

١٧. و اما قوم ثمود، ما با ارسال رسولان راه بینش و معرفت را به آنان نمودیم ولی آنان کوری و تاریکی را بر بینش و بینایی رجحان نهادند و به کیفر آن ناسپاسی و اغواگری صاعقه عذابی خوارکننده و ذلت‌آور بر سر آنان فروافتاد که دیارشان را زیر و زبر کرد.

١٨. و کسانی که ایمان آورده بودند و در موارد شبهه و احتیاط راه تقوا را از دست نمی‌نهادند همه را با پیامبرشان صالح نجات بخشیدیم.

١٩. و آن روز که دشمنان خدا را از هر طرف به سوی آتش گرد آورند و در پایگاه دوزخ نگه‌دارند.

٢٠. تا چون همگان جمع آیند گوش‌ها و چشم‌ها و پوست‌های آنان با نقشی که دارند در تصویر نامه اعمالشان بر علیه آنان گواهی دهند.

٢١. و آنان اعتراض کنان به پوست‌هایشان گویند: که چرا بر علیه ما گواهی دادید و زبان باز کردید؟ و پوست‌هایشان گویند: آن خدایی که زبان هر موجودی را به گواهی باز می‌کند زبان ما را نیز همو به گواهی باز کرد. او همان خدایی است که اول‌بار برای کلاس زندگی، شما را آفرید و شما به سوی او بازگردان می‌شوید.

٢٢. شما تصور نمی‌کردید که اعمال شما را به تصویر کشند و در ضبط کردار و رفتار و

ظَنُّكُمْ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَأَكُمْ فَاصْبِحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۚ ۲۳ فَإِنْ يَصْبِرُوا فَلَنَارٍ مَثْوَى لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتَبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ ۚ ۲۴ وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدْحَلْتُمْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ۚ ۲۵ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ ۚ ۲۶ فَلَنذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ۚ ۲۷ ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ۚ ۲۸ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذِينَ أُضْلَلْنَا مِنْ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَفْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ ۚ ۲۹ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ

گفتار شما گوش‌ها و چشم‌ها و نقش و خط پوست‌ها بر علیه شما شهادت بدهند و از این‌رو در زاویه خیمه‌ها و زیر سقف‌ها نهان می‌شدید اما چشم و گوش و پوست خود را که بهترین گواهند از خاطر برده بودید. تصور شما بر این بود که اگر در زیر آسمان نباشید که خدای خدایان شما را ببیند و در برابر بت‌های خود نباشید که باید شفاعت شما را بر عهده بگیرند، خداوند جهان از بیشترین گناهان شما بی‌خبر می‌ماند که در نهان مرتکب شده‌اید.

۲۳. همین تصورات واهی شما که دربارهٔ پروردگارتان در سر پرورانده بودید شما را به سقوط کامل کشانید و اینک در این صبح قیامت ورشکسته و خاسر شده‌اید.

۲۴. آنان را هیچ گزیری نیست، اگر صبر و تحمل پیشه سازند آتش دوزخ جایگاه آنها است و اگر به جزع درآیند و التماس نمایند تقاضای آنان را نپذیرند.

۲۵. ما برای این کافران معاند از پریان همدوشانی برانگیختیم که گذشته و آینده آنان را برایشان آراسته و زیبا تصویر نمایند و از پس این همکاری و همدوشی است که نام دوزخی بر آنان درست و صادق می‌آید و در سلك سایر امت‌های ورشکسته وارد می‌شوند که از جن و انس پیش از این کافران درگذشتند و از دوزخیان خاسر بودند.

۲۶. کافران مشرک به مردم خود گفتند که به این قرآن گوش فرا مدارید تا مسحور آن نشوید و در اثنای تلاوت آن به وسیله هر که باشد همه‌مه کنید و سخن بگویید و خلط کنید تا جاذبهٔ قرآن را لغو و بی‌اثر سازید که دیگران هم مسحور آن نشوند باشد که در مبارزهٔ خود پیروز شوید.

۲۷. به حق سوگند که ما عذاب سختی به این کافران می‌چشانیم و به کیفر بدترین گناهانشان بدترین عذاب را بر سر آنان فرو می‌ریزیم.

۲۸. این است برنامهٔ ما که سزای دشمنان خدا آتش سوزان است. برای آنان در دوزخ خانهٔ دائمی سزاوار است. سزائی درخور این جرم که آیات ما را انکار می‌نمودند.

۲۹. کافران خواهند گفت: پروردگارا در این آتش آن دو تن رهبر همدوش و هم‌عنان ما را

اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ^{۳۰}
 نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا
 تَدْعُونَ^{۳۱} نَزَلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ^{۳۲} وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي
 مِنَ الْمُسْلِمِينَ^{۳۳} وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ
 وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ^{۳۴} وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حِظٍّ عَظِيمٍ^{۳۵}
 وَإِنَّمَا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ^{۳۶} وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ
 وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنْتُمْ إِيَّاهُ

از جن و انس که با وسوسه و تزویر خود گمراهان کردند و به این عذاب دائم مبتلا کردند نشانمان ده که آنان را در زیر پای خود لگدکوب سازیم تا در این برزخ از جمله سفلگان باشند.

۳۰. بی شک آن کسانی که گفته‌اند: پروردگار ما همان خداوند جهان است، ایمان آوردند و راه طاعت گرفتند و بعد از آن بر عقیده خود پایداری و استقامت کردند فرشتگان بر آنان گروه‌گروه نازل می‌شوند که از گذشته‌ها بیمی به دل را مدهید و بر آینده خود غمین مباشید. شادمان باشید به آن بهشتی که شما را به آن وعده می‌گرفتند.

۳۱. ما در این دنیا یار و یاور شما هستیم و در آخرت نیز در خدمت شما خواهیم بود. برای شما در آخرت هرچه دلخواهتان باشد مهیا است و هرچه درخواست نمایید خادمان بهشتی به خدمت می‌آورند.

۳۲. پا اندازی به رسم ضیافت از تازه‌واردان. هدیه‌ای از پیشگاه آمرزندهٔ مهربان.

۳۳. کیست که خوش‌سخن‌تر باشد از کسی که مردم را به سوی خدا دعوت کرده باشد و کار شایسته و نیکو انجام داده باشد و بگوید: من همانند سایرین تسلیم فرمانم.

۳۴. سخن خوش با سخن ناخوش برابر نیست و نیکی با بدی برابر نخواهد شد. با سخن خوش، سخن ناخوش را برتاب و با نیکی، شرّ بدی را از ساحت خود دور کن که اگر چنین باشی دشمنان خود را یاور و مشفق خود خواهی ساخت.

۳۵. این نکته را جز مردم باخرد پاس نمی‌دارند و این شیوه را جز مردان صبور و پرتحمل پیش نمی‌گیرند و از این شعار الهی استقبال نمی‌کنند جز مردان خدا که بختی بزرگ دارند.

۳۶. و اگر از سوی شیطان آتشی افروخته شد که تو را بر سر خشم و کین آورد تا از این خط تجاوز کنی و با مخالفان برآشوبی به خداوند رحمان پناه بر که خداوند رحمان دعای تو را می‌شنود و به حال تو دانا است.

تَعْبُدُونَ^{۳۷} فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَأَ يَسْأَمُونَ^{۳۸} وَمِنُ آيَاتِهِ أَنْ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^{۳۹} إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفُونَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^{۴۰} إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّ لَهُمْ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ^{۴۱} لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ^{۴۲} مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَدُوٌّ مَغْفِرٌ وَدُوٌّ عِقَابٍ أَلِيمٌ^{۴۳} وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ

۳۷. از آیات خداوند رحمان است تاریکی شب که استراحت شما را تأمین کند و از آیات او است روشنایی روز که فرصت کار و کوشش را در اختیار شما بگذارد. خورشید که روشنایی و گرمی بر فضای زندگی می‌باشد و ماه که حساب زندگی را نگه می‌دارد هر دو از آیات خداوند رحمانند که به خاطر شما در تلاشند. برای خورشید و ماه به خاک بندگی سر نسایید که حق نعمت را ادا کرده باشید اگر می‌خواهید حق نعمت را ادا کرده باشید باید برای آن خداوندی به خاک بیفتید که خورشید و ماه را آفرید و رحمت خود را بر سر شما گسترد.

۳۸. اگر کافران مشرک از عبادت خداوند رحمان سر بتابند و کبریا ورزند باید این را بدانند که فرشتگان عالی‌رتبه‌ای که در پیشگاه پروردگارت حضور دارند با آن مقام رفیع و بلند خود شب و روز همواره او را تسبیح می‌کنند و ملال نمی‌گیرند.

۳۹. و از آیات خداوند است که می‌بینی توده‌ی خاک چون مرده فرو افتاده و چون آب را از آسمان بر آن فروپاشیم به خود می‌جنبد و پف می‌کند. به یقین همین خداوندی که خاک مرده را جان می‌بخشد مردگان آدمی را جان می‌بخشد. بی‌شک خداوند رحمان بر هر کاری توانا است.

۴۰. آن کسانی که در آیات ما به کج‌روی و کج‌کاری بپردازند از دید ما نهان نمی‌مانند که از عذاب ما برهند. آیا آن کسی که روز قیامت به داخل آتش پرتاب می‌شود حال‌وروز بهتری دارد یا آن کسی که از آتش دوزخ در امان است؟ اینک هر کاری که میل دارید انجام دهید. خداوند جهان به دستاورد شما بینا است.

۴۱. آن کسانی که بعد از شنیدن قرآن کافر شدند و با کج‌روی و کج‌اندیشی آیات ما را خلط کردند و دیگرگون به تلاوت آن پرداختند تا نفوذ قرآن را لغو و بی‌اثر سازند به مقصود خود نایل نشدند. قرآن کتابی است که با عزت خود از دست‌اندازی دشمنان به دور است.

۴۲. لغو و باطل از پیش و پس بدان راهی نمی‌یابد که ارکان آن را بلرزاند. قرآن از پیشگاه خداوندی کاردان و ستوده‌کار در لباس یک کتاب خواندنی تنزیل شده است.

۴۳. از جانب این مردم تهمتی بر تو وارد نمی‌شود جز مانند همان بیهوده‌ها که درباره‌

هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشَفَاءً وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ ٤٤ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَآخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضَيْنَا بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ٤٥ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ٤٦ إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِيَ قَالُوا أَدْنَاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ ٤٧ وَضَلَّ

رسولان پیش از تو می گفته اند. اما همه این مردم عناد و کین ندارند. پروردگارت صاحب مغفرت است و ساده لوحان کم خرد را می آموزد و همو صاحب کیفری دردناک است که معاندان و کینه توزان را عقوبت خواهد نمود.

٤٤. ما این قرآن را به زبان خودشان تنزیل کرده ایم و اگر به زبان عجم نازل کرده بودیم بهانه می آوردند و می گفتند: چرا آیات آن فصل به فصل ترجمه و تبیین نشد که ما هم بفهمیم و بدانیم؟ آیا قرآن عجمی را بر امت عرب نازل کرده اند! بگو: این قرآن برای مردم با ایمان رهنمودی است که از ضلالت و گمراهی برهند و شفایی است برای دل ها که درد جهالت و نادانی را شفا بخشند - خواه عرب باشند و خواه عجم - و آن کسانی که اهل ایمان نباشند در گوش هایشان سرب سنگین ریخته اند که تلاوت آن را نمی شنوند و این قرآن بر کوری آنان می فزاید که تابش آن را نمی بینند؛ این مردم کور و کر شده اند که باید بر سر آنان فریاد کشند چونان که گویا از راه بسیار دوری صلایشان می دهند.

٤٥. ما به موسی هم کتاب آسمانی داده بودیم که امت او درباره آن کتاب اختلاف کردند. و اگر سابقه این سخن از گفته پروردگارت در میان نبود که مردم را تا پایان مرگ مقدرشان مهلت داده ام دآوری در میان آنان به پایان می رسید و با خشم و قهر خدا نابود می گشتند. این مردم به کتاب آسمانی کافر شده اند و از صحت قرآن در تردید و بدگمانی به سر می برند. ٤٦. هر کس عمل شایسته انجام دهد به سود خود اقدام کرده است و هر کس دستاورد ناصوابی ارائه کند بر زیان جان او تمام خواهد گشت. پروردگار تو بندگان را بیش از حد سیه کاری آنان سیاه نخواهد کرد.

٤٧. علم روز قیامت به پیشگاه او حواله می شود. هیچ میوه ای از آستین شکوفه ها بیرون نمی خزد. هیچ ماده ای بار شکم را در دل نمی پذیرد و نه آن را بر زمین می گذارد جز با علم و اطلاع او، و آن روز که مشرکان را فریاد زند: کجایند آن شرکا و همتایان من که آنان را به خدایی گرفته بودید؟ مشرکان پاسخ می دهند که ما خود اعلام کرده ایم که بر وجود این خدایان گواه و ناظر نبودیم و فقط با نام و نشانشان عبادت می کردیم.

عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُوا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ ٤٨ لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ
وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَوْسُقُ قَنُوطٌ ٤٩ وَلَئِنْ أَدْقَاهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتَهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي
وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا
عَمَلُوا وَلَنَذِيقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ٥٠ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ
الشَّرُّ فَدُو دُعَاءِ عَرِيضٍ ٥١ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ
فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ٥٢ سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ

٤٨. آن روز خدایان خود را که قبلاً به خدایی پرستش می کردند از دست می دهند و تصور می کنند که راه چاره بر روی آنان مسدود است.

٤٩. آدمی زاده اگر صاحب خیر و خوشی باشد از درخواست عطای بیشتری ملال نمی گیرد اما اگر رنج و بیماری او را لمس کند ملال می گیرد و با یأس و ناامیدی از هرگونه خیر و خوبی طمع را قطع می نماید.

٥٠. و به حق سوگند که اگر بعد از آن سختی و یأس و ناامیدی جرعه رحمتی در کام او فرو بریزیم می گوید: این حق من بود که مورد رحمت و ملاحظت قرار بگیرم زیرا حق حیات دارم. من تصور نمی کنم که قیامتی بر سرپا گردد و اگر فرضاً قیامتی بر سرپا گردد و من به سوی پروردگارم بازگردان شوم بی شک بیشتر و بهتر از اینها در نزد پروردگارم نعمت و عافیت دارم. این مردم کافر روز قیامت را باور نمی دارند و به حق سوگند که روز قیامت آنان را به دستاورد ناصوابشان و گناهان پنهانشان آگاه می سازم و از عذاب درشت و سهمگین به کام آنان فرو خواهیم ریخت.

٥١. آدمی را شیوه بر این است: هرگاه نعمتی بدو ارزانی بداریم از شکر و سپاس ما روگردان می شود و با ناز و افاده از نماز و عبادت پهلوی می گیرد و چون سختی و رنج به سراغ او برود ساعتها می نشیند و عرض حال خود را با دعاهای عریض و طویل انشاء می نماید.

٥٢. بگو: شما خودتان پاسخ بدهید: اگر این قرآن از پیشگاه خدا باشد که شما به آن کافر شده اید چه کسی گمراهتر از شما خواهد بود که با قرآن بر سر چنگ و ستیز آمده اید و از راه قرآن فاصله می گیرید.

يَكْفُرُ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝٥٣ أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيئَةٍ مِّن لِّقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَّا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ ۝٥٤

۵۳. ما به زودی آیات خود را در آفاق آسمان‌ها و در تاروپود جانشان به آنان ارائه می‌نماییم تا آن حد که برایشان روشن شود که قرآن حق است. آیا وعده خدا حقیقت ندارد؟ و آیا کافی نیست که پروردگارت بر سر هر پدیده‌ای حاضر و گواه است.

۵۴. آگاه باش که این مردم از ملاقات پروردگارشان در شبهه و تردید به سر می‌برند. آگاه باش که پروردگارشان بر هر پدیده‌ای احاطه دارد.

الشورى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم^١ عسق^٢ كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ^٣ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ^٤ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا إِنْ لَمْ يَأْتِ اللَّهُ بِحُكْمٍ فَحَسْبُ الْعَذَابِ^٥ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيفٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ^٦ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ^٧ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يَدْخُلُ مِنْ إِيَّاهُ مِنْ شَاءَ فِي رَحْمَتِهِ وَ

شورى - وحدت، رهبری

بسم الله الرحمن الرحيم

١. ح. م.

٢. ع. س. ق.

٣. به این صورت است که خداوند با عزتِ کاردان به سوی تو و به سوی رسولان پیش از تو اشارت کرده است.

٤. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است ملک اوست نه همسر و فرزند و یا شریک خداوند، او والا و بزرگ است.

٥. آسمانها می‌روند که از فراز خود منفجر گردند و هرچه هست و نیست از سطح فرو بریزند و فرشتگان پروردگار خود را ستایش کنان تسبیح می‌گویند و برای ساکنان زمین بخشایش می‌طلبند که خشم خدا را از زمینیان بگردانند. بدانید و بدانند که خداوند رحمان آمرزنده و مهربان است.

٦. و آن مشرکان که در عوض خداوند رحمان خدایانی برای خود اتخاذ کردند تا یاورشان باشند، خداوند رحمان بر سر آنان نگهبان است. تو مأمور رسالتی که پیام خدا را اخطار کنی، تو مأمور و موکل نیستی که بر سر آنان نگهبان بمانی تا ایمان بیاورند.

٧. ما به همین صورت قرآنی به زبان عرب به سوی تو وحی کردیم تا عاصمه آبادی‌ها را با هر آن که اطراف عاصمه باشد انذار و اخطار کنی و رستخیز عمومی را که در آن شکی نیست به اطلاع مردم برسانی که گروهی به بهشت برین می‌روند و گروهی به آتشگاه فروزان.

الظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ^۸ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^۹ وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ^{۱۰} فَاطْرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ^{۱۱} لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ^{۱۲} شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ^{۱۳} وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى

۸. خداوند رحمان خواسته بود که مردم را بپازماید و نیک و بد را جدا سازد و اگر خواسته بود مردمان را همگان بر راه هدایت مجتمع و متحد می‌ساخت تا یکپارچه با خدا باشند و اطاعت کنند اما اینک که آزمون برقرار است هر که را بخواهد در رحمت و رضوان خود جای می‌دهد و سیه‌کاران که از رحمت او بی‌نصیبند حامی و مدافع ندارند.

۹. آیا شفیعیانی برای خود اتخاذ کرده‌اند که از شفاعت آنان اطمینان خاطر دارند؟ و یا خدایانی غیر از خداوند جهان اتخاذ کرده‌اند تا کارساز و مدافع آنان باشند؟ اما باید بدانند که تنها کارساز جهان خداوند است و او است که مردگان را به روز قیامت زنده می‌سازد و او بر هر کاری توانا است.

۱۰. شما در هر چیزی که اختلاف کرده باشید داوری آن با خداوند جهان است. این است خداوند جهان که پروردگار من است. من بر او توکل کرده‌ام و از هر جا به سوی او بازمی‌گردم.

۱۱. آن خدایی که شکافنده آسمان‌ها و زمین است. برای شما از بشر هم‌جانتان جفت و همسر آفرید و از دام‌ها نیز جفت‌هایی که نطفه‌ها و ژن‌های وجودتان را در گوشت و خون آنها پرورید تا خصائل آنها را از راه ژن‌ها به نسل شما منتقل سازد. همانندی برای ذات مقدسش نیست و همو به درخواست شما شنواست و به حال و روز شما بیناست.

۱۲. کلید آسمان‌ها و زمین در اختیار او است. روزی خود را برای هر کسی که بخواهد گسترده می‌سازد و برای هر کسی که بخواهد محدود می‌کند. خداوند جهان به هر پدیده‌ای داناست.

۱۳. آنچه از فرمان رسالت به اولین پیامبر خود نوح توصیه کردیم و آنچه را در آخرین برنامه رسالت به سوی تو وحی کردیم و آنچه را به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه کردیم برای شما مؤمنان، شریعت دینی ساخته‌ایم که همچون انبیاء اولی العزم دین خدا را

أَجَلٍ مُّسَمًّى لِّقَضِي بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مِرْيَبٌ ١٤
 فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ
 لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبَّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا
 وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ١٥ وَالَّذِينَ يَحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ
 وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ١٦ اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ

بریا بدارید و راه خود را از هم جدا مسازید، دعوت توحید بر مردمان مشرک سخت و ناگوار
 است. خداوند رحمان هر که را بخواهد از قیدوبند مشکلات می‌رهاند و به سوی خود جذب
 می‌کند و هر که را آهنگ توبه و آشتی دارد به سوی خود رهنمون می‌سازد.

١٤. با وجود این فرمان رسالت و با وجود آن توصیه و این شریعت مع‌الأسف امت‌ها بعد از
 رسولان‌شان راه تفرقه و اختلاف را باز کردند و هرگز راه اختلاف را باز نکردند مگر در اثر
 خودخواهی و جاه‌طلبی، آن‌هم بعد از علم و دانش واقعی، که به آنان واصل شده بود. و اگر
 وعده پیشین پروردگارت در میان نبود که مردم را تا پایان عمر مقدر خود مهلت می‌دهد
 میان فرقه‌های امت داوری می‌شد و همگان جز جمع معدودی اهل حق برجا نمی‌ماند. به
 یقین کسانی که بعد از رسولان ما کتاب آسمانی را به ارث گرفتند در همان کتاب آسمانی
 با دیده شک و تهمت نگریسته‌اند.

١٥. پس تو به خاطر اجرای همین فرمان همه امت‌ها را دعوت کن تا راه خلاف را
 وایگذارند و به آخرین کتاب آسمانی که می‌تواند اختلافاتشان را حل و فصل کند ایمان
 بیاورند. در این راه استقامت کن استقامتی با عزیمت، آن‌سان که فرمان یافته‌ای و از آراء
 پراختلاف آنان پیروی مکن و اگر کتاب‌های آسمانی پیشین را به عنوان سند ارائه کردند
 بگو: من به همه کتاب‌های آسمانی ایمان دارم ولی مأموریت دارم که عدالت قرآن را میان
 شما برقرار سازم خداوند رحمان هم پروردگار من است و هم پروردگار شما. دستاورد ما از
 آن ماست و دستاورد شما از آن شما، حجت دیگری نیست که میان من و شما حاکم شود.
 خداوند رحمان در قیامت ما و شما را در صحرای محشر مجتمع می‌سازد، همگان به سوی
 او می‌شوند.

١٦. و آن کسانی که درباره خدا بحث و جدل دارند و سابقه طولانی شرک را دلیل حقانیت
 خود می‌شناسند. بعد از آن که توحید خدا مورد اعتراف و اجابت امت‌ها قرار گرفته و اکثر
 مردم از عقاید دیرین خود بازگشته‌اند دلیل و حجت مشرکان نزد پروردگارشان پست و
 پامال است از این‌رو خشم خدا بر سر آنان فرود آمده است و برای آنان عذاب سختی مهیا
 است.

السَّاعَةَ قَرِيبٌ^{١٧} يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا
 الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يَمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ^{١٨} اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ
 وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ^{١٩} مَنْ كَانَ يَرْيِدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يَرْيِدُ حَرْثَ الدُّنْيَا
 نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ^{٢٠} أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنَ
 بِهِ اللَّهُ وَلَوْ أَلَّا كَلِمَةَ الْفَصْلِ لَفُضِّي بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^{٢١} تَرَى الظَّالِمِينَ
 مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُمْ وَقَعُ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ
 مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ^{٢٢} ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا

١٧. خداوند جهان خدایی است که فرمان قرآن را به درستی و برحق نازل کرد و برای اجرای عدالت میزانی مقرر فرمود که طاعت و عصیان بندگان را با آن بسنجد و پاداش و کیفر دهد. می‌گویند: پس این قیامت کی برپا می‌شود و پاداش و کیفر چه زمانی داده خواهد شد؟ اما کدام رمز است که تو را از تاریخ قیامت باخبر سازد که بگویی شاید ساعت انقراض شما نزدیک باشد.

١٨. این کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند در آمدن قیامت شتاب می‌ورزند و آن کسانی که ایمان آورده‌اند از هنگامه قیامت نگرانند و می‌دانند که رستخیز عمومی برحق است. این را بدانید و بدانند، کسانی که در رستخیز عمومی شبهه و تردید دارند از راه حق بدور افتاده‌اند.

١٩. خداوند رحمان به بندگان خود لطف می‌ورزد و هر که را بخواهد روزی عنایت می‌کند. خداوند رحمان نیرومند و باعزت است.

٢٠. هر کسی در کشتزار جهان برای آخرت خود بذر بیفشاند بازدهی کشت او را افزون می‌سازیم و هر کس برای زندگی دنیا بذرافشانی کند از نعمت دنیا به او می‌دهیم اما در آخرت برای او بهره‌ای نخواهد بود.

٢١. آیا از خداوند رحمان اجازه دین‌سازی گرفته‌اند که با خرد خام و فلسفه پوشالی خود دین شرک را ساخته و پرداخته‌اند و یا آن خداوندانی که شریک خدا می‌شناسند بی‌اجازه خداوند رحمان برایشان فلسفه شرک را تفسیر و توجیه کرده‌اند؟ اگر وعده خدایی نبود که باید داوری به قیامت محول گردد در همین دنیا میان مشرکان و مؤمنان داوری می‌شد و کیفر سیه‌کاری آنان داده می‌شد ولی داوری به قیامت محول شده است و در قیامت برای این سیه‌کاران عذاب دردناکی مهیا است.

٢٢. در آن روز که داوری برقرار گردد سیه‌کاران را خواهی دید که از حاصل کردار خود نگرانند و آن کیفری که بایسته و شایسته آنان باشد بر سرشان فرود می‌آید. و کسانی که

وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ٣٣ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِن يَشَاءَ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ٣٤ وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ٣٥ وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ٣٦ وَ لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِن يَنْزِلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ٣٧ وَهُوَ الَّذِي يَنْزِلُ الْعَيْثُ مِنَ

ایمان آورده‌اند و برای آخرت خود دستاورد شایسته‌ای دارند در بوستان بهشتی جای دارند. برای آنان در پیشگاه پروردگارش هر چه بخواهند مهیا است. این همان فضل بزرگ است که از مازاد رحمت خدا برخوردار باشند.

٢٣. این همان پاداشی است که خداوند رحمان به آن دسته از بندگان خود بشارت می‌دهد که ایمان آورده‌اند و دستاورد شایسته دارند. بگو: من بر این رهنمود و هدایت و بر این نوید و بشارت مزدی نمی‌جویم جز وداد و محبت شما دربارهٔ نزدیکانم و هر کس بر این مودت هدیه‌ای بیفزاید ما نیز بر پاداش او می‌افزاییم و به دوستی و محبت او بهای بیشتری می‌دهیم. بی‌شک خداوند رحمان بخشندهٔ گناه است و سپاسگزار مرحمت و بدین‌خاطر که شرط وداد و محبت را بجا آورده‌اید گناهان شما را می‌آمرزد و هدایای شما را سپاس می‌نهد.

٢٤. آیا مردم رضا نمی‌دهند که محبت خاندانت را در دل بگیرند؟ یا آن که می‌گویند: با این شرط وداد بر خداوند رحمان دروغ بسته است؟ مردم باید این را بدانند که اگر تو بر خداوند جهان دروغ بینی گرچه عمدی نباشد خدا هرگز دروغ تو را تحمل نخواهد کرد، اگر بخواهد بر دلت مهر می‌نهد که از تلاوت خود بازمانی و اگر نخواهد که بر دلت مهر نهد بعد از تلاوت اشتباهات تو را از صفحهٔ دل‌ها پاک می‌کند و با نزول چند آیت دیگر سخن درست را به کرسی می‌نشانند و حقیقت را تثبیت می‌نماید. خداوند جهان به راز دل‌ها آگاه است.

٢٥. و اوست که توبهٔ بندگان را می‌پذیرد و از بدی‌هایشان درمی‌گذرد. او از کردار شما مردم باخبر است.

٢٦. و دعای مؤمنان را که اعمال شایسته بجا آورده‌اند اجابت می‌کند و از فضل خود بر خواسته‌های آنان می‌افزاید. و اما کافران، برای کافران عذاب سختی مهیا است.

٢٧. خداوند رحمان روزی بندگان را بر اساس اقتصاد سالم تقسیم می‌کند و اگر روزی خود را برای بندگان خود گسترده می‌ساخت مانند نابکاران در پهنهٔ زمین به خودخواهی و

بَعْدَ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ^{۲۸} وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ^{۲۹} وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ^{۳۰} وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ^{۳۱} وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ^{۳۲} إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ^{۳۳} أَوْ يُوقِعْهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ^{۳۴}

سودجویی می‌پرداختند ولی خداوند رحمان روزی مؤمنان را به میزانی که می‌خواهد برای آنان نازل می‌کند که راه طغیان بر روی آنان مسدود بماند. خداوند رحمان به حال بندگان خود آگاه و بینا است.

۲۸. و همو است که باران نرم را از آسمان فرومی‌بارد بعد از آن که تشنه‌کامان مأیوس شده باشند. با این باران رحمت است که روزی مردم را بر پهنه گیتی می‌پرورد. او کارسازی ستوده‌کردار است.

۲۹. و از آیات خداوند رحمان آفرینش آسمان‌ها و زمین است با آفرینش جاندارانی که در آسمان‌ها و زمین پراکنده است و مأوی داده است. او بر گردآوری و حشر عمومی آنان - هرگاه که بخواهد - توانا است.

۳۰. هر مصیبتی که بر شما وارد شود به کیفر آن گناهی است که با دست خود بیار آورده‌اید. خداوند رحمان از بیشتر گناهان شما درمی‌گذرد و گناهی در حداقل را کیفر می‌دهد و گرنه مصیبت‌ها خانمان شما را برباد می‌داد.

۳۱. شما در عرصه زندگی از چنگ ما راه‌گریز ندارید و هرچند راه مصیبت‌ها را بر خود بیندید مصیبت دیگری به سراغ شما می‌فرستیم. برای شما جز خداوند جهان کارسازی و نه یآوری وجود ندارد.

۳۲. و از آیات خداوند رحمان جریان کشتی‌ها است در پهنه دریا که مانند کوه‌پاره‌ها روانند. ۳۳. اگر خدا بخواهد باد تند را آرام می‌سازد و کشتی‌ها بر روی دریا متوقف می‌شوند. در وزش این بادهای و شناخت مسیر آنها نشانه‌های ربوبی روشن و آشکار است برای هرکسی که در شدايد دریانوردی صبور و شکيبا بماند و نعمت‌های دریا و دریانوردی را شاکر و سپاسگزار باشد.

۳۴. و اگر بخواهد بادهای پرعاصقه طوفان‌زا برمی‌انگیزد تا امواج کوه‌پیکر برخیزد و کشتی‌ها را درهم شکند و یا واژگون سازد و راکبان کشتی را به جرم گناهانشان به دریا بریزد. اما خداوند رحمان از بیشتر گناهان مردم چشم می‌پوشد و گرنه کشتی‌ها به ساحل نمی‌رسیدند.

وَيَعْلَمُ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَّحِيصٍ^{٣٥} فَمَا أُوتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ^{٣٦} وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ^{٣٧} وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ^{٣٨} وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ^{٣٩} وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ^{٤٠} وَلَمَنْ آتَتْهُ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ^{٤١} إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي

٣٥. و آن مشرکانی که در آیات و نشانه‌های ما جدل می‌ورزند بدانند که هیچ‌کس از عذاب خدا نخواهد رست.

٣٦. شما باید بدانید که نعمت دنیا برای کامیابی زندگی نیست و گرنه با مصائب جانی و مالی همراه نمی‌شد. از این رو هر نعمتی را که به دست آورید به عنوان متاع دنیا به حساب آورید که برای زندگی موقت و توشهٔ معیشت در اختیار شما قرار می‌گیرد و آن نعمتی که در پیشگاه خداوند رحمان برای زندگی آخرت منظور شده است بهتر و پایاتر از نعمت دنیا است و تنها در اختیار کسانی قرار خواهد گرفت که ایمان آورده‌اند و بر پروردگار خود توکل می‌نمایند.

٣٧. آن کسانی که از زورگویی‌های بزرگ و گناهان رسوا پرهیز می‌کنند و چون بر کسی خشم آورند از کيفر او می‌گذرند.

٣٨. آن کسانی که دعوت پروردگار خود را اجابت می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و کارهای اجتماعی آنان به صورت شوری اجرا می‌شود و از سهم روزی خود در راه خدا بر مستمندان انفاق می‌نمایند.

٣٩. آن کسانی که چون مورد بغی و ستم قرار بگیرند برای انتقام از متجاوز به یاری هم می‌شتابند.

٤٠. هر کس درصدد انتقام باشد باید بداند که سزای يك بدی همانند آن يك بدی بیش نخواهد بود و کسی در انتقام و عقوبت نمی‌تواند از این قانون تجاوز نماید. پس اگر کسی درصدد انتقام نیاید و میانهٔ خود را با متجاوز با طرح صفا و سازش اصلاح کند پاداش این عفو و گذشت او برعهدهٔ خدا خواهد بود. این را هم باید بدانند که خداوند رحمان سیه‌کاران را دوست نمی‌دارد، خواه با بغی و خودخواهی حق دیگران را پامال نمایند و یا به هنگام انتقام از حدقانونی خود تجاوز نمایند.

٤١. و هر کس بعد از تجاوز دشمن که حق او را سیه کرده است انتقام بگیرد هیچ‌کس حق اعتراض ندارد که چرا حق قانونی خود را به مرحلهٔ اجرا نهاده است.

الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أَوْلَتْكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^{٤٢} وَ لَمَنْ صَبَرَ وَ غَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ^{٤٣} وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَليٍّ مِّنْ بَعْدِهِ وَ تَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّنْ سَبِيلٍ^{٤٤} وَ تَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ^{٤٥} وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ^{٤٦} اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِّنْ مَّلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِّنْ نَّكِيرٍ^{٤٧} فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِلَّا أَلَّا الْبَلَاغَ وَإِنَّا إِذَا

٤٢. راه اعتراض تنها بر علیه کسانی باز است که حق مردم را سیاه می کنند و به ناحق در عرصه گیتی می چرخند و هر چه بیابند برای خود می خواهند. اینها هستند که برایشان عذاب دردناکی مهیا است.

٤٣. و هر کس شکیبائی پیشه کند و از حق انتقام بگذرد کاری مثبت و مذهبی انجام داده است، بی شک شکیبایی بر مصیبت همراه با گذشت و مغفرت از کارهای مثبت انسانی است.

٤٤. خداوند رحمان هر که را بخواهد به راه درست رهنمون می گردد و هر که را به بیراهه روان سازد بعد از خداوند رحمان کسی کارساز او نخواهد شد که راه درست را به او بنمایاند و در آن صورت خواهی دید که این سیه کاران - موقعی که عذاب الهی را بنگرند - می گویند: آیا برای رجعت ما به دنیا راهی وجود دارد که باز هم به کلاس آزمون بازگردیم و سیه کاری خود را اصلاح کنیم.

٤٥. و خواهی دید که سوار کوه پاره های زمین گرد زهره می چرخند و بر آتش سوزان عرضه می شوند تا کی بدرون آن افکنده شوند در آن حال یال و کوپالشان از خواری و ذلت فرو افتاده مخفیانه جوانب خود را می نگرند و آن روز مؤمنان می گویند: زیانباران و ورشکستگان همین کسانی هستند که جان خود را و جان خاندان خود را در سیه کاری دنیا از کف دادند. همگان بدانید و بدانند که سیه کاران در عذاب پابرجا و دائم جای دارند.

٤٦. در آن روز دوستانی نمی یابند که در شدائد و سختی ها به یاری آنان بشتابند جز آن که خدا را به یاری خود بخوانند. اینان در زندگی دنیا گمراه شدند و هر کس را که خداوند جهان گمراه کند راهی به سوی حق پیدا نخواهد کرد.

٤٧. ای مردم! دعوت پروردگارتان را اجابت کنید پیش از آن که روزی فرارسد که با تقدیر خدا از نیمه راه انصراف نگیرد و باز پس نرود. آن روز پناهی برای شما وجود ندارد و شما را یارای ایراد و تعرض نیست.

أَدَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ^{٤٨}
لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنِثَاءً وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ^{٤٩}
أَوْ يَزْوِجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنثَاءً وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ^{٥٠} وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ
اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِن وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ^{٥١}
وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا
نَهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ^{٥٢} صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي
السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ^{٥٣}

٤٨. اگر مردم دعوت ما را اجابت نکردند. بر تو ناگوار نیاید ما تو را نفرستادیم که بر سر
آنان به نگرهبانی بایستی تا ایمان بیاورند و دعوت ما را اجابت نمایند تکلیف تو جز ابلاغ
پیام ما چیز دیگر نیست و ما مردمان را بهتر می‌شناسیم، موقعی که از جانب خود رحمتی
به انسان بچشانیم شادمان می‌شود و اگر حادثه شومی به سراغ آنان بیاید که آن‌هم به
خاطر گناهان پیشین آنان خواهد بود از ناسپاسی همه نعمت‌ها را فراموش می‌کنند و
کفران می‌نمایند. آدمی زاده بس ناسپاس و ناشکر است.

٤٩. پادشاهی آسمان‌ها و زمین با خداوند رحمان است. هرچه بخواهد می‌آفریند، به
هرکس بخواهد دختر می‌دهد و به هرکس بخواهد پسر عطا می‌کند.

٥٠. و یا جفت می‌سازد برایشان پسران و دختران را با هم و هرکس را که بخواهد عقیم و
بی‌فرزند می‌گذارد. خداوند جهان دانا و توانا است.

٥١. هیچ‌یک از افراد بشر لیاقت آن را ندارد که خداوند جهان با او سخن بگوید جز با
اشارت یا از پس پرده یا رسولی از فرشتگان بفرستد تا آن فرشته با اجازه پروردگارش به
آن بشر آنچه بخواهد اشارت کند. خداوند رحمان والا و کاردان است.

٥٢. به همین صورت ما به موجی از فرمان خود اشارت کردیم تا به سویت فراز آید و پیام
قرآن را با تو در میان بگذارد. پیش از این موج تو در آن حد نبودی که بدانی کتاب و قرآن
چیست و ایمان به قرآن کدام است. ولی ما قرآن را پرتوی ساخته‌ایم تا هرکس از بندگان
خود را که بخواهیم رهنمون سازیم و تو نیز در پرتو همین قرآن بندگان مرا به راه راست و
هموار رهنمون خواهی بود.

٥٣. راه خداوندی که هرچه در آسمان‌ها و هرچه در زمین است مال اوست. بدانید و بدانند
که کارها به سوی خداوند جهان حواله می‌شوند و به دست او فرجام می‌پذیرند.

الزخرف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم^١ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ^٢ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ^٣ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ^٤ أَمْ فَتَضْرِبُ عَنْكَ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ^٥ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ^٦ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ^٧ فَاهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَ مَضَى مَثَلُ الْأَوَّلِينَ^٨ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ^٩ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ جَعَلَ لَكُمُ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ^{١٠} وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

زخرف ، سفال زرین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. ح. م.

٢. سوگند به کتاب روشنگر.

٣. که ما این کتاب را به صورت قرآنی درآوردیم به زبان عرب که ریشه‌ای متین و استوار دارد، باشد که شما بیندیشید.

٤. این قرآن در لوحه کتاب تکوین که نزد ما محفوظ است والا و کاردان است.

٥. آیا تصور می‌کنید که یادواره قرآن را از شما دریغ می‌داریم بدین خاطر که در استهزا و تمسخر قرآن از حد تجاوز کرده‌اید؟

٦. ما برای امت‌های پیشین چه پیامبران بسیاری فرستادیم.

٧. هیچ پیامبری امت خود را دعوت نکرد جز آن که او را به استهزا گرفتند.

٨. در اثر مسخره و استهزا ما امت‌هایی را هلاک و نابود کرده‌ایم که از این کافران به مراتب قوی‌تر بوده‌اند و همواره بر امت بعدی آن گذشت که بر امت‌های پیشین گذشت.

٩. به خدا سوگند که اگر از همین کافران مشرک پرسی آسمان‌ها و زمین را چه کسی آفریده است؟ بی‌تأمل می‌گویند که آسمان‌ها و زمین را خداوندی آفرید که عزتمند و دانا است.

١٠. این خدای عزتمند و دانا که خالق آسمان‌ها و زمین است همان پروردگار شما است که زمین را بستر و آرامگاه شما ساخته است و در آن زمین دره‌ها به صورت جاده آراست، باشد که راه خود را بیابید و مسیر خود را بشناسید.

بِقَدْرِ فَانْشَرْنَا بِهِ بَلَدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ^{١١} وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ
الْفَلَكَ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ^{١٢} لَتَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَ
تَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ^{١٣} وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ^{١٤} وَجَعَلُوا لَهُ
مِن عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ^{١٥} أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ^{١٦} وَ
إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ^{١٧} أَوْ مَن يَنْشَأُ فِي
الْحُلِيِّةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ^{١٨} وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاتًا أَشْهَدُوا
خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيَسْأَلُونَ^{١٩} وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِّنْ

١١. همان پروردگاری که از آسمان آب را به اندازه لازم فرود آورد و ما فرشتگان به وسیله آن آب باران سرزمین مرده را زنده کردیم و گیاهش را از دل خاک برآوردیم. شما مردم نیز روز قیامت به همین کیفیت از دل خاک برون می‌شوید.

١٢. همان پروردگاری که جفت‌ها را آفرید همه جفت‌ها را، و برای شما از کشتی‌ها و دام‌ها مرکب سواری آفرید.

١٣. تا بر پشت آنها سوار شوید و به شکرانه این نعمت بگویید: منزّه است آن‌خدایی که این مرکب را برای ما رام کرد و ما خود توان آن را نداشتیم که او را مهار کنیم و رام خود سازیم.

١٤. ما همگان به هر جا قدم بگذاریم و در هر جا زندگی کنیم و بمیریم به فرجام به سوی پروردگار خود باز می‌شویم.

١٥. مشرکان برای خداوند رحمان از بندگانش جزئی به نام لقاح قدسی برقرار کردند که بعد از مرگ طبیعی باید به ذات خدا بازگردد. این سخن کفر است. آدمی‌زاده با ناسپاسی، کفر خود را علنی کرده است.

١٦. آیا خداوند جهان برای خود زن و فرزندی چون مریم و مسیح اتخاذ کرده است و یا از آفریدگان خود دختران را برای خود گزین فرمود تا در مهرورزی دستیار او باشند و پسران را صافی و خالص به شما بخشید تا در جنگ و غارت یار شما باشند؟

١٧. و چون یکی از مشرکان به میلاد دختری بشارت یابد که باید او را چون مریم عذرا احترام کند و به خدای رحمان نسبت دهد چهره‌اش از خشم و نفرت کبود می‌شود اما خویشتن‌داری می‌کند که خشم خود را در گلو خفه سازد.

١٨. آیا این دختری که در زر و زیور می‌بالد و به هنگام دادخواهی نمی‌تواند عقده دل را بگشاید، می‌شاید که فرزند خدا باشد اما نمی‌شاید که فرزند آدمی باشد؟

١٩. فرشتگان را که بندگان خدای رحمانند زن می‌شمارند. آیا آفرینش آنان را شاهد

عَلِمَ إِن هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ۲۰ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ۲۱ بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ ۲۲ وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ ۲۳ قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ۲۴ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ۲۵ وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ ۲۶ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ۲۷ وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۲۸ بَلْ مَتَّعْتُ

- بوده‌اند؟ این گواهی دروغ آنان به زودی ثبت می‌شود و روز قیامت بازپرسی دارند.
۲۰. گفته‌اند که اگر خداوند رحمان خواسته بود ما خدایان شرک را پرستش نمی‌کردیم. اینان از کاربرد مشیت الهی چیزی نمی‌دانند. فقط با خرد خام خود، حدس و گمان می‌پرورند.
۲۱. آیا با منطق و برهان دریافته‌اند که خدایانشان رتبه‌ خداوندی دارند و یا آن‌که قبل از قرآن کتابی تقدیمشان کرده‌ایم که خدایان شرک را به آنان معرفی کرده‌ایم و اینان به همان کتاب پیشین تمسک دارند؟
۲۲. نه. بلکه شعار پدران خود را تکرار کرده و می‌کنند که ما اجداد خود را بر سنت چندخدایی یافته‌ایم و بر اثر آنان راه خود را از دست نمی‌دهیم.
۲۳. به همین مثابه که گفتیم: ما پیش از تو اخطارکننده‌ای در میان امت‌ها نفرستادیم جز آن‌که نازپروردگانشان گفتند: ما پدران خود را بر این سنت عالی یافته‌ایم و بر اثر آنان به راه تعالی ادامه می‌دهیم.
۲۴. و رسولان ما به آنان گفتند: گرچه ما سنتی را به شما ارائه نمائیم که رهیاب‌تر و عالی‌تر باشد از این سنتی که پدران شما برجا نهاده‌اند؟ و مردم گفتند: ما به این سنت آسمانی که شما آورده‌اید کافر و ناباوریم.
۲۵. با این کفران و ناسپاسی بود که ما از آنان انتقام گرفتیم. بنگر که فرجام تکذیب‌کنندگان رسالت به کجا انجامید؟
۲۶. خاطر نشان کن آن‌روز را که ابراهیم با پدرش و مردم هم‌تبارش گفت: من از همه این خدایانی که شما می‌پرستید بیزارم.
۲۷. جز آن‌خدایی که اولین هسته‌ جان مرا شکافت و همو در مسیر هجرت مرا رهبری خواهد کرد.
۲۸. خداوند رحمان ابراهیم را در مسیر فلسطین رهبری کرد و بعد از دو آزمون دیگر او را به مقام رسالت برکشید و شعار برائت از شرک را به صورت یک تشریف قاطع در نسل او

هُؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ ۚ ۲۹ وَ لَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ ۚ ۳۰ وَ قَالُوا لَوْ لَا نَزَّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرِيبِينَ عَظِيمٍ ۚ ۳۱ أ هُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَ رَحِمْتَ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ۚ ۳۲ وَ لَوْ لَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِّنْ فِضَّةٍ وَ مَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ ۚ ۳۳ وَ لِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَ سُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكُونَ ۚ ۳۴ وَ زَخْرَفًا ۚ ۳۵ وَ لَمَّا مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ عِنْدَ رَبِّكَ لِّلْمُتَّقِينَ ۚ ۳۵ وَ مَن يَعِشْ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ

به ارث نهاده، باشد که خاندان او شکر این موهبت بگزارند و به راه خدا بازآیند.

۲۹. برائت از شرك در نسل اسحاق برقرار ماند ولی در نسل اسماعیل فراموش شد و من ذریه او را به حرمت حرم و دعای ابراهیم هلاک و نابود نکردم بلکه این نسل موجود را که می بینید با پدرانشان از نعمت و آسایش بهره مند نمودم تا امروز که فرمان حق به آنان رسید و رسول ما آشکارکننده حق برای دعوت آنان آمده است.

۳۰. و چون سخن حق به آنان بازگو شد گفتند: این سخن سحر است و ما به قرآن تو کافریم.

۳۱. و گفتند: «اگر قرآن از جانب خدا می بود چرا بر مردی از بزرگان مکه و یا بزرگان طائف نازل نشد تا در سایه بزرگی و ریاست خود بتواند قرآن را رواج دهد».

۳۲. آیا این مردمند که می خواهند رحمت پروردگارت را میان خود تقسیم کنند؟ گذران زندگی آنان را هم ما خودمان میان آنان تقسیم کرده ایم و بدین جهت برخی را با یک درجه و یا چند درجه مافوق دیگران قرار داده ایم تا یکدیگر را به کار بگیرند و استخدام کنند و اقتصاد سالم بی سرنیزه بر سرپا بماند و آزمون بندگان با فقر و غنا راه بندگی را بازر تر سازد. با وجود این، رحمت پروردگارت که با تعلیم و تربیت، سلامت جامعه را تضمین کند بهتر از زراندوزی حریصان می تواند اقتصاد سالم و پایا را تأمین نماید.

۳۳. و اگر نه آن بود که مردم ناشکیب حریص همه بر یک سنت و یک روش راه زراندوزی و دنیاپرستی را بیویند ما برای هر امتی که به خداوند رحمان کافر شود نعمت دنیا را چنان وافر و موفور می نمودیم که برای خانه هایشان با شمش نقره سقفها برآرند و بیاریند و از نقره پله ها برآرند و بر بامها برآیند.

۳۴. و برای خانه هایشان درها و تختها بسازند و بر تختها تکیه دهند.

۳۵. با زرق و برق های دیگر که اینجا و آنجا بر در و دیوار بیابینند. و همه اینها و آنچه از این نمونه باشد توشه دنیا را نشان می دهد و زندگی آخرت در پیشگاه پروردگارت برای

قَرِينٌ ۳۶ وَ إِنَّهُمْ لَيُصِدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ۳۷ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ ۳۸ وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذ ظَلَمْتُمْ أَنْتُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ۳۹ أَلَمْ تَسْمِعُوا الصَّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمَىٰ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۴۰ فَمَا نَذْهَبُ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ ۴۱ أَوْ نُرِيكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ ۴۲ فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۴۳ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَ لِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ ۴۴ وَ سَأَلْنَا مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَلْجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً

پرهیزکاران برقرار و پایا است.

۳۶. و هرکسی چون کوران از یاد خداوند رحمان چشم بپوشد برای او شیطانی می‌گماریم که با او همدم شود.

۳۷. شیطان‌ها یاران همدم خود را وسوسه می‌کنند و از راه درست بازشان می‌دارند و مردم کافر تصور می‌کنند که با این خیال‌بافی‌ها و فلسفه‌بافی‌ها راه درست را پیدا کرده‌اند.

۳۸. آن کسی که با شیطان قرین و همدم شود همواره در سایه القانات شیطان اغوا می‌شود و به راه خود ادامه می‌دهد تا آن روز که در محضر ما بپا خیزد با شیطان همدم خود گوید: ای کاش میان من و تو از کره زمین تا کره مریخ فاصله برقرار می‌ماند و با تو همدم نمی‌گشتم. پس شیطان، همدم شومی است.

۳۹. شما از آن رو که در سیه‌کاری، تشریک مساعی کرده‌اید در عذاب دوزخ با هم شریک و همدم می‌شوید و این شرکت در عذاب و امکان همدردی و همیاری، مرهمی بر زخم شما نخواهد بود.

۴۰. این مردم مشرک از دیدن آیات و نشانه‌های خدایی کورند و از شنیدن قرآن ناشنویند. آیا می‌توانی فریادت را به گوش کران برسانی و یا راه درست را به کوران نشان بدهی و یا کسانی را به راه درست هدایت کنی که عمداً و آشکارا در راه نادرست سفر می‌کنند.

۴۱. نام دوزخی بر پیشانی اینان نقشی واضح دارد و باید معدوم شوند. پس اگر ما بخواهیم تو را از میان مردم به جوار خود دعوت کنیم بی‌شک بعد از تو از آنان انتقام ناسپاسی را خواهیم گرفت.

۴۲. و اگر تو را در میان مردم زنده بداریم و بخواهیم که شکست موعودشان را نشانت بدهیم. معلوم است که ما بر سر آنان صاحب‌اقتداریم.

۴۳. اینک تو به قرآنی که بر تو وحی شد چنگ بزنی و بدان که تو بر راه درست می‌روی.

۴۴. بی‌شک این قرآن یادواره‌ای است برای تو و برای مردم هم‌تبارت که مسئولیت شما را قطعی می‌سازد. به زودی شما همگان بازپرسی می‌شوید.

يَعْبُدُونَ^{٤٥} وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ^{٤٦}
 فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ^{٤٧} وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا
 وَأَخَذْنَا لَهُم بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ^{٤٨} وَقَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا
 لَمُهْتَدُونَ^{٤٩} فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ^{٥٠} وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا
 قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ^{٥١} أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا
 الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ^{٥٢} فَلَوْ لَا أَلْقَىٰ عَلَيْهِ آسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ
 مُقْتَرِنِينَ^{٥٣} فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ^{٥٤} فَلَمَّا أَسْفُونَا أَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ

٤٥. اگر ادعا دارند که فلسفه چندخدایی ریشه آسمانی دارد از آنان بپرس: آن رسولانی که پیش از تو فرستاده‌ایم آیا در پیام کدامشان ما غیر خدای رحمان خدایان دیگری معرفی کرده‌ایم که باید مورد پرستش قرار بگیرند؟

٤٦. ما موسی را با آیات و نشانه‌های خود به سوی فرعون و سنای او فرستادیم. موسی گفت: من رسول پروردگار جهانیانم.

٤٧. موقعی که موسی با نشانه‌های ما به حضور آنان رسید و پیام ما را ابلاغ کرد که باید بردگان بنی‌اسرائیل را آزاد کنند ناگهان همه‌چیز را به استهزا گرفتند و خنده را سر دادند.
 ٤٨. ما هیچ آیتی به آنان ارائه نکردیم جز آن که از آیت قبلی بزرگتر بود. ما آنان را با عذاب‌های پرمحتی در فشار و تنگنا قرار دادیم باشد که به سوی حق بازگردند و بازنگشتند.

٤٩. و گفتند که ای ساحر! به درگاه پروردگارت با همان فوت‌وفنی که از او آموخته‌ای دعا کن تا عذاب را از ما بردارد که سربه‌راه آمده‌ایم و بردگان را آزاد می‌کنیم.
 ٥٠. و چون عذاب خود را از سر آنان دور کردیم و آزادی بردگان را خواستار گشتیم ناگهان دیدیم که سخن را عوض کردند و عهد خود را شکستند.

٥١. فرعون در یک سخنرانی عمومی با مردم خود گفت: ای مردم من! مگر پادشاهی مصر از آن من نیست. این نهرها که از زیر کاخ من روان است دلیل عزت و اقتدار است. آیا چشم خود را باز نمی‌نمایید؟

٥٢. آیا من برای شما بهترم که این قدرت و شوکت را به شما ارمغان کرده‌ام یا موسی که این چنین خوار و بی‌مقدار است و سخن گفتن نمی‌داند و نمی‌تواند حرف دلش را برای شما روشن و واضح بیان بدارد.

٥٣. اگر موسی واقعاً از جانب خدای آسمان‌ها به رسالت آمده است باید حلقه‌های زرین بر گردن او افکنده باشند که نشانه رسولان و ایلچیان است و یا لاقل فرشتگان آسمانی با او

فَأَعْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ^{٥٥} فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ^{٥٦} وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُونُ^{٥٧} وَقَالُوا أَلَّهْتْنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلاَّ جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ^{٥٨} إِنْ هُوَ إِلاَّ عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ^{٥٩} وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْآرْضِ يَخْلُقُونَ^{٦٠} وَإِنَّهُ لَعَلِمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُون هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ^{٦١} وَلَا يَصْدَنكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ^{٦٢} وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ

هم عنان به سفارت نازل شوند.

٥٤. فرعون با این سخنرانی احساسات مصریان را برانگیخت و مردم از فرمان او اطاعت کردند و بر فشار خود به بردگان افزودند. بی‌شک مردم مصر متجاوز و فاسق بودند.

٥٥. و چون خشم ما را برافروختند از آنان انتقام ناسپاسی و نافرمانی آنان را گرفتیم و همگان را غرقه دریا کردیم.

٥٦. و برای آیندگان ملتها، گذشته‌ای ساختیم عبرت‌انگیز و نمونه‌ای پندآمیز.

٥٧. و چون پسر مریم را نمونه آوردیم که آفرینش او نشانه حق است و پرتوی از روح قدسی ما دارد ناگهان مردم هم‌تبارت با شور و غوغا هلهله سر دادند.

٥٨. و گفتند: آیا خدایان ما بهترند که صادر اولند و هماره در آسمان‌ها جای دارند یا عیسی که از آسمان به زمین آمد و در شکم مریم جا گرفت؟ اینان باور نکرده‌اند که عیسی کلمه خدا باشد و دمیده روح القدس که بخواهند عیسی را با صادر اول و دوم مقیاس بگیرند بلکه از راه جدل به تخطئه قرآن پرداخته‌اند. بلکه اینان پر مدعایند و با همگان در نزاعند.

٥٩. عیسی خدا نیست. پسر خدا هم نیست بلکه فقط بنده خداست که ما بر او نعمت افشاندیم و برای بنی‌اسرائیل دنیاپرست سرمشق زندگی ساختیم تا از زهد و صلاح او درس بگیرند و عبرت بیاموزند.

٦٠. ما با طرح این مثل، انتظار آن را نداریم که مانند عیسی از دنیا و مافیها چشم ببوشید. اگر ما می‌خواستیم که مردم همگان مانند عیسی زندگی کنند و دنیا متروک بماند به جای شما مردم، فرشتگان را در زمین جایگزین می‌کردیم که هرگز به نعمت دنیا تعلق ندارند.

٦١. به یقین روزی فرا خواهد رسید که فرشتگان در زمین قرار بگیرند. حضور فرشتگان از فرارسیدن انقراض زمین و قیام قیامت خبر می‌دهد. شما در فرا رسیدن قیامت تردید نکنید و دنبال من بیایید که راه راست همین است.

٦٢. مبادا شیطان با جار و جنجال فلسفی خود شما را از راه خدا بگرداند. او برای شما دشمنی آشکار است.

جِئْتَكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَبِالْبَيِّنَاتِ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلَفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ ۗ إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۖ ۶۴ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْيَوْمِ ۗ ۶۵ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۗ ۶۶ الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ۗ ۶۷ يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ۗ ۶۸ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ۗ ۶۹ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ۗ ۷۰ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۗ ۷۱ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۗ ۷۲ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ ۗ ۷۳

۶۳. موقعی که عیسی با دلایل روشن نزد یهودیان آمد به آنان گفت: : من با حکمت و کردانی نزد شما آمده‌ام تا حلال و حرام تورات را تأیید کنم و برخی از مسائل اختلافی را برایتان روشن سازم که درست و نادرست را بشناسید. از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید.

۶۴. خداوند رحمان پروردگار من است و پروردگار شماست. پس او را بپرستید که راه راست همین است.

۶۵. از میان یهودان چند گروه مخالف و موافق جوشیدند و هریک به صورتی راه سیه‌کاری در پیش گرفتند. وای بر سیه‌کاران از عذاب دردناکی که روز قیامت دارند.

۶۶. آیا غیر از این است که انتظار قیامت را می‌کشند که ناگهان بر سر آنان بتازد و آنان بی‌خبر باشند.

۶۷. یاران جانی و دوستان صمیمی، آن‌روز دشمن هم می‌شوند جز پرهیزکاران که بر دوستی و یاری هم پایدارند.

۶۸. به پرهیزکاران خطاب شود که ای بندگان من! امروز بر شما ترسی نیست و نه در آینده غمین و محزون می‌شوید.

۶۹. ای بندگان من که به آیات من ایمان آوردید و به فرمان من گردن نهادید. ۷۰. وارد شوید به بهشت برین که شما با همسرانتان از دیدار هم در کنار هم خرسند و شادمان می‌شوید.

۷۱. خادمان بهشتی با جام‌های طلایی و تنگ‌های شراب بر سر آنان می‌چرخند و پیاله می‌دهند. در بهشت آنچه دل‌هایشان بخواهد و چشم‌هایشان لذت برد مهیاست و شما در آنجا مخلد و پایدار خواهید ماند.

۷۲. این همان بوستان بهشت است که شما در برابر دستاورد نیکتان به میراث برده‌اید.

۷۳. برای شما در آنجا میوه‌های فراوان است که از آن تناول می‌کنید.

الْمَجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ۷۴ لَا يَفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ۷۵ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَ
 لَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ۷۶ وَ نَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَا كُنْتُمْ ۷۷ لَقَدْ
 جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ۷۸ أَمْ أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ۷۹ أَمْ يَحْسَبُونَ
 أَنَا لَا نَسْمَعُ سُرَّهُمْ وَ نَجْوَاهُمْ بَلَى وَ رُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ۸۰ قُلْ إِن كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا
 أَوَّلُ الْعَابِدِينَ ۸۱ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ۸۲ فَذَرَهُمْ
 يَخْوَضُوا وَ يَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ ۸۳ وَ هُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهُ وَ فِي
 الْأَرْضِ إِلَهُ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ۸۴ وَ تَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ
 عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۸۵ وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ

۷۴. اما تبهکاران مجرم در عذاب دوزخ جاودانه می‌مانند.

۷۵. عذاب آنان سبک نمی‌شود و در آتش سوزان با سکوت و ناامیدی به سر می‌برند.

۷۶. ما آنان را سیاه نکردیم ولی آنان خودشان سیاه‌کار بودند.

۷۷. و فریاد می‌زنند که ای مالک دوزخ! بگو تا پروردگارت فرمان مرگ را صادر نماید.

مالک دوزخ می‌گوید: شما با همین وضع موجود ماندنی خواهید بود.

۷۸. ما حق را برای شما آوردیم ولی بیشتر شما مردم از پذیرش حق اظهار کراهت کردید.

۷۹. آیا این مردم تصمیم خود را عوض کرده‌اند و یا عزم خود را بر قتل تو جزم کرده‌اند

که ما نیز باید عزم خود را جزم کنیم.

۸۰. و یا تصور می‌کنند که اگر در دل خود سخن بگویند و یا آهسته باهم نجوی کنند

سخن آنان را نمی‌شنویم؟ چرا می‌شنویم و علاوه بر آن مأموران ما در آنجا حاضرند و

اسرار آنها را ثبت می‌کنند.

۸۱. می‌گویند که خدایان آسمانی ما هم، فرزندان خدایند که صادر اولند. به آنان بگو: اگر

واقعاً برای خداوند رحمان فرزندی باشد که سرّ خدایی را از پدر به ارث ببرد من اول کسی

خواهم بود که فرزند او را پرستش نمایم.

۸۲. منزّه است پروردگار آسمان‌ها و زمین، پروردگار عرش، او والاتر از وصف مشرکان

است.

۸۳. پس آنان را به حال خود بگذار تا در فلسفه باطل فرو روند و با کلمات تو خالی بازی

کنند تا روز موعود قیامت را ملاقات کنند.

۸۴. او همان خدایی است که در آسمان، خداست و در زمین، خداست. او کاردان و دانا

است.

۸۵. پاینده باد خدایی که پادشاهی آسمان‌ها و زمین مال اوست با پادشاهی آنچه در میان

بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ^{۸۶} وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ^{۸۷} وَقِيلَ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ^{۸۸} فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ^{۸۹}

آسمان‌ها و زمین است. خبر روز قیامت نزد اوست و همگان به سوی او بازگردان می‌شوند. ۸۶. آن خدایانی که مشرکان در عوض خداوند رحمان به یاری و حمایت خود می‌خوانند نه تنها قادر به حمایت و نصرت نمی‌باشند که قادر به شفاعت هم نمی‌باشند مگر آن شافعی که مانند مسیح به بندگی و عبودیت خود گواهی دهد و اعتراف نماید. مشرکان نیز همین نکته را می‌دانند.

۸۷. به حق سوگند که اگر از مشرکان بپرسی خدایانتان را چه کسی آفریده است؟ می‌گویند: خدای جهان. پس به آنان بگو: آخر راه خود را به کجا کج می‌نمایید؟

۸۸. و مگر آن شافعی که گواهی دهد برعلیه امت خود و بگوید: پروردگارا! این مردم مشرک اهل ایمان نبودند.

۸۹. پس تو از مشاجره با این مردم درگذر، خداحافظی کن و بگو: سلام بر شما، و رو از آنان بگردان؛ به زودی با چشیدن طعم رسوائی و عذاب، ثمره شرک خود را می‌دانند.

الدَّخَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم ١ وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ٢ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ٣ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ٤ أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ٥ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٦ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ مَوْقِنِينَ ٧ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ ٨ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ٩ فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ ١٠ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ١١ رَبَّنَا اكشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ١٢ أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ

شبهای قدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. ح. م.
٢. سوگند به این کتاب آسمانی که آشکارکننده راه حق است.
٣. که ما این کتاب را در شبی فرخنده و با دوام فرود آوردیم. ما درصدد اخطار به مردم بودیم.
٤. در این شب اساسی هر کاری که کردانی بخواهد از سایر کارها جدا می‌گردد.
٥. با فرمانی از پیشگاه ما، ما درصدد ارسال بودیم.
٦. رحمتی را از پیشگاه پروردگارت، پروردگارت شنوا و داناست، درخواست مردم را می‌شنود و به حال و روز آنان آگاه است.
٧. همان پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آسمانها و زمین است. اگر شما اهل یقین باشید به حاق مطلب می‌رسید.
٨. خدایی جز او نیست. جان می‌بخشد و جان می‌گیرد. پروردگار شما و پروردگار آباء و اجداد شماست.
٩. اما این مردم ایمان ندارند بلکه با شک و تردید به بازی زندگی سرگرمند.
١٠. سرگرمی این مردم دوام دارد و تو باید به انتظار آن روزی بوده باشی که آسمان، دودی ببار آورد آشکارا و معلوم.
١١. فرآید و مردم را دربر بگیرد. این دود و دم که همان گازهای سمی است حامل عذابی دردناک است.
١٢. که همگان فریاد برآرند: پروردگارا! این عذاب را از ساحت ما ببر که ما اهل ایمان شده‌ایم.

رَسُولٌ مُّبِينٌ ۱۳ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَ قَالُوا مَعْلَمٌ مُّجْنُونٌ ۱۴ إِنَّا كَاشَفُوْا الْعَذَابَ قَلِيْلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ۱۵
يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطِيْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ ۱۶ وَ لَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَ جَاءَهُمْ رَسُوْلٌ
كَرِيْمٌ ۱۷ أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللّٰهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُوْلٌ أَمِيْنٌ ۱۸ وَ أَنْ لَا تَعْلَوْا عَلَيَّ اللّٰهُ إِنِّي أَتِيكُمْ
بِسُلْطَانٍ مُّبِيْنٍ ۱۹ وَ إِنِّي عُدْتُ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ أَنْ تَرْجَمُوْنَ ۲۰ وَ إِنْ لَمْ تُؤْمِنُوْا لِي فَاَعْتَرِلُوْنَ ۲۱
فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هُوَ لَأَ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ ۲۲ فَاسْرِبْ بَعَادَى لَيْلًا إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ ۲۳ وَ أَتْرَكَ الْبَحْرَ رَهْوًا
إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّعْرِفُونَ ۲۴ كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ عَيْوُنٍ ۲۵ وَ زُرُوعٍ وَ مَقَامٍ كَرِيْمٍ ۲۶ وَ نَعْمَةً كَانُوا

۱۳. اینان کی و کجا اهل ایمان می شوند و از نشانه های خدا پند و عبرت می گیرند با آن که رسولی بر آنان درآمد با رسالتی آشکار.

۱۴. و آنان را به راه ایمان و طاعت دعوت کرد و آنان روگردان شدند و گفتند: قرآن را از دیگران آموخته است. این مرد در دام پری گرفتار است.

۱۵. با وجود این ما عذاب دود و دم را چند صباحی از ساحت شما دور می سازیم و شما باز هم به کفر و تبهکاری خود بازمی گردید.

۱۶. اما بدانید آن روز که مشیت محکم تری بر دل زمین بکوبیم آن روز درصدد انتقام از شما برآمده ایم.

۱۷. به یقین ما پیش از این قوم، مردم فرعون را به آزمون کشیدیم و رسولی گرانمایه صاحب کرامت به حضور آنان رسید.

۱۸. که بندگان خدا را به من تسلیم نمایید که من از جانب خدا، رسولی امین و مورد اعتمادم.

۱۹. رسالت خدا را بپذیرید و بر خداوند جهان سربلندی مجوید که من با سندی آشکار و روشنگر به حضور شما آمده ام.

۲۰. من به پروردگار خودم که پروردگار شماست پناه می برم که مرا سنگباران نمایید.

۲۱. شما اگر به رسالت من ترتیب اثر نمی دهید که باید قوم بنی اسرائیل را به من بسپارید از من دوری گزینید و به من آسیبی نرسانید و اهانتی هم روا مدارید که عذاب سختی شما را فرا خواهد گرفت.

۲۲. موسی دعا کرد که پروردگارا! اینان مردمی تبهکارند.

۲۳. و پروردگارش فرمان داد که بندگان مرا شبانه به سوی فلسطین برانگیز و این را بدان که شما تعقیب می شوید.

۲۴. از این رو راه خشکی را واگذار و به سوی دریا رهسپار شو و چون از دریا بگذری دریا را آرام پشت سر واگذار تا فرعونیان داخل شوند فرعونیان باید در آب دریا غرقه شوند.

فِيهَا فَاكِهِينَ ٢٧ كَذَلِكَ وَ أَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخِرِينَ ٢٨ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنْظَرِينَ ٢٩ وَ لَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ٣٠ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنْ الْمُسْرِفِينَ ٣١ وَ لَقَدْ اخْتَرْنَا لَهُمْ عَلَى عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ٣٢ وَ آتَيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاؤٌ مُبِينٌ ٣٣ إِنْ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ٣٤ إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَى وَ مَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ ٣٥ فَآتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٣٦ أ هُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تَبَعٍ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ٣٧ وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِأَعْيُنٍ ٣٨ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٣٩ إِنْ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ٤٠ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى

٢٥. چه بوستان‌ها و چشمه‌ها که برجای نهادند.

٢٦. و مزارع و خانه‌های زیبا.

٢٧. و نعمت‌ها که در آن به شادمانی و عشرت می‌گذرانند.

٢٨. به همین سادگی که بیان کردیم آنان را از ناز و نعمت برون کردیم و به قوم بنی‌اسرائیل میراث دادیم آنها که در مصر برجا مانده بودند.

٢٩. با این فاجعه آسمان‌ها بر آن مردم نگرست و نه زمین بر آنان اشک حسرت ریخت و نه آنان را مهلت و فرصت دادند که گذشته را جبران نمایند.

٣٠. ما یهود بنی‌اسرائیل را از غذایی خوارکننده رهانیدیم.

٣١. از اسارت فرعون که او از سران متجاوز بود.

٣٢. ما این قوم را از روی علم و اطلاع بر جهانیان گزین کردیم.

٣٣. و در ادوار حیاتشان به وسیله انبیا آیات و نشانه‌هایی به آنان عطا کردیم که آشکارا مایه آزمون بود.

٣٤. ولی این مردم می‌گویند:

٣٥. ما عالمی در پیش رو نداریم جز همین عالمی که با اولین مرگ خود نابود می‌شویم و دیگر به زندگی باز نمی‌گردیم.

٣٦. اگر شما راست می‌گویید که دوباره به زندگی باز می‌گردیم پدران ما را زنده کنید که آنان را می‌شناسیم.

٣٧. آیا این مردم از نظر پیشرفت و تمدن بهترند یا مردم تبع با امت‌هایی که پیش از آنان در یمن بودند؟ ما همه آنان را به جرم کفران و تبهکاری هلاک کردیم. آنان مردمی تبهکار و مجرم بودند.

٣٨. ما آسمان‌ها و زمین را با آنچه در میان آسمان‌ها و زمین است به بازی نیافریدیم.

٣٩. ما آسمان و زمین را جز با هدفی والا و برحق نیافریدیم ولی بیشتر مردم نمی‌دانند و

شَيْئًا وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ ٤١ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ٤٢ إِنَّ شَجَرَةَ الزَّقُّومِ ٤٣
 طَعَامُ الْأَثِيمِ ٤٤ كَالْمُهْلِ يَغْلَى فِي الْبَطُونِ ٤٥ كَعَلَى الْحَمِيمِ ٤٦ خُدُوهُ فَاعْتَلُوهُ إِلَى سَوَاءِ
 الْجَحِيمِ ٤٧ ثُمَّ صَبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ٤٨ ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ٤٩ إِنَّ هَذَا
 مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ ٥٠ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ٥١ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ٥٢ يَلْبَسُونَ مِنْ
 سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتْقَابِلِينَ ٥٣ كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ٥٤ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ
 آمِنِينَ ٥٥ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ٥٦ فَضَلًّا مِنْ

هدف را وانمی شناسند.

٤٠. بی شک روز داوری، میعاد آنها است.

٤١. روزی که خواجه از بنده خود و نه بنده از خواجه خود شری برنتابد و نه هیچ کدامشان یاری شوند.

٤٢. مگر آن که خدا به او ترحم کند. خداوند رحمان عزتمند و مهربان است.

٤٣. بی شک درخت انجیر هندی.

٤٤. غذای زورگویان است.

٤٥. مانند آتش جوشان در شکم‌ها می جوشد.

٤٦. چون جوشیدن آب جوش.

٤٧. او را بگیرد و به سوی دره آتش بکشید.

٤٨. و چون از دره آتش برآید از آبشان‌ها بر سرش آب جوشان بریزد.

٤٩. طعم خواری و عذاب را بچش، تو همان عزتمند گرانمایه هستی که امروز چنین خوار و مهینی.

٥٠. این همان عذابی است که شما در آن شبهه می کردید.

٥١. بی شک پرهیزکاران در جای امنی به سر می برند.

٥٢. در بوستان‌ها و چشمه‌زارها.

٥٣. از حریر نازک و حریر دیبا جامه بر تن دارند و گرد هم می نشینند.

٥٤. به این صورت که حلقه‌وار بر تخت‌ها تکیه دارند و میزگردی در میان نهاده‌اند و ما آنان را با سیمتنان آهوچشم جفت و همسر کرده‌ایم.

٥٥. در آنجا از همه‌گون میوه‌ها می طلبند و از ناسازگاری میوه‌ها در امانند.

٥٦. طعم مرگ را نمی چشند جز همان مرگ دنیا که طعم آن را در ذائقه دارند و خداوندشان از عذاب دره دوزخ نگهبان شده است.

رَبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ^{۵۷} فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ^{۵۸} فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ
مُرْتَقِبُونَ^{۵۹}

۵۷. به خاطر فضلی از رحمت پروردگارت. این همان رستگاری بزرگ است که از دوزخ برهند و به جنت دست یابند.

۵۸. ما این کتاب آسمانی را به صورت قرآن بر زبانت جاری کردیم باشد که بشنوند و به خاطر گیرند.

۵۹. در هر حال به انتظار آن دود گازها بمان که این مردم نیز در انتظار آنند.

الجاثية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم^١ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ^٢ إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ^٣ وَ فِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٍ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ^٤ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ^٥ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَ آيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ^٦ وَيَلُّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ^٧ يَسْمَعُ آيَاتُ اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشْرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ^٨ وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ^٩ مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا

زانوردگان برای واریسی حساب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. ح. م.

٢. تنزیل این کتاب از سوی خداوندی است که عزتمند و کاردان است.

٣. به یقین در آسمان‌ها و زمین آیاتی وجود دارد که برای مؤمنان گواه حقیقت است.

٤. و در آفرینش شما مردم و جاندارانی که در عرصه زمین پراکنده می‌سازد آیاتی برای اهل یقین مشهود است.

٥. و در آمدن شب و روز و بارانی که خداوند رحمان از آسمان روزی شما می‌سازد و بدان آب، خاک را بعد از مرگ زمستانی زنده می‌سازد و در وزش بادهای از چپ و راست آیاتی است برای آنان که بیندیشند.

٦. اینها آیات خداوند رحمان است که به راستی و درستی بر تو تلاوت می‌کنیم. پس این مردم بعد از خداوند رحمان و بعد از آیات او به کدامین حرف تازه‌ای حاضرند که ایمان بیاورند؟

٧. وای بر هر دروغ پرداز زورگو.

٨. آیات خدا را که بر او تلاوت شود می‌شنود و می‌فهمد که اینها آیات خداوند است با وجود این بر کفر و استکبار خود اصرار می‌ورزد گویا آیات خدا را نشنیده است. او را به عذاب دردناکی بشارت ده.

٩. و چون از آیات ما نکته‌ای را دریابد به استهزاء می‌گیرد که آثار آن را پامال کند. اینها ایند که عذابی خوارکننده برایشان مهیاست.

كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ^{۱۰} هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزِ أَلِيمٍ^{۱۱} اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ^{۱۲} وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^{۱۳} قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^{۱۴} مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ^{۱۵} وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ^{۱۶} وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ^{۱۷} ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ

۱۰. آتش دوزخ در تعقیب آنهاست و حاصل کسب و کار آنان دردی از دردهای آنها را دوا نمی‌کند و نه آن‌خدایانی که در عوض خداوند جهان به دوستی و حمایت گرفته‌اند به حمایت برمی‌خیزند. برای آنان عذاب بزرگی آماده است.

۱۱. این قرآن رهنمود هدایت است. و آنان که به آیات پروردگارشان کافر شده‌اند برای آنان از آلودگی و پلیدی عذابی دردناک است.

۱۲. خداوند شما آن‌خدایی است که دریا را به سود شما رام کرد تا کشتی به فرمان او بر پشت دریا روان گردد و شما بتوانید با جریان آب دریا فضل خدا را به دست آورید و برای آنکه شاید به الطاف و عنایات او پی ببرید و نعمت او را سپاس بگذارید.

۱۳. آنچه در آسمان‌ها با آنچه در زمین است یکسر از آن خداست که همه را در اختیار شما نهاد و در برابر خواسته‌های شما رام کرد به یقین در این نعمت‌ها از ابر و باد و ماه و خورشید و آب و هوا آیاتی است اما برای آن‌دسته از مردم که اهل تفکر باشند.

۱۴. به مؤمنان بگو: ستیزه‌جویی کافران را بر آنان بیخشایند از آن‌رو که آنان برخلاف شما امیدی به روزهای خدا چون روزهای عاد و ثمود و احزاب ندارند که خداوند جهان ملت‌ها را به حاصل کردارشان سزا خواهد داد.

۱۵. هرکس دستاورد شایسته‌ای بجا آورد به سود خودش خواهد بود و هر کس بدی پیشه کند برعلیه خودش تمام خواهد شد به فرجام زندگی همگان به سوی پروردگارتان بازگردان می‌شوید.

۱۶. ما به قوم بنی‌اسرائیل کتاب آسمانی دادیم با فرمانروایی و نبوت و آنان را از خوراک‌های خوب خود روزی عطا کردیم و بر جهانیانشان برتری نهادیم.

۱۷. دلایلی هم که روشن‌گر فرمان حق باشد به آنان دادیم که راه تفرقه و اختلاف را مسدود سازیم ولی احبار یهود به خاطر خودخواهی و ریاست‌طلبی فرمان خدا را با در دست

شَرِيعَةً مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۱۸ إِنَّهُمْ لَن يَغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ ۱۹ هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۲۰ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَ مَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۲۱ وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ لَتَجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۲۲ أَمْ فَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَلَا تَذَكَّرُونَ ۲۳ وَ قَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَ مَا

داشتن علم و اطلاع کافی به اختلاف و تشتت کشاندند. بی شک پروردگار تو روز قیامت در اختلافات آنان داورى خواهد کرد.

۱۸. اینک پس از چندی ما تو را بر شاهراهی از فرمان خود قرار دادیم. تو این شاهراه حقیقت را دنبال کن و خواسته‌های مردم نادان را دنبال مکن که پیروی خواسته‌ها و درخواست‌های آنان تو را به سیاهی خواهد کشاند.

۱۹. این سیه‌کاران عذاب خدا را از تو دور نمی‌سازند. سیه‌کاران فقط در زندگی دنیا یار و پشتیبان همد و خداوند رحمان در دو جهان یار پرهیزکاران است.

۲۰. این قرآن تذکاری است برای بالا بردن بینش مردم و هدایت و رحمتی است برای آن‌دسته از مؤمنان که اهل یقین باشند.

۲۱. آیا کسانی که پاره‌پاره بدی‌ها را در نامه اعمال خود گرد آورده‌اند تصور می‌کنند که از چنگ ما می‌گریزند و یا پنداشته‌اند که ما آنان را در مرگ و زندگی با کسانی برابر می‌کنیم که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته بجا آورده‌اند؟ چه داورى ناصوابی دارند!

۲۲. در صورتی که خداوند، آسمان‌ها و زمین را با هدفی درست آفریده است که آزمون بشر باشد و بدین‌منظور که هرکسی سزای دستاورد خود را ببیند و حق آنان سیاه نخواهد شد.

۲۳. آیا در این مسئله اندیشیده‌ای؟ آن‌کسی که هوای نفس خود را خدای خود می‌شناسد و از هوای دل به نام غریزه و فطرت اطاعت می‌کند و به طاعت خود انگ الهی می‌زند و با علم و اطلاعی که در مسائل طبیعی دارد خداوند جهان او را گمراه کرده است و بر گوش و دلش مهر نهاده که حرف حق در او اثر نگذارد و بر چشمش پرده کشیده است که راه را نبیند. این‌چنین هواپرست گمراه را چه کسی بعد از خداوند رحمان می‌تواند به راه راست حق هدایت کند. آیا شما مردم پند نمی‌گیرید؟

لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ۚ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٌ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتُّبُوا بِآيَاتِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۚ قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يَمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۚ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِنُدُ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ ۚ وَ تَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَائِئَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۚ هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۚ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ۚ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ۚ وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ السَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ

۲۴. گفته‌اند که عالمی نیست مگر همین عالم دنیا که یک‌دسته می‌میریم و یک‌دسته دیگر پا به جهان می‌گذاریم. جز گذشت روزگار، ناموس دیگری در میان نیست که ما را با عزم و اراده خود هلاک سازد. اینان به گفته خود علم قاطع ندارند. فقط تصویری در حد گمان می‌پرورند.

۲۵. و چون آیات ما به وضوح و روشنی بر آنان تلاوت شود در برابر استدلال ما حرفی ندارند جز آن که بگویند: اگر راست می‌گویید پدران ما را زنده کنید و به عنوان شاهد بیاورید.

۲۶. بگو: خداوند جهان به شما جان می‌دهد و سپس جان شما را می‌گیرد و آنگاه همه شما را فراهم می‌آورد تا روز قیامت که بدون تردید حشر عمومی سامان می‌گیرد ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

۲۷. پادشاهی آسمان‌ها و زمین خدا راست و آن‌روز که قیامت پا بگیرد آن‌روز است که باطل‌گرایان زیانبارند و همه‌چیز خود را از دست داده‌اند.

۲۸. آن‌روز هر امتی را که بنگری به زانو درآمده است. هر امتی به سوی کتاب خود دعوت می‌شود. امروز سزای دستاوردتان را می‌بینید.

۲۹. این کتاب ما است که با راستی و درستی سخن می‌کند. ما از دستاوردهای شما نسخه‌برداری می‌کردیم.

۳۰. اما آن کسانی که ایمان آورده‌اند و اعمال شایسته‌ای داشته‌اند پروردگارشان در رحمت خود جای می‌دهد و این همان رستگاری آشکار است.

۳۱. و اما آن کسانی که کافر شده‌اند و در دوزخ جای دارند به آنان گفته شود: مگر نه آن بود که آیات من بر شما تلاوت می‌شد و شما با تکبر از پذیرش آن ابا می‌کردید و مردمی تبهکار و مجرم بودید؟

نُظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَ مَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ ۳۳ وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ
يَسْتَهْزِئُونَ ۳۳ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسَيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ
نَاصِرِينَ ۳۴ ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ
مِنْهَا وَ لَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ۳۵ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۳۶ وَ لَهُ
الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۳۷

۳۲. و چون گفته می‌شد: وعده خدا درست است و ساعت قیامت تردید ندارد شما می‌گفتید
ما نمی‌دانیم که قیامت یعنی چه، فقط تصویری از قیامت در حد گمان داریم، اما یقین
نداریم.

۳۳. در آن روز کردار ناصوابشان در برابر دیدگانشان آشکارا و مجسم می‌شود و عذابی را که
به استهزاء می‌گرفتند پاپیج آنان خواهد گشت.

۳۴. به آنان خطاب می‌شود که ما امروز شما را فراموش می‌کنیم و در برابر بدبختی‌ها تنها
می‌گذاریم آن‌سان که شما دیدار امروزتان را به فراموشی سپردید. امروز جایگاه شما دوزخ
است و یاوری پیدا نخواهید کرد.

۳۵. این آتش دوزخ را از آن رو باید بچشید که آیات خدا را به استهزاء گرفتید و زندگی دنیا
شما را خام کرد و فریفت. امروز دوزخیان از دوزخ برون نخواهند شد و نه آنان را فرصت
می‌دهند که عذرخواهی نمایند.

۳۶. پس سپاس و ثنا ویژه آن خداوندی است که پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین است،
پروردگار جهانیان.

۳۷. کبریا از آن خداوند است چه در آسمان‌ها و چه در زمین، و او عزتمند و کاردان است.

الأحقاف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم^١ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ^٢ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُّعْرِضُونَ^٣ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ اتُّنَوِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةَ مَنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^٤ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ^٥ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ^٦ وَإِذَا تَتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ^٧ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَى

سرزمین احقاف، یادى از عاشورا و جمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. ح. م.

٢. تنزیل این کتاب آسمانی از پیشگاه خدای عزتمند کاردان است.

٣. ما آسمان‌ها و زمین را با آنچه در میان آسمان‌ها و زمین است جز به راستی و درستی و با سرآمدی نامبرده و معلوم نیافریدیم و کافران از این سرآمد معلوم و قیام قیامت روگردانند.

٤. بگو: نظر شما چیست؟ خدایانی که شما در عوض خداوند رحمان به یاری خود می‌خوانید از این زمین پهناور کدام جنگل و بوستان و کدامین دشت و کوهستان را آفریده‌اند؟ آیا واقعاً در آفرینش زمین شریک و انباز خدا بوده‌اند و یا در خدایی آسمان‌ها شرکت کرده‌اند؟ اگر راست می‌گویید از کتاب‌های آسمانی پیشین سندی بیاورید و یا پژوهشی از علم و دانش کیهانی ارائه دهید که شرکت آنان را تأیید کند.

٥. چه کسی گمراهتر است از کسی که در عوض خداوند جهان در برابر خدایانی زانو می‌زند و دعا می‌کند که تا روز قیامت هم پاسخ او را نمی‌دهند و از راز و نیاز مردم بی‌خبرند.

٦. و چون همگان محشور شوند خدایانشان دشمن این مشرکانند و پرستش آنان را سپاس نمی‌گذارند.

٧. و چون آیات ما بر این مردم تلاوت شود و حقایق آن روشن گردد آن‌دسته از کافران که حقیقت را منکر شده‌اند می‌گویند که این قرآن جادوی آشکار است.

بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ^٨ قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَاٍ مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفَعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَيْتُمْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ^٩ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَأَمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ^{١٠} وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِنْكُ قَدِيمٌ^{١١} وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَ رَحْمَةً وَ هَذَا كِتَابٌ مُّصَدَقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّنَذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ بَشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ^{١٢} إِنْ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا

٨. آیا واقعاً کتاب خدا را سحر می‌شمارند و یا می‌گویند که خود دروغی ساخته و بر خدا افترا بسته است؟ بگو: اگر من قرآن را بر خدا افترا بسته باشم از عذاب او در امان نمی‌مانم و شما هم که خویش و هم‌تبار من هستید نمی‌توانید به سود من کاری انجام دهید و عذاب خدا را از من بگردانید. او بهتر می‌داند که شما چه یاروهای بر زبان می‌رانید. کافی است که همان خداوند جهان میان من و شما گواه و حکم باشد و او آمرزنده‌ای مهربان است که از بندگان خود می‌گذرد و به کافران مهلت می‌دهد.

٩. بگو: من که در میان پیامبران با طرح تازه‌ای به رسالت نیامده‌ام که تنها با من به ستیزه و انکار شده‌اید و در برابر سایر رسولان بی‌طرف مانده‌اید. من آرزوهای طلایی در دل نپروریده‌ام و از آینده خود مطمئن نمی‌باشم و نمی‌دانم با من و یا با شما چه خواهد شد. من فقط رسالت خود را ابلاغ می‌کنم و از اشارات وحی پیروی می‌نمایم. من باید به صورت آشکارا انذار کنم و شما را از خشم خدا بترسانم.

١٠. بگو: شما خودتان بگویید: اگر این قرآن از پیشگاه خدا باشد و شما به آن کافر شده‌اید با آن که گواهی از گواهان بنی‌اسرائیل شهادت داده است که بر اساس کتاب‌های ما یهودان یک‌چنین قرآنی باید برای مردم عرب نازل گردد، او که عرب نیست ایمان آورده است و شما که عرب هستید و قرآن به زبان شما نازل شده است کافر شده‌اید و از پذیرش آن با کبر و افاده‌ای می‌ورزید. شما خودتان بگویید: انکار این قرآن سیه‌کاری نیست؟ بی‌شک خداوند رحمان سیه‌کاران را رهبری نخواهد کرد.

١١. کافران درباره مؤمنان گفتند: اگر کتاب قرآن، بهتر از کتاب شما یهودان بود این مردم سفله بر ما فرزندگان پیشی نمی‌گرفتند. و بدین علت که خود ایمان نیاورده‌اند و از هدایت قرآن بهره نبردند به زودی خواهند گفت: پیشگویی آن یهودی هم از دروغ‌های قدیم است.

١٢. اما این قرآن کتاب خداوند است و پیش از قرآن، تورات موسی نازل شده است تا امام و پیشوای کتاب‌ها باشد و رحمتی بر جهانیان. این قرآن کتابی است که همه کتاب‌های پیشین را از تورات موسی گرفته تا کتاب انجیل عیسی تأیید و تصدیق می‌کند منتهی به

خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۱۳ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
 ۱۴ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ
 شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ
 عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ
 الْمُسْلِمِينَ ۱۵ أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَتَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ
 الْجَنَّةِ وَعَدَّ الصَّدَقُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ۱۶ وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أَفِ لَكُمْ أَنْ تُعِدَّانِي أَنْ أُخْرَجَ
 وَقَدْ خَلْتُ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَعْجِلَانِ اللَّهَ وَبَلَكَ آمِنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَحَقُّ فِيقُولُ مَا هَذَا
 إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۱۷ أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ

زبان عرب نازل شده است تا این سیه‌کاران را از خشم خدا بترساند و بشارتی باشد برای نیک‌اندیشان سایر ملل که با نیکی و احسان راه قرآن را بجویند.

۱۳. آن کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند رحمان است و بعد از ادای شهادت در راه ایمان و طاعت استقامت ورزیده‌اند در دنیا ترسی بر آنان نیست و در آخرت غمین و محزون نمی‌شوند.

۱۴. اینان یاران بهشت پر نعمتند که جاودانه در آن خواهند ماند. بهشت برین پاداش دستاورد آنهاست.

۱۵. ما به آدمی‌زاده سفارش کردیم که نسبت به پدر و مادر خود نیک‌اندیش باشد، مادرش او را با کراهت خاطر آبستن شد و با کراهت خاطر بر زمین نهاد از آن‌رو که نسبت به سرنوشت او نگران بود. از آغاز آبستنی تا پایان شیرخوارگی او سی‌ماه گذشت، آن‌پسر رشد کرد تا آن‌که برومند شد و صاحب اندامی نیرومند. بعد به چهل‌سالگی رسید و در راز و نیاز خود گفت: پروردگارا! مرا تا آن‌زمان در جهان نگه‌دار که شکر نعمت را بگذارم آن نعمتی که به من و پدر و مادرم عطا کردی. تا آن‌حد مرا نگه‌دار که دستاورد شایسته‌ای ارائه دهم که رضای خاطر را فراهم آورد. پروردگارا! و در خاندان من این صلاح و شایستگی را برقرار کن. من به سوی تو روی آورده‌ام و من نیز در جمله سایرین تسلیم فرمانم.

۱۶. اینهايند که در جمع بهشتیان بهترین دستاوردشان را که شهادت عاشورا است از آنان می‌پذیرم و از بدی‌هایشان می‌گذرم. وعده‌درستی که به آن نوید و بشارت می‌گرفتند.

۱۷. و آن‌پسر دیگر که با پدرش زبیر و مادرش اسماء گفت: اف بر شما باد. آیا به من وعده می‌دهید که بعد از مرگم از دل خاک سربرآورم با آن‌که پیش از من امت‌هایی به زیر خاک شدند و برون نشدند. پدر و مادرش با درماندگی از خداوند خود یاری طلبیدند و به فرزند خود گفتند: وای بر تو باد، به روز قیامت ایمان بیاور که وعده‌خدا درست است و آن‌پسر

وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ^{۱۸} وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمَلُوا وَلِيُؤْفِقَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ^{۱۹} وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلْهَبْتُمْ طِبْيَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ^{۲۰} وَادْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَّتْ النُّذُرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ^{۲۱} قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَأْفِكَنَا عَنِ الْآلِهَاتِ فَأْتْنَا بِمَا تَعَدُّوا إِنَّ كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ^{۲۲} قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ^{۲۳} فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ^{۲۴} تَدْمِرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِينُهُمْ كَذَلِكَ

می گفت: وعده قیامت اسطوره پیشینیان است.

۱۸. اینها ایند که نام دوزخی بر جبهات آنان نقش شد و در جمع امت‌هایی از جن و انس وارد شدند که پیش از اینان دوزخی گشتند. اینان در بازار ایمان، هستی خود را از کف دادند و زیان‌بار شدند.

۱۹. برای هر کسی بر طبق کردارش درجاتی است که خداوند جهان باید مسئولیت آنان را وارسی کند و سزای کردارشان را بدهد. حق آنان سیاه نخواهد شد.

۲۰. آن روز که مردم کافر بر آتش دوزخ عرضه شوند به آنان گفته شود: شما خوشی‌ها و کامیابی‌های امروز خود را در زندگی دنیا از دست داده‌اید و لذت‌های خود را در زندگی دنیا می‌جستید. امروز با عذاب خواری کیفر می‌شوید از آن رو که در زمین خود را به ناحق از سایرین بزرگتر می‌شمردید و از آن جهت که از دایره حق بیرون می‌شدید و فاسق بودید.

۲۱. خاطر نشان کن رسالت هود برادر قوم عاد را آن روز که مردم خود را در سرزمین احقاف از روز قیامت بیم داد - و بی‌شک اخطارهای دیگری هم پیش از رسالت هود به دست نوح و بعد از رسالت او به دست صالح صورت گرفت که تماماً شایسته تذکار است و باید خاطر نشان گردد تا حجت خدا روشن گردد - هود به مردم خود گفت: ای مردم من! جز خداوند جهان را پرستش مکنید. من بر شما از عذاب روزی بزرگ خائف و ترسانم.

۲۲. مردم عاد گفتند: آمده‌ای تا با قلب حقیقت، ما را از پرستش خدایانمان بگردانی؟ اگر راست می‌گویی عذاب الهی را بر سر ما نازل کن.

۲۳. هود به آنان گفت: خبر قطعی نزد خداوند است و من رسالت خود را به شما ابلاغ می‌کنم بی‌آن که شما را تهدید کنم اما می‌بینم که شما دست به جهالت می‌زنید و مرا آزار و اذیت می‌کنید و به سوی پیروان من دست تعدی دراز می‌کنید.

۲۴. و چون طوفان شن را در کرانه آسمان دیدند که رو به دره‌های شهر ارم پیش می‌آید

نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ٢٥ وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِن مَّكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا
 وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ
 اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ٢٦ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَفْنَا الْآيَاتِ
 لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ٢٧ فَلَوْ لَا نَصْرُهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَ
 ذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ٢٨ وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفْرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا
 حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصَتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ ٢٩ قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ
 مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَىٰ الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ ٣٠ يَا قَوْمَنَا

گفتند: این ابری است که بر سر کوهساران ما خواهد بارید. اما این ابری نیست که بر سر
 شما باران رحمت ببارد بلکه همان عذابی است که شما با شتاب هرچه تمامتر خواهان آن
 بودید. بادی تند که در آن عذابی دردناک است.

٢٥. با فرمان پروردگارش همه چیز را درهم می کوبد. فردای آن روز جز خانه های درهم
 کوبیده آنان چیز دیگری به چشم نمی خورد. مردم عاد تبهکار بودند و ما تبهکاران مردم را
 به همین صورت سزا می دهیم.

٢٦. به حق سوگند که ما به آنان در قدرت و سطوت نیرو داده بودیم که شما را آن نیرو
 نداده ایم و برایشان گوش ها و چشم ها و دل ها آفریده بودیم تا بشنوند و ببینند و دریابند اما
 گوش ها نشنیدند و چشم ها ندیدند و دل ها نفهمیدند و سودی ببار نیاورند چرا که آیات ما
 را به مسخره و استهزاء انکار می نمودند و کیفر آن استهزا و انکارشان دامن آنان را فرا
 گرفت.

٢٧. ما امت های اطراف شما را در یمن و اردن و وادی القری و شنزار احقاف به دست
 هلاکت سپردیم و آیات خود را برای آنان با چهره های مختلف زیر و رو کردیم ، باشد که
 از راه ضلالت بازگردند.

٢٨. پس چرا آن مقربانی که در عوض خداوند جهان به خدایی گرفته بودند به یاری آنان
 نیامدند. بلکه خدایان خود را فراموش کردند؟ و این است دروغ پردازی و قلب حقیقت و
 این بود بافته های فلسفی و مقربان درگاه الهی و مسئله شفاعت که به هم می بافتند.

٢٩. خاطر نشان کن آن روز را که چند تن از پریان را به سوی تو چرخانیم تا قرآن را از
 زبان خودت بشنوند. و چون حاضر شدند به هم گفتند که ساکت بمانید و گوش بدهید. و
 چون نمازت به پایان رسید به سوی قوم خود بازگشتند که آنان را از خشم و عذاب خدا
 انذار نمایند.

٣٠. به آنان گفتند: ای پریان! ما در این گشت و گذار زمینی آیاتی از یک کتاب آسمانی

أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ۚ^{٣١} وَ مَنْ لَا يُجِبِ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ^{٣٢} أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْزُبْ عَنْهُ مَلَكٌ يُخِيبِي الْمَوْتَى بَلَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^{٣٣} وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ^{٣٤} فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَانَهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوْعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ^{٣٥}

شنیدیم که بعد از موسی نازل شده است و کتاب‌های پیشین را تصدیق و تأیید دارد، مردم را به سوی حق رهبری می‌کند و به راه راست وامی‌دارد.

۳۱. ای پریان! منادی خدا را لبیک بگوئید و دعوت او را اجابت کنید. به او ایمان بیاورید که اگر ایمان بیاورید شما را از گناهانتان پاک می‌کند و از عذاب دردناک دوزخ پناه می‌دهد. ۳۲. آن کسی که منادی خدا را اجابت نکند و ایمان نیاورد راه فرار ندارد و از چنگال خدا خارج نمی‌گردد و جز خدا یاورانی نخواهند بود که او را یاری دهند. اینان در گمراهی آشکاری به سر می‌برند.

۳۳. آیا نمی‌دانند که آفرینش بشر چسان آغاز شده است که امکان حشر عمومی را دریابند و یا نمی‌دانند که آن‌خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفریده است و از آفرینش آسمان‌ها و زمین خسته و چرتی نشد، توانا هست که مردگان را جان ببخشد و زنده سازد؟ چرا. بی‌شک خداوند جهان بر هر کاری توانا است.

۳۴. روز قیامت که مردم کافر بر آتش دوزخ عرضه شوند به آنان می‌گویند: آیا این آتش دوزخ آتش راستین نیست؟ و دوزخیان خواهند گفت: چرا- سوگند به پروردگاران - که این آتش، آتش راستین است. و پروردگارشان گوید: پس به کیفر آن کفر و ناباوری، عذاب آتش را بچشید.

۳۵. اینک تو پایداری کن آن‌سان که پیامبران جدی و با عزیمت ما پایداری کردند و عذاب خدا را برای آنان با شتاب تقاضا مکن که دیر و زود آن فرقی نخواهد کرد. آن‌روز که این کافران عذاب موعود قیامت را با چشم خود عیان ببینند تصور می‌کنند که بیش از ساعتی از یک روز دنیا در حال مرگ به سر نبردند و دوباره چشم خود را به روی زندگی باز کردند. پیام ما در انذار و اخطار قیامت به پایان رسید. آیا غیر از مردمان فاسق که پا از دایره حق بیرون نهاده‌اند به هلاکت خواهند رسید؟

مَحَمَّد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ^١ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بِالْهَمِّ^٢ ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ^٣ فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبِ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثَخْتُمْوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَمَا مَنَّا بَعْدَ وَإِمَا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرْنَا مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ^٤ سَيَهْدِيَهُمْ وَيُصْلِحُ بِالْهَمِّ^٥ وَ

قتال - احكام جنگ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. آنها که کافر شدند و با ایجاد غوغا و بلوا راه خدا را بستند خدا کردار و اعمالشان را برباد داد.

٢. و آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته بجا آوردند و به قرآنی که بر محمد فرود آمده است ایمان آورده‌اند - و آن قرآن درست و برحق است و از پیشگاه پروردگارشان نازل شده است - بدی‌های کردارشان را از نامه اعمالشان زدود و موقعیت آنان را اصلاح کرد.

٣. این همه بدان جهت بود که کافران راه باطل گرفتند و مؤمنان راه آن‌حقی را که از جانب پروردگارشان نازل شده بود، به این صورت خداوند جهان نمودارها و مثل‌های مردم را برایشان مجسم می‌سازد.

٤. بعد از این هرگاه که با کافران در معرکه جنگ رودرو شدید گردن‌هایشان را بزیند به آنان امان مدهید و اسیر مگیرید تا آنگاه که دشمن را زمین گیر سازید و از کر و فر بیندازید. بعد از آن اسیر بگیرید و بندها را بر دست و پایشان محکم ببندید تا بعداً بر آنها منت نهید و آزادشان سازید و یا مبلغی به عنوان بازخرید جان فدا بگیرید و رهایشان سازید. شما باید چندان به اسارت ادامه دهید تا آنگاه که جنگ و قتال سلاح سنگین خود را از تن بر زمین نهد و جبهه آرامش کامل یابد که دیگر به غل کردن اسیران نیازی نماند و باقیمانندگان دشمن را خواه رزمنده و خواه نوکر بعد از خلع سلاح گروهان گروه به پایگاه خود ببرید. فرمان همین است و دستور رزم همین. اگر خدا بخواهد شخصاً از کافران انتقام می‌گیرد ولی فرمان جنگ و قتال را از آن رو صادر کرد تا برخی از شما را در مبارزه با دشمن بیازماید. آن کسانی که در راه خدا کشته شوند هرگز کردارشان را برباد نخواهد داد.

يَدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ ٦ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ٧ وَ
الَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ٨ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ٩
أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ
أَمْثَالُهَا ١٠ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ ١١ إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ
الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ
وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ ١٢ وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي
أَخْرَجْتَكَ أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ ١٣ أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زَيْنَ لَهُ سُوءَ عَمَلِهِ
وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ١٤ مِثْلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ

٥. خداوند آنان را به صف شاهدان جامعه رهبری خواهد نمود و موقعیت آنان را اصلاح خواهد نمود.

٦. و به باغ‌های بهشتی واردشان خواهد ساخت که وصف آن را در قرآن بیان کرده است.

٧. ای اهل ایمان! اگر شما خداوند را یاری نمائید او نیز شما را یاری خواهد کرد و قدم‌های شما را در معرکه نبرد استوار خواهد ساخت.

٨. و آنان که اهل کفرند شکسته باد قدم‌هایشان، خداوند موقعیت آنان را درهم ریخت و اعمالشان را برباد داد.

٩. این سزا بدان جهت بود که از فرمان آسمانی کراهت خاطر داشتند و لذا خداوند رحمان دستاوردها را توقیف کرد.

١٠. آیا در پهنه گیتی سفر نکردند تا بنگرند که فرجام کافران پیشین چسان بود، خداوندشان درهم کوبید و برای این کافران عذابی مانند عذاب‌های آنها است.

١١. این بدان جهت است که خداوند رحمان حامی و سرپرست مؤمنان است و کافران را حامی و سرپرستی بر سر نیست.

١٢. بی‌شک خداوند رحمان کسانی را که ایمان آورده‌اند و دستاورد شایسته دارند وارد بوستان‌هایی می‌کند که از زیر آنها نهرها روان است و کسانی که کافر شده‌اند امروز کامیابی حاصل می‌کنند و مانند چارپایان می‌خورند و فردا آتش دوزخ خوابگاه آنها است.

١٣. و چه بسیاری از امت‌ها که قوی‌تر بودند از این امتی که تو را از وطن اخراج کردند. ما آنان را هلاک کردیم و بی‌یار و یاور ماندند.

١٤. آیا آن کسی که از پیشگاه پروردگارش گواه روشنی دارد با آن کسی همپایه است که دستاورد ناصوابش در نظر آراسته و زیبا می‌نماید؟ اینان کافر شده‌اند و دنبال هوس‌های خود رفته‌اند.

لَمْ يَتَّخِذْ طَعْمَهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةً لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ^{١٥} وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنفًا أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ^{١٦} وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ^{١٧} فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ^{١٨} فَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَسْتَغْفِرُ لَذَنبِكَ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهِ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ^{١٩} وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نَزَّلَتْ سُورَةٌ فَأِذَا نَزَّلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نُظْرَ الْمُغْشَى عَلَيْهِ مِنْ الْمَوْتِ فَأُولَئِكَ لَهُمْ^{٢٠}

١٥. شاخص آن بوستانی که صاحبان تقوا به آن دعوت دارند این است: در آن بوستان نهرها است از آب روان که هرگز راکد نمی‌شوند و نهرها از شیر تازه که طعم آن دگرگون نخواهد شد و نهرها از شراب تخمیری که برای نوشندگان لذیذ و مطبوع است و نهرها از عسل خالص که زوائد آن را تصفیه کرده‌اند. برای صاحبان تقوا در آن بوستان‌ها از همه‌گون میوه‌ای حاضر است به همراه آموزشی از پروردگارشان. آیا صاحبان تقوا که در این بوستان‌ها جاودانه جا دارند همانند مردم بی‌تقوایی که در آتش دوزخ جاودانه بمانند و آب کبریت بنوشند که آب کبریت روده‌هایشان را چاک‌چاک سازد.

١٦. برخی از این کافران به تلاوت قرآنت گوش می‌سپارند تا آنگاه که نمازت پایان پذیرد و از حضورت خارج شوند، به آن مؤمنان که دانش قرآن را دریافته‌اند می‌گویند: سخن تازه چه می‌گفت؟ اینها ایند که خداوند جهان بر دل‌هایشان مهر نهاده است که ایمان نیاورده‌اند و دنبال هوای خود رفته‌اند.

١٧. اما آن کسانی که رهیاب شده‌اند خداوند رحمان بر هدایتشان افزود و برنامه تقوا را به آنان سپرد.

١٨. آیا کافران انتظاری دارند جز این که قیامت ناگهان فرا رسد که بی‌شک طلیعه آن فرا آمده است و چون آثار قیامت برپا شود کجا فرصت آن باشد که پند بگیرند.

١٩. پس تو این را بدان که جز خدای رحمان خدایی نیست و به جز او پناهی نداری. برای گناهت و برای مردان و زنان مؤمن آموزش بخواه. خداوند جهان جولانگاه روز و خوابگاه شبانه شما را می‌شناسد.

٢٠. مؤمنان می‌گویند: چرا يك سورة قرآن نازل نمی‌شود که برنامه جنگی را روشن سازد و چون سوره‌ای با کاردانی نازل شود و برنامه جنگی در آن تذکار شود. خواهی دید که مهاجران بیمار دل با چشم‌های پرتب‌وتاب به سویت می‌نگرند مانند آن کسی که بیهوشی

طَاعَةٌ وَ قَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ^{۲۱} فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطُّعُوا أَرْحَامَكُمْ ^{۲۲} أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَ أَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ ^{۲۳} أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ^{۲۴} إِنْ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَ أَمَلَىٰ لَهُمْ ^{۲۵} ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ^{۲۶} فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وَجُوهَهُمْ وَ أَدْبَارَهُمْ ^{۲۷} ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَ كَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ

مرگ بر او غالب آید و چشمانش در حدقه بچرخد. همان مرگ سزاوار آنهاست.

۲۱. کلمه طاعت ورد زبان آنهاست با اظهارات مطبوع. اما چون کار جنگ و قتال قطعی شود نفاقشان آشکار خواهد شد و راه فرار در پیش می‌گیرند. اگر به تعهدات خود با خدا به درستی و راستی عمل می‌کردند برایشان بهتر بود زیرا صبر و پایداری مرگ کسی را نزدیک نمی‌کند و فرار از جنگ بر عمر کسی نمی‌افزاید.

۲۲. شما ای مهاجران بیماردل که به عزم قبضه کردن قدرت با مؤمنان همگام شده‌اید و به همین جهت در حفظ جان می‌کوشید و از درگیری با دشمن پرهیز دارید. آیا اگر روزی به ولایت و قدرت برسید هوای آن را دارید که در زمین به فساد و خرابکاری دست بیازید و پیوند خویشی را پاره‌پاره سازید؟

۲۳. این‌هاید که خداوندشان لعنت کرده است و گوش‌هایشان را کر نموده و چشم‌هایشان را کور کرده است.

۲۴. آیا قرآن را واری نمی‌نمایند که واقعاً ایمان بیاورند یا واری می‌نمایند و هنوز قفل‌های کفر و جهالت بر دل‌هایشان برقرار است؟

۲۵. بی‌شک آن کسانی که بعد از پذیرش ایمان به عقب بازگردند آن‌هم موقعی که چراغ هدایت برایشان روشن شده است شیطان آرزوهای قلبی را در نظرشان آراسته و افکار پلید را به آنان املا کرده است.

۲۶. این همکاری بدان جهت صورت گرفت که مهاجران بیماردل با کافران قریش که از برنامه قرآن دلی خوش ندارند گفتند: با ما یار و کمک باشید ما به زودی به قدرت می‌رسیم و برخی از خواسته‌های شما را در اعطای پست‌ها و تغییر برنامه‌ها اطاعت می‌کنیم و خداوند قرار نهانی آنان را می‌داند.

۲۷. امروز که حال و روزشان خوب است ولی حال آنان چسان خواهد بود روزی که فرشتگان جان آنها را توقیف کنند و با تازیانه آتشین بر صورت‌ها و پشت‌های آنان بکوبند.

أَعْمَالَهُمْ^{۲۸} أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ^{۲۹} وَ لَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَ لَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَ لَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ^{۳۰} وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَ الصَّابِرِينَ وَ نَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ^{۳۱} إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ شَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئاً وَ سَيَحِيطُ أَعْمَالَهُمْ^{۳۲} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تَبْطُلُوا أَعْمَالَكُمْ^{۳۳} إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ^{۳۴} فَلَا تَهِنُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلُونَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَتْرِكُمْ أَعْمَالَكُمْ^{۳۵} إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوَ

۲۸. و این بدان جهت است که بیمار دلان دنبال برنامه‌ای رفته‌اند که خدا را به خشم آورده است و از حکم قرآن که خدا را خوشنود می‌کند کراهت خاطر دارند. و از این رو خداوند جهان اعمال آنان را توقیف کرد.

۲۹. آیا این مهاجران بیمار دل پنداشته‌اند که خداوند رحمان کینه‌های نهان را از سینه‌هایشان برون نمی‌اندازد که رسوا شوند؟

۳۰. اگر ما بخواهیم آنان را در رؤیا بر تو نمایان می‌سازیم و تو آنان را با چهره‌ی ظاهری خواهی شناخت. در حال حاضر تو آنان را با آهنگ سخن توانی شناخت. خداوند کردار همه‌ی شما را می‌شناسد.

۳۱. ما آن سوره‌ی جنگ را که شما مؤمنان خواهان شده بودید نازل کردیم و بی‌شک شما را با جنگ و قتال با دشمنان می‌آزماییم تا آنگاه که مجاهدان شما را بشناسیم و صاحبان صبر و استقامت را تشخیص دهیم و خبرهای جبهه را وارسی کنیم و صدق و کذب شما را بیازماییم.

۳۲. آن کسانی که کافر شده‌اند و با ایجاد بلوا راه خدا را بستند و بعد از آنکه راه هدایت برایشان روشن شده بود با رسول خدا به ستیز آمدند هرگز به خداوند رحمان زیانی نمی‌رسانند و خداوند جهان دستاورد آنها را توقیف خواهد نمود.

۳۳. ای اهل ایمان! خدا را فرمان ببرید و رسول خدا را فرمان ببرید و با نافرمانی دستاورد خود را باطل و بی‌اثر نسازید.

۳۴. آن کسانی که کافر شدند و با ایجاد بلوا راه خدا را بستند، و بالاخره در حال کفر و تمرد مردند هرگز خداوند جهان آنان را نخواهد آمرزید.

۳۵. پس شما اهل ایمان به هنگام قتال و درگیری سستی مگیرید که بعد از آن دشمن را به صلح و سازش دعوت کنید با آن که شما برترید و خداوند جهان با شماست و دستاورد شما را کم و کاست نخواهد کرد.

إِنْ تُوْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَ لَا يَسْئَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ ۚ إِنَّ يَسْأَلْكُمْوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبَخَّلُوا
وَيُخْرِجْ أَضْعَانَكُمْ ۚ هَآأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَدْعُونَ لِنُفْقُوا فِي سَبِيلِ اللّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخَلُ وَمَنْ
يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلْ عَن نَّفْسِهِ وَاللّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِن تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا
يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ ۚ

۳۶. جز این نیست که زندگی دنیا بدون ایمان، بازی و سرگرمی است، پوچ و بی‌فرجام. و اگر شما ایمان بیاورید و راه تقوا بگیرید از پوچی رها می‌شوید و خداوند رحمان مزد و پاداش شما را عطا می‌کند و برای آزمون ایمانتان اموال شما را تقاضا نمی‌کند.

۳۷. اگر اموال شما را خواهان شود و اصرار کند شما مردم با بخالت و خست ابا می‌ورزید. به این وسیله خدا ناخالصی شما را برملا می‌سازد و عقده‌های شما را از دین و ایمان از پرده برون می‌ریزد.

۳۸. اینک این شما هستید که دعوت می‌شوید تا در راه خدا انفاق کنید. و کسری بودجه را تأمین نمایید. ولی برخی از شما مؤمنان از همان مبلغ ناچیز و نازل بخل می‌ورزد و امساک می‌کند. با آن که هرکس از پرداخت اموال خود در راه خدا دریغ بورزد از جان خود دریغ کرده است که خود از پاداش عظیم آن محروم می‌شود. خداوند رحمان از شما و اموال شما بی‌نیاز است و این شما هستید که به درگاه خدا نیازمندید. اگر شما از فرمان خدا روگردان شوید شما را می‌برد و به جای شما مردم دیگری به عرصه می‌آورد که بعد از آزمون با شما همسان نباشند.

الْفَتْح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا^١ لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا^٢ وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا^٣ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا^٤ لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا^٥ وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا^٦ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيمًا حَكِيمًا^٧ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا^٨ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزُّوهَ وَتُوقِرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً و

بازگشایی بن بست؛ پیمان مسالمت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. ما راه پیروزی را بر تو گشودیم گشایشی که پیروزی را نمایان سازد.
٢. تا خداوند رحمان گناهان پیشین تو را در خونریزی جنگ بدر و گناهان بعدی تو را در خونریزی احد و احزاب بیوشاند و نعمت خود را بر تو تمام کند و تو را به راه راست رهنمون گردد.
٣. و تو را بر دشمنانت نصرت دهد نصرتی که از دست‌اندازی دشمنانت برکنار دارد.
٤. او همان خدایی است که آرامش را بر دل مؤمنان نازل کرد تا بر اثر فتح و گشایش ایمانی بر ایمان خود بیفزایند. سپاه آسمان‌ها و زمین مال خداوند است و خداوند رحمان دانا و کاردان بوده است که چنین معاهده‌ای صورت بست.
٥. این همه برای آن بود که مؤمنان را از مرد و زن به بوستان‌هایی درآورد که از زیر آنها نهرها روان است. جاودانه در آن بوستان‌ها می‌مانند و برای آن است که بدی‌هایشان را از نامه اعمالشان بشوید و این در پیشگاه خداوند رحمان رستگاری بزرگی محسوب است.
٦. و برای آن که منافقان و مشرکان را از مرد و زن عذاب کند که درباره خداوند رحمان گمان‌های بد بردند. بخت بد بر سر آنان بچرخد. خداوند راه هدایت را بر آنان بست و بر آنان خشم گرفت و لعنتشان کرد و برایشان دوزخ را برافروخت. دوزخ جایگاه بدی است.
٧. سپاه آسمان‌ها و زمین مال خداوند است و خداوند جهان عزتمند و کاردان بوده است.
٨. به یقین ما تو را به عنوان شاهد بر کردار و اعمال مردم مبعوث نمودیم و عنوان دیگر

أَصِيلاً^٩ إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا^{١٠} سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا^{١١} بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزَيَّنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَّتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا^{١٢} وَ مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا^{١٣}

که مؤمنان را به بهشت بشارت دهی و کافران را از دوزخ بترسانی.

٩. این بعثت برای آن بود که شما مردم به خدا و رسول خدا ایمان بیاورید و خواسته‌های او را با احترام لازم و ادب کامل به مرحله اجرا بگذارید - و نام او را با توقیر و تکریم لازم بر زبان بیاورید و صبح و عصر به تسبیح و تقدیس او بپردازید.

١٠. به یقین کسانی که با تو بیعت می‌کنند جز این نیست که با خداوند رحمان بیعت می‌کنند. چون دست خدا بالای دست آنهاست، هر کس عهد و بیعت خود را بشکند جز این نیست که بر زیان خود می‌شکند و هر کس عهد و پیمانی را که در اثر بیعت با خدا بسته است به صورت کامل ایفا کند خداوند رحمان مزد عظیمی به او خواهد داد.

١١. به زودی آن دسته از اعراب بادیه که از همراهی تو در سفر عمره تخلف کردند به عنوان عذرخواهی خواهند گفت: ما به مزارع و احشام و مراقبت از زنان و فرزندان سرگرم شدیم و از سفر عمره بازماندیم. برای ما استغفار کن تا خداوند رحمان تقصیر ما را ببخشد. اینان با لقلقه زبان مغفرتی را خواهان شده‌اند که در دل اعتقادی به آن ندارند. به آنان بگو: شما که نام خداوند را از زندگی خود حذف کرده‌اید اگر خداوند جهان که دانای آشکار و نهان است بخواهد به شما زیانی وارد کند و یا سودی برساند چه کسی می‌تواند در کار او دخالت کند و زیان او را بگرداند و یا سود او را مانع گردد. نه چنان است که خداوند جهان از خیانت شما بی‌اطلاع و بی‌خبر مانده باشد. خداوند جهان به دستاورد شما خبیر و آگاه است.

١٢. مراقبت از مال و فرزند، شما را از سفر عمره و همراهی با رسول خدا مانع نگشت بلکه شما تصور می‌کردید که رسول خدا و مؤمنان همراهش از شرّ قریش در امان نمی‌مانند و به خانه‌های خود بازمی‌گردند. این تصور در دل‌های شما آراسته و پیراسته آمد و گمان‌های شوم و پلید در مغز شما جا گرفت. شما مردمی بی‌مصرف و بیهوده بودید.

١٣. با این تخلف معلوم شد که ایمان ندارید و هر کس از روی صفا به خدا و رسول خدا ایمان نیاورده باشد کافر است و ما برای کافران گازه‌های فروزان مهیا کرده‌ایم.

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَعْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا^{١٤}
 سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَانِمَ لِنَاخِذُهَا ذُرُونًا تَتَّبِعُكُمْ يَرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ
 قُل لَّن تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِن قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا^{١٥}
 قُل لِّلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعُونَ إِلَى قَوْمِ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسَلِّمُونَ فَإِن
 تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِن تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِّن قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا^{١٦} لَيْسَ
 عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَمَن يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَدْخُلْهُ
 جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَن يَتَوَلَّ يَُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا^{١٧} لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ
 إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا^{١٨}

١٤. پادشاهی آسمان‌ها و زمین مال خداست، هر که را بخواهد می‌آمرزد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند و خداوند جهان‌آمرزنده و مهربان بوده است.

١٥. و چون در سفر بعدی به سوی دشمن بتازید تا غنائم موعود را دریا بید بازماندگان شهری که در عمرهٔ حدیبیه سایهٔ خانه‌ها را ترجیح داده‌اند به شما خواهند گفت: بگذارید که ما هم با شما بسیج گردیم. می‌خواهند سخن خدا را دگرگون سازند. بگو شما هرگز همراه ما نمی‌آیید. خداوند جهان قبلاً گوشزد کرده است که غنائم بعدی ویژهٔ حاجیان عمره خواهد بود و منافقان خواهند گفت: در قرآن چنین سخنی گوشزد نشده است. بلکه شما حسد می‌ورزید که ما هم در غنائم موعود با شما شریک و همسفر باشیم. نه چنین است بلکه این منافقان جز به میزان ناقصی قرآن را فهم نمی‌کردند که پیشگویی ما را دریابند.

١٦. به آن دسته از اعراب بادیه که از سفر عمره تخلف کردند. بگو: به زودی شما به سوی رزمندگانی سخت‌کوش و صاحب‌صولت بسیج و دعوت می‌شوید با این شرایط که با آنان پیکار کنید و آنان را از دم تیغ بگذرانید مگر آن که تسلیم شوند و ایمان بیاورند. اگر شما در آن دعوت دوم اطاعت کنید خداوند رحمان پاداش خوبی به شما عطا خواهد کرد و اگر پشت کنید و روگردان شوید آن‌سان که در نوبت قبلی روگردان شدید خداوند جهان شما را در همین دنیا با عذاب دردناکی عذاب خواهد کرد.

١٧. بر کوران شما حرجی نیست و نه بر شلان و نه بیماران که در بسیج عمومی شرکت نمایند. از افراد سالم هرکس طاعت خدا و رسول را برگزیند خداوند رحمان او را به بهشت برین هدایت می‌کند که از زیر درختانش نهرها جاری است و هرکس پشت کند خداوند جهان او را با عذاب دردناکی عذاب خواهد کرد.

١٨. خداوند رحمان از مؤمنان خوشنود شد که در زیر درخت سمره کنار حدیبیه با تو بیعت کردند. خدا آن ترس و اضطرابی که در دل‌هایشان بود می‌دانست و سکینه و آرامش را بر

و مَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ١٩ وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ٢٠ وَ أُخْرَى لَمْ تَقْدَرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ٢١ وَ لَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا الْأَدْبَارُ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَ لَا نَصِيرًا ٢٢ سَنَةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَن تَجِدَ لِسَنَةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ٢٣ وَ هُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ٢٤ هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوكُمْ عَنِ

آنان نازل نمود و به پاداش این بیعت و حمایت راه آنان را برای یک پیروزی و گشایش نزدیک هموار نمود.

١٩. با اموال فراوانی که از دشمن به غنیمت بگیرند و خداوند رحمان عزتمند و کاردان بوده است.

٢٠. خداوند به شما که بیعت کردید و خدا و رسول خدا را تعزیر و توقیر نمودید اموال فراوانی وعده می فرماید که از دست دشمن به چنگ آورید و غنائم بعدی را که از یهودیان خیبر نصیب شما گردانید با تعجیل بیشتری به شما تقدیم کرد درحالی که دست قریش را هم از تعرض نگه داشت که با شما درگیر نشدند. از آن رو غنائم موفوری وعده می دهد تا شما را از نظر مادی غنی سازد و برای آن که آیتی باشد برای مؤمنان که چسان وعده خدا عملی شد و فتح خیبر میسر گشت و برای آن که شما را به راه راست رهنمون گردد.

٢١. غنائم دیگری هم از ایران و روم به شما وعده می کند که اینک قادر به تصاحب آن نیستید خداوند رحمان بر جریان آن احاطه کامل دارد و به موقع نصیب شما می سازد. خدا بر هر کاری توانا بوده است.

٢٢. اگر خداوند رحمان دست کافران قریش را کوتاه نمی کرد و با شما وارد پیکار می گشتند بی شک پیروز نمی گشتند و پشت به میدان نبرد فرار می کردند بی آن که برای خود مدافع و یابوری بیابند.

٢٣. این پیروزی بی زحمت، سنت خداست که در امت های پیشین هم جاری بوده است و تو هرگز سنت الهی را دگرگون نخواهی یافت.

٢٤. او است که در سال جاری دست قریش را از تعرض به ساحت شما نگه داشت و دست شما را از تعرض به ساحت آنان، آن هم در وسط شهر مکه و داخل مسجدالحرام بعد از آن که شما را بر آنان ظفر داد که با حشمت و سطوت وارد مکه گشتید و آنان خانه های خود را تخلیه کردند و بر سر کوهها ساکن شدند. خداوند جهان به دستاورد شما بینا بوده است.

المَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحَلَّهُ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوُّوهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا^{٢٥} إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا^{٢٦} لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا^{٢٧} هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ

٢٥. و آنان همان کسانی هستند که به قرآن شما کافر شدند و سال گذشته با غوغا و بلوا راه شما را به مسجدالحرام بستند و قربانی‌های کعبه را بازپس راندند که به قربان گاهشان نرسند و اگر نه آن بود که مردان و زنانی مؤمن به صورت ناشناس در مکه ساکن مانده‌اند و شما آنان را نمی‌شناسید و امکان داشت که با هجوم خود آنان را زیر پا له کنید و ندانسته خون آن‌بی‌گناهان دامن شما را آلوده کند. خداوند رحمان دست شما را بر سر آنان دراز می‌کرد و شما را بر آنان نصرت می‌داد که با قهر و زور وارد شوید و مناسک خود را به پایان ببرید ولی دست شما را کوتاه کرد تا هر که را بخواهد ظرف این چندساله مهلت، به سوی ایمان و هجرت بکشاند و در رحمت خود جای دهد. اگر آن مردان و زنان مؤمن از شهر مکه خارج می‌شدند و از جمع کافران جدا می‌گشتند بی‌شک کافران مکه را با عذاب دردناکی عذاب می‌کردیم.

٢٦. کافران مکه آن‌روز شعله‌ تعصب و خشم جاهلیت را در دل خود افروختند و راه حرم را بستند. خداوند رحمان آرامش خود را بر رسول خود و بر مؤمنان نازل کرد و آنان را به شعار «اتَّقُوا اللَّهَ» الزام فرمود و مؤمنان به رعایت این شعار سزاوارتر از دیگران بودند و اهل تقوا بودند که حرمت حرم را نگه‌داشتند و به سوی حدیبیه بازپس نشستند بی‌آن‌که سلاحی برکشند و خداوند رحمان به هر کاری دانا بوده است.

٢٧. به یقین خداوند رحمان رؤیای رسول خود را به حق و راستی تعبیر کرد صورت رؤیا حکایت می‌کرد که شما در حال امن و امان وارد حرم می‌شوید - اگر خدا بخواهد - و درحالی که سر می‌تراشید و مو و ناخن را کوتاه می‌نمایید از لباس احرام خود خارج می‌شوید بی‌آن‌که ترسی از دشمن داشته باشید. خدا که سال گذشته شما را بازگرداند چیزها می‌دانست که شما نمی‌دانستید و پیش از آن‌که رؤیا تأویل شود و شما به حرم درآید پیروزی نزدیک را در خیبر برای شما مقرر کرد.

كَلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ٢٨ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ٢٩

٢٨. او است که رسول خود را با چراغ هدایت و قانون برحق گسیل فرمود تا او را بر تمام جلوه‌های دین خود چیره سازد و چیزی را ناگفته نگذارد و خداوند جهان برای گواهی و داوری کافی است.

٢٩. محمد رسول خداست و آنان که همراه اویند بر سر کافران پرخشونت و در میان خود پرمهرند آنان را خواهی دید که گاهی در رکوع و سجودند و نماز می‌خواهند و گاه به تلاش معاش و روزی برخاسته‌اند و فضل خدا را می‌جویند به همراه رضایت خاطر او. نشان ایمانشان در چهره‌هایشان بر اثر سجده نمودار است. این است تصویر مجسم مؤمنان در کتاب تورات و اما تصویر مجسم آنان در کتاب انجیل تصویر شاخه گندم است که ساقه سبز خود را از زمین برآورد و آن را دامن بدهد تا سطبر شود و چنان بر ساقه‌های خود چتر بگشاید که زارعان را به شگفت آورد. تصویر مؤمنان را در انجیل عیسی از این رو به شاخه گندم آورد تا کافران را از رشد سریع مؤمنان به خشم آورد. خداوند رحمان به کسانی که ایمان آورده‌اند و اعمال شایسته انجام می‌دهند وعده مغفرت و مزد فراوان داده است.

الحُجرات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^١ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ^٢ إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ^٣ إِنَّ الَّذِينَ ينادُونَكَ مِنَ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ^٤ وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ^٥ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُكُمْ عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ^٦ وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ

ادب، ایمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. ای اهل ایمان! بر خدا و رسول خدا در رأی و سخن پیش میفتید. از خدا بترسید که خداوند جهان سخن شما را می شنود و به کار و کردار شما دانا است.
۲. ای اهل ایمان! صدای خود را فراتر از صدای پیامبر بلند نکنید و آن سان که با یکدیگر با داد و فریاد و تندی سخن می کنید با رسول خدا سخن مکنید که طاعات شما توقیف شود و شما خود بی خبر بمانید.
۳. به یقین کسانی که با کمال احتیاط و مراقبت صدای خود را در پیشگاه رسول خدا کوتاه می کنند که مبدا از حد توقیر و ادب خارج شوند. اینها کسانی هستند که خداوند رحمان دل هایشان را برای رعایت تقوا آزمون کرده است. برای آنان آمرزش و پاداش بزرگ مهیاست.
۴. آن کسانی که برخلاف توقیر و ادب داخل مسجد می ایستند و از پشت دیوار حصیری خانهات تو را آواز می دهند بیشترشان اندیشه بکار نمی بندند.
۵. اگر آنان صبر و تأمل کرده بودند تا خود از خانه برون آیی و آنان را ملاقات کنی برای آنان بهتر بود. خداوند رحمان آمرزندهٔ مهربان است و خطای این مردم بی اندیشهٔ بی ادب را خواهد بخشید.
۶. ای اهل ایمان! اگر مردی فاسق برای شما خبری بیاورد خبر او را سند نگیرید. شما باید تحقیق کنید و واری نمیاید. مبدا که با جهالت و تندی بر قومی تاخت برید و آسیبی بر آنان وارد نمایید و فردای آن از کردهٔ خود نادم شوید.

لَعْنَتُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ^٧ فَضلاً مِنَ اللَّهِ وَ نِعْمَةً وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^٨ وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَت إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ^٩ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ^{١٠} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْراً مِنْهُمْ وَلَا نَسَاءٌ مَنْ نَسَاءَ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْراً مِنْهُمْ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ بئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ

٧. شما باید این را بدانید که رسول خدا در میان شما به سر می برد او تکلیف شما را بهتر می داند. اگر رسول خدا در بیشتر کارها نظر شما را اطاعت و اجرا کند شما خودتان به رنج و بلا می افتید. خداوند رحمان این رخصت را به شما نمی دهد که بی اجازه او فرمانی صادر کنید و یا برنامه ای را سر خود به مرحله اجرا بگذارید. بلکه خداوند رحمان بارها برکات ایمان را به شما ارائه داد تا محبت آن را در دل های شما راسخ و پابرجا سازد و چنانش آراست که بدانید رسول خدا بهتر می داند و بهتر می تواند برنامه بریزد و بارها نافرجامی کفر و بدزبانی و تمرد را به شما نشان داد تا دل های شما را از این سه خصلت شوم شیطانی برماند که دیگر فرمان رسول را با سخن کفرآمیز و متلک های اهانت آمیز و یا تخطئه و تمرد زیر پا نگذارید. آنان که با اخلاص و صفا اطاعت کنند و راه کفر و بدزبانی و عصیان را ببندند راه رشد خود را باز یافته اند.

٨. و این همه از فضل خدا و نعمت بخشی او است و خداوند رحمان دانا و کاردان بوده است که طاعت رسول خود را طاعت خود دانسته است.

٩. و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم درگیر جنگ شوند شما اهل ایمان در میان آنان صلح و صفا برقرار سازید، و اگر يك طایفه بر طایفه دیگر ستم کرد که با خودخواهی حق آنان را پامال کند شما باید با طایفه خودخواه ستمگر پیکار کنید تا آنگاه که از خودخواهی دست بردار و به فرمان خدا بازگردد. پس اگر به فرمان خدا گردن نهاد با عدالت و انصاف میان آن دو طایفه را اصلاح کنید. و حتماً حق را به صاحب حق بازگردانید نه آن که با حق کشی صلح و صفا را برقرار سازید. خداوند رحمان دادگران را دوست می دارد.

١٠. جز این نیست که در پیشگاه قانون مؤمنان با هم برادرند. پس میان دو برادر خود را - اگر درگیر نزاعند - اصلاح کنید و از خشم خدا بترسید که با هواداری از این يك حق آن يك را ناحق کنید. باشد که مورد رحمت قرار بگیرید.

فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ^{۱۱} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ^{۱۲} يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ^{۱۳} قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِن تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَآ يَلْتَمِسَنَّ مِنكُمْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ^{۱۴} إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَ

۱۱. ای اهل ایمان! مراقب باشید که مردان هیچ قبیله‌ای مردان قبیله دیگر را به استهزاء و تمسخر نگیرند ممکن است که ایمان آنان بهتر از ایمان اینان بوده باشد. مراقب باشید که زنان هیچ قبیله‌ای زنان قبیله دیگر را به استهزاء نگیرند ممکن است که ایمان آنان بهتر از ایمان اینان بوده باشد. شما ای اهل ایمان - از زن و مرد - بر روی کسی عیب مگذازید و برچسب مزید و با متل‌های مسخره‌آمیز بر روی کسی لقب نپرانید. بعد از آن که آدمی ایمان بیاورد باید بداند که بدزبانی و متل‌پرانی فسق است و فاسق، نامی نکوهیده است. کسانی که از بدزبانی و لیچارگویی جاهلیت دست برداشته‌اند سیه‌کارند.

۱۲. ای اهل ایمان! از گمان بد در حداکثر امکان اجتناب بورزید که برخی از گمان‌های بد پیش‌داوری ناحق است. و اگر گمان بد در مغز شما جا گرفت درصدد پی‌جویی و تجسس و واریسی برنیابید. از یکدیگر در غیاب هم بدگویی نکنید که مؤمنان غایب در حکم مردگانند و یارای دفاع و مقابله را ندارند آیا در میان شما کسی هست که بخواهد گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ شما همگان چهره خود را از نفرت درهم کشیدید و معلوم شد که از خوردن گوشت مردگان نفرت دارید. پس باید از بدگویی و غیبت پرهیز کنید. اگر تاکنون مرتکب غیبت و بدزبانی شده‌اید باید از خشم خدا بترسید و توبه نمایید به یقین خداوند جهان توبه‌پذیری مهربان است.

۱۳. ای مردمان! ما همه شما را از یک زن و مرد آفریدیم و در طول تاریخ به فامیل‌ها و قبیله‌ها منشعب کردیم تا موقعیت خود را در تبار و نژاد بشر شناسایی نمایید. میراث اجداد شما می‌تواند انگیزه تحقیق و پژوهش در سیر فرهنگ‌ها و شناخت ژن‌ها و نژادها و انتقال دانش‌ها و تمدن‌ها بوده باشد ولی نمی‌تواند مایه فخر و مباهات شما باشد. آن کرامتی افتخار دارد که خداوند جهان به آن ارج نهد و خداوند جهان جز به تقوای دینی ارج نمی‌نهد و گرمی‌ترین شما انسان‌ها در پیشگاه خدا با تقواترین شما خواهد بود. خداوند جهان به میزان تقوا و کرامت انسان‌ها دانا و باخبر است.

۱۴. اعراب بادیه می‌گویند که ما هم ایمان آورده‌ایم و باید در امتیازات ایمان با دیگران

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ١٥ قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ
وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ١٦ يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ
أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُم بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
١٧ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ١٨

شريك و سهيم باشيم. به آنان بگو: شما ايمان نياورده ايد كه در امتيازات ايماني با ديگران سهيم باشيد. نگويد كه ايمان آورده ايم بگويد كه ما تسليم شده ايم. شما با زبان ايمان آورده ايد اما هنوز ايمان در دل هاي شما نافذ نيست. با وجود اين اگر شما از فرمان خدا و رسول خدا اطاعت كنيد خداوند رحمان از دستاورد شما چيزي كسر نمي گذارد و همين ايمان زباني و تسليم عملي را سند مي شناسند. خداوند رحمان آمرزنده و مهربان است.

١٥. در پيشگاه خدا تنها كساني مؤمنند كه به خدا و رسول خدا ايمان آورده باشند و بعد از آن ترديد و شك به دل راه نداده باشند و با مال و جان خود در راه خدا جهاد کرده باشند. اينهايند كه در ادعای ايمان صادق و راستگويند.

١٦. بگو: آيا شما مي خواهيد خداوند جهان را از دين و ايمانتان باخبر سازيد با آن كه خداوند جهان هرچه در آسمان ها باشد مي داند و هرچه در زمين باشد مي شناسد؟ و خداوند به هر چيزي دانا است.

١٧. اينان بر تو منت مي گذارند كه در برابر فرمانت تسليم شده اند. بگو: بر من منت مگذاريد كه اسلام آورده ايد و به فرمان من تسليم شده ايد زيرا فرمان، فرمان من نيست بلكه فرمان خداست. اگر شما راستگو باشيد كه واقعاً در برابر فرمان قرآن تسليم شده ايد بر خدا هم منت نگذاريد زيرا كه خدا از اطاعت شما سودي نمي برد بلكه خدا بر شما منت دارد كه شما را به سوي ايمان هدايت کرده است تا راه بهشت را در پيش بگيريد و از دوزخ برهيد.

١٨. بي شك خداوند جهان نهران آسمان ها و زمين را مي داند و خداوند جهان به دستاورد شما بينا است و پاداش شما ضايع نخواهد ماند.

ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ق وَ الْقُرْآنَ الْمَجِيدِ ١ بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ ٢
إِذَا مِتْنَا وَ كُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ ٣ قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَ عِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ ٤
بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ ٥ أَقَلَّمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا
وَ زَيَّنَّاهَا وَ مَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ ٦ وَ الْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَ أَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ
زَوْجٍ بَهِيجٍ ٧ تَبْصِرَةً وَ ذِكْرًا لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ ٨ وَ نَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ
وَ حَبَّ الْحَصِيدِ ٩ وَ النَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ ١٠ رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَ أَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ

ق - قیامت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. ق. سوگند به قرآن مجید.
٢. که این کافران تو را ساحر و کذاب نمی دانند بلکه درشگفت آمده اند که یک تن از میان آنان برخاسته و با عذاب های آسمانی اندازشان می کند که از خشم خدا بترسید. از این رو کافران می گویند که حیات بعد از مرگ چیز شگفتی است.
٣. آیا بعد از آن که مردیم و خاک شدیم دوباره جامعه زندگی برتن می کنیم؟ زندگی بعد از مرگ، بازگشتی دور از خرد است.
٤. بی شک آمار آن کسانی را که از جمع بشر در خاک می شوند دانسته ایم. در پیشگاه ما لوحی است که هر پدیده ای را در حافظه خواهد سپرد.
٥. نه چنین است که این کافران قرآن تو را ساخته فکر بشر بدانند بلکه دانسته و فهمیده حقیقت را تکذیب می نمایند و لذا شوریده فکرند که درباره قرآن چه بگویند.
٦. آیاه آسمان بالای سر نظر نکردند که چگونه اش بنیان نهادیم و به صورت شبتابها آراسته کردیم. اینک آسمانها سخت و صخره ای است و رخنه ای در سطح آنها مشهود نیست.
٧. و کره خاک را گسترده و در دل آن کوههای پابرجا و ریشه دار افکندیم که بستر خاک درهم نریزد و در سطح آن از گیاه و بوته و گل جفت های روح افزا پروراندیم.
٨. تذکار این نکته ها بدین خاطر است که وسیله بینش و معرفت باشد برای آن بندگانی که از هر جا به سوی خدا باز می گردند.
٩. و از آسمان، بارانی پیایی نازل کردیم پایا و پربرکت که در دسترس مردم باقی بماند و بعداً به وسیله آن باران جنگلها و بوستانها رویاندیم با دانه های خوراکی چون گندم و جو

الْخُرُوجِ ۱۱ كَذَبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ أَصْحَابُ الرَّسِّ وَ ثَمُودُ ۱۲ وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ وَ إِخْوَانُ لُوطٍ ۱۳ وَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَ قَوْمُ تَبَعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدُ ۱۴ أَفَعَيَّبْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ۱۵ وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلَمُ مَا تُوَسَّوَسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ۱۶ إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَ عَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ ۱۷ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ۱۸ وَ جَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ۱۹ وَ نَفَخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعِيدِ ۲۰ وَ جَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ ۲۱ لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ

که باید درو شوند و برداشت گردند.

۱۰. و شاخه‌های خرما رابه آسمان افراشتیم که خوشه‌های آن بر زبرهم چیده و آویزان است.
۱۱. تا رزق و روزی بندگان ما باشد و با آن باران سرزمین‌های مرده خشکیده را هم جان بخشیدیم و سبزه‌زاری زنده و خرم برآوردیم. رستاخیز آدمیان در حیات پس از مرگ بر همین منوال است.
۱۲. پیش از این مردم، قوم نوح و صاحبان رود ارس و قوم ثمود انذار معاد را تکذیب کردند.
۱۳. و قوم عاد و فرعون مصر و برادران قوم لوط.
۱۴. و اصحاب جنگل در مدین و مردم تبع در یمن. همه این اقوام و ملل رسولان را تکذیب کردند و تهدید من درباره آنان درست آمد که همگان نابود شدند.
۱۵. آیا با آفرینش اول، درمانده و خسته گشتیم تا از آفرینش بعدی منصرف گردیم؟ نه چنین است بلکه آنان از آفرینش نو در شبهه به سر می‌برند.
۱۶. ما آدمی‌زاده را آفریده‌ایم و خاطرات نفسانی او را می‌دانیم. ما به آدمی از آن رگ که خون را به قلب او می‌ریزد نزدیک‌تریم.
۱۷. دو گیرنده از راست و چپ بر دوش‌های آدمی جا گرفته‌اند که تصویر اعمال آنان را ضبط می‌نمایند.
۱۸. هیچ سخنی از دهان بیرون نمی‌ریزد جز آن که گیرنده‌ای برای دریافت آن مهیاست.
۱۹. مستی مرگ حقایق را در برابر چشمان او فرا آورد و فرشتگان ارواح ظاهر شدند. این همان مرگی است که از آن گریزان بودی.
۲۰. بعد از آن در شیپور بیداری دمیده خواهد شد. این همان رستاخیز موعود است.
۲۱. هرکسی که وارد محشر شود مأموری از فرشتگان او را به پیش می‌راند و مأموری به عنوان گواه با او می‌شتابد.

مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ^{۲۲} وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ^{۲۳} أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ^{۲۴} مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُرِيبٍ^{۲۵} الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ^{۲۶} قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطَّعْتَهُ وَلَكِنْ كَانَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ^{۲۷} قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ^{۲۸} مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ^{۲۹} يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ^{۳۰} وَارْتَفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ^{۳۱} هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ^{۳۲} مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ الْعَلِيمَ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ^{۳۳} ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ^{۳۴} لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ^{۳۵} وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ

۲۲. بی شک تو از دیدار این روز بزرگ بی خبر بودی و ما پرده از روی دیدگانت بر گرفتیم که امروز چشمانت تیزبین است.

۲۳. همدم کافرش خواهد گفت: این چشم بینا و تیزبین مرا هم نیز فراهم است.

۲۴. ای شاهدان و ای نگهبانان! هر جا ناسپاسی کینه‌توز است به دوزخ بیفکنید.

۲۵. هر کس راه را بر منافع دیگران سد می‌کند و به نعمت دیگران دست تجاوز دراز می‌کند و به هر کسی با دیده شک و سوءظن می‌نگرد.

۲۶. آن که با وجود خداوند رحمان از خدای دیگری نام می‌برد در عذاب سخت دوزخ بیفکنید.

۲۷. او فریاد می‌زند: پروردگارا! این همدم من بود که مرا به سرکشی و تمرد کشید و همدم او خواهد گفت: پروردگارا! من او را به سرکشی و تمرد نکشیدم. او خود به دور از شاهراه حق در بیراهه گام می‌زد که من با او یار و همراه گشتم.

۲۸. پروردگارشان گوید: در پیشگاه من نزاع و جدل مکنید که هر دو باید به دوزخ شوید.

۲۹. من تهدید دوزخ را از روز اول به شما اخطار کرده بودم در پیشگاه من سخن دگرگون نشود و من هرگز کسی را به هنگام کیفر بیش از حد سیه‌کاریش سیاه نخواهم کرد.

۳۰. آن روز به دوزخ می‌گوییم: آیا پر شده‌ای؟ و دوزخ تقاضا کند که آیا باز هم زیاده بر این هست؟

۳۱. و آن روز سیاره بهشت را برای پرهیزکاران نزدیکتر می‌آورند نه تا آن حد دور.

۳۲. تا نعمت و صفای آن مشهود گردد و عطر و رایحه آن مشام را پر کند و بگویند: این بهشتی است که شما نوید آن را دریافت کرده‌اید که: «هر کس در هر فرصت به درگاه خدا بازگردد و نماز کند حرمت قانون را هم نگه‌دار باشد.

۳۳. هر کس در خلوت از خدا بهراسد و با اخلاص دل از خطا بازگردد بهشت برین مأوای او خواهد بود».

۳۴. اینک با دلی خوش و آرام به بهشت درآیید. امروز روز جاودانی است.

هُم أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ ^{٣٦} إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ ^{٣٧} وَ لَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ مَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ ^{٣٨} فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ ^{٣٩} وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ آذَانَ السُّجُودِ ^{٤٠} وَ اسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ ^{٤١} يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ ^{٤٢} إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَ نُمِيتُ وَ إِلَيْنَا الْمَصِيرُ ^{٤٣} يَوْمَ تَشْفَقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ^{٤٤} نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ ^{٤٥}

٣٥. برای آن پرهیزگاران هرچه بخواهند در بوستان‌های بهشتی فراهم است و در خزانه غیب ما نعمت‌های دیگری هم هست که بر آن بیفزاییم.

٣٦. پیش از این مردم، چه بسیار امت‌ها را ما به دست هلاکت سپردیم که از اینان قوی‌تر بودند و با مهارت و هنرمندی راه خود را به سوی سرزمین‌های دورتر گشودند و سفر کردند. آیا این مردم بی‌دست‌وپا راه‌گریزی دارند؟

٣٧. بی‌شک در این مثل‌ها و گذشته‌های عبرت‌آمیز خاطره‌های پندآمیزی وجود دارد اما برای آن کسی که دلی دانا دارد و گرنه گوش دل می‌سپارد تا با حضور قلبی بفهمد و دریابد.

٣٨. به حق سوگند که ما آسمان‌ها و زمین را با آنچه در میانه آسمان‌ها و زمین است ظرف شش‌روز آفریدیم و با این فرصت کم گرچه سیصد هزار سال شما باشد روی خستگی ندیدیم.

٣٩. پس تو هم که در هدف این آفرینش به کار رسالت پرداخته‌ای بر اهانت کافران صوری پیشه کن و بی‌ملال و خستگی دعوت حق را دنبال کن و ساعتی پیش از طلوع خورشید و ساعتی قبل از غروب خورشید پروردگارت را با حمد و ثنا تسبیح کن.

٤٠. و چندساعتی از شب را هم برخیز و او را تسبیح کن و نیز در تعقیب نمازها او را تسبیح بگو تا خستگی روح را دور سازی.

٤١. و گوش فرابسپار تا آن‌روزی که جارچی حق از جای نزدیکی فریاد برکشد.

٤٢. آن‌روز که مردم آن فریاد آسمانی را بشنوند آن‌روز روز سر برآوردن از خاک است.

٤٣. به یقین این ما هستیم که جان می‌بخشیم و جان می‌گیریم و همگان به سوی ما می‌شوند.

٤٤. آن‌روز که فریاد منادی از شیپور بیدارباش عمومی در فضا بیچد و توده خاک را بلرزاند آدمیان از شکاف زمین بیرون افتند. این‌گونه رستاخیز بر ما سهل و آسان است.

٤٥. ما به مهملاتی که آنان درباره معاد بشر به هم می‌بافند داناتریم و تو نگهبان آنان

نیستی که با سرنیزه بر سر آنان بایستی تا ایمان بیاورند. فقط با تلاوت قرآن و ابلاغ رسالت، آن کسانی را متذکر ساز که از تهدید من بیمناکند و می‌هراسند.

الدَّارِيَات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالدَّارِيَاتِ ذُرُوءًا^١ فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا^٢ فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا^٣ فَالْمَقْسَمَاتِ أَمْرًا^٤ إِنَّمَا تُوْعَدُونَ صَادِقٌ^٥ وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ^٦ وَالسَّمَاءَ ذَاتَ الْجُبِّ^٧ إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ^٨ يُؤَفِّكُ عَنْهُ^٩ مَنْ أَفَكَ^٩ قَتَلَ الْخَرَاصُونَ^{١٠} الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ^{١١} يَسْتَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ^{١٢} يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ^{١٣} ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ^{١٤} إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ^{١٥} آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ^{١٦} كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ

ذاریات - بادهای زمینی. طبیعت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. سوگند به آن بادها که خار و خس را پُرآن سازند.
۲. سپس بار سنگینی از آب دریا را بردوش کشند.
۳. سپس با نرمی و سهولت در آسمان روان گردند.
۴. و آب را قطره قطره اینجا و آنجا پخش کنند با فرمانی که در دست دارند.
۵. که تمام این وعده‌ها و وعیدها که می شنوید درست و برحق است.
۶. وقانون خدا جا خواهد افتاد.
۷. سوگند به آسمان زحل با حلقه‌های راه‌راه آن.
۸. که شما مردم درباره قیامت دچار آشفته‌گویی هستید.
۹. آن کسی از شناخت قیامت چپ می‌شود که نهاد او چپ باشد.
۱۰. مرگ بر یاوه‌گویان بی‌اساس.
۱۱. آنان که در گرداب جهالت سرگردانند.
۱۲. می‌پرسند که روز قانون کی فرا می‌رسد.
۱۳. روز قانون، روزی فرا می‌رسد که این کافران بر تاوه آتش کباب شوند تا از پلیدی بدر آیند.
۱۴. بچشید طعم پلیدی خود را. این همان آتشی است که در دنیا به دیدار آن شتاب می‌کردید.
۱۵. به یقین پرهیزکاران در بهشت‌ها و چشمه‌زارها به سر می‌برند.
۱۶. آنچه را پروردگارش عطا کرده است به چنگ می‌آورند. آنان پیش از قیامت با نیک‌اندیشی کارهای نکو کرده‌اند.

اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ^{١٧} وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ^{١٨} وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ^{١٩} وَ فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ^{٢٠} وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَ فَلَا تُبْصِرُونَ^{٢١} وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ^{٢٢} فَو رَبَّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنْكُمْ تُنطِقُونَ^{٢٣} هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ^{٢٤} إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ^{٢٥} فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ^{٢٦} فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ^{٢٧} فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَ بَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ^{٢٨} فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صِرَّةٍ فَاصْكَتْ وَ جَهَّهَا وَ قَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ^{٢٩} قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ^{٣٠} قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ^{٣١} قَالُوا إِنَّا

١٧. ساعات کمتری شب را بخواب بودند.

١٨. و در سحرگاهان هفتادبار استغفار می کردند.

١٩. در اموال آنان حقی برای دربیوزگان و محرومان منظور شده بود.

٢٠. در دل خاک و صفحه زمین برای اهل یقین نشانه‌ها مشهود است.

٢١. در جان‌هایتان نیز نشانه‌ها وجود دارد آیا چشم خود را باز نمی‌کنید؟

٢٢. روزی شما با هر وعد و وعیدی که می‌شنوید در آسمان است و از آنجا نازل می‌گردد.

٢٣. سوگند به پروردگار آسمان و زمین که این سخن درست و برحق است، با همان درستی و قاطعیتی که شما اندیشه دارید و سخن می‌پرورید.

٢٤. آیا خبر میهمانان گرامی ابراهیم به تو واصل شده است؟

٢٥. آن روز که بر او وارد شدند و گفتند: سلام. و ابراهیم گفت: سلام. و با خود گفت: جمعی ناآشنا و بیگانه این سامان!

٢٦. ابراهیم به مطبخ رفت و سپس به اندرونی منزل پیچید و همسرش را مطلع کرد تا مراقب میهمانان باشد سپس گوساله‌ای غرق روغن به اطاق پذیرایی آورد و طبق گوساله را در وسط نهاد.

٢٧. میهمانان نزدیک نیامدند و ابراهیم طبق را نزدیک آنان برد و گفت: آیا تناول نمی‌کنید؟

٢٨. میهمانان باز هم تناول نکردند و ابراهیم احساس خطر کرد. میهمانان گفتند: مترس که ما فرشتگانیم و او را به میلاد پسری دانا مژده دادند.

٢٩. همسر ابراهیم که با نگرانی مراقب آنان بود با ولوله پیش آمد و با دست بر صورت نواخت که ای وای پیری نازا و فرزند؟!

٣٠. فرشتگان گفتند: پروردگارت گفته است به همین صورت که پیری نازا هستی و شوهرت فرتوت و سالخورده باشد صاحب فرزند می‌شوید. پروردگارت کاردان و دانا است.

أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمِ مَجْرِمِينَ ۖ لَنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِينٍ ۖ مَسْومَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ
لِلْمُسْرِفِينَ ۖ فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۖ فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ
الْمُسْلِمِينَ ۖ وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۖ وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى
فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ۖ فَتَوَلَّىٰ بُرْكَانَهُ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ۖ فَأَخَذْنَاهُ وَجُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ
فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ ۖ وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ ۖ مَا تَدْرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ
إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ ۖ وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُم تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ۖ فَعَتَّوْا عَن أَمْرِ رَبِّهِمْ ۖ

۳۱. فرشتگان بعد از بشارت بازهم توقف کردند و ابراهیم گفت: ای مأموران حق برنامه بعدی چیست؟

۳۲. گفتند: ما به سوی مردمی تبهکار و مجرم گسیل شده‌ایم.

۳۳. تا سنگپاره‌هایی ساخته از سیمان و گل بر سر آنان فرواندازیم

۳۴. که در آسمان‌های پروردگارت علامت‌گذاری شده است. برای همین مردم تندرو که از حد قانون تجاوز کرده‌اند.

۳۵. ما فرشتگان به شهر سدوم رفتیم و همه مؤمنان را از آن شهر برون بردیم.

۳۶. فقط یک خانواده را مسلمان یافتیم که نجاتشان دادیم.

۳۷. و کسی را برجا ننهادیم فقط آثار و نشانه‌هایی از شهرها برجا نهادیم که نشانه‌ای باشد برای آن کسانی که از عذاب دردناک الهی بیمناک باشند.

۳۸. در حکایت موسی نیز آیت و نشانی است. آن روز که او را باسندی به سوی فرعون فرستادیم که حق را آشکار می‌کرد؟

۳۹. فرعون جداگانه با هواداران حزبی خود به مشورت و کنکاش نشست و گفت: نمی‌دانم درباره موسی چه بگویم، بگویم ساحر است که اژدها و ید بیضا نشان می‌دهد و می‌خواهد به قدرت برسد و بنی‌اسرائیل را برعلیه حکومت بشوراند. یا بگویم: بیماری است که با کمک جن فکر ریاست در سر می‌پرورد.

۴۰. ما فرعون را با سپاهیان به کیفر گرفتیم و به دریا انداختیم و او به هنگام غرقه شدن خود را ملامت می‌کرد.

۴۱. و در حکایت قوم عاد هم آیت و نشانی دیگر است آن روز که بادی تند و بی‌برکت بر سر آنان مأمور کردیم.

۴۲. که برهرچه می‌گذشت درهم می‌کوبید و خاکش را بر باد می‌داد.

۴۳. در حکایت قوم ثمود هم آیتی دیگر بود آن روز که به آنان گفتند: تا به ناقه صالح آسیبی نرسانیده‌اید در زندگی دنیا به کامیابی و تمتع بپردازید.

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ۚ فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ ۗ ۴۵ وَ قَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ۚ ۴۶ وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ۗ ۴۷ وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ ۗ ۴۸ وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۗ ۴۹ فَفَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ ۗ ۵۰ وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ ۗ ۵۱ كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْتَنُونَ ۗ ۵۲ أَتَوَصَّوْا بِهِ بِلُحْمِ قَوْمٍ طَآغُوتٍ ۗ ۵۳ فَتَوَلَّوْا عَنْهُمْ فَأَمَّا أَنْتَ يَا مُحَمَّدٌ بِمَلُومٌ ۗ ۵۴ وَ ذَكَرَ فَإِنَّ الدَّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ۗ ۵۵ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ۗ ۵۶ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونَ ۗ ۵۷ إِنَّ اللَّهَ هُوَ

۴۴. ولی قوم ثمود از فرمان پروردگارشان سر به طغیان برکشیدند و ناقه را پی کردند و غرشی سهمگین از صاعقه‌ای سنگین برخاست که آنان تماشاگر صحنه بودند.
۴۵. با این ضربه کوبنده هوار ساختمان‌ها بر سرشان فرو ریخت که نتوانستند بپا خیزند و بگریزند و نه انتقام خود را بگیرند.
۴۶. و قوم نوح را هم پیش از همه اینان هلاک کرده بودیم چرا که مردمی فاسق و بی‌قانون شده بودند.
۴۷. ما آسمان را با دست قدرت آفریدیم و ما در آینده نزدیک بر وسعت آسمان‌ها می‌افزاییم.
۴۸. و کره خاک را گسترديم تا گهواره شما باشد و ما گهواره‌ساز خوبی بوده‌ایم.
۴۹. و از هر چیزی يك جفت ماده و نر آفریدیم، باشد که کارپردازی ما را به خاطر بنگارید.
۵۰. پس شما باید از آیات و نشانه‌های ما درس بگیرید و از عذاب خدا به سوی خدای یکتا بگریزید به یقین من از سوی خداوند جهان اخطارکننده‌ای هستم که آشکارا اعلام خطر می‌کنم.
۵۱. با خدای جهان، خدای دیگری قرار مدهید به یقین من از سوی خداوند جهان اخطارکننده‌ای هستم که آشکارا اعلام خطر می‌کنم.
۵۲. این‌سان امت‌های پیشین را رسولى نیامد جز آن‌که گفتند: یا ساحر است که با سحر خود معجزه می‌کند و یا بیماری است که با پریان نرد عشق می‌بازد.
۵۳. آیا به هم توصیه کردند که يك صدا این برچسب را به انبیا بچسبانند؟ نه. بلکه اینان طاعی و سرکش بودند و با هر تهمتی که توانستند با انبیا مقابله کردند.
۵۴. اینک از آنان روگردان و از دعوت آنان دست بردار که دیگر بر تو ملامتی روا نیست.
۵۵. فقط با تلاوت قرآن یادآوری کن که خاطره قرآن، مؤمنان را مفید است.
۵۶. من پریان و آدمیان را نیافریدم مگر آن‌که مرا بپرستند نه ارواح عالیه را و نه جن و

الرَّزَاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ^{۵۸} فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ^{۵۹}
فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ^{۶۰}

ملك را تا چه رسد به بت‌های سنگی.

۵۷. من از بندگانم روزی نمی‌خواهم که از بار غرامت روزی فرار کنند و نه از آنان خواستارم که مرا با یک وعده غذا اطعام نمایند.

۵۸. بی‌شک خداوند جهان رزاق همگان است صاحب‌نیروی استوار.

۵۹. به یقین برای این سیه‌کاران سطلی از عذاب خود پر کرده‌ایم مانند آن سطلی که برای یارانشان پر کرده‌ایم. پس نمی‌باید مرا در ارسال عذاب و کیفر به شتاب کردن وادارند که فروریختن آن، کار آسانی است.

۶۰. وای بر این کافران از آن روزشان که تهدید می‌شوند.

الطُّور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ الطُّورِ^١ وَ كِتَابٍ مَّسْطُورٍ^٢ فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ^٣ وَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ^٤ وَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ^٥ وَ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ^٦ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ^٧ مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ^٨ يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا^٩ وَ تَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا^{١٠} قَوْلٍ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ^{١١} الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ^{١٢} يَوْمَ يَدْعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاً^{١٣} هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكذِّبُونَ^{١٤} أَ فَسَحَرُ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ^{١٥} أَصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ^{١٦} إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ

کوه طور - منشور ده فرمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. سوگند به کوه طور.
٢. سوگند به ده فرمان که نوشته شد.
٣. در الواحی نازک بریده از سنگ.
٤. سوگند به آسمان مشتری که آبادان و پر نعمت است.
٥. سوگند به سقف بلند آستروئیدها و سنگپاره‌ها.
٦. سوگند به خورشید جوشان چون دریای خروشان.
٧. که عذاب پروردگارت به همراه شهاب طارق در راه است.
٨. هیچ دافعی در مقابل آن نیست که راه آن را سد کند و یا منحرفش سازد.
٩. آن روز که سیارهٔ مریخ منفجر شود، گاه لمعان کند درخشان شود، گاه شعله فروکشد محو و تاریک شود.
١٠. و کوهپاره‌های آن در فضا روان گردد.
١١. وای بر این کافران در آن روز که رسالت قرآن را تکذیب می‌کنند.
١٢. آنان که دربارهٔ قرآن به بحث و جدل فرو رفته‌اند و الفاظ را به بازی گرفته‌اند.
١٣. آن روز که به سوی دوزخ پرتاب شوند.
١٤. فریادی بشنوند که این است همان آتش دوزخ که تکذیب می‌نمودید.
١٥. آیا این دوزخ فروزان هم جادو است یا چشمانتان نابیناست که نمی‌بینید.
١٦. اینک در تفت آتش کباب شوید، می‌خواهید ساکت بمانید و تحمل کنید، یا تحمل نکنید و فریاد و شیون برآرید فرقی نخواهد کرد. کسی بر سکوت شما ترحم نمی‌آورد و از شیون شما به تنگ نمی‌آید. شما سزای دستاورد خود را دریافت می‌کنید.

نَعِيمٌ ۱۷ فَكَهَيْنَ بِمَا آتَاهُمُ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ۱۸ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۱۹ مَتَكَبِّرِينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ۲۰ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهينٌ ۲۱ وَآمَدْنَاَهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ ۲۲ يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَ لَا تَأْتِيمُ ۲۳ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غُلَامٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لَوْلُو مَكْنُونٌ ۲۴ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ۲۵ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ۲۶ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ ۲۷

۱۷. به یقین در آن روز پرهیزکاران به بوستان‌های بهشتی درآمده‌اند و به نعمت دلخواه خود رسیده‌اند.

۱۸. به عطای پروردگارشان خرم و شادند پروردگارشان آنان را از عذاب دوزخ نگهبان شده است.

۱۹. بخورید و بیاشامید. گوارایتان باد به پاداش آن طاعتی که بجا آورده‌اید.

۲۰. بر کرسی‌های راحتی لم داده‌اند و ما با حوریان آهوچشم تزویجشان کرده‌ایم.

۲۱. و آن کسانی که در آغاز شرایع ایمان آورده باشند و نسل آنان با ایمانی ساده و تلقینی، راه پدر را پیروی کرده باشند روز قیامت به احترام آن جانفشانی‌ها و فداکاری‌ها که پدران در راه احیاء دین و هموار کردن راه ایمان برای آیندگان به عمل آورده‌اند نسل آنان را به آنان ملحق می‌کنیم و بدین خاطر که ایمان فرزندانسان ساده و تلقینی صورت گرفته است و در راهی صاف و هموار و بی‌دغدغه گام برداشته‌اند پاداش اعمال آنان را کسر نمی‌گذاریم. اما همگان هر که باشد خواه پدر و خواه پسر به خاطر اعمال ناپسند و گناه‌آلود خود در گرو مسئولیت الهی خواهد ماند و گناه کسی به خاطر ایمان و فداکاری پدر بخشوده نخواهد گشت.

۲۲. ما پرهیزکاران را با میوه‌های گوناگون و هر نوع گوشتی که اشتهای آن را داشته باشند از خارج بوستان‌هاشان مدد می‌رسانیم.

۲۳. در آن بوستان‌ها جام شراب را از دست هم می‌ربایند شرابی که نه لودگی و بی‌مغزی می‌آورد و نه زورگویی و بدزبانی.

۲۴. و پسرانی کم‌سال برای خدمتگزاری آنان مأمورند که گویا مروارید غلتانند و از صدف بیرون آمده‌اند.

۲۵. در مجالس ضیافت حال یکدگر را می‌پرسند.

۲۶. و همگان پاسخ می‌دهند که ما زندگی پیشین خود را در میان خاندانمان با نگرانی از دوزخ به سر کردیم.

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ^{۲۸} فَذَكَرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ^{۲۹} أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ^{۳۰} قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ^{۳۱} أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ^{۳۲} أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ^{۳۳} فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِن كَانُوا صَادِقِينَ^{۳۴} أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمْ الْخَالِقُونَ^{۳۵} أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ^{۳۶} أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمْ

-
۲۷. اینک خداوند رحمان با این نعمت جاوید منت نهاد و ما را از تفت دوزخ رهانید.
۲۸. ما همواره در زندگی پیشین خدا را به یاری خود می‌خواندیم و خداوند ما را در شناخت هدایت یاری کرد. به یقین خداوند رحمان نکوکار و مهربان است.
۲۹. اینک تو با تلاوت قرآن خاطرهٔ بهشت و دوزخ را تذکار کن که تهدید و نوید در تربیت آدمی دو رکن اساسی است. سوگند به همین نعمت پروردگارت قرآن که تو کاهن نیستی که پریان را به خدمت گرفته باشی و نه مجنون که تو در خدمت آنان بوده باشی.
۳۰. آیا گفته‌اند که ساحر است و منتر جادو می‌خواند یا می‌گویند که شاعر است و شعر نو می‌سراید باید بر دین خود بپاییم تا یک مرگ مشکوک صدای او را خاموش سازد.
۳۱. بگو: شما در انتظار مرگ من بنشینید که بی‌شک من نیز به انتظار مرگ شما خواهیم بود.
۳۲. آیا بی‌فکر و بی‌هدف تهمت شعر نو به او بسته‌اند یا با تبنانی و همفکری یک‌زبان شده‌اند تا راه را بر سایرین سد کنند و یا مردمی سرکش و طغیانگرند که با هر تهمت‌ی به مقابلهٔ قرآن برآمده‌اند.
۳۳. و یا می‌گویند که قرآن را پیش خود ساخته و به نام خدا منتشر ساخته است؟ نه. بلکه نمی‌خواهند ایمان بیاورند.
۳۴. اگر راست می‌گویند که قرآن ساختهٔ دیگران است پیامی نو مانند قرآن بیاورند و ادعای خود را به ثبوت برسانند.
۳۵. آیا تصور می‌کنند که از هیچ به وجود آمده‌اند و اصولاً خالق ندارند تا رسولی بفرستد و قرآن نازل کند؟ یا تصور می‌کنند که خود خالق خویشند و خود برنامهٔ زندگی را تنظیم می‌نمایند؟
۳۶. پس تکلیف آسمان‌ها و زمین چه خواهد بود؟ آیا آسمان‌ها و زمین هم از هیچ و پوچ به وجود آمده‌اند و خالق ندارند یا اینان بوده‌اند که آسمان‌ها و زمین را آفریده‌اند؟ نه. این مردم چنین ادعایی ندارند بلکه از بدگمانی، یقین به آخرت ندارند.

المُصِيطِرُونَ ۳۷ أَمْ لَهُمْ سَلْمٌ يَسْتَمْعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعَهُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ۳۸ أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَ
لَكُمْ الْبَنُونَ ۳۹ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ۴۰ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ ۴۱
أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ ۴۲ أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا
يُشْرِكُونَ ۴۳ وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ ۴۴ فَذَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا
يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ ۴۵ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۴۶ وَإِنْ

۳۷. آیا اینان از نعمت‌های آسمان و زمین بی‌نیازند و یا خزینة پروردگارت در اختیار آنهاست که هرچه بخواهند بردارند و یا خود با قدرت قاهری که دارند بر آسمان‌ها و زمین تسلط دارند.

۳۸. یا نردبانی دارند که به آسمان‌ها برشده‌اند و عقاید خود را از فرشتگان بالا دریافت کرده‌اند؟ آن کسی که به آسمان‌ها رفته است و از فرشتگان فلسفه چندخدایی را شنیده است باید سندی ارائه نماید که ادعای او را روشن سازد.

۳۹. و یا تصور می‌کنید که دخترها مانند فرشتگان آسمانی مال خدایند و باید به کار الفت و محبت بپردازند و پسران مال شمايند تا چون پریان به کار جنگ و غارت بپردازند از این رو تکلیف بشر از مرد و زن مشخص شده است و نیازی به قرآن و رسالت نیست؟
۴۰. و یا تو از مردم بر رسالت خود کارمزدی سنگین طلب کرده‌ای که از ادای آن عاجز و ناتوانند و از ترس غرامت ایمان نمی‌آورند؟

۴۱. و یا لوح محفوظ در نظر آنان عیان است و سرنوشت زندگی را شخصاً با دست خود از روی آن می‌نویسند؟

۴۲. و یا می‌خواهند حيله‌ای بیندیشند و با «يك مرگ مشکوك» تو را از سر راه خود بردارند. پس باید بدانید و بدانند که این کافران حيله‌گر در دام حيله خود گرفتارند.

۴۳. و یا فلسفه دو خدایی را از مجوسیان آموخته‌اند و غیر از خدای آسمان‌ها خدای دیگری از زمین جسته‌اند و پرستش می‌نمایند؟ خداوند جهان از آلودگی شرک این کافران منزّه و برکنار است.

۴۴. ما اینان را با عذاب آسمانی و سقوط شهاب طارق تهدید کرده‌ایم اما اگر اینان ببینند که يك قطعه از همان آسمان‌های سنگی در حال سقوط است می‌گویند: پاره‌ابری متراکم شده است.

۴۵. پس تهدید آسمانی اثر نمی‌گذارد و اجرای تهدید هم جز هلاک و دمار آنان ثمری ببار نمی‌آورد. از این رو به خاطر اتمام حجت آنان را مهلت می‌دهیم تا به پایان عمر مقدر برسند. پس تو آنان را به حال خود بگذار تا روز خود را به عیان دیدار کنند که با سقوط

لَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ^{٤٧} وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ^{٤٨} وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ^{٤٩}

شهاب طارق همگان قالب تهی می‌نمایند.

٤٦. آن روز که مکر و حيلة آنان دردی از دردها را دوا نمی‌کند و نه دست یاری به سوی آنان دراز می‌شود.

٤٧. اما پیش از فرارسیدن آن روز برای سیه‌کارانشان که حقایق را بر مردم عامی قلب می‌نمایند و گمراهشان می‌سازند عذابی قبل از عذاب قیامت منظور کرده‌ایم ولی بیشترشان نمی‌دانند.

٤٨. اینک تو دعوت و تذکارت را دنبال کن و تا روزی که داوری پروردگارت صورت بگیرد و عذاب موعود آنان فرارسد صبوری پیشه کن و از حيلة آنان مه‌راس که ما چشم از تو بر نمی‌داریم. با ستایش و ثنا پروردگارت را تسبیح کن به هنگامی که از بستر خوابت برخیزی.

٤٩. و در قسمتی از آخر شب با نوافلهات خدا را تسبیح کن تا ستارگان شبتاب پشت کنند و رو به افول گذارند.

النَّجْمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ۝^١ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ۝^٢ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۝^٣ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۝^٤ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ۝^٥ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ ۝^٦ وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ۝^٧ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ۝^٨ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ۝^٩ فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ۝^{١٠} مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ۝^{١١} أَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ۝^{١٢} وَلَقَدْ رَأَهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ۝^{١٣} عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ۝^{١٤} عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ۝^{١٥} إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ ۝^{١٦} مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ۝^{١٧} لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ ۝^{١٨} أَفَرَأَيْتُمْ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ ۝^{١٩}

نجم ثاقب - معراج، لقاء روح القدس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. سوگند به شهاب طارق چون آماده سقوط گردد.
۲. که رسول شما راه خود را گم نکرده است که حیران و سرگشته بماند و نه هوش و خرد را از کف داده است که بیراهه را راه درست پندارد.
۳. او از خواسته دل، زبان باز نمی کند.
۴. تلاوت او وحی است که بدو اشارت می شود.
۵. قرآن را روحی سخت پرتوان بدو فرا آموخته است.
۶. صاحب سرعت که چون برق بر سر او بال و پر گسترد.
۷. و او در آسمان مشتری بالاتر از افق زمین بود.
۸. سپس نزدیک آمد و چون توده مه فرو آویخت.
۹. با فاصله ای به درازای دو کمان تیراندازان و یا کمتر از آن.
۱۰. او به بنده خود وحی کرد آنچه باید وحی کند.
۱۱. دل آن بنده تکذیب نکرد آنچه را بر فراز سر می دید.
۱۲. شما با او به جدل برخاسته اید و دیده او را به شبهه می افکنید؟
۱۳. او روح قدسی را در یک نوبت دیگر هم که فرود آمد دیدار نمود.
۱۴. آنجا که آسمان هفتم چون دانه سدر می چرخد.
۱۵. آنجا همان بهشتی است که مأوای او است.
۱۶. موقعی که آسمان هفتم را حیات و نعمت فراگیرد.
۱۷. چشم او از پرتو روح القدس خیره نشد و فراتر نرفت.
۱۸. بی گمان بزرگترین نشانه پروردگار خود را عیان دید.

وَمِنَّا الثَّالِثَةَ الْآخِرَى ۲۰ أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَى ۲۱ تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَى ۲۲ إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَى ۲۳ أَمْ لِلنَّاسِ مَا تَمَنَّى ۲۴ فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى ۲۵ وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي عَنْهُمْ شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مَنْ بَعَدَ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى ۲۶ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَى ۲۷ وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا ۲۸ فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۲۹ ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ

۱۹. شما چه تصور کرده‌اید؟ آیا لات و عزی را در افق اعلا دید؟

۲۰. و سومین خدای شما را به نام منات؟

۲۱. آیا هرچه نر باشد مال شما است و آنچه زن باشد از آن خداست که نه تنها فرشتگان بلکه بتها را هم به نام زنان نامیده‌اید؟

۲۲. این تقسیم زنانه، تقسیمی نابرابر است.

۲۳. این لات و عزی و منات سوم، خدایان شما نیستند. این نامها ویژه زن‌ها است که شما و پدرانتان بر روی بتها نهاده‌اید و خداوند جهان سندی بر خدای آنها نازل نکرده است. این مردم از پندار و گمان خود پیروی می‌کنند و آنچه را دل‌هایشان بخواهد دنبال می‌نمایند با آن که از جانب پروردگارشان رهنمود هدایت واصل شده است.

۲۴. آیا آدمی زاده می‌تواند هرکسی را بخواهد به خدایی برگزیند؟ و یا هرچه تمنی کند حق تصاحب آن را دارد؟

۲۵. پس بدانید و بدانند که نعمت آخرت و نعمت دنیا هر دو مال خداوند جهان است و به هر که مقرر کند عطا خواهد کرد.

۲۶. چه بسیارند فرشتگانی که در آسمان‌ها جای دارند و با این تعالی و تقرب، شفاعت آنان دردی از دردهای مردم را دوا نخواهد کرد مگر بعد از آنی که خداوند جهان اجازه دهد آن‌هم برای کسی که بخواهد و با شرایط مخصوصی رضا بدهد.

۲۷. کافرانی که به روز قیامت و زندگی آخرت ایمان نمی‌آورند فرشتگان آسمانی را با نام‌های زنان می‌خوانند.

۲۸. با آن که از هویت فرشتگان بی‌اطلاعند. اینان فقط پندار خود را دنبال می‌کنند و بی‌شک پندار آدمی هرچه باشد او را از شناخت حقیقت بی‌نیاز نخواهد کرد.

۲۹. از این‌رو: هرکس به قرآن ما پشت کند و جز زندگی دنیا را نجوید از دعوت او رو بگردان.

اهْتَدَى ٣٠ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى ٣١ الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اتَّقَى ٣٢ أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى ٣٣ وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى ٣٤ أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهوَ يَرَى ٣٥ أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى ٣٦ وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى ٣٧ أَلَا تَرَى وَازِرَةً وَزَرَ أُخْرَى ٣٨ وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ٣٩ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يَرَى ٤٠ ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى

٣٠. دانش آنان بیش از این رسا نیست. پروردگارت آن کسی را که از راه او منحرف باشد

بهتر می‌شناسد و همان پروردگارت به حال کسی که رهیاب باشد داناتر است.

٣١. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است مال خداست. همه‌چیز را در اختیار خود گرفت تا بدکاران را مطابق دستاوردشان کیفر دهد و نیکوکاران را به بهتر از نعمت دنیا پاداش دهد.

٣٢. آنان که از گناهان بزرگ چون بهتان و تزویر و داوری ناحق که جان را آلوده و سیاه می‌سازد و از کارهای فاحشه چون زنا و هم‌جنس‌بازی که جامعه را آلوده می‌سازد پرهیز می‌کنند مگر آن که گاهی در اثر هوس به حریم گناهان بزرگ نزدیک می‌شوند و با ندامت بازمی‌گردند. پروردگارت آمرزشی وسیع و فراگیر دارد و نزدیک شدن به گناهان بزرگ را که خود جرم و گناه است بر آنان می‌بخشاید. خداوند به حال شما داناتر است و بهتر می‌داند که وقتی شما را از خاک پرورید و هنگامی که شما در شکم مادران خود بودید از آلودگی ژن‌های ناتمیز برکنار نمانده‌اید. پس شما خود را پاک و منزّه شمارید. کوشش کنید که با تقوا انگیزه گناهان بزرگ را بی‌اثر سازید. خدا مردم باتقوا را بهتر می‌شناسد و به حال آنان داناتر است.

٣٣. تو خود چگونه داوری خواهی کرد؟ آیا آن کسی که به قرآن پشت کند و نماز نخواند.

٣٤. زکاتی اندک بپردازد و قطع کند می‌تواند خود را پاک بداند؟

٣٥. آیا دفتری از عالم غیب را در اختیار دارد که پاکی و طهارت خود را در صفحات آن می‌بیند؟

٣٦. یا به این حقیقت که در دفتر موسی ثبت است.

٣٧. و هم دفتر ابراهیم که حق مطلب را ادا کرده است باخبر نیست.

٣٨. که هرگز گناهکاری بار گناه دیگران را بر دوش نمی‌گیرد.

٣٩. و انسان به پاداشی دست نمی‌یابد جز همان پاداشی که در تحصیل آن تلاش کرده باشد.

٤١ وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ ٤٢ وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَكَ وَأَبْكَى ٤٣ وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا ٤٤ وَأَنَّهُ خَلَقَ
 الزَّوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ٤٥ مِنْ نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ ٤٦ وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَىٰ ٤٧ وَأَنَّهُ هُوَ أَعْنَىٰ
 وَأَقْنَىٰ ٤٨ وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَىٰ ٤٩ وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ ٥٠ وَثَمُودَ فَمَا أَبْقَىٰ ٥١ وَقَوْمَ نُوحٍ
 مِّنْ قَبْلِ إِيَّاهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَىٰ ٥٢ وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ ٥٣ فَغَشَّاهَا مَا غَشَّىٰ ٥٤ فَبِأَيِّ آلَاءِ
 رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ ٥٥ هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذْرِ الْأُولَىٰ ٥٦ أَزِفَتِ الْأَرْفَةُ ٥٧ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ ٥٨

-
٤٠. و نتیجه تلاش او به زودی رؤیت می شود.
 ٤١. سپس به پاداش کامل آن خواهد رسید؟
 ٤٢. و یا به این حقیقت دیگر نرسیده است که داوری درباره هرکس و هرچیز به پروردگارت ختم می شود.
 ٤٣. او شادی و غم داده است که می خنداند و می گریاند.
 ٤٤. اوست که جان می گیرد و جان می بخشد.
 ٤٥. اوست که جانها را جفت آفرید به صورت نرها و مادهها.
 ٤٦. از نطفه ای که در حال وصال به رحم ریزد.
 ٤٧. و بر عهده اوست که نطفهها را در نشئه دوم، لباس حیات ببوشاند.
 ٤٨. اوست که در سرحد کفاف بی نیازتان می سازد و یا بیش از حد کفاف به دولت و مکتب می رساند.
 ٤٩. و همو است که در فضای دورتر خورشید دیگری چون ستاره شعری می پرورد.
 ٥٠. اوست که اولین نسل عاد را نابود کرد.
 ٥١. و از قوم ثمود کسی را برجا نهد.
 ٥٢. و پیش از عاد و ثمود قوم نوح را غرقه طوفان کرد که در سیه کاری و سرکشی سرآمد دیگران بودند
 ٥٣. و شهرهای لوط را به آسمان پرتاب کرد و فرو انداخت.
 ٥٤. و با رگباری از سنگ و گل چهره آن را پوشید.
 ٥٥. ای انسان به کدامین آثار پروردگارت تردید روا می داری.
 ٥٦. این قرآن به شما اخطار می کند و از نمونه اخطارهای اولین است.
 ٥٧. هشیار باشید که عذاب الهی همچنان به سوی شما می تازد.
 ٥٨. غیر از خداوند رحمان کسی نمی تواند عذاب او را برطرف سازد.

أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ^{٥٩} وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَتَّبِعُونَ^{٦٠} وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ^{٦١} فَاسْجُدُوا لِلَّهِ
وَأَعْبُدُوا^{٦٢}

٥٩. آیا از این سخن به شگفت آمدید؟

٦٠. می‌خندید با آن که باید گریه کنید.

٦١. سربه هوا شاد و شنگولید.

٦٢. اگر نه چنین است برای خداوند رحمان به خاک بیفتید و عبادت کنید.

القَمَر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ^١ وَإِن يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ^٢ وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ^٣ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ^٤ حَكِيمَةٌ بِالْغَةِ فَمَا تَغْنِ النَّذْرُ^٥ فَتَوَلَّوْا عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعُ إِلَى شَيْءٍ نُّكْرٍ^٦ خَشَعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ^٧ مَّهْطَعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ^٨ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمَ نُوحٍ فَكَذَّبُوهُ عَيْدَنَا وَوَعَدْنَا مَجْنُونَ^٩ وَازْدَجَرٌ^٩ فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرْ^{١٠} فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّنْهَمِرٍ^{١١} وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ^{١٢} وَحَمَلْنَاهُ عَلَى

شکافی در ماه، پنج آیت، پنج رکوع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. ساعت قیامت قدمی فراتر آمد و کره ماه از هم شکافت.
۲. این نشانه و آیت با دوری مسافت قابل رؤیت نبود تا پیش از وقت حادثه اعلام نماییم ولی این مردم کافر اگر چنین آیتی را هم با چشم ببینند روگردان می‌شوند و می‌گویند: سحری است پایا و نافذ که در آفاق آسمان‌ها کاری است.
۳. تکذیب می‌کنند و به دنبال هوای خود می‌روند با آن که هر فرمانی را قرارگاهی است.
۴. بی‌شک از نهاد آسمان‌ها اخباری به آنان رسیده است که در حد کفایت مایه عبرت باشد و آدمی را از کفر و ناسپاسی بازدارد اما آنان عبرت نگرفته‌اند.
۵. قرآن حکمت رسای الهی است. اما ایمان نمی‌آورند و تهدیدهای ما هم بی‌اثر است.
۶. تو از دعوت این کافران روگردان و منتظر باش. آن روز که جارچی حق با دمیدن در شیپور بیداری، مردم را از دل خاک‌ها برانگیزد و به سوی پدیده‌ای ناآشنا دعوت کند.
۷. با چشم‌های فروافتاده از گورها سر برآرند گویا ملخ‌ها از تخم خود برون شده‌اند.
۸. خاضع و فروتن دعوت جارچی را اجابت می‌کنند کافران می‌گویند: این از آن روزهای دشوار است.
۹. پیش از این مردم نوح قیام رستاخیز را تکذیب کردند، بنده ما نوح را تکذیب کردند و گفتند: مردی است دیوانه که از خرد بیگانه است. نوح درمانده و ناتوان شد.
۱۰. پروردگار خود را فرا خواند و گفت: من درمانده و مقهورم. مرا با انتقام خود یاری کن
۱۱. ما با آبی یکریز درهای آسمان را گشودیم.
۱۲. و چشمه‌های زمین را منفجر کردیم و آبهای زیر زمین به خاطر انتقام مقدر به استقبال

ذاتِ الْوَالِحِ وَ دَسْرٍ ۱۳ تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِمَنْ كَانَ كُفْرًا ۱۴ وَ لَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ۱۵ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَ نُذُرٍ ۱۶ وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ۱۷ كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَ نُذُرٍ ۱۸ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ ۱۹ تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعٍ ۲۰ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَ نُذُرٍ ۲۱ وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ۲۲ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ ۲۳ فَقَالُوا أَبَشْرًا مِمَّا وَاحِدًا تَتَّبِعُهُ إِنَّا إِدَاً لَفِي ضَلَالٍ وَ سُعْرٍ ۲۴ أَلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ ۲۵ سَيَعْلَمُونَ عَذَابَ مِنَ الْكَذَّابِ الْأَشِرِّ ۲۶

آبهای آسمان برون جست.

۱۳. ما نوح را بر کشتی روبسته سوار کردیم، فقط چندانختنه الوار و چند صد دانه میخ.
۱۴. که با مراقبت چشم‌های ما بر زبر آب روان شد تا پاداش دهیم آن را که در حق او ناسپاسی شد.
۱۵. ما کشتی او را بر سر جودی به صورت یک نمونه و آیت برجا نهادیم. تا خاطره طوفان را برای آیندگان زنده سازد آیا کسی هست که خاطره طوفان را به دل بسپارد و از عذاب الهی عبرت بگیرد؟
۱۶. اگر خاطره طوفان را مرور کرده‌اید عذاب ما و تهدید ما چسان بود؟
۱۷. ما آیات قرآن را برای تذکار خاطره‌ها سهل و آسان نمودیم آیا کسی هست که قرآن را به خاطر بسپارد و سوره‌های آن را در نماز خود تلاوت نماید؟
۱۸. قوم عاد هم روز قیامت را تکذیب کردند. اینک بشنو که عذاب ما و تهدید ما چسان بود.
۱۹. ما در یک روز شوم بر سر آنان بادی تند را با غرشی سهمگین موکل نمودیم که شومی آن در همه‌جا نافذ و روان بود.
۲۰. مردم را از روی زمین می‌کند و بر زمین می‌کوبید چونان تنه درختان خرما که با تبر پی بزنند و با فشاری اندک فرو اندازند.
۲۱. به خاطر بسپارید که عذاب ما و تهدید ما چسان بود؟
۲۲. ما آیات قرآن را برای تذکار خاطره‌ها سهل و آسان نمودیم آیا کسی هست که قرآن را به خاطر بسپارد و سوره‌های آن را در نماز خود تلاوت نماید؟
۲۳. قوم ثمود هم تهدید قیامت را تکذیب کردند.
۲۴. گفتند: که ما سنای بزرگان را واگذاریم و از یک تن واحد پیروی نماییم؟ در آن صورت در بیراهه‌روی و آتش حسرت فنا می‌شویم.
۲۵. آیا از این جمع انبوه، او گزین شده است و یادواره‌ی خدایی بر او القا شده است؟ نه. بلکه

إِنَّا مَرْسَلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَبِعْهُمْ وَاصْطَبِرْ ۚ وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شَرْبٍ مُّحْتَضَرٌ ۚ فَنَادُوا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ ۚ ۲۹ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ ۚ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ ۚ ۳۱ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ۚ ۳۲ كَذَبَتْ قَوْمٌ لُوطُ بِالْأُنْذُرِ ۚ ۳۳ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَجَّيْنَاهُمْ بِسِحْرِ ۚ ۳۴ نِعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ ۚ ۳۵ وَ لَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالْأُنْذُرِ ۚ ۳۶ وَ لَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَ نُذْرٍ ۚ ۳۷ وَ لَقَدْ صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُسْتَقِرٌّ ۚ ۳۸ فَذُوقُوا عَذَابِي

او دروغگویی خودخواه و خودپسند است.

۲۶. فردای قیامت می فهمند که دروغگوی خودخواه خودپسند کدام است.

۲۷. از ما ناقه‌ای خواستند تا نشانه‌ای از رسالت صالح باشد و ما به صالح گفتیم: ناقه دلخواهشان را می‌فرستیم تا صداقت و اخلاص آنان را به آزمون بگذاریم تو مراقب اعمال آنان باش و بردباری پیشه کن.

۲۸. آنان را باخبر کن که از این پس آب چشمه نوبتی است، یک‌روز در انحصار شما خواهد بود و روز دیگر در انحصار ناقه قرار خواهد گرفت. ناقه هر نوبت بر سر چشمه حاضر است.

۲۹. مردم رفیق خود را فرا خوانند و او کاردی برگرفت و ناقه را پی کرد.

۳۰. بشنو که عذاب ما و تهدید ما چسان بود.

۳۱. ما شهاب‌سنگی از آسمان بر سر آنان فرو انداختیم که فریاد سهمگین آن را شنیدند و با لرزه آن مانند شاخه‌های پرچین بر روی هم فروریختند.

۳۲. ما آیات قرآن را برای تذکار خاطره‌ها سهل و آسان نمودیم آیا کسی هست که قرآن را به خاطر بسپارد و سوره‌های آن را در نماز خود تلاوت نماید؟

۳۳. قوم لوط هم تهدید قیامت را تکذیب کردند.

۳۴. ما بر سر آنان رگباری از سنگ و گل فرو ریختیم جز بر سر خاندان لوط که آنان را در سحرگاه آن‌شب نجات دادیم.

۳۵. تا نعمتی باشد از پیشگاه ما بر سر آنان. هرکسی اهل سپاس و تشکر باشد پاداش او را بدین صورت عطا می‌کنیم.

۳۶. لوط به آنان گفته بود و اخطار کرده بود که ما قوی‌پنجه‌ایم و مشت محکمی بر سر آنان می‌کوبیم و آنان در تهدید ما با شبهه و شک جدل کردند.

۳۷. مردم بدکاره با لوط مراوده کردند تا میهمانش را در اختیار آنان بگذارد و ما چشم‌های آنان را به جرم این جسارت کور کردیم. پس طعم عذاب ما و طعم تهدید ما را بچشید.

و نذُرٍ ۳۹ و لقد يسرنا القرآن للذِّكْرِ فهل من مدِّكِرٍ ۴۰ و لقد جاء آل فرعون النذُر ۴۱ كذبوا
 بآياتنا كلها فأخذناهم أخذ عزيز مُقتدر ۴۲ أ كَفَّارِكُمْ خَيْرٌ مِنْ أَوْلَائِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ ۴۳
 أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرٌ ۴۴ سِيَهْزَمُ الْجَمْعُ وَ يُؤَلُّونَ الدَّبِرَ ۴۵ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَ
 السَّاعَةُ أَدْهَى وَ أَمْرٌ ۴۶ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَ سَعِيرٍ ۴۷ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى
 وُجُوهِهِمْ ذُقُوا مَسَّ سَقَرٍ ۴۸ إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ۴۹ وَ مَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ
 بِالْبَصَرِ ۵۰ وَ لَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مَدِّكِرٍ ۵۱ وَ كُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ۵۲ وَ كُلُّ

۳۸. و صبحگاهان عذاب سنگباران بر سرشان فرود آمد که آثار آن برجا و برقرار است.

۳۹. پس طعم عذاب ما و طعم تهدید ما را بچشید.

۴۰. ما آیات قرآن را برای تذکار خاطرها سهل و آسان نمودیم آیا کسی هست که قرآن را به خاطر بسپارد و سوره‌های آن را در نماز خود تلاوت نماید؟

۴۱. به یقین تهدید قیامت به خاندان فرعون هم رسیده بود.

۴۲. خاندان فرعون به همه نشانه‌های ما تکذیب کردند و ما آنان را چون عزتمندان با اقتدار کیفر نمودیم.

۴۳. آیا کافران شما مردم از این پنج امتی که برشمردیم در پیشگاه ما والاترند که از عذاب ما در امان بمانند یا آن که برای شما در نوشته‌های مقدس زینهاری از عذاب خدا ثبت است.

۴۴. و یا می‌گویند ما جماعتی یکپارچه و با اتحادیم و در اثر اتحاد و یکپارچگی پیروزیم.

۴۵. به زودی در جنگ بدر جمع آنان هزیمت می‌شوند و پشت به میدان می‌گریزند.

۴۶. کیفر این مردم نه همین هزیمت و رسوایی است بلکه قیامت میعاد آنهاست و قیامت، عذابی تلخ‌تر به دنبال دارد.

۴۷. آن روز است که تبهکاران مجرم در بیراهه‌روی و آتش حسرت به سر می‌برند.

۴۸. روزی که با صورت در سیاره ناهید بر سنگلاخ‌ها کشیده شوند به آنان می‌گویند: بچشید طعم گدازه‌های آتش را.

۴۹. ما هر چیزی را با هندسه و حساب آفریدیم.

۵۰. فرمان ما دو نخواهد شد، یک فرمان است در یک چشم برهم نهادن.

۵۱. به یقین ما پیروان شما را و همفکران شما را هلاک و نابود کردیم. آیا در میان شما کسی هست که خاطره آنان را در دل زنده کند و پند بگیرد؟

۵۲. هر آنچه انجام دهند در نوشتار مقدس ثبت است.

صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ^{٥٣} إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ^{٥٤} فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ
مُقْتَدِرٍ^{٥٥}

٥٣. هر کاری کوچک و بزرگ در لوحی حافظه‌دار مسطور است.

٥٤. آن‌روز پرهیزگاران در بوستان‌ها و چشمه‌زارها به سر می‌برند.

٥٥. در جایگاه راستی مأوی دارند در پیشگاه پادشاهی با اقتدار.

الرَّحْمَنُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّحْمَنُ^١ عَلَّمَ الْقُرْآنَ^٢ خَلَقَ الْإِنْسَانَ^٣ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ^٤ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ^٥ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ^٦ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا^٧ وَوَضَعَ الْمِيزَانَ^٨ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ^٩ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ^{١٠} وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ^{١١} فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ^{١٢} وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ^{١٣} فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ^{١٤} خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ^{١٥} وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ^{١٦} فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ^{١٧} رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ^{١٨} فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ^{١٩} مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ^{٢٠} بَيْنَهُمَا

رحمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. خداوند رحمان.
٢. قرآن را آموخت.
٣. انسان را آفرید.
٤. گفتن را بدو آموخت.
٥. خورشید و ماه چنان در نظامند که دانی فردا در کجا منزل دارند؟
٦. ستارگان به هنگام هبوط و درختان به هنگام سقوط سر به خاک عبودیت او می‌سایند.
٧. آنچه سبک بود به آسمان افراشت و آنچه سنگین بود فرود آورد.
٨. تا شما سنگین و سبک را نه با حجم بلکه با وزن بسنجید و از عدل و انصاف بدر نشوید.
٩. سنجش با عدل و انصاف را برپا بدارید و سنگ ترازو را کم مگذارید.
١٠. بستر خاک را در زیر پای مردمان گسترده.
١١. اینک زیور بسته است به درختان میوه و خرمابن با خوشه‌های آویزان در غلاف.
١٢. و دانه‌های پوست‌دار با سبزه و ریحان.
١٣. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟
١٤. انسان را از چکیده گل آفرید بعد از آن که چون سفال کوزه‌گران صدای جرس می‌کرد.
١٥. جن را از گلاله آتش آفرید آمیخته از دود و گاز.
١٦. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟
١٧. پروردگار یک مشرق و مغرب در مریخ و یک مشرق و مغرب در زمین.

بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ۲۰ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۲۱ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ ۲۲ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۲۳ وَ لَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ۲۴ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۲۵ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ۲۶ وَ يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ ۲۷ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۲۸ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ ۲۹ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۳۰ سَنَفَعُ لَكُمْ أَيُّهُ التَّقْلَانِ ۳۱ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۳۲ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ ۳۳ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۳۴ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاظٌ مِنْ نَارٍ وَ نَحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ۳۵ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۳۶

۱۸. پس شما پریان ساکن مریخ و آدمیان ساکن زمین به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

۱۹. دریای شور و دریای شیرین را با هم گلاویز کرد، با هم دیدار و برخورد دارند.

۲۰. اما میان دو دریا برزخی از حجاب نامرئی برقرار است که برهم غالب نمی‌آیند.

۲۱. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

۲۲. از این دو دریا که در سطوح زیرین تلاقی و اختلاط دارند مروارید و مرجان ببار می‌آید و استخراج می‌شود

۲۳. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

۲۴. کشتی‌های دست‌ساز بشر که داخل دریا چون کوهپاره‌ها روانند از آن خدایند.

۲۵. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

۲۶. هرکس بر پشت زمین جا دارد اهل فنا است.

۲۷. و آنچه برجا می‌ماند چهرهٔ پروردگار تو است صاحب جلال و اکرام.

۲۸. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

۲۹. هر که در آسمان‌ها و زمین باشد دست‌گدایی به درگاه او دراز می‌کند. کار او تنها رسیدگی به حال آن‌گدایان نیست بلکه او هر روز دست‌اندر کار تازه‌ای است.

۳۰. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

۳۱. به زودی از کار آزمون فارغ می‌شویم و یکسر به شما پریان و آدمیان می‌پردازیم.

۳۲. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

۳۳. ای پیشاهنگان پری و آدمی اگر توانستید که از نواحی آسمان‌ها و زمین به خارج آسمان‌ها نفوذ کنید کوتاهی نکنید و نفوذ نتوانید جز با سلطه بر آسمان‌ها و زمین.

۳۴. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

۳۵. اگر به خارج آسمان‌ها نفوذ کنید و بگذرید بر سر شما گدازهٔ آتش و مس فرو می‌ریزند

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ۚ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۚ^{۳۷} فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۚ^{۳۸} فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ ۚ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۚ^{۳۹} يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأُقْدَامِ ۚ^{۴۰} فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۚ^{۴۱} هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ ۚ^{۴۲} يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتِنِ ۚ^{۴۳} فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۚ^{۴۴} وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتُ ۚ^{۴۵} فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۚ^{۴۶} ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ۚ^{۴۷} فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۚ^{۴۸} فِيهِمَا عَيْنَانِ ۚ^{۴۹} تَجْرِيَانِ ۚ^{۵۰} فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۚ^{۵۱} فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ۚ^{۵۲} فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا

و شما یارای انتقام ندارید.

۳۶. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟
۳۷. زندگی با نفوذ و سلطنت شما بر جهان ادامه خواهد یافت ولی آنگاه که آسمان مریخ پاره‌پاره شود و چون گلی سرخرنگ روشن در فضا پاشان گردد.
۳۸. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟
۳۹. در آن روز از آدمی و پری نپرسند که گناهت چیست که در صف دوزخیان جا گرفتی؟
۴۰. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟
۴۱. چون تبهکاران مجرم را با نشان چهره آنان می‌شناسند و موی پیشانی آنان را می‌گیرند و زنجیری برپا به دوزخ می‌افکنند.
۴۲. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟
۴۳. این همان دوزخی است که تبهکاران مجرم تکذیب می‌نمودند.
۴۴. میان دره آتش و چشمه آب جوشان طواف می‌نمایند تا از دره دوزخ انجیر زقوم بجویند و از آب گوگرد بنوشند.
۴۵. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟
۴۶. برای آن کسی که از مقام پروردگارش ترسید و از گناهان کناره گرفت دو بهشت است : یکی برای آدمیان و دیگری برای پریان.
۴۷. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟
۴۸. دو بهشت انبوه از شاخسار جنگل‌وار.
۴۹. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟
۵۰. در هر یک از دو بهشت چشمه‌ای جاری است.
۵۱. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟
۵۲. در هر دو بهشت از هرگونه میوه‌ای دو جفت مشابه فراوان است.

تُكذِّبَانِ ٥٣ مُتَكِنِينَ عَلَى فُرْشٍ بَطَانَتُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَ جَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانَ ٥٤ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ٥٥ فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّ أَنْسُ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ ٥٦ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ٥٧ كَانَهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ٥٨ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ٥٩ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ٦٠ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ٦١ وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّاتٌ ٦٢ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ٦٣ مُدْهَمَاتَانِ ٦٤ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ٦٥ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّخَتَا ٦٦ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ٦٧ فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَ نَخْلٌ وَ رَمَّانٌ ٦٨ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ٦٩ فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ ٧٠ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ٧١ حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ٧٢ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ٧٣

٥٣. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

٥٤. پریان و آدمیان بر پستی‌ها تکیه دارند که داخل پستی‌ها از ابریشم دیبا پر شده است و میوه‌ها از شاخسار هر دو بهشت رسیده و آویزان است.

٥٥. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

٥٦. اینجا حوران بهشتی را گاوچشم و نزدیک‌بین آفریدند که خانه‌های همسایه را نبینند. دوشیزگانند که پیش از بهشتیان کسی در قالب جن و بشر دوشیزگی آنان را نبرده است.

٥٧. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

٥٨. با اندامی زلال و شفاف که مانند یاقوت و مرجان می‌درخشند.

٥٩. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

٦٠. آیا مگر سزای احسان شما احسان ما نیست؟

٦١. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

٦٢. پایین‌تر از این دو بوستان، دو بوستان دگر باشند برای طبقات پایین‌تر.

٦٣. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

٦٤. با شاخساری سبز تیره.

٦٥. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

٦٦. در این دو بوستان دو چشمه فوران دارند.

٦٧. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

٦٨. در این دو بوستان میوه‌های گوناگون با خرما و انگور غذایی فراوان است.

٦٩. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

٧٠. در این بوستان‌ها زنانی بهتر از زنان دنیا با چهره زیبا آفریدند.

٧١. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

٧٢. حوران این بهشت به خاطر نزدیک‌بینی پابند خیمه‌هایند و بیرون نمی‌آیند.

لَمْ يَطْمِئُنْ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ^{٧٤} فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ^{٧٥} مُتَكَبِّرِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضِرٍ
وَعَبْقَرِي حِسَانٍ^{٧٦} فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ^{٧٧} تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ^{٧٨}

٧٣. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

٧٤. پیش از بهشتیان، کسی از جن و بشر دوشیزگی آنان را نربوده است.

٧٥. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

٧٦. بر پستی‌هایی بافته از برگ‌ها و گل‌های زیبا تکیه می‌زنند.

٧٧. پس شما پریان و آدمیان به کدامین آثار پروردگارتان تکذیب روا می‌دارید؟

٧٨. پاینده‌باد نام پروردگارت، صاحب جلال و کرامت.

الواقعة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ^١ لَيْسَ لَوْقَعَتِهَا كَاذِبَةٌ^٢ خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ^٣ إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا^٤ وَبُسَّتِ
الْجِبَالُ بَسًّا^٥ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا^٦ وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً^٧ فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ
الْمَيْمَنَةِ^٨ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ^٩ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ^{١٠} أُولَئِكَ
الْمُقَرَّبُونَ^{١١} فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ^{١٢} ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَى^{١٣} وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ^{١٤} عَلَى سُرُرٍ
مَوْضُونَةٍ^{١٥} مُتَّكِنِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ^{١٦} يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ^{١٧} بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ
وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ^{١٨} لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزَفُونَ^{١٩} وَفَاكِهَةٍ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ^{٢٠} وَلَحْمِ طَيْرٍ

١. آن روز که شهاب طارق فروافتد.
٢. مانعی بر سر راهش نباشد که این خبر دروغ آید.
٣. قطب شمال را پایین آورد و قطب جنوب را بالا ببرد تا قطبین موازی گردد.
٤. روزی که بستر خاک زیر و رو گردد.
٥. و کوهها پاره پاره در فضا روان گردد.
٦. و غبار خاکها و شنها به هوا بر شود و در فضا منتشر گردد.
٧. و شما مردم سه گروه جفت باشید.
٨. یاران سعادت که راست روانند. و چه باشند: «یاران سعادت».
٩. و یاران شئامت که چپ روانند. و چه باشند: «یاران شئامت».
١٠. و پیشروان پیشروان.
١١. آنان که مقربان در گاهند.
١٢. در بوستانی از نعمت الهی جای دارند.
١٣. یک پاره از امتهای پیشین.
١٤. و جمعی اندک از مردمان پسین.
١٥. در محفل انس دوستان بر تختهای بافته از شاخهها و الیافها و شاخوبرگ گلها.
١٦. حلقهوار به پشتیها لم دادهاند.
١٧. پسران بهشتی که آنان را از همان آبوگل آفریدهاند کمر بسته به خدمت گرد سر آنان طواف می نمایند.
١٨. با لگن و آفتابه که دستها را بشویند و جامی از شراب از نهر روان آوردهاند تا بنوشند.
١٩. از نوشیدن آن در دسر نگیرند و مست نگردند.

مِمَّا يَشْتَهُونَ ۚ ۲۱ وَ حُورٌ عِينٌ ۚ ۲۲ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ ۚ ۲۳ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۚ ۲۴ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهِنَّ إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا ۚ ۲۵ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ۚ ۲۷ فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ ۚ ۲۸ وَ طَلْحٍ مَّنْضُودٍ ۚ ۲۹ وَ ظِلِّ مَمْدُودٍ ۚ ۳۰ وَ مَاءٍ مَّسْكُوبٍ ۚ ۳۱ وَ فَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ ۚ ۳۲ لَا مَقْطُوعَةٍ وَ لَا مَمْنُوعَةٍ ۚ ۳۳ وَ فُرْشٍ مَّرْفُوعَةٍ ۚ ۳۴ إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً ۚ ۳۵ فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا ۚ ۳۶ عُرْبًا أَتْرَابًا ۚ ۳۷ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ۚ ۳۸ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَىٰ ۚ ۳۹ وَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ ۚ ۴۰ وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ ۚ ۴۱ فِي سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ ۚ ۴۲ وَ ظِلِّ مِّنْ يَّحْمُومٍ ۚ ۴۳ لَا بَارِدٍ وَ

-
۲۰. با میوه‌های رنگارنگ از هر رنگی که نخبه نمایند.
۲۱. با مرغ بریان هر مرغی که اشتها و هوس دارند.
۲۲. و در محفل شب حوران بهشتی سپیداندام و آهوچشم بر گرد آنان طواف می‌نمایند.
۲۳. از سپیدی چون مروارید برآمده از صدف رخشانند.
۲۴. و این به پاداش اعمالی است که در دنیا بجا آورده‌اند.
۲۵. و در آنجا سخن بیهوده و حرف زور نمی‌شنوند.
۲۶. جز کلمه سلام، سلام، که تعارفی است برسبیل عادت نه اعلام صلح و سلامت.
۲۷. و یاران سمت راست و چه باشند «یاران سمت راست»؟
۲۸. در جنگلی از سدر بی‌خار.
۲۹. و بوستانی از درختان موز با خوشه‌هایی چیده بر نظام.
۳۰. با سایبانی بر دوام از شاخسار درختان.
۳۱. با آبشارهای ریزان.
۳۲. و میوه‌های فراوان.
۳۳. نه میوه فصلی که پایان پذیرد و نه بر شاخساری مرتفع که امکان چیدن ندارد.
۳۴. با توشک‌های پر بار به مانند تخت‌های پایه‌دار.
۳۵. ما آن حوران بهشتی را با آفرینشی نو آفریدیم.
۳۶. که همواره دوشیزه بمانند.
۳۷. شیدای شوهر همسال و همسر.
۳۸. برای همین یاران سمت راست.
۳۹. یکپاره از امت‌های پیشین.
۴۰. و یکپاره از مردمان پسین.
۴۱. و یاران سمت چپ و چه باشند «یاران سمت چپ».
۴۲. که در میان تفتی از گازهای سمی به سر می‌برند و چشمه‌های آب جوشان.

لَا كَرِيمٍ ٤٤ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ ٤٥ وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ ٤٦ وَكَانُوا يَقُولُونَ إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ٤٧ أَوْ أَبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ٤٨ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ٥٠ ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيْهَا الضَّالُّونَ الْمُكْذِبُونَ ٥١ لَأَكُونُ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زُقُومٍ ٥٢ فَمَالِؤُنْ مِنْهَا الْبُطُونُ ٥٣ فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ٥٤ فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ ٥٥ هَذَا نَزَّلْنَاهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ٥٦ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ٥٧ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ٥٨ أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ٥٩ نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ٦٠ عَلَى أَنْ نَبْدَلَ أَمْثَالَكُمْ وَ نُنشِئُكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ٦١ وَ لَقَدْ عَلَّمْتُمُ النَّشَأَ الْأُولَى فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ٦٢

٤٣. و سایه‌ای از دود سیاه

٤٤. نه خنک باشد و سلامت و نه ارجمند و با کرامت.

٤٥. اینان در زندگی قبلی با ناز و نعمت پرورده شدند.

٤٦. با اصرار و ولع سوگند خود را شکستند.

٤٧. می‌گفتند: آیا موقعی که مردیم و از ما خاکی برجا ماند و مشتی استخوان شدیم دوباره

جان می‌گیریم و برمی‌خیزیم؟

٤٨. فقط ما دوباره جان می‌گیریم یا اجداد هزارساله پیشین؟

٤٩. بگو: امت‌های پیشین و پسین.

٥٠. تا رسیدن روز موعود به هم می‌رسند.

٥١. و سپس شما ای مردم گمراه که قیامت را تکذیب می‌کنید.

٥٢. از درخت انجیر هندی میوه تلخ زقوم نوش جان می‌کنید.

٥٣. چندان که شکم‌ها را پر کنید.

٥٤. بعد از آن از چشمه آب جوشان می‌نوشید.

٥٥. بر سر چشمه چون شتران تشنه هجوم می‌برید.

٥٦. این است پانداز ضیافت چپ‌روان در روز برپایی دین و قانون.

٥٧. ما بودیم که شما را آفریدیم. پس چرا آفرینش بعدی را تصدیق نمی‌کنید؟

٥٨. اینک بگویید که رأی و پاسخ شما چیست؟ آیا آن نطفه‌ای که در رحم همسرانتان

می‌ریزد.

٥٩. شما خودتان نطفه خود را آفریده‌اید یا آفریننده آن ما هستیم؟

٦٠. ما مرگ را در میان شما مقدر کردیم و هر جا بگریزد شما را به چنگ می‌آوریم.

٦١. ما عاجز نمی‌شویم که همانندان شما را بیاوریم و شما را به عالمی دیگر ببریم و

آفرینشی دیگر بدهیم که با آن بیگانه و ناآشنايید.

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ۚ ۶۳ أَلَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ۚ ۶۴ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ۚ ۶۵ إِنَّا لَمُعْرِمُونَ ۚ ۶۶ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ۚ ۶۷ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ۚ ۶۸ أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ ۚ ۶۹ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أَجَاجًا فَلَوْ لَا تَشْكُرُونَ ۚ ۷۰ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ۚ ۷۱ أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ ۚ ۷۲ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً وَرِثَةً لِّلْمُقِيمِينَ ۚ ۷۳ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۚ ۷۴ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ۚ ۷۵ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّوَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ۚ ۷۶ إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ۚ ۷۷ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ۚ ۷۸ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ۚ ۷۹ تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ

۶۲. شما که بالیدن اول را شناخته‌اید پس چرا خاطره آن را مرور نمی‌نمایید و پند نمی‌گیرید؟

۶۳. شما خودتان پاسخ بدهید: دانه‌ای را که به زیر خاک‌ها نهان می‌کنید.

۶۴. شما خودتان دانه را کشت می‌دهید یا ما هستیم که دانه‌ها را کشت می‌دهیم و می‌پرورانیم.

۶۵. اگر بخواهیم ساقه‌های زراعت را چون بوته‌های خشک علف بی‌دانه می‌سازیم که لایق کوفتن باشد و شما بر ریش خود بخندید.

۶۶. که یکسال زحمت کشیدیم و مرارت بردیم و فقط کاه درو کردیم.

۶۷. نه بلکه یکسال از روزی خود محروم شدیم.

۶۸. شما خودتان پاسخ بدهید: این آبی که شما می‌نوشید.

۶۹. آیا شما آب دریا را به صورت باران نازل کردید یا ما بودیم که آب دریا را تصفیه کردیم و قطره قطره بر سر شما نازل کردیم؟

۷۰. اگر بخواهیم آب دریا را بدون تصفیه تلخ و شور بر سر شما می‌ریزیم که قابل نوشیدن نباشد. پس چرا شکر آن را بجا نمی‌آورید.

۷۱. شما خودتان پاسخ بدهید: این آتشی که شما می‌افروزید.

۷۲. این شماست که درخت آن را پرورده‌اید یا ما هستیم که درخت را چنان پرورده‌ایم که قابل اشتعال باشد.

۷۳. ما درخت را یادواره رحمت خود قرار دادیم و توشه راه آن مسافران که در بادیه‌های نامسکون سفر می‌کنند.

۷۴. پس با نام پروردگار بزرگت «الله» خدا را تسبیح کن.

۷۵. من به سقوط آن شهاب‌ها سوگند نمی‌خورم که باید سقوط کنند و منظومه شمس را یک‌یک درهم بکوبند.

۷۶. و اگر بدانید این خود سوگندی عظیم است.

العالمين^{٨٠} أ فبهذا الحديث أنتم مدهنون^{٨١} و تجعلون رزقكم أنكم تكذبون^{٨٢} فلو لا إذا
 بلغت الحلقوم^{٨٣} و أنتم حينئذ تنظرون^{٨٤} و نحن أقرب إليه منكم و لكن لا تبصرون^{٨٥} فلو
 لا إن كنتم غير مدينين^{٨٦} ترجعونها إن كنتم صادقين^{٨٧} فإما إن كان من المقربين^{٨٨}
 فروح و ریحان و جنة نعيم^{٨٩} و أما إن كان من أصحاب اليمين^{٩٠} فسلام لك من أصحاب
 اليمين^{٩١} و أما إن كان من المكذبين الضالين^{٩٢} فنزل من حميم^{٩٣} و تصلية جحيم^{٩٤} إن
 هذا لهو حق اليقين^{٩٥} فسبح باسم ربك العظيم^{٩٦}

٧٧. سوگند به آن شهاب‌ها که این قرآن، قرآنی گرانمایه است.
٧٨. نسخه‌ی اصل آن در یک کتاب نهان ثبت است.
٧٩. جز دست پاکان دست کسی به آن نسخه‌ی اصلی نمی‌رسد.
٨٠. تنزیل آن از پیشگاه پروردگار جهانیان است.
٨١. آیا می‌خواهید به یک چنین قرآنی لعاب و روغن بزنید و آن را با امیال خود همگام سازید؟
٨٢. و روزی دنیا را که با زحمت و مرارت تحصیل می‌کنید گواه آن بگیرید که باید بهشت رایگان و نعمت بی‌پایان را تکذیب کنید.
٨٣. اگر واقعاً تصور می‌کنید که دنیا محل عیش و نوش است پس چرا جان ناکامان را به هنگام مرگشان که به حلقوم می‌رسد.
٨٤. و شما بر گرد او به تماشا نشستید.
٨٥. و ما به او نزدیکتر از شماییم و شما چشم بینا ندارید.
٨٦. پس اگر شما جزا و کیفر ندارید و تنها برای کامیابی دنیا و خوردن و خوابیدن به دنیا آمده‌اید.
٨٧. چرا جان او را به کالبدش باز نمی‌گردانید تا کامیابی او را کامل نمایید.
٨٨. اما اگر در سلك مقربان درگاه باشد که با پیروی از دستة اول به تقرب رسیده باشد.
٨٩. در جوار آنان منزل می‌کند و پاداش او نسیم جان‌پروری است که از بهشت مقربان می‌وزد. با گل و ریحان و بهشت پر نعمت جاودان.
٩٠. و اگر در سلك راست‌روان باشد که با پیروی از تعلیماتشان به سعادت رسیده باشد.
٩١. به او گفته خواهد شد: سلام اهل سعادت از آن تو خواهد بود که در جوار آنان منزل خواهی کرد.
٩٢. و اگر در سلك چپ‌روان باشد که با پیروی از تلقینات آنان روز قیامت را تکذیب کرده باشد و راه سعادت را گم کرده باشد.

-
۹۳. بی تفاوت سزای او همان ضیافت آب جوشان است.
۹۴. و کباب شدن در تفت دوزخ.
۹۵. بی شک آنچه گفتیم عین حقیقت است.
۹۶. پس با نام پروردگار بزرگت «الله» خدا را تسبیح کن.

الحديد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ^١ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^٢ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ^٣ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^٤ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ^٥ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ^٦ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ^٧ وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

توحيد، رسالت، معاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. آنچه در آسمانها و زمین است خداوند جهان را تسبیح می‌کند. خداوند جهان عزتمند و کاردان است.
۲. پادشاهی آسمانها و زمین مال اوست، جان می‌دهد و جان می‌گیرد و برهر کاری توانا است.
۳. اوست که اول هستی است و آخر هستی و ظاهر هستی و باطن هستی، و همو به هر چیزی داناست.
۴. اوست که آسمانها و زمین را ظرف شش‌روز آفرید، سپس برفراز مشتری بال‌وپر گسترد. آنچه در زمین فرو رود و آنچه از زمین برآید و آنچه از آسمان فرود آید و یا به آسمان برشود همه را می‌داند و هر جا که بوده باشید او با شماست. خداوند جهان به دستاورد شما بیناست.
۵. پادشاهی آسمانها و زمین با اوست و کار جهان یکسر به پیشگاه او ارجاع می‌شود.
۶. سیاهی شب را در دل روز فرو می‌برد و سپیدی روز را در دل شب و او به راز سینه‌ها داناست.
۷. شما باید به خدا و رسول خدا ایمان بیاورید و از منال و منالی که خدا از دیگران واگرفت و شما را سپرد در راه خودش انفاق کنید. این را بدانید کسانی که از شما مردم ایمان بیاورند و در راه خدا انفاق کنند برایشان پاداش بزرگی مهیا است.

و الرِّسُولُ يُدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ^٨ هُوَ الَّذِي يَنْزِلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَؤُوفٌ رَحِيمٌ ^٩ وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ^{١٠} مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ ^{١١} يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ^{١٢} يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ

٨. شما را چه می‌شود که از دل به خداوند جهان ایمان نمی‌آورید با آن که رسول خدا شما را دعوت می‌کند تا به پروردگارتان ایمان بیاورید و اگر شما مؤمن بوده باشید بی‌شک باور کرده‌اید که پروردگارتان در عالم‌دَرّ از شما پیمان گرفته است.

٩. اوست که آیات روشنی بر بنده خود نازل می‌کند تا شما را از سیاهی‌ها به سوی نور بیرون برد و بی‌شک خداوند رحمان به شما رأفت و مهربانی دارد.

١٠. شما را چه می‌شود که در راه خدا انفاق نمی‌نمایید با آن که می‌دانید فردا همه شما می‌میرید و میراث آسمان‌ها و زمین به خدا خواهد رسید. آن کسانی که قبل از فتح و گشایش مکه انفاق کرده‌اند و در راه خدا با دشمن دین پیکار نموده‌اند با سایرین برابر نخواهند شد. درجات آنان بالاتر از کسانی است که بعد از فتح و گشایش انفاق کرده‌اند و با دشمن دین پیکار نموده‌اند. با وجود این خداوند رحمان به هر دو دسته نوید می‌دهد که زندگی بهتر در آخرت برای آنان مهیا است. خداوند رحمان به دستاورد شما آگاه و باخبر است.

١١. چه کسی حاضر است به خداوند جهان قرض بدهد قرضی نیکو که هر وقت بخواهد بازپس بدهد دوچندانش کند و به او بازپس بدهد. علاوه بر آن مزدی با کرامت به او عطا نماید.

١٢. آن روز که قطبین زمین موازی گردد و نیمه راست زمین در تاریکی دائم فرو رود مؤمنان را می‌بینی که از زن و مرد در تاریکی روانند و نور پیشانی آنان چون نورافکن پیشاپیش گام‌هایشان می‌پوید تا مسیر خود را شناسایی کنند و از خطر لغزش در امان بمانند و آنگاه که روی خود را به سوی پایگاه پرواز بچرخانند نور پیشانی آنان در سمت راستشان بر روی شیارها و دره‌های خاکی می‌لغزد و پیش می‌دود تا گذرگاهی بیابند و از مداری به مداری منتقل گردند و هر چه زودتر به سوی بهشت برین پرواز کنند. بشارتی که شما در تاریکی آن روز از پیشگاه خدا دریافت می‌کنید نوید بهشتی است که از زیر

الْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ^{١٣} ينادونهم ألم نكن معكم قالوا بلى ولكنكم فتنتم أنفسكم و تربصتم و ارتبتم و غرتكم الأمانى حتى جاء أمر الله و غرکم بالله الغرور ^{١٤} فالیوم لا یؤخذ منكم فدیة و لا من الذین کفروا ماواکم النار هی مولاکم و بیس المصیر ^{١٥} ألم یان للذین آمنوا أن تخشع قلوبهم لذكر الله و ما نزل من الحق و لا یكونوا كالذین اوتوا الكتاب من قبل فطال علیهم الأمد ففست قلوبهم و کثیر منهم فاسقون ^{١٦} اعلموا أن الله یحی الارض بعد موتها قد بینا لکم الآیات لعلکم تعقلون ^{١٧}

درختانش نهرها جاری است و شما جاودانه در آن بوستان ها می مانید. این همان رستگاری بزرگ است که آدمی از دوزخ برهد و به نعمت بهشتی دست یابد.

۱۳. آن روز منافقان از زن و مرد با مؤمنان همراه و همگام می شوند تا در معیت آنان راهی به سوی سعادت بگشایند. از آن رو که پیشانی نورافکن ندارند در تاریکی ها به مؤمنان می گویند: لحظه ای به سوی ما که دنبال شما افتاده ایم بنگرید تا مسیر ما را هم روشن کنید و ما در پرتو شما از چاله ها برهیم و با شما بیاییم. از میان تاریکی به آنان پاسخ می دهند که به پشت سر بازگردید و از نورافکن مؤمنان بعدی پرتو بگیرید. در این میان تپه های نوک تیز اعراف که یک گذرگاه دارد و همانند بارو گرداگرد پایگاه پرواز سر به آسمان کشیده، میان مؤمنان و منافقان حایل می شود، داخل گذرگاه که پایگاه پرواز قرار دارد رحمت الهی منتظر مسافران فضایی است، و پشت گذرگاه که رو به روشنایی دائم دارد عذاب الهی در انتظار است.

۱۴. منافقان ندا برمی کشند که ای مؤمنان! مگر ما در دنیا همراه و همگام شما نبودیم؟ و مؤمنان پاسخ می دهند که چرا. شما در دنیا با ما همراه و همگام بودید ولی شما جان خود را به آزمون نهادید و به انتظار آینده نشستید که پیروزی با کدامین دسته خواهد بود تا با آنان همگام شوید. شما به وعده های خدا شک آوردید و آرزوهای طلایی، شما را خام کرد و فریفت و تا آن روز که فرمان خدا فرا رسید و دست اجل جان شما را گرفت طاعت و اخلاصی را نشان ندادید و شیطان نیز شما را فریفت که خدا رحیم است و کسی را عذاب نخواهد کرد.

۱۵. از این رو امروز از شما جانفدا نمی پذیرند و نه از کسانی که کافر شدند. جایگاه شما منافقان و کافران آتش دوزخ است. همان دوزخ، مولا و سرپرست شماست که شما را اصلاح کند و دوزخ بدجایگاهی است.

۱۶. آیا وقت آن نیست که دل های مؤمنان در برابر نام خدا و تلاوت قرآنی که نازل کرده

إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ^{١٨} وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ^{١٩} اَعْلَمُوا أَنَّ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوَ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ^{٢٠} سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَ

است نرم و خاشع گردد و مانند امت‌های پیشین نباشند که قبلاً کتاب آسمانی را دریافت کردند ولی زمان بر آنان دراز آمد که چرا سال‌ها گذشت و قیامت برپا نگشت از این‌رو دل‌هایشان سخت شد و اینک بیشتر آنان فاسق و تبهکارند و از خط انبیا خارج شده‌اند.

۱۷. ای مردم! بدانید که خداوند جهان همین زمین مرده را که اینک نمی‌تواند نطفه آدمی را پرورش دهد و زنده و بارور می‌سازد و همگان را از دل خاک‌ها برون می‌آورد. ما آیات قیامت را برای شما روشن کرده‌ایم باشد که بیندیشید.

۱۸. آن کسانی که در راه خدا زکات می‌دهند - خواه مردان و خواه زنان - و علاوه بر زکات فریضه به خدا قرض داده‌اند قرض نیکویی که مطالبه در میان نباشد و موعد پرداختی در دنیا مقرر نگردد خداوند رحمان قرض آنان را دو چندان می‌کند و برای آنان پاداش باکرامتی منظور می‌شود.

۱۹. کسانی که به خدا و همه رسولان خدا ایمان آورده‌اند آنها را که به نام صدیق، سرآمد مؤمنانند و به عنوان گواه در پیشگاه پروردگارشان شهادت می‌دهند. برای آنان پاداش مخصوص صدیقان و گواهان مهیا است با نور ویژه‌ای که از پیشانی آنان پرتوافکن می‌شود و آن کسانی که به خدا و آیات خدا کافر شوند و رسولان را نپذیرند آنها را که یاران دوزخ می‌شوند.

۲۰. شما باید بدانید که زندگانی دنیا بازی و سرگرمی است و متاع دنیا زیب و زیوری است که آن را به خود می‌بندید و به آن تظاهر می‌کنید و با فزون‌طلبی در جمع مال و منال و فرزند و عیال با دیگران رقابت می‌کنید. درست مانند بارانی نرم که بر زمین تشنه بیارد و گیاهان چنان سریع و فراوان رشد کنند که کافران را به شگفت آورد و بدان دل‌خوش کنند سپس روزی چند ببالد و قد بکشد و بینی که رنگ آن زرد شد و مانند هیزم بر زبر هم خوابید. شما هم بعد از زندگانی دنیا به عالم آخرت منتقل می‌شوید و در آنجا با عذاب شدید دوزخ روبرو می‌شوید و یا با آمرزش الهی و رضامندی او از طاعات. در هر حال زندگی دنیا بقا ندارد و کالای نیرنگ و فریب است.

الأَرْضِ أَعَدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ^{٢١} مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ^{٢٢} لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ^{٢٣} الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ^{٢٤} لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ^{٢٥} وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَ

٢١. شما باید به سوی آمرزش پروردگارتان سبقت بگیرید و به سوی بهشت مشتری که عرصه آن همسان عرصه آسمان و زمین است. این بهشت برای کسانی آماده شد که به خدا و همه رسولان خدا ایمان آورده باشند. این از فضل خداست که به هرکس بخوهد عطا می نماید و خدا صاحب فضلی عظیم است.

٢٢. هیچ مصیبتی در کره زمین رخ نمی دهد و نه در جان های شما جز آن که در نوشتاری از لوح محفوظ ثبت است پیش از آن که آن مصیبت را به مرحله اجرا بگذاریم. بی شک ثبت مصیبت ها بر خداوند جهان بسیار سهل است.

٢٣. این نکته از آن برملا کردیم که شما با مقدرات خود آشنا شوید و بر آنچه از دست شما بدر شود تأسف نخورید و بر آنچه خداوندتان عطا کند جشن و شادی نگیرید. خداوند جهان هرکسی را که با فیس و افاده بر دیگران فخر بفروشد دوست نمی دارد گرچه صفات نیکی هم داشته باشد.

٢٤. آنها که از بذل صدقات و انفاق دریغ می ورزند و به مردم فرمان می دهند که اموال خود را برای خود نگه دارند از فرمان خدا روگردان شده اند و هرکس از فرمان زکات روگردان شود باید بداند که خداوند جهان از همه جهانیان بی نیاز است و ستوده کردار.

٢٥. بی شک ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنان کتاب آسمانی و سنگ ترازو نازل کردیم تا مردم به عدل و داد قوام بگیرند. با يك صاعقه آهن را نازل کردیم که در تیزی آن خطرهای شدید است با سودهای فراوان برای مردم تا مردم از سودهای فراوان آهن در ساختن کارد و تبر بهره یاب گردند و مؤمنان با ساختن شمشیر و سنان با دشمنان دین پیکار نمایند و رسولان خدا را در احیای دین و عدالت یاری دهند و خداوند جهان شناسایی کند آن کسانی را که در نهان خدا و رسولان را حمایت می نمایند و دور از چشم مردمان، دشمنان خدا و رسولان خدا را به هلاکت می رسانند. بی شک خداوند جهان نیرومند و صاحب عزت است.

الْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ^{۲۶} ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ^{۲۷} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ^{۲۸} لَيْلًا يَعْلَمُ أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ^{۲۹}

۲۶. ما نوح و ابراهيم را به رسالت فرستاديم و در نسل آن دو مقام نبوت را با كتاب آسمانى برقرار كرديم؛ برخى از فرزندان و اعقاب آن دو رهياب شدند و جمع كثيرى از آنان فاسق شدند و از خط انبيا خارج گشتند.

۲۷. بر اثر نوح و ابراهيم و فرزندان او كه صاحب رسالت بودند رسولان خود را از ساير نسل ها به خط كرديم و در آخر عيسى بن مريم را فرستاديم و كتاب انجيل را به او داديم و برخلاف يهوديان كه خشونت دارند در دل هاى پيروان مسيح رأفت و مهربانى نهاديم با سنت راهبان تارك دنيا كه خود پايه گزار آن بودند. ما سنت ترك دنيا را بر عهده آنان مكتوب و قطعى نكرديم ما بر عهده آنان فقط طلب رضاى خدا را مكتوب و قطعى کرده بوديم. ولى آنان به منظور تحصيل رضاى خدا شخصاً سنت ترك دنيا را تعهد كردند و با وجود اين شرايط و آداب آن را درحد شايسته و لازم رعايت نكردند. در هر حال ما به آن دسته از مسيحيان كه ايمان آورده بودند و راه طاعت گرفتند مزدشان را عطا كرديم ولى بيشتر آنان فاسق شده اند و از خط عيسى به دور افتاده اند.

۲۸. اى اهل ايمان! شما هم از خشم خدا بترسيد و جداً به رسول خدا ايمان بياوريد. اگر شما هم مانند پيروان عيسى از دل و جان به رسول خدا ايمان بياوريد در عوض آن رأفت و رحمتى كه نصيب پيروان عيسى شد خداوند جهان نصيب شما را از رحمت خود دو برابر مى كند و علاوهً براى شما نورى برقرار مى سازد كه با پرتو آن تاريخى ها را بشكافيد و راه خود را بيايد و اگر خطايى مرتكب شويد خطايى شما را هم بيامرزد. خداوند جهان آمرزنده و مهربان است.

۲۹. آن رأفت و رحمت و اين رحمت مضاعف را بدین جهت اعلام كرديم تا يهود و نصارى تصور نكنند كه رحمت خدا با تساوى تقسيم شده است و هرگز كسى بر تحصيل فضل خدا قادر نخواهد بود و بدانند كه فضل خدا در اختيار خداوند است و مازاد رحمت خود را كه در خزانه غيب دارد به هر كسى كه بخواهد عطا خواهد كرد. خداوند رحمان صاحب فضلى عظيم است.

المجادلة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ^١ الَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَ زُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ^٢ وَالَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسًا ذَلِكُمْ تَوْعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ^٣ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسًا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَاطْعَامُ سِتِّينَ مَسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ^٤ إِنَّ الَّذِينَ يَحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَ

ستیز با قانون، ستیزه با رسول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. خداوند جهان سخن آن خانم را شنید که درباره همسرش با تو جدل می‌کرد و بعد از ناامیدی به درگاه خدا شکایت آورد. خداوند گفت و واگفت شما را می‌شنید. به یقین خداوند جهان شنوا و بیناست.

٢. آن کسانی از شما مؤمنان که به همسر خود بگویند: «تو مادر منی» و با این شعار از بستر او فاصله فاصله بگیرند و او را از زناشویی معلق سازند، همسرانشان در حکم مادرانشان نخواهند شد. مادرانشان همان خانم‌هایی هستند که آنان را زاییده‌اند. کسانی که به همسران خود بگویند: تو مادر منی، سخن ناهنجاری بر زبان می‌رانند و حرف زوری می‌زنند. و بی‌شک خداوند رحمان صاحب عفو و مغفرت است و از این خطا می‌گذرد.

٣. کسانی که با این شعار از همسر خود فاصله می‌گیرند سپس به بستر او بازمی‌گردند باید قبل از تماس باهم یک بنده آزاد کنند. این برای شما جریمه‌ای است که با آن موعظه می‌شوید. خداوند جهان به دستاورد شما خبیر و آگاه است.

٤. هر کس بنده‌ای نیابد که به کفاره این حرف زور آزاد کند باید قبل از تماس با همسر دوماه پی‌درپی روزه بگیرد و هر کس نتواند روزه بگیرد باید شصت بیکاره مستمند را یک وعده اطعام کند. این فرمان را از آن جهت صادر کردیم تا شما به خدا و رسول خدا ایمان بیاورید و از سنت‌های جاهلیت دوری گزینید. اینها که گفتیم حدود خداوند است و هر کس از حدود الهی تجاوز کند در حکم کافران است و برای کافران عذاب دردناکی مهیاست.

لِّلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۝ يَوْمَ يُبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَ نَسُوهُ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۖ ۶ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَ لَا خَمْسَةَ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَ لَا أَدْنَىٰ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۖ ۷ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَهَوْنَا عَنِ النَّجْوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نَهَوْنَا عَنْهُ وَ يَتَنَجَّجُونَ بِاللَّيْلِ وَ الْعُدْوَانَ وَ مَعْصِيَةَ الرَّسُولِ وَ إِذَا جَاؤُكَ حَيَّوكَ بِمَا لَمْ يَحِيكَ بِهِ اللَّهُ وَ يَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْ لَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصَلُّونَهَا فَيُبْسِ الْمَصِيرُ ۘ ۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَجَّجُوا

۵. کسانی که از حد خود تجاوز کنند و با خدا و رسول خدا در ستیز شوند در جامعه خوار و ذلیل خواهند شد چنان که مردمان دیگری قبل از اینان ستیزه کردند و ذلیل و خوار شدند. ما در هر زمینه آیات روشنی نازل کرده‌ایم و برای کافران که آیات ما را نپذیرند عذابی خوارکننده داریم.

۶. آن روز که خداوند جهان همه آنان را از دل خاک برانگیزد و از دستاوردها باخبر سازد، خداوند دستاورد آنان را در پرونده اعمالشان آمار کرده است گرچه خود آنان فراموش کرده‌اند. خداوند بر هر پدیده‌ای شاهد و ناظر است.

۷. آیا ندیدی که خداوند جهان هر آنچه در آسمان‌ها و هر آنچه در زمین است می‌داند و در خبرهای قرآنی تو را آگاه می‌سازد؟ هیچ‌گاه سه نفر برای رازگویی و سخن‌نهانی خلوت نمی‌کنند مگر آن که خدا چهارمین آنهاست و نه پنجم نفر برای دسیسه و تزویر به خلوت می‌روند مگر آن که خداوند جهان ششمین آنهاست. افرادی کمتر از این و افرادی بیشتر از این گرد هم فرا نمی‌آیند جز آن که خدا با آنهاست در هر جا که خلوت کرده باشند. سپس که روز قیامت شود از آنان بازپرسی می‌کند و آنان را به دستاوردها باخبر می‌سازد. بی‌شک خداوند جهان به هر پدیده‌ای دانا است.

۸. آیا به این مردم نمی‌نگری که از رازگویی و سخن درگوشی نهی شدند ولی باز به همان کاری برمی‌گردند که از آن نهی شده‌اند و با دوستان خود سخن را به زورگویی و قانون‌شکنی و تمرد و نافرمانی از فرمان رسول خدا می‌کشانند و چون به حضور برسند با نوعی سلام تو را تحیت می‌گویند که خدایت با آن گونه سلام تحیت نگفته است و با خود می‌گویند: اگر او رسول خدا باشد با این سلام توهین‌آمیز ما باید عذاب خدا بر ما نازل شود ولی عذابی نازل نشد. اما دوزخ برای عذاب کردن آنان کافی است که در آن کباب شوند دوزخ بدجایگاهی است.

بِالْإِيمَانِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبَرِّ وَالتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ^٩
 إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ
 فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ^{١٠} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ
 اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانْشُزُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَ
 اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ^{١١} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ
 صَدَقَةً ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرٌ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ^{١٢} أَسْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ
 يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاطِيعُوا
 اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ^{١٣} أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ

٩. ای اهل ایمان! هرگاه با دوستان خود به خلوت نشستید از زورگویی و قانونشکنی و سرپیچی از فرمان رسول سخن به میان نیاورید و فقط از نیکوکاری و پرهیزکاری سخن به میان آورید. شما باید از آن خدایی که به پیشگاه او محشور می شوید بترسید.

١٠. راز درگوشی از کارهای شیطان است تا مؤمنان حاضر مجلس را نگران و غمین سازد که مبدا کفران دسیسه‌ای چیده باشند و یا شایعه‌ای پرداخته‌اند و پخش می‌نمایند. نجوای منافقان به مؤمنان ضرری وارد نخواهد کرد جز با رخصت الهی که از اجرای دسیسه‌های آنان مانع نگردد. مؤمنان باید بر خدا توکل نمایند.

١١. ای اهل ایمان! هرگاه به شما گفته شود برای دیگران در کنار رسول خدا جایی باز نمایند جا باز نمایند تا خداوند رحمان برای شما جا باز کند و هرگاه به شما گفته شود از کنار او برپا شوید برپا شوید که خداوند رحمان مؤمنان شما را با کسانی که علم و دانش را دریافته‌اند به درجات بالاتری ارتقا خواهد داد. خداوند جهان از زیر و روی کارهای شما باخبر است.

١٢. ای اهل ایمان! هرگاه در کنار رسول ما نشستید که با او حرف خصوصی بزنید باید قبل از حرف خصوصی صدقه‌ای در راه خدا تقدیم نمایید. اطاعت از این فرمان برای شما بهتر است و به پاکی دل‌های شما کمک خواهد نمود. و اگر صدقه‌ای نیاپید و فقیر باشید تکلیفی نخواهد بود و خداوند رحمان آمرزنده و مهربان است.

١٣. شما مؤمنان که این فرمان را از زبان رسول ما شنیدید و اقدامی نکردید آیا نگران شدید که قبل از حرف خصوصی چند درهم تصدق بدهید و با این تصدق فقیر و درمانده شوید؟ اینک که حاضر نشدید و به خاطر ترس از تصدق با رسول خدا تماس خصوصی نگرفتید و کنار او را خالی گذاشتید با آن که تا دیروز از کنار او تکان نمی‌خوردید و خداوند رحمان بر شما رحمت آورد و تکلیف الزامی را از دوش شما برداشت پس لااقل نماز را برپا

مِنْكُمْ وَ لَا مِنْهُمْ وَ يَخْلِفُونَ عَلَى الْكُذْبِ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ ١٤ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ١٥ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ١٦ لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَ لَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ١٧ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَ يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ عَلَى شَيْءٍ أَلَّا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ ١٨ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ ١٩ إِنَّ الَّذِينَ يَحَادُّونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ ٢٠ كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رَسُولِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ٢١ لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي

بدارید و زکات امواتان را بپردازید و خدا و رسول خدا را فرمان ببرید گرچه درباره نشستن و برخاستن باشد خداوند به دستاورد شما خبیر و آگاه است.

١٤. آیا به این منافقان نگاه نکردی که با مردمانی دست دوستی داده‌اند که خداوند رحمان بر آنان غضب آورده است. این منافقان با شما پیوندی ندارند و با آن یهودیان هم پیوندی ندارند و در حال نفاقند. بر پیمان دروغ خود سوگند می‌خورند با آن که می‌دانند.
١٥. خداوند برای آنان عذاب سختی مهیا کرده است. چرا که آنان به کارهای بد دست می‌یازند.

١٦. سوگندهای خود را سپر نفاق خود کرده‌اند و با غوغا و بلوا راه خدا را بسته‌اند. عذابی خوارکننده در انتظار آنهاست.

١٧. مال و منال آنان و نه فرزندان و عیال آنان به هیچ‌وجه شرّ عذاب خدا را از سر آنان دور نخواهد کرد. آنها یاران دوزخند و هم‌راه در آن جاودانند.

١٨. آن‌روز که خداوند جهان همه آنان را یکسر از گورها برانگیزد از آنان بازپرسی خواهد کرد و آنان برای خدا سوگند می‌خورند که ایمان داشته‌اند آن‌سان که اینک برای شما سوگند می‌خورند و تصور می‌کنند که حقی بر گردن شما دارند. بدانید و بدانند که اینان دروغ می‌گویند.

١٩. شیطان بر مغز آنان چیره شد و یاد خدا را از دل آنان برد. اینان حزب شیطانند. بدانید و بدانند که تنها حزب شیطان زیانبارند.

٢٠. آن کسانی که از حدود الهی بگذرند و با خدا و رسول خدا در ستیز شوند در زمره خوارترین مردم قرار می‌گیرند.

٢١. خداوند چنین فرمان داد که «من و رسولان من باید پیروز شویم». خداوند جهان توانا و عزتمند است.

قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^{٢٢}

٢٢. تو چنین مردمی را پیدا نخواهی کرد که هم به خدا و رسول خدا ایمان بیاورند و هم با کسانی دست مودت بدهند که با خدا و رسول خدا در ستیز باشند گرچه آن ستیزه‌گران پدرانشان باشند و یا فرزندانشان و یا برادرانشان و یا فامیل تبارشان. خداوند در دل‌های این مؤمنان که از ستیزه‌گران نفرت دارند نقش ایمان را تثبیت کرده است و با موجی از روح قدسی خود نیرومندشان ساخته است و به روز باید آنان را به بوستان‌های بهشتی وارد می‌کند که از زیر آن بوستان‌ها نهرها جاری است. جاودانه در آن بوستان‌ها می‌مانند. خدا از آنان خوشنود است و آنان از خدا خوشنودند. اینان حزب خدایند. بدانید و بدانند که تنها حزب خدا رستگارند.

الحشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ^١ هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرِجُوا وَظَنُّوا أَنَّهَمْ مَانِعْتَهُمْ حُصُونَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَآتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ ^٢ وَلَوْ لَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ^٣ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ^٤ مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَيْنَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَى أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْرِزِيَ الْفَاسِقِينَ ^٥ وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا

١. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است برای خداوند جهان تسبیح می‌گوید. خداوند جهان عزتمند و کاردان است.

٢. او بود که یهود کفرپیشه را در اولین بسیج دفاعی از خانه‌هایشان بیرون راند. شما تصور نمی‌کردید که از خانه‌های باشکوه خود برون شوند و آنان تصور می‌کردند که دیوار بلندی که بر گرد خانه‌های خود کشیده‌اند سطوت خدا را از آنان دور می‌سازد. پس خداوند جهان از آنجایی که در پندارشان نمی‌گنجید به خانه‌های آنان درآمد و در دل‌هایشان رعب و وحشت افکند که حاضر شدند برای حفظ جان و مالشان دژها و خانه‌ها را به مسلمین بسپارند و جلای وطن نمایند، تنها کاری که می‌کردند این بود که خانه‌های خود را با دست خود و با دست مؤمنان که اجیر می‌گرفتند خراب می‌کردند تا مصالح قیمتی آن را با خود ببرند. عبرت بگیرید ای کسانی که چشم بینا دارید.

٣. اگر نه این بود که خداوند جهان جلای وطن را بر پیشانی آنان نوشته بود در همین زندگی دنیا عذابشان می‌کرد و دمار از روزگارشان برمی‌آورد. با آن که در آخرت برایشان عذاب دوزخ مهیاست.

٤. این سختگیری و عذاب بدان خاطر است که اینان برای کسب قدرت با خدا و رسول خدا در ستیز شدند و هر کس با خداوند جهان در ستیز شود باید منتظر عقوبت‌های سخت باشد از آن رو که عقوبت الهی سخت و سهمگین است.

٥. هر درخت تری را که قطع کردید و یا قطع نکرده بر سرپا وانهادید با رخصت خدا بود. خداوندتان از پی زدن درختان مانع نشد تا حدود الهی را به هنگام حصار دشمن روشن کند و فاسقان یهود را رسوا سازد که پی زدن اشجار تازه را به عنوان فساد و خرابکاری و

رِكَابٍ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَسْلُطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^٦ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَاللِّرَسُولِ وَ لِلَّذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ^٧ لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أَمْوَالِهِمْ يُبْتَغُونَ فِضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا وَ يَنْصُرُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ^٨ وَ الَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَ الْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَ يُوَثِّرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^٩

هلاکت حرث و نسل تلقی نمودند و زبان به اعتراض گشودند.

٦. آنچه از اموال یهودیان در طی قتال و محاصره آنان به چنگ آورده‌اید از آن شما خواهد بود، ولی اموال نامنقولشان که خداوند رحمان در اثر قرار و پیمان دوم به رسول خود بازگردانید شما برای تصاحب آن تاختی نبردید نه با اسب و نه با شتر که نام آن را غنیمت بگذارید و در آن سهمیم بشوید بلکه خداوند جهان رسولان خود را گاهی چنان بر کافران مسلط می‌سازد که اموال خود را با دست خود تسلیم می‌کنند تا جان خود را بخرند. و خدا بر هر کاری توانا است.

٧. آنچه را که خداوند جهان به این صورت که گفتیم از کافران آبادی‌ها به رسول خود بازگرداند مانند مصرف خمس و یزّه خداوند است و رسول خداوند و آن‌که با رسول خدا صاحب خویشی باشد و ایتم آنان و بیکارانشان و درماندگان در راهشان تا این‌گونه اموال میان دولتمندان شما دست‌به‌دست نچرخد. آنچه را که رسول خدا از سهم خدا و رسول خدا و سایر سهامی که در اختیار دارد به شما عطا کند بگیرید و نوش جان نمایید و آنچه را از شما دریغ ورزد و ممنوع بدارد دست خود را از آن واپکشید. شما باید از خشم خدا بترسید. با خدا و رسول خدا در ستیز نشوید که عقوبت‌های الهی سخت و سهمگین است.

٨. آن اموالی که از کافران بنی‌نضیر به رسول خدا ارجاع شد و یزّه آن مستمندانی است که هجرت کرده‌اند و از خانه و اموالشان به وسیله دشمن رانده شدند و اینک از فضل رحمت خدا روزی خود را می‌جویند به همراه رضایت الهی که درصدد تحصیل آنند و خدا و رسول خدا را نصرت می‌دهند. آنان همان راستگویانند.

٩. و مردم مدینه که بستر خانه‌ها را برای مهاجران و بستر ایمان را برای اهل ایمان پیش از ورود مهاجران آماده کردند به خاطر اخلاصی که دارند مهاجران را دوست می‌دارند و در سینه‌هایشان به آن نوالی که مهاجران را داده‌اند نیازی احساس نمی‌کنند حتی مهاجران را در ناز و نعمت بر خودشان مقدم می‌دارند گرچه خود نیازمند آن باشند و بالاتر از آن از

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ^{۱۰} أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِن أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِن قُوتِلْتُمْ لَنَنصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ^{۱۱} لَئِن أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِن نَصَرُوهُمْ لَيُولَنَ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ^{۱۲} لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ^{۱۳} لَا يقاتلونكم جميعاً إلا في قرىٍ محصنةٍ أو من وراءِ جدرٍ بأسهم بينهم شديدٍ تحسبهم جميعاً وقلوبهم شتى ذلك بأنهم قومٌ لا يعقلون^{۱۴}

آلودگی بخل و حرص در امان مانده‌اند و هرکس از آلودگی بخل و حرص در امان مانده باشد رستگار است.

۱۰. و آن تابعانی که بعد از مهاجران و انصار به اسلام درآیند به پاس فداکاری‌ها و جانفشانی‌های مهاجران و انصار می‌گویند: پروردگارا! بر ما بیخشا و بر آن برادرانی که در ایمان بر ما سبقت گرفتند و راه را برای ما سهل و آسان کردند، پروردگارا! و در دل‌های ما کینه و کیدی نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند جا مده. پروردگارا! تو خود بی‌شک رؤوف و مهربانی.

۱۱. آیا روز اول به این منافقان نگاه نکردی که با یهودیان هم‌پیمان خود می‌گفتند: اگر شما از مدینه اخراج شدید ما نیز با شما شهر مدینه را ترک می‌گوییم و فرمان هیچ‌کس را درباره شما اطاعت نخواهیم کرد و اگر بر روی شما شمشیر بکشند شما را نصرت و یاری خواهیم کرد در حالی که خداوند جهان گواهی می‌داد که این منافقان به برادران هم‌پیمان خود دروغ می‌گویند.

۱۲. اگر یهودان از مدینه اخراج شوند این منافقان هم‌پیمانانشان با آنان خارج نمی‌شوند و اگر بر روی آنان شمشیر بکشند اینان به یاری آنان نمی‌شتابند و اگر به یاری آنان بشتابند پشت به میدان فرار می‌نمایند و بعد از آن یاری نخواهند شد.

۱۳. شما مؤمنان در دل‌های این منافقان هراس و هیبت بیشتری دارید تا خداوند جهان و این بدان جهت است که منافقان عمق مسائل را در نمی‌یابند.

۱۴. این منافقان با یهودیان یکجا مجتمع نمی‌گردند که با شما پیکار نمایند مگر در خانه‌هایی با حصارهای محکم و یا از پشت دیوارهای بلند. خطر آنان فقط در میان خودشان سخت و شدید است پنداری که باهم یکپارچه‌اند که چنین در کنار هم قرار دارند ولی دل‌هایشان پراکنده و از هم دور است و این بدان جهت است که اینان مردمی بی‌خردند.

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^{١٥} كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ^{١٦} فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ^{١٧} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَتُنْتَظَرُوا نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ^{١٨} وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ^{١٩} لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ^{٢٠} لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ^{٢١} هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ^{٢٢} هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ

١٥. حکایت این یهودان مانند حکایت بنی قینقاع است که پیش از اینان به تازگی طعم بدفرجامی کار خود را چشیدند. و در آخرت برای آنان عذاب دردناکی مهیا است.

١٦. همین منافقان با یهود بنی قینقاع هم وعده کردند که آنان را در مقابل مؤمنان یاری می‌رسانند ولی از ترس جان چنین نکردند و آنان را در گرداب بلا رها کردند. درست مانند شیطان که به آدمی گفت: : به پروردگار خود کافر شو و چون کافر شد او را تنها گذارد و گفت: من از تو بیزارم. من از خداوند جهان پروردگار عالمیان ترسانم.

١٧. و فرجام کارشان آن شد که شیطان با مرید کافر خود، هر دوتن در آتش دوزخ جاودانی گشتند. سزای سیه‌کاران نیز همین است.

١٨. ای اهل ایمان! از خشم خدا بترسید. هرکسی باید بنگرد که برای فردای قیامت چه توشه‌ای مهیا کرده است. از خدا بترسید که خداوند جهان به دستاورد شما خبیر و آگاه است.

١٩. شما مانند آن کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خداوند چنان سرگرمشان ساخت که خودشان را از یادشان برد. اینان همان فاسقانند که با عیش و نوش و سرگرمی از خط انبیا خارج شده‌اند.

٢٠. یاران دوزخ با یاران بهشت برابر نخواهند شد. فقط یاران بهشت به رستگاری می‌رسند.

٢١. اگر ما این قرآن را بر کوهی نازل کرده بودیم تو آن کوه را می‌دیدى که یال و کوپال خود را فروهسته از هراس خدا و خشیت او از هم پاشیده و خرد و خاکشیر شده است. ما این گونه مثل‌ها را برای مردم می‌آوریم، باشد که بیندیشند.

٢٢. او خدایی است که جز او خدایی نیست. دانای نپهان و پیداست. او رحمان و مهربان است.

المُهَيِّمِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ الْمُتَكَبِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۲۳ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۲۴

۲۳. او خدایی است که جز او خدایی نیست، پادشاهی پاک و مقدس، صفابخش و امان‌بخش، نگهبان و عزتمند، سرفراز و با کبریا. خداوند جهان را از بافته‌های مشرکان تسبیح باید کرد.

۲۴. او خدایی است که آفریننده و پیکرتراش و نقش‌آفرین است. نام‌های بهتر از آن او است، آنچه در آسمان‌ها و زمین است او را تسبیح می‌کنند و او عزتمند و کاردان است.

المُتَحَنَّة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ^١ إِنْ يَتَّقَوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَسْتَبْتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ^٢ لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُفْصَلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^٣ قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَّيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ^٤ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ

زنان مهاجر - بیعت با زنان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. ای اهل ایمان! با دشمنان من و دشمنان خود راه دوستی مپویید و آنان را حامی و مدافع خود مگیرید. شما دوستی و مودت خود را به پای آنان می‌افکنید با آن که به قرآن شما کافر شده‌اند. رسول خدا را با شما از وطن بیرون می‌رانند با این بهانه که شما به خداوند، پروردگارتان ایمان می‌آورید. اگر شما به منظور جهاد در راه من و به خاطر تحصیل رضای من از خانه‌های خود هجرت کرده‌اید باید در عداوت دشمنان من بکوشید ولی شما مردم مودت خود را مخفیانه به آنان هدیه می‌نمایید با آنکه من به رازی که در دل نهان کرده‌اید و شعاری که هویدا کرده‌اید داناتر از شما هستم. این را بدانید هرکس از شما مؤمنان به این گونه خیانت‌ها دست بیازد راه صاف را گم کرده است.
۲. اگر شما را در جایی بچویند دشمن شما خواهند بود و برای ضرب و شتم شما دست و زبان خود را به سوی شما دراز می‌نمایند. هرکاری که از دستشان برآید کوتاهی ندارند و دوست دارند که شما کافر شوید.
۳. روز قیامت خویشان و فرزندانتان که به منظور نجات آنان خیانت می‌کنید هرگز سودی عاید شما نخواهند کرد چرا که میان شما جدایی خواهد افتاد. خداوند به دستاورد شما بینا است.
۴. به یقین برای شما مؤمنان زندگی ابراهیم و پیروانش سرمشق خوبی بود. آن روز با

كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٥ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَنِيُّ الْحَمِيدُ ٦ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَ اللَّهُ قَدِيرٌ ٧ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٨ لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ٩ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَى إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تُوَلُّوهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ١٠ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

هم تباران خود گفتند: ما از شما و از هر خدایی که شما در عوض خداوند جهان پرستش می کنید بیزاریم. به شما مردم کافر شده ایم. میان ما و شما دشمنی و کینه ورزی آشکارا و علنی است تا آن روز که شما هم به خداوند یکتا ایمان بیاورید. شعار ابراهیم برای شما مردم سرمشق خوبی است مگر در باب وعده ابراهیم با پدرش که گفت: «من از خداوند خودم برای تو آمرزش خواهم خواست ولی از جانب او مالک سود و زیان نمی باشم که تو را از عذاب خدا برهانم». ابراهیم و پیروانش گفتند: پروردگارا ما بر تو توکل کرده ایم و از هر دری به سوی تو بازگشته ایم و به سوی تو می شویم.

۵. پروردگارا! ما را برای کافران فتنه و آزمون مساز که از فقر و بیماری ما شاد شوند و ثروت و صحت خود را دلیل سعادت بشمارند. پروردگارا بر ما بیخشا که تو عزتمند و کاردانی.

۶. به یقین در این نیایش ابراهیم و پیروانش هم برای شما سرمشق خوبی بود سرمشق خوب و مفید برای آن کسانی که امیدشان به خدا و روز آخرت باشد که روز پاداش است. هر کس به این سرمشق نیکو پشت کند خداوندش تنها می گذارد. به یقین خداوند رحمان از طاعت بندگانش بی نیاز است و در کار خود ستوده کردار است.

۷. شاید روزی فرارسد که خداوند رحمان میان شما و میان آن دسته از خویشانان که با آنان دشمنی ورزیده اید مودت و خاطرخواهی برقرار سازد. خداوند جهان توانا است. خداوند جهان آمرزنده و مهربان است.

۸. خداوند، شما را از خیرخواهی آن دسته خویشانان که به خاطر دین با شما پیکار نکرده اند و شما را از خانه و کاشانه بیرون نرانده اند منع و نهی نمی کند که با آنان نیکی کنید و حق آنان را به انصاف و عدالت بدهید. بی شک خداوند جهان مردمان عدالت پیشه را دوست می دارد.

۹. خداوند جهان شما را از دوستی آن دسته خویشانان نهی می کند که به خاطر دین به روی شما شمشیر کشیدند و شما را از خانه هایتان برون راندند و با دیگران برای اخراج شما

إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٌ فَأَمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ وَ سَأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَ لَيْسَ لَكُمْ أَنْفَقُوا ذَلِكَمُ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^{١٠} وَ إِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقِبْتُمْ فَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ^{١١} يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ بِيَاعِنِكَ عَلَى أَنْ لَا يَشْرِكَنَّ بِاللَّهِ شَيْئًا وَ لَا

همداستان و پشتیبان شدند. هرکس با آنان دوستی و مودت برقرار کند از سیه‌کاران است.
۱۰. ای اهل ایمان! عهدنامه شما با مشرکان نسبت به بانوان صراحت ندارد. از این‌رو هرگاه زنان مؤمن هجرت‌کنان به نزد شما بیایند آنان را با سوگندهای غلاظ و شداد امتحان کنید. خدا به ایمان آنان داناتر است ولی تکلیف شما همین است که آنان را امتحان و آزمون نمایید. پس اگر دانستید که ایمان دارند آنان را به کافران بازگردانید. نه آن خانم‌ها برای کافران حلالند و نه کافران برای خانم‌ها حلالند و برای آنکه حق شوهرانشان ضایع نشود آنچه شوهرانشان در ازدواج و عروسی با خانم‌های مهاجر خرج کرده‌اند به آنان بدهید و در این صورت بر شما باکی نیست که با خانم‌های مهاجر ازدواج کنید آن‌هم به صورت موقت که اگر فردا شوهرانشان مسلمان شدند بتوانند مجدداً با هم زندگی نمایند و با این شرط که اجرت و کابین آنان را بپردازید نه آنکه در برابر همان مبلغ پرداختی آنان را به نکاح خود درآورید، بر اساس این قانونی که اعلام کردیم شما مؤمنان حق ندارید به بازوی زنان کافر خود بچسبید و آنان را همسر خود بدانید. زنان کافر خود را از قید ازدواج خود آزاد و رها سازید تا با مرد دلخواه خود ازدواج کنند و بر اساس همین قانون آنچه در ازدواج و عروسی برای آنان خرج کرده‌اید و کابین داده‌اید از کافران مطالبه نمایید متقابلاً آنان هم می‌توانند مهر زنان‌شان را که مسلمان شده‌اند از شما مطالبه نمایند و اجازه هجرت بدهند. این حکم خداوند است که میان شما با کافران داوری می‌کند و خداوند جهان دانا و کاردان است.

۱۱. و اگر یک یا چندتن از همسران شما از دست شما رفتند و به سوی کافران گریختند و کافران حاضر نشدند که این قانون را رعایت کنند و حق شوهرانشان را به شما تسلیم کنند شما هم می‌توانید با آنان مقابله به مثل نمایید و در صورتی که همسران کفار به سوی شما هجرت کردند شما هم از پرداخت حق شوهرانشان امتناع نمایید و اگر چنین اتفاق افتاد و شما مقابله به مثل کردید و حق کافران را نپرداختید از همان بودجه، حق شوهران مسلمانی را که همسرانشان فرار کرده‌اند و به حق خود نرسیده‌اند بپردازید و آنچه درباره

يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ^{۱۳} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ^{۱۳}

ازدواج با آن خانم‌ها خرج کرده‌اند به آنان بدهید. شما همگان باید از خشم آن خدایی که بدو ایمان دارید بترسید.

۱۲. و تو ای پیامبر! هرگاه زنان مؤمن به حضورت بیایند تا با تو بیعت کنند با این شرایط با آنان بیعت کن که هرگز شرک نوزند، دزدی نکنند، زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند و سقط نسازند؛ با دروغ و تهمت، فرزند دیگران را به شوهر خود نچسبانند که میان دست‌وپای آنان آزاد باشند. در کارهای معروفی که فرمان می‌دهی نافرمان نشوید. با رعایت این شرایط با آنان بیعت کن و تعهد بسپار که وارد بهشت می‌شوند و برای گناهان گذشته آنان از خدا طلب مغفرت کن، به یقین خداوند جهان آمرزنده‌ای مهربان است.

۱۳. و شما ای اهل ایمان! با امت یهود هم که خدا بر آنان غضب آورده است دست دوستی مدهید. آنان از نعمت آخرت مأیوسند آن چنان که کافران از قیام خفتگان در گور در یأس و ناامیدی بسر می‌برند.

الصَّف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ^١ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ^٢ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ^٣ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بَنِيَانٌ مَرْضُوضٌ^٤ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَوَدُّونَنِي وَ قَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ^٥ وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ^٦ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الضَّالِّينَ

صف - دیوار آهنین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. آنچه در آسمان‌ها و زمین است خداوند جهان را تسبیح کرده است. خداوند جهان عزتمند و کاردان است.

٢. ای اهل ایمان! چرا در باب حمایت دین داد سخن می‌دهید و عمل نمی‌نمایید؟

٣. در پیشگاه خداوند جهان بزرگ‌مایهٔ خشم و نفرت این است که وعدهٔ نصرت بدهید و بدان عمل ننمایید.

٤. خداوند جهان، کسانی را دوست دارد که در راه او صف‌زده پیکار می‌نمایند و چنان پایدارند که گویا دیواری از سنگ و سرب برآورده‌اند.

٥. اعلام کن که بهانه‌جویی در اجرای فرمان، عاقبتی وخیم و فرجامی شوم و ناخوش دارد و خاطرنشان کن آن روز را که موسی به مردم خود گفت: ای مردم من! چرا فرمان نمی‌برید و با ایراد و بهانه‌جویی مرا آزار می‌دهید با آنکه می‌دانید من رسول خدا هستم و از جانب او فرمان می‌دهم. و چون مردم موسی وارونه شدند و چپ افتادند خداوند جهان دل‌هایشان را چپ کرد که راه فسق را در پیش گرفتند. خداوند جهان مردم فاسق را که از خط انبیا خارج بشوند رهبری نخواهد کرد.

٦. و خاطرنشان کن آن روز را که عیسی بن‌مریم به امت موسی گفت: ای یهود بنی‌اسرائیل! من رسول خدا هستم که به سوی شما آمده‌ام تا کتاب تورات را تصدیق و تثبیت کنم و شما را به رسالت یک رسولی که بعد از من خواهد آمد و نام او احمد است بشارت بدهم. و چون عیسی بن‌مریم دلایل و معجزات خود را به آنان ارائه نمود یهودیان

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ^٧ يَرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ^٨ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^٩ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ^{١٠} تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ^{١١} يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ^{١٢} وَ أُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ^{١٣} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ

گفتند: این سحری است که دروغ تو را آشکارا می کند نه معجزه ای که رسالت تو را اثبات نماید.

۷. کیست که سیه کارتر باشد از کسی که معجزه خدا را انکار کند و قرآن را سحر و جادو بشمارد و کیست که سیه کارتر باشد از کسی که دروغی را بیافد و بر خدا افترا بزند در حالی که به سوی تسلیم و رضا دعوت می شود. افترا بستن بر خداوند رحمان سیه کاری است و خداوند رحمان سیه کاران را رهبری نخواهد کرد.

۸. می خواهند که با آب دهان نور خدا را خاموش کنند. خداوند رحمان نور خود را تمام و کمال خواهد بخشید گرچه کافران را ناخوش آید.

۹. او خدایی است که رسول خود را با پرچم هدایت و قانون برحق گسیل نمود تا او را بر تمام جلوه های دین چیره سازد که چیزی ناگفته برجا نماند گرچه مشرکان را ناخوش آید
۱۰. ای اهل ایمان! آیا شما را به تجارتی رهنمون بشوم که از عذاب دردناک دوزخ نجاتتان بخشد؟

۱۱. به خدا و رسول خدا ایمان بیاورید و در راه خدا با مال و جان جهاد نمایید. اگر شما بدانید این تجارت برای شما بهترین سود را بیار خواهد آورد

۱۲. خداوند رحمان بر اثر این جهاد و ایمان گناهان شما را می آمرزد و به بوستان های بهشتی وارد می کند که از زیر آنها نهرها روان است با خانه های خوب و خوش آب و هوا در بهشت برین. رستگاری بزرگ همین است که از آتش دوزخ برهند و به نعمت های بهشتی دست یابند.

۱۳. و سودی دیگر که شما دوستار آن هستید و آن نصرتی است از پیشگاه خداوند جهان با فتوحی نزدیک. مؤمنان را بسیج کن و به این فتح و پیروزی بشارت ده.

الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّنتُ طَائِفَةً مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيُّدِنَا الَّذِينَ آمَنُوا
عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ^{١٤}

١٤. ای اهل ایمان! شما باید انصار خدا باشید و رسول خدا را یاری دهید تا اساس دین خدا را تحکیم سازد آن چنان که عیسی بن مریم به حواریون خود گفت: من می خواهم خدا را یاری بدهم تا دین خود را به کرسی بنشانند. از میان شما چه کسانی حاضرند که انصار من باشند و تا به سوی خدا نرفته ام از یاری من دست برندارند. حواریون عیسی گفتند: ما خود حاضریم که انصار خدا باشیم و دین او را تا آخر عمر خود یاری بدهیم. عیسی دعوت خود را آشکارا نمود ولی از امت موسی گروهی به او ایمان آوردند و گروهی دگر کافر شدند و ما آن دسته از یهودیان را که به عیسی ایمان آوردند بر دشمنان شان که کافر شده بودند تسلط بخشیدیم و اینک مسیحیان بر یهودیان چیره و پیروزند.

الْجُمُعَةُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَسْبَحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ^١ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ^٢ وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ^٣ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ^٤ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ^٥ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^٦ وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ^٧ قُلْ إِنْ

جمعه - ایمان پوشالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است خدا را تسبیح و تنزیه می‌کند. خدایی که پادشاه است و مقدس. عزتمند است و حکیم.

٢. او خدایی است که در میان مردمی درس نخوانده که از دامان مادر به دامان جامعه پا نهاده‌اند پیامبری از میان خودشان برانگیخت تا آیات او را بر مردم تلاوت کند و آنان را با ترک کارهای ناروا پاک سازد و به آنان فرمان قرآن را با سنت اجرای آن بیاموزد. چرا که آنان یکسر پیش از نزول قرآن آشکارا در بیراهه قدم می‌زدند.

٣. و مردمی دیگر در سلك آنان قرار دارند که هنوز به هم نپیوسته‌اند. خداوند جهان عزتمند و کاردان است.

٤. این از فضل خداوند است که به هر که خواهد عطا می‌کند و خدا رحمتی افزون و عظیم دارد.

٥. حکایت این مردمی که بعد از تهدیدهای سهمگین و سپردن تعهداتی سنگین پذیرا شدند که تورات آسمانی را سرمشق زندگی خود قرار بدهند ولی بعد از چند صباحی بار تکلیف را از دوش خود فرونهند حکایت آن درازگوشی است که بار کتاب را بر پشت خود حمل کند بی‌آنکه ارزش بار خود را بشناسد. بد حکایتی است حکایت این مردم که آیات خدا را تکذیب کردند و با پرده‌پوشی بر روی حقیقت سیه‌کار شدند. خداوند جهان سیه‌کاران را رهبری نخواهد کرد.

٦. بگو: ای یهودان اگر تصور کرده‌اید که شما یاران خدا هستید نه سایر مردمان. اگر

الْمَوْتِ الَّذِي تَفْرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مَلَأَ قِيُومَكُمْ ثُمَّ تَرُدُّونَ إِلَى عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيَبْتَلِيكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ^٨ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَدَرُّوا الْبَيْعَ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ^٩ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^{١٠} وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكَوْا قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ^{١١}

راست می‌گویید و تا این حد به آخرت خود اطمینان دارید مرگ خود را آرزو نمایید تا هرچه زودتر به سعادت کامل برسید.

۷. ولی این یهودان هرگز آرزوی مرگ را در دل نمی‌پرورند از آن رو که با سیه‌کاری توشه ناصوابی برای آخرت خود فرستاده‌اند. خداوند جهان به حال‌وروز سیه‌کاران دانا است
۸. بگو: این مرگی که شما یهودان از آن گریزانید به دیدار شما خواه شتافت و بعد از آن به پیشگاه آن خدایی بازگردان می‌شوید که دانای نهان و هویداست و شما را به دستاوردتان با خیر خواهد ساخت

۹. و شما ای اهل ایمان! هرگاه بشنوید که روز جمعه با فریاد اذان برای نماز فریضه صلا در دهند باید به سوی خطبه‌ها و یاد خداوند رحمان بشتابید و خرید و فروش را وانهید. این شتاب برای درک خطبه‌ها بهتر از پرداختن به هر کاری دیگر است، اگر شما دانسته باشید.
۱۰. و چون نماز فریضه پایان پذیرد بعد از لحظاتی چند اجازه دارید که در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا و مازاد رحمت او روزی بجویید. و باید بعد از پایان گرفتن نماز نام خدا را فراوان بر زبان آورید، باشد که رستگار گردید.

۱۱. کسانی هستند که بر سیره یهودند و چون کالای وارداتی را ببینند که به سوی بازار تجارت می‌رود و یا صدای بوق و طبل آن را بشنوند که مردم را برای خرید کالا دعوت می‌نمایند خطبه نماز را وامی‌نهند و تو را بر سر پا جا می‌گذارند و به سوی میدان تجارت روان می‌شوند. به آنان بگو: آن پاداشی که نزد خدا حاضر است بهتر از سرگرمی ساز و سرنا است و بهتر از کالای تجارت دنیا است و خداوند رحمان بهترین روزی‌دهندگان است که شما را به روزی دلخواه‌تان برساند.

الْمُنَافِقُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ^١ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^٢ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ^٣ وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خَشْبُ مُسْنَدَةٍ يَحْسِبُونَ كُلَّ صِيحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ^٤ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّأَ رُؤُسُهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ^٥ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ^٦ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ

1. هرگاه منافقان به حضورت بیایند می گویند که ما گواهی داریم که رسول خدا هستی. خدا می داند تو رسول او هستی و خدا گواهی می دهد که این منافقان در ادعای ایمان دروغ می گویند.
2. سوگندهای خود را سپر بلا ساخته اند و با ایجاد بلوا و دخالت های بی جا راه خدا را بسته اند. بی شک کار بدی می کنند.
3. این کارهای منافقان از آن رهگذر است که ایمان آوردند و قرآن را پذیرا گشتند و پس از چندی پشیمان شدند و راه کفر گرفتند. لذا دل های آنان مهر شد که اینک چیزی در نمی یابند.
4. و چون به حضورت بیایند یال و کویالشان تو را به شگفت می آورد که مردمی پرتوانند و اگر سخن بگویند چنان با هیمنه و هیبت سخن می کنند که تو را هم سراپا گوش می سازند. چنان بر دیواره مسجد تکیه می زنند که گویا تخته های الوارند که برای خشک شدن بر دیوارها تکیه داده اند. در اثر بیمی که از نهاد خود دارند هر فریادی که بلند شود پندارند که راز آنان برملا شده است و برعلیه آنان فریاد می زنند. اینان دشمن دینند. از کید آنان حذر کن. خدا آنان را بکشد به کجا کج می روند و چپ افتاده اند.
5. و چون به آنان گوش زد شود که بیایید تا رسول خدا برای خطاهایتان استغفار کند سرهای خود را به چپ و راست می چرخانند و خواهی دید که با کبر و نخوت بلوا و غوغا به راه می اندازند که ما چه خطایی کرده ایم.
6. برای آنان یکسان است که از خدا برای آنان آمرزش بخواهی یا نخواهی. چرا که خدا هرگز آنان را نمی آمرزد که فاسق شده اند و خدا فاسقان را رهنمون نخواهد گشت.

عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفُضُوا وَ لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ٧
يَقُولُونَ لَنْ نَرْجِعَ إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَا الْأَعْرَابُ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ
لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ٨ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَ لَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ
وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ٩ وَ أَنْفَقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمْ
الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْ لَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَ أَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ ١٠ وَ لَنْ يُؤَخَّرَ
اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجْلُهَا وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ١١

٧. اینان همان کسانی که دیروز می گفتند: ای مردم یثرب شما بر این مردمی که گرد رسول خدا را گرفته اند انفاق نکنید تا از گرد او پراکنده شوند. در حالی که خزائن آسمانها و زمین مال خدا است و منافقان در نمی یابند.

٨. آن روز بود که قسم می خوردند و می گفتند: اگر به مدینه بازگشتیم عزیزترین مرد مدینه ذلیل ترین مرد مدینه را برون خواهد راند با آنکه عزت مال خدا و رسول خدا و مؤمنان است که هیچ کس را یارای دست اندازی به ساحت آنان نیست ولی منافقان نمی دانند.

٩. ای اهل ایمان شما چون منافقان نباشید که اموالتان و فرزندان شما را از یاد خدا غافل کند. هر کس به اموال و فرزندان خود سرگرم شود و از یاد خدا و نماز به درگاه او غافل بماند در تجارت زندگی و ایمان زیانبار است.

١٠. شما باید قسمتی از آن روزی که عطایتان کرده ایم در راه خدا انفاق کنید پیش از آنکه مرگ، یک یک شما را دربرآید و به هنگام مرگ تقاضای مهلت کند و او را مهلت ندهند و بعد از مرگ بگویند: پروردگارا! چرا چند صباحی مرگ مرا تأخیر نیفکندی تا در راهت تصدیق کنم و از صالحان بوده باشم.

١١. خداوند هرگز مرگ کسی را به تأخیر نمی افکند بعد از آنکه اجل فرا رسیده باشد و خداوند جهان به کارهای شما خبیر و آگاه است.

التَّعَابِنِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^١
هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَ مِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^٢ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ
الْأَرْضِ بِالْحَقِّ وَ صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ^٣ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَ يَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَ مَا تُعْلِنُونَ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بَدَاتِ الصُّدُورُ^٤ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ
فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^٥ ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ
يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَ تَوَلَّوْا وَ اسْتَغْنَى اللَّهُ وَ اللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ^٦ زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ
بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ^٧ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ

تغابن، حسرت و آسف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است خدا را تسبیح می‌کند. پادشاهی مال او است ثنا و ستایش هم مال اوست. و او بر هر پدیده‌ای توانا است.
۲. او است که شما را آفرید. اینک برخی از شما به پروردگاری او کافرند و برخی دیگر مؤمنند و خداوند جهان به دستاورد شما بینا است.
۳. آسمان‌ها و زمین را به حق و برای هدف آفرید نه برای بازی و سرگرمی. صورت‌های شما را پیراست و نیکو پیراست. همگان به سوی او می‌شوند.
۴. آنچه در آسمان‌ها و زمین است می‌داند و آنچه را در نهمان بگویند و یا آشکارا بر زبان آورید می‌داند و خداوند جهان به راز سینه‌ها آگاه است.
۵. آیا خبر کافران پیشین به شما واصل نشد که طعم بدفرجامی کار خود را چشیدند و برای آنان عذاب دردناکی مهیا است.
۶. عذاب دنیا و آخرت آنان بدان جهت بود که رسولانشان با دلایل روشن آمدند و آن کافران در پاسخشان گفتند: آیا افراد بشر می‌توانند ما را به خدای آسمان‌ها رهنمون گردند؟ با این بهانه کافر شدند و به دعوت انبیا پشت کردند و خدا هم از وجود آنان بی‌نیازی جست و آنان را به دیار عدم فرستاد. خداوند رحمان بی‌نیاز و ستوده‌کار است.
۷. کافران تصور کرده‌اند که هرگز از دل گورها بر نمی‌خیزند. بگو: چرا برمی‌خیزید. به پروردگارم سوگند که از دل خاک‌ها برمی‌خیزید سپس شما را به آنچه عمل کرده‌اید آگاهی می‌دهند. و این همه بر خدا سهل و آسان است.

الَّذِي أَنْزَلْنَا وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۘ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنِ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۙ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ ۙ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ مَنْ يُؤْمِنِ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۙ ۙ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۙ ۙ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۙ ۙ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن مِّنْ أَرْوَاجِكُمْ وَ أَوْلَادِكُمْ عُدُوا لَكُمْ فَاحْدُرُوهُمْ وَ إِن تَعَفَوْا وَ تَصَفَّحُوا وَ تَغَفَرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۙ ۙ إِنَّمَا

۸. پس ای مردم کافر به خدا و رسول خدا و آن نوری که از آسمان برای هدایت شما نازل کرده ایم ایمان بیاورید و راه طاعت را در پیش بگیرید خداوند جهان به دستاورد شما خبیر و آگاه است.

۹. روزی که شما را از اطراف جهان و کیهان در یک صحرا گرد آورد. آن روز روز تغابن است که هرکسی در هر حال و مقامی باشد مغبون و متأسف خواهد بود که ای کاش در طاعت خدا بیشتر کوشیده بودم. ای کاش پیرامون خطا نگشته بودم. اما داوری آن روز بر اساس حق است نه آرزو، و هرکس به خداوند رحمان ایمان آورده باشد و کارهای شایسته بجا آورده باشد خداوند رحمان بدی‌های او را محو می‌کند و به بوستان‌های بهشتی وارد می‌کند که از زیر آنها نهرها جاری است جاودانه در آن بوستان‌ها می‌مانند. رستگاری بزرگ همین است.

۱۰. اما آن کسانی که کافر شده باشند و آیات ما را تکذیب کرده باشند آنان یاران دوزخند و جاودانه در آن می‌مانند. دوزخ بدجایگاهی است که به آن وارد می‌شوند.

۱۱. در دنیا به هیچ‌کس مصیبتی وارد نشود جز با رخصت خدا که مانع اجرای آن نگردد و هر کس به خدا ایمان آورد خدا قلب او را آرامش می‌دهد که در مصیبت‌ها جزع نکند و خود را نیازد. خداوند رحمان به هر کاری دانا است.

۱۲. شما مردم باید به خدا و رسول خدا ایمان بیاورید و از خدا و رسول خدا اطاعت کنید و اگر پشت بگردانید و به راه خود بروید کسی اصرار و پافشاری نخواهد کرد. شما باید بدانید که تنها تکلیف رسول ما ابلاغ پیام است.

۱۳. خدای جهان یکتا است و جز او خدایی نیست. مؤمنان باید بر خداوند جهان توکل نمایند.

۱۴. ای اهل ایمان! مراقب این نکته باشید که برخی از همسران و برخی از فرزندان شما دشمنان شما هستند. از تعرض آنان برحذر باشید و اگر از خطای آنان درگذرید و از تعرض و

أَمْوَالِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ فَتَنَّةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ١٥ فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا
وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ١٦ إِنَّ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا
حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ ١٧ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ١٨

پیگرد خطایشان رو بگردانید و بر آنان بخشایید به سود شما خواهد بود. این را بدانید که خداوند جهان آمرزنده و مهربان است.

١٥. جز این نیست که اموال شما و فرزندان شما مایهٔ آزمون شما هستند که آیا به خاطر آنان فرمان خدا را زیرپا می‌گذارید و یا در هر حال فرمان خدا را پاس می‌دارید. مراقب باشید که در این آزمون جانب خدا را از دست ندهید و مغبون نشوید که در پیشگاه خداوند جهان برای مطیعان پاداش بزرگی مهیاست.

١٦. درست است که اموال شما و فرزندان شما برای شما عزیزند و راه تقوا پرسنگلاخ است با وجود این تا می‌توانید از خشم خدا بپرهیزید و گرد گناهان مگردید. فرمان خدا را بشنوید و اطاعت کنید و از مال خود در راه خدا انفاق کنید که برای شما از انفاق در راه عیال و فرزند بهتر است. هر کس از شر حرص و آز خود در امان مانده باشد آنان هستند که روی رستگاری می‌بینند.

١٧. انفاق در راه خدا به هر صورتی که باشد قرض در راه خداست و اگر شما مؤمنان به خدا قرض نیکو بدهید که بدون سررسید باشد خداوند جهان قرض شما را دو برابر می‌کند و به شما بازمی‌گرداند و به شکرانهٔ این قرض گناه شما را می‌آمرزد و خدا سپاسگزار خدمت است و در مقابل خطای شما آرام و بردبار است.

١٨. دانای نهران و آشکار است. عزتمند و کاردان است.

الطلاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ۱ فَاِذَا بَلَغَنَّ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِّنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۲ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا

طلاق - عده، نفقه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. ای پیامبر! هرگاه شما مؤمنان همسران خود را طلاق گفتید باید به هنگام طهارت از خونریزی که می‌تواند آغاز عده باشد آنان را طلاق بگویید و شخصاً شمار عده را نگه‌دارید که سه ماه کامل بگذرد تا از پاکی رحم و نداشتن جنین اطمینان حاصل نمایید. از خداوند جهان پروردگارتان بترسید و دغل روا ندارید. نباید آنان را از خانه‌هایشان بیرون کنید و نه آنان حق دارند که از خانه‌هایشان خارج شوند تا مایهٔ تهمت نشود مگر موقعی که آنان فاحشه‌ای مرتکب شوند که روشن‌گر سوء نیت و مایهٔ اتهام باشد که در آن صورت خانه نشستن، اتهام آنان را مرتفع نمی‌سازد. اینها حدود خداوند است و مرزهای قانونی. هرکس از حدود خدا تجاوز کند جان خود را به سیاهی کشانده است. تو نمی‌دانی، شاید خداوند رحمان بعد از این فرمان، فرمان تازه‌ای صادر نماید و رعایت عده را به خود بانوان واگذار نماید.

۲. بعد از آن که همسرانتان به آخرین روز عده خود رسیدند یا با رفتاری شایسته و مطبوع، طلاق خود را لغو کنید و آنان را در خانه نگه‌دارید و یا با رفتاری شایسته و مطبوع، جدایی خود را اعلام نمایید و آنان را به خانهٔ خویشان‌شان روانه سازید و در این حالت که جدایی را اعلام می‌نمایید و آنان را به خانهٔ بخت جدیدشان روانه می‌سازید دو تن شاهد عادل را از میان خود گواه بگیرید که «من این خانم را طلاق گفته‌ام و اینک با اطمینان شرعی که فرزندی در شکم ندارد او را رها و آزاد می‌سازم» و شما همگان از شاهد و مشهود باید مراسم شهادت را زنده و برپا بدارید. احضار شاهد، موعظه و پندی است برای آن کسانی که به خدا و روز قیامت ایمان می‌آورند و در اجرای طلاق و رعایت شرایط دروغ و دغل روا نمی‌دارند. هرکس از نافرمانی خدا بترسد و حدود طلاق را رعایت کند خداوند راه خروج از

يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ۝
 وَاللَّائِي يَتَسَّنَّ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نَسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعَدَّتْهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضَنْ
 وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ۚ ذَلِكَ أَمْرُ
 اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا ۝ أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ
 سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلًا فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى
 يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَتَمُّوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُم
 فَسْتَرْضِعْ لَهُ أُخْرَى ۖ لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا

بن بست زندگی را بر او می‌گشاید.

۳. و اگر فقیر و مستمند باشد و بعد از طلاق و جدایی معاش او مختل گردد خداوند رحمان از جایی که تصورش را هم ندارد به او روزی می‌دهد و هرکس بر خداوند جهان توکل کند خداوند جهان برای حمایت و کفایت او کافی است. بی‌شک خداوند جهان به کار خود خواهد رسید منتها برای هر پدیده‌ای هندسه‌ای مقرر کرده است که در زمان مقدر و به میزان لازم عملی خواهد گشت.

۴. و آن خانم‌ها که از خونریزی ماهیانه مأیوس شده‌اند - در صورتی که شما شک داشته باشید - عدهٔ آنان سه ماه کامل خواهد بود. خانم‌هایی که هنوز به دورهٔ خونریزی ماهیانه پا نگذاشته‌اند - اگر مورد شک باشند - همین سه ماه کامل را باید عده نگه دارند و آن خانم‌هایی که باردارند پایان عدهٔ آنان وقتی است که بار خود را بر زمین بگذارند و هرکس در اثر رعایت این حدود دچار عسرت شود ولی از خشم خدا بترسد و از حدود الهی تجاوز نکند خداوند رحمان آسایش و سهولت را در کار او برقرار خواهد ساخت.

۵. این است فرمان خدا که به سوی شما نازل کرده است. هرکس از خشم خدا بترسد و فرمان خدا را اطاعت کند خداوند بدی‌های او را محو می‌کند و جایزهٔ او را بزرگ می‌سازد.

۶. شما باید در دوران عدهٔ طلاق، همسرانتان را در یکی از همان خانه‌ها که خود بر اساس امکانات مالی خود ساکن شده‌اید سکنی بدهید و در پوشاک و خوراک به آنان زیانی وارد نسازید تا عرصه را بر آنان تنگ آورید. و اگر باری در شکم داشته باشند بر آنان انفاق کنید و خرجی بدهید تا آن لحظه‌ای که بار خود را بر زمین بگذارند گرچه نه‌ماه به درازا بکشد و اگر حاضر شدند و کودک شما را شیر دادند باید اجرت آنان را به خودشان بپردازید شما باید میان خود و همسران به صورت نیک و شایسته تبادل فکری برقرار سازید و تصمیم بگیرید و اگر برای شیردادن کودک به عسرت افتادید خواه شما که باید اجرت او را بپردازید و خواه مادر کودک که در آستانهٔ بخت جدید است و شیردادن کودک ازدواج او را مختل

يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيِّجَعُلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا^٧ وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكَرًا^٨ فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا^٩ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا^{١٠} رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا^{١١} اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا^{١٢}

می‌سازد، در این صورت باید یک خانم دیگر به عنوان دایه کودک شما را شیر بدهد.

٧. دوران عده خانم که خرجی او بر عهده شما خواهد بود صاحبان وسعت مالی، باید از روی وسع و رفاهیت خود خرجی او را تأمین نمایند و هرکس با روزی تنگ و درآمد محدود زندگی می‌کند باید از همان روزی محدود خود که خدا به او عطا کرده است به او خرجی بدهد. خداوند جهان کسی را جز بر اساس امکاناتی که بدو داده است تکلیف نمی‌کند. خداوند رحمان بعد از عسرت و سختی رفاهیت و آسایش را برقرار خواهد ساخت.

٨. چه بسیار بودند امت‌هایی که از فرمان پروردگارشان سرپیچی کردند و ما به سختی حساب آنان را وارسیدیم و با عذاب ناشناخته عذابشان کردیم.

٩. پس طعم بدفرجامی کارشان را چشیدند و پایان تجارت آنان در زندگی به خسارت انجامید.

١٠. خداوند جهان برای آنان عذاب سختی مهیا کرده است. پس ای صاحبان مغز و خرد که ایمان آورده‌اید از خشم خدا بترسید. خدا به سوی شما قرآنی نازل کرده است که یاد خدا را در خاطر‌ها زنده خواهد ساخت.

١١. رسولی فرستاده است که آیات خداوند را بر وجه روشن بر شما تلاوت می‌کند تا آن‌دسته از شما را که ایمان آورده‌اند و کرداری شایسته بجا آورده‌اند از سیاهی‌ها به سوی نور، هدایت کند و هرکس به خدا ایمان بیاورد و اعمال شایسته انجام دهد خداوند جهان او را وارد بوستان‌هایی می‌کند که از زیر آنها نهرها روان است. جاودانه در آن بوستان‌ها جا دارند همیشه. خداوند جهان روزی او را در بهشت به صورتی نیکو مهیا کرده است.

١٢. خداوند شما آن خدایی است که هفت آسمان را آفرید و مانند آسمان‌ها از جنس زمین کراتی چند آفرید. فرمان خدا میان آسمان‌ها و زمین در حال نزول است. این نکته از آن گفتیم تا شما بدانید که خداوند جهان بر هر کاری تواناست و خداوند جهان از نظر علم و دانش بر هر پدیده‌ای محیط است.

التَّحْرِيمُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ^١ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ^٢ وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ^٣ إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ

سمبل ایمان، سمبل کفر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. ای پیامبر! آنچه را خداوند رحمان بر تو حلال و روا کرده است چرا بر خود حرام و ناروا می‌سازی تا رضایت همسرانت را تحصیل کنی؟ این‌گونه سوگندها که انسان، حلال خدا را بر خود حرام کند لغو و بی‌اثر است و خداوند رحمان نسبت به این سوگندهای شما آمرزنده و مهربان است.

۲. هر آنجا که سوگندهای شما برخلاف مصلحت باشد خداوند رحمان واگشودن آن سوگند را بر شما فرض و قطعی کرده است. خداوند رحمان مولا و سرپرست شما است و شما را به راه درست می‌برد و او دانا و کاردان است.

۳. به خاطر بیاورید که همسران رسول خدا بر علیه او اعتصاب کردند و بعد از تهدید جدایی، پذیرا شدند که شرایط زندگی او را تحمل کنند و با خلوص کامل مطیع باشند و اینک به خاطر بسپارید که یک‌تن از همسران جوانش به او گفت: وای بر ما که بیچاره‌ترین زنان دنیا هستیم، نه فرزندی از شوهرمان داریم که فردا مخارج ما را به عهده بگیرد و نه حق داریم که شوهر انتخاب نماییم و نه از شوهرمان ارثی بجا می‌ماند که زندگی ما را اداره کند و رسول ما با نفرت به او نگریست و گفت: ولی من به عیان می‌بینم که بعد از مرگ من حال‌وروز شما خوب می‌شود خصوصاً تو که بر همگان سر می‌شوی و پدرت بعد از مرگ من رئیس خواهد شد. رسول ما بعد از آرامش روحی به او سفارش کرد که سر او را فاش نسازد و چون همسرش خیانت کرد و هووی خود حفصه را از سر رسول خدا مطلع ساخت و خداوند رحمان پیامبر خود را از ماجرا باخبر ساخت رسول خدا با همسرش حفصه نیز قسمتی از همان سر نهانی را در میان نهاد و از او پیمان گرفت که سر او را فاش نسازد منتها قسمتی را برای او بازگو کرد که با ریاست پدرش مربوط می‌شد و از ریاست آن‌یک سخنی به میان نیامد و چون رسول خدا حفصه را از سر نهان باخبر ساخت حفصه به او گفت: چه کسی تو را از این پیشگویی باخبر ساخته است؟ رسول ما به

فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةَ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ^٤ عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّفَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَ مَسْلَمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا^٥ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ^٦ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ^٧ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^٨ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفْرَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ

او گفت: آن خدایی که از هر سرّی باخبر است آینده امتم را برای من روشن کرده است.
 ٤. آن هر دوتن سرّ رسول را با پدران خود در میان نهادند و آنان با امید و آرزو برای آینده خود برنامه‌ریزی کردند. اینک ما به آن دوتن اخطار می‌دهیم، اگر شما دو نفر به سوی خدا بازگردید... اما دل‌های شما دونفر چپ افتاده است و شما هرگز توبه نخواهید کرد ولی اگر با پشتیبانی هم برعلیه رسول ما برخیزید این را بدانید که خداوند رحمان مولا و حامی او خواهد بود با جبرئیل امین و علی، تنها فرد شایسته مؤمنین و فرشتگان نیز پشتیبان و یاور او خواهند بود تا میراث دینی او برجا بماند.

٥. اگر رسول ما شما همگان را از پیر و جوانتان طلاق بگوید شاید پروردگارش به جای شما همسران دیگری برای او در نظر بگیرد که از شما بهتر باشند، تسلیم باشند، مؤمن باشند، با خلوص نیت اطاعت نمایند. اهل توبه و آشتی باشند. اهل عبادت باشند، نماز بخوانند و روزه بگیرند، بیوه باشند، دوشیزه باشند.

٦. ای اهل ایمان! شما در برابر این فتنه‌ها که اشاره کردیم جان خود را و جان خاندان خود را از آتش دوزخ نجات بدهید که آتش‌گیره آن آدمیانند با تنفس خود و با سنگپاره‌هایی که از زیر پایشان سقوط کنند و با ایجاد جرقه گازها را مشتعل نمایند. بر سر آتش، فرشته‌های تندخو و درشت اندام نگهبانند. هر فرمانی که صادر شود خدا را نافرمان نمی‌شوند و مأموریت خود را اجرا می‌نمایند.

٧. ای مردم کافر! امروز، روز معذرت نیست. معذرت‌خواهی نکنید. جز این نیست که سزای دستاورد خود را دریافت می‌کنید.

٨. ای اهل ایمان! به سوی خدا بازگردید در بازگشتی صادقانه و خالص، شاید پروردگار شما توبه شما را بپذیرد و بدی‌های شما را محو کند و در بوستان‌هایی جای دهد که از زیر آنها نهرها روان است. روزی که خداوند رحمان پیامبر خود را و مؤمنان همراه او را رسوا

جَهَنَّمَ وَيَبْسُ الْمَصِيرُ^۹ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَامْرَأةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ^{۱۰} وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأةَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ^{۱۱} وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقْتَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانُ الْإِسْلَامِ وَذِكْرَ الْهَيْدِ وَالْحَمِيَّةِ وَنَحْلَ الْعَقْلِ وَالْحَمِيَّةِ وَكَانَتْ مِنَ الْغَائِبِينَ^{۱۲}

نمی‌کند، در تاریکی‌های مسیر بهشت و گذرگاه اعراف نورپیشانی آنان چون نورافکن پیشاپیش گام‌هایشان می‌پوید تا مسیر آنان روشن شود و از خطر چاله‌ها در امان بمانند و چون رو به سوی گذرگاه بچرخانند نور پیشانی آنان در سمت راستشان بر روی شیارها و دره‌ها می‌لغزد تا گذرگاه را بیابند. تقاضا می‌کنند که پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را بیامرز، به یقین تو بر هر پدیده‌ای توانا هستی.

۹. ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و با آنان درستی و تندی کن که هرگونه تلاش آنان را در راه شکست دین با تلاشی مناسب مقابل کنی و فرجام آنان، رسوایی دنیا است و جایگاهشان دوزخ است و دوزخ بدجایگاهی است.

۱۰. خداوند همسر نوح و همسر لوط را برای شناخت زنان کافر مثل زده است. این دوخانم در ازدواج نوح و لوط، دو بنده صالح ما بودند و با افشای اسرار شوهران خود، خیانت کردند. این دو بنده صالح با مقام و منزلتی که دارند نتوانستند خشم خدا را از همسران خود بگردانند و به هر دو زن خطاب شد که با دوزخیان به دوزخ درآید.

۱۱. و خداوند رحمان برای شناخت زنان مؤمن مادرخوانده موسی همسر فرعون را مثل زده است، آن‌روز که با رهنمایی و ارشاد پسرخوانده‌اش موسی به خدا و قانون خدا ایمان آورد به درگاه خدا دعا کرد و گفت: پروردگارا! برای من خانه‌ای در بهشت برین بنا کن و مرا از شر فرعون و ازدواج با فرزندش ولیعهد که بعد از مرگ پدر صاحب من می‌شود برهان. پروردگارا! مرا از شر این سیه‌کاران نجات و رهایی ببخش.

۱۲. مثل دیگر، دختر عمران است که دامن خود را بر همه مردان تحریم کرد و شوهر نگرفت و ما موجی از روح خود را به دامن او دمیدیم و با نطفه عیسی بارورش نمودیم. مریم به اراده پروردگارش تسلیم شد و به عیسی و یحیی و سایر کلمات پروردگارش ایمان آورد و کتاب‌های پروردگارش را تصدیق کرد و از بندگان خالص ما بود که با خلوص نیت راه طاعت گرفته بودند.

المَلِك

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^١ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ^٢ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ^٣ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ^٤ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ^٥ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ^٦ إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَهِيَ تَفُورٌ^٧ تَكَادُ تَمِيزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ^٨ قَالُوا بَلَى قَدْ

پادشاهی، قدرت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. پاینده باد خدایی که پادشاهی در دست او است و بر هر کاری توانا است.
۲. آن خدایی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید و ببیند چه کسانی دستاورد بهتری دارند، و او عزتمند و آمرزگار است.
۳. آن خدایی که هفت آسمان را بر طبق هم آفرید. در آفریده‌های خداوند رحمان تفاوتی نخواهی دید. دیده خود را به سوی آسمان‌ها برگردان و بنگر آیا شکافی و رخنه‌ای در مریخ و مشتری می‌نگری؟
۴. باز هم دوباره چشم خود را به سوی آسمان‌ها برگردان و درست بنگر آیا شکافی در آنها می‌نگری؟ چنان از دیدرس بدورند که نور چشمانت رانده و خسته به سویت باز خواهد گشت.
۵. به حق سوگند که ما آسمان مریخ را با چراغ‌های بزرگ و کوچکی از سنگ‌پاره‌های آستروئید چراغان کردیم و آن چراغ‌ها را که سنگ‌پاره‌های آسمان دومند و با تابش خورشید خاموش و روشن می‌شوند برای رجم شیطان‌ها آماده کردیم که در سنای فرشتگان نفوذ نکنند و گوش نشینند. این عذاب دنیای آنان خواهد بود و برای آخرت آنان عذاب فروزان دوزخ را مهیا کرده‌ایم.
۶. و برای آن مردمی هم که به پروردگار خود کافر شوند عذاب دوزخ آماده است. دوزخ بدجایگاهی است.
۷. و چون دسته‌دسته به کام دوزخ افکنده شوند شعله‌های فرو خورده آتش در بازدم چنان به خشم آیند و فوران کنند و نفیر برکشند که خروش سهمگین آن را تمام دوزخیان

جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ^٩ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ
أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ^{١٠} فَاعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ فَسَحَقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ^{١١} إِنَّ الَّذِينَ
يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ^{١٢} وَأَسْرُوا قَوْلَكُمْ أَوْ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ
الصُّدُورِ^{١٣} أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ^{١٤} هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا
فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ^{١٥} أَمْ أَنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ
الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورٌ^{١٦} أَمْ أَنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ

بشنوند.

۸. گویا شعله‌های خشمگین با فوران خود می‌روند که از دوزخ جدا شوند و در فضا روان گردند. و هرگاه فوجی از دوزخیان به دوزخ افکنده شوند نگهبانان دوزخ می‌پرسند: مگر برای شما رسولی نیامد که اخطار کند و از عذاب امروزتان بترساند؟ و دوزخیان می‌گویند: چرا، رسولی اخطارکننده آمد.

۹. ولی ما تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند جهان از آسمان کتابی نازل نکرده است و غیر این نیست که شما رسولان در گمراهی و خطای عظیمی گرفتار آمده‌اید.

۱۰. دوزخیان خواهند گفت: اگر ما سخن انبیاء را می‌شنیدیم و اطاعت می‌کردیم و یا اندیشه می‌کردیم و خرد و فکر خود را به کار می‌گرفتیم امروز با این خواری میان دوزخیان نبودیم.

۱۱. پس دوزخیان به گناه اصلی خود اعتراف کردند که حرف حق را نشنیدند و اندیشه خود را به کار نیستند. خرد شود پیکر این دوزخیان.

۱۲. آن کسانی که در نهان از پروردگار خود می‌هراسند برایشان آمرزش و پاداش بزرگی است.

۱۳. شما مردم چه در نهان سخن بگویید و چه در روز روشن فریاد کنید برای خداوند رحمان بی‌تفاوت است، بی‌شک او به راز سینه‌ها دانا است.

۱۴. آیا آنچه را خود می‌پرورد، نمی‌داند با آنکه چون موج لطیف است و به زیر و روی هر چیزی باخبر است.

۱۵. او است که زمین را با شیب ملایم برای سفر رام کرد. پس بر پشته‌ها و گردنه‌ها برشوید و سیاحت کنید و از روزی‌های زمین هر جا بیابید تناول کنید. شما از دل خاک به سوی او می‌شوید.

۱۶. آیا از خشم آن‌خدایی که در آسمان است ایمن شده‌اید که بستر خاک را در هم بریزد و شما را زنده بگور سازد، بینی که ناگهان چون بیمار مرتعش می‌لرزد.

نَذِيرٍ ۱۷ وَ لَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ۱۸ أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ۱۹ أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصَرُّكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ۲۰ أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَ نُفُورٍ ۲۱ أَمْ مَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۲۲ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ

۱۷. آیا از خشم آن خدایی که در آسمان است ایمن شده‌اید که بر سرتان سنگ بیارد؟ در آن صورت می‌دانید که اخطار من چگونه و از چیست؟

۱۸. امت‌های پیشین هم رسالت ما را تکذیب کردند، پاسخ ما به آنان بر چه منوالی بود؟
 ۱۹. آیا ندیدند که سنگ‌های پرندۀ آسمان چسان مسخر و رامند که همچون سپاهی گران به هر سو فرمان دهند روانند و جز خداوند رحمان کسی آن سنگ‌ها را در جو آسمان نگهبان نیست؟ و یا ندیدند که مرغان آسمانی بر فراز سرشان پرواز می‌کنند گاهی چون پیکان تیر بر صف می‌شوند که هجرت نمایند و گاهی صف را در هم می‌ریزند و مجتمع می‌شوند و جز خداوند رحمان کسی نیست که مرغان پرندۀ را در جو بالا نگه بدارد؟ بی‌شک خداوند رحمان به هر پدیده‌ای بینا است.

۲۰. غیر از خداوند رحمان کیست که شما را از سقوط آن سنگ‌پاره‌ها در امان بدارد؟ و یا کیست آن که چون سپاهی گران در مقابل این سپاه آسمانی شما را یاری دهد؟ و یا به تنهایی بتواند شر سنگ‌ها را از شما بگرداند که در دشت و دریا سقوط کنند و شما را آسیبی نرسانند؟ جز این نیست که مردم کافر در خامی و غرور جاهلانه به سر می‌برند.
 ۲۱. آیا غیر از خداوند رحمان کیست که ابرها را بر فراز سرتان مجتمع سازد و زمین مرده را با افشاندن باران زنده سازد تا روزی شما و دام‌هایتان را تأمین نماید؟ و یا اگر خداوند رحمان باران خود را و روزی خود را از شما دریغ بدارد کدامین قدرت است که شما را روزی بدهد و کشتزارها و بوستان‌ها را سبز و خرم نماید؟ آیا کافران سپاهی آماده دارند که خود را از شر این سنگ‌پاره‌ها در امان بدانند و یا اطمینان دارند که خدایان شرک آنان می‌توانند روزی مردم را تأمین نمایند؟ نه، بلکه با سرکشی و لجاجت و نفرت راه خود را دنبال می‌نمایند.

۲۲. پس آیا آن کسی که چون چارپایان سر فروهشته دیده بر زمین دوخته روان می‌شود رهیاب‌تر است یا آن کسی که راست‌قامت و سر برافراشته بر راهی صاف و راست روان است.

قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ ۲۳ قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۲۴ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا
 الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۲۵ قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۲۶ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً
 سَيَّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ ۲۷ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن أَهْلَكَنِی اللَّهُ وَ
 مِن مَّعِیَ أَوْ رَحِمْنَا فَمَنْ یُجیرُ الْكَافِرِينَ مِن عَذَابِ أَلِيمٍ ۲۸ قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنًا بِهِ وَعَلِیْهِ
 تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۲۹ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ یَأْتِیْكُمْ
 بِمَاءٍ مَّعِينٍ ۳۰

۲۳. بگو: خداوند شما آن خدایی است که شما را پدید آورد و برای شما گوش و چشم و دل
 آفرید. شما کمتر به شکر این نعمت‌ها می‌پردازید.

۲۴. بگو: او خدایی است که روز اول، نطفه شما را در بستر خاک افشاند و به روز قیامت بر
 همان منوال به پیشگاه او محشور می‌گردید.

۲۵. می‌گویند که این وعده قیامت کی آمدنی است؟ اگر راست می‌گویید چرا قیامت را برپا
 نمی‌دارید؟

۲۶. بگو: اطلاعات قیامت در پیشگاه خدا محفوظ است، من فقط اخطارکننده‌ای هستم که
 باید آشکارا شما را از عذاب خدا بترسانم.

۲۷. و چون با ظاهر شدن اشراف قیامت وعده خدا را از نزدیک ببینند چهره کافران تیره
 شود و به آنان گفته شود: این همان وعده رستاخیز است که شما خواهان جدی آن بودید.

۲۸. می‌گویند که ما و شما سرنوشت یکسانی داریم و با هم به دوزخ می‌شویم، ما به خاطر
 کفرمان و شما به خاطر گناهانتان؛ بگو: شما فکر این را کرده‌اید که با وجود ایمان امکان
 مغفرت هست ولی با کفر و شرک هرگز امکان مغفرت نیست، اگر خداوند جهان مرا و
 یاران همراه مرا در اثر گناهانمان هلاک کند و یا با رحمت وسیع خود مورد رحمت قرار
 دهد کافران را که جز دوزخ راهی در پیش ندارند چه کسی از عذاب دردناک آن پناه خواهد
 داد؟

۲۹. بگو: او رحمان است، ما به او ایمان آورده‌ایم و بر او توکل کرده‌ایم، پس ما با شما
 برابر نیستیم، به زودی شما می‌دانید که ما و یا شما کدامیک در گمراهی آشکارا گرفتاریم.

۳۰. بگو: شما خود چگونه می‌اندیشید؟ اگر این آب زمزم فرو رود و شما درمانده شوید چه
 کسی می‌تواند برای شما آب را در مخازن زمین بالا بیاورد و امید زندگی را بیدار کند؟

الْقَلَم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نَ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ^١ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ^٢ وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ^٣ وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ^٤ فَسَتَبْصُرَ وَيَبْصُرُونَ^٥ بِأَيْكُمُ الْمُفْتُونُ^٦ إِنْ رَبُّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ^٧ فَلَا تَطْعِ الْمُكَذِّبِينَ^٨ وَدُّوا لَوْ تَدَّهَنُ فَيْدُهِنُونَ^٩ وَلَا تَطْعِ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ^{١٠} هَمَّازٍ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ^{١١} مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ^{١٢} عَتَلَّ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ^{١٣} أَنْ كَانَ دَا مَالٍ وَبَنِينَ^{١٤} إِذَا تَتَلَّى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأُولِينَ^{١٥} سَنَسَمُهُ عَلَى الْخُرطومِ^{١٦} إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ^{١٧} وَلَا يَسْتَنْتُونَ^{١٨}

پیروزی قلم. شکست افکار پلید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. ن؛ سوگند به قلم و به قرآنی که می نویسد.
٢. تو با این نعمت هدایت که از پروردگارت ارمغان داری هرگز عارضه جنون نداری.
٣. بی شک برای ابلاغ رسالت مزدی بی انقطاع و بردوام داری.
٤. تو خلق و خوبی بزرگ داری که دیگران را بدان دسترسی نیست.
٥. به زودی چشمانت باز می شود و آنان هم چشمانشان باز خواهد شد.
٦. که نام مجنون به کدامین شما زبیده است.
٧. بی شک پروردگارت بهتر می شناسد چه کسانی از راه او گم شده اند و او به حال رهیابان داناتر است.
٨. تو از پیشنهاد کافران که تکذیب می کنند اطاعت مکن.
٩. دوست دارند که نرمش نشان بدهی تا آنان نیز نرمش نشان بدهند و با تو کنار بیایند.
١٠. از کسی اطاعت مکن که پر سوگند می خورد و در چشم مردم خوار است.
١١. بد زبان و سخن چین است.
١٢. راه را بر منافع دیگران سد می کند و با زورگویی به نعمت دیگران تجاوز می کند.
١٣. بدخیم است و بی پدر.
١٤. از چنین آدمی بدین خاطر که مال و فرزند دارد اطاعت مکن.
١٥. هرگاه که آیات ما بر او تلاوت شود می گوید: اسطوره های مردم پیشین است.
١٦. به زودی بر دماغ پخش او داغ می گذاریم.
١٧. ما این مردم را به آزمون نهادیم آن چنان که صاحبان آن بوستان را به آزمون نهادیم. آن

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ ۱۹ فَاصْبَحْتَ كَالصَّرِيمِ ۲۰ فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ ۲۱ أَنْ
 اَعْدُوا عَلَيَّ حَرْثَكُمْ إِنَّكُمْ صَارُمِينَ ۲۲ فَأَنْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ ۲۳ أَنْ لَا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ
 عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ ۲۴ وَاعْدُوا عَلَيَّ حَرْدٌ قَادِرِينَ ۲۵ فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ ۲۶ بَلْ نَحْنُ
 مَحْرُومُونَ ۲۷ قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْ لَا تَسْبِحُونَ ۲۸ قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ
 ۲۹ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ ۳۰ قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ ۳۱ عَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا
 خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ ۳۲ كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْأَخِيرَ الْأَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۳۳ إِنَّ

-
- شبی که با هم سوگند خوردند که فردا اول صبح ذرت‌های خود را بچینند.
۱۸. جای تردید و شک باقی نگذاشتند و ان شاء الله نگفتند.
۱۹. پس صاعقه‌ای از فرمان پروردگارت بر سر بوستان چرخید و آنان در خواب بودند.
۲۰. شاخ و برگ ذرت‌ها یکسر سوخت گویا ذرت‌ها را قلم کرده‌اند.
۲۱. صاحبان بوستان فردا صبح بر در خانه‌های هم ندا برکشیدند.
۲۲. که اگر می‌خواهید ذرت‌ها را بچینید اول آفتاب بر سر کشتزار خود حاضر شوید.
۲۳. به راه افتادند و آهسته با هم می‌گفتند:
۲۴. مبادا اجازه دهید که از مستمندان کسی بر شما درآید.
۲۵. اول آفتاب چابک و نیرومند دور از چشم همگان به کشتزار خود درآمدند.
۲۶. و چون کشتزار درو شده را دیدند گفتند: بی‌شک ما راه خود را گم کرده‌ایم و این کشتزار ما نیست.
۲۷. چرا این کشتزار ما هست و ما راه خود را گم نکرده‌ایم بلکه ما مردمی بی‌روزی و محرومیم.
۲۸. عاقل‌ترین آنان گفت: من به شما اخطار نکردم که تصمیم شما پرگناه است؟ شما باید به گناه خود اعتراف نمایید.
۲۹. همگان اعتراف کردند و گفتند: منزه است پروردگار ما که این چنین ما را بیجا سیاه کرده باشد بلکه این ما بوده‌ایم که سیه‌کاری کردیم.
۳۰. بعد از آن خود را به ملامت گرفتند.
۳۱. که ای وای بر ما که مردمی سرکش و طاغی بودیم.
۳۲. شاید در اثر اعتراف و تسبیح، پروردگارمان بوستان بهتری به ما عطا فرماید. بی‌شک ما به رحمت پروردگارمان راغب و مشتاقیم.
۳۳. عذاب دنیا بر این منوال است و عذاب آخرت بزرگتر از عذاب دنیا است، کاش می‌دانستند.

لِّلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ ۚ ۳۴ فَتَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ۚ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۚ ۳۶ أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ۚ ۳۷ إِنْ لَكُمْ فِيهِ لَمَّا تَخَيَّرُونَ ۚ ۳۸ أَمْ لَكُمْ آيْمَانُ عَلَيْنَا بِالْعَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنْ لَكُمْ لَمَّا تَحْكُمُونَ ۚ ۳۹ سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ ۚ ۴۰ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ۚ ۴۱ يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ۚ ۴۲ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذُلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ ۚ ۴۳ فَذَرْنِي وَمَنْ يُكْذِبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ۚ ۴۴ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنْ كَيْدِي مَتِينٌ ۚ ۴۵ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ۚ ۴۶ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ ۚ ۴۷

۳۴. برای پرهیزکاران در پیشگاه پروردگارشان بوستان‌های پر نعمت است.

۳۵. پس شما تصور کرده‌اید که فرمانبران با اخلاص را با تبهکاران برابر می‌کنیم؟

۳۶. شما را چه می‌شود که چنین تصوراتی به دل راه می‌دهید؟ شما چسان داوری می‌نمایید.

۳۷. آیا این داوری از فکر و تشخیص شما است؟ و یا برای شما مانند یهودیان تلمودی است که در آن تحقیق می‌کنید و پژوهش می‌نمایید.

۳۸. و از آن کتابتان دریافته‌اید که شما حق دارید به دلخواه خود خدایی برای خود اختیار نمایید.

۳۹. و یا با سوگندهای مؤکد سندی از ما در دست دارید که تا روز قیامت هرگونه بخواهید حق داوری دارید.

۴۰. از آنان بپرس. کدامشان مسئول این ادعا خواهند بود؟

۴۱. شاید خدایان دیگری دارند که در پرورش آنان شریکند؟ اگر راست می‌گویند باید خدایان خود را حاضر کنند تا ادعای خود را به ثبوت برسانند.

۴۲. روز قیامت که مؤمنان دامن خود را برچینند تا هفت موضع بدن را بر خاک عبودیت بگذارند و این کافران هم دعوت شوند که برای مغفرت خود سجده کنند شاید رحمت خدا را برانگیزند، کافران با اعصاب استخوانی خود یارای سجده ندارند.

۴۳. از حسرت، چشم‌هایشان را بر زمین دوخته‌اند و سر به آسمان بالا نمی‌کنند. غبار ذلت و غم بر چهره آنان نشسته است، که در دنیا با سلامت تن و با نرمش اعضا و مفاصل کمر دعوت شدند که خدا را سجده برند و نبردند.

۴۴. اینک مرا با کسانی که قرآن را تکذیب می‌کنند تنها بگذار. من پله‌پله آنان را از اوج کبریا به سوی دوزخ پایین می‌آورم از آن راهی که ندانند.

۴۵. و هر روز بر روزی آنان می‌افزایم و ارقام درآمد آنان را بالا می‌برم تا بر طغیان و

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ ٤٨ لَوْ لَا أَن تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ٤٩ فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ٥٠ وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ٥١ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ٥٢

-
- تبهکاری خود بیفزایند و پرونده آنان کامل شود. حيله من قابل واکنش نیست.
٤٦. و شاید تو از این کافران برای خود کارمزدی سنگین طلب کرده‌ای که از ادای آن عاجز و ناتوانند و از ترس غرامت ایمان نمی‌آورند.
٤٧. شاید الواح عالم غیبی برای آنان عیان است و سرنوشت زندگی را از روی آن می‌نویسند.
٤٨. در هر حال تو از سرسختی آنان مأیوس مشو و بر فرمان پروردگارت صبوری پیشه کن و مانند یونس، صاحب ماهی مباش که به فرجام ناصبوری در شکم ماهی گرفتار آمد و با گلوبی فشرده از عقده حسرت به خطای خود معترف گشت.
٤٩. اگر نه آن بود که نعمتی از مغفرت پروردگارش به فریاد او رسید با سرافکندگی و نکوهش به ساحل دریا افکنده می‌شد.
٥٠. بالاخره پروردگارش او را سامان داد و از پیامبران صالح خود گردانید.
٥١. به یقین نزدیک بود که این مردم کافر بعد از شنیدن قرآن تو را با چشم‌های پرخشم خود از پا درآورند. و چون یارای مقابله با قرآن نداشتند برای شکست تو گفتند: عارضه جنون دارد و این قرآن سراییده جن است.
٥٢. ولی قرآن شکست کسی را نمی‌خواهد فقط یادواره‌ای از پروردگار جهانیان برای جهانیان است.

الْحَاقَّةُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَاقَّةُ^١ مَا الْحَاقَّةُ^٢ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ^٣ كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ^٤ فَأَمَّا ثَمُودُ فَأَهْلِكُوا
بِالطَّاغِيَةِ^٥ وَأَمَّا عَادٌ فَأَهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ^٦ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ
حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ^٧ فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ^٨ وَ
جَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ^٩ فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً^{١٠} إِنَّا
لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ^{١١} لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ^{١٢} فَإِذَا نَفَخَ

حاقه - قیامت و عذاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. حاقّ حقیقت.
٢. حاقّ حقیقت چیست؟
٣. و چه دانی که حاقّ حقیقت چیست؟ اینک رمزی از حاقّ حقیقت بشنو:
٤. قوم ثمود و قوم عاد به شهاب طارق که بر گرده زمین می کوبد کافر شدند و قیامت را تکذیب کردند و ما از آنان انتقام گرفتیم.
٥. اما قوم ثمود با یک شهاب سرکش هلاک و نابود شدند.
٦. و اما قوم عاد با تندبادی پرخروش به هلاکت رسیدند.
٧. تندباد پرخروش را هفت شب و هشت روز بر سر آنان مسلط کرد تا همه را از پا در آورد. بعد از طوفان همگان بر خاک فروغلتیده بودند گویا درختان خرمارا با تبر پی زده اند.
٨. تصور می کنی که از آن مردم کسی برجا ماند؟
٩. بعد از آن فرعون و امت های پیشین او با قوم لوط که شهرشان زیر و زبر شد همان خطا را تکرار کردند.
١٠. به خداوند یکتا ایمان نیاوردند و رسول پروردگارشان را نافرمان شدند و خداوندشان به کیفر گرفت کیفری بالاتر از کیفر دیگران.
١١. قوم نوح را با طوفان آب هلاک کردیم و چون امواج آب سر به طغیان کشید شما را در کشتی جای دادیم.
١٢. تا بعدها لاشه کشتی برای جهانیان خاطره زبا باشد و اگر گوشی شنوا بوده باشد خاطره طوفان را آویزه گوش سازد.

فِي الصُّورِ نَفْحَةً وَاحِدَةً^{١٣} وَ حَمَلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدَكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً^{١٤} فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ^{١٥} وَ انْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ^{١٦} وَ الْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَ يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ^{١٧} يَوْمَئِذٍ تَعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ^{١٨} فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَبُوا كِتَابِيهِ^{١٩} إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيهِ^{٢٠} فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ^{٢١} فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ قَطُوفُهَا دَانِيَةٌ^{٢٢} كُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ^{٢٤} وَ أَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهِ^{٢٥} وَ لَمْ أَدْر مَا حِسَابِيهِ^{٢٦} يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ^{٢٧} مَا أَغْنَى عَنِّي مَالِيهِ^{٢٨} هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِيهِ^{٢٩} خُدُوهُ فَعُلُوهُ^{٣٠} ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلْوَهُ^{٣١}

١٣. و چون برای خاموشی یکبار در شیپور دمیده شود.

١٤. و دشت‌ها و کوه‌ها از سطح زمین به فضا پرتاب شوند و درهم کوبیده شوند.

١٥. آن روز است که شهاب طارق فرود آمده است.

١٦. و آسمان مریخ با درختی عظیم منفجر شده است و چیزی از آن برج نیست جز ابری از گاز و غبار.

١٧. و فرشتگان گرداگرد آن جا گرفته‌اند و در آن روز، عرش پروردگارت را هشت‌تن از فرشتگان مقرب بالاتر از مریخ و فرشتگانش بر دوش می‌برند.

١٨. آن روز شما آدمیان بر پروردگار جهان عرضه خواهید شد و کسی را امکان نیست که در خفا نهان گردد.

١٩. آن روز مردم کارنامه اعمال خود را دریافت کرده‌اند؛ آن کسی که نامه اعمالش در سمت راست او باشد با مسرت خاطر می‌گوید: بگیری و نامه مرا بخوانید.

٢٠. من تصور می‌کردم که روزی، حساب کردارم را در کارنامه‌ام ببینم که راه طاعت گرفتم.

٢١. او در عیشی خواستنی و پسند خاطر نزول خواهد کرد.

٢٢. در بهشت برین.

٢٣. میوه‌ها رسیده از شاخسارها سر فرود آورده.

٢٤. بخورید و از چشمه‌های شراب بنوشید گوارا باد به پاداش طاعات شما در روزگاران برگزیده.

٢٥. و اما آن کسی که نامه اعمالش در سمت چپ باشد با حسرت و غم خواهد گفت: ای کاش نامه‌ام را ندیده بودم.

٢٦. و نمی‌دانستم حساب من بر چه منوال است.

٢٧. ای کاش با مردن و خاک شدن کار ما تمام شده بود.

٢٨. اموال من دردی از من دوا نکرد.

ثُمَّ فِي سُلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ۗ إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ۗ وَلَا يَحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ ۗ فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ ۗ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسَلِينِ ۗ لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِطُونَ ۗ فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ۗ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ ۗ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۗ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمِنُونَ ۗ وَلَا يَقُولُ كَاهِنٌ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ۗ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۗ وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ۗ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ۗ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ۗ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ ۗ وَإِنَّهُ لَتَذَكَّرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ۗ وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ ۗ وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ۗ وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ۗ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۗ

-
۲۹. سلطه و قدرتم از کفم رفت.
۳۰. ندا برآید که او را بگیرید و به غل بکشید.
۳۱. سپس با تنور دوزخ کبابش کنید.
۳۲. سپس در زنجیری که هفتاد ذراع درازا دارد به زنجیرش بکشید.
۳۳. او به خدای بزرگ ایمان نمی آورد.
۳۴. و بر اطعام درماندگان تأکید نمی کرد.
۳۵. لذا امروز دوست غمگساری ندارد.
۳۶. و نه خوراکی جز روغن نفت.
۳۷. که جز خطاکاران از آن نمی نوشند.
۳۸. من سوگند نمی خورم به هر چیزی که شما می بینید.
۳۹. و هر چیزی که نمی بینید.
۴۰. که این قرآن سخن رسولی از فرشتگان گرامی است.
۴۱. این قرآن سروده یک شاعر نیست شما کمتر ایمان می آورید.
۴۲. و نه بافته یک کاهن جن گیر. شما کمتر به خاطر می سپارید.
۴۳. این قرآن، تنزیلی است از سوی پروردگار جهانیان.
۴۴. اگر او برخی از گفته ها را بر ما افترا می بست.
۴۵. دست او را می گرفتیم.
۴۶. سپس شاهرگ او را می زدیم.
۴۷. و از شما مردم که خواهان سازش شده اید کسی را آن قدرت نبود که از او دفاع کند و مانع گردد.
۴۸. به یقین قرآن برای پرهیزکاران خاطره است.
۴۹. و ما می دانیم که امروز جمعی از شما تکذیب می نمایند.
۵۰. و فردا همین قرآن بر کافران مایه حسرت است که چرا ایمان نیاوردند و تکذیب نمودند.

۵۱. قرآن حقیقت یقین است.

۵۲. پس خدا را با نام پروردگار بزرگت «الله» تسبیح کن.

المعارج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ^١ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ^٢ مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ^٣ تَعْرَجُ الْمَلَائِكَةُ وَ
الرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ^٤ فَأَصْبَرَ صَبْرًا جَمِيلًا^٥ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا^٦
وَنَرَاهُ قَرِيبًا^٧ يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ^٨ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ^٩ وَلَا يَسْئَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا^{١٠}
يَبْصُرُونَهُمْ يَوْمَ الْمُجْرِمِ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمئذٍ بِنَيْبِهِ^{١١} وَصَاحِبَتِهِ وَآخِيهِ^{١٢} وَفَصِيلَتِهِ
الَّتِي تُؤْوِيهِ^{١٣} وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ^{١٤} كَلَّا إِنَّهَا لَلْظَى^{١٥} نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى^{١٦} تَدْعُوا

معارج - آخرین مرحله صعود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. روان شد مایعی سیال با عذابى که سقوط خواهد کرد.
۲. بر سر کافران. رادع و دافعى در مقابل آن نیست.
۳. از سوى خداوند صاحب درجات.
۴. فرشتگان با روح قدسى جبرائیل در مسیر این درجات به سوى او عروج مى گیرند و بالا مى روند در روزى که درازای آن برای شما پنجاه هزار سال است.
۵. پس با این درازى مدت صبورى پیشه کن صبوری نیکو و با جمال.
۶. کافران گویند که چه دور است وعده‌ای که باید بعد از پنجاه هزار سال عملی گردد.
۷. و ما مى گوئیم چه نزدیک است وعده‌ای که فردا عملی خواهد گشت.
۸. آن روز که آسمان مریخ چون گدازه مس سرخ و رنگین نماید.
۹. و پاره‌های کوه چون تکه‌های پشم بر هوا رود.
۱۰. آن روز دوست حال دوست نگیرد.
۱۱. با آن که در مقابل هم قرار گیرند و بدبختی هم را ببینند تبهکار مجرم آرزو دارد کاش مى توانست فرزندان خود را جانفدا بدهد.
۱۲. با معشوقه‌اش و برادرش.
۱۳. و تمام عشیره و فامیلش که در پناه آنان بود.
۱۴. با همه مردمی که در زمین یار هم بودند و این جان فدا او را مى رهانید.
۱۵. نه هرگز رهایی میسر نیست. این دوزخ شعله بی هیضم است.
۱۶. گوشت بدن را کباب مى کند و فرو مى ریزد.

مِنْ أَدْبَرٍ وَ تَوَلَّى ۱۷ وَ جَمَعَ فَأَوْعَى ۱۸ إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلِقَ هَلُوعًا ۱۹ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ۲۰ وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ۲۱ إِلَّا الْمُصَلِّينَ ۲۲ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ۲۳ وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ ۲۴ لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ ۲۵ وَ الَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ۲۶ وَ الَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ۲۷ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ ۲۸ وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ۲۹ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ۳۰ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ۳۱ وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ ۳۲ وَ الَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ ۳۳ وَ الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ۳۴ أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ ۳۵ فَمَا لِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبْلِكَ مُهْطِعِينَ ۳۶ عَنِ الْيَمِينِ وَ عَنِ الشَّمَالِ عَزِينَ ۳۷ أَلْ يَطْمَعُ كُلُّ أُمَّرٍ مِنْهُمْ أَنْ يَدْخُلَ

۱۷. آن کسی را پیش می‌خواند که پشت کرد و از قرآن رو برتافت.
۱۸. و مال دنیا را گرد کرد و نهان داشت.
۱۹. آدمی بر عاقبت دنیا حریص است.
۲۰. اگر شری دامن او را بگیرد می‌نالند و فریادرس می‌طلبند.
۲۱. و اگر بر نعمتی دست یابد دریغ می‌ورزد و به فریاد هیچ کس نمی‌رسد.
۲۲. جز نمازگزاران که حرص و خودخواهی ندارند.
۲۳. آن‌ها که بر نمازهای نافله بردوامند.
۲۴. و آن‌ها که در اموالشان حقی از زکات نافله مفروز می‌نمایند.
۲۵. برای کسی که دست‌گدایی دراز کند و کسی که از عایدی محروم باشد.
۲۶. و آن‌ها که روز قانون را تصدیق می‌نمایند.
۲۷. و آن‌ها که از عذاب پروردگارشان نگرانند.
۲۸. چرا که عذاب پروردگارشان بی‌امان است.
۲۹. و آن‌ها که در حفظ دامن خود مراقبت دارند.
۳۰. مگر بر همسرانشان و یا کنیزانشان که ملامتی ندارند.
۳۱. هرکس جز این دو مورد راهی برای اطفاء شهوت بجوید آنان همان تجاوزگراند.
۳۲. و آن‌ها که امانت‌های خود را پاس می‌دارند و تعهدات خود را رعایت می‌نمایند.
۳۳. و آن‌ها که بر شهادت‌های خود قیام دارند.
۳۴. و آن‌ها که بر نمازهای فریضه مواظبت دارند.
۳۵. آن‌ها ایند که در بوستان‌های بهشتی تکریم و احترام دارند.
۳۶. کافران را چه می‌شود که در حضورت سر بر نمی‌دارند.
۳۷. از تکبر در راست و چپ جدا از دیگران قرار می‌گیرند.

جَنَّةَ نَعِيمٍ ۳۸ كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ ۳۹ فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ
 عَلَىٰ أَنْ نَبْدِلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ۴۱ فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا
 يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ۴۲ يَوْمَ يُخْرَجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَانَهُمْ إِلَىٰ نُصْبٍ يُؤْفَضُونَ ۴۳
 خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكِ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ۴۴

-
۳۸. آیا هر کدامشان طمع دارد که تنها به بوستانی پر از نعمت درآید؟
۳۹. نه. هرگز مقام والاتری ندارند. ما آنان را از مایعی آفریدیم که خودشان می‌دانند.
۴۰. من به پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌ها سوگند نخواهم خورد که بی‌شک ما توانا و نیرومندیم.
۴۱. بر اینکه آنان را فنا سازیم و بهتران را به جایشان بنشانیم. ما از تعقیب آنان در نمی‌مانیم.
۴۲. اینک آنان را وابگذار تا در بیهودگی‌ها و پوچی‌ها غوطه‌ور شوند و سرگرم باشند تا روز موعودشان را دیدار کنند.
۴۳. روزی که شتابان از گورهای تازه خود سر برون آرند و چنان خیز بردارند که گویا برای ربودن گوشت قربانی روانند.
۴۴. چشم‌هایشان فروخوابیده گرد خواری و ذلت بر چهره‌هایشان نشسته باشد. این همان روزی است که وعده آن را دریافت می‌کردند.

نُوح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۱ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۲ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا ۳ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۴ قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا ۵ فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا ۶ وَإِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لَتُغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أُصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا ۷ اسْتَكْبَارًا ۸ ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ۹ ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا ۱۰ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ۱۱ يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ۱۲ وَ يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا ۱۳ مَا لَكُمْ

نوح. آغاز رسالت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. ما نوح را به سوی مردمش فرستادیم که به آنان اخطار کن پیش از آنکه فرصت انذار بگذرد و عذاب دردناک دوزخ گریبانشان را بگیرد.
۲. نوح گفت: ای مردم! من اخطارکننده‌ای هستم که از عذاب آخرت به شما هشدار می‌دهم.
۳. اخطار می‌کنم که فقط خدا را بپرستید و از خشم او بترسید و از من اطاعت کنید.
۴. اگر از من اطاعت نمایید خدا گناهان شما را می‌آمرزد و تا اجل مقدر به شما فرصت می‌دهد که خطاهای خود را جبران کنید. اجلی که خداوند جهان برای بشر مقدر کند چون فرارسد لحظه‌ای به تأخیر نمی‌افتد. کاش این را دانسته بودید.
۵. نوح بعد از سال‌ها دعوت و ناامیدی به درگاه خدا نالید و گفت: پروردگارا! من مردم خود را شب و روز دعوت کردم.
۶. ولی دعوت من جز بر فرار و دوری آنان نیفزود.
۷. هرگاه به آنان می‌گفتم که ایمان بیاورند تا گناهانشان را ببامرزی انگشت‌هایشان را در گوش خود می‌چنانیدند و ردای خود را بر سر و دوش خود می‌پیچیدند و با شتاب از گرد من می‌رمیدند. مستکبران، خود را والاتر از آن می‌شمردند که دعوت مرا اجابت نمایند.
۸. بعد از آن من با طبقات مستضعف مردم تماس گرفتم و آنان را با آوای بلند فراخواندم.
۹. علنی تبلیغ کردم و در نهان دور از چشم مستکبران با آنان گفتگو کردم.
۱۰. گفتم که از پروردگار خود آمرزش بخواهید که بس آمرزگار است.
۱۱. اگر شما آمرزش بخواهید باران رحمت خود را از آسمان یکریز بر سر شما می‌بارد.

لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَاراً^{۱۳} وَ قَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَاراً^{۱۴} أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقاً^{۱۵} وَ جَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُوراً وَ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجاً^{۱۶} وَ اللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتاً^{۱۷} ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَ يُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجاً^{۱۸} وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطاً^{۱۹} لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجاً^{۲۰} قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَ اتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَ وَكَّدَهُ إِلَّا خَسَاراً^{۲۱} وَ مَكَرُوا مَكْراً كَبِيراً^{۲۲} وَ قَالُوا لَا تَدْرِنَ آلِهَتَكُمْ وَ لَا تَدْرِنَ وَدّاً وَ لَا سُوعاً وَ لَا يَغُوثَ وَ يَعُوقَ وَ نَسراً^{۲۳}

۱۲. و با اعطای مال فراوان و موهبت فرزندان به شما مدد می‌رساند؛ بوستان‌های سبز و خرم نهرهای خروشان برای شما برقرار می‌سازد تا از فقر اجتماعی و استثمار اربابان خود رها گردید.

۱۳. شما را چه می‌شود که شکوه و کبریا را در انحصار اربابان خود می‌بینید و امید آن را ندارید که خداوند جهان بتواند شکوه و وقار خود را در جامعه تثبیت کند و بندگان مؤمن خود را از ذلت برهاند و در جهان به قدرت و حکومت برساند.

۱۴. با آنکه خود دانسته‌اید که خداوند جهان کارهای خود را با درنگ و تأمل سامان می‌دهد حتی خلقت اندام شما را طی مراحلی چند به مرحله تکامل رسانیده است.

۱۵. شما در نظر ندارید که خداوند جهان چسان هفت آسمان را یکی بعد از دیگری بر طبق هم آفرید؟

۱۶. و ماه را در میان هفت آسمان پرتوی پر نور و تابان ساخت و خورشید را چون چراغی فروزان گرمی‌زای جهان ساخت.

۱۷. و همان خداست که شما نسل اول را از دل خاک رویانید.

۱۸. سپس شما را به همان بستر خاک عودت می‌دهد و دگرباره به روز قیامت از دل خاک برون خواهد ساخت.

۱۹. و همان خداست که برای شما کرهٔ خاک را بستر زندگی ساخت.

۲۰. تا در صحرا و کوهستان جاده‌ها و دره‌ها را بپیمایید.

۲۱. نوح در يك نيايش ديگر گفت: پروردگارا! اين مردم فرمان مرا نبردند و از اشراف مستکبر خود پیروی کردند که مال و فرزندشان جز بر زیان آخرتشان نیفزود.

۲۲. حیلۀ بزرگی انگیختند که هرکس به دعوت من گوش فرادهد به عنوان ارادل و اوباش از جامعه مطرود شود.

۲۳. به مردم خود گفتند: مبدا از خدایان چهارده‌گانهٔ خود دست بردارید. مبدا از ودّ خدای عشق و محبت، سواع خدای کشتزار و مرغزار، یغوث خدای شراب، یعوق خدای انتقام، نسر خدای جنگ دست بکشید.

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا^{٢٤} مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا^{٢٥} وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا^{٢٦} إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا^{٢٧} رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا^{٢٨}

الجنّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا^٢ وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا^٣ وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ

٢٤. با این اوهام خام، مردم فراوانی را به گمراهی کشانده‌اند. خدایا تو خود سزای حیل‌گران را بده و سیه‌کاران را جز بر گمراهی و ضلالت میفزا.

٢٥. در اثر این خطاها بود که آن مردم غرقه طوفان شدند و سپس داخل دوزخ گشتند و جز خداوند رحمان خدایانی را ندیدند که یار و یاورشان باشند.

٢٦. نوح در آخرین نیایش خود گفت: پروردگارا! بر روی زمین کسی را از این مردم کافر برجا مگذار.

٢٧. بی‌شک اگر اینان را برجا بگذاری همین چندتن بندگان مؤمن را هم گمراه می‌نمایند و جز نسلی فاجر و کافر بیار نمی‌آورند.

٢٨. پروردگارا بر من و بر پدر و مادرم ببخشای و بر هر مؤمنی از زن و مرد که به خانه من درآید و سخن مرا بپذیرد و اطاعت کند و بر همه مؤمنان از زن و مرد که بعدها ایمان بیاورند و راه اطاعت در پیش بگیرند ببخشای. و سیه‌کاران جامعه را جز بر تباهی و شکست‌شان میفزا.

خطیب جنّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. بگو: وحی شد به من که چند تن از پریان به این قرآن گوش سپردند و چون به مجمع یاران خود رفتند با آنان گفتند: بی‌شک ما در این گشت‌وگذار خود قرآنی شنیدیم بس شگفت و عجیب.

٢. که مردم را به سوی رشد و فلاح آنان رهبری می‌کرد. ما به آن قرآن ایمان آوردیم و از این پس کسی را با پروردگار خود شریک نمی‌گیریم.

٣. او در نمازش می‌خواند که پروردگار جهان و جهانیان، خدای جن و انس و فرشتگان،

سَفِينًا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا^٤ وَ أَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا^٥ وَ أَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا^٦ وَ أَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا^٧ وَ أَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَا مُلَأَّتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَ شُهَبًا^٨ وَ أَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْمَعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شُهَابًا رَصَدًا^٩ وَ أَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرُّ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا^{١٠} وَ أَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَ مِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قَدَدًا^{١١} وَ أَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَ لَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا^{١٢} وَ أَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى أَمْنَا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَ لَا رَهَقًا^{١٣} وَ أَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَ مِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ

یکتا است. او که بخت و اقبالش بلند است. همسری نگرفت و فرزندی نیاورد.

٤. می‌خواند که رئیس نادان ما ابلیس بر خدای جهان، سخنانی دور از حقیقت می‌گفته است.
٥. و ما پریان تصور می‌کرده‌ایم که آدمی و پری هرگز بر خدای جهان دروغ نخواهد بست.

٦. می‌خواند که پیش از این، مردانی از آدمیان بوده‌اند که با مردانی از پریان تماس می‌گرفتند و التجا می‌بردند و آن پریان بر گناه و خطای آنان می‌افزوده‌اند.

٧. می‌خواند که آدمیان نیز مانند شما تصور کرده‌اند که خداوند جهان با آن قدرت و سلطنت هرگز کسی را به رسالت مبعوث نخواهد کرد که از مردم التماس کند تا فرمانش را ببرند.

٨. می‌خواند که ما پریان آسمان خود را لمس کردیم و دیدیم که آسمان ما از فرشته‌های نگهبان و شهاب‌های پُرآن انبوه است.

٩. می‌خواند که در زمان‌های پیشین ما پریان بر آن سنگ‌پاره‌ها و صخره‌ها جا می‌گرفتیم تا گوش بنشینیم و اسرار عالم بالا را دریابیم و اینک هرکس گوش بنشیند شهابی پُرآن در کمین خود می‌بیند.

١٠. می‌خواند که ما پریان نمی‌دانیم که با این شهاب‌ریزان شری برای ساکنان زمین تهیه می‌بینند یا پروردگارشان فکری برای رشد و صلاح آنان اندیشیده است.

١١. می‌خواند که برخی از ما پریان صالح و نیکو کرداریم و جمعی از ما پریان در حدی پایین‌تر قرار داریم. ما خطاهای مختلفی داشته‌ایم.

١٢. می‌خواند که ما پریان تصور کرده‌ایم که نمی‌توانیم با گریز به سوی زمین خدا را ناتوان و خسته نماییم و نه با گریز از زمین به فضای بالاتر از مریخ، خدا را پشت‌سر بگذاریم.

١٣. می‌خواند که ما پریان بعد از شنیدن قرآن به آن ایمان آوردیم و باور کرده‌ایم که

فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا^{۱۴} وَ أَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا^{۱۵} وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا^{۱۶} لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ مَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا^{۱۷} وَ أَنْ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا^{۱۸} وَ أَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا^{۱۹} قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَ لَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا^{۲۰} قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَ لَا رَشَدًا^{۲۱} قُلْ إِنِّي لَنْ يَجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَ لَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا^{۲۲} إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَ رِسَالَاتِهِ وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَبِإِنْ لَهُ نَارُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا^{۲۳} حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ

هرکس به پروردگار خود ایمان بیاورد به عدالت درباره او داوری می‌شود، هرگز پاداش او کاستی نمی‌گیرد و کیفر او فزونی نخواهد یافت.

۱۴. می‌خواند که برخی از ما پریان در حال تسلیم و رضا به فرمان خدا گردن نهاده‌ایم و جمعی از خط عدالت خارج گشته‌ایم. باور کرده‌ایم که هرکس به فرمان خدا تسلیم باشد رشد و فلاح خود را به دست آورده است.

۱۵. و آنان که از خط عدالت خارج شده‌اند هیمه دوزخ خواهند بود.

۱۶. می‌خواند که اگر مردم بر خط عدالت گام بزنند و بر طریق حق استقامت بورزند آب فراوان در اختیارشان می‌گذاریم.

۱۷. تا آنان را با این نعمت بیکران بیازماییم و هرکس از نماز پروردگارش رو بگرداند در عذاب آتش و شعله‌های سرکش آن جای خواهد گرفت.

۱۸. و می‌خواند که مساجد هفتگانه مخصوص خداوند است. پس با وجود خداوند جهان خدای دیگری را به خدایی مخوانید.

۱۹. می‌خواند که چون بنده خدا برخاست که نماز بخواند و خدا را عبادت کند پریان برای شنیدن قرآن بر سر و دوش او انبوه شدند و می‌رفتند که چون جامه بر تن او بچسبند.

۲۰. بگو: من فقط پروردگار خود را می‌خوانم و کسی را با او شریک نمی‌سازم.

۲۱. بگو: من توان آن را ندارم که شخصاً برای شما زبانی ببار آورم و یا رشد و صلاحی فراهم نمایم.

۲۲. بگو: من با آنکه رسول خدایم هیچ امتیازی ندارم و اگر گناه بورزم هیچ قدرتی نمی‌تواند مرا از عذاب خدا امان بدهد و من هرگز جز خود او پناهگاهی نخواهم یافت.

۲۳. جز آنکه پیام خدا را ابلاغ کنم و رسالت‌های خدا را با شما در میان بگذارم. هرکس خدا و رسول خدا را نافرمانی کند به یقین برای او آتش دوزخ مهیا است که جاودانه در آن بپاید.

فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أضعفُ ناصِراً وَّ أَقلُّ عَدداً ٢٤ قُلْ إِن أَدْرَى أ قَرِيبٌ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمداً ٢٥ عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَي غَيْبِهِ أَحَداً ٢٦ إِلَّا مَن ارْتَضَى مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِن بَيْن يَدَيْهِ وَ مِن خَلْفِهِ رَصَداً ٢٧ لِيَعْلَمَ أَن قَدْ أبلَغُوا رِسالاتِ رَبِّهِمْ وَ أَحاطَ بِما لَدَيْهِمْ وَ أَحصى كُلَّ شَيْءٍ عَدداً ٢٨

المُزَّمَل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يا أَيهاَ الْمُزَّمَلُ ١ قِمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلاً ٢ نِصْفَهُ أَوْ أَنْقِصْ مِنْهُ قَلِيلاً ٣ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً ٤ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلاً ٥ إِن نَّاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئاً وَ أَقْوَمُ قِيلاً ٦ إِنَّ لَكَ

٢٤. این مردم در ضلالت و گمراهی به سر می‌برند تا آن روز که عذاب موعود را ببینند. آن روز خواهند دانست که از ما و آنان کدامان یاری ناتوان تر دارد و سپاهی کمتر.
٢٥. بگو: من نمی‌دانم که وقت عذاب شما نزدیک شده است یا آنکه پروردگارم برای عذاب شما زمانی دورتر از این را معین کرده است.
٢٦. او دانای نپهان است و بر علم نپهان خود کسی را آگاه نمی‌سازد.
٢٧. جز کسی را که به عنوان رسول خود پسندیده باشد که در آن صورت از پیش‌رو و پشت‌سرش فرشتگان به مراقبت روان می‌شوند.
٢٨. تا بداند که رسولانش همان پیام‌های پروردگارشان را به مردم ابلاغ کرده‌اند؛ و شیاطین در نیمه راه چیزی بر آن نیفزوده‌اند و چیزی نکاسته‌اند. خداوند از مکر شیاطین آگاه است و بر آنچه نزد رسولانش باشد احاطه دارد و رقم هر چیزی را آمار کرده است.

مُزَّمَل. نافله شب. تکلیف تلاوت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. ای فرورفته در جامه خواب.
٢. شب را بپا خیز مگر اندکی برای استراحت و خواب.
٣. نیمی از شب را بپا خیز و یا از نیمه قدری بکاه.
٤. یا قدری بر نیمه بیفزا و هرگاه که بپاخاستی قرآن را شمرده و آرام در نمازت تلاوت نما.
٥. به زودی سخنی پر وزن و سنگین بر تو القاء می‌کنیم.
٦. بی‌شک نوحاسته شب، سخت‌ترین گام و استوارترین کلام را خواهد داشت.

فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا^٧ وَادْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبْتَئِلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا^٨ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا^٩ وَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا^{١٠} وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا^{١١} إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا^{١٢} وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا^{١٣} يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلًا^{١٤} إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا^{١٥} فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً^{١٦} فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا^{١٧} السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا^{١٨} إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا^{١٩} إِنْ رَبُّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ

٧. روز هم برای تو در عبادت سیر و سیاحتی دراز است.

٨. با گفتن «الله اکبر» نام پروردگارت را یاد کن و به درگاه او نماز کن.

٩. پروردگار مشرق و مغرب که جز او خدایی نیست. او را به وکالت و کارسازی بگیر.

١٠. بر گفته‌های ناسازشان صبر و تحمل پیشه کن و بر وجه نیکویی از آنان دوری گزین.

١١. و مرا با این تکذیب‌کنندگان که صاحب عیش و نوشند تنها بگذار و اندکی به آنان مهلت و فرصت بسپار.

١٢. بی‌شک در نزد ما غل‌های آهنین برای دست و گردن آنان مهیا است به اضافه تفت آتش فروزان.

١٣. و خوراکی تلخ و گلوگیر با عذابی دردناک.

١٤. در آن روز که دشت و کوهستان یکجا درهم بلرزد و کوهها چون کوه شن فرو ریزد قیامت برپا گردد.

١٥. ما به سوی شما رسولی فرستادیم که شاهد بر اعمال شما باشد آن‌چنانکه به سوی فرعون رسولی فرستادیم.

١٦. فرعون رسول ما را تکذیب کرد و ما او را به کیفری سخت و بدعاقبت مأخوذ نمودیم با آنکه در نعمت و قدرت بر شما سرآمد بود.

١٧. اگر شما کافر بشوید پس چگونه می‌توانید از روز قیامت پرهیز و دوری بگزینید که با حوادث هول‌انگیز خود نوجوان‌ها را پیر می‌کند.

١٨. با مقدم آن‌روز آسمان مریخ درهم می‌ترکد و پاره‌هایش پاشان می‌گردد این وعده خدا است. وعده خدا شدنی است.

١٩. بی‌شک این قرآن یادواره الهی است. هرکس خواسته باشد با مطالعه قرآن راهی به سوی پروردگارش خواهد جست.

فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَ آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَ أَعْظَمَ أَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٢٠*

٢٠. پروردگار تو می‌داند که نزدیک به ثلث دوم شب، نیمه شب، ثلث آخر شب برای نافله برپا می‌شوی و جماعتی که اینک در این سفر همراه تو هستند برای نافله برپا می‌شوند. خداوند جهان همراه شب و روز را با کاستی و فزونی تنظیم می‌کند و دانست که شما در شب‌های کوتاه نمی‌توانید تمام قرآن را بر وجه ترتیل در یک سوم شب به پایان برسانید گرچه اینک سوره‌های قرآن چندان نیست. از این رو با رحمت خود به سوی شما بازگشت و فرمود تا آنچه میسر و ممکن باشد از سوره‌های قرآن تلاوت کنید و نافله‌ها را به پایان ببرید. باز هم خداوند رحمان دانست که در آینده نزدیک، آمار شما مؤمنان چندان بالا می‌رود که در میان شما بیمارانی یافت می‌شوند و جماعتی دیگر یافت می‌شوند که در سرزمین‌های دور از وطن به سفر رفته‌اند تا تجارت کنند و از فضل خدا نصیبی به دست آورند و جماعتی دیگر به سفر رفته‌اند که در راه خدا پیکار کنند؛ در آن صورت با ضعف بیماری و حال خستگی آنچه از سوره‌های کوچکتر میسر و ممکن باشد تلاوت کنید و نافله‌ها را به پایان برسانید. شما باید نماز فریضه را برپا بدارید و زکات فریضه را بپردازید و علاوه بر آن به خداوند رحمان قرض نیکویی بدهید که تا روز قیامت مهلت داشته باشد. آنچه را که شما بر وجه قرض و به صورت زکات اختیاری و استحبابی به خانه آخرت بفرستید به روز قیامت خواهید یافت که انفاق شما در پیشگاه خدا برای شما بهتر بوده است و اجر و پاداش بیشتری ببار آورده است. شما مردم باید استغفار کنید و از گناهان خود آمرزش بخواهید که خداوند جهان آمرزنده و مهربان است.

المدثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ^١ قُمْ فَأَنْذِرْ^٢ وَرَبِّكَ فَكْبِّرْ^٣ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ^٤ وَالرُّجْزَ فَاهْجِرْ^٥ وَلَا تَمْنُنْ^٦
تَسْتَكْتُرْ^٧ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ^٨ فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ^٩ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ^{١٠} عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ
يَسِيرٍ^{١١} ذَرْنِي^{١٢} وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا^{١٣} وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا^{١٤} وَبَنِينَ شُهُودًا^{١٥} وَمَهَّدْتُ
لَهُ تَمْهِيدًا^{١٦} ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ^{١٧} كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا^{١٨} سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا^{١٩} إِنَّهُ فَكَّرَ وَ

سورة مدثر. آیین تبلیغ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. ای ردا بر دوش!
۲. برخیز و مردم را انذار کن و از خشم خدا بترسان.
۳. در برابر حجرالاسود رو به قبله بیت المقدس بایست و با گفتن «الله اکبر» به تلاوت قرآن بپرداز که تلاوت قرآن بهترین راه انذار است.
۴. در این حال جامه خود را طاهر کن.
۵. و پیکرت را نیز از آلودگی شیطان برکنار نگاهدار.
۶. و تلاوت قرآن را به سرعت قطع مکن که با خود بگویی فراوان نماز خواندم و با تلاوت قرآن انذار کردم.
۷. به خاطر پروردگارت پایداری کن و هرچه بیشتر به تلاوت و انذار خود بپرداز.
۸. باید همگان بدانند که چون با سقوط شهاب طارق در شیپور دمیده شود.
۹. شیپور آن روز روز سختی را اعلام می کند.
۱۰. که بر کافران سهل و آسان نخواهد گذشت.
۱۱. اینک مرا با کسی که خود آفریده ام تنها بگذار.
۱۲. کسی که او را تنها آفریده ام و مال فراوان به او عطا کرده ام.
۱۳. با پسرانی حاضر و ناظر که بر گرد او پراکنده ام.
۱۴. و مقدمات رشد او را فراهم کرده ام.
۱۵. باز هم طمع دارد که بر نعمت او بیفزایم.
۱۶. نه، هرگز، او از آغاز رسالت با آیات ما بر سر عناد و کین بوده است.
۱۷. به زودی زبانه آتش را با جان او آشنا خواهیم ساخت.

قَدَرَ^{۱۸} فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَرَ^{۱۹} ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَرَ^{۲۰} ثُمَّ نَظَرَ^{۲۱} ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ^{۲۲} ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ^{۲۳} فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ^{۲۴} إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ^{۲۵} سَأُصْلِيهِ سَقَرَ^{۲۶} وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ^{۲۷} لَا تُبْقَى وَلَا تُدْرَى^{۲۸} لَوَاحِةٌ لِلْبَشَرِ^{۲۹} عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ^{۳۰} وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ^{۳۱} كَلَّا وَالْقَمَرَ^{۳۲} وَاللَّيْلَ إِذْ

۱۸. او قرآن را شنید با خود فکری کرد و وارسید.

۱۹. مرگش باد که چسان وارسید.

۲۰. باز هم مرگش باد که چسان وارسید.

۲۱. نگاهی کرد.

۲۲. سپس رو ترش کرد و گره بر پیشانی آورد.

۲۳. از آن پس پشت کرد و با افاده تکبر کرد.

۲۴. سپس گفت: «این قرآن سحری است که از مردم پیشین روایت می‌شود.

۲۵. چیزی نیست جز سخن بشر».

۲۶. به زودی او را با شیره دوزخ کباب خواهیم کرد.

۲۷. و چه دانی شیره دوزخ چیست؟

۲۸. گدازه‌های روان که نه بر کسی ابقاء می‌کند و نه چیزی را برجا می‌گذارد.

۲۹. تفت آن، پوست را دگرگون می‌سازد و می‌سوزاند.

۳۰. بر آن نوزده تن نگهبانند.

۳۱. ما نگهبانان دوزخ را فقط از فرشتگان برگزیدیم و شمار عده آنان را آزمون کافران ساخته‌ایم و این نکته رمزی را از آن جهت طرح کردیم تا امت‌های پیشین که وارث تورات و انجیل آسمانی شده‌اند قرآن را با کتاب‌های خود برابر ببینند و به حقانیت قرآن یقین حاصل نمایند و مؤمنان از سکوت آنان بر ایمان خود بیفزایند، نه امت‌های پیشین از اختلاف کتاب‌های خود با قرآن به شک اندر شوند و نه مؤمنان از شبهه و تشکیک آنان دچار تردید گردند. و از آن جهت که مهاجران بیمار دل با کافران همسخن گردند و بگویند: خداوند جهان می‌خواهد با اعلام این رقم کدامین مثل و کدامین نکته را خاطر نشان بسازد. با این مثل‌ها است که خداوند جهان هر که را بخواهد به گمراهی می‌کشاند و هر که را بخواهد رهبری می‌نماید و سپاهیان پروردگارت را کسی جز خود او نمی‌شناسد. و آن شیره

أَدْبَرَ ٣٣ وَ الصُّبْحُ إِذَا أَسْفَرَ ٣٤ إِنَّهَا لِأَحْدَى الْكَبِيرِ ٣٥ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ ٣٦ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَّقِدَّ أَوْ
يَتَّخِرَ ٣٧ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ٣٨ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ٣٩ فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ ٤٠ عَنِ
الْمُجْرِمِينَ ٤١ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ٤٢ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصَلِينَ ٤٣ وَلَمْ نَكُ نَطْعِمُ
الْمَسْكِينِ ٤٤ وَ كُنَّا نَحْوُضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ٤٥ وَ كُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ٤٦ حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ ٤٧
فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ٤٨ فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ ٤٩ كَانَهُمْ حُمُرٌ مَسْتَنْفِرَةٌ ٥٠
فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ٥١ بَلْ يَرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مَنشُورَةً ٥٢ كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ

دوزخ فقط یادواره‌ای خواهد بود برای بشر.

٣٢. نه، هرگز، سوگند به ماه.

٣٣. و سوگند به شب چون از نیمه بگذرد.

٣٤. سوگند به سپیده چون پردهٔ شب را از فضای زندگی برگیرد.

٣٥. که شیرهٔ دوزخ تنها یادواره نخواهد بود بلکه آیتی از آیات بزرگ است.

٣٦. برای ترسانیدن بشر.

٣٧. برای آن کسی از افراد بشر که بخواهد گامی پیش نهد و نکته‌ای دریابد و یا گامی پس نهد و در جهالت بماند.

٣٨. هرکسی در گرو اعمال خویش است.

٣٩. جز یاران سمت راست.

٤٠. که در بوستان‌ها مأوا دارند و در گشت‌وگذار فضایی خود می‌پرسند.

٤١. از حال تبهکاران دوزخ.

٤٢. کدامین کردار بد، شما را در این شیرهٔ دوزخ به زنجیر کشید؟

٤٣. خواهند گفت: ما از نماز گزاران نبودیم.

٤٤. و درصدد اطعام بیکاران نبودیم.

٤٥. و با هرکسی که قرآن را به استهزاء می‌گرفت در یاوه‌سرایی فرومی‌رفتیم.

٤٦. و روز قیامت را تکذیب می‌کردیم.

٤٧. تا آنگاه که حقیقت، روشن شد و یقین از راه رسید.

٤٨. به خاطر این اعمال ناصواب اینک شفاعت شافعان سودشان نخواهد داد.

٤٩. چه می‌شود که این مردم از یادوارهٔ قرآن روگردانند.

٥٠. چنان می‌گریزند که گویا خرهای رمنده‌اند.

٥١. و از شیر ژریان رمیده‌اند.

٥٢. نه چنین است که از سخن قرآن رمیده باشند بلکه با تکبر و نخوت هر کدامشان

الْآخِرَةَ ٥٣ كَلَّا إِنَّهُ تَذَكَّرٌ ٥٤ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ٥٥ وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى
وَأَهْلُ الْمَعْرِفَةِ ٥٦

الْقِيَامَةُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ١ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ٢ أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ ٣
بَلَى قَادِرِينَ عَلَى أَنْ نَسُوِّي بَنَانَهُ ٤ بَلْ يَرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ٥ يَسْئَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ ٦
فَإِذَا بَرِقَ الْبَصْرُ ٧ وَخَسَفَ الْقَمَرُ ٨ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ٩ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُ ١٠

جداگانه به انتظار آند که از آسمان نامه‌ای سرگشاده دریافت نمایند.

٥٣. نه، هرگز، بلکه اینان بی‌می از روز قیامت در دل ندارند.

٥٤. نه، هرگز، این قرآن یادواره حق است.

٥٥. هرکس بخواهد به خاطر می‌سپارد.

٥٦. و مردم به خاطر نمی‌سپارند جز آنکه خدا خواسته باشد. او اهل تقواست که باید از

خشم او بترسند. او اهل آمرزش است که باید به آمرزش او امید بینند.

اَشْرَاطُ قِيَامَتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. من به رستاخیز قسم نمی‌خورم که مردم برای رستاخیز و قیامت حرمتی نمی‌بینند.

٢. و به آن روحی که صاحب وجدان باشد و خود را بر خطاکاری ملامت کند قسم نخواهم خورد که مردم کافر وجدان خود را به استهزاء گرفته‌اند.

٣. آیا آدمی پندارد که ما هرگز نتوانیم استخوان‌هایش را فراهم آوریم؟

٤. چرا، ما قادر هستیم که انگشتان او را با همه ظرافت مانند بار اول بپردازیم.

٥. آدمی‌زاده از آفرینش اول و بازآفرینی دوم چیزی نمی‌داند که دانسته روز قیامت را انکار کند. بلکه می‌خواهد راه خود را به سوی خودکامگی هموار نماید.

٦. و لذا با مسخره و استهزاء می‌پرسد: این روز قیامت کی برپا می‌شود؟

٧. آن‌روز که شهاب ثاقب بتابد و چشم‌ها را از تابش خود خیره سازد.

٨. ماه، ناپدید گردد.

٩. خورشید و ماه درهم شوند.

١٠. آدمی‌زاده می‌گوید: به کجا توانم فرار نمایم؟

كَلَّا لَا وَزَرَ ۱۱ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ۱۲ يَنْبِئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ۱۳ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ۱۴ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ ۱۵ لَا تَحْرِكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ۱۶ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ۱۷ فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ۱۸ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ۱۹ كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ ۲۰ وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ ۲۱ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ ۲۲ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ۲۳ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ ۲۴ تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ ۲۵ كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ ۲۶ وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ ۲۷ وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ ۲۸ وَالتَّفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ ۲۹ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ۳۰ فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّىٰ ۳۱ وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۳۲ ثُمَّ

۱۱. هرگز راه فراری نیست.

۱۲. روز بازآفرینی، پیشگاه پروردگارت قرارگاه تو خواهد بود.

۱۳. آن روز آدمی زاده از دستاورد پیش از مرگ و آثار بعد از مرگ خود باخبر خواهد گشت.

۱۴. نیازی به کارنامه اعمالش نیست بلکه او خود بر حال خود بینا است.

۱۵. گرچه اسنادی بر معذور بودن خود ارائه نماید و دفاعیه خود را با نطقی غرأ القاء نماید.

۱۶. زبانت را به تلاوت این چند آیه مچرخان که شتاب کنی و عوالم رستاخیز را تشریح کنی.

۱۷. طرح همه عوالم و تلاوت آن بر عهده ما است.

۱۸. هرگاه همه را بر تو فروخواندیم تلاوت آن را دنبال کن.

۱۹. علاوه بر تلاوت، بر عهده ما است که آن را شرح و توضیح کنیم.

۲۰. نه چنین است که شما مردم در عوالم قیامت تحقیق و پژوهش کرده باشید و از روی دانش، معاد را منکر شده باشید. علت آن است که شما مردم نعمت دنیا را گزین می‌کنید.

۲۱. و نعمت آخرت را وامی‌نهید.

۲۲. در آن روز برخی از چهره‌ها خرم و خندانند.

۲۳. به پروردگارشان نظر دوخته‌اند.

۲۴. در آن روز برخی چهره‌ها تکیده و گریانند.

۲۵. تصور می‌کنند که باید عذابی کمرشکن بر سر آنان فرود آید.

۲۶. نه چنین است که شما مردم عوالم آفرینش را شناخته باشید. آن روز که جان آدمی به گلوگاه رسد.

۲۷. شیونی برآید: کیست که وردی بخواند و جان او را به سینه بازگرداند.

۲۸. آدمی در آن حال زار تصور خواهد کرد که باید از همه چیز خود دل برکند که لحظه، لحظه فراق است.

۲۹. ساق‌هایش در هم پیچند و قفل شوند.

ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى ۳۳ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ۳۴ ثُمَّ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ۳۵ أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ۳۶ أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَىٰ ۳۷ ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ۳۸ فَبَجَعَلْ مِنْهُ الزَّوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ۳۹ أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ۴۰

الإنسان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا ۱ إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ۲ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ۳ إِنَّا أَعْتَدْنَا

-
۳۰. آن روز است که به پیشگاه پروردگارت رانده شوند.
۳۱. نه قرآن را تصدیق کرد و نه به درگاه پروردگارش نماز برد.
۳۲. بلکه تکذیب کرد و رو چرخاند.
۳۳. سپس با خمیازه به سوی خاندانش راه برگرفت.
۳۴. تو را چه تناسب که با قرآن آشنا گردی. شایسته‌ات همان خواب ناز است و آغوش باز زنان.
۳۵. بعد از آن‌هم، شایسته‌ات همان خواب ناز است و آغوش زنان.
۳۶. آیا آدمی تصور می‌کند که روح او بعد از مرگ سرگردان می‌ماند و مبعوث نمی‌گردد.
۳۷. آیا یک نطفه نامرئی نبود از یک قطره منی که در رحم ریخته شد.
۳۸. سپس به صورت کرم به رحم چسبید و خداوند اندامش را ساخت و پیکرش را تراشید.
۳۹. سپس از همان نطفه دو انسان جفت، نر و ماده برای مصاحبت و حفظ نسل بشر آفرید.
۴۰. آیا آن خدایی که نطفه آدمی را بدین صورت جان می‌بخشد، نمی‌تواند نطفه مردگان را دوباره جان ببخشد؟

نمایی از آینده نزدیک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. آیا بر آدمی در روزگاران لحظه‌ای گذشت که درخور یاد کردن نباشد.
۲. ما بی‌شک آدمی را از یک نطفه آمیخته با ژن آفریدیم که با انگیزه ژن‌ها مورد آزمونش قرار دهیم. سپس او را شنوا و بینا ساختیم.
۳. ما راه راست و درست را به او نشان داده‌ایم خواه هدایت ما را سپاس بگذارد خواه کفران و ناسپاسی ورزد.

لِّلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَ سَعِيرًا ^٤ إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ^٥ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ^٦ يُوفُونَ بِالْغَدْرِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ^٧ وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا ^٨ وَ أَسِيرًا ^٩ إِنَّمَا نُنْطَعِمُكُمْ لُجْهَ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا ^{١٠} إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ^{١١} فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ لَقَاهُمْ نَصْرَةٌ وَ سُرُورًا ^{١٢} وَ جَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا ^{١٣} مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَ لَا زَمْهَرِيرًا ^{١٤} وَ دَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَ ذُلَّتْ أَعْيُنُهُمْ تَذَلُّلاً ^{١٥} وَ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآيَاتٍ مِنْ فَضَّةٍ وَ أَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا ^{١٦} قَوَارِيرًا مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ^{١٧} وَ يُسْقَوْنَ

-
٤. اگر کافر و ناسپاس گردد چه باک است که ما برای کافران زنجیرها و غل‌ها و گازهای سوزان را تهیه دیدیم.
 ٥. مردان نیک که سپاسگزار هدایت ما بوده‌اند از جامی شراب و شربت می‌نوشند که با کافور ش چاشنی کرده‌اند.
 ٦. چشمه‌ای دیگر از آب معدن که بندگان خدا از آن سیراب می‌شوند، با فرو بردن جام و گilas خود آب چشمه را جوشان و خروشان می‌سازند.
 ٧. نیکمردان در این جهان گذران به نذر خود وفا می‌کنند و از فرا رسیدن روزی در هراسند که شر آن چون آتشفشان به هر جانبی پراکن است.
 ٨. خوراک خود را با میل و اشتهایی که بدان دارند به مسکین و اسیر و یتیم می‌خورانند.
 ٩. شعارشان این است که ما به خاطر خدایمان شما را اطعام می‌کنیم و از شما پاداشی نمی‌خواهیم انتظار سپاس و شکرانه هم نداریم.
 ١٠. ما از پروردگارانم نگرانیم از شر آن روزی که با چهره‌ای تلخ و تند بر سر ما فرود آید.
 ١١. به پاس این اخلاص و طاعت خداوندشان از شر آن روز مصون داشت و خرمی و نشاط را ارمغان ورودشان ساخت.
 ١٢. و در مقابل صبر و پایداری آنان بهشت را با خلعتی از جامه‌های حریر و دیبا پاداش آنان قرار داد.
 ١٣. در بوستان‌های بهشتی بر تخت‌ها تکیه می‌زنند و لم می‌دهند. آنجا تابش خورشید را نمی‌بینند که درختانش انبوه است و نه سرمای تند و پرسوز که فضای بهشتی مطبوع و پر نسیم است.
 ١٤. سایه اشجار بهشتی بر سر آنان دامن کشیده است و چیدن خوشه‌ها برایشان آسان است.
 ١٥. خادمان بهشتی با جام‌های نقره و تنگ‌های شراب که از شیشه خام است بر گردشان

فِيهَا كَأَسَا كَانَ مَزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا^{١٧} عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا^{١٨} وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا^{١٩} وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمَلَكًا كَبِيرًا^{٢٠} عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا^{٢١} إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا^{٢٢} إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا^{٢٣} فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا^{٢٤} وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا^{٢٥} وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا^{٢٦} إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذْرُونَ وِرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا^{٢٧} نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا^{٢٨} إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ

می‌چمند تا هر چه بخواهند بنوشند.

۱۶. شیشه‌ی خامی که از نقره‌ی خالص پرورده‌اند و عیار آن را سنجیده‌اند.

۱۷. شرابی را تقدیمشان می‌نمایند که با زنجبیل پرورده آمیخته‌اند.

۱۸. چشمه‌ای در بهشت است که آن را سلسبیل نامند.

۱۹. پسران بهشتی که از همان آب و گل آفریده‌اند کمر بسته به خدمت بر گردشان طواف می‌نمایند هرگاه آنان را ببینی تصور می‌کنی که شده‌ی مروارید را افشان کرده‌اند.

۲۰. و چون بهشت آنان را بنگری نعمت بی‌پایان را با پادشاهی بزرگ، عیان می‌نگری.

۲۱. بر دوش آنان جامه‌هایی از حریر سبز و دیباست و با دستواره‌های نقره آنان را آراسته‌اند و پروردگارشان از شراب طهوری سیراب کرد که معده‌ها را پاک سازد.

۲۲. این به پاداش اعمال شما است و شکرانه‌ی تلاش شما در طاعت و اخلاص.

۲۳. این خود ما هستیم که قرآن را بر تو تنزیل نمودیم.

۲۴. پس در برابر فرمان پروردگارت پایداری و بردباری کن و از زورگویان و ناسپاسان مردم فرمان مبر.

۲۵. در صبح و عصر نام پروردگارت را ورد زبان ساز.

۲۶. و از آغاز شب ساعتی را برگزین و برای پروردگارت نماز کن و در پایان شب با تسبیح طولانی برای نافله برخیز.

۲۷. این مردم کافر زندگی نقد دنیا را ترجیح می‌دهند و روز سنگین و سهمگین را پشت سر وامی‌گذارند.

۲۸. ماییم که اینان را آفریده‌ایم و تاروپود آنان را به هم بافته‌ایم و هرگاه بخواهیم آنان را از میان می‌بریم و به جای آنان مردمی دیگر می‌آوریم.

فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا^{٣٩} وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا^{٣٠}
يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا^{٣١}

المُرْسَلَات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْمُرْسَلَاتُ عُرْفًا^١ فَالْعاصِفَاتُ عَصْفًا^٢ وَالنَّاشِرَاتُ نَشْرًا^٣ فَالْفَارِقَاتُ فَرَقًا^٤ فَالْمُلْقِيَاتُ ذِكْرًا^٥
عُدْرًا أَوْ نُذْرًا^٦ إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَوَاقِعُ^٧ فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ^٨ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ^٩ وَإِذَا الْجِبَالُ
نُسِفَتْ^{١٠} وَإِذَا الرُّسُلُ أُقْتَتِ^{١١} لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ^{١٢} لِيَوْمِ الْفَصْلِ^{١٣} وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ^{١٤}

۲۹. این قصه که ما از بهشت و بهشتیان آوردیم یادواره حق است. با دریافت قرآن هر کس که بخوهد می‌تواند راهی به سوی پروردگار خود باز کند.

۳۰. و شما نمی‌خواهید مگر آنکه خدا بخوهد. خداوند جهان دانا و کاردان بوده است که راه مشیت را برای شما هموار کرده است.

۳۱. هر که را بخوهد در رحمت خود جای می‌دهد و برای سیه‌کاران عذاب دردناکی مهیا کرده است.

رسالت فرشتگان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. سوگند به آن فرشتگان که مانند نسیم از برج نگهبانی فرستاده شوند.
۲. پس از لحظاتی شتاب گیرند و چون تندبادی، راهی پایگاه زمین گردند.
۳. و به پخش امواج بپردازند.
۴. سپس موج‌های آسمانی را از موج‌های شیطنی جدا سازند.
۵. و آنگاه یادواره آسمانی را به صورت قرآن بر حافظه رسول خدا القاء نمایند.
۶. معذرت و اتمام حجت باشد یا اخافه و انذار.
۷. جز این نیست که تهدید و وعید خدا هر چه باشد از آسمان بر سر شما فرو خواهد افتاد.
۸. آن روز که ستارگان از فضای شما محو گردند.
۹. آن روز که آسمان مریخ بشکافد.
۱۰. آن روز که صخره‌ها و قلعه‌ها چون ماسه و شن برباد رود.
۱۱. آن روز که رسولان را وعده دیدار دهند.
۱۲. این حوادث را برای کدامین روز جهان به تأخیر انداخته‌اند؟
۱۳. برای روز داوری.

وَيَلُومُنَّ يَوْمَئِذٍ الْمُكَذِّبِينَ ۱۵ أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ۱۶ ثُمَّ تَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ ۱۷ كَذَلِكَ نَفْعَلُ
 بِالْمُجْرِمِينَ ۱۸ وَيَلُومُنَّ يَوْمَئِذٍ الْمُكَذِّبِينَ ۱۹ أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ۲۰ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ
 مَكِينٍ ۲۱ إِلَىٰ قَدَرٍ مَعْلُومٍ ۲۲ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ ۲۳ وَيَلُومُنَّ يَوْمَئِذٍ الْمُكَذِّبِينَ ۲۴ أَلَمْ نَجْعَلِ
 الْأَرْضَ كِفَاتًا ۲۵ أَحْيَاءً وَ أَمْواتًا ۲۶ وَ جَعَلْنَا فِيهَا رِوَاسِي شَامِخَاتٍ وَ اسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا ۲۷ وَيَلُومُنَّ
 يَوْمَئِذٍ الْمُكَذِّبِينَ ۲۸ انْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ۲۹ انْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ ۳۰
 لَا ظَلِيلٍ وَ لَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ ۳۱ إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرِّ كَالْقَصْرِ ۳۲ كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ ۳۳ وَيَلُومُنَّ
 يَوْمَئِذٍ الْمُكَذِّبِينَ ۳۴ هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ ۳۵ وَ لَا يُؤَدِّنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ ۳۶ وَيَلُومُنَّ يَوْمَئِذٍ

-
۱۴. و چه دانی که روز داوری کدام است.
 ۱۵. وای بر کافران تکذیب کننده از آن روز.
 ۱۶. آیا امت‌های پیشین را هلاک نکردیم؟
 ۱۷. و امت‌های پسین را به دنبال آنان نفرستادیم؟
 ۱۸. با شما تبهکاران مجرم نیز همان معامله را انجام می‌دهیم.
 ۱۹. وای بر کافران تکذیب کننده از آن روز.
 ۲۰. نه شما را از مایعی خوار و بی‌مقدار آفریدیم؟
 ۲۱. سپس آن را در قرارگاه رحم جای دادیم.
 ۲۲. تا روزی معین.
 ۲۳. و بر آنچه اندازه گرفتیم توانا آمدیم و بهترین توانمندان ماییم.
 ۲۴. وای بر کافران تکذیب کننده از آن روز.
 ۲۵. آیا بستر خاک را مجتمع مسکونی نساخته‌ایم.
 ۲۶. برای زندگان شما و مردگان.
 ۲۷. و در دل دشت‌ها کوه‌های پا برجا و سر به فلک برپا نکردیم و با این تعبیه آب شیرین و گوارا بر سرتان فرو ریختیم.
 ۲۸. وای بر کافران تکذیب کننده از آن روز.
 ۲۹. براه افتید به سوی عذابی که تکذیب می‌کرده‌اید.
 ۳۰. راه برگیرید به سوی سایه‌ای که سه شعبه دارد و بر سر دره‌های دوزخ متوقف است.
 ۳۱. نه سایه‌ای است که خنک باشد و یا از تفت آتش، حاجب و رادع باشد.
 ۳۲. این سایه دود و گاز است که شراره‌هایش به بلندای کاخ‌ها پرتاب می‌شود.
 ۳۳. از دور چنان می‌نماید که اشتران زردفام گردن می‌کشند و در قطارند.
 ۳۴. وای بر کافران تکذیب کننده از آن روز.

لِلْمُكَذِّبِينَ^{٣٧} هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ^{٣٨} فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا^{٣٩} وَيَلُومُ^{٤٠} يَوْمَئِذٍ الْمُكَذِّبِينَ^{٤١} إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ^{٤٢} وَفَوَاكِهِ مِمَّا يَشْتَهُونَ^{٤٣} كُلُّوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ^{٤٤} إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ^{٤٥} وَيَلُومُ^{٤٦} يَوْمَئِذٍ الْمُكَذِّبِينَ^{٤٧} وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ^{٤٨} تَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ^{٤٩} وَيَلُومُ^{٥٠} يَوْمَئِذٍ الْمُكَذِّبِينَ^{٥١} فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

النَّبِيَّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ^١ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ^٢ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ^٣ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ^٤ ثُمَّ كَلَّا

-
٣٥. و آن روزی است که کافران سخنی برای گفتن ندارند.
٣٦. و رخصت نمی یابند که معذرت بخواهند.
٣٧. وای بر کافران تکذیب کننده از آن روز
٣٨. و این روز داوری است که شما را با امت های پیشین فراهم آورده ایم.
٣٩. اگر حيله و مکرى داريد با من بکار بنديد.
٤٠. وای بر کافران تکذیب کننده از آن روز
٤١. پرهیزکاران در سایه های اشجار و چشمه سارهای بهشتند.
٤٢. و میوه هایی که هوس نمایند.
٤٣. بخورید و بیاشامید. گوارایان باد و نوش جان به پاس طاعتی که بجا آوردید.
٤٤. ما به مردمان نیک اندیش نیکو کار چنین سزا می دهیم.
٤٥. وای بر کافران تکذیب کننده از آن روز.
٤٦. شما کافران چند صباحی در این دنیا بخورید و کام برانید. شما تبهکار و مجرمید.
٤٧. وای بر کافران تکذیب کننده از آن روز.
٤٨. و چون به آنان گفته شود از تبهکاری دست بردارید نمی پذیرند و چون گفته شود نماز بخوانید نماز نمی خوانند.
٤٩. وای بر کافران تکذیب کننده از آن روز.
٥٠. این مردم بعد از سخن قرآن به کدامین سخن تازه ایمان می آورند.
- گزارشی از قیامت
بسم الله الرحمن الرحيم
١. از کدامین خبر می پرسند؟

سَيَعْلَمُونَ^٥ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا^٦ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا^٧ وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا^٨ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا^٩ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا^{١٠} وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا^{١١} وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا^{١٢} وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا^{١٣} وَ أَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا^{١٤} لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَ نَبَاتًا^{١٥} وَ جَنَّاتٍ أَلْفَافًا^{١٦} إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا^{١٧} يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا^{١٨} وَ فُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا^{١٩} وَ سِيرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا^{٢٠} إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا^{٢١} لِلطَّاغِينَ مَابًا^{٢٢} لَا يَشِينُ فِيهَا أَحْقَابًا^{٢٣} لَا يَدُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَ لَا شَرَابًا^{٢٤} إِلَّا حَمِيمًا وَ غَسَّاقًا^{٢٥} جَزَاءً وَفَاقًا^{٢٦} إِنَّهُمْ

٢. از خبری بزرگ

٣. خبری که در آن اختلاف دارند.

٤. نه این است که لاف و گزاف باشد. به زودی خواهند دانست.

٥. باز هم لاف و گزافه نیست به زودی خواهند دانست.

٦. آیا بستر زمین را چون گهواره نگسترديم.

٧. و کوهها را چون میخ در دل خاکها جا ندادیم تا بستر خوابتان درهم نریزد.

٨. و شما را جفت و همسر نیافریدیم.

٩. و خواب شما را انگیزه ترك مشاغل نساختمیم تا به استراحت بپردازید.

١٠. و شب را لباس خوابتان ساختیم تا جامه‌های خود را از تن برکنید و در بستر جا بگیریید.

١١. و روز را صحنه کسب و کار شما ساختیم.

١٢. و بر فرازتان هفت کره سخت و آهنین آراستیم.

١٣. و برای شما چراغی رخشان افروختیم.

١٤. و از ابر پر صاعقه بارانی چون سیل نازل کردیم.

١٥. تا با آن آب دانه‌ها و گیاهان را از دل خاک برون آریم.

١٦. و بوستان‌های جنگل‌وار بیاراییم.

١٧. به یقین، روز داوری، موعد ما و شما خواهد بود.

١٨. آن روز که در شیپور بیداری دمیده شود و شما فوج فوج به محضر ما درآیید.

١٩. و راه آسمان برای بهشتیان در سمت راست گشوده شود و چند راه مجزا نمایان گردد.

٢٠. و کوهپاره‌ها از سمت چپ جدا گردد و بعد از لحظاتی چون سراب، نمایان گردد.

٢١. به یقین دوزخ ناهید در کمین این کوهپاره‌ها باشد.

٢٢. تا دوزخیان طاغی را که سرنشین آن کوهپاره‌هایند ملجأ و مأوی باشد.

٢٣. دوره‌های طولانی در دوزخ درنگ دارند.

٢٤. نه طعم سرما را می‌چشند و نه آب خنک می‌نوشند.

كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ۲۷ وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كَذَابًا ۲۸ وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ۲۹ فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ۳۰ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ۳۱ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ۳۲ وَ كَوَاعِبَ أَتْرَابًا ۳۳ وَ كَاسًا دِهَاقًا ۳۴ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَ لَا كَذَابًا ۳۵ جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا ۳۶ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ۳۷ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ قَالَ صَوَابًا ۳۸ ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَأْسًا ۳۹ إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ۴۰

۲۵. فقط طعم آب کبریت و آب نفت را باید بچشند.

۲۶. و این سزایی است برابر با عمل.

۲۷. در عالم دنیا اینان حساب و کتابی را انتظار نمی‌بردند.

۲۸. آیات ما را دروغ شمردند و تکذیب کردند.

۲۹. ما هر کاری که مرتکب گشتند در لوحی ثبت و آمار نمودیم.

۳۰. اینک سزای خود را بچشید که ما جز بر عذاب شما نمی‌افزاییم.

۳۱. بی‌شک برای اهل تقوا راه نجاتی هست.

۳۲. باغ‌های میوه و انگورهای آویخته از شاخسار.

۳۳. دوشیزگان نوری با پستان‌های برآمده هم‌سال با شوهر.

۳۴. با جام‌های لبالب از شراب ناب.

۳۵. در آن بوستان‌ها سخن بیهوده نشنوند و نه دروغ و گزاف.

۳۶. پاداشی از پیشگاه پروردگارت عطایی از روی حساب.

۳۷. همان پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آسمان‌ها و زمین است، خداوند

رحمان که هیچ‌کس اختیار سخن گفتن با او ندارد.

۳۸. آن‌روز که روح القدس با فرشتگان بپاخیزند و برصف شوند از فرشتگان هم‌احدی

یاری سخن نیابد مگر آن‌یک که خداوند رحمان رخصت دهد و سخن بر وجه صواب بیارد.

۳۹. این است آن روز بر حق و درست. پس هر که خواهد باید جایگاهی برای آن‌روز خود

در پیشگاه پروردگارش بجوید.

۴۰. ما به شما اخطار کردیم و عذاب نزدیکی را به شما هشدار داده‌ایم؛ آن‌روز که آدمی‌زاده

آنچه را با دست خود توشه آخرتش کرده است عیان بنگرد و از این میان، مردم کافر

گویند: ای کاش ما همچنان خاک بودیم و به این زندگی پا ننهاده بودیم.

النَّازِعَات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّازِعَاتُ غَرْقًا^١ وَالنَّاشِطَاتُ نَشِطًا^٢ وَالسَّابِحَاتُ سَبْحًا^٣ فَالسَّابِقَاتُ سَبْقًا^٤
فَالْمُدَبِّرَاتُ أَمْرًا^٥ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ^٦ تَتَّبِعُنَا الرَّادِفَةُ^٧ قُلُوبٌ يَوْمئِذٍ وَاجِفَةٌ^٨ أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ^٩
يَقُولُونَ أَإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ^{١٠} أ إِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً^{١١} قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ^{١٢}
فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ^{١٣} فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ^{١٤} هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى^{١٥} إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ

سورة نازعات - قراولان قیامت

بسم الله الرحمن الرحيم

۱. سوگند به فرشتگان که چله کمان را تا آخرین حد بکشند.
۲. سوگند به آن فرشتگان که از پایگاه خود، چون تیر از کمان بجهند.
۳. و آن فرشتگان که در فضا به شنا پردازند.
۴. سپس به تناسب بال‌ها از هم سبقت بگیرند.
۵. و چون به زمین درآیند به تدبیر فرمان پردازند.
۶. آن‌روز غرشی سهمگین بستر خاکیان را درهم بلرزاند.
۷. و موج آن بار دوم در فضای زمین بچرخد و خاک گورها را غربال کند.
۸. پیکر نوبالیدگان از زیر خاک‌ها بدر آید و با تماس هوا دل‌ها به طپش درآیند.
۹. اما چشم‌هایشان از شرم فروخوابیده است.
۱۰. این بود شرحی مجمل از رستاخیز قیامت، ولی این مشرکان می‌گویند: آیا بعد از قبض ارواح دوباره نطفه‌های ما را به گورها باز می‌گردانند تا پیکری نو بر قامت ما بیوشانند؟
۱۱. آیا بعد از آنکه استخوانی از ما برجا مانده باشد آنهم پوسیده و درهم پاشیده؟
۱۲. گفتند: اگر دوباره ما را به حیات دنیا بازگردانند بازگشت ما بازگشت بی‌ثمری خواهد بود و زیانبار که هیچ‌کس راه رفته را دوباره نییامد و آنچه از قوه به فعل آید چرا دوباره واپس بگراید.
۱۳. اما جز این نیست که با خروشی سخت و خشن از دل گورها بدر آیند.
۱۴. ناگهان خود را بر روی زمین داغ بنگرند.
۱۵. آیا از داستان موسی خبرت هست؟

الْمُقَدَّسِ طُوًى^{١٦} اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ^{١٧} فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ^{١٨} وَ أَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ^{١٩} فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ^{٢٠} فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ^{٢١} ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ^{٢٢} فَحَشَرَ فَنَادَىٰ^{٢٣} فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ^{٢٤} فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْأَخْرَةِ وَالْأُولَىٰ^{٢٥} إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَىٰ^{٢٦} أَ أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا^{٢٧} رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا^{٢٨} وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا^{٢٩} وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا^{٣٠} أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا^{٣١} وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا^{٣٢} مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنعَامِكُمْ^{٣٣} فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَىٰ^{٣٤} يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنسَانُ مَا سَعَىٰ^{٣٥} وَ بَرَزَتْ

-
١٦. آن روز که پروردگارش در غرب دره مقدس ندا کرد و گفت:
 ١٧. برو به سوی فرعون که طغیان و سرکشی آغاز کرده است.
 ١٨. بگو: آیا رغبت و میلی به پاکی و طهارت در دلت هست؟
 ١٩. دوست می‌داری که تو را به سوی پروردگارت رهنمون گردم تا او را بشناسی و خود را از خشم او برکنار داری؟
 ٢٠. موسی بزرگترین آیت خدا را به فرعون نشان داد و رسالت خود را اثبات کرد.
 ٢١. اما فرعون رسالت او را تکذیب نمود و نافرمان گشت.
 ٢٢. سپس راه خود را در پیش گرفت و در تکاپو شد.
 ٢٣. مردم خود را گرد آورد و فریاد زد.
 ٢٤. گفت: من برترین پروردگار شما هستم و صلاح شما را بهتر می‌شناسم.
 ٢٥. و خداوندش به کیفر گرفت کیفری پندآموز برای آخرت و برای دنیا.
 ٢٦. بی‌شک در این داستان عبرتی است برای آن کس که از خشم خدا در هراس باشد و بخواهد راه خود را به سوی حق بگشاید.
 ٢٧. اینک شما که رستاخیز زندگی را باور نمی‌دارید پاسخ بدهید: آیا پیکر شما آدمیان صلابت بیشتری دارد یا پیکر آسمان که خداوند جهان بنیان نهاد.
 ٢٨. طاق آسمان را افراشت و سطح آن را پیراست.
 ٢٩. شب آن را با تاریکی فضا درآمیخت و پرتو آن را از تاریکی برآورد.
 ٣٠. کره زمین را هم بعد از چنین ساخت‌وسازی با توده خاک گسترد.
 ٣١. آب و گیاه زمین را از دل خاک برآورد.
 ٣٢. کوهها را در دل خاک استوار و پایرجا نمود.
 ٣٣. تا دستاورد آب و گیاه آن، توشه شما و دام‌هایتان باشد.
 ٣٤. تا آن روز که آزمون شما کامل شود و قیامت کبری فراز آید.

الْجَحِيمِ لِمَنْ يَرَى^{٣٦} فَأَمَّا مَنْ طَغَى^{٣٧} وَ أَثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا^{٣٨} فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى^{٣٩} وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى^{٤٠} فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى^{٤١} يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا^{٤٢} فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا^{٤٣} إِلَى رَبِّكَ مُنتَهَاهَا^{٤٤} إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَنْ يَخْشَاهَا^{٤٥} كَانَهُمْ يَوْمَ يَرُونَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا^{٤٦}

-
٣٥. آن روز است که آدمی دستاورد خود را به خاطر می‌آورد.
٣٦. و دوزخ در سمت چپ برای تماشاچیان عیان می‌گردد.
٣٧. پس هر که بر خدای خود سرکشی و طغیان کرده است.
٣٨. و زندگی دنیا را بر زندگی آخرت گزین کرده است.
٣٩. بی‌شک دوزخ فروزان جایگاه او خواهد بود.
٤٠. و هر که از مقام پروردگارش خائف و ترسان بوده است و نفس خود را از هوس‌ها مانع شده است.
٤١. به یقین بهشت برین جایگاه او خواهد بود.
٤٢. می‌پرسند که قیامت کی رخ می‌گشاید و کشتی زندگی کی لنگر خواهد انداخت؟
٤٣. و تو از خاطره قیامت چه تصویری در ذهن خود می‌پرورانی.
٤٤. فرجام قیامت باید به پروردگارت حوالت شود.
٤٥. تو فقط اخطارکننده آن کسانی خواهی بود که از قیامت در هراسند.
٤٦. روزی که مردم، رستاخیز قیامت را بنگرند چنان می‌نماید که جز يك عصر و يا يك چاشت در عالم بعد از مرگ توقف نکردند که دوباره لباس زندگی بپوشند.

عَبَسَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
عَبَسَ وَتَوَلَّى ۱ أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى ۲ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى ۳ أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى ۴
أَمَّا مَنْ اسْتَعْنَى ۵ فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى ۶ وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى ۷ وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى ۸ وَهُوَ يَخْشَى ۹ فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى ۱۰ كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ۱۱ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ۱۲ فِي صُحُفٍ
مُكَرَّمَةٍ ۱۳ مَرْفُوعَةٍ مُطَهَّرَةٍ ۱۴ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ۱۵ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ۱۶ قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ ۱۷

مرگ بر آدمیزاده پر تکبر بسم الله الرحمن الرحيم

۱. اخم کرد و رفت.
۲. از این که مردی کور به محضرش آمد و نشست.
۳. و چه رمزی می‌تواند تو را باخبر سازد که اگر نمی‌رفت شاید خود را پاک و مطهر می‌ساخت.
۴. و یا قرآن را به خاطر می‌سپرد و یادواره قرآن بهره‌مندش می‌ساخت.
۵. آن کسی که خود را از قرآن بی‌نیاز می‌شمارد.
۶. تو به او می‌پردازی تا با قرآن آشنایش سازی؟
۷. با آن که مسئولیتی بر عهدهات نیست که قرآن را نشناسد و خود را پاک نسازد.
۸. آن کسی که با شتاب و هروله آمد.
۹. و از خشم خدا هراس دارد.
۱۰. تو از او می‌پردازی که با دیگران به گفتگو بپردازی.
۱۱. نه هرگز، این قرآن یادواره حق است نه منشور سلطانی که مردم را به آن الزام نمایی.
۱۲. هر کس خواسته باشد به خاطر می‌سپارد نه آنکه اجباری در میان باشد.
۱۳. این قرآن در نوشته‌های گرانمایه‌ای ثبت است.
۱۴. فراتر از دسترس نامحرمان. مطهر از آلودگی ناپاکان.
۱۵. با دست سفیران الهی.
۱۶. صاحبان کرامت و نیکی به ثبت آمده است.
۱۷. مرگ بر آدمی‌زاده که تا چه حد ناسپاس است.

مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ۚ ۱۸ مَنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ۚ ۱۹ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ ۚ ۲۰ ثُمَّ أَمَاتَهُ
 فَأَقْبَرَهُ ۚ ۲۱ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ ۚ ۲۲ كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ ۚ ۲۳ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ۚ ۲۴ أَنَا
 صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ۚ ۲۵ ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا ۚ ۲۶ فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ۚ ۲۷ وَعَبَبْنَا وَقَضْبًا ۚ ۲۸ وَزَيْتُونًا وَ
 نَخْلًا ۚ ۲۹ وَحَدَائِقَ غُلْبًا ۚ ۳۰ وَفَاكِهَةً وَأَبًّا ۚ ۳۱ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ۚ ۳۲ فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ ۚ ۳۳ يَوْمَ
 يَفْرُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ۚ ۳۴ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ۚ ۳۵ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ ۚ ۳۶ لِكُلِّ أُمَّرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ
 يُعِينُهُ ۚ ۳۷ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ۚ ۳۸ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ ۚ ۳۹ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ۚ ۴۰ تَرْهَقُهَا

۱۸. خدا این آدم ناسپاس را از چه عنصری آفرید؟
۱۹. از یک نطفه، که آفرید و هندسه‌اش کرد.
۲۰. سپس راه خود را بر او سهل و آسان کرد.
۲۱. سپس جان او را گرفت و در گورش کرد.
۲۲. و بعدها که بخواهد او را از گور برون خواهد آورد.
۲۳. نه هرگز، به این زودی محشور نخواهد شد. هنوز فرموده پروردگارش را به کار نبسته است.
۲۴. آدمی باید به خوراک خود بنگرد و درس لازم را بگیرد.
۲۵. بنگرد که چسان ما باران را از آسمان فروریختیم.
۲۶. سپس بستر خاک را از هم باز کردیم.
۲۷. و از شکاف زمین دانه‌ها را برآوردیم.
۲۸. انگور و شاخه تر پروراندیم.
۲۹. زیتون و خرما آفریدیم.
۳۰. باغ‌های چون جنگل.
۳۱. با میوه‌ها و چمن‌ها.
۳۲. که توشه شما باشد و توشه دام‌ها و چارپایانتان.
۳۳. نطفه آدمی را هم با طی چنین مراحل در دل خاک می‌پروریم تا آنگاه که غرشی سهمناک در شیپور بیداری بدمد و پیکرها را از دل گورها برون اندازد.
۳۴. روزی که آدمی از برادرش می‌گریزد.
۳۵. و هم از مادر و پدرش.
۳۶. و از همسرش و فرزندان.
۳۷. در آن روز برای هرکسی از آدمیان کاری در پیش است که او را به دیگران نمی‌گذارد.
۳۸. آن روز برخی از چهره‌ها روشن و باز است.

قَتْرَةٌ ٤١ أَوْلَيْكَ هُمْ الْكُفْرَةُ الْفَجْرَةُ ٤٢

التكوير

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ١ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ٢ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ٣ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ٤ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ٥ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ٦ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ٧ وَإِذَا الْمَوْؤَدَةُ سُئِلَتْ ٨ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ٩ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ١٠ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ١١ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ١٢ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ١٣ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ ١٤ فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَنَسِ ١٥ الْجَوَارِ

٣٩. خندان و شاد.

٤٠. و برخی چهرهها تاریک و دژم که غبار غم دارد.

٤١. سیاهی و تیرگی بر آن چیره گردد.

٤٢. اینان همان کافران فاجرند که پرده حرمت را دریدند.

آرم قیامت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. آن روز که موجی عظیم از دریای خورشید جدا گردد و چون حلقه بر گرد آن بیچد.

٢. آن روز که گازهای خورشیدی فضای منظومه را پر کند و نمای ستارگان تاریک شوند.

٣. آن روز که صخرهها و کوهها به فضا پرتاب شوند و روان گردند.

٤. آن روز که اشتران آماده زایمان با نوزادانشان بی صاحب رها شوند.

٥. و آن روز که جانوران وحشی سراسیمه از لانههای خود برون آیند.

٦. آن روز که دریاها به جوش آیند و بخار شوند.

٧. آن روز که نطفهها با ژن ها جفت شوند.

٨. آن روز که از زنده بگوران واپرسی شود.

٩. به کدامین جرم و گناه او را به گور کرده اند.

١٠. آن روز که پرونده اعمال مردم چون طومار گشوده گردد.

١١. آن روز که آسمان را از سنگ پارهها جاروب نمایند.

١٢. آن روز که دوزخ را بیفروزند.

١٣. آن روز که بهشت را به نزدیک آورند.

١٤. آن روز هرکسی خواهد دانست که با چه توشه ای به محشر آمده است.

١٥. من به ستارگان حیران سوگند نمی خورم که گاه نهان می شوند و گاه پدید آیند.

الْكُنُوسِ ۱۶ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ ۱۷ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ۱۸ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ
 كَرِيمٍ ۱۹ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ۲۰ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ۲۱ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ۲۲ وَ
 لَقَدْ رَأَاهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ ۲۳ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ۲۴ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ۲۵ فَأَيْنَ
 تَذْهَبُونَ ۲۶ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۲۷ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ ۲۸ وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ
 يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۲۹

الانفطار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ۱ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ۲ وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ۳ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ۴

۱۶. مانند گاو وحشی می‌دوند و ناگهان متوقف می‌شوند.
۱۷. سوگند نمی‌خورم به شب که با پشت خمیده روان گردد.
۱۸. و به صبحدم که نفس برکشد و گلاله صبح کاذب را نمایان سازد.
۱۹. که این قرآن، سخن فرستاده‌ای گرانقدر است.
۲۰. توانا و نیرومند و در پیشگاه خداوند عرش، صاحب اختیار مطلق است.
۲۱. فرمانروایی، صاحب‌امانت که جز به خواست خداوند عرش، فرمان ندهد و فرمانش را از دل و جان اطاعت نمایند.
۲۲. و این رفیق شما که ادعای رسالت او را دارد جنون و دیوانگی ندارد.
۲۳. بی‌شک رسول شما و آن رسول آسمانی در افقی بالاتر که در دیدگان شما مظهری روشن دارد با هم دیدار کرده‌اند.
۲۴. نه رسولتان بر نشر دانش غیبی بخیل و متهم است.
۲۵. و نه قرآن سخن شیطان مطرود است.
۲۶. پس به کجا روان شده‌اید.
۲۷. این قرآن فقط یادواره‌ای برای جهانیان است.
۲۸. برای آن کسانی که بخواهند در راه راست قدم بگذارند.
۲۹. و شما نمی‌خواهید مگر آنکه خدا پروردگار عالمیان خواسته باشد.

روز قانون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. آن روز که آسمان مریخ درهم بشکافد.
۲. و سنگ‌پاره‌های آن به اطراف فضا پرتاب گردند.

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَمَتْ وَ آخَرَتْ^٥ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ^٦ الَّذِي خَلَقَكَ
 فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ^٧ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ^٨ كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالذِّينِ^٩ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ
 لِحَافِظِينَ^{١٠} كِرَامًا كَاتِبِينَ^{١١} يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ^{١٢} إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ^{١٣} وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي
 جَحِيمٍ^{١٤} يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الذِّينِ^{١٥} وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ^{١٦} وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الذِّينِ^{١٧} ثُمَّ مَا
 أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الذِّينِ^{١٨} يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ^{١٩}

-
٣. آن روز که دریاها به جوش آیند.
 ٤. آن روز که گورها زیر و زبر گردند.
 ٥. آن روز است که هرکسی می داند چه توشه ای پیش از مرگ خود و چه توشه ای بعد از مرگ خود به صحرای قیامت آورده است.
 ٦. ای آدمی کدامین انگیزه تو را به پروردگار کریمت خام و مغرور نمود که با پشتوانه آن راه خطاکاری در پیش گرفتی؟
 ٧. آن پروردگاری که تو را آفرید و اندام تو را پرداخت و قامتت را به اعتدال آورد.
 ٨. و با هر صورتی که خود می خواست تو را ترکیب آدمی بخشید و از تو چیزی نپرسید.
 ٩. نه، هرگز چنین نیست که شما مردم با کریمی خدا خام و مغرور باشید. بلکه شما مردم کرم خدا را بهانه خود کرده اید و قانون خدا را تکذیب می نمایید.
 ١٠. با آنکه جمعی بر شما نگهبان و مراقبند.
 ١١. گرانبایه فرشتگانی که از اعمال شما نسخه برمی دارند و گفتار شما را ثبت دفتر می نمایند.
 ١٢. آنچه را انجام دهید می شناسند و می دانند.
 ١٣. به یقین نیکمردان در بهشت پرنعمت جای دارند.
 ١٤. و فاجران تبهکار در آتش دوزخ جای دارند.
 ١٥. به روز قانون که روز قیامت است دوزخیان باید در آتش کباب گردند.
 ١٦. امکان ندارد که از حضور در قعر دره ها غیبت نمایند چرا که باید جیره خود را از قعر دره ها دریافت نمایند.
 ١٧. این تدارک به خاطر احیای قانون است و چه دانی که روز قانون کدام است؟
 ١٨. باز هم باید گفت: تو چه دانی که روز قانون کدام است.
 ١٩. روز قانون، روزی است که هیچ کس برای هیچ کس کاری نتواند کرد. به روز قانون، کارها یکسر در دست خداوند جهان است.

المطففين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ^١ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ^٢ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ^٣
أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ^٤ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ^٥ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ^٦ كَلَّا إِنَّ
كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينٍ^٧ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ^٨ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ^٩ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ^{١٠}
الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ^{١١} وَمَا يَكْذِبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ^{١٢} إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ
أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ^{١٣} كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^{١٤} كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ
لَمَحْجُوبُونَ^{١٥} ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ^{١٦} ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ^{١٧} كَلَّا إِنَّ

ارجاع پرونده‌ها به علیین و سجین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. وای بر کم‌فروشان.
۲. که چون برای خود پیمانہ کنند پیمانہ را پر می‌نمایند.
۳. و چون کالای خود را برای دیگران پیمانہ کنند و یا برای آنان وزن کنند کم می‌گذارند.
۴. آیا این مردم تصور نمی‌کنند که روزی از گورها بدر آیند؟
۵. برای شرکت در یک روز بزرگ.
۶. روزی که مردم در حضور پروردگار جهانیان بپا خیزند.
۷. نه هرگز کسی را جا نمی‌گذارند و پرونده فاجران تبه‌کار در سجین دوزخ است.
۸. و چه دانی که سجین کدام است.
۹. پرونده فاجران طوماری است که با ثبت کردارشان رقم خورده است.
۱۰. وای بر کافران تکذیب‌کننده از آن روز.
۱۱. هم‌آنان که روز قانون را تکذیب می‌نمایند.
۱۲. فقط متجاوزان زورگو، روز قانون را دروغ می‌شمارند و تکذیب می‌نمایند.
۱۳. موقعی که آیات ما بر آنان تلاوت شود می‌گویند: اینها اساطیر مردم پیشین است.
۱۴. نه هرگز چنین نیست. بلکه از حاصل کردارشان زنگاری بر دل‌هایشان بسته است.
۱۵. نه هرگز چنین نیست. اینان در روز قانون از دیدار پروردگارشان در حجابند از آن رو که روز محشر به سمت چپ در پایگاه فضایی دوزخ فراهم آمده‌اند.

كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيَيْنَ ۱۸ وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلِيُّونَ ۱۹ كِتَابٌ مَرْقُومٌ ۲۰ يَشْهَدُهُ الْمُقْرَبُونَ ۲۱ إِنَّ
 الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ۲۲ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ۲۳ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ۲۴ يُسْقَوْنَ مِنْ
 رَحِيقٍ مَخْتُومٍ ۲۵ خَتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ۲۶ وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ ۲۷
 عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقْرَبُونَ ۲۸ إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ ۲۹ وَإِذَا مَرُّوا
 بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ۳۰ وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ۳۱ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ
 لَضَالُونَ ۳۲ وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ ۳۳ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ۳۴ عَلَىٰ

۱۶. به ترتیب همراه سنگ پاره‌های زمین به سوی دوزخ پرتاب می‌شوند و در آتش دوزخ کباب می‌شوند.

۱۷. و به آنان می‌گویند: این کیفر همان قانون است که شما به آن تکذیب می‌کردید.

۱۸. نه هرگز نطفه‌های خفته در گورستان را جا نمی‌گذارند و پروندهٔ نیکمردان در علیین بهشت است.

۱۹. و چه دانی که علیون کدام است.

۲۰. پروندهٔ نیکمردان طوماری است که با کردار آنان رقم خورده است.

۲۱. مقربان درگاه حق شاهد آن طومارند.

۲۲. به یقین نیکمردان در نعمت جاودانند.

۲۳. بر پشته‌ها لم داده‌اند و به نعمت‌های بهشتی می‌نگرند.

۲۴. شادابی نعمت را در خرمی چهره‌هایشان خواهی شناخت.

۲۵. از صراحی سربه‌مهر، شراب می‌نوشند.

۲۶. صراحی را با مشک آهو مهر کرده‌اند در تصاحب این شراب ناب جا دارد که برهم پیشدستی نمایند.

۲۷. چاشنی آن، شربت تسنیم است.

۲۸. چشمه‌ای که مقربان الهی از آن سیراب می‌شوند.

۲۹. بی‌شک مردمان مجرم به زندگی مردمان مؤمن می‌خندیدند.

۳۰. و چون بر آنان می‌گذشتند چشمک می‌زدند.

۳۱. و چون به خانه و کاشانهٔ خود بازمی‌گشتند از ناز و نعمت خود شاد و خرم می‌شدند.

۳۲. و چون با مؤمنان روبرو می‌گشتند با تأسف می‌گفتند که این مؤمنان راه سعادت را گم کرده‌اند

۳۳. با آنکه رسالتی نداشته‌اند که از مؤمنان نگهبانی نمایند.

۳۴. امروز که روز قانون است مؤمنان بر حال کافران خنده می‌زنند.

الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ۳۵ هَلْ تُوبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۳۶

الانشقاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ۱ وَ أَدْنَتْ لِرَبِّهَا وَ حُقَّتْ ۲ وَ إِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ ۳ وَ أَلْقَتْ مَا فِيهَا وَ تَخَلَّتْ ۴ وَ
أَدْنَتْ لِرَبِّهَا وَ حُقَّتْ ۵ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَاqِيهِ ۶ فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ
كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۷ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ۸ وَ يَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا ۹ وَ أَمَّا مَنْ أُوتِيَ
كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ۱۰ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ۱۱ وَ يَصَلِّي سَعِيرًا ۱۲ إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ۱۳ إِنَّهُ
ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ ۱۴ بَلَىٰ إِنْ رَبُّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ۱۵ فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ ۱۶ وَ اللَّيْلِ وَ مَا وَسَقَ ۱۷

۳۵. بر تخت‌های بهشتی لم داده‌اند و به چهره‌دوستانشان می‌نگرند.

۳۶. با احیای روز قانون، آیا کافران به سزای اعمال خود رسیده‌اند؟

آویخته به پشت سر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. آن‌روز که آسمان مریخ درهم بشکافد.
۲. فرمان پروردگارش را پذیرا می‌شود و باید بشود.
۳. آن‌روز که زمین از هر جانب باد کند و کشیده شود.
۴. و آنچه در میان دارد بیرون افکند و از گدازه‌های درونی خالی گردد.
۵. فرمان پروردگارش را پذیرا می‌شود و باید بشود.
۶. و تو ای نسل آدم تا پایان عمرت باید با رنج و تلاش جان خود را بکاهی تا در چنان روزی به پروردگارت برسی و با او دیدار کنی.
۷. اما آن‌کسی که طومار اعمالش را به شانه‌ راست او بیاویزند.
۸. با محاسبه‌ای سهل و آسان به طومار اعمالش وارسی می‌گردد.
۹. و با مسرت خاطر به اهل و عیال خود در بهشت می‌پیوندد.
۱۰. و اما آن‌کسی که طومار اعمالش را به پشت سر بیاویزند.
۱۱. دیری نمی‌گذرد که در بازسازی زمین فریاد او بیلا برمی‌کشد.
۱۲. و در شعله‌ گازها و صاعقه‌ها و آتشفشان‌های زمین کباب می‌شود.
۱۳. او در دنیا میان خاندانش شاد و خرم به سر می‌برد.
۱۴. او تصور می‌کرد که هرگز به قالب تن باز نخواهد گشت.
۱۵. چرا، او به قالب تن بازگشت. پروردگارش او را زیر نظر داشت.

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ۱۸ لَتَرَكِبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ۱۹ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۲۰ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ۲۱ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَكْذِبُونَ ۲۲ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ۲۳ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۲۴ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۲۵

الْبُرُوجِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ۱ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ۲ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ۳ قَتَلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ ۴ النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ ۵ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ۶ وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ۷ وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ

-
۱۶. من به سرخی این شفق سوگند نخواهم خورد.
 ۱۷. و به تاریکی شب و آنچه را به سوی خود بازکشد.
 ۱۸. و به ماه موقعی که قرص خود را کامل کند.
 ۱۹. که شما مردم بر قالب هم خشت می‌زنید و خطای گذشتگان را مرتکب می‌شوید.
 ۲۰. پس چرا از سرنوشت آنان پند نمی‌گیرند و ایمان نمی‌آورند.
 ۲۱. و چون آیات قرآن بر آنان تلاوت شود که خدا را سجده برید سجده نمی‌برند.
 ۲۲. نه تنها بی‌طرف و ساکت نمی‌مانند بلکه کافرانشان با عناد و بدبینی به تکذیب قرآن می‌پردازند.
 ۲۳. و خدا بهتر می‌داند که با شنیدن قرآن چه حيله‌ها در دل می‌پرورند.
 ۲۴. پس این کافران را به عذاب دردناک دوزخ بشارت ده که جایگاه قطعی آنهاست.
 ۲۵. جز کسانی که ایمان بیاورند و اعمال شایسته انجام دهند که برای آنان پاداشی بی‌انقطاع است.

شاهدان عذاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. سوگند به آسمان پر ستاره پرشهاب.
۲. سوگند به روز موعود که موعود عذاب کافران است.
۳. سوگند به آن فرشته‌ها و الامقام که باید شاهد عذاب باشد و سوگند به آن شهبایی که باید سقوط کند و دمار از کافران برآرد.
۴. که با ترتیب همین صحنه انتقام، صاحبان اخدود به هلاکت رسیدند.
۵. صاحبان خندق‌هایی پر از آتش و دود.

إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ^٨ الَّذِي لَهُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ^٩ إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ^{١٠} إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ^{١١} إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ^{١٢} إِنَّهُ هُوَ بِيَدَيْهِ وَيُعِيدُ^{١٣} وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ^{١٤} ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ^{١٥} فَعَالٌ لِمَا يَرِيدُ^{١٦} هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ^{١٧} فِرْعَوْنُ وَثَمُودُ^{١٨} بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ^{١٩} وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ^{٢٠} بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ^{٢١} فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ^{٢٢}

٦. آن روز بر سر خندق‌ها به تماشا نشستند.
٧. و شکنجه مؤمنان را در آتش و دود نظاره می‌کردند.
٨. جرمی بر آن مؤمنان نگرفته بودند جز آنکه چرا به خدای عزتمند ستوده‌کردار خود ایمان آورده‌اند.
٩. خدایی که پادشاهی آسمان‌ها و زمین مال او است. و خداوند است که بر هر پدیده‌ای و هر حادثه‌ای در زمین و آسمان گواه است.
١٠. به یقین برای آن کسانی که مؤمنان را از زن و مرد به شکنجه آتش کشیدند و پشیمان نشدند عذاب دوزخ مهیا است با شکنجه گازهای سوزان.
١١. و برای آن کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام می‌دهند بوستان‌های بهشتی مهیا است که از زیر درختانش نهرها روان است، رستگاری بزرگ این است که از آتش برهند و به بهشت برین برسند.
١٢. همگان بدانند که ضرب‌شست پروردگارت سخت است.
١٣. او است که آفرینش را آغاز می‌کند و پس از نابودی، دوباره آن را بازسازی می‌کند.
١٤. او آمرزنده و با و داد است.
١٥. صاحب عرش است و صاحب مجد و اعتلا.
١٦. هرکاری که بخواهد انجام می‌دهد.
١٧. آیا از اعدام‌های دسته‌جمعی خبرت هست؟
١٨. داستان فرعون و ثمود.
١٩. این کافران در تاریخ گذشتگان تردید روا نمی‌دارند بلکه فقط درصدد تکذیب قرآند و معاد را نمی‌پذیرند.
٢٠. و خداوند جهان در تعقیب آنان به هر جا که روند از شش‌جهت محیط است و از چنگال او رهایی ندارند.
٢١. این قرآن، تاریخ و داستان نیست بلکه قرآنی است خواندنی و با مجد و عظمت.

الطَّارِقُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَ السَّمَاءِ وَ الطَّارِقِ^١ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ^٢ النَّجْمُ الثَّاقِبُ^٣ إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ^٤
فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ^٥ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ^٦ يُخْرَجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ^٧ إِنَّهُ عَلَى
رَجْعِهِ لَقَادِرٌ^٨ يَوْمَ تَبْلَى السَّرَائِرُ^٩ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَ لَا نَاصِرٍ^{١٠}
وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ^{١١} وَ الْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ^{١٢} إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ^{١٣} وَ مَا هُوَ بِالْهَزْلِ^{١٤} إِنَّهُمْ
يَكِيدُونَ كَيْدًا^{١٥} وَ أَكِيدُ كَيْدًا^{١٦} فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَمَهُلُهُمْ رُوَيْدًا^{١٧}

۲۲. در لوح محفوظ و صفحه‌ای حافظه‌دار ثبت است.

طارق - شهاب شیپوری

بسم الله الرحمن الرحيم

۱. سوگند به آسمان مریخ و سوگند به آن شهاب طارق که بر گرده مریخ بکوبد.
۲. و چه دانی شهاب کوبنده کدام است.
۳. ستاره‌ای سوراخ‌کن که مریخ را منفجر سازد.
۴. به یقین هنوز موعد آن نرسیده است چرا که هنوز بر سر هر انسانی فرشته‌ای به حفاظت، موکل و مأمور است.
۵. آدمی زاده قیامت را منکر است و باید بنگرد که از کدامین عنصر به وجود آمد است.
۶. آدمی از آبی جهنده پدید آمده است.
۷. نطفه او از صندوق سینه: داخل تیره پشت و اضلاع دنده‌اش خارج می‌شود.
۸. آن خداوندی که نطفه انسان را از قفس سینه تا رحم مادر و از آنجا تا خاک گور هدایت می‌کند توانا هست که او را به زندگی بازگرداند.
۹. آن روز که اسرار نهانیش فاش گردد.
۱۰. نه خود نیروی دفاع دارد و نه یآوری که دفاع او را به عهده بگیرد.
۱۱. سوگند به آسمان مریخ که چون صخره خارا شهاب‌ها را بازمی‌گرداند.
۱۲. سوگند به زمین که با سقوط هر شهابی شکاف برمی‌دارد.
۱۳. که این قرآن آخرین سخن است.
۱۴. این نه شوخی است که جد است.
۱۵. کافران حيله می‌اندیشند.
۱۶. و من نیز حيله می‌اندیشم.

الأعلى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى^١ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى^٢ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى^٣ وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى^٤
فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى^٥ سَنَفَرْتُكَ فَلَا تَنْسَى^٦ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى^٧ وَ
نَيْسَرُكَ لِيَسْرَى^٨ فَذَكَّرَ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى^٩ سَيَذَكَّرُ مَنْ يَخْشَى^{١٠} وَ يَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى^{١١}
الَّذِي يَصِلَى النَّارَ الْكُبْرَى^{١٢} ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى^{١٣} قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى^{١٤} وَ ذَكَرَ

١٧. اینک کافران را و ابگذار با فرصتی اندک تا به کمین برسند.

فصلی از دفتر انبیاء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. تسبیح و تقدیس کن نام پروردگارت را که والا و اعلی است.
٢. آن پروردگاری که آفرید و پیراست.
٣. آنکه هندسه کرد و رهنمون ساخت.
٤. آنکه چراگاه را بر آورد.
٥. و سپس خشکیده و سیاه رهائش کرد.
٦. به زودی ما قرآن را بر تو می خوانیم تا فرا بگیری و فراموش نسازی.
٧. مگر سنت های سخت و مشکل را که خدا خواسته باشد حذف کند. خداوند جهان آشکار و نهان را می داند.
٨. و بعد از آن فراموشی که سنت های مشکل را حذف کنیم به سنت های ساده تر رهنمون می شویم.
٩. پس اگر یادآوری قرآن برای پذیرش مردم مفید باشد یادآوری کن.
١٠. به زودی آنکه از خدا در هراس باشد به خاطر می سپارد.
١١. و آنکه شقی تر از دیگران باشد فاصله می گیرد و نمی پذیرد.
١٢. همان که باید در آتش بزرگ دوزخ کباب شود.
١٣. که در آن مرگی نباشد که از غم برهد و نه نعمتی که از زندگی طبیعی برخوردار باشد.
١٤. آن کسی رستگار است که زکات مال خود را بپردازد و راه پاکی بجوید.

اسم ربّه فَصَلَّى^{۱۵} بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا^{۱۶} وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَابْقَى^{۱۷} إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ
الْأُولَى^{۱۸} صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى^{۱۹}

الْعَاشِيَةَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْعَاشِيَةِ^۱ وَجُوهٌ يَوْمئِذٍ خَاشِعَةٌ^۲ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ^۳ تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً^۴ تُسْقَى
مِنْ عَيْنٍ أَنِيَّةٍ^۵ لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ^۶ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ^۷ وَجُوهٌ يَوْمئِذٍ
نَاعِمَةٌ^۸ لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ^۹ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ^{۱۰} لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً^{۱۱} فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ^{۱۲} فِيهَا

۱۵. الله اكبر بگويد و نماز بخواند.

۱۶. شما مردم نه جویای پاکی و طهارتید و نه در فکر نماز، شما مردم زندگی دنیا را
ترجیح می‌دهید.

۱۷. با آنکه نعمت آخرت بهتر و پاینده‌تر از نعمت دنیا است.

۱۸. این نکته در دفتر انبیاء پیشین ثبت است.

۱۹. هم دفتر ابراهیم و هم دفتر موسی که از انبیاء صاحب عزم است.

غاشیه - ابر آتش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. آیا از ابر آتشین خبرت هست؟

۲. آن‌روز چهره دوزخیان ذلیل و خوار است

۳. تکیده و خسته.

۴. با آتش سوزان کباب می‌شوند.

۵. از چشمه آب کبریت می‌نوشند.

۶. برای آنان خوراکی یافت نشود جز انجیر هندی.

۷. نه چاق می‌کند و نه گرسنگی را چاره می‌سازد.

۸. آن‌روز چهره جمعی دیگر شاداب است

۹. از تلاش خود در طاعت خدا خرسند و شادند.

۱۰. در بهشت برین مأوی دارند.

۱۱. آنجا سخن لغو و بیهوده نمی‌شنوند.

۱۲. آنجا چشمه‌های گوناگون جاری است.

سُرُّ مَرْفُوعَةٌ ۱۳ وَ أَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ ۱۴ وَ نَمَارِقٌ مَصْفُوفَةٌ ۱۵ وَ زَرَابِيُّ مَبْنُوثَةٌ ۱۶ أَ فَلَا يَنْظُرُونَ
إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ۱۷ وَ إِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ۱۸ وَ إِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ۱۹ وَ إِلَى
الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ۲۰ فَذَكَرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ ۲۱ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ ۲۲ إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ
كَفَرَ ۲۳ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ۲۴ إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ۲۵ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ۲۶

الفجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ الْفَجْرِ ۱ وَ لَيَالٍ عَشْرٍ ۲ وَ الشَّفَعِ ۳ وَ الْوَتْرِ ۴ وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسِرُّ ۴ هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي

۱۳. آنجا تخت‌ها و کرسی‌ها از زمین برآمده است.

۱۴. تنگ‌های شراب، بر لب چشمه‌هاست.

۱۵. پستی‌ها را بر صف نهاده‌اند.

۱۶. فرش‌های زیبا در غرفه‌ها گسترده‌اند.

۱۷. اگر این مردم از وعد و وعید ما پند نمی‌گیرند و به راه نمی‌آیند آیا به این شترها نمی‌نگرند که چسان پدید آمده‌اند.

۱۸. به چشمان شتر که می‌نگرند در همان خط به ستارگان فراز سر نمی‌نگرند که چسان در سقف کیهان جا گرفته‌اند.

۱۹. به کوهان شتر که می‌نگرند در همان خط به قلّه کوهها نمی‌نگرند که چسان در پشت زمین جا گرفته‌اند؟

۲۰. به پایهای پهن شتر که می‌نگرند به بستر خاک‌ها نمی‌نگرند که چسان مانند فرش در سطح زمین گسترده‌اند.

۲۱. در هر حال با وعد و وعید و یا با نکته‌ها و خاطره‌ها به مردم یادآوری کن. تو غیر از یادآوری تکلیفی دیگر نداری.

۲۲. تو بر سر آنان سلطه نداری تا مأمور و گماشته آنان باشی.

۲۳. مگر آنان که روگردان شوند و کفر بورزند که همان یادآوری هم بی‌اثر است.

۲۴. و خدا باید آنان را با عذاب بزرگتر که عذاب آخرت است معذب سازد.

۲۵. بی‌شک بازگشت آنان به پیشگاه ما است.

۲۶. محاسبه گفتار و کردارشان هم با ما است.

حَجْرٌ ٥ لَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ٦ إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ٧ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ٨ وَ
 ثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ٩ وَ فِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ١٠ الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ ١١ فَكَاتَرُوا
 فِيهَا الْفُسَادَ ١٢ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ١٣ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ١٤ فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا
 ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ١٥ وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ
 رَبِّي أَهَانَنِ ١٦ كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ١٧ وَ لَا تَحَاضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ ١٨ وَ تَأْكُلُونَ

طلیعه فجر در شب قدر بسم الله الرحمن الرحيم

۱. سوگند به صبحدم.
۲. سوگند به ده شب آخر از ماه قدر.
۳. سوگند به دو شب و یک شب از شب های قدر.
۴. سوگند به آن شب آخر در لحظه ای که خواهد سپری گردد.
۵. آیا در میان این سوگندهای مقدس سوگندی با اثر هست که در مرد باخرد اثر بگذارد و حرف ما را باور بدارد.
۶. آیا ندیده ای که پروردگارت با مردم عاد چه کرد؟
۷. همان بانیان شهر ارم با طاق ها و ستون های بلند.
۸. شهری که مانند آن را در میان شهرها پدید نیاورده اند.
۹. و با قوم ثمود که صخره ها را تراشیدند و از میان دره ها به خانه های خود کشاندند.
۱۰. و با فرعون، بانی اهرام که همچون سه کوه بلند در جیزه جا دارند.
۱۱. همه این نابکاران در شهرها سر به طغیان برآوردند.
۱۲. و هرچه بیشتر به قتل و غارت و خرابکاری پرداختند.
۱۳. و پروردگارت تازیانه عذاب را بر سر آنان فرود آورد.
۱۴. بی شک پروردگارت در کمین تبه کاران است.
۱۵. خوی آدمی بر این است که چون پروردگارش به آزمون بگذارد و او را با کرامت و نعمت بنوازد می گوید: پروردگار من مرا اکرام و احترام می گذارد.
۱۶. و اگر بر وجهی دیگر به آزمونش بگذارد و روزی او را محدود سازد می گوید: پروردگار من مرا خوار و بی ارج می گذارد.
۱۷. نه، هرگز چنین نیست. خدا که شما دولت مند را از روزی نامحدودتری کامیاب می سازد برای این آزمون است تا از یتیمان تفقد نمایید و بر درماندگان جامعه انفاق نمایید ولی شما یتیمان را گرامی نمی دارید.

التُّرَاثَ أَكْلًا لَمَّا^{١٩} وَ تُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا^{٢٠} كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا^{٢١} وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا^{٢٢} وَ جِئَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَ أَنَّى لَهُ الذِّكْرَى^{٢٣} يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي^{٢٤} فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ^{٢٥} وَ لَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ^{٢٦} يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ^{٢٧} ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً^{٢٨} فَادْخُلِي فِي عِبَادِي^{٢٩} وَ ادْخُلِي جَنَّتِي^{٣٠}

البَّيْدُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٨. و خادم خود را به اطعام درماندگان تشویق نمی‌نماید.
١٩. شما میراث مردگان را هم که مجاناً به دست آورده‌اید یکجا می‌بلعید و به مستمندان سهمی نمی‌گذارید.
٢٠. و با عشق به مال اندوزی در تلاش اندوخته‌ای هرچه بیشتر برآمده‌اید.
٢١. نه، هرگز چنین نیست که روزی خود را به خاطر اندوختن، بر شما وافر کرده باشیم و از مستمندان دریغ کرده باشیم. باشد تا آن روز که بستر زمین درهم کوبیده شود که چیزی برجا نماند.
٢٢. پروردگارت به داوری محشر حاضر شود و فرشتگان صف‌درصف ایستاده باشند.
٢٣. آن روز دوزخ آتشین را هم نزدیک می‌آورند. آن روز زاده آدم، آیات قرآن را به خاطر می‌آورد و کجا تواند که سودمندش افتد.
٢٤. آن روز خواهد گفت: ای کاش برای زندگی امروزم توشه‌ای تقدیم می‌کردم.
٢٥. آن روز است که هیچ‌کس چون خداوند جهان کافران خاطی را عذاب نخواهد کرد.
٢٦. و هیچ‌کس چون خداوند جهان بند بر پای خطاکاران نخواهد بست.
٢٧. و اما تو ای نفس آرام و فروتن که با روزی محدود خود ساختی و از آزمون الهی سربلند و سرفراز برون آمدی.
٢٨. با خرسندی و رضایت خاطر از لجنزار دنیا به سوی پروردگارت باز گرد.
٢٩. و در سلك بندگان من درآی.
٣٠. و در بهشت من مأوا بگیر.

مکه حرم امن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ^١ وَأَنْتَ حَلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ^٢ وَالِدٌ وَمَا وُلِدَ^٣ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ^٤
 أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ^٥ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا^٦ أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ^٧ أَلَمْ
 نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ^٨ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ^٩ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ^{١٠} فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ^{١١} وَمَا أَدْرَاكَ
 مَا الْعَقَبَةُ^{١٢} فَكُّ رَقَبَةٍ^{١٣} أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ^{١٤} يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ^{١٥} أَوْ مَسْكِينًا ذَا
 مَتْرَبَةٍ^{١٦} ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَصَّوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ^{١٧} أُولَئِكَ أَصْحَابُ
 الْمَيْمَنَةِ^{١٨} وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ^{١٩} عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤَصَّدَةٌ^{٢٠}

١. من به نام این شهر قسم نخواهم خورد با آنکه سرزمین حرم است.
٢. از آن رو که تعرض به حریم تو در این شهر حلال و آزاد شده است.
٣. من به نام جدت ابراهیم و به نام فرزندان او قسم نخواهم خورد از آن رو که در نزد این مردم برای ابراهیم و فرزندانش حرمتی برجا نمانده است.
٤. بی شک ما زاده آدمی را در رنج و محنت آفریده ایم.
٥. آیا تصور می کند که هیچ کس بر او دست نخواهد یافت؟
٦. می گوید: چه مال ها که هدر دادم و خم به ابرو نیاوردم.
٧. آیا تصور می کند که هیچ کس او را نمی دیده است؟
٨. آیا ما نبودیم که برای او دو چشم بینا قرار دادیم تا راه و چاه را ببیند.
٩. یک زبان و دو لب به او عطا نکردیم تا سخن بگوید؟
١٠. آیا دو قلّه مرتفع به او نشان ندادیم که بر آن بالا رود و از گردنه میان دو قلّه گذر کند؟
١١. ولی او بر آن گردنه بالا نشد.
١٢. و تو چه دانی گردنه کدام است؟
١٣. آزاد کردن بردگان.
١٤. یا ضیافتی در روزهای قحطی از درماندگان.
١٥. یتیمی صاحب قرابت.
١٦. یا بیکاره ای خاک نشین، صاحب حاجت.
١٧. و بعد از بالا رفتن بر این گردنه باید بر دو قلّه اعتلا پا نهد و از آن مؤمنان باشد که هم به صبر و استقامت توصیه می نمایند و هم به مهر و محبت.
١٨. اینان هستند که صاحب سعادت شده اند و در سمت راست قیامت مجتمع می شوند.
١٩. و در نقطه مقابل آنان، اصحاب شقاوت و بدبختی قرار دارند که از شومی خود در سمت چپ مجتمع می گردند تا به سوی دوزخ پرتاب شوند.

الشَّمْسِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا ١ وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَّاهَا ٢ وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا ٣ وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ٤ وَ السَّمَاءِ
وَ مَا بَنَاهَا ٥ وَ الْأَرْضِ وَ مَا طَحَاهَا ٦ وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا ٧ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا ٨ قَدْ
أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ٩ وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ١٠ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ١١ إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا ١٢ فَقَالَ

۲۰. در دوزخ بر فرازشان ابری از آتش، کلاف اندر کلاف دارد که خیمه آن هرگز فرو نخواهد نشست.

کمر بند خورشید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. سوگند به خورشید و سوگند به آفتاب آن.
۲. سوگند به ماه، روزی که دنبال خورشید برآید.
۳. سوگند به روز روشن که خورشید را جلوه‌گر سازد.
۴. سوگند به شب تاریک که خورشید را بیوشاند.
۵. سوگند به آسمان و به آن ناموسی که آسمان را بنیان نهاد.
۶. سوگند به زمین و به آن ناموسی که خاک را بر آن گسترده.
۷. سوگند به جان آدمی و آن ناموسی که آن را ساخت و پرداخت.
۸. سپس بدو فهماند که خود کامگی و پرده‌داری کدام است و فهماند که راه تقوا کدام است.
۹. هر کس جان خود را تزکیه و تطهیر کند رستگار است.
۱۰. و هر کس جانش را به لجن بکشد نامراد و ناکام است.
۱۱. سوگند به تمام این مقدسات که قوم ثمود همان لحظه با سرکشی و طغیان خود به تکذیب رسالت پرداختند.
۱۲. که شقی‌ترین آن مردم به راه افتاد تا ناقه را پی کند و کسی به حمایت از ناقه نپرداخت.

لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ۱۳ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدمدم عليهم ربهم بذنبيهم فسواها ۱۴
وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ۱۵

النَّيْلُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ۱ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ۲ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ۳ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى ۴ فَأَمَّا
مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ۵ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ۶ فَسَنِيسِرُهُ لِلْيُسْرَى ۷ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ۸ وَ
كَذَّبَ بِالْحُسْنَى ۹ فَسَنِيسِرُهُ لِلْعُسْرَى ۱۰ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ۱۱ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى ۱۲ وَ

۱۳. صالح رسول خدا به آنان گفت: ای مردم! حرمت ناقه را پاس بدارید و نوبت آب او را رعایت نمایید.

۱۴. قوم ثمود او را تکذیب کردند و ناقه را پی کردند و پروردگارشان به خاطر این گناهشان بر سر آنان فریاد کشید و آنان را با خاک برابر کرد.
۱۵. و از عاقبت این اعدام دسته‌جمعی نترسید.

کلاس تربیت و مواد آزمون

بسم الله الرحمن الرحيم

۱. سوگند به شب که آفتاب را بپوشاند.
۲. سوگند به روز که آفتاب آن جلوه کند.
۳. سوگند به آن ناموسی که نر و ماده را آفرید.
۴. که تلاش شما مردم برای تأمین سعادت گونه‌گون است.
۵. ولی شما مردم در برابر آزمون ما فقط در دو صف قرار دارید؛ اما آن کسی که دست عطا داشته باشد و از کار ناصواب بپرهیزد.
۶. و به پاداش بهشت و زندگی بهتر تصدیق کند.
۷. او را به زندگی آسان‌تر و ساده‌تر رهنمون می‌سازیم.
۸. و اما آن کسی که دریغ ورزد و خود را از هر جهت غنی بداند.
۹. و به پاداش بهشت و زندگی بهتر تکذیب کند.
۱۰. او را به زندگی دشوارتر رهنمون می‌گردیم.
۱۱. و بعد از آنکه در شقاوت و بدبختی سقوط کند مال و منال او چه دردی از دردهای او را دوا خواهد کرد.

إِنَّ لَنَا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَى ۱۳ فَأَنْذَرْتُمْكُمْ نَارًا تَلْظَى ۱۴ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ۱۵ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى ۱۶
وَسَيَجْزِيهَا الْآتِقَى ۱۷ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى ۱۸ وَمَا لِحَدِّ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى ۱۹ إِلَّا ابْتِغَاءَ
وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى ۲۰ وَلَسَوْفَ يَرْضَى ۲۱

الضحى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ الضُّحَى ۱ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى ۲ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى ۳ وَاللَّآخِرَةَ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى ۴ وَ
لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى ۵ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى ۶ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى ۷ وَوَجَدَكَ

-
۱۲. بی‌شک هدایت و رهبری بر عهده ما است و پذیرش و طاعت بر عهده شما.
۱۳. به یقین حیات آخرت و حیات دنیا مال ما است و تقسیم و عطای آن نیز در دست ما است.
۱۴. تقسیم حیات دنیا را بالعیان دیده‌اید و برنامه حیات آخرت را از زبان قرآن شنیده‌اید و من به شما از آتش گازهای شعله‌ور اخطار کرده‌ام.
۱۵. که هیچ‌کس جان خود را به آتش نخواهد کشید جز کسی که شقی‌تر از همگان باشد.
۱۶. همان که پاداش ما را تکذیب کند و از هدایت ما روگردان شود.
۱۷. از آن آتش کسی دور می‌ماند که پرهیزکارتر باشد.
۱۸. همان کسی که مال خود را انفاق کند تا جان خود را پاک و تطهیر کند.
۱۹. بی‌آنکه مستمند را بر گردن او حق نعمتی باشد که بخواهد با انفاق خود حق قدیم او را ادا کرده باشد.

۲۰. بلکه فقط خواهان رضایت پروردگار برترش باشد.

۲۱. که به زودی از انفاق خود خوشنود و راضی خواهد گشت.

ضحی - پرتو رسالت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. سوگند به پرتو آفتاب.
۲. سوگند به شب که آرام و قرار بگیرد.
۳. که پروردگارت تو را ترك نگفت و بر تو خشم نیاورد که خواسته‌ات را برنیاورد.
۴. بی‌شک حیات آخرت برای تو بهتر از حیات دنیا خواهد بود.
۵. به زودی پروردگارت خواسته‌های تو را عطا می‌کند و تو خرسند می‌شوی.
۶. لحظه‌ای به گذشته‌ها بنگر، آیا یتیم نیافت و مأویت داد.

عَائِلًا فَأَغْنِي^٨ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ^٩ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ^{١٠} وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ^{١١}

الشَّرْح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ^١ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ^٢ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ^٣ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ^٤
فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا^٥ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا^٦ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ^٧ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ^٨

٧. گمراهت نیافت و هدایت کرد.

٨. درویش نیافت و بی‌نیازت کرد.

٩. در برابر این سه نعمت، چون درد یتیمان را می‌شناسی پس با یتیمان خشونت مکن.

١٠. چون طعم درویشی را چشیده‌ای پس با درویزگان تندی مکن.

١١. چون از هدایت پروردگارت برخوردار می‌شوی پس نعمت پروردگارت را به دیگران برسان.

شرح صدر، سکینه و آرامش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. آیا در برابر مشکلات زندگی سینه‌ات را گشاده نکردیم که با آرامشی بیشتر تصمیمی بهتر اتخاذ کنی.

٢. آیا بار سنگین را از دوشت برداشتیم و بر زمین نهادیم.

٣. همان بار تعهدی که پشتت را خرد کرده بود که باید هر روزه به مسجدالحرام درآیی و در حضور مشرکان نماز بخوانی و سوره‌های طولانی تلاوت نمایی.

٤. آیا نام تو را با حرمت و کرامت پرآوازه نکردیم. چرا نامت را با نام خدا و قرآن هم‌ردیف نمودیم.

٥. این را بدان که با هر سختی یک آسانی وجود دارد.

٦. به یقین با هر سختی یک آسانی وجود دارد.

٧. بعد از این هرگاه که اطراف کعبه را خلوت یافتی.

٨. بایست و به پیشگاه پروردگارت نماز و نیاز ببر تا از شر دشمنان در امان باشی.

پوچی و بی‌بندوباری

التَّيْنِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالتَّيْنِ وَالزَّيْتُونِ^١ وَطُورِ سَيْنِينَ^٢ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ^٣ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ^٤ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ^٥ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ^٦ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ^٧ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ^٨

العَلَقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ^١ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ^٢ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ^٣ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ^٤

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. سوگند به انجیر و سوگند به زیتون.
۲. سوگند به کوه طور که در جانب راست خود این دو میوه را می‌پروراند.
۳. سوگند به این سرزمین امن و امان.
۴. که ما آدمی را در بهترین قوام ممکن آفریدیم.
۵. بعد از آن با پیری و فرتوتی به درجاتی پایین‌تر از درجهٔ عقب‌افتادگان معلول منتقل نمودیم.
۶. جز آنان که ایمان آورده‌اند و کردار شایسته بجا آورده‌اند که بدین حد نرسیدند و برای آنان پاداشی بی‌انقطاع است.
۷. بعد از این نکتهٔ روشن که پوچی زندگی را نفی می‌کند دیگر کدامین نقطهٔ ابهامی خواهد توانست تو را به قانون خدا بدبین سازد که آن را دروغ بشماری؟
۸. آیا خداوند جهان از همهٔ داوران برای داوری بهتر نیست تا قانون جزا را تدوین کند و در کتاب آسمانی به شما مردمان ابلاغ نماید؟

پیشانی خطاکار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. به نام پروردگارت بخوان که آفرید.
۲. آدمی را از یک نطفهٔ زالوش آفرید.
۳. بخوان و این را بدان که پروردگارت کریم‌تر از آن است که آدمی را جاهل و گمراه رها نماید.
۴. آن که نوشتن را با قلم آموخت.

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ^٥ كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَعَى^٦ أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى^٧ إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرَّجْعَى^٨
 أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى^٩ عَبْدًا إِذَا صَلَّى^{١٠} أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى^{١١} أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى^{١٢}
 أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى^{١٣} أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى^{١٤} كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَه لِنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ^{١٥}
 نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ^{١٦} فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ^{١٧} سَدَّعُ الزَّبَانِيَةَ^{١٨} كَلَّا لَا تَطِعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ^{١٩}

الْقَدْر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ^١ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ^٢ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ^٣ تَنَزَّلُ

٥. به آدم آنچه نمی دانست آموخت.
٦. نه هرگز چنین نیست که همواره دانشمندان صاحب قلم به تکذیب رسولان برخاسته باشند بلکه آدمی را خو بر این است که طغیان و سرکشی آغاز کند.
٧. بعد از آنکه خود را غنی و بی نیاز احساس کند.
٨. بی شک بازگشت مردم به سوی پروردگار تو خواهد بود که درباره آنان داوری نماید.
٩. آیا آن مرد بوجهل را دیدی که نهی می کند.
١٠. هر بنده ای را که برای پروردگارش نماز کند؟
١١. تو خود قضاوت کن، اگر آن بنده حق بر رهنمود الهی باشد.
١٢. یا در تلاوت قرآنش به تقوا و پرهیزکاری فرمان بدهد چه کسی حق دارد که او را از نماز خواندن باز بدارد؟
١٣. تو خود قضاوت کن، اگر قرآن را تکذیب کند و از تقوا رو بگرداند.
١٤. آیا نمی داند که خدا او را می بیند؟
١٥. نه هرگز حق ندارد کسی را از نماز خواندن بازدارد و به حق سوگند که اگر از دخالت خود دست برندارد با مشیت بر پیشانی او می کوبیم.
١٦. پیشانی دروغگوی خطاکار.
١٧. اگر می تواند هواداران خود را به یاری بخواند.
١٨. ما هم به زودی شعله های دوزخ را فرا می خوانیم.
١٩. نه، هرگز مهراس و از او اطاعت مکن؛ نمازت را بخوان سجده کن و با هر سجده ای یک قدم به خدا نزدیک شو.

شبهای قدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ۚ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ۝

الْبَيِّنَةُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ۙ رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُطَهَّرَةً ۚ فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ ۗ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ ۗ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا

۱. ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم.

۲. و چه دانی شب قدر کدام است؟

۳. شب قدر از سی هزار شب بهتر است.

۴. در این شب، فرشتگان عالم بالا در التزام روح القدس با اجازه پروردگارشان همه فرمانها را فرود می آورند.

۵. آن شب تا سپیده دم، شعار فرشتگان سلام است.

بدترین و بهترین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. آن دسته از یهود و نصاری که به قرآن کافر شده اند نمی توانند که با مشرکان حساب جدایی داشته باشند تا آن که دلیل روشنی بخشی از پیشگاه خدا نازل شود و تکلیف آنان را مشخص کند.

۲. رسولی از پیشگاه خدا بیاید که نوشته های مقدس انبیا را بر مردم تلاوت کند.

۳. در آن نوشته ها فرمان های پا برجایی صادر شده است.

۴. یهود و نصاری دچار اختلاف و تشتت نگشتند مگر بعد از آنکه دلایل روشنگر به آنان رسید.

الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ دِينَ الْقِيَمَةِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ۝ جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ۝^۸

الزَّلْزَلَةُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ۱ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ۲ وَ قَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ۳ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ۴ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ۵ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ۶ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ أُحْضُرَةٍ مِنْ خَيْرٍ يَرَهُ ۷

۵. غیر از این فرمانی به آنان ابلاغ نشد که خدا را با اخلاص در دین عبادت کنند به همراه اعتدال و استقامت و بدون تمایل به سوی راست و چپ و اینکه نماز را برپا بدارند و زکات را بپردازند. قانون پابرجا و استوار دین همین است.

۶. آن دسته از یهود و نصاری که به قرآن کافر شده‌اند با مشرکان در آتش دوزخ جای دارند جاودانه، آنان بدترین خلق خدایند.

۷. و آن کسانی که ایمان آورده‌اند و دستاورد صالحی داشته باشند، آنان بهترین خلق خدایند.

۸. پاداش آنان در پیشگاه پروردگارشان بوستان‌های همیشه‌بهار است که از زیر درختانش نهرها روان است. جاودانه در بهشت جا دارند. خدا از آنان خوشنود است و آنان از خدایشان خوشنودند. این پاداش و سزا به آن کسی خواهد رسید که از نافرمانی پروردگارش در هراس است.

شیپور بیدار باش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱- آن‌روز که بستر خاک بلرزد لرزشی که تنها ویژه خاک باشد.

۲. و زمین بارهای خود را از دل خاک برون ریزد.

۳. آدمی سر از خاک برگیرد و گوید: زمین را چه می‌شود که چنین می‌لرزد؟

۴- آن‌روز زمین خبرهای خود را از سینه برون می‌ریزد.

۵. و اعلام می‌کند که پروردگارت به او اشارت کرد که با لرزش خود، پیکر آدمیان را برون ریزد.

۶- آن‌روز مردمان فوج فوج از دل خاک برون می‌شوند که تصویر اعمال خود را ببینند.

ذَرَّةٌ خَيْرًا يَرَهُ^٧ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ^٨

العَادِيَات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا^١ فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا^٢ فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا^٣ فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا^٤ فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا^٥
إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ^٦ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكٍ لَّشَهِيدٌ^٧ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ^٨ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا
بُعِثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ^٩ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ^{١٠} إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ^{١١}

الْقَارِعَةُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَارِعَةُ^١ مَا الْقَارِعَةُ^٢ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ^٣ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ^٤ وَ تَكُونُ

-
٧. هرکس به سنگینی یک ذره کار خوب انجام داده باشد تصویر آن را می بیند.
 ٨. و هرکس به سنگینی یک ذره کار بد انجام داده باشد تصویر آن را خواهد دید.

نمایی از جهاد مقدس در آینده نزدیک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. سوگند به اسبهای دونده تیزتک.
٢. که با سُمهای خود از سنگها شرر برآرند.
٣. و در صبحدم بر دشمن بتازند.
٤. و گردوغباری عظیم برانگیزند.
٥. و ناگهان در میان جمع دشمن قرار گیرند.
٦. به یقین زاده آدمی در مقابل پروردگارش ناسپاس است.
٧. و بر ناسپاسی خود معترف و گواه است.
٨. و عشق او به اسبان تیزتک شدید است.
٩. آیا نمی داند که چون گورها را برشورند.
١٠. و آنچه در سینهها باشد برون ریزند.
١١. پروردگارشان - در آن روز - از حال و روز آنان باخبر است.

ترازوی عمل

الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ٥ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ٦ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ٧ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ
مَوَازِينُهُ ٨ فَأَمَّهُ هَاوِيَةٌ ٩ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَةٌ ١٠ نَارٌ حَامِيَةٌ ١١

التَّكَاثُرُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ ١ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ٢ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ٣ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ٤ كَلَّا لَوْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. آن شهاب کوبنده.
٢. شهاب کوبنده چیست؟
٣. و چه دانی که آن شهاب کوبنده چیست؟
٤. روزی که شهاب کوبنده بر گرده زمین بکوبد و بستر خاک را به هوا پرتاب کند اجساد آدمیان چون ملخ و پروانه در فضا پراکنده شوند.
٥. و کوهها چون پشم حلاجی بر باد روند.
- ٦- آن روز مردمان به دو دسته تقسیم شوند: هرکس سنگهای ترازویش سنگین باشد.
٧. در عیش و نوشی موردپسند باشد.
٨. و هرکس سنگهای ترازویش سبک باشد.
٩. مقصد او دره‌های عمیق دوزخ باشد.
١٠. و چه دانی که در اعماق دره‌ها چیست؟
١١. آتشی است فروزان از گازهای جوشان.

تکاتر - فزون طلبی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. فزون طلبی، شما را سرگرم و خام کرد.
٢. تا آنجا که راهی گورستان شدید تا مرده‌های خود را هم بشمارید.
٣. نه، هرگز چنین نیست که شما را برای تکثیر مال و اولاد به دنیا منتقل کرده باشند به زودی خواهید دانست.
٤. باز هم می‌گوییم: نه هرگز چنین نیست و شما به زودی خواهید دانست.

تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ٥ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ٦ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ٧ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ
النَّعِيمِ ٨

العصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَ الْعَصْرِ ١ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ٢ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ
تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ٣

الهزمة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ١ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَ عَدَدَهُ ٢ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ٣ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي

-
٥. نه، هرگز چنین نیست. اگر سطح معلومات شما به علم یقینی برسد.
٦. بی شک در همین دنیا دوزخ فروزان را - گرچه از راه دور باشد - با چشم خود می بینید.
٧. و بعد از آن که به عالم برزخ منتقل بشوید دوزخ فروزان را با یقین واقعی خواهید شناخت.
٨. و بعد از آن که به صحرای محشر منتقل بشوید از نعمت مال و منال و فرزند و عیال بازپرسی می شوید.

صبر و پایداری به خاطر حق بسم الله الرحمن الرحيم

١. سوگند به عصر زندگی.
٢. که نسل آدمی با این فرصت ناچیزی که تا غروب زندگی دارد هنوز در زیان و خسارت غوطه ور است.
٣. جز آنان که ایمان آورند و کردار شایسته بجا آورند و دیگران را هم به رعایت حق سفارش کنند و هم به صبر و استقامت که رعایت حق بی صبر و استقامت ممکن نخواهد بود.

بدزبان و بدگو

بسم الله الرحمن الرحيم

١. وای بر آن که بدزبان باشد و به دیگران برچسب زند.
٢. آن بدزبانی که مال فروزان اندوخته و با شادمانی به شمارش و آمار آن پرداخته.
٣. تصور می کند که مال و منال فراوان زندگی او را جاوید خواهد کرد.

الْحُطَمَةَ^٤ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ^٥ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ^٦ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ^٧ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ
مُؤَصَّدَةٌ^٨ فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ^٩

الفيل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ^١ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ^٢ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ
طَيْرًا أَبَابِيلَ^٣ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ^٤ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ^٥

قريش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ^١ إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ^٢

-
٤. نه، هرگز چنین نیست و به حق سوگند که باید به اعماق حُطَمَه افکنده شود.
 ٥. و چه دانی حُطَمَه کدام است؟
 ٦. آتش خدایی که آماده افروختن است.
 ٧. آتشی که با تنفس آدمی شعله‌ور می‌شود و بر دل‌ها سَرک می‌کشد.
 ٨. شعله آن گازها بر فراز آنان چادر زده است.
 ٩. و چون سراپرده سلطانی با طنابها و دیرک‌ها و میخ‌ها کلاف و مستحکم شده است.

سرنوشت اصحاب فیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. آیا ندیدی که پروردگارت با فیل‌داران چه کرد؟
٢. آیا حیلۀ آنان را نابود نکرد؟
٣. و چند دسته از سنگ‌های پَرّان بر سر آنان نفرستاد؟
٤. تا با تگرگ‌های آسمانی سنگ‌بارانشان کرد؟
٥. و اجسادشان را چون کاه جویده بر زمین ریخت؟

ساکنان حرم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. به خاطر امنیت و آزادی قریش بود.

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ۚ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ۚ

الْمَاعُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدِينِ ۚ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ
وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ ۚ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ
الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ۚ الَّذِينَ هُمْ يَرَأُونَ
وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ۚ

الْكَوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوثرَ ۚ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ۚ

۲. آزادی آنان در تجارت زمستانی به جنوب و تجارت تابستانی به شمال که از غارت
فیل‌داران در امان بمانند.

۳. به خاطر این زهرچشمی که از دشمنانشان گرفتیم باید شاکر نعمت شوند و پروردگار
کعبه را پرستش کنند.

۴. همان پروردگاری که امنیت اقتصادی و امنیت سیاسی آنان را تأمین کرد؛ آنان را از
گرسنگی رهانید با آن که سرزمین آنان قابل کشت و زراعت نیست. از سطوت دشمن
رهانید با آن که هیچ قومی در اطراف آنان صاحب امنیت نیست.

نماز بخیلان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. آن کسی که دین خدا را دروغ می‌شمارد و روز جزا را تکذیب می‌کند می‌شناسی؟
۲. کسی که یتیم را از خانه خود بیرون می‌اندازد.
۳. و خادمان خود را بر ضیافت بینوایان بیکاره تشویق نمی‌کند گرچه نماز می‌خواند.
۴. پس وای بر این نمازگزاران که ایمان واقعی ندارند.
۵. آنان که از نماز خود غافل می‌شوند.
۶. و چون نماز بخوانند ریا می‌ورزند.
۷. و کمک‌های نقدی و جنسی خود را از دیگران دریغ می‌دارند.

نسل بارور

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ۳

الكَافِرُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ۱ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ۲ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۳
وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَّدتُّمْ ۴ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۵ لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ ۶

النَّصْر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ۱ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ۲
فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. به یقین ما نسلی پر بار و پرثمر چون چشمه آب کوثر عطایت کردیم.
۲. پس به شکرانهٔ میلاد این دختر پروردگارت را سجده کن و نماز شکر بخوان و یک شتر قربانی هم عقیقه کن.
۳. بی شک تو بلاعقب نخواهی بود. بلکه آن بدخواه شماتتگرت بلاعقب خواهد ماند.

نرمش و سازش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. بگو: ای مردم کافر! پیشنهاد شما قابل پذیرش نیست.
۲. من بت‌های شما را عبادت نخواهم کرد.
۳. شما هم سال دیگر خدای مرا عبادت نخواهید نمود.
۴. نه من سال سوم خدایان شما را عبادت می‌کنم.
۵. نه شما در سال چهارم خدای مرا عبادت نمائید.
۶. دین شما برای خودتان باشد و دین من برای من کافی است.

رفع بن بست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. آن روز که نصرت الهی با فتح و گشایش اجتماعی فرارسید.
۲. و دیدی که مردم دسته‌دسته به دین خدا وارد می‌شوند.
۳. به شکرانهٔ این توفیق، پروردگارت را با ثنا و ستایش تسبیح کن و از قصور خود معذرت بخواه که او عذرپذیر و آشتی‌جو است.

المَسَد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ۱ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ۲
سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ۳ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ۴ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ ۵

الإِخْلَاص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۱ اللَّهُ الصَّمَدُ ۲ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۳ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۴

خاندان بولهب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. هلاك باد دو فرزند ابولهب و هلاك باد ابولهب.
۲. مال و منال او با مقام و منزلتی که در میان مردم به دست آورد دردی از دردهای او را دوا نکرد.
۳. به زودی خواهد مرد و با آتشی شعله‌ور کباب خواهد شد.
۴. و هلاك باد همسر او که هیزم بیار فتنه‌هاست.
- ۵ - آن که ریسمانی از لیف کوبیده خرما به گردن بسته است.

شناسنامه توحید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. بگو: خدای من خدای یکتاست.
۲. خدایی است لطیف و بی‌نیاز.
۳. نه زائید و نه زاده شد.
۴. و نه کسی همتای او است.

اشرار بشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الفلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ^١ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ^٢ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ^٣
وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ^٤ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ^٥

النَّاسِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ^١ مَلِكِ النَّاسِ^٢ إِلَهِ النَّاسِ^٣
مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ^٤ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ^٥ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ^٦

١. بگو: من پناه می‌برم به پروردگار سپیده.
٢. از شر هر موجودی که آفریده.
٣. و از شر هر نیشداری که نیش خود را فرو برد.
٤. و از شر آن زنان ساحر که منتر بخوانند و در ریسمان‌ها گره بزنند.
٥. و از شر حسودان موقعی که حسد بورزند.

شیطان وسوسه‌گر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. بگو: پناه می‌برم من به پروردگار مردم.
٢. به پادشاه مردم.
٣. به خدای مردم.
٤. از شر شیطان وسوسه‌گر که از هر دری بیرون رود از در دیگر سر برون آورد.
٥. شیطانی که در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند.
٦. چه پری باشد و چه آدمی باشد.

والسلام علی من اتبع الهدی

سحرگاه عید فطر ۱۴۰۹

محمدباقر بهبودی